



مرکز تحقیقات اسلامی

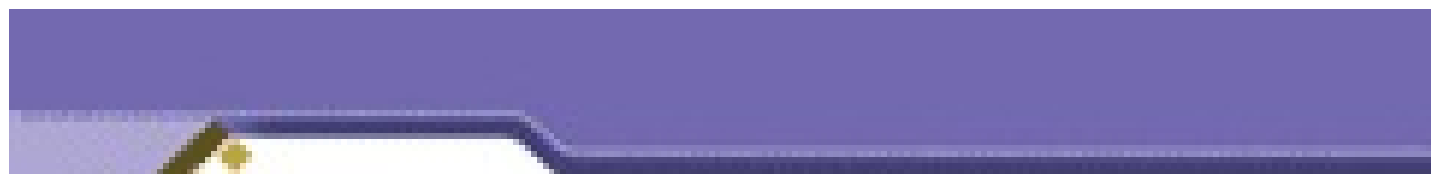
اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



چهارمین اثر نویسندگان

hodhodbook.ir

مجموعه آثار حضرت زینب علیا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه مقالات همایش صدف کوثر

نویسنده:

ناصر رفیعی محمدی

ناشر چاپی:

جامعة المصطفی (صلي الله عليه وآله) العالمية

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۳۰	مجموعه مقالات همایش صدف کوثر
۳۰	مشخصات کتاب
۳۰	جلد ۱
۳۰	اشاره
۳۴	فهرست اجمالی
۳۶	فهرست مطالب
۵۱	سخن دبیر علمی همایش
۵۲	بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مقام معظم رهبری
۵۶	سخنرانی آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی
۶۳	سخنرانی آیت الله العظمی عبدالله جوادی آملی
۷۴	سخنرانی آیت الله علی رضا اعرافی
۷۹	سخنرانی آیت الله محمد محمدی ری شهری
۸۵	زیست نامه مستند حضرت خدیجه علیها السلام : سید علیرضا عالمی
۸۵	چکیده
۸۵	خانواده و ولادت
۸۷	حیات خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با حضرت محمد صلی الله علیه و آله
۹۲	حیات خدیجه علیها السلام پس از ازدواج
۹۶	ایمان به رسول خدا صلی الله علیه و آله
۱۰۰	حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و اسلام
۱۰۱	فضایل و مناقب
۱۰۵	درگذشت
۱۰۶	منابع
۱۱۱	سیری در احوال ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله: محمد امینی
۱۱۱	چکیده
۱۱۱	مقام و منزلت حضرت خدیجه علیها السلام
۱۱۳	پیش از ازدواج
۱۱۳	عمر حضرت خدیجه علیها السلام
۱۱۵	ازدواج های سابق
۱۱۵	اشاره
۱۱۵	الف)بوهاله
۱۱۷	ب)عتیق
۱۱۷	زمان ازدواج
۱۱۷	فرزندان
۱۱۸	ازدواج فرزندان
۱۲۱	دوشیزه بودن خدیجه علیها السلام
۱۲۳	منابع
۱۲۶	بختی درباره ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام: حمیده صرفی
۱۲۶	چکیده
۱۲۷	ازدواج پیش از پیامبر صلی الله علیه و آله

۱۲۷	اشاره
۱۲۷	الف) بررسی و نقد دلیل تاریخی
۱۳۱	ب) بهره جستن از بعضی دلایل کلامی و منافی دانستن این مسأله با اصل عصمت
۱۳۳	راز علاقه حضرت خدیجه علیها السلام به حضرت محمد صلی الله علیه و آله
۱۳۳	اشاره
۱۳۳	۱. سفر تجارتي میسره با پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۳۴	۳. پیشگویی راهب پیودی
۱۳۶	۴. خواب دیدن حضرت خدیجه علیها السلام
۱۳۶	اقوال مختلف درباره خواستگاری
۱۳۶	اشاره
۱۳۶	۱. خواستگاری پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام
۱۳۶	۲. خواستگاری خود خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۳۷	۳. خواستگاری خدیجه علیها السلام به واسطه نفیسه دختر منیه
۱۳۷	۴. خواستگاری خدیجه علیها السلام به واسطه خواهرش هاله
۱۳۸	مراسم ازدواج
۱۳۸	تهمت های ناروا به پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام
۱۳۸	۱. تنگ دستی پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۳۹	۲. دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج
۱۳۹	۳. شراب خوردن پدر خدیجه علیها السلام
۱۳۹	۴. انگیزه ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام
۱۴۰	۵. خطبه ابوطالب هنگام ازدواج
۱۴۲	شیوه شوهرداری خدیجه علیها السلام
۱۴۲	۱. محبت به همسر
۱۴۴	۲. برترین همسر
۱۴۶	۳. احترام و تکریم بستگان همسر
۱۴۶	۱-۳- تکریم ابوطالب
۱۴۶	۲-۳- محبت به امام علی علیه السلام
۱۴۷	فرزندان خدیجه علیها السلام
۱۴۹	سن دختران پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۵۱	منابع
۱۵۴	بستگان حضرت خدیجه علیها السلام: فاطمه کرمی
۱۵۴	اشاره
۱۵۴	چکیده
۱۵۵	مقدمه
۱۵۶	پدر و مادر حضرت خدیجه علیها السلام
۱۵۶	الف) بستگان پدری حضرت خدیجه علیها السلام
۱۵۶	۱. پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری حضرت خدیجه علیها السلام
۱۵۷	بنی اسد خاندان پدری حضرت خدیجه علیها السلام
۱۵۷	۲. برادران حضرت خدیجه علیها السلام
۱۵۷	۳. خواهران حضرت خدیجه علیها السلام
۱۵۸	۴. عموهای حضرت خدیجه علیها السلام

۱۵۹	۵. عمه های حضرت خدیجه علیها السلام
۱۶۰	ب) بستگان مادری حضرت خدیجه علیها السلام
۱۶۰	۱. پدر بزرگ و مادر بزرگ مادری حضرت خدیجه علیها السلام
۱۶۱	سیر تطور منابع در گذر زمان
۱۶۲	تفاوت ها و اشکالات مذکور در منابع
۱۶۳	چگونگی تأثیر منابع متقدم در منابع پسین
۱۶۴	شرح حال اجمالی از بستگان حضرت خدیجه علیها السلام
۱۶۴	الف) برادران حضرت خدیجه علیها السلام
۱۶۷	ب) خواهران حضرت خدیجه علیها السلام
۱۶۸	ج) عموهای حضرت خدیجه علیها السلام
۱۷۳	عمه های حضرت خدیجه علیها السلام
۱۷۴	موضع بستگان خدیجه علیها السلام در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۷۵	نمودار منابع حاوی اطلاعات بستگان حضرت خدیجه علیها السلام
۱۷۹	نمودار بستگان حضرت خدیجه علیها السلام
۱۸۰	نتیجه
۱۸۱	منابع
۱۸۴	معرفی کتاب دارالسیده خدیجه بنت خویلد علیها السلام فی مکة المکرمه: رضا مختاری
۱۸۴	اشاره
۱۹۱	منبع
۱۹۲	حضرت خدیجه کبری علیها السلام تندیس، درایت، نجابت، عطاوت اخلاق و فضایل: غلامرضا کلی زواره
۱۹۲	مقدمه
۱۹۳	از نسل با صلابت
۱۹۴	القاب شایسته
۱۹۵	بر کرانه کمالات
۱۹۷	پارسایی و پایداری
۱۹۸	پیوندی پاک
۱۹۸	در وصف نبی اکرم صلی الله علیه و آله
۱۹۹	از منظر منظومه منور
۲۰۰	در نگاه بزرگان دنیای اسلام
۲۰۱	از دید زنان نامور
۲۰۲	از زبان و قلم نویسندگان غیر مسلمان
۲۰۳	کارفرمای کارآفرین
۲۰۶	بیت با برکت
۲۰۷	جهاد اقتصادی
۲۰۹	مقایسه بررسی تاریخی و آماری فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام؛ مهتاب شورمیچ، فاطمه جوربندی ثانی
۲۰۹	اشاره
۲۰۹	چکیده
۲۱۰	مقدمه
۲۱۱	فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام
۲۱۱	فرلوانی و نام منابع مورد استناد در کتب سیره
۲۱۴	فرلوانی و نام منابع مورد استناد در کتب طبقات

۲۱۸	فرلوانی و نام منابع مورد استناد در کتب انساب
۲۲۲	فرلوانی و نام منابع مورد استناد در سایر منابع
۲۳۲	تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب سیره
۲۳۴	تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب طبقات
۲۳۶	تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب انساب
۲۳۸	تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در سایر منابع
۲۴۱	بررسی قدیم ترین کتب سیره مورد استناد در فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام
۲۴۱	بررسی قدیم ترین کتب طبقات مورد استناد در فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام
۲۴۳	بررسی قدیم ترین کتب انساب مورد استناد در فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام ای در میان هفت کتاب مورد استناد انساب در این پژوهش که از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام نام برده اند آمار فرزندان و حتی نام شان ثابت و تعداد آن ها شش نفر است که عبارتند از: «قاسم
۲۴۲	بررسی قدیم ترین کتب مورد استناد در سایر منابع از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام
۲۴۲	اشاره
۲۴۳	ارتباط درون گروهی نمودارها
۲۵۲	تجزیه و تحلیل
۲۵۷	نتیجه
۲۵۹	منابع
۲۶۴	بررسی و تحلیل سن حضرت خدیجه علیها السلام در ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله (با تأکید بر منابع متقدم تاریخی): نعمت الله صفری فروشانی، داوود کاظم پور
۲۶۴	اشاره
۲۶۴	چکیده
۲۶۴	مقدمه
۲۶۵	رویکرد تاریخی و تعریف منابع متقدم
۲۶۵	تعریف منابع متقدم
۲۶۶	سن ازدواج در عرب جاهلی و صدر اسلام
۲۶۸	سن یائسگی در زنان
۲۷۳	واکاوی امکان ازدواج برای پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از بعثت
۲۷۳	۱.فاخته دختر ابی طالب (ام هانی)
۲۷۴	۲.غزیه
۲۷۸	فرزندان خنا پیامبر صلی الله علیه و آله
۲۷۸	اشاره
۲۸۰	۱.سیره ابن هشام (م ۲۱۳ق)
۲۸۱	۲.محمد بن سعد (۲۳۰ ق)
۲۸۴	۳.بلذری (۲۷۹ ق)
۲۸۷	۴.یعقوبی (۲۸۴ ق)
۲۸۹	۵.محمد بن جریر طبری (۳۱۰ ق)
۲۹۰	۶.مسعودی (۳۴۶ ق)
۲۹۱	نتیجه
۲۹۲	منابع
۲۹۵	سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: حسین تهرانی
۳۰۱	حضرت خدیجه علیها السلام ، به غیر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با کسی ازدواج نکرد
۳۰۹	ناسازگاری بیوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام ، با مبانی اعتقادی تشیع
۳۱۲	عدم اعتبار بیوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام از نظر تاریخ
۳۱۴	ناقلان ازدواج های دروغین حضرت خدیجه علیها السلام

۳۱۴	اشاره
۳۱۴	۱. هشام بن محمد بن سائب کلبی
۳۱۴	۲. زبیر بن بکار
۳۱۵	۳. قتاده بن دعامة
۳۱۷	باکره بودن مادران ائمه اطهار علیهم السلام
۳۱۷	اشاره
۳۱۸	۱. مادر گرامی امام زین العابدین علیه السلام
۳۱۸	۲. مادر گرامی امام موسی بن جعفر علیه السلام
۳۱۹	۳. مادر گرامی امام رضا علیه السلام
۳۲۱	بیان عایشه دربارہ حضرت خدیجه علیها السلام
۳۲۲	کیفیت انعقاد نطفه حضرت فاطمه علیها السلام
۳۲۵	منزل و مقبره حضرت خدیجه علیها السلام بر اساس سفرنامه های حج: محمدرضا خادمیان
۳۲۵	چکیده
۳۲۶	الف) منزل حضرت خدیجه علیها السلام
۳۲۹	ب) مقبره حضرت خدیجه
۳۳۳	منبع
۳۳۴	کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام: آسیب ها و راه کارها: مهدیه چیت سازا، احمد عابدی
۳۳۴	اشاره
۳۳۴	چکیده
۳۳۵	مقدمه
۳۳۷	بیان مسأله
۳۳۷	اهمیت پژوهش
۳۳۷	الف) هدف اصلی
۳۳۸	ب) هدف فرعی
۳۳۸	روش پژوهش
۳۳۹	پیشینه پژوهش
۳۴۱	یافته ها و نتایج
۳۴۱	کتاب های فارسی
۳۴۹	مقالات فارسی
۳۵۹	مقالات روزنامه ها
۳۶۲	منابع
۳۶۳	کتاب شناسی توصیفی خدیجه کبری علیها السلام: سید رضا هاشمی شاه قبادی
۳۸۲	کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام (به زبان های فارسی عربی اردو ترکی اسپانیولی انگلیسی ایتالیایی، آلمانی و فرانسوی) مریم اسماعیلی (سما)
۳۸۲	مقدمه
۳۸۳	الف) فارسی
۳۸۵	مقالات فارسی
۳۸۶	ب) عربی
۳۹۰	مقالات عربی
۳۹۴	ج) ترکی
۳۹۶	د) اردو
۳۹۷	ه) انگلیسی Khadija Bint Khuwaylid

۳۹۹ (و) اسپانیولی
۴۱۱ جلد ۲
۴۱۱ مشخصات کتاب
۴۱۱ اشاره
۴۱۵ فهرست اجمالی
۴۱۷ فهرست مطالب
۴۵۰ سخن دبیر علمی همایش
۴۵۲ زندگی خدیجه کبری علیها السلام ، تجلی گاه آیات قرآن: نظیفه سادات مؤذن (باران)
۴۵۲ زندگی خدیجه کبری علیها السلام
۴۵۲ چکیده
۴۵۲ مقدمه
۴۵۳ ۱. (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتًا طَيِّبَةً)
۴۵۷ ۲. (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)
۴۵۹ ۳. (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ)
۴۶۰ ۴. (الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ)
۴۶۱ ۵. (الْمُتَّقُونَ الصَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ)
۴۶۱ اشاره
۴۶۱ ۱-۵-سبقت در ایمان
۴۶۲ ۲-۵-اولین نمازگزار
۴۶۳ ۳-۵-اولین بیعت کننده با پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله
۴۶۳ ۶. (وَأَمَّا الشَّائِلُ فَلَا تَنْهَرْ)
۴۶۴ ۷. (وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ)
۴۶۵ ۸. (فِي بُيُوتِ الَّذِينَ أَنْ تَرْفَعُ وَيَذْكَرُ فِيهَا اسْمُهُ يَسْخُ لَهُ فِيهَا بِالْعَدْوِ وَالْأَصَالِ)
۴۶۶ ۹. (فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَكْثَرُ الْأَعْلَاقِينَ)
۴۶۷ ۱۰. (سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَبِعَمِّي الدَّارِ)
۴۶۷ نتیجه
۴۶۹ منابع
۴۷۲ شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در پرتو روایات: احمد جاوید انوری
۴۷۲ اشاره
۴۷۲ چکیده
۴۷۳ مقدمه
۴۷۳ معرفی حضرت خدیجه علیها السلام
۴۷۴ ویژگی های حضرت خدیجه علیها السلام در روایات
۴۷۴ ۱. القاب حضرت خدیجه علیها السلام در روایات
۴۷۴ ۱-۱-ام المؤمنین
۴۷۴ ۲-۱-سرور زنان
۴۷۵ ۳-۱-صدیقه
۴۷۵ ۴-۱-طاهره
۴۷۶ ۲. ویژگیهای دنیوی حضرت خدیجه علیها السلام
۴۷۶ ۲-۱-جزء چهارم زن برتر
۴۷۷ ۲-۲-مادر حضرت فاطمه علیها السلام و یازده امام علیهم السلام

۴۷۹	نقش اقتصادی حضرت خدیجه علیها السلام
۴۷۹	تنها حامی پیامبر
۴۷۹	اشاره
۴۸۰	۳- جایگاه و مقام معنوی و ویژگی های اخروی حضرت خدیجه علیها السلام
۴۸۰	اشاره
۴۸۱	۳-۱- نخستین بانوی نمازگزار
۴۸۱	۳-۲- سلام و درود خداوند
۴۸۲	۳-۳- مالک قصرهای بهشتی
۴۸۳	نتیجه
۴۸۵	منابع
۴۸۷	حضرت خدیجه علیها السلام نمونه انسان صالح در قرآن کریم: طاهره ماهرزاده
۴۸۷	اشاره
۴۸۷	چکیده
۴۸۷	مقدمه
۴۹۰	شناخت اجمالی حضرت خدیجه علیها السلام
۴۹۰	القاب حضرت خدیجه علیها السلام
۴۹۱	شرافت یافتن حضرت خدیجه علیها السلام با همسری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
۴۹۱	مفهوم شناسی صالح
۴۹۴	ویژگی صالحان در قرآن کریم
۴۹۷	سرعت گرفتن و سبقت در خیرات در قرآن
۴۹۹	سیره حضرت خدیجه علیها السلام در پیشگامی و سبقت در خیرات
۴۹۹	اولین زن مسلمان
۵۰۰	پیشتازی در نماز
۵۰۲	اولین مدافع پیامبر صلی الله علیه و آله
۵۰۳	اولین بخشنده مالی به پیامبر صلی الله علیه و آله
۵۰۵	اولین بیعت کننده با امام علی علیه السلام در امر ولایت و خلافت
۵۰۵	عفیف و حافظ خود و اموال در غیبت همسر
۵۰۷	خلود در بهشت
۵۰۸	بشارت جبرئیل حضرت خدیجه علیها السلام را به بهشت
۵۰۸	نتیجه
۵۱۰	منابع
۵۱۲	معیارهای الهی در ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام: امیرحسین بانکی پورفرید، شایسته غلامعلی دهکردی
۵۱۲	چکیده
۵۱۳	مقدمه
۵۱۴	معیارهای ازدواج از نگاه قرآن
۵۲۳	معیارهای ازدواج از نگاه اهل بیت علیهم السلام
۵۲۳	اشاره
۵۲۵	الف) معیارهای انتخاب همسر که در انتخاب حضرت خدیجه علیها السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله نمایان است:
۵۲۹	ب) معیارهای انتخاب همسر که در انتخاب حضرت محمد صلی الله علیه و آله به وسیله خدیجه علیها السلام نمایان است:
۵۳۲	معیارهای عرفی غیر قابل اعتنا
۵۳۳	نتیجه

۵۳۵	منابع
۵۳۷	ویژگی‌هایی از حضرت خدیجه علیها السلام: محمد فاکر میبیدی
۵۳۷	اشاره
۵۳۷	چکیده
۵۳۸	مقدمه
۵۳۸	۱. بینش عمیق اعتقادی
۵۴۰	۲. بصیرت اجتماعی
۵۴۲	۳. پایداری در برابر سرزنش‌ها
۵۴۴	۴. ایثارگری در راه خدا
۵۴۷	۵. پیشگام در اقتدا به پیامبر صلی الله علیه و اله
۵۴۹	۶. مشکل گشایی از پیامبر صلی الله علیه و اله
۵۵۰	۷. مخاطبه سلام الهی
۵۵۱	۸. تسلی و امداد الهی به حضرت خدیجه علیها السلام
۵۵۳	۹. تفکر درست اقتصادی
۵۵۴	۱۰. دوست داشتنی و فرزند داری
۵۵۶	۱۱. عطف و بر فرزند
۵۵۷	۱۲. شایستگی مادری حضرت زهرا علیها السلام
۵۵۸	نتیجه
۵۶۰	منابع
۵۶۲	الگوی رفتاری حضرت خدیجه کبری علیها السلام در زمینه همسر داری: ثریا شاعیدی
۵۶۲	اشاره
۵۶۲	چکیده
۵۶۲	مقدمه
۵۶۴	نمونه‌هایی از آیین همسر داری به سبک حضرت خدیجه علیها السلام
۵۶۴	۱. معیار ارزشی در گزینش همسر
۵۶۷	۲. روابط عاطفی و احساسی متقابل
۵۶۸	۳. اطاعت پذیری زن از شوهر
۵۷۱	۴. نگرش ارزش مدارانه و تکریم شخصیت همسر
۵۷۵	نتیجه
۵۷۷	منابع
۵۷۹	ویژگی‌های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام: فاطمه سلطان محمدی
۵۷۹	چکیده
۵۸۰	مقدمه
۵۸۱	الگو در لغت
۵۸۱	اشاره
۵۸۲	الف) ویژگی الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد اعتقادی
۵۸۲	اشاره
۵۸۲	۱. تحقیق مستلزم پرسش
۵۸۴	۲. استواری و استقامت اعتقادی
۵۸۶	۳. تسلیم بودن در برابر دستورهای الهی
۵۸۷	۴. حق پذیری و تسلیم عملی در برابر انبیای الهی

۵۸۸ بیعت با علی علیه السلام
۵۸۹ ب) ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد عبادی
۵۸۹ ۱. توحید در عبادت
۵۹۲ ۲. داشتن دعای خالصانه
۵۹۳ ۳. جدیت و دوام در عبادت
۵۹۶ ج) ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد خانوادگی
۵۹۶ اشاره
۵۹۷ ۱. نگرشی ارزشی به زندگی
۶۰۰ ۲. رعایت حریم و عفاف در گفت و گو با نامحرم
۶۰۱ ۳. احترام به همسر و حفظ آرامش در خانواده
۶۰۵ ۴. رعایت ادب در طول زندگی
۶۰۷ ۵. برهیز از دنیا طلبی و تجمل گرایی
۶۰۸ د) ویژگی الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد فعالیت های اجتماعی
۶۱۰ ه) ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد اقتصادی و کارآفرینی
۶۱۰ اشاره
۶۱۰ ۱. بانویی اندیشمند و صاحب اعتبار و امکانات
۶۱۲ ۲. مدیریت اقتصادی
۶۱۲ ۳. اصل ایجاد انگیزه در مدیریت اقتصادی
۶۱۲ ۴. اصل نظارت و کنترل در مدیریت
۶۱۳ ۵. شناخت زمان و مکان و اوضاع بازار در برتو آگاهی و مشاوره
۶۱۷ ۶. رعایت اصل پاک روشی و پاک منشی در مدیریت اقتصادی
۶۱۸ ۷. جلب اعتماد بازارهای داخلی و منطقه ای
۶۱۹ ۸. آفرینش و امضای قراردادهای اینکاری و متنوع
۶۲۰ ۹. کارآفرینی با معنویت و بشردوست
۶۲۲ و) ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد سیاسی
۶۲۲ اشاره
۶۲۳ ۱. اعتقاد به مشارکت در امور سیاسی
۶۲۴ ۲. مشارکت عملی در امور سیاسی
۶۲۴ ۳. ایستادگی و مقاومت هنگام تحریم و محاصره شعب ابی طالب
۶۲۶ ۴. سرپرستی و تربیت جانشین نبوت
۶۲۷ ۵. تربیت مونس و غم خوار نبی مکرم صلی الله علیه و آله و همسر وصی انقلاب
۶۲۸ ۶. تلاش مستمر در راه تربیت و سازندگی نزدیکان
۶۳۰ نتیجه
۶۳۱ منابع
۶۳۴ حضرت خدیجه علیها السلام مادر حضرت زهرا علیها السلام؛ علی کریمی جهرمی
۶۳۴ اشاره
۶۳۴ نسب رفیع و ریشه خانوادگی
۶۳۴ مقام بالای حضرت خدیجه علیها السلام
۶۳۵ حرز حضرت خدیجه علیها السلام
۶۳۶ شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام
۶۳۶ اشاره

۶۳۶	۱. اسلام آوردن او و بناگذاری بر اطاعت محض از مکتب مقدس و توحیدی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
۶۳۶	۲. ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با وجود پاک پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله
۶۳۷	ارزش ها از نظر حضرت خدیجه علیها السلام
۶۳۹	شخصیت خدیجه علیها السلام در کلام حضرت ابی طالب
۶۴۱	خدیجه علیها السلام در کلام امیر مؤمنان
۶۴۲	سلام رساندن خدا به حضرت خدیجه علیها السلام
۶۴۳	علاقه مندی عمیق پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام
۶۴۵	رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله با دوستان و علاقه مندان خدیجه علیها السلام
۶۴۷	افتخار حضرت زهرا علیها السلام به مادرش خدیجه علیها السلام
۶۴۷	احتجاج امام حسین علیه السلام و بیان شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام
۶۴۸	گریه و مناجات شبانه امام حسین علیه السلام سر قبر خدیجه علیها السلام
۶۵۰	صلوات بر حضرت خدیجه علیها السلام
۶۵۲	نام حضرت خدیجه علیها السلام در دعا
۶۵۳	نام حضرت خدیجه علیها السلام ای در زیارت ها
۶۵۴	روایاتی در شأن و مقام خدیجه علیها السلام
۶۵۵	گوشه هایی از آداب و اینار و وفای حضرت خدیجه علیها السلام
۶۵۸	وفات و وصایای دلسوزانه حضرت خدیجه علیها السلام
۶۶۱	بررسی تأثیر اموال حضرت خدیجه علیها السلام در زندگی و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله: سید محمدرضا عالمی
۶۶۱	چکیده
۶۶۲	مقدمه
۶۶۳	وضعیت مالی پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از ازدواج با حضرت خدیجه علیها السلام
۶۶۵	وضعیت مالی حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله
۶۶۹	روابط مالی پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه علیها السلام پس از ازدواج
۶۷۱	استقلال مالی مقدمه استقلال همه جانبه رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله
۶۷۴	نتیجه
۶۷۶	منابع
۶۷۹	فداکاری های مالی حضرت خدیجه علیها السلام: فرمان علی سعیدی
۶۷۹	اشاره
۶۷۹	چکیده
۶۷۹	مقدمه
۶۸۰	زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام
۶۸۳	حضرت خدیجه علیها السلام جزو اولین ها
۶۸۴	کمک مالی حضرت خدیجه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
۶۸۴	فداکاری مالی حضرت خدیجه علیها السلام
۶۸۶	مسلمان شدن زید بن حارثه در کنار امام علی علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام
۶۸۷	ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله
۶۸۸	پیوندی که به بشریت انجامید
۶۹۱	حفظ اسلام در طول سه سال به طور پنهانی
۶۹۲	نقش اموال حضرت خدیجه علیها السلام در گسترش اسلام
۶۹۴	نتیجه
۶۹۵	منابع

۶۹۸	حضرت خدیجه علیها السلام انسان با اراده، قاسم صفری جوادی
۷۰۱	انبیا انسان های صاحب اراده
۷۰۲	زنان صاحب اراده در قرآن
۷۰۳	چهار زن کامل بهشتی
۷۰۴	حضرت خدیجه علیها السلام انسان با اراده
۷۰۴	نتیجه
۷۰۶	منابع
۷۰۷	مقام حضرت خدیجه علیها السلام در زیارت نامه ایشان: الهام خبازی نژاد
۷۰۷	اشاره
۷۰۷	چکیده
۷۰۸	مقدمه
۷۰۹	خدیجه علیها السلام، همسری نمونه
۷۱۱	حضرت خدیجه علیها السلام، مادر دوازده معصوم علیهم السلام
۷۱۳	حضرت خدیجه علیها السلام، مادر مومنان
۷۱۴	حضرت خدیجه علیها السلام، بانوی با اخلاص
۷۱۴	حضرت خدیجه علیها السلام، اول زن تصدیق کننده رسول خدا صلی الله علیه و آله
۷۱۷	وفادار به بندگی انفاق کننده قرینة حبیب اله السماء
۷۱۹	ابلاغ سلام خداوند متعال و جبرئیل بر خدیجه علیها السلام
۷۲۱	حافظ دین خدا و یاور رسول خدا صلی الله علیه و اله
۷۲۴	رحلت حضرت خدیجه علیها السلام
۷۲۵	منزل اخروی حضرت خدیجه علیها السلام
۷۲۷	حضرت خدیجه علیها السلام در ادعیه، زیارات و خطبات
۷۲۷	اشاره
۷۲۷	الف) دعای ندبه
۷۲۷	ب) خطبه امام حسن علیه السلام در مقابل معاویه
۷۲۸	ج) خطبه امام حسین علیه السلام در روز عاشورا
۷۲۸	د) خطبه امام سجاد علیه السلام در مجلس یزید
۷۲۹	ه) خطبه حضرت زینب علیها السلام در روز یازدهم محرم
۷۲۹	نتیجه
۷۳۰	منابع
۷۳۲	حضرت خدیجه علیها السلام و نقش اجتماعی ایشان در افزایش سرمایه اجتماعی: فهیمه خوش کلام، تویبایس مارتین اشتایندر
۷۳۲	چکیده
۷۳۲	مقدمه
۷۳۴	نقش اجتماعی
۷۳۵	سرمایه اجتماعی
۷۳۵	چارچوب نظری
۷۳۷	ابعاد سرمایه اجتماعی
۷۳۷	اشاره
۷۳۸	۱) اعتماد اجتماعی
۷۳۸	۲) اعتماد میان نژادهای مختلف
۷۳۹	۳) مشارکت سیاسی عادی و نفاذانه

۷۳۹	۵. مشارکت مدنی
۷۴۰	۶. رهبری مدنی
۷۴۱	۷. پیوندهای اجتماعی غیررسمی
۷۴۲	۸. بخشش و روحیه داوطلبی
۷۴۲	۹. مشارکت مذهبی
۷۴۲	۱۰. عدالت در مشارکت مدنی
۷۴۳	۱۱. تنوع معاشرت ها و دوستی ها
۷۴۳	نتیجه
۷۴۵	منابع فارسی
۷۴۸	منابع لاتین
۷۵۰	نقش و جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در فرآیند تکاملی انقلاب نبوی: عباس علی مشکاتی سیزواری
۷۵۰	اشاره
۷۵۰	مقدمه
۷۵۰	اشاره
۷۵۱	۱. نگاهی اجمالی به شخصیت و فضایل حضرت خدیجه علیها السلام
۷۵۴	۲. مروری بر نقش حضرت خدیجه علیها السلام در فرآیند تکاملی انقلاب نبوی
۷۵۸	۲-۲- نقش حضرت خدیجه علیها السلام در مرحله ایجاد انقلاب نبوی
۷۷۰	منابع
۷۷۱	بررسی تاریخی گونه شناسی دیدگاه ها درباره حضرت خدیجه علیها السلام: سید محمود سامانی
۷۷۱	چکیده
۷۷۲	مقدمه
۷۷۲	اشاره
۷۷۲	الف) دیدگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام درباره حضرت خدیجه علیها السلام
۷۷۲	اشاره
۷۷۳	۱. خدیجه علیها السلام از بهترین و برترین زنان
۷۷۴	۲. نخستین زن مسلمان
۷۷۴	۳. بهترین مشاور
۷۷۵	۴. بهترین جده
۷۷۵	۵. میاهات فرشتگان به خدیجه علیها السلام
۷۷۶	دیدگاه اهل بیت علیهم السلام
۷۷۶	اشاره
۷۷۶	۱. امیرمؤمنان علی علیه السلام
۷۷۷	۲. امام مجتبی علیه السلام
۷۷۷	۳. امام حسین علیه السلام
۷۷۸	۴. امام سجاد علیه السلام
۷۷۸	۵. امام صادق علیه السلام
۷۷۹	ب) دیدگاه صحابه درباره حضرت خدیجه علیها السلام
۷۷۹	اشاره
۷۷۹	۱. دیدگاه ام سلمه:
۷۷۹	۲. جابر بن عبدالله انصاری:
۷۸۱	۳. ابوهریره:

۷۸۱	۴. عبدالله بن زبیر:
۷۸۱	ج) دیدگاه اندیشه و ران اهل سنت درباره حضرت خدیجه علیها السلام
۷۸۱	۱. ابن اسحاق (۱۵۱ ق):
۷۸۱	۲. ابن هشام (م ۲۱۳ ق):
۷۸۳	۳. بلاذری (م ۲۷۹ ق):
۷۸۳	۴. زبیر بن بکار (م ۲۵۶ ق):
۷۸۳	۵. حافظ عبدالعزیز خنابذی حنبلی:
۷۸۳	۶. ابن جوزی (۵۹۷ ه ق):
۷۸۳	۷. ابن اثیر (۶۳۰ ق): وی می گوید:
۷۸۵	۸. اسبط ابن جوزی (م ۶۵۴ ق):
۷۸۵	۹. ابن سیدالناس (م ۷۳۴ ق):
۷۸۶	۱۱. ذهبی (م ۷۴۸ ق):
۷۸۷	۱۲. ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق):
۷۸۷	۱۳. عمر رضا کحاله:
۷۸۷	۱۴. علی ابراهیم حسن: وی می نویسد:
۷۸۸	۱۵. عبدالله علایی:
۷۸۸	۱۶. عمر ابونصر از دانشمندان معاصر لبنانی: می گوید:
۷۸۹	۱۷. سلیمان کتانی:
۷۸۹	د) دیدگاه متفکران شیعی درباره حضرت خدیجه علیها السلام
۷۸۹	۱. هشام بن محمد کلی (۲۰۴ ق): وی می گوید:
۷۹۰	۲. اسید عبدالحسین شرف الدین:
۷۹۰	۳. حضرت آیت الله خامنه ای:
۷۹۱	نتیجه
۷۹۲	منابع
۷۹۵	حضرت خدیجه علیها السلام منتظر واقعی: فاطمه صالحی
۷۹۵	اشاره
۷۹۵	چکیده
۷۹۵	مقدمه
۷۹۷	مفهوم شناسی بعثت و ظهور
۷۹۸	شبهات های بعثت و ظهور و نقش حضرت خدیجه علیها السلام
۷۹۹	بعد اعتقادات حضرت خدیجه علیها السلام
۸۰۰	شناخت امام
۸۰۱	حدیث نقلین و حضرت خدیجه علیها السلام
۸۰۳	بعد اجتماعی انتظار و حضرت خدیجه علیها السلام
۸۰۴	استراتژی حضرت خدیجه علیها السلام
۸۰۵	دشمن شناسی
۸۰۵	مفهوم شناسی انتظار
۸۰۶	لايه های انتظار
۸۰۶	اشاره
۸۰۶	۱. نمای توحید
۸۰۶	۲. پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عصاره تمام انبیا و اولیا

۸۰۷	قدرت و سیاست
۸۰۷	احیا و اجرای دیانت پایبندی به دین و ارزش های آن
۸۰۷	انتظار
۸۰۸	ویژگی های منتظران یا رویکرد به شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام
۸۰۸	تقیه حضرت خدیجه
۸۰۹	یاران پیامبر صلی الله علیه و آله در کلام خدا
۸۱۰	یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۸۱۱	ویژگی های نفسانی یاران امام
۸۱۲	ویژگی های رفتاری حضرت خدیجه علیها السلام
۸۱۲	مأموریت یاران خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
۸۱۳	نتیجه
۸۱۵	منابع
۸۱۶	آیتی نمونه از سکون بخشی ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام بار و دل دار پیامبر صلی الله علیه و آله: علی قائمی امیری
۸۱۶	اشاره
۸۱۶	مقدمه
۸۱۷	هدف داری در آفرینش انسان
۸۱۷	رابطه نیاز و هدف
۸۱۸	نیاز به آرامش و سکون
۸۱۸	دامنه سکون خواهی و راه وصول به آن
۸۱۹	نوع بناها
۸۲۰	آیت سکون در ازدواج
۸۲۰	آیتی نمونه در ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام
۸۲۱	شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام
۸۲۱	خوی و کمالات حضرت خدیجه علیها السلام
۸۲۲	اندیشه ورزی حضرت خدیجه علیها السلام
۸۲۲	تقدیر آشنایی با پیامبر صلی الله علیه و آله
۸۲۳	شنیده ها و یافته ها
۸۲۴	شیدایی و دلدادگی
۸۲۴	سنت شکمی سنگین
۸۲۵	خواستگاری و ازدواج
۸۲۶	زندگی مشترک
۸۲۷	بعد معنوی ازدواج او
۸۲۷	باور حضرت خدیجه علیها السلام
۸۲۸	یار همراه و دل دار
۸۲۹	نقش حضرت خدیجه علیها السلام
۸۳۱	شأن و مقام حضرت خدیجه علیها السلام
۸۳۴	رابطه پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام
۸۳۵	وفاداری حتی پس از وفات
۸۳۶	نتیجه
۸۳۷	منابع
۸۴۰	بررسی منزلت معنوی حضرت خدیجه علیها السلام: مریم مظفری

۸۴۰	اشاره
۸۴۰	چکیده
۸۴۰	مقدمه
۸۴۲	مفهوم شناسی
۸۴۲	۱. منزلت
۸۴۲	۲. معنوی
۸۴۲	معرفی حضرت خدیجه علیها السلام
۸۴۴	بررسی منزلت معنوی حضرت خدیجه علیها السلام
۸۴۴	اشاره
۸۴۴	۱. حضرت خدیجه علیها السلام مصداق برخی آیات در تفاسیر فریقین
۸۴۷	۲. دیدگاه روایان شیعه و اهل تسنن در مورد مقام حضرت خدیجه علیها السلام
۸۴۹	۳. میاهات امامان علیهم السلام و بزرگان به وجود حضرت خدیجه علیها السلام
۸۵۰	۴. فرستادگان ویژه الهی
۸۵۰	۵. کفن بهشتی
۸۵۱	نتیجه
۸۵۲	منابع
۸۵۵	دربینه شناسی اشعار حضرت خدیجه علیها السلام در تجلیل پیامبر صلی الله علیه و آله (در آستانه سفر به شام): ناهید طیبی
۸۵۵	اشاره
۸۵۵	چکیده
۸۵۶	مقدمه
۸۵۸	مفهوم شناسی
۸۵۸	اشاره
۸۵۸	الف) کتاب الانوار البکری (قرن ۷)
۸۶۰	ب) حضرت خدیجه علیها السلام
۸۶۰	مروری بر شعر زنان در عصر جاهلیت
۸۶۲	متن اشعار حضرت خدیجه علیها السلام در کتاب الانوار
۸۷۰	نقد اشعار و انطباق با گزارش های معتبر تاریخی
۸۷۰	اشاره
۸۷۱	الف) ارزیابی بیرونی
۸۷۱	اشاره
۸۷۱	۱. سند و اصالت اشعار
۸۷۲	۲. زمان و زمینه تاریخی سرایش گزارش مشتمل بر اشعار
۸۷۲	۳. سابقه بانو خدیجه علیها السلام ای در سرودن شعر
۸۷۴	ب) ارزیابی درونی
۸۷۴	۱. طرح و ساختار اشعار
۸۷۴	۲. ناسازگاری مضامین اشعار با گزارش های معتبر تاریخی
۸۷۵	۳. راهاصات ساختگی در اشعار
۸۷۵	اشاره
۸۷۶	۱-۳ سخن گفتن شتر
۸۷۶	۲-۳ احترام مار عظیم الجثه به پیامبر صلی الله علیه و آله
۸۷۷	۴. نکات در خور توجه در محتوای متن

۸۷۹	نتیجه
۸۸۰	منابع
۸۸۳	حضرت خدیجه علیها السلام ام المؤمنین از منظر قرآن: محمد علی رضایی اصفهانی
۸۸۳	اشاره
۸۸۳	چکیده
۸۸۴	مقدمه
۸۸۴	پیشینه
۸۸۶	بسامد آیات
۸۸۶	اشاره
۸۸۶	دسته اول: آیاتی که حضرت خدیجه علیها السلام مصداق آن هاست
۸۸۶	اشاره
۸۸۷	۱.آیه ام المؤمنین
۸۸۸	۲.آیات همسران پیامبر صلی الله علیه و آله
۸۸۸	۳.آیات ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله
۸۸۹	۴.آیه حجاب
۸۹۰	دسته دوم: آیاتی که در شأن نزول آن ها به حضرت خدیجه علیها السلام اشاره شده است
۸۹۳	دسته سوم: آیاتی که به جایگاه و مقام حضرت خدیجه علیها السلام مرتبط است
۸۹۴	دسته چهارم: آیات همسران پیامبر صلی الله علیه و آله که به صورت قضایای شخصیه است
۸۹۴	اشاره
۸۹۵	۱.آیات تحریم
۸۹۶	۲.آیات ازدواج زینب و زید
۸۹۷	تفسیر مهمترین آیه مربوط به حضرت خدیجه علیها السلام (ام المؤمنین)
۸۹۸	نکات آیه
۹۰۲	نتیجه
۹۰۳	منابع
۹۰۶	خدیجه و بدء الوحی: صفورا سالاریه
۹۰۶	اشاره
۹۰۶	چکیده
۹۰۶	مقدمه
۹۱۰	نقد سندی
۹۱۰	(الف) از حیث سلسله سند
۹۱۰	۱.عائشه
۹۱۰	۲.عبدالله بن زبیر
۹۱۰	۳.عروة بن زبیر
۹۱۱	۴.اسماعیل بن ابی الحکم
۹۱۱	۵.دوہب بن کیسان
۹۱۲	۶.عبید بن عمیر
۹۱۲	۷.ابن عباس
۹۱۲	۸.عبدالله بن شداد الہادی اللہی
۹۱۲	۹.ابو میسرہ
۹۱۳	۱۰.عبدالله بن الحسن

۹۱۴	ب) از حیث اعتبار ستجی راوی
۹۱۴	اشاره
۹۱۶	۱. عایشه
۹۱۷	۲. عروه بن زبیر
۹۱۷	۳. زهری
۹۱۷	اشاره
۹۱۸	۴. عبید بن عمیر
۹۱۸	۵. اسماعیل بن ابی الحکیم
۹۱۸	جمع بندی نقد سندی
۹۲۰	تعارض محتوا
۹۲۰	نقد درونی
۹۲۰	اشاره
۹۲۰	۱. مکان دیدار با جبرئیل
۹۲۲	۲. در بیان حالت پیامبر صلی الله علیه و آله در ملاقات با جبرئیل در ابتدای وحی
۹۲۲	۳. انتساب توهم پیامبر صلی الله علیه و آله به کاهنیت
۹۲۳	۴. حالت جبرئیل در هنگام نزول وحی
۹۲۳	۵. فشار جبرئیل
۹۲۴	۶. واکنش حضرت خدیجه علیها السلام در مواجهه با پیامبر صلی الله علیه و آله
۹۲۴	۷. امتحان حضرت جبرئیل توسط حضرت خدیجه علیها السلام
۹۲۶	۸. تثبیت نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله توسط حضرت خدیجه علیها السلام
۹۲۸	نقد بیرونی (تعارض روایات با قرآن)
۹۳۰	ترجمه لفظ آیات قرآنی است، شرح و تفسیر نیست.
۹۳۴	تعارض با شخصیت خدیجه علیها السلام
۹۳۶	نتیجه
۹۳۸	منابع
۹۴۲	خدیجه کبری علیها السلام مایه آرامش و پشتوانه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سید محمد نجفی یزدی
۹۵۷	جلد ۳
۹۵۷	مشخصات کتاب
۹۵۷	اشاره
۹۶۱	فهرست اجمالی
۹۶۳	فهرست مطالب
۹۸۴	سخن دبیر علمی همایش
۹۸۶	حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل تسنن: معصومه بهرامی
۹۸۶	اشاره
۹۸۶	چکیده
۹۸۶	مقدمه
۹۸۷	واکاوی شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل تسنن
۹۹۵	جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در اسلام
۹۹۷	محبوبیت حضرت خدیجه علیها السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله
۱۰۰۱	حضرت خدیجه علیها السلام و زنان پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۰۰۴	نتیجه

۱۰۰۵	منابع
۱۰۰۶	حضرت خدیجه علیها السلام از منظر پیامبر صلی الله علیه و آله در احادیث اهل سنت: ابوطالب علی نژاد
۱۰۰۶	اشاره
۱۰۰۶	چکیده
۱۰۰۷	مقدمه
۱۰۰۹	سلام خدا به خدیجه علیها السلام
۱۰۱۰	توضیح روایت
۱۰۱۲	قصر بهشتی برای خدیجه علیها السلام
۱۰۱۳	توضیح روایت
۱۰۱۳	الف) گریه برای خوف و خشیت الهی
۱۰۱۳	ب) خواندن نماز مستحبی در شبهای رمضان
۱۰۱۴	ج) ساختن مسجد
۱۰۱۴	د) بنده مؤمن آزاد کردن
۱۰۱۴	و) خواندن دوازده رکعت نماز مستحبی در هر روز
۱۰۱۶	اظهار ارادت پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام
۱۰۱۶	الف) یاد همیشگی از خدیجه علیها السلام
۱۰۱۷	توضیح روایت
۱۰۱۸	۱-۵- صدقت در ایمان و تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۰۲۰	۲-۵- مواسات مالی با پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۰۲۱	۳-۵- فرزندان شدن حضرت خدیجه علیها السلام
۱۰۲۲	ب) گرمی داشت دوستان خدیجه علیها السلام
۱۰۲۳	روایت اول: از عایشه نقل می کند:
۱۰۲۳	توضیح روایت
۱۰۲۴	روایت دوم: انس بن مالک خدمتگزار مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید:
۱۰۲۴	روایت سوم: عایشه می گوید:
۱۰۲۵	توضیح روایت
۱۰۲۶	ج) محبت به خواهر خدیجه علیها السلام
۱۰۲۷	توضیح روایت
۱۰۲۸	صدیقه امت
۱۰۲۹	نتیجه
۱۰۳۰	منابع
۱۰۳۲	فضایل حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت: روح الله باقر
۱۰۳۲	اشاره
۱۰۳۲	چکیده
۱۰۳۳	مقدمه
۱۰۳۳	زندگی نامه حضرت خدیجه علیها السلام
۱۰۳۳	فضیلت
۱۰۳۴	اهل سنت
۱۰۳۴	منابع
۱۰۳۴	پیشینه تحقیق
۱۰۳۵	الف) کتاب های فارسی

۱۰۳۷	کتاب های عربی
۱۰۳۷	فضایل حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت
۱۰۳۸	۱. سلام خداوند و جبرئیل بر حضرت خدیجه علیها السلام
۱۰۳۸	۲. بشارت بهشت دادن خداوند به حضرت خدیجه علیها السلام
۱۰۳۹	۳. با فضیلت ترین زنان اهل بهشت
۱۰۳۹	۴. بهترین زنان دو جهان
۱۰۴۰	۵. یاد کردن زیاد پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه علیها السلام
۱۰۴۱	۶. خشم پیامبر صلی الله علیه و آله از مذمت خدیجه علیها السلام
۱۰۴۳	۷. امتداد نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه
۱۰۴۴	۸. حضرت خدیجه علیها السلام راوی حدیث
۱۰۴۴	۹. برترین بانوان امت
۱۰۴۵	نتیجه
۱۰۴۶	منابع
۱۰۴۷	حضرت خدیجه کبری علیها السلام در سخنان ابن تیمیه: عبدالمجید زهدات
۱۰۴۷	چکیده
۱۰۴۷	مقدمه
۱۰۴۹	خدیجه کبری علیها السلام در سخن ابن تیمیه
۱۰۴۹	توضیح و بررسی
۱۰۴۹	۱. امهات المؤمنین
۱۰۵۱	۲. ازواج النبی فی الآخره خصوصاً خدیجه علیها السلام
۱۰۵۲	سایر مستندات اهل سنت
۱۰۵۵	۳. ام اکثر اولاده
۱۰۵۶	۴. اول من آمن به و عاضده
۱۰۵۶	۵. لها منه المنزله العالیه
۱۰۵۷	۱-۵. سلام خداوند تعالی و بشارت به جایگاه خدیجه علیها السلام در بهشت:
۱۰۵۸	۲-۵. بیان رسول خدا و در مورد برتری خدیجه
۱۰۵۸	عَفْطَلُ عَائِشَةُ عَلَيَّ الْبَسَاءُ كَفْطَلُ الشَّرِيدِ عَلَيَّ سَائِرُ الطَّعَامِ
۱۰۶۰	نقد سخنان ابن تیمیه
۱۰۶۵	نتیجه
۱۰۶۶	منابع
۱۰۷۰	ویژگی های ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت هندوستان: سید معراج مهدی رضوی
۱۰۷۰	چکیده
۱۰۷۱	مقدمه
۱۰۷۱	زندگی نامه حضرت خدیجه علیها السلام
۱۰۷۱	ویژگی های ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام
۱۰۷۱	۱. کاملترین بانوی زمان از لحاظ عقل، زیبایی و ثروت
۱۰۷۲	۲. حضرت خدیجه علیها السلام پاک دامن ترین زنان قریش
۱۰۷۳	۳. حضرت خدیجه علیها السلام سالار زنان قریش
۱۰۷۳	۴. حضرت خدیجه علیها السلام دارای نسب عالی
۱۰۷۴	۱-۴. سلسله نسب حضرت خدیجه از ناحیه پدر
۱۰۷۴	۲-۴. سلسله نسب از ناحیه مادر

۱۰۷۵	حضرت خدیجه علیها السلام ثروتمندترین خاتون قریش
۱۰۷۵	عموحد بودن خدیجه علیها السلام و خانواده او در عصر جاهلیت
۱۰۷۷	نخستین همسر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و تنها همسر زمان خود
۱۰۷۷	الف) حضرت خدیجه علیها السلام اولین ام المؤمنین
۱۰۷۸	ب) صدیقه امت و اولین صدیقه از دیدگاه برخی از اهل سنت
۱۰۷۸	ج) طولانی ترین مدت شرف زوجیت با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله
۱۰۷۸	۸. حضرت خدیجه علیها السلام خدمتگزار واقعی همسر
۱۰۷۹	۹. حضرت خدیجه علیها السلام تنها شاهد رویداد مبعث و وحی و محرم اسرار نبوت
۱۰۷۹	۱-۹-۱- ابن بطوطه می نویسد:
۱۰۷۹	۲-۹-۱- مغازلی شافعی می نویسد:
۱۰۷۹	۱۰. درود و سلام خداوند بر خدیجه علیها السلام
۱۰۸۰	۱۱. جلوه‌های فقاقت حضرت خدیجه علیها السلام
۱۰۸۱	۱۲. حضرت خدیجه علیها السلام اولین مومنه و تصدیق کننده رسالت
۱۰۸۱	۱-۱۲-۱- ابن شهاب بیان می کند:
۱۰۸۱	۱۳. نخستین پیرو رسول گرامی صلی الله علیه و آله
۱۰۸۲	۱۴. اولین زن نمازگزار و اقتداء کننده به پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۰۸۲	۱۵. حضرت خدیجه اولین راوی اسلام و محدثه
۱۰۸۳	۱-۱۵-۱- حزم اندلسی می گویند:
۱۰۸۳	۲-۱۵-۱- مولانا محمد اویس فاروقی می نویسد:
۱۰۸۳	۱۶. اتفاق کننده و حامی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله
۱۰۸۴	۱۷. عام الحزن سال وفات حضرت خدیجه علیها السلام
۱۰۸۵	۱۸. شرف مادری فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۰۸۶	۱۹. ادامه ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه علیها السلام
۱۰۸۶	۲۰. حضرت خدیجه علیها السلام بهترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۰۸۸	۲۱. حضرت خدیجه علیها السلام المحسود دیگران
۱۰۸۹	۲۲. بهترین زن امت محمدی
۱۰۹۰	۲۳. حضرت خدیجه علیها السلام همسر پیامبر صلی الله علیه و آله در دنیا و آخرت
۱۰۹۱	نتیجه
۱۰۹۲	منابع
۱۰۹۲	الف) منابع عربی و فارسی
۱۰۹۴	ب) منابع زبان اردو
۱۰۹۶	تحریف تاریخ درباره حضرت خدیجه علیها السلام؛ سید محمد حسین جلال زاده میبیدی
۱۰۹۶	چکیده
۱۰۹۶	مقدمه
۱۰۹۷	تحریف و زدودن فضایل در کتاب ها
۱۰۹۹	کنمان یگانه پرستی حضرت خدیجه علیها السلام
۱۱۰۱	بیوه نمایاندن حضرت خدیجه علیها السلام
۱۱۰۳	افسانه دوبار دامادی عثمان
۱۱۱۰	بازتاب نیافتن اینار مالی حضرت خدیجه علیها السلام
۱۱۱۳	بزرگ نمایی در سن حضرت خدیجه علیها السلام
۱۱۱۵	کوچک نمایی آثار وجودی حضرت خدیجه علیها السلام

۱۱۲۰	منابع
۱۱۲۷	نقد و بررسی آراء کارن آرمسترانگ درباره حضرت خدیجه علیها السلام با تأکید بر کتاب زندگانی حضرت محمد صلی الله علیه: هاجر رضایت
۱۱۲۷	اشاره
۱۱۲۷	چکیده
۱۱۲۸	مقدمه
۱۱۲۹	معرفی اجمالی کارن آرمسترانگ
۱۱۳۰	نخست. نقد ساختاری
۱۱۳۳	دوم. نقد محتوایی
۱۱۳۳	الف) کاستی ها
۱۱۳۳	۱. موقعیت و شرافت حضرت خدیجه علیها السلام در دوران جاهلیت
۱۱۳۳	۲. خدیجه سرور زنان عالم
۱۱۳۴	۳. سلام خداوند به حضرت خدیجه علیها السلام
۱۱۳۴	۴. بشارت بهشت به حضرت خدیجه علیها السلام
۱۱۳۴	ب) تحلیل برخی از گزارش ها
۱۱۳۴	۱. خدیجه علیها السلام تنها همسر پیامبر صلی الله علیه و آله تا سال دهم بعثت
۱۱۳۵	۲. ستایش حضرت خدیجه علیها السلام در سیره پیامبر
۱۱۳۷	۳. ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام
۱۱۳۸	۴. نقش حضرت خدیجه در رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۱۳۹	۱-۴- رسالت و وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله در عالم خواب
۱۱۳۹	۲-۴- بی اطلاعی پیامبر صلی الله علیه و آله از رسالت
۱۱۴۱	۳-۴- ترس پیامبر از جن زدگی
۱۱۴۱	۴-۴- معرفی حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان مشاور پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۱۴۲	۵. مدیریت تجاری حضرت خدیجه علیها السلام
۱۱۴۴	۶. ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۱۴۵	۷. فرزندان پیامبر از حضرت خدیجه علیها السلام
۱۱۴۵	۸. رحلت حضرت خدیجه علیها السلام
۱۱۴۶	نتیجه
۱۱۴۸	منابع
۱۱۵۱	حضرت خدیجه علیها السلام در اندیشه گیورگیو: زهرا مهرجویی
۱۱۵۱	اشاره
۱۱۵۱	چکیده
۱۱۵۱	مقدمه
۱۱۵۲	حضرت خدیجه علیها السلام نامی آشنا
۱۱۵۳	گیورگیو خاورشناسی رمان نویس
۱۱۵۴	علت ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله؟
۱۱۵۷	نتیجه
۱۱۵۹	منابع
۱۱۶۰	گزارش و نقد محتوایی سیمای حضرت خدیجه علیها السلام در آثار شرق شناسان: شهناز کریم زاده سورشجانی
۱۱۶۰	اشاره
۱۱۶۰	چکیده
۱۱۶۱	مقدمه

۱۱۶۳	الف)دوره قبل از بعثت
۱۱۶۳	۱.همکاری تجاری با پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۱۶۵	۲.سن حضرت خدیجه علیها السلام
۱۱۶۶	۳.ازدواج قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۱۶۶	اشاره
۱۱۶۹	ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۱۷۲	۱۴.ایفای نقش نزدیکان حضرت خدیجه علیها السلام در ادوار زندگی او
۱۱۷۴	۵.سبک زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام و تعداد فرزندان ایشان
۱۱۷۸	۶.منشأ ثروت خدیجه علیها السلام
۱۱۷۹	ب)دوران پس از بعثت
۱۱۷۹	۱.نقش خدیجه علیها السلام در اطمینان بخشی به پیامبر صلی الله علیه و آله در صدور وحی
۱۱۸۲	۲.همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله و حمایت های مالی و اجتماعی
۱۱۸۴	۳.رحلت حضرت خدیجه علیها السلام
۱۱۸۵	نتیجه
۱۱۸۷	منابع
۱۱۸۹	بررسی جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در دائرة المعارف قرآن لندن: سکینه آخوند
۱۱۸۹	اشاره
۱۱۸۹	چکیده
۱۱۹۰	مقدمه
۱۱۹۰	ترجمه مقاله
۱۱۹۳	بررسی محتوای مقاله
۱۱۹۳	اشاره
۱۱۹۴	الف)ازدواج های پیشین حضرت خدیجه علیها السلام
۱۱۹۶	ب)سن خدیجه علیه السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۱۹۸	ج)خدیجه علیها السلام در قرآن
۱۲۰۱	د)جایگاه خدیجه علیها السلام در بین زنان برگزیده عالم
۱۲۰۳	ه)جایگاه خدیجه علیها السلام در بهشت
۱۲۰۵	نتیجه
۱۲۰۶	منابع
۱۲۰۹	سیمای خدیجه کبری علیها السلام در شعر فارسی با تأکید بر سروده های آیینی معاصر: سیدجمال الدین موسوی
۱۲۰۹	اشاره
۱۲۰۹	چکیده
۱۲۱۰	مقدمه
۱۲۱۱	نامه حضرت خدیجه علیها السلام و شخصیت والای ایشان
۱۲۱۳	شعر فارسی
۱۲۱۴	شعر آیینی
۱۲۱۴	بازخوانی رویکردهای سروده های فارسی و آیینی درباره حضرت خدیجه علیها السلام
۱۲۱۴	اشاره
۱۲۱۵	۱.زینت بخش روزگار
۱۲۱۶	۲.بخشندهگی با مال و جان
۱۲۱۶	۳.روایت منظوم ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام

۱۳۱۹	۴.برترین زن
۱۳۲۰	۵.فخر بانوان
۱۳۲۱	۶.همسر رسول الله صلى الله عليه و آله
۱۳۲۲	۷.عليه حق
۱۳۲۵	۸.گنج در ویرانه
۱۳۲۶	۹.بیوند دو نور
۱۳۲۷	۱۰.سرچشمه کوثر
۱۳۲۸	۱۱.گمشده
۱۳۳۱	۱۲.تکیه گاه خاتم پیامبران صلى الله عليه آله
۱۳۳۴	۱۳.بانوی دین و دنیا
۱۳۳۵	۱۴.رها تر از نسیم
۱۳۳۸	۱۵.بانوی ایثار
۱۳۳۹	۱۶.مادر و شفیع امت
۱۳۴۰	۱۷.گل باغ بهشت
۱۳۴۴	نتیجه
۱۳۴۶	منابع
۱۳۴۸	وب سایت ها و وبلاگ های اینترنتی
۱۳۵۰	بررسی مقاله "خدیجه علیها السلام" در دائره المعارف قرآن لیدن: جعفر هوشیاری، محمدحسن زمانی
۱۳۵۰	اشاره
۱۳۵۰	چکیده
۱۳۵۱	مقدمه
۱۳۵۲	ترجمه مقاله
۱۳۵۵	منابع مقاله
۱۳۵۵	اشاره
۱۳۵۵	الف)نقاط قوت و جنبه های مثبت
۱۳۵۶	ب)نقاط ضعف و اشکالات
۱۳۵۶	۱.عدم جامعیت در منابع
۱۳۵۷	۲.عدم جامعیت در بیان فضایل حضرت خدیجه علیها السلام
۱۳۵۸	۳.خطا در تفسیر معنای اهل بیت
۱۳۵۹	۴.بیوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام
۱۳۵۹	۵.وحی تجربه نبوی!
۱۳۶۱	۶.نقش ورقه بن نوفل
۱۳۶۱	اشاره
۱۳۶۲	بررسی روایات
۱۳۶۲	الف)سند روایات
۱۳۶۲	ب)تناقض آشکار روایات
۱۳۶۲	ج)سوالاتی در مورد مضامین روایات
۱۳۶۳	دیدگاه درست
۱۳۶۵	۷.اول مسلمان حضرت علی علیه السلام یا خدیجه علیها السلام
۱۳۶۶	۸.برترین همسر رسول خدا کیست؟
۱۳۶۷	۹.سن حضرت خدیجه علیها السلام

۱۲۶۷	نتیجه
۱۲۶۸	منابع
۱۲۷۴	تحلیل گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ستایش خدیجه کبری علیها السلام: ابرار حیدری
۱۲۷۴	چکیده
۱۲۷۵	مقدمه
۱۲۷۵	گونه شناسی روایات ستایش خدیجه کبری علیها السلام
۱۲۷۵	اشاره
۱۲۷۶	دسته اول روایات عام
۱۲۷۶	۱. روایت هایی با مضمون برتری خدیجه کبری نسبت به زنان
۱۲۷۸	۲. روایاتی با مضمون درود جبرئیل به خدیجه کبری علیها السلام
۱۲۷۹	۳. روایاتی با مضمون برخورداری خدیجه کبری علیها السلام از خانه ای بهشتی
۱۲۸۰	دسته دوم، روایات خاص
۱۲۸۲	تحلیل گزاره های «اهل بهشت» و «خانه بهشتی»
۱۲۸۷	تحلیل گزاره درود جبرئیل
۱۲۸۹	تحلیل روایات دسته دوم
۱۲۹۲	نتیجه
۱۲۹۴	منابع
۱۲۹۷	سیمای حضرت خدیجه علیها السلام در دیوان امام علی علیه السلام: بهاره رحیمی خلیل اللهی
۱۲۹۷	اشاره
۱۲۹۷	چکیده
۱۲۹۸	مقدمه
۱۲۹۸	مواد و روش پژوهش
۱۲۹۸	پیشینه پژوهش
۱۲۹۹	گذری بر زندگی امام علی علیه السلام
۱۳۰۰	گذری بر زندگی حضرت خدیجه علیها السلام
۱۳۰۰	برداشت تحلیلی موضوع
۱۳۰۰	سیمای حضرت خدیجه علیها السلام در شعر امام علی علیه السلام
۱۳۰۱	۱. بی بدیل بودن حضرت خدیجه علیها السلام
۱۳۰۲	۲. خدیجه علیها السلام سرور زنان و اولین زن نمازخوان
۱۳۰۴	۳. خدیجه، پاک طینت و خوش اخلاق
۱۳۰۵	بزرگی مصیبت از دست دادن آن دو بزرگوار
۱۳۰۵	۵. یاری گر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله
۱۳۰۷	نتیجه
۱۳۰۸	منابع
۱۳۱۰	تطور گزارش های تاریخی درباره حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت تا قرن پنجم هجری: رویا باقری
۱۳۱۰	اشاره
۱۳۱۰	چکیده
۱۳۱۰	مقدمه
۱۳۱۲	همکاری شغلی خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۳۱۲	دیدگاه اول
۱۳۱۴	دیدگاه دوم

۱۳۱۵	دیدگاه سوم
۱۳۱۹	همراهی در زندگی مشترک
۱۳۲۳	همراهی در جریان بعثت
۱۳۲۹	نتیجه
۱۳۳۲	منابع
۱۳۳۴	دریاره مرکز

مجموعه مقالات همایش صدف کوثر

مشخصات کتاب

مجموعه مقالات همایش صدف کوثر

حضرت خدیجه علیها السلام

دبیر علمی همایش: ناصر رفیعی محمدی

مسئول همایش: محمد جواد زارعان

مدیر اجرایی همایش: محمد صادق دهقان نژاد

مراکز همکار: جامعه الزهراء علیها السلام، مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران، مجتمع عالی بنت الهدی، پژوهشگاه قرآن و حدیث

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم شهناز محققیان

ص: 1

جلد 1

اشاره

مجموعه مقالات همایش صدف کوثر

حضرت خدیجه علیها السلام

جلد اول

ص: 3

دبیر علمی همایش: ناصر رفیعی محمدی

مسئول همایش: محمد جواد زارعان

مدیر اجرایی همایش: محمد صادق دهقان نژاد

* اعضای شورای علمی (به ترتیب الفبا):

رسول عبداللهی

علی نقی خدایاری

قاسم جوادی (صفری)

محمد جواد زارعان

محمد علی رضایی اصفهانی

محمد عظیمی

مهدی قائمی امیری

ناصر باقری بیدهندی

ناصر رفیعی محمدی

مراکز همکار: جامعه الزهراء علیها السلام، مرکز مدیریت حوزه علمیه خاوران، مجتمع عالی بنت الهدی، پژوهشگاه قرآن و حدیث

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم شهناز محققیان

سخن دبیر علمی همایش...15

بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مقام معظم رهبری...16

سخنرانی آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی...20

سخنرانی آیت الله العظمی عبدالله جوادی آملی...27

سخنرانی آیت الله علی رضا اعرافی...38

سخنرانی آیت الله محمد محمدی ری شهری...43

زیست نامه مستند حضرت خدیجه علیها السلام: سید علیرضا عالمی...49

سیری در احوال ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله: محمد امینی...75

بحثی درباره ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام: حمیده صرفی...90

بستگان حضرت خدیجه علیها السلام: فاطمه کرمی...118

معرفی کتاب دارالسیده خدیجه بنت خویلد علیها السلام فی مکة المکرمه: رضا مختاری...144

حضرت خدیجه کبری علیها السلام تندیس درایت نجابت، عطوفت، اخلاق و فضایل: غلامرضا گلی زواره...152

مقایسه و بررسی تاریخی و آماری فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام: مهتاب شورمیج، فاطمه جوربندی ثانی...169

بررسی و تحلیل سن حضرت خدیجه علیها السلام در ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله (با تأکید بر منابع متقدم تاریخی): نعمت الله

صفری فروشانی، داوود کاظم پور...206

سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: حسین تهرانی...237

منزل و مقبره حضرت خدیجه علیها السلام بر اساس سفرنامه های حج: محمد رضا خادمیان...267

کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام آسیب ها و راه کارها: مهدیه چیت ساز احمد عابدی...276

کتاب شناسی توصیفی خدیجه کبری علیها السلام: سید رضا هاشمی شاه قبادی...305

کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام به زبان های، فارسی، عربی، اردو، ترکی، اسپانیولی، انگلیسی، ایتالیایی آلمانی و فرانسوی):
مریم اسماعیلی (سما)...324

ص: 6

سخن دبیر علمی همایش...15

بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مقام معظم رهبری...16

سخنرانی آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی...20

سخنرانی آیت الله العظمی عبدالله جوادی آملی...27

سخنرانی آیت الله علی رضا اعرافی...38

سخنرانی آیت الله محمد محمدی ری شهری...43

زیست نامه مستند حضرت خدیجه علیها السلام...49

خانواده و ولادت...49

حیات خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با حضرت محمد صلی الله علیه و آله...51

حیات خدیجه علیها السلام پس از ازدواج...56

ایمان به رسول خدا صلی الله علیه و آله...60

حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و اسلام...64

فضایل و مناقب...65

درگذشت...69

منابع...70

سیری در احوال ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله...75

مقام و منزلت حضرت خدیجه علیها السلام...75

پیش از ازدواج...77

عمر حضرت خدیجه علیها السلام...77

ازدواج های سابق...79

الف) ابو هاله...79

ب) عتيق...81

زمان ازدواج...81

فرزندان...81

ص:7

ازدواج فرزندان...82

دوشیزه بودن خدیجه علیها السلام...85

منابع...87

بحثی درباره ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام...90

ازدواج پیش از پیامبر صلی الله علیه و آله...91

الف) بررسی و نقد دلیل تاریخی...91

ب) بهره جستن از بعضی دلایل کلامی و منافی دانستن این مسأله با اصل عصمت...95

راز علاقه حضرت خدیجه علیها السلام به حضرت محمد صلی الله علیه و آله...97

1. سفر تجارتي میسره با پیامبر صلی الله علیه و آله...97

2. پیشگویی پسرعموی دانشمند حضرت خدیجه علیها السلام...98

3. پیشگویی راهب یهودی...98

4. خواب دیدن حضرت خدیجه علیها السلام...100

اقوال مختلف درباره خواستگاری...100

1. خواستگاری پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام...100

2. خواستگاری خود خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله...100

3. خواستگاری خدیجه علیها السلام و به واسطه نفیسه دختر منیه...101

4. خواستگاری خدیجه علیها السلام به واسطه خواهرش هاله...101

مراسم ازدواج...102

تهمت های ناروا به پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام...102

1. تنگ دستی پیامبر صلی الله علیه و آله...102

2. دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج...103

3. شراب خوراندن پدر خدیجه علیها السلام...103

4. انگیزه ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام...103

5. خطبه ابوطالب هنگام ازدواج...104

شیوه شوهرداری خدیجه علیها السلام...106

ص: 8

1. محبت به همسر...106

2. برترین همسر...108

3. احترام و تکریم بستگان همسر...110

1-3- تکریم ابوطالب...110

2-3- محبت به امام علی علیه السلام...110

فرزندان خدیجه علیها السلام...111

سن دختران پیامبر صلی الله علیه و آله...113

منابع...115

بستگان حضرت خدیجه علیها السلام...118

مقدمه...119

پدر و مادر حضرت خدیجه علیها السلام...120

الف) بستگان پدری حضرت خدیجه علیها السلام...120

1. پدربزرگ و مادربزرگ پدری حضرت خدیجه علیها السلام...120

بنی اسد خاندان پدری حضرت خدیجه علیها السلام...121

2. برادران حضرت خدیجه علیها السلام...121

3. خواهران حضرت خدیجه علیها السلام...121

4. عموهای حضرت خدیجه علیها السلام...122

5. عمه های حضرت خدیجه علیها السلام...123

ب) بستگان مادری حضرت خدیجه علیها السلام...124

1. پدربزرگ و مادربزرگ مادری حضرت خدیجه علیها السلام...124

سیر تطور منابع در گذر زمان...125

تفاوت ها و اشکالات مذکور در منابع...126

چگونگی تأثیر منابع متقدم در منابع پسین...127

شرح حال اجمالی از بستگان حضرت خدیجه علیها السلام...128

الف) برادران حضرت خدیجه علیها السلام...128

ص: 9

- ب) خواهران حضرت خدیجه علیها السلام...131
- ج) عموهای حضرت خدیجه علیها السلام...132
- عمه های حضرت خدیجه علیها السلام...136
- موضع بستگان خدیجه علیها السلام در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله...137
- نمودار منابع حاوی اطلاعات بستگان حضرت خدیجه علیها السلام...138
- نمودار بستگان حضرت خدیجه علیها السلام...140
- نتیجه...141
- منابع...142
- معرفی کتاب دارالسیدة خدیجه بنت خویلد علیها السلام فی مکة المکرمة...144
- منبع...151
- حضرت خدیجه کبری علیها السلام تندیس درایت نجابت، عطوفت، اخلاق و فضایل...152
- مقدمه...152
- از نسل با صلابت...153
- القاب شایسته...154
- بر کرانه کمالات...155
- پارسایی و پایداری...157
- پیوندی پاک...158
- در وصف نبی اکرم صلی الله علیه و آله...158
- از منظر منظومه منور...159
- در نگاه بزرگان دنیای اسلام...160
- از دید زنان نامور...161

از زبان و قلم نویسندگان غیر مسلمان...162

کارفرمای کارآفرین...163

بیت با برکت...166

جهاد اقتصادی...167

ص: 10

مقایسه و بررسی تاریخی و آماری فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام...169

مقدمه...170

فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام...171

فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب سیره...171

فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب طبقات...173

فراوانی و نام منابع مورد استناد در سایر منابع...177

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب سیره...182

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب طبقات...183

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب انساب...184

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در سایر منابع...185

بررسی قدیم ترین کتب سیره مورد استناد در فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام...187

بررسی قدیم ترین کتب طبقات مورد استناد در فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام...187

بررسی قدیم ترین کتب انساب مورد استناد در فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام...188

بررسی قدیم ترین کتب مورد استناد در سایر منابع از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام...188

ارتباط درون گروهی نمودارها...189

جدول مقایسه فراوانی...194

تجزیه و تحلیل...195

نتیجه...199

منابع...210

بررسی و تحلیل سن حضرت خدیجه علیها السلام در ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله (با تأکید بر منابع متقدم تاریخی)...206

مقدمه...206

رویکرد تاریخی و تعریف منابع متقدم...207

تعریف منابع متقدم...207

سن ازدواج در عرب جاهلی و صدر اسلام...208

ص: 11

سن یائسگی در زنان...210

واکاوی امکان ازدواج برای پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از بعثت...215

1. فاخته دخترابی طالب (ام هانی)...215

2. غزیه...216

فرزندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله...220

1. سیره ابن هشام (م 213 ق)...222

2. محمد بن سعد (230 ق)...223

3. بلاذری (279 ق)...226

4. یعقوبی (284 ق)...229

5. محمد بن جریر طبری (310 ق)...231

6. مسعودی (346 ق)...232

نتیجه...233

منابع...234

سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله...237

حضرت خدیجه علیها السلام، به غیر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با کسی ازدواج نکرد...243

ناسازگاری بیوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام، با مبانی اعتقادی تشیع...251

عدم اعتبار بیوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام از نظر تاریخ...254

ناقلان ازدواج های دروغین حضرت خدیجه علیها السلام...256

1. هشام بن محمد بن سائب کلبی...256

2. زبیر بن بکار...256

3. قتاده بن دعامة دعامة...257

باکره بودن مادران ائمه اطهار علیهم السلام...259

1. مادر گرامی امام زین العابدین علیه السلام...260

2. مادر گرامی امام موسی بن جعفر علیه السلام...260

3. مادر گرامی امام رضا علیه السلام...261

ص: 12

بیان عایشه درباره حضرت خدیجه علیها السلام...263

کیفیت انعقاد نطفه حضرت فاطمه علیها السلام...264

منزل و مقبره حضرت خدیجه علیها السلام بر اساس سفرنامه های حج...267

الف) منزل حضرت خدیجه علیها السلام...268

ب) مقبره حضرت خدیجه علیها السلام...271

منبع...275

کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام: آسیب ها و راه کارها...276

مقدمه...277

بیان مسأله...279

اهمیت پژوهش...279

الف) هدف اصلی...279

ب) هدف فرعی...280

روش پژوهش...280

پیشینه پژوهش...281

یافته ها و نتایج...281

کتاب های فارسی...283

مقالات فارسی...291

مقالات روزنامه ها...301

منابع...304

کتاب شناسی توصیفی خدیجه کبری علیها السلام...305

کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام (به زبان های، فارسی، عربی اردو ترکی اسپانیولی، انگلیسی، ایتالیایی، آلمانی و

فرانسوی...324

مقدمه...324

الف) فارسی...325

مقالات فارسی...327

ص: 13

ب) عربى...328

مقالات عربى...332

ج) تركى...336

د) اردو...338

ه) انگلىسى...339 Khadija Bint Khuwaylid

Online Books...341

Articles ...341

و) اسپانىولى...341

ز) فرانسوى...343

ح) ايتاليابى...344

ط) آلمانى...347

ص: 14

بررسی ابعاد شخصیت ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام از موضوعات مهم و شایسته تحقیق و بررسی است مطالعه تاریخی زندگی آن بزرگوار نشان می دهد ایشان در دوران جاهلیت و پس از آن دارای فضایل اوصاف اخلاقی و کمالات معنوی فراوان بود شخصیتی که در جامعه خود به عنوان الگوی زن برتر تأثیر به سزایی در گسترش صفات نیک انسانی داشت.

حضرت خدیجه علیها السلام نخستین لیبیک گوی، رسالت همسر و هم سر رسول خدا صلی الله علیه و آله انیس تھی دستی کاشانه ام ابیها و مادر امت بود نقش مهم او در پیش برد اسلام در دوران نونهالی و ظهور دین و حمایت بی دریغش از اندیشه های توحیدی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر کسی پوشیده نیست. مقام معظم رهبری مدظله می فرمایند:

جناب خدیجه علیها السلام حقیقتاً مظلوم است به خاطر این که شرف همسری پیغمبر در مورد ایشان یک ارزش مضاعف است دیگران مشرف به شرف همسری پیغمبر شدند، لکن این رنج هایی را که پیغمبر در عمده رسالت به آن ها مبتلا بودند ندیدند. جناب خدیجه علیها السلام دوران رنج پیغمبر را دوران سختی پیغمبر را تحمل کردند و دیدند.

1. مجموعه مقالات همایش صدف کوثر 3 جلد

2. شناخت نامه حضرت خدیجه علیها السلام (فارسی)، 2 جلد

3. شناخت نامه حضرت خدیجه علیها السلام (عربی انگلیسی) 1 جلد

4. أم المؤمنین خدیجه فی مصادر اهل السنة، 1 جلد.

امید است مجموعه آثار همایش مقبول درگاه الهی واقع شود و همگان مشمول عنایت و شفاعت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و همسر گرامیش ام الائمه حضرت خدیجه کبری علیها السلام واقع شویم از همه اساتید، فضلا و پژوهشگرانی که در نگارش مقاله همکاری داشته اند قدردانی می کنم به ویژه از اعضای کمیته علمی اساتید محترم آقایان ناصر باقری، بیدهندی مهدی قائمی امیری، محمد علی رضایی اصفهانی قاسم، جوادی رسول، عبداللهی محمد عظیمی و علی نقی خدایاری که در ارزیابی و تدوین آثار همایش همکاری جدی داشته اند هم چنین از همکاری و زحمات کمیته اجرایی: آقایان مهدی، برزگر علی جعفری منش محمد مراد خان بابا علی اصغر شریفی نیا، محمد عظیمی، محمدباقر متولی ابوالحسن مهرورز و غلامرضا نصرتی قدردانی و تشکر می نمایم.

ربنا تقبل منا إنك انت السميع العليم

دبیر علمی همایش ملی صدف کوثر

ناصر رفیعی محمدی

17 ربیع الاول 1439

اولاً خیلی تشکر می کنم از آقایان، محترم که به این فکر افتادید و این کار را با انگیزه دارید دنبال می کنید

جناب خدیجه علیها السلام حقیقتاً مظلوم است؛ به خاطر این که شرف همسری پیغمبر در مورد ایشان دارای یک ارزش مضاعف است؛ دیگران مشرف به شرف همسری پیغمبر شدند لکن این رنج هایی را که پیغمبر در عمده دوران رسالت به آن ها مبتلا بودند ندیدند ده سال در مدینه بود خب عزت بود، احترام بود و زندگی راحت بود نسبت به آن دوره؛ جناب خدیجه علیها السلام دوران رنج پیغمبر را، دوران سختی های پیغمبر را تحمل کردند و دیدند اولاً خود این نفس ایمان آوردن به پیغمبر - که اولین کسی که ایمان آورد امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام بودند - یک امتیاز بزرگ است یک ارزش بسیار بالایی است؛ عبور کردن و صرف نظر کردن از عقایدی که انسان سال های متمادی با آن ها زندگی کرده آسان نیست برای ما پیش نیامده یک چنین چیزی تا بفهمیم چقدر مشکل و مهم است. ایشان با آن فطرت پاک صدق قضیه را، حقانیت قضیه را بلافاصله فهمید؛ تا پیغمبر را دید با آن حال - با آن حالت معروف و مذکور در کتاب ها- که از حرا برگشته بود فهمید که یک حادثه ای مهم اتفاق افتاده و قلب مبارکش مجذوب شد و ایمان آورد. بعد پای این ایمان ایستاد؛ حالا شما ثروت را می فرمایید. (1) این یک کلمه به زبان آسان است؛ کاری است که خب کسانی که پول دارند می توانند بالاخره یک پولی هم

ص: 16

1- اشاره حجت الاسلام والمسلمین ناصر رفیعی به این که حضرت خدیجه علیها السلام همه اموالش را صرف اسلام کرد.

مصرف کنند، خرج کنند اما این که انسان از همه زندگی راحت خارج بشود- یعنی همه پولش را مصرف، کند همه ثروتش را صرف کند - یک کار یک ذره و دو ذره نیست؛ درباره امام حسن مجتبی علیه السلام مثلاً می گویند که ایشان چندبار از اموال خودشان خارج شدند یا چند بار از نصف مال شان خارج شدند؛ این جزو بزرگ ترین امتیازات است این بزرگوار این امتیاز را دارد که از همه اموال خودش خارج شد و همه را صرف کرد در راه ترویج اسلام و تقویت پیغمبر. بعد هم دچار آن سختی ها و آن مشکلات طاقت فرسا [شد] که یکی اش همین مسأله شعب ابی طالب بود و آن سه سالی که آن جا بودند و آن سختی هایی که این بزرگوار متحمل شد و این ایمان را محکم نگه داشت، خب قرآن درباره کسانی که قبل از فتح و بعد از فتح انفاق می کنند [می گوید] (يَسْتَوِي مِّنْكُمْ مَّنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلْ)؛ (1) این «قبل الفتح»، قبل از فتح مدینه است؛ یعنی قبل از آن که مدینه ای در اختیار پیغمبر قرار بگیرد و زندگی ای، راحتی حکومتی، تسلطی، قدرتی در اختیار آن بزرگوار باشد؛ در حال نهایت شدت ایشان انفاق کردند؛ هم مال شان را هم جان شان را هم راحت شان را خب این ها واقعاً فضایل مهمی است؛ این ها مغفول عنه مانده؛ حضرت مظلومه است؛ این بزرگوار واقعاً مظلومه است. تعبیر کردند جناب آقای اعرافی گفتند غریب واقعاً همین جور است؛ جناب خدیجه علیها السلام الغریب است. حالا شما (2) می گویند مادر یازده امام [اما] در واقع مادر دوازده امام؛ چون ایشان مادر امیرالمؤمنین علیه السلام هم هست. ایشان امیرالمؤمنین علیه السلام را در آغوش خودش، در دامان خودش، در زندگی خودش پرورش داده تا چند سالگی. به هر حال این یک کار بسیار خوبی است و کار بسیار مهمی است و ان شاء الله برکات زیادی هم خواهد داشت

ص: 17

-
- 1- سوره حدید، بخشی از آیه 1؛ «... کسانی از شما که پیش از فتح [مکه] انفاق و جهاد کرده اند، [با دیگران] یکسان نیستند...».
 - 2- حجت الاسلام والمسلمین ناصر رفیعی

بله همین طور که اشاره کردید، (1) تعریض (2) به سایر زوجات مطهرات پیغمبر نبایستی باشد؛ بالاخره زوجات پیغمبر محترمند؛ هر کسی به این ها اهانت کند- هر کدام شان باشد- به پیغمبر اهانت کرده؛ این را من عن اعتقاد و قاطعاً عرض می کنم؛ به پیغمبر نباید اهانت کرد امیرالمؤمنین با جناب عایشه آن رفتار را. کرد عایشه به جنگ حضرت آمده بود لشکرکشی کرده بود [اما] امیرالمؤمنین نگذاشت حرمت عایشه به هم بخورد وقتی ایشان را می خواست بفرستد به مدینه زن ها را لباس مردانه پوشاند و محمد بن ابی بکر را هم در رأس این ها قرار داد یعنی برادر جناب عایشه را؛ این خیلی مهم است که امیرالمؤمنین با زنی که به جنگ او آمده، این جور با احترام [رفتار کند]؛ به خاطر این که [همسر پیغمبر بود]. والا- امیرالمؤمنین که از کسی ملا-حظه ندارد؛ لازم بود شلاق بزند، لازم بود گردن بزند می زد؛ امیرالمؤمنین که از چیزی نمی ترسید؛ این معلوم می شود که به خاطر احترام به پیغمبر است آن آیه شریفه سوره مبارکه احزاب ظاهراً این جوری است؛ (وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَرْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا) (3) این که کسانی حق ندارند بعد از پیغمبر با ازواج پیغمبر ازدواج کنند به خاطر حرمت پیغمبر است به خاطر احترام به پیغمبر است بنابراین حتماً تعریض بایستی وجود نداشته باشد. حالا ما ممکن است به بعضی از زوجات پیغمبر ارادت بیشتری داشته باشیم به بعضی به خاطر یک جهاتی نه آن ارادت را نداشته باشیم؛ آن بحث دیگری است، اما نسبت زوجیت، به هر حال بایستی محفوظ باشد.

از جمله دیگر همسران پیغمبر هم که به نظر بنده مظلوم واقع شده اند، جناب ام سلمه؛ ایشان هم همین جور ام سلمه خیلی مقام بالایی دارد، خیلی رتبه معنوی بالایی دارد که هم در زمان پیغمبر این را می شود فهمید و هم بعد از پیغمبر می شود این را فهمید؛ این بزرگوار هم ناشناخته است در دنیای اسلام و

ص: 18

1- همان.

2- اهانت

3- سوره احزاب بخشی از آیه 35

ایشان هم مورد توجه قرار نگرفته حالا اگر کسانی همت کنند نسبت به جناب ام سلمه هم که امتیازاتی دارد- غیر از امتیاز زن پیغمبر بودن - و درباره ایشان هم کار بشود، تحقیق بشود، خیلی خوب است به هر حال ما متشکریم از جناب آقای اعرافی جناب آقای رفیعی و بقیه آقایانی که همکاری دارند در این قضیه و امیدوارم ان شاء الله اجرشان را از پیغمبر بگیرند؛ و مسلماً این کار مورد رضای رسول الله صلی الله علیه و آله است.

والسلام علیکم ورحمه الله

ص: 19

«الحمد لله رب العالمين والصلاه والسلام على خير خلقه محمد صلى الله عليه و اله و على آبائه الطيبين الطاهرين المعصومين لاسيما بقيه الله المنتظر - ارواحنا فداه - و لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم».

در ابتدا از برگزارکنندگان این همایش تشکر و قدردانی می کنم.

بحث در مورد ام المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام، جهات مختلف و ابعاد زیادی دارد که باهم متفاوت هستند. از ویژگی های این همایش، این است که برای بانوی بسیار والا مقام و مجاهدی تشکیل شده که برخی ها، خدمات برجسته او را به فراموشی سپرده اند. به همین جهت می توان او را مظلومه نام نهاد، در حالی که زندگی او می تواند الگوی بسیار ارزنده ای برای همه مجاهدان راه خدا باشد.

این بانوی بزرگوار از جمله کسانی است که مصداق بارز کلام امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه هستند؛ در آن جا که فرمودند: (لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهَا) اگر در مسیر هدایت همراه کم داشتید، وحشت نکنید!.

خدیجه کبری علیها السلام در آغاز کار در حمایت از پیغمبر صلی الله علیه و آله تک و تنها بود اما به مصداق این کلام وحشتی به خود راه نداد و تا آخر محکم ایستاد. او می گفت: «خدا با ماست» و کسی که خدا با اوست تنها نیست این بانوی بزرگوار مصداق بارز همین موضوع هست معروف است زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه بودند، هر زمان به خانه می آمدند و بدن نازنین شان بر اثر سنگ های دشمنان مجروح بود و این بانوی بزرگوار زخم های پیغمبر صلی الله علیه و آله را می بست و آن حضرت را دل داری می داد.

یکی از نشانه های مظلومیت این بانوی بزرگوار این است که تنها دوران

مشقت بار زندگی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را دید.

او هرگز زنده نماند تا دوران عظمت پیغمبر صلی الله علیه و آله را ببیند زمانی را که اسلام تمام جزیره العرب را فرا گرفته و بانگ لا اله الا الله همه جا بلند بود. تمام دوران سختی پیغمبر را تا آخر عمر دید، مخصوصاً در آن زمان که پیغمبر و مسلمانان، سخت در حلقه محاصره دشمنان گرفتار بودند حتی این بانوی بزرگوار زمانی چشم از جهان فرو بست که مسلمانان در حلقه محاصره بودند و به این ترتیب، دوران پیروزی و عظمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را که در جزیره العرب به اوج رسید و همه دشمنان در برابر او تسلیم شدند و بانگ توحید و الله اکبر تمام فضای حجاز را پر کرده بود را هرگز مشاهده نکرد. آری او با غم و اندوهی جانکاه چشم از جهان بر بست و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و دخترش فاطمه زهرا علیهما السلام را داغ دار ساخت؛ در حالی که وظیفه خود را در حمایت از اسلام و همسرش انجام داده بود.

زویای زندگی این بانوی بزرگوار واقعاً مطالعه کردنی است و در هر زاویه اش، درس مهمی نهفته است. برخی تصور می کنند که او هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله چهل سال داشت و پیش از آن حضرت با دو نفر دیگر به نام های ابوهاله تمیمی و عتیق بن خالد ازدواج کرده و از آنان فرزندان نیز داشته، اما هر دو مسأله از نظر محققان و بزرگان تاریخ کاملاً منتفی و اشتباه هست. مطابق تحقیق دانشمندان بزرگ، تاریخ، او هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله دوشیزه ای 25 یا 28 ساله بوده و آن دو نفر که نام برده شد همسران خواهرش بودند و فرزندان هم که نام برده اند فرزندان خواهرش بودند بلاذری از علمای بزرگ اهل سنت در کتاب انصاب الاشراف می گوید:

خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله دوشیزه ای 28 ساله بود. (1)

دانشمند دیگری به نام ابن العماد حنبلی در کتاب شذرات الذهب نقل می کند:

ص: 21

1- نک: ج 1، ص 98.

خدیجه کبری علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله 27 ساله بود. (1)

البته گروه زیاد دیگری هم از علمای اهل سنت و شیعه، به این حقیقت اذعان کرده اند که ذکر نام همه به درازا می کشد.

خدیجه کبری علیها السلام در همان ایام جوانی آینده روشنی را در چهره پیغمبر صلی الله علیه و آله مشاهده می کرد، که هنگام ازدواج با آن حضرت، علی رغم نکوهش زنان قریش که چرا زن با شخصیت و ثروتمندی همچون او باید با فردی یتیم و به ظاهر فقیر ازدواج کند با افتخار خواستگاری ابوطالب برای پیغمبر صلی الله علیه و آله را پذیرفت و نکته جالب این که مهریه او نود مثقال طلا بود که حضرت خدیجه علیها السلام فرمود:

من نود مثقال طلای مهریه ام را خودم به محمد صلی الله علیه و آله هدیه می کنم که او به عنوان مهریه به من بدهد.

جالب تر این که وقتی یکی از حاضران در مجلس زبان به انتقاد گشود و گفت: «مگر مهریه را خود زن هم به خودش می پردازد؟» ابوطالب که مراسم خواستگاری را دنبال می کرد خشمگین شد و گفت: «اگر دامادی مثل محمد صلی الله علیه و آله باشد، سزاوار است بیش از این هم فداکاری و افتخار کنند».

این بانوی بزرگوار در تمام دوران زندگانش بعد از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که حدوداً ده سال بود دائماً مظلوم و در فشار بود داستان تولد حضرت زهرا علیها السلام را همگی شنیده اید که در هنگام وضع حمل هیچ یک از زنان به کمک حضرت خدیجه علیها السلام نیامدند تا این که چهار زن بهشتی در لباس انسان جدید به یاری او آمدند.

اضافه بر این ها فضایل بسیار زیادی برای خدیجه کبری علیها السلام ذکر کرده اند که گاهی 120 فضیلت نیز شمرده اند که بنده به سه تایی آن ها اشاره می کنم:

1. پاک دامنی و عفاف او در عصر جاهلیت زبان زد خاص و عام بود. این، دوره عصر آلودگی زنان و داستان های زیادی در این باره وجود دارد.

ابن حجر عسقلانی می نویسد «کانت تدعی قبل البعثت الطاهرة».

ص: 22

1- نک: ج 1، ص 14.

ابن هشام هم می گوید: «... و كانت تدعى فالجاهلية بالظاهرة لشدة عفافها و صيانتها».

2. فضیلت دیگری که ذهبی از علما و تاریخ نگاران اهل سنت در کتاب سیر اعلام النبلا آورده این است: «حضرت خدیجه علیها السلام ام المؤمنین و سرور سیده زنان عالم در زمان خود بود مناقبش بسیار است. او صاحب کمال، عاقل جلیل القدر پرهیزکار، سخاوتمند و از اهل بهشت است، کسی که پیغمبر صلی الله علیه و اله او را ستوده و بر دیگر زنانش برتری داده و او را بسیار بزرگ شمرده، به طوری که عایشه می گفت: «من به هیچ زنی مثل خدیجه رشک و حسد نبردم، به جهت این که پیامبر صلی الله علیه و اله بعد از وفات خدیجه علیها السلام بسیار از او یاد می کرد». از جمله کراماتش این است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله پیش از او با زنی ازدواج نکردند و تا هنگامی هم که خدیجه علیها السلام زنده بود با دیگری ازدواج نکردند و هم چنین فرزندان پیامبر صلی الله علیه و اله از او هستند و او بهترین همنشین برای حضرت بود». (1)

بنابراین او را ام الأئمه نیز می توان نامید؛ زیرا مادر حضرت زهرا علیها السلام بود.

3. عایشه بنت الشاطی از نویسندگان معروف اهل سنت در کتاب زینب علیها السلام قهرمان کربلا می گوید:

خدیجه دختر خویلد برترین زنان پیامبر صلی الله علیه و اله و نزدیک ترین آن ها به ایشان و عزیزترین آن ها نزد آن بزرگوار بود بیست و پنج سال به تنهایی مورد مهر و احترام رسول خدا صلی الله علیه و اله قرار داشت (15 سال قبل و 10 سال بعد از بعثت) و هیچ زنی با او در این افتخار شریک نیست.

آن بانو در سال های پر مشقت نخستین اسلام در کنار حضرت محمد صلی الله علیه و اله بود و کمک حال و حامی شان بود و دشواری هایی را که حضرت از جانب قریش در راه رسالت شان می دیدند این بانو آسان می ساخت.

حضرت خدیجه علیها السلام پیش از همه به نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله ایمان آورد و چنان به حضرت علاقه داشت که حاضر بود در راه او جان خود را فدا کند.

ص: 23

1- نک: ج 2 ص 81.

مخالفت قریش بر اطمینان او می افزود ایمانش همچون کوه استوار بود و هنگامی که دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله را ساحر و یا مجنون می خواندند او با تمام وجود پیغمبر را دوست می داشت و راست گو می دانست و از او حمایت می کرد.

هنگامی که حضرت خدیجه علیها السلام در موقعیت سخت و پیچیده شعب ابی طالب قرار گرفت دیده از جهان فروبست و بعد از آن مرحله سخت تری از مبارزه با دشمن برای رسول خدا صلی الله علیه و آله شروع شد و حضرت نتوانستند در مکه بمانند و هجرت کردند در حالی که خاطراتی از نخستین همسر خود برجای گذاشتند و هیچ یک از زنان بعد از او نتوانستند محبت این یادگار عزیز پیغمبر را از قلب آن حضرت بیرون کنند و یا اندکی از آن بکاهند.

در این جا لازم می دانم به دو نکته مهم اشاره کنم:

1. متعصبان با تاریخ بازی کردند مخصوصاً عمّال بنی امیه این مسأله را به حد اعلا رساندند اند مرحوم علامه امینی می فرماید:

تمام کسانی که به نوعی با علی بن ابی طالب علیه السلام ارتباط، دوستی و علاقه داشتند عمّال بنی امیه سعی کردند که لکه ننگی به آن ها بچسبانند. از جمله ابوذر غفاری که مقامش در اسلام معلوم است و پیامبر صلی الله علیه و آله راست گویی و درست کاری اش شهادت داده اند. این ها می گفتند که ابوذر اشتراکی و کمونیست است؛ چون در سخنانش از کلمه «مال الله» استفاده می کند.

علامه امینی در ادامه می فرماید:

این بی خبران نمی دانند که این تعبیر در قرآن مجید آن جا که خداوند درباره بردگان می فرماید: (... وَ آتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ) (نور 33). اگر این کلمه نشانه اشتراکیت و کمونیسم هست، پس چرا در قرآن آمده؟ سپس ایشان با تحقیق در کتب مختلف، سخنان بسیاری از پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر شخصیت های برجسته را جمع آوری و عرضه نموده اند که از کلمه مال الله استفاده کرده اند؛ چون ابوذر غفاری علاقه خاصی به

امیر المؤمنین علیه السلام، داشت خواستند با چسباندن این وصله به ایشان، او را بد نام کنند.

در مورد خدیجه کبری علیها السلام نیز چنین کرده اند آن هایی که می خواستند برخی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله را برای بانو برتری دهند وصله چهل سالگی به ایشان چسبانده اند و این که قبلاً دوبار ازدواج کرده است؛ در حالی که پژوهشگران می گویند: آن روایات چهل سالگی و دو ازدواج قبلی ساختگی و دروغ است؛ ولی چون قصد داشتند برخی زنان دیگر حضرت را بر این بانوی بزرگوار برتری دهند سعی در ترویج چنین دروغ هایی داشته اند.

البته آن ها با این کار می خواستند وصله ای هم به پیامبر صلی الله علیه و آله بچسباندند و آن این که حضرت به خاطر مال و ثروت خدیجه کبری علیها السلام تن به ازدواج با زن چهل ساله ای داده که قبلاً دو بار ازدواج کرده است عمال بنی امیه با این دروغ ها هم قصد ضربه زدن به پیامبر صلی الله علیه و آله و هم قصد ضربه زدن به خدیجه علیها السلام را داشتند.

2. زندگانی خدیجه کبری علیها السلام واقعاً الگو برای همه زنان و مردان است. این که گفته می شود برای زنان و مردان هر دو الگوست تبعیت از قرآن مجید است. خداوند متعال در آیه 11 و 12 سوره مبارکه تحریم می فرماید:

(صَبَّرَ رَبُّ اللَّهِ مَثَلًا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَانِنِينَ)؛

«و خدا برای کسانی که ایمان آورده اند زن فرعون را مثل می زند آن گاه که گفت: ای پروردگار من برای من در بهشت نزد خود خانه ای بنا کن و مرا از فرعون و عملش نجات ده و مرا از مردم ستم کاره برهان» و مریم دختر عمران را که شرمگاه خویش را از زنا نگه داشت و ما از روح خود در آن دمیدیم؛ و او کلمات پروردگار خود و کتاب هایش را تصدیق کرد و او از فرمان برداران بود»

همسر فرعون به موسی علیه السلام ایمان آورد. لذا او را تهدید کردند و در بیابان زیر آفتاب سوزان خواباندند و روی سینه اش تخته سنگ قرار دادند، ولی تا آخر از ایمان به موسی علیه السلام دست برداشت قرآن می فرماید: زندگی آسیه زن فرعون برای مؤمنان اعم از زن و مرد الگوست.

مریم علیها السلام نیز الگوی دیگری برای مردان و زنان است و آن به دلیل استقامت وی در مقابل دشمنان بود بنابراین زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام واقعاً سر مشقی برای همه مردان و زنان مؤمن است. او در دوران تنهایی اسلامی و تنهایی پیامبر صلی الله علیه و آله، همه دار و ندارش را تقدیم پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام کرد و این درسی برای ماست که اگر روزی دشمنان جامعه ما را در فشار و تحریم های گوناگون سیاسی و اقتصادی قرار دادند، ایستادگی کنیم.

ص: 26

«الحمد لله رب العالمین وصلى الله على جميع الانبياء والمرسلین وسيما خاتمهم و افضلهم واهل بيته العظييين الانجيين، سيما بقية الله في العالمين بهم تتولى و من اعدائهم تتبرا إلى الله».

مقدم شما آیات، حجج و بزرگواران این همایش را گرامی می دارم و از برگزارکنندگان این همایش عظیم حق شناسی می کنم. از خردمندانی که با ایراد مقال و یا ارائه مقاله بروزن علمی این همایش افزوده اند، سپاسگزارم و از ذات اقدس اله مسألت می کنیم به برکت ولی اش خیر و صلاح و فلاح امت اسلامی مخصوصاً شما عزیزان را به برکت دعای ولی اش مستجاب بکند و خیر دنیا و آخرت به همه شما مرحمت نماید.

این همایش گذشته از این که دارای صبغه دینی است، صبغه علمی و هم چنین چنین صبغه حقوقی نیز دارد؛ زیرا حقوق متقابل مادر و فرزند، ایجاب می کند که فرزند مادرش را بشناسد و بشناساند و براین پیوند مادر و فرزندى فخر کند. اگر فرمود: (وَ أَرْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ) و اگر فرمود: (حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ) و اگر حکومت توسعه موضوع در این جا سهم تعیین کننده دارد که دارد، و اگر نبود آیه (لَا أَنْ تَنْكِحُوا أَرْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ) همین آیه کافی بود. اگر توسعه موضوع در بخش های فراوان سهم تعیین کننده دارد در حقوق و عقوق متقابل فرزند و مادر هم سهمی دارد؛ و اگر (أَرْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ) هست که هست و اگر عقوق مادر مشروع نیست و اگر حقوق مادر لازم است و اگر اولین حق شناخت پاک دامنی مادری مادر هست ما در گرایش و همایش این کنگره عظیم دیر جنبیده ایم.

اما آن چه می توان در این گونه محاضر به عرض تان رساند اموری است:

اولاً: جاهلیت را عقلانیت کردن کاری سهل نیست؛ کار هر حکیم و هر متکلمی نیست. آدم نمی تواند این فرهنگ را در فضای جاهلی به فرهنگ عقلانی تبدیل کند فرهنگ جاهلی را فرهنگ عقلانی کردن کار هر عالم و فقیهی نیست.

معیار تصدیق و تکذیب در جاهلیت قبول و نکول پدران بود. اگر می خواستند چیزی را بپذیرند و بگویند، آری سندشان (إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ) و اگر می خواستند سلب و نفی و تکذیب کنند، برهان شان (مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولِينَ) بود. خوب اگر ملتی تصدیق و تکذیبش به قبول و نکول گذشته وابسته است این ملت مرده است.

حضرت خدیجه علیها السلام در چنین فضایی آمده و برهان عقلی اقامه نموده و قبل از بعثت موحدانه خدا را عبادت کرده است قبل از بعثت به نبوت عامه اعتقاد داشت و به نبوت انبیاء ابراهیمی معتقد بود. این بر مبنای (إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ) و (مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولِينَ) نبود.

حضرت خدیجه علیها السلام موحد بود. او قبل از بعثت موحدانه خدا را عبادت می کرد هرگز نمی گفت: (إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ)، هرگز نمی گفت: (مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولِينَ). اگر می گفت: «آبائنا»؛ یعنی ابراهیم و اسماعیل و یعقوب و اسحاق آیا این ارزش ندارد که ما چنین مادری را بشناسیم؟ ما فرزندان این مادریم

وجود مبارک امام صادق علیه السلام فرمود: «شما اگر می خواهید عالمانه زندگی کنید...» دو طرف بسته هست؛ هم ورود ممنوع است و هم خروج؛ اگر بخوای سر تکان دهی و سر را بالا ببری و نفی کنی باید برهان دستت باشد و اگر بخوای سر خم کنی و تصدیق نمایی و فتوا دهی باید برهان دستت باشد. این از هنر روایات امام صادق علیه السلام است که مرحوم کلینی نقل کرده است:

(إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى قَدْ حَصَّنَ إِوْحْصٌ إِوْحْصٌ عِبَادَةَ بَايْتَيْنِ مِنْ كِتَابِهِ)

یعنی دو قلعه و دو دژ است که هر دو هم دربان و دژبان دارد؛ دو طرف حصر

است و بسته کجا می خواهی بروی؟ می خواهی تصدیق کنی باید برهان دستت باشد (أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَيَّ اللَّهُ إِلَّا الْحَقَّ). می خواهی تکذیب کنی باید برهان دستت باشد. چون ذات اقدس اله فرمود: (بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ). این اشاره به کفار است؛ چون با این که برهان دستش نیست، تصدیق می کند و بدون برهان تکذیب می نماید.

مؤمن دو طرفش بسته است و هر دو طرف دژ و دژبان دارد و آن دژبان این آیه است (إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا). این «مسئولاً» همین دژبان است. (أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَيَّ اللَّهُ إِلَّا الْحَقَّ) همین است. اگر بخواهی بگویی نه، باید برهان دستت باشد و گرنه مشمول آیه کریمه (بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ) می شوی.

این عصر عصر جاهلیت است و فرهنگ فرهنگ تقلید است و دلالی نه تحقیق و استدلال در چنین عصری حضرت خدیجه کبری علیها السلام عالمه، عابده، زاهده و موحد بود ما به چنین مادری فخر می کنیم درست است او دوازده معصوم و معصومه به بار آورده است ولی خود مادر ما هم هست؛ زیرا (أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتِكُمْ) هست.

خوب چه کسی آن روز او را موحد کرد؟ در کدام مکتب درس خواند؟ این حنفاء قبلاً این طور بودند این بخش همان فرهنگی است که وجود مبارک مادرمان خدیجه کبری علیها السلام آمد و فرهنگ عقلانیت را در فضای جاهلی اجرا کرد.

چون آن فرهنگ فرهنگ جاهلی بود، پس اقتصاد جاهلی هم داشتند؛ اقتصاد جاهلی در محدوده ربا دور می زند.

قرآن در این زمینه می فرماید: (فَأَذَّنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ). برای مثال، بانک ربوی حرب با خداست ولی کسی به آن اهمیت نمی دهد خوب این جاهلیت است. دیگر خداوند در سوره احزاب به ما گفته نه جاهلیت مدرن و نه جاهلیت کهنه: (لَا تَبْرَجَنَّ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى). در دوران جاهلیت، ربا از یک سوی پیمان تجاری و اقتصادی رسمی بود و از سوی دیگر و دامن فروشی یک تجارت

رسمی بود؛ لذا فرمود: (لا تُكْرَهُوا فَتْيَاتِكُمْ عَلَى الْبِعَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا).

حضرت خدیجه علیها السلام بر هر دو این ها خط بطلان کشید. ایشان که تجارت و مال فراوان داشت هم ربا را تحریم کرده بود و هم بغاء را؛ این کار مادر ماست. ایشان با وجود آن ثروت کلان نیازی نداشت که کالا مال التجاره از شام به مکه و حجاز ببرد، چون با ربا می توانست آسوده زندگی کند؛ ولی هم جلوربا را گرفت و هم به این آیه نیامده عمل کرد. پس هم فرهنگ را عوض ساخت و هم اقتصاد و طهارت را عوض کرد و به تحریم ربا عمل نمود. این کار مادر ما بود.

اگر این همه خضوع ائمه علیهم السلام در پیشگاه مادر را می بینید، نه این که مادر دوازده معصوم و معصومه هست؛ نه زیرا فاطمه بنت اسد نیز مادر دوازده امام بود، ولی این مقام را ندارد این سلام و عرض ادب خاصی که ائمه نسبت به حضرت دارند ما را به کرنش در مقابل این بانو موظف می کند بنابراین اگر بخواهیم ره آوردش چیست و ما نیز باید آن را امروزه انجام دهیم، تبدیل فرهنگ جاهلیت به فرهنگ عقلانی است تحریم بانک های ربوی و تحریم مراکز فساد در فضای مجازی و غیر مجازی اگر بخواهیم این مادر از ما راضی باشد، باید راه او را طی کنیم عقوق یعنی چه؟ مگر مرده و زنده دارد؟ همه به لطف الهی می دانید پدر و مادر حقی دارند و راهی را که رفته اند باید آن راه را ادامه دهیم تا عاق آن ها نشویم باید باور کنیم که (أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتِكُمْ) تنها این نیست که به زیارت برویم و «السلام عیلک» بگوییم؛ باید راه آن ها را برویم. وجود مبارک خدیجه کبری علیها السلام ویژگی های خاصی داشت، مثلاً طرف مشورت پیامبر صلی الله علیه و آله بود؛ مأموریت داشت منزل را نگه دارد و روزها غذا برای پیامبر صلی الله علیه و آله به غار حراء ببرد

او مال التجارة فراوانی را به برکت اشراف خویش (نه کارگری و کارمندی) به سودآوری تبدیل کرد. همان مردمی که آیه (إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا) آن ها را رام کرد «لهو» در آیه زمینه تجارت است و لذا ضمیر «الیها» مفرد آمده نه تشبیه و به تجارت باز می گردد، پس اصل تجارت است و خدیجه علیها السلام کل

جریان را در زمان جاهلیت رهبری کرد و عده ای هدایت شدند. او برای ما یک مریم ثانی است که در قرآن خداوند می فرماید: (اذْکُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ). وجود مبارک خدیجه علیها السلام برای ما نه تنها مادر بلکه الگوست؛ زیرا کمال انسان در روح است. این روح اولاً مجرد است، ثانیاً مجرد نه مذکر است نه مؤنث، ثالثاً می تواند این مجرد را شکوفا کند لذا فرمود: (صَدَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوْا اَمْرًا تَّ نُوْحٍ وَ اَمْرًا تَّ لُوْطٍ). در آیه «للذین» آمده نه «لللاتی»، الگوی جامعه بد (نه زنان بد)، زن نوح علیه السلام است و الگوی جامعه بد- اعم از زن و مرد - زن لوط علیه السلام است؛ معلوم می شود که ذکوریت و انوئیت در کار نیست و مریم علیها السلام الگوی جامعه خوب است اعم از زن و مرد.

هیچ کمالی در اسلام، مشروط به ذکوریت و ممنوع به انوئیت نیست. رسالت و نبوت و رهبری کار اجرایی است و کمال نیست ولایت پشتوانه رسالت و نبوت است و همه محققان این را با برهان ثابت کرده اند. این ولایت مشروط به ذکوریت و ممنوع به انوئیت نیست؛ لذا می شود صدیقه کبری علیها السلام. مرحوم کلینی در جلد اول اصول کافی نقل می کند که جبرئیل بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله بر حضرت زهرا علیها السلام نازل می شد و مطالبی می گفت و وجود مبارک حضرت به خاطر می سپرد وقتی حضرت امیر علیه السلام به خانه می آمدند، برای ایشان املا می کرد و این می شد مصحف فاطمه علیها السلام. حضرت امیر علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: (لَقَدْ اَنْقَطَعَ بِمَوْتِكَ مَا لَمْ يَنْقَطِعْ بِمَوْتِ اَحَدٍ). بله وحی تشریحی بعد رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله قطع شد ولی وحی تکوینی و علم به غیب و ... مرتب هستند و ادامه دارند.

آن وحی و آن، علم تمام شدنی نیست؛ لذا ائمه علیهم السلام می فرمودند: «که علم ما تمام شدنی نیست» با این که خود وجود محدودی داشتند علم شان نامحدود بود. ولی خدا به علم الهی و به لدن وابسته است: (اِنَّكَ لَتَلَقِيَ الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيْمٍ عَلِيْمٍ). این علم لدنی، فقه و اصول و فلسفه و کلام نیست انسان این علوم را یا از استاد یاد می گیرد که لدنی نیست یا از کتاب یاد می گیرد که لدنی نیست یا از فرشته ها یاد می گیرد که لدنی نیست. لدن یعنی نزد. اگر برود و برود

بالا تا نزد خدا و هیچ واسطه ای نباشد، همه حجب نورانی خلق بشود (إِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ عَلِيمٍ). این دیگر تمام شدنی و خطا بردار نیست؛ خطیئه بردار هم نیست. در چنین فضایی، وجود مبارک خدیجه کبری علیها السلام آن راه ها را طی کرد و وجود مبارک امام صادق علیه السلام این سخنان را فرموده و ائمه ما این راه ها را به ما نشان داده اند. ذات مبارک اقدس اله در مورد زن فرعون چنین تعبیراتی دارد.

هیچ کمالی در دین مقدس اسلام مشروط به ذکوریت و ممنوع به انوئیت نیست مرجعیت یک کار اجرایی است آن چه فضیلت است، فقاقت هست و اجتهاد. زن می تواند در حد صاحب جواهر و یا حتی بالاتر باشد و شاگردانی تربیت کند که همگی مرجع شوند ولایت چیزی است که هم صدیقه کبری علیها السلام دارد و هم فاطمه معصومه علیهما السلام، البته با تفاوت مراتب. مادر ما ولی الله هست پس چرا به او اقتدا نکنیم و او را اسوه قرار ندهیم؟

این که ذات اقدس اله به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود به این ها بگو: «وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتِكُمْ»؛ یعنی شما بچه های یک چنین مادر هستید نه این که فقط به زیارت بروید این یک هشدار به عظمت بیت، است شما از این بیت تربیت شده اید و شناسنامه دارید چرا بچه های شیرخوارگاه به جایی نمی رسند؟ چون نمی دانند والدین شان کیست؟ چرا غالباً بچه های بیوت علمی به درجات علمی می رسند؟ چون شناسنامه دست شان هست

این آیه به ما می گوید: شناسنامه دارید و مادرتان این است. از آن طرف هم به ما شناسنامه داده اند هر کس به دنیا می آید والدینش برای او شناسنامه می گیرند، ولی وقتی بالغ شد، باید خودش شناسنامه جدیدی برای خودش بگیرد و شناسنامه طبیعی به درد او نمی خورد. حضرت اعلام کردند: (أَنَا وَعَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ)؛ یعنی ما حاضریم شما را به فرزندی بپذیریم؛ حالا وجود مبارک خدیجه کبری علیها السلام مادر ماست؛ پس خدیجه علیها السلام از دو منظر ما در ماست: یکی به حکم خدا در آیه (وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ) و دیگری این که حضرت فرمود بیاید

بچه های ما باشید خوب اگر حضرت را به پدری قبول کردیم، مادر ما که خواهد بود؟ ما مادر خود را باید انتخاب کنیم همان طور که پدرمان را انتخاب کردیم. پیامبر صلی الله علیه و آله مثل قرآن و بلکه حقیقت قرآن بودند که دو اثر دارد یک عده گمراه را گمراه تر و یک عده به راه را به راه تر می کند: (وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا). چطور قرآن عده ای را کورتر می کند. مگر این شمس، اعشا را کورتر نمی کند؟ کسی که مشکل گوارشی دارد، گلابی هرچه شیرین تر و آبدار تر باشد داد او را بیشتر در می آورد حال این تقصیر گلابی است یا تقصیر دستگاه گوارشی او طیب به او می گوید «دستگاه گوارشت ایراد دارد. خوب میوه شیرین نخور! این میوه درد تو را بیشتر می کند». ما اختیارمان به دست خودمان است که کدام یک از نه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله را به مادری انتخاب کنیم آن اولی به اختیار ما نبود ولی این اختیار با خودمان است.

ما در پذیرفتن (أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ) آزاد هستیم؛ اما با جان و دل قبول کردیم که ایشان پدر ما باشد وقتی وجود مبارک حضرت امیر علیه السلام را به پدری انتخاب کردیم، مادری که باید انتخاب بکنیم صدیقه کبری علیها السلام است و اگر حضرت رسول صلی الله علیه وسلم را به پدری انتخاب کردیم مادری که باید انتخاب کنیم باید خدیجه کبری علیها السلام باشد. آن اولی در اختیار ما نبود و گفتیم: «آمَنَّا وَ سَلَّمْنَا» ولی این دومی به اختیار خودمان است.

ما هر لحظه باید این حقوق فرزند و والدینی را بررسی کنیم و این که می فرماید: (حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا)، همین است.

وجود مبارک حضرت امیر علیه السلام را از جهاتی فرزند حضرت خدیجه علیها السلام محسوب می شوند؛ هم از جهت «وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتِكُمْ» که حضرت خدیجه علیها السلام أم المؤمنین است و هم این که فرزند ایشان محسوب می شد؛ چون در مقطعی از زندگی، در پرورشگاه ایشان تربیت شد، البته حضرت تربیت الهی داشتند. در کتاب صوت العدالة الانسانية آمده که در زمان جاهلیت یک گرانی در مکه رخنه کرد و زندگی بر جناب ابوطالب فشار آورد وجود مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله به عموهای شان فرمودند:

«گرانی به خیلی ها آسیب زده از جمله عمویم ابوطالب، بهتر است نزد ایشان رفته، به وی کمکی کنیم و کمی از بار سنگین مخارج را از دوش ایشان برداریم». وقتی این مسأله را با ابوطالب مطرح کردند فرمود: «دعی لی عقیلاً و خذوا من شتمم؛ عقیل پسر بزرگ و کمک حال من است پس بهتر است برای کمک به من در کنارم باشد. از دیگر فرزندان هر کدام را که خواستید همراه خود ببرید تا از این بار سنگین اقتصادی عائله کاسته شود».

اول کسی که سخن گفت پیامبر صلی الله علیه و آله بودند که فرمودند: «من علی را با خود می برم». البته این خواست خداوند است و ما نمی دانیم که گرانی و ارزانی برای چیست؟

زراره یکی از شاگردان ویژه امام صادق علیه السلام بود. جمعی به محضر حضرت رسیدند و حضرت در حضور آنان از زاره بد گفتند. وقتی خبر به او رسید، خدمت حضرت آمده عرض داشت: باین رسول الله! من که شاگرد مخصوص شما هستم و هر وقت بخواهم خدمت می رسم سبب این که در حضور آن از بنده بد گفتید چه بود؟» حضرت فرمودند: «زراره من در غیاب تو جانت را حفظ کردم. در بین آن اشخاص، عمال بنی عباس حضور داشتند و منتظر بودند تا از تو تعریف کنم و بهانه ای برای آسیب رساندن به تو به دست آن ها بدهم. شنیده ای که خضر کشتی را سوراخ کرد تا از گزند دشمنان سالم بماند؟ کار ما هم چنین است؛ گاهی آسیب می رسانیم که بماند وگرنه شما که پیش ما محترم هستی».

وجود مبارک حضرت امیر علیه السلام از همان ابتدا تحت تربیت پیامبر صلی الله علیه و آله بود. وقتی به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله آمد کودکی بیش نبود که تمام امور داخلی به عهده مادرمان خدیجه کبری علیها السلام بود. ما وقتی در تهران اولین سال درس خارج را از محضر آیت الله محمد تقی آملی استفاده می کردیم (ایشان شخصی بود که مرحوم آقا ضیاء در اجازه اجتهادشان از ایشان به کشف المجتهدین العظام و از مرحوم نایینی به صفوة المجتهدین العظام نام برده بودند)، برای اولین بار این

مطلب را از ایشان شنیدم که شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: «یا بن رسول الله علیه السلام چرا به پیامبر صلی الله علیه و آله ابوالقاسم می گفتند؟» حضرت فرمودند: «چون پسری داشتند که نامش قاسم بود و به همین سبب کنیه ایشان ابوالقاسم بود». عرض کرد: «یا بن رسول الله زدنی بیانا»؛ شما می دانید این جواب سؤال بنده نیست و من برای شنیدن این پاسخ نیامده ام». حضرت فرمودند: «حال که آماده شنیدن جواب هستی بگو ببینم مگر نه این است که علی علیه السلام تربیت شده مکتب پیغمبر صلی الله علیه و آله است؟» عرض کرد: «بله». فرمود: «مگر نه این است که شاگرد فرزند استاد هست؟» عرض کرد: «بله». فرمود: «مگر نه این است که علی علیه السلام قسیم النار و الجنة است؟». عرض کرد: «بله» فرمود: پس پیامبر صلی الله علیه و آله ابوالقاسم می شود».

خدیجه علیها السلام نه تنها ام المؤمنین فقهی است، ام المؤمنین فرهنگی ام المؤمنین اقتصادی و ام المؤمنین عفاف و حجاب نیز است. وقتی این ها را داریم دنبال چه می گردیم؟ شما عزیزان باید بدانید که خداوند سبحان، هر شخصی را استعدادی داده است. از آیه (ما مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ) معلوم می شود که تنها برای فرشته ها نیست؛ زیرا (النَّاسُ مَعَادِنَ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِصَّةِ). این اصل اول.

اصل دوم این که خداوند هر اندازه به ما نعمت داده ما مسئول هستیم: (لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ). ما هم به اندازه ای که می فهمیم، مسئول هستیم و به میزانی که نمی فهمیم مسئولیتی نداریم اگر به ما یک استعدادی داد و احساس کردیم که گاهی با صاحب جواهر کلنجر برویم و گاهی با صاحب کفایه و گاهی با شیخ انصاری و هر حرفی را به سادگی قبول نکنیم، پس در این صورت روحیه دلالی در ما نیست و روحیه تحقیق در ماست و معلوم می شود که مسئولیم همچنین اگر طلبه ای امام جماعت امام جمعه وکیل و یا قاضی بشود، بعید می دانم در قیامت بتواند جواب گو باشد.

این نهال فروشی غده ایست برای حوزه مراجع حوزه را تأمین می کنند. قبلاً مراجع 80-90 ساله چند نفر بودند و حوزه ها پر از محققانی بود که تالی تلو

مرجع بودند حوزه نجف و غیره را مرجعیت دینی حفظ می کند. دین مردم به مرجعیت است. اگر طلبه ای این هوش را در خود می بیند، باید این هوش را ارزان نفروشد. طلبه باید بداند که امام جماعت شدن امام جمعه شدن و قاضی شدن واجب کفایی است و وظیفه همه ماست که این ها و نظام و احتیاجات نظام را تأمین کنیم؛ ولی اگر کسی «الناس معادن كمعادن الذهب و الفضة» بود او هیچ جوابی در قیامت در پیشگاه خداوند نخواهد داشت. چنین شخصی باید در حوزه بماند و فقط و فقط تألیف و تدریس کند و شاگرد و مجتهد تربیت نماید حوزه باید چنین باشد باید بین خود و خدای خود این راه را داشته باشید و گرنه صفوة المجتهدين العظام و كهف المجتهدين العظام تربیت نمی شود.

ما الان غرق در نعمت هستیم این انقلاب صدها سؤال برای ما آورده که باید پاسخ دهیم. همه شما با تفسیر آشنا هستید. آن چه مرحوم طوسی در تبیان آورده مرحوم امین الاسلام با یک تنظیم خاصی در مجمع البیان آورده و کم تر چیز تازه ای در آن است چند قرن بعد از امین الاسلام مرحوم فیض تفسیر نوشت. بعد از فیض چهار صد سال حوزه خاموش بود وقتی قرآن مهجور باشد چه چیز می تواند جامعه را اداره کند؟ نگذاشتند یا نخواستیم یا غافل بودیم که چهار صد سال این قرآن متروک بود. بعد هم که مرحوم علامه آمد، اگر جنگ های جهانی اول و دوم و جریان مشروطه، نبود ایشان هم حداکثر یک مقدار بیش تر از صافی می نوشتند اما و ما ادریک المیزان المیزان کجا و صافی کجا؟

جنگ های جهانی اول و دوم چقدر برکت آورد؟ این ها یک غده سرطانی هستند. غده سرطانی چقدر برکت می آورد؟ صد ها دانشکده پزشکی به برکت سرطان تأسیس شده ما که در عالم شر بالذات نداریم، این ها شرّ بالعرض هستند. اگر مرض، نبود این همه سازمان پزشکی و وزارت درمان تأسیس نمی شد.

این انقلاب صدها مسأله دارد و صدها جواب می خواهد. دادن این جواب ها از طلبه ای که تنها امام جماعت و امام جمعه و... باشد، ساخته نیست. تنها از

طلبه زرین فکر برمی آید. اگر استعدادی در خود دیدید، جواب خدا را باید بدهید. البته با قناعت هم می شود زندگی آبرومندانه داشت ما بر زندگی مان باید مسلط. باشیم این پیام مادر ماست. آن شعب ابی طالب را مادرمان طی کرد.

اگر گفتیم کنگره بین المللی خدیجه علیها السلام یعنی این؛ یعنی با تحریم ساختن با دین ساختن و علیه تحریم قیام کردن خدا رحمت کند شهید مطهری را که گفته بود: قاتل حسین بن علی علیه السلام تنها شمر نبود. همان طور که می گوئیم: خدایا لعنت کن قاتل الحسین و شایعت و بایعت و تابعت این ها را هم می گوئیم امروز شبهه، علمی، شبهه عبائیه نایینی نیست. آن شبهه رخت بر بست. امروز شبهه مطرح شبهه کانت و هگل است که جوانان ما با سجاده وارد دانشگاه می شوند و بی نماز خارج می گردند. این سخن امام صادق علیه السلام که فرمود: (العالمُ بِرَمَانِهِ ، لا- تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللّٰوَابِسُ)، عکس نقیض هم دارد دیگر خود استدلال به عکس نقیض در کافی از وجود مبارک حضرت هست آن جا که می فرماید: (من هَجَمَتِ عَلَیْهِ اللّٰوَابِسُ فلیس بعالم). بنابراین امیدواریم از این گونه کنگره ها علم صائب و عمل صالح نصیب همه ما بشود.

ص: 37

«و الصلاة والسلام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم المصطفی محمد صلی الله علیه و آله و علی آله العطیین ، لاسیما بقیة الله فی العرضین».

خدا را شاکرم که به دوستان مان توفیق عطا فرمود که در راهی بسیار مقدس قدم گذارند و از همه برادران و خواهران ارجمند و نهادهای فاخر قم که در برگزاری این همایش سهیم بودند متشکرم حوزه خواهران جامعه الزهراء، جامعه المصطفی و مؤسسات تابعه این نهادها همه سهیم بودند. نویسندگان مقالات از خواهران و برادران ، اساتید ، بزرگوار مراجع عظام رهبر عالی قدر و محققان و نویسندگان ارجمند هیأت علمی داوران و تهیه کنندگان این جلسه فاخر در صبح و بعد از ظهر و همه دوستانی که در یک سال در کسوت ها و کوشش های مختلف در خدمت این احیای مقدس بودند باید تشکر کرد به ویژه از برادر عزیز و بزرگوارمان جناب آقای دکتر رفیعی که خیلی زحمت کشیدند و خیلی همت ورزیدند و دوستان بزرگواری که با ایشان بودند و پشتیبانی کردند همه انشاء الله اجرشان با خداوند تبارک و تعالی این پدیده مبارک و زنده داشت نام مادر مؤمنان و مادر امامان و پرچم دار دفاع از رسالت را باید به شما تبریک گفت؛ به همه شما برادران و خواهرانی که همراه این کاروان حرکت کردید.

حضرت خدیجه کبری علیها السلام دارای زندگی پرفروغ و شخصیتی بسیار ممتاز و کم نظیر است. کسی که نام او در لیلۃ الاسرا و در معراج و در پیشگاه خدا به میان می آید و در آن گفت و گوی رویاروی پیامبر صلی الله علیه و آله با عالم غیب و لاهوت و ملکوت نامش ذکر می گردد که همین بالاترین افتخار هست. کسی که به واسطه جبرئیل و پیامبر صلی الله علیه و آله، مخاطب سلام خداوند قرار می گیرد و نام زیبای او در شب معراج

طنین می افکند و کروبیان و ملکوتیان از او یاد می کنند این نشانه عظمت است.

در محور اول، سخنانم به چند نکته درباره زندگی و ویژگی های خدیجه کبری علیها السلام و در محور دوم به چند نکته از زاویه دیگر اشاره خواهم کرد.

در محور اول نخستین نکته درجه معرفت ناب ایشان است. عصر جاهلیت بین 100 تا 200 سال عمر داشت؛ این دوره یعنی فروریزی تمام ارزش های متعالی و زیر و رو شدن ارزش های الهی و انسانی؛ یعنی به انحراف گراییدن همه گروه های اجتماعی و سقوط تمام آن چه از ابراهیم خلیل الرحمان و انبیای الهی به ارث رسیده بود؛ آن هم کجا؟ در پایگاه توحید و خانه خدا.

افراد معدودی در این دوره «حنفا» خوانده می شدند که غالباً از دودمانی پاک بودند و طوفان و امواج سهمگین جاهلی آن ها را غرق نکرد و چرخ های بی رحم انحراف ها و بت پرستی ها و آلودگی ها آن ها را پایمال نمود؛ مانند حضرت خدیجه علیها السلام که در برابر امواج سهمگین شرک و کفر و بت پرستی و فساد و فحشا و آلودگی ها ایستاد؛ زیرا دارای لایه های عمیق معرفتی و فکری بود.

قرآن کریم می فرماید: (إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادَى). این قیام فرادای این بانوی بزرگ، جلوه معرفت ناب و گذر از همه تحلیل های سطحی عالم بود.

آن بانو در میان حنفای عصر جاهلیت مانند خورشید می تابید و معرفت او در حدی بود که بوی رسالت را استشمام می کرد از دواج ایشان با پیامبر صلی الله علیه و آله از دواج ساده ای نبود؛ نشانه ها و کدهای تاریخی اش را از قبل می دید. این روح خیلی بلند و نگاه عمیق آسمانی و راهبردی می خواهد که از این لایه ها عبور کرده ژرفای تاریخ را ببیند و بوی رسالت را استشمام کند. استشمام بوی رسالت کار هر کسی نبود. نبود این استشمام معرفت عمیق و تحلیل ناب می خواست؛ دست مایه ای از عالم ملکوت که باید در این وجود تجلی بکند تا بوی رسالت را استشمام نماید و وزش یک باد جدید از عالم ملکوت و عالم ملک را احساس کند.

نکته دوم این که خدیجه علیها السلام نقطه گذر از این جاهلیت به عصر نور و تمدن جدید و نقش آفرین این گذار است. آن بانو عنصر منفعل در این گذار نبود بلکه عنصر فعال بود؛ یعنی علاوه برداشتن شمع معرفت و عمق نگاه و تحلیل عمیق خود،

عنصری فعال در گذر از جاهلیت به دنیای جدید و جهان بعثت به شمار می آید.

او پرچم دار دوره گذار و انتقال از تاریکی ها به روشنایی ها بود و در گذر از فساد ها و آلودگی ها به بعثت پر فروغ پیامبر صلی الله علیه و آله ، عنصر فعال و نقطه وصل و اثرگذار بود.

این انتقال تاریخ بشر از جاهلیتی که بر جزیره العرب حاکمیت داشت و همه تمدن های عصر پیامبر صلی الله علیه و آله را در خود هضم کرده بود، یک انقلاب عظیم به شمار می آید انتقال از این جاهلیت به دنیای جدید، یک زایمان فوق العاده تاریخی محسوب می شد و امر ساده ای نبود. نبوت عظمت پیامبر صلی الله علیه و آله ، توفیقات الهی و پیدایش معدود انسان هایی بود که در آن دوره گذار و گذر جان فشانی کردند و عمل راهبردی از خود نشان دادند؛ لذا بشر اصلاً از یک وضعی به وضع دیگر منتقل شد انتقال تاریخ بشر از یک مرحله پست به یک مرحله بسیار باشکوه و پایه ریزی یک تمدن نوآن هم از بدترین نقطه عالم و منحط ترین جامعه.

حضرت خدیجه کبری علیها السلام قهرمان این میدان، نیز بود گزارش های دقیقی از سال های قبل از بعثت در دست نیست ولی کدهایی وجود دارد که به ما می گوید خدیجه علیها السلام خود را آماده این انتقال می کرد انتخاب ازدواج آن بانو با حضرت رسول صلی الله علیه و آله خیلی هوشمندانه و آگاهانه بود این ازدواج برای آماده سازی جامعه برای یک تحول بزرگ به شمار می آید. پس خدیجه علیها السلام یک پرچم برافراشته دوره گذار و حلقه انتقال. بود ایشان نگاه عمیق ملکوتی و راهبردی داشت در عصری که کسی هیچ نشانی حس نمی کرد.

نکته سوم این که خدیجه علیها السلام الگوی جدیدی از زن و خانواده بود؛ الگوی خانواده ای کاملاً متفاوت با دیگر خانواده ها. من این نوع خانواده ها را آرمانی می نامم؛ یعنی خانواده ای که در این شاخصه های معمولی و سطحی هضم نشده است. حضرت خدیجه علیها السلام و فاطمه علیها السلام و زینب سه حلقه و نگین درخشان تاریخ اسلام و الگوهای از پاکی و عصمت در عصری بودند که همه چیز ناپاک بود این طهارت و عصمت در خانه خدیجه علیها السلام تجلی یافت که فراتر از خانه های عادی بود

نکته چهارم این که حضرت خدیجه علیها السلام الگوی دارایی و حکمت الگوی، دارایی و معرفت و الگوی دارایی و جهاد و مقاومت بود. اصولاً تجمع ثروت و مال و همراه شدن شان با دانش و معرفت و مقاومت و جهاد مصادیق کمی دارد؛ ولی خدیجه کبری علیها السلام در سخت ترین دوران الگوی بی مثالی در جمع بین ثروت و معرفت و حکمت و جهاد و مقاومت به شمار می رفت جمع این ارزش ها دشوار است؛ زیرا طبیعت، ثروت، معمولاً تن آسایی و گریز از معرکه هاست. طبیعت تعلق به تمتعات مادی دور شدن از معرفت های آسمانی است، ولی این تضادها در این بانوی بزرگوار در آن زمان جمع شده بود.

نکته آخر این که خدیجه علیها السلام جلوه گاه انوار امامت بود و میراث همه انبیا و اولیای الهی از این زن پاک به عالم منتقل شده است. این یک طهارت ذاتی و طهارت اکتسابی می خواهد که هر دو در آن بانو جمع بود. ایشان در کنار رسالت قرار گرفت و پایگاه امامت و مادر مؤمنان شد.

ما زنده داشت برای بانوی بزرگوار گرفته ایم که تنها همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود که در چنین جایگاه رفیعی قرار گرفت و قله بلندی را احراز کرد. این زنده داشت چند جهت دارد یکی عرض سپاس و ادب و شکر است. همه ما مدیون این بانوی بزرگ هستیم و بر سر سفره این مادر نمونه نشسته ایم، پس باید سپاسگزار باشیم. مردان و زنان امروز در هر جای عالم باید از این بانو الهام بگیرند. این گرامی داشت تنها برای شیعیان نیست بلکه همه امت اسلام به شناخت و ویژگی های این بانو نیاز دارند.

نکته مهم دیگر این که بحث اعتقاد یا عدم اعتقاد به امامت در شیعه و سنی بسیار مهم است و با این که با همه وجود مدافع اصل نورانی امامت هستیم، اولیاء ما به ما آموخته اند که این را ابزاری برای خون ریزی و درگیری قرار ندهیم بلکه کار فرهنگی بکنیم.

متأسفانه در دنیای امروز کسانی می خواهند این دو جبهه را بر هم منطبق کنند، ولی به اعتقاد ما این دو جبهه بندی از هم جدا هستند. یکی جبهه بندی فکری و اعتقادی و بر اساس مسأله امامت است که در این جا باید آرام سخن

گفت و بحث کرد دیگری جبهه عنودانه و کینه ورزانه اقلیت کفرآلود و منحرف در برابر اصالت رسالت و گرایش خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ در حالی که همه مسلمانان آگاه به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله عشق ورزیده و برای اهل بیت جایگاه رفیعی قائل بوده اند.

این دو جبهه گیری امروز دوباره فعال شده و قدرت های بیگانه قصد دارند این دو معادله را بر هم منطبق کنند و ما می گوئیم که این دو منطبق نیستند. آن هایی که امروز در برابر مسلمانان چه شیعه و چه سنی ایستاده اند، دارای افکار انحرافی اموی هستند که گاهی در تاریخ ما جلوه گری می کند. البته گاهی کارهای علمی بسیار خطرناکی انجام می دهند.

گرایشی که امروز در جبهه های داعشی تجلی یافته انحراف از مسیر خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، تحریف فضیلت های اهل بیت علیهم السلام و تهمت زدن و بدل سازی است. امروز آنان در غالب پایان نامه ها رساله ها و تحقیقات کذایی در ام القرای، مدینه و جاهای مختلف دنیای اسلام فعالیت هایی را انجام می دهند تا فضایل این خاندان را کم اهمیت جلوه دهند.

این هر چهار ترفند شیطانی از این گروه اقلیت نادان را در برابر خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز خدیجه کبری علیها السلام شاهدهیم؛ مثل طرح بالا- بودن سن شان هنگام ازدواج با حضرت و یا این که قبلاً دوبار ازدواج کرده بودند و ... آنان قصد دارند شأن این بانوی بزرگوار را پایین بیاورند و با زدن تهمت ها و بدل سازی ها، سعی در کم فروغ کردن شخصیت ایشان دارند و نهایتاً قصدشان این است که این خورشید را در پس ابرها مخفی کنند؛ لذا با برگزاری چنین همایش هایی این ابرها را باید کنار بزنیم

آفرین بر شما و بر همه همه تلاش گران این عرصه که با همت خود در این زمینه کوشیدید چنین همایش هایی باید در سطح ملی و فراملی و با مشارکت همه مسلمانان معتقد به جایگاه این مادر مؤمنان انجام بشود. بنابراین کار بزرگی انجام شده ولی راه درازی در پیش است و از خداوند می خواهیم که به ما در این زمینه کمک بکند.

«الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين لاسيما بقية الله الاعظم ارواحنا فداء».

قبل از هر سخن، از برگزارکنندگان و مجریان این همایش نورانی تشکر می‌کنم؛ به ویژه از برادر عزیزم جناب آقای دکتر رفیعی که از مدت‌ها قبل در تدارک این محفل نورانی بودند.

تکریم و تعظیم ام‌المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام، کار بجا و شایسته‌ای است.

این بانوی یکی از شخصیت‌های ممتاز با فضیلت و بسیار تأثیرگذار در تاریخ اسلام است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در تجلیل از این شخصیت، در کنار سه بانوی، دیگر تعبیرهای بلندی دارند؛ تعبیری که شیعه و سنی نقل کرده‌اند: «افضل النساء العالمين». وقتی حضرت می‌خواهند بهترین زنان جهان و جهانیان را نام ببرند ابتدا از حضرت خدیجه کبری علیها السلام و بعد دختر بزرگوارشان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، سپس مریم کبری و بعد آسیه یاد می‌کنند. هم‌چنین این چهار بانو را برترین زنان بهشت می‌دانند «افضل النساء اهل الجنة...»

نیز در برخی منابع اهل سنت مثل معجم طبرانی و مجمع البیان آمده که حضرت می‌فرمایند: (كَمَلَ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرًا وَ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا أَرْبَعَةً) این چهار زن در تاریخ بشریت، کامل‌ترین زنان جهان هستند. جالب این‌که منابع اصلی اهل سنت، صدر حدیث را آورده‌اند، ولی اسامی مبارک حضرت خدیجه علیها السلام حضرت فاطمه علیها السلام را از آخر حدیث حذف کرده‌اند.

این احادیثی که اشاره شد، خصوصاً حدیث اول و دوم، نشانه این است

که چهار زن در تاریخ بشریت به قله رفیع انسانیت دست یافته اند: حضرت خدیجه علیها السلام، فاطمه علیها السلام، مریم علیها السلام و آسیه علیها السلام.

کمالات شخصیت های بزرگ به دو بخش تقسیم می شود: کمالات اختیاری کمالات غیر اختیاری کمالات اختیاری نیز خود به دو بخش اختیاری اختصاصی و غیراختصاصی تقسیم می گردد.

کمالات غیراختیاری مثل فضایل ذاتی شخصیت های بزرگ است. شماری از شخصیت های بزرگ دارای فضایل ذاتی هستند؛ حالا ریشه این کمالات کجاست بحث مفصلی دارد که البته به تحلیل بنده از کمالات اختیاری سرچشمه می گیرد برای، نمونه امام صادق علیه السلام می فرمایند: (ثَلَاثُ خِصَالٍ مِّنْ رُّزُقِهَا كَأَنَّ كَامِلًا). (العقلُ، والجَمالُ، والفَصاحَةُ)؛ سه ویژگی وجود دارد که اگر این سه روزی فردی، شود او فرد کاملی است:

یکی قدرت درک و عقل دیگری داشتن جمال زیبا و سومی داشتن بیان فصیح و بلیغ این ها، طبیعی، ذاتی و سرشتی هستند. داشتن این فضایل دست خود شخص نیست که زیبا رو باشد و یا قدرت درک بالایی داشته باشد؛ البته ممکن است با خوردن فلان غذا یا انجام دادن فلان کار، حافظه را تقویت، کرد ولی کسی که قدرت درک ذاتی بالایی ندارد با این کارها نمی شود قدرت درک او را مثلاً تا حدّ قدرت درک بوعلی سینا بالا برد. این امکان پذیر نیست. فصاحت نیز همین گونه است.

البته مراد آن حضرت از این که می فرمایند: کسی که سه ویژگی عقل جمال و فصاحت را با هم داشته باشد به کمال رسیده»، کمال صفات غیراختیاری فرد است نه مطلق کمالات اختیاری و غیراختیاری

دسته دیگر از کمالات اختیاری است و انسان می تواند آن ها را کسب کند و یا کسب نکند؛ مانند عقاید درست اخلاق نیکو و اعمال نیک این ها کمالات اختیاری هستند؛ ولی همین کمالات به دو دسته اختصاصی و غیراختصاصی تقسیم می شود و آن چه قصد داریم در مورد آن صحبت کنیم، مربوط به کمالات

اختیاری و غیراختیاری خدیجه کبری علیها السلام است

در مورد کمالات غیر اختیاری آن بانو به همان ویژگی هایی که امام صادق علیه السلام بر شمردند می توان اشاره کرد؛ یعنی کمال عقل و جمال و فصاحت در روایات آمده است:

(كَانَتْ مِنْ أَحْسَنِ النِّسَاءِ جَمَالًا وَ أَكْمَلُهُنَّ عَقْلًا وَ أَتَمَّهُنَّ رَأْيًا)؛ ایشان دارای زیبایی و عقل کامل بوده اند. در مورد فصاحت و بلاغت نیز گفته شده که ایشان سروده های زیبایی در وصف رسول الله صلی الله علیه و آله داشته اند؛ سروده هایی که منسوب به ایشان است.

حضرت خدیجه علیها السلام یک سری کمالاتی نیز داشتند که اکتسابی و اختصاصی ایشان بود؛ مثل این که ایشان اولین زن مسلمان بود خوب اسلام آوردن ایشان اختیاری بود ولی این طور نیست که هر کسی بتواند اولین زن مسلمان باشد. این کمال اختیاری به آن بزرگوار اختصاص دارد.

امام کاظم علیه السلام در روایتی می فرمایند:

(سئلتُ ابي عن بدء الاسلام؛ از پدرم در مورد آغاز اسلام پرسیدم. ایشان فرمودند:

جبرئیل بر حضرت نازل شد در حالی که خدیجه علیها السلام و علی علیه السلام نزد ایشان حضور داشتند پیامبر صلی الله علیه و آله رو کرد به خدیجه علیها السلام و علی علیه السلام و فرمودند: (إِنَّ جِبْرَائِيلَ عِنْدِي وَ يَدْعُوكُمَا بَبَيْعَةِ الْإِسْلَامِ)؛ یعنی دعوت این دو بزرگوار به دعوت خود خداوند و به واسطه جبرئیل بوده است؛ فَأَسْلِمَا تَسْلَمًا، وَأَطِيعَا تُهْدَيَا). این اولین بیعت در تاریخ اسلام بود که جبرئیل آن را بیعت الاسلام نامید.

حضرت علی علیه السلام اولین مرد مسلمان و حضرت خدیجه علیها السلام اولین زن مسلمان بودند که در اسلام بر دیگر زنان سبقت داشتند امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند:

(لَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يَوْمَئِذٍ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ أَنَا ثَالِثُهُمَا). این از ویژگی های خدیجه کبری علیها السلام به شمار می آید که به اختیار بوده و به ایشان اختصاص دارد

کمال اختیاری اختصاصی دیگر این است که آن بانو بزرگ ترین ثروتمند بود که تمام ثروتش را در راه خدا و برای ترویج اسلام هزینه کرد. در تاریخ داریم: (كَانَتْ أَكْثَرَ قُرَيْشٍ مَالًا) و در آیه (يَلْفِيهِمْ رِحْلَةَ الْإِسْتِثَاءِ وَالصَّيْفِ). این کاروانی که در دو فصل رفت و آمد و تجارت داشتند بخش اعظمش به حضرت خدیجه علیها السلام تعلق داشت رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«ما نفعني مال قط ما نفعني مال خديجة؛ هیچ مالی به اندازه مال خدیجه علیها السلام برای من نفع نداشت».

این که مال آن بانو تماماً صرف ترویج اسلام، شد درست است؛ ولی این که گاهی شنیده می شود که اگر مال خدیجه علیها السلام و شمشیر حضرت علی علیه السلام نبود اسلام رواج نمی یافت درست نیست؛ زیرا مفهوم این سخن این است که اسلام به قدرت مال و زور شمشیر رواج یافت و این درست نیست؛ زیرا اسلام با منطق رواج یافته است بلکه شمشیر حضرت علی علیه السلام موانع را از سر راه برداشت و مال حضرت خدیجه علیها السلام هم به ترویج اسلام کمک کرد

پس این که خدیجه کبری علیها السلام به عنوان بزرگ ترین ثروتمند قریش، تمام اموال خود را در راه خدا و برای ترویج اسلام هزینه کرد از کمالات اختیاری اختصاصی آن بانو به شمار می آید.

خدیجه علیها السلام تنها زن یا نخستین زنی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله با او مشورت می کردند پیامبر صلی الله علیه و آله خود عقل کل بودند و کسی که به عقل کل مشورت می دهد باید خیلی اهل نظر و اهل فکر باشد در تذکرة الخواص آمده:

(كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُوَدُّهَا وَيَحْتَرِمُهَا وَيُشَاوِرُهَا فِي أُمُورِهِ كُلِّهَا)

پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان علاقه داشتند و به او احترام می گزاردند و در تمام امور از ایشان مشورت می گرفتند.

(وَكَانَتْ وَزِيرَةَ صِدْقٍ)؛ یعنی دستیار صادقی برای حضرت بودند و این خیلی مهم است. همچنین در تعبیر دیگری آمده (كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَسْكُنُ)؛ یعنی سبب آرامش پیامبر صلی الله علیه و آله بودند.

فضیلت اختصاصی دیگر این که ایشان تنها زنی است که ادامه دهنده نسل پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می روند. حضرت فاطمه علیها السلام مادر همه امامان علیهم السلام و ادامه دهنده نسل پیامبر صلی الله علیه و آله فرزند این مادر بودند.

آن بانو کمالات اختیاری غیراختصاصی هم داشتند که بیشتر به درد ما می خورد؛ زیرا قابل الگوبرداری هستند از کمالات ذاتی و اختصاصی نمی توان الگو گرفت هر چند از جهاتی می توانند به انسان الهام بخش باشند، اما آن، کمالات به خود خدیجه کبری علیها السلام اختصاص دارند.

اما از کمالات غیراختصاصی ایشان یکی طهارت و پاکی آن حضرت است:

«كانت تدعى في الخاهلية طاهرة لتركها ما كنت تفعله نساء الجاهلية».

هم چنین در زیارت ائمه علیهم السلام می خوانیم:

(أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ).

این پاکی قابل الگوگیری است و مردان و زنان جهان می توانند از این ویژگی اختیاری الگو بگیرند.

صداقت و راست گویی یکی دیگر از ویژگی های خدیجه کبری علیها السلام بود. در روایات آمده است که جبرئیل خدمت رسول الله نازل شد و هنگامی که در نزد ایشان حضور داشت حضرت خدیجه علیها السلام از جلو آن ها عبور کرد. جبرئیل پرسید: «من هذه يا محمد؟» حضرت پاسخ دادند: «هذه صدیقة امّتی» صدیقه مبالغه در صدق است. جبرئیل گفت: «عند معی رسالة من ربّی، تقرءها السلام و تبشرها بأنّ لها بیت فی الجنة»؛ «شما از طرف خدا به او سلام برسان و خانه ای در بهشت را نیز به ایشان بشارت بده» صدیقه از صداقت می آید و صداقت قابل الگوگیری است

هم چنین به ایثار و نفاق می توان اشاره کرد. اموال آن بانو را تا هشتاد هزار شتر گفته اند و هم چنین چهار هزار غلام و کنیز داشته که همه این اموال و غلامان را در راه خدا دادن کار ساده ای نیست این نیز قابل الگوگیری است، البته هر کس به اندازه توانش

دفاع از اسلام و ارزش های اسلامی کمال اختیاری دیگر ایشان است. در آن دوران، غربت دفاع از اسلام ارزش های اسلامی و فرهنگ و عقاید اسلامی بسیار، اهمیت داشت که در این روزگار و انفسای فرهنگی می توانیم از آن الگو بگیریم.

مدیریت اقتصادی خوب و دقیق ایشان نیز از فضایل غیر اختصاصی به شمار می آید که این منافاتی با زن بودنش ندارد.

مسأله دیگر ازدواج حضرت (نوع ازدواج و شرایط انتخاب همسر) است که از فضایل اکتسابی غیر اختصاصی این بانوی بزرگوار به شمار می آید. ایشان در مورد انتخاب پیامبر صلی الله علیه و آله و به همسری خود عرض می کند:

(يَا بَنَ عَمٍّ! إِنِّي قَدْ رَغِبْتُ فِيكَ لِقِرَابَتِكَ وَ شَرَفِكَ فِي قَوْمِكَ وَ أَمَانَتِكَ عِنْدَهُمْ وَ حُسْنَ خُلُقِكَ وَ صِدْقَ حَدِيثِكَ)

وقتی زنی می خواهد فردی را به شوهری خود انتخاب کند باید این ها از میزان ها و معیارهایی باشد که در انتخاب خود لحاظ می کند. البته این چنین نبود که او خواستگاری نداشته بلکه در تاریخ آمده است:

(وَ كُلَّ قَوْمٍهَا قَدْ كَانَ حَرِيصًا عَلَى تَرْوِيجِهَا).

ولی ایشان به رسول خدا صلی الله علیه و آله می گوید که به این دلیل این ویژگی هایی که داشتید انتخاب کردم این شاخص ها می تواند در انتخاب همسر سر الگو باشد.

چکیده

با وجود اهمیت جایگاه و نقش حضرت خدیجه علیها السلام در تاریخ اسلام پژوهشگران کم تر به تدوین حیات و زندگانی آن حضرت توجه کرده اند؛ شاید دلیل عمده، آن پراکندگی و کمبود گزارش ها درباره ایشان باشد با توجه به این کاستی این نوشتار با استناد به منابع و متون متقدم، تاریخی حدیثی و تفسیری - اغلب پیش از قرن هفتم هجری - حیات و زندگانی این بانورا کاوش و بررسی می کند. سعی شده تا حد، امکان دوره های مختلف حیات آن حضرت با روش، تاریخی در ساختاری به ترتیب تاریخی و منسجم، گردآوری شود تا تصویری مستند برای پیگیری حیات آن حضرت و تدوین سیره آن بزرگوار به دست آید

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام، زیست نامه، پیامبر اسلام، دختر خویلد.

خانواده و ولادت

حضرت خدیجه علیها السلام دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی ابن قصی بود (1) پدرش از بزرگان و اشراف طایفه بنی اسد، یکی از طوایف مشهور قریش، به شمار می آمد. شواهد تاریخی نشان می دهد خویلد در میان قریش دارای نفوذ بوده است. او در حوادثی مانند مقابله با حاکم یمن که درصدد بود حجر الاسود را از

ص: 49

مکه به یمن منتقل کند نقش بارزی ایفا کرد و در مقابل او ایستاد. (1) هم چنین خویلد در حفر و احیای زمزم عبدالمطلب را یاری رساند. (2) گفته شده که وی قبل از جنگ فجار (3) از دنیا رفت. (4) برخی هم گفته اند در این جنگ کشته شد. (5)

مادر حضرت خدیجه علیها السلام فاطمه دختر زانده بنت اصم (6) از قبیله بنی عامر بود. (7) خدیجه علیها السلام پانزده سال قبل از عام الفیل به دنیا آمد. (8) او دو خواهر به نام های هاله و رفیقه و سه برادر به نام های، عوام حزام و نوفل داشت. نوفل به «اسد قریش» معروف بود. (9) ورقه بن نوفل و حکیم بن حزام برادرزاده های او نیز شخصیت های معروف بنی اسد در صدر اسلام به شمار می رفتند ورقه که کیش مسیحی داشت. (10) همان کسی بود که طبق منابع سیره، به خدیجه علیها السلام خبر داد که همسرش به نبوت خواهد رسید. (11) حکیم بن حزام از اعضای دارالندوه قریش به شمار می رفت. (12) همو دارالندوه را در زمان حکومت معاویه از وی خرید (13) برادرزاده دیگر خدیجه یعنی زبیر بن عوام (م 36) که پسر عمه رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بود، جزو مسلمانان پیشگام به شمار می رفت. دو فرزند وی به

ص: 50

-
- 1- البدایه والنهایه، ج 2، ص 296؛ ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 268
 - 2- معجم البلدان، ج 3، ص 149
 - 3- جنگ فجار یا جنگ گناه یا فسق مجموعه جنگ هایی بود بین کنانه و قریش از یک سو و قیس العیلان از سوی دیگر در ماه های حرام اتفاق افتاد این جنگ ها در هنگام نوجوانی و جوانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اتفاق افتاد (رك: السیره النبویه، ج 1، ص 184).
 - 4- البدایه والنهایه، ج 2، ص 296
 - 5- امتاع الاسماع، ج 1، ص 18
 - 6- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 189؛ انساب الاشراف، ج 1، ص 396؛ الذریه الطاهره، ص 44؛ الاستیعاب، ج 4، ص 1817.
 - 7- انساب الاشراف، ج 1، ص 396؛ اسدالغابه، ج 3، ص 760.
 - 8- الاستیعاب، ج 1، ص 35؛ تذکره الخواص، ص 271.
 - 9- جمهره انساب العرب، ص 120-121.
 - 10- بیهقی، دلائل النبوه، ج 2، ص 127
 - 11- سد الغابه، ج 4، ص 671
 - 12- الانساب، ج 1، ص 214.
 - 13- الاستیعاب، ج 1، ص 262

نام های عبدالله و عروه نیز افراد سرشناس در قرن اول هجری به شمار می رفتند. عبدالله برای مدتی خلافت زبیریان را در حجاز و عراق برپا کرد و عروه (م 99) از فقهای طراز اول مدینه بود. (1)

حیات خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با حضرت محمد صلی الله علیه و اله

بررسی های تاریخی نشان می دهد گزارشی در مورد حیات حضرت خدیجه علیها السلام در دوران کودکی و جوانی وجود ندارد. در مجموع گزارش های حیات آن حضرت قبل از ازدواج با حضرت محمد صلی الله علیه و آله به ازدواج ها و پیشه ایشان محدود می شود. بر پایه گزارش های سیره نویسان آن بانو پیش از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله دویار ازدواج کرده اما میان ترتیب این ازدواج ها اختلاف نظر است؛ برخی گفته اند ابتدا همسرایی هاله هند بن نباش از تمیم بود که از او پسری به نام هند به دنیا آمد. بعد از وی با عتیق بن عائذ مخزومی ازدواج کرد و از وی طلاق گرفت. (2) از وی نیز دختری به نام هند داشت. (3) برخی گفته اند ابتدا همسر عتیق مخزومی بود. (4) ابی هاله که در مکه از دنیا رفت (5) از قبیله تمیم (6) از هم پیمانان بنی عبدالدار بود. (7) البته بعضی معتقدند که خدیجه علیها السلام پیش از رسول خدا صلی الله علیه و آله با کسی ازدواج نکرده اند؛ مانند ابن شهر آشوب به نقل از بلاذری، کوفی و سید مرتضی. (ان النبی تزوج به و کانت عذراء) (8) ابوالقاسم کوفی می گوید:

ص: 51

-
- 1- الانساب، ج 1، ص 216-217.
 - 2- انساب الاشراف، ج 1، ص 406، المحبر، ص 78؛ 452.
 - 3- انساب الاشراف، ج 1، ص 407؛ تذکره الخواص، ص 271.
 - 4- المعارف، ص 133، المعرفه والتاریخ، ج 3، ص 268، شرح الاخبار، ج 3، ص 15؛ البدء والتاریخ، ج 5، ص 10 الاستیعاب، ج 4، ص 1817؛ اعلام الوری، ج 1، ص 274؛ اسد الغابه، ج 6، ص 79.
 - 5- المعارف، ص 133؛ الذریه الطاهره، ص 46
 - 6- جمهره انساب العرب، ص 210.
 - 7- الذریه الطاهره، ص 46
 - 8- مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 138

خدیدجه علیها السلام خواهری به نام هاله داشت که با مردی از طایفه مخزوم ازدواج کرد و دختری به نام هاله آورد. سپس با مردی از بنی تمیم ازدواج کرد به نام ابوهند که برای او هند را به دنیا آورد آن مرد تمیمی زن دیگری داشت که زینب و رقیه را به دنیا آورد و سپس درگذشت. پس از مرگ مرد، تمیمی فرزندش هند به قبیله تمیم پیوست ولی هاله خواهر حضرت خدیجه و دو فرزندش که تنها مانده بودند نزد خدیجه علیها السلام زندگی می کردند، پس از ازدواج خدیجه علیها السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله هاله از دنیا رفت و خدیجه علیها السلام دو دختر او را عهده دار شد و چون عرب ها ریبیه (دختر خوانده) را در حکم دختر می دانستند از این رو به دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و مشهور شدند. (1)

درباره پیشه حضرت خدیجه علیها السلام نیز گزارش هایی در منابع به صورت گذرا وجود دارد و به فراوانی مال و دارایی و تجارت پیشگی او اشاره شده است (2) گزارشی که نشان دهد وی خود به مسافرت های تجاری می رفته در دست نیست اما گزارش ها نشان می دهد که مال و کارگزارانش را در خدمت تاجران قرار می داد تا بدین گونه به صورت مضاربه از اموال و مال التجاره اش کسب درآمد کند. همکاری تجاری خدیجه علیها السلام با حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز با توجه به همین پیشه خدیجه علیها السلام شروع شد. وقتی او از راست گفتاری امانت داری و اخلاق نیکوی حضرت محمد صلی الله علیه و آله اطلاع یافت به آن حضرت پیشنهاد همکاری داد و آن حضرت نیز پذیرفتند (3) برخی گفته اند ابوطالب این پیشنهاد را مطرح کرد. (4)

یعقوبی این همکاری را نفی می کند. به گفته وی، این که مردم می گویند خدیجه علیها السلام رسول خدا صلی الله علیه و آله را اجیر گرفته بود درست نیست. پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز برای کسی اجیر نشد (5) به همین دلیل، یعقوبی گزارشی از تجارت پیامبر صلی الله علیه و آله برای خدیجه علیها السلام گزارشی نیاورده است. البته از سوی پژوهشگران معاصر نیز به

ص: 52

1- الاستغاثه، ج 1، ص 64.

2- الذریه الطاهره، ص 47

3- الذریه الطاهره، ص 47، اسد الغابه، ج 6، ص 80

4- الخرائج و الجرائح، ج 1، ص 140؛ امتاع الاسماع، ج 1، ص 16.

5- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 21

این سفرها تردید وارد کرده اند. (1)

به گفته حکیم بن حزام اولین همکاری تجاری بین خدیجه علیها السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و اله، به دعوت آن بانو صورت گرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله همراه میسره غلام خدیجه علیها السلام به بازار حبشه برای خرید البسه نظامی رفتند که از آن سود زیادی کسب شد. (2) سفر تجاری دوم همراه با میسره به شام بود. این مسافرت در ماه ذی حجه سال 25 عام الفیل در حالی که حضرت محمد و 25 ساله بودند اتفاق افتاد. (3) این سفر به دلیل اتفاقاتی که در آن رخ داد، دارای اهمیت است. در این سفر رسول خدا صلی الله علیه و آله زیر درختی نشستند راهب نسطوری که احتمالاً راهب بصری (4) بود به میسره گفت که وی نبی است؛ زیرا پیش از آن کسی غیر از عیسی بن مریم علیه السلام زیر آن درخت ننشسته بود (5) طبق برخی گزارش ها این بشارت نبوت زمانی به میسره داده شد که راهب ابری را مشاهده نمود که بر حضرت محمد صلی الله علیه و سلم سایه می کرد. (6) در برخی از گزارش ها، از دو ملک سخن رفته است که بر آن حضرت سایه افکنده بودند. (7) از دیگر اتفاقاتی که میسره در این سفر گزارش داده این بود که در هنگام هم طعام شدن با حضرت هر دو سیر می شدند اما از غذا چیزی کاسته نمی شد. (8) میسره هنگام بازگشت آن چه را از ویژگی های اخلاقی (9) مانند صداقت گفتار امانت داری و اخلاق کریمانه (10) حضرت دیده بود برای خدیجه علیها السلام با زگو کرد. (11) آن بانو گفته های میسره را برای

ص: 53

-
- 1- اخبار و آثار ساختگی، ص 252.
 - 2- امتاع الاسماع، ج 1، ص 15-16
 - 3- همان، ص 17
 - 4- همان.
 - 5- المحبر، ص 77-78.
 - 6- التنبيه والاشراف، ص 197
 - 7- ابن هشام، السيره النبويه، ج 1، ص 238.
 - 8- المحبر، ص 77-78
 - 9- اسد الغابه، ج 6، ص 80
 - 10- امتاع الاسماع، ج 1، ص 17.
 - 11- ابن اسحاق، السيره النبويه، ج 1، ص 129؛ انساب الاشراف، ج 1، ص 106؛ التنبيه والاشراف، ص 197؛ اسد الغابه، ج 6، ص 80؛ امتاع الاسماع، ج 1، ص 17؛ بحار الانوار، ج 16، ص 9.

ورقه بن نوفل بازگفت و از ورقه این بشارت را شنید که حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيٌّ خَوَاهِدُ بُوَد. (1)

گزارش‌ها نشان می‌دهد که توصیفات میسر در علاقه مندی خدیجه علیها السلام به حضرت محمد صلی الله علیه و آله دخیل بوده است؛ از این رو خدیجه علیها السلام به آن حضرت پیشنهاد ازدواج داد. (2) تفصیلی‌ترین گزارش در این باره از آن عمار یاسر است. وی در این گزارش خود را آگاه‌ترین فرد به ماجرای این ازدواج معرفی می‌کند. عمار می‌گوید:

من و رسول خدا صلی الله علیه و آله در حزوره (بازار کنار کعبه) بودیم که خواهر خدیجه علیها السلام نزد من آمد و گفت: «آیا رفیقت به ازدواج با خدیجه تمایل دارد؟» وقتی با رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان گذاشتم، ایشان تمایل نشان دادند. (3)

یعقوبی که همکاری تجاری بین خدیجه علیها السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله را قبول، ندارد این ماجرا را از زبان عمار با محتوای مذکور نقل کرده است. (4)

گزارش‌هایی در منابع تاریخ و سیره وجود دارد که گویا خدیجه علیها السلام می‌دانسته که پدرش با این ازدواج موافق نیست؛ لذا سعی کرده به گونه‌ای موافقت وی را حاصل کند گزارشی که در آن خدیجه علیها السلام برای جلب رضایت پدرش بدو مشروب خوراند تا با ازدواج او با حضرت محمد صلی الله علیه و آله موافقت کند، با توجه به این که پدرش در قید حیات، نبود درست نیست (5) مقریزی هم این گزارش را نمی‌پذیرد؛ چون خویلد در فجار کشته شده بود. (6)

ص: 54

1- السیره النبویه، ج 1، ص 238؛ البدایه والنهایه، ج 2، ص 296.

2- السیره النبویه، ج 1، ص 129؛ انساب الاشراف، ج 1، ص 106؛ التنبیه و الاشراف، ص 197؛ شرح الاخبار، ج 3، ص 16؛ اسد الغابه، ج 6، ص 80؛ امتاع الاسماع، ج 1، ص 17.

3- دلائل النبوه، ج 2، ص 71.

4- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 20.

5- الطبقات الکبری، ج 1، ص 133.

6- امتاع الاسماع، ج 1، ص 18.

برخی گزارش های دیگر نشان می دهد که خدیجه علیها السلام به حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیشنهاد داد که وی را از عمویش عمرو بن اسد خواستگاری کند. (1) بنابراین در این که خواستگاری از پدر یا عموی خدیجه علیها السلام صورت گرفته، اختلاف گزارش وجود دارد گزارش ها در این خصوص که برای خواستگاری نزد عموی او رفتند فراوانی بیش تری دارد. (2) برخی از تاریخ نویسان و سیره پژوهان با یادآوری کشته شدن خویلد در جنگ های، فجار معتقدند خواستگاری نزد عموی خدیجه علیها السلام صورت گرفت. (3)

این که چه کسی با حضرت محمد صلی الله علیه و آله به خواستگاری خدیجه علیها السلام رفت، اسامی دو تن از عموهای آن حضرت یعنی ابوطالب و حمزه در روایات آمده است (4) برخی هم گفته اند که عموهای آن حضرت و بزرگان بنی هاشم حضور داشته اند. (5) حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حمزه، گوسفندی را برای جلسه خواستگاری ذبح (6) گزارش ها حاکی از آن است که خطبه عقد را ابوطالب خواند. (7) متن خطبه در منابع ذکر شده است. (8) در پی آن ابوطالب مردم را اطعام کرد. (9) مهریه حضرت خدیجه دوازده اوقیه بود (10) برخی هم گفته اند مهریه وی دوازده و نیم اوقیه (چهل درهم) است؛ (11) بنابراین مهریه ایشان 480 یا پانصد درهم بوده و بنابر گزارش دیگری، بیست شتر (بکره) بوده است. (12) رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از ازدواج با

ص: 55

-
- 1- المحبر، ص 780
 - 2- الکامل، ج 2، ص 400. امتاع الاسماع، ج 1، ص 180
 - 3- تذکره الخواص، ص 271؛ الاستیعاب، ج 4، ص 1817
 - 4- ابن حبیب، المحبر، ص 78؛ کافی، ج 5، ص 374؛ اسدالغابه، ج 6، ص 80
 - 5- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 20؛ تذکره الخواص، ص 272
 - 6- المحبر، ص 78
 - 7- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 20
 - 8- کافی، ج 5، ص 374
 - 9- همان، ص 375
 - 10- الذریه الطاهره، ص 52؛ امتاع الاسماع، ج 1، ص 17-18
 - 11- السیره النبویه، ج 1، ص 190 - ج 2، ص 643؛ امتاع الاسماع، ج 1، ص 17-18
 - 12- السیره النبویه، ج 1، ص 190 و ج 2، ص 643.

خدیجه علیها السلام به خانه وی نقل مکان کردند (1).

زمان دقیق ازدواج مشخص نیست ولی برخی از تاریخ نویسان ، ماه صفر سال 2 عام الفیل را زمان ازدواج دانسته اند. (2) از برخی گزارش ها استنباط می شود که روز 25 صفر بوده است. (3) خدیجه علیها السلام بنا بر اغلب گزارش ها هنگام ازدواج چهل سال داشت. (4) اما قول 28 ساله بودن ایشان نیز در منابع معتبر اولیه آمده است؛ از جمله دولابی که به آن اشاره می کند (5) درباره سن پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بیش تر گزارش ها بر 25 سالگی ایشان تأکید دارند (6).

حیات خدیجه علیها السلام پس از ازدواج

گزارش های اندکی درباره حیات حضرت خدیجه علیها السلام پس از ازدواج تا زمان بعثت وجود دارد منابع سیره و تاریخ نیز به صورت عموم در این مورد سکوت کرده اند. از لابه لای گزارش ها به بخش هایی از حیات حضرت خدیجه علیها السلام در این دوره تاریخی می توان دست یافت قابل اعتنا ترین گزارش ها درباره فرزندان ایشان است که اغلب در این دوره به دنیا آمدند. این که چه تعداد فرزندان قبل از بعثت به دنیا آمده اند اتفاق نظری وجود ندارد. (7) برخی به قبل از بعثت و (8) برخی به پس از بعثت اشاره کرده اند. (9) در این که اولین فرزند چه کسی بوده اتفاق نظر نیست؛ برخی زینب و برخی دیگر قاسم را گفته اند. (10) اختلافی در تعداد

ص: 56

1- اخبار مکه و ما جاء فیها من الاثار، ج 1، ص 199.

2- الاستیعاب، ج 1، ص 35؛ امتاع الاسماع، ج 1، ص 17.

3- امتاع الاسماع، ج 1، ص 17.

4- انساب الاشراف، ج 1، ص 107؛ المحبر، ص 9؛ الطبقات الکبری، ج 1، ص 105.

5- الذریه الطاهره، ص 52

6- السیره النبویه، ج 1، ص 187؛ انساب الاشراف، ج 1، ص 107؛ الطبقات الکبری، ج 1، ص 105؛ الاستیعاب، ج 1، ص 38.

7- الذریه الطاهره، ص 67؛ انساب الاشراف، ج 1، ص 405؛ الکافی، ج 3، ص 218

8- الذریه الطاهره، ص 67

9- انساب الاشراف، ج 1، ص 405؛ تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 20؛ الکافی، ج 3، ص 218.

10- الاستیعاب، ج 4، ص 1818.

و اسامی دختران وجود ندارد اما در تعداد و اسامی پسران اختلاف نظر است. این اختلاف شاید از آنجا ناشی شود که پسران همگی در خردسالی از دنیا رفتند. در مجموع گزارش های تاریخی متفقند که پسری به نام قاسم (1) داشته که حضرت محمد صلی الله علیه و اله کینه خود را از آن گرفتند (2) حتی برخی گفته اند خدیجه پسری جز او نداشت. (3) قاسم کم تر از دو سال یا تا زمانی که شروع به راه رفتن کرد، (4) زنده بوده (5) و بنابر اغلب گزارش ها پیش از بعثت از دنیا رفت. (6) اما به روایت دولابی (7) و کلینی، (8) او بعثت را درک کرده است. پسر دیگر عبدالله نام داشته که در طفولیت (9) و در پی قاسم درگذشت. (10) به گفته بلاذری عبدالله، «طیب و طاهر» خوانده شده چون در اسلام به دنیا آمد. (11) ابن عبدالبر می گوید:

این قول که طیب و طاهر همان عبدالله، هستند قول زیبر و اکثر اهل نسب است بنابراین او داری سه اسم عبد الله، طیب و طاهر بوده است. (12)

بر اساس گزارش ها عبدالله پس از بعثت به دنیا آمد. (13) برخی طیب و طاهر را اسامی دو فرزند دیگر خدیجه علیها السلام دانسته اند. (14) ابن اسحاق بدون نام بردن از، عبدالله از دو فرزند به نام های طیب و طاهر نام برده (15) و برخی هم یکی از این

ص: 57

-
- 1- البدء و التاريخ، ج 5، ص 16؛ الاستيعاب، ج 4، ص 1818.
 - 2- انساب الاشراف، ج 1، ص 396.
 - 3- اسد الغابه، ج 6، ص 81.
 - 4- همان، ج 4، ص 1818.
 - 5- انساب الاشراف، ج 1، ص 396.
 - 6- السيره النبويه، ج 1، ص 190؛ الذريه الطاهره، ص 67.
 - 7- الذريه الطاهره، ص 67.
 - 8- کافی، ج 3، ص 218.
 - 9- الاستيعاب، ج 4، ص 1818.
 - 10- الاستيعاب، ج 4، ص 1818.
 - 11- انساب الاشراف، ج 1، ص 405.
 - 12- الاستيعاب، ج 4، ص 1819.
 - 13- انساب الاشراف، ج 1، ص 405؛ تاريخ يعقوبی، ج 2، ص 20.
 - 14- ابن اسحاق، السيره النبويه، ج 1، ص 130؛ ابن هشام، السيره النبويه، ج 1، ص 190؛ تاريخ طبری ج 2 ص 281.
 - 15- الاستيعاب، ج 4، ص 1819.

دورا در شمار پسران خدیجه علیها السلام ذکر کرده اند. (1) برای مثال کلینی روایتی آورده که تنها در آن از طاهر در کنار قاسم به عنوان پسران خدیجه علیها السلام یاد شده است. (2) سرگذشتی برای طاهر و طیب در منابع وجود ندارد جز این که گفته شده در مکه از دنیا رفتند. (3) برخی از تاریخ نویسان مشهور فرزندان به نام طاهر و طیب برای خدیجه علیها السلام را اشتباه قلمداد کرده و آن دو را نامی برای عبدالله دانسته اند. (4) ناگفته نماند که دولابی در یکی از گزارش هایش عبد مناف را نخستین فرزند نام برده (5) که با توجه به این که در دیگر منابع نامی از وی به میان نیامده، صحت آن محل تردید جدی است. هیچ تاریخی در منابع، برای سال ولادت پسران خدیجه علیها السلام ثبت نشده است.

در مورد دختر اول خدیجه علیها السلام نیز اختلاف وجود دارد؛ برخی زینب را اولین دختر می دانند (6) اما تعدادی حضرت رقیه را بر دیگر دختران مقدم کرده اند. (7) گفته شده رقیه پیش از بعثت به عقد عتبه پسر ابولهب درآمد (8) اما او پس از بعثت رقیه را طلاق داد (9) و بعد از آن رقیه با عثمان بن عفان ازدواج کرد. (10)

شاید بیش ترین گزارش ها درباره دختران خدیجه علیها السلام پیش از اسلام، درباره زینب باشد. خدیجه مایل بود که زینب با ابوالعاص بن ربیع خواهرزاده اش (پسر هاله بنت خویلد) ازدواج کند این ازدواج با موافقت حضرت محمد صلی الله علیه و اله صورت گرفت. (11) از این ازدواج دختری متولد شد به نام امامه که بعد از شهادت

ص: 58

-
- 1- الهدایه الکبری، ص 39؛ المعارف، ص 141؛ الطبقات الکبری، ج 1، ص 106، تاریخ اهل البیت، ص 91.
 - 2- کلینی، الکافی، ج 3، ص 218.
 - 3- الاستیعاب، ج 4، ص 1819
 - 4- الطبقات الکبری، ج 1، ص 133، اعلام الوری، ج 1، ص 275؛ الاستیعاب، ج 1، ص 50.
 - 5- الذریه الطاهره، ص 66
 - 6- الاستیعاب، ج 4، ص 1818
 - 7- السیره النبویه، ابن هشام، ج 1، ص 190؛ الذریه الطاهره، ص 69
 - 8- هدایه الکبری، ص 39
 - 9- الذریه الطاهره، ص 83
 - 10- الذریه الطاهره، ص 83؛ هدایه الکبری، ص 39
 - 11- السیره النبویه، ج 1، ص 651؛ الذریه الطاهره، ص 70.

حضرت زهرا علیها السلام با امام علی علیه السلام ازدواج کرد (1) خدیجه علیها السلام در روز عروسی زینب و ابوالعاص گردن بندی به وی هدیه داد که بعدها زینب آن را همراه اموالی برای آزادی همسرش در جنگ بدر نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاد و آن حضرت به احترام خدیجه علیها السلام، ابی العاص را آزاد کردند (2) و او نیز در مقابل، زینب را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه فرستاد وقتی ابوالعاص بعد از شش سال ایمان آورد، رسول خدا صلی الله علیه و آله زینب را بدون عقد جدید نزد ابوالعاص فرستاد. (3)

برخی تاریخ نویسان رقیه و زینب را فرزند خواندگان و ربیبه حضرت محمد صلی الله علیه و آله دانسته اند و دلیل آن راقیح ازدواج این دو با ابوالعاص و عتبه بن ابولهب می دانند؛ هر چند ازدواج، ها در دوره جاهلیت صورت گرفته است. (4)

ام کلثوم سومین دختر خدیجه علیها السلام نیز قبل از بعثت به دنیا آمد. نام وی آمنه بود. (5) وی در عقد عتبه بن ابی لهب بود که پس از بعثت وی را طلاق داد و همسر عثمان شد. بعد از فوت رقیه ام کلثوم با عثمان ازدواج کرد. (6)

اغلب گزارش ها نشان می دهد که حضرت فاطمه علیها السلام کوچک ترین فرزند خدیجه علیها السلام بوده اند. (7) در مورد این که حضرت فاطمه علیها السلام پیش یا پس از بعثت به دنیا آمدند، بین تاریخ نویسان اختلاف نظر است. برخی تاریخ نویسان اهل سنت گفته اند پیش از بعثت به دنیا آمده (8) و دسته ای گفته اند که پس از بعثت به دنیا آمده است. (9) منابع شیعه اتفاق دارند که ایشان پس از بعثت به دنیا آمده اند (10) به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله، گوهر وجودی حضرت فاطمه علیها السلام از میوه های بهشتی

ص: 59

-
- 1- الذریه الطاهره، ص 69-70
 - 2- السیره النبویه، ابن هشام، ج 1، ص 653.
 - 3- همان، ص 659
 - 4- الاستغاثه، ص 111-112.
 - 5- هدایه الکبری، ص 39
 - 6- الذریه الطاهره، ص 83
 - 7- السیره النبویه، ابن هشام، ج 1، ص 190؛ الذریه الطاهره، ص 69
 - 8- الطبقات الکبری، ج 8، ص 19؛ انساب الاشراف، ج 1، ص 403.
 - 9- مروج الذهب، ج 2، ص 291، مستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 161؛ الاستیعاب، ج 4، ص 1893.
 - 10- کافی، ج 1، ص 458، مفید مسار الشیعه، ص 54

است. ایشان می فرمایند:

جبرئیل از بهشت خرما برایم آورد آن را خوردم و به نطفه ای در صلب من تبدیل شد. آن گاه خدیجه علیها السلام باردار شد. (1)

هم چنین خدیجه علیها السلام در هنگام بارداری با جنین صحبت می کرده است (2) روایت شده هنگام وضع حمل از بهشت چهار قابله (مریم علیها السلام دختر عمران آسیه دختر مزاحم، کلثوم خواهر، موسی و ساره همسر ابراهیم) فرستاده شدند (3) خدیجه علیها السلام تمام فرزندانش را به دایه ای داد که شیر دهد غیر از حضرت فاطمه علیها السلام که از کسی جز مادر شیر نخوردند. (4)

ایمان به رسول خدا صلی الله علیه و آله

منابع تفسیری، حدیثی و تاریخی اهل سنت وقتی از مقدمات و نشانه های بعثت صحبت به میان می آورند اظهار می دارند که رسول خدا صلی الله علیه و آله، ابتدا نشانه های بعثت را با همسرش در میان می گذاشتند. (5) پس از بعثت نیز اولین اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله، باز گفتن چگونگی آن به خدیجه بود. (6) رسول خدا صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام خواستند که او را بپوشاند. مفسران می گویند که اولین آیات سوره مدثر در این جا بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد. (7) طبق گزارش برخی از سیره نویسان خدیجه علیها السلام به آن حضرت تبریک گفته و ایشان را به ثبات قدم در این امر تشویق کرده است. (8) پس از آن خدیجه علیها السلام به خانه ورقه بن نوفل نصرانی رفت

ص: 60

1- التوحید، ص، 118، معجم الکبیر، ج 22، ص 401، مستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 156.

2- الامالی، ص 690

3- همان، ص 691

4- منتخب تاریخ کبیر، ج 1، ص 293؛ البدایه والنهایه، ج 5، ص 307

5- جامع البیان، ج 30، ص 161؛ الکشف والبیان، ج 10، ص 243؛ معالم التنزیل، ج 5، ص 280.

6- جامع البیان، ج 29، ص 90؛ تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج 4، ص 489-490؛ الکشف والبیان، ج 10، ص 68.

7- تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج 4، ص 489؛ جامع البیان، ج 29، ص 90؛ مجمع البیان، ج 10، ص 579؛ الکشاف، ج 4، ص 645

8- السیره النبویه، ج 1، ص 237-238.

که از محتوای کتاب های عبرانی و انجیل آگاهی داشت و جریان را شرح داد، ورقه گفت که جبرئیل همان «ناموس اکبر» است که به نزد موسی می آمد و حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیغمبر این امت است. سپس از پیامبر صلی الله علیه و آله تمجید نمود و او را تشویق کرد (1) طبق برخی گزارش ها خدیجه و پیامبر صلی الله علیه و آله هر دو نزد ورقه رفتند. (2) ورقه پیشگویی کرد که مردم پیامبر صلی الله علیه و آله را تکذیب کرده، آزار می دهند و از شهر بیرون کرده با او خواهند . جنگید ورقه به پیامبر صلی الله علیه و آله وعده داد که اگر آن روز را درک کند یاریش خواهد کرد. (3) دسته ای دیگر نیز ملاقات پیامبر صلی الله علیه و آله و ورقه و گفتگوی آن ها درباره چگونگی بعثت را در دیداری گزارش کرده اند که به طور اتفاقی در هنگام طواف کعبه صورت گرفت. طبق این گزارش ها، ورقه از آغاز بعثت باخبر شده بود و می خواست چگونگی آن را به صورت مستقیم از خود رسول خدا صلی الله علیه و آله بشنود. (4) در برخی از منابع از فردی به نام عداس نام برده شده که خدیجه علیها السلام پیش او نیز رفته بود. (5)

ناهماهنگی و گاهی تضاد در گزارش های مربوط به ورقه در منابع اهل سنت وجود دارد. سخن از مراجعه به ورقه در مواردی در زمان مشاهده علایم بعثت و قبل از نزول فرشته وحی به میان آمده و در مواردی دیگر در وقایع پس از بعثت ذکر شده است (6) طبق پاره ای گزارش ها پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه هر دو به دیدار ورقه رفتند (7) در حالی که برخی روایات مدعی اند که خدیجه علیها السلام به تنهایی رفت. (8) بعضی گفته اند که ابوبکر نیز همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. (9) گزارش هایی گزارش هایی

ص: 61

-
- 1- السیره النبویه، ص 238، الطبقات الکبری، ج 1، ص 153؛ تاریخ طبری، ج 2، ص 48.
 - 2- صحیح، بخاری، ج 1، ص 3.
 - 3- همان.
 - 4- السیره النبویه، ابن هشام، ج 1، ص 238.
 - 5- سعد السعود، ص 215؛ حیات القلوب، ج 3، ص 680-681.
 - 6- الطبقات الکبری، ج 1، ص 153.
 - 7- تاریخ طبری، ج 2، ص 48؛ الذریه الطاهره، ص 58.
 - 8- السیره النبویه، ابن هشام، ج 1، ص 238؛ تاریخ طبری، ج 2، ص 49-50.
 - 9- تفسیر ثعلبی، ج 10، ص 244؛ تفسیر قرطبی، ج 1، ص 115؛ تاریخ مدینه دمشق، ج 63، ص 7.

وجود دارد که ورقه به صورت اتفاقی رسول خدا صلی الله علیه و آله را در طواف دید و از موقوفه جو یا شد. (1) محتوای گزارش هایی نیز با واقعیات تاریخی در تضاد است. برخی گفته اند او هنگام بعثت، مرد اما در برخی روایات آمده که ورقه در اسلام آوردن ابوبکر نقش داشته (2) و شاهد شکنجه شدن بلال بوده و او را به صبر دعوت کرده است؛ (3) اما نام او جزو کسانی نیست که مسلمان شده باشد. از سوی دیگر، عمده کسانی که درباره ورقه روایت نقل کرده اند زبیری ها و حزب ایشان هستند. (4) ایشان نه تنها عمده گزارش های مربوط به بعثت را نقل کرده اند، بلکه کسانی مانند عروه بن زبیر در تطهیر ورقه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت نقل کرده اند. (5) به گفته زبیر بن بکار پیامبر صلی الله علیه و آله و از سب کردن ورقه نهی فرموده و از بهشتی بودن او خبر داده اند. (6)

آل زبیر جریان دیگری نیز نقل کرده اند که طبق محتوای آن، خدیجه با تدبیری دست به آزمایش آورنده وحی زد. او از رسول خدا صلی الله علیه و آله خواست که چون جبرئیل بر آن حضرت نازل، گشت حضرت به خدیجه اطلاع دهد. چون جبرئیل نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد خدیجه روپوش از سر و صورت برداشت و به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد که آیا جبرئیل محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله را ترک کرده یا حاضر است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و می فرماید که او ترک کرده. خدیجه می گوید: «ثابت قدم باش و مژده باد تو را که او فرشته است و شیطان نیست!» (7) برخی در نقد این گزارش گفته اند که در این زمان حجاب واجب نشده بود، از سویی

ص: 62

1- السیره النبویه، ج 1، ص 238؛ تاریخ طبری، ج 2، ص 50؛ تاریخ مدینه دمشق، ج 63، ص 13.

2- تاریخ مدینه دمشق، ج 30، ص 33-34

3- سیره ابن اسحاق، ج 4، ص 170؛ العثمانیه، ص 32؛ الانساب، ج 2، ص 275؛ الاصابه، ج 6، ص 476؛ سیر اعلام النبلاء، ج 1، ص 129

4- الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج 2، ص 313.

5- تاریخ مدینه دمشق، ج 63، ص 25.

6- همان، ص 24

7- السیره النبویه، ج 1، ص 239؛ سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 116؛ ابی نعیم اصفهانی، دلائل النبوه، ص 149.

از نظر تاریخی اخبار مربوط به ورقه و نقش او در قوت قلب دادن به پیامبر صلی الله علیه و آله در آغاز بعثت را باید با توجه به جایگاه تاریخی خاندان زبیر و امکان فضیلت تراشی برای بنی اسد در نظر گرفت که آل زبیر و ورقه و خدیجه علیها السلام از آن طایفه بودند از بین مفسران علامه طباطبایی داستان ورقه و مراجعه خدیجه به وی و آرامش رسول خدا از صحبت های او را نادرست می داند. (2) در بعضی از منابع شیعی نیز از رفتن خدیجه علیها السلام نزد ورقه و عداس سخن به میان آمده، (3) اما به نظر می رسد این اخبار از متون اهل سنت به این منابع راه یافته باشد. در این منابع گزارشی درباره مراجعه به ورقه وجود ندارد. یعقوبی در ماجرای بعثت، گزارشی را آورده که در آن نام ورقه است ولی بحثی از این که خدیجه یا رسول خدا صلی الله علیه و آله برای پرس و جو درباره بعثت پیش او رفته باشند، وجود ندارد تنها او گزارش کرده که ورقه از خدیجه می پرسد: «آن کسی که نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می آید جبرئیل است یا میکائیل؟» (4) برخی از پژوهشگران، شیعی ذکر نام ورقه در جریان بعثت را که در منابع شیعی آمده، نقد نموده و بر نادرستی آن تأکید کرده اند (5)

در خصوص خدیجه در برانگیخته شدن همسرش به رسالت، این موضوع اهمیت دارد که خدیجه علیها السلام در همان روز نخست بعثت ایمان آورد (6) و اولین زن مؤمن بود. (7) ابن خلدون می گوید که رسول خدا صلی الله علیه و آله، خدیجه علیها السلام را به اسلام دعوت

ص: 63

1- بعثت نامه، ص 248

2- تفسیر المیزان، ج 20، ص 467

3- سعد السعود، ص 215

4- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 23.

5- النص والاجتهاد، ص 421 و 422؛ الصحيح من سیره النبی الاعظم، ج 2، ص 313؛ راز بزرگ رسالت، ص 393-394.

6- تاریخ مدینه دمشق، ج 42، ص 28.

7- السیره النبویه، ج 1، ص 652؛ تفسیر الحبری، ص 394؛ ذخائر العقبی، ج 1، ص 265؛ تاریخ مدینه دمشق، ج 42، ص 36-37

نکرد، بلکه با نزول وحی و شنیدن جریان وحی او خود به صدق گفتار ایشان باور یافت (1)

حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و اسلام

تصدیق رسول خدا صلی الله علیه و آله، اولین و مهم ترین حمایت حضرت خدیجه علیها السلام از آن حضرت بود؛ امر با اهمیتی که همواره از آن یاد می کردند. آن حضرت روزی به عایشه درباره فضیلت و تمجید از خدیجه علیها السلام فرمودند:

زمانی که همه مرا تکذیب کردند، او مرا تصدیق کرد. (2)

با ایمان آوردن خدیجه علیها السلام دختران او نیز ایمان آوردند. (3) مردم مکه تا مدتی تنها وی و حضرت علی علیه السلام را از مؤمنان به پیامبر صلی الله علیه و آله و اسلام می شناختند. عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله این سه بزرگوار را در کنار کعبه در حال نماز دید و به دیگری گفت: «غیر از این سه نفر کسی به این دین نیست». (4)

وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و رسالت خود را اظهار نمودند و مردم را به اسلام دعوت فرمودند قریشیان مخالفت کردند پیامبر صلی الله علیه و آله در شعب ها در خفا نماز می خواندند. از این رو خدیجه از آسیب های احتمالی به جان رسول خدا صلی الله علیه و آله بیمناک بود. او نگرانی اش را به ابوطالب اطلاع داد وقتی ابوطالب با رسول خدا در این باره صحبت کرد آن حضرت از ایمنی اش توسط خداوند خبر دادند و خدیجه اظهار شادی کرد. (5) وقتی رسول خدا در منزل، بود خدیجه برای محافظت از ایشان هنگام ارتباط با مسلمانان تدابیری سنجیده بود (6) او سعی می کرد در خانه با حمایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مقابل آزار و اذیت های مشرکان

ص: 64

-
- 1- تاریخ ابن خلدون، ج 1، ص 116؛ دلائل النبوه، مقدمه، ص 18.
 - 2- الذریه الطاهره، ص 53-54.
 - 3- السیره النبویه، ج 1، ص 652
 - 4- الارشاد، ج 1، ص 30
 - 5- حسین بن حمدان، خصیبه هدایه الکبری، بلاغ، 1419، ص 65.
 - 6- مفید الاختصاص، ص 182

رفتارهای آن‌ها را در مقابل دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله کم‌اهمیت و بی‌نتیجه جلوه دهد. (1)

کمک‌های مالی بخش دیگری از حمایت‌های حضرت خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان بود این حمایت‌ها زمانی که مسلمانان سه سال در شعب ابی طالب در محاصره اقتصادی و اجتماعی قرار گرفتند، حضرت خدیجه علیها السلام در این مدت مالش را انفاق کرد (2) به گونه‌ای که چیزی از آن باقی نماند. (3) آیه هشتم سوره ضحی (وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى) درباره بی‌نیازی رسول خدا صلی الله علیه و آله و به دلیل اموال خدیجه نازل شد (4) نقش حمایتی خدیجه از مسلمانان تحت محاصره، تنها به این مورد منحصر نبود. زمانی که تهیه مایحتاج برای محاصره‌شدگان با قیمت‌های گزاف نیز میسر نبود خدیجه با فرستادن پیام برای اعضای حلف الفضول از این اقدام آنان انتقاد کرد. (5) هم‌چنین توسط برادرزاده اش حکیم بن حزام، سعی می‌کرد مخفیانه مایحتاج غذایی محاصره‌شوندگان را تهیه کند. (6)

فضایل و مناقب

حضرت خدیجه علیها السلام در جاهلیت «طاهره» خوانده می‌شد. (7) (8) القاب خدیجه علیها السلام

ص: 65

1- السیره النبویه، ج 1، ص 198.

2- یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 31؛ فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ج 1، ص 125

3- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 31؛ قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، ج 1، ص 85

4- طبرسی، مجمع البیان، ج 10، ص 384.

5- انساب الاشراف، ج 1، ص 271.

6- همان، ص 272.

7- الاستیعاب، ج 4، ص 1817؛ اسد الغابه، ج 6، ص 78

8- اسد الغابه، ج 6، ص 78

نزد اهل بیت علیهم السلام، الطاهره (1) الکبری (2) و الغراء (3) بوده است. برخی از منابع نیز لقب «صدیقه» را برای وی ذکر کرده اند. (4) این القاب نشان از فضیلت و منزلت اجتماعی وی دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله از کنیه ام هند را برای وی استفاده می کردند. (5) فعالیت های تجاری اش نشان می دهد که وی زنی پرکار و باهوش بوده است. ازدواج وی با فرد امینی مانند حضرت محمد صلی الله علیه و سلم نشان می دهد که به فضایل اخلاقی اهمیت فراوانی می داده است.

درباره دین حضرت خدیجه علیها السلام قبل از اسلام در منابع سخنی به میان نیامده، ولی گفته شده که وقتی همسرش برای عبادت به غار حرا می رفت، خدیجه نیز همراه او در غار معتکف می شد این، امر از گرایش های معنوی خدیجه پیش از بعثت حکایت دارد این واقعیت که او اولین ایمان آورنده به رسول خدا صلی الله علیه و آله، بود به خوبی از فضیلت و خدا جویی آن حضرت حکایت دارد. خانه خدیجه علیها السلام از اماکن مقدس شهر مکه محل عروج پیامبر صلی الله علیه و آله و مهبط جبرئیل امین و ملائک و محل زندگی رسول خدا بود. هم چنین محل زندگی حضرت فاطمه علیها السلام و امام علی علیه السلام به شمار می رفت.

این که با فرزندش حضرت فاطمه علیها السلام در رحم بود صحبت می کرد (6) و قابله های بهشتی هنگام وضع حمل او را یاری دادند (7) نیز جزو فضایل و کراماتی است که شامل حال وی شد. به فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله جبرئیل حامل سلام خداوند به خدیجه علیها السلام بوده است (8) و خداوند هر روز چندین بار به فرشتگانش در

ص: 66

-
- 1- انساب الاشراف، ج 3، ص 97، تجارب الامم، ج 3، ص 395.
 - 2- المزار الکبیر، ص 463-497.
 - 3- همان، ص 579
 - 4- شرح الاخبار، ج 3، ص 20.
 - 5- دلائل النبوه، ص 215
 - 6- الامالی، 690
 - 7- همان، ص 691
 - 8- الذریه الطاهره، ص 61؛ السیره النبویه، ج 1، ص 241؛ الاستیعاب، ج 4، ص 21.

خدیجه رسول خدا صلی الله علیه و آله را بسیار دوست می داشت و کسانی را که به آن حضرت محبت کرده بودند نیز دوست می داشت؛ برای نمونه ثویبه کنیز ابولهب را که در طفولیت به رسول خدا صلی الله علیه و آله شیر داده بود تکریم می کرد و از ابولهب خواست او را به خدیجه بفروشد تا آزاد کند ولی ابولهب سرباز زد. وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه مهاجرت کردند ابولهب او را آزاد کرد. (2) در مورد حلیمه هم گفته اند که بعد از ازدواج رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد آن حضرت آمد و از تنگ دستی شکایت کرد؛ خدیجه علیها السلام به او بیست رأس گوسفند و تعدادی شتر داد. (3)

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز علاقه فراوانی به خدیجه علیها السلام داشتند. به گفته عایشه آن حضرت به گونه ای از خدیجه علیها السلام صحبت می کردند که گویی در زمین زنی غیر از خدیجه علیها السلام وجود ندارد. (4) پیامبر درباره محبتش به خدیجه فرمودند: «خداوند محبت او را روزی من کرده است». (5) پیامبر او را احترام می کردند و در امور با او مشورت می نمودند. (6)

پس از رحلت خدیجه نیز از او بسیار یاد می کردند و بستگان و دوستانش را بسیار گرامی می داشتند هر گاه گوسفندی ذبح می کردند، سهمی را برای دوستان خدیجه کنار می گذاشتند و به در خانه آن ها می فرستادند. (7) اگر چیزی به دست شان می رسید می فرمودند که برای فلان زن از آن ببرید؛ زیرا او خدیجه علیها السلام را دوست می داشت. (8) روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و از زن سیاه چرده ای که با او برخورد

ص: 67

1- صحیح بخاری، ج 4، ص 231، صحیح مسلم، ج 7، ص 133.

2- السیره الحلبیه، ج 1، ص 124

3- همان، ص 151

4- شرح الاخبار، ج 3، ص 18

5- صحیح مسلم، ج 7، ص 134

6- تذکره الخواص، ص 272.

7- شرح الاخبار، ج 3، ص 17-18

8- الذریه الطاهره، ص 66

می کردند (1) به شدت استقبال نمودند و به او لطف کردند، به گونه ای که اصحاب در شگفت شدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: « او در ایام زندگی ام با خدیجه، نزد ما می آمد». (2) به گفته عایشه «هیچ کدام از زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد وی عزیزتر از خدیجه نبود. (3) هیچ گاه به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله مانند خدیجه حسادت نکردم». (4) روزی عایشه به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: «خدیجه غیر از پیرزنی بود؟ خدا بهتر از او را به شما داده است». پیامبر صلی الله علیه و آله به گونه ای از این سخن ناراحت شدند که عایشه می گوید: «نه پیش از آن و نه پس از آن رسول خدا را آن گونه ندیدم». (5) و فرمود:

به خدا بهتر از او را به من نداده است. او زمانی که مردم کفر ورزیدند، ایمان، آورد زمانی که دیگران مرا دروغ گو گفتند تصدیق کرد، زمانی که بقیه مرا تحریم مالی کردند او انفاق کرد و برای من فرزند آورد در حالی که دیگر زنان چنین نکردند.

عایشه می گوید: به خود گفتم دیگر هیچ گاه از وی بد نخواهم گفت». (6)

پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد جایگاه و منزلت خدیجه علیها السلام فرمود:

بهترین زنان بنی اسرائیل مریم دختر عمران بود و بهترین زنان این امت خدیجه دختر خویلد است. (7)

در جای دیگر می فرماید:

بهترین زنان جهان مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، خدیجه علیها السلام دختر خویلد و فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله است. (8)

ص: 68

1- انساب الاشراف، ص 412

2- الاستیعاب، ج 4، ص 1810.

3- تذکره الخواص، ص 272.

4- اسد الغابه، ج 6، ص 84.

5- شرح الاخبار، ج 3، ص 20.

6- مسند احمد بن حنبل، ج 6، ص 117؛ الذریه الطاهره، ص 53-54؛ معجم الکبیر، ج 23، ص 13؛ تذکره الخواص، ص 273.

7- الذریه الطاهره، ص 62؛ تذکره الخواص، 1418، ص 272؛ الاستیعاب، ج 4، ص 1823.

8- شرح الاخبار، ج 3، ص 64؛ الاستیعاب، ج 4، ص 1896 و 1821.

در جای دیگر نیز این چهار زن را بهترین زنان اهل بهشت دانسته اند. (1)

هم چنین در مورد خدیجه علیها السلام می فرماید:

به خدیجه علیها السلام خانه ای از دُر و گوهر در بهشت بشارت داده شده که رنج و سرو صدایی در آن نیست (2)

درگذشت

خدیجه علیها السلام بعد از برداشته شدن تحریم مسلمانان و خروج آن ها از وضعیت سخت شعب ابی طالب بیمار شد. (3) در هنگام بیماری، رسول خدا صلی الله علیه و آله صلی الله علیه و سلم نزد وی رفتند و به او بشارت دادند که در بهشت همسروی خواهند بود. (4) اغلب منابع گفته اند که حضرت خدیجه علیها السلام در 65 سالگی (5) در سال دهم بعثت از دنیا رفت، (6) سالی که پیامبر آن را به دلیل درگذشت خدیجه و عمویش ابوطالب - که با فاصله اندکی از خدیجه درگذشت (7) «عام الحزن» نامیدند. (8) بر پایه برخی منابع او در ماه رمضان از دنیا رفت. (9) شیخ مفید و سبط بن جوزی، گزارش دقیق تری داده و رحلت وی را در دهم ماه رمضان سال دهم بعثت ثبت کرده اند. (10) پیکر پاک خدیجه علیها السلام در قبرستان حجون مکه دفن شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله برای دفن وی خود داخل قبر شدند. (11) گفته شده در آن زمان نماز جنازه سنت نبود. (12)

ص: 69

1- مسند احمد بن حنبل، ج 1، ص 293؛ اعلام الوری، ج 1، ص 296.

2- الذریه الطاهره، ص 61؛ السیره النبویه، ج 1، ص 241؛ شرح الاخبار، ج 3، ص 17.

3- کشف الغمه، ج 1، ص 375.

4- اسد الغابه، ج 6، ص 85

5- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 35؛ التنبیه والاشراف، ص 199 - 200؛ تذکره الخواص، 1418، ص 273.

6- الذریه الطاهره، ص 65؛ تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 35؛ انساب الاشراف، ص 405؛ التنبیه والاشراف . 199 - 200؛ مسار الشیعہ،

ص 22 - 23؛ تذکره الخواص، ص 273

7- انساب الاشراف، ج 1، ص 405 .

8- اعلام الوری، ج 1، ص 53، حلبی، ج 2، ص 41؛ قصص الانبیاء، ص 314؛ السیره الحلویه، ج 2، ص 41.

9- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 35؛ مسار الشیعہ، ص 22-23.

10- مسار الشیعہ، ص 22 - 23؛ تذکره الخواص، 1418، ص 274

11- الطبقات الکبری، ج 8، ص 18؛ تذکره الخواص، ص 273.

12- 12 تذکره الخواص، ص 273

1. ابن ابى الثلج، محمد بن احمد تاريخ اهل بيت عليهم السلام، قم، آل البيت، 1410، ق.
2. ابن اثير محمد بن على الكامل، بيروت، دارصادر، 1386 ق. ابن اسحاق، محمد، سيره ابن اسحاق، معهد الدراسات والابحاث للتعريف، بي تا
4. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على الاصابه، بيروت، داراحياء التراث العربى بي تا
5. ابن حزم اندلسى على بن احمد، جمهوره انساب العرب، بيروت، دار الكتب العلميه، 1403 ق.
6. ابن سعد ق. محمد، الطبقات الكبرى، بيروت، دارصادر، بي تا.
7. ابن عبدالبر، يوسف بن عبد الله، الاستيعاب، بيروت، دارالجيل، 1412 ق.
8. ابن عساکر، على بن حسن، تاريخ مدينه دمشق، بيروت، دارالفكر، 1415 ق.
9. ابن عساکر، على بن حسن، منتخب تاريخ، كبير، بيروت، دارالفكر، 1415 ق.
10. ابن قتيبه، عبدالله بن مسلم، المعارف، قاهره، الهيئه المصريه العامه للكتاب، 1992 م.
11. ابن كثير، اسماعيل بن عمر، البدايه والنهايه، بيروت، دارالفكر، 1407 ق.
12. ابن هشام، عبدالملك، السيره النبويه، بيروت، دارالمعرفه، بي تا.
13. ابن اثير، على بن محمد، اسد الغابه، بيروت، دارالفكر، 1409 ق.
14. ابن حبيب، محمد بن حبيب المحبر، بيروت، دار الافاق الجديده، بي تا.
15. ابن حزم اندلسى، على بن محمد، جمهوره انساب العرب، بيروت، دار الكتب العلميه 1417 ق.
16. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، تاريخ ابن خلدون، بيروت، دارالفكر، 1408 ق.

17. ابن قتيبه، عبدالله بن مسلم، المعارف قاهره، الهيئه المصريه العامه للكتاب، 1992 م.
18. ازرقى، محمد بن عبد الله، اخبار مکه وما جاء فيها من الآثار، قم، شريف، رضى، 1403 ق .
19. اصفهاني، ابونعيم اسماعيل محمد، دلائل النبوه، بيروت، دارالنفائس، 1406 ق.
20. بخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح البخارى، بيروت، دارالفكر، 1401 ق.
21. بسوى، يعقوب بن سفيان، المعرفه والتاريخ، بيروت، الرساله، 1401 ق .
22. بغوى، حسين بن مسعود معالم التنزيل، بيروت، داراحياء التراث العربي 1420 ق.
23. بلاذرى، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، بيروت، دارالفكر، 1417 ق .
24. بيهقى، احمد بن حسين، دلائل النبوه، بيروت، دارالكتب العلميه، 1409 ق.
25. ثعلبى، احمد بن ابراهيم، تفسير ثعلبى الكشف والبيان، بيروت، داراحياء التراث العربى، 1422ق.
26. الجاحظ، عمرو بن بحر العثمانيه، مصر، دار الكتاب العربى، 1374 ق.
27. حاكم نيشابورى، محمد بن عبد الله، مستدرک على الصحيحين، بيروت، دارالمعرفه، بى تا.
28. حبرى، كوفى، حسين بن حكم، بيروت، تفسير الحبرى، آل البيت، 1408 ق.
29. حسنى، معروف اخبار واثار ساختگى، ترجمه حسين صابرى، آستان قدس، 1372 ش.
30. حلبى، ابوالفرج على بن برهان السيره الحلبيه، بيروت، دارالكتب العلميه 1427ق.
31. حميرى قمى، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، قم، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، 1413 ق.

32. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الكبرى، بیروت، مؤسسه البلاغ، 1419 ق.
33. دوانی، علی، بعثت نامه، (آغاز وحی و بعثت پیامبر در تاریخ و تفسیر طبری)، قم، صبح صادق، 1383 ش.
34. دولابی، محمد بن احمد، الذریه الطاهره النبویه، قم، جامعه مدرسین، 1413 ق.
35. دولابی، محمد بن احمد، الذریه الطاهره، قم، جامعه مدرسین، 1413 ق.
36. ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، بیروت، الرساله، 1413 ق.
37. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، مصر، شرکه حلبی، 1386 ق.
38. سبحانی، جعفر، راز بزرگ، رسالت، قم، انتشارات توحید، 1386 ق.
39. سبط بن جوزی، یوسف بن حسام الدین، تذکره الخواص، قم، رضی، 1418 ق.
40. سمعانی، عبدالکریم بن محمد الانساب حیدرآباد، مجلس دایره المعارف العثمانیه، 1382 ق.
41. سهیلی، عبدالرحمان بن عبدالله، روض الانف فی شرح السیره النبویه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1412 ق.
42. سید بن طاووس، علی بن موسی سعد السعود، قم، رضی، 1363 ش.
43. شرف الدین العاملی، سید عبدالحسین النص و الاجتهاد، قم، ابوالمجتبی، 1404 ق.
44. شیانی، احمد بن حنبل، مسند، بیروت، دارصادر، بی تا.
45. صدوق، محمد بن علی، امالی، قم، بعثت، 1417 ق.
46. صدوق، محمد بن علی، توحید، قم، نشر اسلامی، 1398 ش.
47. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، قم، نشر اسلامی، 1374 ش.
48. طباطبایی محمد حسین، سنن النبی، تهران، اسلامی، 1378 ش.

- 49 طبرانی، سلیمان بن احمد، معجم الكبير، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1404 ق.
50. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، قم، آل البیت 1417 ق.
51. طبرسی، فضل بن حسن، تاج الموالد، بیروت، دارالقار، 1422 ق.
52. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، اعلمی، 1415 ق.
53. طبری، محب الدین محمد بن عبد الله، ذخائر العقبی، قم، دارلکتاب الاسلامی، بی تا
54. طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامه، قم، بعثت، 1413 ق.
55. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، بیروت، دارالفکر، 1415 ق.
56. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، بیروت، در الهادی، 1415 ق.
57. علوی، علی بن محمد، المجدی فی انساب الطالبین، قم، مکتبه مرعشی، 1422 ق.
58. قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)، بیروت، داراحیاء التراث العربی بی تا
59. قطب راوندی، سعید بن هبه الله، الخرائج و الجرائح، قم، مدرسه المهدی، 1409 ق.
60. قطب راوندی، سعید بن هبه الله، قصص الانبیاء، قم، مؤسسه الهادی، 1413 ق.
61. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1363 ش.
62. کوفی، علی بن احمد الاستغاثه، تهران، مؤسسه الاعلمی، 1373 ش.
63. مجلسی محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی 1403 ق.
64. مجلسی، محمد باقر حیات القلوب، قم، سرور، 1376 ش.

65. مسعودى، على بن حسين ، التنبيه والاشراف ، قاهره دار الصاوى بى تا
66. مسعودى، على بن حسين ، مروج الذهب، بيروت، دارالمعرفه ، بى تا.
67. مسكويه، احمد بن محمد تجارب الامم، تهران، سروش، 1379 ش.
68. مشهدى، محمد بن جعفر، المزار الكبير، قم، قيوم، 1419 ق.
69. مغربى نعمان بن محمد بن محمد ، شرح الاخبار، قم، جامعه مدرسين، بى تا.
70. مفيد، محمد بن محمد الاختصاص، قم، نشر اسلامى، 1414 ق.
71. مفيد، محمد بن محمد، الارشاد، قم، كنگره شيخ مفيد، 1413 ق.
72. مفيد، محمد بن محمد مسار الشيعه، قم، كنگره شيخ مفيد، 1413 ق.
73. مقاتل بن سليمان ، تفسير مقاتل بن سليمان، بيروت، دارالكتب العلميه 1424 ق.
74. مقدسى، مطهر بن طاهر، البدء والتاريخ، بورسعيد ، مكتبه الثقافه الدينيه بى تا
75. مقرزى، احمد بن على بيروت، امتاع الاسماع، دارالكتب العلميه 1420 ق.
76. نيشابورى، مسلم بن حجاج ، صحيح مسلم، بيروت، دارالفكر، بى تا.
77. واقدى، محمد بن ، عمر المعازى، بيروت، الاعلمى، 1409 ق.
78. ياقوت حموى، ياقوت بن عبد الله ، معجم البلدان، بيروت، داراحياء التراث العربى 1399 ق.
79. يعقوبى، على بن ابى يعقوب، تاريخ يعقوبى، بيروت، دارصادر، بى تا.

چکیده

حضرت خدیجه علیها السلام اولین و برترین همسر پیامبر گرامی اسلام است. مقام او چنان بود که جبرئیل سلام خدا را بر او رساند زندگی پیش از ازدواج او چنان که باید در تاریخ گزارش نشده، اما مسأله سن آن حضرت هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و دوشیزه بودن او از مسائل قابل توجه است. از میان اقوال مختلفی که در مورد سن آن حضرت مطرح شده به نظر می رسد سن 25 یا 28 سال به واقع نزدیک تر باشد. از نظر ازدواج قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز اقوال جمع زیادی از تاریخ نویسان دال بر دوشیزه بودن او هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله است و شواهد گوناگونی در تأیید این مطلب وجود دارد.

واژگان کلیدی

ام المؤمنین، حضرت خدیجه علیها السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله

مقام و منزلت حضرت خدیجه علیها السلام

خدیجه علیها السلام از میان خانواده ای خوش اصل و نسب که همیشه به پاکی و اخلاق بزرگوارانه از آن ها یاد شده (1) در شهر مکه دیده به جهان گشود. از اشتها آن حضرت به القابی چون طاهره (2) استفاده می شود که آن حضرت از نظر دیانت

ص: 75

1- سیره ابن هشام، ج 1، ص 121.

2- ذهبی، تاریخ الاسلام، ج 2، ص 152؛ الاستیعاب، ج 4، ص 279؛ سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 111؛ الروض الأنف، ج 1، ص 215؛ الاصابه، ج 4، ص 282 - 281؛ البدایه والنهایه، ج 2، ص 294؛ تاریخ الخمیس، ج 1

به دین حنیف حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام تمایل داشته و چه بسا احترام پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه به جهت اعتقاد او به یکتاپرستی بوده است (1)

او اولین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود و آن حضرت در زمان حیاتش همسر دیگری اختیار نکردند (2) و جز ابراهیم، تمام فرزندان دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه هستند. (3) در عظمت او همین بس که وقتی جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد می شد، عرض می کرد: «به خدیجه سلام پروردگارش را برسان» (4)

پدرش خویند به جهت اعتقاداتی که داشت از حمل حجر الاسود به یمن جلوگیری کرد و با پادشاه یمن به منازعه پرداخت و زیادی یاران او خویند را از دفاع از اعتقادات و اعمال دینی اش بازداشت و سر سخنانه از معتقدات خود دفاع کرد. (5)

اسد بن عبدالعزی جد خدیجه علیها السلام از شخصیت های برجسته پیمان «حلف الفضول» به شمار می آمد که برای یاری ستم دیدگان بنا نهاده شده بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز به خاطر اهمیت این، پیمان خود در آن حضور یافتند و عملاً کار آنان را ارج نهادند. (6)

پسر عموی خدیجه علیها السلام ورقة بن نوفل نیز از افرادی بود که با بزرگان یهود و نصارا معاشرت داشت و کتاب های آن ها را مطالعه کرده بود (7)

ص: 76

1- ص 264

2- سیره ابن هشام، ج 1، ص 122

3- همان.

4- سیره ابن هشام، ج 1، ص 159؛ ابی مغازلی، مناقب علی بن ابی طالب، ص 249

5- سیره حبلی، ج 1 ص 225.

6- سیره ابن هشام، ج 1، ص 87

7- سعد السعود، ص 215؛ تاریخ ابن خلدون، ج 2، ص 406

سیری در احوال ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله

تاریخ از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام پیش از ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خبرهای دقیقی نمی دهد و تنها از او به عنوان یک شخصیت سرمایه دار متشخص یاد می کند که ظاهراً پیش از ازدواج با حضرت محمد صلی الله علیه و سلم با دو نفر به نام «عتیق بن عائد مخزومی» و «ابوهاله تمیمی» ازدواج کرده است. ولی برای روشن شدن مطلب و شناخت شخصیت واقعی پیش از ازدواج او باید دو موضوع مهم را بررسی کرد:

1. حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج چند ساله بوده است؟

2. آیا پیش از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، شوهر یا شوهران دیگری هم داشته یا نه؟

عمر حضرت خدیجه علیها السلام

اقوال مختلفی درباره سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج در کتب تاریخی وجود دارد. قول مشهور به چهل ساله بودن ایشان اشاره می کند؛ لذا طبری از کلبی به این موضوع اشاره کرده، (1) ولی یعقوبی (2) و مسعودی (3) و سبط ابن الجوزی، به این مطلب تصریح نکرده و گفته اند او در شصت و پنج سالگی وفات یافته که در این صورت او هنگام ازدواج چهل ساله بوده است. ولی اقوال دیگری نیز وجود دارند که قابل چشم پوشی نیستند و حتی اگر از این نظریه قوی تر نباشند ضعیف تر نیستند و عبارتند از:

الف) 25 سالگی: ابن کثیر (متوفای 774 ق) می گوید که خدیجه به 65 سالگی رسید و گفته می شود که او به 50 سالگی رسید و قول دوم صحیح است. (4) در این صورت خدیجه هنگام ازدواج 40 ساله یا 25 ساله بوده و نویسنده 25 سالگی را درست می داند.

ص: 77

1- تاریخ طبری، ج 3، ص 280

2- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 25

3- التنبیه والأشراف، ص 199-200.

4- البدایه والنهایه، ج 2، ص 359

ب) 28 سالگی: محمد بن سعد (متوفای 230 ق) از هشام بن محمد از سائب از پدرش از ابن عباس روایت می کند: «روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه ازدواج کرد، آن بانو 28 ساله بودند و مهرش هیجده اوقیه بود». (1)

ابن عماد حنبلی نیز می گوید:

«پیامبر صلی الله علیه و آله در 25 سالگی با خدیجه ازدواج کردند و خدیجه بنابر قول صحیح چهل ساله بود ولی بسیاری بیست و هشت سالگی را ترجیح داده اند. (2)

ج) 30 سالگی: ابن عساکر روایت دیگری از ابوبکر بن عثمان و عالمان دیگر نقل می کند که آن حضرت هنگام ازدواج 30 ساله بوده است. (3)

این ها مجموع اقوالی بود که در مورد سن حضرت خدیجه علیها السلام بیان شده و اقوال دیگری هم وجود دارد که در مجموع عبارتند از: 25 سالگی، 30 سالگی، 35 سالگی، 40 سالگی و 45 سالگی

مشهورترین قول از میان اقوال، مذکور قول به 28 و 40 سالگی است؛ ولی حدود دوازده سال اختلاف نظر در سن یک شخصیت برجسته تاریخی که از خانواده های اصیل و مشهور بوده بسیار بعید به نظر می رسد؛ ضمن این که همه تاریخ نویسان معتقدند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیست و پنج سالگی ازدواج کرده اند پس باید زوجه خود را از میان افرادی انتخاب کنند که از نظر سنی کم تر از آن حضرت یا همسن ایشان باشد و یا اگر به دلایلی با فرد خاصی قصد ازدواج دارند، باید تفاوت سنی در کم ترین حد خود باشد. بنابراین اگر نتوانیم ثابت کنیم که حضرت خدیجه در 25 سالگی ازدواج کرده که بعید هم نیست پذیرفتن چهل سالگی برای آن حضرت مشکل است و به نظر می رسد همان نظریه ای اولویت دارد که می گوید حضرت خدیجه هنگام ازدواج 28 ساله بوده است. (4) ابن عماد

ص: 78

-
- 1- طبقات الكبرى، ج 8، ص 17.
 - 2- شذرات الذهب، ج 1، ص 14.
 - 3- تاریخ دمشق، ج 3، ص 191.
 - 4- انساب الأشراف، ص 98؛ سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 111؛ مختصر تاریخ دمشق، ج 2، ص 275؛ بحار الانوار، ج 16، ص 12؛ حاکم نیشابوری، مستدرک، ج 3 ص 182؛ سیره مغلطای، ص 12؛ المحبر، ص 79؛ تاریخ الخميس، ج 1، ص 264؛ تهذیب الاسماء، ج 2، ص 342؛ سیره حلبی، ج 1 ص 140.

حنبللی هم می گوید:

«بسیاری 28 سالگی را در موقع ازدواج برای آن حضرت ترجیح داده اند» (1).

ازدواج های سابق

اشاره

از مسائل دیگری که در تاریخ به غلط شهرت یافته، این است که حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با دو نفر دیگر نیز ازدواج کرده است. طبری نقل می کند:

او قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله نزد عتیق بن عابد مخزومی بود، سپس او فوت کرد و بعد ابوهاله بن زراره بن نباش با او ازدواج کرد. سپس او نیز فوت نمود و آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله با او ازدواج کرد. (2)

برای رسیدن به حقیقت، لازم است چند مطلب درباره «عتیق بن عابد» و «ابوهاله» بررسی گردد.

الف) ابوهاله

از این که کنیه او ابوهاله بوده است همه اتفاق نظر دارند ولی در میان عرب کنیه اسم محسوب نمی شود؛ چون اسم آن نامی است که به صورت طبیعی بعد از تولد پدر و مادر برای فرزند خود انتخاب می کنند؛ ولی کنیه شهرتی است که کسی بعد از ازدواج و فرزنددار شدن به نام فرزندش مشهور می شود؛ مثلاً ابوهاله یعنی کسی که نام فرزندش هاله بوده و لذا به ابوهاله یعنی پدر هاله شهرت یافته و حتی ممکن است یک نفر میان عرب ها به تناسب فرزندانش کنیه های متعددی داشته باشد ولی هیچ گاه یک نفر دارای دو اسم یا بیش تر نخواهد بود.

بنابراین هر چند او به ابوهاله شهرت داشته نام اولیه او که پدر و مادر برای

ص: 79

1- شذرات الذهب، ج 1، ص 14.

2- تاریخ طبری، ج 2، ص 411.

او انتخاب کرده اند معلوم نیست و اسما متعدد برای او ذکر کرده اند. زیر می گوید:

«او مالک بن نباش بن زراره است» (1)

فیروزآبادی برای او چهار اسم نقل می کند:

«نباش بن زراره» «مالک بن زراره بن نباش» «ابوهاله بن نباش بن زراره» و «زراره بن نباش بن زراره» (2)

ابن ماکولا نیز از ابن کلبی نقل می کند که او «هند بن نباش بن زراره بن وقدان» است. (3)

علامه مجلسی نیز می گوید:

خدیجه با دو نفر ازدواج کرده؛ اسم یکی از آنان ابوشهاب عمرو کندی (یا ابوهاله مالک بن نباش بن زراره) بود. (4)

بالاخره معلوم نیست که اسم او «نباش» بوده یا «مالک» یا «زراره» یا «هند» و یا «عمرو کندی».

و معلوم نیست «زراره» خود ابوهاله است یا پدر او و یا پدر بزرگ او. هم چنین معلوم نیست نباش خود ابوهاله است یا پدر او یا پدر بزرگش

و معلوم نیست هند نام خود اوست یا نام فرزند او در حالی که برخی هند را فرزند او!! می دانند نه خود او؛ بنابراین برای ابوهاله پنج اسم را مطرح کرده اند که عبارتند از:

1. نباش؛ 2. مالک؛ 3. زراره؛ 4. هند؛ 5. ابوشهاب عمرو کندی (5)

ص: 80

1- اسد الغابه، ج 5، ص 71

2- سید علی بن معصوم، الدرجات الرفیعه، ص 407

3- اکمال الکمال، ج 1، ص 523؛ اسد الغابه، ج 5، ص 71؛ فتح الباری، ج 7، ص 109

4- بحار الانوار، ج 16، ص 22 و ج 108، ص 215.

5- مجمع الزوائد، ج الزوائد، ج 8، ص 475؛ المعجم الکبیر، ج 22، ص 159.

در مورد عتیق هم اختلافاتی وجود دارد؛ برخی او را «عتیق بن عامر المخزومی»، (1) برخی «عتیق بن عائد بن عبدالله» (2) و برخی نیز او را «عتیق بن عابد بن عبدالله» (3) می نامند.

اختلاف در مورد اسم پدر عتیق است و معلوم نیست که آیا پدر او عامر بوده یا عابد یا عائد!!

زمان ازدواج

زمان ازدواج این دو نفر هم با حضرت خدیجه علیها السلام مشخص نیست و نمی دانیم آیا عتیق مقدم بوده است یا ابوهاله.

علی بن عبدالعزیز جرجانی و زبیر می گویند: ابوهاله اولین شوهر خدیجه علیها السلام بوده، ولی قتاده، و یونس بن بکیر و ابونعیم، عتیق را اولین شوهر خدیجه علیها السلام می دانند. (4)

فرزندان

در مورد فرزندان عتیق از حضرت خدیجه علیها السلام اختلافات ذیل وجود دارد:

1. برخی می گویند: فرزند عتیق از خدیجه علیها السلام یک دختر بوده به نام هند که مادر محمد بن صیفی مخزومی است. (5)
2. برخی می گویند: یک دختر بوده به نام حارثه (6)
3. برخی می گویند: فرزند او پسر بوده به نام هند. (7)

ص: 81

-
- 1- قاضی نعمان بن مغربی، شرح، الأخبار، ج 3، ص 15؛ الاصابه، ج 6، ص 14.
 - 2- مقاتل الطالبیین، ص 30؛ اسد الغابه، ج 5، ص 434.
 - 3- هیشمی، مجمع الزوائد، ج 9، ص 219؛ الذریه الطاهره، ص 25.
 - 4- اسد الغابه، ج 5، ص 434
 - 5- شرح الاخبار، ج 1، ص 183؛ طبقات الکبری، ج 5، ص 434.
 - 6- شرح الاخبار، ج 3، ص 15
 - 7- مجمع الزوائد، ج 9، ص 219؛ المعجم الکبیر، ج 22، ص 449

4. ابن هشام برای او علاوه بر یک دختر فرزند دیگری از خدیجه یاد کرده به نام عبد الله . (1)

در مورد فرزندان ابوهاله از خدیجه علیها السلام نیز اختلافات فراوانی وجود دارد:

1. بیش تر می گویند: او دو فرزند داشته به نام های هند و هاله که هر دو پسر بوده اند.

2. برخی هند را دختر می دانند. (2)

3. کتاب نسب قریش (ص 22) نیز هاله را دختر دانسته است. (3)

4. ابن هشام بعد از این که هند را پسر می داند برای ابوهاله دختری ذکر می کند به نام زینب نه هاله. (4)

ازدواج فرزندان

در مورد ازدواج هند دختر عتیق نیز برخی می گویند: او با پسر عموی خود صیفی بن امیه بن عائذ بن عبدالله ازدواج کرد و از او صاحب فرزندی به نام محمد شد. (5) ولی ابن عساکر از محمد بن عمر واقدی نقل کرده که عتیق از خدیجه دختری داشت که مالک بن زراره ابوهاله اسدی با او ازدواج کرد. (6)

اگر بپذیریم کسی به نام عتیق با خدیجه علیها السلام ازدواج کرده و آن چه دنیا آمده دختر بوده نه پسر سؤالات ذیل مطرح می شود:

1. چگونه ممکن است آن دختر و مادرش خدیجه طبق نقل ابن عساکر، بعد از عتیق ، هر دو با شخصی به نام ابوهاله ازدواج کنند؟! مگر جمع بین مادر و دختر جایز بوده است؟

ص: 82

1- سیره ابن هشام، ج 4 ص 1058.

2- اسد الغابه، ج 5، ص 434؛ تاریخ طبری، ج 2، ص 411

3- محمد حبیب بغدادی، پاورقی کتاب المنمق، ص 247.

4- ابن هشام الحمیری، سیره النبی، ج 4 ص 1058.

5- طبقات الکبری، ج 8 ص 15 ، و البدایه والنهایه ، ج 5 ص 314

6- تاریخ دمشق، ج 3 ص 190.

2. با توجه به شخصیت با عظمت خدیجه علیها السلام که در مکه به پاک دامنی و زیبایی و ثروت و عقلانیت و حکمت و کیاست مشهور بوده و به نام سیده قریش و طاهره خوانده می شده (1) و برخی او را ملکه بطحا می گفته اند چگونه ممکن است تاریخ این گونه در مورد او به تناقض گویی افتاده باشد؟

3. چگونه مدت عمر او را با 12 سال اختلاف نقل می کنند؟

4. چگونه ممکن است خدیجه علیها السلام سران قریش مثل ابوسفیان، ابوجهل و عقبه بن ابی معیط را جواب رد گفته باشد ولی با دو نفر از افراد مجهول و گمنام مانند عتیق و ابوهاله ازدواج کرده باشد که هنوز یک نام مشخص برای آنان و پدران شان در تاریخ پیدا نشده است؟!

5. چگونه زمان ازدواج های این شخصیت معروف تاریخ معلوم نیست که آیا ابتدا با عتیق ازدواج کرده و سپس با ابوهاله و یا بالعکس؟!

6. چرا فرزندان او این همه گمنامند که بالاخره معلوم نیست هند دختر عتیق بوده یا پسر او و نامش هند بوده یا حارثه و آیا برادر دیگری به نام عبدالله داشته یا نه و اگر او دختر بوده با صیفی مخزومی ازدواج کرده یا با ابوهاله که شوهر مادر اوست؟

7. چرا معلوم نیست هند و هاله فرزندان ابوهاله نیز پسر بوده اند یا دختر و یا خواهر دیگری به نام زینب داشته اند یا نه؟

پس روشن می گردد که حضرت خدیجه علیها السلام تنها با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرده اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و از نظر حسب و نسب شریف ترین فرد زمان خود در مکه بودند ایشان فرزند عبد الله بن عبدالمطلب بن هشام بن عبد مناف بودند که اجدادش همگی از رهبران و بزرگان قریش به شمار می آمدند و خود آن حضرت در دوران جوانی به «محمد امین» شهرت داشتند.

خدیجه علیها السلام از احوال آن حضرت بی خبر نبود و همیشه از ورقه بن نوفل و از علمای

ص: 83

1- ذهبی، تاریخ الاسلام، ج 2، ص 152؛ الاستیعاب، ج 4، ص 279؛ سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 111؛ الروض الأنف، ج 1، ص 215؛ الاصابه، ج 4، ص 281 282؛ البدایه والنهایه، ج 2، ص 294؛ تاریخ الخميس، ج 1، ص 264.

دیگر علایم نبوت را می‌پرسید. ابن حجر عسقلانی می‌گوید:

روزی خدیجه علیها السلام با جمعی از زنان در منظری از غرفه‌های سرای خود نشسته بود. یکی از احبار یهود نیز با او بود در این هنگام محمد صلی الله علیه و اله از آن جا عبور کرد مرد یهودی به خدیجه گفت: «آیا می‌شود این جوان را به این غرفه دعوت نمایی؟» خدیجه کنیز خود را به سوی آن حضرت فرستاد و او را به غرفه دعوت کرد آن حضرت اجابت فرمودند و در جمع آنان نشستند. مرد یهودی تقاضا کرد که آن حضرت کتف خود را بگشاید. حضرت پذیرفتند. وقتی چشم مرد یهودی به مهر نبوت، افتاد، گفت: «به خدا سوگند این مهر پیغمبری است!» خدیجه گفت: «اگر عموهای او حاضر بودند، تو نمی‌توانستی بر بدن او نظر کنی؛ چون عموهای او از یهودیان نسبت به او می‌ترسند.» مرد یهودی گفت: «هیچ کس نمی‌تواند به او آسیبی برساند. قسم به موسی بن عمران که او پیغمبر آخرالزمان است!» آن حضرت وقتی از آن جا خارج شدند مهرش در دل خدیجه علیها السلام افتاد و به یهودی گفت: «تو از کجا می‌دانستی که او پیغمبر است؟!» گفت: «تورات مرا از این امر با خبر ساخته که او خاتم انبیاست و پدر و مادرش در کودکی از دنیا می‌روند و جد و عمویش کفالت او را بر عهده می‌گیرند». سپس به سوی خدیجه اشاره کرد و گفت: «او با زنی از قریش ازدواج می‌کند که بزرگ قبیله و سیده عشیره است. این سخن را نگاه دار» و چون خواست بیرون رود گفت: «مواظب باش تا محمد را از دست ندهی» و این سخن در ذهن خدیجه هم چنان باقی بود. (1)

در یک روز عید نیز خدیجه علیها السلام با جمعی از زنان قریش در مسجد الحرام بودند. یکی از یهودیان به زنان رسید و گفت: «به زودی در میان شما پیغمبری مبعوث می‌گردد و هر کدام از شما می‌توانید با او ازدواج کنید». آن زن‌ها او را سنگ باران کردند و از خود دور ساختند اما خدیجه به فکر فرو رفت. (2)

این قبیل حوادث خدیجه را چشم انتظار یار خود نشانده بود. پس با توجه

ص: 84

1- ریاحین الشریعه، ج 2، ص 211

2- الاصابه، ج 8، ص 101.

به شناختی که خدیجه از آن حضرت داشت و آوازه امانت داری ایشان زمزمه همگان بود از او خواست مالی در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دهد تا به عنوان تجارت به سرزمین شام برود و به صورت مضاربه ای با هم کار کنند؛ یعنی سرمایه از خدیجه و کار از رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد تا اموالش تباہ نگردد و سود بیش تری عاید او شود. لذا یعقوبی می گوید: «هرگز او برای کسی به عنوان اجیر کار نکرد» (1)

وقتی از سفر تجاری شام بازگشتند میسره غلام خدیجه، کمال امانت داری و راست گویی پیامبر صلی الله علیه و آله را به اطلاع خدیجه رساند. او از شنیدن حکایت سفر پیامبر صلی الله علیه و آله از قبیل حکایت بحیرا و دیگر کرامات و از دیدن آن همه سود، از این تجارت شگفت زده شد و میل به ازدواج خود با حضرت را ابراز نمود. زنی که سران قریش را از خود ناامید کرده بود پیشگام ازدواج با حضرت شد. خواهرش هاله با عمار یاسر صحبت کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله به خواستگاری خدیجه برود. (2)

بنابراین گویا خدیجه چشم انتظار چنین روزی بوده و اگر دست رد هم به سینه خواستگاران، زده به این امید بوده که روزی به وصال محبوب خود نایل شود. پس چگونه می توان باور کرد که او سران قریش را از خود براند ولی به ازدواج با دو مرد گمنام تمیمی و مخزومی تن در دهد؟

دوشیزه بودن خدیجه علیها السلام

بر همین اساس، بسیاری از دانشمندان می گویند که خدیجه هنگام ازدواج دوشیزه بوده و ازدواج او با عتیق و ابوهاله را منکر می شوند. ابوالقاسم کوفی (متوفای 352 ق) می گوید:

اجماع عام و خاص اهل آثار و نقل خبرها بر این است که از اشراف و بزرگان قریش و طایفه داران، کسی نبود مگر آن که از خدیجه خواستگاری کرده بود و

ص: 85

1- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 21

2- تاریخ الخمیس، ج 1، ص 263؛ سیره حلبی، ج 1، ص 137.

تمایل به ازدواج با او داشت ولی او از ازدواج با آن‌ها امتناع ورزید. اما وقتی با رسول خدا ازدواج کرد زنان قریش بر او غضبناک شدند و او را از خود راندند و به او گفتند: «سران و فرمانروایان قریش از تو خواستگاری کردند تو با هیچ کس از آنان ازدواج نکردی ولی با یتیم ابوطالب (محمد) ازدواج کردی که فقیر است و سرمایه‌ای ندارد؟»

پس از نظر اهل فهم چگونه ممکن است که یک بیابانی تمیمی با خدیجه ازدواج کند ولی از بزرگان و اشراف قریش سرباز زند؟ آیا صاحب نظران نمی‌دانند که این امر از روشن‌ترین محالات و از کم‌ارزش‌ترین سخنان است (1).

ابن شهر آشوب می‌گوید:

پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی با خدیجه علیها السلام ازدواج کرد او دوشیزه بود. آن چه در دو کتاب الانوار و البدع آمده است که رقیه و زینب دو تا از دختران هاله خواهر حضرت خدیجه بوده‌اند این مطلب را تأیید می‌کند (2).

اصفهانی هم می‌گوید: «خدیجه زن باکره ای بود». (3).

آن چه در مورد دو دختر منسوب به خدیجه گفته می‌شود، واقع این است که هاله خواهر حضرت خدیجه با مردی مخزومی ازدواج کرد و از او صاحب دو دختر شد به نام زینب و رقیه آن گاه که مخزومی از دنیا رفت، حضرت خدیجه علیها السلام سرپرستی آن‌ها را بر عهده گرفت. سپس بعد از مرگ هاله، زینب و رقیه تحت تربیت و سرپرستی رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفتند. (4) عادت عرب نیز این بوده که اگر کسی در خانه آنان پرورش یابد یا هم پیمان آنان باشد، او را فرزند می‌خواندند مثلاً به زید بن حارثه می‌گفتند: زید بن محمد و مقداد بن عمرو را مقداد بن اسود می‌خواندند در حالی که اسود حلیف و هم پیمان مقداد بود نه فرزند او (5).

ص: 86

1- الاستغاثه، کوفی، ج 1، ص 70؛ مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 159

2- مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 159.

3- دلائل النبوه، ص 178

4- قاموس الرجال، ج 1، ص 239

5- نجاح الطائی، ازدواج النبی و بناته، ص 121.

1. ابن اثير، على بن ابي الكرم، اسد الغابه، بيروت، دارالكتاب العربي، تهران، اسماعيليان، بي تا.
2. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، تاريخ ابن خلدون، تحقيق، خليل شحاده، بيروت، دارالفكر، 1408 ق.
3. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بيروت، دارصادر، بي تا.
4. ابن شهر آشوب، محمد بن علي، مناقب آل ابي طالب، تحقيق: اساتيد نجف اشرف، مطبع الحيدريه، 1376 ق.
5. ابن طاووس، علي بن موسى سعد السعود، قم، دارالذخائر، بي تا.
6. ابن عبدالبر، ابي عمر يوسف بن عبد الله، الاستيعاب، تحقيق: علي محمد، البجاوي، بيروت، دارالجيل، 1412 ق.
7. ابن عساکر، علي بن حسن بن هبه الله، تاريخ دمشق، تحقيق: علي شيري، بيروت، دارالفكر، 1415 ق.
8. ابن عماد حنبلي، عبدالحى العسکرى الدمشقى، شذرات الذهب، بيروت، داراحياء التراث العربي
9. ابن كثير دمشقى، اسماعيل ابن كثير، البدايه والنهايه، تحقيق: علي شيري، بيروت، داراحياء التراث العربي، 1408 ق.
10. ابن ماکولا، اكمال الكمال، قاهره، دارالكتب الاسلاميه، بي تا.
11. ابن مغزلى علي بن محمد بن محمد الوسطى، المناقب، انتشارات سبط النبى 1384 ش.
12. ابن هشام، السيره النبويه، تحقيق: محمد محى الدين عبدالحميد، مصر، مكتبه محمدعلى صبيح واولاده، 1383 ق.
13. ابي، فداء عماد الدين اسماعيل، المختصر في الاخبار البشر، بيروت، دار الفكر، 1404 ق.
14. اصفهاني، ابوالفرج، مقاتل الطالبين، تحقيق: كاظم المظفر، قم، موسسه

15. بغدادى، محمد بن حبيب، المنمق تحقيق خورشيد احمد، فارق خطى.

16. بلاذرى، احمد بن يحيى، انساب الأشراف، تحقيق: محمد حميد الله مصر، دار المعارف، 1959 م

17. تسترى، محمد تقى، قاموس الرجال، قم، انتشارات جامعه مدرسين، 1422 ق.

18. تيمى الاصفهاني، اسماعيل بن محمد بن الفضل، دلائل النبوه، رياض طيبه، بى تا.

19. حاكم نيشابورى، حافظ ابى عبدالله، المستدرک على الصحيحين تحقيق: يوسف عبدالرحمان المرعشلي، بيروت، دارالوفاء، بى تا.

20. حلبي، السيره الحلبيه، بيروت، دارالمعرفه، 1400 ق .

21. خثعمى السهيلي، عبدالرحمان بن عبد الله الروض الانف، تحقيق: طه عبد الرؤوف سعد، بيروت، دار الفكر، 1409 ق.

22. دولابى، محمد بن احمد بن حماد، الذريه الطاهره، تحقيق: سيد محمد جواد حسيني جلالى، قم، انتشارات جامعه مدرسين قم 1407 ق.

23. ذهبى شمس الدين محمد بن احمد تاريخ الاسلام، تحقيق: دكتور، عمر عبد السلام ترمزى، بيروت، دارالكتاب العربى، 1409 ق.

24. ذهبى، محمد ابن احمد، سير اعلام النبلاء، تحقيق: شعيب الارنؤوط، بيروت، مؤسسه الرساله، 1413 ق.

25. الطائى، نجاح، ازدواج النبي وبناته، بيروت، دارالهدى لإحياء التراث 1422 ق.

26. طبرانى، سليمان بن احمد، المعجم الكبير، تحقيق: حمدى عبدالمجيد السلفى، بى تا.

27. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوك، بیروت، مؤسسه الاعلمی، 1403 ق.
28. عسقلانی، ابن حجر، الاصابه، تحقیق شیخ عادل احمد عبدالموجود و شیخ علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1415 ق.
29. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، تهذیب التهذیب، بیروت، دارالفکر، 1404 ق.
30. عسقلانی، شهاب الدین ابن حجر، فتح الباری، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
31. الکوفی، علی بن احمد بن موسی الاستغاثه، بی جا، بی تا.
32. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1403 ق.
33. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
34. مدنی شیرازی، سیدعلی خان، الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه، سید محمد صادق بحرالعلوم، قم، بصیر نی، 1397 ق.
35. مسعودی، التنبیه و الاشراف، بیروت، دار صعب، بی تا.
36. مغربی قاضی نعمان بن محمد شرح الاخبار، تحقیق: سید محمد حسینی جلالی، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین، 1414 ق.
37. موسوی المقرم، عبد الرزاق، وفاه الزهراء، قم، بصیرتی، بی تا.
38. هیثمی نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1408 ق.
39. یعقوبی، احمد بن یعقوب، تاریخ یعقوبی، قم، مؤسسه نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، بیروت، دارصادر، بی تا

چکیده

موضوع این پژوهش، نگرش کوتاهی بر گوشه ای از زندگی و شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام است. با مطالعه زندگانی بانوان بزرگ اسلام ملاحظه می شود که درباره زندگی این بانو در منابع و متون فارسی آن چنان که شایسته و بایسته است - چه در مورد نگرش و شخصیت ایشان و چه نقش حساس ایشان در تاریخ اسلام - کم تر مطالب یافت می شود. لذا ضرورت دارد زندگی نامه بانوی اول و مدافع اسلام بیش تر بررسی گردد. این نوشتار در جهت شناساندن این بزرگ بانوی اسلام تهیه شده و درباره ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام بحث می کند. هم چنین به علاقه حضرت خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می شود که ایشان زنی آگاه به کتب آسمانی و دانشمند بودند لذا بر اساس پیش گویی هایی که در زمان خود شنید منتظر همسر ایده آل بود تا با مردی ازدواج کند که به زودی به عنوان آخرین پیامبر در سرزمین حجاز مبعوث خواهد شد همین طور به مراسم خواستگاری و مسائل قبل و بعد از ازدواج و تهمت های ناروایی می پردازد که در تاریخ به ایشان زده اند همچنین به شیوه شوهرداری، فداکاری ها و محبت های وی به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امام علی علیها السلام اشاره می گردد و به اختلاف شدیدی می پردازد که در متون تاریخی در مورد فرزندان ایشان وجود دارد

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام، ازدواج پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام

اشاره

هر گاه سخن از ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام به میان می آید، این سؤال مطرح می شود که آیا خدیجه علیها السلام قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرده بود یا نه؟

مشهور منابع اهل سنت، این است که ایشان قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، دو بار ازدواج کرده اند. (1) این نظر در بعضی از منابع شیعی مثل بحار الانوار و کشف الغمه نیز وجود دارد ولی به نظر می رسد با دلایلی چند می توان به نقل مشهور تشکیک وارد کرد.

الف) بررسی و نقد دلیل تاریخی

بیش تر منابع تاریخی دوره اول، اسلام روایات را از زبیری ها نقل کرده اند که راوی آن ها بیش تر عایشه است. او وقتی به فضایل امام علی علیه السلام و وابستگان آن ها می رسد نفرت خویش را نشان می دهد. لذا هر گاه درباره خدیجه علیها السلام فضایی نقل می شد او برای این که حضرت خدیجه علیها السلام را تخطئه کند و خود را بالا برده ارج و مرتبتی برای خویش دست و پا کند، بارها بیوه بودن خدیجه علیها السلام و ازدواج او با غیر پیامبر صلی الله علیه و آله آن هم دو بار و داشتن فرزندان غیر از حضرت فاطمه علیها السلام از مردانی دیگر را مطرح می کرد.

کسانی مثل ابن اسحاق و ابن هشام به این موضوع اشاره کرده اند. قبل از ابن اسحاق (م 151) ابن شهاب زهری سیره نوشت او شاگرد عروه بن زبیر پسر خواهر عایشه بود و عروه نیز بیش تر از عایشه روایت کرده و او تقریباً شاگرد ممتاز عایشه بوده است. لذا ابن اسحاق، و عروه و دیگران، در نقل اکثر منابع سیری خود مسنداً یا بدون مسند از ابن شهاب نقل کرده اند و این منابع هم مملو از مطالبی است که عایشه را از خدیجه علیها السلام بالاتر نشان می دهند برای

ص: 91

نمونه، ویژگی هایی برای او مطرح نمودند مثل باکره بودن (1) و زیبا بودن (2) و این که عایشه، تنها زن محبوب پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. (3)

ابتدا در منابع نقل شده که ایشان دوبار ازدواج کردند و دارای فرزندان از دو همسر قبلی خود شدند، بعد هم خواستگاران فراوانی از رؤسا و ثروتمندان مکه داشتند ولی او آن ها را رد می کرد تا این که بالاخره تن به ازدواج با یتیم قریش داد با دقت در این مطلب جز آشفتگی چیز دیگری نمی بینیم. آیا می شود زنی ثروتمند که مردانی را به خدمت می گماشته تا در اطراف و اکناف جهان برایش تجارت کنند ابتدا با مردان گمنام ازدواج، نمایند سپس مردان مشهور را رد کند؟ کسانی که مقاصد خاصی در نقل تاریخ دارند نوعاً دچار چنین اشتباهات فاحشی می گردند والا اگر تاریخ درست نقل شود، هرگز دچار لغزش و آشفتگی نیست. از سویی دیگر اقوال ضد و نقیضی دیگری نیز در تاریخ موجود است؛ از جمله:

1. در مناقب ابن شهر آشوب به نقل از سیره صحیح پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است:

احمد بلاذری و ابوالقاسم کوفی هر یک در کتاب خود و مرتضی در شافی و ابو جعفر در تلخیص روایت می کنند که پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی با خدیجه علیها السلام ازدواج می کردند که عذرا (با کره) بود همین مطالب در کتاب الانوار والبدء آمده که رقیه و زینب دختران هاله خواهر خدیجه علیها السلام بودند. (4)

2. گفته اند اول شهید صدر اسلام حارص بن ابی هاله فرزند خدیجه علیها السلام است؛ (5) در حالی که این با روایت صحیح از قتاده که گوید: سمیه مادر عمار اول شهید صدر اسلام بود مخالف است. (6)

3. خدیجه علیها السلام خواهری به نام «هاله» داشت که با مردی از طایفه مخزوم

ص: 92

1- همان، ص 81

2- همان، ص 95

3- همان.

4- جعفر مرتضی عاملی، سیره صحیح پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام، ج 1، ص 151

5- ابن حجر، الاصابه، ج 1، ص 193.

6- استیعاب حاشیه الاصابه، ج 4، ص 331.

ازدواج نمود و دختری به نام «هاله» به دنیا آورد بعد هم این خواهر با مردی از طایفه بنی تمیم ازدواج نمود که به او ابوهند می گفتند و از او فرزندی به دنیا آمد که نامش را «هند» گذاشت. مرد تمیمی از همسر دیگرش صاحب دو فرزند به نام «زینب» و «رقیه» بود. هند بعد از درگذشت مرد تمیمی و همسرش، نزد قوم پدرش رفت و «هاله» خواهر خدیجه علیها السلام و دو دختر آن مرد را نزد خدیجه علیها السلام آورد و خدیجه علیها السلام آن ها را بزرگ کرد. بعد از ازدواج خدیجه با پیامبر صلی الله علیه و آله، هاله خواهر خدیجه علیها السلام از دنیا رفت و آن دو دختر در دامن خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله بزرگ شدند و فرزند خوانده های آنان گردیدند؛ چون عرب معتقدند «ربیع» یا فرزند خوانده دختر انسان است لذا آن دو دختر را به پیامبر صلی الله علیه و آله منصوب کردند همان طور که زید را پسر پیامبر صلی الله علیه و آله الله می دانستند. (1)

4. مقدسی از سعید بن ابی عروه از قتاده آورده اند که اگر گفته: «خدیجه علیها السلام برای رسول خدا دو پسر و چهار دختر به دنیا آورد پسران ابوالقاسم و عبدالله در کودکی از دنیا رفتند و چهار دختر هم در دوران اسلام به دنیا آمدند، چطور پیامبر صلی الله علیه و آله دو تا از دخترانش شامل «رقیه» و «ام کلثوم» را به ازدواج فرزندان ابولهب و بعد به ازدواج با عثمان در آورده اند؟ مگر می شود دخترانش را به ازدواج کافر در آورده باشد؟ بعد هم عثمان که رقیه را گرفت، دوبار او را به حبشه برد در حالی که اولین هجرت به حبشه پنج سال بعد از بعثت است چطور ممکن است رقیه قبل از بعثت با فرزند ابولهب ازدواج نماید، بعد هم از او جدا شود و در زمان اسلام با عثمان ازدواج نماید و از آن طرف هم رقیه بعد از بعثت به دنیا آمده باشد!

این مسائل نشان می دهد رقیه ای که با عثمان ازدواج نموده، غیر از آن رقیه ای است که پیامبر صلی الله علیه و آله داشته که شاید همان دختر «هاله» خواهر خدیجه علیها السلام بوده است. (2)

ص: 93

1- همان، ج 1، ص 154.

2- لذا عثمان همسر ربیع دختران پیامبر صلی الله علیه و آله (جعفر مرتضی عاملی، سیره صحیح پیامبر صلی الله علیه و آله، ج 1، ص 154). و پسران پیامبر صلی الله علیه و آله دختران او نمودند الا فاطمه کسانی که می خواستند در مقابل امام علی علیه السلام برای خود فضیلت بتراشید چنین وانمود می کنند که عثمان ذوالنورین است و دو تا از دختران پیامبر صلی الله علیه و آله را گرفته ولی

درباره زینب هم اقوال تاریخی مشوش است. عمرو بن دینار روایت کرده که حسن بن محمد بن علی علیه السلام به او (عمرو) خبر داد که «ابوالعاص ابن ربیع ابن عبد الغزء بن عبد الشمس بن عبد مناف» شوهر دختر خدیجه علیها السلام بوده که او را دست بسته نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می آورند و بعد زینب دختر پیامبر صلی الله علیه و آله او را آزاد می کند.

این که نخست به دختر خدیجه علیها السلام تعبیر کرد اشاره به این دارد که دختر پیامبر صلی الله علیه و آله نبوده است. هر چند بعد از آن او را با عنوان دختر پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر نمود، شاید هدف او این باشد که چون خدیجه علیها السلام زینب را تربیت کرده واجب حق پدری، گشته والا چرا باید ابتدا او را دختر خدیجه علیها السلام بخواند؟ (1) یا در بعضی از منابع آمده که زینب در سی سالگی پیامبر صلی الله علیه و آله به دنیا آمده و ابوالعاص بن ربیع قبل از بعثت با او ازدواج نموده و دو فرزند به نام «علی» که در کودکی درگذشت و «امامه» را به دنیا آورد که هنگام ایمان آوردن مادر در ابتدای بعثت او هم ایمان آورده، در حالی که این منطقی نیست. چگونه دختر در ده سالگی ازدواج کند و دختری به دنیا آورد او هم بزرگ شود و در اوایل بعثت همراه مادرش اسلام آورد. مادر ده ساله و دخترش با هم اسلام می آورند؟

مورد بعدی از این دلایل مغشوش سخن ابن بکار است که می گوید:

سه تن از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله (قاسم که بزرگترین فرزند بود و زینب که قبل از اسلام به دنیا آمد و عبدالله) این ها بعد از نبوت به دنیا آمده اند و عبدا... در کودکی از دنیا رفت سپس، ام کلثوم، فاطمه علیها السلام و رقیه بعد از اسلام به دنیا آمدند. (2)

این مسندات تاریخی مشوش است و به قول، بزرگان برای رقابت بر سر برتری امام علی علیه السلام جعل شده است. (3)

امام علی علیه السلام یک دختر را این حرفی باطل است.

ص: 94

1- همان، ج 1، ص 56.

2- هیشمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج 9، ص 217.

3- برخی تاریخ نگاران نسبت های ناروایی به امام علی داده اند مانند آن که با حضرت فاطمه علیها السلام رفتار ناشایستی داشته یا خواسته دختر ابوجهل را هووی فاطمه قرار دهد که با خشم پیامبر صلی الله علیه و آله رویه رو شده است. این گونه برای این خاندان پاک عیب می تراشیدند. همان گونه که برای تولد حضرت علی علیه السلام در، کعبه چنین جعل کردند حکیم بن حزام اولین کسی بوده که در کعبه تولد یافته و تولد امام علی علیه السلام در کعبه را قولی ضعیف می دانند (ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج 1، ص 349)

ب) بهره جستن از بعضی دلایل کلامی و منافی دانستن این مسأله با اصل عصمت

در زیارت هفتم از زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام از قول امام صادق علیه السلام معروف به زیارت وارث می خوانیم:

گواهی می دهم تو نوری بوده ای که در پشت های فرازنده و بلندبالا و در ارحام پاک قرار گرفتی که به پلیدی های دوران جاهلیت نیالوده است. (1)

یا در بخشی از زیارت جامعه می خوانیم:

ارواح شما و نور شما و طینت شما یکی است؛ پاک و پاکیزه؛ و بعضی از شما از بعضی دیگر گرفته شده است. (2)

هم چنین:

شما را از چرک ها پاک کرده و پلیدی را از شما دور گردانیده است. (3)

در خطبه 94 نهج البلاغه از امام علی علیه السلام درباره اصالت خانوادگی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام چنین آمده است:

خداوند پیامبران را در بهترین جایگاه به ودیعه گذاشت و در بهترین مکان ها استقرارشان داد از صلب کریمانه پدران به رحم پاک مادران منتقل فرمود هر گاه یکی از آنان درگذشت دیگری برای پیشبرد دین خدا به پا خاست. تا این که کرامت اعزام نبوت به محمد صلی الله علیه و آله رسید. نهاد وجود او را از بهترین معادن استخراج نمود و نهال وجود او را در اصیل ترین سرزمین ها کاشت...

عترت او از بهترین عترت ها و خاندان او از بهترین خاندان ها و درخت وجودش از بهترین درختان است... ساختمان های بلند آن سر به آسمان

ص: 95

1- (أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا)؛

2- أَنْ أَرْوَا حَكْمَكُمْ وَنُورَكُمْ وَطَيِّبَتِكُمْ وَاحِدَةً طَابَتْ وَطُهِرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ

3- (طَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا)

کشیده که دست هر کسی به میوه آن نمی رسد.

منظور از شاخه ها و میوه اهل بیت علیهم السلام هستند که این جا شاهد مثال ما کلمه «کرائم الاصلاب الی مطهرات الارحام» است. این جا چند تفسیر دارد: قول اول این که منظور از «ارحام المطهرات» یعنی دوری از زنا و به وسیله ازدواج عرفی نسل های آن ها ادامه دارد.

که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرمایند:

خداوند من و حسن و حسین و علی و فاطمه را هفت هزار سال پیش از خلقت آفرید. سپس ما را در صلب آدم قرار داد. سپس آن ها را در صلب های پدران و رحم های مادرانی جای داد که هیچ گاه پلیدی و شرک و زشتی کفر با ما تماس نگرفت. (1)

این جا ارحام مطهره به این معنا نیست که ازدواج آن ها به صورت شرعی و عرفی بوده نه، زنا بلکه منظور این است که این ها از پلیدی دور بوده اند و می دانیم که کفر نجس و پلیدی است و کسی که ازدواج بکند و کافر باشد، هرگز او را مطهر نگوید چون طبق آیه شریفه قرآن (*إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ*) بی شک مشرکان پلید و ناپاک هستند (2) لذا به مادران ائمه علیهم السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله مطهره می گویند؛ زیرا آن ها موحد بوده اند.

طبق روایات می دانیم که عصمت امری موهبتی بوده که خداوند در امامان علیهم السلام قرار داده است و آبا و اجدادشان همگی معصوم و دور از پلیدی جاهلیت - اعم از پلیدی ظاهری و باطنی - بوده اند. همان طور که پدر امامان معصوم منزله از پلیدی بودند چگونه مادر حضرت زهرا علیها السلام می تواند زنی باشد که در دوران بت پرستی و جاهلیت ازدواج کرده و از مردان بت پرست صاحب فرزند شود، بعد با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کند و از او فرزندانی به دنیا بیایند که ام ائمه گردند. در حالی که قائلیم مادران ائمه هم پاک بوده اند چگونه ام المؤمنین مثل زنان ناپاک بوده که از او فاطمه علیها السلام به دنیا آمده است؟

ص: 96

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 15، ص 80

2- سوره توبه، آیه 28.

خدیجه علیها السلام در زمان جاهلیت به طاهره شهرت داشت؛ زیرا زنی پاک و منزّه به شمار می آمد که قبل از بعثت هم او به پاک بودن معروف شده بود. لذا بی شک می توان گفت که حضرت خدیجه علیها السلام زن پاک و منزّه بودند که به ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و مفتخر گشتند. زنی باهوش که با احساسات و خواب هایی که دیده و یا پیشگویی هایی که شنیده بود منتظر آن مرد بزرگ بود که وقتی ایشان را شناخت خود مستقیماً از حضرت خواستگاری کرد. پس طبق احادیث ائمه علیهم السلام نقل شده که هر گاه حدیثی با سخن قرآن مخالف باشد، آن سخن را پاره کنید و به دیوار بزنید

لذا سخنانی را که درباره ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با مردانی غیر از پیامبر صلی الله علیه و آله است، نمی پذیریم؛ چون طبق نقل قرآن و احادیث ائمه علیهم السلام این ها طینت و جوهرشان پاک و منزّه و ارواح شان از یک دیگر و از ارحام مطهره و اصلاب شامخه است نه از پدر و مادران پلید یا کافر

راز علاقه حضرت خدیجه علیها السلام به حضرت محمد صلی الله علیه و آله

اشاره

یکی از موضوعاتی که باید به بحث و بررسی درباره آن پرداخت عوامل مؤثر در علاقه حضرت خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله است. حضرت خدیجه علیها السلام چگونه با داشتن موقعیت اجتماعی و علاقه مندان بسیار به ازدواج، ایشان همه را نادیده گرفتند و به پیامبر صلی الله علیه و آله علاقه مند گردیدند؟ آیا سرچشمه این ازدواج آسمانی بوده یا زمینی؟ الهی و قدسی بوده یا طبیعی و جسمانی؟ کتب سیره و تاریخ نظر اول را تأیید می کند. پاره ای از این گزارش ها عبارتند از:

1. سفر تجارتي میسره با پیامبر صلی الله علیه و آله

وقتی ایشان پیامبر صلی الله علیه و آله را برای سفر تجاری، فرستاد همراه اموال خود غلامش میسره را هم راهی سفر کرد. او که در سفر مواظب اموال حضرت خدیجه علیها السلام و نحوه رفتار تاجران با اموال بود، حرکات پیامبر صلی الله علیه و آله را زیر نظر داشت؛ لذا هنگام

بازگشت از سفر تمام جزئیات را برای حضرت خدیجه علیها السلام تعریف کرد، (1) او گفت:

پیامبر صلی الله علیه و آله از هیچ درخت و سنگی رد نمی شدند مگر این که به ایشان خطاب می کردند: السلام علیک یا رسول الله! وقتی فروشندگان او را به لات و عزی قسم می دادند او می فرمود: «منفورترین چیز نزد من اینان هستند!» هنگامی که ابر بر سر ایشان سایه افکند (2) بحیرا با مشاهده آن، علایم نبوت را به ایشان بشارت داد

وقتی میسره این مطالب را گزارش داد حضرت خدیجه علیها السلام که از سال های قبل مترصد چنین فرصتی بود و خواستگاران زیادی را به علت چنین آرزویی رد کرده بود، بی درنگ دست به کار شد و مقدمات ازدواج را آماده کرد.

2. پیشگویی پسر عموی دانشمند حضرت خدیجه علیها السلام

ورقه بن نوفل پسر عموی حضرت خدیجه علیها السلام یکی از کاهنان قریش بود. او تورات و انجیل را مطالعه می کرد و همیشه می گفت که مردی از قریش در آخرالزمان بر می خیزد و جامعه را اصلاح خواهد کرد و با زنی از قریش که سیده قومش است ازدواج خواهد کرد این حرف همیشه در خاطر حضرت خدیجه علیها السلام بود. (3) لذا از علایم آن مرد آخرالزمانی از پسر عمویش سؤال می کرد؛ بنابراین هنگام ازدواج، نخست از مهر نبوت پرسید و با خردمندی با رسول خدا صلی الله علیه و آله ازدواج کرد. (4)

3. پیشگویی راهب یهودی

در یکی از اعیاد دوران جاهلیت که زنان در مسجد الحرام جمع شده بودند مردی غریب از کنار آن ها گذشت که او را یهودی کاهن یا راهب یهودی می گفتند وقتی او گروهی از زنان را دید که با لباس های رنگارنگ به شادی

ص: 98

1- احمد زینی دحلان، سیره حلبیه، ج 1، ص 140.

2- هر چند اصل این قضیه پذیرفتنی نیست؛ چون ظاهراً بر اساس منابع فقط بحیرا می بیند و از همراهان او هیچ کس ندیده یا نقلی نشنیده است.

3- احمد زینی دحلان، سیره حلبیه، ج 1، ص 140.

4- همان

پرداخته بودند با بانگ رسا آن ها را خطاب قرار داد و گفت!!

ای جماعت زنان قریش!! مردی به زودی از بین شما قریشیان مبعوث خواهد شد که پیامبر صلی الله علیه و آله شما خواهد بود؛ پس هر کس از شما بخواهد می تواند زن او باشد حتماً افتخار همسری او را برای خود کسب کنید.

ناگهان زنان با نگاه به یک دیگر گفتند: «این مرد یهودی چه چیزهای غریبی می گوید می خواهد خدايان ما را مسخره کند! لذا او را هو کرده، با پرتاب سنگ و فحش او را از آن جا دور ساختند. در این میان فقط یک زن سخنان او را جدی گرفت چون حرف های آن مرد با پیشگویی هایی که قبلاً شنیده بود جور در می آمد. خوب به حرف هایش فکر کرد (1) و در انتظار آن بود که این افتخار نصیب او گردد. (2) این شخص کسی نبود جز حضرت خدیجه علیها السلام.

هم چنین روزی یکی از راهبان یهودی نزد حضرت خدیجه علیها السلام نشسته بود و برای ایشان سخن می گفت که در این هنگام مردی از زیر پنجره آن ها رد شد. تا چشمان آن عالم یهودی به آن مرد افتاد از حضرت خدیجه علیها السلام تقاضا نمود او را به حضورش بیاورد هنگامی که آن مرد وارد شد، راهب از نام و تبارش پرسید و از او خواست که لباسش را کنار زده تا علایم نبوت را مشاهده کند. او وقتی تمام نشانه ها را دید گفت: «این همان پیامبر آخرالزمان است من نشانه های او را در تورات خوانده ام! او زنی از قریش را به همسری بر می گزیند که سالار زنان است!» بعد با اشاره به حضرت خدیجه علیها السلام گفت: «خوش به حال زنی که در این راه مقدس با او همراه شود و همسر او گردد!» (3)

ص: 99

1- ابن هشام، سیره؛ احمد زینی دحلان، سیره حلبیه، ج 1، ص 140؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 41.
2- البته علامه جعفر مرتضی عاملی این گونه راهبان یهود و نصارا را تأیید نمی کند و اعتقاد دارد این از جعلیات بنی اسرائیلی است که در تاریخ اسلام وارد نموده اند تا مسلمانان احساس نزدیکی به آن ها بکنند و نفرت شان را کم رنگ کند البته خود، قرآن به موضوع آشنا بودن یهود و نصارا با نشانه های پیامبر آخر الزمان اذعان دارد. (سوره بقره، آیات 174/146؛ سوره انعام آیه 20) کسانی که ما به آن ها کتاب داده ایم می شناسند او را هم چنان که می شناسند فرزندان شان را و همانا گروهی از آن ها پنهان می کنند حق را در حالی که حق را می دادند.

3- ابن سعد، طبقات الکبری، ج 8، ص 12.

4. خواب دیدن حضرت خدیجه علیها السلام

روزی حضرت خدیجه علیها السلام خوابی عجیب دید و برای ورقه بن نوفل چنین بیان کرد: «در خواب دیدم ماه از آسمان فرود آمد و در کنار من افتاد و سپس هفت پاره شد» همو می گوید: «در خواب دیدم خورشید در بالای کعبه چرخید و کم کم پایین آمد و در خانه من فرو نشست».

بار دیگر در عالم رؤیا دید که ماه از آسمان مکه آرام آرام در سرای او فرود آمد. او از این نوع خواب ها شگفت زده می گردید و آن ها را برای تعبیر به پسر عمویش می گفت و ورقه هم بعد از شنیدن این خواب ها همراهی و همسری آخرین پیامبر خدا را به او نوید می داد (1)

اقوال مختلف درباره خواستگاری

اشاره

رابطه تجاری پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام ، باعث شد این دو بیش تر هم دیگر را بشناسند. لذا در امر خواستگاری چند قول گفته شده که عبارتند از:

1. خواستگاری پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام

برخی گفته اند که ابتدا پیامبر صلی الله علیه و آله به خواستگاری خدیجه علیها السلام رفتند زن پیشگویی آن جا نشسته بود آن زن تا حضرت را دید گفت: «او نیامده مگر برای خواستگاری!» پیامبر صلی الله علیه و آله هم شرم کردند و منکر سخن زن شدند. ولی بعد وقتی آن زن پیامبر صلی الله علیه و آله را دید گفت: «هیچ زنی شایسته تر از خدیجه نمی توانی پیدا کنی!» لذا پیامبر صلی الله علیه و آله برگشتند و موضوع را به خدیجه علیها السلام گفتند. (2)

2. خواستگاری خود خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله

همان طور که گفته شد وقتی میسره گزارش سفر خود را به خدیجه علیها السلام

ص: 100

1- سید محسن، امین مجالس السنیه، ج 5، ص 6.

2- سهیلی، روض الانف، ج 2، ص 124؛ طبری، سمط الثمین، ص 36.

داد و او از امانت داری و پاکی و عدم بت پرستی حضرت محمد صلی الله علیه و آله سخن، گفت خدیجه علیها السلام خود مستقیم از رسول خدا صلی الله علیه و آله خواستگاری نمود و گفت: «ای پسر عمویم! به سبب خویشاوندیت با من بهترین کس بودن در قوم خود و حسن خلق و امانت داری و راستگویت به تو علاقه مندم».

بنابراین پیامبر صلی الله علیه و آله هم این موضوع را با بنی هاشم در میان گذاشتند و آن ها هم با حمزه برای خواستگاری نزد عموی خدیجه علیها السلام (عمرو بن اسد) آمدند و حضرت خدیجه علیها السلام را از او خواستگاری نمودند. (1)

3. خواستگاری خدیجه علیها السلام به واسطه نفیسه دختر منیه

خواهر یعلی بن منیه می گوید:

خدیجه علیها السلام که از بهترین زنان قریش از جهت نسب و ثروتمندترین آن ها از جهت مال و بسیار زیرک و باهوش بود بعد از بازگشت حضرت محمد صلی الله علیه و آله از سفر تجارتی شام مرا پیش حضرت فرستاد. من به ایشان گفتم: «ای محمد صلی الله علیه و آله چه چیزی مانع ازدواج شماست؟» جواب داد: «دستم خالی است». گفتم: «اگر زنی صاحب مال و جاه و شریف و زیبایی را پیدا کنم قبول می کنید؟» پیامبر صلی الله علیه و آله و جواب دادند: «بلی». من هم به خدیجه علیها السلام خبر دادم و او چگونگی خواستگاری از خویش را به عرض پیامبر صلی الله علیه و آله رسانید. لذا عمرو بن اسد آمد و ازدواج صورت گرفت. (2)

4. خواستگاری خدیجه علیها السلام به واسطه خواهرش هاله

عمار یاسر نقل کرده است:

من با پیامبر صلی الله علیه و آله دوست بودم داشتیم بین صفا و مروه راه می رفتیم که خدیجه علیها السلام و خواهرش هاله را دیدیم هاله به من گفت: «چرا دوستت زن نمی گیرد. آیا به خدیجه علیها السلام تمایل ندارد؟» گفتم «نمی دانم» و خبر را

ص: 101

1- احمد زینی دحلان، سیره حلبیه، ج 1، ص 138

2- احمد زینی دحلان، سیره حلبیه، ج 1، ص 138

به محمد صلی الله علیه و آله گفتم حضرت هم فرمود: «برو و با آن ها روز خواستگاری را تعیین کن تا ما بیاییم». بعد به خواستگاری او رفتیم؛ دیدیم خدیجه علیها السلام گاوی ذبح کرده و پدرش را لباس فاخری پوشانده و او را مست کرده بود!! (1)

مراسم ازدواج

حضرت محمد صلی الله علیه و آله در خانه ابوطالب بزرگ قریش زندگی می کرد و طبق وصیت عبدالمطلب او سرپرست حضرت بود و حتی با تشویق عمویش با اموال خدیجه علیها السلام به تجارت پرداخت. حال آیا ممکن است پیامبر صلی الله علیه و آله عمو و بزرگ قوم و سرپرست خود را رها کند و عمویش حمزه (2) را که تقریباً هم سن خودش بود برای خواستگاری بزرگ بانوی، قریش فرستاده باشد؟ رسم است که بزرگان فامیل به خواستگاری می روند از این جا معلوم می شود کسانی که با پسرش (امام علی علیه السلام) دشمنی دارند سعی می کنند که حتی کم ترین خوبی هم برای ابوطالب علیه السلام ذکر نشود.

نهمت های ناروا به پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام

1. تنگ دستی پیامبر صلی الله علیه و آله

نقل شده که وقتی خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین سؤال کرد: «ای محمد صلی الله علیه و آله نمی خواهی ازدواج کنی؟» حضرت فرمودند: «با چه کسی؟» خدیجه علیها السلام گفت: «با من» حضرت فرمودند: «من با تو؟ تو کجا و من کجا! توایم (3) قریش و زنی هستی که بزرگان را رد کرده ای و من که یتیم و تنگ دست قریش هستم».

بی شک این حرف ها دور از شأن پیامبر صلی الله علیه و آله است که چنین خویش را زار و حقیر بنماید. همان طور که گفته شد خدیجه علیها السلام به سبب قرابت و اخلاق و رفتار نیکوی پیامبر صلی الله علیه و آله با ایشان ازدواج کرد.

ص: 102

1- همان؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 16

2- ابن هشام، سیره، ج 1، ص 205.

3- طریحی مجمع البحرین، ج 1 و 2، ص 140 مرد چه ازدواج کرده باشد یا نه و زنی که باکره باشد یا بیوه به هر دو مورد ایّم گویند و به زنان ایّمه، نگویند چون تعداد زنان، ایم نسبت به مردان بیش تر است.

2. دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج

یکی دیگر از مسائل بسیار تأسف بار تهمت های زشتی است که بر صاحت مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله وارد کرده و ایشان را همچون جوانان لاابالی معرفی نموده و ادعا کرده اند که ایشان قبل از ازدواج رابطه هایی با حضرت خدیجه علیها السلام داشته اند این تهمت ها همه از ساحت وجود پیامبر صلی الله علیه و آله به دور است. چگونه امکان دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله از بعثت خودش خبر نداشته ولی قبل از او حضرت خدیجه علیها السلام از این مطلع بوده و به او بگوید: «امیدوارم به زودی به پیامبری مبعوث بشوی؟» و این قصه جز استهزاء پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی دیگری نیست.

3. شراب خوراندن پدر خدیجه علیها السلام

در منابع تاریخی دسته اول آمده که پدر خدیجه علیها السلام (خویند ابن اسد) بیست سال قبل از این ازدواج در جنگ فجار کشته شده است. اما دسیسه بازان گفته اند چون پدرش با این ازدواج مخالف بود، خدیجه علیها السلام حيله کرد و به او شراب نوشانید و بعد لباسی حریر به او پوشانید بعد که پدر به هوش آمد و علت لباس را سؤال کرد، گفت: «تو مرا به ازدواج محمد صلی الله علیه و آله در آورده ای!» (1) پدر انکار کرد و گفت: «من تو را به یتیم ابوطالب بدهم؟!» آیا این گونه در تاریخ دست بردن جز قصد اهانت به پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام چیز دیگری می تواند باشد و چنین بانوی با کرامتی به خاطر عشق به چنین کارهایی دست بزند؟! (2)

4. انگیزه ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام

در آینده در خطبه حضرت خواهیم دید که ایشان عرض می کند «خودم و مالم از آن توست». این را طی سال های زندگی با حضرت نشان داد، طوری که سال ها بعد از مرگش وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از او یاد می کرد اشکش جاری می شد

ص: 103

1- احمد زینی دحلان، سیره حلبیه، ج 1، ص 140.

2- جعفر مرتضی عاملی، سیره صحیح پیامبر، ج 1، ص 154.

و با دیدن دوستان او شاد می گردید. این ها نشان می دهد که اگر پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر مال با خدیجه علیها السلام ازدواج کرده بودند، شاید در طول زندگی یک سری مسائلی پیش می آمد که حداقل مواردی از آن در تاریخ ذکر می شد. آن دو آن قدر عاشق هم بودند که بین خانواده های، قریش به زن و شوهری خوش بخت شهرت داشتند.

هرگز در تاریخ نمونه ای از اختلاف بین آن دو نداریم؛ به همین علت، پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از رحلت حضرت خدیجه علیها السلام و ابوطالب علیه السلام احساس بی یآوری و تنهایی می کردند تا خدیجه علیها السلام زنده بود، اگر در بیرون از خانه دچار مشکلی می شدند همسر مهربانش ایشان را دلداری و به او آرامش می داد و پیامبر صلی الله علیه و آله مشکلات را به خاطر محبت های بی دریغ همسرش بر خود هموار می کردند (1)

5. خطبه ابوطالب هنگام ازدواج

وقتی حضرت خدیجه علیها السلام تصمیم به ازدواج گرفت، قاصدی را سوی ورقه بن نوفل یا عمویش عمرو بن اسد فرستاد و گفت: «به او بگو که وقتی حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیش تو آمد مرا به او تزویج کن پس از آن که ابوطالب علیها السلام نزد خدیجه علیها السلام آمد، خدیجه علیها السلام به او گفت: «نزد عموی یا عموزده ام بروید تا مرا به تزویج حضرت محمد در آورد و من در این مورد با او سخن گفته ام». آن ها پیش عموزاده یا عمویش رفتند و ابوطالب، خدیجه علیها السلام را از او خواستگاری نمود (2)

نیز هنگام ازدواج ابوطالب چنین خطبه خواند:

سپاس خدای این خانه همان کسی که ما را از ذریه ابراهیم و اسماعیل قرار داد و ما را در حرم امنی فرود آورد و بر ما برتری داد و به این سرزمین برکت و نعمت بخشید. ما و این برادرزاده را بر تمام مردان قریش برتری داد و قابل قیاس نیست مگر این که وی بهتر از اوست و در میان مردم کسی مانند

ص: 104

1- ابن اثیر، اسد الغابه، ج 5، ص 437

2- احمد زینی دحلان، سیره حلبیه، ج 1، ص 137

او نیست. گرچه از لحاظ مال تهی دست است مال عاریه ای است که پایدار نمی ماند و سایه ای است که زایل می شود او به خدیجه علیها السلام راغب و خدیجه علیها السلام هم به او راغب است و ما آمده ایم با رضایت خدیجه علیها السلام او را از شما خواستگاری کنیم و کابینش بر عهده من است. اگر او بخواهد، پرداخت می کنم و قسم به خدای این خانه که محمد صلی الله علیه و آله دارای اقبالی بزرگ و دینی شایع و فردی بی کم و کاست است و اندیشه ای کامل دارد. (1)

وقتی ابوطالب سکوت نمود ورقه یا عمرو به سخن آمد ولی در سخن گفتن دچار لکنت شد و از ادامه دادن سخن در ماند. در این هنگام خدیجه علیها السلام به سخن درآمد و خطاب به عمویش گفت:

ای عمو! اگرچه در مجلس بر من مقدم هستی ولی از جانم بر من مقدم نیستی. ای محمد صلی الله علیه و آله! من خود را به عقد ازدواج تو درآوردم و مهریه آن را خودم بر عهده گرفتم به عمویت دستور ده تا شتری قربانی کند و جشن عروسی برقرار سازد تو صاحب اختیار همسر و اموال او هستی.

در این هنگام ابوطالب به حاضران گفت:

گواهی دهید که خدیجه علیها السلام ازدواج با محمد صلی الله علیه و آله را پذیرفت و مهریه آن را خود بر عهده گرفت.

یکی از حاضران که ظاهراً ابوجهل بود گفت: «عجبا! تاکنون ندیده بودیم که زنی مهریه ازدواج خویش را خود بر عهده بگیرد!» ابوطالب با حالت خشم برخاست و گفت: «آری، اگر مردانی همانند برادرزاده ام باشد، او را با گران بهاترین چیز و سنگین ترین مهریه بر بایند ولی اگر امثال شما باشد جز با مهریه سنگین با شما ازدواج نخواهد کرد». آن گاه ابوطالب شتری را قربانی کرد و ولیمه عروسی را برقرار نمود بر اساس بعضی از منابع مهریه خدیجه علیها السلام دوازده اوقیه و یا بیست شتر یا پانصد درهم و دینار بوده است. (2)

ص: 105

1- احمد زینی دحلان، سیره حلبیه، ج 1، ص 139

2- کشف الغمه، ج 2، ص 133.

1. محبت به همسر

او همسری مهربان و یاری خردمند برای پیغمبر صل الله علیه و آله بود. آن قدر محبت نثار شوهر می کرد که پس از گذشتن سال ها از مرگش هر وقت نام او را ذکر می کردند، اشک در چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله حلقه می زد هر گاه دوستان خدیجه علیها السلام را می دید احترام می کرد طوری که حسادت زنان دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله در می آمد. (1)

با داشتن ثروت زیاد بر کسی مخصوصاً همسر خود فخر فروشی نمی کرد، بلکه می گفت: «من کنیز تو هستم و اموالم در اختیار توست». او تمام آداب جاهلی را که مخصوص همسران متمکن بود زیر پا گذاشت. ملاک همسر برای او صداقت، نیکی امانت و معنویت بود مال برای او مهم نبود و با حسن انتخاب خود خوش بختی دنیا و آخرت را به دست آورد.

او به راستی بانوی با خرد و شریف و خیر و از نظر شرافت، پرشکوه ترین آن ها بود از نظر مال ثروتمندترین و از نظر زیبایی خوب صورت ترین آن ها بود. (2)

پیامبر صلی الله علیه و آله تا وقتی ابوطالب و خدیجه علیها السلام زنده بودند، بی واهمه توانایی مقابله با کفار مکه را داشتند اما بعد از درگذشت این دو تاب مقاومت را از دست دادند و از مکه هجرت نمودند. ایشان که در خانه یاری هم چون خدیجه علیها السلام و در خارج از خانه ابوطالب را داشتند توانسته بودند بار سنگین رسالت را به دوش بکشند. بعد از دست دادن این دو یار با وفا و صدیق، نتوانستند در مکه به تبلیغ امر رسالت ادامه دهند لذا مدینه را که پایگاه یارانی باوفا بود محل تبلیغ خود قرار دادند

سبک معاشرت خدیجه علیها السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نه بر اساس حقوق متقابل و نه حتی اخلاق والای انسانی بلکه بر اساس عشق و شیفتگی و شعور انسانی بود؛ زیرا خدیجه علیها السلام در اندیشه ثروت معنوی بود و فضایل انسانی را جست جو

ص: 106

1- بخاری، فضایل باب تزویج خدیجه، ج 2، ص 315 حاشیه سندی

2- احمد زینی دحلان، سیره حلبیه، ج 1، ص 137.

می کرد و در شاهراه پاکی گام بر می داشت و در این راه همراه و هم دمی و جوان مرد را از خدا خواسته بود به همین جهت در زندگی مشترک خویش با پیامبر صلی الله علیه و آله همیشه بهترین یاور و مونس پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

علامه مجلسی می نویسد:

خدیجه علیها السلام نخستین زنی بود که به خدا و پیامبرش ایمان آورد و قرآن و برنامه های او را به عنوان وحی خدا پذیرفت و با همه وجود و توان بار گران وزارت و همراهی پیامبر صلی الله علیه و آله را در راه حق و عدالت به دوش کشید و بدین وسیله خداوند متعال بارگران رسالت را با هم اندیشی و همکاری شجاعانه حضرت خدیجه علیها السلام بر پیامبرش آسان ساخت پیامبر صلی الله علیه و آله تا آخرین روزهای زندگی خدیجه علیها السلام او را یاری غم خوار، همکاری چاره ساز و آرام بخش دل خویش می دیدند و هر سخن گزنده و موضع گیری های اهانت آمیز که در راه رساندن پیام خدا از تاریک فکran می شنید و دل نازنینش را از اندوه آکنده می کرد با شریک دغدغه هایش در میان می نهادند و با او درد دل می کردند خداوند به وسیله سخن و تدبیر حکیمانه آن شیر زن درد و اندوه را از دل پیامبرش می زدود؛ زیرا آن شریک بزرگوار هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله را غمگین می دید با زبان و عمل ایشان را به استواری و مقاومت بر می انگیخت و با هم دردی و هم زبانی از فشارها می کاست و با آسان شمردن کار بزرگ هدایت جامعه، چشم اندازهای موفقیت را نزدیک می ساخت. او نخستین کسی بود که به خدا و رسولش ایمان آورد و هر چه را از طرف خداوند آمده بود تصدیق کرد. در اموری که به عهده پیامبر صلی الله علیه و آله بود او را همراهی کرد و خداوند به وسیله خدیجه بار رسالت را بر پیامبرش سبک ساخت (1)

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله در بیرون خانه برای دعوت مردم به اسلام با انواع مشکلات و زخم زبان ها مواجه می گشتند، خدیجه علیها السلام مرهم زخم های

ص: 107

1- «کانت خدیجه اول من آمنت بالله و رسوله و صدقت بماء جاء من الله و وازرته علی امره فحخف الله بذلك عن رسول الله» (مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 10؛ ابن هشام، سیره النبویه، ج 1، ص 259).

2. برترین همسر

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «برترین زنان بهشت خدیجه علیها السلام، فاطمه علیها السلام، مریم و آسیه هستند». (2)

نویسنده ریاحین الشریعه می نویسد:

مقام خدیجه علیها السلام باید از مریم و آسیه برتر باشد؛ به لحاظ آن که ملاک، فضل بذل مال، علم، عبادت معرفت و صبر و شکیبایی حضانت، اولاد تدبیر منزل و خوب شوهرداری نمودن است. این همه خصائص پسندیده که ملاک فضل زنان است؛ آن چنان که در خدیجه علیها السلام جمع شده بود، برای مریم و آسیه فراهم نبوده است. (3)

ابن عباس گوید:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله چهار خط کشیدند؛ آن گاه پرسیدند: «آیا می دانید الله این خط ها چیست؟» گفتیم: «خدا و رسولش دانانترند». فرمود: «بهترین زنان بهشت مریم دختر، عمران، خدیجه علیها السلام دختر خویلد فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و آسیه دختر مزاحم زن فرعون است». (4)

از این سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می توان فهمید که بهترین زنان پیامبر صلی الله علیه و آله از، پانزده زن خدیجه علیها السلام بود به لحاظ سبقت، ایمان اولین زن نمازگزار بخشش تمام اموال خود به رسول خدا صلی الله علیه و آله و داشتن فرزندان مانند فاطمه علیها السلام. لذا تا وقتی خدیجه علیها السلام زنده بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله آبا زنی دیگر ازدواج نکردند، (5) همیشه به یاد

ص: 108

-
- 1- ابن عبدالبر، الاستیعاب؛ ج 4، ص 381؛ ابن هشام، سیره النبویه، ج 1، ص 259
 - 2- افضل نساء اهل الجنة خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و مریم بنت عمران و آسیه امرأة فرعون (طبری، سمط الثمین ص 48؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 2).
 - 3- محلاتی ریاحین الشریعه، ج 2، ص 203.
 - 4- خیر نساء الجنة مریم بنت عمران و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و آسیه بنت مزاحم امرأة فرعون (ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 2، ص 720 - سیوطی، جامع الصغیر، ج 1، ص 51؛ شیخ صدوق، خصال، ج 1، ص 206).
 - 5- فروع کافی، ج 5، ص 391.

او اشک می ریختند؛ (1) برای دوستان خدیجه علیها السلام هدیه می فرستادند و اگر کسی از دوستان او به دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله می آمد آن ها را احترام می کردند (2) در بهشت به او وعده کاخی از لؤلؤیا در دادند که تو خالی و از سر و صدا در امان است. (3)

به دلیل همین موارد، او برترین همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و در این امر هیچ کسی اختلافی ندارد شیخ الازهر مصر از سید شرف الدین (رحمه الله) سؤال کرد: «علت اعراض شما از حدیث فضیلت ام المؤمنین عایشه چیست؟» علامه با چند دلیل جواب می دهد:

1. روزی که عایشه به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «خداوند بهتر از آن را به تو ارزانی داشته»، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مَا أَبْدَلَنِي اللَّهُ خَيْرًا مِنْهَا؛ خداوند بهتر از او را به من نداد». (4)

2. عایشه خودش اعتراف می کند: «من به هیچ زنی به اندازه خدیجه علیها السلام حسادت نورزیدم». (5) آیا زنی که افضل ام المؤمنات است، چنین صفت رذیله ای (حسادت) دارد؟

3. طبق نظر خود اهل سنت، قیام مقابل خلیفه و امام وقت طغیان محسوب می شود مگر امام علی علیه السلام را مردم زمان خودش نصب و با ایشان بیعت نکرده بودند؟ آیا عایشه جلو امام حاضر قیام نکرد؟ آیا او به خاطر همین، جزء طاغیان محسوب نمی گردد؟ با آن همه دشمنی که با امام علی علیه السلام داشت و با او کینه ورزی می کرد آیا او از خدیجه علیها السلام افضل است؟ خدیجه در همان اوایل، اسلام دست بیعت به حضرت علی علیه السلام داده بود و حال آن که عایشه با امام علی علیه السلام دشمنی داشت.

4. پیامبر صلی الله علیه و آله تا خدیجه علیها السلام زنده بود، ازدواج نکردند و حال آن که بعد از عایشه

ص: 109

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 8؛ قاموس الرجال، ج 10، ص 432

2- همان.

3- طبری، سمط السمین، ص 48

4- سیلاوی، انوار الساطعه، ص 206

5- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 112.

هفت الی هشت زن دیگر اختیار کردند. آیا این احترام گزاردن به عایشه بود؟

3. احترام و تکریم بستگان همسر

1-3- تکریم ابوطالب

وقتی حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله تصمیم به ازدواج گرفتند ایشان به احترام بزرگِ خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، به حضرت عرض کرد: «عمویت را نزد عمویم عمرو بن اسد بفرست و به او بگو که وقتی محمد صلی الله علیه و آله پیش تو آمد، مرا به تزویج او در بیاور!» از این جا معلوم می شود که ایشان برای افراد خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و احترام قائل بود و او را برای خواستگاری فراخواند. (1)

2-3- محبت به امام علی علیه السلام

پیامبر صلی الله علیه و آله بارها از محبت و علاقه فراوان خود به حضرت علی علیه السلام با خدیجه علیها السلام سخن می گفتند، لذا او نیز محبت و علاقه فراوان به امام علی نشان می داد و توسط خدمتکارانش لباس و دیگر ملازمات زندگی برای او می فرستاد تا آن جا که مردم می گفتند: علی علیه السلام محبوب ترین افراد نزد خدیجه علیها السلام است. (2) لذا وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان قحطی مکه برای کمک به گذرانیدن زندگی، عمویش علی علیه السلام را به خانه خود بردند و اداره زندگی و پرورش روح و جسم وی را بر عهده گرفتند، خدیجه علیها السلام هم از او حمایت کرد. او دوستی امام علی علیه السلام را در امتداد محبت خدا و رسولش می دید؛ چون بارها از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده بود که:

هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد مرا دوست داشته است و هر کس مرا دوست بدارد خدا را دوست داشته است. (3)

محبت و مراقبت خدیجه علیها السلام از علی علیه السلام در خانه اش به حدی بود که مردم مکه را به شگفتی واداشت. هنگامی که از نسب و قرابت او با خدیجه علیها السلام سؤال

ص: 110

1- احمد زینی دحلان، سیره حلبیه، ج 1، ص 139

2- مجلسی، بحار الانوار، ج 35، ص 43.

3- (مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَحَبَّنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ) (متی هندی، کنز العمال، ج 11، ص 622)

می کردند نزدیکان خدیجه علیها السلام می گفتند:

او برادر محمد و دوست دارترین خلق بر او و نور چشم خدیجه علیها السلام و او کسی است که آرامش را برای آن ها می آورد. (1)

علاوه بر این خدیجه علیها السلام به ولایت امام علی علیه السلام و فرزندانش ایمان داشت با این که در آن زمان نسبت به این امر تکلیفی نبود روزی پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه علیها السلام را سوی خود فراخواندند و فرمودند:

جبریل می گوید: «برای اسلام شروطی است: اول، اقرار به یگانگی خداوند؛ دوم: اقرار به رسالت پیامبران؛ سوم: گواهی به معاد و عمل به اصول و مهمات اسلام چهارم: اطاعت اولی الامر و ائمه طاهرين از فرزندان او و برائت از دشمنان آن ها» خدیجه علیها السلام به همه آن ها اقرار کرد. (2)

فرزندان خدیجه علیها السلام

کتب تاریخی دو پسر و چهار دختر را برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام نام برده اند. ولی برای فرزندان خدیجه علیها السلام، سیر ولادتی خاصی را مشخص نکرده اند. از این جهت اخبار وارده مخدوش است که در ذیل به پاره ای از آن اشاره می کنیم:

1. قدامه بن عامه گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله دو پسر داشتند به نام های قاسم که راه می رفت و فوت کرد و عبدا... که در کودکی درگذشت و چهار دختر به نام های فاطمه علیها السلام، زینب، رقیه و ام کلثوم که در دوره اسلام به دنیا آمدند» (3)
2. زهری گوید: «خدیجه علیها السلام چهار دختر به نام های فاطمه علیها السلام، زینب، ام کلثوم و رقیه و دو پسر به نام های قاسم و طاهر به دنیا آورد. زینب بزرگ ترین دخترانش بود (4)

ص: 111

-
- 1- «هواخو محمد واحب الخلق اليه و قره عين الخديجه و من ينزل السكينة عليه» (مسعودی، اثبات الوصیه، ص 144).
 - 2- حر عاملی وسائل الشیعه، ص 281؛ سیلاوی، انوار الساطعه من الغزاء الطاهره، ص 340.
 - 3- مقدسی، البدء و التاريخ ترجمه کتاب او به نام آفرینش و تاریخ جزء دوم (شامل جزء 4 و 5 و 6)؛ ابن عبد البر، الاستیعاب، ج 4، ص 380
 - 4- همان. ص 381.

3. ابن اسحاق گوید: «تمامی فرزندان حضرت محمد صلی الله علیه و اله از خدیجه علیها السلام هستند مگر ابراهیم خدیجه علیها السلام همه آن ها را در زمان جاهلیت به دنیا آورد؛ شامل قاسم طیب و طاهر، زینب، رقیه، ام کلثوم و فاطمه علیها السلام همه پسران در جاهلیت فوت کردند و دختران همگی اسلام را درک نمودند. (1) در حالی که در کتاب دیگر صفحه 245 می گوید:

اول زینب بعد رقیه سپس ام کلثوم در آخر فاطمه علیها السلام و بعد از فاطمه علیها السلام دو پسر به دنیا آمدند، اما هر دو در سن شیرخوارگی از دنیا رفتند.

بعد در سطر پایین تر گوید:

اول قاسم بعد عبدا... سپس فاطمه علیها السلام بعد ام کلثوم و سپس زینب علیها السلام و در آخر رقیه

4. واقدی از قول نفیسه دختر منیه گوید: «اول قاسم بعد عبدا... به دنیا آمدند و چون عبدا... در اسلام به دنیا آمد لقب او طیب و طاهر شد. سپس به ترتیب زینب، ام کلثوم و فاطمه علیها السلام به دنیا آمدند و بین هر فرزندی دو سال فاصله بود». (2)

5. مصعب زبیری گوید: «اول قاسم بعد زینب بعد عبدا... که در زمان نبوت به دنیا آمد، بعد از او ام کلثوم رقیه و حضرت فاطمه علیها السلام چشم به جهان گشودند». (3)

از اقوال مختلف این نتایج به دست می آید:

1. حضرت خدیجه دارای دو پسر از پیامبر صلی الله علیه و آله بودند؛

2. دو پسر او فوت کردند؛

3. دختران همگی بزرگ و مسلمان شده بودند؛

4. اختلاف شدیدی بین روایان در ترتیب سنی فرزندان و ترتیب ولادت آنان وجود دارد.

روایاتی نیز مدعی اند که پسران حضرت در زمان اسلام فوت کرده اند؛ از جمله:

1. وقتی قاسم فوت کرد، خدیجه علیها السلام گفت: یا رسول آ... سینه ام پر از شیر شده، اگر او زنده می ماند، دو سالگی او تمام می شد». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر

ص: 112

1- ابن اسحاق، السیر المغازی، ص 82

2- ابن سعد، طبقات الکبری، ج 8، ص 16.

3- ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 4، ص 381.

بخواهی صدایش را به تو می رسانم». خدیجه علیها السلام گفت: «من خدا و رسولش را تصدیق می کنم». (1)

2. خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: «ای کاش پسرم عبدا... زنده بود تا دو سال شیرخوارگی او تمام می شد پسرم کجاست؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «در بهشت است». خدیجه علیها السلام گفت: «بدون عمل؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند عمل کنندگان را می شناسد». (2)

3. بعد از فوت پسران کفار پیامبر صلی الله علیه و آله را شماتت می کردند که دیگر اولادی ندارد. لذا سوره کوثر در این باره نازل شد. این نشان می دهد که فرزندانش در دوره اسلام فوت نموده اند.

سن دختران پیامبر صلی الله علیه و آله

بعضی از روی سن ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله سن دختران آن حضرت را ذکر کرده اند. در مورد ازدواج حضرت اقوال مختلفی وجود دارد؛ بعضی 21 سالگی، برخی 25 سالگی و حتی سی سال هم آورده اند. از طرفی در بعضی روایات آمده که زینب، بزرگ ترین فرزند دختر آن ها بوده و بین فرزند حداقل دو سال فاصله زمانی وجود داشته (3) و زینب در سی سالگی پیامبر صلی الله علیه و آله به دنیا آمد (4) و رقیه در 33 سالگی (5) این جا این جا سؤال است که چگونه وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله در چهل سالگی به نبوت رسیدند، دخترده ساله ایشان به عقد ابی العاص کافر و دختران هفت ساله و پنج ساله (رقیه و ام کلثوم)، به عقد پسران ابولهب کافر در می آیند؟

وقتی خدیجه علیها السلام اسلام آورد دخترش زینب هم مسلمان شد، ولی شوهر او ربیع بعد از جنگ بدر اسلام را پذیرفت، آیا روا بود که حضرت اجازه بدهد زن

ص: 113

1- سهیلی، روض الانف، ج 1، ص 214 و 215

2- یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 26 و 18

3- ابن سعد، طبقات، ج 8، ص 16.

4- ابن عبدالبر، استیعاب، ج 4، ص 410

5- ابن عبدالبر، استیعاب، ج 4، ص 399.

مسلمان با مرد کافر زندگی کند؟ یا رقیه و ام کلثوم که از زینب کوچک تر بودند، به عقد پسران ابولهب کافر در بیایند؟ آیا اسلام اجازه می داد زن مسلمان به عقد مرد کافر در بیاید؟ در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده بودند «اگر زن، مسلمان شود و شوهر کافر گردد، از هم جدا نشوند، مگر این که شوهر هم مسلمان گردد».

در تاریخ آمده که وقتی سوره مسد نازل شد، ابولهب به پسرانش دستور داد

دختران پیامبر صلی الله علیه و آله را طلاق دهند. این سوره باید بعد از سال سوم بعثت نازل شده باشد زیرا تا سه سال دعوت حضرت علنی نبود و آزار و اذیت نمودن حضرت بعد از دعوت آشکارا به اسلام شروع گردید و سوره مسد در حق آن زن و مردی نازل شد که به پیامبر صلی الله علیه و آله آزار می رساندند. بعد از آن گفته می شود که پسران ابولهب دختران پیامبر صلی الله علیه و آله را طلاق داده اند اگرچه عده ای گفته اند که سوره مسد زمان محاصره شعب ابی طالب نازل شده (1) که بعد از نزول این دو سوره ادعا می شود که دختران پیامبر صلی الله علیه و آله را طلاق داده اند. (2)

از این مناقشات تاریخی چنین استنباط می گردد که پیامبر صلی الله علیه و آله اگر بر فرض دخترانی غیر از فاطمه علیها السلام داشته اند همگی در کودکی از دنیا رفته اند و خدیجه علیها السلام به جز حضرت فاطمه علیها السلام دختر زنده دیگری نداشته اند. همین طور خدیجه پسری به نام قاسم داشته اند که او هم در کودکی در دوره اسلام از دنیا رفته است. (3) اما دختران دیگر احتمال دارد که فرزندان هاله دختر خواهر خدیجه علیها السلام بوده اند. (4)

ص: 114

1- ابن اسحاق، السیر المغازی، ص 156

2- ابن حبیب، المحبر، ص 153

3- ابن عبدالبر، الاستیعاب، ص 38

4- جعفر مرتضی عاملی، سیره صحیح پیامبر صلی الله علیه و آله بزرگ اسلام، ج 1، ص 156.

1. قرآن کریم.
2. ابن اثیر عزالدین ابن ابی الحسن شیبانی (م 774 ق) اسد الغابه، دار الاحیاء التراث، بیروت.
3. ابن اسحاق، محمد، سیره ابن اسحاق، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم، 1368 ش.
4. ابن حبیب، محمد بن حبیب بن عمر هاشمی، المحبر، بیروت: مکتبه التجاری، 1361 ق.
5. ابن حجر، احمد بن علی بن حجر عسقلانی (م 852-733 ق)، الاصابه فی تمییز الصحابه، چاپ اول، دارالمعرفه، بیروت، 2004 م.
6. ابن سعد کاتب واقدی محمد، طبقات ابن سعد، ترجمه محمود دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه، 1376 ش.
7. ابن شهر آشوب، محمد بن علی مازندرانی سروی، مناقب آل ابی طالب، قم، انتشارات علامه بی تا
8. ابن کثیر، اسماعیل، سیره النبویه، بیروت، دارالمعرفه، 1983 م
9. ابن هشام محمد بن عبد الملک، سیره النبویه، بیروت، دارالفکر، 1937 م
10. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، بیروت، دارالاضواء، بی تا.
11. بخاری، محمد بن اسماعیل صحیح بخاری، به حاشیه سندی، دار الصادر بیروت.
12. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، مکتبه الاسلامیه، 1397 ق.
13. ذهبی، شمس الدین محمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرساله، 1993 م.
14. زینی دحلان، احمد، سیره حلبیه، بیروت، انتشارات تراث العربی، بی تا.
15. سهیلی خثعمی، ابوالقاسم عبدالرحمان بن عبدالله ابن احمد، الروض

16. سيلوى، شيخ غالب، انوار الساطعه من الغراء الطاهره، چاپ اول، قم، بی نا، 1421 ق.
17. سیوطی، جلال الدین بن عبد الرحمان بن ابی بکر، جامع الصغیر، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول، 1401 ق.
18. صدوق، شیخ محمد، خصال، ترجمه آیت الله کمره ای، تهران، انتشارات، کتابچی خیابان پامنار بی تا
19. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، 1998 م.
20. طبری؛ مجب الدین طبری ، سمط، الثمین قاهره، مكتبة القیمه، بی تا.
21. طریحی؛ فخرالدین ، مجمع البحرین تحقیق سیداحمد حسینی، چاپ، دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1376 ش.
22. عاملی، جعفر مرتضی، سیره صحیح از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، ترجمه حسن تاج آبادی، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی قم، 1371 ش.
23. عبد البر، یوسف بن عبد الله القرطبي، الاستیعاب ، بیروت، دارالفکر، 1381 ق.
24. کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، بیروت، انتشارات دارالاضواء، 1405 ق.
25. متقی هندی؛ علاء الدین بن علی بن حسام الدین، کنز العمال، بیروت مؤسسه الرضا، 1409 ق.
26. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ سوم، بیروت، مؤسسه الوفاء 1383 ق.
27. محسن امین، محمدامین ، مجالس السنیه ، ترجمه او به نام شرح وصال ، محمدرضا جباران تهران سازمان تبلیغات اسلامی، 1380 ش
28. محلاتی، ذبیح الله ، ریاحین الشریعه ، تهران، دارالکتب الاسلامیه بی تا

29. مسعودی، علی بن حسین بن علی اثبات الوصیه، قم، انتشارات انصاریان، 1417 ق.
30. مقدسی، مطهر بن طاهر، البداء والتاریخ، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران انتشارات آگاه 1374 ش.
31. واقدی، محمد بن عمر بن واقع (م 807 ه . ق) المغازی، انتشارات نشر دانش، اسلامی دارالمعرفه الاسلامیه
32. هیشمی، علی بن بکر (م 807)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1988 م.
33. یعقوبی؛ احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر، بی تا.

*بستگان حضرت خدیجه علیها السلام: فاطمه کرمی (1)

چکیده

حضرت خدیجه علیها السلام در نزد خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت از جایگاه والایی برخوردار بود. و آشنایی با تمام ابعاد زندگی آن بانوی بزرگوار اهمیت ویژه ای دارد اما به برخی از ابعاد زندگی ایشان توجه کمتری شده است؛ برای مثال در مورد بستگان حضرت خدیجه علیها السلام اطلاعات چندانی در منابع متأخر و پژوهش های معاصر وجود ندارد و در حقیقت این بعد از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام (بعد خانوادگی) ناشناخته مانده؛ بنابراین پرداختن به این موضوع ضرورت و اهمیت زیادی دارد. البته دامنه پژوهش حاضر به بررسی بستگان خدیجه علیها السلام به جز فرزندان ایشان محدود است؛ زیرا در مورد فرزندان آن بانوی بزرگوار کار بیش تری صورت گرفته است. پژوهش حاضر با تکیه بر منابع متقدم و کهن انساب، نشان می دهد که منابع بسیار محدودی در مورد بستگان حضرت خدیجه علیها السلام وجود دارد و بیشترین اطلاعات در مورد بستگان ایشان به قرن سوم هجری و در دو کتاب جمهره النسب ابن کلبی (م. 204 ق) و نسب قریش مصعب بن عبدالله زبیری (م 236 ق) مربوط می شود و این دو منبع مأخذ اصلی اطلاعات دیگر منابع بوده است.

این پژوهش ابتدا به بستگان حضرت خدیجه علیها السلام پرداخته، سپس سیر تطور منابع در طول تاریخ را بررسی نموده است. در ادامه چگونگی تأثیر منابع متقدم بر منابع پسین را پی گیری کرده و سپس

ص: 118

شرح حال مختصری از برخی بستگان حضرت خدیجه علیها السلام آمده است در انتها نمودار منابع حاوی اطلاعات بستگان ایشان به ترتیب قدمت ترسیم شده و در نهایت موضع خویشاوندان خدیجه علیها السلام در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله بیان گردیده است.

آشنایی با بستگان نزدیک حضرت خدیجه علیها السلام و هم چنین آگاهی از نحوه برخورد و موضع گیری آن ها در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله از دستاوردهای این پژوهش است.

واژگان کلیدی

خدیجه علیها السلام، بستگان خدیجه علیها السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله و فرزندان خویند، فرزندان اسد بنی اسد

مقدمه

حضرت خدیجه علیها السلام نخستین همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مادر حضرت زهرا علیها السلام بود. وی نخستین زنی به شمار می آید که به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد و ایشان را تصدیق نمود و همواره پشتیبان حضرت بود و تمام اموال خود را در راه اسلام و حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله خرج کرد و در این راه سختی های زیادی را تحمل نمود. وی در سال دهم بعثت رحلت یافت.

با این که حضرت خدیجه علیها السلام از خاندان بزرگ و مشهور قریش بود در مورد بستگان ایشان اطلاعات چندانی در پژوهش های معاصر وجود ندارد و منابع متقدم و کهن اطلاعات بیش تری در این زمینه دارند؛ هر چند منابعی که در صدد بیان فرزندان خویند و اسد (بستگان حضرت خدیجه علیها السلام) هستند بسیار محدودند به گونه ای که فقط پنج منبع به نام های جمهره النسب ابن کلبی (م. 204 ق)، نسب قریش مصعب بن عبد الله زبیری (م. 236 ق)، انساب الاشراف بلاذری (م 279 ق)، جمهره انساب العرب ابن حزم (م. 456 ق) و امتاع الاسماع مقریزی (م. 845 ق) اطلاعاتی در این زمینه دارند اطلاعاتی در مورد برخی از خواهران و برادران حضرت خدیجه علیها السلام و فرزندان آن ها به صورت پراکنده در

منابع وجود دارد، اما متمرکز و منسجم نیست. برای مثال، نام «زبیر بن عوام»، پسر برادر حضرت خدیجه و یا «امیمه» دختر خواهر حضرت خدیجه در منابع زیادی آمده است.

در این پژوهش و بر اساس منابع کهن، انساب آگاهی هایی در مورد بستگان حضرت خدیجه از جمله خواهران و برادران آن حضرت و عموها و عمه های ایشان گردآوری شده است.

پدر و مادر حضرت خدیجه علیها السلام

پدر حضرت خدیجه علیها السلام، خویلد پسر اسد پسر عبدالعزی پسر قصی بود. (1) خویلد در زمان جاهلیت کشته شد (2) و مادر آن حضرت فاطمه دختر زانده بن اصم بن هرم بن رواحه بن حجر بن عبد بن معیص بود. (3)

الف) بستگان پدری حضرت خدیجه علیها السلام

1. پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری حضرت خدیجه علیها السلام

پدر بزرگ حضرت خدیجه علیها السلام، اسد نام داشت (4) و مادر بزرگ ایشان، زهره دختر عمرو بن حبتره (5) بن رویبه (6) بن هلال از بنی کاهل بن اسد بن خزیمه بود. (7)

ص: 120

1- ابن هشام، سیره النبویه، ج 1، ص 189؛ مصعب بن عبد الله، زبیری نسب قریش، ص 228؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 8، ص 11.

2- ابن هشام، همان، ج 1، ص 189؛ ابن سعد، همان، ج 1، ص 106؛ ابن قتیبہ دینوری، المعاری، ف ص 219

3- زبیری، همان، ص 230؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ف ج 1، ص 396.

4- ابن کلبی، جمهره النسب، ب ص 68.

5- ابن کلبی به جای نام حبتره، حنثره و باذری، حنثره آورده است. (ابن کلبی، همان، ص 68؛ باذری، همان، ج 9، ص 419)

6- ابن کلبی به جای نام رویبه، ذؤبیه آورده است. (ابن کلبی، همان، ص 68)

7- ابن کلبی، همان، ص 68؛ زبیری، همان، ص 228؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 419

بنی اسد خاندان پدری حضرت خدیجه علیها السلام

بنی اسد یکی از 25 تیره اصلی قریش بودند (1) آنان فرزندان اسد بن عبدالعزی ابن قصى بن كلاب جد چهارم پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می آمدند. بنی اسد با رسول خدا صلی الله علیه و آله و پیوند نسبی دارند؛ زیرا «ام حبیب» دختر اسد، مادربزرگ مادر پیامبر صلی الله علیه و آله بود. (2)

2. برادران حضرت خدیجه علیها السلام

سه تن از برادران حضرت خدیجه علیها السلام در تمام منابع مذکور به نام های عوام، حزام و نوفل آمده، (3) اما مصعب بن عبدالله زبیری تعداد برادران آن حضرت را چهار نفر می داند و از «عدی» برادر دیگر حضرت خدیجه علیها السلام نام می برد که نسل وی از بین رفته است (4) مقریزی نیز تعداد برادران حضرت خدیجه علیها السلام را چهار تن می داند و از «عمرو» برادر دیگر حضرت یاد می کند که فرزندی نداشته (5) در حالی که «عمرو بن اسد» عموی حضرت خدیجه بوده و نه برادر آن حضرت و در منابع دیگر نام عمرو بن اسد ذکر شده نه عمرو بن خویلد.

بنابراین می توان گفت: حضرت خدیجه علیها السلام چهار برادر به نامهای عدی، عوام، حزام و نوفل. داشتند شاید نیامدن نام «عدی» در منابع، ناشی از نداشتن فرزند برای وی و منقرض شدن نسل او باشد.

3. خواهران حضرت خدیجه علیها السلام

اتفاق نظر در مورد خواهران حضرت خدیجه علیها السلام در منابع وجود ندارد. ابن کلبی نامی از خواهران آن حضرت نیاورده اما مصعب بن عبدالله و ابن حزم، به دو تن

ص: 121

1- علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، 2، ص 269.

2- زبیری، همان، ص 207.

3- ابن کلبی همان ص 70؛ زبیری، همان، ص 229؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 420؛ احمد بن علی مقریزی، امتاع الاسماع، ج 6، ص 194. 195.

4- زبیری، همان، ص 229

5- مقریزی، همان، ج 6، ص 195

از خواهران حضرت به نام های هاله و رقیقه اشاره کرده اند. (1) بلاذری نیز هنگام نام بردن از فرزندان خوینده هیچ اشاره ای به نام دختران او نمی کند؛ ولی در ذیل اسلاف پیامبر صلی الله علیه و آله به نام خواهران آن حضرت به نام های هاله خالده و رقیقه اشاره می کند. (2) مقریزی نیز هنگام ذکر نام فرزندان خوینده، دو خواهر برای حضرت خدیجه نام می برد (3) و هنگام ذکر اسلاف پیامبر صلی الله علیه و آله به سه به سه خواهر آن بانو اشاره می کند. (4)

ابن حجر عسقلانی (م. 852) از «طاهره بنت خوینده» یاد می کند و می گوید که وی خواهر حضرت خدیجه است و آن را به زبیر بن بکار نسبت می دهد. (5) اما ابن عبد البر (م. 462)، ابن اثیر (م. 630) و نویری (م. 733) ذیل بیان نسب حضرت خدیجه علیها السلام می نویسند:

قال الزبير: كانت تدعى في الجاهلية الطاهره؛ «زبیر گفت: در جاهلیت طاهره خوانده می شد». (6)

حتی خود ابن حجر، ذیل شرح حال حضرت خدیجه علیها السلام می گوید:

قال الزبير بن بكار: كانت تدعى قبل البعثة الطاهره . (7)

بنابراین طاهره نام خود حضرت خدیجه بوده نه خواهر ایشان.

4. عموهای حضرت خدیجه علیها السلام

تعداد عموهای حضرت خدیجه علیها السلام نیز در منابع متفاوت ذکر شده است.

ص: 122

-
- 1- زبیری، همان، ص 230، 229؛ ابن حزم، جمهره انساب العرب، ص 120. (البته ابن حزم به جای نام رقیقه، رقیقه می آورد).
 - 2- بلاذری، همان، ج 1، ص 406
 - 3- مقریزی، همان، ج 6، ص 196، 195.
 - 4- همان، ج 6، ص 135.
 - 5- ابن حجر عسقلانی، الإصابه، ج 8، ص 224
 - 6- ابن عبد البر، الاستیعاب، ج 4، ص 1817؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ج 6، ص 78؛ احمد بن عبد الوهاب، نویری، نهایه الأرب، ج 18، ص 170.
 - 7- عسقلانی، همان، ج 8، ص 99.

ابن کلبی هنگام ذکر نام فرزندان اسد از چهارده نفر یاد می کند که عبارتند از: نوفل، حبیب، صیفی، حویرث عمرو هاشم مهشم، طالب، طلیب، خالد مطلب، حارث، عبد و عثمان (1). مصعب بن عبد الله، زبیری، تعداد پسران اسد را سیزده نفر می داند و نام عثمان را حذف کرده و به جای نام عبد عبدالله آورده است. (2) بلاذری به نام دوازده نفر اشاره کرده و نام عبدالله و عثمان را ذکر نکرده است. (3) ابن حزم نیز تنها به ذکر نام پنج تن از آن ها به نام های حارث، حویرث، حبیب، مطلب و نوفل اکتفا می کند، (4) مقریزی می گوید: «تعداد عموهای حضرت خدیجه علیها السلام پانزده نفر است»؛ اما از چهارده نفر بیش تر نام نمی برد.

هر چند نسب قریش که کامل تر از جمهره النسب به ذکر انساب پرداخته به ذکر نام سیزده نفر اکتفا کرده و به نام عثمان اشاره نکرده، از آن جایی که جمهره النسب اولین منبع در زمینه ذکر اسامی فرزندان اسد است، به نام عثمان نیز اشاره کرده، به علاوه ابن هشام نیز هنگامی که از اسرای جنگ بدر نام می برد، از عثمان بن اسد نام برده و یکی از فرزندان او را جزء اسرای بدر شمرده است. (5) بنابراین می توان نتیجه گرفت که عثمان نیز جزء فرزندان اسد بوده، بنابراین تعداد عموهای حضرت خدیجه علیها السلام چهارده تن هستند.

5. عمه های حضرت خدیجه علیها السلام

منابع حاوی اطلاعات در مورد عمه های حضرت خدیجه علیها السلام، دو کتاب نسب قریش و امتاع الاسماع است. مصعب بن عبدالله زبیری از دو دختر اسد به نام های ام حبیب و رقیه یاد می کند و از بقیه دختران نام نمی برد و با کلمه

ص: 123

1- ابن کلبی، همان، ص 69

2- همان ص 69 زبیری همان ص 206 .

3- بلاذری، همان، ج 9، 420 .

4- ابن حزم، همان، ص 117.

5- ابن هشام، همان، ج 2، ص 4.

«نسوه» از آن ها یاد می کند (1) و در مواردی که تعداد دختران حداقل سه نفر باشند، از این کلمه استفاده کرده (2) بنابراین روشن می گردد تعداد عمه های حضرت خدیجه حداقل پنج نفر بوده اند اما مقریزی می گوید: «تعداد آن ها هشت نفر بوده اند».

مقریزی از هشت نفر به نام های ام حبیب، نافضه ام سفیان، ام مطاع، عاتکه بره رقیقه و رقیه به عنوان عمه های حضرت یاد می کند. (3) وی ام حبیب و عاتکه را دو نفر می داند، در حالی که به گفته ابن عساکرام حبیب همان عاتکه دختر اسد بن عبدالعزی است. (4) از سوی دیگر مقریزی ام سفیان را همسر عبد مناف بن کعب بن سعد بن تیم بن مره و مادر خالد بن عبد مناف معرفی کرده (5) در حالی که مادر خالد، سیعه دختر احب است، (6) مقریزی هم چنین رقیقه را یکی از دختران اسد ذکر کرده، در حالی که در منابع دیگر رقیقه دختر خویند معرفی شده است. (7)

برخی منابع از «ارنب» به عنوان دختر اسد یاد کرده اند، (8) اما نامی از او در کتب انساب برده نشده است بنابراین بی شک دختران اسد حداقل پنج نفر بوده اند.

ب) بستگان مادری حضرت خدیجه علیها السلام

1. پدر بزرگ و مادر بزرگ مادری حضرت خدیجه علیها السلام

پدر بزرگ مادری حضرت خدیجه زائده بن اصم و مادر بزرگ ایشان هاله دختر عبد مناف بود (9)

ص: 124

-
- 1- زبیری، همان، ص 229
 - 2- همان، ص 236
 - 3- مقریزی، همان، ج 6، ص 193. 192.
 - 4- ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 3، ص 111.
 - 5- مقریزی، همان، ج 6، ص 193
 - 6- ابن، کلبی همان ص 83؛ زبیری، همان، ص 293
 - 7- مقریزی، همان، ج 6، ص 193 .
 - 8- ابن هشام، همان، ج 1، ص 283؛ شمس الدین، ذهبی، تاریخ الاسلام، ج 1، ص 164؛ ابن کثیر، همان، ج 3، ص 153.
 - 9- ابن هشام، همان، ج 1، ص 189؛ ابن سعد، همان، ج 8، ص 11

منابع تاریخی، از میان بستگان مادری حضرت خدیجه علیها السلام تنها به دایی حضرت خدیجه علیها السلام به نام «قیس بن زائده» و پسر دایی ایشان به نام «ابن ام مکتوم» اشاره کرده اند. (1) نام ابن ام مکتوم «عمرو بن قیس بن زائده» بود. وی مؤذن رسول خدا بود (2) و در جنگ قادسیه حضور داشت و پرچم دار بود و به شهادت رسید. (3)

سیر تطور منابع درگذر زمان

بررسی سیر تطور منابع نشان می دهد به مرور و درگذر زمان اطلاعات مندرج در منابع در مورد بستگان حضرت خدیجه علیها السلام - هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ کمی - روند کاهشی داشته به گونه ای که منابع کهن و متقدم، حاوی اطلاعات بیش تر و گسترده تری در این زمینه هستند و بیش ترین منابع مربوط به قرن سوم هجری است.

کهن ترین منبعی که اطلاعات در مورد بستگان حضرت خدیجه علیها السلام را در بر دارد جمهره النسب ابن کلبی است. ابن کلبی از خواهران و عمه های حضرت خدیجه یادی نمی کند و از میان برادران به نام سه تن از ایشان به نام های عوام حزام و نوفل اشاره می کند (4) و بیش ترین آمار را در مورد عموهای آن حضرت ارائه می دهد و از چهارده نفر به عنوان پسران اسد یاد می کند. (5)

نسب قریش دومین منبعی است که بیشترین و گسترده ترین اطلاعات در زمینه خویشاوندان حضرت خدیجه علیها السلام را در بر دارد. وی به نام دو دختر خویلد به نام های رقیقه و هاله اشاره می کند (6) زبیری تنها کسی است که برای آن حضرت علاوه بر عوام، حزام و نوفل از برادری به نام عدی بن خویلد یاد

ص: 125

1- زبیری، همان، ص 434.

2- ابن حزم، همان، ص 171.

3- زبیری، همان، ص 434

4- ابن کلبی، همان، ص 70

5- همان، ص 69

6- زبیری، همان، ص 230

می کند (1) و عموهای حضرت خدیجه را سیزده نفر می داند. (2)

انساب الاشراف بلاذری سومین منبع است. وی خواهران و برادران حضرت خدیجه علیها السلام را سه نفر می داند؛ نام خواهران آن حضرت هاله خالده و رقیقه (3) و نام برادران ایشان عوام حزام و نوفل است. (4) بلاذری از عمه های حضرت خدیجه کسی را ذکر نکرده و تعداد عموهای ایشان را دوازده نفر می داند. (5)

جمهره انسب العرب ابن حزم چهارمین منبع است. وی از دو دختر خویلد به نام های رقیقه (6) و هاله (7) و سه پسر به نام های، عوام حزام و نوفل یاد کرده (8) و نامی از عمه های حضرت خدیجه علیها السلام نبرده و از بین عموهای آن حضرت، تنها به ذکر نام پنج تن از آن ها اکتفا کرده است. (9)

امتاع الاسماع مقریزی پنجمین منبع است. وی به نام سه تن از خواهران حضرت به نام های هاله خالده و رقیقه اشاره کرده (10) و برادران ایشان را چهار نفر به نام های، عوام نوفل عمرو و حزام می داند. (11) وی تعداد عموهای ایشان را پانزده نفر آورده اما از چهارده نفر بیش تر نام نبرده و تعداد عمه های آن حضرت را هشت نفر دانسته است

تفاوت ها و اشکالات مذکور در منابع

ابن کلبی نام یکی از عموهای حضرت خدیجه علیها السلام را عبد می داند در حالی که

ص: 126

- 1- همان، ص 229
- 2- همان، ص 207. 206 .
- 3- بلاذری، همان، ج 9، ص 457
- 4- همان، ج 9، ص 420 .
- 5- همان، ج 9، 420
- 6- در منابع دیگر نام رقیقه آمده است.
- 7- ابن حزم، همان، ص 120.
- 8- همان، ص 120.
- 9- همان، ص 117
- 10- مقریزی، همان، ج 6، ص 135
- 11- همان، ج 6، ص 195. 194.

زبیری نام او را عبدالله آورده است؛ البته این احتمال وجود دارد که این اشکال در هنگام نسخه برداری یا چاپ کتاب به وجود آمده باشد. (1)

بلاذری زمانی که از فرزندان اسد (جد حضرت خدیجه) نام می برد در مورد عمرو بن اسد می گوید:

اما عمرو بن اسد فهو زوج خدیجة بنت خویلد رسول الله صلی الله علیه و آله و کان ابن عمها. (2)

در حالی که عمرو بن اسد عموی حضرت خدیجه علیها السلام می باشد نه پسر عموی ایشان.

اشکال دیگر بلاذری در ذکر نام افراد است او به جای نام «م هشتم»، مهاشم و به جای نام «ط لیب»، طویلب می آورد. (3) در برخی منابع نام مادر بزرگ آمنه به اشتباه «ام سفیان» ذکر شده در حالی که نام او «ام حبیب» بوده است. (4)

چگونگی تأثیر منابع متقدم در منابع پسین

جمهره النسب اولین منبع اطلاعات در مورد بستگان حضرت خدیجه علیها السلام است. دومین منبع نسب قریش به شمار می آید که اطلاعات وسیع تری نسبت به جمهره النسب دارد. بنابراین جمهره النسب نمی تواند تنها منبع اطلاعات مصعب بن عبد الله بوده باشد. انساب الاشراف سومین منبع است. عنوان مطالب، نحوه چینش و ترتیب آن و آگاهی هایی که در آن وجود دارد، بیان گر این است که جمهره النسب، مأخذ اصلی بلاذری در کسب اطلاعات در این زمینه بوده است. المحبر ابن حبیب بغدادی، دومین منبع مورد استفاده بلاذری است؛ زیرا نام خواهران حضرت خدیجه علیها السلام در کتاب جمهره النسب نیامده ولی در المحبر نام

ص: 127

1- ابن کلبی همان، ص 69؛ زبیری، همان، ص 206.

2- بلاذری، همان، ج 9، ص 465

3- همان، ج 9، 420 - 419 .

4- یعقوب بن سفیان، بسوی المعرفة و التاريخ، ج 3، ص 266؛ ابوبکر، بیهقی، دلائل النبوه، ج 1، ص 183.

سه تن از آن ها به نام های هاله خالده و رقیقه ذکر شده است. (1) آن چه باعث تقویت احتمال اخذ نام آن ها از کتاب المحبر می شود، این است که بلاذری هنگام ذکر نام فرزندان خویند به نام دختران وی اشاره نمی کند، ولی ذیل اسلاف رسول خدا صلی الله علیه و آله نام آن ها را آورده (2) همان گونه که ابن حیب ذیل عنوان اسلاف رسول خدا صلی الله علیه و آله به نام خواهران اشاره کرده است. دلیل دیگر این که در منابع پیشین مانند نسب قریش، زبیری تنها به نام های هاله و رقیقه اشاره شده در حالی که نام خالده برای اولین بار در کتاب المحبر آمده است.

جمهره انساب العرب ابن حزم چهارمین منبع است. منبع و مأخذ اصلی اطلاعات وی مشخص نیست؛ زیرا با اطلاعات مندرج در هیچ کدام از منابع پیشین همخوانی ندارد همچنین شیوه و سبک او یعنی اختصار در آوردن مطالب بر دشواری این امر افزوده است.

امتاع الاسماع مقریزی پنجمین منبع است وی از تمام منابع پیشین استفاده کرده؛ زیرا در هر منبع مطالب اختصاصی وجود دارد که در دیگر منابع موجود نیست و مقریزی آن ها را گرد آورده است. منبع مورد استفاده او درباره خواهران حضرت خدیجه، انساب الاشراف و المحبر است؛ زیرا هم خوانی زیادی با این دو منبع هم از لحاظ مطالب و هم از لحاظ نحوه و چینش آن دیده می شود. منبع اطلاعات او در مورد عموهای حضرت خدیجه نیز جمهره النسب و نسب قریش و در مورد عمه های ایشان نسب قریش است

شرح حال اجمالی از بستگان حضرت خدیجه علیها السلام

الف) برادران حضرت خدیجه علیها السلام

برادران ایشان که فرزند خویند بودند عبارتند از:

1. عدی: نسل عدی منقرض شده است. (3)

ص: 128

1- ابن حیب بغدادی، المحبر، ص 99. 100.

2- بلاذری، همان، ج 1، ص 406

3- زبیری، همان، ص 231.

2. عوام: وی در جنگ فجار کشته شد. (1) او فرزندان‌ی داشت به نام‌های زبیر عبدالرحمان، سائب، مالک، عبیدالله حارث صفوان، بعکک، یملک، اصرم، اسدالله، بجیر، زینب (همسر حکیم بن حزام) (2) و ام حبیب (3)

- عبدالرحمان در زمان فتح مکه اسلام آورد نامش در جاهلیت عبدالکعبه بود رسول خدا صلی الله علیه و آله او را عبد الرحمان نامیدند و در جنگ یرموک به شهادت رسید. (4) نسل عوام به جز از طریق عبدالرحمان و زبیر منقرض شده است. (5)

- سائب بن عوام، مادرش صفیه دختر عبدالمطلب بود. او در جنگ‌های احد، خندق و جنگ‌های بعد از آن حضور داشته و در جنگ یمامه در سال دوازدهم هجری در زمان حکومت ابوبکر به شهادت رسید و نسلی از او باقی نمانده است (6)

- زبیر بن عوام، مادرش صفیه دختر عبدالمطلب عمه پیامبر صلی الله علیه و آله بود (7) او بعد از ابوبکر اسلام آورد و در حالی که شانزده سال داشت، دو بار به حبشه هجرت کرد (8) زبیر حواری رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و در جنگ بدر حضور داشت و یکی از اصحاب شورا بود. (9) او در جمادی الاول سال سی و شش در جنگ جمل کشته شد. (10)

3. حزام: وی در جنگ فجار الآخر (11) کشته شد. (12) او سه پسر به نام‌های حکیم،

ص: 129

1- دینوری، همان، ص 219؛ مقریزی، همان، ج 6، ص 194.

2- ابن حزم، همان، ص 122. 121

3- زبیری، همان، ص 235.

4- همان؛ ابن عبد، آلبر، همان، ج 2، ص 844

5- زبیری، همان، ص 235

6- ابن سعد، همان، ج 4، ص 89؛ دینوری، همان، ص 220؛ ابن عبد، آلبر، همان، ج 2، ص 575؛ ابن جوزی، المنتظم، ج 4، ص 92.

7- دینوری، همان، ص 219؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 420.

8- ابن سعد، همان، ج 3، ص 75؛ بلاذری، همان، ج 1، ص 202؛ ابن جوزی، همان، ج 5، ص 107.

9- ابن، کلبی همان ص 69؛ دینوری، همان، ص 220.

10- دینوری، همان، ص 220

11- جنگی که بین قریش و همه کنانه و بین هوازن صورت گرفته است.

12- ابن کلبی، همان، ص 70؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 420؛ مقریزی، همان، ج 6، ص 194.

میننه دختر حارث بن جابر بن وهب از قبیله بنی مازن بن منصور مادر عدی، عوام حزام و رقیقه بود. (3)

- حکیم بن حزام: از شخصیت ها و اشراف قریش به شمار می آمد و در جنگ بدر با مشرکان بود و در زمان فتح مکه اسلام آورد (4) و جزء صحابه و راویان بود. (5) دوازده سال قبل از عام الفیل به دنیا آمده (6) و شصت سال در جاهلیت و شصت سال در زمان اسلام زندگی کرد و در صد و بیست سالگی درگذشت. (7) او چهار پسر به نام های هشام خالد یحیی و عبدالله داشت که همه جزء اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، (8) هشام در زمان فتح مکه اسلام آورد (9) و از صحابه فاضل و برجسته بود (10)

- خالد: از مسلمانان پیشگام در اسلام به شمار می آمد که در مکه مسلمان مسلمانان به حبشه به آن سرزمین رفت و در راه قبل از شد و در هجرت دوم این که به حبشه برسد درگذشت (11)

- هاشم بن، حزام فرزندی نداشته است. (12)

فاخته دختر زهیر بن حارث بن اسد بن عبدالعزی مادر حکیم خالد و هاشم بود. (13)

ص: 130

-
- 1- زبیر بن بکار به جای نام، هاشم هشام آورده است. (زبیر بن بکار جمهره نسب قریش، ج 1، ص 253)
 - 2- زبیری، همان، ص 231
 - 3- همان، ص 229؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 420.
 - 4- زبیری، همان، ص 231؛ دینوری، همان، ص 219؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 453.
 - 5- ابن حزم، همان، ص 121
 - 6- ابن جوزی، همان، ج 5، ص 268.
 - 7- زبیری، همان، ص 231؛ ابن حزم، همان، ص 121.
 - 8- زبیری، همان، ص 231؛ دینوری، همان، ص 219؛ ابن عبدالبر، همان، ج 1، ص 362؛ ابن حزم، همان، ص 121.
 - 9- محمد بن جریر، طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج 11، ص 555.
 - 10- ابن عبد، آلبر، همان، ج 4، ص 1538
 - 11- ابن سعد، همان، ج 4، ص 89؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 453؛ ابن عبد البر، همان، ج 2، ص 431. 432.
 - 12- زبیری، همان، ص 231
 - 13- همان؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 453.

4. نوفل: مادرش از قبیله عدی بن خزاعه بود (1) به نوفل شیر قریش می گفتند. (2) علی بن ابی طالب در جنگ بدر او را کشت، (3) اما ابن حزم می گوید: «او را پسر برادرش زبیر بن عوام در جنگ بدر کشت عموم راویان می گویند علی علیه السلام او را کشت. (4) روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله روز جنگ بدر فرمودند: (اللَّهُمَّ اكْفِنَا ابْنَ الْعَدَوِيَّةِ!)، یعنی نوفل نوفل (5)

فرزندی به نام اسود داشت که از پیشگامان مسلمانان در مکه بود. او در هجرت دوم مسلمانان به حبشه همراه آنان هجرت کرد و بعد از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه آمد. (6)

ب) خواهران حضرت خدیجه علیها السلام

خواهران ایشان نیز از فرزندان خویند بودند و عبارتند از:

1. هاله: وی خواهر پدری و مادری حضرت خدیجه بود (7) و مادرش فاطمه دختر زانده بن جندب بود. (8) هاله همسر ربیع (9) و مادر ابوالعاص بود و ابوالعاص همسر زینب دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله (10). برخی منابع گفته اند اسم مادر ابوالعاص هند بوده است (11)

ص: 131

1- بلاذری، همان، ج 9، ص 453؛ ابن حزم، همان، ص 120.

2- دینوری، همان، ص 219؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 453؛ ابن حزم، همان، ص 120؛ ابن عبد البر، همان، ج 4، ص 1791.

3- همان.

4- ابن حزم، همان، ص 120.

5- همان؛ مقریزی، همان، ج 6، ص 194.

6- ابن سعد، همان، ج 4، ص 90؛ زبیر بن بکار، همان، ج 1، ص 406؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 453؛ ابن عبد البر، همان، ج 1، ص 88.

7- زبیری، همان ص 158 بغدادی، همان، ص 99.

8- همان، ص 230؛ مقریزی، همان، ج 6، ص 135.

9- بلاذری، همان، ج 1، ص 406؛ مقریزی، همان، ج 6، ص 135

10- زبیری همان ص 230، بغدادی همان ص 99 ابن حزم، همان، ص 120

11- یحیی بن شرف نووی، تهذیب الاسماء واللغات، ج 2، 249؛ ابن کثیر، همان، ج 6، ص 354.

2. رقیقه: وی خواهر پدری حضرت خدیجه (1) و مادر امیمه دختر عبدالله بن بجاد بن عمیر از بنی تیم بن مره بود (2) امیمه دختر خاله حضرت فاطمه علیها السلام بوده (3) و در دمشق سکونت داشت و دارای خانه و اموال زیادی بود محمد بن منکدر از او روایت نقل کرده است. (4) وی با پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت نمود (5) و حدیثی را در مورد بیعت زنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است. (6)

3. خالده: ابن حبیب بغدادی بلاذری و، مقریزی زمانی که از اسلاف پیامبر صلی الله علیه و آله یاد می کنند، از علاج بن ابوسلمه نام برده او را همسر خالده می دانند و تصریح می کنند که خالده خواهر حضرت خدیجه علیها السلام است. (7)

ج) عموهای حضرت خدیجه علیها السلام

عموهای ایشان که همگی فرزند اسد بودند، عبارتند از:

1. نوفل: وی سه فرزند به نام های ورقه عدی و صفوان داشت. (8) او در جنگ فجار کشته شد. (9)

- ورقه بن نوفل پسر عموی خدیجه علیها السلام بود و کتاب های زیادی می خواند. از عبادت بت ها کراهت داشت و به مسیحیت گرایش یافت. (10) او نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله را به خدیجه علیها السلام بشارت داد. (11) حضرت خدیجه در آغاز و پیش از آن که کسی با

ص: 132

-
- 1- مقریزی، همان، ج 6، ص 136.
 - 2- ابن سعد، همان، ج 8، ص 201؛ ابن حزم، همان، ص 120؛ ابن عساکر، همان، ج 69، ص 54؛ جمال الدین 8، مزی، تهیب الکمال، ج 35، ص 130؛ عسقلانی، همان، ج 8، ص 31.
 - 3- ابن اثیر، همان، ج 6، ص 27
 - 4- زبیری، همان، ص 229؛ خلیل بن ایبک، صفدی، الوافی بالوفیات، ج 9، ص 223.
 - 5- علی بن عمرو، دارقطنی، المؤتلف والمختلف، ج 1، ص 194؛ ابن ماکولا، الإکمال، ج 1، ص 205.
 - 6- ابن سعد، همان، ج 8، ص 201؛ زبیری همان ص 229؛ ابن عساکر، همان، ج 69، ص 54
 - 7- بغدادی همان ص 100؛ بلاذری، همان، ج 1، ص 406؛ مقریزی، همان، ج 6، ص 135.
 - 8- بلاذری، همان، ج 9، ص 457؛ ابن حزم، همان، ص 120.
 - 9- ابن کلبی همان ص 69؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 419
 - 10- زبیری، همان ص 207؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 457.
 - 11- مسعودی، همان، ج 1، ص 87.

او ازدواج کند نامزد پسر عمومی خود و رقه بود ولی ازدواج آن دو صورت نگرفت. (1)

- صفوان دختری به نام بسره داشت که جزء مهاجران بود. او از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت نقل کرده و از بیعت کنندگان بوده است.

(2) نسلی برای صفوان به جزاز طرف بسره باقی نمانده است. (3)

- عدی بن نوفل از مهاجران به شمار می رفت و از طرف عمریا عثمان والی حضر موت بود (4)

2. حبیب: وی در جنگ فجار کشته شد (5) تویت فرزند او بود نسل او در مصر سکونت داشتند (6) تویت دختری به نام حواء داشت که

پس از هجرت مسلمان شد و با پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت کرد. (7)

3. صیفی: وی بدون این که فرزندی از خود باقی بگذارد درگذشته است (8)

خالده دختر هاشم بن عبد مناف بن قصی مادر نوفل، حبیب، صیفی و رقیه بوده است (9)

4. حویرث: مادر حویرث ریطه دختر حویرث ثقفی بود. (10)

- حویرث فرزندی به نام عثمان داشت که می خواست از طرف قیصر بر قریش حکومت کند اما قریش مانع شدند به همین دلیل عثمان به

شام برگشت و بدون این که فرزندی از خود باقی بگذارد، درگذشت. (11)

ص: 133

1- ابن سعد، همان، ج 8، ص 11.

2- زبیری، همان، ص 209

3- همان.

4- زبیری، همان ص 209؛ ابن حزم، همان، ص 120.

5- ابن کلبی، همان ص 69؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 419

6- ابن حزم، همان، ص 118.

7- بغدادی، همان، ص 408؛ ابن سعد، همان، ج 8، ص 193؛ ابن عبدالبر، همان، ج 4، ص 1815

8- ابن کلبی، همان ص 69؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 419

9- زبیری، همان، ص 207؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 419

10- ابن کلبی، همان ص 69، زبیری همان ص 207؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 419.

11- ابن حزم، همان، ص 118.

- مطلب بن حویرث، دختری به نام «ام عبدالرحمان» داشت. (1)

5. عمرو: وی حضرت خدیجه علیها السلام را به ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله درآورد. (2) او در آن زمان پیرمردی فرتوت بود و از فرزندان اسد در آن زمان کسی غیر از او زنده نمانده بود عمرو خودش فرزندی نداشت (3)

6. هاشم

7. مهشم

نهیة (4) دختر سعید بن سهم مادر عمرو هاشم و مهشم (5) بود. آن ها بدون این که نسلی از خود باقی گذارند درگذشتند (6)

8. طالب

9. طلیب

طالب و طلیب (7) در جنگ فجار کشته شدند و فرزندی نداشتند (8) و مادرشان از قبیله اوس بود (9)

10. خالد مادر خالد ام ولد بود. (10)

11. مطلب: وی دو فرزند به نام های اسود و ابوحبیش داشت (11) کنیه اسود ابو زمعه بود. ابوزمعه یکی از مسخره کنندگان پیامبر صلی الله علیه و آله (12) بود.

- سائب (13) و فاطمه از فرزندان ابو حبیش بودند فاطمه حدیث استحاضه را

ص: 134

1- زیبری، همان، ص 209

2- ابن سعد، همان، ج 1، ص 106؛، زیبری همان ص 207؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 465

3- ابن سعد، همان، ج 1، ص 105.

4- بلاذری به جای نام نهیة ناهیه آورده است.

5- بلاذری به جای نام مهشم، مهاشم آورده است.

6- کلبی، همان، ص 69؛ زیبری، همان، ص 207؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 420.

7- بلاذری به جای نام طلیب، طویلب آورده است.

8- زیبری، همان، ص 207.

9- ابن کلبی همان ص 69؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 420

10- همان

11- بلاذری، همان، ج 9، ص 457.

12- زبیری، همان، ص 218

13- همان، ص 220

روایت کرده است. (1)

- هبار بن اسود شاعر بود وی زمانی که کافر بود در هجو پیامبر صلی الله علیه و آله شعر می سرود اما زمانی که مسلمان شد همه آن ها را با مدح پیامبر محو کرد (2) و در زمره اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفت. زمعه و عقیل از دیگر فرزندان اسود، در جنگ بدر در حالی که کافر بودند، کشته شدند. (3) زمعه چهار پسر به نام های عبدالله، حارث، یزید و وهب. داشت عبدالله جزء اصحاب بوده و از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت نقل کرده است. حارث در جنگ بدر با پدرش در حالی که کافر بودند، کشته شد و یزید که از مسلمانان پیشگام در اسلام بود در مکه مسلمان شد و در هجرت دوم به حبشه به آن جا هجرت کرد و در جنگ طائف به شهادت رسید. (4)

12. حارث: وی بزرگ ترین فرزند اسد بود. (5) او در جنگ بدر در حالی که کافر بود، کشته شد. (6) حارث سه فرزند به نام های، زهیر، امیه و هاشم داشت. (7)

- امیه بن حارث فرزندی به نام عمر و داشت که از پیشگامان مسلمانان بود. او در مکه مسلمان شد و در هجرت دوم حبشه به آن سرزمین هجرت کرد و همان جا درگذشت و نسلی از او باقی نماند. (8)

- هاشم بن حارث پسری به نام ابوالبختری عاص بن هاشم داشت که در جنگ بدر در حالی که کافر بود کشته شد پسرش اسود در مدت زمان اختلاف بین حضرت علی علیه السلام و معاویه امام جماعت مردم مدینه را بر عهده داشت. (9)

ص: 135

1- ابن حزم، همان، ص 118.

2- همان، ص 119

3- همان، ص 118

4- ابن سعد، همان، ج 4، ص 90؛ ابو عبید قاسم بن سام، النس، ب ص 206؛ زبیری، همان، ص 222؛ ابن حزم، همان، ص 119

5- زبیری، همان، ص 206

6- بلاذری، همان، ج 9، ص 46

7- ابن حزم، همان، ج 1، ص 117

8- ابن سعد، همان، ج 4، ص 90؛ بلاذری، همان، ج 1، ص 202؛ ابن حزم، همان، ج 1، ص 117.

9- زبیری، همان، ص 214؛ ابن حزم، همان، ج 1، ص 117.

- حمید از فرزندان زهیر بن حارث بود. (1) وی فرزندی به نام عبدالله داشت که در جنگ احد به دست حضرت علی علیه السلام کشته شد. (2)

13. عبد الله

14. عثمان

عبدالله (3) و عثمان هم بدون فرزند درگذشتند؛ (4) اما ابن هشام هنگام نام بردن از که اسرای جنگ بدر، حویرث بن عباد بن عثمان بن اسد را جزء اسرای بدر ذکر می کند (5)

بره دختر عوف بن عبید بن عویج بن عدی بن الحارث بن کعب مادر، مطلب، حارث، عبدالله، ام حبیب و نسوه بود. (6)

عمه های حضرت خدیجه علیها السلام

عمه های ایشان که فرزند اسد بودند عبارتند از:

1. ام حبیب: وی مادر بزرگ مادر پیامبر صلی الله علیه و آله بود. (7) او همسر عبدالعزی بن عثمان بن عبد الدار و مادر بره (مادر آمنه) بود. (8)

2. ام المطاع: وی همسر عبد العزی بن عبد شمس و مادر ربیع و ربیع بود. ربیع فرزندی به نام ابوالعاص داشت که همسر زینب دختر پیامبر صلی الله علیه و آله بود. (9) مادر ابوالعاص، هاله دختر خویلد و خواهر حضرت خدیجه بود (10)

3. نافضه: او همسر عدی بن نوفل بن عبد مناف بن قصی و مادر مبارک

ص: 136

1- ابن حزم، همان، ج 1، ص 117.

2- ابن هشام، همان، ج 2، ص 128

3- مصعب بن عبدالله زبیری به جای نام عبد، عبدالله آورده است.

4- ابن کلبی، همان، ص 69

5- ابن هشام، همان، ج 2، ص 4.

6- ابن کلبی همان، ص 69؛ زبیری، همان، ص 207 206؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 420

7- زبیری، همان، ص 207.

8- ابن کلبی همان ص 29؛ زبیری، همان، ص 21 و 251؛ طبری، همان، ج 2، ص 243؛ مقریزی، همان، ج 6، ص 193.

9- مقریزی، همان، ج 6، ص 193.

10- زبیری، همان، ص 157؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 379

(عبدالله) صالح (عبیدالله) و فارعه بود. (1)

4. بره: عائذ بن عبدالله بن عمرو بن مخزوم همسر بره بود. ابوسائب (صیفی) ابورفاعه (امیه) عتیق بن عائذ و زهیر بن عائذ فرزندان وی بودند. (2)

5. رقیه: رقیه مادر بزرگ مادری حکم بن ابی العاص و مادر همسر ابوجهل بود. (3)

موضع بستگان خدیجه علیها السلام در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله

بستگان حضرت خدیجه علیها السلام در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله و واکنش یکسانی نداشتند؛ برخی در زمره پیشگامان و سابقین درآمدند و به سرعت در جبهه پیامبر صلی الله علیه و آله صلی الله علیه و آله قرار گرفتند و به حمایت از آن حضرت پرداختند. عده ای مانند زبیر بن عوام، خالد بن حزام (4)، اسود بن نوفل بن خویلد، عدی بن نوفل بن اسد، (5) یزید بن زمعه بن اسود بن مطلب بن اسد و عمرو بن امیه بن حارث بن اسد جزء مهاجران به حبشه بودند. (6) برخی دیگر مانند عبدالرحمان بن عوام بن خویلد، سائب بن عوام و یزید بن زمعه بن اسود در زمره شهدا قرار گرفتند؛ (7) اما گروهی در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله و در جبهه دشمن قرار داشتند؛ مانند حارث بن اسد، زمعه بن اسود بن مطلب بن اسد، حارث بن زمعه و عقیل بن اسود بن المطلب، ابوالبختری که نام او عاص بن هشام بن حارث بن اسد بود و نوفل بن خویلد، این شش نفر از بنی اسد جزء مشرکانی بودند که در جنگ بدر کشته شدند. (8) سائب بن

ص: 137

-
- 1- زبیری، همان، ص 198؛ مقریزی، همان، ج 6، ص 193 (مصعب بن عبدالله به جای نام نافضه، ناقصه آورده است).
 - 2- ابن کلبی همان ص 90؛ زبیری، همان، ص 333؛ مقریزی، همان، ج 6، ص 193.
 - 3- زبیری، همان، ص 207 و 312
 - 4- ابن سعد، همان، ج 4، ص 89؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 453؛ ابن عبد البر، همان، ج 2، ص 432. 431
 - 5- زبیری، همان ص 209؛ ابن حزم، همان، ص 120.
 - 6- ابن هشام همان، ج 1، ص 324
 - 7- ابن سعد، همان، ج 4، ص 89؛ دینوری، همان، ص 220، زبیری همان ص 235؛ ابن عبد البر، همان، ج 2، ص 575
 - 8- ابن هشام، همان، ج 1، ص 709؛ ابو عبید قاسم بن سلام، همان، ص 206. 205.

ابو حییش بن مطلب بن اسد و حویرث بن عباد بن عثمان بن اسد نیز جزء اسرای جنگ بدر بودند (1) عبدالله بن حمید بن زهیر بن حارث بن اسد هم در جنگ احد کشته شد. (2) اسود بن مطلب بن اسد (ابو زمعه) جزء مسخره کنندگان پیامبر صلی الله علیه و آله بود (3)

برخی از زنان خویشاوند حضرت خدیجه علیها السلام نیز جزء پیش گامان و حامیان پیامبر صلی الله علیه و آله بودند؛ مانند امیمه (خواهرزاده حضرت خدیجه) که جزء بیعت کنندگان و راویان بوده (4) بسر (5) و حواء (از نوادگان عموی حضرت خدیجه) که جزء مهاجران و بیعت کنندگان با پیامبر صلی الله علیه و آله بودند (6)

نمودار منابع حاوی اطلاعات بستگان حضرت خدیجه علیها السلام

در نمودار ذیل منابعی که اطلاعات بستگان حضرت خدیجه علیها السلام را شامل می شود به ترتیب قدمت آمده است:

عکس

ابو حبیث بن مطلب بن اسد و حویرث بن عباد بن عثمان بن اسد نیز جزء اسرای جنگ بدر بودند.^۱ عبدالله بن حمید بن زهیر بن حارث بن اسد هم در جنگ احد کشته شد.^۲ اسود بن مطلب بن اسد (ابوزمعه) جزء مسخره‌کنندگان پیامبر صلی الله علیه و آله بود.^۳

برخی از زنان خویشاوند حضرت خدیجه علیها السلام نیز جزء پیش‌گامان و حامیان پیامبر صلی الله علیه و آله بودند؛ مانند امیمه (خواهرزاده حضرت خدیجه) که جزء بیعت‌کنندگان و راویان بوده؛^۴ بسره^۵ و حولاء (از نوادگان عموی حضرت خدیجه) که جزء مهاجران و بیعت‌کنندگان با پیامبر صلی الله علیه و آله بودند.^۶

نمودار منابع حاوی اطلاعات بستگان حضرت خدیجه علیها السلام

در نمودار ذیل منابعی که اطلاعات بستگان حضرت خدیجه علیها السلام را شامل می‌شود، به ترتیب قدمت آمده است:

نام کتاب	نویسنده	سال وفات	خواهران	برادران	عموها	عمه‌ها
۱. جمهره النسب	ابن کلبی	۲۰۴. م ق		۱. عوام ۲. حزام ۳. نوفل	۱. نوفل ۲. حبیب ۳. صیفی ۴. حویرث ۵. عمرو ۶. هاشم ۷. مهشم ۸. طالب ۹. خالد ۱۰. طلیب ۱۱. مطلب ۱۲. حارث ۱۳. عبد ۱۴. عثمان	

۱. همان، ج ۲، ص ۴. (ابن هشام به جای نام حویرث، حارث و به جای نام عباد، عائذ آورده است. حارث بن عائذ بن عثمان بن اسد)
۲. همان، ج ۲، ص ۱۲۸.
۳. همان، ج ۱، ص ۴۰۹.
۴. ابن سعد، همان، ج ۸، ص ۲۰۱؛ زبیری، همان، ص ۲۲۹؛ ابن عساکر، همان، ج ۶۹، ص ۵۴.
۵. زبیری، همان، ص ۲۰۹.
۶. بغدادی، همان، ص ۴۰۸؛ ابن سعد، همان، ج ۸، ص ۱۹۳؛ ابن عبدالبر، همان، ج ۴، ص ۱۸۱۵.

ص: 138

- 1- همان، ج 2، ص 4. (ابن هشام به جای نام حویرث، حارث و به جای نام عباد، عائذ آورده است. حارث بن عائذ بن عثمان بن اسد)
- 2- همان، ج 2، ص 128.
- 3- همان، ج 1، ص 409.
- 4- ابن سعد، همان، ج 8، ص 201؛ زبیری، همان، ص 229؛ ابن عساکر، همان، ج 69، ص 54.
- 5- زبیری، همان، ص 209.

6- بغدادی، همان، ص 408؛ ابن سعد، همان، ج 8، ص 193؛ ابن عبدالبر، همان، ج 4، ص 1815.

نام کتاب	نویسنده	سال وفات	خواهران	برادران	عموها	عمه‌ها
۲	نسب قریش مصعب بن عبدالله زبیری	۴۰۳ ق ۲۳۶	۱. رقیقه ۲. هاله	۱. عدی ۲. حزام ۳. عوام ۴. نوفل	۱. حارث ۲. مطلب ۳. عبدالله ۴. نوفل ۵. حبیب ۶. صیفی ۷. طالب ۸. طلیب ۹. خالد ۱۰. حویرث ۱۱. هاشم ۱۲. مهشم	۱. حبیب ۲. نسوه <small>علیها السلام</small> رقیه
۳	انساب الاشراف بلاذری	۴۰۳ ق ۲۷۹	۱. هاله ۲. خالده ۳. رقیه	۱. عوام ۲. حزام ۳. نوفل	۱. نوفل ۲. حبیب ۳. صیفی ۴. حویرث ۵. عمرو ۶. هاشم ۷. مهشم ۸. طالب ۹. طویل ۱۰. خالد ۱۱. مطلب ۱۲. حارث	
۴	جمهره انساب العرب ابن حزم	۴۰۳ ق ۴۵۶	۱. هاله ۲. رقیه	۱. عوام ۲. حزام ۳. نوفل	۱. حارث ۲. حویرث ۳. حبیب ۴. مطلب ۵. نوفل	-----
۵	امتاع الاسماع مقریزی	۴۰۳ ق ۸۴۵	۱. هاله ۲. خالده ۳. رقیقه	۱. عوام ۲. نوفل ۳. عمرو ۴. حزام	۱. حارث ۲. مطلب ۳. عبدالله ۴. عثمان ۵. نوفل ۶. حبیب ۷. صیفی ۸. طالب ۹. طلیب ۱۰. خالد ۱۱. حویرث ۱۲. عمرو ۱۳. هاشم ۱۴. مهشم	۱. حبیب ۲. ام المطاع ۳. نافضه ۴. رقیه ۵. بره ۶. ام فیان

نمودار بستگان حضرت خدیجه علیها السلام

ردیف	خواهران	برادران	عموها	عمه‌ها
۱	هاله	عدی	نوفل	ام حبیب
۲	خالده	عوام	حبیب	ام مطاع
۳	رقیقه	حزام	صیفی	نافضه
۴		نوفل	حویرث	بره
۵			عمرو	رقیه
۶			هاشم	
۷			مہشم	
۸			طالب	
۹			طلیب	
۱۰			خالد	
۱۱			مطلب	
۱۲			حارث	
۱۳			عبدالله	
۱۴			عثمان	

منابع محدودی در مورد بستگان حضرت خدیجه علیها السلام وجود دارد که بیش تر آن ها به قرن سوم هجری مربوط می شود و در پژوهش های معاصر، به این بعد از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام توجهی نشده است. منابع متأخر، بیش تر به شرح حال افرادی پرداخته اند که نقش مهمی در اسلام داشته اند؛ مثلاً الاستیعاب، اسدالغابه، الاصابه، المنتظم و دیگر منابع به شرح حال فرزندان برادر حضرت خدیجه مانند حکیم بن حزام خالد بن حزام زبیر بن عوام، سائب بن عوام، عبدالرحمان بن عوام و اسود بن نوفل پرداخته اند؛ اما در همین منابع، شرح حال نسل قبل یعنی برادران حضرت خدیجه دیده نمی شود.

با بررسی منابع می توان نتیجه گرفت حضرت خدیجه از خاندان بزرگ و مشهور قریش بودند چهار برادر به نام های، عدی عوام حزام و نوفل و سه خواهر به نام های هاله خالده و رقیقه داشتند. عمه های آن حضرت بیش از دو نفر بودند و تعداد عموهای ایشان چهارده نفر بود در مورد بستگان مادری حضرت خدیجه اطلاعات زیادی در منابع وجود ندارد و فقط به پسر دایی ایشان به نام «ابن ام مکتوم» اشاره شده است.

واکنش بستگان حضرت خدیجه علیها السلام در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله یکسان نبود؛ برخی در زمره پیشگامان و سابقین درآمدند و به دفاع و حمایت از آن حضرت پرداختند اما عده ای نیز در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله و در جبهه دشمن قرار گرفتند.

1. ابن اثير، اسد الغابه، بيروت، دارالفكر، 1409 ق .
2. ابن جوزي، المنتظم، بيروت، دارالكتب العلميه، 1412 ق.
3. ابن سعد، طبقات الكبرى، بيروت، دارالكتب العلميه، 1410 ق .
4. ابن عبد، ألبر، الاستيعاب، بيروت، دار الجبل، 1412 ق.
5. ابن عساکر، تاريخ مدينه، دمشق، بيروت، دارالفكر، 1415 ق .
6. ابن كثير، البدايه والنهائيه، بيروت، دارالفكر، 1407 ق .
7. ابن كلبى، جمهره النسب، بيروت، عالم الكتب، 1407 ق.
8. ابن ماكولا، الإكمال، بيروت، دارالكتب العلميه، 1411 ق.
9. ابن هشام، السيره النبويه، بيروت، دارالمعرفه، بي تا.
10. ابو عبيد قاسم بن سلام، النسب، بيروت، دارالفكر، بي تا.
11. بسوى، يعقوب بن سفيان، المعرفه و التاريخ، بيروت، مؤسسه الرساله، 1401 ق.
12. بغدادى، ابن حبيب، المحبر، بيروت، دار الآفاق الجديده، بي تا.
13. بلاذرى، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، بيروت، دار الفكر، ق .
14. بيهقى، ابوبكر، دلائل النبوه، بيروت، دار الكتب العلميه، 1405 ق.
15. دارقطني على بن عمرو المؤلف والمختلف، بيروت، دارالغرب الاسلامي، 1406 ق.
16. دينورى، ابن قتيبه، المعارف، قاهره الهيئه المصريه، 1992 م.
17. ذهبى، شمس الدين، تاريخ الإسلام، بيروت، دارالكتاب العربى، 1412 ق.
18. زبير بن بكار جمهره نسب، قریش، قاهره دارالعروبه 1381 ق.
19. زيبرى، مصعب بن عبدالله، نسب قریش، قاهره دار المعارف بي تا
20. صفدى خليل بن ابيك، الوافي بالوفيات، بيروت، دار إحياء التراث العربى، 1420 ق.

21. طبري، محمد بن جرير، تاريخ الأمم والملوك، بيروت، دارالتراث، 1287 ق.

ص: 142

22. عسقلاني، ابن حجر، الإصابه ، بيروت، دار الكتب العلميه، 1415 ق.
23. مزى، جمال الدين، تهيب الكمال ، بيروت، مؤسسه الرساله، 1400 ق.
24. مسعودى، على بن حسين، مروج الذهب، قم، دار الهجره، 1409 ق.
25. مقرزى، احمد بن على، امتاع الاسماع، بيروت، دارالكتب العلميه، 1420 ق.
26. نووى، يحيى بن شرف، تهذيب الاسماء واللغات ، بيروت، دار الكتب العلميه بى تا
27. نوبرى، احمد بن عبد الوهاب ، نهايه الأرب ، قاهره ، دار الكتب و الوثائق القوميه، 1422 ق.

احمد زکی یمانی، وزیر نفت اسبق، عربستان مؤسسه ای به نام «مؤسسه الفرقان للتراث الإسلامی» تأسیس کرده است این مؤسسه، تاکنون منشأ خدمات بسیاری بوده از جمله نشر فهرست نسخه های خطی تعدادی از کتابخانه های افریقا، تدوین و نشر شش جلد رحلی موسوعه مکه المکرّمه والمدینه المنورّه، و از همه مهم تر تصحیح بسیار دقیق و نشر فهرست ابن ندیم در چهار جلد با فهرست های گوناگون با این که نویسندگان آن ابن ندیم شیعه امامی اثنا عشری است. این کتاب به عنوان کتاب سال جهانی جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد. شعبه اصلی مؤسسه فوق لندن است و دو شعبه فرعی هم در جده و قاهره دارد

زکی یمانی عنادی با شیعه ندارد و برخی از عالمان شیعه ایرانی در گروه های پژوهشی مؤسسه وی عضویت دارند؛ از جمله حجت الاسلام جناب آقای سید هادی خسرو شاهی و آقای سید کاظم موسوی بجنوردی، سر ویراستار دائره المعارف بزرگ اسلامی زکی یمانی در ماه رمضان در مسجد الحرام، به یکی از روحانیان ایرانی برخورد و به وسیله وی برخی آثار مؤسسه الفرقان را برای کتابخانه مرحوم آیت الله مرعشی فرستاد. آیت الله زاده ایشان حجت الاسلام آقای سید محمود مرعشی می گفت: «ظاهراً ایشان سید است و مرا به منزلش در جده دعوت نمود و بسیار احترام کرد».

یکی از منشورات خوب مؤسسه کتاب دارالسیده خدیجه بنت خویلد علیها السلام فی مکه المکرّمه: دراسة تاریخیة للدار و موقعها و عمارتها است که به قلم خود زکی یمانی

است. با توجه به مخالفت اساسی وهابیت با آثار تاریخی حرمین شریفین و احیاء آن ها اقدام زکی یمانی می تواند نشانه ای از بی اعتنایی به وهابیت باشد. وی در پشت جلد کتاب آن را این چنین معرفی می کند:

بررسی خانه خدیجه علیها السلام بنت خویلد او در مکه مکرمه از لحاظ تاریخی علمی و معماری خانه ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله با همسرش در آن زندگی کردند و فرزندانش در آن به دنیا آمدند و در آن وحی را تلقی کردند و از آن جا به سفر معراج و اسرا رفتند. خانه ای که طبری و دیگران درباره اش گفته اند: «برترین مکان ها در حرم بعد از مسجد الحرام، خانه خانم خدیجه علیها السلام است».

کتاب را یک مقدمه پنج فصل نتایج و خاتمه فهرست ها و جداول تشکیل می دهد عناوین فصل ها از این قرار است:

فصل اول: سرگذشت امّ المؤمنین سیده خدیجه بنت خویلد علیها السلام

فصل دوم: جایگاه خانه سیده خدیجه علیها السلام و خانه های اطراف آن؛

فصل سوم: بنا و تعمیر خانه سید خدیجه علیها السلام در طول تاریخ از دیدگاه روایات تاریخ نگاران؛

فصل چهارم: خانه سیده خدیجه علیها السلام در سفرنامه های مکه؛

فصل پنجم: خانه سیده خدیجه علیها السلام در حفاری ها و خاک برداری های سال 1410 ق.

گروهی ده نفره از مهندسان و کارشناسان زکی یمانی را در این پژوهش یاری داده اند که در صفحه یازده نام شان ذکر شده است.

زکی یمانی در مقدمه به شکل گذرا اشاره می کند که این خانه پر برکت حدود چهارده قرن برپا بود تا این که بعد از سال 1344 قمری آن را از بین بردند - البته جرأت نکرده بگویند وهابیت و آل سعود آن را خراب کردند و اضافه می کند که جهانگرد معروف الدون ریتز (1) در سفرنامه مکه مکرمه به سال 1344، آن را دیده و وصف کرده است.

ص: 145

فصل چهارم و پنجم، شاید جالب ترین فصل کتاب باشد که گزارش سفرنامه های مسلمانان و شرق شناسان به زبان عربی و دیگر زبان هاست اما طبعاً سفرنامه های فارسی و شیعی را بررسی نکرده که خود می تواند موضوع مقاله ای مستقل باشد.

هم چنین مهم ترین حوادث و وقایعی که در این خانه اتفاق افتاده در فصل اول بررسی شده و آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در این خانه حدود بیست و هشت سال زندگی کردند: سیزده سال در مدت بعثت و پانزده سال قبل از آن. (ص 25 - 26).

هم چنین به نقل از کتاب الأماكن المأثورة في مكة المكرمة، آورده است که عده زیادی از علما و تاریخ نویسان از جمله، ازرقی، فاکهی، ابن جوزی، محب الدین طبری، عزالدین ابن جماعه، تقی الدین فاسی، جمال الدین ابن ظهیره، محمد بن علان الصدیقی و صباغ، از اهمیت و فضیلت این خانه سخن گفته اند و قاضی عیاض (م 544 ق) در کتابش، الشفا به تعریف حقوق المصطفی صلی الله علیه و آله (ج، 2، ص 621 - 624) گفته است:

من إعظامه و إكباره إعظام جميع أسبابه، وإكرام جميع أمكنته من مكة والمدینة، و معاهده و ما لمسه صلی الله علیه و آله أو عُرِفَ به ... و جدیر لمواطن عمرت بالوحی و التنزیل، و تردد بها جبریل و میکائیل، و خرجت منها الملائكة و الروح، و اشتملت تربتها علی جسد سید البشر، و انتشر عنها من دین الله و سته رسوله ما انتشر، و اول أرض مسَّ جلد المصطفی ترابها، أن تعظم، عرصاتها، و تُتَسَمَّ نجاتها، و تُقَبَّل ربوعها و جدرانها .

زکی یمانی در پایان این فصل می افزاید:

این خانه محاصره کفار و عزم آنان به قتل رسول خدا صلی الله علیه و آله را - هنگامی که آن حضرت تصمیم گرفتند به یشرب هجرت کنند- شاهد بوده است و علی بن ابی طالب علیه السلام در سال سیزدهم بعثت در این خانه به جای رسول خدا صلی الله علیه و آله خوابیدند. (ص 26)

ص: 146

در فصل دوم پس از مباحثی نتیجه می‌گیرد: در روزگاری به این خانه، «مولد السیّده فاطمه علیها السلام» نیز اطلاق شده است و می‌نویسد:

از نصوص تاریخی استفاده می‌شود که خانه حضرت خدیجه علیها السلام در شمال شرق مسجد الحرام بوده و جای آن در حال حاضر در ساحت و فضای باز شرق مسجد مقابل باب السلام فعلی به فاصله دوازده متر از آن است.

سپس می‌افزاید:

من شخصاً با برخی از مسئولان و اهل فن در ماه رمضان 1425 بررسی کردیم و معلوم شد برخلاف ادعای برخی که گفته اند خانه در محدوده دست شویی های بیرون مسجد الحرام [نزدیک باب المروه] بوده، (1) خانه همان جایی است که ما گفتیم؛ یعنی دوازده متری روبه روی باب السلام فعلی. (ص 34 - 35)

در فصل سوم نتیجه‌گیری می‌کند که خانه های مکه قبل از ظهور اسلام تا زمان فتنه عثمان، به احترام کعبه دایره ای شکل بوده است نه مربع و طبعاً خانه حضرت هم در شکل اولیه خود مدور بوده است. (ص 41) او می‌افزاید:

این خانه تا نیمه قرن چهاردهم [یعنی زمانی که وهابیان آن را خراب کردن] بسیار مشهور و آثار آن معلوم بود و به تواتر این شناخت برای اهل مکه نسل بعد نسل و به برکت کتاب های تاریخ و مناسک و سفرنامه وجود داشت و علاوه بر اهمیت آن از دیدگاه اسلام از لحاظ تاریخی و اجتماعی و آثار باستانی نیز مهم به شمار می‌رفت و پادشاهان و حاکمان حجاز، عنایت ویژه ای به آن داشتند. در نیمه دوم سده ششم هجری، ابن جُبیر خانه را وصف نموده و از حجره قبه الوحی و حجره دیگری یاد کرده که محل ولادت حضرت فاطمه علیها السلام بوده است. فاسی نیز در سده نهم گفته: معماری این خانه به شکل مسجد است هر چند به خانه شهرت یافته است. (ص 44 - 45)

ص: 147

1- سال ها پیش مرحوم سید باقر نجفی در نامه ای به پادشاه عربستان اعتراض کرده که چرا جای خانه حضرت خدیجه علیها السلام و محل نزول وحی دست شویی ساخته اند. این نامه در مجله میقات حج چاپ شده است.

نویسنده در این فصل به تفصیل و با دقت اندازه حجره مولد فاطمه علیها السلام و قبه الوحی و نیز مُخْتَباً (1) را با ذراع مشخص کرده و با تصویر و نقشه نشان داده است.

هم چنین گزارش تاریخ نگاران در قرون متمادی از ویژگی های خانه، مانند اسفراینی (م 786) در زبده الاعمال، محب طبری، ابن ظهیره، ابن فهد، صاحب ارج مکی و نویسنده مرآة الحرمین را آورده و جالب است که در دوره هایی، این خانه به اسم «مولد فاطمه» علیها السلام، شهرت داشته است. سند تعمیر و بازسازی آن در سال 603 قمری به امر ناصر عباسی (م 622) بوده که بر لوحی سنگی نقش بسته آمده است:

أمر بعمارة مرید مولد الزهراء البتول فاطمة، سیّدة نساء العالمین، بنت الرسول محمد المصطفی المختار صلی الله علیه و آله و سلم...

پس از این تاریخ در عهد ممالیک در عهد سلطان اشرف و سپس در سال 801 و نیز در عهد عثمانی ها به سال های 931، 1020، 1042، 1122، 1341 - 1343، قمری خانه تعمیر و بازسازی شد [تا این که در سال 1344 به دست وهابیان تخریب گردید]. هیکل که در سال 1354 از محل خانه بازدید کرده، درباره مولد فاطمه علیها السلام گفته است:

فهو اليوم فضاء لا أثر فيه، و لعلّ أولى الأمر فی الحجاز یفکرون فی تعمیره.

پس از وی محمد لطفی جمعه در سفرنامه اش به سال 1370 گفته است:

ولذا قصدتُ دار خدیجه علیها السلام... فلم یهتَمنی أن أراها قطعة أرض فضاء مادمتُ أرى البقعة نفسها... و یکفنی أن تقول: «هنا عاش محمد و خدیجه و رزقا أولادهما جميعاً. (ص 52 - 58)

ملک عبدالعزیز پادشاه حجاز، در ماه جمادی الأولى سال 1370 زمین خانه حضرت خدیجه علیها السلام را برای ساخت مدرسه ای برای حفظ قرآن و مولد رسول

ص: 148

1- مختباً جایی در خانه بوده که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای در امان ماندن از شر مشرکان، مکه در آن پناه می گرفته اند

خدا صلی الله علیه و اله را برای ساخت کتابخانه ای بزرگ به شیخ عباس قطن شهردار وقت مکه واگذار کرد و به همت وی مدرسه ای ساخته شد به نام «مدرسه السید [کذا] عباس فی دار أم المؤمنین خدیجه علیها السلام» که در سال 1410 قمری در طرح توسعه اطراف مسجد الحرام از سمت شرق تخریب گردید (ص 59 - 60) نویسنده در فصل پنجم به تفصیل به چگونگی این تخریب و آثار یافت شده هنگام خاک برداری محل خانه می پردازد. او در فصل چهارم، به تفصیل به سخن سفرنامه نویسان درباره خانه و تطبیق و مقایسه آن با سخن تاریخ نگاران پرداخته و از این سفرنامه نویسان یاد کرده است:

1. ابن جبیر در اواخر سده ششم سال 579 ق؛
 2. ابن بطوطه در ثلث اول سده هشتم؛
 3. عبدالله بن محمد عیاشی در نیمه سده یازدهم هجری (سال 1059 ق)؛
 4. اولیا چلبی در سال 1082؛
 5. جهانگرد سوئسی برکهارت (Burckhardt) در سال 1229 که حتی نقشه مکه مکرمه و محل خانه را در آن ترسیم کرده است؛
 6. جهانگرد انگلیسی برتون (Burton) در سال 1269؛
 7. ایوب صبری پاشا (م 1308) در اوایل سده چهاردهم؛
 8. جهانگرد هلندی سنوک (Snouk) در سال 1303؛
 9. بتونی در سال 1327؛
 10. ابراهیم رفعت پاشا در اوایل سده چهاردهم؛
 11. ایلدون ریتز در سال 1344؛ وی از میان سفرنامه نویسان، آخرین کسی است که خانه را دیده و درباره آن گزارش کرده است. (ص 64 - 88).
- پس از آن هیکل در سال 1354، ابراهیم محمد حبیب در سال 1356 و محمد لطفی جمعه در سال 1359 قمری محل خانه و خرابه های آن را دیده اند و درباره چگونگی خانه به نقل گزارشگران پیشین مانند بتونی بسنده کرده اند.
- در سال 1410 در طرح توسعه فضای بیرون مسجد الحرام از سمت شرق، در

خاک برداری از محل خانه آثار آن به صورتی واضح کشف گردید و مطابقت آن آثار با گفته های تاریخ نگاران و سفرنامه نویسان به خصوص بتوننی روشن شد. مسئولان حفاری با دقت زیاد از آثار خانه عکس برداری نمودند و سپس برای حفظ و بقای آن به حالت اول آن را با خاک نرم و رمل پر کردند و روی آن را پوشاندند فصل پنجم کتاب در حدود 45 صفحه متضمن شرح این موضوع است.

زکی یمانی در فصل پنجم به تفصیل از حفاری سال 1410 و کشفیات آن همراه با نقشه ها و تصاویر زیبا و فراوان آن سخن گفته است. وی می گوید:

به مجرد این که آگاه شدم که در حین حفاری، آثاری از خانه به دست آمده است، شخصاً از خانه بازدید نمودم و همه امکانات را برای ثبت و ضبط دقیق و ترسیم نقشه های آن آثار بسیج کردم. از گروهی از مهندسان و استادان فن استمداد جستیم و این کار حدود یک ماه از 29 ربیع الآخر 1410 تا 27 جمادی الأول، 1410، به طول انجامید.

وی یافته های خود را در این فصل به دقت با گزارش های تاریخ نویسان و مصادر تاریخی مقایسه کرده و با ترسیم نقشه ها و تصاویر رنگی بسیار زیبا و جذاب از محل خانه حضرت و حفاری ها و بررسی و موشکافی جزئیات خانه مانند ورودی خانه حجره، قبه الوحی، حجره، مُخْتَبَأً، رواق اول و دوم، صحن ما بین آن ها و محل مرید مولد فاطمه علیها السلام، به این فصل اهمیت خاصی بخشیده است و به عنوان مسک الختام این فصل می گوید:

طی عملیات حفاری و خاک برداری قطعه ای از آسیا یافتیم که گفته اند حضرت فاطمه علیها السلام با آن حبوبات را آسیا می کرده اند.

پایان بخش کتاب نتایج این بررسی به شمار می آید که به طور خلاصه در پنج صفحه (ص 137 - 141) آمده است.

با این همه، کتاب از نقاط ضعف خالی نیست؛ اولاً معاویه در آن تکریم شده یعنی همه جا پس از نام او دعای «رضی الله عنه» دیده می شود. نیز در کل کتاب براساس فهرست اعلام تنها سه بار از [امیرالمؤمنین] علی علیه السلام یاد کرده: یک بار

به مناسبت مکان ولادت آن حضرت، که آن را - برخلاف مشهور - مانند مولد پیامبر صلی الله علیه و آله در شعب بنی هاشم (شعب ابو طالب) ذکر کرده (ص 84) و یک بار به مناسبت خوابیدن حضرت به جای رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن خانه در شب هجرت (ص 29) و بار دیگر که خالی از شیطنت نیست، به مناسبت این که حضرت امیر در این خانه اسلام آورد هم چنان که حضرت خدیجه علیها السلام، ولی با تعبیری که گویا حضرت امیر علیه السلام اولین مردی نبودند که اسلام آوردند. وی می نویسد:

و فيها أسلمت خديجة عليها السلام فهي اول من آمن بدعوته صلى الله عليه وآله إلى الإسلام ، كما أسلم فيها زيد بن حارثة - رضي الله عنه - مولى لخديجة عليها السلام وفيها أسلم على بن أبي طالب عليه السلام الذي تربى في هذه الدار. (25)

هم چنین به رغم این که از ابوسفیان، ابوجهل و ابوبکر نام برده ، هیچ جای کتاب اسمی از حضرت ابو طالب علیه السلام- به شکل مستقل نه علی بن ابی طالب- نیست.

منبع

1. زکی یمان، أحمد، دارالسيدة خديجة بنت خويلد عليها السلام في مكة المكرمة: دراسة تاريخية للدار و موقعها و عمارتها، الطبعة الأولى، لندن، مؤسسة الفرقان للتراث الإسلامي، فرع موسوعة مكة المكرمة و المدينة المنورة، 1434 ق / 2013 م .

با نگاهی به تاریخ حیات زن در دوران های گذشته و بررسی و ارزیابی رویدادهای جوامع گوناگونی که بانوان نقشی را در آن ها عهده دار بوده اند، این نکته آشکار می گردد که هر گاه زنان به سوی پاکی، درون، صفای قلب و تهذیب نفوس گام بردارند و به عوالم معنوی گرایش یابند چنان منزلت و اراده ای به دست می آورند که می توانند در تاریخ هر سرزمینی تحول آفرین باشند.

خدیجه کبری علیها السلام در زمره بانوانی است که در جزیره العرب چون ستاره ای پر فروغ طلوع کرد؛ در سرزمینی آغشته به جاهلیت، شقاوت و ستم که مسیری پر انحطاط را می پیمود و شعله های ایمان و خرد در آن به خاموشی گراییده بود.

خاندانی با اصالت به نام «قریش» در مکه معظمه، روزگار می گذرانیدند. اگرچه در محیط آن روز به دلیل فاصله گرفتن از تعالیم پیامبران از ارزش ها و موازین انسان ساز خبری نبود و دشمنی تبعیض نزع و انواع خودخواهی و هرزگی فضای تیره ای پدید آورده بود این بانو به دور از همه این آشفتگی ها در مسیر حق جویی و راستی قرار داشت. به دلیل همین شرافت ذاتی و نسبی اولین بانویی بود که شایستگی دریافت پیام توحید را از رسول اکرم صلی الله علیه و آله به دست آورد و برای اعتلای آیین اسلام فداکاری های ستودنی از خود بروز داد. بانویی جذاب و نورانی که در میان جامعه و مردم بسیار شریف و محترم بود و

در امور خود از هوشمندی درایت و کاردانی بهره داشت.

خداوند متعال بر اثر درست اندیشی، اخلاص و صدق نیت خدیجه این افتخار را به وی داد که تمامی توانایی های فکری و مادی خود را برای رونق دیانت و ترویج فرهنگ اسلامی و دفاع از فضایل و مکارم به کار گیرد و در حساس ترین و سخت ترین، اوضاع در استواری پایه های یکتاپرستی مشارکت نماید در تاریخ پرفراز و نشیب، اسلام کدامین بانو غیر از خدیجه را می توان به جامعه معرفی کرد که با شوقی وصف ناپذیر مهر و ایمانی، استوار بی آن که تردیدی به دل خویش راه دهد و یا ذره ای از باورش به تکریم همیشگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بکاهد، دعوت دین را پذیرا گردد و با آن همه ثروت، تنعم، ناپرووردگی و زیستن در رفاه و امکانات فراوان از تمامی دارایی های خود با خشنودی خاطر بگذرد و در هنگامه ای محنت زا در کنار همسر خود بایستد و شریک دشوارترین رنج ها و آزارها باشد؟ بنابراین شایسته است تمام مسلمانان جهان مقامش را تکریم نمایند و خدمات ایثارگرانه اش را ارج نهند.

از نسل با صلابت

او دختر «خویلد» فرزند «اسد بن عبد العزی» فرزند «قصی» فرزند «کلاب» بود. قصی جد چهارم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شمار می آمد. با این وصف، خدیجه با چند واسطه عموزاده پیامبر بود و ریشه خاندانش در قصی با خاندان حضرت ختمی مرتبت متحد می شد؛ از این رو گاهی آنان هم دیگر را پسر عمو و دختر عمو خطاب می کردند. اسد بن عبدالعزی جد پدری خدیجه، از شخصیت های برجسته عصر خود بود بیست سال قبل از بعثت عده ای از بزرگان مکه از جمله اسد برای حفظ امنیت مکه و توابع جلسه ای مشورتی تشکیل دادند و هم پیمان گشتند تا به حقوق مظلومان و محرومان رسیدگی کنند و از ستم جفاکاران جلوگیری نمایند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در همان سال های تشکیل این محفل در بیست سالگی به آن پیوستند میثاق مزبور در خانه «عبدالله بن جدعان» منعقد

ص: 153

گردید و پیامبر برای آن احترام شایان توجهی قائل بودند و بعد از بعثت تأکید می فرمودند:

اگر اکنون هم مرا به عضویت در آن پیمان فرا بخوانند می پذیرم، زیرا در پیمانی شرکت کرده ام که نمی خواهم آن را نقض کنم، اگرچه بهای آن شتران سرخ موی حجاز باشد.

عضویت اسد در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله در این، پیمان به منظور دفاع از حقوق ستم دیدگان و بازداری ستمگران از شقاوت و شرارت، مؤید آن است که ایشان از خیرخواهان و خردمندان عصر خود بودند و در حفظ آرامش روانی جامعه می کوشید. (1)

خویند نیز از شجاعت و دلیری بهره‌های وافر داشت و در میان خاندانش به سلحشوری و قهرمانی معروف بود. (2)

نسب خدیجه از ناحیه مادر چنین است دختر «فاطمه» دختر «زائده» فرزند «اصم»، فرزند «رواحه»، ادامه این سلسله به «لوی بن غالب» جد هشتم رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می رسد. از سوی دیگر «هاله»، مادر بزرگ خدیجه علیها السلام دختر «عبد مناف» جد سوم پیامبر بود و از این طریق سلسله نسب خدیجه با سومین جد پیامبر متحد می گردد. (3)

القاب شایسته

خدیجه علیها السلام قبل از ولادت (تولد او در 67 یا 68 سال قبل از هجرت بوده است). در کتاب آسمانی انجیل به عنوان بانوی مبارکه و همدم مریم در بهشت معرفی گردیده بود. (4)

در عصر جاهلیت و در آن فضای آلوده به فساد و انحراف که زن های پاک دامن

ص: 154

1- سیره ابن هشام، ج 1، ص 141 - 142؛ البدایه والنهایه، ج 2، ص 292.

2- الروض الانف، ج 1، ص 213.

3- حاج محمد هاشم خراسانی، منتخب التواریخ، ص 82؛ سیره ابن هشام، ج 1، ص 201.

4- محدث قمی، کحل البصر، ص 70؛ بحار الانوار، ج 21، ص 352.

از نوادر به شمار می رفتند و بسیاری در ضلالت غوطه ور بودند، خدیجه به دلیل قداست و پاکی در تمامی ابعاد اخلاقی و رفتاری، «طاهره» خوانده می شد. (1)

شخصیت خدیجه در همان عصر چنان چشمگیر و محترم و مکرم بود که او را با عنوان «سیده نسوا» (سرور بانوان) مدح و تجلیل می کردند. (2) در دعای ندبه از خدیجه با عنوان «عزّا» یاد شده است. براساس برخی روایات ابوطالب در خطبه عقد ازدواج، خدیجه، وی را کریمه و دارای مقام شامخ معرفی کرد. این لقب نیز از شرافت و مقام عالی این بانو حکایت دارد. (3)

خدیجه با آن که بانوی بانوان قریش و ملکه حجاز بود، نسبت به محرومان و یتیمان و سرپرستی و دستگیری از آنان توجه ویژه داشت. به همین دلیل از عنوان «ام الایتام» (مادر یتیمان) لذت می برد و این لقب را بر سایر القاب ترجیح می داد. به همان میزان که به امور اینان اهتمام می ورزید، به ثروتمندان، سرداران نامی و رؤسای قبایل چندان اعتنایی نداشت. (4)

کنیه های خدیجه عبارتند از: «ام هند»، «ام الزهرا» و «ام المؤمنین». (5)

بر کرانه کمالات

خدیجه علیها السلام در خانواده ای به رشد و شکوفایی رسید که از ریشه دارترین و اصیل ترین خاندان های جزیره العرب به شمار می رفتند. اما شرافت او، صرفاً به اصالت ها و نجابت های این محیط تربیتی خلاصه نمی گردد، بلکه خود، به صفات پسندیده و خلق، نیکو زبانزد همه گردیده بود هر یتیمی که در حیات خود نقطه اتکایی به دست نمی آورد هر پدری که قادر نبود برای فرزندان خود

ص: 155

1- شیخ جعفر حائری، خدیجه بیت خویلد، ص 119

2- ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج 2، ص 207؛ محمد محمدی اشتهاردی، حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، ص 29

3- بحار الانوار، ج 16، ص 69

4- غلام علی رحیمیان، مادر نمونه اسلام، ص 5-6.

5- خدیجه بیت خویلد، ص 56-119

لقمه نانی تهیه کند هر زنی که به دنبال کشته شدن شوهرش بی پناه می ماند و هر محروم و رنج دیده ای که از حمایت های دیگران ناامید می گشت، راهی خانه خدیجه می شد و به سنگر عطوفت و مهربانی و گنج سرشار سخاوتش پناه می برد و به برکت لطف و عنایت او زخم های زندگی را مرهم می نهاد. (1)

آوازه طهارت و سخاوت آن بانوی قریش تا بدان جا رسید که حتی جامعه عرب جاهلی که غرق در تباهی بودند وی «ملیکه العرب» نامیدند گویا خداوند متعال برای سعادت عزت و سر بلندی او هر چه را که این بانو لازم داشت به وی عنایت فرموده بود (2)

بر اساس منابع روایی خدیجه جزء چهار بانوی عالم است که به عنوان برترین زنان روزگاران شناخته شده اند بانوانی که با درایت، فراست، پارسایی و بررسی های درست و سنجیده و رویارویی خردمندانه با موانع و خطرها، از فرصت ها و امکانات و قوایی که در اختیار داشتند در جهت تعالی فکری و اخلاقی و رشد معنوی بهره گرفتند و به فرازین قله های انسانی صعود کردند.

مقام خدیجه در حدی است که فرشتگان مقرب درگاه الهی به این موضوع مباهات می کنند که خدیجه سلام آنان را بپذیرد. ابوسعید خدری روایت کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

در شب معراج هنگام بازگشت به زمین از جبرئیل سؤال کردم: «آیا حاجتی داری؟ پاسخ داد: «تقاضایم آن است که از طرف خداوند و من به خدیجه درود بفرستی». موقعی که سلام خدا و فرشته وحی را به او ابلاغ کردم خدیجه گفت: «ان الله هو السلام و منه السلام و الیه السلام و علی جبرئیل السلام؛ به درستی که خداوند خود سلام است و سلام از اوست و به سوی اوست و بر جبرئیل سلام». (3)

بدیهی است علت علاقه رسول اکرم صلی الله علیه و آله به خدیجه صرفاً ارتباط زناشویی

ص: 156

1- محمد تقی کمالی، شکوه زندگی، ص 19.

2- سید محمد صادق موسوی گرمارودی آخرین پیام آور، ج 1، ص 212-213

3- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج 2، ص 133؛ بحار الانوار، ج 16، ص 7.

نمود بلکه این اشتیاق به دلیل کمالات ظاهری و معنوی و خدمات او در جهت ترویج توحید و فضیلت های قرآنی بود.

پارسایی و پایداری

به اتفاق تمام مسلمانان و تاریخ نگاران، حضرت خدیجه علیها السلام اولین بانویی بود که اسلام را پذیرفت. به گفته ابن حجر عسقلانی، از امتیازات خدیجه این بود که همواره مقام پیامبر خاتم را تکریم می کرد و سخنان آن حضرت را اعم از فرموده های قبل و بعد از بعثت تصدیق می نمود (1).

آن بانو نه تنها به تعالیم پیامبر ایمان آورد، بلکه در راه انتشار این انوار از خود فداکاری ها نشان داد ایمان خدیجه پیامبر را به آینده ای درخشان برای دعوت نوید می داد همکاری خدیجه در مجاهدت های رسول اکرم صلی الله علیه و اله، ایشان را برای تحقق یافتن اهداف و آرمان هایش امیدوار می ساخت. البته بدیهی است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که مأموریت الهی، داشتند از پراکندگی جمعیت و افرادی که به ایشان می گردیدند نگران نبودند و مطابق برنامه ای که خداوند برای آن وجود والا مقام پی ریزی، فرمود گام بر می داشتند ولی وجود خدیجه که آن نیز نشانه ای از لطف الهی بود در زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله به دلیل اخلاص و حب و فداکاری و ایثار دارایی اش اهمیت وافری داشت. پیامبر سال های متوالی بعد از رحلت این بانو از یادش غافل نمی گردیدند و در سوگش گریان بودند و خدمات او را در حصول پیروزی ارج می نهادند.

در آن دورانی که همه افراد با پیامبر صلی الله علیه و آله از در مخالفت درآمدند و به اذیتش پرداختند، خدیجه رسالت ایشان را از عمق وجود تأیید کرد و برای حمایت از پیام توحید به استقبال ناملايمات زیادی رفت؛ در حالی که امکانات یک زندگی آرام و آسوده و سرشار از تسهیلات برایش فراهم بود. خدیجه در نیمه دوم زندگی این رنج ها را تحمل کرد و تنگی معیشت برایش مفهومی نداشت، درک

ص: 157

1- الاصابه في تمييز الصحابه، ج 4، ص 275.

محروریت ها و پذیرش تلخ کامی ها بسیار دشوار تر است.

پیوندی پاک

خدیدجه بانوی نام دار قریش تا آن هنگام که برای اولین بار نام حضرت محمد صلی الله علیه و آله را شنید روزی نبود که از سوی سران قبایل تاجران و نامداران دیگر از او خواستگاری نشود اما او همه دست ها را پس زد؛ گویا گوهر ارجمند خود را برای چنین وجود مبارکی مراقبت و صیانت می کرد. علاقه او به ازدواج با این فرستاده الهی از فضیلت جویی و اشتیاقش به درستی و راستی سرچشمه می گرفت. او با فراستی که در خویش شکوفا ساخته بود، در نهاد حضرت محمد صلی الله علیه و آله چیزی فراتر از انسان های پیرامونش می دید و احساس می کرد او می تواند زنجیرهای ضلالت را از هم بگسلد و به اسارت آدمی در زندان ستم، جهالت و انحراف خاتمه دهد. سرانجام آرزویش تحقق یافت و لیاقت همسری پیامبر را به خود اختصاص داد زیستن بعد از این پیوند پاک نیایش های شویش رفت و آمد در غار حرا اعتکاف در شکاف کوه، شب اول وحی، آن صبح نزول نخستین آیه قرآن و ایمان آوردن به تعالیم پیامبر و نماز خواندن با او، همه برایش کمال آفرین و سعادت بخش بود.

در وصف نبی اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر که به گواه قرآن و سخن راویان و تاریخ نگاران، دقیق، سنجیده و بدون گزافه و کاستی وصف و نقد می کرد در سخنی فرمودند:

به درستی که خداوند از میان بانوان چهار نفر را برگزید (سوه انسان ها قرار داد) که عبارتند از: «مریم»، «آسیه»، «خدیدجه» و «فاطمه». (1)

روزی همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله برای فراهم آمدن مقدمات ازدواج فاطمه زهرا علیها السلام با حضرت علی علیه السلام، گرد آمدند و خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردند:

ص: 158

«والدین ما به فدایت ای فرستاده الهی! برای صحبت درباره موضوعی اجتماع کرده ایم اما اگر خدیجه در این جا بود چشمش بر آن روشن می گردید».

به گفته «ام سلمه»، تا نام خدیجه بر زبان آمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله گریستند و فرمودند:

خدیجه! کجاست زنی هم چون خدیجه؟! در آن هنگام که مردم رسالت مرا تکذیب کردند او مصدق من بود و برای رونق دین خدا با من همکاری نمود؛ با دارایی خویش برای پیشرفت دیانت کمک کرد. خداوند به من فرمان داده است که خدیجه را به داشتن خانه ای در بهشت که رنجی در آن نخواهد بود مژده دهم. (1)

از منظر منظومه منور

حضرت علی علیه السلام در «خطبه قاصعه» فرموده اند:

در آغاز بعثت و طلوع، اسلام هنوز اسلام به خانه ای راه نیافته بود مگر خانه رسول خدا و خدیجه؛ و من سومین نفر بودم (2)

روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمودند: «تو همسری همچون فاطمه و مادر زنی هم چون خدیجه داری» (3)

امام حسن مجتبی علیه السلام که در زیبایی ظاهری در میان بنی هاشم ضرب المثل بود می فرماید:

در آن هنگامی که خداوند صورت گری می کرد من شبیه ترین افراد به خدیجه کبری بودم. (4)

در دعای ندبه خطاب به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می خوانیم: «کجاست فرزند خدیجه روشن جبین!»

ص: 159

1- همان، ص 131-130.

2- نهج البلاغه، خطبه 192

3- بحار الانوار، ج 40، ص 68

4- همان ج 24، ص 316.

ابوطالب درباره خدیجه علیها السلام فرمود:

همانا خدیجه بانویی کامل بابرکت و زیننده به شمار می آید و ساحت وجودش از هر گونه ننگی به دور است. بانویی با شخصیت و آبرومند است. (1)

ابن حجر عسقلانی می نویسد:

از امتیازات خدیجه آن بود که پیامبر را تکریم می کرد و سخن او را چه قبل و چه بعد از بعثت تصدیق می نمود.

هشام بن محمد گفته است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در کارها با خدیجه علیها السلام مشورت می کردند. او یار صدیقی برای پیامبر بود و حضرت محمد و صلی الله علیه و آله به وی احترام می گذاشتند.

عبد الرحمان بن جوزی گوید:

چون امر نبوت آشکار گردید خدیجه بر گرویدن به پیامبر، از دیگران سبقت گرفت. همه فرزندان پیامبر به جز ابراهیم از خدیجه اند.

حافظ عبدالعزیز جنابذی در کتاب معالم العتره النبوه می نویسد:

«خدیجه از لحاظ، نسب پاک ترین قریش و شریف ترین و ثروتمندترین آنان بود. تمامی افراد قومش سخت بر ازدواج با او اصرار داشتند ولی او خودداری ورزید و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفت: «من به شما محبت دارم به دلیل خوش اخلاقی راست گفتاری امانت داری و خویشاوندی و شرف شما در میان قومت».

هم چنین عمر ابو نصر گوید:

به خدیجه دختر خویلد بانوی جلیل القدر عرب شرف نسب، کرامت، گوهر سروری قبیله عزت عشیره و فراوانی مال ختم گردیده است. به همین دلیل نیاز محرومان را تأمین می کرد؛ گرسنه را اطعام می نمود و برهنه را می پوشانید خدیجه در اخلاق و ثروت میان همگنان خویش منحصر به فرد بود.

ص: 160

عمر رضا کحاله نیز می نویسد:

خدیجه در خانه مجد و سروری متولد گردید و با اخلاق پسندیده پرورش یافت و به دوران دیشی و پاک دامنی متصف گردید.

هم چنین علامه سید عبدالحسین شرف الدین می گوید:

خدیجه صدیقه این امت و از حیث ایمان به خداوند متعال و تصدیق وحی و یاری رسول، او نخستین کس است. او مدت بیست و پنج سال شریک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود و با ایثار مال به او نیرو می بخشید و با گفتار و کردار، از ایشان دفاع می کرد و آن چه کافران از عذاب در راه رسالت نصیبتش می کردند به او تسلی می داد. او با علی علیه السلام در غار حرا بود هنگامی که اولین بار وحی نازل شد.

(1)

علامه محمد باقر مجلسی می نویسد:

خدیجه یاور راستین و با اعتبار اسلام بود که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به وسیله حمایت های بی دریغ و کار سازش، در رسیدن به هدف های بلند خود آرامش می یافت. به همین دلیل است که فرشته وحی از سوی خداوند متعال به او درود می فرستد. (2)

از دید زنان نامور

حضرت زینب کبری نواده، خدیجه علیها السلام در یازدهم محرم سال 61 هجری، هنگامی که در کنار پیکرهای شهیدان کربلا آمد، بعد از ذکر پیامبر و حضرت علی علیه السلام، از جده اش خدیجه یاد کرد و فرمود: «بابی خدیجه الکبری؛ پدرم به فدای خدیجه کبری باد!»

(3)

ام سلمه می گوید:

ای رسول خدا به راستی خدیجه همان گونه بلند مرتبه، با اخلاص،

ص: 161

1- زنان بزرگ اسلام، ج 1؛ علی محمد علی دخیل، خدیجه، ص 29-31.

2- بحار الانوار، ج 16، ص 11.

3- همان، ج 45، ص 59.

درست اندیشه و دارای کرداری شایسته بود که شما همواره وصفش می کردید.

دکتر بنت الشاطی می نویسد:

خدیجه اشرف امهات مؤمنین و نزدیک ترین همسران پیامبر به آن حضرت و عزیزترین آنان نزد آن بزرگوار چه در زندگی و چه پس از مرگ است. مدت بیست و پنج سال به تنهایی مورد مهر و احترام رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داشت و هیچ زنی را در این افتخار با او شریک نیست. در سال نخستین اسلام که توأم با رنج و مشقت بود در کنار آن حضرت قرار داشت و به آن وجود گرامی، کمک و همراهی می رساند و دشواری هایی را که آن بزرگوار در راه رسالتش از جانب قریش می دید آسان می کرد. روح پیامبر صلی الله علیه و آله نزد خدیجه بیش از دیگران آرام می گرفت. (1)

از زبان و قلم نویسندگان غیر مسلمان

«کنستانتین ویرژیل گنورگیو» نویسنده رومانیایی می نویسد:

خدیجه برای محمد فقط یک زن، نبود بلکه صمیمی ترین دوست و مشاور او محسوب می گردید. پیامبر او را دوست می داشت و بیست و پنج سال مداوم به خدیجه وفادار ماند. هر موقع که رسول اکرم صلی الله علیه و آله راجع به برنامه های خود با خدیجه صحبت می کرد خدیجه بهترین راه را که به نظر می رسید پیشنهاد می داد و در مواقعی حضرت از دیدگاه های او استفاده می نمود با این که خدیجه بازرگان بود و معمولاً تاجران صرفاً به کسب و کار خود توجه دارند، وقتی پیامبر به رسالتی بزرگ مبعوث شد، به او ایمان آورد و بعد از آن هم تمام اموال خویش را در راه اسلام به مصرف رسانید، به طوری که وقتی از دنیا رفت هیچ ثروتی نداشت. (2)

«بودلی» در کتاب الرسول نوشته است:

فضای اطمینان بخشی را که عقیده و ایمان خدیجه علیها السلام در مراحل اولیه به

ص: 162

1- دکتر بیت الشاطی ترجمه سید رضا صدر، بانوی کربلا، ص 33-32.

2- کنستانتین ویرژیل، گنورگیو محمد صلی الله علیه و آله پیامبری که از نو باید شناخت، ص 117-118.

وجود آورده بود، امروز می توان با یک ششم سکنه عالم برابر دانست. (1)

هم چنین خانم آنه ماری شیمیل آلمانی می نویسد:

وقتی حضرت محمد صلی الله علیه و آله به 25 سالگی رسید، با بانویی ازدواج کرد که شیفته صداقت و درستی او گردیده بود با آن که این زن بزرگ تر از شوهرش، بود پیوندشان توأم با خوش بختی بود هم شیعه و هم سنی او را به عنوان بانویی پاک گهر بسیار ستایش می کنند و او را خدیجه کبری و طاهره مام مؤمنان و عزیزتر از مادر معرفی نموده اند موقعی که پیامبر صلی الله علیه و آله در چهل سالگی مخاطب کلام وحی گردید خدیجه بزرگ ترین حامی اش بود. محمد در سال دهم بعثت همسر باوفای خود خدیجه را از دست داد که در روزگار رنج و آمیخته به ناراحتی و حرمان نیرومندترین پشتیبانش بود. (2)

کارفرمای کارآفرین

در جامعه جاهلی سرزمین، مکه معیارها و امتیازات اجتماعی بر اساس موقعیت طایفه ای نسب و حسب ثروت و خدمه و امکانات تعیین می گردید. افراد برای رسیدن به درجات مزبور به خلاف روی می آوردند و به جان و مال اشخاص تعرض می نمودند و اموال ضعیفان را به زور غارت می کردند در چنین محیط آشفته ای بانویی ثروتمند به نام «خدیجه» زندگی می کرد. این زن به دلیل هوشمندی و فراست دارایی های خود را به شکلی مدیریت و نظارت کرد که اولاً از راه نادرست افزایش نیابد و ثانیاً چنان به کار گرفته شوند که در چرخه اقتصادی جامعه باری از دوش گرفتاران بیکاران و نیازمندان بردارند. خدیجه ثروت خود را که بر اثر فعالیت های اقتصادی سالم به دست آورده بود راکد نگذاشت؛ به گونه ای که هشتاد هزار شتر در قالب کاروان های متعدد اموال تجاری او را به کانون های مهم اقتصادی جهان آن روز- همچون، یمن، مصر، شام، طائف، عراق، بحرین، عمان حبشه فلسطین و نقاط دیگر- حمل و نقل می نمودند. مدیریت و نظارت بر

ص: 163

1- محمد تقی کمالی، شکوه زندگی، ص 16.

2- آنه ماری شیمیل ترجمه حسن لاهوتی، محمد صلی الله علیه و آله رسول خدا، ص 14-16.

این امور و حلقه ارتباط با کارگزاران حساب رسی مرتب از داد و ستد ها و سودهای حاصل از آن نوعی فراست هوشیاری توان مندی فکری و احاطه فوق العاده را می طلبد که خدیجه این اقتدار را به عالی ترین شکل دارا بود

او با این همه دارایی و اموال فراوان نمونه بارزی از زهد به شمار می آمد؛ زیرا به ثروت فراوان خویش دل بستگی نداشت و سرمایه خود را در گره گشایی از دشواری های توده جامعه به کار می انداخت. افرادی که مأمور رسیدگی به امور تجاری اش بودند به عنوان کارگزار حقوق دریافت می کردند و سود و زیان معاملات مربوط به او بود این شیوه قرارداد که بیش تر با مردانی فاقد کار و معمولاً از طبقات فقیر منعقد می گردید، دو ویژگی عاقلانه در برداشت: نخست این که برای دیگران فرصت های شغلی به وجود می آورد و افرادی را که به دلیل فقدان سرمایه توان فعالیت های تجاری، نداشتند با پشتوانه مالی خویش به قوانین و راه و رسم بازرگانی درون مرزی و برون مرزی آشنا می ساخت تا آن ها بتوانند بعدها روی پای خود بایستند و با استقلال اقتصادی به تلاش های خود در این قلمرو ادامه د. دوم با توجه به این که تجارت در عصر جاهلیت کاری شرافتمندانه به شمار می آمد خدیجه با به کارگیری صدها نفر از افرادی که در میان سالی بودند و فعال اقتصادی به شمار می آمدند سعی داشت عادت های زشت درآمدهای حرام و غارتگری را از آنان دور سازد و از این رهگذر زندگی آنان را از آلودگی های گوناگون مصون نگه دارد. هم چنین با فرستادن آنان به سرزمین های یمن، شام و نواحی شرقی افریقا، مقدمات آمادگی آنان را در شناخت فرهنگ، آداب و رسوم و سنت های جوامع دیگر بهتر فراهم سازد.

خدیجه به خاندان عبدالمطلب بسیار علاقه مند بود؛ شرافت و تقوای آنان را می ستود و بسیاری از مردان و زنان «آل عبد مناف» را در کاروان های تجاری به کار واداشته بود. این کوشش و مساعدت دائم او همیشه با نهایت عزت و احترام نسبت به بنی هاشم همراه بود. (1)

ص: 164

1- با استفاده از منابعی چون سیره ابن هشام، ج 1، ص 200 - 199؛ بحارالانوار، ج 16 ص 22.

بدیهی است اداره کردن این کاروان گسترده در سطح منطقه ای وسیع آن هم در جزیره العرب که آغشته به جاهلیت، جور و جفا بود، آن هم با مدیریت یک زن در زمانی که زنان از حقوق اجتماعی محروم بودند و بسیاری از مردان بی رحم دختران بیگناه را زنده به گور می کردند - بیانگر آن است که حضرت خدیجه دارای خلاقیت ویژه و نبوغ ذاتی فوق العاده بوده و شخصیتی برجسته داشته است

خدیجه بر اساس اسناد تاریخی و منابع روایی کنترل های ویژه ای را در مورد وظایف هر یک از کارکنان اعمال می کرد؛ برنامه ها، کارهای انجام شده و نیز محصول تلاش آنان را به صورت دقیق و پیگیر مقایسه و بررسی می کرد و در صورت صلاحدید با اعمال اصلاحاتی از خطا و انحراف هایی که در طرح ها و هدف ها پیش می آمد جلوگیری می نمود ماجرای گماشتن بازرس ویژه ای به نام «میسره» در کاروان تجارتنی شام برمنش و رفتار حضرت محمد صلی الله علیه و اله و ملزم گردیدن وی در تهیه گزارش جامع از تلاش های آن حضرت در این سفر بازرگانی، از درایت او حکایت دارد که منابع تاریخی آن را با دقت جالبی ضبط کرده اند.

خدیجه می کوشید در برنامه اقتصادی اش از تجربه ها و دانش های دیگران بهره ببرد و برای برنامه ریزی در امور، تجاری با افراد خیره و صاحب نظر به مشورت می پرداخت. انتخاب وقت سفر نوع کالای مورد نیاز در سرزمین مبدأ و نیز خرید اقلام از کشورهای دیگر میزان محصولات صادراتی و یا وارداتی، ارتباط برقرار کردن کاروان با دیگر کانون های تجاری و چگونگی بازاریابی آنان، با کمک مشاوران کاروان تنظیم و تدبیر می گردید؛ به گونه ای که شگفتی همگان را بر می انگیزخت کاروان بزرگ بازرگانی او همواره در راه بود؛ از یمن به جانب حجاز و از آن سرزمین به سوی شام و دیگر مراکز مهم اقتصادی و مبادلاتی آن این تشکیلات بعد از سفری موفق و سودی سرشار و عادلانه به سوی مقصد باز می گشت.

عمارتی که خدیجه در آن زندگی می کرد از بهترین خانه های مکه به شمار می آمد؛ بنایی دو طبقه با ایوان های کوچک مشرف بر کعبه و بر راه شام سمت چپ درب خانه اش، سنگی بود به بزرگی یک ذراع و یک وجب که بعدها حضرت محمد صلی الله علیه و آله در مقابل تیرهایی که از منزل ابولهب می آمد، بدانجا پناه می بردند (1).

خدیجه در این خانه به آرام و درد دل های بینوایان رسیدگی می کرد و در ماندگان را پناه می داد یتیمی که دیگر نقطه اتکایی برای خود نمی یافت، والدینی که برای تدارک معاش اهل خانواده دچار مشکل می شدند، زنی که بعد از به قتل رسیدن شوهرش پناهگاهی نداشت و هر فرد رنج دیده و محروم، خانه خدیجه را محل امنی برای خود می دید و با امید به امدادگری صاحب خانه از غم و هراس های خود کم می کرد (2). مردم از قبه سبزی که بر بام این منزل احداث گردیده بود و نیز ازدحام قشرهای گوناگون در مسیر آن این منزل را می شناختند خدیجه این خانه و تمامی امکانات و ملزومات آن را بعد از ایمان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در راه اعتلای حق و ترویج معارف قرآنی صرف کرد. چون به خانه حضرت محمد صلی الله علیه و آله، رفت آن وجود مبارک خانه ای در کوچه ای سنگی برایش بنا کرد که به آن کوچه عطرها می گفتند این خانه بدان جهت قداست دارد و مبارک است که حضرت محمد صلی الله علیه و آله هنگام اقامت در مکه، آن را محل سکونت خود برگزیدند. به علاوه این خانه زادگاه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بود.

در رحله بتانویی آمده است:

در صورتی که در خانه یاد شده خوب دقت، نمایی جز سادگی چیزی نخواهی یافت خانه ای که شامل چهار اتاق است. سه اتاق آن اندرونی است که یکی از آن ها برای دختران ایشان و دومی برای پیامبر و همسرش خدیجه و سومی برای عبادت آن حضرت بوده است. اتاق چهارم که در بیرون قرار دارد برای ملاقات با پیامبر و مراجعات مسلمانان در نظر گرفته شده است که این ترتیب بسیار پر جاذبه و ابتکاری است. (3)

ص: 166

1- زین العابدین، رهنما پیامبر، ص 200 - 199؛ شکوه زندگی، ص 20-19.

2- شکوه زندگی ص 26-27

3- محمد عبایی خراسانی و سیدرضا حسینی نسب، گنجینه های ویران، ص 54-53.

خدیجه چنان که در بعد اقتصادی موفق بود و ثروت سرشاری در نهایت خوش نامی و پاکی به دست آورد در انتخاب همسر نیز به توفیقی بزرگ دست یافت. او کسی را به شوهری خود برگزید که اشرف مخلوقات، اعظم ممکنات و مصطفای پیامبران و فرستادگان الهی بود در همان روزهای اولی که این پیمان پاک برقرار گردید به پسر عمویش ورقه بن نوفل گفت: «کلید انبارهایی که اموالم را در آن ها نگه داری می کنم به نزد حبیب محمد صلی الله علیه و آله ببر و از جانب من به او بگو: تمامی این دارایی ها به پیشگاه شما تقدیم می گردد آن چه دارم ملک اوست؛ هر گونه تصرفی می خواهد در آن ها بنماید تا بدین وسیله ساحت مقدسش را تکریم و تعظیم کرده باشم». خود را نیز کنیز پیامبر معرفی کرد. (1)

خدیجه برای رشد فضیلت و گسترش اسلام به جهاد مالی و مقاومت در اوضاع بسیار سخت روی آورد و می توان گفت او مصداقی از این آیه قرآن کریمه است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ، تَوَمَّنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ). (2)

بهترین سند در در عظمت جهاد مالی خدیجه علیها السلام سخن زیبای رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمودند:

(مَا قَامَ وَلَا اسْتَقَامَ دِينِي إِلَّا بِشَيْئَيْنِ)؛ مال خدیجه و سیف علی بن ابی طالب؛ (3)

دین من بر پا نگردید و استقامت نوزید مگر به دو چیز ثروت خدیجه و شمشیر امیر مؤمنان علیه السلام

پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان حیات این بانوی فداکار آن چه صلاح می دانستند از

ص: 167

1- محدث قمی، سفینه البحار، ج 2، ص 23

2- سوره صف آیه 10-11.

3- سید محمد کاظم، قزوینی شجره طوبی شهادت، ص 68

دارایی او هزینه می کردند و بعد از رحلتش باقی مانده دارایی اش را فرزندانش به ارث بردند (1)

روزی حلیمه سعدیه (مادر رضاعی پیامبر) در مکه نزد ایشان آمد و از قحطی و خشکسالی شکوه کرد پیامبر این ضایعه را با خدیجه در میان نهادند. او چهل گوسفند و چهل شتر به مادر رضاعی شوهرش بخشید و حلیمه با شادمانی به سوی قبیله خود بازگشت (2)

در ماجرای شعب ابی طالب وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش در محاصره شدید اقتصادی مشرکان قرار گرفتند ثروت خدیجه محاصره شوندگان را از قحطی و گرسنگی نجات داد در این مدت که چهار سال طول کشید، ابوالعاص بن ربیع به وسیله شتر، گندم و خرما حمل می کرد و در وضعی سخت و بسیار دردناک و با وجود تهدیدهای شدید دشمنان خوراکی ها را به مسلمانان می رساند. خدیجه علیها السلام دارایی خود را چنان در این ماجرا مصرف کرد که دیگر از آن ها چیزی نماند و در پایان محاصره گفت:

چیزی جز دو پوست باقی نمانده است که هنگام استراحت یکی را زیر انداز و دیگری را روانداز خود قرار دهیم (3)

علی محمد علی دخیل می نویسد:

محاصره اقتصادی، عظیم ترین خطر دوران رسالت پیامبر بود که اموال خدیجه کلید شکست این حصر اقتصادی است. او مواد خوراکی و مصرفی را به چندین برابر قیمت واقعی اش می خرید و به بنی هاشم و یاران پیامبر می رسانید که با تهدید مشرکان مواجه بودند تا این سال ها با سلامت و رهایی آن عزیزان سپری شد و حيله دشمنان با ناکامی توأم گردید. (4)

ص: 168

1- سید محمد کاظم، قزوینی، فاطمه از ولادت تا شهادت، ص 68

2- بحار الانوار، ج 15، ص 401.

3- ذبیح الله محلاتی ریاحین الشریعه، ج 2، ص 211.

4- علی محمد علی، ترجمه فیروز حریرچی دخیل، خدیجه، ص 16.

*مقایسه و بررسی تاریخی و آماری فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام: مهتاب شورمیج، فاطمه جوربندی ثانی (1) (2)

چکیده

پژوهش حاضر با مراجعه و بررسی 38 کتاب سیره، طبقات، انساب تاریخی و حدیثی بین قرن سوم تا پانزدهم هجری تمام فرزندان ذکر شده برای حضرت خدیجه علیها السلام را که چهار دختر و دو پسر و به روایتی سه تا چهار پسر و چهار دختر هستند به تفکیک متون استخراج کرده و با ذکر منابع بیان نموده است. در ادامه فراوانی هر فرزند در منابع گوناگون مشخص گردیده و سیر تاریخی و آماری فرزندان و مقایسه فراوانی فرزندان در کتاب ها بررسی شده است. در بخش پایانی اطلاعات و آمار جمع بندی و نتیجه گیری شده و نویسنده اهتمام ورزیده که نظر بیان شده با واقعیت مطابقت داشته باشد.

هدف این مقاله مقایسه و بررسی تاریخی و آماری فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و آماری است. از آن جایی که به منظور شناخت فرزندان آن بانوی گرامی نیاز اجمالی به آشنایی با تاریخچه زندگانی آن بزرگوار است. در تحقیق پیش رو در صدد برآمدیم تا اطلاعات مختصری از دوران حیات ایشان را به عنوان مقدمه در اختیار خوانندگان قرار دهیم

ص: 169

1- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، دانشجوی دکتری تاریخ تشیع اثناعشری، دانشگاه ادیان و مذاهب قم،
mahtabshourmeij@yahoo.com

2- دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء علیها السلام، fateme.jourbandi@gmail.com

حضرت خدیجه علیها السلام، فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام، کتاب های انساب و طبقات.

مقدمه

خدیجه دختر اسد بن عبدالعزی ابن قصی بن کلاب بن مره بن کعب بن لؤی بن غالب بن فهر بن مالک بن نصر بن کنانه و مادرش فاطمه دختر زائده بن الأصم بن هزم بن رواحه بن حجر بن عبد بن معیص بن عامر بن لؤی بن غالب بن فهم بن مالک بود. طبق گفتار اکثر سیره نویسان، حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله را با ابوهاله ازدواج کرد که اسمش هند بن النباش بن زراره بن وقدان از تمیم بود و بعد از فوت، او با ابی هاله عتیق بن عابد بن عبدالله بن عمر بن مخزوم ازدواج نمود (1) گرچه تاریخ نویسانی چون ابن شهر آشوب، از احمد، بلاذری، ابوالقاسم، کوفی شیخ مرتضی انصاری در الشافی و ابوجعفر در التلخیص نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کردند او «عذرا» بود یعنی دست نخورده بوده با کسی ازدواج نکرده بود. (2)

البته در زیارات شیعیان نیز چنین آمده است:

السلام علیک یا بطل المسلمین یا مولای اشهد انک کنت نورا فی الأضلاب الشامخه و الارحام المطهره لم تنجسک الجاهلیه بانجاسها و لم تلبسک ...

در زیارت امام حسین علیه السلام در عیدهای فطر و قربان می خوانیم:

سلام بر تو ای شجاع مسلمانان! ای مولای من! گواهی می دهم که تو در پشت های بلند مرتبه و در رحم های پاک نوری بودی و دوران جاهلیت

ص: 170

-
- 1- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 8 (فی النساء)، ص 11؛ ابن حزم، جمهره الانساب العرب، ص 143؛ شیخ صدوق، خصال، ص 308؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 2، ص 505؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج اول، ص 206؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ج 7، ص 89.
 - 2- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ص 206.

با پلیدی هایش تو را آلوده نکرد و از تیرگی های جامه هایش بر اندام تو نپوشانید... (1)

این زیارت، نشان می دهد که حضرت خدیجه علیها السلام نباید قبل از ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با کسی ازدواج کرده باشد؛ زیرا حضرت خدیجه علیها السلام مادر حضرت فاطمه علیها السلام و آن بانوی بزرگوار هم مادر امامان شیعیان بودند. حضرت خدیجه علیها السلام در چهل سالگی هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله 25 سال داشتند، در با مهریه دوازده اوقیه که خود ضمانت پرداخت آن را به عهده گرفت به نکاح رسول خدا صلی الله علیه و آله در آمد. آن بانوی بزرگ اولین کسی بود که اسلام آورد و همواره پشتیبان نبی مکرم اسلام بود. (2)

فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام

منظور نگارنده از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در این پژوهش همه آنانی هستند که مادرشان حضرت خدیجه علیها السلام بود از آن جایی که این بانوی بزرگ به گزارش سیره نویسان، قبل از ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، با دو نفر دیگر ازدواج کرد و از آن ها هم فرزندانی داشت. (3) اهداف نگارنده شامل فرزندانی می شود که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودند.

فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب سیره

منابع ذکر شده در این قسمت بر اساس کتب سیره است که آمار و تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را در بر دارد و در قالب جدول ذیل و به ترتیب تاریخی تنظیم و چینش شده است:

ص: 171

1- قمی، مفاتیح الجنان، ص 790-791

2- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 8، ص 12-14.

3- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 8 (فی النساء)، ص 11؛ ابن حزم، جمهره الانساب العرب، ص 143.

جدول 1: فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب سیره

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	تیم: کتاب	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۱	السیره النبویه	أبی محمد عبد الملک بن هشام المعافری ^۱	عربی	متوفی ۲۱۸ ق	۷	۱۴۲۴ ق / ۲۰۰۳ م ج ۱، ص ۱۵۵
۲	سیرت رسول الله	قاضی ابرقوه ^۲	فارسی	متوفی ۶۲۳ ق	۷	۱۳۸۱ ش، ص ۱۶۷-۱۶۸
۳	خلاصه سیرت رسول الله <small>صلی الله علیه و آله</small>	شرف الدین محمد بن عبدالله بن عمر ^۳	فارسی	قرن هفتم قمری	۷	۱۳۸۲، ص ۲۸-۲۷

۱. ابن هشام از سیره نویسان نیمه اول قرن سوم هجری بود. او که کتاب خود را بر اساس *السیره النبویه* ابن اسحاق نوشت و در مصروفات یافت. کتاب او چهار جلد است؛ جلد اول درباره حضرت خدیجه علیها السلام و فرزندانش مطلب دارد. ابن هشام پسر بزرگ حضرت خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله را قاسم نام برده که کنیه پیامبر ابوقاسم است. سپس طیب و طاهر که در جاهلیت مردند. دختران، زینب، رقیه، أم کلثوم و حضرت فاطمه علیها السلام که اسلام را درک کردند و به مدینه مهاجرت نمودند. ابن هشام، از ابن اسحاق نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام سه پسر به نام‌های قاسم، طاهر و طیب داشتند.

۲. کتاب *سیره رسول الله* صلی الله علیه و آله مشهور به *سیره النبویه*، روایت عبد الملک بن هشام از زیاد بن عبدالله بکائی از محمد بن اسحاق المظلی است که فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را این‌گونه آورده: «پسران: قاسم، طاهر و طیب و دختران: زینب و رقیه و أم کلثوم و فاطمه، بودند. پسران هر سه در دوران جاهلیت وفات یافتند.»

۳. در این کتاب به «قاسم، طاهر، طیب، رقیه، زینب، أم کلثوم و فاطمه» اشاره رفته که پسران در دوران جاهلیت درگذشتند و دختران اسلام را دریافتند. همه فرزندان از خدیجه بودند غیر از ابراهیم که مادرش ماریه قبطیه بود.

1. ابن هشام از سیره نویسان نیمه اول قرن سوم هجری بود. او که کتاب خود را بر اساس *السیره النبویه* ابن اسحاق نوشت و در مصروفات یافت کتاب او چهار جلد است؛ جلد اول درباره حضرت خدیجه علیها السلام و فرزندانش مطلب دارد. ابن هشام پسر بزرگ حضرت خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و آله را قاسم نام برده که کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله و آله ابوقاسم است. سپس طیب و طاهر که در جاهلیت مردند دختران زینب، رقیه، أم کلثوم و حضرت فاطمه علیها السلام که اسلام را درک کردند و به مدینه مهاجرت نمودند ابن

هشام از ابن اسحاق نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام سه پسر به نام های، قاسم، طاهر و طیب داشتند.

2. کتاب سیره رسول الله صلی الله علیه و اله مشهور به سیره النبی روایت عبدالملک بن هشام از زیاد بن عبدالله بکائی از محمد بن اسحاق المطلّبی است که فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را این گونه آورده: «پسران: قاسم، طاهر و طیب و دختران زینب و رقیه و أم کلثوم و فاطمه بودند. پسران هر سه در دوران جاهلیت وفات یافتند.»

3. در این کتاب به «قاسم طاهر، طیّب رقیه زینب أم کلثوم و فاطمه» اشاره رفته که پسران در دوران ، جاهلیت در گذشتند و دختران اسلام را دریافتند همه فرزندان از خدیجه بودند غیر از ابراهیم که مادرش ماریه قبطیه بود.

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۴	السیره النبویه	ابن کثیر ^۱	عربی	قرن ۸ هجری	سنی	۷	۱۴۰۳ هجری / ۱۹۸۳ م ج ۱، ص ۲۶۳- ۲۶۴
۵	السیره الحلبیه	الحلبی الشافعی ^۲	عربی	متوفی ۱۰۴۴ ق	سنی	دو نفر را نام می برد	۱۴۲۲ ق / ۲۰۰۲ م ج ۱، ص ۲۰۴

فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب طبقات

منابع ذکر شده در این قسمت، براساس کتب طبقات صحابه تنظیم گردیده و در قالب جدول ذیل و به ترتیب تاریخی تنظیم و چینش شده است:

۱. إسماعیل بن کثیر، (۷۰۱-۷۴۷ ق)، از ابن اسحاق و ابن هشام نقل کرده که: همه فرزندان رسول الله صلی الله علیه و آله از خدیجه اند غیر از ابراهیم. فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام هفت نفرند و عبارتند از: قاسم که کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله از اوست و بزرگترین آن هاست. طیب و ظاهر، زینب، زُقیه، ام کلثوم و فاطمه. از دختران رقیه بزرگترین آنهاست. دختران اسلام را درک کردند و به مدینه همراه پیامبر صلی الله علیه و آله مهاجرت نمودند. روایت دیگری را ابن کثیر از مصعب بن عبدالله الزبیری و یونس بن بکر نقل کرده که حضرت خدیجه شش فرزند، دو پسر به نامهای قاسم و عبدالله داشته و زبیر بن بکار می گوید که عبدالله همان طیب و ظاهر است که بعد از نبوت به دنیا آمدند. او خبر واحدی را اختیار نکرده، بلکه اقوال را ذکر کرده است.

۲. حلبی وقتی از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام از عتیق بن عابد سخن می گوید، در ادامه چنین می نویسد: «وأمی خدیجه، و اخی قاسم، و اختی فاطمه، ...» و از بقیه فرزندان آن حضرت سخن نگفته است.

فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب طبقات

منابع ذکر شده در این قسمت براساس کتب طبقات صحابه تنظیم گردیده و در قالب جدول ذیل و به ترتیب تاریخی تنظیم و چینش شده است:

1. إسماعیل بن کثیر، (701 - 747 ق)، از ابن اسحاق و ابن هشام نقل کرده که همه فرزندان رسول الله صلی الله علیه و آله از خدیجه اند

غیر از ابراهیم. فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام هفت نفرند و عبارتند از قاسم که کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله از اوست و بزرگ ترین آن هاست. طیب و طاهر، زینب، رقیه، ام کلثوم و فاطمه. از دختران رقیه بزرگ ترین آن هاست. دختران اسلام را درک کردند و به مدینه همراه پیامبر صلی الله علیه و آله مهاجرت نمودند. روایت دیگری را ابن کثیر از مصعب بن عبد الله الزبیری و یونس بن بکیر نقل کرده که حضرت خدیجه شش فرزند دو پسر به نام های قاسم و عبدالله داشته و زبیر بن بکار می گوید که عبدالله همان طیب و طاهر است که بعد از نبوت به دنیا آمدند او خبر واحدی را اختیار نکرده بلکه اقوال را ذکر کرده است.

2. حلبی وقتی از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام از عتیق بن عابد سخن می گوید در ادامه چنین می نویسد: «و اُمی خدیجه، و اخی قاسم، و اُختی فاطمه...» و از بقیه فرزندان آن حضرت سخن نگفته است.

جدول ۲: فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب طبقات

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۱	الطبقات الکبری	ابن سعد ^۱	عربی	قرن سوم قمری	سنی	۶	۱۴۱۸ قمری / ۱۹۹۷ م ج ۸، ص ۱۳
۲	الاستیعاب	ابن عبدالبر التمری ^۱	عربی	متوفی ۴۶۳ ق	سنی	۶	۱۴۲۳ ق / ۲۰۰۲ م ج ۲، ص ۵۰۵-۵۰۶
۳	اسد الغابه	عزالدین بن الاثیر ابن الحسن علی بن محمد الجزری ^۲	عربی	قرن هفتم قمری	سنی	۶	۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۹ م ج ۷، ص ۹۱-۹۲

۱. کتاب ابن سعد، نُه جلد است، جلد هشتم در مورد زنان صدر اسلام است. او فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام را «قاسم و عبدالله آورده که اسم او طاهر و طیب بود که در اسلام به دنیا آمدند. و دختران را زینب و رقیه، ام کلثوم و فاطمه» نام برده است: «فولدت قاسم و عبدالله، و هو طاهر و الطیب، سَمَّی بَذلك لِأَنَّهُ وُلِدَ فِی الْإِسْلَامِ».

۲. ابی عمر یوسف بن عبد البر التمری القرطبی، در جزء دوم کتاب خود، یک صفحه در مورد فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام بحث می‌کند. به نظری اجماع اکثر انساب‌نویسان بر این است که خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله چهار دختر داشته‌اند که اسلام را درک کردند و به مدینه مهاجرت نمودند: زینب، فاطمه، رقیه و ام کلثوم و دو پسر که بزرگ‌ترین آن قاسم بود و کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله از اوست. او راه می‌رفت که فوت کرد. عبدالله که صغیر بود، در مکه درگذشت و به گفته زبیر، عبدالله را طیب و طاهر هم می‌گفتند. او سه اسم داشت. و بعد از نبوت به دنیا آمد. اما ابن اسحاق طیب و طاهر را دو پسر جدا نام برده است.

۳. ابن اثیر در *سد الغابه* نقل قول‌هایی را از ابن هشام، ابن شهاب زهری، قتاده، زبیر و علی بن عبدالعزیز جرجانی را آورده است. زهری از پسران، به قاسم و طاهر اشاره کرده و قتاده هم از پسران قاسم و عبدالله را نقل کرده که در کودکی مردند. زبیر و جرجانی هم قاسم و عبدالله را نام برده‌اند و عبدالله را طیب و طاهر، گفته‌اند و این درست‌تر است و دیگران خلط کرده‌اند. و به نقل از کلی، عبدالله در اسلام به دنیا آمد و همه فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از اسلام به دنیا آمدند. ابن اثیر شش فرزند را نام برده است.

1. کتاب ابن سعد، نُه جلد است جلد هشتم در مورد زنان صدر اسلام است. او فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام را «قاسم و عبدالله آورده که اسم او طاهر و طیب بود که در اسلام به دنیا آمدند. و دختران را زینب و رقیه، ام کلثوم و فاطمه» نام برده است: «فولدت قاسم و عبدالله، و هو طاهر و الطیب، سَمَّی بَذلك لِأَنَّهُ وُلِدَ فِی الْإِسْلَامِ»

2. ابي عمر يوسف بن عبد البر التّمري، القرطبي در جزء دوم كتاب خود، يك صفحه در مورد فرزندان پيامبر صلى الله عليه و آله از خديجه عليها السلام بحث مي كند، به نظر وي اجماع اكثر انساب نويسان بر اين است كه خديجه عليها السلام از پيامبر صلى الله عليه و آله چهار دختر داشته اند كه اسلام را درك كردند و به مدينه مهاجرت نمودند: زينب، فاطمه، رقيه و أم كلثوم و دو پسر كه بزرگ ترين آن قاسم بود و كنيه پيامبر صلى الله عليه و آله از اوست او راه مي رفت كه فوت كرد. عبدالله كه صغير بود، در مكه درگذشت و به گفته زبير عبدالله را طيب و طاهر هم مي گفتند. او سه اسم داشت و بعد از نبوت به دنيا آمد اما ابن اسحاق طيب و طاهر را دو پسر جدا نام برده است

3. ابن اثير در اسد الغابه نقل قول هايي را از ابن هشام، ابن شهاب زهري، قتاده، زبير و علي بن عبدالعزيز جرجاني را آورده است. زهري از پسران به قاسم و طاهر اشاره کرده و قتاده هم از پسران قاسم و عبدالله را نقل کرده که در کودکی .مردند زبير و جرجاني هم قاسم و عبدالله را نام برده اند و عبدالله را طيب و طاهر گفته اند و اين درست تر است و ديگران خلط کرده اند و به نقل از كلبی عبدالله در اسلام به دنيا آمد و همه فرزندان پيامبر صلى الله عليه و آله قبل از اسلام به دنيا آمدند ابن اثير شش فرزند را نام برده است

منابع ذکر شده در این قسمت بر اساس کتب انساب است که آمار و تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را در بر دارد و در قالب جدول ذیل و به ترتیب تاریخی تنظیم و چیش شده است:

جدول 3: فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب انساب

عکس

مقایسه و بررسی تاریخی و آماری فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام ۱۷۵

فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب انساب

منابع ذکر شده در این قسمت، بر اساس کتب انساب است که آمار و تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را در بر دارد و در قالب جدول ذیل و به ترتیب تاریخی تنظیم و چیش شده است:

جدول ۳: فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب انساب

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۱	انساب العرب	ابن حزم اندلسی ^۱	عربی	متوفی ۴۵۶ ق	سنی	۶	۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۱ م ص ۱۶ - ۱۷
۲	تهذیب الأنساب	العبیدلی ^۲	عربی	متوفی ۴۳۵ ق	شیعه	۶	۱۳۸۱ ق، ص ۳۱

۱. ابن حزم فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام را به ترتیب پسران قاسم و دیگری که در اسم او اختلاف است و گفته شده طاهر و یا طیب و یا عبدالله و از او امامه و علی متولد شد. علی در کودکی مرد و امامه بعد از درگذشت خواهرش فاطمه، با علی بن ابی طالب ازدواج کرد. رقیه دومین دختر با عثمان ازدواج کرد و عبدالله را برای او آورد و در شش روزگی مرد. و فرزندی از او باقی نماند. ام کلثوم سومین دختر که بعد از مرگ خواهرش رقیه، با عثمان بن عفان ازدواج کرد. فرزندی نداشت و در مدینه درگذشت و فاطمه با علی بن ابی طالب ازدواج کرد و برای او حسن و حسین و محسن را به دنیا آورد. محسن در کوچکی مرد و زینب و ام کلثوم و رقیه -رضی الله عنهم- که در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله فوت کردند و سه ماه و گفته شده شش ماه بعد از حضرت محمد صلی الله علیه و آله فاطمه وفات یافت و سنش از سی و پنج سالگی تجاوز نمی کرد و به روایتی بیست و پنج ساله بود.

۲. ابی الحسن محمد بن ابی جعفر شیخ الشرف العبیدلی در باب ذکر ولد رسول الله صلی الله علیه و آله چنین نوشته است: «قاسم و به کان یکنی، عبدالله طاهر الطیب، فاطمه تزوجها علی بن ابی طالب، زینب تزوجها، ابوالعاص بن الربیع فولدت له علیا و امامه، رقیه تزوجها عثمان بن عفان فولدت له عبدالله دراج، ام کلثوم تزوجها عثمان، مهم خدیجه بنت خویلد».

1. ابن حزم فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام را به ترتیب پسران قاسم و دیگری که در اسم او اختلاف است و گفته شده طاهر و یا طیب و یا عبد الله و از او امامه و علی متولد شد. علی در کودکی مرد و امامه بعد از درگذشت خواهرش، فاطمه با علی بن ابی طالب ازدواج کرد. رقیه دومین دختر با عثمان ازدواج کرد و عبدالله را برای او آورد و در شش روزگی مرد و فرزندی از او باقی نماند ام کلثوم سومین دختر که بعد از مرگ خواهرش رقیه، با عثمان بن عفان ازدواج کرد. فرزندی نداشت و در مدینه درگذشت و فاطمه با علی بن ابی طالب ازدواج کرد و برای او حسن و حسین و محسن را به دنیا آورد. محسن در کوچکی مرد و زینب و أم کلثوم و رقیه - رضی الله عنهم - که در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله فوت کردند و سه ماه و گفته شده شش ماه بعد از حضرت محمد صلی الله علیه و اله و فاطمه وفات یافت و سنش از سی و پنج سالگی تجاوز نمی کرد و به روایتی بیست و پنج ساله بود.

2. ابی الحسن محمد بن ابی جعفر شیخ الشرف العیبدلی در باب ذکر ولد رسول الله صلی الله علیه و آله چنین نوشته است: «قاسم و به کان یکنی، عبدالله طاهر الطیب، فاطمه تزوجها علی بن ابی طالب، زینب تزوجها، أبوالعاص بن الربیع فولدت له علیا و امامه رقیه تزوجها عثمان بن عفان فولدت له عبد الله، دراج، ام کلثوم تزوجها عثمان أمهم خدیجه بنت خویلد»

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
٣	المجدی	العمری ^١	عربی	متوفی ٤٦٦ ق	شیعه	٦	١٣٨٠ ش/١٤٢ ق، ص ١٨٧
٤	الفخری	المروزی الازورقانی ^٢	عربی	متوفی ٦١٤ ق	شیعه	٦	١٤٠٩ ق، ص ٨
٥	الانوار	الجزی الکلبی الغزنطی ^٣	عربی	متوفی ٧٥٨ ق	شیعه	٧	١٤٣١ ق/٢٠١٠ م ١٣٨٨ ش ص ٢٢
٦	تحفه الطالب	الحسینی السمرقندی المدنی ^٤	عربی	متوفی ٩٩٦ ق	شیعه	٦	١٤٣٢ ق/٢٠١١ م ١٣٨٩ ش ص ١٨

١. العمری نسابه چنین گزارش داده است: «قاسم و به یکنی صلوات الله علیه و آله، و طاهر، و الطیب هو عبدالله، و البنات: فاطمه الزهراء سیده نساء العالمین، رقیه، أم کلثوم، زینب».

٢. المرزوی الازورقانی چنین نوشته است: «و أما اولاده صلوات الله علیه: فهم قاسم، زینب، عبدالله الطیب طاهر، أم کلثوم آمنه، فاطمه الزهراء البتول، رقیه، أمهم خدیجه خویلد بن اسد ابن عبد العزی بن قصى و ابراهیم أمه ماریه القبطیه. و لم یعقب منهم العقب الباقی الی الیوم غیر فاطمه عليها السلام».

٣. الغزنطی چنین گزارش داده است: «و أولادها منه عليها السلام: قاسم، و الطیب، و طاهر عبدالله -رضی الله عنهم-، و من البنات: رقیه، و زینب، أم کلثوم، کلهم انقرضوا إلا السیده فاطمه عليها السلام و تزوج غیرها إحدى عشری».

٤. المدنی چنین نوشته است: «و أولاده عليها السلام: قاسم و به کان یکنی، و عبدالله و یقال له: الطیب، و طاهر، و قیل: الطیب غیر طاهر، و رقیه و زینب، و أم کلثوم، و فاطمه الزهراء و مات النبون قبل النبوه أطفالاً و البنات أدركن الاسلام و أسلمن و هاجرون و کل اولاده من خدیجه -رضی الله عنها- ولد و ابکته».

1. العمری نسابه چنین گزارش داده است: «قاسم و به یکنی صلوات الله علیه و آله، و طاهر، و الطیب هو عبد الله و البنات: فاطمه الزهراء سیده نساء العالمین، رقیه، أم کلثوم، زینب».

2. المرزوی الازورقانی چنین نوشته است: «و أما اولاده صلوات الله علیه: فهم قاسم، زینب، عبدالله الطیب طاهر، أم کلثوم، آمنه فاطمه الزهراء البتول، رقیه، أمهم خدیجه خویلد بن اسد ابن عبد العزی بن قصى و ابراهیم أمه ماریه القبطیه و لم یعقب منهم العقب الباقی الی الیوم غیر فاطمه علیها السلام».

3. الغرناطي چنين گزارش داده است: «و أولادها منه صلى الله عليه و اله: قاسم، و الطيب، و طاهر عبدالله - رضی الله عنهم، و من البنات: رقيه و زينب أم كلثوم كلهم انقضوا إلا السيدة فاطمه عليها السلام و تزوج غيرها إحدى عشری».

4. المدنی چنين نوشته است: «و أولاده صلى الله عليه و اله: قاسم و به كان يكتنى و عبد الله و يقال له: الطيب، و طاهر، و قيل: الطيب غير طاهر، و رقيه و زينب، و أم كلثوم، و فاطمه الزهرا و مات النبون قبل النبوه أطفالاً و النبات أدركن الاسلام و أسلمن و هاجرون و كل اولاده من خديجه - رضي الله عنها - ولد و ابمكه».

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۷	المعقبون من آل ابی طالب	الرجائی الموسوی ^۱	عربی	معاصر	شیعه	۷	۱۴۲۷ ق/ ۱۳۸۵ ش ج ۱، ص ۳۴

فراوانی و نام منابع مورد استناد در سایر منابع

منابع ذکر شده در این قسمت، بر اساس کتب تاریخی، حدیثی و غیره است که آمار و تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را در بردارد و در قالب جدول ذیل و به ترتیب تاریخی تنظیم و چینش شده است:

جدول ۴: فراوانی و نام منابع مورد استناد در سایر منابع

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۱	تاریخ یعقوبی	یعقوبی ^۱	فارسی	متوفی ۲۹۲ ق	شیعه	۶	۱۳۷۱ ش ج ۱، ص ۳۷۵

۱. «كان الرسول الله صلى الله عليه وآله عده بنين و بنات، أما البنون، فهم: ۱- قاسم و به کان یکنی. ۲. و عبدالله هو الطیب و طاهرو آنهام خدیجه بنت خویلد و أما البنات، فهن: فاطمه تزوجها ابن عتها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و زینب تزوجها ابوالعاص بن الربیع، فولدت له علیاً و أمامه و رقیه، تزوجها عثمان بن عفان فولدت له عبد الله درج، و أم کلثوم تزوجها عثمان و آنهام خدیجه بنت خویلد».

۲. زبان اصلی کتاب عربی است، مترجم آن دکتر محمدابراهیم آیتی است. در این کتاب از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام، قاسم، رقیه، زینب، و ام کلثوم پیش از بعثت و عبدالله که طیب و طاهر هم سواست در اسلام ولادت یافته و فاطمه پس از بعثت متولد شدند.

فراوانی و نام منابع مورد استناد در سایر منابع

منابع ذکر شده در این قسمت بر اساس کتب تاریخی، حدیثی و غیره است که آمار و تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را در بردارد و در قالب جدول ذیل و به ترتیب تاریخی تنظیم و چینش شده است:

جدول 4: فراوانی و نام منابع مورد استناد در سایر منابع

1. «كان الرسول الله صلى الله عليه وسلم عده بنين و بنات، أما البنون، فهم: 1- قاسم و به كان يكنى. 2. و عبدالله هو الطيب 3. و طاهرو أمهم خديجه بنت خويلد و أمّ البنات، فهن: فاطمه تزوجها ابن عمها اميرالمؤمنين علي بن ابي طالب عليها السلام و زينب تزوجها أبوالعاص بن الربيع، فولدت له علياً و أمّاه و رقيه، تزوجها عثمان بن عفّان فولدت له عبد الله درج ، و أمّ كلثوم تزوجها عثمان و أمّهنّ خديجه بنت خويلد».

2. زبان اصلی کتاب عربی، است مترجم آن دکتر محمد ابراهیم آیتی است در این کتاب از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام، قاسم رقيه زينب و ام كلثوم پیش از بعثت و عبدالله که طیب و طاهر هم سو است در اسلام ولادت یافته و فاطمه پس از بعثت متولد شدند

ص: 177

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۲	تاریخ طبری	محمد بن جریر طبری ^۱	فارسی	۳۱۰ ق	سنی	۷	۱۳۶۲ ش ج ۳، ص ۸۳۴-۸۳۳
۳	خصال	شیخ صدوق ^۲	فارسی	قرن چهارم	شیعه	۶	بی تا، ص ۳۰۸
۴	دلایل النبوه	بیهقی ^۳	عربی	قرن چهارم	سنی	۶	۱۴۲۳ ق/ ۲۰۰۲ م، ج ۲، ص ۷۰
۵	مجممل التواریخ	نامعلوم ^۴	فارسی	۵۲۰ ق	سنی	۸	۱۳۰۹ ش/ ۱۳۴۹ ق، ۲۶۱-۲۶۲

۱. تاریخ طبری: زبان اصلی کتاب عربی است. در این کتاب آمده: «به جز ابراهیم دیگر فرزندان پیغمبر، زینب، رقیه، ام کلثوم، فاطمه، قاسم و طیب و طاهر از خدیجه بودند و کنیه از قاسم گرفت و او را ابوقاسم گفتند. همه پسران پیغمبر در جاهلیت بمردند و دختران به دوران اسلام رسیدند و مسلمان بودند و با پیغمبر هجرت کردند».

۲. شیخ صدوق در کتاب خود فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام را شش تن می داند: ۱. قاسم، ۲. عبدالله ملقب به طاهر، ۳. ام کلثوم، ۴. رقیه، ۵. زینب، ۶. فاطمه مادر ایشان خدیجه دختر خویلد بود. ۳. از ابن عباس گفته که حضرت خدیجه علیها السلام دو پسر و چهار دختر به دنیا آورد «قاسم، عبدالله، فاطمه، ام کلثوم، زینب، و رقیه»، بیهقی در *دلائل النبوه* نقل قول های متعددی در این زمینه آورده است. ۴. در *مجممل التواریخ* می نویسد: «از خدیجه هشت فرزند، چهار پسر قاسم، طاهر، طیب و عبدالله و چهار دختر زینب، رقیه، ام کلثوم و فاطمه».

۱. تاریخ طبری: زبان اصلی کتاب عربی است. در این کتاب آمده: «به جز ابراهیم دیگر فرزندان پیغمبر، زینب، رقیه، ام کلثوم، فاطمه، قاسم و طیب و طاهر از خدیجه بودند و کنیه از قاسم گرفت و او را ابوقاسم گفتند همه پسران پیغمبر در جاهلیت بمردند و دختران به دوران اسلام رسیدند و مسلمان بودند و با پیغمبر هجرت کردند».

۲. شیخ صدوق در کتاب خود فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و از خدیجه علیها السلام را شش تن می داند: ۱. قاسم، ۲. عبدالله ملقب به طاهر، ۳. ام کلثوم، ۴. رقیه، ۵. زینب، ۶. فاطمه مادر ایشان خدیجه دختر خویلد بود».

3. از ابن عباس گفته که حضرت خدیجه علیها السلام دو پسر و چهار دختر به دنیا آورد «قاسم، عبدالله، فاطمه ام کلثوم، زینب و رقیه»، بیهقی در دلائل النبوه نقل قول های متعددی در این زمینه آورده است.

4. در مجمل التواریخ می نویسد: «از خدیجه هشت فرزند چهار پسر قاسم، طاهر، طیب و عبدالله و چهار دختر زینب، رقیه ام کلثوم و فاطمه».

ص: 178

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۶	المناقب	ابن شهر آشوب ^۱	عربی	۵۸۸ ق	شیعه	۷	۱۴۲۱ ق/ ۱۳۷۹ ش، ج ۱، ص ۲۰۹
۷	تاریخ الائمه	ابن خشاب ^۲	عربی	متوفی ۵۶۷ ق	شیعه	۸	۲۰۱۱ م/ ۱۳۸۹ ش، ص ۷۲-۷۶
۸	صفوه الصفوه	ابن جوزی ^۳	عربی	متوفی ۵۹۷ ق	شافعی	۶	ج ۱، ص ۷۶

۱. المناقب چنین نقل می‌کند: «قاسم، عبدالله و هما: طاهرو الطیب، أربع بنات: زینب، رقیه، ام کلثوم و هی آمنه، فاطمه و هی أم ایها».

۲. ابن خشاب می‌نویسد: «ولد له من خدیجه ابنته قاسم و عبدالله و طاهرو الطیب و زینب و أم کلثوم و رقیه و فاطمه».

۳. ابن جوزی در صفوه الصفوه از عروه و ابوبکر برخی نقل می‌کند: از دختران فاطمه، که پنج سال قبل از بعثت بدنیا آمد، زینب با ابوالعاص بن الربیع ازدواج کرد، رقیه با عثمان بن عفان و ام کلثوم بعد از مرگ رقیه با عثمان بن عفان ازدواج کرد از پسران، قاسم، اولین فرزند پیامبر بود که در دو سالگی مرد. عبدالله (هو طاهرو الطیب) که در اسلام به دنیا آمد. ابن جوزی از عروه نقل می‌کند که خدیجه قاسم، طاهرو عبدالله و مطیب را به دنیا آورد و الی آخر».

۱. المناقب چنین نقل می‌کند: «قاسم عبدالله و هما: طاهرو الطیب أربع بنات: زینب، رقیه، ام کلثوم و هی آمنه فاطمه و هی أم ایها».
۲. ابن خشاب می‌نویسد: ولد له من خدیجه ابنته قاسم و عبدالله و طاهرو الطیب و زینب و أم کلثوم و رقیه و فاطمه».
۳. ابن جوزی در صفوه الصفوه از عروه و ابوبکر برخی نقل می‌کند: از دختران فاطمه، که پنج سال قبل از بعثت بدنیا آمد، زینب با ابوالعاص بن الربیع ازدواج کرد، رقیه با عثمان بن عفان و ام کلثوم بعد از مرگ رقیه با عثمان بن عفان ازدواج کرد از پسران، قاسم اولین

فرزند پیامبر بود که در دو سالگی مرد. عبدالله (هو طاهر و الطیب) که در اسلام به دنیا آمد. ابن جوزی از عروه نقل می کند که خدیجه قاسم، طاهر و عبدالله و مطیب را به دنیا آورد و الی آخر».

ص: 179

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۹	شرح حال و فضائل خاندان نبوت <small>علیهم السلام</small>	ابن جوزی ^۱	فارسی	متوفی ق ۶۵۴	شافعی	۸	۱۳۷۹ ش، ص ۴۰۲
۱۰	تاریخ گزیده	مستوفی ^۲	فارسی	ق ۷۳۰	سنی	۷	۱۳۸۱ ش، ص ۱۵۹
۱۱	کاشف الغمه فی تاریخ الائمه <small>علیهم السلام</small>	میرزا محمد بن محمد رضا القمی ^۳	عربی	متوفی ۱۱۲۵ هجری	شیعه	۷	۱۴۱۹ ق ص ۲۷-۲۸

۱. یوسف بن قزاوغلی در تذکره خواص خود به نقل از ابن اسحاق چنین نوشته است: «پیامبر (از خدیجه) پسرانی داشت به نام‌های: قاسم که کنیه حضرت به نام وی بود و در مکه پیش از بعثت در دوسالگی از دنیا رفت، عبدالله و طیب که پیش از بعثت و به قولی یک سال پس از آن از دنیا رفتند و طاهر که پس از ظهور اسلام به دنیا آمد و از این رو او را طاهر گفتند و پس از بعثت نیز از دنیا رفت. بعضی گفته‌اند: طیب و طاهر دو لقبند. ولی قول اول صحیح‌تر است. و از قول ابن سعد آورده که دختران زینب، رقیه، ام‌کلثوم و فاطمه علیهم السلام بودند».

۲. «پیغمبر سه پسر آوردند: قاسم و طیب و طاهر و هو عبدالله. قاسم و طاهر پیش از وحی متولد شدند و چهار دختر زینب و رقیه و ام‌کلثوم و فاطمه در زمان وحی متولد شد».

۳. مشهدی (قی) چنین آورده: «أولاد علیهم السلام: قاسم، زینب، و رقیه قبل المبعث، و الطیب، و طاهر و مطهر و فاطمه بعد المبعث، و الكل من خدیجه».

۱. یوسف بن قزاوغلی در تذکره خواص خود به نقل از ابن اسحاق چنین نوشته است: «پیامبر (از خدیجه) پسرانی داشت به نام‌های قاسم که کنیه حضرت به نام وی بود و در مکه پیش از بعثت در دو سالگی از دنیا رفت عبدالله و طیب که پیش از بعثت و به قولی یک سال پس از آن از دنیا رفتند و طاهر که پس از ظهور اسلام به دنیا آمد و از این رو او را طاهر گفتند و پس از بعثت نیز از دنیا رفت. بعضی گفته‌اند: طیب و طاهر دو لقبند. ولی قول اول صحیح‌تر است و از قول ابن سعد آورده که دختران زینب رقیه ام‌کلثوم و فاطمه علیه السلام بودند».

۲. «پیغمبر سه پسر آوردند: قاسم و طیب و طاهر و هو عبدالله. قاسم و طاهر پیش از وحی متولد شدند و چهار دختر زینب و رقیه و ام

كلثوم و فاطمه در زمان وحی متولد شد».

3. مشهدی (قمی) چنین آورده: «أولاد صلی الله علیه و آله: قاسم، زینب و رقیه قبل المبعث، و الطیب، و طاهر و مطهر و فاطمه بعد المبعث، و الكل من خدیجه»

ص: 180

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۱۲	زندگی دوازده امام <small>علیهم السلام</small>	حسنی ^۱	فارسی	۱۹۱۹ م	شیعه	۶	۱۳۸۹ ش، ج ۱، ص ۵۷
۱۳	اعیان الشیعه	السید محسن الامین ^۲	عربی	معاصر	شیعه	۹	۱۴۲۰ هـ/ ۲۰۰۰ م ج ۱۵
۱۴	تاریخ پیامبر اسلام <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	محمد ابراهیم آیتی ^۳	فارسی	معاصر	شیعه	۶	۱۳۶۹ ش، ص ۷۶-۷۷

۱. اصل کتاب عربی اثر هاشم معروف الحسنی است. ایشان چنین نقل می‌کند: «بانو خدیجه برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دو فرزند پسر به دنیا آورد: یکی قاسم که کنیه اش از وی گرفته شده بود و دیگری عبدالله ملقب به «طاهر» و «طیب» و گفته شده که طاهر و طیب دو فرزند خدیجه بوده‌اند که در کودکی فوت کرده‌اند. که میان مورخان و محدثان شهرت دارد. همان‌گونه که گفتیم، جز قاسم و عبدالله، پسری نداشته و قاسم تنها حدود دو سال و به روایتی دیگر بیش از دو سال زندگی کرد. در مورد فرزندان دختر آن چه میان مورخان شهرت دارد چهار تن بودند: زینب، رقیه، ام‌کلثوم و حضرت زهرا».

۲. علامه محسن امین در کتاب خود نظرات ابن عبدالبردر استیعاب، کلی و ابن عساکر را نقل کرده می‌گوید: «فتحصل من ذلك أقوال خمسة: ۱. إنه لم يولد لها من النبي صلی الله علیه و آله و سلم ذكراً إلا قاسم. ۲. إنها ولدت له قاسم و طاهر. ۳. إنها ولدت قاسم و عبدالله و الثاني يلقب بالطيب و طاهر. ۴. إنها ولدت قاسم و الطيب و طاهر. ۵. إنها ولدت عبدالله ثم زینب فرقیه فقاسم فطاهر فالمطهر فالطيب فالمطيب و لا یبعد كون الطيب و المطيب و طاهر و المطهر ألقاباً فظن البعض أنهما أسماء فعداها من الأسماء».

۳. «مرحوم آیتی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سه پسر و چهار دختر نام برده که عبارتند از: قاسم، زینب، رقیه، ام‌کلثوم، فاطمه و عبدالله که پس از بعثت و در مکه متولد شد و طاهر لقب داشت و نام مادر آنان خدیجه علیها السلام است و ابراهیم که مادرش ماریه بود.»

۱. اصل کتاب عربی اثر هاشم معروف الحسنی است. ایشان چنین نقل می‌کند: «بانو خدیجه برای پیامبر صلی الله علیه و آله دو فرزند پسر به دنیا آورد: یکی قاسم که کنیه اش از وی گرفته شده بود و دیگری عبدالله ملقب به «طاهر» و «طیب» و گفته شده که طاهر و طیب دو فرزند خدیجه بوده‌اند که در کودکی فوت کرده‌اند. که میان مورخان و محدثان شهرت دارد همان‌گونه که گفتیم جز قاسم و عبدالله پسری نداشته و قاسم تنها حدود دو سال و به روایتی دیگر بیش از دو سال زندگی کرد. در مورد فرزندان دختر آن چه میان مورخان شهرت دارد چهار تن بودند: زینب، رقیه، ام‌کلثوم و حضرت زهرا».

2. علامه محسن امین در کتاب خود نظرات ابن عبدالبر در استیعاب، کلبی و ابن عساکر را نقل کرده می گوید: «فتحصل من ذلك أقوال خمسة: 1. إنه لم يولد لها من النبي صلى الله عليه و اله ذكر ألقاسم . 2. إنها ولدت له قاسم و طاهر 3. إنها ولدت قاسم و عبد الله و الثاني يلتقب بالطيب و طاهر 4. إنها ولدت قاسم و الطيب و طاهر 5. إنها ولدت عبد الله ثم زينب فرقيه فقاسم فطاهر فالمطهر فالطيب فالطيب و لا يبعد كون الطيب و المطيب و طاهر و المطهر ألقاباً فظن البعض أنهما أسماء فعدهما من الأسماء».

3. «مرحوم آیتی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله سه پسر و چهار دختر نام برده که عبارتند از: قاسم، زینب، رقیه، ام کلثوم، فاطمه و عبدالله که پس از بعثت و در مکه متولد شد و طاهر لقب داشت و نام مادر آنان خدیجه علیها السلام است و ابراهیم که مادرش ماریه بود».

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۱۵	فروع ابدیت	جعفر سبحانی ^۱	فارسی	معاصر	شیعه	۶	۱۳۵۱ ش، ج ۱، ص ۱۶۷
۱۶	درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام	سید هاشم رسولی محلاتی ^۲	فارسی	معاصر	شیعه	۶	۱۳۷۱، ج ۲، ص ۵۳-۵۴

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب سیره

در این مبحث، تمام نام‌های فرزندان ذکر شده در کتب سیره به ترتیب از بزرگ، پسران و بعد دختران مرتب و فراوانی هر فرزند در کتب سیره نیز بررسی شده است. در پایان نیز به تحلیل و بررسی این موارد پرداخته‌ایم:

۱. آقای سبحانی هم شش فرزند برای حضرت خدیجه علیها السلام نام برده: دو تا پسر که بزرگ‌تر آن‌ها قاسم و سپس عبدالله که به آن‌ها طاهرو طیب می‌گفتند و چهار تای آنان دختر بودند.
 ۲. آقای رسولی محلاتی شش تن یعنی دو پسر و چهار دختر اسم برده به نام‌های قاسم، زینب، رقیه، ام‌کلثوم، فاطمه علیها السلام و عبدالله که طیب و طاهر لقب داشت.»

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب سیره

در این مبحث تمام نام‌های فرزندان ذکر شده در کتب سیره به ترتیب از بزرگ پسران و بعد دختران مرتب و فراوانی هر فرزند در کتب سیره نیز بررسی شده است در پایان نیز به تحلیل و بررسی این موارد پرداخته‌ایم:

۱. آقای سبحانی هم شش فرزند برای حضرت خدیجه علیها السلام نام برده: دو تا پسر که بزرگ‌تر آن‌ها قاسم و سپس عبدالله که به آن‌ها

طاهر و طیب می گفتند و چهار تایی آنان دختر بودند».

2. آقای رسولی محلاتی شش تن یعنی دو پسر و چهار دختر اسم برده به نام های قاسم، زینب، رقیه ام کلثوم، فاطمه علیها السلام و عبدالله که طیب و طاهر لقب داشت».

ص: 182

جدول ۵: تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در منابع سیره

ردیف	فرزندان	السیره النبویه ابن هشام	سیرت رسول الله	خلاصه سیرت رسول الله	السیره النبویه ابن کثیر	السیره الحلیئیه
۱	قاسم	*	*	*	*	*
۲	عبدالله					
۳	طاهر	*	*	*	*	
۴	طیب	*	*	*	*	
۵	زینب	*	*	*	*	
۶	رقیه	*	*	*	*	
۷	ام کلثوم	*	*	*	*	
۸	فاطمه	*	*	*	*	*

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب طبقات

در این مبحث، تمام نام‌های فرزندان ذکر شده در کتب طبقات به ترتیب از بزرگ، پسران و بعد دختران مرتب و فراوانی هر فرزند در کتب طبقات نیز بررسی شده است. در پایان نیز به تحلیل و بررسی این موارد پرداخته ایم:

جدول ۶: تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب طبقات

ردیف	فرزندان	الطبقات الکبری	الاستیعاب	اسد الغابه
۱	قاسم	*	*	*
۲	طاهر			

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب طبقات

در این مبحث تمام نام‌های فرزندان ذکر شده در کتب طبقات به ترتیب از بزرگ پسران و بعد دختران مرتب و فراوانی هر فرزند در کتب طبقات نیز بررسی شده است در پایان نیز به تحلیل و بررسی این موارد پرداخته ایم:

جدول 6: تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب طبقات

ص: 183

ردیف	فرزندان	الطبقات الكبرى	الاستیعاب	اسدالغابه
۳	طیب			
۴	عبدالله	*	*	*
۵	زینب	*	*	*
۶	رقیه	*	*	*
۷	ام کلثوم	*	*	*
۸	فاطمه	*	*	*

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب انساب

در این مبحث، تمام نام‌های فرزندان ذکر شده در کتب انساب به ترتیب از بزرگ، پسران و بعد دختران مرتب و فراوانی هر فرزند در کتب انساب نیز بررسی شده است. در پایان نیز به تحلیل و بررسی این موارد پرداخته ایم:

جدول ۷: تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در منابع انساب

ردیف	فرزندان	جمهوره الانساب	تهذیب الانساب	المجدی	الفخری	الانوار	تحفه الطالب	المعقبون من آل ابی طالب
۱	قاسم	*	*	*	*	*	*	*
۲	طاهر							*
۳	طیب					*		
۴	عبدالله	*	*	*	*	*	*	*
۵	زینب	*	*	*	*	*	*	*

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب انساب

در این مبحث تمام نام‌های فرزندان ذکر شده در کتب انساب به ترتیب از بزرگ پسران و بعد دختران مرتب و فراوانی هر فرزند در کتب انساب نیز بررسی شده است در پایان نیز به تحلیل و بررسی این موارد پرداخته ایم:

جدول ۷: تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در منابع انساب

ردیف	فرزندان	جمهوره الانساب	تهذیب الانساب	المجدی	الفخری	الانوار	تحفه الطالب	المعقبون من آل ابی طالب
۶	رقیه	*	*	*	*	*	*	*
۷	ام کلثوم	*	*	*	*	*	*	*
۸	فاطمه	*	*	*	*	*	*	*

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در سایر منابع

در این مبحث، تمام نام‌های فرزندان ذکر شده در سایر منابع به ترتیب از بزرگ، پسران و بعد دختران مرتب و فراوانی هر فرزند در سایر منابع نیز بررسی شده است. در پایان نیز به تحلیل و بررسی این موارد پرداخته ایم:

جدول ۸: تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در سایر منابع

	فرزندان	یعقوبی	طبری	خصال	دلائل النبوه	مجمعل	المناقب	تاریخ الائمه	صفوه الصفوه	شرح خال و فضائل	تاریخ گزیده	کاشف الغمه	زندگانی دوازده امام	اعیان الشیعه
۱	قاسم	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲	عبدالله	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۳	ظاهر	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۴	طیب	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۵	زینب	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۶	رقیه	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در سایر منابع

در این مبحث تمام نام‌های فرزندان ذکر شده در سایر منابع به ترتیب از بزرگ پسران و بعد دختران مرتب و فراوانی هر فرزند در سایر منابع نیز بررسی شده است. در پایان نیز به تحلیل و بررسی این موارد پرداخته ایم:

جدول ۸: تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در سایر منابع

اعیان الشیعه	زندگانی دوازده امام	کاشف الغمه	تاریخ گزیده	شرح خال و فضائل	صفوه الصفوه	تاریخ الاثمه	المناقب	مجمل	دلائل النبوه	خصال	طبری	یعقوبی	فرزندان	
*	*		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	ام کلثوم	۷
*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	فاطمه	۸
*		*											مظهر	۹
*													مطیب	۱۰

ردیف	فرزندان	تاریخ پیامبر اسلام <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	فروع ابدیت
۱	قاسم	*	*
۲	ظاهر		
۳	طیب		
۴	عبدالله	*	*
۵	زینب	*	*
۶	رقیه	*	*
۷	ام کلثوم	*	*
۸	فاطمه	*	*

بررسی قدیم ترین کتب سیره مورد استناد در فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام

در میان منابع موجود سیره، السیره النبویه ابن اسحاق نخستین و قدیم ترین سیره ای است که نام فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در آن ذکر شده است که اکنون موجود نیست؛ ولی السیره النبویه ابن هشام (متوفی 218 ق) برگرفته از السیره النبویه ابن اسحاق است و پس از آن سیره های دیگری وجود دارد که نام فرزندان ایشان را آورده اند. پنج سیره ای که بررسی گردیده در مجموع هفت تن از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را نام برده اند. در تمام سیره ها از سیره ابن اسحاق گرفته تا السیره النبویه حلبی (از سیره نویسان قرن یازدهم هجری)، به ترتیب نام های فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را این گونه گزارش داده اند:

القاسم، طیب، طاهر، زینب، رقیه، ام کلثوم و فاطمه. پس معلوم می شود که سیره ها در نقل اسامی فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام اختلافی ندارند و یک خبر واحد را گزارش داده اند اما فقط ابن کثیر علاوه بر نقل نظر ابن اسحاق و ابن هشام، دو نقل قول آورده یکی از مصعب بن عبدالله الزبیری مبنی بر دو پسر، قاسم و عبدالله و قول دوم از زبیر بن بکّار که می گوید عبدالله همان طیب و طاهر است؛ اما سیره نویسان در گزارش خود نامی از عبدالله نبرده اند که در عصر بعثت متولد شده است.

بررسی قدیم ترین کتب طبقات مورد استناد در فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام

در میان سه کتاب طبقاتی که از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام نام برده اند، آمار و نام فرزندان ثابت و تعداد آن ها شش نفر است و نام های شان عبارتند از: «قاسم و عبدالله که اسم او طاهر و طیب، بوده چون در اسلام به دنیا آمده است. از دختران زینب، رقیه، ام کلثوم و حضرت فاطمه علیها السلام». ابن عبد آلبر نقل قول های متعددی آورده از جمله نقل زبیر که عبدالله همان طیب و طاهر است. ابن اثیر هم همین قول را از جرجانی آورده و صحیح می داند. در واقع طبقات ابن سعد منشأ خبر اسد الغابه و استیعاب است که هر سه حرف واحدی دارند. در کتاب های

طبقات، تعداد فرزندان شش نفر و نام عبدالله آمده، ولی در سیره ها نام هفت فرزند، و طیب و طاهر آمده و نام عبدالله نیامده است.

بررسی قدیم ترین کتب انساب مورد استناد در فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام ای در میان هفت کتاب مورد استناد انساب در این پژوهش که از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام نام برده اند آمار فرزندان و حتی نام شان ثابت و تعداد آن ها شش نفر است که عبارتند از: «قاسم عبدالله زینب، رقیه، ام کلثوم و فاطمه علیها السلام». به جز علامه جلیل القدر سید مهدی رجایی موسوی از عالمان علم انساب معاصر در کتاب المعقبون من آل ابی طالب به «الطاهر» اشاره کرده و غرناطی از علمای علم انساب قرن هشتم هجری در کتاب الانوار، «الطیب» را در شمار فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام آورده و تعداد فرزندان را هفت تن نام برده اند.

بررسی قدیم ترین کتب مورد استناد در سایر منابع از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام

اشاره

در میان شانزده کتاب مورد استناد در این مبحث، از منابع و مأخذی که از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام نام برده اند آمار فرزندان و حتی نام پسران متغیر است، ولی در نام دختران اختلافی نیست تاریخ یعقوبی از قدیم ترین کتب است که به شش فرزند به نام های، قاسم رقیه زینب، ام کلثوم و عبدالله که همان طیب و طاهر است و حضرت فاطمه علیها السلام اشاره می کند. شیخ صدوق، بیهقی، ابن جوزی هاشم معروف، الحسنی، دکتر آیتی، آیت الله سبحانی و آقای رسولی محلاتی از این دسته اند.

دسته دوم متاریخ نگاران و نویسندگانی هستند که از هفت تا هشت تن از فرزندان یاد کرده اند، که سه تا چهار تن از آنان پسرند. نام پسران عبارتند از:، قاسم طاهر، طیب و عبدالله که نویسنده مجمل التواریخ ابن خشاب، ابن جوزی در شرح حال و فضائل خاندان نبوت علیه السلام و نویسنده تاریخ گزیده از این دسته اند.

دسته سوم تاریخ نگارانی چون طبری هستند که از عبدالله نام نبرده اند،

بلکه به قاسم و طیب و طاهر اشاره کرده اند. سید محسن امین نه تن از فرزندان را آورده و از پسران به، قاسم طاهر عبدالله طیب و مطهر اشاره کرده است. مشهدی قمی از پسران، قاسم طیب و طاهر و مطهر را نام می برد. همگونی در دسته اول نسبت به دسته دوم و سوم. بهتر است

ارتباط درون گروهی نمودارها

منابع مورد بررسی در این بخش به چهار دسته تقسیم شدند:

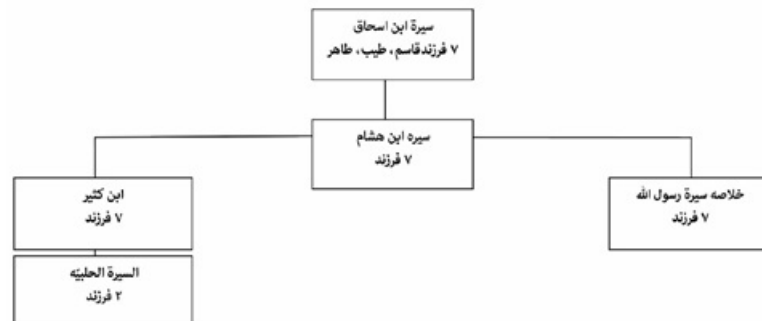
1. کتب سیره نمودار (1) فرزندان مشترک و سرشاخه اصلی آن در صفحه ذیل ترسیم شده است.

عکس

بلکه به قاسم و طیب و طاهر اشاره کرده‌اند. سید محسن امین نه تن از فرزندان را آورده و از پسران به قاسم، طاهر، عبدالله، طیب و مطهر اشاره کرده است. مشهدی قمی از پسران، قاسم، طیب و طاهر و مطهر را نام می‌برد. همگونی در دسته اول نسبت به دسته دوم و سوم بهتراست.

ارتباط درون‌گروهی نمودارها

منابع مورد بررسی در این بخش به چهار دسته تقسیم شدند:
 ۱. کتب سیره: نمودار (۱) فرزندان مشترک و سرشاخه اصلی آن در صفحه ذیل ترسیم شده است.



۲. کتب طبقات: نمودار (۲) فرزندان مشترک و سرشاخه اصلی آن در صفحه ذیل ترسیم شده است:



۲. کتب طبقات: نمودار (۲) فرزندان مشترک و سرشاخه اصلی آن در صفحه ذیل ترسیم شده است:

3. کتب انساب: نمودار (3) فرزندان مشترک و سرشاخه اصلی آن در صفحه ذیل ترسیم شده است:

۱۹۰ مجموعه مقالات همایش صدف کوثر، حضرت خدیجه علیها السلام / جلد اول

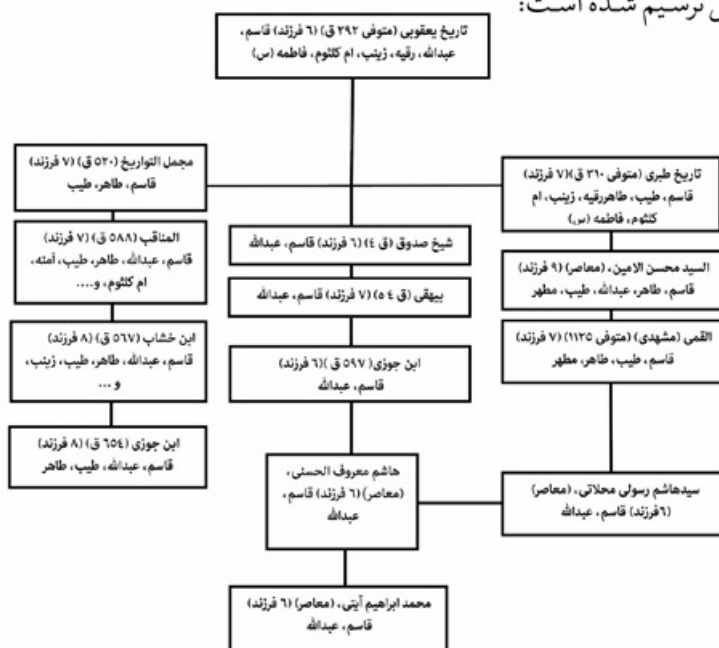
۳. کتب انساب: نمودار (۳) فرزندان مشترک و سرشاخه اصلی آن در صفحه

ذیل ترسیم شده است:



۴. سایر منابع: نمودار (۴) فرزندان مشترک و سرشاخه اصلی آن در صفحه

ذیل ترسیم شده است:



4. سایر منابع: نمودار (4) فرزندان مشترک و سر شاخه اصلی آن در صفحه ذیل ترسیم شده است:

جدول (9) فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام و فراوانی هر فرزند بر اساس کتب سیره

در این مبحث همه فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام به ترتیب نام های پسران و دختران مرتب شده و فراوانی هر فرزند بر اساس کتب سیره تنظیم و چینش شده است:

عکس

مقایسه و بررسی تاریخی و آماری فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام ۱۹۱

جدول (۹) فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام و فراوانی هر فرزند بر اساس کتب سیره
در این مبحث، همه فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام به ترتیب نام های پسران و دختران مرتب شده و فراوانی هر فرزند بر اساس کتب سیره تنظیم و چینش شده است:

ردیف	نام فرزندان	میزان فراوانی در سیره
۱	طاهر	۴
۲	طیب	۴
۳	عبدالله	--
۴	قاسم	۵
۵	ام کلثوم	۴
۶	رقیه	۴
۷	زینب	۴
۸	فاطمه	۵

جدول (۱۰): فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام و فراوانی هر فرزند بر اساس کتب طبقات
در این مبحث، همه فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام به ترتیب نام های پسران و دختران مرتب گردیده و فراوانی هر فرزند بر اساس کتب طبقات تنظیم و چینش شده است:

ردیف	نام فرزندان	میزان فراوانی در کتب طبقات
۱	طاهر	همان عبدالله است
۲	طیب	همان عبدالله است

جدول (10): فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام و فراوانی هر فرزند بر اساس کتب طبقات

در این مبحث ، همه فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام به ترتیب نام های پسران و نام های دختران مرتب گردیده و فراوانی هر فرزند بر اساس کتب طبقات تنظیم و چیش شده است:

ص: 191

ردیف	نام فرزندان	میزان فراوانی در کتب طبقات
۳	عبدالله	۳
۴	قاسم	۳
۵	ام‌کلثوم (دختران)	۳
۶	رقیه	۳
۷	زینب	۳
۸	فاطمه	۳

جدول (۱۱): فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام و فراوانی هر فرزند براساس کتب انساب در این مبحث، همه فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام به ترتیب نام‌های پسران و دختران مرتب گردیده و فراوانی هر فرزند براساس کتب انساب تنظیم و چینش شده است:

ردیف	نام فرزندان	میزان فراوانی در کتب انساب
۱	طاهر	شش مرتبه آمده که همان عبدالله است و یک مرتبه به عنوان نام به کار برده شده است.
۲	طیب	شش مرتبه آمده که همان عبدالله است. یک مرتبه به عنوان نام آمده است.
۳	عبدالله	۷
۴	عبدالعزی	۱ مرتبه، همان عبدالله است.
۵	قاسم	۷

جدول (۱۱): فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام و فراوانی هر فرزند بر اساس کتب انساب

در این مبحث همه فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام به ترتیب نام‌های پسران و دختران مرتب گردیده و فراوانی هر فرزند بر اساس کتب انساب تنظیم و چینش شده است:

مقایسه و بررسی تاریخی و آماری فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام ۱۹۳

ردیف	نام فرزندان	میزان فراوانی در کتب انساب
۶	ام‌کلثوم (دختران)	۷
۷	رقیه	۷
۸	زینب	۷
۹	فاطمه	۷

جدول (۱۲): فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام و فراوانی هر فرزند بر اساس سایر منابع در این قسمت، همه نام‌های حضرت خدیجه علیها السلام به ترتیب نام‌های پسران و دختران مرتب شده و فراوانی هر فرزند در تمامی منابع مذکور آمده است:

ردیف	نام فرزندان	میزان فراوانی در سایر کتب
۱	قاسم	۱۴
۲	عبدالله	۱۲
۳	ظاهر	۷
۴	طیب	۸
۵	مظهر	۲
۶	مطیب	۱
۷	رقیه	۱۵
۸	زینب	۱۵
۹	ام‌کلثوم	۱۵
۱۰	فاطمه	۱۵

جدول (۱۲): فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام و فراوانی هر فرزند بر اساس سایر منابع

در این قسمت همه نام‌های حضرت خدیجه علیها السلام به ترتیب نام‌های پسران و دختران مرتب شده و فراوانی هر فرزند در تمامی منابع مذکور آمده است:

جدول (13): مقایسه فراوانی فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام بر اساس منابع مورد استناد در این پژوهش

در این قسمت میزان فراوانی القاب امام نهم در منابع انساب را با میزان فراوانی القاب امام نهم در سایر کتب با هم مقایسه می‌کنیم و به میزان اختلاف وارده در دو دسته می‌پردازیم.

جدول مقایسه فراوانی

عکس

جدول (۱۳): مقایسه فراوانی فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام بر اساس منابع مورد استناد در این پژوهش در این قسمت، میزان فراوانی القاب امام نهم در منابع انساب را با میزان فراوانی القاب امام نهم در سایر کتب با هم مقایسه می‌کنیم و به میزان اختلاف وارده در دو دسته می‌پردازیم.

جدول مقایسه فراوانی

ردیف	نام فرزندان	میزان فراوانی در سیره	میزان فراوانی در طبقات	میزان فراوانی در انساب	میزان فراوانی در سایر منابع	میزان اختلاف فراوانی
۱	قاسم	۵	۳	۷	۱۵	--
۲	عبدالله	-	۳	۷	۱۳	۳ در سیره، ۲ در سایر منابع
۳	طاهر	۴	-	۱	۸	۳ در طبقات، ۶ در انساب، ۷ در سایر منابع
۴	طیب	۴	-	۱	۹	۳ در طبقات، ۶ در انساب، ۶ در سایر منابع
۵	مطهر	-	-	-	۲	۳ در طبقات، ۶ در انساب، ۱۱ در سایر منابع
۶	مطیب	-	-	-	۱	۵ در سیره، ۳ در طبقات، ۷ در انساب، ۱۵ در سایر منابع

ردیف	نام فرزندان	میزان فراوانی در سیره	میزان فراوانی در طبقات	میزان فراوانی در انساب	میزان فراوانی در سایر منابع	میزان اختلاف فراوانی
۷	رقیه	۴	۳	۷	۱۵	۱ در سیره.
۸	زینب	۴	۳	۷	۱۵	۱ در سیره.
۹	ام کلثوم	۴	۳	۷	۱۳	۲ در سایر منابع
۱۰	فاطمه	۵	۳	۷	۱۵	--

۱۰ فرزند (مجموع کتب)	۷ فرزند (کتب سیره)	۶ فرزند (کتب طبقات)	۷ - ۸ فرزند (کتب انساب)	۶ - ۹ فرزند (در سایر منابع)
----------------------	--------------------	---------------------	-------------------------	-----------------------------

تجزیه و تحلیل

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در ۳۸ کتاب بررسی شده در این پژوهش که در پنج کتاب سیره، هفت تن به نام‌های قاسم، طیب، طاهر هستند که دو نفر اخیر در جاهلیت مردند و دختران زینب، رقیه، ام کلثوم و حضرت فاطمه علیها السلام هستند. تعداد فرزندان آن حضرت در سه کتاب طبقات مورد استناد در این پژوهش، شش تن به نام‌های قاسم، عبدالله که اسم او «طاهر و طیب» بوده، چون در اسلام به دنیا آمد و دختران زینب، رقیه، ام کلثوم و حضرت فاطمه علیها السلام ذکر

تجزیه و تحلیل

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در ۳۸ کتاب بررسی شده در این پژوهش که در پنج کتاب سیره هفت تن به نام‌های، قاسم طیب طاهر هستند که دو نفر اخیر در جاهلیت مردند و دختران زینب، رقیه، ام کلثوم و حضرت فاطمه علیها السلام هستند. تعداد فرزندان آن حضرت در سه کتاب طبقات مورد استناد در این پژوهش شش تن به نام‌های، قاسم عبدالله که اسم او «طاهر و طیب» بوده، چون در

اسلام به دنيا آمد و دختران زينب، رقيه ام كلثوم و حضرت فاطمه عليها السلام ذكر

ص: 195

شده است تعداد فرزندان در کتب انساب مورد استناد در این تحقیق هفت تن به نام های، قاسم عبدالله یا طیب و طاهر هستند که در کودکی مردند. دختران، زینب، رقیه، ام کلثوم و حضرت فاطمه علیها السلام هستند تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در سایر منابع اعم از تاریخی حدیثی و غیره به اختلاف بین هفت الی نه تن گزارش شده که در میان اسامی آنان به ترتیب از پسران، قاسم عبدالله طیب طاهر مطهر و مطیب و از دختران زینب، رقیه، ام کلثوم و فاطمه گزارش شده است. در این مقاله اهداف و نتایج پژوهش بعد از تعیین فراوانی و مقایسه آماری آن ها این گونه استنتاج گردید:

1. مشهورترین آمار و نام های فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در مورد دختران همان شش تن «زینب، رقیه، ام کلثوم و حضرت فاطمه» می باشند که در تمام دسته بندی های منابع مورد استناد در این پژوهش مشترک و متفق القولند.

2. مشهورترین آمار و نامهای پسران حضرت خدیجه علیها السلام در تمام دسته بندی های منابع مورد استناد در این پژوهش از قرن سوم هجری تا به امروز چهار پسرند:

اول، قاسم که در تمام منابع بدون استثنا گزارش شده است.

دوم، عبدالله؛

سوم: طاهر؛

چهارم: طیب که در بیشتر کتاب ها آمده است.

مطهر که دو مورد یکی در کتاب کاشف الغمه قمی مشهدی قرن دوازدهم قمری آمده و دومی سید محسن امین در اعیان الشیعه آورده و بعد آن را لقب دانسته است.

مطیب نام دیگری است که سید محسن امین در اعیان نقل کرده و بعد آن را لقب دانسته است.

3. بررسی منابع مختلف تا قرن پانزدهم هجری نشان می دهد که سر منشأ منابع برای اسامی قاسم و عبدالله از کتاب طبقات است که اولین آن طبقات

ص: 196

الکبری اثر ابن سعد (قرن سوم هجری) و بعد استیعاب ابن عبدالبر و اسد الغابه ابن اثیر است. ابن سعد در طبقات، نخستین فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله را قاسم آورده که در مکه پیش از بعثت متولد شد و کنیه آن حضرت هم به نام اوست قاسم هنگام مرگ دوساله بود. بعد به ترتیب فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه علیها السلام را زینب، رقیه، فاطمه ام کلثوم و عبدالله نام می برد. به گزارش ابن سعد، عبد الله بعد از بعثت به دنیا آمد و به همین دلیل به «طیب» و «طاهر» ملقب شد. عبدالله و قاسم هر دو در مکه از دنیا رفتند؛ به همین علت، عاص بن وائل سهمی گفت: نسل او قطع و بی عقب شد و خداوند متعال این آیه را نازل فرمود: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» (1).

بیهقی چندین قول از جمله از ابن عباس و ابن هشام آورده است. قولی را که از ابن هشام گزارش می دهد تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را هفت تن و پسران را «قاسم طاهر و طیب آورده و نام عبدالله را نیاورده است. او می گوید:

هنگامی که خدا جان قاسم را گرفت عمرو بن عاص گفت: «به درستی صبح شد و محمد از این پسرش ابتر گردید». پس خدا بر نبی اش سوره کوثر را فرستاد که ما عوض قاسم کوثر را نصیب شما کردیم: (2) «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ عَوْضًا يَا مُحَمَّدُ مِنْ نَصِيْبِكَ بِالْقَاسِمِ «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ...» (3)

به نظر بیهقی دچار خلط مبحث شده است. پیش تر از وی ابن سعد گزارش داده بود که این آیه بعد از مرگ دومین پسر پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی عبدالله نازل شده است نه قاسم نیشابوری واحدی متوقی (468 ق) هم علت شأن نزول سوره کوثر را از ابن عباس روایت کرده که عاص بن وائل بر پیامبر صلی الله علیه و آله عبور می کرد و می گفت: «خدا تو را ابتر کرده است». پس خدای تعالی فرستاد: (إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ). (4)

ص: 197

1- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 1، ص 106؛ سوره کوثر، آیه 3

2- بیهقی، دلایل الانبوه، ج 2، ص 70

3- سوره کوثر آیات 1 و 2

4- واحدی نیشابوری، اسباب النزول، ص 399.

4. بررسی منابع مختلف تا قرن پانزدهم، قمری نشان می دهد که منشأ منابع برای اسامی، قاسم طیب و طاهر از همان قرن سوم قمری در کتب سیره از جمله سیره ابن اسحاق و بعد سیره ابن هشام است.

5. بررسی منابع مختلف تا قرن پانزدهم، قمری نشان می دهد که کتاب های انساب در اسامی، قاسم عبد الله زینب، رقیه ام کلثوم و فاطمه مشترک و متفق القولند، ولی در یک مورد غرناطی از طیب و موسوی رجایی از طاهر نام برده اند.

6. یکی دیگر از نتایج به دست آمده در منابع مختلف تا قرن پانزدهم قمری این است که منابع تاریخی چون طبری از گزارش ابن هشام مبنی بر نام های قاسم طیب و طاهر از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام نقل کرده اند. در پی آن، کتاب های دیگر نیز کم و بیش از تاریخ طبری آورده اند و بدین ترتیب آن ها هم نظر ابن هشام را از طریق طبری مبنی بر اسامی، قاسم طیب و طاهر به عنوان فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام گزارش کرده اند.

7. در پایان منابع مورد استناد این پژوهش را به سه دسته می توان تقسیم کرد:

دسته اول، منابعی که پسران حضرت خدیجه علیها السلام را قاسم و عبدالله آورده اند. مانند نویسندگان طبقات، انساب و تاریخ یعقوبی، هاشم معروف الحسنی، دکتر آیتی، جعفر سبحانی رسولی محلاتی، نهلا غروی و علامه محسن امین در کتاب خود طی یک جمع بندی از قاسم و عبدالله نام برده اند که به طیب و طاهر ملقب است. هم چنین از طیب، مطیب طاهر و مطهر نام برده که القابند و به گمان بعضی آن ها اسمائند پس آن ها را در شمار اسامی فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله نوشته اند. در واقع از دیدگاه علامه، امین پسران پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه علیها السلام قاسم و عبدالله بودند و بقیه القاب هستند.

دسته دوم منابعی که پسران را، قاسم طاهر و طیب دانسته اند؛ چون ابن اسحاق، ابن هشام و ابن کثیر.

دسته سوم، منابعی که شمار پسران دسته اول و دوم را با هم اختلاط کرده اند و نام پسران را قاسم، عبدالله، طاهر و طیب دانسته اند؛ مانند نویسندگان های مجمل التواریخ، تاریخ گزیده و تاریخ الاثمه، ابن جوزی در صفوه الصفوه از عروه بن زبیر نقل می کند که پسران خدیجه قاسم طاهر عبدالله و مطیب بوده اند و یوسف ابن قزاوغلی در تذکره خواص از ابن اسحاق، و نویسندگان کشف الغمه هم از ابن هشام نقل کرده است.

نتیجه

سیر اختلاف نظر در کتب سیره طبقات، انساب تاریخ و حدیث دو دلیل اول دارد:

اول، به دلیل داشتن تعصبات اعتقادی بدون پالایش و بررسی نام های فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام، به ذکر اکثر القاب یاد شده در نقل قول های گوناگون و گذشته پرداخته اند بیش تر مصادر سیره ها و تواریخ عمومی در مورد تاریخ صدر اسلام از دو قول یکی از مصعب بن عبدالله الزبیری مبنی بر دو پسر، قاسم و عبدالله و قول دوم از زبیر بن بگّار آورده اند که می گوید عبدالله همان طیب و طاهر است. اما سیره نویسان در گزارش خود نامی از عبدالله نیاورده اند که در عصر بعثت متولد شده و طیب و طاهر همو بوده است؛ بلکه طیب و طاهر را دو پسر جدا نام برده اند و بدین ترتیب در خبر و نقل روایات خلط شده است.

دسته دوم، برخی از نویسندگان به منابع گذشته توجه نداشته و بر اساس سلايق فکری و اعتقادی خویش القاب افزوده اند.

در پایان این پژوهش می توان نتیجه گرفت که حضرت خدیجه علیها السلام دارای دو پسر به نام های قاسم (بزرگ تر) و عبد الله بوده است. قاسم که پیامبر صلی الله علیه و آله مکنی به او بودند. و قبل از بعثت در مکه متولد شد و فوت کرد. پسر دوم که عبدالله است و چون در عصر بعثت و اسلام در مکه متولد شد به طاهر و طیب و مطهر و القاب دیگری ملقب گشت که تاریخ نگاران در اعصار بعدی به او داده اند.

با مرگ ایشان در عصر بعثت، مشرکان به واسطه بد طینتی، نبی مکرم صلی الله علیه و سلم را بلا عقب می دانستند و برای تحقیر و آزار و تمسخر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مشرکان به سرکردگی عاص بن وائل (بنا بر گزارش ابن سعد در الطبقات، بیهقی در دلایل النبوه، واحدی نیشابوری از علمای سنی شافعی قرن چهارم در اسباب نزول، خود پیامبر صلی الله علیه و آله را ابتر می نامیدند، لذا خداوند سوره کوثر را در شأن آن حضرت نازل فرمود به روایت اکثر منابع مورد استناد در پژوهش آخرین فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از عبد الله حضرت فاطمه علیها السلام بودند که در سال پنجم بعثت به دنیا آمدند و در واقع ایشان «خیر کثیر» بودند که با مرگ عبدالله (دومین پسر حضرت خدیجه) خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله عطا فرمود. به گزارش این منابع، همه فرزندان قبل از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله فوت کردند و آن حضرت فرزندان یا اعقابی از خود به جا نگذاشتند به جز حضرت فاطمه علیها السلام که در واقع نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از این بانوی بزرگوار ادامه یافته است.

1. ابن اثير عزّالدين أبي الحسن علي بن محمد الجزري، (متوفى 630 هـ)، اسدالغابه في معرفه الصّحابه، الجزء السابع (كتاب النساء)، بيروت: دار الحياء التراث العربي، 1417 ق.
2. ابن جوزي، للامام العالم الدين أبي الفرج (510 - 597 هجرى)، صفه الصفوه، المجلد الأول، الجزء الاول، ضبطها وكتب هوامشها ابراهيم رمضان وسعيد اللحسام بيروت: منشورات محمد على بيضون، دار الكتب العلميه، 1423 ق.
3. ابن جوزي، يوسف بن قزاوغلى، تذكر خواص بذكر خصائص الائمة، شرح وفضايل خاندان، نبوت ترجمه محمدرضا عطايى مشهد: شركت به نشر آستان قدس، 1379 ق.
4. ابن حزم اندليسى (384 - 456هـ) لابي محمد بن احمد بن سعيد جمهره أنساب العرب، راجع انسخه و ضبط أعلامها لجنه من العلماء بإشراف الناشر بيروت: دار الكتب العلميه منشورات محمد على بيضون، 1421 ق .
5. ابن خشاب بغدادى، عبد الله بن احمد، تاريخ الائمة ووفياتهم، محقق: د. ثامر كاظم الخفاجى، قم: الناشر مكتبه سماحه آيت الله العظمى المرعشى النجفي، الخزانة العالميه للمخطوطات الاسلاميه، 1432 ق.
6. ابن سعد، لمحمد بن سعد بن منيع الهاشمي البصرى المعروف بابن سعد، (متوفى 218 ق) الطبقات الكبرى، الجزء الاول و الجزء الثاني السيده الشريفه بيروت دارالكتب، المطبعه منشورات محمد على بيضون، 1418 ق.
7. ابن شهر آشوب مازندراني، أبي جعفر محمد بن على (متوفى 588 هـ)، مناقب آل أبي طالب، جزء اول تحقيق و فهرست: يوسف البقاعي، ذوى

8. ابن عنبه جمال الدين احمد، الفصول الفخرية، به اهتمام سيد جلال الدين محدث، ارموى تهران: علمى و فرهنگى، 1363 ش.
9. ابن عنبه عمده النسايين جمال الدين احمد بن على الحسينى عمده الطالب فى انساب آل ابى طالب، تحقيق سيد مهدى رجاى قم: مكتبه سماحته آيت الله العظمى المرعشى النجفى، الخزانة العالميه للمخطوطات الاسلاميه 1425 ق.
10. ابن فندق، ابى الحسن على بن ابى القاسم بن زيد البيهقى، لباب الانساب و الالقاب و الاعقاب ، الجزء الاول، مع مقدمه ... المرعشى النجفى. تحقيق سيد مهدى رجاى، قم: مكتبه آيه العظمى المرعشى النجفى، الخزانة العالميه للمخطوطات الاسلاميه، 1410 ق.
11. ابن كثير، للامام أبى الفداء إسماعيل (701-747 ق)، السيره النبويه ، الجزء الاول، تحقيق مصطفى عبد الواحد، بيروت: دارالمعرفه ، 1403 ق .
12. ابن منظور الافريقى المصرى لامام العلامه ابى الفضل جمال الدين محمد بن مكرم ، لسان العرب، المجلد الخامس، بيروت - لبنان: دار صادر، 1997 م
13. ابن هشام المعافى ، أبى محمد عبدالملك، (المتوفى بمصر سنه 218 هجرى)، السيرة النبويه، المجلد الأول، تحقيق و تعليق سعيد محمد اللحام، بيروت: دارالفكر، 1424 ق.
14. امين سيد محسن ، أعيان الشيعة ، المجلد العاشر، حقه و أخرجه و علق عليه حسن الأمين، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات ، 1420 ق.
15. آيتى، دكتور محمد ابراهيم، تاريخ پیامبر صلى الله عليه و آله اسلام ، تهران، سمت، 1369 ش
16. بيهقى، ابى بكر أحمد بن الحسين (384 - 458 ق)، دلائل النبوه و معرفه أحوال صاحب الشريعه ، المجلد الثانى، بيروت، لبنان، دارلكتب العلميه

17. الجزى الكلبي الغرناطي، أبي عبد الله محمد بن محمد بن احمد بن محمد بن عبد الله (متوفى 693 ق)، الأنوار في نسب آل النبي المختار محقق سيد مهدي رجائي قم: مكتبه سماحته آيت الله العظمى المرعشى النجفي، الخزانة العاليه المحفوظات الاسلاميه مركز الدراسات الاسلاميه الانساب، 1431 ق.

18. حسنى سمرقندى مدنى، سيد حسين بن عبدالله حسيني، تحفه الطالب بمعرفه من ينسب الى عبد الله و ابى طالب، تحقيق: سيد مهدي رجائي، قم: مكتبه سماحته آيت الله العظمى المرعشى النجفي الخزانة العالميه للمخطوطات الاسلاميه 1432 ق.

19. حسنى، هاشم معروف (1999)، زندگى دوازده امام، جلد اول، ترجمه محمد مقدس تهران، اميركبير 1370 ش.

20. حلي الشافعي ابي الفرج نورالدين على بن ابراهيم بن احمد، (المتوفى 1044)، السيره الحلبيه و هو الكتاب المسمى، إنسان العيون في سيره الامين و المأمون، الجزء الاول، ضبط و صححه عبدالله محمد الخليلي، بيروت دار الكتب العلميه، 1422 ق.

21. حنبل، امام احمد (241 - 164 ق)، المسند، الجزء الاول منقحه و مصححه و صنع فهارسه صدقى محمد جميل العطار، بيروت، دارالفكر، 1414 ق .

22. رجائي موسى سيد مهدي المعقبون آل ابى طالب، أعقاب الإمام الحسين عليه السلام الجزء الاول، قم: مؤسسه عاشوراء، 1427 ق.

23. سبحانى، جعفر، فروغ ابدیت، جلد اول، قم، دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم 1351 ش.

24. شرف الدين محمد بن عبدالله بن عمر (از علمای قرن هفتم هجرى)، خلاصه سيرت رسول الله صلى الله عليه و آله، با مقدمه و به تصحيح اصغر مهدي و

25. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابويه خصال، مترجم: مدرس، گیلانی، تهران جاویدان، بی تا.
26. طبری، محمد بن جریر، (متوفی 310 ق)، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم، پاینده تهران: اساطیر، 1362 ش.
27. العبيد لی التّسابه، أبی الحسن محمد بن أبی جعفر شیخ الشرف، تهذیب الانساب و نهايه الأعقاب، تحقیق: شیخ محمد کاظم محمودی، قم: مکتبه آیت الله العظمی مرعشی النّجفی العامّه، 1413 ق.
28. العمري، نجم الدين ابی الحسن علی بن محمد بن علی بن محمد العلوی، المجدي في انساب الطالبین، مع مقدمه المرعشی النّجفی تحقیق احمد مهدي دامغانی اشرف محمود مرعشی قم: مکتب آیت الله العظمی المرعشی النّجفی 1422 ق.
29. غروی، نائینی نهلا (1331)، محدثات شیعه، تهران، دانشگاه تربیت مدرس 1375 ش.
30. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، بخط شیرازی، بی جا، بی نا، بی تا.
31. قمی مشهدی میرزا محمد بن محمدرضا، (متوفی 1125 ق) کاشف الغمه في تاریخ الائمه، تحقیق: قسم الکلام و الفلسفه، مشهد: 1419 ق.
32. المروزی الازورقانی، التّسابه السیّد عزیز الدّین ابی طالب اسماعیل بن الحسین بن محمد بن الحسین بن احمد الفخری في انساب الطالبین تحقیق: سید مهدي رجایی قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النّجفی العامّه، 1409 ق.
33. مستوفی، حمدالله (متوفی 730 ق)، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین، نوایی تهران: امیرکبیر، 1381 ش.
34. النّمری القرطبي، للإمام العالم أبی عمر یوسف ابن عبدالله (المتوفی 463 ق)، الاستیعاب في أسماء الأصحاب، الجزء الاول و الجزء الثاني

35. واحدی نیشابوری، الإمام الشیخ أبی الحسن علی بن احمد، (المتوفی 468 ق)، اسباب النزول، بیروت: دار الکتب العربی، دراسه و تحقیق الدكتور السید الجمیلی، 1419 ق.

36. وشنوی، شیخ محمد قوام، معاصر حیاہ النبی صلی اللہ علیہ وآلہ و سیرتہ، ج 1، إشراف: رضا استادی قم: دار الأسوہ للطباعه و النشر، 1416 ق.

37. ہمدانی، رفیع الدین اسحق بن محمد (قاضی ابرقوہ) (ترجمہ و انشاء) سیرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ مشہور بہ سیرہ النبی نصف اول با مقدمہ و تصحیح اصغر مہدوی تہران: خوارزمی، 1361 ش.

38. یعقوبی، احمد بن اسحاق (ابن واضح یعقوبی)، تاریخ یعقوبی، جلد اول، ترجمہ محمد ابراہیم آیتی تہران: علمی و فرہنگی، 1371 ش.

بررسی و تحلیل سن حضرت خدیجه علیها السلام در ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله (با تأکید بر منابع متقدم تاریخی): نعمت الله صفری فروشانی، داوود کاظم پور

اشاره

*بررسی و تحلیل سن حضرت خدیجه علیها السلام در ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله (با تأکید بر منابع متقدم تاریخی): نعمت الله صفری فروشانی، داوود کاظم پور (1) (2)

چکیده

پژوهشگران و شرق شناسان درباره سن حضرت خدیجه حین ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، از گذشته تاکنون اظهار نظر کرده اند. مشهور این است که ایشان موقع ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله چهل سال داشته اند. واکاوی های متعددی درباره این شهرت صورت گرفته و از زاویه های مختلفی درباره آن نقد شده است. نوشتار حاضر با رویکرد تاریخی و با استناد به منابع کهن تاریخی، به نقد دیدگاه مشهور پرداخته و آن را رد کرده است

واژگان کلیدی

حضرت محمد صلی الله علیه و آله، سن حضرت خدیجه علیها السلام، رویکرد تاریخی، رسوم حجاز، سن یائسگی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله

مقدمه

درباره زیست نامه حضرت خدیجه علیها السلام، خصوصاً زمان قبل از ازدواج او با رسول خدا صلی الله علیه و آله و اطلاعات زیادی موجود نیست اگرچه اطلاعات مربوط به زمان بعد از ازدواج هم نسبت به برخی از همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و کم تر است. پرسش های متعددی درباره زندگی ام المؤمنین خدیجه علیها السلام مطرح شده که

ص: 206

1- عضو هیات علمی جامعه المصطفی العالمیه.

2- دانش پژوه دکتری تاریخ اهل بیت علیهم السلام جامعه المصطفی العالمیه

مهم ترین آن میزان سن ایشان موقع ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله است. این نوشتار کوشیده تا به این پرسش پاسخ دهد.

رویکرد تاریخی و تعریف منابع متقدم

رویکرد شناسی از مقوله های جدید در دنیای علم و پژوهش به شمار می آید که عمدتاً از دنیای غرب وارد شده است. این بحث در میان دانشمندان علوم انسانی به شدت مطرح شده ولی در بین تاریخ نگاران، هنوز جایگاه خود را پیدا نکرده است. رویکرد شناسی در بین تاریخ نگاران اسلامی از این جهت مهم است که با تاریخ مقدس سرو کار دارند و دارای رویکردهای مختلف هستند. رویکرد شناسی ارتباط مستقیم با نتایج کارهای تاریخی دارد.

مؤلفه هایی در رویکرد شناسی مطرح است به عبارت دیگر، هر رویکردی، مؤلفه هایی دارد؛ از جمله: اهداف مبانی روش و منابعی که محقق به کمک آن ها به پژوهش تاریخی می پردازد. با شناخت مؤلفه های یادشده می توان رویکرد او را شناسایی کرد. مثلاً اگر هدف وی کشف باشد، یعنی در مقام کشف واقعیت برآمده و با روش تاریخی (بدون پیش فرض و عدم فرضیه محوری) و با تکیه بر منابعی که نویسندگان آن متخصص به شمار می آیند و فاقد گرایش های، قومی قبیله ای مذهبی و منطقه ای، باشند در این صورت گفته می شود رویکرد تاریخی است؛ البته مبانی کلامی محقق هرگز نادیده گرفته نمی شود.

تعریف منابع متقدم

منظور از منابع متقدم (یا دسته اول) منابع اصلی هستند. این منابع حکم سرچشمه را دارند و معدن آن چیزی هستند که ما به دنبال آن هستیم. واژه ای که غربی ها درباره منابع دسته اول به کار می برند، اصطلاح است. این عبارت یعنی سرچشمه (1)

ص: 207

1- احمد پاکتچی، روش تحقیق، ص 51.

طبیعی است که منبع متقدم نسبت به هر حادثه ای زمان خاص خود را دارد مثلاً اگر کسی بخواهد درباره حمله چنگیز به ایران تحقیق کند، برای او کتاب تاریخ جهان گشای جوینی منبع متقدم است. در موضوع تحقیق ما، منابع تاریخی نزدیک به عصر قبل از بعثت و صدر اسلام دست اول هستند. البته برای کشف دقیق سن حضرت خدیجه در ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله منابع تا قرن چهارم هجری بررسی شده اند.

سن ازدواج در عرب جاهلی و صدر اسلام

در میان منابعی که به تاریخ قبل از اسلام در شبه جزیره عربستان پرداخته اند، نمی توان کتاب یا پژوهشی یافت که مستقیماً به موضوع سن ازدواج خصوصاً در دختران پرداخته باشد اما با بررسی موردی ازدواج های آن عصر به نتایجی می توان دست یافت که برای این پژوهش مفید است:

اولاً دختران عرب وقتی به سن بلوغ می رسیدند، ازدواج می کردند. عدم ازدواج آن ها در سنین بلوغ برای آنان و خانواده خوشایند نبود. این موضوع با اوضاع اقتصادی آن روز حجاز سازگار بود که عموم مردم با مشکلات مالی دست و پنجه نرم می کردند؛ زیرا با رفتن دختر به خانه بخت هزینه های نگه داری او از عهده پدر ساقط می شد. از سوی دیگر گرفتن مهریه توسط ولی او کمک شایانی به بهبود وضع اقتصادی و معیشتی خانواده می کرد. در بسیاری از اوقات اگرچه خانواده ای مشکلات مالی هم نداشت دختران در سنین پایین، ازدواج می کردند. این ازدواج زود هنگام آثاری از جمله پیوند با سایر قبایل برای کم شدن دشمنی ها عدم ورود و تمایل دوشیزگان به ورطه های فساد و تباهی و... داشت. از این رو، می توان با اطمینان گفت که سن ازدواج در عرب برای دختران غالباً نه سال بود حسن ابراهیم حسن با بررسی موارد ازدواج از گونه های مختلف از قبایل متعدد عرب چنین نتیجه می گیرد:

حتى كان من النادر ان يري الانسان بنتا بالغه قد ادرکت سن الزواج او

به ندرت اتفاق می افتاد که دختری به سن بلوغ برسد یا بیوه جوانی در عرب باشد و ازدواج نکرده باشد.

خصوصاً اگر پدر دختر از شخصیت های مطرح عرب بوده و یا خود آن زن بیوه، صاحب مال و شرافت به شمار می رفت، در این موارد، ازدواج دختران و زنان در سنین پایین موافق فرهنگ اجتماعی عرب بود.

اصل دیگری که بر سن ازدواج در مورد زنان عرب حاکم بود اذن پدر در نکاح زوجه است. «ولی» باید به وصلت دختر اذن می داد اما این اذن برای دختران باکره و زنان بیوه جوان بود. زنان بیوه مسن برای ازدواج مجدد به اذن ولی نیازی نداشتند. ابن حبیب فهرستی از زنانی نام برده که در عصر جاهلی و صدر اسلام، به سبب داشتن شرافت مالی و اجتماعی اختیار ازدواج شان با خودشان بوده است. (2) برخی پژوهشگران معاصر با بررسی موارد متعدد در تاریخ جاهلی به این موضوع اذعان کرده اند. (3) «ولی» در ازدواج دختران باکره و زنان جوان، سلطه و اختیار کامل داشت و لذا مرد و زن برای ازدواج با یک دیگر می بایست به هر نحوی رضایت او را جلب می کردند. (4) شواهدی بر این ادعا، در منابع متقدم تاریخی یافت می شود. بر اساس آن می توان نتیجه گرفت که اگر زنی در چهل سالگی درصدد ازدواج مجدد بود، به اذن ولی خود نیازی نداشت. برای مثال ابن سعد، مواردی را آورده که زنان بعد از ازدواج های اولیه برای ازدواج مجدد نیازی به اذن ولی نمی دیدند و حتی به ولی خویش گوشزد می کردند که بدون هماهنگی آنان پاسخ مثبت به خواستگاران ندهند برای نمونه هند دختر عتبه (مادر معاویه و همسر ابوسفیان) به پدرش که از شخصیت های ثروتمند با نفوذ قریش بود گفت:

من زنی هستم که مالک امر خویش شده ام؛ پس مرا به ازدواج هیچ مردی

ص: 209

1- حسن ابراهیم حسن ، تاریخ اسلام، ج 1، ص 65

2- محمد بن حبیب ، المحبر، ص 398

3- ابراهیم فوزی ، احکام الاسرة في الجاهلیت والاسلام، ص 45

4- ترمذینی ، الزواج عند العرب في الجاهلیة والاسلام، ص 65.

در نمی آوری تا او را به من معرفی کنی و در صورت رضایت به ازدواج با او اقدام خواهیم کرد (1)

هند قبل از ازدواج با، ابوسفیان دو بار ازدواج کرده بود. یک بار با حفص بن مغیره مخزومی و یک بار هم با فاکر بن مغیره که به دست بنو کنانه کشته شد. (2) هند وضع مالی خوبی داشت و اشراف زاده و ثروتمند بود. (3) از این گزارش و امثال آن بر می آید که زنان بیوه با سن بالا برای عقد خود را نیازمند رضایت ولی نمی دانستند. البته این منافاتی با حضور ولی در مراسم خواستگاری و عقد آنان نداشت. بنابراین آن چه برخی منابع از حضور پدر یا عموی خدیجه و نیازمندی شدید ایشان برای موافقت با ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده اند، (4) با پایین بودن سن خدیجه می سازد و یک زن چهل ساله که تاجر است و مردان زیادی برای او کار می کنند نیاز ندارد پدر یا عموی خویش را بیهوش و مدهوش سازد تا به امر ازدواجش راضی بشوند. توضیح این که برخی منابع گفته اند که خدیجه پدر خویش خویلد را بیهوش و مست کرد تا بعد از هوشیاری، به این وصلت رضایت دهد. (5) البته به اعتقاد ابن سعد، خویلد در جنگ فجار قبل از واقعه خواستگاری پیامبر از خدیجه کشته شد (6) و خدیجه عموی خویش را مست و خواب کرد تا مانعی برای ازدواجش نباشد!! (7)

سن یائسگی در زنان

*سن یائسگی در زنان (8)

بر اساس برخی روایات، زنان در پنجاه سالگی یائسه می شوند و توانایی وضع

ص: 210

- 1- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 8، ص 235
- 2- بلاذری، انساب الاشراف، ج 5، ص 13.
- 3- ابن اثیر، اسد الغابه، ج 7، ص 293.
- 4- بیهقی، دلائل النبوه، ج 2 ص 69.
- 5- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1 ص 190.
- 6- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 1 ص 132.
- 7- ابن حیب، المحبر، ص 78
- 8- مطالب این بخش از مقاله آقای سید ضیا مرتضوی منتشر شده در نشریه فقه ش 18 با اندکی تصرف گرفته شده است.

حمل را از دست می دهند. مرحوم کلینی با سندی صحیح از امام صادق علیه السلام نین نقل می کند:

حدّ الّتی قد یُست من المحیض خمسون سنه؛ (1)

زن در پنجاه سالگی از دیدن خون حیض ناامید می شود و قادر به زایمان نیست

در این روایت راویانی چون فضل بن شاذان، صفوان بن یحیی و عبدالرحمان بن حجاج وجود دارند که در منابع رجالی شیعه ثقه هستند. عبدالرحمان در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام می پرسد: «چه زنانی بدون عده و بلافاصله بعد از طلاق می توانند ازدواج کنند؟» آن حضرت سه دسته از زنان را واجد این ویژگی بر می شمارند که از جمله آنان زنی است که از حیض ناامید شده است. راوی می پرسد: «حد یائسه چقدر است؟» امام می فرماید: «وقتی پنجاه سال او تمام شود». (2)

این روایت نیز سندی صحیح دارد و در سه کتاب از چهار کتاب اصلی شیعه آمده است که برخی اعتبار کلی این کتب را پذیرفته اند (3) و برخی دیگر تمام روایان این کتب اربعه را معتبر و انتساب همه روایات آن ها را به معصومان قطعی دانسته اند (4) نظر رایج در میان عالمان شیعی این است که آن دسته از روایات کتب اربعه حجّتند که از نظر سند واجد شرایط اعتبارند (5) سند روایت مذکور صحیح است؛ پس اگر در پذیرش روایات حدّ اقلی کتب اربعه هم باشیم و فقط روایات موثق السند را حجت بدانیم روایت محل بحث ما حجت است. در سند این روایت، به افرادی بر می خوریم که همگی ثقه هستند؛ مثل عبدالرحمان بن حجاج کوفی که نجاشی، (6) طوسی (7) و دیگران او را توثیق کرده اند. صفوان بن یحیی بجلی، کوفی دیگر راوی در این سلسله است. او شاگرد عبدالرحمان و از

ص: 211

1- کلینی، الکافی، ج 3، ص 107.

2- کلینی، همان، ج 6، ص 85

3- شیخ انصاری، فرائد الاصول، ج 1، ص 239.

4- حر عاملی، الوسائل، ج 18، ص 52.

5- خویی، معجم رجال الحدیث، ج 7، ص 97-87.

6- نجاشی، رجال، ص 165

7- طوسی، رجال، ص 353.

اصحاب اجماع بود (1) (کسانی که علمای امامیه به روایاتی که از ایشان به طریق صحیح نقل شده بدون تردید اعتماد می کنند). نجاشی با الفاظی مثل ثقه و عین (2) از او یاد می کند شیخ طوسی او را موثق ترین اهل زمان خویش می داند (3) ابن ابی نجران دیگر راوی این حدیث است که او نیز مورد اطمینان علما بود. (4)

سهل بن زیاد آخرین راوی در این روایت است. دو نوع نظر رجالی درباره او وجود دارد عده ای مثل شیخ طوسی او را توثیق (5) و برخی دیگر مثل نجاشی او را تضعیف می کنند. (6) علت تضعیف او غلو بود و به همین جهت از قم اخراج شد. اگر روایت مورد نظر ما مدلول غالبانه داشت از او نمی پذیرفتیم، ولی روایت صرفاً فقهی است که شخص غالی (به فرض اثبات اتهامش) از نقل آن بهره غالبانه نمی برد و اصولاً اگر شخصی روایتی نقل کرد و آن روایت ارتباطی با عقاید راوی نداشت می توان از او پذیرفت. در این جا هم اگر سهل روایتی در مقام و منزلت ائمه علیهم السلام نقل کرده بود، نمی توانستیم بپذیریم چون غالی بوده است؛ ولی در این روایت از سن یائسگی زن سؤال شده و امام علیه السلام هم پاسخ داده اند و ربطی به غلو ندارد. ضمن این که ادعای غلو در او را احمد بن محمد بن عیسی اشعری مطرح کرده و او را به اتهام غلو از قم بیرون رانده اند. دیگران اتهام غلو را برای او مطرح کرده اند. کشی درباره او می گوید: «به صرف اتهام به غلو از قم اخراج شد و غلو او ثابت نشده است». (7) جالب است بدانیم احمد بن محمد، اشخاصی مثل محمد بن خالد برقی را نیز از قم به اتهام غلو بیرون کرد ولی بعداً پشیمان شد. (8) اصلی ترین دلیل تضعیف، او رفتار احمد با وی است. در حالی که وضعیت احمد که به سرعت

ص: 212

- 1- کشی، رجال، ص 502 .
- 2- نجاشی، رجال، ص 197.
- 3- طوسی، الفهرست، ص 241.
- 4- قاموس الرجال، ج 2، ص 86
- 5- طوسی، رجال، ص 387
- 6- نجاشی، رجال، ص 185
- 7- کشی، رجال، ص 512 .
- 8- ابن غضائری، رجال، ص 39 .

از راویان سرزنش و نکوهش می کرد برای اهل دانش رجال روشن است و به همین جهت اعتنایی به تضعیف های او نمی شود (1).

سند و متن در این روایت هیچ مشکلی ندارند همان طور که مشاهده می شود سن زن برای یائسگی پنجاه سال است و فرقی بین قریشی و غیر قریشی بودن زن نیست. اگر بین این دو فرق بود، حتماً امام علیه السلام اشاره می کردند و یا عبد الرحمان و صفوان که هر دو در محیط کوفه رشد کرده و اهل پرسیدن و اشکال کردن بوده اند، حتماً از امام علیه السلام می پرسیدند که آیا بین زن قریشی و غیر قریشی فرقی است یا نیست؟ از این که امام علیه السلام نفرموده اند و عبد الرحمان هم سؤال نکرده به دست می آید که تفاوتی بین قریشی و غیر قریشی، حداقل در آن زمان نبوده است. علاوه بر این دو روایت روایات دیگری هم داریم که تصریح کرده اند که زن در پنجاه سالگی یائسه می شود (2) در این روایات نیز اطلاق وجود دارد و فرقی بین زنان در این حکم نیست.

در مقابل این روایات روایتی مرسل در اصول کافی آمده که بین زنان قریشی و غیر قریشی تفاوت قائل شده است:

إذا بلغت المرأة خمسين سنة لم تر حمرة الا ان تكون امراه من قریش. (3)

این روایت اگرچه مرسل است و توان مقابله با روایات گذشته را ندارد، چون در سلسله سند آن محمد بن ابی عمیر (از اصحاب اجماع) وجود دارد فقها به آن اعتماد کرده اند در این روایت اگر چه زنان قریشی استثنا شده اند، مشخص نشده که زنان قریشی در چند سالگی یائسه می شوند و هیچ اشاره ای به شصت سالگی ندارد.

شیخ مفید درباره سن شصت برای یائسگی زنان قریشی می گوید:

وقد رویان القریشیه من النساء و النبیطیه تریان الدم الی ستین سنة، فان

ص: 213

1- بحر العلوم، فواید الرجالیه، ج 3 ص 23

2- مثلاً کلینی، الکافی، ج 3، ص 107؛ طوسی، تهذیب، ج 11، ص 397.

3- کلینی، همان، ج 3، ص 107.

شیخ مفید علاوه بر این که روایت را بدون سند نقل کرده از کیفیت نقل روایت خصوصاً با وجود عبارت، «ان ثبت ذلك» ضعف روایت آشکار می شود. از عبارت، «وقد روی»، نیز چنین بر می آید که شیخ مفید به روایت قبلی، مرسله ابن ابی عمیر، اعتماد نکرده است. این بی اعتمادی در کلام برخی دیگر از دانشمندان شیعی هم به چشم می خورد؛ مثلاً مجلسی اول در سن یائسگی در زنان قریشی می گوید:

اکثر علماء ذکر کرده اند که روایتی داریم ولی آن را ندیده ایم.

سید شمس الدین عاملی برای این ادعا نصی نیافته و می گوید:

شیخ مفید و کسانی که از او پیروی کرده اند آن را آورده اند ولی اعتراف دارند که ظاهراً نصی درباره آن وجود ندارد. (2)

درباره سن یائسگی زنان قریشی می توان گفت که این موضوع شهرت فتوایی دارد آن هم در بین متأخران و این شهرت در بین قدما نبوده است. (3) از مجموعه آن چه ذکر شد می توان دریافت که روایات ارشاد به این مطالب دارند که غالباً یائسگی در پنجاه سالگی اتفاق می افتد. (4) البته روایات در مقام بیان نشانه یا بیان حدودی سن یائسگی هستند. با توجه به این مباحث، بعید است که حضرت خدیجه در سن شصت سالگی صاحب فرزند شده باشند. در صفحات بعدی خواهیم دید برخی تاریخ نگاران که سن ایشان هنگام ازدواج با پیامبر را چهل سالگی می دانند به تولد دو فرزند (عبد الله و فاطمه) برای ایشان بعد از پنجاه سالگی او اشاره دارند و این موضوع با توجه به سن یائسگی زنان نمی سازد و به ناچار سن ایشان حتماً کم تر از چهل سال باید باشد.

ص: 214

1- مجلسی، لوامع صاحبقرایی، ج 1، ص 636

2- سید شمس الدین عاملی، مدارک، الاحکام، ج 1، ص 322

3- حائری یزدی، الوسيله، ص 56

4- بانو مجتهد زهره صفاتی، احکام بانوان، ص 24.

واکوی امکان ازدواج برای پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از بعثت

مقدمه دیگری که باید به آن پردازیم این است که در مکه نیز زنانی صاحب نام و علاقه مند به پیامبر صلی الله علیه و آله وجود داشتند که خواستار ازدواج با حضرت بودند هرگز چنین نیست که قبل از بعثت در مکه امکان ازدواج برای پیامبر صلی الله علیه و آله فراهم نبوده و به سبب فقر شدید مالی و غیره مجبور شده با زن بزرگ تر از خود ازدواج کند. اصولاً ازدواج با زن بزرگ تر از خود برای مرد، مورد سؤال و انکار قرار می گیرد و غالباً این نوع ازدواج ها برای مردانی است که امکان هیچ گونه ازدواجی با همسران دل خواه شان را نداشته باشند. از این رو، کاملاً طبیعی است که شخصیتی مثل پیامبر صلی الله علیه و آله با آن نسب و قبیله مطرح و معروف و صاحب جلال، از نوع این مردان نبوده اند. کفار قریش در مبارزه با رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله، از هیچ گونه آزار جسمی و روحی ایشان دریغ نمی ورزیدند و او را دیوانه، ساحر، ابتر و... می نامیدند (1) ولی در هیچ منبع تاریخی نیامده که به پیامبر زخم زبان بزنند و او را سرزنش کنند که تو همان فقیر بی بضاعتی بودی که با یک زن بزرگ تر از خودت (عجوزه) ازدواج کردی!؟

تاریخ گواهی می دهد زنانی بوده اند که نسب و جایگاه عالی در قریش داشتند و به ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله متمایل بودند؛ از جمله:

1. فاخته دختر ابی طالب (ام هانی)

خواهر امام علی علیه السلام و از زنان صاحب شرف در مکه بود گفته شده اولین چاه آبی که در مکه حفر کردند در خانه او بود و این مسأله در میان عرب اهمیت زیادی داشت. (2)

در فتح مکه کسانی چون حارث بن هشام و زهیر بن ابی امیه در خانه او امان گرفته بودند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنان را نبخشیدند. (3) این که این اشخاص در منزل

ص: 215

1- ابن هشام، السیرة النبویه، ج 1، ص 270

2- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج 4، ص 87.

3- ابن سعد، طبقات، ج 2، ص 110.

ام هانی رفتند (در حالی که خون آن ها هدر بود) از شخصیت والای او در بین مردم حجاز نشان دارد. او در زمان جاهلیت به عقد هبیره بن ابی وهب مخزومی در آمد. بنی مخزوم از قبایل معروف مکه بودند که یکی از درب های مسجدالحرام به نام آن هاست (1) ابوطالب به سبب مناسبات خانوادگی و قبیله‌گی که در عرب جاهلی بین قبایل رقیب مرسوم بود مجبور به پذیرش خواستگاری هبیره شد. (2) از دشمنی های افرادی از این قبیله مثل ابوجهل خالد بن ولید و ولید بن مغیره با پیامبر صلی الله علیه و آله که به سبب رقابت و حسادت قبیله‌گی با بنی هاشم بود، به خوبی روشن می شود که چرا ابوطالب با آنان پیمان بست و قصد فامیلی با آنان را داشت. امهانی از دوشیزگانی بود که دل‌بستگی خاصی به پیامبر صلی الله علیه و آله داشت (3) و وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله در فتح مکه از او خواستگاری کردند، در پاسخ گفت:

من در زمان جاهلیت شیفته شما بودم و شما را از همه کس بیش تر دوست می داشتم اکنون که زمان اسلام رسیده چگونه شما را دوست نداشته باشم. ولی من صاحب فرزندان هستم که ننگه داری شان مانع شوهرداری من می شود. (4)

از این گزارش بر می آید که حتی زمان قبل از بعثت، دخترانی بوده اند که تمایل به ازدواج با پیامبر داشته اند.

2. غزیه

پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از ازدواج با سوده از عایشه خواستگاری کردند و در مکه با زنی به نام غزیه دختر دودان بن عوف آشنا شدند. او علاقه مند ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله بود. ابن حبیب درباره او می نویسد:

غزیه قبلاً همسر ابوالعکر بن سمی بن الحارث الازدی بود و برای او فرزندی

ص: 216

1- ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج 6، ص 163.

2- ابن سعد، همان، ج 8، ص 120.

3- بلاذری، انساب الاشراف، ج 1، ص 242

4- ابن حبیب، المحبر، ص 98.

به نام شریک آورد که به همین علت او را ام شریک می خواندند. در زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه بودند بین زن های مکه می رفتند و آن ها را به اسلام دعوت می کردند. کفار قریش وقتی این وضعیت را دیدند تصمیم گرفتند او را از مکه اخراج کنند؛ لذا حضرت را سوار بر شتر بدون جهاز نموده، به همراه تعدادی مرد ایشان را به بیابان های اطراف مکه تبعید کردند. سپس ایشان بدون آب و غذا را ساختند غزیه به صورت معجزه آسایی از این مخمصه نجات یافت و خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله رسانید و خویش را به آن حضرت هبه کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله با او ازدواج کردند، ولی بعد از مدت کوتاهی به سبب بالا بودن سنش او را طلاق دادند (1).

از این گزارش نکاتی به دست می آید مبنی بر این که هیچ دلیلی وجود نداشته که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با زنی بزرگ تر از خودش ازدواج کرده باشد. این نکات عبارتند از:

الف) غزیه پیر نبوده بلکه فقط برای ازدواج مسن بود؛ زیرا قبلاً شوهر داشت و او هم فوت کرد و از او هم یک بچه بیش تر نداشت.

ب) او تا پای جان برای پیامبر صلی الله علیه و آله و دین خدا جان فشانی کرد، آن هم در سه سال پایانی حضور پیامبر در مکه که روزهای سختی بر آن حضرت بود.

با این همه پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر کبر سن از ادامه زندگی با او منصرف شدند؛ البته به او عنایت و لطف داشتند. نکته جالب آن است که تمام همسران پیامبر صلی الله علیه و آله غیر از سوده (آن هم بر اساس یک احتمال) از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کوچک تر بودند. با بررسی سن همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، معلوم می شود که آن حضرت با زن بزرگ تر از خودش ازدواج نکردند و این همان رسم رایج در آن زمان بوده است تنها موردی که در ازدواج های پیامبر صلی الله علیه و آله خلاف رسم فوق به نظر می رسد ازدواج با سوده بوده که برای روشن شدن قضیه ابتدا اصل قصه ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با سوده را می آوریم و بعد نکاتی را یادآور می شویم:

خوله دختر حکیم همسر عثمان بن مظعون بعد از وفات حضرت خدیجه

ص: 217

خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و به ایشان پیشنهاد داد که ازدواج کند. پیامبر صلی الله علیه و آله از او پرسیدند: «آیا شخص خاصی را سراغ داری؟» پاسخ داد: «هم دوشیزه برای شما در نظر دارم و هم بیوه؛ دوشیزه عایشه دختر ابوبکر و بیوه سوده دختر زمعه است». خوله بعد از گرفتن رضایت به منزل سوده رفت و موضوع را با پدر او در میان گذاشت، زمعه ضمن این که پیامبر را کفو کریم خواند، با این وصلت موافقت کرد. (1)

اگر کسی ادعا کند که پیامبر صلی الله علیه و آله با سوده در پیری ازدواج کرده اند، در پاسخ باید گفت: اولاً ازدواج با سوده ازدواج اصلی پیامبر صلی الله علیه و آله نبوده است. سوده بعد از مرگ همسرش بی پناه و بی سرپرست بوده و رسول خدا صلی الله علیه و آله هم به تازگی خدیجه را از دست داده بودند و برای نگهداری فرزندان و سامان دادن به امور منزل با او ازدواج کردند گواه بر این مطلب این است که همزمان از عایشه (که هنگام عروسی با پیامبر صلی الله علیه و آله در سال اول هجری نه ساله بود) خواستگاری کردند. (2)

ثانیاً سوده در سال 54 هجری از دنیا رفته و هیچ کس او را از معمرین و عجوزه ها ذکر نکرده است. معلوم می شود حداکثر سن او موقع ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله سی سال (3) و از ایشان کوچک تر بوده است؛ ضمن این که پیامبر صلی الله علیه و آله هنوز در مکه بودند و شوکت و اقتدار حضور در مدینه را نداشتند و از همسر قبلی شان شش فرزند داشتند با این توصیفات نمی توان پذیرفت که در عنفوان جوانی با زنی چهل ساله ازدواج کرده باشند.

نکته مهم دیگر این که در میان همسران پیامبر صلی الله علیه و آله فقط سن عایشه و خدیجه مطرح شده و درباره دیگران بحث جدی صورت نگرفته است. از گزارش های فراوان در منابع تاریخی و روایی چنین به دست می آید که عایشه حساسیت خاصی به خدیجه داشت تا جایی که از او چنین نقل کرده اند:

ماغرت علی امراه ما غرت علی خدیجه مما کنت اسمع من ذکر رسول الله

ص: 218

1- بیهقی، دلائل النبوه، ج 8، ص 41، ابن سعد، طبقات الکبری، ج 8، ص 26.

2- مسعودی، مروج الذهب، ج 1، ص 655

3- دانشنامه آزاد سوده

به هیچ یک از زنان به اندازه خدیجه حساس نبودم خصوصاً وقتی پیامبر از او یاد می کرد

در جای دیگر می گوید:

كان رسول الله اذ ذكر خديجه لم يكذ يسام من ثناء عليها و استغفار لها فذكرها يوما فحتملنتي الغيره فقلت لقد عوضك الله من كبيره السن...؛ (2) وقتی پیامبر از خدیجه یاد می کرد همواره برای او استغفار و دعا می نمود. روزی از ثنای پیامبر صلی الله علیه و آله بر او ناراحت شدم و گفتم: خدا در ازای آن پیرزن، یک جوان به شما عطا کرده است.

بر همین اساس عده ای سعی در تقدم عایشه بر خدیجه و عده ای نیز بالعکس عمل کرده اند؛ مثلاً ابن کثیر بعد از نقل روایت ذیل از عایشه، نتیجه می گیرد که او بهتر از خدیجه بوده است:

ما تذكر من عجوز من عجائز قریش حمرا الشدقین هلکت فی الدهر ابدلک الله خیرا منها

سپس ادامه می دهد: «این روایت سند خوبی دارد و به اعتقاد من عایشه از خدیجه بهتر است». (3)

دقت در این گزارش دو نکته را روشن می سازد: اولاً کسی قبل از عایشه نسبت عجوز به حضرت خدیجه نداده و از زمان عایشه به بعد مسأله سالمندی خدیجه مطرح گردیده است. همان طور که در مباحث آینده روشن خواهد شد، منسوبان به عایشه و مخالفان امام علی علیه السلام به این موضوع دامن زده اند. نکته ظریف تر و جالب تری که در این متن و دیگر گزارش های شبیه آن به دست می آید، آن است که عایشه می گوید: «خدیجه در حالی مرد که عجوز بود» این نقل دلالت التزامی دارد به این که خدیجه موقع ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و آله پیر نبوده است.

ص: 219

1- ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج 3، ص 238

2- همان.

3- همان، ص 185.

بر اساس گزارش های تاریخی ازدواج با زن مسن در میان اعراب جاری نبوده است؛ برای مثال، وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از ام سلمه خواستگاری کردند، با این که او زن شایسته ای در عرب بود امتناع ورزید و گفت: «من شایستگی همسری شما را ندارم زیرا سن من زیاد است». (1) در حالی که ام سلمه سابقه درخشانی در یاری پیامبر صلی الله علیه و آله داشت: شوهر اولش بر اثر جراحت در جنگ احد شهید شد و خودش نیز در غزوه ها و سریه ها کنار پیامبر صلی الله علیه و آله بود. (2) پس از نظر علاقه به پیامبر و خدمت به اسلام در میان زنان پیامبر صلی الله علیه و آله دارای رتبه والایی است. (3) اگر چه از تاریخ ولادت او اطلاعی در دست نیست؛ به گفته تاریخ نگاران در سال 62 قمری از دنیا رفته است. (4) ابن سعد از قول پسر عموی ام سلمه آورده که او در هنگام وفات 84 سال داشته است. (5) اگر سال ازدواج او با پیامبر را سال چهارم هجری بگیریم، (6) می توان نتیجه گرفت که او موقع ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله فقط هیجده سال داشته و سنش کم تر از پیامبر بوده ولی با این حال سن خود را برای ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله بالا می داند. این گزارش ها و امثال آن، ما را به فرهنگ حاکم بر سنت اجتماعی عرب رهنمون می سازد البته با یکی دو مورد نمی توانیم به فرهنگ اجتماعی آن عصر دست یابیم ولی از آن ها می توان نتیجه گرفت که بعید است پیامبر با زنی ازدواج کرده باشند که پانزده سال از خودش بزرگ تر بود.

فرزندان خدا پیامبر صلی الله علیه و آله

اشاره

همه فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه و ماریه قبطیه هستند. پیامبر از ماریه فقط یک فرزند به نام ابراهیم داشتند که در دوران کودکی از دنیا رفت. (7) بقیه

ص: 220

- 1- آب حبيب، همان، ص 84.
- 2- واقدي، المغازی، ج 2، ص 467.
- 3- صدوق، خصال، ج 2، ص 419
- 4- ذهبي، سيره اعلام النبلا، ج 2، ص 21
- 5- ابن سعد، همان، ج 8، ص 96
- 6- ذهبي، همان، ج 2، ص 419
- 7- ابن حبيب، المحبر، ص 98.

فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه بودند و این موضوع مورد اتفاق تاریخ نگاران است. اما پژوهشگران درباره دو موضوع اختلاف دارند:

اول این که برخی گفته اند پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه دارای هفت فرزند بودند به نام های، قاسم طاهر طیب زینب، رقیه، ام کلثوم و فاطمه علیها السلام که قاسم، طیب و طاهر در جاهلیت از دنیا رفتند ولی دختران ایشان اسلام را درک کردند و با پیامبر به مدینه هجرت نمودند (1) برخی دیگر گفته اند که تعداد فرزندان خدیجه و پیامبر صلی الله علیه و آله شش تن بودند: دو پسر و چهار دختر. پسران قاسم و عبدالله نام داشتند. عبدالله چون در اسلام به دنیا آمده به او طیب و طاهر لقب دادند. (2) عبدالله دو ماهه بوده که از دنیا رفته و حضرت خدیجه علیها السلام موقع وفات او 56 سال و بنابر قول درست تر پنجاه سال داشته اند. (3) نکته قابل تأمل و بعید در این گزارش این است که یک زن از چهل تا 51 سالگی بتواند شش یا هفت فرزند به دنیا بیاورد و حداقل یکی از آن ها بعد از پنجاه سالگی او باشد.

دومین اختلاف در فرزندان حضرت خدیجه سال تولد حضرت زهرا علیها السلام است که قریب به اتفاق اهل تسنن آن را پنج سال قبل از بعثت می دانند، (4) ولی علمای شیعه و برخی از اهل تسنن آن را پنج سال بعد از بعثت دانسته اند؛ مثل مرحوم کلینی که طی روایتی صحیح السنند از قول امام سجاد علیه السلام چنین آورده است:

سعید بن مسیب می گوید از امام سجاد سؤال کردم: «چه زمانی پیامبر صلی الله علیه و آله، و فاطمه علیها السلام را به عقد امام علی علیه السلام در آورد؟ امام پاسخ دادند: «در مدینه وقتی که فاطمه نه سال داشت». (5)

از این روایت و امثال آن سال پنجم بعثت برای تولد حضرت زهرا علیها السلام ثابت می شود. در منابع دیگری هم بدان اشاره شده است. (6) یکی از پژوهشگران معاصر

ص: 221

1- مسعودی مروج الذهب، ج 1، ص 202

2- بیهقی، دلائل النبوه، ج 2، ص 70

3- بیهقی، همان، ج 2، ص 71

4- الدیار بکری، تاریخ الخمیس، ج 1، ص 277.

5- کلینی، کافی، ج 8، ص 340

6- الدیار بکری، تاریخ الخمیس، ج 1، ص 278.

تمام اقوال درباره سال تولد حضرت زهرا علیها السلام را جمع آوری کرده و سال پنجم بعثت را برگزیده است (1) لذا ازدواج ایشان با امام علی علیه السلام در هیجده یا نوزده سالگی اتفاق افتاده و این امر بعید به نظر می رسد زیرا نمی توان قبول کرد که حضرت فاطمه علیها السلام تا نوزده سالگی مجرد بمانند با توجه به موقعیت والای ایشان از جهت نسب و تعدد خواستگاران او و نیز رسم عرب که معمولاً دختران را در سن پایین شوهر می دادند می توان به راحتی ضعف قول مذکور را به دست آورد. اگر تولد حضرت زهرا علیها السلام را در سال پنجم بعثت بگیریم در این صورت سن حضرت خدیجه (بنابر قول چهل سالگی موقع ازدواج با پیامبر) شصت سال می شود و این کاملاً بعید و غیر معقول است که زن در شصت سالگی بتواند بچه ای به دنیا بیاورد و در بحث های گذشته، ضعف سن شصت برای یانسگی مشخص شد.

بعد از ذکر این مقدمات، سخن تاریخ نویسان تا قرن چهارم هجری درباره سن حضرت خدیجه علیها السلام موقع ازدواج با پیامبر را می آوریم و احیاناً نقدهای روش مند تاریخی نیز درباره نظر ایشان خواهیم داشت.

1. سیره ابن هشام (م 213 ق)

ابن هشام درباره ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه می گوید:

فلما بلغ رسول الله صلی الله علیه و اله خمساً و عشرين سنة تزوج خدیجه بنت خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصى بن كلاب بن مره فیما حدثني غیر واحد من اهل العلم عن ابی عمرو المدنی (2)

وی این مطلب را از قول خودش نقل می کند لذا با عبارت «قال ابن هشام» شروع می نماید و در ادامه از قول ابن اسحاق می گوید:

و كانت خدیجه بنت خولید امراه تاجر ذات شرف و مال تستاجر الرجال فیما لها و تضاربهم ایاها بشيء تجعله لهم، فلما بلغها عن رسول الله صلی الله علیه و اله من صدق حدیثه و عظم امانته و کرم اخلاقه بعثت الیه فعرضت علیه عن

ص: 222

1- انصاری، الموسوعة الكبرى، ج 4، ص 121

2- ابن هشام، السيرة النبوية، ج 1، ص 198.

یخرج فی مال لها الی الشام تاجرا ... فلما اخبرها میسره بما اخبرها به بعثت الی رسول الله صلی الله علیه و آله فقالت له فیما یزعمون: یابن عمانی قدر غبت فیک... و کانت خدیجه یومئذ اوسط نساء قریش نسبا و اعظمهن شرفا و اکثرهن مالا کل قومها کان حریصا علی ذلك منها لو یقدر علیه . فلما قالت ذلك لرسول الله صلی الله علیه و آله ذکر ذلك لاعمامه فخرج معه عمه حمزه بن عبدالمطلب، حتی دخل علی خویلد بن اسد فخطبها الیه فترزوها. (1)

ابن اسحاق از تاریخ نگارانی است که درباره اش گفته اند که برای تکمیل گزارش خود از هر شاهدهی بهره می گرفت. (2) این ویژگی در گزارش فوق درباره او کاملاً مشهود است؛ زیرا از ذکر هیچ زاویه ای در ازدواج پیامبر و خدیجه دریغ نکرده ولی سن حضرت خدیجه را نیاورده است. این دو معنا دارد یا او این موضوع را از قلم انداخته و یا خبر مربوط به سن حضرت خدیجه را ندیده است. هر دو احتمال باطل است؛ زیرا نقل انبوه حواشی پیرامون یک حادثه از ویژگی های اوست. (3) پس نمی توان پذیرفت که به سن حضرت خدیجه دست نیافته و یا آن را نیاورده باشد. بنابراین احتمال سوم این است که حتماً خبر چهل سالگی خدیجه را دیده و چون آن را نپسندیده نیاورده است. جالب است که ابن هشام سن حضرت رسول صلی الله علیه و اله را ذکر کرده ولی به سن حضرت خدیجه علیها السلام اشاره نکرده؛ لذا معلوم می شود او هم اعتقادی به چهل سالگی نداشته است.

2. محمد بن سعد (230 ق)

ابن سعد درباره سن حضرت خدیجه می گوید:

اخبرنا محمد بن عمر اخبرنا مغیره بن عبدالرحمان الاسدي عن اهله قالوا: سالنا حکیم بن حزام ایهما کان اسن رسول الله صلی الله علیه و آله او خدیجه؟ فقال: کانت خدیجه علیها السلام اسن منه بخمس عشرة سنة... (4)

ص: 223

1- ابن هشام، همان، ج 1 ص 199-201.

2- رسول جعفریان تاریخ سیاسی اسلام، ج 1 ص 44

3- برکلمان، تاریخ الادب العربی، ج 3، ص 11.

4- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 8 ص 15.

این روایت نشان می دهد که مبدع چهل سالگی برای خدیجه علیها السلام در زمان ازدواج با پیامبر قول حکیم بن حزام است که در سطور بعدی درباره شخصیت و تقابل او با خاندان پیامبر بحث خواهیم کرد نکته ظریف در روایت آن است که از حکیم پرسیده می شود: «کدام یک از آن دو بزرگ تر هستند؟» این سؤال بدان معناست که فاصله سنی میان آن دو زیاد نبوده که این گونه سؤال می کند؛ و گرنه اگر اختلاف سنی پانزده سال بود هرگز معنا نداشت پرسند که کدام بزرگ ترند، اصولاً وقتی می پرسیم کدام یک بزرگ ترند که تفاوت سنی آن ها کم باشد و این را عرف تأیید می کند.

در جای دیگر می گوید:

اخبرنا هشام بن محمد بن السائب عن ابيه عن ابي صالح عن ابن عباس قال: كانت خديجه يوم تزوجها رسول الله صلى الله عليه وآله ابنة ثمان وعشرين سنة... (1)

با دقت در این دو روایت به نکته ای بر می خوریم که چهل سالگی خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله را کاملاً تضعیف می کند. حکیم بن حزام همان است که مسأله تولدش در کعبه را مصعب بن زبیر مطرح نمود. (2) این موضوع را برخی از عالمان اهل سنت و همه علمای شیعه رد کرده اند، زیرا برای تحت تأثیر قرار دادن تولد امام علی علیه السلام در کعبه و به جهت رقابت و دشمنی آل زبیر با علویان ساخته شده است. (3) وقتی بدانیم که حکیم بن حزام در خلافت امام علی علیه السلام با اکره با حضرت بیعت کرد و عثمانی متصلبی بود (4) به خوبی روشن می شود که در رقابت و حسادت عایشه نسبت به خدیجه به نفع عایشه و در دشمنی با آل علی علیه السلام نقش بازی می کرد. لذا در این میدان رقابت به نفع عایشه، سن خدیجه را بالا ذکر می کند تا عجزه بودن او را اثبات کند که عایشه مطرح ساخته بود. از

ص: 224

1- زرکلی، الاعلام، ج 2، ص 269

2- حاکم، المستدرک، ج 2، ص 550

3- عقاد، عبقرية الامام علی، ج 7 ص 42

4- ابن سعد، الطبقات الصغیر، ج 1 ص 135

سوی دیگر، او دانشمند نبود و شغل تجارت داشت (1) و قول او در مقایسه با قول یک نسب شناس یا یک مفسر و تاریخ نگار اعتبار و وزنی ندارد.

از سوی دیگر در روایت دوم ابن سعد دو شخصیت علمی وجود دارند: یکی هشام بن محمد و دیگری ابن عباس درباره هشام باید بدانیم که علما و تاریخ نگاران زیادی به علم و فضل او اعتراف دارند و او را عالم ترین فرد به علم انساب و اخبار جاهلیت و ایام العرب می دانند (2) ذهبی درباره او می گوید: «کان راسا فی الانساب» (3) ابن عباس هم بیشتر یک شخصیت علمی بود تا یک فرد سیاسی و وابسته به مذهب و جناح خاص که زندگی او این موضوع را تایید می کند. او امیرالحاج در دستگاه خلافت عثمان بود (4) و در حکومت امام علی علیه السلام نیز نقش فعال داشت (5) در دوران خلفای هم عصرش نیز دارای موضع معتدلی بود. روایات بی شماری از او در منابع شیعه و سنی نقل شده که آن ها را با پرسش از صحابه ثبت کرده است و هر دو فرقه به اعتبار علمی او معترف هستند. حال باید پرسید: اگر امر دایر شود بین پذیرفتن حرف یک عالم و متخصص در اخبار جاهلیت و نسب شناس مثل هشام بن محمد و یک تاجر که اتفاقاً در میدان رقابت بین علوی و زبیری بازی می کند حرف کدام یک از آن دو پذیرفته می شود؟ بی شک تخصص و جایگاه علمی غلبه می یابد و این یعنی موافقت با روش در مطالعات تاریخی وقتی با یک گزارش تاریخی و یا یک منبع تاریخی برخورد می کنیم، نخست به جایگاه علمی نویسنده یا گزارش دهنده به دقت توجه می شود بعد به تخصص او توجه می کنیم که آیا در حوزه ای که حرف زده، تخصص لازم را دارد یا خیر؟ و سرانجام گرایش و تمایل او بررسی می گردد. و این گرایش ممکن است، دینی مذهبی، قومی قبیله ای و منطقه ای باشد. طی

ص: 225

-
- 1- همان، ج 4 ص 65.
 - 2- یاقوت حموی، معجم الادباء، ج 5 ص 596.
 - 3- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 6 ص 248.
 - 4- اسد الغابه، ج 3 ص 109.
 - 5- همان، ج 3 ص 188.

این مراحل در مطالعات تاریخی ضروری است و روشمند بودن در تاریخ آن را اقتضا می کند با این توضیحات پذیرش نظر هشام و ابن عباس ضروری و رد نظر حکیم بن حزام آسان تر خواهد بود.

دلیل دیگری که قول حکیم را رد می کند این است که ابن سعد در اخبار مربوط به مغازی و جنگ ها قول واقدی را می آورد و می پذیرد و در نسب ها و اخبار مربوط به افراد و اطلاعات فردی، آنان به هشام بن محمد سائب کلبی : می کند. مثلاً وقتی اختلاف موجود درباره زمان شهادت سائب بن مظعون را می آورد این سؤال را مطرح می کند که آیا در بدر کشته شده یا در احد؟ سپس به قول محمد بن هشام اعتماد می کند و او را از شهدای بدر محسوب می دارد (1) و زمان شهادت او را سال دوم هجری ذکر می کند چون وی در مباحث اطلاعات مربوط به اخبار جاهلیت و تاریخ عرب خصوصاً اطلاعات فردی به قول هشام اعتماد می کرده دلیلی ندارد که در این جا هم که بحث به گزارش های زمان جاهلیت و اطلاعات فردی اشخاص مربوط است از موضع خود عدول کند.

3. بلاذری (279 ق)

بلاذری تأکید می کند که خدیجه به پیامبر پیغام داد که «به همراه عموهایت برای خواستگاری من نزد عمویم عمر و رفته مرا از او خواستگاری کنید. من او را راضی خواهم کرد». ابوطالب او را از عمویش خواستگاری نمود و خدیجه با صدق دوازده اوقیه (هر اوقیه معادل چهل درهم) به عقد رسول خدا درآمد. (2) او در ادامه، موضوع سن حضرت خدیجه را مطرح می سازد و احتمالات مختلف را می آورد:

و تزوج رسول الله صلی الله علیه و آله خدیجه و هو ابن خمس و عشرون سنه و هی اربعین سنه و ذلك الثبت عند العلماء و يقال تزوجها و هی ابنة ثمان و عشرين سنة و حدثني الوليد بن صالح ، ثنا الواقدي عن المنذر بن عبدالله عن موسى بن عقبه قال قال حکیم بن حزام تزوج رسول الله عمته خدیجه و

ص: 226

1- ابن سعد، طبقات، ج 3 ص 402

2- بلاذری، انساب الاشراف، ج 1 ص 106-107.

وی در این جا درباره سن حضرت خدیجه با تردید رویه رو شده، لذا وقتی چهل سالگی را ذکر می کند و می گوید که این نزد علما ثابت است، بلافاصله با کلمه «یقال»، به اختلاف موجود در مسأله می پردازد. البته «یقال» اشعار به ضعف قول مقابل است. اصولاً در انساب الاشراف، وقتی موضوعی اختلافی باشد، از اظهار نظر صریح خودداری می شود مثلاً درباره جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه هنگام رفتن پیامبر صلی الله علیه و آله برای صلح حدیبیه، بین تاریخ نویسان اختلاف است که ابن ام مکتوم بوده یا ابورهم بلاذری در بیان ماجرا به این اختلاف اشاره و اقوال متفاوت را ذکر می کند. (2) از این موارد در انساب الاشراف به وفور دیده می شود. علت این امر هم این است که بلاذری، با روش تاریخی و نه حدیثی به نوشتن کتاب پرداخته است. تاریخ نویسان در روش تاریخی، گزارش های متعدد را می بیند نقد متن می کند و نه صرفاً نقد سند، آن وقت به تبیین حادثه می پردازد از سوی دیگر، وقتی از تعبیر «یقال» استفاده می کند این بدان معنا نیست که این، قول مطلقاً ضعیف است، بلکه به منزله اشکال و نقضی است که بلاذری به حرف مشهور می زند؛ زیرا از منابع متعدد و راویان متفاوت در اظهار نظر خویش بهره برده است؛ از جمله:

1. محمد بن مسلم شهاب زهری (124 ق)؛

2. عوانة بن حکیم (147 ق)؛

3. ابو مخنف (157 ق)؛

4. هشام بن محمد بن سائب کلبی (204 ق)؛

5. محمد بن عمرو واقدی (207 ق)؛

6. هیثم بن عدی (208 ق)؛

7. علی بن محمد مدائنی (225 ق).

ص: 227

1- همان، ص 108

2- همان، ج 1، ص 441.

همان طور که از این اسامی بر می آید گرایش ها و تخصص های مختلف در افراد یاد شده وجود دارد ممکن نیست بلاذری در نقل هایش به آنان اعتماد نکند و اختلاف آرا بین ایشان را نادیده بگیرد. اصولاً برای شخصیتی مثل بلاذری که در محیط عراق و خصوصاً کوفه نمو علمی داشته (1) و کاملاً پرسش مدارانه رفتار می کند به راحتی حرفی را نمی پذیرد و تسلیم قولی نمی شود. شاید به همین علت در نقل حوادث سال دهم بعثت وقتی به فوت ابوطالب و خدیجه اشاره می کند، سن ابوطالب را موقع مرگ بیان می نماید (بضع و ثمانون سنه)؛ ولی از ذکر سن حضرت خدیجه خودداری می کند (2) این می تواند قرینه ای باشد که چهل سالگی خدیجه را نپذیرفته است. اصولاً بلاذری در گزارش تاریخی، مورد اختلاف به اظهار اختلاف می پردازد؛ مثلاً درباره زمان حضور مسلمانان در مدینه و هجرت آنان از مکه می گوید:

فیقال انه کان بین اولهم و آخرهم اکثر من سنه. (3)

«یقال» در این عبارت به معنای ضعف قول نیست بلکه بر اختلافی بودن قضیه دلالت می کند و با مراجعه به منابع تاریخی می بینیم که موضوع اختلافی است، و گر نه در جاهایی که به اطمینان رسیده با قاطعیت سخن گفته است؛ مثلاً در قضیه هجرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به یثرب و همراهی ابوبکر با او به نکته جالبی اشاره می کند که نشان از دقت او در امر تاریخ نگاری است. وی می گوید:

موقعی که ابوبکر قصد هجرت نمود با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مشورت کرد پیامبر صلی الله علیه و آله از او خواستند که فعلاً موضوع را مخفی نگه دارد و او چهار ماه به مرکبش برگ سمور خوراند. (4)

این که بلاذری زمان چهار ماه را آورده و نوع علوفه اشاره کرده، از دقت او حکایت می کند که موضوع با همه جزئیات آن برای وی محرز شده است. وقتی

ص: 228

1- ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج 2 ص 269

2- بلاذری، همان، ج 1، ص 273.

3- همان، ص 303.

4- همان، ص 306.

این نکات را کنار اشکالاتی مثل عدم سرزنش قریش از پیامبر صلی الله علیه و آله برای ازدواج با خدیجه چهل ساله و امکان ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با دوشیزگان در مکه حتی در سه سال پایانی حضور حضرت در آن شهر (سال های 10 تا 13 بعثت) قرار می دهیم، نتیجه می گیریم که بلاذری در سن خدیجه موقع ازدواج، دچار تردید است. ایراد اساسی تر به قول اول (چهل سالگی) این است که وی می گوید: «این قول نزد علما ثابت است». اولاً در صفحات گذشته دیدیم که موضوع چهل سالگی حضرت خدیجه در بین علما کاملاً اختلافی است. ثانیاً بلاذری بر اساس روایت حکیم بن حزام می گوید که علما گفته اند سن حضرت خدیجه در موقع ازدواج چهل سال بوده است. منشأ قول چهل سالگی روایتی از حکیم است که طی، آن سال تولد خدیجه پانزده سال قبل از عام الفیل ذکر شده است.

4. یعقوبی (284 ق)

یعقوبی درباره سن ازدواج خدیجه علیها السلام چنین می گوید:

تزوج رسول الله صلی الله علیه و آله خدیجه بنت خویلد و له خمس و عشرون سنه و قیل: تزوجها و له ثلاثون سنه ، و ولدت له قبلان بیعت القاسم و رقیه و زینب و ام کلثوم و بعد ما بعث عبدالله و فاطمه (1)

وی در این گزارش به سن حضرت خدیجه اشاره نکرده و فقط اختلاف موجود در سن پیامبر صلی الله علیه و آله را بازگو نموده اما در بیان وفات حضرت خدیجه به سن او اشاره کرده است:

و توفیت خدیجه بنت خویلد فی شهر رمضان قبل الهجرة بثلاث سنین و لها خمس و ستون سنة.... (2)

با این عبارت اخیر، مشخص میشود که خدیجه هنگام ازدواج چهل ساله بوده است در نقد نظر یعقوبی به چند نکته اشاره می شود:

ص: 229

1- یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 20.

2- همان، ص 35.

اولاً گزارش های وی بدون سند ذکر شده و مشخص نیست از چه منابعی استفاده کرده چون مقدمه جلد اول تاریخ یعقوبی به دست ما نرسیده است. در روش مطالعات تاریخ باید دید که کتاب از چه منابعی استفاده کرده، بعد دید مطالب آن منابع در منابع دیگر تاریخی آمده یا خیر کتاب یعقوبی، سند ندارد؛ پس امکان نقد سندی برای گزارش های او ممکن نیست

ثانیاً وقتی امکان نقد سندی برای کتابی وجود نداشت به نقد متنی می رسیم.

با حفظ مقدمه فوق دو اشکال اساسی به یعقوبی درباره سن حضرت خدیجه در زمان ازدواج وارد است:

1. وی به استخدام رسول خدا صلی الله علیه و آله برای خدیجه علیها السلام در سفرهای تجاری اعتقاد ندارد و آن طور که از کلامش بر می آید پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام رغبت داشته است. (1) اگر می گفت پیامبر صلی الله علیه و آله فقر مالی داشته و در کار کردن برای خدیجه توانسته علاقه او را جلب کنند شاید بتوان قول چهل سالگی را پذیرفت، ولی بر اساس مبنای یعقوبی، چه ضرورتی داشت که نوه عبدالمطلب که صاحب ارج و قرب والایی در مکه و در میان قریش بود (2) و امکان ازدواج با دختران و دوشیزگان عرب را داشت و حتی برخی زنان خود را به آن حضرت هبه می کردند. (3) با زنی ازدواج کند که حداقل ده سال از خودش بزرگ تر بود (اگر قول سی سالگی پیامبر در حین ازدواج را بپذیریم یعقوبی آورده که در منابع دیگر نیست و خلاف مشهور است).

2. یعقوبی آورده که دو تن از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله (عبدالله و فاطمه) بعد از بعثت به دنیا آمدند. (4) این قول درباره تولد حضرت زهرا علیها السلام که موافق با قول علمای شیعه است. (5) با سن بالای حضرت خدیجه علیها السلام موقع تولد حضرت زهرا علیها السلام نمی سازد؛ زیرا زایمان زن در سن حدود شصت سالگی بعید و غیرعادی

ص: 230

1- همان، ص 20

2- همان، ص 19

3- همان، ص 84.

4- همان، ص 20.

5- طبری، اعلام الوری، ج 1 ص 290 .

است. (1) این که می‌گوییم خدیجه در حدود شصت سالگی، فاطمه علیها السلام را به دنیا آورد، چون خود یعقوبی در وفات خدیجه گزارش کرده که حضرت فاطمه علیها السلام در مرگ مادرش گریه می‌کردند و از رسول خدا می‌پرسیدند: «مادرم کجاست؟» و رسول خدا صلی الله علیه و آله دخترش را دل‌داری می‌دادند (2) از این گزارش تاریخی بر می‌آید که حضرت زهرا علیها السلام در حین وفات مادرش حداقل سه یا چهار سال داشته‌اند.

5. محمد بن جریر طبری (310 ق)

طبری درباره ازدواج خدیجه با پیامبر صلی الله علیه و آله ابتدا به چهل سالگی خدیجه تصریح می‌کند:

نکح رسول الله خدیجه و هو ابن خمس و عشرون سنة و خدیجه یومئذ ابنة اربعین سنة. (3)

در جای دیگر، به اختلاف نظر در ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام اشاره نموده می‌گوید در این باره اختلاف اقوالی نیز وجود دارد. (4)

چند نکته در این اظهار نظر جلب توجه می‌کند:

اول این که قول به چهل سال را بدون ذکر سند آورده که البته در روش تاریخی اکتفا به سند در ارزیابی‌ها کافی نیست (5) بلکه به نظر می‌رسد نقد متنی بر نقد سندی مقدم است و اولویت دارد خود طبری در گزارش‌های فراوانی که در کتابش آورده به ذکر سند پرداخته است و اگر مواردی مثل سن حضرت خدیجه را بدون سند آورده خلاف روش خویش رفتار کرده است.

دوم، برخی گفته‌اند ویژگی دیگر طبری آن است که در نقل روایی، نقل‌های مختلفی را از یک حادثه می‌آورد این شیوه فرصت لازم را در اختیار محقق قرار

ص: 231

1- شهید صدر الفتاوی الواضحه، ج 1 ص 138.

2- یعقوبی، همان، ج 2، ص 35.

3- طبری، تاریخ الامم والملوک، ج 1، ص 521

4- همان، ص 523.

5- رسول جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، ج 1 ص 126.

می دهد تا دیدگاه های معارض را درباره یک حادثه به دست آورد و با توجه به روش های علمی درباره آن ها به تحقیق پردازد. (1) بر اساس نکته اخیر، این که طبری اختلاف اقوال را در مورد سن حضرت خدیجه می آورد، در واقع راه را برای قضاوت محقق باز می کند بر اساس گزارش، او می توان قول دوم را تقویت کرد. توضیح این که طبری در رد این مطلب که خدیجه پدرش را مدهوش ساخته تا با نارضایتی او در ازدواج خللی ایجاد نشود، می گوید:

در آن زمان پدر او مرده بود و خدیجه به اذن عمویش به عقد پیامبر صلی الله علیه و آله در آمد و عمویش را خوابانید تا بدون مزاحمتی به عقد پیامبر صلی الله علیه و آله در آید. وقتی عمویش بیدار شد در مقابل کار انجام شده قرار گرفت. (2)

اگر این گزارش را بپذیریم باید گفت که ممکن نیست زن چهل ساله ای که صاحب مال و مکتب فراوان و نیز بیوه است برای ازدواج نیاز به اجازه عمویش داشته باشد. این گزارش با کم سن بودن خدیجه سازگارتر است.

6. مسعودی (346 ق)

مسعودی سن پیامبر صلی الله علیه و آله را در حین ازدواج با خدیجه 26 سال می داند و درباره سن خدیجه علیها السلام، به اقوال مختلف اشاره می کند:

وفي سنة ست و عشرين كان تزويجه بخديجه بنت خويلد و هي يومئذ بنت اربعين و قيل في سننها غير هذا. (3)

در این گزارش به سن حضرت خدیجه علیها السلام اطمینان ندارد درباره مسعودی باید بدانیم که او علاوه بر علم، تاریخ به علت مسافرت های فراوان یک جامعه شناس و فرهنگ شناس هم بود (4) لذا در گزارش های تاریخی، بستر شناسی هم می کند به همین جهت برخی تاریخ نگاران می گویند: کتاب مروج الذهب

ص: 232

1- همان، ص 125

2- طبری، همان، ج 1، ص 523.

3- مسعودی مروج الذهب، ج 2، ص 294

4- جعفریان، همان، ج 1 ص 135.

تنها بر اخبار تاریخی مشتمل نیست بلکه بسیاری از مسائل فرهنگی و... نیز در آن منعکس شده است. (1) از سوی دیگر، گفته اند که منابع مورد استفاده او در مروج الذهب فراوان بوده است و او مهم ترین کتب تاریخی موجود زمانش را دیده است. (2) پس حتماً چهل سالگی خدیجه اخبار معارضی داشته که مسعودی به آن تکیه نکرده است

نتیجه

از بررسی منابع تاریخی تا پایان قرن چهارم هجری، با کمک روش تاریخی، درباره سن حضرت خدیجه علیها السلام در موقع ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله نتایج ذیل به دست می آید:

1. چهل سالگی ایشان حین ازدواج، کاملاً مورد اختلاف و تردید، تاریخ نگاران مقدم است به طوری که هیچ یک از آنان با قطعیت، متعرض به آن نشده اند.

2. روایات و گزارش های چهل سالگی دارای اشکالات متعدد سندی و متنی است که هرگز نمی توان به آن اعتنا کرد از جمله این اشکالات، می توان به مواردی مثل مخالفت با فرهنگ و رسوم ازدواج در عرب قبل از بعثت، عدم امکان تولد هفت الی هشت فرزند توسط یک زن چهل ساله آن هم تولد برخی از آنان در سن یائسگی، عدم ازدواج مردان با زنان بزرگ تر از خود در حالی که امکان ازدواج با دوشیزگان برای آن ها فراهم باشد.

3. به نظر می رسد موضوع عجوزه بودن حضرت خدیجه به عنوان ابزاری برای تخریب شخصیت ایشان و افراد منسوب با ایشان از جمله امام علی علیه السلام در منازعات قومی - قبیله ای و جناحی در دست قرار گرفته است.

4. سن حضرت خدیجه علیها السلام در موقع ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله 26 و نهایتاً 28 سال بوده و نسب شناسانی مثل هشام بن محمد کلبی به آن اقرار کرده اند.

ص: 233

1- همان، ص 139

2- همان، ص 138.

قرآن مجيد.

1. ابن اثير، عزالدين ابوالحسن علي بن الكرم الشيباني، الكامل في التاريخ، بيروت، داراحياء التراث العربي، 1994م.
2. ابن اثير، عز الدين ابي الحسن علي بن محمد الجزري، اسدالغابة في معرفة الصحابه، بيروت، دارالفكر، 1989م.
3. حبيب ابي جعفر محمد بن حبيب، المحبر، تصحيح دكتور ايلزه ليختن شتيز، بيروت دارالافاق الجديده بي تا
4. ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي الاصابة في تمييز الصحابه، تحقيق الشيخ عادل احمد عبدالموجود، بيروت، دارالكتب العلميه، 1995 م.
5. ابن خياط، خليفه بن خياط بصرى تاريخ خليفه، بيروت، دار الكتب العلميه، 1387 هـ .
6. ابن سعد، محمد بن سعد الكاتب، الطبقات الصغير، تونس، دارالغرب الاسلامي، 2009 م.
7. ابن سعد، محمد بن سعد الكاتب، الطبقات الكبرى، بيروت، دارصادر 1377 هـ
8. ابن عبدالبر، ابو عمر يوسف بن عبد الله، الاستيعاب في معرفة الاصحاب، بيروت، دارالجيل، 1992 م
9. ابن عساکر، الحافظ، تاريخ مدينه دمشق، تحقيق سكينه السهاى، سوريه، دارالفكر، بي تا.
10. ابن كثير، ابوالفداء اسماعيل بن كثير، البدايه والنهاية، بيروت، دار احياء التراث العربي بي تا
11. ابن هشام عبدالملك بن هشام، السيرة النبويه، تحقيق مصطفى السقا بيروت، داراحيا، التراث 1936 م
12. اربلى، ابوالحسن علي بن عيسى، كشف الغمه في معرفة ال ائمه عليهم السلام

تصحیح سید ابراهیم عیانجی قم، کتابفروشی اسلامیہ، 1364 ش.

13. امین، سید محسن، اعیان الشیعة، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، 1406 ق.
14. انصاری، اسماعیل، الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء، قم، دلیل ما، 1428 ق.
15. بیہقی، ابوبکر احمد بن الحسین البیہقی، دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة، تحقیق دکتور عبدالمعطی قلعبجی، بیروت، 1985 م.
16. ترماتینی، الزواج عند العرب في جاهلية والاسلام، دمشق، بی تا.
17. حافظ احمد بن عبد الله، ذخائر العقبي مصر، مكتبة الدين حسام الدين، 1356 هـ.
18. حسن ابراهيم حسن، تاريخ الاسلام، السياسي والديني والثقافي، قاهره، چاپ هفتم، 1994 م.
19. الديار بكرى حسين بن محمد بن الحسن، تاريخ الخميس في احوال انفس نفيس، بيروت، دار صادر، بی تا.
20. ذهبی، شمس الدين محمد بن احمد بن عثمان، تاريخ الاسلام و وفیات المشاهير و الاعلام تحقیق دکتور محمد عبد الاسلام تدمری، بیروت، دار الكتاب العربي، 1994 م.
21. صدر سید محمد باقر، الفتاری الواضحه چاپ سوم، بیروت، دارالکتاب 1977 م.
22. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، تاج الموالید فی موالید ال ائمه علیهم السلام و وفیاتهم، مکتبہ بصیرتی، بی تا.
23. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک، قاهره، مطبعة الاستقامة، 1939 م.
24. عقاد، عباس محمود عبقرية الامام على عليه السلام، بیروت، 1967 هـ.
25. فوزی ابراهیم، احکام الاسرة في الجاهلية و الاسلام، بیروت، دار الکلمه،

26. كليني، الكافي، تصحيح علي ابر غفاري، تهران، 1391 هـ.
27. مجلسي، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الاثمه الاطهار، بيروت، مؤسسه الوفاء، 1403 ق
28. مسعودي، ابوالحسن علي بن الحسين، مروج الذهب و معادن الجواهر، قم، دار الهجرة، 1409ق.
29. مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، مسار الشيعة في مختصر تواريخ الشريعة، قم، كنگره بزرگداشت، 1413ق.
30. مقدسي، احمد هلال المطهر، بيروت، دار صادر، 1988م.
31. يعقوبي، احمد بن اسحاق بغدادى، تاريخ يعقوبى، بيروت 1960م.
32. يوسفى غروى، محمد هادى، موسوعة التاريخ الاسلامى، قم مجمع الفكر الاسلامى، 1417ق.

سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: حسین تهرانی

موضوع سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از جمله مسائلی است که صاحب نظران درباره آن اختلاف نظر داشته اند و هر یک با استشهاد به دلایل روایی و تاریخی برای اثبات یا نفی آن تلاش کرده اند. در این مقاله، دیدگاه های اندیشه وران نقد و بررسی گردیده و قول صحیح در این باره تبیین شده است.

در منابع مختلف درباره سن رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام ازدواج چهار قول ذکر شده که عبارتند از: 21، 23، 25 و سی سال که در میان آن ها، قول 25 سال مشهور است. در واقع پانزده سال قبل از بعثت و روایات متعدد این قول را تأیید می کند؛ از جمله:

... زوّج بها و هو ابن خمس و عشرين سنه ، قبل أن یبعثه الله نبیاً بخمس عشرة سنة؛ (1)

پیامبر صلی الله علیه و آله ، با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کردند و 25 سال داشتند و هنوز پانزده سال مانده بود تا به پیامبری برسند.

در مورد سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام پیوندش با والاترین جوان روزگاران دیدگاه ها یکسان نیست و تاریخ نگاران سن ایشان را بین 25 تا 46 سال بیان نموده اند؛ به شرح ذیل:

الف) 25 سال که بیهقی آن را درست دانسته است وی بر این قول صحه

ص: 237

1- أبوالفداء اسماعیل بن عمرو ابن کثیر الدمشقی ، البدایه و النهایه ، ج 2، ص 295؛ نورالدین علی بن ابراهیم الحلبي، السیره الحلبيه ، ج 1، ص 227.

می گذارد و می گوید:

... ثم بلغت خديجة خمسا وستين سنة، ويقال خمسين سنة وهو أصح؛ (1)

می گویند که حضرت خدیجه علیها السلام، در 65 یا پنجاه سالگی وفات یافت در حالی که پنجاه سالگی درست تر است.

بنابراین اگر حضرت خدیجه علیها السلام پانزده سال قبل از بعثت (2) با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرده که بیهقی نیز آن را تأیید می کند یعنی هنگام ازدواج 25 سال داشته (3) و سال وفات ایشان هم سال دهم بعثت است در میان معاصران نیز برخی از علما تصریح کرده اند که حضرت خدیجه علیها السلام در زمان بعثت، بانویی چهل ساله بوده. اند حال با توجه به این که در زمان بعثت 15 سال از ازدواج ایشان گذشته، پس هنگام ازدواج، 25 سال داشته اند.

ب) 28 سال که بیش تر آن را ترجیح می دهند. ابن عماد حنبلی، به نقل از صحیح بخاری می نویسد:

وتزوج خديجة و هو ابن خمس و عشرين سنة، و هي بنت اربعين على الصحيح فيهما؛

پیامبر صلی الله علیه و آله، با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کردند و 25 سال داشتند و حضرت خدیجه علیها السلام، به احتمال قوی دختری چهل ساله بودند.

سپس در رد این نظریه می گوید:

ورجح كثيرون أن ها ابنة ثمان وعشرين و...؛ (4)

ص: 238

1- ابوبکر احمد بیهقی، دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه، ج 2، ص 71؛ ابوالفداء اسماعیل ابن کثیر، السیره النبویه صلی الله علیه و آله، ج 1، ص 264؛ همو، البدایه والنهایه، ج 2، ص 294.

2- ابوبکر احمد بیهقی، دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه، ج 2، ص 72: ... زوّج بها و هو ابن خمس و عشرين سنة، قبل أن یبعثه الله نبیا بخمس عشره سنه؛ پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام در 25 سالگی ازدواج کردند و هنوز پانزده سال مانده بود تا به پیامبری رسند. «سید جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الأعظم صلی الله علیه و آله، ج 2، ص 110 و 116.

3- ابوالحسن بلاذری، انساب الأشراف، ص 98؛ شمس الدین محمد بن احمد الذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 111؛ نورالدین علی بن ابراهیم الحلبي، سیره الحلبيه في سیره الأئمة و المأمون، ج 1، ص 140؛ ابن عساکر، مختصر تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 275.

4- شهاب الدین ابوالفلاح عبد الحی ابن العماد الحنبلی دمشقی، شذرات الذهب في أخبار من ذهب، ج 1، ص 134، در رویدادهای سال یازده قمری؛ ابن اثیر، جامع الأصول، ج 5، ص 183 و 184؛ سید جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج 2، ص 116.

در حالی که بسیاری از تاریخ نگاران (1) این دیدگاه را ترجیح داده اند که حضرت خدیجه علیها السلام به هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، دوشیزه ای 28 ساله بوده است.

بلاذری نیز ضمن بحث در این مورد می نویسد:

... تزوّجها و هو ابن ثلاث و عشرين سنة و هی ابنة ثمان و عشرين سنة؛ (2)

پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام ازدواج با حضرت خدیجه علیها السلام، جوانی 23 ساله حضرت خدیجه علیها السلام، دختری 28 ساله بوده اند.

ابن عساکر، به نقل از ابن عباس می گوید:

كانت خدیجه علیها السلام يوم تزوّجها رسول الله [صلی الله علیه و آله] ابنة ثمان و عشرين سنة و مهرها اثنتی عشرة أوقیة و كذلك كانت مهور نسائه؛ (3)

روزی که حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرد، دختری 28 ساله بودند و مهریه آن، بزرگوار دوازده اوقیه [نود مثقال مکی] بود که با مهریه دیگر زنان برابری می کرد

ابن کثیر می نویسد:

حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ارتحال، پنجاه ساله بود که 25 سال آن را در خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را سپری کرده بود. (4)

کلبی، از شیعیان امیر مؤمنان علی علیه السلام به نقل از ابن عباس می گوید:

انّ النّبی [صلی الله علیه و آله] تزوّجها بنت ثمان و عشرين سنة؛ (5)

پیامبر صلی الله علیه و آله، با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کردند و او دختری 28 ساله بود.

ص: 239

1- ابن عماد حنبلی (متوفی در قرن 11ق) در کتاب خود به معرفی 45 نفر از تاریخ نویسان سال اول تا هزارم هجری پرداخته و ضمن بیان حوادث مهم و وفیات و تراجم اعلام کوشیده بی طرفی خویش را حفظ کند اما گاه به نقد و تحلیل منابع فراوانی می پردازد که در نگارش بر آن ها تکیه داشته است.

2- ابوالحسن بلاذری، انساب الأشراف، ج 1، ص 98.

3- ابوالقاسم بن حسن ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 3، ص 193.

4- ابوالفداء اسماعیل بن عمرو ابن کثیر الدمشقی، البدایه و النهایه، ج 2، ص 359.

5- شمس الدین محمد بن احمد الذهبي، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 111.

حاکم نیشابوری قول 28 سال را به نقل از ابن اسحاق روایت می کند:

و کان لها یوم تزوّجها ثمان و عشرون سنة؛ (1)

روزی که حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کرد، 28 ساله بود.

وی به طور واضح سن حضرت خدیجه علیها السلام را روشن نساخته اما آن جا که از هشام بن عروه نقل می کند که گفت:

توقّیت خدیجه بنت خویلد رضی الله عنها وهی ابنة خمس و ستین سنة؛

حضرت خدیجه علیها السلام، در 65 سالگی وفات یافته است.

می گوید:

هذا قول شاذ فإن الذی عندی آن ها لم تبلغ ستین سنة؛

این سخن نادر و شاذی است و به نظر من ایشان به 60 سالگی نرسیدند.

بنابراین ایشان بر آنند که سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج، کم تر از سی سال بوده است.

ابن عباس نقل می کند:

أنه تزوّجها صلی الله علیه و آله و هی ابنة ثمانی و عشرين سنة و مهرها اثنتی عشرة أوقیة و كذلك كانت مهر نساءه؛ (2)

روزی که حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرد، دختری 28 ساله بود و مهریه آن بزرگوار دوازده اوقیه [نود مثقال مکی] بود که با مهریه دیگر زنان برابری می کرد

ابن حماد می گوید:

بلغنی أنّ رسول الله صلی الله علیه و آله تزوّج خدیجه علی اثنتی عشرة أوقیة ذهباً و هی یومئذ ابنة ثمانی و عشرين سنة؛ (3)

به من خبر دادند که پیامبر صلی الله علیه و آله، با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کردند و مهریه اش دوازده اوقیه طلا و حضرت خدیجه علیها السلام، 28 ساله بود.

ص: 240

1- حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 182.

2- محمّد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج 16، ص 10.

3- همان، ج 16، ص 12.

نویری، قول به 28 سال را پذیرفته و در مورد چهل سال می گوید: «قیل»؛ یعنی از نظر وی سند مشخص و معلومی برای قول چهل ساله بودن حضرت خدیجه علیها السلام وجود ندارد:

فتزوجها [صلی الله علیه و آله] و هو ابن خمس و عشرين سنة و شهرين و عشرة أيام، و خدیجه یومئذ بنت ثمان و عشرين سنة، قیل: بنت أربعين سنة؛ (1)

پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کردند و 25 سال و دو ماه و ده روز داشتند و حضرت خدیجه علیها السلام 28 ساله بود و گفته اند که چهل سال داشت.

ابن سعد با اسناد خود به نقل از ابن عباس می گوید:

أخبرنا هشام بن محمد بن السائب عن أبيه عن أبي صالح عن ابن عباس: قال كانت خدیجه یوم تزوجها رسول الله [صلی الله علیه و آله] ابنة ثمان و عشرين سنة و مهرها اثنتی عشرة أوقیة؛ (2)

ابن عباس گفت: روزی که حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرد، دختری 28 ساله بودند و مهریه اش دوازده اوقیه [نود مثقال مکی] بود.

پس بی شک سن مبارک حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، کم تر از سی سال بوده و تاریخ نگارانی که بیش تر از سی سال را مطرح نموده اند، دلیلی برای قول خود ذکر نکرده اند. مطلب دیگر این که با توجه به فرزندان که حضرت خدیجه علیها السلام بعد از ازدواج به دنیا آورده، با چهل ساله بودن ایشان مناسبتی نداشته و نمی تواند مطابقتی با واقع داشته باشد! از طرفی، وجود خواستگاران زیاد و استتکاف از پذیرش آنان (3) خود مطلبی است که وضعیت

ص: 241

1- شهاب الدین احمد الثویری، نهاییه الارب فی فنون الأدب، ج 16، ص 98.

2- ابو عبدالله محمد ابن سعد (کاتب واقدی)، الطبقات الکبری، ج 8، ص 13؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه علیهم السلام، ج 1، ص 510 و 513؛ وقال ابن حماد بلغني أن رسول الله تزوج خدیجه علی اثنتی عشره أوقیه ذهباً و هي یومئذ ابنة ثمانی و عشرين سنة؛ ابن حماد گفت: خبرم کردند که رسول خدا صلی الله علیه و آله با مهریه دوازده اوقیه طلا با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کرد و حضرت خدیجه علیها السلام، 28 سال داشتند.

3- محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج 16، ص 22 و 23.

سنی مناسبی را برای یک زن آشکار می کند وضعیت سنی مناسب، یکی از جاذبه های طبیعی زن است که از کثرت خواستگاران حکایت می کند؛ زیرا همه کسانی که اخباری نقل کرده اند و روایاتی از آنان برجای مانده - از شیعه و اهل سنت - اجماع دارند مردی از اشراف قریش و رؤسای آنان نمانده بود که به خواستگاری حضرت خدیجه علیها السلام نرود و یا درصدد آن بر نیاید؛ از جمله عقبه بن ابی معیط؛ صلت بن ابی یهاب، ابوجهل بن هشام و ابوسفیان حضرت خدیجه علیها السلام از پذیرش استتکاف می نمود تا جایی که وقتی به همسری رسول خدا صلی الله علیه و آله در آمد، زنان قریش بر او خشم گرفتند و از او کناره گیری کردند و گفتند:

بزرگان و اشراف، قریش از تو خواستگاری کردند و به همسری هیچ یک در نیامدی و به همسری حضرت محمد - یتیم ابوطالب که مردی فقیر است و مالی ندارد - در آمدی!

حال چرا لازم است این همه اختلاف درباره سن این بانوی بزرگ هنگام ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله مطرح شود؟ آیا این تعمدی و بر اساس سیاست پنهان بوده است؟ آیا می خواهند انتخاب شایسته حضرت خدیجه علیها السلام را زیر سؤال ببرند که اگر بانویی به بالای سن چهل برسد، تن به ازدواج با هر شرایطی خواهد داد و انتخاب حضرت محمد امین صلی الله علیه و آله برای ایشان در این سن فضیلت نبوده است؟ آیا هدف کاستن مقام و منزلت و ارزش پیامبر صلی الله علیه و آله بوده که به ازدواج با بیوه چهل ساله ای تن داده اند تا به مال و ثروت او دست یابند؟

لازم است گفته شود این دسیسه ای از طرف دشمنان اسلام یهود و پیروان بنی امیه به منظور کاستن شخصیت و عظمت حضرت خدیجه علیها السلام بوده است.

حضرت خدیجه علیها السلام ، به غیر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با کسی ازدواج نکرد

عده ای بر آنند که حضرت خدیجه علیها السلام ، هنگام مفتخر شدن به همسری پیامبر صلی الله علیه و آله ، بانویی بودند که چیزی حدود چهار دهه زندگی شایسته و مترقی داشته و هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صاحب فرزند بوده است! این دیدگاه، سست و ناشی از اشتباه تاریخ نگاران و یا به هر دلیل دیگر است! گفته شده که پیامبر صلی الله علیه و آله ، با دوشیزه ای جز عایشه ازدواج نکرده و درباره حضرت خدیجه علیها السلام می گویند که قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله ، با دو نفر دیگر ازدواج کرد و از آنان فرزندان نیز داشت و آن دو عتیق بن عائذ بن عبدالله مخزومی و ابوهاله تمیمی بوده اند.

این ادعا مخدوش و از ساخته های دشمنان است. سید مرتضی در الشافی و شیخ طوسی در تلخیص الشافی همین دیدگاه را آورده و چنین تصریح کرده اند:

حضرت خدیجه علیها السلام به هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، دوشیزه بود. (1)

بلاذری نیز در این باره می نویسد:

پیامبر صلی الله علیه و آله به هنگام ازدواج با حضرت خدیجه علیها السلام ، جوانی 23 ساله و حضرت خدیجه علیها السلام دوشیزه ای 28 ساله بودند. (2)

علامه مجلسی در این باره می نویسد:

آن چه این نکته را تأیید و به آن تأکید می کند، این است که حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله ، دوشیزه بود و رقیه و زینب، دختران او نبودند بلکه دختران خواهرش هاله بودند و تحت سرپرستی و مدیریت و مراقبت او قرار گرفتند؛ این تأکیدی در دو کتاب البدع و نیز

ص: 243

-
- 1- بحار الأنوار، ج 22، ص 199؛ محمد باقر مجلسی، حیوه القلوب، ج 2، ص 595؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، ج 1، ص 138؛ عبدالله مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج 3، ص 77؛ ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه فی احوال النساء الشیعه، ج 2، ص 269؛ الصحیح من سیره النبی الأعظم ج 2، ص 123.
 - 2- أنساب الأشراف، ج 1، ص 98.

ابن حمّاد حنبلی دانشمند معروف اهل سنت در این باره می نویسد:

بسیاری از تاریخ نگاران این دیدگاه را ترجیح داده اند که حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، 28 ساله بوده است. (3)

ابن شهر آشوب، حدیث نگار نامدار شیعه در این باره می نویسد:

ان النبي قد تزوّج خدیجه و هی عذراء؛ (4)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در حالی با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کردند که او دوشیزه بود. واقعی می گوید:

و كانت خدیجه علیها السلام و هی بکر...؛ (5)

حضرت خدیجه علیها السلام (به هنگام ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله)، باکره بوده است.

عمادالدین، طبری در این باره می نویسد:

در کتب تاریخ آمده، حضرت خدیجه علیها السلام باکره بود که به عقد رسول خدا صلی الله علیه و آله درآمد و رؤسای عرب و اشراف از او خواستگاری نمودند و او هیچ کدام را اجابت نکرد! حال چگونه او به ابی هند که از لام بنی تمیم بود پاسخ مثبت داده است؟! (6)

اسماعیل بن محمد بن فضل اصفهانی در این باره می نویسد:

لَمَّا بَلَغَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَمْسًا وَعَشْرِينَ سَنَةً وَ لَيْسَ لَهُ بِمَكَّةَ إِسْمٌ إِلَّا الْأَمِينُ.

ص: 244

1- الأنوار، از تألیفات ابو الحسن البکری، و «البدع» همان کتاب «الإستغاثه في بدع الثلاثه» است که از تألیفات ابوالقاسم کوفی (م 352

ه- ق) بوده؛ عالم امامیه ای که نسبش از طریق امام حسین علیه السلام به امام امیر مؤمنان علی علیه السلام می رسد.

2- نك: مناقب آل ابی طالب علیه السلام، ج 1، ص 160؛ بحار الأنوار، ج 22، ص 191.

3- شذرات الذهب، ج 1، ص 14.

4- سیّد جعفر مرتضی، بنات النبی أم ربائنه، ص 75 - 124.

5- شمس الدین ابو المظفر ابن جوزی، تذکره الخواص، ص 271؛ حسین بن حمدان الخصیبه، الهدایه الکبری، ص 45؛ اصفهانی،

دلایل النبوه، ص 178؛ شیرازی، امّهات المؤمنین، ص 90.

6- عماد الدین، طبری کامل بهائی، ج 1، ص 268

لَمَّا تَكَامَلَتْ فِيهِ خِصَالُ الْخَيْرِ، قَالَ لَهُ أَبُو طَالِبٍ: يَا بَنَ أَخِي! خَدِيجَةُ تَبَعَتْ رِجَالًا مِنْ قَوْمِكَ فِي عَيْبَرَانِهَا، فَيَتَجَرَّوْنَ... وَكَانَتْ خَدِيجَةُ امْرَأَةً بَاكِرَةً، ذَاتَ شَرَفٍ وَ مَالٍ كَثِيرٍ؛ (1)

هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به 25 سالگی رسیدند، تمامی اهالی مکه، آن حضرت را به نام امین می شناختند زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله به کمال رسیدند و تمامی خصلت های خوب و پسندیده در آن حضرت جمع شد، حضرت ابو طالب علیه السلام ازدواج با حضرت خدیجه علیها السلام را پیشنهاد داد و خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد "پسر برادرم! حضرت خدیجه علیها السلام عده ای از اقوام و مردان قبیله ات را برای تجارت می فرستد..." حضرت خدیجه علیها السلام، در آن زمان باکره و از جایگاه شریف و ثروت زیادی برخوردار بود.

به نظر می رسد ادعای مسن بودن حضرت خدیجه علیها السلام، از دروغ های هشام بن عروه باشد! وی معتقد بود که حضرت خدیجه علیها السلام، هنگام رحلت (سال دهم بعثت) 65 سال داشته اند.

حاکم نیشابوری این مطلب را از هشام نقل کرده و این قول را شاذ دانسته می نویسد

به نظر من سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام رحلت، کمتر از شصت سال بوده است. (2)

در کتاب تاریخ سیستان آمده است:

حضرت خدیجه بنت خویلد علیها السلام، اندر زمان حضرت رسول صلی الله علیه واله، بکر و با خرد و کمال و جمال بود. (3)

در روایت دیگری آمده است:

ص: 245

1- دلایل النبوه، ج 1، ص 178، ح 227.

2- «عن هشام بن عروه: توفيت خديجة وهي ابنة خمس وستين سنة. هذا قول شاذ، فان الآذی عندی أنّها لم تبلغ ستين سنة» (حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 201)

3- نویسنده گمنام تحقیق ملک الشعراى بهار، تاریخ سیستان، ص 52.

حضرت خدیجه علیها السلام، خواهری به اسم هاله داشت که با مردی مخزومی ازدواج کرد و از او دختری متولد شد. بعد از مرگ همسرش، مردی از تمیم که او را ابوهند می نامیدند و دو فرزند به نام های رقیه و زینب از همسر اولش - که مُرده بود - داشت با هاله خواهر حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کرد و دارای فرزندی به نام هند شد. بعد از مردن مرد تمیمی هند به طایفه پدرش ملحق شد و هاله با فرزندان دیگرش باقی ماند و حضرت خدیجه علیها السلام آنان را نزد خود گردآورد؛ بعد از ازدواج ایشان با پیامبر صلی الله علیه و آله، بچه ها در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام، باقی ماندند و عرب می پندارد که اگر کسی را بزرگ کنی فرزند توست (1) و به همین سبب به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داده شدند. (2)

احمد بن ابی یعقوب، در تاریخ یعقوبی و شیخ ذبیح الله محلاتی، در ریاحین الشریعه در این باره می نویسند:

حضرت خدیجه علیها السلام، خواهری به نام هاله داشت که همسرش از دنیا رفت و دو فرزندش را بی سرپرست نهاد! آن حضرت که دارای ثروتی بسیار و درایت

ص: 246

1- از سنت های جاهلیت این بود که هر گاه شخص یتیمی را تحت تکفل قرار می گرفت، او را به آن شخص منتسب می دانستند هم چون زید بن حارثه. زید از بزرگانی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را آزاد ساختند و فرزند خویش خواندند. از آن زمان او را زید بن محمد صلی الله علیه و سلم می گفتند. زید در دوران کودکی همراه مادرش سعدیه، دختر ثعلبه بن عبد عامر به دیدن بستگانش رفت. طایفه «بنی قین» به بستگان مادرش حمله کردند و آنان را غارت نمودند. زید نیز جزو اسیران بود او را به بازار مکه آوردند و در معرض فروش قرار دادند. حکیم بن حزام او را برای حضرت خدیجه علیها السلام خرید و آن حضرت نیز او را به رسول خدا صلی الله علیه و آله بخشید. پدر زید و عمویش کعب خبردار شدند و به مکه نزد ابوطالب علیه السلام آمده و گفتند: «فرزند ما نزد برادرزاده شماس است، به او بگویند یا او را بفروشد و یا آزادش کند!» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من او را آزاد گذاشتم اگر خواسته باشد، بیاید!» آنان خوشحال شدند، هنگامی که زید را احضار نمودند حضرت به زید فرمود: «آنان را می شناسی؟» گفت «آری! پدر و عموی من هستند!» فرمود: «مرا هم می شناسی اگر می خواهی با آنان برو و اگر مایلی پیش من باش!» زید گفت: «با ایشان نمی روم و هیچ کس را بر شما ترجیح نمی دهم؛ شما جای پدر و عمویم هستید!» حارثه ناراحت شد و گفت: «مردم شاهد باشید که زید فرزند من نیست!» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که چنین دیدند او را کنار حجر اسماعیل علیه السلام در «مسجد الحرام» برده فرمودند: «مردم گواه باشید که، زید فرزند من است! بدین جهت به عنوان زید بن محمد صلی الله علیه و آله مشهور شد. (سوره احزاب، آیه 38)

2- الصحیح من سیره النبی الأعظم صلی الله علیه و اله، ج 2، ص 125 و 126؛ تنقیح المقال، ج 3، ص 77؛ شوشتری، قاموس الرجال، ج 10، ص 431

و هوش و عاطفه ای سرشار، بود سرپرستی خواهر و خواهرزاده های خود را به عهده گرفت و پس از امضای پیمان زندگی مشترک با پیامبر صلی الله علیه و آله خواهرزاده ها هم چنان مورد مهر و محبت و در قلمرو سرپرستی و مراقبت مادرانه و آموزگار آن هاش بودند؛ به همین جهت برخی از مردم آنان را دختران حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله می پنداشتند، نه هاله! (1)

محمد دُخیل، در این باره می نویسد:

زینب و رقیه خلاف پندار برخی از تاریخ نگاران و آورندگان حدیث، دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و همسرش حضرت خدیجه علیها السلام، نبودند بلکه خواهرزاده های حضرت خدیجه علیها السلام و فرزندان هاله بودند؛ اما به جهت گمنامی هاله و شهرت جهانی حضرت خدیجه علیها السلام، به ایشان نسبت داده شده اند. (2)

علامه خبیر ابوالقاسم علی بن احمد بن موسی بن الإمام جواد علیه السلام، مشهور به ابوالقاسم کوفی (م 352 ق)، می گوید:

رقیه و زینب (همسران عثمان) دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام نیستند و این شبهه ای است که مردم عوام به دلیل عدم معرفت و فهم شان در مورد انساب ایجاد کردند. (3)

سپس به بررسی نسب رقیه و زینب می پردازد برخی محققان و اندیشه وران پژوهش های گسترده، تحلیلی مستند و جالبی در مورد دختران پیامبر صلی الله علیه و آله نموده اند و نظر آنان در این باره چنین است:

پژوهش گسترده ای که در مورد دختران ارجمند پیامبر صلی الله علیه و آله انجام شده، می توان چنین دریافت که ازدواج رقیه و ام کلثوم با پسران ابولهب و هم چنین جدایی از آنان به سبب تاریک اندیشی و یک دندگی شوهران شان

ص: 247

-
- 1- احمد بن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 38؛ ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه فی احوال النساء الشیعه، ج 2، ص 268.
 - 2- محمد دخیل، خدیجه علیها السلام، 11.
 - 3- ابوالقاسم علی بن احمد الکوفی الإستغاثه فی بدع الثلاثه، ج 1، ص 11 و 64: «زینب و رقیه به خاطر گمنامی هاله و علو درجه حضرت خدیجه علیها السلام، به آن حضرت نسبت داده شده اند»

در دشمنی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سپس ازدواج عثمان با آن دو یکی پس از دیگری واقعیت ندارد (1)

پس در واقع سه دختر با نام زینب، رقیه و کلثوم فرزندان هاله، خواهر حضرت خدیجه علیها السلام بوده اند و درست این است که بگوییم حضرت خدیجه علیها السلام (بنت خویلد) خواهری با نام هاله داشته که با مردی از بنی مخزوم ازدواج کرد. هاله از این مرد فرزندان آورد و وقتی همسرش از دنیا رفت پریشان شد! چون خواهرش، حضرت خدیجه علیها السلام ثروتمند بود خواهر و فرزندان را تحت کفالت خود قرار داد و پس از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله فرزندان در حجر ایشان ماندند و به آن حضرت منسوب گردیدند (2)

از این رو برخی پژوهشگران معتقدند که جز حضرت فاطمه علیها السلام بقیه، دختران خواهرزاده های حضرت خدیجه علیها السلام بودند که سال ها تحت سرپرستی خاله خود و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار گرفتند. (3) اجماع عام و خاص راویان اخبار بر آن است که همه اشراف سادات و ثروتمندان، قریش از طاهره قریش خواستگاری کردند و آهنگ ازدواج با او را داشتند، ولی او امتناع و مخالفت می کرد. هنگامی که با حضرت محمد امین صلی الله علیه و آله ازدواج نمود زنان قریش بر او خشم گرفتند و او را ترک کردند و گفتند:

اشراف و بزرگان قریش از تو خواستگاری کردند ولی تو با هیچ کدام ازدواج

ص: 248

1- مناقب آل ابی طالب علیه السلام، ج 1، ص 160؛ بحار الأنوار، ج 22، ص 191

2- ریاحین الشریعه، ج 2، ص 269؛ سید محمد حسین حسینی همدانی انوار درخشان، ج 7، ص 414 «ربیه پیامبر صلی الله علیه و آله و خواهرزاده حضرت خدیجه علیها السلام بوده اند.» (سید امیر محمد قزوینی، آلوسی و التشیع، فصل 11 پاورقی ص 231) قیل إن رقیه و أم کلثوم کانتا ابنتی هاله أخت خدیجه رضی الله عنها من ذلك یقوی القول إنهما لیستا بناته، و قال جماعه آخرون کانتا ربیبته من جحش؛ گفته اند که رقیه و ام کلثوم، دختران هاله بودند و هاله خواهر حضرت خدیجه علیها السلام بود. از این رو، چنین می نماید که آن دو دختر از آن حضرت خدیجه علیها السلام نیستند. برخی نیز گفته اند که آن دو دختر، فرزندان جحش بوده اند.

3- أعلام النساء المؤمنات، ص 317 و 318؛ ذبیح الله محللاتی ریاحین الشریعه فی أحوال النساء الشیعه، ج 2، ص 269.

نگردی و با حضرت محمد صلی الله علیه و آله، یتیم ابوطالب - که فقیر است و مالی ندارد - ازدواج کردی! (1)

با این اوصاف، کسی که اهل دانش و بصیرت، باشد چگونه می تواند بپذیرد حضرت خدیجه علیها السلام با اعرابی از قبیله بنی تمیم ازدواج کرده و از ازدواج با سروران قریش، خودداری نموده باشد و چطور سروران قریش که از ایشان خواستگاری کردند و حضرت خدیجه علیها السلام آنان را رد کرد او را به عیب و عار متهم نساختند که چرا با وجود این همه خواستگار با یک اعرابی ازدواج کرده است؟! آیا می توان پذیرفت که حضرت خدیجه علیها السلام در ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از ناحیه قریش ملامت نگردیده، اما در ازدواج با یک اعرابی هیچ سرزنشی نشده باشد؟!

پس با توجه به آن چه نقل نمودیم شایعه ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با دو تن دیگر و پیش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تحریف عمدی تاریخی برای طرح عایشه به عنوان تنها دختری است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با او ازدواج کردند؛ چنان که طرح دامادی عثمان و ملقب کردن او به «ذوالنورین»، منحصرأً برای تراشیدن رقیب سیاسی در برابر مولای متقیان امیرمؤمنان علی علیه السلام است.

مؤید این مطلب روایتی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام فرمودند:

یا علی! أُوتِيتَ ثَلَاثًا لَمْ يُؤْتَهُنَّ أَحَدٌ وَلَا أَنَا؛ أُوتِيتَ صِهْرًا مِثْلِي، وَلَمْ أُوتِ أَنَا مِثْلِي... (2)

ای علی! در زندگی سه امتیاز و ویژگی به تو ارزانی گردید که به هیچ کس دیگر از مردم حتی به من ارزانی نشد: به تو افتخار دامادی من داده شد، در حالی که من پدر همسری بسان تو ندارم! به تو همتا و همسری، مانند دخت فرزانه ام (حضرت فاطمه علیها السلام) عنایت شد در حالی که به من همتا و همدمی بسان تو ارزانی نگردید! به تو بدون واسطه پسرانی ارجمند و تاریخ ساز مانند حضرت حسن و حسین علیه السلام عنایت گردید اما به من

ص: 249

1- الصحيح من سیره النبی الأعظم صلی الله علیه و آله، ج 2، ص 123؛ علی ابوالقاسم کوفی، الإستغاثه فی بدع الثلاثه ج 1، ص 70.

2- احقاق الحق وازهاق الباطل، ج 5، ص 74؛ عبد الله شافعی، مناقب، ص 50

عنایت نشد؛ اما شما از من هستید و من از شما.

این روایت می فهماند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، دختری جز حضرت فاطمه علیها السلام و دامادی جز امام علی علیه السلام نداشته اند.

دشمنان چون تحمل این همه فضایل و مناقب را برای حضرت خدیجه علیها السلام نداشتند و از طرف دیگر می خواستند عایشه را مقابل آن حضرت، ، عَلم نمایند، به دو کار اقدام نمودند:

1. فضایل حضرت خدیجه علیها السلام را انکار و از کتب خود حذف کردند.

2. با جعل روایت و تحریف تاریخ آن حضرت را به گونه ای معرفی نمودند که عایشه بتواند مقابل ایشان قد عَلم کرده سرفرازی کند. این شگرد آنان بود و از قبل نیز برای جا انداختن خلافت خلفای سه گانه توجیه انتساب آنان به رسول خدا صلی الله علیه و آله با عنوان «خلیفه الرسول صلی الله علیه و اله» و نزد مردم و بستن دهان عوام برابر اشتباهات و اعمال خلاف دین و شرع به جعل روایات و حکایات تاریخی دست زدند و به واسطه آن، رسول اکرم صلی الله علیه و سلم را - نعوذ بالله - به عنوان مسلمانی بی قید و بند و متمایل به لهو و لعب معرفی کردند تا اگر فردی به خلفا خرده گرفت که هر روز حکمی از احکام الهی را عوض می نمایند و یا حکم تازه ای جعل می کنند و یا دستور به قتل بی گناهان می دهند و یا منافقان طرد شده - در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله - را نزد خود راه داده به آنان منصب و مقام می دهند و در عوض، یاران واقعی ایشان را طرد و تبعید کرده و یا دستور قتل آنان را صادر می کنند؛ در ، جواب پیامبری را معرفی می سازند که به مراتب از خلفایش پر اشتباه تر و به دنیا متمایل تر است؛ پیامبری که نه تنها مصداق «ما ينطق عن الهوى» نیست، بلکه پیوسته در تصمیم گیری ها اشتباه می کند و برای موضع گیری ها و برخوردهای خود برابر افراد اعتباری قائل نیست و دائم می گوید: «من فردی مانند شما هستم که ممکن است در جذب و یا طرد افراد و قضاوت درباره آنان اشتباه کرده باشم!» آنان این گونه پیامبری را به پیروان خودشان معرفی کرده اند، اما حاشا و کلا! اگر آیات قرآن و روایات وارده از ائمه اطهار علیهم السلام- در تبیین مقام و

شخصیت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نبود و برای شناخت آن حضرت فقط به تعاریف دشمنان درجه یک ایشان یعنی کفار قریش و یهودیان ساکن در مدینه و مسیحیان نجران و دیگر دشمنان اکتفا می شد، در شناخت عظمت وجودی ایشان و مبرا بودن ساحت مقدس شان از بافته های منافقان کافی بود.

پس ملاحظه می کنید که این روش یعنی پایین آوردن مقام بزرگان دین در انظار مردم برای رسیدن به اهداف پلیدی که در دستور کار خود داشتند، شگرد آنان بود؛ شگردی که به واسطه آن فقط خدا می داند چقدر مردم را از وصول به، حقیقت دور و سمت آنان جذب نمود.

نسبت چهل ساله بودن حضرت خدیجه علیها السلام، هنگام ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله و هم چنین بیوه بودن ایشان نیز از نتایج همین شگرد منافقان است. اما این تهمت با واقعیت زندگی حضرت خدیجه علیها السلام فاصله بسیاری دارد؛ زیرا این نسبت با عقاید حقه ناسازگاری و منافات دارد و از لحاظ تاریخی نیز فاقد وجاهت و اعتبار کافی است که در ادامه به تفصیل این دو می پردازیم:

ناسازگاری بیوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام، با مبانی اعتقادی تشیع

یکی از ضروریات اعتقادی مذهب حقه جعفری عصمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان است. معنای اولیه ای که از این کلمه در ذهن انسان وارد می شود دوری از گناه و اشتباه و فکر آن است. این معنایی درست و مطابق با موازین اعتقادی است، در برگیرنده تمام مفهوم آن نیست. کامل ترین معنای، عصمت در قرآن مجید و در آیه تطهیر (1) وارد شده است. خداوند در این آیه اهل بیت علیهم السلام را از هر گونه پلیدی مبرا گردانیده و دارای مقام تطهیر دائم معرفی فرموده است.

عصمت از گناه، فکر آن و اشتباه در برگیرنده یک قسمت از معنای آیه تطهیر است، اما این آیه، نوعی دیگر از عصمت را نیز متوجه این بزرگواران می کند.

ص: 251

1- (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) (سوره احزاب، آیه 33).

اغلب در بیان معنای عصمت غفلت می شود، یعنی دوری از هر گونه ناپاکی. این ناپاکی دارای مصادیق بسیاری است؛ یکی از آن مصادیق، آلودگی آبا و اجداد معصومان علیهم السلام به انجاس زمان جاهلیت است و در این آیه به طور کلی این مسأله نفی شده است. مؤید ما بر اثبات این مطلب، عباراتی است که در اغلب زیارت نامه های وارده از معصومان علیهم السلام آمده که فرموده اند:

(كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ، وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُجَسِّكِ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا)؛ (1)

شما نوری در صلب های مردان بلند مرتبه و در رحم های زنان پاک بودید که جاهلیت شما را با آلودگی های خود نیالود

حال اگر کسی معتقد باشد که یکی از اجداد پدری یا مادری این بزرگواران، عاری از طهارت و آلوده به انجاس جاهلیت است در مسیر انکار این اصل ضروری دین قرار گرفته از دایره دین خارج می گردد. حال با این مقدمه دیگر وجه ناسازگاری بیوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام با مبانی اعتقادی تشیع، آشکار می شود؛ زیرا بنابر آن چه در کتب تاریخی تحریف شده در مورد ایشان آمده آن حضرت قبل از ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، با دو نفر کافر بت پرست به نام های عتیق بن عائد مخزومی و ابو هاله ازدواج نموده و از آنان صاحب اولاد شده بودند. این درست خلاف مبانی اعتقادی شیعه است ازدواج آن حضرت با دو کافر بت پرست ایشان را از دایره طهارت خارج و قابلیت مادری برای حضرت زهرا علیها السلام و ائمه هدی علیهم السلام را از وی سلب می کند؛ زیرا معصومان علیهم السلام، از مصادیق «آیه تطهیر» هستند و باید از هر گونه ناپاکی مبرا باشند؛ یکی از آن ناپاکی ها غرقه شدن پدران و مادران ایشان به آلودگی های جاهلیت است.

حضرت خدیجه علیها السلام، موحد و تابع شریعت حضرت عیسی علیه السلام بوده اند. طبق شریعت های توحیدی، ازدواج موحد با کافر مشرک حرام است و اگر چنین

ص: 252

ازدواجی خلاف دستور دین صورت گیرد باطل محسوب می شود. با این حساب ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با عتیق و ابوهاله از لحاظ دینی حرام است و در صورت وقوع آن، ازدواجی غیر شرعی محسوب شده و این خود، با طهارت منافات دارد.

حال در این جا افرادی که با توجه به تاریخ تحریف شده، ازدواج های حضرت خدیجه علیها السلام با عتیق و ابوهاله را تأیید می کنند مقابل دو قضیه متناقض قرار می گیرند:

1. ادعای تاریخی مبنی بر ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با دو کافر که با قبول آن، باید معتقد به خروج ایشان از طهارت و عدم قابلیت برای مادری معصومان علیهم السلام باشند، حال آن که حضرت خدیجه علیها السلام، در واقع ما در این بزرگواران بوده اند.

2. اصل اعتقادی عصمت برای معصومان علیهم السلام که به واسطه آن باید به پاکی پدران و مادران ایشان معتقد باشند بنابراین با قبول قضیه اول اصل اعتقادی عصمت که از ضروریات دین است زیر پا گذارده می شود و با قبول اصل عصمت، مسأله تاریخی ازدواج ایشان با دو کافر بت پرست محال می گردد. آن چه در این دو مسأله متناقض برای ما روشن است: این که ازدواج ایشان با دو کافر بت پرست، مسأله ای تاریخی است که به خودی خود، دارای هیچ گونه اعتبار و حجیت شرعی نیست؛ یعنی نه در کتاب خداوند و نه در سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام، برای آن مویدی یافت نمی شود که به واسطه آن، دارای اعتبار و حجیت شود؛ به ویژه این که تاریخ صدر اسلام، مملو از تحریف است؛ با توجه به این مطلب دیگر هیچ وجه عقلایی برای اتکا به آن تاریخ تحریف شده یافت نمی شود.

دوم این که طهارت آبا و اجداد معصومان علیهم السلام، اصل ضروری دین است که اعتقاد به آن واجب و اعتقاد نداشتن به آن موجب خروج از دین می گردد. پس با این حساب در مواجهه با این دو قضیه و موارد مشابه آن، آن چه پذیرفته می شود، اصل اعتقادی است و آن چه طرد می گردد مسائل تاریخی متناقض با

آن است و این - نصب العین قرار دادن اصول اعتقادی در هنگام مطالعه و تحقیق تاریخ صدر اسلام - تنها راه فهم تحریفات تاریخ و فرار از انحرافات عقیدتی است. زیرا هدف دشمنان دین در مسأله تحریف تاریخ، جز منحرف کردن مخاطبان آن از اصول عقیدتی و دور نگه داشتن آنان از حقیقت زندگی اولیای دین نبوده است.

عدم اعتبار بیوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام از نظر تاریخ

بنابر آن چه گذشت اعتقاد به ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با دو نفر کافر بت پرست، با اصول اعتقادی شیعه مغایرت دارد و هیچ تردیدی در بطلان آن نباید داشت اما نکته جالبی که لازم است در این جا به آن اشاره نمود منابع اولیه ای است که به این نکته پرداخته اند. این مطالب، برگشت به اهل سنت دارد و به طور حتم می توان گفت که در هیچ یک از کتب روایی و تاریخی شیعه رد پایی از این ادعا یافت نمی شود و این خود جای تأمل بسیاری دارد. اگر شخصی به کتب تاریخی و روایی اهل سنت اندک مراجعه ای داشته باشد متوجه می شود که این کتاب ها دارای موارد متضاد و متناقض بسیاری هستند که اعتبار آن ها نه فقط از طریق شیعه، بلکه از طرف علمای اهل سنت نیز مورد خدشه است. برای مثال در بین کتب روایی اهل سنت، صحاح شش گانه از اعتبار خاصی برخوردار است و در بین این کتب صحیح بخاری بیشتر اعتبار دارد، طوری که اگر ادعا شود، اهل سنت بعد از قرآن به هیچ کتابی به اندازه صحیح بخاری توجه ندارند ادعای گزافی نیست؛ با این حال کتب زیادی در تنقیح احادیث صحیح بخاری نوشته شده که به بسیاری از احادیث، آن خدشه وارد کرده اند؛ زیرا احادیث ساختگی و نیز نقل های تاریخی تحریف شده فراوانی در این کتاب وجود دارد که تعصب و دشمنی با اهل بیت علیهم السلام را می توان از مهم ترین ادله جعل و ورود این احادیث و نقل های تاریخی به این کتاب دانست.

حال با اوضاع وخیمی که کتب روایی و تاریخی اهل سنت دارد، نقل این

مسأله آن هم فقط از طریق اهل سنت قابل تأمل است؛ زیرا بانیان انحراف و غاصبان خلافت برای اثبات موضع خود در بین مردم، به جعل و تحریف تاریخ دین دست زدند که نتیجه آن را امروز می توان در کتب روایی و تاریخی بقایای، آنان یعنی اهل سنت مشاهده نمود.

ممکن است این اشکال مطرح شود که این مسأله، در بعضی کتب روایی و تاریخی شیعه نیز وارد شده که در جواب می گوئیم:

اولاً نقل های وارده در کتب روایی و تاریخی شیعه در این باره نیز به علت برگشت به منابع اهل سنت فاقد وجاهت و اعتبار است.

ثانیاً بزرگان علمای شیعه مانند سید مرتضی، شیخ طوسی، ابوالقاسم کوفی، ابن شهر آشوب، علامه مامقانی و... در کتب خود، زیر بار این مسأله نرفته اند و به «عذراء» بودن حضرت خدیجه علیها السلام تأکید کرده اند علامه مجلسی نیز در کتاب شریف بحار الأنوار با ذکر روایتی سن ازدواج ایشان را 28 سال بیان کرده است. (1)

در نتیجه باید گفت: نقش عایشه در تخریب شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام و نیز با توجه به تصریح تاریخ نگاران به این که ایشان هنگام ازدواج دختری بکر بودند، هر محققى را وادار می کند که به موضوع ازدواج های حضرت خدیجه علیها السلام با دیده تردید بنگرید. با اندکی تدبیر هم به 28 ساله بودن ایشان هنگام ازدواج هم به نخستین ازدواج ایشان و هم به داشتن تنها یک فرزند آن هم دختری بافضیلت یعنی حضرت زهرا علیها السلام می توان پی برد. از این رو، حضرت ابوطالب علیه السلام در خطبه عقد ازدواج ایشان فرمود:

برادرزاده ام از دختر شما که بانویی با فضیلت مشهور به عفت و سخاوت و دوشیزه ای بلند جایگاه هستید خواستگاری می کند. (2)

مرحوم آیت الله نمازی شاهرودی می نویسد:

ص: 255

1- بحار الأنوار، ج 16، ص 12.

2- همان، ج 22، ص 216.

إِنَّ زَيْنَبَ وَرَقِيَةَ كَانَتَا رِبِيئَتَا مَنْ جَحَشَ وَأَمَهُمَا زَيْنَبُ؛ (1)

زینب و رقیه دختران جحش بودند و مادرشان زینب بود

حضرت خدیجه علیها السلام سرپرستی این دو را به عهده داشت. بدین ترتیب، یکی دیگر از فضایل این بانوی بزرگ آشکار می گردد که ایشان علی رغم مجرد بودن و مشکلاتی که در امر تعلیم و تربیت وجود داشته سرپرستی فرزندان خواهر خویش را نیز پذیرفته است.

ناقلان ازدواج های دروغین حضرت خدیجه علیها السلام

اشاره

راویان ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام پیش از پیامبر صلی الله علیه و آله، سه نفر هستند:

1. هشام بن محمد بن سائب کلبی

علمای علم رجال قائلند به این که وی مبتلا به مرضی شد و همه چیز را فراموش کرد (2) حال با وجود این، فراموشی چگونه می توان به گفته او در این باره اطمینان نمود؟!

2. زبیر بن بکار

محمد بن اسحاق، خراسانی درباره وی می گوید:

از علی بن محمد نوفلی شنیدم که بین قبر و منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله که باغی از باغ های بهشت است، مردی از «بنی هاشم»، زبیر بن بکار را درباره موضوعی قسم داد! زبیر قسم دروغ خورد؛ بلافاصله به مرض برص مبتلا شد.

پدر زبیر بر امام رضا علیه السلام درباره چیزی ستم کرد! حضرت، او را نفرین نمودند؛ بلافاصله از قصر سقوط کرد و گردنش کوبیده شد پدر بکار (عبدالله)، نیز سابقه خوبی نداشت. او عهدنامه بین هارون الرشید و یحیی بن عبدالله بن حسن را پاره کرد و به هارون گفت که یحیی را بکشد؛ زیرا دیگر امان نامه ای وجود ندارد.

ص: 256

1- مستدرک سفینه البحار علی نمازی شاهرودی، ج 2، ص 396

2- ابوالعبّاس احمد التجاشی کوفی اسدی، رجال، ص 434

یحیی به هارون گفت:

این مرد دیروز با برادرم در قیام علیه تو شرکت داشت و حتی اشعاری را در این زمینه سرود!

عبدالله، منکر شد! یحیی او را قسم داد! عبدالله قسم دروغ خورد و حاشا کرد و بعد از سه روز مُرد! چندین مرتبه او را دفن کردند ولی قبر او را نپذیرفت! (1)

زبیر بن بگار در مکه قاضی بود و در سال 265 قمری و در 84 سالگی از دنیا رفت. وی کتابی درباره انساب قریش نیز نگاشته است. او را در روایتی مذمت کرده اند، همان طور که پدر و جدش نیز مذمت شده اند. (2)

شیخ محمدتقی شوشتری درباره قاموس الرجال وی می نویسد:

زبیر بن بگار هذا معلوم حاله وعدائه لأهل البيت عليهم السلام و كان يعرف بالوضع والكذب حتى عند العامة؛ (3)

حال زبیر بن بگار معلوم است که از دشمنان اهل بیت علیهم السلام بوده، به دروغ گویی و جعل احادیث، نزد علمای عامه معروف است. شیخ مفید نیز درباره وی می گوید:

اعتمادی به گفته های زبیر بن بگار نیست؛ زیرا در آن چه نقل کرده به دشمنی با حضرت علی علیه السلام متهم است. (4)

3. قتاده بن دعامة

ابوحمره ثمالی نقل می کند:

در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودم که مردی وارد شد و گفت: «آیا اباجعفر محمد بن علی علیه السلام را می شناسی؟ گفتم: «آری! چه حاجت داری؟!» گفت: «چهل مسأله دارم می خواهم از او پرسم...» حرفش تمام

ص: 257

1- محمد بن علی الاربدیلی الغروی الحائری، جامع الرواه، ج 1، ص 125

2- شیخ موسی زنجانی، الجامع فی الرجال، ص 786؛ شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 2، باب 48، ص 226.

3- قاموس الرجال، ج 4، ص 408

4- عباس قمی، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ج 1، ص 542.

نشده بود که امام باقر علیه السلام وارد شدند؛ اطراف ایشان را عده ای از خراسانی ها و غیره گرفته بودند و از مناسک حج می پرسیدند. چیزی نگذشت که حضرت نشستند و از او پرسیدند: «کیستی؟» گفت: «قتاده بن دعامه بصری». حضرت پرسیدند: «تو فقیه اهل «بصره» هستی؟» جواب داد: «آری» حضرت فرمودند: «وای بر تو! خدا انسان را خلق کرد و بر آنان حجت قرار داد و آنان پایه های استوار زمین و قائمین به علم خدایند. خداوند آنان را پیش از ایجاد خلق برگزید و انوارشان در طرف راست عرش خدا قرار دارد». پس مدتی ساکت ماندند! قتاده گفت: «به خدا قسم! نزد فقهای زیادی نشسته ام، حتی نزد ابن عباس؛ آن چنان که اکنون قلبم به تپش و لرزه در آمد، نزد آنان چنین حالتی نیافتم!» حضرت فرمودند: «وای بر تو! آیا می دانی این جا کجاست؟» «فی بیوت اذن الله أن ترفع ویذكر فیها اسمہ، یسبح له فیها بالغدو والأصال، رجال لاتلهیهم تجارة و لایبع عن ذکر الله وإقام الصلاة وإیتاء الزکاة فانت ثم ونحن اولئک»؛ (این چراغ پر فروغ) در خانه هایی قرار دارد که خداوند اجازه داده دیوارهای آن را بالا برند تا از دست رس شیاطین و هوس بازان در امان باشند؛ خانه هایی که نام خدا در آن ها برده می شود و صبح و شام در آن جا تسبیح گویند؛ مردانی که تجارت و معامله، آنان را از یاد خدا برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی نماید! تو در چنین مکانی هستی و ما از آن جا هستیم...» (1)

ابن حجر عسقلانی از اسماعیل قاضی نقل می کند که وی در احکام القرآن گفته است:

از علی بن مدائنی شنیدم که می گفت: آن چه او (قتاده بن دعامه) نقل می کند ضعیف است (2)

حنظلة بن ابی سفیان نیز می گوید:

طاووس یمانی از قتاده فرار می کرد و حاضر به ملاقات با او نبود، چون او را

ص: 258

1- شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداه، ج 3، ص 42.

2- ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج 8، ص 356

شمس الدین ذهبی در این باره می نویسد:

قتاده بن دعامة الدوسی، مدلس (2) و فریب کار است و می گفتند عقیده قَدْرِيّه (3) دارد. (4)

باکره بودن مادران ائمه اطهار علیهم السلام

اشاره

از احادیثی که درباره مادران با فضیلت ائمه علیهم السلام وارد شده به دست می آید که برخی از آنان کنیز بوده اند، اما تا زمانی که به همسری امام علیه السلام در آمده اند، دست هیچ انسانی به آنان نرسیده است. این مطلب، گویای این حقیقت است که اراده پروردگار درباره آنان تعلق گرفته که به صورتی پاک، نزد همسر خودشان رسند و ظرفی که نور مقدس امام علیه السلام در آن قرار می گیرد؛ از هر پلیدی و آلودگی منزّه باشد.

اکنون به زندگی نامه چند تن از مادران ائمه علیهم السلام اشاره می شود، تا تأییدی بر مدعای ما درباره حضرت خدیجه علیها السلام باشد:

ص: 259

1- همان، ج 8، ص 353.

2- «مدلس» به کسی گفته می شود که حدیث ضعیف روایت می کند. (الرائد، ذیل کلمه «مدلس»)

3- طبق اخبار و روایات به کسانی که به «جبر» قائل می باشند، «قَدْرِيّه» گفته می شود اما مطابق بعضی از روایات دیگر مراد از «قدریه» معتقدان به تقویض هستند. (عباس قمی، سفینه البحار، ذیل کلمه «قدر») «قال النبی صلی الله علیه و آله: القَدْرِيه مجوس هذه الأُمَّه»؛ قدریه مجوس ابن امت هستند» در روایت دیگر فرمود: القَدْرِيّه خصماء الله فی القدر؛ قَدْرِيّه، دشمنان خدا درباره مقدرات الهی هستند. (عبدالکریم شهرستانی، الملل و النحل، ج 1، ص 43) سید بن طاووس نقل می کند که جماعتی از علمای اسلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده اند: لعنه القَدْرِيّه علی لسان سبعین نبیا، قیل و من القَدْرِيّه یا رسول الله؟ فقال: قوم یزعمون الله سبحانه قدر علیهم المعاصی و عذبها علیها؛ هفتاد پیامبر قَدْرِيّه را نفرین کرده اند گفته شد: ای رسول خدا! قَدْرِيّه چه کسانی هستند؟ فرمود: جماعتی هستند که می پندارند خداوند بر آنان گناه و معصیت را تقدیر نموده و با این حال آنان را بر این گناه عذاب می نماید.»

4- شمس الدین ذهبی، میزان الاعتدال، ج 3، ص 385

1. مادر گرامی امام زین العابدین علیه السلام

جابر به نقل از امام باقر علیه السلام بیان می دارد:

وقتی دختر یزدگرد (آخرین پادشاه ساسانی) را به مدینه و نزد عمر آوردند، مردم مدینه گرد او جمع شدند؛ عمر تصمیم گرفت که او را بفروشد! امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند: «دختر پادشاهان را نباید فروخت، اگر چه کافر باشند. ولی او را مخیر کن تا از مسلمانان مردی را به عنوان شوهر برگزیند. سپس او را به ازدواج آن مرد در بیاور و مهریه اش را از بیت المال ده!» عمر گفت: «انجام دهید!» شهربانو آمد و دست بر شانه امام حسین علیه السلام گذاشت. امیر مؤمنان علی علیه السلام به فارسی فرمود: چه نام داری؟ گفت: «جهان شاه!» امیر مؤمنان علی علیه السلام به امام حسین علیه السلام فرمودند: او را نگهداری کن و به او احسان نما؛ زیرا فرزندی به دنیا می آورد که بهترین اهل زمان بعد از تو باشد و او مادر اوصیا و ذریه طیبه است». پس از مدتی امام زین العابدین علیه السلام را به دنیا آورد و به روایتی در مرض نفاس از دنیا رفت.

علت این که، شهربانو امام حسین علیه السلام را اختیار کرد این است که پیش از اسارت به دست لشکر اسلام در عالم رؤیا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دید و به دست ایشان مسلمان شد. خودش در این باره می گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که به خانه ما آمدند، در حالی که امام حسین علیه السلام همراه او بود به دست ایشان مسلمان شدم و مرا به ازدواج او در آوردند! شب بعد حضرت فاطمه علیها السلام را در خواب دیدم که به من فرمودند: «به همین زودی مسلمانان غلبه می کنند و به وصال فرزندان حسین علیه السلام خواهی رسید در حالی که صحیح و سالم بوده و از جانب مسلمانان، هیچ بدی به تو نخواهد رسید». تا به حال که به مدینه رسیدم دست هیچ انسانی به من نرسیده است. (1)

2. مادر گرامی امام موسی بن جعفر علیه السلام

وقتی حمیده بربریه مادر گرامی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را نزد امام

ص: 260

باقر علیه السلام آوردند، حضرت فرمودند: «نام تو چیست؟» جواب داد: «حمیده». حضرت فرمودند: «حمیده فی الدنیا و محمودة فی الآخرة؛ «یعنی ستوده در دنیا و آخرت». سپس سپس حضرت پرسیدند: «باکره هستی یا بیوه؟» جواب داد: «باکره هستم!» حضرت فرمودند: «برده فروشان کنیزی را به دست نمی آورند مگر این که او را فاسد می کنند!» جواب داد: «آری! اما هر گاه مولای من قصد مرا می کرد، مردی که سر و محاسن او سفید بود می آمد و سیلی محکمی به او می زد تا از جای خود حرکت می کرد و این موضوع چند بار تکرار شد». (1)

معلی بن خنیس به نقل از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

حمیده از هر آلودگی پاک است مانند طلای گداخته شده که ناخالصی آن را گرفته باشند همواره ملائکه از او محافظت می کردند تا این که وی را به من رساندند. اگر کرامتی از ناحیه خداست بر من و حجت بعد از من موسی بن جعفر علیه السلام است. (2)

3. مادر گرامی امام رضا علیه السلام

هشام بن احمد می گوید:

ابوالحسن اول (حضرت موسی بن جعفر علیه السلام) به من فرمودند: «می دانی از اهل مغرب کسی آمده است؟» (منظور حضرت، برده فروشان بود) گفتم: «نه!» فرمود: «چرا! مردی سرخ روی، آمده با من بیا!» با حضرت رفتیم تا آن مرد را ملاقات کردیم؛ مردی از اهل مغرب بود و کنیزهایی به همراه داشت. حضرت فرمود: «کنیزها را ببینم!» مغربی نه کنیز را نشان داد. حضرت آنان را نپسندیدند و کنیز دیگری خواستند! گفت: «ندارم! تنها کنیزی مریض نزد من هست» و از فروش او سرپیچی کرد به اتفاق حضرت برگشتیم فردای آن روز حضرت به من فرمودند: «برو و همان کنیز را خریداری کن!» رفتم و آن کنیز را خریدم مرد مغربی به من گفت: «آن آقایی که دیروز در خدمت

ص: 261

1- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج 1، ص 476؛ اثبات الوصیه، ص 185.

2- حاج علی فضل بیرجندی، حضرت خدیجه علیها السلام مظلومه تاریخ، ص 65

او بودی، چه کسی است؟» گفتم: «مردی از بنی هاشم» گفت: «بیش تر توضیح بده!» گفتم: «بیش از این نمی دانم!» گفت: «ویژگی های این کنیز را بر تو می گویم. من او را از دورترین نقطه مغرب خریدم». زنی از اهل کتاب او را دید و گفت: «چرا این کنیز با تو است؟» گفتم: «برای خودم خریده ام» گفت: «سزاوار نیست که این کنیز نزد تو و امثال تو باشد، بلکه شایسته است که نزد بهترین خلق روی زمین باشد که پس از مدت کوتاهی از او فرزندی به دنیا آید که شرق و غرب عالم مقابل او گردن نهند». پس از مدتی، امام رضا علیه السلام از این مادر به دنیا آمدند. (1)

علی بن میثم از پدرش نقل کرده:

وقتی مادر حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام، مادر گرامی امام رضا علیه السلام را خرید، حمیده گفت: «در عالم خواب رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که فرمود: حضرت نجمه علیها السلام را به فرزندت حضرت موسی علیه السلام هبه کن؛ زیرا به همین زودی بهترین اهل زمین از او به دنیا خواهد آمد». سپس او را به فرزندم حضرت موسی علیه السلام هبه کردم وقتی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام از او به دنیا آمدند نامش طاهره گذاشته شد. (2)

پدر علی بن میثم از مادرش نقل کرده:

وقتی حضرت حمیده علیها السلام، حضرت نجمه علیها السلام را خرید او باکره بود. (3)

زیارات وارده هم مؤید این مسأله است.

صفوان جمال بیان می دارد که امام صادق علیه السلام فرمود:

چون به در حائر حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام رسیدی، بایست و بگو: - الله أكبر کبیرا و الحمد لله کثیراً - وقتی کنار قبر مبارک رسیدی بگو: - السّلام علیک یا وارث آدم صفوة الله - تا این جملات - یا مولای یا ابا عبدالله، أشهد أنك نوراً فی الأصلاب الشّامخه، و الأرحام المطّهره، لم تنجسک

ص: 262

1- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ص 14.

2- همان

3- همان

الجاهلیة بأنجاسها و لم تلبسك من مدلهّمات ثیابها؛ «گواهی می دهم که شما در صلب های (پشت های) فرزنده و رحم های پاک و برازنده بودید؛ به پلیدی های دوران جاهلیت آلوده نگشتید و از جامه های درهم و برهم آن نپوشیدید» (1).

صفوان بیان می دارد که امام صادق علیه السلام فرمودند:

در روز اربعین و وقتی آفتاب بلند شده، حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام را با این عبارات زیارت کن: السّلام علی ولی الله و حبیبه، السّلام علی خلیل الله و نجیبه... أشهد أنك كنت نوراً في الأضلاب الشّامخة و الأرحام المّطهرة...؛ «گواهی می دهم که شما در صلب های (پشت های) فرزنده و رحم های پاک و طاهره بودید...» (2).

پیامبر صلی الله علیه و آله نیز فرمودند:

(لَمْ يَزَلْ يَنْقُلُنِي اللَّهُ مِنْ أَضْلَابِ الظّاهِرِينَ إِلَى أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ حَتَّى أَخْرَجَنِي فِي عَالَمِكُمْ هَذَا لَمْ يُدَسِّنِي بِدَنَسِ الْجَاهِلِيَّةِ)؛ (3)

«همواره خداوند مرا از صلب پدران پاک به رحم های مادران پاک منتقل می ساخت تا زمان شما و هرگز مرا به آلودگی های دوران جاهلیت آلوده نساخت».

بیان عایشه درباره حضرت خدیجه علیها السلام

شعبی از مسروق و او به نقل از عایشه بیان می دارد:

رسول خدا صلی الله علیه و آله از خانه خارج نمی شد مگر این که نام حضرت خدیجه علیها السلام را به نیکی یاد می نمود! روزی نام او را بر زبان جاری کردند و از او تجلیل فرمودند. به غیرتم برخورد! گفتم: «او فقط پیرزنی بود! خدا بهتر از او به شما داده است!» رسول خدا صلی الله علیه و آله آن چنان خشمگین شدند، که موهای جلو سرشان به حرکت درآمد! (بعد از فرو نشاندن غضب) فرمودند:

ص: 263

- 1- عبّاس قهّی، مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام
- 2- محمّد باقر مجلسی، زاد المعاد زیارت امام حسین علیه السلام
- 3- لأبي الفضل بن الحسن طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج 7، ص 207.

«خدا بهتر از او به من نداده است» (1)

در حقیقت نظر عایشه از بیان این مطلب سرزنش و به سخره گرفتن حضرت خدیجه علیها السلام بوده است. او نهایت دشمنی را با بیان کلمه «پیرزن» به ظهور می رساند. حال اگر حضرت خدیجه علیها السلام پیش از پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرده بود، آیا بیوه بودن او برای سرزنش و مسخره کردن سزاوارتر نبود؟!

کیفیت انعقاد نطفه حضرت فاطمه علیها السلام

مرحوم مجلسی روایتی را در این باره نقل می کند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله با گروهی از افراد همچون حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام حضرت حمزه علیه السلام؛ عمار یاسر عباس، منذر بن ضحضاح، ابوبکر و عمر در ابطح نشسته بودند. جبرئیل امین نازل شد و گفت: «پروردگار عالم تو را سلام می رساند و می فرماید: "لازم است تا چهل شبانه روز از حضرت خدیجه علیها السلام جدا شوی!" این دستور کمی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله دشوار آمد، زیرا نسبت به حضرت خدیجه علیها السلام، محبت فراوان داشتند! پس چهل شبانه روز را به عبادت سپری کردند و روزها روزه گرفتند. پیامبر صلی الله علیه و آله، عمار یاسر را نزد حضرت خدیجه علیها السلام فرستادند و فرمودند: «به حضرت خدیجه علیها السلام بگو: دستور پروردگار است و گمان مبر که جدایی من به واسطه پدید آمدن کدورتی از توست! به راستی پروردگار عالم روزی چندین مرتبه به تو بر فرشتگان مقرب خود مباحثات می کند من اکنون در خانه حضرت فاطمه بنت اسد علیها السلام هستم!» (2)

حضرت خدیجه علیها السلام می گوید: «روزی چندین مرتبه از دوری پیامبر صلی الله علیه و آله، مرا حزن و اندوه می گرفت!» چون چهل شبانه روز گذشت، جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت: «ای رسول خدا! پروردگارت سلام می رساند و می فرماید: "برای تحیت و تحفه خدا مهیا باش!"» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «تحیت و تحفه خدا

ص: 264

1- ابن اثیر، أسد الغابه، ج 5، ص 438

2- بحار الأنوار، ج 16، ص 79.

چیست؟ جبرئیل علیه السلام گفت: «یا رسول الله! پروردگار امر کرده که امشب افطار شما از این غذا باشد!» حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام گفت: «چون پیامبر صلی الله علیه و آله در شب های گذشته قصد افطار داشتند، می فرمودند: در خانه باش و هر کس مایل است بیاید و با من افطار کند!» اما چون شب چهلم فرا رسید فرمودند: «این غذا بر غیر من حرام است؛ پس در خانه نشستم و کسی را به خانه راه ندادم».

رسول خدا صلی الله علیه و آله، سر پوش را از طَبَق برداشتند خوشه ای از رطب و خوشه ای از انگور دیدند پس از آن ها تناول کردند و از آب بهشتی که همراه آن ها بود آشامیدند. سپس جبرئیل علیه السلام آب ریخت و میکائیل علیه السلام دست مبارکش را شست. سپس اضافه غذا به آسمان رفت. رسول خدا صلی الله علیه و آله ایستادند تا نماز بخوانند. جبرئیل علیه السلام گفت: «از نماز (مستحبی) صرف نظر نما و نزد حضرت خدیجه علیها السلام برو؛ زیرا اراده خداوند تعلق گرفته که امشب از صلب تو، فرزند پاکی خلق نماید».

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله، به خانه حضرت خدیجه علیها السلام رفتند. حضرت خدیجه علیها السلام می گوید: «همه شب درهای خانه را بسته پرده های اتاق را، آویخته چراغ را خاموش می کردم و تنها می خوابیدم». چون شب چهلم فرا رسید، بین خواب و بیداری بودم که در خانه زده شد. گفتم: کیست کوبنده در؟ صدای مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله را شنیدم که با شیرینی گفتار همراه بود: «خدیجه! در خانه را باز کن!» با خوش حالی، حرکت کردم و در خانه را باز نمودم. هر گاه پیامبر صلی الله علیه و آله داخل خانه می شدند، آب می طلبیدند و وضو می گرفتند، سپس دو رکعت نماز می خواندند و در پی آن داخل فراش خودشان می شدند اما آن شب چنین نکردند بلکه بازوی مرا گرفتند و داخل بستر شدند به آن خدایی که آسمان را برافراشت و از زمین آب جاری، نمود پیامبر صلی الله علیه و آله از من جدا نشدند مگر این که حمل حضرت فاطمه علیها السلام را در خود حس کردم!» (1)

حال این سؤال مطرح می شود که چطور ممکن است، نطفه برترین زنان

ص: 265

عالم که با این تشریفات ویژه منعقد شده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم از طرف خداوند مأموریت می یابند، چهل شبانه روز از حضرت خدیجه علیها السلام فاصله گیرند و روزها را روزه گرفته شب ها به عبادت پردازند و در شب چهلم هم با طعام بهشتی افطار کنند؛ اکنون این نطفه در رحم بانویی قرار گیرد که باکره نبوده و دو نفر کافر که از پست ترین طوایف عرب بودند پیش از این با آن حضرت ازدواج نموده باشند؟!!

سؤال دیگر این که بزرگان قریش و عرب برای خواستگاری حضرت خدیجه علیها السلام مراجعه کردند و او حاضر به ازدواج با آنان نشد؛ حال چگونه ممکن است که حاضر به ازدواج با دو نفر از پست ترین قبایل عرب، یعنی بنی تمیم (1) شده باشد و سپس نطفه حضرت فاطمه علیها السلام در چنین رحمی قرار گیرد و نشو و نما کند؟!!

ص: 266

1- اهل سَیْر و ارباب تواریخ آورده اند که «بنی تمیم» مسکین و فقیر و اخمل و اجهل بطون عرب و اسقط در جاهلیت بودند ایشان را قدر و جاهی نبود دغفل نشابه می گوید: «در ایشان (بنی تمیم) هرگز سیدی مشهور و تاجری معروف و جوادی مذکور نبود». ابوالعباس می گوید: «حجر بن جوین به پدرش گفت: جمله "قبایل عرب را هجو کردی جز بنی تمیم را؟ سبب چه بود که ایشان را هجو نکردی؟" گفت: "پسرم! برای آنان حسبی نیافتم که او را ضایع و نه خانه ای که آن را منهدم و خراب کنم!» (عماد الدین، کامل بهائی، ج 2، ص 34).

خدیجه بنت خویلد متولد دهم ماه رمضان سال دهم بعثت از بانوان تأثیرگذار و جریان ساز در تاریخ صدر اسلام است. حمایت مادی و معنوی از رسول خدا صلی الله علیه و آله دامن پر مهر مادرانه وی در پرورش اول بانوی اسلام حضرت فاطمه صدیقه علیها السلام که زمینه ساز ظهور یازده حجت الهی شد همگی دال بر ضرورت تکریم و تجلیل از شخصیت والای این بانوی بزرگوار است. لذا به نظر می رسد تحدید و تبیین آثار منتسب به ایشان موجب نکوداشت و ثبات نام و خاطره این بانوی فداکار در اذهان خواهد شد.

بر این پایه در این مختصر اشاره ای گذرا و کوتاه به باز شناسایی موقعیت منزل و مقبره این بانوی فداکار خواهد شد که سالیان متمادی مزار حاجیان، بود اما با افسوس، فراوان امروزه به بهانه مبارزه با شرک، اثری از آن ها باقی نیست. تحقق این امر ما را بر آن داشت تا با مراجعه گذرا به سفرنامه های نگاشته شده در زمان بقای اماکن منتسب به حضرت خدیجه علیها السلام، تصویری اجمالی از آن ها ترسیم نماییم از این رواز سفرنامه های حاجیان در عهد قاجار سود جسته ایم. (1)

واژگان کلیدی

پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیها السلام، حضرت خدیجه علیها السلام، سفرنامه، مقبره اتاق بقعه.

ص: 267

1- سفرنامه های حج قاجاری (پنجاه سفرنامه): به کوشش: رسول جعفریان چاپ اول، 8 جلد، 1389 ش.

سفرنامه هایی که به این موضوع اشاره کرده اند عبارتند از:

1. تذکره الطریق فی مصائب حجاج بیت الله العتیق از حافظ محمد عبدالحسین کرناکی هندی در 1230 قمری

«وقت عصر بعد رفتن به حرم به مولود [کذا، ظ: مولد] النبی و به مولود حضرت سیده نساء العالمین و به خانه حضرت خدیجه الکبری و به خانه حضرت امیر صلی الله علیه و آله رفته، زیارت کرده نماز مغرب به حرم کرده به خانه آمدم». (1)

2. سفرنامه مکه از میرزا علی اعتماد السلطنه در 1260 قمری

«مقام ابراهیم و جبرائیل و حجر اسماعیل علیه السلام فخر کائنات صلی الله علیه و آله و خدیجه الکبری و فاطمه زهرا علیها السلام نیز از مقامات جلیله این بلده معظمه [مکه مکرمه] است». (2)

3. هدایة، الحجاج از محمد رضا ابن عبدالجلیل حسینی طباطبایی تبریزی در 1296 قمری

«امکنه شریفه به غیر مسجد الحرام و صفا و مروه که ذکر آن ها مستغنی از بیان است در مکه بسیار است که زیارت آن ها مستحب است . اول چهارم خانه خدیجه کبری است که مهبط وحی نیز بوده». (3)

4. دلیل الأنام فی سبیل زیارة بیت الله الحرام والقدس الشریف و مدینه السلام، از سلطان مراد حسام السلطنه فرزند عباس میرزا در 1297 قمری

«شنبه شانزدهم به زیارت مولود [کذا] خانه حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشرف شده... مولد حضرت فاطمه علیها السلام نیز در همان محله در خانه خدیجه کبری است. خانه کوچکی است؛ بیوتات آن در سمت یمین آن واقع است. به دهلیز بیوتات که داخل می شوند در سمت ایسر دهلیز اتاق کوچک گودی است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در وقت نزول وحی در آن جا می نشستند، محرابی هم دارد

ص: 268

1- همان، ج 1، ص 444.

2- همان، ص 745

3- همان، ج 3، ص 708

که می گویند حضرت جبرئیل در آن جا نزول می نمود و در ابتدای اتاق نیز جایی است که محل وضوی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بوده و در سمت ایمن، دهلیز اتاقی است مستطیل که مولد حضرت فاطمه علیها السلام است. ضریح کوچک دارد و آسیای حضرت فاطمه هم در آن اتاق است؛ آسیای کوچکی است. اتاق حضرت هم محاذی در دهلیز واقع است. اتاق مربعی است محراب دارد با آن کوچکی فضا و بیوتات چنان روحانیتی از آن خانه نمودار است که گویا یکی از غرفات جنان است» (1).

5. سفرنامه مکه از نویسنده ای ناشناخته در 1299 قمری

«روز چهارشنبه نوزدهم: مکه ... رفتیم خانه حضرت رسول صلی الله علیه و آله، نزدیک خانه شریف است. صحن خانه تقریباً سه، زرعاً [کذا ظ: زرع] در چهار زرع است و چهار اتاق دارد... اتاق دست راست است و اتاق روبه رو اتاقی هست منزل حضرت رسول و حضرت خدیجه است» (2).

6. حج نامه منظوم از سرایندهای ناشناخته در عهد ناصرالدین شاه قاجار (3)

«زیارت منزل حضرت خدیجه علیها السلام»

از آن جا برفتیم با یاوران *** سرایی که بودی خدیجه در آن

نهاده چو در هشت آن خانه پا *** نشسته همه خادمان جا به جا

از آن جا سه پله برفتیم زیر *** حیاطی بسی دلکش و دلپذیر

ز مرمر همه فرش گشته زمین *** در آن جا اتاقی چو خلد برین

میانش یکی قبه ای همچو ماه *** تولد گه جای خیرالنسا

همه پرده مخمل آویخته *** به زر سرو و گل اندرو دوخته

ص: 269

1- همان، ج 4، ص 129-130

2- همان، ص 778

3- این بیت از حج نامه منظوم استفاده شده: «جهان جمله گردد به آیین ما *** بده فتح برناصر دین ما».

به حسرت نشستیم در آن جا همه *** که این جا بشستند تن فاطمه

در این خانه حوّا رسید از بهشت *** دگر مریم پاک نیکو سرشت

به دامن نهادند تن انورش *** نمودند لباس بهشتی برش

از آن جا برفتیم اتاق دگر *** خدیجه نشستی و خیر البشر

اتاق دگر بود آن جا عیان *** در خشنده چون انجم آسمان

چو رفتیم در آن بیت عنبر سرشت *** همه محو گشتیم از بوی مشک

بگفتند این جای آن سرور است *** عبادتگه خاص پیغمبر است

یکی شیر آبی به دیوار او *** از آن جا گرفتی پیمبر وضو

دگر حوض پاکیزه در زیر شیر *** در آن جا نشستی بشیر نذیر

همی بوسه کردیم آن خانه ها *** بسی گریه کردیم چو دیوانه ها

از آن جا نهادیم رو در حرم *** طواف همان خانه محترم

کشیدیم ز دل ناله الفراق *** برفتیم بر برفتیم بر دل نهادیم داغ (1)

7. سفرنامه مکه از ملا ابراهیم کازرونی در 1315 قمری

«روز جمعه چهاردهم... در این روز مسرت افروز در خانه حضرت خدیجه .رفتیم این خانه نیز از اول درب دالان چند پله می خورد. بعد از پایین آمدن از پله ها و داخل در فضا ایوانی رو به قبله مشاهده شد در این ایوان ، سه اتاق دیده شد هر سه مقفل به خادم گفتیم: "یا شیخ فکّ الباب" گفت: "لا أفکّ حتی تعطيني لحرمة الرسول" گفتیم: "فکّ عطیتک بعد" دری که در طرف راست بود گشود. بعد از تقییل عتبه علیه داخل شدیم. در آن ضریحی است و در داخل ضریح گودی بود از سنگ مثل اجانه و آن محل تولد حضرت صدیقه کبری فاطمه زهر است و در پشت ضریح متصل به دیوار محل دستاس حضرت زهرا است و سنگ بزرگی مدور در آن موضع است... از طرف دست چپ روبه روی این اتاق ، اتاق دیگر بود. در آن را نیز گشود و این اتاق معبد و محل عبادت حضرت خاتم انبیا بوده است. در طرف راست این اتاق چیزی از تخته ساخته اند و در کف

ص: 270

و ته آن یک پارچه سنگ سفید صافی است و سرپوشی نیز داشت؛ جویا شدم. خادم گفت: "این محل وضوی حضرت رسول صلی الله علیه و آله است. و در طرف چپ، اتاق، محرابی است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در آن نماز می کردند... در آخر ایوان مذکور که میانه دو اتاق مذکورین، باشد اتاق دیگر بود بعد از گشودن در آن داخل شدیم خادم گفت که این منزل حضرت خدیجه است و دو محراب در طرف راست و چپ در واقع بود". (1)

8. سفرنامه، مکه از ایاز خان قشقایی در 1341 قمری

ورود به کعبه- بیست و نهم ذی قعدة الحرام... ظهر وضو ساخته با جناب حاج و چند نفر حاجی همراه رفته در خانه تولد حضرت رسول مولی الله علیه و آله و معجری بود که می گفتند محل مولود [کذا] آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله می باشد و در همان بقعه مبارکه طرف دیگر دو باب زره دار خوش طرح و خوش ترکیب بود، می گفتند که این خانه خانه ملکی علیا جنابه و لمخدره خدیجه علیها السلام بود و عروسی و شب زفاف حضرت رسول صلی الله علیه و آله در همان خانه شده و محراب سبز هم بود زیارت کرده و زیارت نامه خوانده». (2)

(ب) مقبره حضرت خدیجه

سفرنامه هایی که به این موضوع اشاره کرده اند، عبارتند از:

1. تحفه الحرمین از محمد رحیم الدین قادری در 1204 قمری

«در مکه دو ملکه جهانند *** نامش گویم که آن کیانند

ام قاسم خدیجه کبری *** خوابید به جنت المعلا...». (3)

2. تذکره الطریق فی مصائب حجاج بیت الله العتیق، از مرحوم حافظ محمد هندی در 1230 قمری

«شانزدهم ذی حجه روز پنج شنبه: ... عصر به حرم رفته، نماز و طواف کرده

ص: 271

1- همان، ج 6، ص 261-262.

2- همان، ص 412

3- همان، ج 1، ص 199.

به جنت المعلى رفتیم. زیارت حضرت خدیجه الکبری». (1)

3. هدایة السیبل و کفایة الدلیل، از فرهاد میرزا معتمدالدوله در 1292 قمری

«از مکه معظمه که بیرون می آید هنوز بیوتات مکه تمام نشده؛ در طرف چپ مقبره حجون- به تقدیم الحاء علی الجیم - است که در آن جا قبر حضرت خدیجه علیها السلام و سایر اجداد رسول صلی الله علیه و آله است». (2)

4. هدایة الحجاج، از محمدرضا بن عبدالجلیل حسینی طباطبایی تبریزی در 1296 قمری

«قبرستان مکه متصل به کوه در شعب النور در سمت شمال آبادی واقع شده در انتهای این قبرستان مقبره حجون - به تقدیم الحاء علی الجیم - است که قبور آبا و اجداد حضرت ختمی مآب صلی الله علیه و آله در آن جا هست. . . پنج تن از اجداد و عشیره آن حضرت در این موضع مدفون است عبد مناف، عبدالمطلب، جناب ابوطالب والد حضرت ولایت مآب آمنه بنت وهب والده حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) جناب خدیجه زوجه مکرم شان». (3)

5. دلیل الأنام فی سبیل زیاره بیت الله الحرام و القدس الشریف و مدینة السلام، از سلطان مراد حسام السلطنه فرزند عباس میرزا در 1297 قمری

«جمعه پانزدهم، عزیمت زیارت شعب ابی طالب نمودم. قبور آن بزرگواران در مقبره حجون واقعد و حجون در اواخر آبادی، شهر مکه، در طرف ایسر واقع شده. است قبرستان وسیعی است؛ حضرت ابی طالب و عبدالمطلب و عبد مناف و حضرت آمنه بنت وهب مادر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و خدیجه کبری زوجه حضرت رسول صلی الله علیه و آله در این قبرستان مدفونند حضرت ابی طالب و عبدالمطلب و عبد مناف در یک محوطه هستند و در آن محوطه دو بقعه است؛ در بقعه اول در سمت، ایمن عبدالمطلب و عبد مناف مدفونند و هر یک ضریح علی حده [کذا، ظ: علی حده (بدون تشدید) دارند و بقعه دیگر ابی طالب است که ضریح

ص: 272

1- همان، ص 451.

2- همان، ج 3، ص 279

3- همان، ص 696

مخصوص دارد. حضرت آمنه و حضرت خدیجه علیها السلام نیز در قرب آن محوطه هر یک بقعه و ضریح علی حدّه [کذا] دارند». (1)

6. منازل قمریه در سوانح سفریه، از علی حسین بن خیرات در 1298 قمری

«و به تاریخ شانزدهم ذی الحجّه روز جمعه وقت عصر باری زیارت قبور به مقام جنت معلی که بیرون شهر مکه معظمه مقصد و جایی بزرگ است و برکه و اشجار سبز دارد... رفتیم. اول به زیارت قبر حضرت خدیجه - رضی الله عنها - مشرف شدیم. بر قبر آن معظمه حظیره چوبی و بالای آن شبکه آهنی درست کرده اند. تکلفات ظاهریه از فروش و آلات شیشه و نقوش آن جا زیاد است مقابل قبر حضرت خدیجه قبر محمد یکی از فرزندان جناب امام زین العابدین علیه السلام است». (2)

7. سفرنامه مکه معظمه، از میرزا عبدالحسین خان افشار رومی در 1299 قمری

«جمعه چهاردهم ذی حجه الحرام: صبح از خواب بیدار شده... عزم زیارت حضرت ابوطالب علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام نمودیم... از خانه های شریف گذشته دست چپ وارد قبرستان جنت المعلات شدیم. حضرت عبدالمطلب و حضرت ابوطالب و آمنه را زیارت کردیم... از آن جا به مقبره خدیجه علیها السلام وارد شده زیارتی به عمل آوردیم». (3)

8. سفرنامه مکه از نویسنده ای ناشناخته در 1299 قمری

«روز جمعه هفتم: مکه معظمه - ... بعد از دم قبرستان ابوطالب گذشتیم. خیلی بزرگ است و قبر ابوطالب و خدیجه و عبدالمطلب آن جاست». (4)

هم چنین در گزارش دیگری می نویسد:

«روز جمعه چهاردهم: مکه - صبح برخاستم... به قبرستان قریش رفتیم، زیارت خدیجه و آمنه و عبدالمطلب و ابی طالب و عبد مناف. بقعه خدیجه بهتر

ص: 273

1- همان، ج 4، ص 128 - 129.

2- همان، ج 2، ص 705 وی همچنین از بارگاه حضرت خدیجه علیها السلام در موضع دیگری از سفرنامه اش خبر می دهد (نک: ج 2، ص 717)

3- همان، ج 4، ص 580-581.

4- همان، ص 765.

از همه بود و صندوق خوبی داشت و بقعه آمنه بهتر از سایرین بود و این دوجا را سنی [ها] هم زیارت می آیند». (1)

9. تحفة الحرمين و سعادة الدارين از محمد معصوم نایب الصدر شیرازی در 1305 قمری

«اول آفتاب به عزم زیارت قبور اجداد حضرت ختمی مرتبت و جناب ابوطالب علیه السلام رفتیم به سمت حجون که اسم کوه و دره ای می باشد و از طرف منی که بروند به سمت دست چپ راه است و از صفا تا حجون، ثلث فرسخ است... بقعه متبرکه علیا حضرت خدیجه علیها السلام و بقعه مکرمه آمنه، مادر جناب رسول صلی الله علیه و آله، قدری به فاصله روبه روی یک دیگر واقع شده، زیارت شد. روپوش ضریح این دو مخدره بسیار ممتاز است ولی روپوش ضرایح آن بزرگواران پارچه بی قیمتی بود». (2)

10. سفرنامه مکه و عتبات، از میرزا عبدالحمید محمود بن عبدالکریم سقزی مجدی در 1305 قمری

چهارشنبه چهارده ذی حجه: به حرم رفته طواف الافاضه و سعی را به عمل آورده و حلق کرده از احرام بیرون آمدیم... حضرت آمنه و حضرت خدیجة الکبری علیها السلام و سایر صلحا را که در جنت المعلی [معلات] هستند زیارت نمودیم». (3)

11. سفرنامه، مکه از محمد رضا ظهیر الملک در 1306 قمری

«پنج شنبه هیجدهم: امشب که جمعه و شب عید غدیر است، رفتیم به زیارت مقابر که در بیرون شهر و جنب راهی است که به منی و عرفات می رود؛ چندان فاصله ای با شهر ندارد عبد مناف و عبدالمطلب در یک بقعه بودند ابوطالب، خدیجه آمنه بنت وهب هر کدام در یک بقعه علی حده بودند». (4)

ص: 274

1- همان، ص 775

2- همان، ج 5، ص 425-426.

3- همان، ص 591-592

4- همان، ص 678

12. سفرنامه مکه، شام، مصر و عراق، از سید فخرالدین جزائری در 1330 قمری

«... صبح ها گاهی حرم مطهر مشرف و گاهی مقبره حضرت ابوطالب و عبد مناف و آمنه و خدیجه علیها السلام المشرف می شدیم که در کنار شهر واقع شده و هر کدام بقعه مخصوص دارند و مخصوصاً بقعه حضرت خدیجه، خیلی مزین و کاشی کاری ظریف قشنگی دارد».

(1)

12. سفرنامه حج از سید احمد هدایتی در 1338 قمری

«امروز دوشنبه پانزدهم ذی الحجه مطابق هشتم سنبله ... طرف عصر رفتیم به حج چون که به قبرستان ابي طالب مشهورتر است و تا شهر یک میدان فاصله است. اول حضرت عبد مناف و حضرت عبدالمطلب را که در یک بقعه مدفونند و هر یک صندوق علی حدّه [کذا] دارند زیارت کردیم و بعد به زیارت حضرت آمنه و حضرت خدیجه که در بقعه جداگانه مدفونند رفتیم. واقعاً کاشی های دو بقعه اخیره قابل توجه و تماشا بود و چشم را از خوبی و ظرافت خیره می کرد. هم چنین در اطراف بقاع مزبوره سنگ قبرهای مرمر خیلی عالی و قشنگ و قیمتی موجود بود».

(2)

13. سفرنامه مکه، از محمد حسین منشی زاده در 1339 قمری

«به زیارت مدفن حضرت عبدالمطلب و ابوطالب و خدیجه و آمنه رفتیم. سوای مدفن حضرت عبدالمطلب و عبد مناف که در یک بقعه و دو ضریح بودند، سایرین بقعه جداگانه داشتند. اطراف بقاع بعضی خطوط و اسماء و قطعات قابل تماشا داشت».

(3)

منبع

جعفریان، رسول، سفرنامه های حج قاجار (پنجاه سفرنامه)، 8 جلد، چاپ، اول، تهران، نشر علم، 1389 ش.

ص: 275

1- همان، ج 8، ص 207.

2- همان، ص 667-668

3- همان، ص 40

*کتاب‌شناسی حضرت خدیجه علیها السلام: آسیب‌ها و راه‌کارها: مهدیه چیت‌سازا، احمد عابدی (1) (2)

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، آسیب‌شناسی و بررسی وضعیت کتاب‌شناسی‌های موجود در حوزه موضوعی حضرت خدیجه علیها السلام، و ارائه کتاب‌شناسی موضوعی مطابق با الگوها و استانداردهای استنادی موجود است. روش پژوهش کتابخانه‌ای است و برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات کتاب‌شناسی‌های موجود در این حوزه موضوعی و تمام منابع فارسی موجود با موضوع «حضرت خدیجه علیها السلام» اعم از کتاب‌ها و مقالات ادواری‌ها بررسی گردید برای این منظور کلیدواژه‌های «حضرت خدیجه»، «خدیجه بنت خویلد»، «خدیجه کبری»، «خدیجه» و «ام المؤمنین» در پایگاه‌های اطلاعاتی مگ ایران، (3) ایرانداک، (4) نورمگز، (5) پایگاه اطلاعاتی جهاد دانشگاهی، (6) پرتال جامع علوم انسانی (7) و کتابخانه ملی ایران (8) و موتورهای جستجوی علمی گوگل اسکالر (9) و

ص: 276

1- کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه خوارزمی تهران

2- دانشجوی کارشناسی ارشد علم سنجی دانشگاه تهران

3- www.magiran.com

4- irandoc.ac.ir

5- www.noormags.com

6- www.sid.ir

7- www.ensani.ir

8- www.nlai.ir

9- www.scholar.google.com

علم نت (1) جستجو شد جامعه مورد بررسی تنها منابع فارسی زبانی است که اطلاعات آن ها تا سال 1395 از طریق وبگاه های اشاره شده قابل بازیابی و دست رسی است. نتایج بررسی نشان می دهد کتاب شناسی های موجود در حوزه موضوعی «حضرت خدیجه علیها السلام» فاقد به روز رسانی منظم تفکیک قالب، آثار الگوی استاندارد شیوه نامه نگارشی، نظم الفبایی (عنوان، موضوع یا نویسنده) و یا نظم زمانی (سال انتشار به صورت صعودی یا نزولی) و جامعیت است. اطلاعات کتاب شناسی پیش رو مسائل و موانع اشاره شده را مرتفع نموده که شامل 248 اثر است: 98 مورد از آن کتاب فارسی و 150 مورد مقالات موجود در ادواری ها هستند.

واژگان کلیدی

کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام، کتاب نامه حضرت خدیجه علیها السلام، مقاله نامه حضرت خدیجه علیها السلام، خدیجه کبری علیها السلام، ام المؤمنین خدیجه علیها السلام، خدیجه بنت خویلد.

مقدمه

آشنایی با منابع اصلی و هسته در یک حوزه موضوعی و استفاده از آن در پیشینه تحقیق از جمله ملزومات هر پژوهش علمی است؛ به قدری که در عصر حاضر هیچ پژوهشگری بی نیاز از آن نیست.

این مهم در عصر انفجار اطلاعات و با وجود حجم وسیعی از منابع و مکتوبات علمی و هم چنین تعدد و پراکندگی نویسندگان با دشواری هایی برای پژوهشگران رویه رو است. حل این مسأله، پژوهشگران را به این سمت سوق می دهد که از منابع ردیف دوم (2) از جمله «کتاب شناسی ها» و «مقاله نامه ها» بیش تر استفاده کنند.

ص: 277

1- www.elmnet.ir

2- منابع دسته دوم یا منابع ردیف دوم عبارتند از منابعی که به جای پاسخ گویی مستقیم به سؤال، مراجعه کننده را به منابع نوشتاری دیداری و شنیداری در آن موضوع ارجاع می دهند. (نورالله مرادی مرجع شناسی: شناخت خدمات و کتاب های مرجع تهران: فرهنگ معاصر (1376).

تعاریف مختلفی از واژه «کتاب‌شناسی» در منابع آمده است از جمله:

1. «کتاب‌شناسی یا کتاب‌نامه عبارت است از فهرست کتاب‌ها و دیگر مواد خواندنی. به فهرستی که معمولاً در آخر کتاب به عنوان منابع و مأخذ می‌گذارند». کتاب‌نامه می‌گویند». (1)

2. «کتاب‌شناسی سیاهه منابع یا مدارک در زمینه موضوعی خاص، درباره افراد و غیره بررسی کتاب‌ها به عنوان اشیای مادی، مطالعه نظام یافته مشخصه‌ها و ویژگی‌های مادی و متنی کتاب‌ها و سایر موارد خاص مربوط به انتقال فنون و متون چاپ و نشر». (2)

3. «کتاب‌شناسی، سیاهه و یا فهرستی نظام‌مند از مواد گونه‌گون اطلاعاتی چون کتاب، مجله روزنامه به صورت CD و یا در اینترنت است که مراجعه‌کننده یا کاربر برای به دست آوردن بخشی از اطلاعات مورد نیاز خود بدان مراجعه می‌کند». (3)

4. «کتاب‌شناسی، فهرستی سازمان‌یافته از منابع ردیف اول یا دیگر منابع مربوط به موضوع‌ها یا شخص مفروض است. کتاب‌شناسی عبارت است از سیاهه‌ای از نام و مشخصات مواد کتابی که به روش خاصی از جمله الفبای نام پدیدآور یا زمان و موضوع تنظیم شده است. کتاب‌شناسی می‌تواند جامع یا گزیده باشد و گاهی ممکن است با توضیحات ارائه شود. کتاب‌شناسی می‌تواند به عنوان بخشی از یک اثر بزرگ‌تر یا به عنوان اثری جداگانه منتشر شود. هدف اساسی یک کتاب‌شناسی کمک به استفاده‌کننده در تشخیص وجود یا شناسایی یک کتاب یا هر ماده دیگر است که ممکن است مورد توجه شخص باشد. وظیفه اصلی کتاب‌شناسی ثبت پیشینه‌های دانش بشری است». (4)

لوئیس جاکوب دوسنت چارلز (5) اصطلاح «کتاب‌شناسی» را نخستین بار در

ص: 278

1- پوری سلطانی و فروردین راستین؛ «دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی».

2- کینان، استل، «فرهنگ فشرده کتابداری و اطلاع‌رسانی». ترجمه و تدوین فاطمه اسدی گرگانی

3- مهردادخت، وزیرپور، کشمیری مرجع‌شناسی عمومی لاتین.

4- زاهد بیگدلی، مرجع‌شناسی عمومی لاتین. تهران: سمت

5- Louis Jacob Desaintcharlas.

کتابی با عنوان بیبلیوگرافیا به کار برد و در قرن هجدهم رایج شد. این عبارت از دو کلمه یونانی «بیبلیون» به معنای کتاب و «گرافین» به معنای نوشتن است؛ بنابراین کتاب شناسی از نظر ریشه شناسی لغت یعنی نوشتن کتاب. (1) فرهنگستان سابق ایران هم واژه کتاب شناسی را معادل «Bibliography» شناخته است. (2)

بیان مسأله

بی تردید یکی از آسیب های بزرگ در حوزه پژوهش، ناآگاهی از پیشینه پژوهش های انجام شده در هر حوزه موضوعی است که به انجام دادن کارهای تکراری و ناقص می انجامد. از جمله راه حل های موجود می تواند آشنایی با آثار و منابع تدوین شده در زمینه موضوعی تحقیق مورد نظر باشد که به محقق کمک می کند از پژوهش های تکراری به دور باشد و با بینشی وسیع و منابع کافی و غنی، در مسیر پژوهش رویه جلو گام بردارد. در وضعیت کنونی و با وجود گستردگی، تنوع و حجم وسیع کتاب ها «کتاب شناسی»، امکان دسترسی آسان به بازار نشر را فراهم می کند هر پژوهشی اگر بخواهد در مسیر حل مسأله، رفع ابهام و حتی خلق نوآوری گام بردارد بی شک باید وام دار آثار پیشینیان باشد. بنابراین شناخت اولیه آثار و منابع موجود در هر حوزه موضوعی در قالب کتاب شناسی کمک شایانی به پژوهشگران می کند تا با منابع حوزه موضوعی خود بیش تر آشنا شوند و سیر پژوهشی خود را طی کنند.

اهمیت پژوهش

الف) هدف اصلی

هدف از پژوهش حاضر، آسیب شناسی و بررسی وضعیت کتاب شناسی های موجود در حوزه موضوعی حضرت خدیجه علیها السلام، و ارائه کتاب شناسی موضوعی (منابع)

ص: 279

1- کریشین، کومار، ترجمه زاهد بیگدلی، خدمات مرجع، ج 1.

2- حسین مسرت، کتاب شناسی رشیدالدین میبیدی.

ب) هدف فرعی

1. تعیین تعداد منابع فارسی با موضوع حضرت خدیجه علیها السلام تا سال 1395 (زمان نگارش مقاله)؛
2. تعیین تعداد کتاب های فارسی با موضوع حضرت خدیجه علیها السلام تا سال 1395 (زمان نگارش مقاله)؛
3. تعداد مقالات موجود در ادواری های فارسی با موضوع حضرت خدیجه علیها السلام تا سال 1395 (زمان نگارش مقاله).

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر کتابخانه ای است و برای گردآوری داده ها و اطلاعات تمام منابع فارسی موجود (چاپی و الکترونیک) با موضوع «حضرت خدیجه علیها السلام» اعم از کتاب ها و مقالات ادواری ها (1) بررسی شدند برای این منظور کلید واژه های «حضرت خدیجه»، «خدیجه بنت خویلد»، «خدیجه کبری»، «خدیجه» و «ام المؤمنین»، (2) در پایگاه های اطلاعاتی مگ ایران، (3) ایران داک، (4) نورمگز، (5) پایگاه اطلاعاتی جهاد دانشگاهی، (6) پرتال جامع علوم انسانی (7) و کتابخانه ملی ایران (8)

ص: 280

-
- 1- ادواری ها موادی هستند که انتشار آن ها از یک زمان خاص شروع شده است و با یک فاصله زمانی مشخص تا یک زمان نامشخص ادامه خواهد یافت مجله ها نشریه های تخصصی و روزنامه ها به دسته ادواری ها متعلق هستند
 - 2- با توجه به حساسیت موتورهای جستجو در بازیابی نتایج این کلیدواژه با دو املاي «ام المؤمنین» (با فاصله بین دو کلمه) و «ام المؤمنین» (با نیم فاصله) جست جو گردید که نتایج بازیابی شده متفاوت بود.
 - 3- www.magiran.com
 - 4- irandoc.ac.ir
 - 5- www.noormags.com
 - 6- www.sid.ir
 - 7- www.ensani.ir
 - 8- www.nlai.ir

و موتورهای جستجوی علمی گوگل اسکالر (1) و علم نت (2) جست جو گردید. هم چنین کتاب شناسی های موجود با موضوع حضرت خدیجه علیها السلام نیز که پیش از این منتشر شده از دیگر منابع مورد بررسی است.

پیشینه پژوهش

پیش از این کتاب شناسی های مختلفی در فضای وب به صورت اینترنتی با موضوع حضرت خدیجه علیها السلام منتشر شده است که با یک جستجوی ساده با کلیدواژه «کتاب شناسی حضرت خدیجه» می توان به این منابع دست یافت. از جمله کتاب شناسی های موضوعی حضرت خدیجه می توان به این موارد اشاره کرد:

1. مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان 1391. کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

این کتاب شناسی در سال 1391 منتشر شده است. از نظر پوشش زمانی آخرین به روزرسانی آن مربوط به این سال و مجموع منابع فارسی موجود در آن 126 اثر است. عدم تفکیک قالب منابع (کتاب، مقاله و...)، از مهم ترین مشکلات این کتاب نامه است به همین دلیل چنین استنباط می شود که همه آثار موجود در این کتاب شناسی در قالب کتاب، است در حالی که طی بررسی های انجام شده قالب آثار موجود در این کتاب شناسی کتاب، مقاله نشریات علمی، مقاله نشریات تخصصی و مقاله روزنامه هایی که بعضاً تک صفحه ای هستند. هم چنین به لحاظ نوع نگارش و تنظیم ساختار، کتاب شناسی از الگویی استاندارد پیروی نکرده فاقد الگوی استاندارد شیوه نامه نگارشی فاقد هر گونه نظم الفبایی (عنوان، موضوع یا نویسنده) و یا نظم زمانی (سال انتشار به صورت صعودی یا نزولی) است و صرفاً یک برداشت کلی از ساختار فهرست نویسی شده منابع موجود در کتابخانه ملی ایران به چشم می خورد.

ص: 281

2. فتحی، ریحانه. 1394. کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام. منتشر شده در وب سایت سازمان تبلیغات اسلامی به آدرس: <http://www.ido.ir/pages/?id=268908/> با بررسی های صورت گرفته کتاب شناسی حاضر به لحاظ، زمانی به روزرسانی نشده است. هم چنین به لحاظ ساختاری، فاقد تفکیک قالب آثار، فاقد الگوی استاندارد شیوه نامه نگارشی و فاقد هر گونه نظم الفبایی (عنوان، موضوع یا نویسنده) و یا نظم زمانی (سال انتشار به صورت صعودی یا نزولی) است.

3. طباطبایی، فائزه سادات. کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام. منتشر شده در وب سایت بینا نیوز به آدرس <http://www.binanews.ir/news5832.html> با توجه به بررسی های انجام شده در این کتاب شناسی، مشخص شد که نوع آثار مورد بررسی فقط کتاب های فارسی است. هم چنین نظم آن الفبایی عنوان کتاب بوده و بازه زمانی مورد نظر نیز در دو دهه اخیر (دهه 80 و 90) است. همچنین به لحاظ ساختار نگارشی اصول و قواعد فهرست نویسی رعایت شده، اما مشکل موجود در این کتاب شناسی عدم جامعیت و به روزرسانی آن است.

از دیگر کتاب شناسی های موجود در فضای وب می توان به موارد ذیل اشاره کرد که از جمله مشکلات این کتاب شناسی ها عدم به روزرسانی تفکیک قالب آثار الگوی استاندارد شیوه نامه نگارشی نظم الفبایی (عنوان، موضوع یا نویسنده) و یا نظم زمانی (سال انتشار به صورت صعودی یا نزولی) و عدم جامعیت آن هاست.

4. کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام منتشر شده در وب سایت جامع فرهنگی - مذهبی شهید آوینی به آدرس / [http://www.aviny.com/Occasion KetabShenasi.aspx/AV/ahlebeit/bastegan/khadijeh](http://www.aviny.com/Occasion%20KetabShenasi.aspx/AV/ahlebeit/bastegan/khadijeh)

5. کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام منتشر شده در وب سایت دانش نامه زن مسلمان بخش ویژه نامه حضرت خدیجه به آدرس <http://muslimapedia.com>

6. کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام منتشر شده در وب سایت تبیان در تاریخ 1392/04/27 به آدرس: - <http://www.tebyan.net/newindex.aspx>

pid=934articleID=819436? یک مورد کتاب فارسی نیز با مشخصات کتاب شناختی زیر در سال 1391 منتشر شده که با توجه به سال انتشار آن فاقد آخرین به روزرسانی ها در حوزه موضوعی حضرت خدیجه علیها السلام است.

7. الادینی، شیرین و سیده مرضیه شفاپور 1391 کتاب شناسی موضوعی حضرت خدیجه علیها السلام الله (توصیفی - تحلیلی)؛ به سفارش امور بانوان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ناظر فوزیه ناصر قرایی تهران: شیرزاد

یافته ها و نتایج

با توجه به بررسی های صورت گرفته اثری وجود ندارد که به صورت جامع، مطابق با آخرین به روزرسانی ها اطلاعات منابع فارسی با موضوع «حضرت خدیجه علیها السلام» را در بر بگیرد. از این رو، کتاب شناسی پیش رو با موضوع حضرت خدیجه علیها السلام منابع فارسی زبان را در دو قالب اثر «کتاب فارسی» و «مقالات فارسی ادواری ها» (شامل مقاله نشریات علمی نشریات تخصصی و مقالات روزنامه ها) شامل می شود. این کتاب شناسی، با نظم الفبایی «نام خانوادگی نویسنده» منظم شده، به لحاظ زمانی تا سال 1395 به روزرسانی گردیده و برای ساختار نوشتاری آن از شیوه استناددهی APA (1) استفاده شده است. تعداد کل منابع فارسی موجود با موضوع حضرت خدیجه علیها السلام، تا زمان نگارش مقاله، 248 مورد است که از این تعداد 98 اثر در قالب کتاب فارسی و 150 اثر در قالب مقالات ادواری ها (119 مقاله نشریات، 74 مقاله با ذکر نویسنده؛ 45 مقاله بدون ذکر نویسنده)؛ 31 مقاله روزنامه (22 مقاله با ذکر نویسنده؛ 9 مقاله بدون ذکر نویسنده) است.

کتاب های فارسی

1. ابوالمعاطی مصطفی 1395. 051 قصه از زندگی ام المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام مترجم: جهانگیر تیموری خواف: به دان

ص: 283

2. اسماعیل تبار احمد و محمد حسین مهوری 1393. صحایات پیامبر صلی الله علیه و آله. تهران: فرهنگ سبز.
3. الادینی، شیرین، و سیده مرضیه شفاپور. 1391. کتاب شناسی موضوعی حضرت خدیجه علیها السلام، (توصیفی - تحلیلی)؛ به سفارش امور بانوان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ناظر: فوزیه ناصر قرایی تهران: شیرزاد
4. انصاریان حسین 1388. نگاهی به مقام حضرت خدیجه علیها السلام قم: دارالعرفان
5. انیسی، فریبا 1386 مین محمد زندگی نامه حضرت خدیجه کبری علیها السلام؛ به سفارش اداره کل امور بانوان شهرداری تهران. تهران: بروج
6. ایزدی امیر. 1388. ستاره های فروزان: مدح و مرثیه چهارده معصوم علیهم السلام و ام المؤمنین خدیجه الغرا علیها السلام. قم: رسالت.
7. آخوندی، محمد . 1385. نمونه زن ها. تهران: جوان امروز
8. بشارتی، علی محمد. 1392. شایسته ترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله : تحلیل زندگی حضرت خدیجه علیها السلام . تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
9. بهروش آزاده. 1395. حضرت خدیجه «همسر فداکار پیامبر». مشهد: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب، 5931.
10. بهروش ، آزاده، 1390. حضرت خدیجه «همسر فداکار پیامبر». مشهد: آیین تربیت: سنبله
11. پارسا، فاطمه . 1388. ابوطالب و خدیجه. تهران: شبرنگ
12. پاک نیا، تبریزی عبدالکریم. 1390. آموزه هایی از حضرت زهرا علیها السلام برای خانواده های جوان: به همراه درس هایی از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام. قم: فرهنگ اهل بیت علیهم السلام.
13. پور حسینی، سید علی. 1390. گذشت و صبر: حضرت خدیجه و حضرت زینب علیها السلام. مشهد: ضریح آفتاب .
14. تابش، مقداد. 1394. ملیکه بطحاء: سلوک محمدی ام المؤمنین خدیجه

کبری علیها السلام. قم: بنیاد فقه و معارف اهل بیت علیهم السلام.

15. تهرانی، حسین. 1394. حامية الرسول صلى الله عليه و اله: فضائل و مناقب ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام. قم: طوبای محبت.

16. تهرانی، حسین. 1393. خصایص ام المؤمنین خدیجه الکبری علیها السلام: ویژگی های حضرت خدیجه کبری علیها السلام شامل 061 ویژگی. قم: طوبای محبت.

17. جانفدا، هادی. 1395. خدیجه کبری علیها السلام: سوگواره شعر. تهران: شاعران اهل بیت علیهم السلام.

18. جلال زاده میدی سید محمد حسین 1394. ام المؤمنین خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت. قم: انتشارات مشهور

19. جلیل زاده الهام. 1393. خدیجه کبری علیها السلام صحابه پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله. تهران: هفت اختر اندیشه

20. حاتم پوری، محمد رضا. 1390. حکایت عاشقی. تهران: زعیم.

21. حائری قحطانی، محمد. 1391. خواستگاری ماه از آفتاب. قم: دارالطب.

22. حسنی، هاشم معروف، بی تا. زندگی نامه خدیجه کبری و فاطمه زهرا علیها السلام تهران: بی نا

23. حسینی هرندی، سید محمد حسین 1392 پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت خدیجه علیها السلام و ابوطالب علیه السلام. قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های اسلامی

24. خدامیان آرانی مهدی 1392. بانوی چشمه زندگی خدیجه علیها السلام (همسر پیامبر اسلام) قم: وثوق.

25. داوری، محمود 1384 حضرت خدیجه کبری علیها السلام همسر پیامبر. اصفهان: نور اسلام

26. دخیل، علی محمد علی. 1363. زنان بزرگ اسلام. مترجم: فیروز حریرچی (جلدهای 1، 2، 3 و 4). تهران: امیرکبیر.

27. دخیل، علی محمد علی. 1363. زنان بزرگ اسلام. مترجم: صادق آئینه وند (جلدهای 2، 5 و 6) تهران: امیرکبیر

28. دخیل، علی محمد علی. 1391. طاهره قریش: نگاهی محققانه به زندگانی ام المؤمنین بانو خدیجه کبری علیها السلام، همسر وفادار رسول خدا. مترجم: اکرم السادات هاشمی نژاد؛ ویراستار: محمد علی لسانی. تهران: پارسیا: نوآور.
29. دخیل، علی محمد علی. 1361. حضرت خدیجه علیها السلام. ترجمه فیروز حریرچی تهران: امیرکبیر
30. دخیل، علی محمد علی. بی تا حضرت خدیجه علیها السلام. ترجمه فیروز حریرچی تهران: بی نا
31. درفشی، مینا، خدیجه مهدوی مقدم، و اکرم کلاته. 1388. مأخذ شناسی توصیفی زندگی حضرت خدیجه علیها السلام؛ کاری از واحد پژوهش مدرسه علمیه حضرت خدیجه علیها السلام. قم: حوزه علمیه قم مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران مرکز نشر هاجر
32. درفشی، مینا، خدیجه مهدوی، و اکرم کلاته. 1388. هنگامه وصل: سروده های منتسب به حضرت خدیجه علیها السلام در مدح رسول خدا صلی الله علیه و آله؛ کاری از واحد پژوهش مدرسه حضرت خدیجه علیها السلام. مترجم امید مجد. مصحح محمد علی آذرشب. تهران: کتاب نیستان
33. دهنادی، محمد صادق، 1387. یادگاران روزهای سرخ: یادنامه ای از زندگی راحلان رمضان حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه علیها السلام. تهران: مؤسسه نشر شهر.
34. رضایی سرشت مریم. 1387 فعالیت های مردمی در سیره نبوی. تهران: ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده
35. رضایی، اسماعیل، مریم نجفی و حجت الله نجفی. 1391 آرام جان پیامبر پیرامون حضرت خدیجه علیها السلام. تهران: کاتبان وحی.
36. رهگذر، رضا. 1394 ازدواج با خدیجه. تهران: قدیانی، کتاب های بنفشه
37. رهگذر، رضا. 1380. خورشیدی در خانه خدیجه (داستان جوانی پیامبر صلی الله علیه و آله. تهران: پیام آزادی.
38. زارع، محبوبه 1385. کاروانی با سیزده کجاوه: تجلی گاه سیزده گانه مادران

عروج: آمنه، خدیجه، فاطمه بنت اسد، زهرا، شهربانو... . قم: بوستان کتاب انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

39. زواریان، زهرا. 1395. قصه های دخترانه: فرازهایی از زندگی سه بانوی صدر اسلام. تهران: قدیانی کتاب های بنفشه

40. زواریان، زهرا. 1394. عروس و کاروانش: فرازی از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام تهران: قدیانی

41. سلیمانی، روشن. 1392. نگار محمد: حضرت علیها السلام. قم: مؤسسه بوستان کتاب.

42. سیلاوی، غالب. 1393. انوار درخشان ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام. مترجم عباس حاجیانی، قم: موعود اسلام

43. شریعتی، عفت، سکینه مهدیان پور، سهیلا کیاسی، منیر حسینی، و فوزیه ناصر قرایی. 1391. آثار جشنواره فرهنگی - بصیرتی بانوی فضیلت، حامی رسالت حضرت خدیجه علیها السلام. تهران: شیرزاد

44. شیرازی، رضا. 1375. تورا می خواهیم: داستان زندگی حضرت خدیجه علیها السلام تهران: پیام نور

45. شیرازی، رضا. 1391. تورا می خواهیم: داستان زندگی حضرت خدیجه علیها السلام تهران: مؤسسه انجمن قلم ایران

46. شیرازی، رضا، 1387. به نام زنده حضرت خدیجه علیها السلام. کتاب همشهری؛ 77 تهران همشهری

47. شیرازی، رضا 1387. مونس رسول. کتاب همشهری؛ 77. تهران: همشهری

48. صادقی اردستانی، احمد 1385. حضرت محمد صلی الله علیه و اله و خدیجه علیها السلام. قم: فجر قرآن کریم.

49. طالبی مازندرانی، صادق. 1392. شاهزاده قریش. قم: بهار دل ها.

50. طاهری، حسین علی. 1384. بزرگداشت حضرت خدیجه علیها السلام و تفسیر

51. طهماز عبدالحمید محمود. 1392. حضرت ام المؤمنین خدیجه طاهره الگویی وارسته برای بانوان. مترجم: عبد الجلیل براهویی زاهدی. مشهد: نسیم حجاز.
52. عبادی فرد، عزیز. 1385. خدیجه کبری علیها السلام همسر گرامی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سراب: عزیز عبادی فرد
53. عرب عبدالرضا. 1387. تصویر خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله در دائره المعارف اسلام. قم: انتشارات شیعه شناسی
54. علی بخشی، عبد الله. 1391. خدیجه علیها السلام برترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله. قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر.
55. عماد زاده، حسین 1381. زندگانی حضرت فاطمه الزهرا علیها السلام و خدیجه کبری علیها السلام تهران: اسلام
56. عمید زاده، هادی 1392. تاریخ زندگانی ام المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام. تهران: انتشارات منیر
57. فضل بیرجندی، علی. 1391. حضرت خدیجه علیها السلام مظلومه تاریخ. مشهد: منتظران ظهور
58. فضل، بیرجندی، علی 1388. حضرت خدیجه علیها السلام مظلومه تاریخ. ویراستار: حسن فضل مشهد: محقق.
59. قاسمی، ابراهیم و رضا فلاح. 1391. مروارید حجاز. قم: علامه بهبهانی.
60. قیدی حمید. 1391. الهی ترین ازدواج (حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام) با تأکید بر نقش حمایت گری حضرت خدیجه علیها السلام. تهران: میراث اهل قلم
61. کرمی فریدنی علی. 1382. فروغ آسمان حجاز: خدیجه علیها السلام. قم: حاذق.
62. کرمی فریدنی، علی. 1383. فروغ آسمان حجاز: خدیجه علیها السلام. قم: نسیم انتظار.
63. کرمی فریدنی، علی. 1385. فروغ آسمان حجاز: خدیجه علیها السلام. قم: نسیم انتظار.

64. کرمی فریدنی علی. 1390. نیم نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام قم: نسیم انتظار
65. کرمی فریدونی، علی. 1385. نگاهی نو به زندگی درخشان خدیجه علیها السلام. قم: نسیم انتظار
66. کرمی، علی. 1383. جلوه هایی از فروغ آسمان حجاز حضرت خدیجه علیها السلام. قم: دلیل ما.
67. کمالی نیا، محمد تقی. بی تا شکوه زندگی سیر و تأملی در زندگانی سراسر شور و حماسه «خدیجه کبری» تهران: امید
68. کمالی نیا، محمد تقی. 1381. خدیجه علیها السلام شکوه زندگی. قم: نور السجاد.
69. گروه تألیف و تحقیق دارالصادقین. 1390. خدیجه علیها السلام بانوی مکه. تهران: دارالصادقین.
70. گروهی از نویسندگان، تهیه شده در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما. 1385. همسر آفتاب. قم: کتاب طه.
71. ماجراجو، محسن مصطفی صمدیان. 1392. داستان مادران امت، خدیجه و فاطمه بنت اسد علیها السلام. ویراستار فاطمه حبیبی. قم: اصباح.
72. شنیدایی، پور محسن 1394. داستان مادران، امت، خدیجه علیها السلام و فاطمه بنت اسد علیها السلام. مشهد: دیانت؛ قم: اصباح.
73. محدثی، جواد 1390 بانوی حجاز: آشنایی با شخصیت حضرت خدیجه کبری علیها السلام. قم: معروف.
74. محمدزاده، مرضیه. 1393. زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و زنان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه سازمان چاپ و انتشارات.
75. محمدزاده، مرضیه. 1395. زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و زنان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. تهران: امیرکبیر
76. محمدی اشتهااردی، محمد. 1377. حضرت خدیجه علیها السلام اسطوره ایثار و مقاومت تهران: مؤسسه انتشارات نبوی

77. محمدی اشتهااردی، محمد. 1392. حضرت خدیجه علیها السلام اسطوره ایثار و مقاومت تهران: مؤسسه انتشارات نبوی
78. مخابری، زهرا. 1389. بررسی زندگی و شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام (ام الکوثر). تهران: چوک آشیان
79. مرادی نسب، حسین. 1389. خدیجه علیها السلام: همسر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله تهران: مشعر
80. مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان. 1391. کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان
81. مکتب دار، زینب. 1384. خدیجه علیها السلام مادر اسلام. قم: بخشایش.
82. مهاجرانی، سید محمد. 1395. خدیجه علیها السلام مادر فاطمه علیها السلام. تهران: مدرسه.
83. مهدی پور علی اکبر. 1287. سرچشمه کوثر: ام المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام. قم: سیمای آفتاب
84. مهدی پور، علی اکبر. 1385. سرچشمه کوثر: ام المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام. کرج: راه و داد.
85. موسوی، سید احمد. 1373. خدیجه کبری علیها السلام. تهران: دانشنامه مکتب اهل بیت علیهم السلام
86. میانجی، محمد، بی تا. نگاهی به ویژگی های رفتاری اولین بانوی مسلمان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. بی جا بی تا.
87. نصیرزاده، قاسم. 1391. سرچشمه کوثر ولایت: نگاهی گذرا به زندگانی سراسر ایثار و ایمان حضرت خدیجه علیها السلام. تهران: سیب سبز
88. نصیری، بدرالدین بی تا. زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام و زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام با حضرت محمد صلی الله علیه و اله. تهران: بینا.
89. نصیری، بدرالدین 1385. زندگانی حضرت محمد صلی الله علیه و آله با زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام و زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام تهران: اردیبهشت.
90. نظری مؤمن آبادی رفسنجانی، علی. 1391. بزرگ بانوی اسلام: سیری در زندگی

برترین حامی پیامبر حضرت خدیجه کبری علیها السلام . اصفهان: کانون پژوهش.

91. نیک پیام محمد علی. 1394. زندگی نامه خاتم النبیین حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اجدادش و حضرت خدیجه کبری علیها السلام. گرگان: انتشارات نوروزی.

92. هادی منش، ابوالفضل. 1393. تصویرگر احسان سلیمانی. حضرت خدیجه علیها السلام مادر حضرت فاطمه علیها السلام. قم: حدیث نینوا.

93. هاشمی نژاد، اکرم السادات. 1388. سرور زنان جهان امّ المؤمنین خدیجه کبری تهران: نوآور

94. هیئت تحریریه مؤسسه در راه حق. 1358. نخستین ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه و آله. قم: مؤسسه در راه حق.

95. وحیدی صدر، مهدی. 1385. سایه محبت بانو خدیجه دختر خویلد. تهران: مجمع جهانی اهل بیت، معاونت امور فرهنگی

96. وطن دوست سینا 1395. ضیافت الهی (بهمراه مختصری از زندگینامه حضرت خدیجه علیها السلام و امام حسن مجتبی علیه السلام). قم: صالحان.

97. یمانی، محمد عبده. 1389. ام المؤمنین خدیجه بنت خویلد بانویی در قلب مصطفی صلی الله علیه و آله. مترجم محمد ابراهیمی شیراز: ایلاف

98. یوسفی، دینا. 1387. بانوی مکه. سبزوار: امید مهر.

مقالات فارسی

1. ابوسلیمان عبدالوهاب ابراهیم و سید مرتضی حسینی فاضل. پاییز 1388. خانه حضرت خدیجه علیها السلام بهترین مکان مکه پس از مسجد الحرام. میقات حج 69: ص 121-136.

2. استویانف، لودمیل. خرداد 1382. خدیجه. ادبیات داستانی 69: ص 50-55.

3. اسفندیار، سرور. شهریور 1386. وفات حضرت خدیجه علیها السلام. ماهنامه گلبرگ 90: ص 103

4. اعتمادی، منصوره بهار 1387. خدیجه علیها السلام یگانه انتخاب پیامبر صلی الله علیه و آله تا

ص: 291

زمان وفات دو فصلنامه بانوان شیعه 15: ص 137-164

5. اعتمادی، منصوره. پاییز و زمستان 1386. مناسبات اقتصادی و روابط شغلی حضرت خدیجه با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. دو فصلنامه بانوان شیعه 13 و 14: ص 173-200.

6. افراسیابی، غلامرضا. بهار 1383. بنیان کعبه. آینه میراث 24: ص 7-17

7. اکبرزاده امیر. مهر 1384. وفات حضرت خدیجه: هجرت نا به هنگام. فصلنامه اشارات ایام 77: ص 120.

8. امامی، علی. مهر و آبان 1383. فضائل حضرت خدیجه علیها السلام. ماهنامه مبلغان 59: ص 16-22

9. امامی، علی مهر و آبان 1384. مقام حضرت خدیجه در پیشگاه خدا و رسول اکرم. ماهنامه مبلغان 71: ص 89-99.

10. آهنگر، محمد جواد. اسفند 1386. ازدواج پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام. ماهنامه گلبرگ 96: ص 97.

11. بادی نزهت. آبان 1382. وفات حضرت خدیجه علیها السلام: چشم هایت را به فاطمه علیها السلام ببخش! فصلنامه اشارات ایام 66: ص 54

12. بدرالدین، محمد کاظم. مهر 1384. وفات حضرت خدیجه: پرواز روح عفیف. فصلنامه اشارات ایام 77: ص 111.

13. پاک نیا، عبدالکریم. تیر و مرداد 1393. حضرت خدیجه علیها السلام، الگوی عفت و پاک دامنی ماهنامه مبلغان 179: ص 13

14. پاک نیا، عبدالکریم. 1385. هفت نکته قرآنی در سیره اولین زن مسلمان حضرت خدیجه طاهره علیها السلام. کوثر، علوم اسلامی، ص 20.

15. پاک نیا، عبدالکریم. آذر 1381. نگاهی به آموزه های تربیتی در زندگی حضرت خدیجه علیها السلام. ماهنامه مبلغان 35: ص 37 تا 48

16. پناهی، عباس. 1394. نقش مدیریتی حضرت خدیجه علیها السلام در توسعه دین اسلام. ماهنامه صف 89.

ص: 292

17. پنجی، خدیجه. مهر 1384. وفات حضرت خدیجه: بانوی خردمند حجاز. فصلنامه اشارات ایام: 77: ص 118
18. تاجدینی، فرهاد. اردیبهشت 1366. فرازهایی از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام. تربیت 8: ص 34 - 35
19. جزایری، سید محمد علی. 1388. شمه ای از فضایل خدیجه علیها السلام. منتشر شده در سایت . <http://www.sibtayn.com>
- 20.
20. جوادی آملی، عبدالله. 1391. حضرت خدیجه علیها السلام، بانوی نمونه اسلام. ماهنامه راه قرآن 41
21. حجتی کرمانی علی. آبان 1367. مرگ ابوطالب و خدیجه. درس هایی از مکتب اسلام 7: ص 25 - 29.
22. حر، سید حسین بهار 1385. هفت نکته قرآنی در سیره اولین زن مسلمان حضرت خدیجه طاهره علیها السلام. فصلنامه قرآنی کوثر 20: ص 24-30.
23. حسینی، سید جواد. شهریور 138. پیوند آگاهانه و معنوی خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله ماهنامه پاسدار اسلام 333: ص 23 - 25.
24. حسینی، سید جواد. مرداد و شهریور 1389. خدیجه علیها السلام اسوه فضیلت. ماهنامه مبلغان 131: ص 70-81
25. حسینی، سید جواد. شهریور 1387. کجا مثل خدیجه می توان یافت. ماهنامه پاسدار اسلام 321: 14-17.
26. حمیدزاده، اکبر بهار 1384. نقش طاهره قریش خدیجه در زندگی و پیروزی حضرت محمد. فصلنامه یاد 75: ص 87 - 100.
27. خیراتی، اعظم. 1392. حقیقت زن بودن با بررسی زندگی و منش حضرت خدیجه علیها السلام. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>
28. داودی، رضا. مرداد 1391. خدیجه گوهری که در مکه درخشید. ماهنامه پیام زن 245: ص 36.
29. دژم محمد جواد. مهر 1384. وفات حضرت خدیجه: پیش از پرواز. فصلنامه

30. رسولی محلاتی. سال چهارم. سن رسول خدا صلی الله علیه و آله و خدیجه در هنگام ازدواج. ماهنامه پاسدار اسلام 48
31. رسولی محلاتی. سال پنجم: تا خدیجه زنده بود رسول خدا صلی الله علیه و آله زن دیگری اختیار نکرد. ماهنامه پاسدار اسلام 49
32. رسولی محلاتی. سال هشتم. وفات ابوطالب و خدیجه. ماهنامه پاسدار اسلام 92.
33. رشیدپور، مجید. آبان 1373. خانواده خوشبخت. پیوند 181: ص 46-42.
34. رضایی، حمیده. مهر 1384. وفات حضرت خدیجه: خدا حافظ، خدیجه. فصلنامه اشارات ایام 77: ص 114
35. زارع، محبوبه. اسفند 1386. ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام. اولین جرقه عشق. فصلنامه اشارات ایام 106: ص 115.
36. زارع محبوبه، رزیتا نعمتی، محمد کاظم بدرالدین، روح الله حبیبیان، سودابه، مهیجی بهزاد پودات محمد علی، کعبی، سعیده خلیل نژاد شهریور 1386. وفات حضرت خدیجه کبری علیها السلام: تجارت، بهانه بود/ خدیجه حامی رسالت/ اندوه پیامبر/ اندوه و اشک آخرین فرستاده.... فصلنامه اشارات ایام 100: ص 105 - 113
37. سبحانی تبریزی، جعفر آذر 1339. تجزیه و تحلیل در تاریخ اسلام/ خدیجه ملکه اسلام/ درس هایی از مکتب اسلام، 11: ص 16-21.
38. سعادت شایسته، علی. آبان 1382. وفات حضرت خدیجه علیها السلام: بانوی مکه. فصلنامه اشارات ایام 66: ص 57
39. شایسته خو. 1392. خدیجه در خانه پیامبر؛ زن و تعالی خانواده. فصلنامه شمیم نرجس 25.
40. صبوری، سمیه. آذر 1380. فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام. گلستان قرآن 95: 29 - 30

41. صفراآبادی، فراهانی، معصومه. مرداد و شهریور 1389. فرشته مهر: به مناسبت دهم ماه رمضان، سالروز رحلت حضرت خدیجه علیها السلام. پیام زن 221 - 222: 50 - 53
42. صمدی علی اکبر. بهمن 1376. پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام ادب و عاطفه. پیام زن 71: 12 - 15.
43. طاهری، سید محمود. مهر 1384. وفات حضرت خدیجه: عام الحزن. فصلنامه اشارات ایام 77: ص 115
44. طبسی، محمد محسن دی 1378. حضرت خدیجه علیها السلام. مادر امت. ماهنامه فرهنگ کوثر 34: ص 52 - 55.
45. عابدی، محمد دی 1379. حضرت خدیجه، اولین شیعه علی علیه السلام: به مناسبت دهم، رمضان سال روز وفات حضرت خدیجه مبلغان 11: ص 8 - 18.
46. عابدی، محمد. فروردین 1376. ... و کجاست مثل خدیجه. ماهنامه فرهنگ کوثر 1: ص 24 - 31.
47. عادل حسینی، سید جعفر. 1394. نقش حضرت خدیجه علیها السلام در گسترش اسلام منتشر شده در سایت <http://www.adeli-af.com>
48. علوی طالقانی، علاء الدین. 19 آبان 1323. خدیجه یا همسر محمد صلی اللخه علیه و آله. آیین اسلام 34: ص 4
49. فولادی، فضل الله. مرداد 1390. خدیجه؛ همسری فداکار و مشاور امین. درس هایی از مکتب اسلام 603: 58 - 69
50. قاسمی، علیرضا. آذر 1380. خدیجه طاهره، به روایتی دیگر. گلستان قرآن 95: ص 31 - 32.
51. کامرانی، اکرم. آبان 1382. وفات حضرت خدیجه علیها السلام: تمامت خوبی و بردباری. فصلنامه اشارات ایام 66: ص 55.
52. کرمی، علی. بهار 1386. نقش خدیجه علیها السلام در پیشرفت اسلام و انسان.

53. کرمی، علی. زمستان 1385. ویژگی نو اندیشی و نوگرایی خدیجه علیها السلام. فصلنامه فرهنگ جهاد 46: ص 144
54. کنانی، تقوا و معصومه گل گلی. مرداد و شهریور 1387. خدیجه علیها السلام بانوی خوبی ها: فضایل معنوی حضرت خدیجه کبری (به مناسبت هفتم رمضان). آفاق مهر: ص 68-71
55. کامرانی اکرم. وفات حضرت خدیجه علیها السلام: تمامت خوبی و بردباری. ماهنامه مبلغان 59
56. کرمی، علی. 1386. نقش خدیجه علیها السلام در پیشرفت اسلام و انسان (قسمت سوم) فرهنگ جهاد علوم اسلامی 47
57. کرمی، علی. 1385. ویژگی نو اندیشی و نوگرایی خدیجه علیها السلام (2) فرهنگ جهاد 46
58. گلی، زواره غلامرضا. رمضان 1433. برگی از فضایل حضرت خدیجه کبری علیها السلام. ماهنامه مبلغان 155: ص 37-58.
59. گلی زواره، غلامرضا. مرداد 1391. خدیجه بانوی کارآفرین. ماهنامه پیام زن 245: ص 42.
60. لقمانی، احمد فروردین 1380. شخصیت شناسی فاطمه علیها السلام. پیام زن 109: ص 42-47.
61. لک زایی بهادری، خدارحم 1390. بزرگ بانوی تاریخ اسلام و مادر مؤمنان حضرت خدیجه طاهره. فصلنامه ندای اسلام 46
62. محدثی، جواد. تابستان 1387. خدیجه کبری علیها السلام نخستین زن مسلمان. معارف اسلامی 72: ص 78-82
63. محقق (م. آتش)، جواد آذر 1358. خدیجه ای همه خوبی. پیام اسلام 6: ص 232 - 235.
64. محیطی اردکانی احمد. آذر 1378. اولین بانوی اسلام (به

- مناسبت دهم ماه مبارک رمضان سالروز رحلت حضرت خدیجه). فصلنامه فرهنگ کوثر 33: ص 58 - 60 .
65. مهدی نژاد، امید. آبان 1382. وفات حضرت خدیجه علیها السلام: دریای سخاوت. فصلنامه اشارات ایام 66: ص 53
66. مهدی پور، علی اکبر. شهریور و مهر 1387. صدف کوثر. ماهنامه مبلغان 107: ص 35 - 50
67. موسوی، سید علی اصغر. مهر 1384. وفات حضرت خدیجه: بانوی سخاوت عشق. فصلنامه اشارات ایام 77: ص 117
68. میانجی، محمد. رمضان 1422. نگاهی به ویژگی های رفتاری اولین بانوی مسلمان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. ماهنامه مبلغان 23: 39 - 49
69. میرزایی، محمد سعید. آبان 1382. وفات حضرت خدیجه علیها السلام: تا آخرین نفس. فصلنامه اشارات ایام 66: ص 54
70. ناصری، فهیمه. 1387. همسر رسالت/ به مناسبت سالروز وفات حضرت خدیجه کبری علیها السلام. ماهنامه زائر 6 .
71. نصیری، عبدالله. 1375/09/21. به مناسبت سالروز وفات حضرت خدیجه علیها السلام حامی بزرگ اسلام ایران: ص 10.
72. هاشمی پور، اکرم سادات. تیر 1393. خدیجه! شب پرواز می رسد. ماهنامه پیام زن 4 (268): ص 33 .
73. هاشمی نژاد، اکرم سادات . 1389. اولین بانوی آینه ها. شمیم یاس 89 .
74. هراتیان علی. پاییز 1385. خدیجه علیها السلام بزرگ بانوی جهان. فصلنامه بهورز 68: ص 40.
75. نویسنده نامشخص. الگوی زن مسلمان؛ خدیجه در آینه زار توحید / حضرت خدیجه کبری علیها السلام ماهنامه طوبی 34
76. نویسنده نامشخص. آیا حضرت خدیجه علیها السلام قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله با فرد دیگری ازدواج کرده بود؟ منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>.

77. نویسنده نامشخص. بر کرانه فضائل خدیجه علیها السلام . ماهنامه نسیم وحی 31.

78. نویسنده نامشخص. آذر 1376. به پیشگاه مادر والا، ام المومنین حضرت خدیجه علیها السلام . تحول اداری 17: ص 3-4 .

79. نویسنده نامشخص. 1394. بی تابی فاطمه علیها السلام در وفات مادر و بشارت پیامبر صلی الله علیه و آله به وی. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>.

80. نویسنده نامشخص. 1388. پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام ادب و عاطفه

81. نویسنده نامشخص. آذر 1380. تأثیر حضرت خدیجه علیها السلام بر زندگی سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله گلستان قرآن 95: ص 19-21.

82. نویسنده نامشخص. تیر 1393. حضرت خدیجه علیها السلام ، الگویی در ایثار اقتصادی. ماهنامه اندیشه و راهبرد 9: ص 80.

83. نویسنده نامشخص. حضرت خدیجه علیها السلام در قرآن. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>.

84. نویسنده نامشخص حضرت خدیجه علیها السلام مادر ام اییها

85. نویسنده نامشخص. حضرت خدیجه، رحمتی از رحمت واسعه خدا بر پیامبر بود. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>

86. نویسنده نامشخص خدیجه علیها السلام از اسلام آوردن تا وفات. ماهنامه گنجینه 72.

87. نویسنده نامشخص. مهر 1385. خدیجه بانوی بزرگ کرامت. ماهنامه اندیشه دانشجو 82: ص 9.

88. نویسنده نامشخص. خدیجه قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله

89. نویسنده نامشخص. تیر 1393. خدیجه، یاور راستین پیامبر صلی الله علیه و آله. ماهنامه سرباز 213: ص 32 .

90. نویسنده نامشخص. تابستان 1390. خدیجه؛ همسر نبوت و مادر عصمت. ماهنامه گنجینه مجمع 52-54: ص 44.

91. نویسنده نامشخص. در سوگ مادرم خدیجه. ماهنامه دیدار آشنا 118.

92. نویسنده نامشخص. 1393. در وصف حضرت خدیجه کبری علیها السلام . منتشر

93. نویسنده نامشخص. آبان 1364. درس هایی از تاریخ تحلیلی ازدواج با خدیجه. پاسدار اسلام 47: ص 26 - 30.

94. نویسنده نامشخص. 1394. دوشیزه حجاز حضرت خدیجه کبری علیها السلام ام المؤمنین. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>

95. نویسنده نامشخص. زندگانی حضرت خدیجه کبری علیها السلام

96. نویسنده نامشخص. 1389. سال روز وفات حضرت خدیجه علیها السلام. ماهنامه گلبرگ 121

97. نویسنده نامشخص. خرداد 1386. شمیم یار/ ازدواج امین قریش با خدیجه / قرآن و زندگی شاد و هدفمند/ پیام آور نینوا ... ماهنامه پیام زن 183: ص 97-117

98. نویسنده نامشخص. عهد حضرت خدیجه علیها السلام در هنگام وفات با اسماء در مورد شب عروسی فاطمه علیها السلام منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>

99. نویسنده نامشخص. 1388. فضائل خدیجه علیها السلام.

100. نویسنده نامشخص. آذر 1380 فضیلت خدیجه علیها السلام در گفتار بزرگان. دو هفته نامه گلستان قرآن 95: ص 33-35

101. نویسنده نامشخص. 1393. فضیلت خدیجه علیها السلام در گفتار بزرگان. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>

102. نویسنده نامشخص. گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در فراق خدیجه پس از سال ها. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>

103. نویسنده نامشخص. نیمه اول آبان 1383. گزارش بزرگداشت حضرت خدیجه علیها السلام در بخش بانوان. دو هفته نامه گلستان قرآن 187: ص 38.

104. نویسنده نامشخص. آبان 1381. معارف: خدیجه علیها السلام و خانه ای در بهشت. ماهنامه شاهد جوان 330: ص 7.

105. نویسنده نامشخص. نام پر افتخار خدیجه. ماهنامه پرسمان 115.

106. نویسنده نامشخص. 1388. نسب او خدیجه علیها السلام

107. نویسنده نامشخص. 1390. نقش حضرت خدیجه علیها السلام در پیشبرد و توسعه اسلام کلیدی بود. ماهنامه گنجینه مجمع 52-

54

108. نویسنده نامشخص. نقش طاهره قریش خدیجه در زندگی و پیروزی حضرت محمد صلی الله علیه و اله.

109. نویسنده نامشخص. آذر 1380 نگاه اول/ منزلت حضرت علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام. دو هفته نامه گلستان قرآن 95:

ص 2

110. نویسنده نامشخص. 1385. نگاهی نوبه زندگی یار و مشاور پیامبر خدیجه علیها السلام. فرهنگ جهاد 43-44

111. نویسنده نامشخص. هم سفر خورشید. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>

112. نویسنده نامشخص. 1393. وصیت های حضرت خدیجه علیها السلام. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>

113. نویسنده نامشخص. 1389. وفات حضرت خدیجه. فصلنامه اشارات ایام 135

114. نویسنده نامشخص. آبان 1383. وفات حضرت خدیجه علیها السلام - (83/8/4 - دهم رمضان) ماهنامه گلبرگ 56 ص 20.

115. نویسنده نامشخص. آبان 1383. وفات حضرت خدیجه علیها السلام - (83/8/4 - دهم رمضان) ماهنامه گلبرگ 56 : ص 106

116. نویسنده نامشخص. 1388. وفات حضرت خدیجه علیها السلام بهترین زنان/ خدیجه در آینه معراج پیامبر/ بانوی دو جهان/

همسری که پیامبر شد/ زن ثروتمند/ ثروت با برکت/ خدیجه علیها السلام از نگاه پیامبر. ماهنامه قاصدک 47.

117. نویسنده نامشخص. 1394. وفات حضرت خدیجه علیها السلام. فصلنامه اشارات ایام 159.

ص: 300

118. نویسنده نامشخص. مهر 1385. وفات حضرت خدیجه علیها السلام. ماهنامه قاصدک 22: ص 44

119. نویسنده نامشخص ویژگی های رفتاری حضرت خدیجه علیها السلام نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>

مقالات روزنامه ها

1. اقبالیان، ابوالقاسم. 1384/07/21 مناقب و فضایل حضرت خدیجه علیها السلام. مردم سالاری: ص 5.

2. آزاد مهرداد. 1374/11/11. خدیجه شریک مصائب پیامبر صلی الله علیه و آله کیهان: ص 14.

3. بختیاری اکبر. 1382/08/15. مادر بی همتای عشق. جام جم: ص 9.

4. ترکاشوند علی. 1386/05/22. خدیجه علیها السلام باتوی شفیق محمد صلی الله علیه و آله. حمایت: ص 6.

5. توانا، صدیقه. 1378/09/28. هم نشین آفتاب کیهان: ص 6

6. جعفری، مهدی. 1379/09/16. خدیجه همسر و یاور پیامبر. جام جم: ص 8

7. حر، سید حسین. 1385/07/06. غم های پیامبر در دل بانوی بهشت: به انگیزه دهم رمضان سالروز وفات حضرت خدیجه علیها السلام. دیدار جام جم: ص 10.

8. خادمیان نوش آبادی، حسین. 1388/06/09. حضرت خدیجه، بانی کاخ بندگی و سخاوت: امروز سالروز وفات بانوی منحصر به فرد اسلام، والده ماجده و بزرگوار... ایران: ص 14

9. خسروانی، عباس. 1384/07/23. خدیجه علیها السلام اولین صدیقه اسلام، گفتگو با: حجت الاسلام و المسلمین دکتر داوود مختاری. رسالت: ص 7.

10. خوش عمل، عباس. 1380/09/05. نخستین بانوی رستگار اسلام جام

جم: ص 8.

11. سلیمانی، نجیبه . 1385/06/02 . غمگسار پیامبر: به مناسبت 29 رجب سالروز وفات حضرت خدیجه علیها السلام. دیدار جام جم: ص 18: 13.

12. سیاح سینا ایران. 1386/06/31. غمخوار پیامبر صلی الله علیه و آله: به مناسبت وفات حضرت خدیجه علیها السلام . همشهری: ص 21.

13. صاحبی مفرد، تقی. 1379/09/17. القاب و فضایل حضرت خدیجه (علیها السلام) کیهان: ص 6.

14. قنبرپور، مصطفی. 1377/10/09. بانوی فداکار اسلام. ابرار: ص 2.

15. قنوات، عبد الرحیم. 1373/09/24. انتخاب علی علیه السلام و جهت گیری اجتماعی اسلام همشهری: ص 11.

16. گیلانی حامد. 1384/07/21 بخشی از موفقیت های پیامبر صلی الله علیه و آله مرهون خدمات خدیجه علیها السلام است. قدس: ص 14.

17. محمدی اشتهااردی محمد 1384/07/21. حضرت خدیجه علیها السلام الگویی تکرار ناپذیر قدس: ص 14

18. محمودی، عباس علی 1383/08/03. خورشید همیشه درخشان اسلام حضرت خدیجه کبری. جام جم: ص 8.

19. محیطی اردکانی، احمد. 1386/06/31. اولین بانوی اسلام: به مناسبت سالروز رحلت حضرت خدیجه علیها السلام . ضمیمه اطلاعات: ص 2.

20. ناصری فرد، منوچهر 1384/07/23. خدیجه همسر بی بدیل پیامبر جمهوری اسلامی: ص 3

21. ناصری، فرد منوچهر. 1384/08/11. ام المؤمنین جهان اسلام شرق ص 18

22. نساجی زواره اسماعیل 1381/08/23. یار مهربان رسول الله صلی الله علیه و آله. کیهان: ص 6

23. نویسنده نامشخص 1381/08/23 بانوی صبور، خدیجه علیها السلام . رسالت: ص 13

ص: 302

24. نویسنده نامشخص. 1378/09/27. بانویی در سنگر عدالت اجتماعی. جبهه: ص 10.
25. نویسنده نامشخص. 1378/09/28. حضرت خدیجه علیها السلام اسوه اخلاص. کارو کارگز: ص 3.
26. نویسنده نامشخص. 1375/11/01. حضرت خدیجه علیها السلام اسوه اخلاص. جمهوری اسلامی: ص 3.
27. نویسنده نامشخص. 1381/08/25 حضرت خدیجه علیها السلام، اسوه اخلاص جمهوری اسلامی: ص 3
28. نویسنده نامشخص. 1378/09/28. در نهانخانه دل هر زن خدیجه ای هست ... آفرینش: ص 1.
29. نویسنده نامشخص. 1373/10/20. همسر همراه جمهوری اسلامی: ص 15.
30. نویسنده نامشخص. 1383/07/30 آرام جان پیامبر صلی الله علیه و آله شما 384: ص 8.
31. نویسنده نامشخص. 1384/07/21. حضرت خدیجه علیها السلام یاور همیشگی رسول خدا صلی الله علیه و آله؛ مختصری از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام به مناسبت سالروز وفات ایشان در 17 رمضان رسالت: ص 19.

1. بیگدلی، زاهد، 1386. مرجع شناسی عمومی لاتین، تهران: سمت.
2. خسروی، فریبرز 1385. دایره المعارف کتاب داری؛ ج 2 تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران
3. روغنی، شهره 1392، کتاب شناسی گزیده توصیفی تاریخ و تمدن ملل اسلامی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی
4. سلطانی، پوری، و فروردین راستین، 1379، دانشنامه کتابداری و اطلاع رسانی، تهران: فرهنگ معاصر.
5. کومار، کریشین، 1387، خدمات مرجع، ترجمه زاهد بیگدلی؛ ویرایش 5، ج 1. اهواز: دانشگاه شهید چمران.
6. کینان، استلا، 1378، فرهنگ فشرده کتابداری و اطلاع رسانی. ترجمه و تدوین فاطمه اسدی، گرگانی تهران: نشر کتابدار
7. مرادی، نورالله، 1372، مرجع شناسی: شناخت خدمات و کتاب های مرجع، تهران: فرهنگ معاصر.
8. مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان 1391، کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان
9. مسرت، حسین، 1374، کتاب شناسی رشیدالدین میبیدی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
10. وزیر پور کشمیری، مهرداد، 1386، مرجع شناسی عمومی لاتین، تهران: کتابدار.

*کتاب‌شناسی توصیفی خدیجه کبری علیها السلام: سید رضا هاشمی شاه قبادی (1)

این نوشتار کتاب‌شناسی توصیفی از منابعی است که به زندگانی و سیره خدیجه کبری علیها السلام می‌پردازد کتاب‌های معرفی شده در دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: دسته‌ای که صرفاً به موضوع پرداخته و مطالب در چارچوب زندگی و سیره این بانوی بزرگ اختصاص یافته است. دسته دوم که در ضمن بحث‌های خود به موضوع خدیجه کبری علیها السلام نیز پرداخته و قسمتی مهم و قابل توجه از کتاب و نوشته خویش را به ایشان اختصاص داده‌اند؛ اما با نگاهی دقیق‌تر می‌توان این کتاب‌ها را در قالبی تفصیلی‌تر نیز تقسیم‌بندی نمود. کتاب‌های ادبی، حدیثی، تاریخی و شخصیت‌نگاری از مجموعه کتاب‌هایی هستند که به این موضوع پرداخته‌اند که در ذیل نمونه‌ای از هر کدام معرفی شده است. در پایان باید اذعان داشت که کتاب‌های معرفی شده، یقیناً همه کتاب‌هایی نیست که در این موضوع نگاشته شده بلکه با توجه به محدود بودن وقت و دست‌رسی بدان‌ها به تعدادی اشاره شده است

1. خدیجه امین محمد صلی الله علیه و اله، فریبا انیسی، به سفارش اداره کل امور بانوان، شهرداری، چاپ، اول، تهران تابستان 1386 فارسی وزیری، 114 صفحه.

کتاب در قالب داستانی برای مخاطب جوان نگاشته شده است. نویسنده سعی کرده زندگانی حضرت خدیجه کبری علیها السلام را در قالب داستانی بلند، با قلمی روان و ملموس بیان کند منابع بسیار محدودی دارد تمامی منابع از

ص: 305

کتاب های عصر حاضر هستند. نویسندگان متأسفانه برای داستان پردازی، دست به سوی هر گزارشی دراز کرده و سره و ناسره را در هم آمیخته و گاه خودش بر آن افزوده تا داستان یکپارچه و پیوسته ای را پردازد. از همین رو به منابع در متن اشاره نشده است و فهرست موضوعی نیز ندارد. در مجموع، هر چند متنی زیبا و شیوا عرضه شده به صحت و سقم آن اعتمادی نیست.

2. مثلهن الاعلی؛ السیده خدیجه علیها السلام، الشیخ عبدالله العالیلی، بیروت، دار الحدید، 1992، م، عربی وزیری، 120 صفحه

کتاب با زبانی، ادبی به زندگانی و زوایای حیات خدیجه کبری علیها السلام پرداخته است. متنی که به عربی جدید نگاشته شده و از کنایات و تمثیل ها فراوان بهره برده است. این کتاب برای مخاطب دانشجو و اهل ادب نگاشته شده و فاقد روش علمی تحقیق است؛ لذا برای مطالب خویش به صورت مرتب، منبعی نکرده و اگر منبعی معرفی کرده بسیار کم است. کتاب فاقد کتاب نامه است و در متن هم گاهی برای شاهد مطالب به روایاتی در پاورقی اشاره شده و غیر از این ها منابعی برای کتاب نمی توان یافت کتاب در نه بخش سامان داده شده است: «رجع حکایه لداعیه التألیف»، «مقدمه»، «فی مدینه الاوثان»، «علی شفاء الزهر»، «إمراه تخمر الطیب»، «یوم لاقت الملائک»، «فی مرکبه الفجر»، «حبات ضوء» و «قاروره المعبد».

3. همسر آفتاب، گروهی از نویسندگان، تهیه شده در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول تهران نشر کتاب، طه، پاییز 1385، فارسی، وزیری، 63 صفحه

همسر آفتاب شماره اول از مجموعه کتاب های با پیامبر صلی الله علیه و آله است که مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما به مناسبت سال پیامبر اعظم منتشر کرده است این کتاب به زندگانی حضرت خدیجه کبری اختصاص دارد و مطالب آن در چهار فصل چینش شده است: فصل اول: «خدیجه در تاریخ»، فصل دوم: «خدیجه نخستین بانوی مسلمان»، فصل سوم: «ویژگی های نخستین خانواده اسلامی»، فصل چهارم: «برگزیده متون ادبی».

ص: 306

کتاب در فضای فرهنگی جامعه شیعی نگاشته شده است. کتاب بیشتر بر منابع شیعی تکیه دارد و از منابع اهل سنت کمتر استفاده نموده است. کتاب نامه پایان کتاب نیز این مطلب را تأیید می کند؛ زیرا از بیست و هفت منبع درج شده فقط هفت منبع از اهل سنت است و باقی منابع شیعی هستند. کتاب از نظر متن نوشته ای سلیس و روان دارد که سعی نموده از خدیجه کبری علیها السلام شخصیتی شایسته و بایسته را به خوانندگان معرفی کند. فصل چهارم کتاب با عنوان «برگزیده متون ادبی» برگه متفاوت از زندگانی خدیجه کبری در مقایسه با دیگر تک نگاری ها در این موضوع است. این فصل با بهره بردن از متون ادبی در مورد زندگانی و شخصیت ایشان قالبی زیبا و ادبی را برای خوانندگان و به خصوص نسل جوان عرضه می دارد که بسیار جذاب و زیباست. کتاب در حین اختصار، سعی نموده با قلمی شیوا و گیرا به تمامی زوایای زندگی آن بانو اشاره کند و در این مسیر موفق بوده است.

4. جلوه هایی از فروغ آسمان حجاز حضرت خدیجه علیها السلام، علی کرمی فریدنی، چاپ اول، قم، انتشارات دلیل ما پاییز 1383، فارسی، وزیری، 135 صفحه.

کتاب هر چند فهرست تفصیلی دارد اما فاقد کتاب نامه است آدرس ها به صورت پاورقی و مختصر در ذیل متن آمده است. نویسنده از منابع متعدد شیعی و سنی جدید و قدیم بهره برده است مخاطب آن زنان و دختران امروز جامعه ایران هستند و لذا نویسنده قلمی نو همراه با اصطلاحات و عبارات امروزی در آن به کار برده است. بیشتر سعی گشته بر ویژگی های اخلاقی و رفتاری آن بانو تأکید شود تا الگوی عملی زنان امروز جامعه قرار گیرد. نویسنده از کنار بحث های تحلیلی و نقد تاریخی و متنی عبور کرده و بیش تر به «تحلیل رفتار» روی آورده است. کتاب در مجموع با ادبیات قوی و قلمی روان، با رویکرد تربیتی برای استفاده جامعه مخاطب عام نگاشته شده است. همین کتاب را انتشارات نسیم انتظار در قالبی با اندک تفاوت با نام نگاهی نو به زندگی درخشان خدیجه نیز به چاپ رسانده است.

5. حياه ام المؤمنين خديجه عليها السلام، محمود شلبي، طبع الاولى، بيروت، دار الجيل، 1409 ق 1989م، عربي، وزيري، 366 صفحه.

نويسنده به ترتيب تاريخي زندگاني خديجه كبرى را از منابع روايي مهم اهل سنت استخراج و دسته بندي کرده و گاه توضيحات مختصري در مورد روايت داده است. كتاب در مجموع جمع آوري احاديث در مورد حضرت خديجه عليها السلام از منابع مهم يعني صحاح و مسانيد اهل سنت است كه به ترتيب تاريخي منظم شده است. نقد و تحليل و نظري در آن ديده نمي شود. فاقد كتاب نامه و منابع است و فقط به «اخرجه فلان» بسنده کرده؛ لذا فاقد روش علمي است و رويكردي كاملاً اهل حديثي دارد

6. الحبيبه اولي المومنين؛ السيده خديجه بنت خويلد، محمد علي صالح، فزني تحقيق: شيخ طه عبدالرئوف سعد از علما الازهر القايره دار جوامع الكلم، عربي، وزيري، 234 صفحه.

نويسنده كتاب را در ذی الحجه 1428 قمری به اتمام رسانيده است. كتاب فهرست تفصيلي دارد و مطالب آن را در چند بخش مي توان خلاصه کرد: بخش اول كه شامل مقدمه و اهداء است و سپس به جاگاه همسران پيامبر صلي الله عليه و آله مي پردازد و به احكام خاص ازدواج پيامبر صلي الله عليه و آله و حكمت تعدد ازدواج هاي ايشان اشاره مي كند. بخش دوم به تفصيل به زندگاني خديجه كبرى عليها السلام پرداخته است. بخش سوم به اختصار زندگاني و جاگاه ديگر امهات مؤمنين را بررسي مي كند بخش چهارم به ماجرای زناني پرداخته كه پيامبر صلي الله عليه و آله فقط آن ها را به عقد خود درآوردند، ولي با آنان هم بستر نشدند. اين بخش بيش تر برگرفته از منابع تاريخي اهل سنت است كه محققان به خصوص در مورد تعداد آن ها به طور جدی بحث کرده اند. نويسنده در اين بخش دوازده نفر را نام برده و وقوع عقد را در تمامی موارد پذيرفته است. بخش پنجم در مورد هشت نفر از زنان صحبت مي كند كه پيامبر صلي الله عليه و آله و از آنان خواستگاري كردند اما آنان نپذيرفتند. در پايان اين بخش دو نفر از زناني را نام برده كه پيامبر صلي الله عليه و آله مي خواستند با آن ها

ازدواج کنند و یا به حضرت پیشنهاد ازدواج با آن ها داده شده اما مانع شرعی وجود داشته است. بخش پایانی به همسرانی از پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می کند که با ایشان در جنگ ها حضور داشته اند احکامی نیز درباره زمان ازدواج و یا بعد از آن از طرف خدا، آمده مانند آیه حجاب بحث کرده است.

نویسنده کتاب در فضایی کاملاً روایی به زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و همسران ایشان و به خصوص خدیجه پرداخته است. رویکرد وی بر مبنای احادیث و فقه اهل سنت است. وی تأکید می کند که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از اهل بیت علیهم السلام به شمار می آیند و آیات و روایات در این مورد ایشان را نیز شامل می گردد. تأکید نویسنده بر جایگاه صحابه و به خصوص خلفا و عایشه اعتقاد سنتی و مذهبی وی را نشان می دهد. تندی قلم نویسنده در مورد کسانی که شأن و جایگاه عایشه و صحابه و به خصوص خلفا را رعایت نمی کنند از دیدگاه وی نسبت به عدالت صحابه خبر می دهد. وی مواردی را که منشأ کوچک ترین بدگمانی به صحابه و به خصوص افراد خاص و یا روایت گر کوچک ترین خطایی از سوی ایشان باشد حذف کرده و یا به شکلی بسیار لطیف از کنارشان رد شده است. تمامی منابع کتاب از منابع مشهور اهل سنت است و شاید بتوان گفت که نویسنده دلداده مکتب حدیثی اهل سنت بوده و عقایدی نزدیک به وهابیت داشته است. در مجموع دیدگاه نویسنده نسبت به جایگاه پیامبر اسلام و همسرانش برگرفته از روایات اهل سنت بدون هیچ گونه جرح و تعدیل است و تمامی روایات وارده را بدون هیچ گونه نقد و تحلیلی، صرفاً جمع آوری و دسته بندی کرده و باید متذکر شد که همین نقل و دسته بندی نیز کاملاً جانب دارانه و گزینشی صورت گرفته است.

7. ام المؤمنین خدیجه بنت خویلد عبدالمنعم الهاشمی، طبع الأولى، بیروت، مکتبه الهلال، 1421 ق 2000 م، عربی، وزیری، 120 صفحه.

کتاب فاقد مقدمه کتاب نامه و فهرست مطالب است. اسنادات به صورت پاورقی و بدون ترتیب خاصی بیان شده است گهگاهی انتشارات ذکر گردیده و در بیش تر مواقع به صورت بسیار موجز آدرس دهی شده است. سرفصل های

اصل کتاب به قرار ذیل است: «خدیجه بن خویلد»، «خطبه مبارکه»، «فی بیت الزوجیه»، «فی بیت خدیجه»، «خدیجه و بشارت النبوه»، «نزل الوحی»، «فی سبیل الدعوه»، «المقاطعه»، «فی وداع خدیجه» و «ریحانه التاریخ و السیره».

کتاب با رویکردی تاریخی - حدیثی در فضای فکری اهل سنت نگاشته شده است. در مجموع گزارش های کتاب تنزیه و بزرگداشت شخصیت های مشهور صحابه را به دفعات می توان دید که نزد اهل سنت جایگاه ویژه ای دارند. نگاه نویسنده با تعصب مذهبی خاصی همراه است و در نوشته خویش، بدون ذکر علت به یاد خلفا پرداخته و سعی در پر رنگ نشان دادن نقش ایشان در اسلام دارد.

8. خدیجه علیها السلام ام المؤمنین نظرات فی اشراق فجر الاسلام، عبدالمنعم محمد عمر، الطبعه الثالثه، مصر، الهیئه المصریه العامه للکتاب، 1944 م. عربی، وزیری، 508 صفحه

نویسنده مدیر کل خانه کتاب و فرهنگ، قومی وکیل وزارت فرهنگ و رئیس احیاء میراث اسلامی مجلس اعلاست. کتاب فهرست مفصل و کاملی دارد اما در متن کتاب از عناوین فهرست استفاده نشده است نوشته کتاب نامه ندارد و منابع را در پاورقی به صورت مختصر آورده است اصل کتاب در سال 1402 ق 1981 م نگاشته شده و هر بار با اضافات و اصلاحاتی به چاپ مجدد رسیده است کتاب رویکردی حدیثی - تاریخی دارد و به گفته نویسنده سعی شده از منابع صحیح استفاده شود که در نظر وی صحاح و مسانید و تاریخ های مشهور اهل سنت است. تنها کاری که در نقد و شاید به صورت دقیق تر تأیید منابع و روایات شده استفاده از تفاسیر روایی و فقهی اهل سنت و گاهی استفاده از شواهد تاریخی است به تعبیری روشن تر یعنی بازگشت و عرضه دوباره گزارش ها به روایات و دیدگاه بزرگان اهل سنت تفاوتی که در این نوشته دیده می شود، دقت در زوایای تاریک تاریخ است؛ آن جا که هیچ محدث و مورخ به آن نپرداخته، نویسنده سعی کرده با تکیه بر شواهد تاریخی و روایی و گاهی با تکیه بر دانسته های خود از فرهنگ و بایدها و نبایدهای اجتماعی آن را روشن

کند. مثلاً شرکت زینب و ام کلثوم در عروسی حضرت فاطمه علیها السلام و رد شرکت بنت عمیس او این مسأله را این گونه پاسخ می دهد که تاریخ از زنده بودن این دو خواهر در زمان عروسی خبر می دهد پس حتماً آن دو در عروسی خواهر کوچک تر خود شرکت داشته و کارهای فراوان برایش کرده اند و اسما در هجرت به سر می برد؛ پس روایاتی که از حضور اسما می گویند مردود است. در مجموع رویکرد حاکم بر کتاب همان رویکرد مشهور جامعه اهل سنت با تکیه بر عدالت صحابه و جایگاه رفیع ایشان در فهم و انتقال سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله به جامعه اسلامی است

9. حیاة السیة خدیجة بنت خویلد من المهد الی اللحد، حسین علی الشرهانی الاولی، بیروت، دار و مکتبه، الهلال، 2005، م، عربی، وزیری، 320 صفحه.

کتاب بیش تر از منابع اهل سنت بهره برده اما از منابع شیعی معروف نیز غافل نبوده است. این بهره بردن از منابع شیعی به معنای تأیید دیدگاه های شیعی نیست و نویسنده در مجموع، سعی نموده با توضیح و تحلیل روایات، مختلف به دیدگاه درست یابد الشرهانی با روش علمی پیش رفته و این روش و رویکرد منصفانه و عقلایی، وی اثر او را دارای ویژگی و فضیلت نموده است کاروی علمی است. او با بهره بردن از 164 نویسنده و رجوع فراوان و تحلیلی به منابع مختلف روایی تاریخی، تراجم، تفسیر، طبقات و حتی ادبی، به کار خود قوت بخشیده است. وی در مقدمه مفصل، خود به معرفی و پیشینه موضوع به خوبی اشاره نموده و به نقدها اشکالات و مزایای کارهای گذشتگان توجه کرده است. هم چنین به اعتبارسنجی، منابع توجه وافر نموده و محدثان و راویان موضوع را به خوبی معرفی و نقد نموده است. وی کتاب خویش را در شش فصل و یک مقدمه و خاتمه سامان داده که از قرار ذیل است:

مقدمه به تبیین موضوع، ضرورت پیشینه و شناخت و نقد منابع موضوع پرداخته است. فصل اول نسب شناسی و معرفی خانواده خدیجه کبری است و سعی در معرفی جایگاه اجتماعی و مذهبی خانواده این بانو دارد؛ از همین رو به

اوضاع اجتماعی و فرهنگی پیش از اسلام جزیره اشاره می کند و به تأثیر و تأثر آن در شخصیت و خانواده خدیجه کبری اهتمام دارد فصل دوم، به بررسی زندگی و ازدواج های خدیجه کبری قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله و تعداد فرزندان و نقد گزارش های آن پرداخته است. فصل سوم به سیره و منابع اقتصادی آن بانو پرداخته و بسیاری از گزارش ها را که نقش درایت و مدیریت خدیجه را نادیده گرفته اند، نقد قرار کرده و به معرفی ویژگی ها و علم اقتصادی ایشان توجه داده است. فصل چهارم به ازدواج خدیجه با پیامبر صلی الله علیه و آله و به نقد و بررسی گزارش های مراسم و موارد و الزامات این واقعه می پردازد. فصل پنجم به فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام اختصاص دارد و سرگذشت کاملی از ایشان به صورت مختصر آمده است فصل ششم (فصل پایانی کتاب) به حیات خدیجه کبری و نقش ایشان در پیشبرد اسلام و جایگاه ایشان در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و فرهنگ اسلامی پرداخته است.

یادآوری می شود که نویسنده بر این موضوع تأکید دارد که ملاک برای پذیرش و رد گزارش های تاریخی و روایی عقل و منطق و سپس روایات موثق است. مسلمات قرآنی و سیره نبوی دیگر معیار پذیرش و رد گزارش هاست که باید متناسب با شأن و جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و همسر ایشان باشد؛ به همین جهت در الهی بسیاری از گزارش ها و روایاتی که با این معیارها تناسب ندارد شک باید کرد و با نگاهی، علمی به نقد و تحلیل آن ها باید پرداخت نویسنده در خاتمه، نتایج بحث خویش را در 12 مورد خلاصه کرده است. بیشتر این موارد با مشهورات سازگاری دارد اما باید گفت که وی در مورد سن خدیجه علیها السلام در هنگام ازدواج به 28 سال رسیده و در مورد تعداد فرزندان، ایشان به نتیجه مشخصی نرسیده و آن را به دیگر پژوهشگران حواله داده است. گزارش هایی را که به نقش خدیجه علیها السلام در شناخت وحی و رفت و آمد ایشان نزد علمای یهود اشاره دارد از اساس نمی پذیرد و آن ها را ساختگی و مخالف با جایگاه و شأن رسول خدا صلی الله علیه و آله می داند در مجموع کتاب علمی و روشمند است که با رویکردی عقلانی به موضوع پرداخته و از نقد و تحلیل به وفور استفاده کرده است.

10. خدیجه بنت خویلد؛ أمه جمعت في إمره، السيد نبيل الحسني، اصدار قسم الشؤون الفكرية و الثقافية في العتبة الحسينية المقدسه كربلا المقدسه العتبة الحسينية المقدسه، طبع، الاولى، 1432 ق 2011م، 4 جلد، عربي، وزيري، 1230 صفحه.

این مفصل ترین کتابی است که در 4 جلد با حجم 1230 صفحه، با چاپ و کاغذی بسیار مرغوب در این زمینه نگاشته شده است. سر فصل های اصلی کتاب عبارتند از: فصل اول: «سیده القریش»، فصل دوم: «زواجها من رسول الله»، فصل سوم: «اولاد السیده خدیجه»، فصل چهارم: «بنات النبی بین النقل و العقل»، فصل پنجم: «القرآن یفسر بعضه بعضاً» (پایان جلد اول)؛ فصل ششم: «انها من عباد الله المخلصین و خیر زوجه لرسول رب العالمین» فصل هفتم: «منزله خدیجه فی القرآن والسنة» (پایان جلد دوم)؛ فصل هشتم: «خصایص دار خدیجه فی مکه»، فصل نهم: «حملها بفاطمه و اولادها» (پایان جلد سوم)؛ فصل دهم: «اخوه خدیجه و ارحامها»، فصل یازدهم: «وفاه خدیجه» و در پایان، فهرست ها آمده است

کتاب با تفصیلی که دارد سعی نموده در قالبی نو و امروزی، به زوایای مختلف زندگانی خدیجه کبری بپردازد این، تفصیل علاوه بر این که در مواردی باعث خستگی خواننده می شود در برخی موارد که تعداد آن ها هم کم نیست، به خروج از موضوع منتهی شده است؛ مثلاً در مورد زیارت قبر ایشان، به آراء فرق مختلف اهل سنت در مورد زیارت قبور پرداخته و سعی کرده در پایان، نظریه شیعه را اثبات کند و یا در برخی موارد وارد بحث های اختلافی و اعتقادی بین شیعه و اهل سنت شده و به پاسخ گویی و دفع شبهات پرداخته که گر چه مفید قالب موضوع کتاب به سختی می توان آن ها را سامان داد نیمی از جلد چهارم کتاب را فهرست های متنوع و مفصل در برگرفته و نویسنده از منابع متعددی به نقل از کتاب، نامه بیش از 450 عنوان کتاب استفاده کرده است. کتاب در مجموع در فضایی شیعی نوشته شده و کوشیده شخصیت شیعی و

11. بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علامه محمد باقر مجلسی الطبعه الثانيه، بیروت، موسسه الوفاء، المصححه، 1403 ق 1983 م، 110 جلدی، عربی وزیری

علامه مجلسی در جلد شانزدهم باب پنجم را به زندگانی و سیره خدیجه کبری با این عنوان اختصاص داده است: «تزوجہ صلی اللہ علیہ و آلہ بخدیجہ رضی اللہ عنہا و فضائلہا و بعض احوالہا» این، باب برگرفته از کتب مختلف روایی با روش اخباری است که نویسنده به جمع آوری روایات مختلف در مورد زندگانی و سیره و فضایل خدیجه کبری پرداخته است. این باب که حدود 80 صفحه را در بر می گیرد منبع بسیاری از تحقیقات بعد از مجلسی در مورد آن بانوست؛ هر چند علامه مجلسی ذکر احوال فرزندان خدیجه کبری را به باب «احوال اولاد النبی» حواله داده و بابتی مستقل در مورد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اختصاص داده است

12. الصحیح من سیرہ النبی الاعظم سید جعفر مرتضی عاملی، الطبعه الاولى، قم، دار الحدیث للطباعة و النشر، 1426 ق 1385 ش، 35 جلدی، عربی، وزیری.

علامه عاملی در حدود 35 صفحه از باب دوم کتاب با عنوان «از میلاد تا بعثت پیامبر» را به خدیجه کبری اختصاص داده است. این مطالب با عنوان خدیجه فی بیت النبی در فصل دوم این باب (ص 189-225) آمده است. این فصل را در جلد دوم الصحیح از انتشارات یاد شده می توان یافت. عناوین ذیل مباحثی است که نویسنده بدان پرداخته است: «السفر الثاني الی الشام»، «زواجه بخدیجه»، «خطبه ابی طالب»، «نظره فی کلمات ابی طالب و دین شائع»، «مهر خدیجه»، «عمر خدیجه حین زواج»، «یتیم قریش اذوبه مفضوحه»، «هل تزوج خدیجه طمعا فی مالها»، «خدیجه مثل اعلی»، «خدیجه بین نساء قریش»، «هل تزوجت خدیجه بأحد قبل النبی زوجتا عثمان هل هما ابنتا النبی» «هل زینب بنت الرسول ام ریبته»، «منافسون لعلی» و «خوله هند بن ابی هاله

13. حضرت خدیجه علیها السلام همسر پیامبر اسطوره ایثار و مقاومت محمد محمدی اشتهاردی، چاپ دوم موسسه انتشارات نبوی بهار 1384، فارسی، وزیری، 287 صفحه.

محمد محمدی اشتهاردی این کتاب را در تابستان 1377 شمسی با قلمی شیوا و گیرا نوشته است. نویسنده بیشتر به بیان مطالب و دسته بندی آن ها پرداخته و از تحلیل بهره نبرده است. شاید بتوان گفت که در تمامی موارد و زوایای زندگانی خدیجه کبری به آرا و اقوال مشهور اعتماد نموده و این گفته فقط در مواردی که بین دیدگاه شیعیان و اهل سنت اختلافی باشد، استثناپذیر است. در این موارد نویسنده به دیدگاه شیعی نظر دارد از آن جایی که کتاب برای عموم نگاشته شده در موارد فراوانی از شعر نیز بهره برده و از کنایات و تشبیهات نیز استفاده کرده که به شیوایی و روانی متن کمک فراوانی نموده است. این اثر کتاب نامه ندارد و منابع به صورت پاورقی و مختصر ذکر شده است. وی از منابع شیعی متقدم و متأخر استفاده کرده، اما در مورد منابع اهل سنت، تأکید بر منابع مشهور و متقدم آن هاست کتاب فهرست نیز ندارد، اما می توان آن را بر اساس مقدمه کتاب، در سه فصل از زندگانی آن بانو تقسیم بندی نمود: فصل اول: «حضرت خدیجه علیها السلام از آغاز ولادت تا آغاز بعثت (پنجاه و پنج سال)»؛ فصل دوم: «خدیجه نخستین بانوی مسلمان و فداکاری های او در راه اسلام (ده سال)»؛ فصل سوم: «فضایل خدیجه فرزندان، او وصیت و رحلت جان سوز و مقامات او».

14. نقش ام المؤمنین خدیجه علیها السلام در تاریخ اسلام، محمد محمود پورپشته علیها السلام پایان نامه ارشد رشته تاریخ دانشگاه تهران به راهنمایی هادی عالم زاده مشاوره حسین قره چانلو نیمسال دوم 78-1377. فارسی، رحلی 162 صفحه

پایان نامه با ادعای روش تاریخی به این موضوع پرداخته، اما متأسفانه فقط

به جمع آوری گزارش ها و دسته بندی آن ها بسنده نموده و از نقد و تحلیل آن ها به سادگی عبور کرده است نکته ای جدید در آن دیده نمی شود این پایان نامه در شش بخش تنظیم شده است بخش اول: «عربستان پیش از اسلام»، بخش دوم: «زندگانی خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر» بخش سوم: «خدیجه همسر پیامبر»، بخش چهارم: «فرزندان خدیجه»، بخش پنجم: «فضائل خدیجه»، بخش ششم: «دیگر زنان پیامبر».

15. ام المؤمنین الكبرى خدیجه بنت خویلد، تألیف مؤسسه البلاغ، طبع الاولی، تهران، انتشارات مؤسسه البلاغ، 1422 ق 2001 م، عربی، قطع جیبی 100 صفحه.

این کتاب از مجموعه کتاب های عالم المراه است که جلد اول آن، به خدیجه کبری اختصاص داده شده و جلد دوم با عنوان «زینب و فاجعه الكربلاء»، جلد سوم با عنوان «المراه بین واقع التاريخ و دور المغیب» و جلد چهارم با عنوان «نساء هن مثل الاعلی» چاپ شده است. کتاب به زبان عربی نگاشته شده و به تعداد فراوان برای جامعه خارج از ایران به چاپ رسیده است. مؤسسه بلاغ در نظر داشته با انتشار کتاب های این چنینی، به تبلیغ اسلام و فرهنگ اسلامی کمک نماید این کتاب، مخاطب عام و به خصوص جامعه زنان است. سرفصل های اصلی کتاب شامل عناوین ذیل است:

«المراه والدعوه الالهیه»، «المراه فی الاسلام»، «سیده قریش»، «البدایه و المسار»، «الخطبه و الزواج»، «بیت خدیجه»، «فی انتظار الوحی»، «فی مرفأ النور»، «اسلام و تصدیق»، «فی اول الساجدین»، «تحیه السلام و بشری الخلود»، «خدیجه فی شعب الحصار»، «أبناء خدیجه»، «وداعا یا رسول الله» و «انی لاحب حبیبها».

کتاب با متنی شیوا و زیبا بیشتر بر جنبه هایی از زندگانی خدیجه کبری تأکید دارد که الگویی برای جامعه اسلامی است. از حواشی و مطالب زاید تاریخی و غیر لازم پرهیز نموده اما متأسفانه فاقد کتاب نامه است و سعی شده در

متن آدرس ها به صورت پاورقی و مختصر بیان شود. نویسندگان یا نویسندگان، از منابع جدید و قدیم اهل سنت و شیعه توأمان استفاده نموده اند. کتاب در فضای علمی نگاشته نشده به همین جهت منابع از نظر صحت و قوت ناسنجیده است. در مجموع کتاب در جهت هدف فرهنگی و اشاعه فرهنگ اسلامی موفق عمل نموده و متنی خواندنی و وزین را به جامعه تقدیم داشته است.

16. حضرت محمد صلی الله علیه و اله و خدیجه علیها السلام، احمد صادقی اردستانی، انتشارات فجر قرآن چاپ اول تابستان 1385 علیها السلام به مناسبت سال پیامبر اعظم فارسی، وزیر، 174 صفحه

بیش تر حجم کتاب به زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله اختصاص دارد. تنها فصل دوم کتاب با عنوان «خدیجه همسر پیغمبر» در 38 صفحه (ص 38-76) به زندگانی این بانوی بزرگ پرداخته است. این فصل شامل عنوان های ذیل است: «ازدواج با پیامبر»، «تاریخ ازدواج»، «در آغوش اسلام»، «شریک سختی ها»، «در محاصره اقتصادی»، «ثروت خدیجه و شمشیر علی»، «فرزندان خدیجه»، «وفات خدیجه» و «[خدیجه] از نظر بزرگان و دانشمندان»

نویسنده با بهره گیری از منابع محدود فارسی و عربی قدیم و جدید (36 منبع) سعی نموده در قالبی نو و گیرا و با ادبیاتی امروزی و به زبان فارسی به این موضوع بپردازد. قالب نوشتاری در فضایی، معقول به تحلیل فضای اجتماعی و اعتقادی آن زمان مکه پرداخته و سعی نموده خدیجه کبری و اقدامات ایشان را در این فضای اجتماعی تحلیل و معرفی نماید.

17. نساء مبشرات بالجنه احمد خلیل جمعه، بیروت، دار ابن کثیر، طبع الثانیه، 1412 ق 1991 م، عربی، قطع پالتویی، 283 صفحه.

همان طور که از اسم کتاب پیداست نویسنده سعی کرده در دو جلد کتاب از زنانی صحبت کند که پیامبر آن ها را بشارت به بهشت داده است. جلد اول این کتاب (ص 13 - 53) به ام المؤمنین خدیجه کبری اختصاص دارد. نویسنده با مراجعه به منابع روایی تفسیری و تاریخی اهل سنت، بیش تر

ص: 317

به ویژگی های اخلاقی و فردی این بانو پرداخته است. در مجموع می توان گفت که نوشته مذکور نشان دهنده دیدگاه اهل حدیثی اهل سنت بوده، متأسفانه از هر گونه نقد و تحلیل روایات به دور است. نویسنده گاه با منابع تاریخ و مغازی نیز مانند متون حدیثی برخورد کرده و هر آن چه را در جهت هدف نوشتار بوده، بدون هیچ کم و کاستی پذیرفته و گزارش کرده است. کتاب دارای کتاب نامه و فهرست است و ادبیات نوشتاری نسبتاً خوبی دارد.

18. أعلام النساء، علی محمد علی دخیل طبعه الاولى، بیروت، دارالهادی، 1422 ق 2001، م، عربی، وزیری، 406 صفحه

نویسنده در این کتاب به زندگانی زنان الگو پرداخته است. این زنان شامل خدیجه کبری فاطمه بنت اسد فاطمه الزهرا ام سلمه، ام کلثوم بنت امیرالمؤمنین السیده زینب بنت امیرالمؤمنین، السیده سکینه بنت الحسین والسیده فاطمه بنت الحسین است. 34 صفحه اول کتاب به خدیجه کبری اختصاص دارد و سعی شده با مراجعه به منابع اصلی اهل سنت از حدیث و تاریخ، به گزارشی از زندگانی ایشان دست یابد. هر چند أعلام النساء کتاب نامه ندارد، منابع را به صورت مختصر در پاورقی آورده است. در پایان فهرست تفصیلی مطالب کتاب آمده است این بخش در عین اختصار، شامل مباحث ذیل در مورد خدیجه کبری می شود: «[خدیجه] فی سطور»، «اسلام ها»، «فی عهد الرساله»، «سیرتها»، «مکانتها عند الرسول الاعظم»، «فی احادیث الرسول الاعظم»، «کلمات العلماء والعظماء»، «نهاية المطاف». کتاب در اوج اختصار نگاشته شده و به نقل قول بزرگان بسنده کرده است. بیش تر به وجوه اخلاقی و سیره فردی آن بانو توجه داشته و از بحث و ذکر گزارش های متناقض و ضعیف خودداری نموده است.

19. اسوه های جاویدان سیری در زندگانی اصحاب وفادار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قال چاپ اول، سید رضی سید نژاد، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی زمستان، 1389، فارسی، وزیری، 760 صفحه.

همان طور که عنوان کتاب نشان می دهد نقدی است بر دیدگاه عدالت صحابه نویسنده کوشیده تا با تکیه بر دو بازوی عقل و نقل و با استفاده از قرآن و روایات صحیح به نقد عملی دیدگاه عدالت صحابه و برخی آراء اهل سنت در مورد اطرافیان رسول خدا صلی الله علیه و آله پردازد وی در مقدمه ای سی صفحه ای به معرفی مبانی تحقیق خویش پرداخته و سعی نموده به مفهوم شناسی درست از اصحاب و دیگر واژگان مربوط به موضوع پردازد کتاب در قالبی روشمند و علمی، در حدود 40 صفحه به زندگانی و سیره خدیجه کبری (ص 140-179) پرداخته است. این بخش به بحث درباره شرح حال خاندان والقباب خدیجه کبری، ویژگی های فردی و اجتماعی ایشان ازدواج اسلام دفاع و فعالیت های آن بانو از اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و در پایان، رحلت و مقام ایشان نزد پیامبر پرداخته است. نویسنده سعی کرده با متنی کلامی و علمی و با بهره گیری از منابع فراوان و دسته اول شیعی و سنی به موضوع پردازد هر چند کتاب فاقد نقد و تحلیل جدی گزارش هاست، گزینش و دسته بندی خوب آن به اثر قوت بخشیده و سعی شده از ذکر موارد ضعیف و ناسازگار با مبانی که در مقدمه آمده پرهیز شود.

20. همسران پیامبر صلی الله علیه و آله (پرسش ها و پاسخ ها)، حسن عاشوری لنگرودی، چاپ اول تهران تهیه و تنظیم: مرکز پاسخ به سؤالات دفتر تبلیغات اسلامی بهار 1386، فارسی، وزیری، 344 صفحه.

کتاب شماره چهارم از مجموعه کتاب های پرسش ها و پاسخ هاست که مرکز پاسخ به سؤالات دفتر تبلیغات اسلامی تهیه کرده است. نویسنده کوشیده در قالب سؤال و پاسخ به زوایای مختلفی از زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و همسران وی پردازد. تعدد زوجات احکام و اخلاق، همسررداری، زندگی نامه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و دیدگاه قرآن در مورد ازدواج و همسررداری، از مهم ترین موضوعات این کتاب است. نویسنده در بخش زندگی نامه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در 25 صفحه به سؤال هایی در مورد خدیجه کبری و زندگانی و سیره ایشان پاسخ داده است. قالب نوشتاری «پرسش و پاسخ» به این نوشته جذابیت خاصی

بخشیده به ویژه که این نوشته از نظر متنی هم بسیار روان نگاشته شده است. نویسنده از منابع متعدد تاریخی روایی تفسیری و فقهی اهل سنت و شیعه بهره برده و هر چند در برخی موارد به پاسخ دقیقی، نرسیده، اما در مجموع تصویر قابل قبولی از مباحث عرضه داشته است با توجه به این که مخاطب کتاب عموم مردم هستند و کتاب برای هدف مشخصی نگاشته شده، می توان نویسنده را در این مسیر موفق دانست.

21. ریاحین الشریعه در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه، ذبیح الله محلاتی، چاپ اول تهران دارالکتب الاسلامیه، بهار 1370، در 6 جلد، فارسی، وزیری.

جلد اول به زندگانی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اختصاص دارد در مجلد دوم این مجموعه که به ادامه مباحث حضرت زهرا علیها السلام می پردازد از صفحه 202 تا 273 به زندگانی خدیجه کبری مادر فاطمه زهرا علیها السلام اختصاص دارد.

نویسنده در ذیل سرفصل آتی به زندگانی ام المؤمنین خدیجه کبری می پردازد؛ فضایل این بانو در کتب اهل سنت، کمال ایمان خدیجه و پاره ای از شئون خاصه، ایشان اطلاع خدیجه به احوال پیغمبر از علمای یهود، خواب دیدن ایشان رسول خدا صلی الله علیه و آله را ورود اعمام النبی در خانه خدیجه علیها السلام به جهت سرمایه برای تجارت آمدن رسول خدا صلی الله علیه و آله به خانه خدیجه، بار بستن پیامبر صلی الله علیه و آله بر شتر در محضر خدیجه رفتن پیامبر صلی الله علیه و آله به جانب شام برای، تجارت، نزول قافله به وادی امواء و جریان سیل نزول قافله بر سر چاه و پر کردن ابوجهل آن چاه را رسیدن قافله به وادی ذبیان و قصه ازدها و قصاید بنی هاشم در مدح رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن، وادی ایجاد نخلستان در وادی بی آب، نزول قافله به عقبه ایله و قصه راهب با رسول خدا صلی الله علیه و آله، ورود قافله به شام و قصه سعید بن قمطور با آن حضرت مراجعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و از سفر شام و دیدن خدیجه قبه نور را استقبال خدیجه از رسول خدا و مراجعت دادن او را به سوی، قافله ورود رسول خدا به خانه خدیجه و مکالمات ایشان وارد شدن صفیه دختر عبدالمطلب بر خدیجه برای تحقیق مطلب وارد شدن ورقه بر خدیجه و

مکالمات ایشان در باب مزاجت، کیفیت عروسی خدیجه کبری بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله و تسلیت دادن خدیجه آن حضرت را سلام آوردن جبرئیل از جانب حق تعالی برای خدیجه حامله شدن خدیجه به حضرت زهرا علیها السلام و مسألت او از خدای تعالی اضطراب خدیجه در مسأله شق القمر و تسلیت دادن فاطمه او را در رحم اولاد ام المؤمنین خدیجه کبری وفات خدیجه کبری و آوردن کفن از جانب حق تعالی و ضراء خدیجه کبری و زنان بهشتی رسول خدا.

نویسنده کتاب را به زبان فارسی قدیم در خردادماه سال 1349 شمسی به اتمام رسانیده است مجموعه دارای کتاب نامه نیست و آدرس دهی مطالب به نقل در متن از فلان شخص بسنده کرده است. مثلاً احمد بن حنبل چنین می گوید در مواردی نیز اسم کتاب و نویسنده با هم ذکر شده و در مواردی فقط به اسم کتاب کفایت کرده است. نقل ها و مطالب کاملاً سلیقه ای گزینش شده و تمامی منابع نزد نویسنده دارای رتبه اعتبار یکسانی هستند. در پایان هر نقل، سعی شده کلمات مبهم معنا شود و در برخی موارد به توضیح مطلب نیز پرداخته شده و نویسنده سعی کرده از پیچیدگی متن جلوگیری نماید و آن را همه فهم سازد هر چند نویسنده از کتب اهل سنت هم در زمینه حدیث و هم در بحث تاریخی بسیار بهره برده اما کتاب در فضای فکری شیعی نوشته شده و در همه جای آن سعی گردیده نظر مخالفان نقد و رد شود. نویسنده از نظر دیدگاه اعتقادی توجه خاصی به وجوه فرابشری و کرامات و معجزات داشته و تا توانسته از این امور یاد کرده و بهره برده است؛ مانند رؤیت فرشتگان و جبرئیل توسط خدیجه کبری و یا امتحان و اختبار نمودن جبرئیل با گشودن روی و موی خویش ایشان از منابعی مانند ناسخ التواریخ و نظایر آن بسیار بهره برده که باعث ضعف علمی کتاب شده است. در مجموع کتاب سعی داشته تا امکان دارد، مطالب را از منابع مختلف گردآوری نماید، اما متأسفانه منابع را از نظر اعتبار و وثاقت طبقه بندی ننموده و هر چه را که خوشایند طبع و عقیده اش بوده گرد آورده و هر چه را نبوده فرو گذاشته است کتاب از نظر اعتبار و وزانت، علمی

در درجه ضعیفی قرار دارد به خصوص که آدرس دقیق مطالب را نیز نیاورده و فاقد تحلیل و نقد علمی مطالب است.

22. نساء حول الرسول تراجم و قصص محمد علی القطب محمد عمر الداعوق احمد عبد الجواد الدومی، صیدا، بیروت، المكتبه العصریه، 1425 ق - 2005م، عربی، وزیری.

کتاب همان طور که از اسمش پیداست به زندگانی مادر، پرستاران و دایه پیامبر صلی الله علیه و آله، همسران دختران و برخی از نوه های دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و زنانی پرداخته که با آن حضرت تعاملی داشته اند در بخش همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به زندگانی خدیجه به عنوان اولین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله در 14 صفحه پرداخته است. سر فصل های این بخش عبارتند از: «توطئه» که مقدمه ای است که جامعه زنان مسلمان را مخاطب قرار داده و از آنان دعوت نموده که به سوی الگوی اسلامی زن مسلمان و سجایای اخلاقی بروند. «نسب حضرت خدیجه»، «ولادت»، «نشأت»، «ازدواج ها»، «تجارت»، «فضایل اخلاقی الطاهره سیده قریش»، سرفصل های بعدی هستند. نویسنده سعی کرده به زوایای زندگی خدیجه کبری با رسول خدا توجه نماید از همین رو در ادامه به سرفصل های ذیل می پردازد: «امین بر تجارت خدیجه»، «بازگشت»، «ازدواج»، «در خانه خدیجه»، «ریاحین قلب النبی» که به دختران پیامبر از خدیجه می پردازد، «الحکمه البالغه» که به فهم و علم خدیجه می پردازد «فجر الاسلام» که به اسلام آوردن ایشان است، «الخلوه» که بیان صبر و تسلیم خدیجه در مواقع دوری و عزلت پیامبر در حراء است. «لیله القدر» که نقش خدیجه در فهم ليله القدر را به واسطه ورقه بن نوفل بیان داشته است که اشاره از ذکاوت ایشان بر شمرده شده است «المسلمه الاولى»، «الجهر بالدعوه» «ایام الشدائد و المحن»، «الجزاء، فی شعب ابی طالب» سر فصل های بعدی است که به زندگانی مشترک خدیجه کبری با پیامبر و همراهی با ایشان پرداخته و در پایان، با سر فصل «عام الحزن»، به رحلت و جایگاه عاطفی خدیجه در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و اشاره می کند.

ص: 322

با این که کتاب در زمان معاصر نگاشته شده متأسفانه کتاب نامه ندارد و فقط به ذکر منابع در پاورقی آن هم به صورت مختصر اکتفا شده است. کتاب با توجه به نویسندگان آن که اهل سنت و عرب هستند بیش تر با روش حدیثی - تاریخی نگاشته شده و از منابع دسته اول حدیث و تاریخ اهل سنت بهره برده است. کتاب به صورتی مختصر و با رویکردی فرهنگی - اجتماعی نگاشته شده است. متن کتاب از ادبیات و زین و قوی عربی معاصر بهره برده است. نوشته سعی نموده با مخاطبان کتاب صحبت کند که جامعه زنان امروز دنیای عربی اسلامی و به خصوص کشورهایی مانند مصر، سوریه و لبنان هستند و آن ها را به سوی فرهنگ زن اسلامی سوق دهد و از فرهنگ غربی دور نماید.

23. نساء حول الرسول و اهل البیت فوزی آل سیف، بیروت، دار الصفوه چاپ اول، 1432 ق 2011 م، عربی، وزیری، 565 صفحه.

کتاب در سیزده، فصل به زندگانی زنانی پرداخته که با معصومان زیسته اند که به ترتیب از پیامبر صلی الله علیه و آله تا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) است. در فصل اول که به زنان حول پیامبر صلی الله علیه و آله، پرداخته، بعد از فاطمه بنت اسد به خدیجه علیها السلام بنت خویلد در 12 صفحه می پردازد (ص 52-64) «خدیجه الطاهره»، «خدیجه المومنه»، «المجاهده المنفقه»، «أم الذریه النبویه الطاهره» و «عام الحزن»، سر فصل های کتاب است. نویسنده سعی نموده در فضایی کاملاً علمی و منطقی، به تحلیل اجتماعی زندگانی خدیجه کبری با تکیه بر منابع اهل سنت و شیعه پردازد و شخصیتی کاملاً منطقی و قابل پیروی و الگویی به جامعه عرضه کند. کتاب بیش از آن که به نقل قول پردازد، سعی در تحلیل قضایا و مطالب دارد و با ادبیات عربی معاصر به بیان این تحلیل ها پرداخته است. نویسنده به عنوان یک زن مسلمان در همان سر فصل های محدود، سعی کرده شاکله تصویر یک الگوی کامل زن را از خدیجه کبری و علت این انتخاب را توضیح دهد که به نظر موفق هم بوده است.

ص: 323

کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام (به زبان های فارسی عربی، اردو ترکی اسپانیولی انگلیسی ایتالیایی، آلمانی و فرانسوی) مریم اسماعیلی (سما)

مقدمه

حضرت خدیجه علیها السلام در آغاز اسلام ایمان آورد بزرگترین حرکت را به عنوان یک بانوی کامله و عاقله انجام داد نخستین ایمان آورنده به اسلام بود ثروتش را در راه ترویج اسلام خرج کرد تأثیر این کار را کسانی می دانند که در مبارزات و دوران اختناق نقش کمک های مالی را به مبارزان تجربه کرده اند. اگر کمک های حضرت خدیجه علیها السلام نبود شاید در حرکت و پیشرفت اسلام اختلال وقفه عمده ای به وجود می آمد. بعد هم با رسول خدا و همه مسلمین به شعب ابی طالب تبعید شدند و چند سال دو سه سال زندگی دشوار و طاقت فرسا را در آن جا تحمل کرد و در همان شعب ابی طالب هم دعوت حق را لبیک گفت و در حال تبعید از دنیا رفت. (16 تیر 1393)

حجت الاسلام و المسلمین دکتر ناصر رفیعی در دیدار با مقام معظم رهبری در خصوص همایش حضرت خدیجه علیها السلام تصریح کردند: رهبری فرمودند که خدیجه کبری مظلوم است و باید این حضرت از غربت و مظلومیت خارج شود. رهبری فرمودند که حضرت خدیجه مادر 12 امام هستند زیرا حضرت علی علیه السلام را نیز ایشان پرورش دادند و بزرگ کردند. (<http://basijnews.ir>)

بر این اساس کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام انجام شد. تلاش شده است علاوه بر کتاب های فارسی کتب، عربی، ترکی، اردو، انگلیسی اسپانیولی

ایتالیایی آلمانی و فرانسوی هم جمع آوری شوند. امید که مورد قبول واقع شود. در این راستا از همکاری خانم ها: فاطمه الغزوی (عربستان) زهرا آیتکین (ترکیه) شهناز صفی الدین (آمریکا و انگلیسی) طیبه ربانی (ایران و اسپانیولی)، ساداتی (ایران و ایتالیایی) مقدم (ایران و آلمانی) کریمی مهر (ایران و فرانسوی) تقدیر و تشکر شود تعداد کتب و مقالات در این زبان ها بسیار محدود بود.

الف) فارسی

1. تو را می خواهم؛ داستان زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام، رضا شیرازی، انتشارات پیام نور 1375 ش رمانی است که زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام را به تصویر کشیده است.

2. فروغ آسمان حجاز (خدیجه علیها السلام)، علی، کرمی، انتشارات نسیم انتظار چاپ سوم، 1385 ش.

در این کتاب درباره ویژگی های حضرت خدیجه علیها السلام (پیش گامی در ایمان، نماز، بیعت و حمایت پیامبر اکرم حیا اخلاص و شجاعت) و همراهی ایشان با پیامبر اسلام و نیز نقش ایشان در گسترش اسلام مطالبی آمده است.

3. نیم نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام علی کرمی فریدنی، بی نا، بی تا.

از جمله خصوصیات حضرت خدیجه علیها السلام در فعالیت اقتصادی که در این کتاب بدان پرداخته شده اندیشمندی صاحب اعتبار بودن ایشان است. همچنین ایجاد انگیزه نظارت و کنترل رعایت پاک روشی در مدیریت، اقتصادی جلب اعتماد بازارهای داخلی و خارجی کارآفرین با معنویت از دیگر ویژگی های آن بانوی کریمه می باشد که در این کتاب به آن ها اشاره شده است.

4. مأخذ شناسی توصیفی زندگی حضرت خدیجه علیها السلام مینا درفشی، چاپ اول، انتشارات هاجر، 1388 ش.

واحد پژوهش مدرسه علمیه حضرت خدیجه علیها السلام به ذکر 208 عنوان کتاب به صورت توصیفی پرداخته است که بیش تر کتاب های تاریخی-حدیثی و انساب هستند که در قسمتی از آن درباره این بانوی گرامی مطالبی آمده است. مانند تاریخ کامل، نساء النبی، البدایة والنهایة امالی، اعلام النساء، تاریخ سیاسی اسلام، کافی، احتجاج، اعلام الوری و... کتاب خدیجه الکبری بعاج عبدالستار و سیده خدیجه عبدالحمید محمود طهماز از جمله کتبی است که به طور مستقیم با موضوع حضرت خدیجه علیها السلام نوشته شده است.

5. پرتویی از زندگانی دو بانوی بزرگ اسلام خدیجه علیها السلام و فاطمه علیها السلام، غلامعلی موسوی سیستانی، چاپ اول، انتشارات عصمت 1377 ش.

کشف علامات، نبوت کاروان بازرگانی به شام پیشنهاد ابوطالب به حضرت خدیجه علیها السلام، ازدواج ایشان با پیامبر و نیز زندگی حضرت زهرا علیها السلام بعد از ایشان از جمله مطالب مطرح در این کتاب است.

6. همسر آفتاب گروهی از نویسندگان انتشارات طه، قم، چاپ اول، 1385 ش.

زندگانی این بانوی کریمه در دوران جاهلیت، ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، زندگی در شعب ابی طالب و نیز خدمات ایشان به اسلام قبل و بعد از طلوع اسلام و مادر امامت بودن ایشان از جمله مطالب عنوان شده در این کتاب است.

7. حضرت محمد صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام احمد صادقی اردستانی، چاپ اول انتشارات فجر، قرآن، 1385 ش.

8. حضرت خدیجه علیها السلام اسطوره ایثار و مقاومت، محمد محمدی اشتهاردی انتشارات نبوی چاپ اول، 1377 ش.

9. خدیجه علیها السلام شکوه زندگی محمدتقی کمالی، نیا انتشارات نورالسجاد 1381 ش.

10. خدیجه کبری علیها السلام، احد موسوی انتشارات نیک معارف، 1373 ش.

11. خصائص ام المومنین خدیجه الکبری؛ ویژگی های حضرت خدیجه کبری علیها السلام،

12. سرور زنان جهان، ام المومنین خدیجه کبری علیها السلام، اکرم السادات هاشمی نژاد، انتشارات نوآور، چاپ اول، 1388 ش.

مقالات فارسی

1. «حضرت خدیجه علیها السلام، اولین شیعه علی علیه السلام»، محمد عابدی مجله مبلغان، ش 11 دی 1379 ش.
2. «تقدیر از پدید آوردندگان اثر در خصوص حضرت خدیجه علیها السلام» مجله گلستان قرآن ش، 187 نیمه اول آبان 1383 ش.
3. «فضائل حضرت خدیجه علیها السلام»، علی، امامی، مجله مبلغان، ش 59، مهر و آبان 1383 ش.
4. «فرازهایی از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام»، فرهاد تاجدینی، مجله تربیت ش، 8 سال دوم، اردیبهشت 1366 ش.
5. «برگی از فضایل حضرت خدیجه کبری علیها السلام»، غلامرضا گلی زواره مجله مبلغان، ش 155، رمضان 1433 ش.
6. «تأثیر حضرت خدیجه علیها السلام بر زندگی سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله»، نهله غروی نایینی، مجله گلستان قرآن، ش 59، آذر 1380 ش.
7. «نگاهی به آموزه های تربیتی در زندگی حضرت خدیجه علیها السلام»، عبدالکریم پاک نیا، مجله مبلغان، ش 35، آذر 1381 ش.
8. «اولین بانوی اسلام (به مناسبت دهم ماه مبارک رمضان سالروز رحلت حضرت خدیجه)»، احمد محیطی اردکانی، مجله فرهنگ کوثر، آذر 1378 ش.
9. «به پیشگاه مادر والا، ام المومنین حضرت خدیجه علیها السلام»، مجله تحول اداری، ش 17 آذر 1376 ش.
10. فضیلت خدیجه علیها السلام در گفتار بزرگان»، مجله گلستان قرآن، ش 95، آذر 1380 ش.
11. «بانوی نمونه تاریخ»، علیرضا قاسمی، مجله گلستان قرآن، ش 95، آذر

12. «حضرت خدیجه علیها السلام مادر امت» محمد محسن طبسی، مجله فرهنگ کوثر، ش 34، دی 1378 ش.

13. «مناسبات اقتصادی و روابط شغلی حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله» منصوره، اعتمادی مجله مباحث بانوان شیعه، ش 13 و 14، پاییز و زمستان 1386 ش.

14. «مقام حضرت خدیجه علیها السلام در پیشگاه خدا و رسول اکرم»، علی امامی، مجله مبلغان، ش 71، مهر و آبان 1384 ش.

15. «فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام سمیه صبوری، مجله گلستان قرآن، ش 95، آذر 1380 ش.

16. «هفت نکته قرآنی در سیره اولین زن مسلمان حضرت خدیجه طاهره علیها السلام سید حسین حر، مجله کوثر ش 20، بهار 1385 ش.

(ب) عربی

1. السیده خدیجه علیها السلام ام المؤمنین و سبأة الخلق إلى الإسلام، عبد الحمید محمود طهماز الناشر: دار القلم - دمشق سنة النشر: 1417 / 1996 رقم الطبعة: 2 عدد المجلدات: 1 عدد الصفحات: 159. نبذة عن الكتاب لكتاب مقسم لخمسة فصول: في الفصل الأول وضح كيف كانت تتاجر خدیجة بمالها و إنها توكل الرجال علیه و لم تكن تسافر و تباشر تجارتها بنفسها، انما ترسل معهم مولى لها يدعى ميسرة، و لذا اختارت النبی صلی الله علیه و آله و حدث بعدها أمر الخطبة و الزواج في الفصل التالي تحدث عن خدمتها بنفسها للنبي في الفصل الثالث تحدث عن لحظة نزول الوحي لمحمد صلی الله علیه و آله مرة، و دهشته و خوفه و لجوءه لخدیجة دون غيرها من الناس و سرعة تطمينها و تخفيفها عن النبي أما الفصل الرابع فكان عن الدور الجديد في حياة خدیجة و وقوفها بجانب النبي و

صبرها و تحملها للأذى الفصل الخامس عن ذكرى خديجة و وفاء النبي لذكراها.

گزارش: کتاب پنج فصل دارد در قسمت اول توضیح می دهد چگونه حضرت خدیجه با ثروت خود تجارت می کردند و وکیل می گرفتند و خود به مسافرت نمی رفتند بلکه وکلا را می فرستادند (همراه کنیز خود به نام مسیره) به خاطر این پیامبر را انتخاب کرد که بعد از آن عقد و ازدواج حاصل شد. در فصل دوم درباره خدمت به پیامبر صلی الله علیه و آله و در فصل سوم درباره نازل شدن وحی به پیامبر صلی الله علیه و آله و رجوع به حضرت خدیجه علیها السلام برای آرام شدن آمده است. در فصل چهارم درباره نقش جدید زندگی حضرت خدیجه علیها السلام و ایستادن آن حضرت و تحمل همه سختی ها و در فصل پنجم درباره سالگرد خدیجه و وفاداری پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه سخن گفته است.

2. حياة السيدة خديجة بنت خويلد عليها السلام من المهد إلى اللحد، حسين علي الشرهاني الناشر: دار و مكتبة الهلال دار البحار، تاريخ النشر: 2005 /12/01 الطبعة: 1 الصفحات: 320 المجلدات: 1

نبذة عن الكتاب: الكتاب مقسم على ستة فصول كل قسم يروي سيرة عطرة عن حياة السيدة خديجة عليها السلام إنها بالفعل قدوة حسنة لفتياتنا في زمن اختلف على الناس معنى القدوة ما يمسز هذا الكتاب هو اعتماده على عدد كبير من المراجع.

3. خديجة بنت خويلد أمة جمعت في امرأة، السيد نبيل الحسنی طبعة: ط 1 تاريخ النشر: العتبة الحسينية 2011م الناشر: مكتبة العتبة الحسينية المقدسة.

نبذة عن الكتاب: يتناول هذا الكتاب حياة أم المؤمنين السيدة خديجة بنت خويلد عليها السلام و دراستها و ذكر الكثير من المسائل المتعلقة بحياة النبي صلی الله علیه و آله و السيدة خديجة من الفترة المكية و التي قضاها النبي مع أم عياله خديجة عليها السلام فضلا عن الرد على كثير من المسائل العقائدية و مناقشة كثير

ص: 329

من المسائل التاريخية والأسرية وذلك أن بيت خديجة عليها السلام كان هو البيت الأنموذج في الإسلام إذ كانت أم العيال و خير سند لرسول الله صلى الله عليه و آله 25 فحظيت بما لم تحظى به امرأة في الإسلام.

4. خديجة عليها السلام دختر خويلد امتی جمع شده در یک زن، سيد نبيل الحسنی

گزارش: این کتاب درباره زندگی حضرت خدیجه عليها السلام درس خواندن ایشان و زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه عليها السلام در مکه صحبت می کند و نیز به بسیاری از مسائل اعتقادی پاسخ می دهد و در مورد بسیاری از مسائل تاریخی و خانواده بحث می کند؛ به طوری که خانه خدیجه عليها السلام را الگوی خانه در، اسلام به عنوان مادر و بهترین پشتیبان برای رسول خدا صلی الله علیه و آله می داند

5. خديجة بنت خويلد عليها السلام سمیة عبد الحلیم الطبعة: 1 تاریخ النشر: 1 2001/11/01 الناشر: مكتبة العبيكان السلسلة: امهات المسلمین عدد الصفحات: 22 الطبعة: 1 المجلدات: 1.

نبدۀ عن الكتاب: يتحدث عن سيرة السيدة خديجة عليها السلام مبينا اسمها ونسبها وزواجها قبل النبي صلى الله عليه واله و لقائها معه و زواجها منه و إعلان اسلامها و جهادها مع الرسول صلى الله عليه و آله و اخيرا وفاتها و ينصح للأعمار 13 - 18 سنوات.

6. خديجة دختر خويلد سمیة عبد الحلیم رسته: مادران مسلمانان

گزارش این کتاب درباره زندگی حضرت خدیجه عليها السلام، نام و نسب و ازدواج آن حضرت قبل از دیدار او به پیامبر صلی الله علیه و آله و ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله هم چنین درباره اعلام حضرت خدیجه عليها السلام به اسلام خود و جهادش با پیامبر صلی الله علیه و آله و در آخر درباره مرگ حضرت خدیجه عليها السلام صحبت می کند. این کتاب برای سنین 13-18 مناسب است.

7. حياة السيدة خديجة بنت خويلد، الشيخ ماجد ناصر الزبيدي، الناشر: دار المحجة البيضاء - دار الرسول الاكرم الطبعة: الاولى 2004 م عدد الصفحات: 209، الموقع: مكتبة نرجس تاريخ النشر: 2004/04/01 المجلد: 1.

نبذه عن النيل والفرات: يتحدث المؤلف عن سيرة السيدة خديجة وذلك في 6 فصول، الفصل الأول احتوى على وصف الحياة التي سادت في الجاهلية وعن طريقه عبادتهم وكذلك المساواة التي كانت تملئ قلوبهم اما في الفصل الثاني ذكر بعض الإفتراعات التي كانت تنتشر على أم المؤمنين خديجة اما الفصول الباقية فتحدثن عن حياة السيدة و لقاءها بالرسول صلى الله عليه وآله وزواجها وسيرتها وولادتها بالطاهرة فاطمة و دعاء الحزن الذي فقد فيه النبي صلى الله عليه وآله أكبر دعامتين كان مستندا عليهما.

8. صفات السيدة خديجة ، سناء أيمن الموقع موضوع (1) تاريخ النشر: 2016 ، السيدة خديجة هي من أشرف نساء مكة فهي بنت خويلد الأسدية و تلتقى مع النبي في النسب و قد كانت ارملة صاحبه مال و كان الكل يتمناها و عند رؤيتها للنبي و مدى صدقه و اخلاقه طلبت الزواج منه من خلال صديقه لها و تزوجها النبي صلى الله عليه وآله. صفات السيدة خديجة بنت خويلد العفة والطهارة، الفطنة والذكاء والحكمة و معرفة علوم الأديان السابق، الصبر و تحمل الصعاب. لقد تحمّلت السيدة خديجة مع النبي صلى الله عليه وآله المصاعب المختلفة في سبيل تبليغ الرسالة السماوية، فعانت مما عاناه الرسول والصحابة في حصار قريش، و تحمّلت عندما تطلقت بناتها من أزواجهن الكفار ليضغطوا بذلك على النبي بالعودة عن الدعوة، بل دعت الله أن يبدلهن أزواجاً خيراً منهم و لم تحاول لوم النبي على رسالته. و لكنها توفيت رضى الله عنها قبل أن تنال من نعيم الدولة الإسلامية و تشاهد قوتها و ظهورها.

9. سيرة المعصومين الاربعة عشر و ام المؤمنين خديجه، مرتضى عسكري، دانشكده اصول دين 1422، 44 صفحه.

نويسنده محترم به اختصار زندگى نامه ايشان را در کنار ساير معصومان عليهم السلام

1. ص: 331

نقل کرده است.

15. السيدة الخديجة بنت خويلد، من المهد الى اللحد، حسين على شرفهاني انتشارات دار و مكتبة الهلال، دارالبحار، 2005 ، 320 صفحه.

بررسی نسب حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج، ایشان، اوضاع مالی، تجارت و انفاق و فرزندان ایشان و نیز موضع ایشان بعد از وحی و احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله درباره ایشان از جمله مباحث مطرح در این کتاب می باشد.

11. الانوار الساطعة من الغراء الطاهرة خديجة بنت خويلد غالب سيلاوي انتشارات غالب السيلوي، 1421 ق، 507 صفحه.

کتابی است که نسبت به دیگر کتب مفصل تر به موضوع حضرت خدیجه علیها السلام پرداخته است و در بیان تاریخ نظرات متفاوت علمای شیعه و سنی را آورده و تحلیل کرده است. حتی در مورد موضع ایشان نسبت به حضرت علی علیه السلام هم اشاراتی دارد.

12. ام المومنین خديجة بنت خويلد عبد المنعم، هاشمی، انتشارات دارالبحار 1379، 119 صفحه.

مقالات عربی

1. خديجة بنت خويلد

هي أول زوجات النبي صلى الله عليه و اله و أمّ أولاده، و خيرة نسائه، و أول من آمن به و صدقه، أم هند، خديجة بنت خويلد بن أسد بن عبد العزى بن قصي القرشية الأسدية، و أمها فاطمة بنت زائدة، قرشية من بني عامر بن لؤي. ولدت خديجة رضى الله عنها بمكة، و نشأت في بيت شرف و وجهة، و قد مات والدها يوم حرب الفجار. تزوجت مرتين قبل رسول الله صلى الله عليه و آله باثنين من سادات العرب، ... و تم الزواج قبل البعثة بخمس عشرة سنة و للنبي صلى الله عليه و اله 25 سنة، بينما كان عمرها 40 سنة، و عاش الزوجان حياة كريمة هائلة ، و قد رزقهما الله بستة من الأولاد... و قد بين النبي فضلها حين قال: (أفضل نساء أهل الجنة خديجة بنت

ص: 332

خويلد و فاطمة بنت محمد و آسية بنت مزاحم امرأة فرعون، و مريم ابنة عمران رضى الله عنهن أجمعين) رواه أحمد، و بين أنها خير نساء الأرض في عصرها في قوله: (خير نسائها مريم بنت عمران و خير نسائها خديجة بنت خويلد) متفق عليه و دفنت بالحجون، لترحل من الدنيا بعدما تركت سيرة عطرة، و حياة حافلة، لا ينسيها مرور الأيام والشهور، والأعوام والدهور، فرضى الله عنها و أرضاها. (1)

2. السؤال: لم تكن خديجة متزوجة قبل رسول (2) مشهد محمد على العراق في الصحيح من سيرة النبي الأعظم صلى الله عليه و آله للسيد جعفر مرتضى ج 2 ص 121 قال: هل تزوجت خديجة بأحد قبل النبي صلى الله عليه و آله؟! ثم إنه قد قيل: إنه لم يتزوج بكرا غير عائشة، و أما خديجة، فيقولون: إنها قد تزوجت قبله برجلين و لها منهما بعض الأولاد . و هما عتيق بن عائذ بن عبد الله المخزومي، و أبوهاالة التميمي. أما نحن فنقول: اننا نشك في دعواهم تلك، و نحتمل جدا أن يكون كثير مما يقال في هذا الموضوع قد صنعتته يد السياسة...

3. وصية السيدة خديجة بالزهاء المصدر: كتاب قصص فاطمة الزهراء ، الشيخ ماجد ناصر الزبيدي، لما اشتد مرض خديجة قالت يا رسول الله: اسمع وصاياي أولاً فإنني قاصرة في حقك فاعفني يا رسول الله قال حاشا و كلاً ما رأيت منك تقصيراً، فقد بلغت جهدك و تعبت في داري غاية التعب و لقد بذلت أموالك و صرفت في سبيل الله مالك. قالت: يا رسول الله الوصية الثانية أوصيك بهذه - و أشارت إلى فاطمة - فإنها غريبة من بعدى فلا يؤذيها أحد من نساء قريش و لا يلطمن خدها و لا يصحن في وجهها و لا يرينها مكروهاً . و أما الوصية الثالثة، فإنني أقولها لابنتي فاطمة و هي تقول لك فإنني مستحبة منك يا رسول الله . فقام النبي و خرج من الحجرة فدعت بفاطمة و قالت يا حبيبتى و قرة عيني قولى لأبيك إن أمى تقول: أنا خائفة من القبر أريد منك رداك الذى تلبسه حين نزول الوحي تكفني فيه. فخرجت فاطمة و قالت لأبيها ما قالت أمها خديجة فقام النبي و أعطى الرداء

ص: 333

1- <http://articles.islamweb.net/media/index.php?page=maincategorylang=AvPart-429>.

2- <http://www.omalmomnin.com/?page=articlesid=26>

إلى فاطمة وجاءت به إلى أمها فسرت به سروراً عظيماً. و روى أنه لما توفيت خديجة عليها السلام أخذ رسول الله صلى الله عليه وآله في تجهيزها وغسلها وحنطها فلما أراد أن يكفنها هبط الأمين جبرائيل وقال: يا رسول الله إن الله يقرئك السلام ويخصك بالتحية والإكرام و يقول: لك يا محمد إن كفن خديجة من و هو من أكفان الجنة أهده الله إليها، فكفنها رسول الله بردائه الشريف أولاً و بما جاء به جبرائيل ثانياً، فكان لها كفنان كفن من الله و كفن من رسوله

4. خديجة بنت خويلد عليها السلام الموقع الألوكة الثقافية المؤلف: ايمان ثابت ، تاريخ النشر: 2013/3/2

قال الرسول في حقها (كامل من الرجال كثير و كامل من النساء أربع أسية بنت مزاحم و مريم بنت عمران و خديجة بنت خويلد و فاطمة بنت محمد) هي خديجة زوجة الرسول صلى الله عليه وآله و حبيبته و رفيقه جهادة و كفاحه من أجل إعلاء كلمة الله و تبليغ رسالته حيث كان وفيًا محب هالها و يعظمها و لهذا غارت عائشه منها اقرأها جبريل السلام من ربها و بشرها بالجنة حيث قال النبي صلى الله عليه وآله (هذه خديجة اقرأها السلام من ربها و امره ان يبشرها ببيت في الجنة من قصب لا صلب فيه و لا نصب) و هي تجتمع مع النبي في الجد الخامس و كان زواجها في الجاهلية مرتين و ثم تزوجت النبي صلى الله عليه وآله قبل البعثة توفيت في السنة 10 من البعثة و انجبت له عبد الله و القاسم و رقيه و زينب و ام كلثوم و فاطمة و حزن عليها كثيرا و هي اول من آمن به كانت خديجة امرأة تاجرة شريفه تستأجر صلى الله عليه وآله في مالها و كان الرسول صلى الله عليه وآله من بين هؤلاء حيث خرج إلى الشام مع غلامها ميسرة و كانت رحلته رابعه فحدثت نفسها بالزواج منه...

5. السيدة خديجة اسمها و شرف نسبها الدكتور راغب السرجاني الموقع: قصة الإسلام، هي أم المؤمنين السيدة خديجة بنت خويلد بن أسد بن عبد العزى بن قصي القرشية الأسدية ، و أمها فاطمة بنت زائدة بنت جندب . ولدت بمكة سنة 68 ق.هـ، و كانت من أعرق بيوت قريش نسبا و حسبا و شرفا، و قد نشأت على التخلُّق بالأخلاق الحميدة، و كان من صفاتها الحزم والعقل والعفة. يلتقى

نسبها بنسب النبي في الجد الخامس، فهي أقرب أمهات المؤمنين إلى النبي وهي أول امرأة تزوجها النبي صلى الله عليه و اله كانت السيدة خديجة عليها السلام امرأة ذات مال و تجارة رابحة فكانت تستأجر الرجال لتجارتها و تبعثهم بها إلى الشام ... إسلام السيدة خديجة كانت السيدة خديجة قد ألقى الله في قلبها صفاء الروح، و نور الإيمان، والاستعداد لتقبُّل الحق، فحين نزل على رسول الله في غار حراء {أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ} [العلق : 1] ، رجع ترجف بوادره و ضلوعه، حتى دخل على السيدة خديجة فقال: «زملوني زملوني». فزملوه حتى ذهب عنه الروح. و هنا قال لخديجة «أى خديجة ما لي لقد خشيت على نفسي و أخبرها الخبر فردت عليه السيدة خديجة بما يطيب من خاطره، و يهدئ من روعه فقالت: «كلاً أبشر، فوالله لا يخزيك الله أبداً، فوالله إنك لتصل الرحم، و تصدق الحديث و تحمل الكلّ، و تكسب المعدوم، و تقرى الضيف، و تعين على نوائب الحق". ثم انطلقت به رضى الله عنها حتى أتت به ورقة بن نوفل - و هو ابن عم السيدة خديجة و كان امرأ تنصر في الجاهلية، و كان يكتب الكتاب العربي، و يكتب من الإنجيل بالعربية، و كان شيخاً كبيراً قد عمى - فأخبره النبي خبر ما رأى، فأعلمه ورقة أن هذا هو الناموس الذى أنزل على موسى. و من ثمّ كانت السيدة خديجة أول من آمن بالله و رسوله و صدّق بما جاء به، فخفف الله بذلك عن رسول الله؛ لا يسمع شيئاً يكرهه من ردّ عليه و تكذيب له فيحزنه إلا فرج الله عنه بها، إذا رجع إليها تثبته و تخفف عنه و تصدقه و تهوّن عليه أمر الناس.

6. السيدة خديجة .. العفيفة الطاهرة، كان أول ما يبرز من ملامح السيدة خديجة الشخصية صفتي العفة والطهارة، هاتان الصفتان التي قلما تسمع عن مثلهما في بيئة انتشر فيها الفساد و في ذات هذه البيئة، و من بين نساها انتزعت هذه المرأة العظيمة هذا اللقب الشريف، و لقبته ب«الطاهرة»، كما لُقّب أيضاً في ذات البيئة ب- «الصادق الأمين» السيدة خديجة .. الحكيمة العاقلة و تلك هي السمة الثانية التي تميز بها شخص السيدة خديجة كيف لا و قد تجلت مظاهر حكمتها و عقلانيتها منذ أن استعانت به في أمور تجارتها، و كانت قد عرفت

عنه الصدق والأمانة. حب النبي لخديجة.. والوفاء لها فكان لها فضل كبير عند النبي محمد صلى الله عليه و اله

7. أم المؤمنين والجهر بالدعوة المصدر: كتاب التريه الإسلاميه ، د. سفيان كيهبا، د. فائدة أبو مخ كانت السيدة خديجة رضى الله عنها أول من آمن بالرسول صلى الله عليه وآله من النساء وأول من تعلم الوضوء والصلاة، و خرجت معه إلى الكعبة تصلى خلفه أمام الناس، وقد آمن بالدين الجديد بعض كبراء مكة وكثير من الضعفاء والمستعبدين ، لأنهم وجدوا فيه منقذا لهم من الذل والاستعباد و وجدوا فيه العدل والإحسان والمساواة والحريه. وبدأ رؤساء مكة يخافون من مبادئ هذا الدين، و تبتّهوا إلى أن عدد المؤمنين به يزداد يوماً بعد يوم، فأخذوا يعذبونهم بأقسى ألوان العذاب، و يشعلون الفتنة بين صفوفهم ، و كان على السيدة خديجة الله عنها أن تخفف العذاب عنهم و تعطيه من مالها بعد أن حرمهم المشركون العمل، و تحرر العبيد الذين يسومونهم سوء العذاب....

ج) تركي

1. بيابان دريا ، (deniz ÇÖL) نویسنده: سییل ارسلان/ انتشارات: تیماش این کتاب نگاهى متفاوت به زندگى همسر بزرگوار پیامبر حضرت خديجه عليها السلام دارد که حاصل تحقیقات طولانى سییل ارسلان می باشد ایشان زندگى همسر وفادار پیامبر را با تمام جنبه های شناخته شده و شناخته نشده در این کتاب بیان کرده است.

2. نام کتاب حضرت خديجه: مادر رسالت (risalet davas n n: Hazreti Hatice annesi)، محمد امين يلدرم انتشارات انتشارات ،سیر این کتاب اثرى است که در آن با منابع و اطلاعات تاريخى به زندگانی این بانوی بزرگوار پرداخته است. در پایان عکس هاى به نمایش گذاشته شده که فضای معنوى برای خواننده ایجاد می کند به عنوان مثال عکس تابلویى که شجره نامه آن حضرت را نشان می دهد یا عکس قبر آن حضرت در زمان قدیم و جدید.

ص: 336

3. اولین ایمان آورنده به آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله ام المومنین حضرت خدیجه علیها السلام (Son peygamber silk inanan insan)، عمر سا بونجو انتشارات: سمرقند این کتاب اثری است که با دقت آکادمیک تهیه شده است و در آن مطالبی در مورد اجداد و فرزندان و نزدیکان حضرت خدیجه و حمایت های ایشان از پیامبر و اخلاق والای ایشان از منابع معتبر وجود دارد.

4. خدیجه علیها السلام کبری (Hatice in Kubra) نجاتی بورسالی انتشارات: چلیک این کتاب از زندگانی ما در اسلام مرواریدهایی را عرضه می کند. آن مادری که برای زن مسلمان بزرگ ترین الگوست ایشان در دوره ای بزرگ شدند که دنیا در میان شعله ها می سوخت بیابان تشنگی و چشم ها پنجره هایی بودند که از آن ها خون می چکید دنیا را سیاهی مشرکان پر کرده بود گناه و بی اخلاقی مد شده بود و ناله مظلومان همه جا را گرفته بود.

5. حضرت خدیجه علیها السلام همسر وفادار پیامبرمان (Hz Hatice peygamberimizin vefadar eşi) هلال چلیکل کارا انتشارات: نسل، حضرت خدیجه علیها السلام بانویی عاقل و با اخلاق تاجری صادق و الگو بود ایشان محبت و احترام اطرافیان را به خود جلب کرده و فرشته ها شیفته اخلاق و رفتار او بودند و به همین دلیل القاب زیبایی را از جمله طاهره به معنای بانوی پاک و ... را به او داده شد. حضرت خدیجه علیها السلام در کنار همه این صفات مادری خوب و همسری فداکار بود ایشان همیشه تسلی دهنده همراه و حامی پیامبر بود. او اولین کسی بود که به خدا و پیامبر ایمان آورد و در این را همیشه حامی پیامبر بود و از هیچ فداکاری دریغ نکرد.

6. حضرت خدیجه علیها السلام (Hatice .Hz)، آل حاج حسین ودات.

7. حضرت خدیجه علیها السلام (Hatice Hz) احمد جمیل آکینجی انتشارات: بهار. نویسنده محترم آقای احمد جمیل آکینجی نویسنده ماهری است که این را در کتاب هایش مشاهده می کنیم مباحث علمی را تبدیل به رمان کردن مسئولیت بزرگی به شمار می رود. ایشان در مورد حساسیت لازم را به خرج داده اند.

8. بهترین زن روی زمین حضرت خدیجه علیها السلام (yeryü zü nü n en hayırlı kadim Hz Hatice) گلشن غزل انتشارات: موشتو این کتاب برای سنین نوجوانان با هدف معرفی و محبوب کردن این شخصیت بزرگوار به نگارش درآمده است زبانی روان و قابل فهم دارد که مخاطب از خواندن آن لذت می برد و از مطالب پر عبرت آن استفاده می کند

9. زندگی فدایی عشق خدیجه (AŞka adanm Ş bir omar hz.Hatice)، نوردان داملا انتشارات: حیات حضرت خدیجه علیها السلام گنج پنهانی است که باید سرگذشت او را در تاریخ جست و جو کرد. بعد از تحقیقات طولانی که در مورد حضرت خدیجه علیها السلام داشتم متوجه شدم که ایشان همه عمر خود را فدای رسالت پیامر نمودند حضرت خدیجه علیها السلام اولین مسلمان و اولین حامی پیامبر صلی الله علیه و آله بودند. در زمانی که زن دارای جایگاه بسیار پایینی بود ایشان اسوه زیبایی ها بودند به همین دلیل زندگی ایشان باید به طور دقیق آنالیز شود. این کتاب به سبک رمان نوشته شده است و به دلیل ادبیاتی که دارد بسیار جوان پسند است.

د) اردو

1. إني رزقت حبها: السيرة العطرة لأم المؤمنين خديجة عليها السلام، محمد سالم الخضر اصدار الكتاب: الطبعة الأولى عدد صفحات الكتاب: 109 ، الناشر: دار عالم الفوائد للنشر والتوزيع.

نبذة عن الكتاب السيرة العطرة لأم المؤمنين خديجة عليها السلام: إني رزقت حبها، هو كتاب باللغة الأردنية يسرد فيه الكاتب أهم ملامح شخصية أم المؤمنين خديجة بنت خويلد عليها السلام

2. بيوگرافی معطر از مادر مؤمنان حضرت خدیجه علیها السلام نویسنده: محمد سالم الخضر.

گزارش: این کتاب درباره زندگی حضرت خدیجه علیها السلام صحبت می کند

ص: 338

و به زبان اردو است؛ نویسنده فهرستی از مهم ترین ویژگی های شخصی ام المؤمنین خدیجه علیها السلام را آورده است

(ه) انگلیسی Khadija Bint Khuwaylid

Khadijah Al-Kubra: The great lady and the first wife of the holy prophet .1

by Syed A. A. Razwy

Khadija Bint Khuwaylid (The Age of Bliss) Paperback – March 7, 2016 .2

by Mehmet Buyuksahin (Author)

The Tale of Lady Khadijah Bint Khuwaylid Wife of Prophet Muhammad SAW Kindle Edition .3

by Muham Taqra (Author)

Khadijah bint Khuwaylid By: Abdullah, Dr. Daud Language: English .4

A beautiful summarized biography of the first wife of the Prophet (s), by Dr. Daud Abdullah

Other editions Enlarge cover

Khadija: The First Muslim and the Wife of the Prophet Mu- hammad .5

by ReŞit Haylamaz

The Wives of the Prophet Muhammed (Ahmad Thomson) Wealth of knowledge for all Muslim women, .6

both young and old, who wish to follow their example

-Khadija Paperback – November 1, 2007 by Resit Hayl .7

Noble Women of Faith: Asiya, Mary, Khadija, Fatima Hardcover – April 16, 2012 by Shahada Sharelle .8
(Haqq (Author

Untold: A History of the Wives of Prophet Muhammad Paperback – August 31, 2010 by Tamam Kahn .9
(Author

The Wives of the Prophet Muhammad (Blessing and Peace Be Upon Him) Hardcover – 2009 by Faridah .10
(Masood Debas (Author

The Wives Of The Prophet Muhammad (SAAS Dec 9, 2014 by Ahmad Thomson) .11

The Wives of the Prophet Muhammad (Pbuh) 2009 by Faridah Mas'ood Debas .12

The Wives of the Prophet Muhammad; A Complete Book on the Biographies of the Wives of Holy Prophet Muhammad 2003 .13

The Tale of Lady Khadijah Bint Khuwaylid Wife of Prophet Muhammad SAW Jun 14, 2015 by Muham .14
Taqla The Story of Khadijah (The First Muslim Women and the Wife of the Prophet Muhammad) 2013 by
Saniyasnain Khan

The Days of Prophet Muhammad with His Wives .15

by Abdul-Munim al-Hashimi and Nour M. Jaffala 2011 .16

The Wives of Prophet Muhammad Dec 28, 2006 by Bint Al-Shati .17

The Wives of the Prophet Muhammad 1991 by Muhammad Fathi Musad .18

The Wives of the Prophet Muhammad 2007 by Shaykh Ashiq Ilahi Bulandshehri 20- The Wives of the Prophet Muhammad – (English/Arabic) – (PB) 2012 by M. Ashiq Elahi

The Story of Khadijah (The First Muslim Women and the Wife of the Prophet Muhammad) by 19 Saniyasnain Khan (2013-...1656 by Saniyasnain Khan

:Online Books

<https://www.al-islam.org/khadijatul-kubra-sayyid-ali-asghar>

Articles

<https://www.al-islam.org/articles/khadijah-daughter-khu-waylid-wife-prophet-muhammad-yasin-t-al-jibouri>

<http://elhaam.org/?p=775>

<http://www.islamicinsights.com/religion/lady-khadija-the-esteemed-wife-of-the-prophet-s.html>

(و) اسپانیولی

1. خدیجه بزرگ همسر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

این کتاب یکی از آثار نویسنده محترم جناب آقای رضوی به زبان انگلیسی نوشته شده و مؤسسه اندیشه شرق (بزرگ ترین مؤسسه شیعی در خدمت تبلیغ اسلام به زبان اسپانیایی) آن را ترجمه نموده و انتشارات الهام شرق وابسته به مؤسسه مذکور آن را به چاپ رسانیده است این کتاب وزین با قلمی بسیار شیوا به ابعاد گوناگون زندگی حضرت خدیجه علیها السلام بزرگ بانوی اسلام می پردازد.

ص: 341

نویسنده پس از ترسیم بسیار دقیق و جذاب از شرایط اجتماعی سیاسی و فرهنگی بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ترسیم شخصیت بانوی اسلام از، فردی، اجتماعی، سیاسی معنوی و عبادی ایشان پرداخته و خدمت این بانوی گران قدر را به ساحت اسلام و فرهنگ اسلام به خوبی تبیین می نمایند او نه تنها ثروت مادی خود را در اختیار اسلام گذاشت بلکه همه وجودش، ذوقش و استعدادهایش را در اختیار اسلام قرارداد

نویسنده از منابع شیعی و سنی استفاده کرده و علاوه بر این به تعدادی از منابع مهم مستشرقین نیز ارجاع داده است و برخی از اشکالات آن منابع را مورد نقد علمی قرار داده است گر چه این کتاب به جهت نقل مطالبی از کتب اهل سنت بی اشکال نیست اما در نوع خود یکی از بهترین هاست در ترجمه تلاش شده برخی از اشکالات با اضافه نمودن نکات مترجم رفع و تصحیح گردد.

جایگاه و مقام والای حضرت خدیجه علیها السلام، جایگاه ایشان و تصمیم قهرمانانه او در ایمان به اسلام و تبدیل شدن به اولین مسلمان زن در مجموعه مقالاتی در کوثر تحت عنوان جایگاه و حقوق زن در اسلام در مجله کوثر به زبان اسپانیایی تبیین شده است به طور ویژه آن بخش از مقاله که به شخصیت ایشان می پردازد در شماره 74 به چاپ می رسد که هم اکنون در حال تدوین است لازم به یادآوری است که این مجموعه مقالات در جشنواره بانوآمین حائز رتبه مقالات برتر به زبان اسپانیایی گردید

Presentación del libro

Este libro escrito por A' Razauy y traducido al español por Fundación Cultural

Oriente es uno de los mejores libros escritos respecto a Jadiya, la gran dama del Islam (la paz sea con ella). El autor luego de ofrecer un perfecto panorama de las circunstancias de Arabia en el tiempo de aparición del Islam describe con una atractiva pluma

ص: 342

los diferentes aspectos de la vida de Jadiya, aspectos individuales, sociales, devocionales y espirituales. El autor describe esta personalidad y da una admirable imagen de sus grandes servicios al Islam su pura intención, su gran fe y sus sacrificios por el querido Islam

(ز) فرانسوی

1. Khadija – La première musulmane et femme du Prophète Mohammed (PBSL) Broché – 2011

de Resit Haylamaz (Auteur)

خدیجه، نخستین پیامبر محمد: نویسنده رسیت های لاماز (انتشارات بروشه) - تاریخ انتشار: 2011

2. Les femmes de l'islam, Tome 1: Khadija: L'épouse de Mahomet Broché – 27 mai 2015 de Marek

Halter (Auteur)

زنان اسلام جلد یک خدیجه همسر محمد صلی الله علیه و آله، نویسنده: مارک هالتر انتشارات بروشه - 27 مه 2015

Ce titre fait partie de la promotion 2 livres J'ai Lu acheté s = 1 livre offert (voir conditions sur la page de)

l'opération en cliquant ici

3. L'histoire de Khadija, la première musulmane et femme du prophète Mohammad

Auteur: Saniyasnian Khan

Nombre de pages :64

Editeur: Goodword Books

داستان خدیجه علیها السلام نخستین زن مسلمان و همسر پیامبر محمد (صلی الله علیه و آله) نویسنده: سانی یاس نیان

ص: 343

(IKHADIJA: LA PRIMA MOGLIE DEL PROFETA MU- HAMMAD (SAW)

mondoislam la donna nell'Islam khadija, le mogli del profeta. mogli del profeta muhammad 0 Comments

Share: Di Mamdouh AbdEl Kawi Dello Russo)

Quando il Profeta Muhammad (pace e benedizione su di lui aveva venticinque anni, viaggiò ancora una volta verso Siria come mercante di una nobile e ricca vedova dei Quraishi di nome Khadijah bin Khuailid bin Assad, e diventò una persona fidata nel commercio e negli affari della donna, il Profeta Muhammad (pace e benedizione su di lui) fu presto ricompensato e chiese la sua mano per sposarla. Khadijah era molto più anziana del marito [più grande di lui di 15 anni], lui ne aveva 25 e lei 40 di anni, ma nonostante la differenza di età tra loro, fu un matrimonio fortunata e felice. Khadija era una donna molto innamorata ed era sempre pronta a consolarlo nei momenti difficili, come quando nessuno credeva in lui per esempio, e il mondo ... appariva cupo ai suoi occhi

Tratto da "Mondo Islam" n. 17

il video: <http://www.youtube.com/watch?v=ixL81gx-PRL&list=UU4Ai3ps41GJOG-JqAS8tnTQ>

2Esce in Francia «Khadija». Copie esaurite ma anche minacce ai librai che lo espongono

Lo scrittore franco-polacco denuncia le intimidazioni

La sposa di Maometto per Halter Secondo i musulmani è sac- rilegio

»> - PARIGI

proporgli di sposarsi, ed è lei, moglie e figura materna, a incorag- giare quel ragazzo analfabeta dopo che

Allah gli ha parlato per la prima volta. Senza il suo "Io ti cre- do", Maometto non avrebbe trovato la forza di diventare il Profeta e non ci sarebbe stato il Corano. Le donne sono figure centrali, determinanti, nella storia della fede musulmana. Che differenza con certo Islam oscurantista di oggi», dice Marek Halter, nella sua casa .del Marais

Lo scrittore ebreo, 78 anni, scampato al ghetto di Varsavia, co- fondatore di Sos Racisme, ha già scritto una Bibbia al femmi- nile e pubblica adesso in Italia Maria, la madre di Gesù (Newton Compton, pp. 328, e 12) e in Francia il primo volume di una tril- ogia dedicata alle donne dell'Islam: Khadija, la sposa di Maom- etto, che sarà seguita da Fatima (la figlia all'origine dello scisma degli Sciiti) e Aïcha, l'ultima sposa cara alla tradizione sunnita. Un ebreo che scrive una storia dell'Islam dal punto di vista delle donne. Quali sono le ?reazioni

>

ص: 345

in 40 mila copie, e l'editore Robert Laffont lo sta già ristampando. Ma alcuni fanatici, come prevedibile, «non hanno gradito». Ha ricevuto minacce

>

È sotto protezione della polizia

»>

Quali sono le librerie minacciate

Soprattutto nel la Francia e nella zona di Sud del- Roubaix, nel Nord». Perché ha deciso di dedicarsi alle >>
donne dell'Islam

È un'idea che mi è venuta anni fa, se i libri non sono usciti prima è anche perché il mio editore aveva >>
«paura delle possibili reazioni. Voglio mostrare che le donne sono al cuore dell'Islam

Un possibile modello per le musulmane d'Occidente

»>

ص: 346

voir o Giovanna d'Arco, ma credo che tante musulmane francesi ed europee potrebbero amare piuttosto una eroina come Khadija: il mio libro è una storia romanzata ma vera, che dimostra come la sottomissione delle donne sia una costruzione artificiale dei secoli successivi. Khadija è tutto per Maometto. E non portava il velo. Mi piacerebbe che entrasse a fare parte del pantheon di un femminismo delle ragazze musulmane

?Ci sono passaggi controversi

A un certo punto nel manoscritto raccontavo che Khadija toccò Maometto, e gli dice: tu mi desideri. Il mio amico filosofo algerino Malek Chebelha ha detto che era troppo, e ho seguito il suo consiglio, togliendo la frase. Ho mantenuto invece altri passaggi garbatamente segnalati da Dalil Boubakeur, il rettore della Grande Moschea di Parigi, che mi chiama mio professore. L'ho ringraziato, ma li ho pubblicati. Che Allah ti protegga, ha detto sorridendo

ADVERTISING inRead invented by Teads ©RIPRODUZIONE RISERVATA

ط) آلمانی

Vrouwen van de profeet Mohammed (vzmh): Khadija

Sasati in Religie (Mens en Samenleving) op 23-01-2008-1 reactie Facebook Google+TwitterWhatsapp/
reageer / meld

Khadija en Aisha zijn de meest bekende vrouwen van de profeet Mohammed (vzmh). Khadija was zijn eerste vrouw en de eerste die zich tot de Islam bekeerde. De eerste moslim was een vrouw

ص: 347

Khadija was een rijke zakenvrouw toen Mohammed (vz mh) haar leerde kennen. Haar vader, Khuwaylid, was een van de belangrijkste leiders van zijn stam, tot hij omkwam in een oorlog. Ook verloor Khadija haar eerste man, die haar vervolgens als een rijke weduwe achterliet. Mohammed (vz mh) ging werken voor Khadija, hij zou handel voor haar drijven in Syrië . Op dat moment was Mohammed (vz mh) al bekend om zijn betrouwbaarheid en

eerlijkheid. Hij keerde terug uit Syrië met een grote winst. Huwelijk en Kinderen

Na het relaas van zijn reis te hebben gehoord besloot Khadija dat Mohammed (vz mh) een goede echtgenoot zou zijn en ze vroeg hem ten huwelijk. Eerder hadden rijke, belangrijke mannen uit de stam der Quraish haar al ten huwelijk gevraagd, maar ze had hen afgewezen. Nu trouwde ze, na toestemming van de oom van Mohammed (vz mh) te hebben gekregen, met een man die vijftien jaar jonger was. Mohammed (vz mh) was 25, .Khadija 40

Khadija kreeg zeven kinderen van Mohammed (vz mh). Drie jongens, Qasim, Abdallah (die ook liefkozend Tayyib genoemd werd) en Tahir, die alledrie jong stierven. En vier dochters, Zay- nab, Ruqqaya, Umm .Khaltoum en Fatima

Openbaring

Mohammed (vz mh) en Khadija leefden voor vijftien jaren samen, in relatieve rust. In deze tijd kwam Mohammed (vz mh) bekend te staan als 'Al-Amin' (de betrouwbare). Hij had de ge- woonte om te vasten en zich dan terug te trekken in een grot in

de berg Hira, in de directe omgeving van Mekka. Tijdens een van die vastenperiodes, Mohammed (vzmh) was 40 en Khadija 55, kwam hij midden in de nacht thuis, trillend van angst. Khadija bedekte hem met een deken en vroeg, toen hij gekalmeerd was, wat er gebeurd was. Een engel, de engel Gabriël of Jibril, was aan hem verschenen en had gezegd 'Lees!'. 'Ik kan niet lezen' had Mohammed (vzmh) hem geantwoord. De engel had hem vast- gegrepen en opnieuw gezegd 'Lees!'. Opnieuw zei Mohammed (vzmh) dat hij niet kon lezen. De engel herhaalde 'Lees!'. 'Wat moet ik dan lezen?' vroeg Mohammed (vzmh) hem wanhopig. En toen citeerde de engel hem het eerste vers uit wat later de Koran zou worden: "Lees, in de naam van de Heer, uw schepper. Die de mens schiep uit een klompje bloed. Lees, uw Heer is de meest Eerbiedwaardige. Hij .(onderwees de mens door middel van de pen. Hij leerde de mens datgene wat hij niet kende." (Soera 96, 1-6

Mohammed (vzmh) wist aanvankelijk niet wat hem overkwam en wilde de grot ontvluchtte. Waar hij ook naar toe probeerde te rennen, overal stond de engel Gabriël tegenover hem. 'Mohammed', zei de engel, 'Jij bent de boodschapper van Allah en ik ben de engel Gabriël'. Toen verdween de engel. Mohammed (vzmh) vreesde dat hij gek aan het worden was. Khadija echter, zag het als een moment van openbaring. Ze zei dat ze dacht dat hij de profeet van de Arabieren was. "Je bent een goed mens, je zorgt voor je familieleden, geeft .hulp aan de armen, geeft je gasten te eten en luistert en helpt naar degenen die daar om vragen

Waraqah Ibn Nawfal

Khadija nam Mohammed (vzmh) mee naar haar neef, Waraqa Ibn Nawfal, een man die bekend stond om zijn wijsheid. Ibn Nawfal had de boeken van de Joden en de Christenen bestudeerd en wist dat er voorspeld was dat er nog een profeet zou komen. Hij kende de tekenen die de identiteit van de profeet moesten bevestigen wanneer hij zou verschijnen. Ibn Nawfal werd bevangen door opwinding en voorspelde dat de bewoners van Mekka hem de stad uit zouden verdrijven. Hij was er zeker van dat Mohammed (vzmh) de voorspelde .profeet was. En hij begreep wie de engel was die aan hem was verschenen

Geloofsgetuigenis

Er volgde een nieuwe openbaring door de engel Gabriël, waarbij hij Mohammed (vzmh) vroeg om zijn volk op te roepen om alleen tot Allah te bidden. Khadija sprak nu in het openbaar uit wat ze sinds kort als nieuwe waarheid zag: 'Er is geen God behalve Allah. En Mohammed is de boodschapper van Allah'. Hiermee .sprak ze als eerste de geloofsverklaring uit, die moslims tot op de dag van vandaag gebruiken

Ballingschap

De jaren die volgden waren niet eenvoudig. Khadija gebruikte al haar geld in naam van de Islam. Geld om tot de Islam bekeerde slaven vrij te kopen, voor opvang van gelovigen die dat nodig hadden en in het algemeen om de boodschap te verspreiden. Zeven jaren na de eerste openbaring, Ibn Nawfal was al overleden, werden Mohammed (vzmh) en zijn volgelingen en stamgenoten, de Banu Hashim, inderdaad uit Mekka verdreven. Ze kampeerden

drie jaren in een ravijn in de omgeving van Mekka en het was een tijd van ontbering. Sympathisanten stuurden af en toe voedsel, maar in het algemeen volgden de mensen in Mekka het gebod om geen contacten te onderhouden. Het geloof van de moslims werd echter alleen maar sterker in deze periode. Een aantal volgelingen was naar Abbesinië gevlucht, wat geleid werd door een christelijke koning, Negus. Deze volgelingen keerden terug en vonden de situatie nog slechter dan tevoren, ze keerden terug naar Abbesinië, met een grotere groep mensen. In Mekka versoepelde men het regime en de moslims mochten terugkeren. Het ballingschap had echter een hoge tol geeist, Abu Talib, de oom van Mohammed (vzmh) was overleden en ook Khadija stierf op 65-jarige leeftijd. Mohammed (vzmh) rouwde diep om haar, ze waren vijftwintig jaar getrouwd geweest. Ook na haar dood en nadat hij vele andere vrouwen trouwde, bleef hij van haar houden. Hij sprak altijd met respect over haar en bleef voedsel en geschenken sturen naar de familieleden en .vrienden van Khadija

Lees verder

(Vrouwen profeet Mohammed: Vrouwen van de profeet Mohammed (vzmh) (special

Sasati, het auteursrecht van dit artikel ligt bij de infoteur. Zonder toestemming 2016 - 2008 ©

.van de infoteur is vermenigvuldiging Gerelateerde artikelen verboden

Reageer op het artikel "Vrouwen van de profeet Mohammed

ص: 351

"vzmh): Khadija)

.Plaats een reactie, vraag of opmerking bij dit artikel. Reacties moeten voldoen aan de huisregels van InfoNu

Naam

E-mailadres

Reactie

Meld mij aan voor de tweewekelijkse InfoNu nieuwsbrief PLAATS REACTIE

Reactie

Khadija, 18-10-2009 12:46 1

Mag ik erop aanwijzen dat deze citaat verkeerd is: "Khadija kreeg zeven kinderen van Mohammed (vzmh). Drie jongens, Qasim, Tayyib en Tahir, die alledrie jong stierven. En vier dochters, Zaynab, Ruqqaya, Umm .Khaltoum en Fati- ma

Khadija heeft 6 kinderen gebaar met De Profeet (Vrede zij met hem), Qasim, Abdoelaah, Zaynab, Ruqqaya, ?Umm Khaltoum en Fatima. Ik weet niet vanwaar jullie da namen Tahir en Tayyib hebben

En Maria é é n van zijn andere vrouwen heeft é é n zoon met hem, genaamd Ibrahiem. De Profeet had 7 (kinderen in totaal, 6 met Khadija en 1 met Maria Reactie infoteur, 18-10-2009 (1

ص: 352

<http://mens-en-samenleving.infonu.nl/religie/13897-vrouwen-van-de-pro-feet-mohammed-vzmh--1-khadija.html>

مشخصات کتاب

مجموعه مقالات همایش

صدف کوثر

حضرت خدیجه علیها السلام

جلد دوم

دبیر علمی همایش ناصر رفیعی محمدی

مسئول همایش: محمد جواد زارعان

مدیر اجرایی همایش: محمد صادق دهقان نژاد

جامعه الزهراء علیها السلام، مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران مجتمع عالی بنت الهدی پژوهشگاه قرآن و حدیث

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم شهناز محققیان

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

مجموعه مقالات همایش

صدف كوثر

حضرت خدیجه علیها السلام

جلد دوم

ص: 3

دبير علمى همائش ناصر رفيعى محمدى

مسئول همائش: محمد جواد زارعان

مدیر اجرایی همائش: محمد صادق دهقان نژاد

* اعضاءى شورائى علمى (به ترتيب الفبا):

رسول عبداللهى

على نقى خداييارى

قاسم جوادى (صفرى)

محمد جواد زارعان

محمد على رضاى اصفهانى

محمد عظيمى

مهدى قائمى اميرى

ناصر باقرى بيدهندي

ناصر رفيعى محمدى

*مراكز همكار

جامعة الزهراء عليها السلام، مركز مديريت حوزه علميه خواهران مجتمع على بنت الهدى پژوهشگاه قرآن و حديث

خيراندیش دیجيتالى: انجمن مددكارى امام زمان (عج) اصفهان

ويراستار كتاب: خانم شهناز محققيان

ص: 4

سخن دبیر علمی همایش... 24

زندگی خدیجه کبری علیها السلام، تجلی گاه آیات قرآن: نظیفه سادات مؤذن (باران)... 25

شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در پرتو روایات: احمد جاوید انوری... 45

حضرت خدیجه علیها السلام نمونه انسان صالح در قرآن کریم: طاهره ماهرزاده... 60

معیارهای الهی در ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام: امیرحسین بانکی پور، فرد شایسته
غلامعلی دهکردی... 84

ویژگی هایی از حضرت خدیجه علیها السلام: محمد فاکر میبیدی... 109

الگوی رفتاری حضرت خدیجه کبری علیها السلام در زمینه همسررداری: ثریا شاعیدی... 134

ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام علیها السلام: فاطمه سلطان محمدی... 151

حضرت خدیجه علیها السلام مادر حضرت زهرا علیها السلام: علی کریمی جهرمی... 206

بررسی تأثیر اموال حضرت خدیجه علیها السلام در زندگی و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله: سید محمد رضا عالمی... 233

فداکاری های مالی حضرت خدیجه علیها السلام: فرمان علی سعیدی: 251

حضرت خدیجه علیها السلام انسان با اراده: قاسم صفری جوادی... 270

مقام حضرت خدیجه علیها السلام در زیارت نامه ایشان: الهام خبازی نژاد... 279

حضرت خدیجه علیها السلام و نقش اجتماعی ایشان در افزایش سرمایه اجتماعی: فهیمه خوش کلام، تویاس مارتین اشنایدر...304

نقش و جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در فرآیند تکاملی انقلاب نبوی: عباسعلی مشکانی سبزواری...322

بررسی تاریخی گونه شناسی دیدگاه ها درباره حضرت خدیجه علیها السلام: سید محمود سامانی...364

حضرت خدیجه علیها السلام المنتظر واقعی: فاطمه صالحی...364

آیتی نمونه از سکون بخشی ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام یار و دلداری پیامبر صلی الله علیه و آله: علی قائمی امیری...385

بررسی منزلت معنوی حضرت خدیجه علیها السلام: مریم مظفری...408

دیرینه شناسی اشعار حضرت خدیجه علیها السلام در تجلیل پیامبر صلی الله علیه و اله (در آستانه سفر به شام): ناهید طیبی...423

حضرت خدیجه علیها السلام ام المؤمنین از منظر قرآن: محمد علی رضایی اصفهانی...450

خدیجه و بدء الوحی: صفورا سالاریه...473

خدیجه کبری علیها السلام و مایه آرامش و پشتوانه رسول الله صلی الله علیه و اله: سید محمد نجفی یزدی...506

سخن دبیر علمی همایش...24

زندگی خدیجه کبری علیها السلام ، تجلی گاه آیات قرآن...25

مقدمه...25

1. (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً)...26

2. (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)...30

3. (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ)...32

4. (الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ)...33

5. (السابقون السابقون اولئك المقربون)...34

1-5- سبقت در ایمان...34

2-5- اولین نمازگزار...35

3-5- اولین بیعت کننده با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله...36

6. (وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ)...36

7. (وَلْيَسْتَغْفِرِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ)...37

8. (فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ)...38

9. (فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ)...39

10. (سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ)...40

نتیجه...40

منابع...42

شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در پرتو روایات...45

مقدمه...46

معرفی حضرت خدیجه علیها السلام...46

ویژگی های حضرت خدیجه علیها السلام در روایات...47

ص:7

1. القاب حضرت خدیجه علیها السلام در روایات...47

1-1 - ام المؤمنین...47

1-2 - سرور زنان...47

1-3 - صدیقه...48

1-4 - طاهره...48

2. ویژگی های دنیوی حضرت خدیجه علیها السلام...49

1-2 - جزء چهار زن برتر...49

2-2 - مادر حضرت فاطمه علیها السلام و یازده امام علیهم السلام...50

نقش اقتصادی حضرت خدیجه علیها السلام...52

تنها حامی پیامبر...52

3. جایگاه و مقام معنوی و ویژگی های اخروی حضرت خدیجه علیها السلام...53

1-3 - نخستین بانوی نمازگزار...54

2-3 - سلام و درود خداوند...54

3-3 - مالک قصرهای بهشتی...55

نتیجه...56

منابع...58

حضرت خدیجه علیها السلام نمونه انسان صالح در قرآن کریم...60

مقدمه...60

شناخت اجمالی حضرت خدیجه علیها السلام...63

القاب حضرت خدیجه علیها السلام...63

شرافت یافتن حضرت خدیجه علیها السلام با همسری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله...64

مفهوم شناسی صالح...64

ویژگی صالحان در قرآن کریم...66

سرعت گرفتن و سبقت در خیرات در قرآن...69

ص: 8

سیره حضرت خدیجه علیها السلام در پیشگامی و سبقت در خیرات...71

اولین زن مسلمان...71

پیشتازی در نماز...72

اولین مدافع پیامبر صلی الله علیه و اله...74

اولین بخشنده مالی به پیامبر صلی الله علیه و اله...75

اولین بیعت کننده با امام علی علیه السلام در امر ولایت و خلافت...77

عقیف و حافظ خود و اموال در غیبت همسر...77

خلود در بهشت...79

بشارت جبرئیل حضرت خدیجه علیها السلام را به بهشت...80

نتیجه...80

منابع...82

معیارهای الهی در ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام...84

مقدمه...85

معیارهای ازدواج از نگاه قرآن...86

معیارهای ازدواج از نگاه اهل بیت علیهم السلام...95

الف) معیارهای انتخاب همسر که در انتخاب حضرت خدیجه علیها السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و اله نمایان است...97

ب) معیارهای انتخاب همسر که در انتخاب حضرت محمد صلی الله علیه و آله به وسیله خدیجه علیها السلام نمایان است...101

معیارهای عرفی غیرقابل اعتنا...104

نتیجه...105

منابع...107

ویژگی هایی از حضرت خدیجه علیها السلام...109

1. بینش عمیق اعتقادی...110
2. بصیرت اجتماعی...112
3. پایداری در برابر سرزنش ها...114
4. ایثارگری در راه خدا...116
5. پیشگام در اقتدا به پیامبر صلی الله علیه و آله...119
6. مشکل گشایی از پیامبر صلی الله علیه و آله...121
7. مخاطبه سلام الهی...122
8. تسلی و امداد الهی به حضرت خدیجه علیها السلام...123
9. تفکر درست اقتصادی...125
10. دوست داشتنی و فرزند داری...126
11. عطوفت بر فرزند...128
12. شایستگی مادری حضرت زهرا علیها السلام...129
- نتیجه...130
- منابع...132
- الگوی رفتاری حضرت خدیجه علیها السلام کبری در زمینه همسر داری...134
- مقدمه...134
- نمونه هایی از آیین همسر داری به سبک حضرت خدیجه علیها السلام...136
1. معیار ارزشی در گزینش همسر...136
2. روابط عاطفی و احساسی متقابل...139
3. اطاعت پذیری زن از شوهر...140
4. نگرش ارزش مدارانه و تکریم شخصیت همسر...143

نتیجه...147

منابع...149

ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام...151

ص: 10

الگو در لغت...153

الف) ویژگی الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد اعتقادی...154

1. تحقیق؛ مستلزم پرسش...154

. بحار الانوار، همان، ج 18، ص 228...155

2. استواری و استقامت اعتقادی...156

3. تسلیم بودن در برابر دستورهای الهی...158

4. حق پذیری و تسلیم عملی در برابر انبیای الهی...159

5. بیعت با علی علیه السلام...160

ب) ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد عبادی...161

1. توحید در عبادت...161

2. داشتن دعای خالصانه...164

3. جدیت و دوام در عبادت...165

ج) ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد خانوادگی...168

1. نگرشی ارزشی به زندگی...169

2. رعایت حریم و عفاف در گفت و گو با نامحرم...172

3. احترام به همسر و حفظ آرامش در خانواده...173

4. رعایت ادب در طول زندگی...177

5. پرهیز از دنیا طلبی و تجمل گرایی...179

د) ویژگی الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد فعالیت های اجتماعی...180

ه) ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد اقتصادی و کارآفرینی...182

1. بانویی اندیشمند و صاحب اعتبار و امکانات...182

2. مدیریت اقتصادی...184

3. اصل ایجاد انگیزه در مدیریت اقتصادی...184

ص: 11

4. اصل نظارت و کنترل در مدیریت...184
5. شناخت زمان و مکان و اوضاع بازار در پرتو آگاهی و مشاوره...185
6. رعایت اصل پاک روشی و پاک منشی در مدیریت اقتصادی...189
7. جلب اعتماد بازارهای داخلی و منطقه ای...190
8. آفرینش و امضای قراردادهای ابتکاری و متنوع...191
9. کارآفرینی با معنویت و بشردوست...192
- (و) ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد سیاسی...194
1. اعتقاد به مشارکت در امور سیاسی...195
2. مشارکت عملی در امور سیاسی...196
3. ایستادگی و مقاومت هنگام تحریم و محاصره شعب ابی طالب...196
4. سرپرستی و تربیت جانشین نبوت...198
5. تربیت مونس و غمخوار نبی مکرم صلی الله علیه و اله و همسر وصی انقلاب...199
6. تلاش مستمر در راه تربیت و سازندگی نزدیکان...200
- نتیجه...202
- منابع...203
- حضرت خدیجه علیها السلام مادر حضرت زهرا علیها السلام...206
- نسب رفیع و ریشه خانوادگی...206
- مقام والای حضرت خدیجه علیها السلام...206
- حرز حضرت خدیجه علیها السلام...207
- شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام...208
1. اسلام آوردن او و بنا گذاری بر اطاعت محض از مکتب مقدس و توحیدی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله... 208

2. ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام و با وجود پاک پیامبر اسلام صلی اللہ علیہ و آلہ...208

ارزش ها از نظر حضرت خدیجه علیها السلام...209

ص: 12

- 211... شخصیت خدیجه علیها السلام در کلام حضرت ابی طالب
- 213... خدیجه علیها السلام در کلام امیر مؤمنان
- 214... سلام رساندن خدا به حضرت خدیجه علیها السلام
- 215... علاقه مندی عمیق پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام
- 217... رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله با دوستان و علاقه مندان خدیجه علیها السلام
- 219... افتخار حضرت زهرا علیها السلام به مادرش خدیجه علیها السلام
- 219... احتجاج امام حسین علیه السلام و بیان شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام
- 220... گریه و مناجات شبانه امام حسین علیه السلام سر قبر خدیجه علیها السلام
- 222... صلوات بر حضرت خدیجه علیها السلام
- 224... نام حضرت خدیجه علیها السلام در دعا
- 225... نام حضرت خدیجه علیها السلام در زیارت ها
- 226... روایاتی در شأن و مقام خدیجه علیها السلام
- 227... گوشه هایی از آداب و ایثار و وفای حضرت خدیجه علیها السلام
- 230... وفات و وصایای دلسوزانه حضرت خدیجه علیها السلام
- 233... بررسی تأثیر اموال حضرت خدیجه علیها السلام در زندگی و رسالت پیامبر صلی الله علیه و اله
- 234... مقدمه
- 235... وضعیت مالی پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از ازدواج با حضرت خدیجه علیها السلام
- 237... وضعیت مالی حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله
- 241... روابط مالی پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام پس از ازدواج
- 243... استقلال مالی مقدمه استقلال همه جانبه رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله
- 246... نتیجه

منابع...248

فداکاری های مالی حضرت خدیجه علیها السلام...251

مقدمه...251

ص: 13

زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام...252

حضرت خدیجه علیها السلام جزو اولین ها...255

کمک مالی حضرت خدیجه علیها السلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله...256

فداکاری مالی حضرت خدیجه علیها السلام...256

مسلمان شدن زید بن حارثه در کنار امام علی علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام...258

ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله...259

پیوندی که به بشریت انجامید...260

فداکاری مالی حضرت خدیجه در شعب ابی طالب...261

حفظ اسلام در طول سه سال به طور پنهانی...263

نقش اموال حضرت خدیجه در گسترش اسلام...264

نتیجه...266

منابع...267

حضرت خدیجه علیها السلام انسان با اراده...270

انبیا انسان های صاحب اراده...273

زنان صاحب اراده در قرآن...274

چهار زن کامل بهشتی...275

حضرت خدیجه علیها السلام انسان با اراده...276

نتیجه...276

منابع...278

مقام حضرت خدیجه علیها السلام در زیارت نامه ایشان...279

مقدمه...280

ﺧﺪﯨﺠﻪ ﻋﻠﯿﮭﺎ ﺍﻟﺴﻼﻡ، ﮬﻤﺴﺮﯨﻦ ﻧﻤﻮﻧﻪ...281

ﺣﻀﺮﺖ ﺧﺪﯨﺠﻪ ﻋﻠﯿﮭﺎ ﺍﻟﺴﻼﻡ ﻣﺎﺩﺭ ﺩﻭﺍﺯﺩﻩ ﻣﻌﺼﻮﻡ ﻋﻠﯿﮭﻢ ﺍﻟﺴﻼﻡ...283

ﺣﻀﺮﺖ ﺧﺪﯨﺠﻪ ﻋﻠﯿﮭﺎ ﺍﻟﺴﻼﻡ، ﻣﺎﺩﺭ ﻣﻮﻣﻨﺎﻥ...285

ﺼ: 14

حضرت خدیجه علیها السلام، بانوی با اخلاص...286

حضرت خدیجه علیها السلام، اول زن تصدیق کننده رسول خدا صلی الله علیه و آله...286

وفادار به بندگی انفاق کننده قرینه حبیب اله السماء...289

ابلاغ سلام خداوند متعال و جبرئیل بر خدیجه علیها السلام...291

حافظ دین خدا و یاور رسول خدا صلی الله علیه و آله...293

رحلت حضرت خدیجه علیها السلام...296

منزل اخروی حضرت خدیجه علیها السلام...297

حضرت خدیجه علیها السلام در ادعیه زیارات و خطبات...299

الف) دعای ندبه...299

ب) خطبه امام حسن علیه السلام در مقابل معاویه...299

ج) خطبه امام حسین علیه السلام در روز عاشورا...300

د) خطبه امام سجاد علیه السلام در مجلس یزید...300

ه) خطبه حضرت زینب علیها السلام در روز یازدهم محرم...301

نتیجه...301

منابع...302

حضرت خدیجه علیها السلام و نقش اجتماعی ایشان در افزایش سرمایه اجتماعی...304

مقدمه...304

نقش اجتماعی...306

سرمایه اجتماعی...307

چارچوب نظری...307

ابعاد سرمایه اجتماعی...309

1. اعتماد اجتماعی...309

2. اعتماد میان نژادهای مختلف...310

3 و 4. مشارکت سیاسی عادی و نقادانه...311

ص: 15

5. مشارکت مدنی...311

6. رهبری مدنی...312

7. پیوندهای اجتماعی غیر رسمی...313

8. بخشش و روحیه داوطلبی...314

9. مشارکت مذهبی...314

10. عدالت در مشارکت مدنی...314

11. تنوع معاشرت ها و دوستی ها...315

نتیجه...315

منابع فارسی...317

منابع لاتین...320

نقش و جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در فرآیند تکاملی انقلاب نبوی...322

مقدمه...322

1. نگاهی اجمالی به شخصیت و فضایل حضرت خدیجه علیها السلام...323

2. مروری بر نقش حضرت خدیجه علیها السلام در فرآیند تکاملی انقلاب نبوی...326

1-2- نهاد و مرحله ایجاد انقلاب نبوی...326

2-2- نقش حضرت خدیجه علیها السلام در مرحله ایجاد انقلاب نبوی...330

2-2-2- حمایت مالی مستقیم و غیر مستقیم...331

3-2-2- ایستادگی و مقاومت در تحریم و محاصره شعب ابی طالب...332

4-2-2- سرپرستی و تربیت جانشین و وصی نبوت...336

5-2-2- تربیت مونس و غم خوار نبی مکرم صلی الله علیه و آله و همسر وصی انقلاب...337

6-2-2- ارائه الگوهای انسانی طراز اسلام و انقلاب اسلامی...340

منابع...342

بررسی تاریخی گونه شناسی دیدگاه ها درباره حضرت خدیجه علیها السلام...343

مقدمه...344

ص: 16

الف) دیدگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام درباره خدیجه علیها السلام...344

1. خدیجه علیها السلام از بهترین و برترین زنان...345

2. نخستین زن مسلمان...346

3. بهترین مشاور...346

4. بهترین جده...347

5. مباحث فرشتگان به خدیجه صلی الله علیه و آله...347

دیدگاه اهل بیت علیهم السلام...348

1. امیر مؤمنان علی علیه السلام...348

2. امام مجتبی علیه السلام...349

3. امام حسین علیه السلام...349

4. امام سجاد علیه السلام...350

5. امام صادق علیه السلام...350

ب) دیدگاه صحابه درباره حضرت خدیجه علیها السلام...351

ج) دیدگاه اندیشه وران اهل سنت درباره حضرت خدیجه علیها السلام...352

د) دیدگاه متفکران شیعی درباره حضرت خدیجه علیها السلام...358

نتیجه...360

منابع...361

حضرت خدیجه علیها السلام منتظر واقعی...364

مقدمه...364

مفهوم شناسی بعثت و ظهور...366

شباهت های بعثت و ظهور و نقش حضرت خدیجه علیها السلام...367

بعد اعتقادات حضرت خديجه عليها السلام...368

شناخت امام...369

حديث ثقلين و حضرت خديجه عليها السلام...370

ص: 17

بعد اجتماعی انتظار و حضرت خدیجه علیها السلام...372

استراتژی حضرت خدیجه علیها السلام...373

دشمن شناسی...374

مفهوم شناسی انتظار...374

لایه های انتظار...375

1. نمای توحید...375

2. پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عصاره تمام انبیا و اولیا...375

3. قدرت و سیاست...376

4. احیا و اجرای دیانت پایبندی به دین و ارزش های آن...376

5. انتظار...376

ویژگی های منتظران با رویکرد به شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام...377

تقیه حضرت خدیجه...377

یاران پیامبر صلی الله علیه و آله در کلام خدا...378

یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف...379

ویژگی های نفسانی یاران امام...380

ویژگی های رفتاری حضرت خدیجه علیها السلام...381

مأموریت یاران خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف...381

نتیجه...382

منابع...384

آیتی نمونه از سکون بخشی ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام یار و دل دار پیامبر صلی الله علیه و آله...385

مقدمه...385

هدف داری در آفرینش انسان...386

رابطه نیاز و هدف...386

نیاز به آرامش و سکون...387

ص: 18

دامنه سکون خواهی و راه وصول به آن...387

نوع پناه ها...388

آیت سکون در ازدواج...389

آیتی نمونه در ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام...389

شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام...390

خوی و کمالات حضرت خدیجه علیها السلام...390

اندیشه ورزی حضرت خدیجه علیها السلام...391

تقدیر آشنایی با پیامبر صلی الله علیه و آله...391

شنیده ها و یافته ها...392

شیدایی و دلدادگی...393

سنت شکنی سنگین...393

خواستگاری و ازدواج...394

زندگی مشترک...395

بعد معنوی ازدواج او...396

باور حضرت خدیجه علیها السلام...396

یار همراه و دل دار...397

نقش حضرت خدیجه علیها السلام...398

شأن و مقام حضرت خدیجه علیها السلام...400

رابطه پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام...403

وفاداری حتی پس از وفات...404

نتیجه...405

منابع...406

بررسی منزلت معنوی حضرت خدیجه علیها السلام...408

مقدمه...408

ص: 19

مفهوم شناسی...410

1. منزلت...410

2. معنوی...410

معرفی حضرت خدیجه علیها السلام...410

بررسی منزلت معنوی حضرت خدیجه علیها السلام...412

1. حضرت خدیجه علیها السلام مصداق برخی آیات در تفاسیر فریقین...412

2. دیدگاه راویان شیعه و اهل تسنن در مورد مقام حضرت خدیجه علیها السلام...415

3. مباحث امامان علیهم السلام و بزرگان به وجود حضرت خدیجه علیها السلام...417

4. فرستادگان ویژه الهی...418

5. کفن بهشتی...418

نتیجه...419

منابع...420

دیرینه شناسی اشعار حضرت خدیجه علیها السلام در تجلیل پیامبر صلی الله علیه و آله (در آستانه سفر به شام)...423

مقدمه...424

مفهوم شناسی...426

الف) کتاب الانوار البکری (قرن 7)...426

ب) حضرت خدیجه علیها السلام...428

مروری بر شعر زنان در عصر جاهلیت...428

متن اشعار حضرت خدیجه علیها السلام در کتاب الانوار...430

الف) ارزیابی بیرونی...438

1. سند و اصالت اشعار...438

2. زمان و زمینه تاریخی سرایش گزارش مشتمل بر اشعار...439

3. سابقه بانو خدیجه علیها السلام در سرودن شعر...439

ص: 20

ب) ارزیابی درونی...441

1. طرح و ساختار اشعار...441

2. ناسازگاری مضامین اشعار با گزارش های معتبر تاریخی...441

3. ارهاصات ساختگی در اشعار...442

3-1- سخن گفتن شتر...443

2-3- احترام مار عظیم الجثه به پیامبر صلی الله علیه و آله...443

4. نکات در خور توجه در محتوای متن...444

نتیجه...446

منابع...447

حضرت خدیجه علیها السلام ام المؤمنین از منظر قرآن...450

مقدمه...451

پیشینه...451

بسامد آیات...453

دسته اول: آیاتی که حضرت خدیجه علیها السلام مصداق آن هاست...453

1. آیه ام المؤمنین...454

2. آیات همسران پیامبر صلی الله علیه و آله...455

3. آیات ازدواج پیامبری صلی الله علیه و آله...455

4. آیه حجاب...456

دسته دوم: آیاتی که در شأن نزول آن ها به حضرت خدیجه علیها السلام اشاره شده است...457

دسته سوم: آیاتی که به جایگاه و مقام حضرت خدیجه علیها السلام ای مرتبط است...460

دسته چهارم: آیات همسران پیامبر صلی الله علیه و آله که به صورت قضایای شخصیه است...461

1. آیات تحریم...462

2. آیات ازدواج زینب و زید...463

تفسیر مهم ترین آیه مربوط به حضرت خدیجه علیها السلام (ام المؤمنین)...464

ص: 21

نکات آیه...465

نتیجه...469

منابع...470

خدیجه و بداء الوحی...473

مقدمه...473

تقد سندی...476

الف) از حیث سلسله سند...476

1. عایشه...476

2. عبدالله بن زبیر...476

3. عروه بن زبیر...476

4. اسماعیل بن ابی الحکیم...477

5. وهب بن کیسان...477

6. عبید بن عمیر...478

7. ابن عباس...478

8. عبد الله شداد الهاد الیثی...478

9. ابو میسرہ...478

15. عبدالله بن الحسن...479

ب) از حیث اعتبار سنجی راوی...479

1. عایشه...480

2. عروه بن زبیر...481

3. زهری...481

4. عبيد بن عمير...482

5. اسماعيل بن ابي الحكيم...482

جمع بندي نقد سندي...482

ص: 22

تعارض محتوا...484

تقد درونی...484

1. مکان دیدار با جبرئیل...484

2. در بیان حالت پیامبر صلی الله علیه و آله در ملاقات با جبرئیل در ابتدای وحی...486

3. انتساب توهم پیامبر صلی الله علیه و آله به کاهنیت...486

4. حالت جبرئیل در هنگام نزول وحی...487

5. فشار جبرئیل...487

6. واکنش حضرت خدیجه علیها السلام در مواجهه با پیامبر صلی الله علیه و آله...488

7. امتحان حضرت جبرئیل توسط حضرت خدیجه علیها السلام...488

8. تثبیت نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله توسط حضرت خدیجه علیها السلام...490

تقد بیرونی (تعارض روایات با قرآن)...492

تعارض با شخصیت خدیجه علیها السلام...498

نتیجه...500

منابع...502

خدیجه کبری علیها السلام و مایه آرامش و پشتوانه رسول الله صلی الله علیه و آله...506

فداکاری فوق العاده حضرت خدیجه علیها السلام...513

ص: 23

بررسی ابعاد شخصیت أم المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام از موضوعات مهم و شایسته تحقیق و بررسی است. مطالعه تاریخی زندگی آن بزرگوار نشان می دهد ایشان در دوران جاهلیت و پس از آن دارای فضایل اوصاف اخلاقی و کمالات معنوی فراوان بود شخصیتی که در جامعه خود به عنوان الگوی زن برتر تأثیر به سزایی در گسترش صفات نیک انسانی داشت.

حضرت خدیجه علیها السلام نخستین لیبیک گوی، رسالت همسر و هم سر رسول خدا انیس تھی دستی کاشانه أم آبها و مادر امت بود نقش مهم او در پیش برد اسلام در دوران نونهالی و ظهور دین و حمایت بی دریغش از اندیشه های توحیدی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر کسی پوشیده نیست. مقام معظم رهبری مدظله می فرمایند:

جناب خدیجه علیها السلام حقیقتاً مظلوم است به خاطر این که شرف همسری پیغمبر در مورد ایشان یک ارزش مضاعف است دیگران مشرف به شرف همسری پیغمبر شدند، لکن این رنج هایی را که پیغمبر در عمده رسالت به آن ها مبتلا بودند ندیدند. جناب خدیجه علیها السلام دوران رنج پیغمبر را دوران سختی پیغمبر را تحمل کردند و دیدند.

علی رغم تلاش های درخور ستایشی که در معرفی این شخصیت آسمانی ارائه شده، پژوهش های جدید جامع و پویا هم چنان ضروری است تا ابعاد بیش تری از زندگی این شخصیت بزرگوار روشن شود و اندکی از غبار مظلومیت و غربت چهره نورانش زدوده گردد.

آن چه به مناسبت برگزاری همایش ملی صدف کوثر ارائه می شود گامی است کوچک در شناساندن حضرت خدیجه علیها السلام که شامل عناوین ذیل است:

1. مجموعه مقالات همایش صدف کوثر 3 جلد

2. شناخت نامه حضرت خدیجه علیها السلام علی (فارسی)، 2 جلد

3. شناخت نامه حضرت خدیجه علیها السلام (عربی - انگلیسی)، 1 جلد

4. أم المؤمنین خدیجه فی مصادر اهل السنة، 1 جلد.

امید است مجموعه آثار همایش مقبول درگاه الهی واقع شود و همگان مشمول عنایت و شفاعت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و همسر گرامیش ام الائمه حضرت خدیجه کبری علیها السلام واقع شویم از همه اساتید، فضلا و پژوهشگرانی که در نگارش مقاله همکاری داشته اند قدردانی می کنم به ویژه از اعضای کمیته علمی اساتید محترم آقایان ناصر باقری، بیدهندی مهدی قائمی امیری، محمدعلی رضایی اصفهانی قاسم، جوادی رسول، عبداللهی محمد عظیمی و علی نقی خدایاری که در ارزیابی و تدوین آثار همایش همکاری جدی داشته اند هم چنین از همکاری و زحمات کمیته اجرایی آقایان: مهدی، برزگر علی جعفری منش محمد مراد خان بابا علی اصغر شریفی نیا، محمد عظیمی، محمدباقر متولی ابوالحسن مهرورز و غلامرضا نصرتی قدردانی و تشکر می نمایم.

ربنا تقبل منا إنك انت السميع العليم

دبیر علمی همایش ملی صدف کوثر

ناصر رفيعى محمدى

17 ربيع الاول 1439

ص: 24

زندگی خدیجه کبری علیها السلام، تجلی گاه آیات قرآن: نظیفه سادات مؤذن (باران) (1)

چکیده

شخصیت برجسته و بی نظیر بانوی بزرگ اسلام، حضرت خدیجه کبری علیها السلام الگوی بی مانندی است برای کسانی که دنبال کسب کمال و سعادتند در این پژوهش، برآنیم که تجلی ده آیه از آیات نورانی قرآن کریم را در حیات مقدس این بانوی والا بررسی کنیم و جاری بودن اصول انسان ساز اسلام را در زندگی زیبای ام المؤمنین بکاویم در این میان آیاتی نیز هستند که ناظر به ویژگی های منحصر به فرد آن حضرتند و گویای شأن و مقام والای ایشان.

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام، آیات قرآن، حیات طیبه، جهاد با اموال، پاک دامنی، پناه یتیمان و در ماندگان

مقدمه

حیات بشر همواره با آرزوی رسیدن به «کمال» و تلاش در مسیر دست یابی به آن گذشته است.

انسان ها در هر زمان و مکان و موقعیتی هدفی را برای خود ترسیم کرده و برای رسیدن به آن می کوشند تا برنامه های زندگی خود را بر اساس آن تنظیم سازند. این مسأله، از نظر آگاهانه بودن تنظیم ساختن و برنامه ریزی در انسان ها، به

ص: 25

درجات بسیار مختلف و با فراز و نشیب فراوان اتفاق می افتد؛ تا آن جا که عده ای را «بی هدف» و «ولنگار» می نامیم و عده ای دیگر را مذمت می کنیم که در سخت کوشی و تلاش برای رسیدن به هدف دچار افراط شده اند.

از سوی دیگر تشخیص این که «کمال حقیقی» و «مطلوب نهایی» بشر از این زندگی جهانی چیست خود اساسی ترین پرسش انسان هایی است که می خواهند آگاهانه زندگی کنند و ارزش و کرامت خود را پاس بدارند. در این میان آنان که دل در گرو خداوندگاری دارند رها از سرگردانی های دیگران کمال را در پیروی از دستورهای خداوند می جویند و هم و غم شان را در مسیر کشف خواسته های او و عمل به آن ها و «آن گونه شدن» صرف می کنند.

این پژوهش بر آن است تا در زندگی یک بانوی برگزیده که سال ها همراه و مونس رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و اله بود، جلوه های این «کمال جویی» را بیابد و به تماشا بگذارد. مصادیق این کمالات را از متن قرآن کریم برگزیدیم که کتاب سعادت و راهنمای مسیر خداجویی است. در این نوشتار خواهیم دید که زندگی خدیجه کبری علیها السلام حتی پیش از اسلام آوردن و حتی پیش از ازدواج با آن حضرت سرشار از جلوه های ناب کمال بوده است جلوه هایی که خود عامل انتخاب یتیم مدینه توسط بانوی ثروتمند قریش و سنت شکنی عجیب این بانوی صاحب کمال در خواستگاری از او گردید. جلوه هایی که در تمام لحظات زندگی آن بانو جریان داشتند و آن را به تجلی گاه آیات قرآن و آموزه ها و ارزش های والای اسلام، تبدیل کرده بودند.

اکنون با ذکر تعدادی از آیات نورانی قرآن کریم به بررسی مصادیق مضمون این عبارات آسمانی در متن زندگی بزرگ بانوی اسلام خواهیم پرداخت. باشد که قدر ناشناخته این انسان والا را از طریق اتصال او به کلام وحی بیشتر بشناسیم.

1. (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً)

*** (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً) (1)**

ص: 26

«حیات طیبه»، یکی از تعابیر ویژه قرآنی است. بر اساس بیان آیه، هر کس ایمان داشته باشد و عمل صالح انجام دهد از این نوع خاص حیات بهره مند خواهد بود و در کسب این موقعیت میان زن و مرد تفاوتی نیست.

تعابیر مختلفی درباره چستی این نوع حیات در روایات و تفاسیر ذکر شده است. مرحوم طبرسی، برخی از آن‌ها را بدین صورت بیان می‌کند: رزق و روزی حلال؛ زندگی شرافتمندانه همراه با قناعت و خشنودی؛ بهشت پر طراوت و زیبا و زندگی خوش در آن جا زندگی خوش بختانه در بهشت برزخی (1) و برخی، دیگر حیات طیبه را عبارت می‌دانند از عبادت همراه با روزی حلال و توفیق بر اطاعت فرمان خدا و مانند آن.

حیات طیبه چنان معنای گسترده‌ای دارد که همه این معانی را در بر می‌گیرد؛ یعنی زندگی پاکیزه از انواع آلودگی‌ها، ظلم‌ها، خیانت‌ها، دشمنی‌ها، اسارت‌ها، ذلت‌ها، انواع نگرانی‌ها و هر چیزی که زندگی را در کام انسان ناگوار می‌سازد.

در توصیف این مفهوم قرآنی گفته شده است:

اسلام مردم خود را خوش بخت و سعادت‌مند می‌خواهد. این سعادت فقط با پول به دست نمی‌آید؛ فقط با ذکر و عبادت هم به دست نمی‌آید؛ حیات طیبه، اسلامی زندگی‌ای است که در آن راه رسیدن به معنویت و اهداف و سر منزل‌های نهایی این راه از زندگی دنیایی مردم عبور می‌کند. اسلام دنیای مردم را آباد می‌کند؛ منتها آبادی دنیا هدف نهایی نیست هدف نهایی عبارت است از این که انسان‌ها در زندگی دنیوی از معیشت شایسته و مناسب، از آسودگی و امنیت خاطر و از آزادی فکر و اندیشه برخوردار باشند و از این طریق به سمت تعالی و فتوح معنوی حرکت کنند. حیات طیبه اسلامی، شامل دنیا و آخرت - هر دو - است. (2)

حیات طیبه یعنی زندگی گوارا یک ملت آن وقتی زندگی گوارا دارد که

ص: 27

1- تفسیر مجمع البیان، ج 7، ص 734. 735.

2- سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با مردم رفسنجان، 1384/2/18

احساس کند و ببیند که دنیا و آخرت او بر طبق مصلحت او به پیش می رود و به سمت هدف های او حرکت می کند ... زندگی گوارا وقتی است که رفاه مادی با عدالت معنویت و اخلاق همراه شود. ... اسلام نمی گوید من می خواهم زندگی اخروی بعد از مرگ مردم را آباد کنم دنیای آن ها هر جور شد شد؛ این منطق اسلام نیست (1)

مرحوم علامه طباطبایی در مورد «حیات طیبه» بیانی عمیق و عالی دارند.

ایشان در تفسیر این آیه می فرماید:

مراد از احیاء بخشیدن و افاضه حیات و زندگی است و آیه شریفه دلالت دارد که خداوند سبحان، انسان با ایمانی را که عمل شایسته و صالح انجام می دهد با زندگی جدیدی که غیر از زندگی معمول مردم است اکرام می کند و آثار زندگی حقیقی که همان علم و قدرت است، با این زندگی جدید همراه و همگام است. این درک جدید باعث می گردد چنین فرد مؤمنی چیزها را چنان که هستند ببیند؛ یعنی می تواند امور و اشیا را به دو قسم حق و باطل تقسیم کند. سپس با قلب و روحش از امور باطل که در معرض فنا و زوال هستند که همان زندگی دنیوی است، رویگردان می شود و به آن پشت می کند و دل به زینتها و مظاهر فریبنده دنیا نمی بندد. چنین انسانی از بند تعلقات دنیوی رها می شود و شیطان نمی تواند او را خوار و ذلیل خود سازد و در بند خود گرفتار آرد. در مقابل، قلب و روحش به پروردگار باقی و جاوید، مرتبط و پیوسته می گردد و جزذات پاک او و قرب و جوار او را طلب نمی کند و جز از خشم و دوری از او، از چیزی هراس ندارد و در این هنگام برای خود زندگی پاک و جاودانه و بی زوال مشاهده می کند که کارگردان این زندگی و مدبر امور آن پروردگار بخشنده و مهربان اوست و در سراسر این زندگی معنوی و پاک جز زیبای و جمال چیزی مشاهده نمی کند (2)

با توجه به این، مطالب آیا جای تردیدی وجود دارد که زندگی خدیجه

زندگی خدیجه کبری علیها السلام، تجلیگاه آیات قرآن

ص: 28

1- سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، 1383/1/2

2- ترجمه تفسیر المیزان، ج 12، ص 492.

کبری علیها السلام مصداق حقیقی حیات طیبه بوده است؟ او که سراسر زندگی خود را از ایمان و عمل صالح سرشار کرده بود. بر اساس گزارش های تاریخی، می توان با اطمینان گفت که این بانوی با عظمت حتی پیش از بعثت نبی مکرم صلی الله علیه و آله به ایشان ایمان آورده بود و از نخستین روزهای آشنایی با آن حضرت، می دانست که ایشان روزی به پیامبری برانگیخته خواهند شد و شاید مهم ترین دلیل ازدواج خدیجه با آن حضرت رسیدن به فوز ایمان آوردن به رسول خدا صلی الله علیه و آله بود در ادامه، تنها به پاره ای از این گزارش ها بسنده می کنیم:

1. در سفر تاریخی خویند، پدر خدیجه علیها السلام با عبدالمطلب به یمن، سیف بن ذی یزن (پادشاه یمن) به عبدالمطلب می گوید: «تو پدر بزرگ پیامبر موعود هستی» و خویند این موضوع را با خانواده در میان می گذارد (1)
2. در سفر تجاری ابوطالب به شام راهبی به نام بحیرا، خبر از پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله می دهد و این خبر در مکه منتشر می شود. (2)
3. در سفری تجاری که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و با کاروان خدیجه می روند و برای او کار می کنند، راهبی به نام نسطور به میسره غلام خدیجه علیها السلام می گوید که این مرد پیامبر است و میسره این خبر را به آن بانو می رساند نیز گزارش می دهد به چشم خویش دیده است که دو فرشته بال های خود را سایبان او می کردند. (3)
4. یک بار هم یکی از احبار یهود پیامبر صلی الله علیه و آله را در خانه خدیجه دید و گفت: «او همان پیامبر موعود است که نشانه هایش را در تورات خوانده ام. بانویی از قریش با او ازدواج می کند که سرور بانوان بهشت است. مبادا از این شرف محروم شوی». (4)
5. ورقه بن نوفل پسر عموی خدیجه علیها السلام نیز به او گفته بود که حضرت

ص: 29

1- ابونعیم، دلائل النبوه، ج 1، ص 97.

2- سیوطی، الخصائص الکبری، ج 1، ص 155.

3- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 322

4- همان، ج 2، ص 6.

محمد صلی الله علیه و آله و همان پیامبر موعود است. (1)

همه این بشارت ها و خبر ها در کنار شناختی که حضرت خدیجه علیها السلام خود از ویژگی های برجسته پیامبر صلی الله علیه و آله را پیدا کرده بود او را بر آن داشت که این جوان به ظاهر یتیم و تهی دست را برای همسری خود برگزیند و از همان سال ها خود را آماده کند که به محض ابلاغ رسالت او ایمان بیاورد و اولین مسلمان تاریخ شود.

اعمال صالح این بانو نیز بر کسی پوشیده نیست و ما نیز در ضمن آیات بعدی به بیان پاره ای از آن ها خواهیم پرداخت.

آن چه در مباحث قبلی درباره حیات طیبه و ویژگی های آن گفته شد به روشنی در حیات خدیجه کبری علیها السلام مشهود است. بانویی که با اجابت دعوت خدا و پیامبر، حیات معنوی را به دست آورد؛ بانویی که هم دنیای آباد و پر رونقی داشت و هم برای آخرتش مژده بهشت و خانه ای از مروارید را از رسول صادق خدا صلی الله علیه و اله هدیه گرفته بود (2) از رزق و روزی حلال و قناعت و خشنودی و عبادت نیز برخوردار بود و حیاتی لبریز از معنویت و اخلاق داشت بیان علامه طباطبایی (رحمه الله) نیز به زیبایی در زندگی این بانوی آسمانی جلوه گر است. آن جا که زندگی با یتیم قریش را انتخاب کرد و با قدرتی که خداوند متعال به او داده بود در تشخیص حق و باطل آخرت را انتخاب کرد و به آن درجه ای رسید که در حیاتش جز قرب و جوار پروردگار را طلب نکند و مدیر و کارگردان زندگی اش هم حق تعالی باشد.

2. (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)

* (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) (3)

«قرب الهی» و «کسب رضای خدای متعال» آرزوی هر مؤمن است و هر کسی

ص: 30

1- بحار الانوار، ج 16، ص 55.

2- (إن الله يرسل لها السلام و بشرها ببيت في الجنة من قصب لا صخب فيه ولا نصب). (ابن جوزی، تذکره الخواص، ص 272)

3- سوره مائده آیه 35

برای رسیدن به این آرزو در حد درک و توان خود می کوشد. خداوند متعال در این آیه مبارکه خود راهی پیش پای مشتاقان قرب می گذارد و از ایشان می خواهد تا علاوه بر رعایت پرهیزکاری واسطه ای انتخاب کنند که باعث شود مسیر رسیدن به حق کوتاه تر و ساده تر شود.

اگر هر انسانی در حد توان امروز خود «ابتغاء وسیله» می کند، «خدیجه کبری علیها السلام» در دوره ای می زیست که توفیق ابتغاء بهترین وسیله برای او فراهم شد و زیرکی و خلوص بیمانند او باعث گردید این امکان را قدر بشناسد و با یک سنت شکنی بی مانند در روزگار خود و در قوم و قبیله خود، بی وحشت از سرزنش ها حضرت محمد صلی الله علیه و اله را انتخاب کند پس از ازدواج نیز «جاهد و فی سبیل الله» را با اموال فراوانی که تقدیم اسلام نمود، به تجلی نشانند.

در اثبات این مطلب نقل دو عبارت از سخنان بانوی بزرگ اسلام کافی است. ایشان به صفیه، عمه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله علت اشتیاق خود به ازدواج با ایشان را چنین بیان کرد:

إني قد علمت أنه مؤيدٌ من رب العالمين؛ من يقين دارم که او مورد تأیید خداوند متعال است (1)

در این باره به شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله نیز عرض کرد:

به خدا سوگند من با شما چنین رفتاری نمی کنم جز برای این که امید دارم شما همان پیامبری هستید که برانگیخته خواهید شد. (2)

از آن جا که انگیزه ای پاک و مقدس و الهی خدیجه را برانگیخته بود تا برای این پیوند تلاش کند این بانو از روش ها و واسطه های مختلفی یاری جست تا به این هدف مقدس برسد. لذا روزی «نقیسه» را مأمور کرد تا وعده دیدار با محمد امین صلی الله علیه و اله را فراهم کند و آشکارا به امین قریش پیشنهاد ازدواج داد. (3) هم چنین روزی خلعتی گران بها به صفیه داد و از او خواست تا برای این وصال

ص: 31

1- یعقوبی ، التاريخ، ج 2، ص 16.

2- بحار الانوار، ج 16، ص 57.

3- ابن هشام، السیره النبویه ، ج 2، ص 15

تلاش کند. (1) روزی دیگر نیز خواهرش هاله را نزد عمار فرستاد تا زمینه این ازدواج را فراهم تر سازد. (2) وقتی امین جوان در پاسخ پیشنهاد او گفت: «تو صاحب مال و مکنت هستی و من چیزی از مال دنیا ندارم؛ من دنبال همسری مثل خودم هستم؛ خدیجه کبری علیها السلام با نهایت استغنا و اندیشه متعالی خود گفت: «من، خودم، ثروتم کنیزانم و آن چه در تصرفم است از آن شماست و تابع فرمان شما». (3)

آری این گونه آن بانو تمام تلاش خود را به کار گرفت تا بهترین وسیله ممکن را برای رسیدن به قرب الهی به دست آورد و در این راه هر چه در توان داشت به کار گرفت.

3. (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ)

* (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ) (4)

«جهاد با اموال در راه خدا» از عبارت ها و مفاهیمی است که بارها در آیات متعدد قرآن کریم به آن اشاره و به اهمیت آن تأکید ویژه شده است. (5) به جرأت می توان گفت: یکی از بارزترین مصادیق این، جهاد را ام المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام به نمایش گذاشت. چنان که: در میان تاریخ نویسان مشهور است که: «کفاها شرفاً أن الاسلام لم يقم الا بمالها وسيف علي بن ابي طالب كما روى متواتراً؛ (6) در شرف و بزرگواری آن بانو همین بس که اسلام قوام نیافت، جز به مال و ثروت او و شمشیر علی بن ابی طالب علیه السلام چنان که این مطلب به تواتر روایت شده است».

این بزرگ بانوی آسمانی از همان آغاز زندگی مشترک تمام دارایی خود را

ص: 32

1- بحار الانوار، ج 16، ص 55.

2- همان، ص 58.

3- یعقوبی، التاریخ، ج 2، ص 16.

4- سوره حجرات، آیه 15

5- سوره توبه آیه 81 و 41 و 20، سوره انفال، آیه 74 و 72.

6- مامقانی، تنقیح المقال في علم الرجال، ج 3، ص 77

در اختیار محمد امین صلی الله علیه و آله قرار داد و حتی مهریه خود را هم از اموال خودش پرداخت کرد تا نهایت پاک باختگی خود در عشق به رسول خوبی ها را در تاریخ به نمایش بگذارد.

اموال ام المؤمنین، صرف کمک به مسلمانان مستضعف شد و در دوران سخت شعب ابی طالب، تنها پشتیبان آنان برای تأمین حداقل های مورد نیازشان بود. (1)

4. (الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ).

* (الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) (2)

آرامش یافتن با یاد خدا از وعده های خداوند به مؤمنان است. در تفسیر المیزان، نکاتی ذیل این آیه ذکر شده است؛ از جمله:

«ذکر» در این آیه، اعم از ذکر لفظی و غیر لفظی است و مقصود از آن مطلق انتقال ذهن و خطور قلب است. آدمی در زندگی خود هدفی جز رستگاری ندارد و تنها سببی که سعادت و شقاوت و نعمت و نعمت به دست اوست، همان خدای سبحان است که بازگشت همه امور به اوست. اوست که فوق بندگان و قاهر بر آنان و فعال مایشاء و ولی مؤمنین و پناهندگان به اوست؛ پس یاد او برای نفسی که اسیر حوادث است مایه آرامش است؛ پس هر قلبی به طوری که جمع محلی به الف و لام (القلوب) افاده می کند، با ذکر خدا اطمینان می یابد و اضطرابش تسکین پیدا می کند. این معنا حکمی است عمومی که هیچ قلبی از آن مستثنا نیست، مگر این که کار قلب به جایی برسد که در اثر از دست دادن، بصیرت دیگر نتوان آن را قلب نامید نکته دیگر این که از ظاهر الفاظ، آیه انحصار فهمیده می شود چون متعلق فعل یعنی «بذکر الله»، بر خود فعل یعنی «تطمئن»، مقدم آمده نشان می دهد که دل ها جز به یاد خدا به چیز دیگری اطمینان نمی یابد. (3)

همسر پر معنویت رسول خدا صلی الله علیه و آله در زندگی نورانی خود یاد خدا را جاری

ص: 33

1- بحار الانوار، ج 91، ص 1

2- سوره رعد، آیه 28

3- ترجمه تفسیر المیزان، ج 11، ص 486

ساخته بود و علاوه بر آن که از برکات نماز بهره داشت و از اولین نمازگزاران تاریخ اسلام بود دعاهایی مخصوص خود داشت که به صورت حرز نوشته و با خود همراه داشت. بعضی را نیز از رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله آموخته و همواره می خواند.

حرز حضرت خدیجه علیها السلام و به نقل روایات از این قرار بود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ اِسْتَغْنِيْتُ فَاغْنِنِي وَلَا تَكِلْنِي اِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَدًا وَ اَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ؛ (1)

به نام خداوند بخشنده بخشایش گر ای خدای زنده و زندگی بخش! ای خدای برپادارنده جهان هستی! من به مهر و محبت تو پناهنده شده ام؛ پس خودت پناهم بده و هرگز به اندازه یک چشم برهم زدن مرا به حال خودم وا مگذار و تمام امور زندگی ام را اصلاح فرما!

ذکر دیگری نیز که زمزمه لبان مبارک خدیجه کبری علیها السلام بود، از این قرار است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا اللَّهُ يَا حَافِظَ يَا حَفِيظَ وَيَا رَقِيبَ (2)

هم چنین این بانوی بزرگ از رسول گرامی صلی الله علیه و آله خواست تا دعایی برای زمان طواف به او بیاموزد و آن، حضرت این دعا را به او آموختند: «اللهم اغفر لي ذنوبي و خطاي و عمدی و اسرافي في أمري....» (3)

5. (السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ).

اشاره

* (السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ). (4)

اگر بنا باشد بر اساس دیدگاه این آیه مبارکه، سبقت در خیر را موجب تقرب بدانیم، به یقین حضرت خدیجه علیها السلام از سرآمدان مصادیق تقرب به پروردگار خواهد بود.

1-5- سبقت در ایمان

این بانوی تردید اولین مسلمان و ایمان آورنده به نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله

ص: 34

1- همان، ج 91، ص 224

2- سید بن طاووس، مهج الدعوات، ص 17.

3- غالب السیلاوی، الانوار الساطعه من الغراء الطاهره، ص 330.

4- سوره واقعه، آیه 10 و 11.

بوده است، چنان که پیامبر عظیم الشان خود تصریح فرمودند و خطاب به حضرت فاطمه علیها السلام چنین گفتند: (ثُمَّ تَسْتَقْبِلُكِ أُمِّي خَدِيجَةُ أَوَّلُ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَمَعَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ بِأَيْدِيهِمْ أَلْوِيَةُ التَّكْبِيرِ)؛ (1) «آن گاه مادر ارجمندت خدیجه آن بانویی که اولین ایمان آورنده به خدا و پیامبرش بود به همراه هفتاد هزار فرشته به پیشواز تو می آیند که در دست شان پرچم های الله اکبر است».

دیگر معصومان علیهم السلام نیز بارها به این مسأله تأکید می کردند و به این که از فرزندان خدیجه کبری هستند که اولین ایمان آورنده به رسول خدا بود، مباحثات می کردند؛ از جمله امام حسن مجتبی علیه السلام در محاجه با معاویه به این مسأله اشاره کردند: «و جدتی خدیجه و جدتک فتیله». (2) امام حسین علیه السلام نیز در مقابل لشکر فاجر عمر سعد زمانی که خاندان خود را معرفی می فرمود و از آن تبه کاران اعتراف می گرفت، فرمود: (أَنْشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدَّتِي خَدِيجَةَ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ أَوَّلُ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِسْلَامًا)؛ (3) سپاهیان ظلم همگی این فرمایش را تأیید کردند.

2-5-اولین نمازگزار

نماز را شاید بتوان مهم ترین عبادت و مهم ترین رکن عملی اسلام دانست؛ چنان که در روایات آن را ستون دین و عامل و معیار قبولی یا رد سایر اعمال (4) معرفی کرده اند قرآن کریم نیز آن را عامل بازدارنده از فحشا و منکر خوانده است. (5)

در دوران دعوت مخفیانه پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله، تنها سه نمازگزار در میان انسان های کره زمین وجود داشت و این افتخاری بی مانند، از آن خدیجه علیها السلام و امام علی علیه السلام بود که همراه رسول خاتمه صلی الله علیه و آله نماز به جای می آوردند. داستان

ص: 35

1- بحار الانوار، ج 8، ص 55-53

2- مفید، ارشاد، ص 173

3- سید ابن طاووس، اللهوف، ج 1، ص 53.

4- وسائل الشیعه، ج 3، ص 22، ح 10

5- (إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ) (سوره عنکبوت، آیه 45)

نماز سه نفره این بزرگواران در منابع مختلفی ذکر شده (1) و از متن و فضای روایات کاملاً مشخص است که حرکت ایشان در برگزاری نماز جماعت در صحن مسجد الحرام، واقعه ای بسیار عجیب و ناآشنا برای مردم بود و نمازگزاران، در این سه شخصیت بی مانند منحصر بودند، چنان که در متن این روایت عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و اله به آن تصریح می کند: (مَا عَلَى الْأَرْضِ كُلُّهَا أَحَدٌ عَلَى هَذَا الدِّينِ غَيْرُ هَؤُلَاءِ الثَّلَاثَةِ)

محدث نوری نیز در مستمسک وسائل الشیعه می نویسد: (فَكَانَ أَوَّلُ مَنْ صَلَّى مِنَ الرَّجَالِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمِنَ النِّسَاءِ خَدِيجَةَ)

3-5- اولین بیعت کننده با پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله

حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید:

هنگامی که علی و خدیجه اسلام آوردند روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله آن دو را فراخواندند و فرمودند: «شما برای تقرب به درگاه خداوند متعال، اسلام را پذیرفته اید اکنون اگر در اسلام و ایمان خود استوار هستید با خدا و پیامبرش بیعت کنید تا به سلامت و رستگاری همواره اوج گیرید». آن گاه آن دو بیعت کردند که تا پای جان در راه اسلام فداکاری کنند (2).

6. (وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ)

* (وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ) (3)

یکی دیگر از ارزش های مهم اسلامی و آموزه های این دین مبین، رسیدگی به یتیمان و درماندگان و مساکین است که جلوه های فراوانی از توصیه به این اصل در آیات متعدد قرآن کریم و نیز روایات و سیره پیامبر صلی الله علیه و اله و امامان علیهم السلام مشهود است. (4)

در این زمینه روایات تاریخی گواهی می دهند که خانه خدیجه علیها السلام

ص: 36

1- الغدير، ج 3، ص 225؛ تاریخ طبری، ج 2، ص 20؛ اعلام الوری ص 25؛ اسد الغابه، ج 3، ص 414

2- بحار الانوار، مجلسی، ج 18، ص 232

3- سوره ضحی آیه 10.

4- نک، امالی صدوق، ص 234؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 72، ص 4 و 10 و 12 و 13؛ ثواب الاعمال، ص 181.

پناهگاه بی پناهان و یتیمان و مساکین بود. به حدی که به این بانوی بزرگ، لقب «ام الصعاليك» (مادر بینوایان) و «الایتام» (مادر یتیمان) داده بودند و همه می دانستند که هر گاه مشکلی برایشان پیش آمد می توانند درمان خود را در خانه پر مهرام المؤمنین بیابند؛ بانویی که نه تنها آنان را از جهات مادی تأمین و مشکلات شان را حل می کرد بلکه با محبت و مهر بی مانند خود مرهمی بر آلام دل های شان هم بود رفت و آمد مردم به منزل این بانو، به حدی چشم گیر بود که خود یکی از نشانه ها برای یافتن خانه خدیجه علیها السلام به شمار می آمد.

(1)

7. (و لِيَسْتَغْفِرَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ).

* (و لِيَسْتَغْفِرَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ). (2)

قرآن کریم بارها بر حفظ پاک دامنی و نهی شدید از هر عملی که به این اصل فقهی و اخلاقی خدشه وارد کند توصیه کرده است. در قرآن کریم و در آغاز سوره مؤمنون آن جا که خداوند متعال صفات ایمان آورندگان به خدا و رسول را بر می شمارد می فرماید: (وَالَّذِينَ هُمْ لِأُفْرُوجِهِمْ حَافِظُونَ) (3) پاک دامنی از خلقیات پسندیده و صفات عالیه انسانی است که با تقویت ملکه عفت، تمایلات جنسی انسان را تعدیل می کند و او را در مسیر حق و درست نگه می دارد.

خدیجه کبری علیها السلام این بانوی خردمند حجاز ملکه کمال و جمال، ثروت و اقتدار، شکوه و عزت و آزادگی در جهان عرب بود و در داشتن ملکه عفاف، به حدی رسیده بود که ابوطالب بزرگ، قریش او را در روزگار جاهلیت چنین توصیف کرد:

إن خدیجه إمراه کامله میمونه فاضله تخشی العار و تحذر الشنار؛

خدیجه بانویی است که در اوج خرد و کمال پر برکت و آراسته به خی رو

ص: 37

1- نک، اکرم السادات هاشمی نژاد سرور زنان جهان ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام کبری، ص 28؛ حسین تهرانی، خصائص

ام المؤمنین خدیجه الکبری، ص 410 و 541؛ علی کرمی فریدنی، فروغ آسمان حجاز، خدیجه، ص 73

2- سوره نور آیه 33

3- سوره مؤمنون، آیه 5

خوبی زبینه و صاحب کرامت است. او به خوبی ها آراسته و از هر گونه نقطه منفی و عیب و عار به دور است. (1)

این بانو با وجود مدیریت مجموعه عظیمی از مردان که برای او تجارت می کردند و با استفاده از سرمایه وی فعالیت داشتند به جز موارد ضرورت خود با مردان هم کلام نمی شد و امور را با وساطت کارگزاران مورد اعتماد خود انجام می داد او هرگز در شب نشینی های آکنده از گناه آن روزگار که امری عادی و طبیعی برای ثروتمندان به شمار می رفت شرکت نمی کرد و با این که از طبقه اشراف و بزرگان شهر بود هرگز خود را به ناپاکی های این طایفه نیالود خدیجه علیها السلام چنان به این ویژگی ها شهرت داشت که به وی لقب «طاهره» داده بودند: (2) (وَ كَانَتْ تُدْعَى فِي الْجَاهِلِيَّةِ بِالطَّاهِرَةِ لِشِدَّةِ عِفَافِهَا). (3)

8. (فِي بُيُوتِ أَدْنَى اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ)

* (فِي بُيُوتِ أَدْنَى اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ) (4)

خداوند متعال در جهان آفرینش زمان ها و مکان هایی را شرافت خاص بخشیده و برای آن ها منزلتی ویژه قائل گردیده است. از جمله آن مکان ها بعضی از خانه هاست که آیه فوق به آن اشاره می فرماید. با توجه به آن چه در آیه قبل بیان شده بود (آیه 35) درباره چراغ فروزان و نوری پربرکت که باعث هدایت است، در این آیه می فرماید که آن چراغ و آن نور، در خانه هایی است که به اذن خدا بلندمرتبه شده و رفعت یافته اند. از منظر علامه طباطبایی (رحمه الله) مراد از «رفع بیوت» رفع قدر و منزلت و تعظیم آن هاست. عظمت و علونیز خاص خدای تعالی است و هیچ کس شریک او نیست، مگر آن که به او منتسب باشد؛ پس اذن خدا به این که این بیوت رفیع المقام باشند، به سبب این است که

ص: 38

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 56

2- مامقانی، تنقیح المقال، ج 3، ص 77.

3- زرقانی، شرح المواهب اللدنیه، ج 1، ص 199، به نقل از فروغ آسمان حجاز خدیجه، علی کرمی فریدنی، ص 41

4- سوره نور، آیه 36

این بیوت منتسب به خود اویند و علت رفعت این خانه ها، همان «یذکر فیها اسمہ» است. (1)

با توجه به نکات پیش گفته تردیدی نیست که خانه خدیجه علیها السلام از افضل آن خانه هاست. خانه ای که حتی پیش از قدم نهادن پیامبر خدا صلی الله علیه و اله در آن، به خانه پاکی و پروا مشهور و پناهگاه بی پناهان و نیازمندان و فقرا بود؛ خانه ای که مهد عشق به رسول عظیم الشان خدا بود و سپس منزلگاه وی گردید و از آن پس محل نزول فرشتگان و مهبط وحی گردید و محل آغاز سفر آسمانی پیامبر و معراج شد خانه ای که تا سال ها محل تعلیم و تربیت خردسالی تا نوجوانی حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام بود خانه ای که محل تولد زهرای اطهر علیها السلام شد و چهار زن آسمانی در آن جا حاضر شدند تا خدیجه علیها السلام را در لحظه تولد کودک نورانی اش یاری کنند؛ خانه ای که هم اکنون هم مستحب است که در مراسم حج و تشریف به مکه مکرمه از آن بازدید شود «و يستحب في المكة التشرّف في منزل خديجه» (2).

9. (فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ)

* (فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ) (3)

هم چنان که پروردگار رحمان در این آیه برای خلقت انسان به خویش مباحثات می کند به فرمایش نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله خداوند هر روز چندین بار به وجود خدیجه علیها السلام بر فرشتگان مباحثات می کند و می بالد. در دوره ای که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مأموریت یافتند که چهل روز از خدیجه علیها السلام دوری کنند و برنامه عبادی ویژه ای داشته باشند زمانی که برای دلداری خدیجه کبری علیها السلام برایش پیغام فرستادند این مژده را به وی دادند: (فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لِيُبَاهِيَ بَكِ كَرَامَ مَلَائِكَتَهُ كُلِّ يَوْمٍ مَرَارًا). (4)

ص: 39

1- ن ک، ترجمه تفسیر المیزان، ج 15، ص 175

2- محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج 20، ص 69

3- سوره مؤمنون آیه 14

4- مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 78

* (سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ) (1)

مقام و شخصیت بیمانند خدیجه کبری علیها السلام ما به حدی است که بارها سلام خاص ربوبی به واسطه جبرئیل به ایشان ابلاغ شد و این معنا در روایات متعدد نقل گردیده است؛ (2) از جمله در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: وقتی در شب معراج جبرئیل مرا به سوی آسمان ها برد و سیر داد هنگام مراجعت به جبرئیل گفتم: «آیا حاجتی داری؟» جبرئیل گفت: «حاجتم این است که سلام خدا و سلام مرا به خدیجه برسانی» (3)

نتیجه

خدیجه کبری علیها السلام بانوی والا مقامی بود که با انتخاب آگاهانه خویش مسیر کسب کمال و سعادت را برای خود هموار کرد و با استفاده از درایت کم نظیر خود، توانست حیات ارزشمند خویش را به تجلی گاه آیه های قرآن و آموزه های والای اسلام مبدل سازد آن چه در حجم اندک این مقاله گنجد، از این مصادیق والا اندکی است از بسیار:

- کسب «حیات طیبه» و ایجاد زندگی برجسته ای که از هر نظر شایسته یک مسلمان معتقد است؛

- انتخاب «وسیله» و «واسطه» ای بی نظیر برای قرب به بارگاه ربوبی (ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله با پیشنهاد و اصرار خود)؛

- جهاد با اموال در راه خدا و پیشگامی بی نظیر او در این راه؛

- سبقت در ایمان و نماز و بیعت با رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله

- جاری بودن یاد خدا در لحظه های حیات وی؛

- پناه دادن به یتیمان و بی پناهان و تأمین نیازهای مادی و روحی ایشان؛

ص: 40

1- سوره رعد، آیه 24

2- حسین تهرانی، خصائص ام مؤمنین خدیجه الکبری، ص 29-32.

3- همان، ص 7

- پاک دامنی و عفاف بی مانند او در دوران جاهلیت و بیداد گناه؛

- بنا نهادن خانه ای که مصداق خانه های برگزیده الهی بود و یاد خدا همواره در آن جریان داشت؛

- مباحث خداوند بر فرشتگان به واسطه وجود خدیجه کبری علیها السلام؛

- سلام مخصوص خدا بر خدیجه علیها السلام.

ص: 41

قرآن کریم.

1. ابن اثیر، اسد الغابہ فی معرفہ الصحابہ، بیروت: داراحیاء التراث العربی بی تا.
2. ابن جوزی، یوسف بن قراوغلی تذکرہ الخواص، قم: شریف، رضی 1376 ش.
3. ابن کثیر، البدایہ والنہایہ، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، 1408 ق.
4. ابن ہشام، السیرہ النبویہ، تحقیق طہ عبدالرئوف سعد، بیروت: دارالجبیل 1410 ق.
5. ابونعیم، دلائل النبوه، ج 1، بیروت: دار النفاذ، 1419 ق.
6. الاربلی، ابن ابی الفتح، کشف الغمہ، ج 2، بیروت: دارالضواء، بی تا.
7. الامین، سید محسن، اعیان الشیعہ، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات چاپ اول، 1403 ق.
8. امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب والسنہ والادب، قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیہ 1416 ق.
9. پاک نیا عبدالکریم «نگاہی بہ آموزہ های تربیتی در زندگی حضرت خدیجہ علیہا السلام»، مبلغان، شماره 35، آذر 1381 ش.
10. تهرانی، حسین، خصائص ام المؤمنین خدیجہ الکبری علیہا السلام، قم: طوبای، محبت چاپ اول، 1387.
11. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعہ الی تحصیل مسائل الشریعہ، قم: مؤسسہ آل البیت لاحیاء التراث، 1416 ق.
12. حکیم زادہ فرزانه سبک زندگی رسول خدا با همسرانش، قم: انتشارات جامعہ الزہرا علیہا السلام، 1393.
13. حیدری، احمد، بزرگ زنان صدر اسلام، ج 1، قم: زمزم ہدایت، 1387 ش.

14. الخطيب، ياسين، الروضه الفيحاء في اعلام النساء، بي جا، مؤسسه الكتب الثقافيه، 2000 م
15. رسولى محلاتى سيد هاشم، خطبه عقد و مهرية حضرت خديجه عليها السلام، ناشر ديجيتال: مركز تحقيقات رايانه اى قائميه اصفهان
16. سيد بن طاووس، اللهوف في قتلى الطفوف، قم: الانوار الهدى، بي تا.
17. سيوطى، جلال الدين، الخصائص الكبرى، ج 1، بيروت: دالكتب العلميه 1424ق.
18. طباطبايى محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، مترجم محمد باقر موسى همدانى قم: جامعه مدرسين حوزه علميه قم دفتر انتشارات اسلامى 1374ش.
19. طبرسى، فضل بن حسن، اعلام الورى باعلام الهدى، قم: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، 1376.
20. طبرى، محمد بن جرير، تاريخ الامم و الملوك، محقق: ابراهيم، محمد، ابوالفضل، بيروت: بي نا بي تا.
21. كرمى فريدنى على فروغ آسمان حجاز خديجه عليها السلام، قم: نشر حاذق، چاپ اول، 1382ش.
22. مدرسى، سيد محمد تقى، زندگانى پيامبر گرامى اسلام محمد مصطفى صلى الله عليه و آله قم: انتشارات محبان الحسين عليه السلام، چاپ سيزدهم، 1389ش.
23. مامقانى، عبدالله بن محمد بن حسن، تنقيح المقال في علم الرجال، ج 3، نجف اشرف: مطبعه مرتضويه، 1352 ق .
24. مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار تهران دار الكتب الاسلاميه، 1380 ق.
25. مفيد محمد بن محمد بن نعمان الارشاد فى معرفه حجج الله على العباد، قم: مؤسسه آل البيت، 1372.
26. مكارم شيرازى، ناصر، تفسير نمونه به قلم جمعى از نويسندگان، تهران: دار الكتب الاسلاميه، 1353ش.

27. مهدی پور علی اکبر «صدف، کوثر»، مبلغان، شماره 107، شهریور و مهر 1387 ش.

28. نجفی، محمد بن حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج 20، محقق ابراهیم سلطانی، نسب بیروت: داراحیاء التراث العربی، 1362 ق.

29. نوری، حسین بن محمد تقی، مستمسک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، 1408 ق.

30. ورزنده، مهدی، ویژگی های شخصیتی حضرت خدیجه علیها السلام، ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

31. هیکل، حسین، حیاة محمد صلی الله علیه و آله، قاهره: دارالکتب، بی تا.

32. یعقوبی، التواریخ، نجف: المكتبة الحیدریه، 1384 ق.

33. یوسفی غروی، محمد هادی، موسوعه التاریخ الاسلامی، ج 1، قم: مؤسسه الهادی، 1417 ق

34. khamenei.IR (پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای)

35. LIB ESHIA.IR (کتابخانه مدرسه فقاہت)

36. MAAREFQURAN.ORG (دانشنامه موضوعی قرآن، مرکز فرهنگ و معارف قرآن)

37. NOORLIB.IR (کتابخانه دیجیتال نور)

38. NOORMAGS.IR (پایگاه مجلات تخصصی نور)

*شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در پرتو روایات: احمد جاوید انوری (1)

چکیده

حضرت خدیجه علیها السلام همسر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله یکی از شخصیت های مهم و برجسته در تاریخ صدر اسلام است فضایل و ابعاد شخصیت این بانو در روایات و سخنان بزرگان دینی مورد توجه بوده و در مناسبت های مختلف به بیان آن پرداخته اند پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام از این بانو به بزرگی و کرامت یاد کرده اند و این بانو جزء چهار زن برتر عالم شمرده شده است. از طرف دیگر این افتخار را داشت که نسل جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله در نسل او باشد؛ لذا ائمه علیهم السلام این موضوع را جزء افتخارات خودشان دانسته و در مواقعی به بیان آن مبادرت ورزیده اند او اولین بانویی بود که اسلام آورد و به ولایت امیر مؤمنان علیه السلام اقرار، نمود جزء اولین نمازگزاران بود و همه اموال خود را در راه اسلام مصرف نمود. شخصیت این بانو چنان بود که خداوند متعال توسط جبرئیل به او سلام رساند. ام المؤمنین صدیقه طاهره مبارکه و ... ، جزء القاب این بانو شمرده شده است در نگاه کلی روایات مربوط به این بانو در سه بخش القاب و ویژگی های دنیوی و ویژگی های اخروی می توان تقسیم نمود این تحقیق به بررسی شخصیت این بانو در روایات و سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام می پردازد و با کاوش در منابع تاریخی و حدیثی به صورت کتابخانه ای مطالب را جمع آوردی می کند.

ص: 45

خدیدجه علیها السلام، القاب حضرت خدیجه علیها السلام، ویژگی های دنیوی، ویژگی های اخروی

مقدمه

در تاریخ پر فراز و نشیب اسلام کم تر کسی از میان زنان، هم چون حضرت خدیجه کبری درخشیده است بانویی که بزرگ ترین افتخارش همسری پیامبر صلی الله علیه و آله بود. ایشان چنان شخصیتی داشت که حتی سال ها پس از رحلت وی، پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه نام او را می شنیدند اشک بر گونه های آن حضرت جاری می شد و در تمام عمر از او با احترام یاد می کردند

یکی دیگر از افتخارات این بانو پرورش سرور بانوان عالم دخت گران مایه پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است که مانند درّی یکتا در صدف خود بپرورانید. و او شخصیتی دارد که هم خود و هم دخت گرامی اش، جزء چهار زن برتر عالم هستند.

والایی مقام و منزلت این بانو همه را به تحسین و داشته است؛ لذا در این تحقیق، بنا داریم شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام را از زبان بهترین و کامل ترین افراد بشر یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان بررسی نمایم؛ زیرا خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله به جهت این که از نسل این بانو هستند همواره افتخار نموده در مناسبت های گوناگون این موضوع را بازگو می کردند.

معرفی حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه از تیره قریش بود که از سوی پدر در نیای سوم (قُصَیّ) و از سوی مادر در نیای هشتم (لُؤَی) با نسب پیامبر صلی الله علیه و آله، پیوند می خورد. او دخت گرامی «خُوَیَلِد» فرزند اَسَد، فرزند عبدالعُزَی، فرزند قُصَی، فرزند کِلَاب، فرزند مُرّه،

فرزند کعب، فرزند لؤی، فرزند غالب، فرزند فہر است. (1) مادرش، فاطمہ، دخت زائدہ پسر اَصَمّ، پسر رَواحہ، پسر حَجَر، پسر عبد، پسر مَعِیص، پسر عامر، پسر لؤی، پسر غالب پسر فہر است (2)

خُوَیْلِد، قہرمان دلاوری بود کہ هنگام تہاجم «تُبَع»، پادشاہ خودکامہ، یمن، دست بہ شمشیر برد و در برابرش مردانہ شمشیر زد و او را با ذلت از حریم کعبہ دور ساخت. (3)

ویژگی های حضرت خدیجہ علیہا السلام در روایات

1. القاب حضرت خدیجہ علیہا السلام در روایات

1-1-1 ام المؤمنین

«ام المؤمنین» لقبی است کہ قرآن بہ ہمسران پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ دادہ، (4) اما می دانیم کہ ہمسران پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ در یک مرتبہ نبودند و از نظر ایمان و سبقت در اسلام متمایز از ہم دیگر بودند. حضرت خدیجہ علیہا السلام برترین ہمسر پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ بہ شمار می آمد؛ لذا پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ او را «برترین و بہترین امّہات مؤمنین» خواندند. (5)

1-2-1 سرور زنان

یکی از افتخارات این بانو پرورش شخصیتی مانند امیر مؤمنان علیہ السلام است؛ زیرا ایشان در منزل پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ رشد کرد و تحت سرپرستی حضرت خدیجہ سلام اللہ علیہا قرار داشت لذا تعلق خاطر دو جانبہ میان امام علی علیہ السلام و حضرت خدیجہ علیہا السلام برقرار بود؛ بہ ہمین منظور، وقتی خدیجہ علیہا السلام درگذشت امیر مؤمنان علیہ السلام در شعری کہ در سوگ آن بانو سرودند از آن حضرت با عنوان «سیدہ النّسوان» تعبیر

ص: 47

1- ابن ہشام، السیرہ النبویہ، ج 2، ص 80

2- همان.

3- ابن کثیر، البدایہ والنہایہ، ج 2، ص 296؛ سیلاوی، الانوار الساطعہ، ص 9

4- سورہ احزاب، آیہ 6

5- سیلاوی، الانوار الساطعہ، ص 226؛ خوارزمی، مقتل الحسین علیہ السلام، ج 1، ص 52.

فرمودند. (1) امام کاظم علیه السلام نیز ایشان را «سرور زنان قریش» خواندند؛ (2) زیرا ایشان را در عهد جاهلی نیز رسیده نساء قریش می خواندند. (3)

3-1- صدیقه

صدیقه به معنای راست گو (4) فقط یک بار در قرآن درباره حضرت مریم علیها السلام به کار رفته است

(مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ)، (5) هم چنین صدیقه به کسی گفته می شود که کاری را تمام و کمال انجام دهد که از نظر مقام و مرتبه پایین تر از انبیا و پیامبران است (6) یا این که پیامبران الهی را تصدیق کند. (7) با توجه به این معانی پیامبر صلی الله علیه و اله در معرفی حضرت خدیجه علیها السلام خطاب به جبرئیل فرمودند: (هَذِهِ صِدِّيقَةٌ أُمَّتِي)؛ (8) «این صدیقه امت من است».

4-1- طاهره

پاک دامنی یکی از فضایل بسیار مهم به خصوص در بانوان است. پاکی از رذایل اخلاقی و گناه در هر مکان و محیطی فضیلت بسیار بزرگ شمرده می شود؛ لذا هنگامی که فضای گناه آماده شود و جامعه دچار مفسد گردد و بسیاری از رذایل در عرف مردم عادی جلوه کند و قبیحی نداشته باشد، دوری از گناه و فساد در چنین وضعیتی فضیلت بسیار بزرگ شمرده می شود، لذا حفظ پاک دامنی در عصر جاهلی و قبل از اسلام ارزش فراوانی می یابد. حضرت

ص: 48

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 35، ص 143

2- حمیری، قرب الاسناد، ص 325

3- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص 479

4- سوره مائده آیه 75

5- سهیلی، الروض الأنف، ج 2، ص 244، زرقانی، شرح مواهب اللدنیه، ج 1، ص 199

6- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص 479.

7- طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج 7، ص 355

8- ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج 2، ص 620

خدیجه علیها السلام در عصر جاهلی به «طاهره» شهرت داشتند؛ (1) زیرا او پاک ترین و عقیف ترین بانوی آن دوران بودند. (2)

القاب دیگری نیز به حضرت داده شده که در یکی از زیارت نامه های پیامبر صلی الله علیه و اله آمده است: «سلام بر... صدیقه طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه خدیجه کبری ام المؤمنین» (3).

2. ویژگیهای دنیوی حضرت خدیجه علیها السلام

2-1- جزء چهار زن برتر

پیامبر صلی الله علیه و اله در روایتی که در منابع فریقین آمده است چنین می فرماید:

(أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ وَ فَاطِمَةُ وَ مَرْيَمُ وَ آسِيَةُ)؛ (4)

برترین بانوان بهشت؛ خدیجه، فاطمه، مریم و آسیه اند.

ابن حجر از علمای اهل سنت می گوید: «این حدیث، صریح است و قابل تأویل نیست». (5)

ابن کثیر شماری از فضایل ویژه حضرت خدیجه علیها السلام را برشمرده، سپس می گوید: «برخی از اهل سنت، غلو می کنند و عایشه را بدین سبب که دختر ابوبکر است بر خدیجه علیها السلام تفضیل می دهند» (6)

وی در ادامه نکته ظریفی را نقل می کند «قدر مشترک در میان مریم، آسیه و خدیجه این است که هر یک از آن ها پیامبر مرسل را تحت کفالت خود گرفته است:

1. آسیه حضرت موسی علیه السلام را کفالت و تربیت کرد و چون مبعوث شد، به

ص: 49

1- ابن حجر، الاصابه، ج 8، ص 60

2- زرقانی، شرح المواهب اللدنیه، ج 1، ص 199

3- مجلسی، بحار الانوار، ج 100، ص 189.

4- صدوق، محمد بن علی، الخصال، ج 1، ص 206.

5- ابن حجر، فتح الباری، ج 7، ص 135.

6- ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج 3، ص 129

او ایمان آورد.

2. مریم، حضرت عیسی علیه السلام را کفالت نمود و بزرگش کرد و چون مبعوث به او گروید.

3. خدیجه علیها السلام پیشنهاد ازدواج به پیامبر اسلام داد و همه اموالش را در راه او تقدیم کرد و چون وحی بر آن حضرت نازل شد به او ایمان آورد». (1)

در روایت دیگری که امیر مؤمنان علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کنند به برتری این بانو چنین اشاره می فرمایند:

(خَيْرُ نِسَائِهَا خَدِيجَةٌ وَ خَيْرُ نِسَائِهَا مَرْيَمُ)؛ (2)

بهترین زنان، ایشان مریم (دختر عمران) و بهترین زنان ایشان خدیجه (دختر خویلد) است

مقصود از زنان اول زنان بنی اسرائیل و مورد دوم زنان این امت است.

2-2- مادر حضرت فاطمه علیها السلام و یازده امام علیهم السلام

از دیگر فضایل این بانو این است که یازده امام معصوم از نسل ایشان هستند و نسل پیامبر صلی الله علیه و آله تنها از طریق ایشان ادامه یافت تا جایی که خود این بزرگواران به این مطلب همواره افتخار نموده و این مطلب را در حوادث سرنوشت ساز بیان فرموده اند. (3)

در دعاها و زیارت نامه ها عبارت های مشابه که نشان دهنده افتخار اهل بیت علیهم السلام به این موضوع است زیاد به چشم می خورد، مانند دعای ندبه که می فرماید:

(أَيُّ الْمُنْصُورِ عَلَى مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَ افْتَرَى ، أَيُّ الْمُنْصَدِّ طَرُّ الْأَذَى يَجَابُ إِذَا دَعَا ، أَيُّ صَدْرُ الْخَلَاءِ يَفِي ذُو الْأَبْرِ وَالْتَّقْوَى ، أَيُّ ابْنِ الدَّيْبِ الْمُنْصَطَفَى ، وَ ابْنِ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى ، وَ ابْنِ خَدِيجَةَ الْغَزَاءِ ، وَ ابْنِ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى) (4)

ص: 50

1- همان.

2- عسقلانی، ابن حجر، الإصابه، ج 8، ص 103.

3- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج 4، ص 577

4- محمد بن المشهدی المزار الكبير، ص 579

برخی روایات حکایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و اله قبل از به دنیا آمدن حضرت فاطمه علیها السلام این خبر را به خدیجه دادند که یازده امام از نسل ایشان هستند و ایشان از این موضوع اطلاع داشت:

أن خدیجه لما حملت بفاطمه علیها السلام كانت تحدّثها فی بطنها و تصبرها و كانت تکتّم ذلك من رسول الله صلی الله علیه و سلم فدخل علیها یوما فسمع خدیجه تحدث فاطمه فقال: یا خدیجه من تحدّثین؟ فقالت: الجنین الذی فی بطنی یحدّثنی و یؤنّسنی، فقال: یا خدیجه هذا جبرئیل یخبرنی أنها انثی و أنها النسل الطاهره المیمونه؛ إن الله سیجعل نسلی منها و یجعل من نسلها أئمه و یجعلهم خلفائی فی أرضه بعد انقضاء وحیه (1) و قتی حضرت خدیجه علیها السلام به حضرت فاطمه باردار شد، طفل در رحم مادر با او سخن می گفت ولی خدیجه علیها السلام این موضوع را از پیامبر صلی الله علیه و اله مخفی می داشت تا این که روزی پیامبر صلی الله علیه و اله بر او وارد شدند و متوجه صحبت او گردیدند و سؤال کردند: «با چه کسی حرف می زنی؟» خدیجه علیها السلام گفتند: «با این جنین که در بطن من است». حضرت فرمودند: «ای خدیجه! جبرئیل به من خبر داد که او دختر است و نسل طاهر و با برکتی دارد. خداوند نسل مرا از او قرار داده و ائمه از نسل او هستند و آن ها را خلفای من بعد از انقطاع وحی قرار داد».

به باور برخی از سیره نویسان حضرت فاطمه علیها السلام تنها دختر پیامبر صلی الله علیه و آله بود و ایشان دختر دیگری نداشتند و تنها فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله هم که بعد از ایشان باقی ماند، حضرت زهرا علیها السلام بود این دسته از سیره نویسان معتقدند که دختران دیگر رسول خدا صلی الله علیه و اله، در حقیقت ربائب حضرت بودند و دختران خواهر حضرت خدیجه علیها السلام به شمار می آمدند که بعد از مرگ والدین شان در منزل خدیجه علیها السلام بزرگ شدند و فرزند خوانده بودند. (2)

ص: 51

1- عاملی، حر، اثبات الهداه، ج 2، 195.

2- عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من السیره النبوی الاعظم صلی الله علیه و آله، ج 2، ص 122 به بعد.

پیامبر صلی الله علیه و آله از اموال خدیجه علیها السلام بردگان تحت شکنجه را خریداری می نمودند و بدهکاران را از قید بدهکاری آزاد می ساختند؛ به تهیدستان کمک می کردند و مهاجرانی را که مشرکان اموال آن ها را مصادره می نمودند، با مال خدیجه علیها السلام بی نیاز می کردند تا خود را به مدینه برسانند.

از همه مهم تر در ماجرای محاصره اقتصادی قریش که مدت 3 - 4 سال به طول انجامید همه اموال خدیجه علیها السلام صرف حمایت از محاصره شدگان و پیامبر صلی الله علیه و آله شد. بنابراین حمایت اقتصادی خدیجه علیها السلام، در واقع کلید مقاومت و شکستن این محاصره بود حضرت خدیجه علیها السلام توانست با بذل مال خویش یاران اسلام را که در آغاز حیات خود، چون شاخه نورسته بودند، در مقابل امواج خروشان دشمنان حفظ کند و زمینه رشد و شکوفایی اسلام و مسلمانان را فراهم نماید. به استناد تاریخ، رسول اعظم صلی الله علیه و آله تا زمانی که خدیجه کبری زنده، بودند به بینویان کمک مالی می کردند.

سبط ابن جوزی از زهری نقل می کند: «به ما رسیده است که خدیجه از مال خودش به رسول خدا صلی الله علیه و اله چهل و چهار هزار درهم انفاق کرد» (1)

تنها حامی پیامبر

اشاره

قرآن افرادی را با عنوان «السابقون» (2) خوانده و آن ها را ستوده؛ زیرا آن ها در موقع تنهایی پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان ایمان آوردند و در حالی از آن حضرت دفاع کردند که شمار مسلمانان بسیار کم بود و اوضاع بسیار سخت و طاقت فرسایی بر مکه حاکم بود.

بی شک طبق گواهی تاریخ اولین بانویی که به پیامبر صلی الله علیه و اله ایمان آورد و به تصدیق آموزه های ایشان پرداخت حضرت خدیجه علیها السلام بود پس بر

ص: 52

1- سبط بن جوزی، شرح حال و فضائل خاندان نبوت، ص 401

2- سوره واقعه، آیه 10

اساس آیات قرآن جزء مقربان است؛ زیرا در شرایط بسیار سخت، به حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله برخاست و در زمانی که همه از رسول خدا صلی الله علیه و اله رو برگرداندند، حضرت خدیجه علیها السلام حامی ایشان بود و زمانی که همه پیامبر صلی الله علیه و آله را تکذیب کردند این بانو پیامبر صلی الله علیه و آله را تصدیق کرد و در پرتو بینش و بصیرت کامل به ایشان ایمان آورد.

در ماجرای ازدواج امیرمؤمنان علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام، روایت شده که تعدادی از همسران پیامبر صلی الله علیه و اله نزد ایشان آمده، عرض کردند:

پدران و مادران ما به فدایت! ما برای کاری نزد تو گرد آمده ایم که اگر خدیجه در قید حیات بود از آن بسیار خوشحال می شد.

ام سلمه گوید:

چون نام خدیجه را در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله، بردیم گریست و فرمود: «خدیجه؟ چه کسی مثل اوست؟ هنگامی که همه مرا تکذیب کردند، او تصدیق کرد و مرا بر دین خدا یاری نمود و با مال خویش به من کمک کرد خداوند عزوجل به من دستور داد که خدیجه را به خانه ای در بهشت بشارت دهم که از زمره ساخته شده و در آن نشانی از بانگ و فریاد و خستگی نیست».⁽¹⁾

3. جایگاه و مقام معنوی و ویژگی های اخروی حضرت خدیجه علیها السلام

اشاره

خدیجه علیها السلام که یار غم خوار پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از بعثت بود، پس از آن هم با تمام وجود حامی افکار و اندیشه های توحیدی آن حضرت محسوب می شد. در حساس ترین دوران زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، چه آن زمان که وجود مبارکش در آستانه نزول وحی قرار داشت و همه چیز دگرگون شده بود و چه آن زمان که وحی الهی بر قلب پاکش نازل می شد و جهانی را به لرزه در می آورد، همواره رسول اکرم صلی الله علیه و آله را به خوبی درک می کرد آن حضرت را به درستی می شناخت و به امتیازات آن حضرت پی برده بود. رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله را به روشنی فهمید و آن

ص: 53

1- اربلی، کشف الغمه، ج 1، ص 350؛ عاملی، محسن الامین، اعیان الشیعه، ج 1، ص 312.

را با تمام جانش پذیرفت و با همه توان خود در راه تثبیت و گسترش آن ایستادگی کرد به راستی که کمتر همسری می تواند این چنین حساس فهمیده، با کمال و عمیق عالم و واقع بین باشد.

بنابراین یکی از امتیازات و ویژگی های برجسته حضرت خدیجه علیها السلام انتخاب هوشمندانه او و پیشتازی اش در گزینش اسلام و گرایش به پیام زندگی ساز و عدالت آفرین آسمانی بود که تحسین برانگیز و تاریخ ساز و الهام بخش است. اسلام آوردن خدیجه علیها السلام بر آغاز دعوت عمومی پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله مقدم بود و حضرت خدیجه علیها السلام، نخستین زن مسلمان به شمار می آمد. (1) هم چنین وی نخستین بانوی معتقد به ولایت امیر مؤمنان علیه السلام بود که پیامبر صلی الله علیه و اله در شب ارتحالش فرمود: «باید به ولایت علی بن ابی طالب شهادت دهی!» خدیجه گفت: «به ولایت او ایمان آوردم و بیعت کردم!»

(... قَالَ يَا خَدِيجَةَ هَذَا عَلِيُّ مَوْلَاكَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامُهُمْ بَعْدِي قَالَتْ صَدَقْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ بَايَعْتُهُ عَلَى مَا قُلْتَ أَشْهَدُ اللَّهُ وَ أَشْهَدُكَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً عَلِيماً). (2)

3-1- نخستین بانوی نمازگزار

نماز در اسلام، جایگاه ویژه ای دارد و قرآن همواره نمازگزاران را ستوده و نماز را یکی از امتیازات ویژه مؤمنان برشمرده است. (3) حضرت خدیجه علیها السلام نخستین بانوی نمازگزار بود که مدت ها با حضرت علی علیه السلام در کنار کعبه با پیامبر خدا صلی الله علیه و اله نماز بر پا می داشتند (4) و بعدها جعفر طیار نیز به آن ها پیوست. (5)

3-2- سلام و درود خداوند

یکی از امتیازات اسلام این است که در مسیر رسیدن به کمال و رشد معنوی،

ص: 54

1- بیهقی، دلائل النبوه، ص 19 عسقلانی، الإصابه، ج 8، ص 100

2- مجلسی، بحار الانوار، ج 18، ص 233

3- سوره مومنون آیه 2

4- کتر الفوائد، ج 1، ص 272

5- طبرسی، اعلام الوری، ج 1، ص 104.

هیچ فرقی میان مردان و زنان قائل نیست و به زن به عنوان یک انسان نگاه می کند؛ زیرا خداوند متعال تمام آن چه را که مرد برای رسیدن به مراتب معنوی نیاز دارد در زن نیز به ودیعه گذاشته است حضرت خدیجه علیها السلام با پرورش روح خود در سایه معنویت بی بدیل پیامبر صلی الله علیه و اله به جایگاهی معنوی دست یافت که کمتر زنی به آن می تواند دست یابد؛ لذا جایگاه این بانو چنان است که خداوند متعال جبرئیل را مأمور رساندن سلام خود به این بانوی با عظمت می کند:

(عَنْ زُرَّازَةَ وَ حُمْرَانَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسَدِّمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ حَدَّثَ أَبُو سَعِيدٍ الْخُدْرِيُّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِنَّ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِي لَيْلَهُ أُسْرِيَ بِي حِينَ رَجَعْتُ وَقُلْتُ يَا جَبْرَائِيلُ هَلْ لَكَ مِنْ حَاجَةٍ قَالَ حَاجَتِي أَنْ تَقْرَأَ عَلَيَّ خَدِيجَةَ مِنَ اللَّهِ وَ مِنِّي السَّلَامُ وَ حَدَّثَنَا عِدَّةٌ ذَلِكَ أَنَّهَا قَالَتْ حِينَ لَقَاهَا نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ لَهَا الَّذِي قَالَ جَبْرَائِيلُ فَقَالَتْ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَلَيَّ جَبْرَائِيلَ السَّلَامُ)؛ (1)

رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: «جبرئیل در شب معراج، موقع برگشتن با من صحبت می کرد. به او گفتم: ای جبرئیل آیا حاجتی داری؟» او گفت: «حاجت من این است که سلام خداوند متعال و سلام مرا به خدیجه برسانی! زمانی که حضرت سلام خداوند و جبرئیل را ابلاغ فرمود، حضرت خدیجه علیها السلام عرضه داشت: (إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَلَيَّ جَبْرَائِيلَ السَّلَامُ).

3-3- مالک قصرهای بهشتی

خداوند متعال در قرآن به مؤمنان وعده داده تا بهترین پاداش را به آنان اعطا کند. این پاداش ها در حقیقت فضل خداوند و رحمت بی نهایت حضرت حق به بندگان مؤمن و پارساست که در تمام عمر تلاش کردند تا شکر نعمت هایش را به جا آورند و در مسیر بندگی بکوشند؛ لذا بهشت نیز دارای مراتب است؛ زیرا مؤمنان در یک مرتبه قرار ندارند و پاداش همه مساوی نیست، بلکه هر کسی به

ص: 55

اندازه کوشش خود اجر دریافت خواهد کرد.

روایات زیادی در مورد شأن و منزلت اخروی حضرت خدیجه علیها السلام وجود دارد که یکی از آن ها نزد فریقین بسیار مشهور است و اکثر محدثان عامه و خاصه آن را از طرق مختلف نقل کرده اند و آن این حدیث است:

(قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُمِرْتُ أَنْ أُبَشِّرَ خَدِيجَةَ بَبَيْتٍ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ)؛

پیامبر صلی الله علیه و اله می فرمایند: من مأمور شدم که به خدیجه بشارت دهم که خداوند قصری از نقره در بهشت برای او آماده کرده که هیچ گونه درد و رنجی در آن نیست

ابن حجر در شرح این حدیث از «سهیلی» نقل می کند که تعبیر «قَصَب»، از این جهت است که آن بانوی بزرگوار گوی سبقت را از همه بانوان جهان ربود و تعبیر «صَخَب» از این جهت است که حضرت خدیجه علیها السلام، هرگز با پیامبر صلی الله علیه و اله درگیر نشد صدایش را بلند نساخت و سر و صدا ایجاد نکرد و خانه را محیط امن و آرام قرار داد تعبیر «نَصَب» هم از این جهت است که وی بر خلاف برخی از همسران پیامبر صلی الله علیه و اله هرگز آن حضرت را نیاززد. بدین جهت خداوند قصری در بهشت به آن حضرت عطا فرمود که محیط آرام، بی سر و صدا و بدون اذیت و آزار باشد. (1)

نتیجه

با توجه به ویژگی های شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در تاریخ اسلام و روایات پیامبر صلی الله علیه و اله و اهل بیت علیهم السلام در مورد ایشان در می یابیم که این بانو در طول حیات پربرکت خویش در راه رشد و کمال روحی تلاش فراوان نمود و به درجات عالی انسانی هم به لحاظ دنیوی و هم به لحاظ اخروی دست یافت.

این بانوی فعال در عرصه های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، توانست علاوه

ص: 56

بر رساندن خود به رشد معنوی و مادی در اجتماع نیز تأثیرگذار باشد و حتی آثار تلاش های ایشان در آینده جامعه نوپای اسلامی منشأ اثر شود.

حضرت خدیجه علیها السلام با حمایت های بی دریغ خویش از پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر مسلمانان و ایثار و فداکاری نشان داد که جنسیت در راه رسیدن به کمالات انسانی، مانع از رسیدن به مدارج بالا نیست و راه برای همه قشرهای جامعه باز است و کسانی می توانند به این جایگاه والا برسند که کوشش و ایثار را در پرتو معارف نورانی اسلام سرلوحه کار خویش قرار دهند.

ص: 57

1. ابن بابويه، محمد بن علی الخصال، علی، الخصال، مصحح، مصحح، علی اکبر غفاری، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین 1362 ش.
2. ابن کثیر، البدایه والنہایه، بیروت، مکتبه المعارف، 1408 ق.
3. ابن هشام، السیره النبویه، تحقیق طه عبدالرؤف سعد، بیروت، دارالجيل 1410 ق.
4. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه، چاپ اول، قم: رضی، 1421 ق.
5. بیهقی دلائل، النبوه، چاپ اول، بیروت دارالکتب العلمیه، 1405 ق.
6. حمیری، عبدالله بن جعفر قرب الإسناد چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، 1413 ق.
7. راغب اصفهانی حسین بن محمد مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت: دار القلم الدار الشامیه، 1412 ق.
8. زرقانی محمد بن عبد الباقي، شرح المواهب اللدنیه، مصر: دار الطباعه المیریة المصریة بی تا.
9. سبط بن جوزی، شرح حال و فضائل خاندان نبوت، ترجمه محمدرضا، عطایی چاپ اول مشهد آستان قدس رضوی، 1379 ش.
10. سهیلی، عبدالرحمان، الروض الأنف فی شرح السیره النبویه، چاپ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی، 1412 ق.
11. سیلاوی، غالب، الانوار الساطعه من الغراء الطاهره خدیجه بنت خویلد، بی جا 1421 ق.
12. طبرسی، فضل بن حسن اعلام الوری باعلام الهدی، چاپ اول، قم: آل البيت، 1417 ق.
13. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران:

14. عاملى، حر، اثبات الهداه، چاپ اول، بيروت: اعلمى، 1425 ق.
15. عاملى، جعفر مرتضى، الصحيح من سيره النبي الأعظم صلى الله عليه وآله، چاپ اول، قم: دارالحديث، 1426 ق.
16. عاملى، سيد محسن امين، اعيان الشيعة، بيروت: دارالتعارف، 1403 ق.
17. عسقلانى، ابن حجر، فتح البارى، بيروت: دارالمعرفه، بى تا.
18. عسقلانى، ابن حجر، الإصابه في تمييز الصحابه، بيروت: دارالكتب العلميه، 1415 ق.
19. عياشى، محمد بن مسعود، تفسير عياشى، چاپ اول تهران: المطبعه العلميه، 1380 ق.
20. كراچكى، محمد بن على كنز الفوائد، چاپ اول، قم: دارالذخائر، 1410 ق.
21. كلينى، محمد بن يعقوب بن اسحاق، الكافى، چاپ چهارم تهران: دار الكتب الإسلاميه، 1407 ق.
22. مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، تهران: دار الكتب الاسلاميه، 1380 ق.
23. مشهدى، محمد المزار الكبير، چاپ اول، قم: قيوم، 1419 ق.

*حضرت خدیجه علیها السلام نمونه انسان صالح در قرآن کریم: طاهره ماهروزاده (1)

چکیده

خداوند در قرآن کریم سیمای صالحان را در بعد اعتقادی و رفتاری ترسیم نموده است. این مقاله به روش تحلیل محتوا به واکاوی شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام پرداخته و با تحلیل سیره فردی و اجتماعی، حضرت به این نتیجه می‌رسد که آیات الهی در زندگانی این بزرگ بانوی جهان اسلام تجلی یافته و ویژگی و صفات سیمای انسان صالح معرفی شده در قرآن کریم در این بانوی گرامی مجسم شده است.

واژگان کلیدی

پیامبر صلی الله علیه و اله، خدیجه علیها السلام، انسان صالح، سیره، قرآن.

مقدمه

در طول تاریخ بشری و جوامع انسانی هر گاه مردم اصول و ارزش های الهی را به فراموشی سپرده اند نوری ظاهر شده تا ظلمت جهل و بیراهه های گمراهی را پایان بخشد؛ از سر لطف و کرم حجتی را فرستاده است که چراغ هدایت شود و زنانی را برگزیده تا در پرتو این چراغ هدایت نورافشانی کنند و کمک ها رسانند و خدماتی انجام دهند.

حضرت خدیجه علیها السلام اولین زنی بود که به پیامبر ایمان آورد و حضرت را در

ص: 60

تمام ارزش های الهی و انسانی و اجتماعی یاری رساند. او ترسیم انسان صالحی بود که در قرآن کریم نمود یافته است. در حقیقت حضرت خدیجه علیها السلام الگوی رفتاری و کاربردی انسانی صالح است که آیات قرآن کریم در همه اوقات زندگی اش جاری شده و جریان یافته است.

کتاب ها و مقالات متعددی درباره حضرت خدیجه نوشته شده است. تاریخ نویسان مطالب بسیاری در مورد این بانوی بزرگوار نقل کرده اند. برخی به مرور تاریخی زندگی حضرت از تولد تا وفات و برخی به القاب و صفات شخصیتی حضرت پرداخته اند در کتاب های روایی نیز روایات بسیاری از پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام رسیده که این بانوی بافضیلت را برترین و با کمال ترین زنان معرفی نموده اند. اما مطالب رسیده از آغاز تاکنون در توصیف این بانوی گرامی حق مطلب را ادا نکرده و بسیاری از زوایای شخصیت وجودی و کرامت های ایشان پنهان مانده است.

این نوشتار با رویکردی به آیات قرآن کریم در معرفی صالحان، ایشان را به عنوان الگوی عملی در نمایش انسان صالح از عصر بعثت تاکنون معرفی می کند. از جمله مباحثی که اهمیت این موضوع را بیان می کند، تبیین سیره فردی و اجتماعی حضرت خدیجه علیها السلام و تأثیری است که یک زن بر جامعه انسانی کوچک (خانواده) و جامعه انسانی بزرگ (اجتماع) دارد. نکته مهم عدم تفاوت در هویت انسان صالح و مهم نبودن جنسیت در صالح بودن در عمل و ایمان است، همان گونه که قرآن کریم می فرماید: (يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ). (1)

زن و مرد هر دو آفریده خلقت پروردگار هستند و عنوان انسان را می گیرند و در اطاعت اوامر و نواهی الهی یکسانند.

(وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ... وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ....) (2)

ص: 61

1- سوره حجرات، آیه 94

2- سوره توبه، آیات 9 و 71.

و در سیر و سلوک، انسانی و برخورداری از پاداش و رسیدن به حیات طیبه نیز همانند یک دیگرند

(مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ). (1)

بدین ترتیب خداوند متعال در بیان ویژگی سیمای صالحان فرقی بین زن و مرد قائل نشده است (2) و هویت انسان صالح جنسیت بردار نیست و ایمان و عمل صالح، دو بال برای رسیدن به کمال و قرب الهی است.

حضرت خدیجه علیها السلام با بهره گیری از ایمان و عقل و تقوای خویش توانست به یاری حق بشتابد و رسول مکرم اسلام را مدد رساند و با تمام اخلاص فداکاری کند و در این راه جان فشانی نماید و نامی جاودانه در تاریخ از خود بر جای گذارد. زنان با ظهور اسلام جانی تازه یافتند و با رهبری رسول اکرم و الگوی زنان صالح هم چون خدیجه علیها السلام در صحنه های مختلف مسابقه رسیدن به کمال حاضر شدند و گاه گوی سبقت را از بسیاری از مردان نیز ربودند.

مقام و منزلت حضرت خدیجه علیها السلام و شناخت و ویژگی صالحان، در حقیقت شناخت انسان و کرامت های انسانی است. به این جهت انسان می تواند در قرآن کاوش کند تا آگاهی های لازم در مورد زنان و مردان صالح را به دست آورد.

در ادامه این سؤال ها پیش می آید

1. ویژگی های اعتقادی صالحان چیست؟

2. ارزش های اخلاقی صالحان از دیدگاه قرآن چگونه است؟

3. سیره فردی و اجتماعی حضرت خدیجه علیها السلام چگونه ترسیم کننده انسان صالح در عرصه هستی است؟

شیوه این مقاله تحلیل محتوای و در ابتدا آیاتی از قرآن کریم گزینش شد که به توصیف انسان صالح در دو بعد ایمان و عمل پرداخته است. سپس آیات را دسته بندی و عنوان گذاری نموده و با رجوع به تاریخ زندگانی حضرت

ص: 62

1- سوره نحل، آیات 16 و 7

2- سوره احزاب، آیات 35 و 36

خدیجه علیها السلام ضمن واکاوی شخصیت فردی و اجتماعی آن بزرگوار و تحلیل سیره فردی و اجتماعی حضرت تجلی آیات الهی در زندگانی این بزرگ بانوی جهان اسلام را بیان کرده است.

شناخت اجمالی حضرت خدیجه علیها السلام

شهر مکه در عربستان سال 55 قبل از بعثت، شاهد پا به عرصه گذاشتن نوزادی بود که در عصر خرافاتی آن روز باید به گور سپرده می شد. اما خانواده اش او را گرامی داشتند و نام دختر را خدیجه نامیدند آن حضرت، دختر خویلد بن عبدالعزی بن قصی بن کلاب بود که جد چهارم پیامبر اسلام محسوب می شد (1).

مادر ایشان «فاطمه بنت زائده بن اصم بن رواحه بن حجر بن عبد بن معیض بن عامر بن لوی» بود که او نیز در «لوی» با حضرت رسول هم نژاد می گردد. (2) حضرت خدیجه علیها السلام در یکی از اصیل ترین خانه ها و خانواده ای فرهنگ ساز و بیگانه با آداب و رسوم خرافاتی آن، روزگار در کنار پدر و مادری نیک اندیش و آبرومند چشم به جهان گشود که در زندگی تاریخ سازش نشان داد که طینتی به زلالی آب زمزم و فطرتی به زلالی آبشارهای بلند و دور از دست رس دارد.

القاب حضرت خدیجه علیها السلام

القاب آن حضرت عبارتند از: «طاهره» (بانوی پاکیزه)، «سیده النساء القریش» (سرور زنان قریش)، «مبارکه» (بانوی پر برکت)، «سیده النساء العالمین» (سرور زنان عالم) «صدیقه» (بانوی راستی و درستی)، زکیه (پاک و بالنده از نظر جسم، روح و اندیشه) راضیه (خشنود از تدبیر و تقدیر حکیمانه خدا)، مرضیه (انسان شایسته ای که خدا از او خشنود است) کبری (بانوی ارجمند و بلند پایه)، «ام الیتامی» و «ام المومنین». (3)

ص: 63

1- امین، اعیان الشیعه، ج 6، ص 308

2- ابن هشام، سیره ابن هشام، ج 1، ص 201

3- مجلسی، بحار الأنوار، ج 21، ص 351 و ابن اثیر، اسد الغابه، ج 7، ص 78

شرافت یافتن حضرت خدیجه علیها السلام با همسری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

حضرت خدیجه علیها السلام به واسطه خویشاوندی با پیامبر صلی الله علیه و آله، از یک طرف و ملاحظه اخلاق حمیده ایشان در بازرگانی از طرف دیگر و شنیدن اخبار رسالت از علمای یهود و نصارا از سوی دیگر، عاشق معنوی پیامبر، شد. او در این جوان، صداقت، پشتکار و توانایی هایی می دید که خدیجه علیها السلام را شیفته حضرت می ساخت. شبی در عالم رؤیا دید که خورشید فروزان بر فراز مکه و خانه خدا، به آرامی می چرخید و به تدریج در خانه او فرود آمد؛ خواب خود را برای عمویش ورقه بن نوفل که از دانشمندان یهودی بود بیان کرد و از او خواست که تا آن را برایش تعبیر نماید. او گفت: «چنین می نگرم که با مردی بزرگ پیمان زندگی مشترک خواهی بست که شهرت و محبوبیتش جهان گستر خواهد شد». (1) خدیجه علیها السلام با تلاش پی گیر و مهیا کردن مقدمات عاقلانه به ویژه با تدبیر پسر عمویش، ازدواج با پیامبر را پیشنهاد نمود. (2)

مقدمه آشنایی حضرت خدیجه علیها السلام با حضرت محمد صلی الله علیه و آله، تجارت بود اما آن چه موجب علقه و پیوند بین این دو گوهر می شد، شیفتگی خدیجه علیها السلام به امانت داری راست گویی و خلوص و صفای باطن حضرت محمد صلی الله علیه و آله بود. در واقع حضرت خدیجه علیها السلام او به علت زلالی باطن و پاکی طینت علقه معنوی و ارزشی به پیامبر صلی الله علیه و آله پیدا کرد که به شرافت همسری با رسول اکرم صلی الله علیه و آله انجامید.

مفهوم شناسی صالح

صلح چیزی است که از فساد سالم باشد اعم از این که در ذات رأی یا عمل باشد. صالح و فساد، متناقض یک دیگر است و با هم جمع نمی شود. (3) فساد مقابل صالح است و با اختلال در نظم و اعتدال اشیا حاصل می شود. فساد یا

ص: 64

1- مجلسی، بحار الأنوار، ج 6، ص 104

2- محلاتی، ریاحین الشریعه، ج 2، ص 235

3- مصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج 6، ص 296

در وجود خارجی است یا در اعمال؛ یعنی ایجاد اختلال در اعمال و اخلال در امور یا در نظام تکوینی است یا در قوانین شرعی مثل فساد و اخلال در احکام الهی و قوانین دینی و مقررات اسلامی (1) بنابراین صالح بر خلاف این امور است.

در قرآن کریم صلح بر پانزده وجه آمده؛ از جمله:

1. ایمان؛ (2)

2. نیکوکاران؛ (3)

3. امانت دار؛ (4)

4. پرهیزکار (المتورعین)؛ (5)

5. وفا کنندگان به عهد (الوفاین)؛ (6)

6. اخلاص. (7)

صالحات نیز بر چهار وجه آمده است: (8)

1. طاعات؛ (9)

2. خالص؛ (10)

3. خیرات؛ (11)

4. ادای فرایض. (12)

حاصل مطلب آن که صالح، یعنی شایسته و خوب و نکته مهم این که از

ص: 65

1- همان، ج 9، 85 ذیل ماده فسد.

2- سوره یوسف، آیه 101

3- سوره اسراء، آیه 25

4- سوره کهف، آیه 82

5- سوره قصص، آیه 19.

6- سوره قصص، آیه 27

7- سوره کهف، آیه 110؛ سوره مائده، آیه 69

8- نیشابوری، وجوه القرآن، 351.

9- سورة بقره، آيه 25

10- سورة بقره، آيه 62

11- سورة حج آيه 50

12- سورة طه، آيه 182

هر گونه فساد اعم از اعتقادی یا رفتاری خالی است.

خداوند متعال آخرین مرحله کمال یعنی رسیدن به لقای پروردگار را بردو امر متوقف فرموده است؛ صالح بودن در عمل و اخلاص در توحید:

(فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا)؛ (1)

پس هر کس به لقای پروردگارش امید دارد باید کاری شایسته انجام دهد و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند.

صالحان کسانی اند که در علم و ایمان شان به خدا و آن چه از نزد خدا آمده و نیز در صداقت شهادت و توبه آنان خللی وارد نشده باشد و تمام عمر خود را در طاعت خدا و اموال شان را در راه رضای او صرف نمایند. (2)

واژه «صالحین» در قرآن کریم 21 بار تکرار شده است. خداوند در برخی آیات درخواست پیامبران الهی را مطرح می کند که آرزومند و مشتاق هستند که در زمره صالحان باشند. (3) نیز برخی پیامبران الهی و بندگان خاص را در زمره صالحان قرار می دهد و انتخاب می کند.

(4) (5)

ویژگی صالحان در قرآن کریم

انسان های صالح برترین رتبه و کمال انسانیت را دارند و افراد برگزیده ای هستند که قرآن کریم به توصیف و معرفی آنان پرداخته است؛ اوصافی همچون: مؤمنین، محسنین صدیقین، خاشعین، مستغفرین شاکرین توابین، متقین صادقین صابرين اولوالالباب و این نوشتار به عنوان «صالح» که وجه جامع تمامی اوصاف است، توجه دارد.

ص: 66

1- سوره کهف، آیه 110

2- آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ج 4، جزء 5، ص 114..

3- سوره شعرا، آیات 69 و 83؛ سوره نمل آیات 17 و 19؛ سوره یوسف، آیه 101.

4- خداوند در قرآن کریم پیامبرانی چون ابراهیم، اسحاق، یعقوب انبیا، 72. لوط انبیا 75 اسماعیل ادریس و ذوالکفل علیهم السلام، انبیا 85 و 86 و بندگان خاص خود افراد صالح و شایسته، انبیا، 105، نمل 19. پدر دو یتیم عصر موسی و خضر علیهما السلام، کهف، 82 را از صالحان دانسته است.

5- سوره انبیا آیات 72 و 75

بهترین آیاتی که از ویژگی های صالحان پرده برداشته و آنان را توصیف کرده، آیات 113 و 114 سوره آل عمران است که خداوند متعال خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله صفات بندگان صالح را بیان می فرماید:

(لَيْسُوا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ)؛

آن ها همه یکسان نیستند؛ از اهل کتاب جمعیتی هستند که (به حق و ایمان) قیام می کنند؛ و پیوسته در اوقات شب آیات خدا را می خوانند؛ در حالی که سجده می نمایند؛ به خدا و روز دیگر ایمان می آورند؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنند؛ و در انجام دادن کارهای نیک، پیشی می گیرند؛ و آن ها از صالحانند.

این آیات شریفه ابتدا به صفات اعتقادی بندگان صالح می پردازد و سپس صفات رفتاری آنان را ذکر می کند

صفات اعتقادی شامل: ایمان به خدا و روز جزاست که از عمق وجود صالحان سرچشمه می گیرد.

صفات رفتاری نیز عبارتند از تلاوت آیات الهی در دل شب و خشوع و سجود در برابر پروردگار امر به معروف و نهی از منکر و سرعت در امر خیر این ها از ایمان و اعتقاد صالحان گرفته می شود که هم چون میوه ای است از شجره طیبه که در درون شان ریشه دوانده است.

قرآن روح حق جویی و حقیقت طلبی صالحان را این گونه ترسیم فرموده است. در حقیقت نظام تربیتی، اسلام رفتار را از اعتقاد جدا نمی پندارد و این دورا به دنبال هم و در کنار هم ارزش می نهد. در حقیقت رفتار نیکو، از اعتقاد درست و ریشه ای ثابت و محکم خبر می دهد که در توفان حوادث تغییر نمی پذیرد. (1)

خداوند قرار گرفتن در زمره صالحان را ایمان به همراه عمل صالح بیان کرده،

ص: 67

(وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ)؛ (1)

کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می دهند، آن ها را در زمره صالحان داخل خواهیم کرد.

عمل انسان حقیقت وجودی ایمان درونی را آشکار می کند و سعادت و شقاوت آدمی را رقم می زند. ایمان و عمل همچون دو بال، در پرواز انسان به سوی قرب الهی است که هر کدام به تنهایی قابلیت اوج گرفتن به کمال انسانی را فراهم نمی سازد.

حضرت خدیجه علیها السلام از جمله کسانی به شمار می آید که گویای صالحان در عصر رسالت نبی مکرم اسلام است و اسوه ای برای تمام عصر ها و نسل ها به شمار می آید گذری کوتاه و عمیق بر سیره ایشان در حوزه اعتقادات و رفتار، این نکته را نشان می دهد که شاخصه های اعتقادی و رفتاری ژرف اندیشانه این بانوی مکرم اسلام او را در زمره صالحان قرار داده است.

اصولاً هر کس می خواهد مصداق صالحان قرآنی باشد، باید تلاش کند تا این پنج ویژگی اعتقادی و رفتاری را داشته باشد:

1. ایمان به خدا و روز جزا؛

2. تلاوت آیات الهی در دل شب؛

3. خشوع و سجده در برابر پروردگار عالم؛

4. امر به معروف و نهی از منکر؛

5. سرعت در امر خیر.

سرعت در امر خیر که در آیه شریفه بیان شده سایه ای است بر تمامی شاخص های اعتقادی و رفتاری که طالبان قرب از همراهِان خود در ایمان و عمل صالح پیشی می گیرند. البته جهان هستی وسیع است و پیشی گرفتن هر کس، منوط به عقب ماندن دیگری نیست و همه می توانند در این میدان وارد شوند؛

ص: 68

ولی سرعت و سبقت یک جزء جدانشدنی دارد که آن سبک بودن و به دور بودن از تعلقات مادی است که حرکت را سرعت می بخشد حضرت خدیجه علیها السلام با ایمان و اعتقادی که در عمق وجودش راه یافته بود از هر گونه تعلق به دارایی و اموال بی شماری که سرمایه زندگی اش بود به دور بودند به همین سبب در پیشی گرفتن در خیرات در مرتبه عالی قرار داشتند.

سرعت گرفتن و سبقت در خیرات در قرآن

قرآن مجید در پنج آیه، مؤمنان را به مسارعت در خیرات و پیشی گرفتن از یک دیگر دعوت می کند و انجام دهندگان آن را از صالحان بر می شمارد:

1. همان گونه که گذشت در آیه 114 سوره آل عمران، در توصیف جمعی از مؤمنان راستین می فرماید: (وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ)؛ «آن ها کسانی هستند که در انجام دادن کارهای نیک بزرگ دیگر پیشی می گیرند و آن ها از صالحانند».
2. در سوره انبیاء آیه 90، در توصیف جمعی از پیامبران بزرگ مانند «زکریا» و «یحیی» می فرماید: (... إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ)؛ «آن ها در کارهای خیر به سرعت اقدام می کردند و بر دیگران پیشی می گرفتند».
3. در آیه 61 سوره مؤمنون در شرح صفات برجسته مؤمنان آمده است: (أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ)؛ «آن ها که در کارهای نیک به سرعت اقدام می کنند و از دیگران پیشی می گیرند مشمول عنایت ما هستند».

در سوره مؤمنون آیات 57 - 61) ترسیم جالب و تنظیم کاملاً منطقی برای بیان صفات این گروه از مؤمنان پیشگام است:

(إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ؛ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ؛ وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ؛ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ)؛

نخست از ترس آمیخته با احترام و تعظیم - که انگیزه ایمان به پروردگار و

نفی هر گونه شرک است- شروع می کند و به ایمان به معاد و دادگاه عدل خدا می انجامد که موجب احساس مسئولیت و انگیزه هر کار نیک است و مجموعاً چهار ویژگی و یک نتیجه را بیان می کند که همان سرعت گرفتن در خیرات است. (1)

4. در آیه 133 سوره آل عمران این مسأله به عنوان یک دستور عام خطاب به همه مؤمنان آمده است: (وَ سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ)؛ «شتاب کنید و پیشی بگیرید برای رسیدن به آموزش پروردگارتان در رسیدن به بهشتی که وسعت آن به اندازه آسمان ها و زمین است که برای پرهیزکاران آماده شده است».

این آیه تلاش نیکوکاران را به یک مسابقه معنوی تشبیه کرده که آموزش الهی و نعمت های جاویدان بهشت، هدف نهایی آن است و می فرماید: (وَ سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ)؛ «برای رسیدن به آموزش الهی بر یک دیگر سبقت بگیرید».

از آن جا که رسیدن به هر مقام معنوی، بدون آموزش و شست شوی از گناه ممکن نیست هدف این مسابقه معنوی در درجه اول مغفرت و دومین هدف آن بهشت است؛ بهشتی که وسعت آن پهنه آسمان ها و زمین است. در پایان آیه تصریح می کند: «این بهشت با آن عظمت برای پرهیزگاران آماده شده است. (2)

5. همین معنا در آیه 148 سوره بقره، با عنوان مسابقه در خیرات مطرح شده است: (فَاسْرِعُوا إِلَىٰ خَيْرَاتٍ)؛ «در نیکی ها و اعمال خیر بر یک دیگر سبقت جوید».

همان گونه که گذشت، حضرت خدیجه کبری علیها السلام گوی سبقت در خیرات را از دیگران ربود؛ او الگوی زنان مسلمان بود که در تمام عرصه های زندگی اش چونان صالحان اعتقاد داشت و چون صالحان رفتار می کرد و در طریق انسان صالح ثابت قدم بود.

ص: 70

1- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 14، ص 266

2- مکارم شیرازی، همان، ج 3، ص 92

همسر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله گونه های فراوانی از سرعت در خیرات را در زندگی سراسر پربرکت خویش به نمایش گذاشته است: اولین زن مسلمان، اولین زن مدافع پیامبر، اولین بخشنده مالی به پیامبر اولین بیعت کننده با امام علی علیه السلام در امر خلافت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله است

اولین زن مسلمان

حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر با تماس هایی که با مسیحیان و اهل کتاب داشت اطلاعات وسیعی از کتاب های آسمانی و بشارت های صورت گرفته به ظهور پیامبر آخرالزمان به دست آورد و دریافت که حضرت محمد صلی الله علیه و سلم کسی است که مهر نبوت را به همراه دارد؛ از این رو با کمال آگاهی و خردمندی به پیامبری او ایمان آورد

زهری گوید: «اول کسی که به رسول الله صلی الله علیه و آله ایمان آورد خدیجه بود. ابن شهاب نیز گوید: «حق سبحانه و تعالی قرآن را بر پیغمبر فرستاد و هدایت نمود و کسی غیر از خدیجه نزد پیامبر نبود» (1)

جبرئیل وحی الهی را بر قلب پیامبر صلی الله علیه و آله، چنین نازل کرد:

(اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ)؛

بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید همان کس که انسان را از خون بست های خلق کرد! (2)

نبی مکرم اسلام به منزل خدیجه علیها السلام وارد شدند و حضرت خدیجه علیها السلام در سیمای ایشان درخشندگی خاصی دید و از حضرت پرسید: (مَا هَذَا الثُّور؟)، فرمودند: (هَذَا نُورُ النَّبُوَّةِ قَوْلِي لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ)؛ «پیامبر خدیجه این نور رسالت است و بگو خدایی جز خدای یکتا نیست و محمد

ص: 71

1- اربلی، کشف الغمة، ج 2، ص 76.

2- سوره علق، آیات 1 و 2

پیامبر خداست». (فَقَالَتْ طَالَمَا قَدْ عَرَفْتُ ذَلِكَ ثُمَّ أَسْلَمْتُ)؛ (1) خدیجه با تمام وجود یکتایی خدا و رسالت محمد را پذیرفت.

امیر مؤمنان در «خطبه قاصعه» می فرماید

روزی که رسول خدا به پیامبری رسید، نور اسلام به هیچ خانه ای وارد نشد جز به خانه پیامبر و خدیجه، و من سومین نفر آنان بودم که نور وحی و رسالت را می دیدم و عطر نبوت را استشمام می کردم. (2)

پیشتازی در نماز

خدیجه علیهما السلام نخستین زنی بود که به پیامبر اسلام ایمان آورد و نماز خواند و در امر اقامه نماز از پیشگامان این عرصه است:

(أَوَّلَ مَنْ صَلَّى مَعَ رَسُولِ اللَّهِ بَعْدَ خَدِيجَةَ عَلِيٌّ وَقَالَ مَرَّةً أَسْلَمَ). (3)

ابن اثیر می نویسد:

تاجری به نام «عفیف» وارد مسجد الحرام شد و او از اجتماع و عبادت یک جمعیت سه نفری کاملاً در شگفتی. مانند دید پیامبر با خدیجه و علی علیه السلام مشغول پرسش خدایند خدایی که مردم آن منطقه پرسش او را فراموش کرده و به «خدایان» پیوسته اند وی برای تحقیق با عموی پیامبر (عباس) ملاقات کرد و آن چه را دیده بود به وی گفت و از حقیقت امر پرسید. وی گفت: «نفر نخست مدعی نبوت و پیامبری و آن زن همسر وی خدیجه و نفر سوم فرزند برادرم علی است». سپس افزود: «در روی زمین کسی را سراغ ندارم که پیرو این آیین باشد، جز همین سه نفر»؛ «ما علمت علی ظهر الارض كلها علی هذا الذین غیر هولاء الثلاثة» (4)

خدیجه علیها السلام از نظر ایمان و عقیده به جایی رسید که خدا و پیامبر و ملائکه او را دوست داشتند و او را افضل زنان پیامبر و جزء برترین زنان عالم و جهان

ص: 72

1- مجلسی، بحار الأنوار، ج 18، ص 197

2- نهج البلاغه، 1379، خ 234

3- مجلسی، بحار الأنوار، ج 16، ص 7

4- حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج 1، ص 115

معرفی می نمودند! پیامبر فرمود:

(إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ أَرْبَعًا مَرْيَمَ وَآسِيَةَ وَخَدِيجَةَ وَفَاطِمَةَ)؛ (1)

همانا خداوند از زنان چهار زن را برگزید که عبارتند از: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه.

خدیجه علیها السلام زنی است که پیامبر خدا، در حق او فرمودند:

(فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَبَاهِي بِكَ كَرَامَ مَلَائِكَتِهِ كُلِّ يَوْمٍ مَرًّا)؛ (2)

ای خدیجه! خداوند متعال هر روز به وجود تو چندین بار به ملائکه اش مباحثات می کند.

به گفته ابوسعید خدری، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

وقتی در شب معراج جبرئیل مرا به سوی آسمان ها برد و سیر داد هنگام مراجعت به جبرئیل گفتم: «آیا حاجتی داری؟» جبرئیل گفت: «حاجت من این است که سلام خدا و سلام مرا به خدیجه علیها السلام برسانی».

وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله که به زمین رسیدند سلام خدا و جبرئیل را ابلاغ نمود خدیجه گفت:

إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ، وَ مِنْهُ السَّلَامُ، وَإِلَيْهِ السَّلَامُ، وَ عَلِيٌّ جِبْرَائِيلُ السَّلَامُ. (3)

امام حسین علیه السلام در روز عاشورا برای معرفی خویش و آگاه کردن سپاه دشمن به مادرش حضرت فاطمه علیها السلام و مادر بزرگ شایسته و فداکارش حضرت خدیجه علیها السلام اشاره نمودند و فرمودند:

«شما را به خدا قسم می دهم! آیا می دانید که مادر من فاطمه زهرا علیها السلام دختر محمد مصطفی است؟!» گفتند: «آری» فرمود: «شما را به خدا قسم می دهم! آیا می دانید مادر بزرگ من خدیجه دختر خویلد، نخستین زنی است که اسلام را پذیرفت؟» گفتند «آری» (4)

ص: 73

1- مجلسی، بحار الأنوار، ج 16، ص 2 / اربلی، كشف الغمة، ج 2، ص 71

2- مجلسی، بحار الأنوار، ج 16، ص 8.

3- بحرانی، البرهان في تفسير القرآن؛ ج 3 ص 493 اربلی، كشف الغمة، ج 2، ص 133؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج 16، ص 7 و ج 18 ص 385.

4- مجلسی، همان، ج 44، ص 318

آن حضرت در روز عاشورا، مادر بزرگش را با صفت ایمان و سبقت در اسلام معرفی می فرماید

این روایات پیام آور این نکته است که خدیجه علیها السلام جزء برترین زنان عالم و اولین کسی است که به خدا و رسولش به شایستگی ایمان آورد و در این مسیر تا سرحد کمال کوشش کرد این تلاش و باور اعتقادی که از جلوه های قرب الی الله، است قابلیت پیروی دارد

اولین مدافع پیامبر صلی الله علیه و آله

رسول خدا در وصف خدیجه علیها السلام این چنین می فرماید:

والله که او به من ایمان آورد وقتی مردم کافر بودند و مرا جای داد وقتی مرا گذاشتند و مرا تصدیق کرد در وقتی که مردم قول مرا دروغ می پنداشتند و فرزندان از او روزی ام شد وقتی دیگران از ولد محروم بودند. (1)

تا یک ماه در صباغ و رواح این را می فرمود. (2)

اولین حامی و مدافع رسول خدا ص خدیجه علیها السلام بود. آن هنگام که حضرت رسول صلی الله علیه و آله تنها و بی یاور بودند، حضرت خدیجه علیها السلام حامی، مدافع و یاور دلسوز نبی اکرم بود.

مجلسی می نویسد:

(كَانَتْ خَدِيجَةَ وَزِيرَةَ صِدْقٍ عَلَى الْإِسْلَامِ وَكَانَ يَسْكُنُ إِلَيْهَا). (3)

خدیجه علیها السلام وزیر راستین اسلام بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله و به وسیله یاری ها و حمایت ها و محبت های او آرامش و تسلی خاطر می یافت.

در سال ششم بعثت که پیامبر مأمور آشکار کردن رسالت خویش شدند در موسم حج بر بالای کوه صفا آمدند و با ندای بلند فرمودند: «ای مردم من

ص: 74

1- اربلی، کشف الغمة، ج 2، ص 79

2- نظیر این روایت را شیخ مفید نیز آورده است، (مَا أَبَدَلَنِي اللَّهُ خَيْرًا مِنْهَا صَدَّقْتَنِي إِذْ كَذَّبَنِي النَّاسُ وَوَسَّيْتَنِي بِمَالِهَا إِذْ حَرَمَنِي النَّاسُ وَرَزَقْتَنِي اللَّهُ الْوَلَدَ مِنْهَا وَلَمْ يَرْزُقْنِي مِنْ غَيْرِهَا) مفید؛ 1413؛ ص 217.

3- مجلسی، بحار الأنوار، ج 19؛ ص 5.

رسول پروردگار عالمیان هستم». در این هنگام بت پرستان با چهره خشم آلود به او چشم دوختند و ابوجهل آن چنان سنگ به سوی آن حضرت انداخت که سر حضرت شکافت و سایر مشرکان نیز به دنبال ابوجهل آن حضرت را سنگ باران نمودند. خدیجه علیها السلام خود را به حضرت رساند و خون را از سر و صورت حضرت پاک نمود و او را دلداری داد. (1)

اولین بخشنده مالی به پیامبر صلی الله علیه و آله

خدیجه تمام ثروت خود را در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله گذاشت تا در راه توحید و اعتلای کلمه حق مصرف گردد خانه ای که اطراف آن ها را کرسی های عاج نشان و صدف نشان پر کرده و حریرهای هند و پرده های زربفت ایران آرایش داده بود، بالاخره پناهگاه مسلمانان شد! حضرت خدیجه علیها السلام پس از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله همه اموالش را قبل از اسلام و بعد از آن در اختیار پیامبر گذاشت تا آن حضرت هر گونه خواستند آن را در راه خدا به مصرف برسانند، به گونه ای که پیامبر بی نیاز شد خداوند در مقام بیان نعمت های خود به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: (وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى)؛ (2) «خداوند تو را فقیر یافت و بی نیاز نمود».

تفسیرهای عامه و خاصه و روایات اهل بیت علیهم السلام، تصریح کرده اند که مراد از «بی نیاز ساختن پیامبر»، مال و بخشش خدیجه علیها السلام بود که همه را در طبق اخلاص گذاشت و برای پیشرفت دین مبین اسلام در اختیار پیامبر قرار داد.

فرات کوفی در تفسیر با استناد به کلامی از ابن عباس، خدیجه علیها السلام را عامل غنای پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته است:

عن ابن عباس رضی الله عنه: «و وجدك عائلا فاغني». (3)

برخی از مفسران (4) بی نیازی را اقتصادی دانسته اند؛ اما کلی بودن آیه و کلام

ص: 75

1- مجلسی، همان ص 5 و 8

2- سوره ضحی، آیه 8

3- فرات کوفی، تفسیر فرات الکوفی، حدیث 730

4- زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ج 4، ص 768 و طباطبایی، المیزان فی تفسیر

القرآن، ج 20، ص 311

امام رضا علیه السلام که فرمودند: (1) «خداوند با مستجاب نمودن دعای حضرت، ایشان را بی نیاز نمود». حضرت خدیجه علیها السلام را می توان عاملی بشری، انسانی و مادی برای فراهم نمودن بستر بی نیاز ساختن معنوی و مادی حضرت دانست

قرطبی نیز در تفسیر این آیه می نویسد:

شما را به واسطه خدیجه - رضی الله عنها- بی نیاز نمود. (2)

در جریان محاصره سه ساله پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش در شعب ابوطالب یکی از عوامل پایداری و استقامت حضرت و مردم با ایمان بخشندگی و بزرگ منشی و سخاوت جناب ابوطالب و جهاد مالی خدیجه بود که گفته اند:

و من انفق ابوطالب و خدیجه جميع مالهما؛ (3)

ابوطالب و خدیجه برای نجات مردم همه ثروت و امکانات شان را در این راه خرج کردند.

بر این اساس، در تاریخ آمده است:

کفاها شرفا فوق شرفان الاسلام لم یقم الا بمالها وسیف علی بن ابی طالب؛ (4)

همین افتخار و شرافت برای خدیجه بس که آیین اسلام پا نگرفت و کمر راست نکرد مگر با ثروت خدیجه و شمشیر علی.

ریشه این حوادث را باید در تاریخ زندگانی خدیجه جست و جو نمود. بی شک این نوع گذشت و فداکاری تا ریشه ثابت و پاک معنوی نداشته باشد، صورت نمی پذیرد در زیارت نامه حضرت می خوانیم:

السلام علیک یا من انفقت ماله فی نصره سید الانبیاء و نصرته ما استطاعت و دافعت عنه الاعداء؛

ص: 76

1- فیض کاشانی، تفسیر الصافی ج 4، ص 242..

2- قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج 20، ص 72، ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج 12، ص 115، طبرسی، 1372، ج 10، ص 506.

3- مجلسی، بحار الأنوار، ج 19، ص 16.

4- مامقانی، تنقیح المقال من فضل النساء، ج 3، ص 77

سلام بر تو ای کسی که ثروتش را در راه یاری سرور پیامبران ایشار کرد و آن حضرت را تا آخرین توان خود حمایت نمود و از گزند دشمنانش محافظت کرد.

اولین بیعت کننده با امام علی علیه السلام در امر ولایت و خلافت

تواضع و ولایت مداری حضرت خدیجه علیها السلام نیز از او الگویی نمونه از صالحان را به وجود آورده است.

حضرت علی علیه السلام در دامان رسول اکرم پرورش یافتند و در خانه خدیجه علیها السلام رشد کردند خدیجه علیها السلام از همان سال های اولیه، دعوت، با شناخت مقام والای امام علی علیه السلام با ابلاغ ولایت از جانب خداوند و پیشنهاد پیامبر ولایت و امامت ایشان را پذیرفت:

(يا خَدِيجَةُ هَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاكَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامُهُمْ بَعْدِي قَالَتْ صَدَقْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ بَايَعْتُهُ عَلِيٌّ مَا قُلْتَ أَشْهَدُ اللَّهُ وَأَشْهَدُكَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا عَلِيمًا)؛

ای خدیجه! این علی مولاى تو و مولاى مؤمنان و امام ایشان بعد از من است. خدیجه امام علی علیه السلام را به عنوان جانشین و خلیفه بعد از پیامبر پذیرفتند و بیعت کردند

بدین سان خدیجه علیها السلام که خود از پیشگامان ایمان به خدا و رسول بود ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام را با جان و دل پذیرفت و این از روحیه ولایت مداری و تواضع این بانوی بزرگوار است. (1)

عقیف و حافظ خود و اموال در غیبت همسر

همسر گرامی رسول خدا نمونه بارز «زنان صالح» در آیه ذیل است:

(....) فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ (...). (2)

ص: 77

1- ابن طاووس، طرف من الأنباء والمناقب، ج 4، ص 6 و مجلسی، بحار الأنوار، ج 18، ص 232 و 233.

2- سوره نساء، آیه 24.

اطاعت پذیری از همسر تحمل تمام شداید و سختی ها، تبعیدها، تهدیدها و محاصره های سیاسی و اقتصادی آن، دوره نشان می دهد که حضرت خدیجه علیها السلام صبور، قانت فرمان بردار و «حافظات للغیب» بودند. زمان غیبت حضرت که بر امورات، تجارت، عبادت و برنامه های رسالت می پرداختند حضرت خدیجه علیها السلام با درک موقعیت مهم و حساس همسرش، با ایشان همراهی می کرد و ماندن در خانه را بر خارج شدن از خانه ترجیح می داد و در روزگار سختی شکیباترین و پر تحمل ترین مددکار پیامبر خدا بود و با روحیه بخشیدن به پیامبر صلی الله علیه و آله و در اختیار گذاشتن مال خود همواره به عنوان بهترین شریک و مشاور و پشتیبان پیامبر در کنار ابوطالب قرار داشت بدین سبب، سال وفات حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه را «عام الحزن» (سال حزن و اندوه) پیامبر نامیدند.

واژه «طاهره» به معنای پاک منش از برجسته ترین لقب های دختر فرزانه حجاز است؛ زیرا آن حضرت با آن که در میان ناز و نعمت و اعتبار خانوادگی زندگی می کرد این امکانات هرگز نتوانست آن جوان پاک منش را دست خوش غفلت و یا سستی کند تا آن جا که در کتب تاریخی آمده است: «و كانت في الجاهلية الطاهرة؛ خدیجه علیها السلام در روزگار تیره و تاریک جاهلیت نیز پاک روش و پاک منش یا طاهره بود» (1)

پیامبر به امر الهی چهل روز قبل از تشکیل نطفه فرزندش حضرت فاطمه علیها السلام در محراب عبادت بودند و از خانه و همسرش دور حضرت خدیجه علیها السلام در خانه تنها بود ولی از منزل خارج نشد. نوشته اند این بانو سر خود را می پوشاند و پرده در را می انداخت و در خانه را می بست. (2)

این بانوی گرامی با آن که قبل از آشنایی با پیامبر صلی الله علیه و آله مدیریت یک سازمان بزرگ اقتصادی را بر عهده داشت و مردان بی شماری در تشکیلات او

ص: 78

-
- 1- الحسون، اعلام النساء المومنات، ج 1، ص 326.
 - 2- حلی، العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة، ص 219.

بودند به قدر ضرورت با آنان برخورد نمی کرد و دامان عفاف را حفظ می کرد در شب نشینی های گناه آلود اشراف شرکت نجست و خود را آلوده نساخت و به هیچ وجه روش منحط جامعه را نپذیرفت و ذره ای به فرهنگ و رسوم رایج آن زمان دل نداد هر گاه زنی یا دختری به دنبال کمال و معنویت بود، به سرای او می شتافت و از وی درس می آموخت. یکی از دانشمندان اهل سنت در مورد حضرت خدیجه علیها السلام می نویسد: «وَ كَانَتْ تُدْعَى فِي الْجَاهِلِيَّةِ بِالطَّاهِرَةِ لِشِدَّةِ عِفَافِهَا» (1)

این گونه خدیجه علیها السلام در روزگار تیره و تاریک جاهلیت به سبب پروا و معنویت بسیار، پاک روش و پاک منش یا طاهره خوانده می شود.

خلود در بهشت

جاودانه بودن در بهشت، از جمله ویژگی صالحان است که قرآن کریم بشارت داده است:

(وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا)؛ (2) و هم چنین کسانی که عمل صالح به جا آورند و با ایمان باشند اعم از مرد و زن آن ها وارد بهشت خواهند شد و کم ترین ستمی به آن ها نمی شود.

(وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا)؛ (3)

آن ها که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، به زودی در باغ هایی از بهشت وارد می شوند که نهرها از زیر درختان آن می گذرد این نعمت ها همانند نعمت های این دنیا زودگذر و ناپایدار نیست، بلکه مؤمنان برای همیشه در آن ها خواهند ماند. این وعده همانند وعده های دروغین شیطان

ص: 79

1- قسطلانی، المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیه، ج 1، ص 116

2- سوره نساء، آیه 124

3- سوره نساء آیه 122

نیست، بلکه وعده ای است حقیقی و از ناحیه خداوند است. بدیهی است هیچ کس نمی تواند صادق تر از خدا و وعده هایش و سخنانش باشد؛ زیرا تخلف از وعده یا به خاطر ناتوانی است یا جهل و نیاز که تمام این ها از ساحت مقدس او دور است. (1)

آری به راستی که سرانجام نیک و خیر در انتظار صالحان است؛ کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند چه زن باشند و چه مرد. دیگر وابستگی های دنیوی و نژادی هم در این امر دخیل نیست، تنها آن چه انسان را انسانیت بخشید و تقرب به خدا جوید ایمان و عمل صالح است، ایمان و عمل بر مبنا و دستوره های مکتب توحیدی به انسان جاودانگی در بهشت را می بخشد.

بشارت جبرئیل حضرت خدیجه علیها السلام را به بهشت

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

جبرئیل نزد من آمد و گفت: «ای رسول خدا! این خدیجه است! هر گاه نزد تو آمد بر او از سوی پروردگارش از طرف من سلام برسان و او را به خانه ای از یک قطعه (از زبرجد) در بهشت که در آن رنج و ناراحتی نیست، مژده بده!»

حضرت خدیجه علیها السلام از صالحانی است که در پیشگاه خداوند این چنین عظمتی دارد که بشارت در بهشت داده می شود و جبرئیل سلام رسان او از طرف خداوند می گردد.

نتیجه

مهم ترین ویژگی صالحان صفات اعتقادی و رفتاری است. این دو ویژگی، مهم ترین شاخصه های شایستگیان به شمار می آید این دو صفت، در واقع رکن اساسی صالحان از دیدگاه قرآن است. این صفات اعتقادی، ایمان به خدا و

ص: 80

ایمان به روز جزاء است که در عمق صالحان ریشه دارد

صفات رفتاری و گفتاری مانند تلاوت آیات الهی خشوع و سجود در برابر، پروردگار امر به معروف و نهی از منکر، سرعت در خیرات و بشارت به بهشت از دیگر ویژگی های صالحان است. از این رو در می یابیم که قرآن، ویژگی صالحان را به صورت کامل و جامع بیان فرموده و می توانیم با عنایت و تدبیر در قرآن و روایات به ویژگی انسان های صالح دست یابیم.

حضرت خدیجه علیها السلام از صالحانی بود که با این صفات و ویژگی ها شناخته شده است. در حقیقت صفات رفتاری این بانوی با کرامت در اجتماع انسانی و اخلاقی زبانزد عام و خاص بود این ثبات و دوام رفتاری در این که راه درست را پیموده از نظرها دور نمانده و حضرت را جزء صالحان قرار داده و او را ملقب به این القاب کرده است.

حضرت خدیجه علیها السلام بانویی بزرگوار و یار و مددکار نبی مکرم اسلام بود و نهال اسلام با فداکاری های او آبیاری شد. او جز خدمت به اسلام و اعتقاد خالص به خدا و رسولش هدفی نداشت؛ اولین کسی بود که به رسول خدا ایمان آورد و در کنار او نماز را اقامه کرد اولین مدافع دین خدا و رسول خدا بود و در این مسیر هر چه داشت دریغ نکرد در واقع حضرت خدیجه علیها السلام سیمای ترسیم شده انسان صالح در قرآن و الگویی بارز و مصداق انسان صالح برای تمامی انسان هاست.

ص: 81

1. ابن اثير، عزالدين، اسد الغابه، بيروت، انتشارات دار الفكر، 1409 ق.
2. ابن طاووس، على بن موسى، طرف من الأنباء و المناقب، مشهد، تاسوعا، 1420 ق .
3. ابن هشام محمد عبدالملك، سيره ابن هشام، مصر، شركه الحلبي 1355ق.
4. ابوالفتوح رازى حسين بن على، روض الجنان و روح الجنان في تفسير القرآن، چاپ اول مشهد بنياد پژوهش های اسلامى آستان قدس رضوى، 1408 ق.
5. اربلى، على بن عيسى، كشف الغمة، ترجمه و شرح زواره اى، تهران، انتشارات إسلامية، 1382 ش.
6. امين سيد محسن، اعيان الشيعة، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، 1403ق.
7. آلوسى، سيد محمود، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم و السبع المثاني بيروت دار الكتب العلمية، 1415 ق.
8. بحرانى، سيد هاشم بن سليمان، البرهان في تفسير القرآن، قم، مؤسسه بعثه، 1374 ش.
9. بخارى، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل، صحيح بخارى، بيروت، دار الاحياء التراث العربي، 1309 ق .
10. حسكاني، عبیدالله بن عبد الله ، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل تهران التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي مجمع إحياء الثقافة الإسلامية ، 1411ق.
11. الحسنون ، محمد، اعلام النساء المومنات، بی جا، انتشارات اسوه، 1411 ق.
12. حلى رضی الدين على بن يوسف بن المطهر، العدد القوية لدفع المخاوف اليومية، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، 1408 ق.
13. ذهبى شمس الدين محمد بن احمد بن عثمان ، سير أعلام النبلاء، بيروت، مؤسسه الرساله ، 1401 ق.
14. زمخشري، محمود، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل في

وجوه التأويل، بيروت، دار الكتاب العربي، 1407 ق .

15. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان في تفسير القرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1417 ق.

16. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الكبير (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1420 ق.

17. فرات، کوفی فرات بن ابراهیم تفسیر فرات الکوفی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، 1410 ق.

18. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تهران، انتشارات الصدر، 1415 ق.

19. قرطبی محمد بن احمد الجامع لأحكام القرآن، چاپ اول، تهران، انتشارات ناصر خسرو، 1364 ش.

20. قسطلانی، محمد، المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة، بیروت، دار الکتب العلمیة 1416 ق.

21. مامقانی، عبد الله، تنقیح المقال من فضل النساء، نجف، بی تا.

22. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، 1403 ق .

23. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعة، تهران، دار الکتب الاسلامیة، 1404 ق.

24. مصطفوی، حسن، التحقیق في کلمات القرآن الکریم، بیروت، دار الکتب العلمیة، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، 1430 ق .

25. مفید، محمد بن محمد الإفصاح في الإمامة، قم، کنگره شیخ مفید، 1413 ق.

26. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، تهیه و تنظیم احمد علی بابایی 1386 ش.

27. نیشابوری، اسماعیل بن احمد، وجوه القرآن، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیة، 1380 ش.

معیارهای الهی در ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه و اله و حضرت خدیجه علیها السلام: امیرحسین بانکی پورفرد، شایسته غلامعلی دهکردی

*معیارهای الهی در ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه و اله و حضرت خدیجه علیها السلام: امیرحسین بانکی پورفرد، شایسته غلامعلی دهکردی (1) (2)

چکیده

امروزه به دلیل بی توجهی به معیارهای الهی، شرایط ازدواج برای بخش زیادی از جوانان سخت گردیده و از طرفی آمار طلاق و نارضایتی خانوادگی روز به روز افزایش یافته است. با توجه به آن که، اسلام تمام نیازهای بشر را پاسخ می گوید، مسأله این تحقیق آن است که، اسلام چه معیارهایی را در ازدواج تأکید و تأیید می کند و در ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام به آن توجه شده است. این مقاله با روش توصیفی- تحلیلی و ابزار کتابخانه ای با استفاده از قرآن کریم و منابع روایی و تاریخی روشن می سازد که آرامش، انواع کفویت ایمان، تقوا، اخلاق مهربانی، امانت پاکی و پاک دامنی قوت فرمان برداری و اصالت، خانوادگی از معیارهای اساسی ازدواج هستند و تمکن مالی، دوشیزگی و سن شناسنامه ای از معیارهای عرفی به شمار می آیند که مدنظر اسلام نیست

واژگان کلیدی

ازدواج، معیارهای ازدواج، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، حضرت خدیجه علیها السلام، خانواده

ص: 84

1- عضو هیأت علمی دانشکده اهل البیت علیهم السلام دانشگاه اصفهان a.bankipoor@ahl.ui.ac.ir

2- کارشناس ارشد دانشکده اهل البیت علیهم السلام دانشگاه اصفهان shgdehkordi@gmail.com

ازدواج که مرحله ای از زندگی دنیوی به شمار می آید، قراردادی مشروع در شریعت اسلام است که دو فرد نا هم جنس و معمولاً بالغ را به هم پیوند می زند و برقراری ارتباط جنسی دائم یا موقت را میان آنان مجاز می گرداند.

دین اسلام که برای تمامی ابعاد زندگی انسان برنامه ریزی داشته توصیه ها و دستورالعمل هایی را در انتخاب همسر و تشکیل خانواده بیان نموده است. پیوند ازدواج در منابع دینی امر مقدسی شمرده شده و آن را عامل به آرامش رسیدن انسان ها دانسته اند که نشانه حکمت و رحمت خداوندی است؛ لذا خداوند به انسان ها اجازه داده تا با اختیار کامل در چارچوب، الهی همسر و همراه خود را در پیمودن ادامه زندگی خود انتخاب نمایند؛ حال آن که این اختیار در بدو تولد انسان برای انتخاب پدر و مادر وجود نداشته است پس این انتخاب باید به گونه ای باشد که تضمین کننده سعادت و خوشبختی دنیوی و نیز اخروی فرد باشد.

ازدواج امر پسندیده ای است که با طبیعت، فطرت، شرع و عقل مطابقت دارد؛ ازدواج امری است مقدس، حافظ بقای نسل و پاکی نسل، نشاط بخش، از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و نشانه خداست. برای دست یافتن به هدف ازدواج که طبق قرآن رسیدن به آرامش است فرد باید همسری را انتخاب کند تا او را در رسیدن به آن هدف یاری دهد پس برای انتخاب چنین همسری باید معیارهایی را در نظر گرفت؛ از قبیل، اعتقاد اخلاق فرهنگ و ظاهر تا انسان را در انتخاب درست و مناسب یاری دهد.

این انتخاب می تواند با معیارهای الهی و یا معیارهای مادی صورت پذیرد. طبعاً هر گاه دختر و پسر با معیارهای الهی ازدواج نمایند و طبق دستورالعمل دینی، زندگی را ادامه دهند از حکمت ها و عنایت هایی بهره مند خواهند شد که خداوند در پرتو چنین ازدواجی وعده داده است بنابراین باید تمایزی بین این دو دسته از معیارهای مادی و الهی قرار داد تا بهره بهتر از ازدواج به دست آورد.

یکی از دلایلی که ازدواج‌ها در جامعه کنونی بعضاً به شکست انجامیده و رضایت زوج را به دنبال نداشته و بی‌ رغبتی در جوانان به ازدواج را در پی داشته پیشی گرفتن معیارهای مادی بر معیارهای الهی است. در این مقاله با الگو گرفتن از ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام و انطباق آن با معیارهای الهی برگرفته از آیات و روایات به بازشناسی این معیارها پرداخته می‌شود.

در این نوشتار ابتدا معیارهایی که از آیات قرآن به دست می‌آید و سپس معیارهای برآمده از روایات با ازدواج مذکور مقایسه می‌شود و نهایتاً معیارهای عرفی تبیین می‌گردد که شرع آن‌ها را تأیید نمی‌کند باشد که با تأسی به سنت اسلامی، معیارهای درست جایگزین معیارهای غلط گردد

معیارهای ازدواج از نگاه قرآن

قرآن خود را (تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ) (1) معرفی نموده و قدر متیقن برداشت از این آیه، آن است که هر آن چه برای هدایت و سعادت انسان لازم است، در قرآن کریم بیان گردیده؛ لذا قطعاً ازدواج را که در منابع دینی به آن تأکید شده و از اموری است که در هدایت بشر تأثیر بسزا دارد در نظر داشته و معیارهایی برای انتخاب همسر و روابط میان آن‌ها بیان نموده است. در ذیل به بعضی از آیات مرتبط با ازدواج اشاره می‌شود و معیارهای برخاسته از آن با ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام مقایسه می‌گردد:

1. آرامش: (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَبِرُونَ)؛ (2)
«یکی از آیات الهی آن است که جفتی برای شما از جنس خودتان بیافرید که در کنار او آرامش یابید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار فرمود همانا در این امر برای مردم با خرد و

ص: 86

1- سوره نحل، آیه 98

2- سوره روم، آیه 12

خداوند در این آیه آفرینش همسر را از نشانه‌های خود معرفی می‌فرماید که انسان در کنار آن به آرامش لازم می‌رسد و هدف ازدواج و تشکیل خانواده را، رسیدن به آرامش می‌داند خانواده در اسلام، محل سکونت دو انسان، محل آرامش روانی دو فرد و محل انس افراد با یک دیگر است؛ بنابراین، آدمی کسی را باید همسر در نظر گیرد که او را به آرامش برساند آرامشی که در سایه آن انسان بتواند توانمندی‌ها و استعدادهایی را بشناسد که خداوند در وجودش به امانت نهاده و از آن‌ها در پیمودن این مسیر استفاده نماید وجود پیامبر صلی الله علیه و اله در کنار حضرت خدیجه علیها السلام، آرامشی به ایشان ارزانی داشت که به واسطه آن امانت و رسالتی را که خداوند بر عهده ایشان نهاده بود در اوایل بعثت با حداقل پیروان به طور احسن ادا کند؛ آرامشی که نشان از هماهنگی ساختار فکری، روحی و اعتقادی هر یک از آن‌ها بود «حضرت خدیجه علیها السلام یاور راستین اسلام بود و پیامبر صلی الله علیه و اله با وجودش احساس آرامش می‌نمود».⁽¹⁾

2. یکتا پرست: (وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا ۚ وَ لَأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ ۗ وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا ۚ وَ لَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ ۚ وَ لَوْ أَعْجَبَكُمْ ۗ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ ۗ وَ اللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَ الْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ ۗ وَ يُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ).⁽²⁾
«با زنان مشرک ازدواج م کنید، مگر آن که ایمان آرند و همانا کنیزی با ایمان بهتر از زن آزاد مشرک است، هر چند از حسن او به شگفت آید؛ و زن به مشرکان ندهید مگر آن که ایمان آرند و همانا بنده مؤمن بسی بهتر از آزاد مشرک است هر چند از مال و جمالش به شگفت آید. مشرکان شما را به آتش جهنم خوانند و خداوند به بهشت و مغفرت خود می‌خواند. خداوند برای مردم آیات خویش را بیان می‌فرماید؛ باشد که هشیار و متذکر گردند.»

مسأله کفویت اعتقادی یکی از مهم‌ترین مسائلی است که باید در انتخاب

ص: 87

1- بیهقی، دلائل النبوه، ج 2، ص 18

2- سوره بقره، آیه 122

همسر بدان توجه داشت این کفویت به طور خاص در رابطه با زن موضوعیت می یابد. می یابد. این مسأله آن قدر مهم است که خداوند متعال در قرآن کریم بدان اشاره و تأکید دارد ازدواج زن و مرد، مقدمه ازدواج فکری و اخلاقی می گردد و نتایج این ازدواج در نسل و خانواده منعکس می شود. (1)

فرد دین دار زندگی خود را حول محور دین تعریف می کند و به تناسب درجه اعتقاد و پای بندی به دین و اخلاق مختصات زندگی خود را معین می سازد. این ها شاخصه هایی بود که پیامبر صلی الله علیه و اله در انتخاب حضرت خدیجه علیها السلام در نظر داشتند؛ زیرا خدیجه علیها السلام نخستین زنی بود که اسلام آورد و بعد از پیامبر صلی الله علیه و اله نماز گزارد. پیامبر صلی الله علیه و اله درباره وی فرمود:

او آن گاه به من ایمان آورد که تمامی مردم کافر بودند؛ آن گاه مرا پناه داد که تمامی مردم مرا رانده بودند؛ آن گاه مرا تصدیق نمود که تماماً مرا تکذیب می نمودند و هنگامی مرا روزی داد که همگی مرا محروم ساختند. (2)

حضرت خدیجه علیها السلام قبل از اسلام نیز مشرک نبود و در دوره جاهلیت، به وی «طاهره» می گفتند. (3) طاهره به معنای پاک منشی است و می توان فهمید که آن، بزرگوار از یکی از ادیان الهی پیروی می کردند و به این موضوع تا حدی پای بند بودند که در میان مردم غوطه ور در فساد و بی بند و باری آن دوره، به «طاهره» ملقب شدند. او از کسانی بود که انتظار پیامبر جدید را می کشید و از ورقه بن نوفل که از دانشمندان و پسر عموی وی بود و نیز از دیگر علما، جوایب نشانه نبوت می شد. بر اساس روایات حضرت محمد صلی الله علیه و اله به حضرت خدیجه علیها السلام به جهت عقیده و اعتقاد او به توحید بوده است. (4)

3. کفویت اجتماعی: (قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَ كَشَفَتْ عَنْ سَاقَيْهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ

ص: 88

1- طالقانی پرتویی از قرآن، ج 2، ص 131

2- مجلسی، بحار الأنوار، ج 61، ص 21.

3- ابن اثیر، اسد الغابة، ج 5، ص 434؛ عسقلانی، الإصابة في تمييز الصحابة، ج 4، ص 182.

4- قمی، منتهی الأمال، ج 2، ص 75.

رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛ (1) «بلقیس را گفتند که در این قصر داخل شووی چون قصر را مشاهده کرد پنداشت که نهر آبی است و جامه از ساق پا برگرفت سلیمان گفت: «این قصری است از آبدینه صاف» بلقیس گفت: «بارها سخت بر نفس خویش ستم کردم و اینک با سلیمان، تسلیم پروردگار عالمیان گردیدم».

از داستان هایی که خداوند در قرآن کریم برای پند آموزی بیان فرموده، داستان حضرت سلیمان علیه السلام و نعمت ملک عظیمی است که به او عطا فرمود در این داستان توصیف مالکیت او و نیز دعوت هایی بیان شده که برای اسلام آوردن مردم از فرمانروایان تمام سرزمین ها انجام داده است یکی از این فرمانروایان زنی سیاست مدار به نام بلقیس بود. این آیه از سوره نمل، بیان گر چگونگی دعوت او و نیز معجزاتی است که حضرت سلیمان علیه السلام برای اطمینان او در صداقت دعوی خویش آورده.

آلوسی در ذیل این آیه می آورد:

وقتی بلقیس ایمان آورد سلیمان به او گفت: «یکی از مردان قومت را انتخاب کن تا او را به ازدواج تو درآورم». بلقیس گفت: «آیا فردی مانند من با این مردان ازدواج کند در حالی که من دارای سلطنت و حکومت و... هستم؟» سلیمان دلیل بلقیس را پذیرفت و او را به همسری حاکم همدان درآورد. برخی گویند که بلقیس به همسری سلیمان درآمد و این مشهور است. (2)

بنابر روایت مذکور استدلال بلقیس و تأیید سلیمان به این مطلب رهنمون می سازد که در امر ازدواج، مرد باید از لحاظ موقعیت اجتماعی در حد زن باشد؛ زیرا اگر زن دارای موقعیت اجتماعی بالاتر باشد، یک نوع خلأ در مرد ایجاد می شود و نمی تواند جایگاه قومیت و ولایت خودش را برزن، درست اعمال کند و این خود زمینه تنش در خانواده را ایجاد می کند پس باید مرد از لحاظ

ص: 89

1- سوره نمل، آیه 44

2- آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج 1، ص 402.

خدیدجه علیها السلام بانویی خردمند دوراندیش و شرافتمند بود و از نظر نسب از زنان قریش برتر (1) او در اثر داشتن امتیازات اخلاقی و اجتماعی متعدد «سیده قریش» (2) نامیده می شد. حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز به «امین» معروف بودند و درست کاری و امانت وی شهره عام و خاص بود. ایشان موقعیت خانوادگی ممتازی داشتند و ابوطالب بزرگ، قریش عمو و سرپرست ایشان بود ابوطالب در خطبه عقد در وصف پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید

بدانید که پسر برادرم محمد بن عبدالله را به هیچ یک از قریش نمی سنجند، مگر آن که او زیادتی می کند و هیچ مردی، مردی را با او قیاس نکند، مگر آن که او عظیم تر است و او را در میان خلق، عدیل و نظیر نیست. (3)

این ویژگی ها از هماهنگی و توازن موقعیت اجتماعی آن دو خبر می دهد.

4. پاک و پاک دامن: (الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ)؛ (4) «زنان ناپاک از آن مردان ناپاک و مردان ناپاک از آن زنان ناپاک و زنان پاک از آن مردان پاک و مردان پاک از آن زنان پاک اینان از آن چه ناپاکان به آنان نسبت می دهند، مبرا هستند و برای آنان آمرزش الهی و روزی پر ارزشی است».

در این آیه، دو صفت «طیب» و «خبیث» برای زنان پاک و ناپاک آورده شده که رهنمونی است بر این که اعمال پاک از پاکان و اعمال ناپاک از ناپاکان است؛ پس می توان گفت اعمال ارتباط مستقیم با طینت و درون انسان دارند. پاکی و پاک دامنی هر یک از زن و مرد نیز نوعی کفویت را می رساند. در این امر نیز

ص: 90

-
- 1- ابن هشام، السيرة النبوية، ج 1، ص 002 - 102؛ بیهقی، دلائل النبوة، ج 1، ص 512؛ ابن اثیر اسد الغابة، ج 2، ص 93.
 - 2- حلبی، السيرة الحلبیة، ج 1، ص 422
 - 3- قمی، منتهی الآمال، ص 101 - 201
 - 4- سوره نور، آیه 62

حضرت خدیجه علیها السلام، زنی پاک دامن و عفیف بود و پیوسته دنبال شوهری متقی و پرهیزکار می گشت. (1) هم چنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و مردی پاک و پارسا بودند.

5. تناسب جسمی و جنسی: (بِسَاءِؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَانْتَبُوا لِلَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَا قُوَّةَ وَبَشِيرِ الْمُؤْمِنِينَ)؛ (2) «زنان شما محل بذرافشانی شمايند؛ پس هر زمان که بخواهيد می توانید با آن ها آمیزش کنید و با پرورش فرزندان، صالح اثر نیکی از پیش برای خود بفرستید و از خدا بترسید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد و به مؤمنان بشارت ده!»

تناسب جسمی و جنسی در این آیه بین زن و مرد گویای این امر است که خداوند در این آیه زن را به کشت زاری تشبیه فرموده که قابلیت بارور نمودن دارد و زمینه ایجاد و رشد فرزندان و نسل انسان می گردد. تناسب بین زارع و زمین زراعت، نشان از آن دارد که اگر این هماهنگی باشد محصول مفید و وافر به وجود می آید، ولی ناتوانی زارع و یا عدم قابلیت زمین برای زراعت، جواب گوی چنین زرعی نیست پس هماهنگی بین این دو برای رسیدن به آن هدف لازم است.

هماهنگی بین زن و شوهر در برآوردن نیازهای جسمی و جنسی یک دیگر برای این امر ضروری است تا بتوانند نسلی سالم تربیت کنند و بذره‌های زندگی را از وجود خویشتن بارور نمایند. این هماهنگی بین پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام وجود داشت ثمره این ازدواج میمون و پر عاطفه و محبت شش عالم فرزند بود که به ترتیب سن عبارتند از: قاسم که آن حضرت را به سبب این نام ابوالقاسم گویند؛ رقیه زینب و ام کلثوم پیش از بعثت و عبدالله که طیب و طاهر هموست؛ چه در زمان اسلام ولادت یافت و فاطمه علیها السلام پس از بعثت متولد شدند. (3) این هماهنگی آن قدر بود که در آن زمان که چند همسری امر متداولی، بود پیامبر صلی الله علیه و آله در طول 25 سال زندگی مشترک همسر دیگری نگرفتند.

ص: 91

1- سبحانی، فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام ص 8.

2- سوره بقره، آیه 322

3- ابن هشام، السیرة النبویة، ج 1، ص 881؛ ابن واضح، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 2

6: قوی و امین: (وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْكُنُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يَصِيرَ الرِّعَاءُ وَأَبْوُنَا سَاحِبٌ كَبِيرٌ. فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ. فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَىٰ اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا. قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتِي هَاتَيْنِ...؛ (1) «و هنگامی که به چاه آب مدین، رسید گروهی از مردم را در آن جا دید که چارپایان خود را آب می دهند و در کنار آنان دوزن را دید که گوسفندان خویش را از چاه دور نگاه می دارند. موسی به آن دو گفت: منظور شما از این کار چیست؟» گفتند: «ما آن ها را آب نمی دهیم تا چوپانان همگی خارج شوند و پدر ما پیر کهن سالی است.» موسی برای آن دو آب کشید و زیر سایه ای رفت و گفت: «پروردگارا من بدان چه از خیر بر من نازل می کنی نیازمندم در این هنگام یکی از آن دو دختر به سراغ او آمد، در حالی که با نهایت حیا گام بر می داشت. گفت: «پدرم از تو دعوت می کند تا مزد آب دادن گوسفندان را که برای ما انجام دادی به تو بپردازد...» یکی از آن دو دختر گفت: «ای پدر او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی آن کس است که نیرومند و درستکار باشد...» شعیب گفت: «من می خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم...»

در این آیه داستان آشنایی دختران شعیب و حضرت موسی علیه السلام بیان شده که این آشنایی، مقدمه و زمینه ازدواج یکی از آن دختران با حضرت موسی علیه السلام شده فحوای داستان نشان می دهد که پیشنهاد ازدواج از ناحیه دختر شعیب به صورت غیر مستقیم با توصیف حضرت موسی علیه السلام به دو صفت قوی و امین در پیش پدر رخ داده است. این پیشنهاد در کمال حیا مطرح شد؛ لذا شعیب، پیشنهاد ازدواج دخترش را با موسی مطرح نمود قوت و امانت، دو معیار سنجیده برای زن در انتخاب همسر است؛ زیرا می خواهد به شوهری تکیه کند

ص: 92

که هم قوی باشد و هم قابل اعتماد و امین.

در ازدواج پیامبر صلی الله علیه و اله و حضرت خدیجه علیها السلام نیز چنین شباهتی وجود داشت. خدیجه علیها السلام با دیدن قوت پیامبر صلی الله علیه و اله در اداره کاروان تجاری و امانت داری حضرت به وی متمایل گشت. گزارش میسر غلام خدیجه صلی الله علیه و اله به وی از مکارم اخلاقی و امانت داری در تجارت و صداقت و درست کاری پیامبر صلی الله علیه و اله، توجه خدیجه علیها السلام را به خود جلب کرد (1) و با فرستادن کنیزش غیر مستقیم آمادگی خود را اعلام نمود. خدیجه علیها السلام کنیزک خود را به نام نفیسه به سوی حضرت فرستاد تا سؤال کند از این که چرا ازدواج نمی کند. حضرت پاسخ آن را عدم تمکن برای ازدواج خواند نفیسه بیان داشت: «که اگر در این زمینه کفایت شود، ازدواج می کنید؟» حضرت از آن فرد پرسش می نماید و او نام خدیجه علیها السلام را بیان می کند. (2)

7. محافظ همسر: (هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ)؛ (3) «آن ها لباس شما هستند و شما لباس آن هایید».

لباس دارای ویژگی هایی است که از آن ها می توان خصوصیات همسر متناسب را دریافت لباس باید در طرح رنگ و جنس، مناسب انسان باشد. همسر نیز باید کفو انسان متناسب با فکر فرهنگ و شخصیت او باشد. زن و شوهر که حکم لباس برای یک دیگر را دارند باید از لحاظ فرهنگ خانوادگی و شخصیت اجتماعی هم شأن باشند باید انسان در لباس احساس راحتی کند و لباس محافظ او باشد همسر خوب در مقابل مشکلات و سختی های زندگی با ایفای نقش بجا می تواند کانون گرم خانواده را حفظ نماید.

تمام این ویژگی ها در زندگانی پیامبر صلی الله علیه و اله و خدیجه علیها السلام نمایان بود. خدیجه علیها السلام و شخصیت اجتماعی والایی همانند پیامبر صلی الله علیه و اله داشت و با ایشان در پیشرفت اسلام همسو بود؛ در برابر سختی ها از پیامبر صلی الله علیه و اله پشتیبانی می کرد؛

ص: 93

1- سبحانی، فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص 97

2- مقدسی، آفرینش و تاریخ، ص 846.

3- سوره بقره، آیه 781

در محاصره مسلمانان که سه سال توسط مشرکان صورت پذیرفت با بذل اموال، خود آنان را یاری می داد (1).

8. مسلمان مؤمن فرمان بردار: (عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكَ أَنْ يُدِلَّهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكَ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَاتِنَاتٍ تَأْتِيَنَّاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَ أَبْكَارًا)؛ (2) «امید است که اگر پیغمبر شما را طلاق داد پروردگارش زن هایی را که بهتر از شما هستند، بدل قرار دهد که مسلمان و مؤمن، خاضع، توبه گر، عبادت کننده، مطیع خدا و باکره و غیر باکره باشند».

خداوند در سوره تحریم به سبب آزار و اذیت برخی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله، آنان را به طلاق تهدید نمود و به این مناسبت ویژگی های زنان خوبی را که به جای آن ها نصیب پیامبر صلی الله علیه و آله می کند بدین شرح بیان فرمود: تسلیم امر خدا با ایمان قلبی به خداوند باشند حضرت خدیجه علیها السلام قبل از اسلام موحد و تسلیم امر خدا و متعبد و بردین حنیف ابراهیم بود و پس از آن با بعثت پیامبر اولین زنی بود که به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد و همراه ایشان و حضرت علی علیه السلام، اولین نمازگزاران در خانه خدا بودند. امیرالمؤمنین درباره غربت اسلام در آغاز بعثت می فرماید:

(وَلَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يَوْمَئِذٍ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ خَدِيجَةَ وَ أَنَا لِي اللَّهُ عَلَيْهِ ثَالِثُهُمَا)؛ (3) خانواده مسلمانی در اسلام، نبود جز خانواده ای که از پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام تشکیل یافته بود و من سومین نفر آن ها بودم.

ابن اثیر می نویسد:

تاجری به نام عقیف وارد مسجد الحرام شد و از اجتماع و عبادت یک جمعیت سه نفری کاملاً در شگفت ماند دید پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام مشغول پرستش خدایند خدایی که مردم آن منطقه پرستش او را فراموش کرده اند و به خدایان پیوسته اند وی برای تحقیق با عباس عموی

ص: 94

1- محلاتی، ریاحین الشریعة، ج 2، ص 112

2- سوره تحریم، آیه 5

3- شریف الرضی، نهج البلاغة، ص 103 - 003.

پیامبر ملاقات کرد و آن چه را دیده بود به وی گفت و از حقیقت امر پرسید. وی گفت: «نفر نخست مدعی پیامبری و آن زن همسر وی خدیجه علیها السلام و نفر سوم فرزند برادرم علی است. سپس افزود: «در روی زمین کسی را سراغ ندارم که پیرو این آیین باشد، جز همین سه نفر». (1)

ویژگی دیگر که برای بهترین همسر در سوره تحریم بیان شده، فرمان بردار بودن اوست. خدیجه علیها السلام با آن که از لحاظ سنی بزرگ تر از پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، در برابر ایشان فرمان بردار بود «خدیجه علیها السلام که از سرمایه فراوانی برخوردار بود، تمام سرمایه و اسناد دارایی خود را که در صندوقچه ای نگهداری می کرد در شب اول ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه آورد و در اولین سخنی که در بدو ورود به منزل همسر خود بیان فرمود، این بود که: «ای آقا! من خدمت گزار شما هستم و هر چه دارم همه مال شماست» و آن صندوقچه را در مقابل پیامبر نهاد». (2)

نتیجه آن که خدیجه علیها السلام هم فرمان بردار بود و هم با ایمان متواضع متعبد و دارای تمامی اوصافی که خداوند در این آیه برای همسران صالح پیامبر بیان فرموده است. پس از بیان همه ویژگی ها پشت سر هم، دو ویژگی را با عطف به بقیه اضافه نموده و آن دوشیزه بودن یا دوشیزه بودن است. حضرت خدیجه علیها السلام دوشیزه نبود و مطابق با این آیه شریفه دوشیزه بودن معیار منفی محسوب نمی گردد و جزء ضروری ویژگی های همسر خوب بیان نشده است. خدیجه علیها السلام پیش از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و دو ازدواج داشتند. ازدواج نخست وی با ابوهاله و سپس با عتیق بن عابد بود. (3)

معیارهای ازدواج از نگاه اهل بیت علیهم السلام

اشاره

نکات دقیقی در روایات در مورد انتخاب همسر دیده می شود؛ برای نمونه، احساس سازگاری روحی خانواده خوب و شایسته داشتن و ترجیحاً

ص: 95

1- سبحانی، فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام ص 8

2- مظاهری، تجلی حق، ص 72

3- ترجمه طبقات الکبری، ج 7، ص 62

در مورد انتخاب زن خوب به طور خاص تأکید زیادی شده است؛ زیرا او محل استقرار جان شریک مال و دارایی آگاه به راز و عقیده و گردن بندی است در گردن که می تواند ارزشی بالاتر از طلا یا پست تر از خاک داشته باشد. البته این انتخاب نباید برای خودنمایی باشد. مواردی که به عنوان معیار ذکر شده است عبارت اند از خوش نامی، حسن خلق، مادر، لایق، کفویت و همتایی، اصیل و ریشه دار از خانواده، خوب، مددکار بی در دسر پرزا داشتن دهان خوشبو، نرم خو مؤمن، شایسته کم خرج، متدین و زیبا.

و این گونه نباشد: بی تربیت لجباز ناسازگار نافرمان، کثیف، احمق بی بند و بار فتنه گر شهوت ران، شتابان در لذت حیوانی اهل حرام قهقهه زننده پلید تبهکار بدزبان بی حیا پر حرف مجنون نکوهیده دائم عزادار، منت گذارنده، ثروت درشت گوی زشت، کردار بدکاره و پر تقاضای طلاق. البته تأکید شده است که چند چیز نباید انگیزه ازدواج باشد که عبارتند از: دارایی، خاندان، زیبایی، لذت و قدرت

انتخاب شوهر نیز به گردن بند بندگی تشبیه شده که باید دقت بیش تری به آن کرد معیارهایی که برای شوهر در روایات آمده عبارتند از همتایی کفویت ایمانی پاک دامنی تمکن مالی شرافت، اسلامی، اخلاق، دین داری، امانت داری، تقوا، فرهنگ اعتقاد درست پاکیزه بودن سخی و دست و دل باز سلامت جنسی نیکوکار و پشتیبان پدر و مادر

مرد نیز نباید این گونه باشد: دروغ گو، تهمت زن، دشنام گوی، بخیل، دریغ کننده از کمک به دیگران کتک زننده بدرفتار، بداخلاق تنگ نظر دارای سوء تدبیر شراب، خوار دارای انحراف جنسی و دارای غیرت بی جا.

غالب این معیارها به گونه ای در ازدواج پیامبر صلی الله علیه و اله و حضرت خدیجه علیها السلام متبلور بود که برای، نمونه به بعضی از آن ها اشاره می گردد:

الف) معیارهای انتخاب همسر که در انتخاب حضرت خدیجه علیها السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله نمایان است:

1. دقت در انتخاب امام صادق علیه السلام می فرماید:

(أَنْظُرُ أَيْنَ تَضَعُ نَفْسَكَ وَ مَنْ تُشْرِكُهُ فِي مَالِكَ وَ تُظَلِّعُهُ عَلَى دِينِكَ وَ سِرِّكَ فَإِنْ كُنْتَ لَا بُدَّ فَأَعْلًا فَبِكْرًا تُنْسَبُ إِلَيَّ الْخَيْرِ وَ إِلَيَّ حُسْنِ الْخُلُقِ)؛
(1)

بنگر جانان را کجا قرار می دهی و چه کسی را در مال و دارایی ات شریک و چه فردی را بر این راز و امانت آگاه می کنی همسر انسان پناهگاه جان اوست.

حضرت خدیجه علیها السلام پناهگاه پیامبر صلی الله علیه و آله در تمامی رنج ها و سختی های دوران رسالت ایشان در مکه بود. دوره ای که مسلمانان در اقلیت و در اوج فشار و سختی بودند خدیجه علیها السلام امانت دار پیامبر صلی الله علیه و آله و رازدار رسالت او در سال های اولیه آن سختی ها بود.

2. گزینش مادر فرزند: حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده اند.

(أَنْكَحُوا الْأَكْفَاءَ وَ انْكَحُوا فِيهِمْ وَ اخْتَارُوا لِطُفْلِكُمْ)؛ (2)

به همگنان زن بدهید و از همگنان همسر گیرید و برای داشتن فرزند بهتر و صالح، انتخاب و گزینش کنید.

حضرت خدیجه علیها السلام قرار بود کوثر و نسل پر برکت پیامبر صلی الله علیه و آله از وجودش به وجود آید؛ پس انتخاب حضرت خدیجه علیها السلام متفاوت است از همسران دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله که نسلی از آن ها باقی نماند حضرت خدیجه علیها السلام زنی سخاوتمند و دارای سجایای اخلاقی بود که نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از او ادامه یافت.

3. اصالت خانوادگی: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

(أَنْظُرُ فِي أَيِّ نِصَابٍ تَضَعُ وَلَدَكَ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ)؛ (3)

بنگر که فرزند نسل خویش را در چه ریشه ای قرار می دهی؛ زیرا رگ و ریشه،

ص: 97

1- کلینی، کافی، ج 5، ص 323

2- همان، ص 233.

3- متقی هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، ج 51، ص 558.

تأثیر پنهانی دارد.

در روایت مشابه دیگر امام صادق علیه السلام فرمودند:

(تَزَوَّجُوا فِي الْحُجْرِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ)؛ (1)

با خانواده خوب و شایسته وصلت، کنید زیرا در رگ و ریشه اثر دارد.

حضرت خدیجه علیها السلام از سادات و دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی بن کلاب از تیره ای معروف و از محترمان قریش بود خویلد در دوره جاهلیت، مهتر طایفه خود بود. در جنگ فجار در روزی که به نام شمطه معروف بود و در آن روز قریش آماده جنگ با کنانه شد ریاست طایفه اسد را داشت. او با کسی که طالب خروج حجر الأسود از خانه کعبه بود به نزاع پرداخت و این موضوع، ممتاز بودن او در آن عصر را می رساند. هم چنین پسر عموی وی ورقه بن نوفل از کاهنان عرب بود و از کتاب های ادیان پیشین اطلاع داشت؛ لذا حضرت خدیجه علیها السلام از خانواده و تبار با اصالت عرب بود پیامبر صلی الله علیه و اله نیز از قبیله قریش و نواده عبد المطلب فرزند بنی هاشم بود که کلیدداری و سقایت حجاج را بر عهده داشتند. (2)

3. ازدواج غیر فامیلی رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید:

(اغْتَرَبُوا لَا تُضَوُّوا)؛ (3) با بیگانه (غیر خویشاوند) ازدواج کنید تا فرزندان لاغر و تکیده به دنیا نیاورید

حضرت خدیجه علیها السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سابقه فامیلی نداشته اند؛ البته هر دو از قریش بودند و «نسب هر دو در قصی به هم می رسید». (4) آشنایی آن ها به سبب تجارتمی بود که حضرت محمد صلی الله علیه و اله برای حضرت خدیجه علیها السلام در دوران نوجوانی انجام داد و سود و سرمایه زیادی به دست آورد و این مقدمه آشنایی آن دو را فراهم نمود.

ص: 98

1- طبرسی، مکارم الأخلاق، ص 791

2- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 102.

3- شریف الرضی، نهج البلاغه، ص 001

4- مجلسی، بحار الأنوار، ج 61، ص 02.

4. مهربان و مددکار و بی در دسر: امام صادق علیه السلام در مورد ویژگی های همسر نیکو می فرماید:

(فَأَمْرَأَةٌ وَاوَدُ وَاوَدُ تُعِينُ زَوْجَهَا عَلَى دَهْرِهِ لِدُنْيَاةٍ وَآخِرَتِهِ وَلَا تُعِينُ الدَّهْرَ عَلَيْهِ)؛ (1)

بدان بهترین بانوان زانی هستند که فرزند زیاد زاینده و برای شوهر مهربانند و در امر دنیا و آخرت مددکار آنانند و در زندگی برایشان مشکل نمی آفرینند.

خدیجه علیها السلام با آن که از همسران قبلی خویش فرزندان داشت و در چهل سالگی با پیامبر صلی الله علیه و اله ازدواج کرد، دو دختر و چهار پسر از رسول خدا صلی الله علیه و سلم پیدا کرد. این نشان دهنده ویژگی اول این روایت است. او یاور راستین اسلام بود و پیامبر صلی الله علیه و اله با وجودش احساس آرامش می نمود او برای پیامبر صلی الله علیه و اله وزیری درست کار بود و با اموالش او را یاری بخشید. (2) او در تمامی مراحل زندگی یار و یاور پیامبر صلی الله علیه و اله بود. در عبادت های طولانی حضرت که بعضاً حدود چهل روز به درازا می کشید، در تمامی این مدت خدیجه علیها السلام تنها بود و اعتراضی به پیامبر صلی الله علیه و اله نمود. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و اله را برای عبادت به غار حرا می رفتند غذای حضرت را توسط غلامش و یا حضرت علی علیه السلام، برای ایشان به بالای کوه می فرستاد. (3) خدیجه علیها السلام در تمامی مراحل زندگی پیامبر صلی الله علیه و اله، زنی مددکار، مهربان و دلسوز بود.

5. مؤمن صالح: در روایت آمده است:

(أَتَى رَجُلٌ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسْتَأْمِرُهُ فِي النِّكَاحِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَعِمَ انْكَحْ وَعَلَيْكَ بِدَوَاتِ الدِّينِ تَرَبَّتْ يَدَاكَ وَقَالَ إِنَّمَا مَثَلُ الْمَرْأَةِ الصَّالِحَةِ مَثَلُ الْغُرَابِ الْأَعْصَمِ الَّذِي لَا يَكَادُ يَقْدَرُ عَلَيْهِ قَالَ وَمَا الْغُرَابُ الْأَعْصَمُ قَالَ الْأَبْيَضُ إِحْدَى رَجُلَيْهِ)؛ (4)

مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و اله آمد تا درباره ازدواج با ایشان مشورت کند.

ص: 99

1- کلینی، کافی، ج 5، ص 323

2- بیهقی، دلائل النبوة، ج 2، ص 28

3- محلاتی، ریاحین الشریعة، ج 2، ص 112.

4- طوسی، تهذیب الأحکام، ج 7، ص 104

حضرت فرمودند: «خدایت خیر دهد! با زنی مؤمن ازدواج کن. مثال زن دین دار و شایسته در کم یا بی چون کلاغی است که یک پایش سپید باشد».

سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله به این فرد در دوره ای بود که زنان زیادی مسلمان شده و تحت تربیت اسلام قرار گرفته بودند. با این حال پیامبر صلی الله علیه و آله چنین مثالی زدند؛ حال چه رسد به قبل از اسلام که زن مؤمن به ندرت پیدا می شد و خدیجه علیها السلام یکی از آن زنان بود. او زن مؤمنی بود که خداوند از زبان جبرئیل به او سلام رساند. (1) در روایتی بهترین زنان بهشت مریم دختران، عمران خدیجه علیها السلام دختر خویلد، فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و آسیه دختر مزاحم همسر فرعون، معرفی شده اند. (2) خدیجه علیها السلام ام «المؤمنین» لقب دارد و این به سبب شایستگی و لیاقت وی است.

6. کم خرج: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

(أَعْظَمُ النِّسَاءِ بَرَكَةً أَيْسَرُهُنَّ مَوْتَةً)؛ (3) پر برکت ترین زنان، کم خرج ترین ایشان است.

حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله از تاجران و ثروتمندان مکه بود. او ثروتش را از راه ارث و تجارت به دست آورده بود؛ ولی بعد از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله تمام اموال خود را در راه پیشرفت اسلام هدیه کرد. وی توسط یکی از اقوامش تمام اموال خویش را به پیامبر صلی الله علیه و آله هدیه نمود و او را مالک آن ها خواند. (4) او چنان اموال خود را خرج اسلام نمود که در زمان مرگ، از مال دنیا به اندازه تهیه کفنی برایش باقی نمانده بود. «خدیجه علیها السلام خجالت می کشید یکی از وصایایش را به همسرش بگوید؛ از این رو به حضرت زهرا علیها السلام که آن زمان دختر کوچکی بود گفت: «زهرا جان! من کفن ندارم به پدرت بگو عبايي را که در هنگام نزول وحی به سر می کشید کفن من قرار دهد». از این جمله می توان

ص: 100

1- مجلسی، بحار الأنوار، ج 61، ص 8

2- صدوق، بحار الأنوار، ج 1، ص 602

3- نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج 41، ص 261

4- مجلسی، بحار الأنوار، ج 61، ص 71

دریافت که سرمایه عظیم حضرت خدیجه علیها السلام در شعب ابی طالب به پایان رسیده بود. او که از تجار بزرگ به شمار می آمد، حال برای تهیه کفن هم با مشکل مواجه بود». (1)

ب) معیارهای انتخاب همسر که در انتخاب حضرت محمد صلی الله علیه و آله به وسیله خدیجه علیها السلام نمایان است:

1. اکتفا به اخلاق و دین: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

(إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرَوْجُوهُ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فَسَادٌ كَبِيرٌ)؛ (2)

هر گاه کسی نزد شما [به خواستگاری] آمد که اخلاق و دین او را می پسندید، به او زن دهید و اگر چنین نکنید فتنه و فساد بزرگ در زمین رخ خواهد داد.

آن چه در تاریخ نشان دهنده محرک خدیجه علیها السلام برای ازدواج با امین قریش بود یک سلسله جهات معنوی است نه جنبه های مادی:

اول، شنیدن سرگذشت سفر جوان قریش از غلام خود میسر در مورد نظر راهب شام نسبت به امین، قریش زمینه ایجاد شوق خدیجه علیها السلام به معنویت پیامبر صلی الله علیه و آله شد. آن چه را شنیده بود برای ورقة بن نوفل دانای عرب نقل کرد و او صاحب این کرامات را پیامبر عربی دانست. (3)

دوم آگاه شدن خدیجه علیها السلام از طریق دانای یهود در بیان علایم نبوت در وجود امین عرب از این که پدر و مادر او می میرند و جد و عموی وی او را حمایت می کنند و از قریش زنی انتخاب می نماید که سیده قریش است و اشاره به خدیجه علیها السلام می نماید و می گوید: «خوشا به حال کسی که همسری او را به دست

ص: 101

1- مظاهری، تجلی حق، ص 92

2- کلینی، کافی، ج 5، ص 743.

3- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 62

سوم، خواب دیدن خدیجه علیها السلام که خورشیدی بالای مکه چرخ می خورد و کمکم پایین می آید و وارد خانه او می شود زمانی که این خواب را برای ورقه نقل می کند، وی چنین تعبیر می نماید که با مرد بزرگی ازدواج می کند که شهرت او عالم گیر خواهد شد. (2)

بدین ترتیب، علل تمایل خدیجه علیها السلام مولود ایمان و اعتقاد او به معنویت جوان قریش بود.

2. دیانت و امانت؛ امام باقر علیه السلام و در نامه ای چنین نوشتند:

(مَنْ خَطَبَ إِلَيْكُمْ فَرَضِيئَتُمْ دِينَهُ وَأَمَانَتَهُ فَرَوْجُهُ إِلَّا تَعَلَّوْهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفِي كَبِيرٍ). (3)

هر کس برای خواستگاری دخترتان نزد شما آمد و از نظر دیانت و امانت مورد پسند بود به او پاسخ مثبت دهید؛ و اگر چنین نکنید فتنه و فساد بزرگ در زمین رخ خواهد داد.

گفتنی است علت شیفتگی خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله نیز راست گویی امانت داری و اخلاق پسندیده وی بود (4)

3. دین و اخلاق علی رغم فقر امام رضا علیه السلام می فرمایند:

(إِنْ خَطَبَ إِلَيْكَ رَجُلٌ رَضِيَتْ دِينَهُ وَخُلِقَهُ فَرَوْجُهُ وَلَا يَمْنَعُكَ فَقْرُهُ وَفَاقَتُهُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يَغْنِي اللَّهُ كَلًّا مِنْ سَعَتِهِ وَقَوْلُهُ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ). (5)

اگر مردی نزد تو به خواستگاری آمد و دین و اخلاق او را پسندیدی، به وی زن بده و فقر و ناداری اش مانع تو از این کار نشود.

در نقل های تاریخی آمده است:

ص: 102

1- مجلسی، بحار الأنوار، ج 61، ص 91

2- سبحانی، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص 38

3- کلینی، کافی، ج 5، ص 743

4- سبحانی، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص 77.

5- مجلسی، بحار الأنوار، ج 1، ص 273

وضع مالی و اقتصادی حضرت رسول صلی الله علیه و اله مرتب نبود و هنوز به کمک های مالی عمومی خود ابوطالب نیاز داشت. (1)

ابوطالب در سخن و خطبه ای که ادا کرد چنین فرمود:

پس بدانید که پسر برادرم محمد بن عبدالله را به هیچ یک از قریش نمی سنجدند، مگر آن که او زیادتی می کند و هیچ مردی، مردی را با او قیاس نکند، مگر آن که او عظیم تر است و او را در میان خلق، عدیل و نظیر نیست و اگر در مال کمی هست پس مال عطایی است از حق تعالی که جاری کرده بر بندگان به قدر حاجت ایشان و مانند سایه ای است که به زودی برگردد. (2)

خدیجه علیها السلام که بانوی اول مکه و از لحاظ حسب و نسب و ثروت شخصیت برجسته ای بود (3) به فقر پیامبر صلی الله علیه و اله توجهی نداشت. او با آن که از ثروتمندان زنان قریش به شمار می رفت، قبلاً پیشنهاد ازدواج ثروتمندترین و متنفذترین رجال قریش را رد کرده بود بزرگان قریش همه علاقه مند به ازدواج با او بودند. (4) مردان نام داری هم چون عقبه بن ابی معیط ابوجهل و ابوسفیان از او خواستگاری کرده بودند و او موافقت نکرده بوده بودند و او موافقت نکرده بود. (5)

4. با تقوا: امام حسن علیه السلام به مردی که با ایشان درباره ازدواج دختر خود مشورت کرد، فرمودند:

(زَوْجَهَا مِنْ رَجُلٍ تَقِي فَإِنَّهُ إِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَإِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَظْلِمْهَا)؛ (6)

او را به مردی با تقوا شوهر ده؛ زیرا اگر دختر تو را دوست داشته باشد گرامی اش می دارد و اگر دوستش نداشته باشد به وی ستم نمی کند.

تاریخ گواهی می دهد که ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه و اله و حضرت خدیجه علیها السلام

ص: 103

1- سبحانی، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام ص. 08

2- قمی، منتهی الآمال، ص 101 - 201

3- خامنه ای شعاعی از نیر اعظم صلی الله علیه و اله ص 041.

4- طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج الامم و الملوک، ج 2، ص 791

5- مجلسی، بحار الأنوار، ج 61، ص 22

6- طبرسی، مکارم الأخلاق، ص 402

معلول و مولود ایمان خدیجه علیها السلام به تقوا و پاک دامنی و عفت و امانت عزیز قریش بود. (1)

معیارهای عرفی غیر قابل اعتنا

در جامعه کنونی، بر معیارهایی تأکید می شود که در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام و در سخنان ایشان سفارشی به آن ها نشده است. خداوند متعال قرآن کریم می فرماید: (وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا) (2) ما باید بر مبنای سنت ایشان حرکت کنیم در ازدواج پیامبر صلی الله علیه و اله با حضرت خدیجه علیها السلام بعضی از معیارهای عرفی رعایت نشده که عبارتند از:

1. دوشیزه بودن دختر: در معیارهای عرفی رغبتی به ازدواج با بیوگان نیست؛ ولی پیامبر صلی الله علیه و اله در اولین ازدواج خود که حدود 25 سال ادامه داشت، زنی را که پیش از آن دو بار ازدواج کرده بود به عنوان تنها همسر خویش انتخاب کردند که این خود می تواند درسی برای جوانان امروز باشد در جامعه کنونی، دختران زیادی هستند که به دلایل گوناگونی از جمله از دست دادن همسر خویش یا ازدواج های ناموفق مجرد مانده اند و این دختران با آن که جوانان و ویژگی های اخلاقی، ظاهری ایمانی و خانوادگی خوبی دارند تنها به علت آن که یک بار ازدواج کرده اند مورد انتخاب جوانان و خانواده های شان قرار نمی گیرند؛ در حالی که این ها با تجربه ای که از ازدواج قبلی داشته اند و عملکردی که از خود نشان داده اند می توانند همسران و مادران مناسبی باشند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله با ازدواج شان با حضرت خدیجه علیها السلام و به آخرین وصف اشاره شده در سوره تحریم در مورد بهترین زنان، پیامبر یعنی دوشیزه بودن یا نبودن ایشان جامه عمل پوشانند.

2. تأکید بر تفاوت سنی: از معیارهای دیگر، عرفی تأکید بر تفاوت سنی و

ص: 104

1- سبحانی، فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص 18

2- سوره حشر، آیه 7.

بزرگ تر بودن پسر است؛ حال آن که پیامبر صلی الله علیه و اله خود نسبت به همسر خویش از لحاظ سنی پایین تر بودند. روایت مشهور و متواتر بر این است که هنگام ازدواج خدیجه علیها السلام چهل سال و رسول خدا صلی الله علیه و آله بیست و پنج سال داشت. (1) نکته مهم در این زمینه آن است که سن شناسنامه ای در ازدواج هیچ ملاک شرعی عقلی و علمی ندارد؛ بلکه آن چه در ازدواج می تواند مهم باشد، سن عقلی دو نفر است که پسر از نظر رشد عقلی در حدی باشد که بتواند مدیریت زن و خانواده را بر عهده گیرد و از نظر سن عقلی تناسب لازم میان زن و مرد وجود داشته باشد. در مورد زن سن جسمی یا پوستی و ظاهری ملاک است؛ بدین معنا که زن از نظر توان مندی و نشاط جوانی در حدی باشد که بتواند فرزندان را به وجود آورد و نیازهای همسرش را پاسخ گو باشد در ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام، هر دو محرز بود؛ پیامبر صلی الله علیه و آله و از لحاظ عقلی بالاتر از سن خود و حضرت خدیجه علیها السلام از نظر جسمی آن چنان بانشاط بود که توانست تا بیست سال بعد از این ازدواج فرزند آورد و پاسخ گوی نیازهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم باشد. (2)

3. تمکن مالی داماد: متقابلاً نیز حضرت خدیجه علیها السلام در انتخاب پیامبر، به بعضی از معیارهای عرفی پشت پا زد وی با آن که خیلی از اشراف و ثروت مندان خواستار ازدواج با او بودند، با حضرت محمد صلی الله علیه و سلم که یتیم بزرگ شده بود و در وضعیت ضعیف اقتصادی به سر می برد و هیچ تمکن و پشتوانه مالی نداشت ازدواج نمود و این جزبه جهت سجایای اخلاقی و درست کاری پیامبر صلی الله علیه و اله نبود.

نتیجه

در این مقاله با تحلیل آیات و روایات در زمینه ازدواج و گزارش های تاریخی از ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم نتایج ذیل به دست آمد:

ص: 105

1- بلاذری، انساب الأشراف، ج 1، ص 901

2- میرشریف، پیام آور رحمت، ص 51

معیارهای قرآنی ازدواج عبارت اند از: آرامش یکتاپرستی، کفویت اجتماعی، پاک دامنی، تناسب جسمی و جنسی قوت و امانت محافظ بودن، مسلمان مؤمن و فرمان بردار بودن که همگی در ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام نمایان است.

معیارهای روایی عبارتند از دقت در انتخاب گزینش مادر فرزند، اصالت خانوادگی، ترجیحاً غیر فامیل بودن مهربان و بی دردسر، مؤمن صالح، کم خرج، اکتفا به، اخلاق دین و تقوا که همگی در انتخاب پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام آشکار است.

معیارهای عرفی نابه جا مانند دوشیزه بودن تأکید بر تفاوت سنی و تمکن مالی در ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام به آن ها توجه قرار نشده بلکه نقض گردیده است.

1. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم (1415 ق)، بیروت، دار الکتب العلمیه.
2. ابن اثیر، اسد الغابه (1336)، تهران، المکتبه الإسلامیه
3. -الکامل فی التاریخ (1399 ق)، بیروت، دار صادر.
4. ابن بابویه، محمد بن علی، خصال (1362)، قم، جامعه مدرسین
5. ابن واضح، تاریخ یعقوبی (1384 ق)، نجف، المکتبه الحیدریه
6. ابن هشام الحمیری المعافری، عبدالملک، السیره النبویه (1375 ق)، قاهره مطبعه مصطفی البابی الحلبي
7. (1375)، چاپ پنجم، مترجم: سید هاشم رسولی، تهران، انتشارات کتابچی
8. بلاذری، انساب الأشراف (1400 ق)، تحقیق احسان عباس، بیروت، دارالنشر شتاینر
9. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه (1361)، مترجم: محمود مهدوی دامغانی، تهران انتشارات علمی و فرهنگی
10. حلبي، علی بن برهان الدین، السیره الحلبيه (بی تا)، بیروت، دار المعرفه.
11. خامنه ای، سیدعلی، شعاعی از نیر اعظم صلی الله علیه و آله (1385)، چاپ سوم، تهران، سروش
12. سبحانی، جعفر، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام (1377)، چاپ دهم، تهران، نشر مشعر
13. شریف الرضی محمد بن حسین، نهج البلاغه (1414 ق)، مصحح: فیض الإسلام، قم، هجرت.
14. - المجازات النبویه (1422 ق)، قم، دار الحدیث.
15. طالقانی، سید محمود پرتویی از قرآن (1362)، تهران، شرکت سهامی انتشار.

16. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق (1412 ق)، چاپ چهارم، قم، شریف رضی
17. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک (بی تا)، بیروت، دار قاموس الحدیث.
18. طوسی، محمد بن الحسن، تہذیب الأحکام (1407 ق)، تہران، دارالکتب الإسلامیہ، چاپ چہارم
19. عسقلانی، ابن حجر، الاصابة في تمييز الصحابه (بی تا) بیروت، دار احیاء التراث العربی.
20. قمی، عباس، منتهی الآمال (1410 ق) چاپ شانزدهم، قم. ہجرت
21. - سفینہ البحار (1416 ق)، چاپ دوم، تہران، اسوہ
22. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی (1407 ق) چاپ چہارم، تہران، دارالکتب الإسلامیہ.
23. متقی ہندی، علی بن حسام، کنز العمال في سنن الاقوال والافعال (1397 ق)، تصحیح: صفوة السقا، بیروت، مکتب التراث الاسلامی
24. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار (1403 ق) چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
25. محلاتی، ذبیح اللہ، ریاحین الشریعہ (1396)، تہران، دارالکتب الإسلامیہ.
26. مظاہری حسین، تجلی حق (1389)، اصفہان، حدیث راہ عشق.
27. مقدسی، مطہر بن طاہر، آفرینش و تاریخ (1374)، تہران، آگہ.
28. میرشریفی، علی، پیام اور رحمت (1385)، تہران، سازمان مطالعہ و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ہا (سمت).
29. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (1408 ق)، قم، مؤسسہ آل البیت علیہم السلام.

*ویژگی‌هایی از حضرت خدیجه علیها السلام: محمد فاکر میبیدی (1)

چکیده

تاریخ اسلام، گواهی می‌دهد که حضرت خدیجه علیها السلام از آغاز بعثت نبوی تا آخرین لحظه زندگی نقش مؤثری در نشر رسالت و حمایت از پیامبر صلی الله علیه السلام را ایفا کرد اینک این پرسش رخ می‌نماید که این بانو چه ویژگی‌هایی داشت که توانست به عنوان اولین زنان عالم اسلام و در ردیف چهار زن برتر عالم قرار گیرد؟ به نظر می‌رسد این بانوی، کرامت شرافت و سیادت در عرصه‌های مختلف بینشی منشی و کنشی دارای ویژگی‌های یگانه‌ای بود که نه تشریحاً و تکویناً تکرارپذیر نیست. او در عرصه بینش دارای بینش عمیق اعتقادی و بصیرت درست بود در عرصه، اخلاق پایداری در برابر سرزنش‌ها و نیز ایثارگری در راه خدا را در کارنامه خود داشت و در عرصه عمل و کنش پیشگام در اقتدا به پیامبر صلی الله علیه و آله بود و ویژگی مشکل‌گشایی از ساحت نبوی را در برنامه خود داشت. وی در امر رسالت به وسیله ثروت خدادادی خود یاری پیامبر صلی الله علیه و آله را سرلوحه کار خود قرار داد این بزرگ، بانو به مقامی دست یازید که مورد عنایت الهی مخاطب مستقیم سلام الهی و از سروران زنان عالم شد. رابطه او با پیامبر و رابطه دو سویه محبتی بود؛ یعنی هم محب پیامبر صلی الله علیه و آله بود و هم محبوب او سرانجام به جایگاهی رسید که مدال شایستگی علیت برای بقای نسل مطهر نبوی دریافت نمود و کوثر نبوت به واسطه او محقق گردید.

ص: 109

بر اساس گزارش های تاریخی حضرت خدیجه علیها السلام این صدف کوثر نبوی نقش به سزایی در گسترش فرهنگ اسلامی داشته و دارای ویژگی هایی بوده که می توان گفت در فضای تاریخی و جغرافیایی ارباب قلم و اندیشه آن گونه که شایسته این بزرگ بانوی عالم اسلام بوده به آن توجه نکرده اند؛ از این رو، سزاست تا شخصیت وی کاوش گردد و ویژگی هایش تبیین شود تا آن چه در فضای بحرانی آغازین بعثت و در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله تجلی یافت به عنوان مدل و الگوی بصیرت و فضیلت به جامعه معرفی گردد.

در مقاله حاضر تلاش شده تا برخی از ویژگی ها و سجایای رفتاری آن با وی بزرگ با چاشنی آیات و روایات، تبیین و بررسی گردد.

1. بینش عمیق اعتقادی

عقیده یکی از مهم ترین نمادهای شخصیت انسان است که زیربنای رفتار گفتار و عملکرد وی را شکل می دهد. حضرت خدیجه علیها السلام یکی از کسانی بود که این مهم را به خوبی به منصبه ظهور گذاشت و با ایمان به همسر گرامی خویش در آغازین روزهای بعثت نبوی و تداوم آن تا واپسین روزهای زندگی، نام خود را به عنوان یار همیشگی آن حضرت به ثبت رساند. او لحظه ای در این مسیر دچار ضعف و سستی نشد. مهم تر این که نام وی به عنوان اولین ایمان آورنده به پیامبر صلی الله علیه و آله در تاریخ ثبت است. ابن اسحاق می نویسد:

كان أول من اتبع رسول الله صلى الله عليه و آله خديجه عليها السلام بنت خويلد، زوجته، ثم كان أول ذكر آمن به علي و هو يومئذ ابن عشر سنين ...؛

اولین کسی که از پیامبر صلی الله علیه و آله پیروی کرد همسرش خدیجه علیها السلام بود و اولین نفر از مردان که به آن حضرت ایمان آورد، علی علیه السلام که ده ساله بود... (1)

هر چند در جلوتر بودن خدیجه علیها السلام نسبت به امیر مؤمنان علی بن

ص: 110

ابی طالب علیه السلام نمی توان به سادگی پذیرفت؛ زیرا گزارش ها و روایات تاریخی، نشان می دهد که حضرت خدیجه علیها السلام اولین زنی بود که به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد، نه اولین فرد و اولیت مطلق را در شأن امام علی علیه السلام می دانند؛ حتی می توان و بلکه باید گفت امام علی علیه السلام هرگز کافر نبودند تا ایمان بیاورند امام سجاد علیه السلام در پاسخ به این پرسش که علی بن ابی طالب علیه السلام هنگام اسلام آوردن چندساله بودند؟ فرمود:

(أَوْ كَانَ كَافِرًا قَطُّ؟ إِنَّمَا كَانَ لِعَلِيٍّ حَيْثُ بَعَثَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، رَسُولَهُ عَشْرَ سِنِينَ، وَلَمْ يَكُنْ يَوْمَئِذٍ كَافِرًا، وَلَقَدْ آمَنَ بِاللَّهِ (تَبَارَكَ وَتَعَالَى) وَبِرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَسَبَقَ النَّاسَ كُلَّهُمْ إِلَى الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ...)

علی علیه السلام کافر نبود. او هنگام بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و ده ساله بود و در آن هنگام الهیه کافر نبود. وی به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان داشت و در این امر از همه مردم پیشی گرفته بود. (1)

این کلام یعنی این که ایمان تکلیفی حضرت علی علیه السلام به ایمان فطری وی متصل بوده و هرگز دچار کفر نبوده تا پس از آن ایمان بیاورد (2)

به هر صورت حضرت خدیجه علیها السلام به قول اهل سنت اولین نفر و به قول شیعه، اولین زنی بود که به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد و حتی نگران اتصال و انقطاع وحی آن حضرت بود؛ چنان که هنگام تأخیر در وحی، پس از نزول آیه: (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ...) گفت: «شاید که خدایت تو را رها کرده است و دیگر پیامی برایت نمی فرستد!» در این هنگام آیه را نازل کرد و فرمود: (مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى) (3) (4)

بیهقی نکته ای مهم در این زمینه دارد. وی می نویسد:

اولین بار که پیامبر صلی الله علیه و آله متوجه دریافت وحی شد، با خدیجه علیها السلام در

ص: 111

1- کلینی، کافی، ج 8، ص 339

2- ملاصالح مازندرانی، الکافی/الأصول والروضه، ج 12، ص 456.

3- سوره ضحی آیه 3.

4- قمی، تفسیر قمی، ج 2، ص 428

میان گذاشت. در لحظه دریافت خبر از پیامبر صلی الله علیه و آله، خداوند دو عنایت به حضرت خدیجه علیها السلام نمود: یکی این که وی را از تکذیب پیامبر صلی الله علیه و آله حفظ کرد. دوم این که او را موفق به تصدیق آن حضرت فرمود و این سخن بر زبانش جاری کرد: (أَبَشْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَصْنَعُ بِكَ إِلَّا خَيْرًا). (1)

یعنی در حقیقت حضرت خدیجه علیها السلام و در پرتو نور الهی، مصداقی از این آیه بود که فرمود: (أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ ذُوْرِ مَنْ رَبَّهِ؟) (2) همان گونه که این بانوی بزرگوار عنوان امّ المؤمنین را دارد هر چند آیه شریفه: (النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ) (3) بعد از وفات وی نازل شده باشد.

2. بصیرت اجتماعی

بصیرت و شناخت یکی از ویژگی حضرت خدیجه علیها السلام بود که در زندگی وی نقش مؤثری داشت. گفته اند هنگامی که روزگار ابوطالب سخت شد و مشکلات اقتصادی به آن ها روی آورد، ابوطالب پیشنهاد کرد که همانند دیگران، اموالی را از خدیجه علیها السلام [برای تجارت] بگیرد، اما پیامبر صلی الله علیه و آله حاضر نشدند خود را به خدیجه علیها السلام عرضه کنند! هنگامی که خدیجه علیها السلام از این گفتگو باخبر شد خود اقدام کرد و دو برابر اموالی را که به دیگران می داد در اختیار حضرت قرار داد، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله را به امانت داری، راست گویی و اخلاق کریمانه می شناخت. (4) مهم این است که وقتی خدیجه علیه السلام به اخلاق کریمه پیامبر صلی الله علیه و آله پی برد، با توجه به شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله، با ایشان مانند دیگر افراد برخورد نکرد، بلکه آن حضرت را شریک تجاری و در حقیقت طرف مضاربه خود نمود و در این مسیر به چند برابر سود دست یافت و با کراماتی که از ایشان می دید، زمینه ازدواج وی فراهم شد بیهقی در این باره می نویسد:

ص: 112

1- بیهقی، دلائل النبوة، ج 2، ص 142

2- سوره زمر، آیه 22.

3- سوره احزاب، آیه 6.

4- طبری، تاریخ الطبری/ تاریخ الرسل و الملوك، ج 2، ص 280 و مرتضی عاملی، 1391: ج 1، ص 337-338

وقتی میسره غلام خدیجه علیها السلام از رفتار پیامبر صلی الله علیه و اله به وی گزارش داد، دنبال آن حضرت فرستاد و با عنوان پسر عمو، [چون در سلسله اجداد به یک نفر می رسند] رغبت خود را به وی نشان داد و گفت: «إِنِّي قَدْ رَغَبْتُ فِيكَ؛ لِقَرَابَتِكَ مِنِّي، وَ شَرَفِكَ فِي قَوْمِكَ وَ وَسِيَّتِكَ فِيهِمْ وَ أَمَانَتِكَ عِنْدَهُمْ، وَ حُسْنِ خُلُقِكَ، وَ صِدْقِ حَدِيثِكَ؛ من به دلیل قرابت نسبت به من، و شرافت و وساطت تو در قومت و امانت داریت نزد مردم و اخلاق خوش و درستی در گفتار خواهان تو هستم» (1)

یعنی در یک طرف قرابت شرافت و وساطت، امانت، صداقت و حسن خلق قرار گیرد و در طرف دیگر نیز قرابت، شرافت و وساطت، به اضافه اموال زیاد. (2)

بر همین اساس هنگامی که ابوطالب برای خواستگاری از خدیجه علیها السلام نزد ورقه، پسر عموی خدیجه علیها السلام رفت پس از حمد و ثنای الهی خطاب به ورقه گفت:

إِنَّ ابْنَ أَخِي هَذَا - يَعْنِي رَسُولَ اللَّهِ - مِمَّنْ لَا يوزُنُ بِرَجُلٍ مِنْ قُرَيْشٍ إِلَّا رَجَحَ بِهِ وَ لَا يَقَاسُ بِهِ رَجُلٌ إِلَّا عَظَمَ عَنْهُ وَ لَا عَدَلَ لَهُ فِي الْخَلْقِ وَ إِنْ كَانَ مُقْلًا فِي الْمَالِ فَإِنَّ الْمَالَ رِفْدٌ جَارٍ وَ ظِلٌّ زَائِلٌ وَ لَهُ فِي خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ رَغْبَةً وَ لَهَا فِيهِ رَغْبَةٌ وَ قَدْ جِئْنَاكَ لِنَخْطُبَهَا إِلَيْكَ بِرِضَاهَا وَ أَمْرِهَا وَ الْمَهْرُ عَلَيَّ فِي الْمَالِي الَّذِي سَأَلْتُمُوهُ عَاجِلُهُ وَ آجِلُهُ وَ لَهُ وَ رَبِّ هَذَا الْبَيْتِ حَظٌّ عَظِيمٌ وَ دِينٌ شَائِعٌ وَ رَأَى كَامِلٌ؛

این پسر برادر من (پیامبر) کسی است که هیچ مردی با وی توان برابری ندارد مگر این که برتری دارد؛ و با هیچ کس مقایسه نمی شود، مگر این که از او بهتر است در آفرینش همانند ندارد هر چند ثروتی ندارد؛ البته مال همانند سایه رفتنی است. وی خواهان خدیجه علیها السلام است و ما آمده ایم در صورت رضایت خدیجه علیها السلام از وی خواستگاری کنیم و مهریه او بر عهده من است.

سپس نوبت ورقه شد تا سخن بگوید با حالت شگفتی، از پاسخ به ابوطالب در ماند و نتوانست چیزی بگوید در این هنگام خدیجه علیها السلام رو به ورقه کرد و

ص: 113

1- بیهقی، دلائل النبوة، ج 2، ص 66

2- همان

گفت: «من نسبت به خودم اولاً هستم» و خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله اظهار داشت:

(قَدْ زَوَّجْتُكَ يَا مُحَمَّدُ نَفْسِي وَالْمَهْرُ عَلَيَّ فِي مَالِي فَأُمْرُ عَمَّاكَ فَلْيُنْحَرْنَا قَةً فَلْيُولِمْ بِهَا وَ اذْخُلْ عَلَيَّ أَهْلِكَ)؛

ای محمد من خودم را به ازدواج تو در آوردم؛ مهریه نیز از مال خودم بر عهده خودم به عمویت بگو شتری را نحر کند و ولیمه بدهد و به خانه داخل شو (1).

این بدان معناست که هر چند طبع انسانی حکم می کند که مرد باید به خواستگاری زن برود چنان که ابوطالب نیز در مورد خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله چنین کرد - اگر موردی یافت شد که مناسب و با شناخت کامل مورد پسند بود، نباید آن را از دست داد؛ چنان که قرآن در جریان حضرت موسی و دختران شعیب می فرماید: (يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِي الْأَمِينُ)؛ [یکی از آن دو دختر] گفت «پدرم! او را استخدام کن! زیرا بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی، آن کسی است که قوی و امین باشد [و او همین مرد است]» (2) نیز همین شیوه را اجرا کرد و گفت: (إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكَحَكَ إِحْدَى ابْنَتِي هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَّاجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ)؛ «من می خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو در آورم به این شرط که هشت سال برای من کار کنی و اگر آن را تا ده سال افزایش دهی محبتی از ناحیه توست» (3).

3. پایداری در برابر سرزنش ها

یکی از اموری که در زندگی ایمانی لازم و مؤثر است، نترسیدن از سرزنش ها در انجام دادن تکالیف و نیز در رسیدن به هدف مقدس است. امری که بسیاری از مؤمنان در موقع لزوم با آن مشکل دارند. این یک اصل قرآنی است. قرآن کریم در وصف بهترین بندگان خدا می فرماید: (... يَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ

ص: 114

1- کلینی، کافی، ج 5، ص 375

2- سوره قصص، آیه 26

3- سوره قصص، آیه 27

لَوْمَةَ لَأِئِمٍ...» (و از سرزنش هیچ ملامت گری هراسی ندارند...)» (1) خدای سبحان در این آیه شش صفت برای گروهی از بندگان بر می شمرد که یکی از آن ها، نهراسیدن از سرزنش ملامت گران است. این موضوع برای حضرت خدیجه علیها السلام در دو موضع ظهور بیش تری داشت یکی در دفاع از آن حضرت و دیگری در ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله بدیهی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و همراهان اندک ایشان در آغازین سال های بعثت به شدت از طرف دشمنان سرزنش می شدند. قرآن با تعبیر «مستهزء» به این واقعیت اشارت، کرده، می فرماید: (إِنَّا كَفِينَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ...). (2) در تفسیر و شأن نزول این آیه می نویسند:

بعد از اعلام بعثت پیامبر صلی الله علیه و اله در روز دوشنبه خدیجه علیها السلام در روز سه شنبه، به آن حضرت ایمان آورد و در کنار علی علیه السلام به پیامبر و اقتدا کرد. این موضوع تا مدتی (سه سال) چندان علنی، نبود تا این که اراده الهی بر فراگیر شدن دعوت تعلق گرفت و چون افرادی هم چون ولید بن مغیره، عاص بن وائل اسود بن عبد المطلب، اسد بن عبد یغوث و حارث بن طلاله، خُزاعی پیامبر صلی الله علیه و اله و یارانش را مسخره می کردند، پیامبر صلی الله علیه و اله خوف این را داشت که مورد تمسخر آنان قرار گیرد؛ لذا این آیه نازل شد و به وی دستور داد که موضوع نبوت و رسالت را به صورت آشکار اعلام کند [و از غوغا و جنجال مشرکان نهراسد و به راحتی از کنار آن بگذرد] زیرا خدا خود دفع شر مشرکان از پیامبر صلی الله علیه و اله را بر عهده گرفته است. (3)

طبق گزارش تاریخ و روایات، حضرت خدیجه علیها السلام از اولین کسانی بود که به پیامبر صلی الله علیه و اله ایمان آورد و طبعاً این بزرگوار آماج نکوهش ها و شماتت دشمنان بود و بر این موضوع صبر داشت.

در مورد دوم یعنی ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و اله نوشته اند:

اهل آثار و راویان اخبار اجماع دارند که هیچ کس از اشراف، سادات و

ص: 115

1- سوره مائده، آیه 54

2- سوره حجر، آیه 95

3- قمی، تفسیر قمی، ج 1، ص 379.

نجیب زادگان قریش نماند مگر این که از خدیجه علیها السلام خواستگاری کرد و خواهان همسری او شد، اما خدیجه علیها السلام به همه آن‌ها پاسخ منفی داد. هنگامی که رسول خدا با خدیجه علیها السلام ازدواج کرد، زنان قریش بر او خشم گرفتند و رهایش کردند آنان به خدیجه علیها السلام گفتند: اشراف و امرای قریش از تو خواستگاری کردند با هیچ یک از آنان ازدواج نکردی اما با محمد، یتیم ابوطالب، فقیر بی مال ازدواج نمودی؟ (1)

این موضوع گواه است که خدیجه علیها السلام قبل از آن با هیچ کس ازدواج نکرده و هنگام ازدواج با پیامبر علیها السلام بکر بوده است.

از روایات استفاده می شود که این نکوهش ها تا سال ها پس از بعثت ادامه داشته است. طبق روایت مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام، این موضوع هنگام ولادت حضرت زهرا علیها السلام به اوج خود رسید تا جایی که کسی حاضر نبود در وضع حمل به خدیجه علیها السلام کمک کند. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

(إِنَّ خَدِيجَةَ لَمَّا تَزَوَّجَ بِهَا رَسُولَ اللَّهِ هَجَرْتَهَا نِسْوَةً مَكَّةَ فَكَرَّ لَا يَدْخُلْنَ عَلَيْهَا وَلَا سَلَّمْنَ عَلَيْهَا وَلَا يَتَرَكْنَ امْرَأَةً تَدْخُلُ عَلَيْهَا فَاسْتَوْحَشَتْ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَام)

هنگامی که خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و اله خدا و ازدواج کرد، زنان مکه از اطرافش دور شدند و به وی سر نمی زدند و سلامش نمی کردند و حتی نمی گذاشتند کسی به وی سر بزند. (2)

در حقیقت قریشیان، خدیجه علیها السلام را تحریم روابط کردند و در محاصره ارتباطی قرار دادند.

4. ایثارگری در راه خدا

مقدس می نویسد:

جناب خدیجه علیها السلام در جایگاه وزیر برای پیامبر صلی الله علیه و اله ایفای نقش می کرد و با جان خود او را مساعدت و با مال خویش وی را کمک می کرد و با زندگی

ص: 116

1- مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم / سیره صحیح پیامبر اعظم، ج 1، ص 349

2- ابن بابویه، امالی، ص 594

با او، پشتیبان وی بود. (1)

وی در ادامه می نویسد:

خدیجه علیها السلام دارای جسمی، موزون جمال، شرافت و عقل بوده است.

در تفسیر این آیات شریفه که فرمود: (أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى، وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى، وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى). (2) و سخن از ایواء، هدایت و اغنای پیامبر صلی الله علیه و اله است، می توان گفت: اغنای پیامبر صلی الله علیه و اله در دو نوع متصور است: اغنای معنوی و اغنای مادی هر چند بپذیریم که اغنای معنوی آن حضرت به وسیله وحی و یا استجابت دعا انجام گرفته است؛ چنان که مفسران نیز بدان اشارت کرده اند؛ (3) بی شک اغنای مادی آن حضرت به وسیله اموال حضرت خدیجه علیها السلام صورت گرفته است؛ چنان که برخی از مفسران بر این عقیده اند. علامه طباطبایی پس از معنا کردن «عائل» به فقیر بی مال و ثروت می نویسد:

فَأَغْنَاهُ اللَّهُ بَعْدَ مَا تَزَوَّجَ بِخَدِيجَةَ بِنْتِ خُوَيْلِدٍ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَهَبَتْ لَهَا مَالَهَا وَكَانَ لَهَا مَالٌ كَثِيرٌ. (4)

برخی دیگر نیز همین دیدگاه را دارند. (5)

برخی از مفسران به نکته لطیفی اشاره کرده و ذیل آیه نوشته اند:

[خداوند] توجه خدیجه علیها السلام آن زن مخلص باوفا را به سوی تو جلب نمود تا ثروت سرشارش را در اختیار تو و اهداف بزرگت قرار دهد و بعد از ظهور، اسلام غنائم فراوانی در جنگ ها نصیب تو کرد، آن گونه که برای رسیدن به اهداف بزرگت بی نیاز شدی (6)

در حقیقت خداوند قلب خدیجه علیها السلام را برای هدف والای نبوی مسخر

ص: 117

1- مقدسی البدء و التاريخ، ج 5، ص 10

2- سوره ضحی آیه 6-8

3- قمی، تفسیر قمی، ج 2، ص 428

4- طباطبایی، تفسیر المیزان، ج 20، ص 311

5- طبرسی، ج 10، ص 767 میبدی، کشف الأسرار و عده الأبرار، ج 10، ص: 527 حقی برسوی: بی تا: ج 10، ص 458 و آلوسی، 1415: ج 10، ص 458.

6- مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 27، ص 105

پیامبر صلی الله علیه و اله کرد تا آن حضرت بتواند به هدف مهمش دست یابد.

به هر صورت مدال افتخار اغنای مادی اشرف مخلوقات و افضل انبیای الهی به گردن ایثارگر ترین زن عالم آویخته شد؛ ضمن این که حضرت خدیجه علیها السلام به این افتخار نمی کرد و خود را کنیز پیامبر صلی الله علیه و اله می دانست یعنی با ایثار در ایثار مدال خود را نیز با کنیزی آن حضرت بدل نمود مجلسی از جابر نقل می کند که خدیجه علیها السلام بعد از اجرای مراسم عقد، در حالی که ابوطالب قصد داشت پیامبر صلی الله علیه و اله را به خانه خویش ببرد خطاب به او عرضه داشت: (إِلَى بَيْتِكَ، فَبَيْتِي بَيْتُكَ، وَ أَنَا جَارِيَتُكَ). (1) و پیامبر صلی الله علیه و اله نیز وقتی عده ای در مقام اعتراض می گفتند: «چرا این قدر از خدیجه علیها السلام یاد می کنی، در حالی که بهتر از او به تو داده شده است؟» در حقیقت می فرمود:

(مَا أَبْدَلَنِي اللَّهُ خَيْرًا مِنْهَا صَدَّقْتَنِي إِذْ كَذَّبَنِي النَّاسُ، وَ وَاسْتَنِي بِمَالِهَا إِذْ حَرَمَنِي النَّاسُ، وَ رَزَقَنِي اللَّهُ الْوَلَدَ مِنْهَا وَ لَمْ يَرْزُقْنِي مِنْ غَيْرِهَا)؛

هیچ بدلی جایگزین وی نشده است! او مرا تصدیق کرد، هنگامی که مردم مرا تکذیب می کردند؛ او با مالش مرا کمک کرد، هنگامی که مردم مرا محروم می کردند، برای من فرزند آورد در حالی که هیچ کدام از همسران فرزندآوری نداشتند. (2)

گفتنی است فرزندان پیامبر صلی الله علیه و اله- به استثنای ابراهیم که از ماریه قطیبه بود همگی از خدیجه علیها السلام بودند. (3) در این جا دو نکته وجود دارد: نخست این که ابراهیم پسر ماریه در هیچده ماهگی از دنیا رفت و پیش از آن دیگر فرزندان پیامبر صلی الله علیه و اله از دنیا رفته بودند از این رو آن حضرت را ابتر نامیدند و قرآن دشمنش را ابتر نامید و فرمود: (إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ). (4) دوم این که در این میان، تنها حضرت زهرا علیها السلام که کوثر قرآن هستند و نسل پیامبر صلی الله علیه و اله از ایشان باقی

ص: 118

1- مجلسی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الأئمة الاطهار، ج 16، ص 4

2- مفید، الإفصاح في الإمامة، ص: 217

3- ابن اسحاق، سيرة ابن إسحاق، ج 2، ص 346

4- سوره کوثر، آیه 3

ماند از حضرت خدیجه علیها السلام است. در نتیجه از میان همه همسران تنها از خدیجه علیها السلام یک دختر ماند و آن هم حضرت زهرا علیها السلام بود؛ یعنی مصداق عینی فرزندان پیامبر صلی الله علیه و سلم که فرمود (وَرَزَقْنِي اللّٰهُ الْوَلَدَ مِنْهَا وَلَمْ يَرْزُقْنِي مِنْ غَيْرِهَا)، در حضرت زهرا علیها السلام تجلی یافت

5. پیشگام در اقتدا به پیامبر صلی الله علیه و اله

یکی از ویژگی های حضرت خدیجه علیها السلام افزون بر پیشتازی در ایمان، اسلام، تصدیق نبوت و وحی پیشگامی در ادای نماز و اقتدای به پیامبر صلی الله علیه و اله است. شیعه و سنی بر این مسأله اجماع دارند که آن بانو جزء پیشگامان در این عرصه بودند. شیخ مفید می نویسد

یحیی بن عقیف از پدرش نقل می کند: «قبل از بعثت در مکه نزد عباس بن عبدالمطلب نشسته بودم که دیدم جوانی آمد و نگاهی به آسمان کرد و پس از آن رو به کعبه ایستاد تا نماز بگزارد در این هنگام، نوجوانی آمد و در سمت راست وی ایستاد؛ سپس زنی آمد و پشت سر آن دو قرار گرفت. وقتی جوان به رکوع می رفت آن نوجوان و زن نیز رکوع می رفتند و وقتی وی به سجده می رفت، آن دو نیز به سجده می رفتند». به عباس گفتم: «این کار عجیبی است!» گفت: «آیا می دانی که این جوان کیست؟ هَذَا مُحَمَّدٌ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ابْنُ أَخِي أَوْ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ پسر برادر من است». بعد گفتم: «آیا می دانی این نوجوان کیست؟ هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ابْنُ أَخِي أَوْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ پسر برادر من است»؛ آیا می دانی این زن کیست؟ «هَذِهِ خَدِيجَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ؛ او خدیجه علیها السلام دختر خویلد است». عباس سپس ادامه داد «إِنَّ ابْنَ أَخِي هَذَا حَدَّثَنِي أَنَّ رَبَّهُ رَبَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَمَرَهُ بِهَذَا الدِّينِ الَّذِي هُوَ عَلَيْهِ وَلَا وَاللَّهِ مَا عَلَيَّ ظَهَرَ الْأَرْضِ عَلَيَّ هَذَا الدِّينِ غَيْرَ هَوْلَاءِ الثَّلَاثَةِ؛ این برادرزاده من می گوید خدایش خدای آسمان و زمین است که او را مأمور به این کار کرده است [نه خدایان متعدد ما] به خدا سوگند

طبری نیز جریان اقتدای خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و اله را بیان کرده و می گوید:

اجماع بر این است که اولین نفر از اهل قبله که دعوت پیامبر صلی الله علیه و اله را پاسخ داد، خدیجه علیها السلام بنت خویلد بود.

وی سپس می افزاید:

(ثُمَّ كَانَ أَوَّلُ شَيْءٍ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ عَلَيْهِ بَعْدَ الْإِقْرَارِ بِالتَّوْحِيدِ وَ الْبِرَاءَةِ مِنَ الْأَوْثَانِ وَالْأَصْنَامِ وَ خَلْعِ الْأَنْدَادِ الصَّلَاةِ)؛

بعد از توحید الهی و تبری از بتها و شریک قرار دادن برای خدا اولین چیز از شریعت [احکام شرعی] که واجب شد نماز بود. (2)

طبعاً اولین کسانی هم که بدین شریعت عمل کردند، آن هایی بودند که به پیامبر صلی الله علیه و اله ایمان آورده بودند. طبق برخی از روایات هنگامی که نماز واجب شد جبرئیل کیفیت وضو را به پیامبر صلی الله علیه و اله یاد داد و خدیجه علیها السلام آن را از پیامبر صلی الله علیه و اله آموخت. متن روایت بنابر نقل طبری چنین است:

أَنَّ الصَّلَاةَ حِينَ افْتَرَضَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَتَاهُ جِبْرَائِيلُ وَهُوَ بِأَعْلَى مَكَّةَ، فَهَمَزَ لَهُ بِعَقِبِهِ فِي نَاحِيَةِ الْوَادِي، فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ عَيْنٌ، فَتَوَضَّأَ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يَنْظُرُ إِلَيْهِ لِيَرِيهِ كَيْفَ الطُّهُورُ لِلصَّلَاةِ، ثُمَّ تَوَضَّأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا رَأَى جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَوَضُّاً، ثُمَّ قَامَ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَصَلَّى بِهِ وَصَلَّى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِصَلَاتِهِ ثُمَّ انصَرَفَ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَجَاءَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يَنْظُرُ إِلَيْهَا لِيَرِيهَا كَيْفَ الطُّهُورُ لِلصَّلَاةِ، كَمَا أَرَاهُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَتَوَضَّأَتْ كَمَا تَوَضَّأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ صَلَّى بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاسْلَمَ كَمَا صَلَّى بِهِ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَصَلَّتْ بِصَلَاتِهِ؛

هنگامی که نماز بر پیامبر صلی الله علیه و اله واجب شد، در حالی که پیامبر صلی الله علیه و اله بر بلندی مکه حضور داشت، جبرئیل نزد پیامبر صلی الله علیه و اله آمد و در ناحیه وادی،

ص: 120

1- مفید، الإفصاح في الإمامة، ج 1، ص 30

2- طبری، تاریخ الطبری / تاریخ الرسل و الملوك، ج 2، ص 307

با بر زمین فشرد و چشمه آبی عیان شد و وضو گرفت و پیامبر صلی الله علیه و آله به آن می نگریست تا ببیند وضوی نماز چگونه است بعد جبرئیل نماز گزارد. پیامبر صلی الله علیه و آله هم نماز گزارد و جبرئیل بعد از نماز رفت. پس از آن پیامبر صلی الله علیه و آله نزد خدیجه علیها السلام آمد و همان گونه که از جبرئیل فراگرفته بود، برای خدیجه علیها السلام وضو گرفت تا آن را به وی تعلیم دهد. خدیجه نیز همان طور که یاد گرفته بود وضو گرفت و نماز را با پیامبر صلی الله علیه و آله به جای آورد. (1)

بدین ترتیب جبرئیل معلم پیامبر صلی الله علیه و آله و پیامبر صلی الله علیه و آله معلم خدیجه علیها السلام معلم خدیجه بود.

6. مشکل گشایی از پیامبر صلی الله علیه و آله

یکی از نمادهای مهم در ارتباط زن و شوهری در فرهنگ اسلامی و الهی، همکاری هم کاری زن با شوهر به خصوص در یک امر مقدس است. به جرأت می توان گفت بعد از حضرت زهرا علیها السلام و هم کاری وی با امیرالمؤمنین علیه السلام، این ویژگی در حضرت خدیجه علیها السلام مشهود بوده است. ابن هشام در ردیف اوصاف حضرت خدیجه علیها السلام، پس از منزلت های معنوی چون: «اول من آمن» بودن خدیجه علیها السلام و تصدیق نبوت وحی و قرآن پیامبر صلی الله علیه و آله، چند نکته مهم را در وصف این بانوی کرامت و فضیلت بیان می دارد که هر کدام آن می تواند نمادی از سبک زندگی فرد مسلمان باشد از جمله:

1. با پیامبر صلی الله علیه و آله در امر رسالت هم کاری کرد؛

2. باعث کاهش سختی های پیامبر صلی الله علیه و آله شد؛

3. پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ سخن ناراحت کننده ای از خدیجه علیها السلام نشنیدند؛

4. خدیجه علیها السلام فریاد رس پیامبر صلی الله علیه و آله در مشکلات و گرفتاری ها بود. (2)

خداوند منان به سبب این ویژگی عالی به وی سلام رساند و منزلی رفیع برای وی در بهشتش قرار داد که به بعضی از آن ها در عناوین بعدی اشارت خواهد شد.

ص: 121

1- طبری، تاریخ الطبری / تاریخ الرسل والملوک، ج 2، ص 307

2- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 140.

همان طور که اشاره شد خدای سبحان حضرت خدیجه علیها السلام را مخاطبه سلام خویش قرار داد ابن هشام در این باره می نویسد:

جبرئیل از سوی خدا برای خدیجه علیها السلام سلام فرستاد که پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: (یا خدیجه علیها السلام، هَذَا جِبْرِيلُ يَقْرِنُكَ السَّلَامَ مِنْ رَبِّكَ)؛ ای خدیجه علیها السلام! این جبرئیل است که از جانب خدا برای تو سلام می فرستد». خدیجه علیها السلام در پاسخ گفت: (الله [هو] السَّلَامُ، وَمِنْهُ السَّلَامُ، وَعَلَى جِبْرِيلِ السَّلَامُ)؛ خدا خود سلام است و سلام از اوست و سلام بر جبرئیل». (1)

اربعی نیز همین کلام را از ابن هشام نقل کرده، می نویسد:

(أَنَّ جِبْرِيلَ أتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ أَقْرَى خَدِيجَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ رَبِّهَا السَّلَامَ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ هَذَا جِبْرِيلُ يَقْرِنُكَ مِنْ رَبِّكَ السَّلَامَ قَالَتْ خَدِيجَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَمِنْهُ السَّلَامُ وَعَلَى جِبْرِيلِ السَّلَامُ). (2)

مجلسی نیز به نقل از عیاشی از ابوسعید خدری روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

(إِنَّ جِبْرِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِي لَيْدَةَ أُسْرِي بِي حِينَ رَجَعْتُ وَقُلْتُ يَا جِبْرِيلُ هَلْ لَكَ مِنْ حَاجَةٍ؟ قَالَ حَاجَتِي أَنْ تُقْرَأَ عَلَيَّ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنَ اللَّهِ وَمِنِّي السَّلَامُ)؛ جبرئیل هنگام بازگشت از معراج در همان شب با من سخن گفت. به جبرئیل گفتم: «آیا حاجتی داری؟» گفت: «درخواست من این است که سلام خدا و سلام مرا به خدیجه علیها السلام برسانی». (3)

تردید وقتی یک انسان چنین رفتار شایسته ای با پیامبر صلی الله علیه و آله داشته باشد شایسته مخاطبه الهی و سلام خدایی می شود و خدای آن پیامبر برای او سلام می فرستد. گفتنی است در فرهنگ روایی اسلام سلام رساندن بر بندگان برای پیامبران خدا و به ویژه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وجود دارد و نسبت به غیر اولیاء

ص: 122

1- همان

2- اربعی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج 1، ص 30

3- مجلسی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج 16، ص 7.

کامل الهی کمتر به چشم می خورد و یا اصلاً وجود ندارد. مگر در موارد اندک، از جمله زیارت برادر مؤمن که فقط برای خدا باشد. امام باقر علیه السلام فرمود:

خداوند فرشته ای را به زمین می فرستد و او در زمین راه می رود تا این که می رسد به در خانه ای که می بیند شخصی اذن ورود می خواهد فرشته می پرسد: «چه حاجتی داری؟» می گوید: «أُخِّ لِي مُسَلِّمٌ زُرْتُهُ فِي اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، قَالَ لَهُ الْمَلَكُ مَا جَاءَ بِكَ إِلَّا ذَاكَ! فَقَالَ مَا جَاءَ بِي إِلَّا ذَاكَ! فَقَالَ: إِيَّي رَسُولَ اللَّهِ إِلَيْكَ وَهُوَ يَقْرِيكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ وَجَبَتْ لَكَ الْجَنَّةُ...»؛

برادری [دینی] دارم که برای خدا به زیارتش رفتم. فرشته به وی می گوید: «فقط برای همین رفتی؟» پاسخ می دهد: «فقط برای همین.» فرشته می گوید: «من پیغام آور خدا به سوی تو هستم؛ خدا به تو سلام می رساند و می فرماید: بهشت بر تو واجب شد...» (1)

این روایت نشان می دهد که کار برای خدا موجب ارسال سلام الهی است. اما حضرت خدیجه علیها السلام با بزرگ ترین کار این چنینی، ملک مقرب الهی مستقیماً و عیناً سلام رسان الهی برای او شد و سلام مخصوص حضرت حق را برایش آورد.

8. تسلی و امداد الهی به حضرت خدیجه علیها السلام

پیش از این اشاره شد که حضرت خدیجه علیها السلام در مسیر حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله، متحمل سختی های فراوان شد. تا جایی که زنان قریش هنگام ولادت حضرت زهرا در بدرفتاری با وی از حد گذراندند امام صادق علیه السلام می فرماید:

(إِنَّ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ لَمَّا تَزَوَّجَ بِهَا رَسُولَ اللَّهِ هَجَرْتَهَا نِسْوَةٌ مَكَّةَ فَكَرَّ لَا يَدْخُلْنَ عَلَيْهَا وَلَا يَسَلُّنَّ عَلَيْهَا وَلَا يَتْرُكْنَ امْرَأَةً تَدْخُلُ عَلَيْهَا فَاسْتَوْحَشْتُ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا لِذَلِكَ...)

هنگامی که خدیجه علیها السلام با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ازدواج کرد، زنان مکه از اطرافش دور شدند و به وی سر نمی زدند و سلامش نمی کردند و حتی

ص: 123

نمی گذاشتند کسی به وی سر بزند؛ هنگامی که به حضرت زهرا باردار شد، تنها انیس و مونس وی جنین او بود.

(فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ كَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ تُحَدِّثُهَا مِنْ بَطْنِهَا وَ تُصَبِّرُهَا)؛

هنگامی که خدیجه علیها السلام به فاطمه علیها السلام باردار شد، فاطمه در درون شکم با وی سخن می گفت و او را به صبر و شکیبایی توصیه می کرد حضرت خدیجه علیها السلام این امر را از پیامبر صلی الله علیه و اله پنهان می کرد تا این که روزی بر خدیجه علیها السلام وارد شد؛ (فَسَمِعَ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ تُحَدِّثُ فَاطِمَةَ، فَقَالَ لَهَا يَا خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ مَنْ تُحَدِّثِينَ قَالَتِ الْجَنِينِ الَّذِي فِي بَطْنِي يَحَدِّثُنِي وَ يُؤْنِسُنِي)؛ پیامبر صلی الله علیه و آله و گفتگوی خدیجه علیها السلام با فاطمه علیها السلام را شنیدند و فرمودند: «ای خدیجه علیها السلام با چه کسی سخن می گویی؟» گفت: «جنینی که در شکم دارم با من سخن می گوید و او مونس من است». پس پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به خدیجه علیها السلام فرمود:

(یا خدیجه علیها السلام هَذَا جَبْرَيْلُ يَخْبِرُنِي [يَبْشِرُنِي] أَنَّهَا أَنْتِ وَأَنَّهَا التَّسْلَةُ الظَّاهِرَةُ المَيْمُونَةُ وَأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أَيْمَةً وَ يَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِهِ)؛

ای خدیجه علیها السلام جبرئیل به من بشارت داد که این جنین دختر و نسل پاکیزه و مبارک است خداوند نسل مرا از او قرار داده و ائمه و خلفای الهی که بعد از انقطاع وحی می آیند، از اوست».

این جریان تحدیث فاطمه با مادرش تا هنگام ولادت ادامه داشت که فرمود:

(حَضَرَتْ وَلَاذُنُهَا فَوَجَّهَتْ إِلَى نِسَاءِ قُرَيْشٍ وَ بَنِي هَاشِمٍ أَنْ تَعَالَيْنَ لِتَلِينَ مَنِّي مَا تَلِي النِّسَاءَ مِنَ النِّسَاءِ فَأَرْسَلَنَ إِلَيْهَا أَنْتِ عَصِيَّتَا وَ لَمْ تُقْبَلِي قَوْلَنَا وَ تَزَوَّجَتْ مُحَمَّدًا يَتِيمَ أَبِي طَالِبٍ فَقَبْرًا لَا مَالَ لَهُ فَلَسْنَا نَجِيءُ وَ لَا نَلِي مِنْ أَمْرِكَ شَيْئًا فَأَعْتَمَّتْ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ لِذَلِكَ فَبَيْنَا هِيَ كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا، أَرْبَعُ نِسْوَةٍ مَرَّ طَوَالَ كَانَهُنَّ مِنْ نِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ، فَفَزِعَتْ مِنْهُنَّ لَمَّا رَأَتْهُنَّ فَقَالَتْ إِحْدَاهُنَّ لَا تَحْزَنِي يَا خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ! فَأَرْسَلْنَا رَبِّكَ إِلَيْكَ وَ نَحْنُ أَخَوَاتُكَ أَنَا سَارَةُ وَ هَذِهِ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ هِيَ رَفِيقَتُكَ فِي الْجَنَّةِ وَ هَذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ هَذِهِ كَلْتُومُ أُخْتُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ بَعَثْنَا اللَّهُ إِلَيْكَ لِتَلِي

(مِنْكَ مَا تَلِي النَّسَاءَ فَجَلَسَتْ وَاحِدَةً عَنْ يَمِينِهَا وَ أُخْرَى عَنْ يَسَارِهَا وَ الثَّالِثَةُ بَيْنَ يَدَيْهَا وَ الرَّابِعَةُ مِنْ خَلْفِهَا فَوَضَعَتْ فَاطِمَةُ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً)؛

وقتی زمان ولادت فاطمه علیها السلام و نزدیک شد دنبال زنان قریش و زنان بنی هاشم فرستاد تا به خانه خدیجه علیها السلام بیایند و به وی کمک کنند زنان قریش پیام دادند: «تواز ما نافرمانی کردی و پیشنهاد ما را رد نمودی! و با محمد فقیر و یتیم ابوطالب ازدواج کردی؛ ما به کمک تو نمی آیم. لذا خدیجه علیها السلام غمگین شد. در این میان چهار زن گندم گون مانند زنان بنی هاشم بر وی وارد شدند خدیجه علیها السلام ابتدا ترسید و فزع کرد اما هنگامی که آن ها را دید یکی از آن ها به وی گفت: «خدیجه علیها السلام نترس! ما خواهران تویم من ساره هستم و این آسیه دختر مزاحم رفیق تو در بهشت است؛ آن یکی مریم دختر عمران و این یکی کلثوم خواهر موسی بن عمران است. خدا ما را برای کمک به تو فرستاده است». این چهار نفر یکی در طرف راست و دومی در طرف چپ سومی روبه رو و چهارمی پشت سر خدیجه علیها السلام نشستند و فاطمه طاهره مطهره به دنیا آمد (1)

در حقیقت حضرت خدیجه علیها السلام از یک سو حامل وجود ذی جودی چون فاطمه زهرا علیها السلام بود که هیچ زنی چنین شایستگی را نداشت و از سوی دیگر، به سبب این دختر و مادری وی مخدوم ولیات سیدات و سروران زنان عالم گردید.

9. تفکر درست اقتصادی

از ویژگی های رفتار خدیجه علیها السلام، ثروتمندی وی و درست هزینه کردن آن است. نوشته اند که خدیجه علیها السلام دارای ثروت زیاد و تاجری با شرافت بود و مردان زیادی از قریش برای وی تجارت می کردند. (2) اما مهم این است این ثروت که از راه تجارت به دست آمده در چه راهی هزینه شد دو نکته مهم در روش خدیجه علیها السلام وجود داشت:

ص: 125

1- ابن بابویه، أمالی، ص 594

2- طبری، تاریخ الطبری/ تاریخ الرسل و الملوک، ج 2، ص 280

الف) حمایت همه جانبه از شوهرش و آرمان های او؛

ب) هزینه کردن ثروت در راه نشر اسلام

گفتنی است کسب مال و هزینه شدن آن چهار صورت دارد:

1. کسب حلال و هزینه کرد حلال؛

2. کسب حلال و هزینه کرد حرام؛

3. کسب حرام و هزینه کرد حلال؛

4. کسب حرام و هزینه کرد حرام.

صورت چهارم بدترین حالت است و صورت اول بهترین حالت. صور دوم و سوم نیز با درصد خطای بالا روبه رو است. بر اساس آموزه های قرآن که فرمود: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ)؛

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از قسمت های پاکیزه اموالی که به دست آورده اید و از آن چه از زمین برای شما خارج ساخته ایم [از منابع، معادن، درختان و گیاهان] انفاق کنید! و برای انفاق به سراغ قسمت های ناپاک نروید در حالی که خود شما [به هنگام پذیرش اموال] حاضر نیستید آن ها را بپذیرید مگر از روی اغماض و کراهت! و بدانید خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است» (1)

تنها صورت اول است که شایستگی انفاق در مسیر خدا را دارد و حضرت خدیجه علیها السلام این گونه عمل کرد و در حقیقت قبل از نزول آیه انفاق، با هدایت فطری، انفاق قرآنی انجام داد.

10. دوست داشتنی و فرزند داری

یکی از ویژگی های حضرت خدیجه علیها السلام که بخشی از سبک زندگی او را تشکیل می دهد و می تواند الگویی مناسب برای جامعه ایمانی امروزی باشد،

ص: 126

فرزند داری وی و توجه به تربیت آن است. بر اساس گزارش های تاریخی و گواهی احادیث در میان زنان پیامبر صلی الله علیه و آله تنها همسری که نسل آن حضرت به معنای عام را ماندگار نمود حضرت خدیجه علیها السلام است که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره اش تعبیر به «ولود» کردند. طبق روایت منقول از امام صادق علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله وارد منزل شدند و دیدند که عایشه بر حضرت فاطمه علیها السلام فریاد می کشد و می گوید: «ای دختر خدیجه علیها السلام، مادرت را برتر از ما می دانی؟!» و ادامه داد: «أَيُّ فَضْلٍ كَانَ لَهَا عَلَيْنَا مَا هِيَ إِلَّا كَبَعْضِنَا؛ او چه برتری بر ما دارد؛ او هم مثل ماست؟»، و فاطمه زهرا علیها السلام به خاطر این برخورد می گرید! در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: (فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَارَكَ فِي الْوَدُودِ وَالْوَلُودِ وَإِنَّ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ رَحِمَهَا اللَّهُ وَوَلَدَتْ مِنِّي طَاهِرًا... وَوَلَدَتْ مِنِّي الْقَاسِمَ وَفَاطِمَةَ...) خدای تبارک و تعالی برکت را در [زن] دوست داشتی و فرزند دار قرار داده است و خدیجه علیها السلام [این چنین بود] برای من فرزندان چون طاهر قاسم و فاطمه را به دنیا آورد...» (1)

نکته قابل توجه این که هر چند پسران و دختران پیامبر صلی الله علیه و آله همگی و حتی ابراهیم از دنیا رفتند فاطمه علیها السلام که از پیامبر و خدیجه علیها السلام باقی ماندند، منشأ بخش عظیمی از جمعیت روی زمین در روزگار حاضرند که درصد بالایی را تشکیل می دهد و کوشش نبوی را تحقق بخشیدند.

به هر صورت، یکی از ویژگی های حضرت خدیجه علیها السلام افزون بر وُلُود بودن، وُدُود بودن اوست. و دود به لحاظ ساختاری صفت مشبیه است که می تواند به معنای اسم فاعل یعنی واَدّ و محب [به ضمیمه و کسر حا و باء مشدد] باشد (2) و هم می تواند به معنای اسم مفعول یعنی مودود و محبوب، از این رو، در معنای «هُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ» (3) می گویند به معنای «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» (4)

ص: 127

1- مجلسی، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار، ج 16، ص 3

2- فیومی، المصباح المنیر، کلمه ودد

3- سوره بروج، آیه 14

4- سوره مائده، آیه 54

است. (1) بنابراین و دود بودن حضرت خدیجه علیها السلام یعنی که هم محبوب پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و هم محب آن حضرت زنان جامعه نیز با تاسی از این ویژگی می توانند در زندگی مشترک با شوهر هم محب باشند و هم محبوب؛ یعنی هم دوستدار باشند و هم دوست داشتنی.

در معنای و دود نیز گفته شده که این واژه به معنای «البعید من النفاق = دور از نفاق» است. (2) که در این صورت ویژگی دیگری برای حضرت خدیجه علیها السلام به شمار می آید.

گفتنی است رابطه محبتی بین پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام آن قدر عمیق بود که سال وفات آن بانو سال حزن نام گذاری شد.

11. عطوفت بر فرزند

امام باقر علیه السلام درباره گریه حضرت خدیجه علیها السلام در داغ فرزندش می فرماید:

پیامبر صلی الله علیه و آله پس از درگذشت پسرش، قاسم بر خدیجه علیها السلام وارد شدند و دیدند خدیجه علیها السلام گریه می کند فرمود: «چه چیز باعث گریه کردنت شده است؟» گفت: «با جریان شیر به یاد فرزندم افتادم». فرمود: (یا خدیجه علیها السلام أَمَا تَرْضَيْنَ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ تَجِيءَ إِلَى بَابِ الْجَنَّةِ وَ هُوَ قَائِمٌ فَيَأْخُذُ بِيَدِكَ فَيَدْخِلُكَ الْجَنَّةَ وَ يُنَزِّلُكَ أَفْضَلَ لَهَا)، (وَ ذَلِكَ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَحْكَمُ وَ أَكْرَمُ أَنْ يَسْلُبَ الْمُؤْمِنَ ثَمْرَةَ فَوَادِهِ ثُمَّ يُعَذِّبَهُ بَعْدَهَا أَبَدًا)؛

ای خدیجه علیه السلام آیا نمی خواهی به این امر راضی باشی که در روز قیامت، به هنگام ورود به بهشت دستت را بگیرد و تو را به جای برتر بهشت ببرد... و این لطف به این علت است که خدا عز و جل برتر از این است که ثمره دل کسی را بگیرد و بعد او را عذاب کند».

(3)

آن چه در این جا مهم است این که زنی چون خدیجه علیها السلام کبری علیها السلام به یاد

ص: 128

1- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، کلمه و دد.

2- ابن مرزبان، الألفاظ (الكتابة والتعبير)، ج 1، ص 108

3- کلینی، کافی، ج 3، ص 218

فرزند از دست رفته اش می‌گیرد و با تذکر نبوی آرام می‌گیرد. این نیز بیان گر ایمان راسخ خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و تأثر پذیری از آن حضرت است. این نکته است که یک زن مؤمن اولاً ولود باشد و بی دلیل و یا به دلای واهی از فرزندار شدن جلوگیری نکند. ثانیاً برای از دست رفتن فرزند خود ناراحت و افسرده بشود. ثالثاً با تذکر ولی خود آرام گردد رابعاً امید و ایمان داشته باشد که این داغ فرزند و صبر بر آن پاداشی عظیم دارد تا جایی که ممکن است عذاب الهی از وی برداشته شود

12. شایستگی مادری حضرت زهرا علیها السلام

بی تردید حضرت زهرا علیها السلام به عنوان حلقه اتصال بین نبوت ولایت و امامت جایگاهی ویژه در نظام تکوین و تشریح دارند، ضمن این که این بانوی کرامت و شرافت که کوثر قرآن و سبب تداوم نسل نبوی بودند، فضیلت سیادت بر زنان عالم را نیز داشتند که در حدیث نبوی فرمود:

(إِنَّ عَلِيًّا وَصِيًّا وَ خَلِيفَتِي وَ زَوْجَتُهُ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ابْنَتِي)؛

همانا علی علیه السلام وصی و خلیفه من است و همسرش فاطمه دخترم سرور زنان جهانیان (1)

و نیز فرمود:

(وَأُمِّي ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولِيِّينَ وَالْآخِرِينَ وَ هِيَ بَصْعَةٌ مِنِّي وَ هِيَ نُورٌ عَيْنِي وَ هِيَ ثَمَرَةٌ فُؤَادِي وَ هِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي وَ هِيَ الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ)؛

دخترم فاطمه سرور زنان عالمیان از اول تا آخر است؛ او پاره تن من نور چشم من و میوه دل من است؛ او روح من است که در تنم قرار دارد و او انسانی حوریه خصال است. (2)

آن چه در این جا اهمیت دارد این که ظرف تحقق وجودی چنین وجود

ص: 129

1- ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 179

2- ابن بابویه، امالی، ص 113

عظیمی کیست؟ کدام یک از زنان عالم شایستگی چنین فضیلتی را داشتند؟ مگر هر زنی می تواند دارای این ویژگی شود؟ کدام صدفی این کوثر و گوهر گران بها را در خود پرورش داد؟ این جاست که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمودند:

(لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أَخَذَ بِيَدِي جِبْرَائِيلُ فَأَدَخَلَنِي الْجَنَّةَ فَنَاولَنِي مِنْ رُطْبِهَا فَأَكَلْتُهُ فَتَحَوَّلَ ذَلِكَ نُطْفَةً فِي صَدْرِي فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَافَعْتُ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ فَفَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ فَكَلَّمَا اشْتَقْتُ إِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ شَمِمْتُ رَائِحَةَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ)؛

هنگامی که به آسمان عروج کردم جبرئیل دستم را گرفت و مرا وارد بهشت کرد و از رطب بهشت تناول نمودم و این مأکول، به نطفه ای در صلب من تبدیل شد و به خدیجه علیها السلام منتقل و او به فاطمه باردار گردید بنابراین، فاطمه حوریه ای است به صورت انسان هر وقت مشتاق رایحه بهشتی شوم دخترم فاطمه را می بویم. (1)

این صدف، کسی جز امّ المؤمنین خدیجه علیها السلام، و آن هم با مقدمات ملکوتی و عنایات الهی کس دیگری نیست و در حقیقت این یکی از امتیازات آن بانو به شمار می آید.

نتیجه

با مرور در گزارش های تاریخی و روایی مرتبط با حضرت خدیجه علیها السلام چنین استفاده می شود که این بانوی کرامت شرافت و سیادت، در عرصه های مختلف بینشی، منشی و کنشی دارای ویژگی هایی بعضاً منحصر به فرد بودند که نه تشریحاً و نه تکویناً تکرار پذیر نیست. وی در عرصه بینش، دارای بینش عمیق اعتقادی و بصیرت درست بودند در عرصه، اخلاق ایشان پایداری در برابر سرزنش ها و نیز ایثارگری در راه خدا را در کارنامه خود دارند. و در عرصه عمل و کنش پیشگام در اقتدا به پیامبر صلی الله علیه و آله و ویژگی مشکل گشایی از ساحت نبوی در برنامه خود داشتند که در امر رسالت به وسیله ثروت خدادادی با وی همکاری

ص: 130

کرد. این بزرگ بانوی اسلام به خاطر عقیده بصیرت و عمل، به جای دست یازید که مورد عنایت الهی مخاطب مستقیم سلام الهی و از سروران زنان عالم شد. رابطه این بانوی بزرگوار با پیامبر صلی الله علیه و آله، رابطه دوسویه محبتی بود؛ یعنی هم محب پیامبر صلی الله علیه و آله بود و هم محبوب او و بالا-خره به جایگاهی رسید که مدال شایستگی علیت برای بقای نسل مطهر نبوی را دریافت نمود و به واسطه او، کوثر نبوت محقق گردید.

ص: 131

1. ابن إسحاق، محمد، سيرة ابن إسحاق / كتاب السير والمغازي، تحقيق سهيل زكار چاپ، اول، بيروت، دار الفكر، 1398ق.
2. ابن بابويه، محمد بن علی، أمالی، چاپ ششم کتابچی، تهران، 1376ش.
3. ابن بابويه، محمد بن علی من لا يحضره الفقيه، تحقيق على اكبر غفاري چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1413ق.
4. ابن هشام عبدالملك السيرة النبوية، تحقيق مصطفى سقا و ابراهيم أيارى و عبدالحفيظ شلبي، چاپ دوم، مصر، شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي و أولاده، 1375.
5. ابن مرزبان، محمد بن سهل، الألفاظ (الكتابة والتعبير)، تحقيق حامد صادق قنبي چاپ اول، عمان، دار البشير، 1412ق.
6. اربلي، على بن عيسى، كشف الغمہ في معرفه الاثمه، بيروت، دارالكتب الاسلاميه، 1981م.
7. بيهقي، أحمد بن الحسين، دلائل النبوة، تحقيق عبدالمعطي، قلعجي چاپ اول دارالكتب العلمية دارالريان للتراث، 1408ق.
8. حر عاملي، محمد بن الحسن، وسائل الشيعه، چاپ اول، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، 1409ق.
9. راغب، اصفهاني، حسين مفردات الفاظ القرآن، تحقيق عدنان داودي، چاپ اول، بيروت، دار القلم دمشق و الدار السامية، 1412ق.
10. طبري، محمد بن جرير، تاريخ الطبري / تاريخ الرسل والملوك، و (صلة تاريخ الطبري لعريب بن سعد القرطبي)، چاپ دوم، بيروت، دارالتراث، 1387ق.
11. فيومي، احمد بن محمد المصباح المنير چاپ دوم، ايران، منشورات دار الهجرة، 1414ق.

12. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق سید طیب موسوی جزائری، چاپ چهارم، قم، دارالکتاب، 1367ش.
13. کلینی، محمد بن یعقوب کافی چاپ چهارم تهران دارالکتب الإسلامیه، 1365ق.
14. مازندرانی، محمد صالح، الکافی الأصول والروضه، چاپ اول، تهران، المكتبة الإسلامية، 1382ش.
15. مجلسی، محمد باقر، 1403، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الاطهار، چاپ سوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی بی تا
16. مرتضی عاملی، سید جعفر الصحیح من سیره النبی الاعظم سیره صحیح پیامبر اعظم، ترجمه محمد سپهری، چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1391ش.
17. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، تحقیق مؤسسة آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، قم، کنگره شیخ مفید، 1413ق.
18. مفید، محمد بن محمد، الإفصاح في الإمامة، چاپ اول، قم، کنگره شیخ مفید، 1413ق.
19. مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء والتاریخ، مكتبة الثقافة الدينية، بور سعید، بی تا
20. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دار الکتب الإسلامیه 1374ش.
21. میبدی، احمد بن ابی سعید رشید الدین، كشف الأسرار وعده الأبرار، تحقیق علی اصغر حکمت، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیرکبیر، 1371ش.

*الگوی رفتاری حضرت خدیجه کبری علیها السلام در زمینه همسررداری: ثریا شاعیدی (1)

چکیده

لزوم شناخت الگویی کامل در تعاملات رفتاری همسران موجب استحکام و بالندگی مهم ترین نهاد جامعه یعنی خانواده می شود. درایت نواندیشی و معنویت جویی از مهم ترین اصول ارزشی در انتخاب شریک و همراه زندگی است این صفات به همراه اطاعت پذیری احترام و نگرش ارزش مدارانه به همسر، تنها نمونه هایی از جلوه های بارز همسررداری خدیجه کبری علیها السلام برای کسانی است که به نیک بختی و سعادت می اندیشند از این رو پژوهش حاضر بر آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی، سیره رفتاری حضرت خدیجه علیها السلام را به عنوان الگویی کامل و بی بدیل در همسررداری به جامعه معرفی سازد و مسبب تحکیم روابط بین زوجین و در نهایت خانوادهای با نشاط گردد

واژگان کلیدی

خدیجه کبری، الگو، رفتار، ارتباط همسررداری

مقدمه

سبک شوهررداری بانوان یکی از ابعاد مهم اثرگذار سبک زندگی اسلامی است که سهم والایی در نشاط و استحکام خانواده و در نتیجه اجتماع بشری دارد. همان که در لسان شریف پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که یکی از زنان مسلمان خدمت

ص: 134

آن حضرت مشرف شد و از علت معافیت زنان از جهاد پرسید، فرمودند: (جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ)؛ «جهاد زن خوب شوهرداری کردن است».⁽¹⁾

یکی از برنامه های تربیتی اسلام آموزش سبک شوهرداری به بانوان است. امروزه بسیاری از اختلافات ناهنجاری ها و مشاجراتی که طعم زندگی را به کام همسران و فرزندان شان تلخ کرده از نداشتن الگویی کامل برای اداره درست خانواده نشأت می گیرد.

اگر جامعه ای بخواهد بنای زندگی مشترک را با شالوده های متین بنا نماید باید الگوی برتر سبک رفتار زن با شوهر در خانواده ها را بشناسد و پس از شناسایی رفتاری او را سرمشق خویش قرار دهد و در جهت همانند شدن با او بکوشد.

حضرت خدیجه علیها السلام در طول 25 سال زندگی مشترک با پیامبر صلی الله علیه و آله در ترویج آیین شوهرداری اسلامی به عنوان اولین زن تشکیل دهنده خانواده مسلمان، کوشید تا با رعایت حقوق و آداب، همسررداری نهایت تلاش خویش را برای کسب خشنودی همسر و سازگاری با وی به عمل آورد.

این نوشته نگاهی است نو و زنده به سیره درخشان و الهام بخش این بانوی بزرگ در فضایی که آکنده از تعصب کور جاهلی و دنباله روی از رهبران تاریک فکر و ستم پیشه بود بانویی فرزانه که سمبل معنویت و اخلاق به شمار می آمد و مردم روزگارش او را پاک منش و پاک روش می شناختند.

بی تردید مهم ترین بخش زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام، در پیوند ایشان با حضرت محمد صلی الله علیه و آله صورت می پذیرد ازدواج آن بانوی عاقل و کامل با پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و شریک آرمان ها حمایت ها و پشتیبانی های بی دریغ آن حضرت نقطه عطفی در تاریخ اسلام است که در شمار برترین زنان تاریخ ساز جلوه می کند. در روایتی رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت خدیجه علیها السلام را «صدیقه امت اسلامی» نامیدند: (هذه صدیقه امتی).⁽²⁾ به همین دلیل نوشتار حاضر با هدف

ص: 135

1- کلینی، کافی، ج 9، ص 370

2- ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج 2، ص 62

درس آموختن و الگو گرفتن از سبک شوهرداری پرجاذبه حضرت خدیجه علیها السلام برای همه به ویژه دختران و زنان کمال طلب و روشن فکر تدوین شده است. چگونگی رفتار ایشان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله به عنوان رهبر امت اسلامی در زندگی مشترک، سؤال اصلی پژوهش حاضر است

پژوهش های فراوانی درباره این موضوع انجام شده است. از آثار مستقل درباره خدیجه کبری علیها السلام می توان به کتاب علی کریمی فریدنی (1382) به نام در فروغ آسمان حجاز اشاره کرد. وی در یکی از بخش های کتاب، به سه دهه زندگی و دغدغه های مشترک ایشان پرداخته است. استاد حسین تهرانی نی (1392) نیز در کتاب خصائص ام المومنین خدیجه الکبری علیها السلام، به بررسی شخصیت آن بانوی بافضیلت با ذکر ویژگی های وی همانند حسن رفتار با همسر راستی و درستی و مقاومت و صبوری پرداخته است. هم چنین مؤسسه سبطین مقاله ای با نام «ویژگی های رفتاری حضرت خدیجه علیها السلام نسبت به پیامبر صلی الله علیه و اله نگاشته»؛ اما هیچ یک از این پژوهش ها نگاه استقلالی به الگوی رفتاری حضرت خدیجه علیها السلام در همسررداری ندارند در نوشتار حاضر با محوریت نمونه هایی از آیین همسررداری آن بانوی بافضیلت در پی نشان دادن الگویی درست از، همسری برای ایجاد روابط سالم و سازنده است.

نمونه هایی از آیین همسررداری به سبک حضرت خدیجه علیها السلام

1. معیار ارزشی در گزینش همسر

در گام نخست، استحکام خانواده، به جلوگیری از تشکیل خانواده ای سست بنیان و متزلزل وابسته است گزینش درست همسر مبتنی بر آموزه های، دینی به تشکیل خانوادهای پایدار می انجامد اهداف و انگیزه ها در پیوند دو انسان برای زندگی مشترک متفاوت است داشتن انگیزه ای الهی و معنوی و نه احساسی و مادی از نکاتی است که هم در متون دینی و هم از سوی صاحب نظران مسائل خانواده بر آن تأکید شده است؛ زیرا این امر، تأثیر

انکارناپذیری بر موفقیت و تداوم پیوند زوجین دارد هدف برخی مادی و رسیدن به جاذبه های ظاهری است و پاسخ گویی به نیاز جسم را پی می گیرند، اما برخی دیگر در اندیشه جاذبه های معنوی و یافتن مونسی امین برای پیمایش راه کمال و سعادت هستند.

ازدواج از دیدگاه اندیشه ویران و معنویت خواهان پاسخی است به نیازهای روحی و روانی و عاطفی انسان که قرآن کریم در این باره می فرماید: (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ)؛ «و از نشانه های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میان تان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند».(1)

از بالا ترین فضایل حضرت خدیجه علیها السلام، به اندیشه بلند و بصیرت عمیق ایشان اشاره می توان کرد که در مراسم خواستگاری اش خطاب به حضرت محمد صلی الله علیه و اله، ملاک و معیار اصولی خود را این چنین معرفی می کند:

(يَا بْنَ عَمِّ! إِنِّي قَدْ رَغِبْتُ فِيكَ لِقِرَابَتِكَ مِنِّي وَ شَرَفِكَ فِي قَوْمِكَ وَ أَمَانَتِكَ عِنْدَهُمْ وَ حُسْنِ خُلُقِكَ وَ صِدْقِ حَدِيثِكَ)؛ (2)

ای پسر عمو! من به خاطر خویشاوندیت با من و شرف و امانت داریت در میان قوم خود و به جهت اخلاق نیک و راست گویت، به تو تمایل پیدا کردم

انگیزه های خردگرایانه و نوگرایانه خدیجه علیها السلام برای انتخاب شریک و همتای زندگی به گواهی، تاریخ ایمان و آگاهی ژرف به تقوا و پاک دامنی و نجابت پیامبر صلی الله علیه و اله و آینده درخشان ایشان بود و هرگز این اصول و ارزش ها در زندگی پرفراز و نشیب او و توفان تاریک اندیشی ها، تابع احساسات و دست خوش آفت ها نگردید.

ص: 137

1- سوره روم، آیه 21

2- ابن هشام، سیره النبی، ج 1، ص 201؛ طبری، تاریخ طبری، ج 1، ص 521، اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج 1، ص 509.

گزینش شگفت و سرنوشت ساز بانوی با درایت، قریش ناشی از بینش و منش پاک و استواری بود. وی در پاسخ به گروهی از زنان قریش که او را به سبب این ازدواج سرزنش می کردند، فرمود:

ای زنان شنیده ام شما و شوهران تان در مورد ازدواج من با محمد صلی الله علیه و آله خرده گرفته اید و عیب جویی می کنید از خود شما می پرسم: آیا در میان شما، فردی مانند محمد صلی الله علیه و آله وجود دارد؟ آیا در شام و مکه و اطراف آن شخصیتی مانند ایشان در فضایل و اخلاق نیک سراغ دارید؟ من به سبب این ویژگی ها با او ازدواج کردم و چیزهایی از او دیده ام که بسیار عالی است. (1)

امام صادق علیه السلام در مورد انگیزه آن بانوی با فضیلت و معنویت در پیوند با پیامبر فرمودند:

او همان بانویی است که به سبب کمال جویی و آینده نگریش، خود را به همسری پیامبر آزادی درآورد؛ زیرا پرتوی از نویدها و بشارت های کتاب های آسمانی پیشین را از زبان دانایان و پارسایان روزگار خویش در وصف محمد صلی الله علیه و آله شنیده بود. (2)

ملاک و معیار خدیجه علیها السلام در انتخاب پیامبر صلی الله علیه و آله به همسری و ادامه زندگی با او مخالف معیارهای نظام اشرافی مکه و حتی با زندگی خانواده های معمولی بود. زندگی خدیجه علیها السلام در گذر از رفاه به فقر فقط قابل تحلیل با عشق خالص او به پیامبر صلی الله علیه و آله و آن هم نه عشق وصال بلکه عشقی تشنگی افزا و معرفت افزون بود. (3)

یک معیار ارزشی و خداپسندانه راز موفقیت و کامیابی در بنا نهادن نهاد متعالی خانواده است که مسیر زندگی را از بنیان دگرگون می کند و زوجین را به اوج می رساند.

ص: 138

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 81.

2- الحمیری، السیره النبویه، ص 325

3- زرگری نژاد، تاریخ صدر اسلام، ص 289

در نگرش اسلامی ارتباط عاطفی یکی از شاخص های مثبت همسری است. زن و مرد به گونه ای آفریده شده اند که به صورت زیستی - طبیعی دارای گرایش به روابط احساسی - عاطفی با یک دیگرند. این روابط، در ارتقای سلامت روحی و پرورش استعداد های تربیتی آنان بسیار مؤثر است و در کاهش اضطراب ها و آشفتگی ها نقش اساسی دارد خداوند حکیم در قرآن کریم، (1) یکی از اهداف تشکیل خانواده را پیوند مودت و رحمت بیان فرموده است. در روایات معصومان علیهم السلام، زنی ستوده شده که یار و یاور شوهرش باشد و روزگار را علیه او نشوراند. و در تنگنا های روحی همدم و مونس او باشد. چنین زنی از کارگزاران الهی شمرده شده است. (2)

مودت و رحمت میان زن و شوهر مقوله ای دو طرفه است؛ یعنی هر یک از زن و مرد، در ژرفای وجود خویش، به مهربانی از جانب دیگری نیاز دارند و این نیاز تنها با تشکیل خانواده و آمیزش آن دو بر آورده می شود. پس در تشکیل خانواده تنها رفع نیاز جنسی مطلوب نیست؛ بلکه افزون بر رفع نیاز، نوعی نیاز به احسان و عطوفت از سوی همسران نسبت به همدیگر وجود دارد و هر دو از این رفع نیاز، احساس شادمانی می کنند، بی آن که هر گونه تلاش و تحمل رنج در این راه بتواند آن ها را دچار خستگی کند. (3)

بر همین اساس علامه محمد جواد مغنیه می گوید:

ازدواج مبادله روح با روح و عقد ازدواج پیمان مودت و رحمت است، نه مالک شدن جسم بر جان (4)

سر آغاز زندگی مشترک خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و اله، با تبلور و درخشندگی فراوانی همراه بود و هر روز زیبایی و لطافت بیش تری به خود می گرفت؛ زیرا

ص: 139

1- سوره اعراف، آیه 7 و 189؛ سوره روم، آیه 21

2- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 20، ص 31

3- سید حسین هاشمی، «قرآن و کارکردهای نهاد خانواده»، فصل نامه پژوهش های قرآنی ش، 48، ص 88

4- مغنیه، سیره النبویه، ج 2، ص 451

آن‌ها زندگی مشترک را در فضایی آغاز کرده بودند که لبریز از عشق و معرفت و خداپرستی و نوع دوستی بود و در کران تا کران آن، مهر و عطوفت و ارزش‌های دل‌انگیز اخلاقی موج می‌زد نهایت خضوع و عشق خدیجه علیها السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله را در هنگام پایان یافتن مراسم عقد و ازدواج ایشان با ابراز «به خانه ات در آی که خانه من خانه توست و من کنیز تو» نمایان می‌گردد. (1) این عشق و علاقه یک طرفه، نبود بلکه محبت دو جانبه بود این واقعیت را ابوطالب در خطبه عقد چنین بیان کرد «وله فی الخدیجه رغبه و لها فیه رغبه». (2)

در روایات شیعه و اهل تسنن و نیز در کلام بزرگان و اندیشه وران، درباره شدت عشق خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله تعبیرات گوناگونی به میان آمده است.

به گفته نویسنده مستدرک سفینه البحار، «فضایل حضرت خدیجه علیها السلام که در ابواب مختلف روایات آمده بیش از آن است که قابل شمارش باشد. حاصل توجه به این روایات پی بردن به راز عظمت او و شناخت شایستگی‌های اوست». (3)

خدیجه علیها السلام برترین همسر برای بزرگ‌ترین مرد به شمار می‌رفت. زندگی آنان سرشار از محبت و عشق صادقانه و وفاداری کامل و اخلاصی متقابل بود. آنان فرزندان صالح از دختر و پسر داشتند که روزی خداوند برایشان بود. (4)

به راستی شیفتگی و دلدادگی خالصانه، این دو انسان نمونه را که از نظر وضعیت زندگی کاملاً تفاوت داشتند به هم نزدیک ساخت و مهر و معنویت وصف ناپذیری را میان آنان پدید آورد که همواره در تاریخ اسلام از آن دوزوج کمال یافته به عنوان دو اسطوره عاشقی یاد می‌شود.

3. اطاعت پذیری زن از شوهر

در رویکرد، قرآنی تفکیک نقش‌ها و اطاعت پذیری زن در برابر مرد در پیوند

ص: 140

1- بحار الانوار، ج 17، ص 309

2- کلینی، کتاب النکاح، ح 9.

3- قمی، سفینه البحار، ص 572

4- عبد العال، تساء خالداً فی القرآن الکریم، ص 69

زوجیت، از یک سو بر تفاوت های طبیعی و از سوی دیگر، بر پایه دستورهای و فقهی و اخلاقی استوار است که در حقوق و تکالیفی پدیدار می شود که آن دو در قبال یک دیگر دارند. این نوع اطاعت پذیری که از ویژگی های طبیعی و زیستی- روانی ناشی می شود بر اساس توانایی ها و نیازمندی هاست و نمی تواند دلیلی بر ارزشمندی و فضیلت یک جنس بر جنس دیگر و نه تحقیر دیگری باشد. ایفای نقش ها در جایگاه همسری احساس رضایت و کمال به زن و مرد می دهد. بنابراین اسلام در پی نشان دادن الگویی درست از همسری برای ایجاد روابط سالم و سازنده است.

قرآن کریم می فرماید: (فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ...); «پس زنان صالح زنانی متواضعند و در غیاب (همسر خود) اسرار و حقوق او را در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده حفظ می کنند».(1)

جمله (فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ)، لحن و تعبیری توصیفی دارد نه امری و دستوری در واقع حکم مربوط به شئون همسری و چگونگی روابط در خانواده است و می فرماید زنان صالح باید چنین و چنان باشند؛ یعنی همواره در اموری که به کام جویی شوهران مربوط می شود بر آنان واجب است که مراعات کنند و همه چیزهایی که به حق شوهران ارتباط دارد در غیاب آنان حفظ نمایند.(2)

خداوند سبحان در این آیه از زنان با اجلال و تکریم یاد کرده در مقابل قیم یا مدیر داخلی خانه بودن که برای مردان فقط وظیفه اجرایی است، درباره مزایای زنان می فرماید:

زنان صالح حق گرا، پیوسته در طاعت الهی پیرو پروردگار و به فرمان او، به پیمان زناشویی پای بندند و همواره از شوی خود فرمان می برند. اطاعت زن از شوهر در چارچوب زناشویی واجب است نه به طور مطلق در شئون زندگی نیز معیار و جوب اطاعت برای زن هماهنگی فرمان شوهر با دین

ص: 141

1- سوره نساء، آیه 34

2- طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 4، ص 343

خدا و تنها در مواردی است که دستور شوهر با دین الهی موافق باشد، و گر نه نباید پیروی کند چون وی (زن) مطیع خداست. زن می تواند با شرط ضمن عقد وظایف خویش را مقید و محدود و دامنه حقوق و اختیارات شوهر را کوتاه سازد. (1)

هم چنین روایات متعددی بر لزوم یا مطلوبیت اطاعت زن از شوهر دلالت دارند از جمله زنی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و از حق شوهر بر زن سؤال نمود؛ حضرت در پاسخ اطاعت از شوهر و ترک نافرمانی او را جزء حقوق شوهر بر زن به شمار آوردند. (2)

حضرت خدیجه علیها السلام را مصداق بارز این آیه شریفه می توان بر شمرد که با بذل جان و مال در راه رسول خدا صلی الله علیه و آله را با کمال اخلاص اطاعت پذیری از همسر بزرگوار خود را در تاریخ بشریت جاودانه کرد چه منطبق و سندی شایسته تر از گواهی پیامبر صلی الله علیه و آله بر این منش هم دلانانه خدیجه علیها السلام که بارها فرمود:

والله ما اخلف لي خيرا منها، لقد آمنت بي إذ كفر الناس و آوتني إذ رفضني الناس و صدقتني إذ كذبني الناس و رزقت مني الولد حيث حرمتوه قالت فغدا و راح علي بها شهرا... (3)

به خدا سوگند که هرگز یار و همسری بهتر از خدیجه علیها السلام به من ارزانی نشد؛ زیرا او روزگاری که مردم نسبت به من کفر و نافرمانی ورزیدند، به راه و رسم من ایمان آورد؛ و هنگامی که مرا دروغ گو می شمردند، خالصانه و صادقانه رسالتم را گواهی کرد؛ آن گاه که مرا در محاصره قرار می دادند، ثروت و امکانات هنگفت خویش را در راه اهداف توحیدی و انسانی رسالت من قرار داد... .

حضرت خدیجه علیها السلام، ملکه کمال یافته و مترقی قریش با وجود داشتن اموال فراوان و موقعیت اجتماعی ویژه در رفتار و مواجهه با همسر گران قدر خود عرضه داشتند:

ص: 142

1- جوادی آملی تسنیم، ج 18، ص 547-548

2- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 20، ص 40

3- ابن هشام، سیره النبی، ج 1، ص 240؛ بحار الانوار، ج 16، ص 12.

والله يا محمد إن كان مالك قليلا فمالي، كثير، و من يسمح لك بنفسه كيف كيف لا يسمح لك بماله، و إنا و مالي و جوارى و جميع ما املك بين يديك و فى حكمك لا امنعك منه شيئا. (1)

به خدا سوگند ای محمد صلی الله علیه و آله اگر تو مالی نداری، من ثروت زیادی دارم، و کسی که خود را در اختیارت قرار داده است چگونه مالش در خدمت شما نباشد؟ من سرمایه ام کنیزانم و آن چه در اختیار دارم از آن شما و تحت امر شماست و هیچ منعی از طرف من نیست

بدیهی است چنین بانوی با عظمتی که وجودش سرشار از ادب و عاطفه و تواضع است، می تواند فضای خانوادگی را به بهترین شکل تلطیف نماید و «محبوبه المصطفی صلی الله علیه و اله» باشد و فاطمه زهرا علیها السلام را در دامن پاک و پر از مهر خود تربیت کند

4. نگرش ارزش مدارانه و تکریم شخصیت همسر

رعایت احترام و حفظ شخصیت همسر و خانواده او از عالی ترین شاخص های مثبت همسررداری در متون دینی است که به اصلاح روابط بین زوجین نظارت دارد. امروزه روان شناسان معتقدند یکی از تفاوت های روان شناسی زن و مرد نیاز زن به احترام و نیاز مرد به قدردانی است وقتی مرد در رفتارش به اندیشه ها و احساسات همسرش توجه می ند زن کاملاً مطمئن می شود که شوهرش برای او احترام قائل است. وقتی زن حس کند که مورد احترام شوهر قرار گرفته به راحتی از همسرش قدردانی می کند و از این طریق یکی از نیازهای اساسی او را برآورده می سازد. (2)

در آموزه های حیات بخش اسلام توصیه های ارزشمندی به مردان و زنان درباره تکریم همسر بیان شده است. امام صادق علیه السلام درباره حفظ حرمت مرد در حریم خانواده می فرماید:

ص: 143

1- بحار الانوار، ج 16، ص 55 - 56.

2- جان گریف، 1376، ص 188.

از رحمت و مغفرت پروردگار دور است زنی که شوهر خود را اذیت کند و سعادت مند، زنی است که شوهر خویش را اکرام و احترام کرده اذیتش نکند و از او در همه حالات اطاعت نماید! (1)

از طرفی در جهت گسترش فرهنگ اسلامی و هماهنگی افراد خانواده در کنار هم برای رسیدن به تعالی وظایفی را برای مردان نیز در قبال همسران مشخص کرده اند. برای نمونه پیامبر گرامی اسلام درباره اکرام زن می فرماید:

کسی که زنی را به همسری انتخاب می کند باید او را احترام کرده منزلت او را حفظ نماید. (2)

بر همین اساس حضرت خدیجه علیها السلام در کمال خرد ورزی و نگرش ارزش مدارانه با درک درست و عمیق روحیات رسول خدا صلی الله علیه و اله، در پی حفظ حرمت و تکریم جایگاه همسر سبک زندگی خود را مطلوب و هم گام با ایشان نمود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله قبل از بعثت در هر ماه چند بار و نیز همه ساله ماه رمضان را در غار حرا به تفکر و عبادت خداوند می گذراندند. (3) و این عمل بعد از ازدواج نیز ادامه داشت لذا امام هادی علیه السلام می فرمود:

پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله پس از سفر تجاری، شام، درآمدشان را بین فقرا تقسیم کردند و هر روز بامداد به فراز کوه حرا می رفتند و به تماشای شگفتی های خلقت مشغول می شدند و تحت تأثیر عظمت خدا قرار می گرفتند و خدا را آن گونه که شایسته بود، عبادت می کردند. (4)

خدیجه علیها السلام با درک چنین روحیاتی از پیامبر صل الله علیه و اله، هرگز برای ایشان مزاحمتی ایجاد نمی کرد و همیشه با همدلی و همراهی ایشان را بدرقه می کرد، غذایش را به وسیله حضرت علی علیه السلام به بالای کوه می فرستاد و گاه خود نیز با حضرت

ص: 144

1- صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص 561

2- بحار الانوار، 73، ص 363

3- ابن ابی الحدید، ج 13، ص 208

4- بحار الانوار، ج 16، ص 76

همراه می شد. علامه مجلسی به نقل از صحاح اهل سنت می نویسد:

در آن ماه رمضان که پیامبر صلی الله علیه و آله در کوه حرا به سر می برد و وحی و بعثت آغاز می شد حضرت علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام و یکی از غلامان در حضورش بودند. برای نمونه تنها یکی از این عبادت های پیامبر صلی الله علیه و آله چهل روز به درازا کشید که خدیجه علیها السلام تمام این مدت را به تنهایی گذراند. چنین عبادت های طولانی به طور طبیعی می توانست موجب ناراحتی دل شوره و نگرانی های مختلفی برای خدیجه علیها السلام شود اما او نه تنها اعتراض نمی کرد بلکه با رسول خدا صلی الله علیه و اله و همراهی نیز می نمود. لذا پیامبر صلی الله علیه و آله که خود متوجه نگرانی های خدیجه علیها السلام بود، عمار یاسر را نزد وی فرستاد و پیام داد که «ای خدیجه علیها السلام! گمان نکن کناره گیری من به جهت بی اعتنایی به توست، بلکه پروردگرم چنین فرمود تا امر خود را اجرا کند. جز خیر و سعادت فکر دیگری نکن! خداوند هر روز چند بار به خاطر تو به فرشتگان بزرگش مباحثات می کند پس وقتی شب شد در را ببند و در بستر خود استراحت کن!» (1)

بانوی با سخاوت، قریش زمانی که از طعنها و سرزنش های مردم درباره همسر والا مقامش شدیداً آزرده خاطر شد، برای فیصله دادن به همه بی حرمتی ها و بدگویی ها راجع به فقر و تنگ دستی محمد صلی الله علیه و آله، عموی خویش «ورقه» را به حضور خواست. آن گاه تمام اموال و امکانات خود را در اختیار او قرار داد تا آن ها را به عنوان هدیه به حضور پیامبر صلی الله علیه و اله ببرد و به او پیام برساند که «این ها هدیه ای است ناچیز؛ همه را به او بخشیدم و او میتواند در هر راهی که می پسندد مصرف نماید».

ورقه نیز برابر دستور او کنار کعبه آمد و در میان زمزم و مقام ابراهیم ایستاد و همگان را ندا داد:

هان ای مردم گواه باشید که خدیجه صلی الله علیه و آله خود و همه ثروت و چارپایان و نیز مهریه و هدیه هایش را به محمد صلی الله علیه و اله بخشیده تا تجلیل شایسته ای از

ص: 145

شان و شخصیت او به عمل آید و در عین حال عشق و علاقه خدیجه علیها السلام را به محمد صلی الله علیه و اله و بازگو کند. (1)

پانزده سال زندگی مشترک این بانوی پخته و با تجربه در کنار پیامبر صلی الله علیه و اله قبل از بعثت و کشف جوهره وجودی وی در این سال های متمادی و شناخت خصلت های پیامبر صلی الله علیه و اله در زمانی صورت گرفت که این صفات بر مردم پنهان بود. ایمان بانو خدیجه علیها السلام و به همسرش و تصدیق رسالت او بدون رسوخ کم ترین تردید، به سبب عشق به همسر و شناخت او نسبت به عظمت مقام انسانی پیامبر صلی الله علیه و اله بود. (2)

ابن حجر عسقلانی در وصف آن بانوی معنویت می نویسد:

از امتیازات خدیجه آن بود که پیامبر صلی الله علیه و اله را تکریم می کرد و سخن او را چه قبل و چه بعد از بعثت تصدیق می نمود هرگز با پیامبر صلی الله علیه و اله درگیر نشد؛ صدایش را بلند نکرد؛ خانه را محیط امن و آرام برای آن حضرت قرار داد. وی بر خلاف برخی همسران هرگز آن حضرت را نیاززد از این رهگذر خداوند قصری در بهشت به آن حضرت عطا فرمود. (3)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله با توجه به اخلاق عملی و رفتار آسمانی آن یار همدم و هم فکر خویش می فرمود:

من در زندگی مشترک به خاطر بینش و منش مترقی خدیجه علیها السلام به او عشق می ورزیدم؛ به همین جهت از بارگاه خدا خواستم که در سرای جاودانه نیز ما را همراه و هم نشین سازد؛ (... وَ كُنْتُ لَهَا عَاشِقًا فَسَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يَجْمَعَ بَيْنِي وَ بَيْنَهَا...) (4)

بر اساس این اندیشه پاک و مقدس، هیچ زنی را همتای خدیجه علیها السلام قرار نمی داد (بثني عليها و يفضلها على سائر امهات المومنين و يبالح في تعظيمها). او را می ستود و بر سایر همسران خود برتری می داد و در بزرگداشت و تکریم او زیاد

ص: 146

1- همان، ص 22

2- بنت الشاطی، موسوعه آل النبی، ص 200

3- عسقلانی، فتح الباری، ج 7، ص 138

4- حاکم نیشابوری، ج 3، ص 182؛ بحرانی اصفهانی، عوالم العوام والمعارف والاحوال، ج 11، ص 39.

تلاش می نمود (1)

آن بانوی پاک سرشت سمبل معنویت و قداست در بارگاه قدسیان قرار، گرفت به گونه ای که روزی چندین مرتبه خداوند به وجود خدیجه علیها السلام بر فرشتگان گران مایه اش مباحث می کند (2) و فرشته وحی را مأمور می سازد تا به واسطه پیامبر صلی الله علیه و آله، حامل سلام الهی بر خدیجه علیها السلام باشد: «هذا جبرئیل یقرئک من ربک السلام قالت خدیجة الله السلام و منه السلام و علی جبرئیل السلام». (3)

سلام خداوند بر خدیجه علیها السلام مختص او و نه دیگران بود. این امتیاز به سبب بدی نرساندن به رسول خدا صلی الله علیه و آله و خشمناک نکردن ایشان حتی برای یک لحظه بسیار اهمیت دارد به همین مناسبت پیامبر صلی الله علیه و آله با زنی دیگر در مدت حیات خدیجه علیها السلام ازدواج نکردند؛ زیرا از نظر ایشان مقام و مرتبه سایر همسران با قدر و منزلت خدیجه علیها السلام برابری نمی کرد. (4)

تحسین برانگیزترین امتیاز حضرت خدیجه علیها السلام را در مطرح شدن ایشان به عنوان یکی از چهار زن برگزیده خدا در دو سرا می توان جستجو کرد. نهایت حسن رفتار خدیجه علیها السلام با همسر خویش برای بانوان مسلمان و حق مدار و تمام کسانی که دنبال زندگی ایده آل هستند می تواند تأثیر شگرفی در اصلاح روابط بین زوجین برای رسیدن به سعادت و خوشبختی باشد

نتیجه

همسرداری حضرت خدیجه علیها السلام، از جمله مباحثی است که به طور معمول در حاشیه زندگی نامه ایشان و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و مطرح شده و تاکنون به صورت مستقل بررسی نشده است. این موضوع حتی در آثاری که در مورد سیره ایشان است نیز به طور جدی پژوهیده نشده و غالباً نویسندگان به مشهورات

ص: 147

1- سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 110؛ صحیح بخاری، ج 7، ص 107.

2- إن الله عزوجل لیباهی بک کرام ملائکته کل یوم مرارا.

3- مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 11

4- حمیری، سیره النبویه، ج 1، ص 206.

بسنده کرده اند. دستاورد پژوهشی مقاله حاضر این است که تعاملات رفتاری خدیجه کبری علیها السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان اولین خانواده مسلمان، که بر محور آموزه های دینی شکل گرفته بود می تواند تأثیر فراوان در تقویت یا تضعیف نهاد مهم خانواده داشته باشد.

چگونگی رفتار حضرت خدیجه علیها السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله در زندگی مشترک، به عنوان الگویی کامل و بی بدیل، زمینه ساز استحکام روابط همسران و نشاط کانون خانواده خواهد بود معنویت خواهی و دین مداری از مهم ترین اصول ارزشی همسرگزینی ایشان در انتخاب یار و همراه زندگی است روابط عاطفی متقابل که ناشی از محبت و مودت بین زوجین است و اطاعت پذیری ایشان در برابر شوهر و هم چنین احترام و گرمی داشت ارزش مدارانه شخصیت همسر، تنها نمونه هایی از سبک شوهرداری خدیجه کبری علیها السلام است که در معرض دید همگان قرار داد تا نشان دهد که می توان از گوشه یک محیط کوچک مانند منزل و محدودترین روابط اجتماعی مثل رابطه زن و مرد از والاترین صفات کمالی برخوردار گردید و در ادامه یک دین و رسالت جهانی را تقویت کرد و موجب بالندگی هر چه بهتر آن شد و الگویی به وسعت همه جهان و همه از مننه برای تقویت بنیان خانواده اسلامی بنا نهاد.

1. ابن كثير، اسماعيل بن عمر (1419 ق)، تفسير القرآن العظيم، بيروت: دار الكتب العلميه
2. ابن هشام عبدالملك، سيره النبي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، بي تا.
3. اربلى، على بن عيسى (1401 ق)، كشف الغمّه في معرفه الأئمه، بيروت: دار الكتب الاسلامى.
4. الحميرى، عبدالملك بن هشام (1405 ق)، السيره النبويه، بيروت، دار احياء التراث العربي.
5. بحراني اصفهاني، عبدالله بن نورالله (1382)، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال، قم: مؤسسه امام المهدي.
6. بخارى، محمد بن اسماعيل (2004 م)، صحيح البخارى، قاهره آفاق العربيه.
7. بنت الشاطى، عائشه (1387 ق)، موسوعه آل النبي، بيروت: دارالكتب العربي.
8. جوادى عاملى، عبدالله (1378)، تسنيم: تفسير قرآن كريم، قم: نشر اسراء.
9. حر العاملى، محمد بن حسن (1409 ق)، وسائل الشيعه، قم: مؤسسه آل البيت
10. زرگرى نژاد، غلام حسين (1378)، تاريخ صدر اسلام، تهران: سمتا.
11. صدوق، ابن بابويه (1406 ق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دار الشريف الرضى.
12. طباطبايى، سيد محمد حسين (1417 ق)، الميزان في تفسير القرآن، قم، جامعه مدرسين حوزة علميه قم.
13. طبرى، محمد بن جرير (1403 ق)، تاريخ طبرى، بيروت: مؤسسه الأعلمى

14. عبد العال، احمد جمال (1407 ق)، تساء خالادات في القرآن الكريم ، قاهره مكتبه الكليات الأزهرية.
15. عسقلاني، احمدبن على (1402 ق)، فتح الباری، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
16. قمی، عباس (1414 ق)، سفینه البحار، قم: نشر اسوه.
17. کریمی فریدنی، علی (1385)، فروغ آسمان حجاز خدیجه ، قم: دفتر فرهنگی نسیم انتظار
18. کلینی، محمد بن یعقوب (1407 ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه
19. گریف، جان (1376)، مردان مریخی زنان ونوسی ترجمه سید رضا نیازی تهران: نشر پیکان
20. مجلسی، محمد باقر (1403 ق)، وسائل الشیعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
21. مغنیه، احمد (1414 ق)، سیره النبویه الشریفه ، بیروت: دار الصفوه
22. مغنیه محمد جواد (1424 ق)، الکاشف ، قم: دار الکتب الاسلامی.
23. هاشمی سید حسین (1385)، «قرآن و کارکردهای نهاد خانواده»، فصل نامه پژوهش های قرآنی سال دوازدهم، ش 48

*ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام: فاطمه سلطان محمدی (1)

چکیده

ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام و آشنایی با شخصیت مؤثر ایشان در پیشبرد اهداف اسلام و نیز ابعاد شخصیتی، اقتصادی و سیاسی این بانو در پژوهش حاضر بررسی می گردد. در این تحقیق روش جمع آوری مطالب به صورت کتابخانه ای است و برای جمع آوری اطلاعات به کتاب های متعدد مراجعه و از مطالب مورد نیاز استفاده شده است.

در این پژوهش از بانویی سخن به میان آمده که نخستین زن مسلمان نخستین همسر پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و از هر جهت مظهر کمالات انسانی و ایثار و مقاومت بود همسری خردمند مدبر و مهربان مادر آزموده و فضیلت، پرور مجاهدی مقاوم و صبور ایثارگری مخلص و بی نظیر راست قامتی باعزت و نستوه یعنی مادر حضرت زهرا علیها السلام حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها که به راستی زندگی سراسر درخشان، او عالی ترین الگو برای زنان با شخصیت است.

سخن گفتن درباره بانویی چون خدیجه سلام الله علیها کار ساده ای نیست و نمی توان با این قلم های ناتوان و درمانده در مورد چنین بانوی، با عظمتی قلم زد ولی امیدوارم در این تحقیق، دست کم نموداری کم رنگ از چهره تابناک آن بانوی بزرگ را ترسیم کرده باشیم.

حضرت خدیجه علیها السلام با مقایسه آغاز و پایان زندگیش به راستی بانویی تکرارناپذیر و نابغه بود و در همه، تاریخ، بانویی جز دخترش

ص: 151

حضرت زهرا علیها السلام سراغ نداریم که در کوران های شدید حوادث با ایثار و مقاومت و استقامتی عجیب همچون خدیجه سلام الله علیها به میدان زندگی وارد شود و همه هستی خود را بر طبق اخلاص نهد و فدای حق کند و سخاوتمندانه و با شهامتی وصف ناپذیر به دفاع از حق پردازد.

در این پژوهش به ویژگی های آن بانو در ابعاد اعتقادی، عبادی خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اشاره شده است.

واژگان کلیدی

اسلام زن، الگو، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، حضرت خدیجه علیها السلام.

مقدمه

در قلب شبه جزیره عربستان در خانواده ای فرهنگ ساز و بیگانه با آداب و رسوم خرافی روزگار، دختری چشم به جهان گشود که در زندگی تاریخ سازش، نشان داد که ریشه ای به زلالی آب زمزم و فطرتی به زلالی آبشارهای بلند و دور از دست رس دارد پس از ولادت، او خاندانش بر خلاف رسم سپاه زمانه زنده به گور کردن دختران ولادت او را گرامی داشتند و پدر و مادرش «خویند» و «فاطمه»، در همان مراسم ساده و روح بخش، نام او را «خدیجه» به مفهوم گسسته و بیگانه از زشتی ها و ناپسندی ها برگزیدند. حضرت خدیجه علیها السلام پانزده سال قبل از ولادت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (55 سال قبل از بعثت) در شبه جزیره عربستان چشم به جهان گشود (1).

آن حضرت دختر خویند بن عبدالعزی ابن قصی بن کلاب بود. جناب قصی جد چهارم پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله به شمار می آید؛ بنابراین حضرت خدیجه علیها السلام نیز با چند واسطه دختر عموی پیامبر صلی الله علیه و اله بودند و از جهت ریشه خاندانی با یک دیگر متحد می شوند لذا سلسله نسب حضرت خدیجه علیها السلام به حضرت اسماعیل علیه السلام و ابراهیم خلیل الله علیه السلام می رسد که جد 28 و 29 پیامبر صلی الله علیه و اله

ص: 152

بودند (1) و مادرش فاطمه دختر زانده بود. (2)

معنویت و معرفت والا قدرت تجزیه و تحلیل رویدادهای جاری و آینده نگری آگاهی از آموزه های هدایت بخش پیامبران الهی و کتب آسمانی حق طلبی و حق شناسی، راست گویی و درست کاری شکیبایی و پایداری، ایثار و فداکاری و به طور کلی بینش و منش حضرت خدیجه علیها السلام در ابعاد گوناگون زندگی او را به صورت الگویی جاودانه برای کمال جویان طریق انسانیت جلوه گر می سازد.

در این مقاله سعی شده تا برخی از مهم ترین اوصاف و اعمال متعالی آن بانو به عنوان یک الگوی کامل در میان زنان ذکر شود؛ زیرا تعیین الگوهای درست و تأکید بر پیروی از ایشان و نیز نشان دادن الگوهای نادرست و در هم کوبیدن بت های فکری و فرهنگی از مهم ترین روش های تربیتی است.

پیش از ورود به بحث، ابتدا لازم است تا واژه الگو از نظر لغوی بررسی گردد:

الگو در لغت

اشاره

الگو در لغت به معنای طرح، سرمشق، مقتدا، پیشوا، نمونه، مثال، مدل و غیره آمده است. (3) الگودر عربی به «أسوه و قدوه» تعبیر می شود؛ به معنای پیشوا، مقتدا؛ (4) اما در اصطلاح و در علوم گوناگون به معانی متفاوت و البته نزدیک به هم آمده است. الگو در فرهنگ و علوم اجتماعی، به انسانی کامل و رشد یافته ای گفته می شود که لیاقت سرمشق بودن دیگران را داشته باشد. در مورد انسان، الگوبه شخصیتی می گویند که به دلیل دارا بودن برخی ویژگی ها، شایسته تقلید و پیروی است. (5)

مقتدا یعنی خصلتی که شخص بدان لایق پیشوایی گردد. در قرآن کریم،

ص: 153

1- ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، قم، مؤسسه دارالکتاب، چاپ دوم، ص 29.

2- ابن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، ج 8، ص 105

3- دهخدا، لغت نامه، ج 12، ص 17897

4- ابن منظور، لسان العرب، واژه اسوه.

5- ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج 8، ص 86

در سه مورد (1) این واژه به کار رفته است مانند (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ). (2)

از نظر قرآن، الگوی مثبت یعنی کسی که پیروی از او امکان ظهور استعدادها و توانمندی های فردی و اجتماعی را فراهم می کند.

الف) ویژگی الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد اعتقادی

اشاره

از آن جا که جهان بینی انسان زیربنای اعمال و رفتار او را تشکیل می دهد تربیت فکری و اعتقادی نیز مقدمه ای برای تربیت وی در ابعاد مختلف اخلاقی سیاسی و... به شمار می آید؛ از این رو، ابتدا ویژگی اعتقادی آن حضرت بررسی می گردد.

1. تحقیق مستلزم پرسش

از ویژگی مهم زنان، الهی این است که اعتقادات خود را بر اساس تحقیق به دست می آورند و تحقیق مستلزم پرس و جو و دقت نظر عمیق است پس از این که به حقیقتی دست یافتند و معتقد شدند دیگر به این سادگی از آن دست بر نمی دارند و تا جایی که جان در بدن دارند، از آن دفاع می کنند.

حضرت خدیجه علیها السلام با وجود برخورداری از زر و زیور جمال و کمال، شهرت و آوازه، و اقتدار و استقلال هرگز به دام آفت های جاهلی گرفتار نگشت و پیوسته از فطرت حق طلب و حق پذیر بهره مند بود. روایت شده که پس از فرود آمدن پیامبری فرشته وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آوردن آیات قرآن خدیجه علیها السلام کم کم با آیات هدایت بخش و زندگی ساز قرآن و نیز با نام جبرئیل علیه السلام و جایگاه او در پیشگاه خدا آشنا گردید و روحیه حق طلبی او را بر آن داشت که به تحقیق در این زمینه بپردازد تا آگاهانه و با تشخیص درست حق به پذیرش و پیروی از آن

ص: 154

1- سوره ممتحنه آیه 4 و 6؛ سوره احزاب، آیه 21

2- سوره احزاب، آیه 21

مبادرت نماید. بنابراین ابتدا به سراغ پسر عمویش «ورقه» رفت که از کشیشان و عالمان آزاداندیش مسیحی بود و درباره جبرائیل علیه السلام و حالاتی که از همسرش در هنگام دریافت وحی دیده بود سؤالاتی کرد ورقه به او گفت: «جبرئیل علیه السلام در سرزمینی نازل می شود که خداوند در آن پرستش گردد». و نوید داد که خیر عظیمی از سوی خدا نازل خواهد شد و محمد صلی الله علیه و اله آخرین فرستاده خداوند است که مژده آمدنش در تورات و انجیل داده شده است. سپس علایم او را از آن دو کتاب آسمانی برای خدیجه علیها السلام ذکر نمود. آن گاه خدیجه علیها السلام برای کسب آگاهی بیشتر به سراغ «عداس» یکی دیگر از پارسایان و کشیشان مسیحی رفت که پیرمردی سالخورده بود و نخست پیمان گرفت که موضوع مورد سؤال را نهان. دارد سپس درباره موارد یاد شده به مشورت با او پرداخت و او نیز شبیه به ورقه نظر داد.

پس از آن، جریان دیدار و مشورت با دو پارسای روزگارش را به اطلاع پیامبر صلی الله علیه و اله رساند و این بار به اتفاق یک دیگر به دیدار عداس آمدند و آن کشیش پارسا پس از گفتگو با رسول خدا صلی الله علیه و اله، از آن حضرت خواست تا لباسش را کنار زند و میان دو شانه اش را نمایان سازد پیامبر صلی الله علیه و اله جامه شان را کنار زدند و عداس چون علامتی را که می جست در میان دو شانه رسول اکرم صلی الله علیه و سلم مشاهده کرد به سجده شکر افتاد و با اطمینان خاطر گفت که آن حضرت، همان پیامبری است که موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام آمدنش را نوید داده اند. (1)

بر این اساس، خدیجه علیها السلام هنگام استقبال از پیامبر صلی الله علیه و اله در خشنودی و معنویت خاصی در سیمای ملکوتی شان دید و از پیامبر پرسید: «مَا هَذَا النُّورِ؟» «این نور چیست!؟» پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند:

(هَذَا نُورُ النَّبُوَّةِ قَوْلِي لِإِلَهِ الْآلَاءِ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ)؛ (2)

ص: 155

1- بحار الانوار، همان، ج 81، ص 822

2- علی بن یوسف حلّی، العدد القویة، ص 237؛ زین الدین محمدبن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 48.

ای خدیجه! این روشنایی، فروغ تابناک رسالت است؛ پس اینک با تمام وجود بگو: خدایی جز خدای یکتا نیست و محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خداست.

این جا بود که حضرت خدیجه علیها السلام، احساس ویژه ای در دلش کرد و گفت: «من از زمان های گذشته در انتظار چنین روزی بودم و در این مورد مطالعه فکر کرده ام». پس با همه وجود به یکتایی خدا و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله ایمان آورد: (آمَنْتُ وَ صَدَّقْتُ وَ رَضِيْتُ وَ سَلَّمْتُ)؛ (1) «ای پیامبر خدا! من به آن چه خدا فرو فرستاده، ایمان آوردم و دین و آیین او را تصدیق نمودم و به گرایش به این راه و رسم خشنود گردیدم و در برابر فرمان خدا فرمان بردارم».

بدین ترتیب آن بانوی خرد و اندیشه با احساس اطمینان در دل حق جوی خویش و با ایمان کامل راه و رسم نجات بخش رسول خدا صلی الله علیه و آله را برگزید و تا پایان عمر شریفش در برابر حق تسلیم محض بود.

2. استواری و استقامت اعتقادی

اسلام عبارت است از اعلام قانون گرایی و فرمان برداری از حق و پذیرش ره آورد وحی و رسالت بر همین اساس امنیت انسان تضمین می شود؛ اما اگر این اعلام همراه با باور قلبی باشد از آن به ایمان تعبیر می شود و به دارنده آن مسلمان و با ایمان می گویند این تفاوت ها و نوشته ها برگرفته از آیه شریفه قرآن است که می فرماید:

(قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسَلْنَاكُمْ لِمَا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ إِن تَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (2)

اعراب (بنی اسد و غیره که بر تو منت گذارده و) گفتند ما ایمان آوردیم، به آن ها بگو: شما که (ایمان تان) به قلب وارد نشده به حقیقت هنوز ایمان نیاورده اید ولی بگوید: ما اسلام آوردیم و اگر خدا و رسول وی را اطاعت

ص: 156

1- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 18، ص 232

2- سوره حجرات، آیه 14

کنید، او از (اجر) اعمال شما هیچ نخواهد کاست و از گناه گذشته شما می گذرد که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

زنانی که از هویت فکری مستقل برخوردارند و ساختار اعتقادی خود را بر پایه تحقیق بنا نموده اند دریافتن حقیقت از هیچ کوششی فروگذار نمی کنند و پس از رسیدن به آن بی درنگ دل را به آن می سپارند؛ به آسانی در برابر باورهای نادرست تسلیم نمی شوند و در دفاع از مبانی اعتقادی خویش از خطرهای استقبال می نمایند و تا پای جان از آن دست بر نمی دارند.

حضرت خدیجه علیها السلام این چنین بود یعنی قبل از تبلیغ اسلام، خودش پیامبر صلی الله علیه و آله را شناخته و به ایشان ایمان آورده بود اسلام و اسلام گرایی او نه احساسی بود و نه بر اساس پیروی از جریان محافظه کار و رایج جامعه و تاریخ و نه موسمی و فصلی و زودگذر؛ بلکه براساس آگاهی و شناخت و خردمندی و خرد ورزی و اخلاص و کمال طلبی بود لذا دوشادوش امیرالمؤمنین علیه السلام و هم فکر و هم رزم و هم اندیش با او اسلام آورد به پر فراز ترین مراحل ایمان اوج گرفت و در پیمایش راه کمال و جمال پس از امام علی علیه السلام، دست بیعت به پیامبر صلی الله علیه و آله داد.

ایشان به محض اطلاع از پیامبری آن حضرت با تمام تعصبات کاذب اجتماعی آن زمان خداحافظی کردند و افتخار اولین زن ایمان آورنده را نصیب خود نمودند. (1) البته این انتخاب به دلیل تعصبات قومی و فامیلی نبود، بلکه به جهت شناختی بود که از حضرت محمد صلی الله علیه و آله داشتند. (2)

این ویژگی خدیجه علیها السلام، در بسیاری از روایات بیان شده است؛ از جمله: پیامبر صلی الله علیه و آله بارها در برابر ادعای دروغین برخی از زنان خود در تجلیل از خدیجه علیها السلام می فرمود:

(ما أَبَدَلَنِي اللَّهُ خَيْرًا مِنْهَا لَقَدْ آمَنْتُ بِبِي حِينَ كَفَرَ النَّاسُ وَصَدَّقْتَنِي حِينَ

ص: 157

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 66، ص 102

2- ابن هشام، سیره، ج 1، 240، 1

خداوند هرگز همسر و همراه و مشاوره بهتری از او (خدایچه) به من ارزانی نداشته زیرا در آن وضعیت بحرانی که مردم به دعوت توحیدی من کفر می ورزیدند، او با شهامت و درایت به راه و رسم آسمانی من ایمان آورد؛ و آن گاه که آنان مرا در رسالتم دروغ گو می دانستند، او با اخلاص و راستی مرا در دعوتم گواهی داد و....

در تاریخ هم چنین آمده است: (وَ جَاءَتِ النَّبُوَّةَ فَأَسْلَمْتُ فِيهَا أَوَّلُ إِمْرَأَةٍ آمَنَتْ بِهِ...؛ (2) «چون امر نبوت ظاهر شد، خدیجه علیه السلام به اسلام رو نمود. او نخستین بانویی است که ایمان آورد...».

عایشه می گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و سلم از خانه بیرون نمی رفتند مگر آن که از خدیجه یاد می کردند و بر او به خوبی و نیکی مدح و ثنا می فرمودند. روزی از روزها غیرت مرا گرفت گفتم: «او پیرزنی بیش نبود و خدا بهتر از او را به شما عوض داده است». پیامبر صلی الله علیه و اله غضبناک شدند به طوری که موی جلوی سرشان از خشم تکان می خورد سپس فرمودند: «نه به خدا! بهتر از او را خدا به من عوض نداده ایمان آورد به من وقتی مردم، کافر گردیدند و تصدیق کرد مرا هنگامی که مردم مرا تکذیب می کردند و در اموال خود با من مواسات کرد وقتی مردم مرا محروم ساختند و خدا از او فرزندان روزی من کرد و از زنان دیگر محروم فرمود» (3)

3. تسلیم بودن در برابر دستورهای الهی

از آن جا که تدبیر همه بخش های مختلف جهان هستی تنها به دست خداوند صورت می پذیرد (4) انسان باید با ایمان کامل و اعتقاد راسخ تسلیم

ص: 158

1- محمد بن نعمان مفید، الافصاح في امامة امير المؤمنين، ص 217.

2- عبد الرحمان بن علی بن محمد، ابوالفرج، صفوة الصفوة، ج 2، ش 125، ص 7

3- قاموس الرجال، ج 10، ص 432

4- سوره نمل، آیه 25 و 26.

محض او شده در اجرای فرمان های خدا لحظه ای به خود تردید راه ندهد.

یکی از ویژگی های برجسته حضرت خدیجه علیها السلام تسلیم محض بودن او در برابر حق و اطاعت بی چون و چرا از دستورهای الهی بود. وی تجسم حقیقت و نمونه انسان کامل و تسلیم محض خدا بود در پرتو درست اندیشی و حق طلبی و ایمان و عملکرد شایسته و تلاش و اخلاص خویش به موقعیتی از باور و تصدیق اوج گرفت که به مقام والای «صدیقین» پرکشید و به جایی رسید که او را «صدیقه» گفتند در جایی از زیارت نامه پیامبر صلی الله علیه و آله در این مورد آمده است:

السلام علی ازواجک الطاهرات الخیرات امهات المومنین، خصوصاً الصدیقه الطاهره، الزاکیه الراضیه المرضیه، خدیجه الکبری ام المومنین...؛ (1) سلام بر همسران پاک و نیکو کردارت که مادران مردم توحید گرا و با ایمان هستند؛ به ویژه بر آن بانوی تصدیق گر حق و عدالت؛ آن بانوی پاک سرشت و پاک منش؛ آن بانوی خشنود از مهر و لطف خدا و مورد پسند حق، خدیجه ارجمند، مام راستین و سرمشق درخشان مردم با ایمان و شایسته کردار

4. حق پذیری و تسلیم عملی در برابر انبیای الهی

پس از ایمان و اعتقاد راسخ به خدا و دل سپردن به او در اجرای فرمان ها و خواسته های الهی قدم بعدی آن است که به فرستادگان او ایمان آورد و اوامر آن ها را که شعبه ای از دستورهای الهی است، جامه عمل پوشاند. لذا می توان گفت: کسی که خود را به رسالت انبیاء معتقد دانسته اما از اوامر آن ها سرپیچی می کند در حقیقت طعم شیرین این اعتقاد را در کام خود احساس نکرده است.

از جمله اقداماتی که حضرت خدیجه علیها السلام انجام داد، تصدیق و تأیید پیامبر صلی الله علیه و آله بود. این یکی از کارهای مهمی بود که آثار مثبت زیادی در جهت پیشبرد اهداف مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و ناکامی دشمنان و ایجاد سستی در عقاید خرافی آنان داشت روایات بسیاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم نقل شده

ص: 159

که گویای اهمیت رویکرد خدیجه علیها السلام به ایشان در آن فضای جاهلی و غربت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. وقتی حتی بسیاری از بستگان پیامبر نیز آن حضرت را تنها گذاشتند و حتی کمر همت به نابودی او بستند خدیجه علیها السلام به حضرت محمد صلی الله علیه و آله روی آورد و با او پیمانی جاودانی بست و تا لحظه آخر زندگی بر عهد و پیمانش استوار ماند در روایتی آمده است:

پس از اسلام و ایمان آوردن و نماز خواندن امام علی علیه السلام و خدیجه علیا السلام، روزی پیامبر گرامی آن دو را صدا زدند و گفتند: «این فرشته وحی است که نزد من آمده می گوید: "اسلام و باور آن دارای شرایط و پیمان هایی است"». سپس در مورد یکتایی خدا صفات کمال و جمال او رسالت پیامبر فرود وحی و پیام آسمانی، ایمان به معاد و جهان پس از مرگ و پاداش و کیفر آن دنیا و دیگر اصول و فروع اسلام صحبت کردند و از آن دو پرسیدند: «آیا به همه آن چه برای شما گفتم گواهی می دهید؟» ابتدا امام علی علیه السلام و سپس خدیجه علیها السلام اقرار و اعلام کردند که باور عمیق دارند. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله به فرمان خدا دست مبارک را باز کردند و دست علی علیه السلام را در میان دست خود گذاشتند (1) و فرمودند: «علی جان! با من در مورد شرایط و مقررات اسلام بیعت کن که از من و آرمان من همان گونه دفاع کنی که از خود دفاع می کنی». امیرالمؤمنین علیه السلام غرق در شور و جذبه بودند که با چشمانی اشک آلود گفتند: «پدر و مادرم فدایت! به خواست خدا همان گونه که فرمودی با شما دست بیعت می دهم». سپس پیامبر صلی الله علیه و آله رو به خدیجه علیها السلام کردند و از او خواستند تا دستش را روی دست پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دهد و همان طور بیعت کند او نیز با پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت کرد.

5. بیعت با علی علیه السلام

شگفت آورترین صحنه زندگی خدیجه علیها السلام مربوط به قبول ولایت امیر مؤمنان علیه السلام و امامت اولاد آن حضرت است. این که در آن وقت به

ص: 160

قبول ولایت مکلف، نبود چون این تکلیف بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و جوب می یافت او در زمان ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از امامت ائمه اطهار که از نسل فرزندش هستند شنیده بود. لذا قدر و منزلت امیرمؤمنان علیه السلام را می دانست. علامه مجلسی در این باره می نویسد:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و اله همسر مهربانش را خواست او را در کنار خود نشانید و فرمود: «این جبرئیل است که می گوید اسلام شرطی دارد: اول، اقرار به یگانگی خداوند؛ دوم اقرار به رسالت رسولان؛ سوم، اقرار به معاد و عمل به اصول شریعت و احکام آن؛ چهارم اطاعت اولی الامر و ائمه طاهرین از فرزندان او همراه با برائت از دشمنان آن ها در پی این فرمایش پیامبر صلی الله علیه و اله خدیجه علیها السلام به همه آن ها اقرار کرد و یک به یک تصدیق فرمود در مورد امیرمؤمنان علی علیه السلام رسول اکرم صلی الله علیه و اله و به خصوص به خدیجه علیها السلام فرمودند: (هُوَ مَوْلَاكَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامُهُمْ بَعْدِي)؛ علی مولای تو و مولای مؤمنان و امام آن ها پس از من است».

رسول گرامی بعد از آن که عهد اکید از خدیجه علیها السلام گرفتند، اصول و فروع واجبات و محرمات را به وی آموختند آن گاه دست خود را بالای دست امیر مؤمنان علیه السلام گذاشتند و خدیجه علیها السلام دست خود را بالای دست پیامبر صلی الله علیه و آله گذاشت و به این صورت بیعت کرد. (1)

از حدیث «ما کَمَلَ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا أَرْبَعٌ: أَسَدِيَّةٌ بِنْتُ مُزَاحِمٍ، مَرِيْمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ» هم ظاهر می شود که آن بانوی بزرگوار، به تمام اصول و فروع دین اسلام ایمان آورد. (2)

ب) ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد عبادی

1. توحید در عبادت

از اوصاف و ویژگی های زن نمونه و شایسته یاد بسیار و پیوسته خداوند در

ص: 161

1- سیلاوی، الانوار الساطعه، ص 339

2- ریاحین الشریعه، ج 2، ص 209، نقل از بحار الانوار، ج 6

زندگی است. خداوند این صفت را از نشانه های مؤمنان راستین برشمرده، از آنان چنین تمجید می فرماید:

(إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ... وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا)

مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان ... و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می کنند خدا برای همه آنان آمرزش و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است.

نماز و نیایش به معنای واقعی آن اگر در زندگی فردی خانواده جامعه و حکومت مخصوصاً در زندگی زناشویی از جایگاه معتبر و خالصانه و درستی برخوردار باشد و به عنوان مراسمی تشریفاتی و یا سوداگرانه به آن نگاه نشود، هم نشانه رابطه دوستانه آن نمازگزاران با خداست و هم دلیل بر ویژگی های معنوی حق طلبی، قانون مداری و بشردوستی آن هاست و هم اثر فوق العاده سازنده در بینش و منش و عملکرد و زندگی آن ها و نسل های شان دارد؛ زیرا این برنامه شبانه روزی در فرهنگ قرآن و روایات ما در حقیقت روح عبادت، جان پرستش، بارزترین نوع بندگی و خلوص پرواز روح و جان شیفته حق، معراج انسان در فضای بیکران معنویت کلید بهشت اوج گرفتن به قرب پروردگار و مهم ترین سفارش پیامبر صلی الله علیه و اله است. قرآن نیز می فرماید:

(وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ)؛ (1)

و نماز را (که بزرگ عبادت خداست) بسته به جای آر که نماز اهل خود را از هر کار زشت و منکر باز می دارد و همانا ذکر خدا بزرگ تر است و خدا به هر چه کنید آگاه است.

در زمانی که مردم مکه در آتش گمراهی می سوختند، حضرت خدیجه علیها السلام اولین زنی بود که با ایمان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله، یکتاپرستی و بندگی خویش را به

ص: 162

اثبات رسانید و با تأسی از همسر بزرگوار خویش در عبادت و اطاعت از دستورهای خدا به اوج قله های کمال و معنویت دست یافت نماز خواندن وی به همراه پیامبر اسلام و علی بن ابی طالب در کنار خانه خدا، آن هم در زمانی که کسی در روی زمین غیر از این سه نفر مسلمان نبود معروف است. (1)

عبدالله بن مسعود، نمونه ای از مشاهدات خود درباره ایمان خدیجه علیها السلام را آن زمان که هیچ کسی به پیامبر صلی الله علیه و اله ایمان نیاورده بود، این گونه بیان می کند:

نخستین چیزی که از اسلام دانستم این بود که با عموهایم و تعدادی از اعضای قبیله وارد مکه شدیم چون می خواستیم مقداری عطر بخریم ما را به عباس بن عبدالمطلب راهنمایی کردند. او بالای چاه زمزم، در کنار کعبه نشسته بود زمانی که پیش او نشستیم دیدیم مردی که دو لباس سفید پوشیده بود و گیسوان و ریش پرو دندان های سفید و ... داشت و چهره اش مثل ماه می درخشید از باب صفا وارد مسجد الحرام شد. در طرف راست او، یک نوجوان و پشت سرش، بانویی پوشیده را دیدیم. آن ها کنار حجر الاسود رفتند. ابتدا آن مرد به حجر الاسود دست کشید؛ سپس آن نوجوان و بعد آن بانو دست کشیدند آن گاه هر سه به طواف کعبه مشغول شدند. وقتی هفت بار طواف کردند کنار حجر اسماعیل آمدند و نماز جماعت خواندند. آن مرد هنگام، تکبیر دست هایش را تا کنار گوشش بلند می کرد تا به قنوت نماز رسیدند قنوت را طولانی کردند تا آن که نماز تمام شد من که چنین چیزی ندیده بودم از ابن عباس پرسیدم: «آیا دین جدیدی به مکه آمده است؟ من چنین دینی را در مکه ندیده بودم؟» گفت: «این مرد برادرزاده من محمد بن عبدالله است و آن نوجوان برادرزاده دیگرم علی بن ابی طالب و آن خانم هم همسر محمد، خدیجه دختر خوبلد است. به خدا قسم غیر از این سه نفر کسی در روی زمین به این دین اعتقاد ندارد». (2)

ص: 163

1- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 13، ص 225

2- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 13، ص 225

دعا یا خواندن عاشقانه و خالصانه و پرشور خدا و راز و نیاز با آن سرچشمه زندگی و زیبایی و قدرت، نوعی پرستش و برترین نوع یکتاپرستی است؛ به همین جهت، دعا و نیایش جایگاه پرفرازی در زندگی دوستان خدا دارد. آنان به دعا خو می گیرند و با مناجات پرشور و شعور تا عرش خدا راه می یابند، با آن به اوج آرامش می رسند و گمشده دل ناآرام خود را در آن می یابند و آن را دانشگاه آزادی ها بی نیازی ها، استقلال ها برزندگی ها و خودسازی ها می بینند. حقیقت عبادت آن است که بنده خود را در مقام ذلت و عبودیت واداشته رو به سوی مقام رب خود آورد. بنابراین اعمال عبادی که با اعضا و جوارح عبد انجام می گیرد، مانند قیام رکوع و سجود همه برای مطلوبی بالاتر است؛ این که بندگی و ذلت عبودیت بنده را در برابر رب العالمین نشان دهد و عبد فقر و مملوکیت محض خود را در برابر عزت مطلق و غنای محض مجسم سازد. (1) همین اظهار عجز و ذلت لباس فخر و کرامت بر قامت انسان می پوشاند و او را تا مقام خلیفه الهی بالا می برد. لذا به جرأت می توان گفت: ارزش انسان، به میزان دعا و عبودیت اوست (قُلْ مَا يَعْْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ). (2)

حضرت خدیجه علیها السلام سرآمد زنان نیایش گرو دائماً به یاد خدا بودند و ذکر خدا را می گفتند؛ به طوری که ایشان دو حرز مخصوص خود داشتند و مرتباً آن ذکرها را زمزمه می کردند؛ (3) از جمله:

(بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ؛ یا حی یا قیوم، بِرَحْمَتِكَ اَسْتَعِیْثُ فَاَعِیْثِنِی، وَ لَا تَكْلِبْنِیْ اِلٰی نَفْسِی طَرْفَهُ عَیْنِ اَبْدَاً، وَ اَصْلِحْ لِی شَأْنِی کُلَّهُ)؛

به نام خداوند بخشنده بخشایش گر! ای خدای زنده و استوار! به رحمتت پناهنده شدم به من پناه بده و مرا هرگز به اندازه یک چشم برهم زدن به خودم وانگذار! همه حال و زندگی مرا سامان ببخش!

ص: 164

1- تفسیر المیزان، ج 18، ص 582

2- سوره فرقان، آیه 77

3- تفسیر المیزان، ج 18، ص 582

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ؛ یَا اللّٰهَ یَا حَافِظُ یَا حَفِیْظُ یَا رَقِیْبُ؛

به نام خداوند بخشنده بخشایش گر! ای خدا! ای نگهبان ای نگه دارنده مراقب و پاسدار! (1)

این بانو می دانست که زندگی که با یاد خدا، شیرین، زیبا و دلنشین و همراه با آرامش است. این ارتباط و یاد خدا مسلماً یک طرفه نیست. خداوند به یاد بنده اش است و بنده هم به فضل الهی از خدا تمسک می گیرد؛ لذا در معنویات و کمالات به چنان اوجی رسید که خداوند متعال در شب معراج به ایشان سلام رسانید رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

وقتی در شب معراج جبرئیل مرا به سوی آسمان ها برد، هنگام مراجعت به جبرئیل گفتم: «هَلْ لَكَ مِنْ حَاجَةٍ؟ آیا حاجتی داری؟» جبرئیل گفت: «حَاجَتَانِ تَقْرَأُ عَلَی خَدِیجَه مِنَ اللّٰهِ وَ مِنْی السَّلَام...»؛ «حاجت من این است که سلام خدا و سلام مرا به خدیجه علیها السلام برسانی».

پیامبر صلی الله علیه و اله و وقتی به زمین رسیدند سلام خدا و جبرئیل را به خدیجه علیها السلام رساندند خدیجه علیها السلام گفت:

(إِنَّ اللّٰهَ هُوَ السَّلَامُ، وَ مِنْهُ السَّلَامُ، وَ إِلَیْهِ السَّلَامُ، وَ عَلَی جِبْرِیْلِ السَّلَامُ)؛

همانا ذات پاک خدا سلام است و از اوست سلام و سلام به سوی او باز می گردد و بر جبرئیل سلام باد (2)

3. جدیت و دوام در عبادت

برخی چنین می پندارند که عبادت تنها وسیله برای رسیدن به بعضی از مقامات روحانی و معنوی است و تا جایی کاربرد دارد که نیل به آن مقامات

ص: 165

1- سید بن طاووس حسنی، منهج الدعوات، ص 5؛ ابراهیم بن علی عامل کفعمی، مصباح کفعمی 302؛ سید بن طاووس، الإقبال، ص 137.

2- طوسی، امالی طوسی، ص 175؛ راوندی، الخرائج و الجرائح، ج 2، ص 529؛ سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن

حاصل نشده؛ بنابراین پس از رسیدن دیگر به بندگی و پرستش نیازی نیست و اصولاً در این مرحله تکلیف از انسان ساقط می‌گردد؛ کسی که خود را عبد خدا و فقیر محض و او را برطرف کننده همه نیازهای خود بدانند، در مسیر عبادت و بندگی حق، هیچ گونه خستگی و کسالتی در خود احساس نمی‌کند؛ زیرا او در آفرینش، هدفی جز عبادت نمی‌شناسد و کمالی جز قرب به حق سراغ ندارد.

قرآن کریم عبادت را هدف آفرینش انسان می‌داند (1) و برای انسان ارزش و هویتی جدا از دعا و عبادتش قائل نیست؛ (2) زیرا، انسان آن گاه می‌تواند باقی به بقای حق گردد که به فقر ذاتی اش به کمال مطلق و نامحدود آگاه شود و همواره به آن اذعان نموده از راه اظهار فقر و ناچیزی، خود با اتصال به ذات حق، کسب هویت نماید. پس اگر بنده در مرحله ای از مراحل سیر و سلوک، از بندگی و ذلت خود غافل شود و سر نیاز بر قدم بی‌نیاز نساید، بی‌تردید از هدف خلقت دور مانده و ره به سر منزل مقصود نخواهد برد. لذا در سیره هیچ یک از بزرگان دین دیده نمی‌شود که پس از رسیدن به مقامات عالی، روحانی از وظایف ظاهری خود دست برداشته تنها با اعمال، قلبی انکسار خود را در پیشگاه حق ابراز نمایند.

حضرت مریم علیها السلام پس از آن که به مقام منیع اصطفا و تطهیر از سوی خدا نائل شد، (وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ)، (3) مأمور به قنوت سجود و رکوع پروردگار گردید. (يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ)، (4)

«اصطفاء» از ماده «صفو»، به معنای برگزیدن صاف و خالص هر چیز است (5)

ص: 166

1- (وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)، (سوره ذاریات، آیه 56).

2- (قُلْ مَا يَعْْبُؤَا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ)، (سوره فرقان، آیه 77)

3- سوره آل عمران، آیه 42

4- سوره آل عمران، آیه 43.

5- جمال الدین محمد بن مکرم بن منظور، لسان العرب، ج 41، ص 264: «الصفوة: خيار الشيء و خلاصته و ما صفا منه»

و مراد از آن در آیات قرآن نوعی انتخاب و برتری دادن فرد یا افراد بر دیگران توسط خداوند است. (1)

«قنوت» نیز گرچه در اصل به معنای طاعت است به هرگونه پایداری در راه دین نیز گفته می شود و حتی طولانی نمودن نماز را نیز قنوت خوانده اند. (2)

خداوند متعال در آن هنگام که مریم علیها السلام را الگوی همه مردم معرفی فرمود، قنوت و اطاعت دایم او از فرمان های الهی را به عنوان یکی از ملاک های این انتخاب مهم برشمرد: (وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا... وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي... وَ كَانَتْ مِنَ الْقَائِمِينَ). (3)

از این منظر حضرت خدیجه علیها السلام نیز دارای مقام اصطفای بود و به صراحت روایات، نه تنها برگزیده در بین همه زنان عالم بلکه برگزیده در میان تمامی انسان ها اعم از زنان و مردان به شمار می رفت.

رسول اکرم صلی الله علیه و اله همسر گرامی اش خدیجه علیها السلام را یکی از مصادیق این آیه معرفی می فرماید به نقل از امام علی علیه السلام، رسول خدا صلی الله علیه و اله پس از تلاوت آیه (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ...) فرمود: «علی جان! بهترین زنان عالم چهار زن هستند: مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد، و آسیه دختر مزاحم». (4)

در روایت دیگر، نقل شده که روزی پیامبر خاتم صلی الله علیه و اله وارد خانه شدند و مشاهده کردند که فاطمه زهرا علیها السلام و عایشه در حال تفاخر هستند؛ به گونه ای که صورت هر دو سرخ شده است. حضرت با اطلاع از موضوع، رو به عایشه کردند و با استناد به آیه 33 سوره آل عمران که درباره اصطفای تعدادی از پیامبران الهی است برتری حضرت خدیجه علیها السلام او را نیز یادآور شده، فرمودند:

ص: 167

1- علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، 1417 ق، ج 3، ص 164

2- قنوت... والاصل فيه الطاعة، يقال قنوت يقنوت قنوتا ثم سمي كل استقامة في طريق الدين قنوتا وقيل لطول القيام في الصلاة قنوت. (معجم مقائيس اللغة، ج 5، ص 31).

3- سوره تحریم، آیه 11 و 12

4- محمد بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 223.

(يَا عَائِشَةَ أَوْ مَا عَلِمْتِ أَنَّ اللَّهَ اصَّ طَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ حَمْزَةَ وَ جَعْفَرًا وَ فَاطِمَةَ وَ خَدِيجَةَ عَلَى الْعَالَمِينَ) (1) ای عایشه آیا نمی دانستی که خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران و علی و حسن و حسین و حمزه و جعفر و فاطمه و خدیجه را برگزید و بر همه جهانیان برتری داد! (2)

از این رو، آن بانوی برگزیده به عنوان سرور زنان عالم شناخته می شود. هم چنین در زیارت نامه اولاد ائمه علیهم السلام می خوانیم: (السَّلَامُ عَلَى خَدِيجَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ): (3) «سلام بر خدیجه، سالار بانوان گیتی».

ج) ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد خانوادگی

اشاره

«شوهرداری» بانوان یکی از ابعاد مهم سبک زندگی اسلامی است که سهم بسزایی در نشاط و تحرک خانواده و در نتیجه جامعه و حرکت آن به سوی کمال و سعادت دارد. همان که در لسان شریف پیامبر هنگامی که یکی از زنان مسلمان خدمت آن حضرت مشرف شد و از وجود مبارک ایشان درباره معافیت از جهاد زنان پرسید فرمودند: (جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ) «جهاد زن خوب شوهرداری زن است».

اگر جامعه ای بخواهد بنیان زندگی خانوادگی که نتیجتاً مستحکم شدن بنیان های زندگی اجتماعی را در پی دارد، با شالوده های متین و نامتزلزل بنا، نماید باید الگوی برتر برای سبک رفتار زن با شوهر در خانواده ها را بشناسد و پس از شناسایی آن را به منصفه ظهور برساند.

اسلام عزیز نمونه های متعددی در این زمینه نشان داده است یکی از مهم ترین آن ها زندگی پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و اله و با حضرت خدیجه علیها السلام است.

ص: 168

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 73، ص 36

2- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 1، ص 662.

3- بحار الانوار، ج 99، ص 272

زندگی اولین بانوی مسلمان با پیامبر صلی الله علیه و اله که اولین خانواده مسلمان را تشکیل داده بودند سراسر درس و پیام برای زندگی ها و خانواده های مسلمان است.

اگر زنان مسلمان در سبک زندگی اسلامی آن هم در بخش مهمی از آن مانند «شوهر داری»، روش های همسر داری را از حضرت خدیجه علیها السلام فرا بگیرند و آن را به کار ببندند، به یقین خواهند توانست گرم ترین و پر محبت ترین خانواده ها را پایه ریزی نمایند و خود الگویی برای دیگران شوند.

حضرت خدیجه علیها السلام که خود را اولین زن تشکیل دهنده یک خانواده مسلمان می دانست با شیوه های مختلف «سبک شوهر داری» زن مسلمانی را در معرض دید همگان قرار داد تا نشان دهد که می توان از گوشه یک محیط کوچک مانند منزل و محدودترین روابط اجتماعی مثل رابطه زن و مرد، یک دین و رسالت جهانی را تقویت کرد و موجب رشد هر چه بهتر آن شد و الگویی به وسعت همه جهان و همه از منته برای تقویت بنیان خانواده اسلامی بنا نهاد.

1. نگرشی ارزشی به زندگی

یکی از ویژگی های حضرت خدیجه علیها السلام درک ارزش های واقعی او در برابر فریبندگی های ظاهری و دنیوی بود. او معنای کمالات انسانی را به خوبی شناخت و چون توانست آن را تنها در وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بیابد، حاضر شد تمام شخصیت و دارایی خود را برای درک آن فدا کند. او در این راه، هم از مال خود گذشت، هم از موقعیت اجتماعی اش

استقلال طلبی و استقلال اندیشی این بانو از لابه لای کردار شایسته اش پیدا می شود و این از برجستگی ها و امتیازات بلند او به شمار می رود؛ زیرا اگر انسان از نظر اندیشه مبتکر و مستقل نباشد، نمی تواند در میدان تجارت و مدیریت و حساس ترین لحظات تصمیم گیری به طور مستقل فکر و عمل کند.

حضرت خدیجه علیها السلام براساس این ویژگی ده ها خواستگار دارنده زر و زیور و کاروان تجار تی و صاحب امکانات را قبول نکرد و به همه آن ها «نه» گفت و

طوری عمل کرد که همه تصور کردند او تصمیم به ازدواج ندارد، اما وقتی با انسانی امین و پاک دل و متفکر و شایسته کردار و صاحب روحی بزرگ آشنا شد همه آداب و رسوم جاهلی و خرافی را زیر پا گذاشت و خود پیشنهاد ازدواج داد.

وقتی غوغایی به راه افتاد که دختر ثروتمند و مقتدری چون شما با جوان تهی دستی چون محمد صلی الله علیه و اله و نباید ازدواج کند با قدرتی استوار و خلل ناپذیر در مقابل آن ها ایستاد و همه ثروت و امکانات خود را به پیامبر صلی الله علیه و اله بخشید و نشان داد که حُسن انتخاب حُسن عاقبت، سعادت، شخصیت، عظمت و شکوه، چیزی است که برای به دست آوردن آن نه تنها پول و شهرت و قدرت مهم نیست بلکه باید از هستی گذشت. او در روزگار خود، از نظر ریشه و تبار از بهترین های قریش بود و از نظر امکانات از ثروتمندان آن ها به شمار می رفت. بسیاری از شخصیت های سرشناس عرب و عجم برای پیوند با او سخت می کوشیدند و خواستگار بی قرار او بودند اما به آنان پاسخ منفی داد و در همان حال خود با هوشمندی و آینده نگری به خواستگاری پیامبر صلی الله علیه و اله رفت. خدیجه علیها السلام نوع نگرش خود را هنگام ابراز تمایل به ازدواج این گونه با پیامبر صلی الله علیه و اله مطرح کرد:

یابن عمانی رغبت فیک لقرابتک و سعلتک فی قومک و امانتک و حسن خلقک و صدق حدیثک؛ (1)

ای پسر عمو من به خاطر خویشاوندی، شرافت تو در بین مردم، امانت داری، خوش خلقی و راست گویی ات به شما تمایل یافتم

این نوع نگرش و رفتار، در جامعه ای که عموم توده ها، روابط خود را بر اساس ظواهر و زرق و برق های دنیوی پایه ریزی می کنند نمی توانست بدون پی آمدهای تلخ و ناگوار باشد؛ لذا به فاصله ای اندک از پخش خبر ازدواج وی با امین قریش، گروهی از زنان به عیب جویی از وی روی آوردند و در محافل خود او را سرزنش کردند. آنان می گفتند: «او با این همه حشمت و شوکت با یتیم ابوطالب که

ص: 170

جوانی فقیر است ازدواج کرد چه ننگ بزرگی!« خدیجه علیها السلام در مقابل این جهالت ها ساکت نشست و آن ها را به صرف ناهار دعوت کرد و بعد از پایان مراسم گفت:

ای زنان! شنیده ام شوهران شما (و خودتان) در مورد ازدواج من با حضرت محمد صلی الله علیه و اله خرده گرفته اید و عیب جویی می کنید. من از خود شما می پرسم: آیا در میان شما، شخصیتی مثل محمد صلی الله علیه و اله وجود دارد؟ آیا در گستره مکه و اطراف آن شخصیتی در فضایل و اخلاق نیک مانند او سراغ دارید؟ من برای این ویژگی ها با او ازدواج کردم و چیزهایی از او دیده ام که بسیار عالی است. پس شایسته نیست شما این گونه سخن بگویید و نسبت های ناروا به دیگران دهید.

زنان قریش بعد از این سخنان همگی سکوت اختیار کردند و به تدریج پراکنده شدند. (1)

این شیوه استدلال خدیجه علیها السلام، هر چند عمق ارزش گرایی در انتخاب ها را نشان می داد برای جامعه جاهل و متعصب آن روز قابل درک نمی نمود؛ لذا زنان لجوج قریش، به حالت قهر با او رفتار می کردند. آن ها دیگر به خدیجه علیها السلام نمی کردند و نزد او نمی رفتند، حتی تا سال پنجم بعثت که حضرت زهرا علیها السلام متولد شدند، نیز این شیوه رفتاری هم چنان پابرجا بود، لذا هنگام وضع حمل، او را تنها گذاشته پیام فرستادند که: «تو با ما مخالفت و با یتیم ابوطالب ازدواج کردی ما هرگز نزد تو نمی آییم و در هیچ کاری کمک نمی کنیم!!» این حجم از کینه ورزی ها دل خدیجه علیها السلام را آزرده تا آن جا که خداوند چهار بانوی پاکیزه (ساره، آسیه، مریم و صفورا دختر شعیب) را به یاری او فرستاد و به این سان خدیجه علیها السلام پاداش عشق و علاقه به کمالات انسانی را دریافت کرد و فرزندش فاطمه زهرا علیها السلام را به دنیا آورد (2)

ص: 171

1- بحار الانوار، ج 16، ص 81؛ ج 103، ص 374

2- بحار الانوار، ج 16، ص 80

در روا بودن اصل گفت و گو و سخن گفتن زنان با مردان بیگانه در فرهنگ الگویی تردیدی وجود ندارد؛ دلیل آن نیز صحبت و گفت و گوی دختران شعیب با حضرت موسی علیه السلام است. اما از همین سخن گفتن آنان می توان برداشت کرد که حیا و نجابت زنان، اقتضا می کند که هنگام صحبت با مردان، نخست به مقدار لزوم بسنده کرده بحث را به سخنان بی مورد و بی جا نکشانند؛ دوم این که لحن سخن گفتن خود را به گونه ای قرار دهند که از ایجاد هر گونه تحریک تطمیع و وسوسه در مخاطب جلوگیری شود؛ زیرا، عفت، یکی از صفات نفسانی است که شهوت نیروی سرکش را مهار می کند و تمام حرکات و گفتار و قلم انسان را کنترل می نماید تا آن چه را که دلش می خواهد نکند و هر چه را نفسش اراده کرد به قلم و زبان نیاورد و انجام ندهد لذا در کل، حیا برای هر انسانی نیکوست اما در بانوان و زنان نیکوتر و پسندیده تر است.

بررسی ویژگی های زنان نمونه در قرآن نشان می دهد که پاک دامنی و نجابت، از مهم ترین ویژگی های آنان به شمار می رود و سیمای آنان، گویای این حقیقت است که آنان در رویارویی با مردم و به ویژه مردان، بیگانه از شرم و حیای خاصی برخوردار بوده اند. این ویژگی شخصیتی در حضرت خدیجه علیها السلام نیز بسیار بارز بود از برجسته ترین لقب های او که به جهت نجابت، پاک منشی و پاک دامنی اش در عنفوان جوانی قریشیان به او دادند صفت «طاهره» است؛ (1) صفت زیننده ای که در سراسر زندگی پر برکت آن بانو علی رغم وجود ثروت و امکانات گسترده مالی و تشکیلات منظم تجاری و اقتصادی، جلوه ای کامل داشت آن بانو در زندگی شان در برخورد با نامحرم همیشه از پشت پرده و حجاب صحبت می کردند؛ حتی در جلسه خواستگاری شان به نقل، تاریخ از پشت پرده صحبت کردند مگر هنگام صحبت های آخر با پیامبر صلی الله علیه و اله. (2) او قبل

ص: 172

1- عبدالله بن محمد حسن مامقانی، تنقیح المقال في علم الرجال، ج 3، ص 77

2- محمد باقر مجلسی، همان، ج 16، ص 69؛ ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج 2، ص 214

از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و اله چنان در اوج نجابت و طهارت بود که ابوطالب علیه السلام بزرگ قریش و سالار بنی هاشم این گونه او را می ستاید:

(إِنَّ خَدِيجَةَ إِمْرَأَةً كَامِلَةً مِّمُّونَةً فَاضِلَةً تَخْشَى الْعَارَ وَ تَحْذِرُ الشَّنَارَ)؛ (1)

راستی که خدیجه بانویی است کامل و مبارک و صاحب فضل که از هر گونه عیب و عار پرهیز می کند و از هر نوع بدنامی و رسوایی دوری می گزیند.

از نمونه های دیگر عفت و حیا مخصوصاً در شب هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله به امرالهی چهل شب دور از همسر خود بودند این بود که آن، بانو سر خود را هنگام شب می پوشانند و پرده در را می انداختند و در خانه را می بستند. (2) این ها همه نشانه های عفت و حیاست، آن هم در زمان جاهلیت که چنین رفتارهایی را نمی توان در شخصی سراغ گرفت.

3. احترام به همسر و حفظ آرامش در خانواده

ایجاد سکون و آرامش همسران در کنار یک دیگر یکی از اهداف مهم ازدواج بر شمرده شده است. وجود صفا یک رنگی و صمیمیت در خانواده، علامت توفیق ازدواج در رسیدن به اصلی ترین هدف و نشانه آن است که زن و مرد هر دو به وظایف خود در برابر همسر عمل می کنند در این میان با توجه به وجود عواطف بسیار قوی در زنان نقش آنان در تأمین بهداشت روانی خانواده چشم گیرتر است زن می تواند روحیه خسته و ناامید همسرش را در برابر مشکلات تغییر دهد و یا دست کم سنگ صبور ناراحتی های او باشد. (3) هم چنان که

ص: 173

1- بحار الانوار، ج 61، ص 65

2- علی بن یوسف حلّی، العدد القویة، ص 219؛ سیلاوی، همان، ص 127

3- در روایت است که مردی به حضور رسول خدا صلی الله علیه و اله رسید و گفت همسری دارم که هنگام ورود به خانه به استقبال من می آید و چون از خانه خارج می شوم مرا مشایعت می کند و هر گاه مرا غمگین ببیند به من می گوید چه چیز تو را ناراحت کرده است؟ اگر به خاطر روزی، اندوهناکی آن را دیگری متکفل است و اگر نگران آخرت هستی خداوند هم و غم تو را زیادتر گرداند. رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: خداوند کارگزارانی دارد و او از کارگزاران خداست برای او نصف اجر یک شهید است (وسایل الشیعه، ج 20، ص 121).

می تواند در تضعیف روحیه همسرش نقش مؤثری داشته باشد و او را از خود رنجانده موجبات تزلزل نظام خانواده را فراهم کند.

زندگی خدیجه علیها السلام در آن دوران، سخت هر روز زیباتر و با لطافت تر می شد؛ زیرا فضای زندگی اش لبریز از عشق و خرد و خداپرستی و انسان دوستی و شایستگی و درایت بود او به همتای زندگی اش مهر و عشقی آسمانی داشت و حضرت را در اندیشه و کارها با تمام وجود یاری می کرد و در ابعاد مختلف، زندگی از نظر فرهنگی و اخلاقی و منش فردی و اجتماعی، با ایشان صحبت می کرد و در همه کارها با او دوستانه و قهرمانانه بود.

این ویژگی در خدیجه علیها السلام بسیار بارز بود؛ زیرا او از اندیشه و منش بالا و موقعیت شکوه بار همسر خود در بارگاه خدا و آینده درخشان ایشان آگاه بود. به خاطر همین مانند یک زن نواندیش و با ادب بلکه بهتر و بیش تر از آن، به همسرش احترام می گذاشت و در برابر او سرا پا گوش و هوش و عشق و حق شناسی بود و تلاش می کرد آن طور که باید و شاید قدرشناس باشد.

در این زندگی، حق شناسی و مهر و علاقه دوطرفه بود، هم خدیجه علیها السلام پیامبر صلی الله علیه و آله را خردمندترین تواناترین گرامی ترین عزیزترین، امانت دارترین پاک ترین پروا پیشه ترین با معنویت ترین و آراسته ترین انسان ها می دید و هم حضرت محمد صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام عشق می ورزیدند و احترام می گذاشتند؛ احترامی که شایسته و بایسته و وصف ناپذیر بود.

خدیجه علیها السلام به رغم داشتن اموال فراوان و موقعیت اجتماعی ویژه، در برخورد با رسول اکرم صلی الله علیه و آله همواره حرمت ایشان را پاس می داشت و کوچک ترین رفتاری که نشانی از اظهار برتری دهد از خود بروز نمی داد جلوه ای عالی از این رفتار را می توان در ماجرای عروسی آن دو سراغ گرفت. آن گاه که مراسم عقد و جشن پایان یافت و پیامبر صلی الله علیه و آله می خواست به خانه عمویش ابوطالب برگردد، ملکه بطحا و بانوی قریش که اینک همسر او شده بود این گونه او را مخاطب قرار داد:

به خانه خودتان وارد شوید! خانه من خانه شماست و من کنیز شما هستم.

و البته این همه احترام و پاسداشت به سبب عقیده و ایمان او به توحید بود. (2) اشعاری که منسوب به آن حضرت، است این حقیقت را روشن می کند که چگونه یک زن مسلمان همسر خویش را خطاب می کند:

فلو أنئی امشیت فی کل نعمه *** و دامت لی الدنيا و ملک الأكاسره

فما سویت عندی جناح بعوضه *** اذا لم یکن عینی لعینک ناظره

یعنی اگر تمام نعمت های دنیا و سلطنت های پادشاهان را داشته باشم و ملک آن ها همیشه از آن من باشد به نظر من به اندازه بال پشه ای ارزش ندارد زمانی که چشم من به چشم تو نیفتد.

حضرت خدیجه علیها السلام هرگز از رنج ها و گرفتاری های راه رسالت، شکایتی نکرد و موجب تضعیف روحیه همسرش نشد و این همراهی و همدلی از کمک های مالی او نیز بالاتر بود. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آغاز رسالت با دشمنان سرسخت اسلام مواجه گردیدند. حضرت خدیجه علیها السلام یار غم خوار پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از بعثت بود و پس از آن هم با تمام وجود حامی افکار و اندیشه های توحیدی ایشان محسوب می شد و به دلیل داشتن موقعیت مقبول و ممتاز پناهگاهی برای آن حضرت به حساب می آمد علامه سید شرف الدین در این مورد می نویسد:

او مدت 25 سال با پیامبر صلی الله علیه و اله زندگی کرد بدون آن که زن دیگری در زندگی او شریک شود و اگر در حیات باقی می ماند پیامبر باز هم شریک دیگری انتخاب نمی کرد. او در تمام طول زندگی زناشویی، شریک درد و رنج پیامبر بود، زیرا با مال خود به ایشان نیرو می بخشید و با گفتار و کردار از حضرت دفاع می نمود و به ایشان در مقابل عذاب و درد کافران که در راه رسالت و ادای آن نصیبش می کردند تسلی می داد. او به همراه

ص: 175

1- بحار الانوار، ج 1، ص 4

2- سفینه البحار، ج 2، ص 570؛ مقرر، وقات الزهراء، ص 7

امیرالمؤمنین علی علیه السلام هنگام نزول نخستین وحی آسمانی به پیامبر صلی الله علیه و اله در غار حرا بود؛ به طوری که نوشته اند: «کانت خدیجه وزیره صدق علی الاسلام و کان رسول الله یسکن الیه؛ خدیجه علیها السلام وزیر راستین اسلام بود و رسول خدا صل الله علیه و آله با [مهر و ملاطفت] او آرامش خاطر می یافت» (1).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ما قبل از بعثت هر ماه چند روز و هر سال ماه رمضان را برای عبادت و نیایش عارفانه به غار حرا می رفتند و حضرت خدیجه علیها السلام نه فقط مانع اجرای برنامه عبادی همسرش و رفتن او به غار حرا نمی شد بلکه خود نیز مشوق آن حضرت بود و هر بامداد و شامگاه ایشان را بدرقه می کرد و هنگام بازگشت، به پیشوازش می رفت؛ گاه برایش آب و غذا می برد و مواظب بود تا خلوت عاشقانه همسرش را به هم نزنند و گاه غلامان و نزدیکان خود را در اطراف کوه حرا به مراقبت از جان گرامی پیامبر صلی الله علیه و اله می گماشت و خود به انتظار بازگشت محبوبش به سر می برد. (2) امام هادی علیه السلام فرمود:

پیامبر اسلام پس از سفر تجاری، شام در آمدش را بین فقرا تقسیم کرد و هر روز بامداد به فراز کوه حرا می رفت و به تماشای شگفتی های خلقت مشغول می شد و تحت تأثیر عظمت خدا قرار می گرفت و خدا را آن گونه که شایسته بود عبادت می کرد (3).

همراهی حضرت خدیجه علیها السلام و تلاش او برای کسب رضایت رسول اکرم صلی الله علیه و اله به حدی بود که وقتی هنگام وفات در ضمن وصیت هایش به پیامبر گفت: «من در حق شما کوتاهی کردم مرا عفو کن!» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگز از تو تقصیری ندیدم و تو نهایت تلاش خود را به کار بردی و در خانه من بسیار خسته شدی!» (4).

به همین جهات بود که رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز همواره در حیات و ممات آن

ص: 176

1- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة، ج 1، ص 115

2- علامه امینی، الغدیر فی الکتاب و السنة، ج 3، ص 238

3- بحار الانوار، ج 17، ص 309

4- شجره طوبی، ج 2، ص 235

بانو، به او عشق می ورزیدند؛ چنان که روایت شده: (كَانَ لَهَا مُحِبًّا وَبِهَا وَامِقًا) (1) «پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به خدیجه علیها السلام محب و عاشق بودند».

4. رعایت ادب در طول زندگی

اگر به آمار اختلافات خانوادگی و طلاق و ناهنجاری های خانواده ها توجه شود، بخش زیادی از این مشکلات به رفتارهای زنان و دختران جوان بر می گردد و این همه به سبب ناآگاهی و بی توجهی به حقوق شوهران رعایت نکردن آداب معاشرت و ندانستن اصول شوهرداری در اسلام است.

بی شک هر زنی از شوهر خویش انتظارات و توقعاتی دارد، اما اگر این خواسته ها به صورت غیر مستقیم و با رعایت ادب انجام گیرد تأثیری فوق العاده در تحکیم روابط خانوادگی و افزایش محبت خواهد داشت.

با بررسی زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام می بینیم که آن بزرگوار این اصل را به خوبی رعایت می نمودند حضرت خدیجه علیها السلام خدمات زیادی را در خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم انجام داد و صدمات فراوانی متحمل شد؛ از این رو، به صورت طبیعی می توانست انتظارات و توقعاتی نیز از آن حضرت داشته باشد، اما او هیچ گاه خواسته های شخصی خویش را به صورت مستقیم بیان نمی کرد، بلکه سعی می نمود آن ها را در قالب یک پیشنهاد و یا خواهش غیر مهم و در کمال ادب و احترام مطرح نماید.

ادب و احترام خدیجه علیها السلام و در لحظات آخر زندگی شان بسیار بارز است. او در آن لحظه نه خود را از خدا طلب کار می دانست و نه از پیامبر صلی الله علیه و اله حضرت خدیجه علیها السلام در آستانه، وفات هنگامی که وصیت های خود را بیان می کرد، آن ها را در قالب یک گفت وگویی صمیمانه و محبت آمیز مطرح نمود. وی خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد: «یا رسول الله! چند وصیت دارم؛ البته من در حق شما کوتاهی کردم مرا عفو کنید. پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند:

ص: 177

هرگز از تو تقصیری مشاهده نکردم تو نهایت تلاش خود را به کار گرفتی و در خانه من زحمات و مشکلات زیادی را متحمل شدی و تمام دارایی خود را در راه خدا مصرف کردی.

پس از آن یک تقاضای مادی از همسرش داشت ولی احساس شرم و حیا به او اجازه مطرح کردن آن را نمی داد، لذا پیامبر صلی الله علیه و آله آن بانو و دخترش حضرت فاطمه علیها السلام را تنها گذاشتند و بیرون آمدند او به دخترش گفت:

(یا حَبِیبِی وَ یا قُرَّةَ عَیْنِی! قَوْلِی لِاَبِیْکَ اِنَّ اَتِیْتُ تَقَوْلُ اَنَا خَائِفَةٌ مِنَ الْقَبْرِ اُرِیدُ مِنْکَ رَدَائِکَ الَّذِی تَلْبِسُهُ حِیْنَ نَزُولِ الْوَحْیِ تَکْفِنُنِیْ فِیْهِ)؛

هان ای محبوب مادر و نور چشمم! به پدر گران قدرت بگو، مادرم می گوید من از خانه قبر، شب اول قبر و تنهایی در قبر نگرانم و می ترسم؛ از شما تقاضا دارم یکی از جامه های خود را که هنگام فرود فرشته وحی و دریافت پیام خدا و راز و نیازهای شبانه می پوشیدید به من هدیه کنید تا پس از، مرگ بدنم را با آن کفن کنم.

هم چنین از پیامبر صلی الله علیه و اله خواست که دعایش را بدرقه راه او کند و از درگاه الهی برایش آمرزش بطلبد و قبل از به خاک سپردنش لحظاتی خود پیامبر صلی الله علیه و اله در قبر او وارد شوند و با نماز و دعایش آن جا را پر از برکت کنند. [\(1\)](#)

حضرت فاطمه علیها السلام به نزد پدر آمدند و پیام مادر را رساندند. پیامبر صلی الله علیه و آله آن لباس را برای خدیجه علیها السلام فرستادند. هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام آن را آورد نشاط زیادی وجود خدیجه را فرا گرفت. آن گاه با دلی آرام چشم از جهان فرو بست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشغول تجهیز و غسل و حنوط وی شدند، هنگامی که خواستند خدیجه را کفن، کنند جبرئیل امین نازل شد و عرض کرد: «یا رسول الله! خداوند سلام می رساند و می فرماید: کفن خدیجه به عهده ماست و آن یک کفن بهشتی خواهد بود». پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم اول با پیراهن خود و روی آن با کفن بهشتی خدیجه را کفن کردند.

ص: 178

برخوردار بودن دلیل بر اسراف و بی بند و باری نیست. حضرت خدیجه علیها السلام به لحاظ اقتصادی بسیار ثروتمند و برخوردار بودند اما زندگی بسیار ساده ای داشتند. داشتن ثروت از نگاه اسلام هیچ منعی ندارد، اما چقدر مجازیم که چنین ثروتی را خرج تجملات کنیم نکته مهمی است که حدود آن را می توان از سیره حضرت خدیجه علیها السلام دریافت.

تولید ثروت برای اداره جامعه اسلامی بسیار ضروری است. این تولید ثروت توسط افراد صورت می گیرد اما سیره حضرت خدیجه علیها السلام، نشان می دهد که موضوع اقتصاد و کسب درآمدهای شرعی و طاهر، نه تنها موضوعی فردی نیست، بلکه بسیار اجتماعی است و باید به اقتضائات جامعه اسلامی توجه کرد. تأکید قرآن بر تقبیح ثروت اندوزی این است که این ثروت باید در شکوفایی اقتصاد جامعه به کار گرفته شود و حضرت خدیجه علیها السلام دقیقاً به همین مبنای الهی که بر اساس آموزه های دین ابراهیمی بود، عمل می کردند و با رعایت ضوابط و دقت در امور تجاری، منافع شخصی را در نظر نمی گرفتند، بلکه این فعالیت ها را در خدمت شکوفایی اقتصادی جامعه انجام می دادند.

حضرت خدیجه علیها السلام پیش از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، خانه ای باشکوه و مجلل داشت. او پس از ازدواج تمام این جلال و شکوه را به پای همسرش ریخت و آن خانه که پیش از طلوع اسلام پناهگاه مستمندان بود پس از اسلام پایگاه مؤمنان شد. پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام با رفتار خود در دوری از تجمل گرایی و با عمل به ساده زیستی الگوی پیروان و مسلمانان شدند.

قرآن کریم با اشاره به داستان برخی از زنان دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله و گرایش های مادی، آنان آن ها را مخیر ساخت که دنیا و تجمل آن را بر همسری پیامبر صلی الله علیه و آله ترجیح دهند و از آن حضرت جدا شوند و یا خدا و رسول و زندگی جاوید را بر بهره اندک دنیا برتری دهند و با پرهیز از رفاه زدگی و دنیا طلبی به زندگی ساده خود با رسول خدا صلی الله علیه و آله و ادامه دهند:

(يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأَسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا وَإِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا). (1)

(د) ویژگی الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد فعالیت های اجتماعی

حضور زنان برگزیده الهی در متن جامعه و مشارکت با مردان در مقاطع بسیار حساس اجتماعی الگویی برای دیگران است. حضرت خدیجه علیها السلام نیز دارای این ویژگی بود مشارکت اجتماعی در برنامه های دینی و هدایت مردم به سوی خدا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، یکی از اقدامات مهم آن بانو در اجتماع آن عصر بود. ایشان در مدتی که همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، با زبان و عمل؛ مردم را به سوی خدا و حقیقت راهنمایی می کردند ایشان به همراه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام مدت سه سال در تبلیغ عملی حضور داشتند که با این کار، جمعیت مسلمانان افزایش یافت و زمینه برای دعوت علنی آماده شد. علاوه بر تبلیغ عملی، خدیجه علیها السلام در مواردی هم در بین افراد به تبلیغ زبانی می پرداختند و کمالات پیامبر صلی الله علیه و آله را به مردم معرفی می کردند.

با مطالعه تاریخ اسلام، آن بخش از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام بسیار برجسته می نماید که ایشان نه به عنوان، همسر بلکه به عنوان یک مسلمان رهبر و سکان دار جامعه اسلامی آن روز را در پیشبرد اهداف رسالتش یاری می نماید و همه توان خود را در این زمینه هزینه می کند برای نمونه، پیامبر صلی الله علیه و آله در ایام حج، بالای کوه صفا رفته با صدای بلند ندا دادند: «ای مردم! من فرستاده پروردگارم» آن گاه به کوه مروه رفتند و سه بار سخن پیشین را تکرار کردند. عرب های متعصب هر یک سنگی برداشته در پی حضرت روانه شدند. ابوجهل ملعون سنگی پرتاب کرد که به پیشانی پیامبر صلی الله علیه و آله اصابت کرد و خون از پیشانی مبارک شان جاری شد. پیامبر صلی الله علیه و آله به کوه ابوقیس رفتند؛ مشرکان

ص: 180

نیز در پی ایشان روانه شدند حضرت علی علیه السلام خود را به حضرت خدیجه علیها السلام رساندند و موضوع را با ایشان مطرح فرمودند اشک بر گونه های خدیجه علیها السلام جاری شد. ظرفی از غذا برداشت و با آن حضرت برای یافتن پیامبر صلی الله علیه و آله راهی کوه ها و دشت ها شدند جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و عرض کرد:

از گریه خدیجه علیها السلام ملائک به گریه آمدند. او را بخواه و سلام برسان و بگو خدا به تو سلام می رساند و او را به خانه ای بهشتی که از نور مزین شده، بشارت بده!

آن ها پیامبر صلی الله علیه و آله را یافتند و به خانه آوردند مردم به خانه خدیجه حمله ور شده، خانه را سنگ باران کردند. خدیجه علیها السلام بیرون آمد و گفت: «آیا از سنگ باران کردن خانه زنی که نجیب ترین قوم شماست، شرم ندارید؟»

مردم با شنیدن این سخنان پراکنده شدند و او برای مداوای همسرش به خانه بازگشت. پیامبر صلی الله علیه و آله، سلام خدا را به وی رساندند.

حضرت خدیجه علیها السلام نه تنها از همه شئون و اعتبار اجتماعی خود برای دفاع از نبی مکرم اسلام مایه گذاشت بلکه در مواقع خطرناک و در صحنه های دشوار، حاضر می شد و به دفاع از حریم نبوی می پرداخت. ایشان در طول بیست و پنج سال زندگی با رسول خدا از هیچ کوششی دریغ نکرد و همواره همراه و هم سنگ پیغمبر بود. سه سال محاصره شدید اجتماعی و اقتصادی مسلمانان اوج فداکاری جناب خدیجه کبری به حساب می آید. او در سال هایی که مشرکان مکه بر تحریم اقتصادی و اجتماعی بنی هاشم هم پیمان شدند و آنان را در شعب ابی طالب محصور کردند و از هر گونه ارتباط آن ها با قبایل دیگر ممانعت نمودند با فرستادن نمایندگان از طرف خود سعی در متقاعد کردن ابوجهل داشت تا مانع ورود مواد غذایی به شعب ابوطالب نشود. وقتی از کار خویش نتیجه نگرفت، با کمک برادر زاده اش حکیم بن حزام، برای شعب آذوقه تهیه می کرد. (1) در این اوضاع سخت و طاقت فرسا، شخصیتی چون خدیجه کبری علیها السلام که در زمره ثروتمندان قریش، بود به رغم دارایی های فراوان خود، برای حفظ

ص: 181

1- ابن هشام، السیرة النبویة، ج 1، ص 379؛ بلاذری، انساب الاشراف، پیشین، ج 1، ص 272

ایمان و اعتقاد و انجام دادن وظیفه همه ثروتش را به پای پیامبر اکرم و در راه صیانت از شریعت خاتم ریخت و به آن جا رسید که نقل می کنند: رسول خدا و همسر بزرگ و عزیزش مشک را توی آب می گذاشتند و می مکیدند برای این که از آن چربی، مثلاً از آن چیزی که در مشک هست به آن ها برسد. (1)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و بارها از فداکاری آن بانویاد می فرمودند و بر این حقیقت که ایشان در راه اسلام چشمش را بر روی ثروت و سرمایه خویش پوشید تأکید می کردند

یاری و کمک خدیجه کبری در ادای قرض بدهکاران آزادی بردگان کمک به در ماندگان و فراهم نمودن امکانات ضروری زندگی برای مهاجران، همه از داشتن فعالیت های اجتماعی آن بزرگوار حکایت می کند (2)

ه) ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد اقتصادی و کارآفرینی

اشاره

اگر پژوهش گری به زندگی درخشان بانوی بزرگ تاریخ اسلام و عرب و موفقیت و شکوه او در ابعاد گوناگون زندگی بنگرد و راز استقلال و آزادی او را بجوید، همین دانش و هنر برنامه ریزی یگانه سازی نیروها، دمیدن روح انگیزش در کارکنان و قدرت کنترل کارها و اصلاح امور و دیگر هنرها و مهارت های مدیریت را در زیباترین شکل آن در منش و روش مترقی و با معنویت و زیبای او خواهد یافت. مدیریت آن بانو افزون بر اصول و ارکان مدیریت ظاهری و علمی و تجربی، مدیریتی، انسانی آزاد منشانه عادلانه و مدیریت بر قلب ها بود

1. بانویی اندیشمند و صاحب اعتبار و امکانات

اسناد روایی تفسیری و تاریخی بیان گر این حقیقت است که او بانویی، اندیشمند صاحب ثروت و امکانات بود و به تجارت گسترده ای اشتغال داشت و پس از ایمان به راه و رسم مترقی و انسان پرور پیامبر آزادی، تمام آن ثروت و

ص: 182

1- امام خمینی، صحیفه نور، ج 17، ص 474

2- رازی، ابوالفتوح، روضه الجنان، ج 19، ص 171

اعتبار و تجربه و کارایی را در اختیار پیشوای آزادی. نهاد لذا پیامبر صلی الله علیه و آله درباره نقش فداکاری او در پیشرفت معنویت و اخلاق فرمودند: (ما قامَ وَلَا اسْتَقَامَ الدِّينُ إِلَّا بِسَيْفِ عَلِيٍّ وَ مَالِ خَدِيجَةَ) (1)

اسلام پس از فرود بر قلب و زبان پیامبر صلی الله علیه و آله، با دو عامل اساسی، گسترش و پایداری یافت: شهامت و فداکاری امام علی علیه السلام، و دیگر جهاد و فداکاری اقتصادی حضرت خدیجه علیها السلام. بر این اساس اندیشه و روان در این مورد می نویسند: «کفاها شَرَفًا فَوْقَ شَرَفِ أَنْ الْإِسْلَامَ لَمْ يَقُمْ إِلَّا بِمَالِهَا وَسَيْفِ عَلِيِّ بْنِ طَالِبٍ كَمَا رُوِيَ مُتَوَاتِرًا» (2)

برای آن بانوی، فرزانه این شرافت و شکوه بس که راه و رسم عادلانه و بشر دوستانه اسلام و ایمان در برابر شرک و استبداد، جز در پرتو جاذبه پیامبر صلی الله علیه و اله و منش او جهاد خالصانه امیر مؤمنان و ثروت بسیار خدیجه علیها السلام قامت بر نیفراشت و گسترش نیافت.

حضرت رسول صلی الله علیه و اله نیز در قدر شناسی از بخشندگی و فداکاری هدف دار و جهاد اقتصادی بانوی خردمند حجاز در راه پیشرفت اندیشه آزادی بخش و انسان پرور دین خدا فرمود: (مَا نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مِثْلَ مَالِ خَدِيجَةَ)؛ (3) هیچ ثروت و امکاناتی در زندگی اجتماعی و تربیتی ام به هدف های والای من بسان ثروت و امکانات «خدیجه» سود بخش و سودرسان نبود.

در جریان محاصره چند ساله پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه یاران در دره ابوطالب، یکی از عوامل پایداری پیامبر صلی الله علیه و اله و مردم آزادی خواه و به شکست کشاندن تلاش واپس گرایانه محافظه کاران و جریان های خمود و خشونت گرا، بخشندگی و بزرگ منشی ابوطالب و بلند نظری و جهاد اقتصادی خدیجه علیها السلام بود؛ (وَأَنْفَقَ أَبُو طَالِبٍ وَ خَدِيجَةُ جَمِيعَ مَالِهِمَا) (4)

ص: 183

1- محمد کاظم قزوینی، فاطمه الزهراء من المهد الى اللحد، ص 25

2- تنقیح المقال، ج 3، ص 77

3- بحار الانوار، ج 19، ص 63

4- همان، ص 16

2. مدیریت اقتصادی

او در مدیریت اقتصادی خویش عوامل اجرایی را از میان انسان های سالم و امانت دار و درست کار و ریشه دار به همکاری دعوت می کرد و خود از دفتر کارش، کاروان عظیم تجارتي را با سرانگشت نیرومند تدبیر و قدرت گره گشای مدیریت و درایت خویش به حرکت در می آورد و به کارهای اقتصادی خویش سامان می بخشید. داستان پیشنهاد ابوطالب به او برای گزینش حضرت محمد صلی الله علیه و آله به کار در کاروان تجارتي اش و استقبال آن حضرت از آن پیشنهاد در روایات آمده است.

3. اصل ایجاد انگیزه در مدیریت اقتصادی

او در آن روزگار فقدان درایت و مدیریت عادلانه و انسانی، از اصل ایجاد انگیزه در کارکنان و همکاران بهره می جست. پیامبر صلی الله علیه و آله در مقام حق شناسی از بخشش و بزرگ منشی او در این راه چنین فرمودند:

(ما رأیتُ مِنْ صَاحِبِهِ لِأَجِيرٍ خَيْرًا مِنْ خَدِيحِهِ، مَا كُنَّا نَرْجِعُ أَنَا وَصَاحِبِي إِلَّا وَجَدْنَا عِنْدَهَا تُحْفَةً مِنْ طَعَامٍ تَحْبَاهُ لَنَا) (1)

مدیر و کارفرمایی پر مهرتر و حق شناس تر و بهتر از خدیجه نسبت به کارکنان و کارگزاران و همکارانش ندیدم. هر گاه من و دوستم پس از کار، نزد او می رفتیم، می دیدیم غذای گوازی را که به اشاره او برای ما آماده شده بود به ما هدیه می نمود و با کارگزاران و زیر دستان، بزرگ منشانه و انسانی رفتار می کرد (2)

4. اصل نظارت و کنترل در مدیریت

برابر اسناد تاریخی و روایی موجود او در مدیریت موفق و مترقی خویش، از اصل نظارت و کنترل در مورد برنامه ها و مدیران و کارکنان خویش بهره

ص: 184

1- همان، ج 16، ص 10

2- همان، ج 43، ص 76

می جست. هم توجه جدی به رهاورد کار داشت و هم به صورت دقیق و پی گیر کارهای انجام شده را مقایسه می نمود و هم در صورت لزوم اصلاحات لازم را اعمال می کرد تا از اشتباه و انحرافی که در پروژه ها و برنامه ها و هدف ها پیش می آمد، جلوگیری کند.

داستان گماشتن «میسره» یا بازرس ویژه به نظارت بر منش و رفتار حضرت محمد صلی الله علیه و آله و دستور تهیه گزارش دقیق کتبی و نه شفاهی، برای او، در اسناد تاریخی آمده که در درایت و مدیریت او آن هم در آن زمان، جالب و آموختنی است.

5. شناخت زمان و مکان و اوضاع بازار در پرتو آگاهی و مشاوره

او در برنامه ریزی از مشاوران کاردان بهره می جست. او در انتخاب وقت و فرصت نوع کالا و مقدار آن حرکت و بازگشت و توقف کاروان را با آگاهی از زمان و مکان به گونه ای تنظیم و تدبیر می کرد که شگفتی همگان را بر می انگیزد و کاروان بزرگ تجارته اش همواره در راه بود و از یمن به حجاز و از حجاز به شام و دیگر مراکز مهم اقتصادی و مبادلاتی جهان عرب می رفت و سودی سرشار و عادلانه با خود می آورد.

اگر به وضعیت آن روز جهان و دنیای عرب و قلمرو حجاز و نیز اسارت و محرومیت کامل زن از حقوق انسانی و اجتماعی اش آشنا باشیم و زنده به گور شدن دختران را به خاطر بیاوریم، آن گاه اداره چنین شریان مهم اقتصادی به وسیله یک دختر هوشمند و پاک منش و به مدیریت توان مند و تدابیر ظریف و دقیق اقتصادی و اجتماعی، او ما را به شخصیت برجسته و ابتکار در کارها و روح مدیریت و سازنده او رهنمون می سازد و در می یابیم که به راستی او در آن روزگاران خردمندترین مدبرترین و کارآمدترین بانوی جهان خویش بود.

دکتر محمد عبده یمانی، دانشمند و روشن فکر عرب و وزیر فرهنگ پیشین

سعودی و برادر «زکی یمانی» وزیر نفت سابق آن کشور، در کتاب خویش (1) در وصف ایمان و اخلاص و شهامت و عظمت روحی و درایت و مدیریت و فداکاری آن بانو می نویسد:

خدیدجه این بانوی آگاه و پاک سرشت که حق گرای فضیلت طلبی نواندیشی و عشق به کمال و پیشرفت از ویژگی هایش بود از همان روزگار جوانی یکی از دختران نام دار و با فضیلت حجاز و عرب به شمار می رفت. او در جهان عرب، نخستین زن توانمندی است که در اقتصاد و تجارت و مدیریت، درخشید و در این راه شخصیت منطقه ای و شهرت جهانی به هم زد؛ به گونه ای که نام بلند او در تاریخ عرب و در آثار و نوشته های تاریخ نگاران پیش از اسلام نیز با شکوه و عظمت و به عنوان یک قهرمان بزرگ ملی و یک مدیر توان مند کارآفرین و با درایت و معنویت آمده است.

و نیز می نویسد:

این بانوی بزرگ نه تنها انسانی پیشتاز و رشد یافته و آراسته به جمال و کمال و دارای خرد و روحی بزرگ بود بلکه فرشته ای پُرشکوه را در سیمای انسان می نمود او از شهامت و عظمت روحی و فکری و صف ناپذیری بهره مند بود. آیا در مورد هم اندیشی هم گرای همگامی و همراهی اندیشمندانه و دلیرانه او با پیامبر آزادی و عدالت آن هم در آن دوران تیره و تاریک از بعثت اندیشیده اید؟ راستی چگونه این بانوی فداکار و آزادمش پیش از بعثت و پیش از آشکار شدن شکوه و عظمت آن حضرت و آینده درخشانش گویی بسان او می اندیشید و از استبداد و انحطاط و کج روی و نادانی جامعه و دنیای خویش ناراحت بود و راهی تازه و جامعه و جهانی نو و شرایطی آزاد و آباد و مردمی آگاه و عدالت جو و با معنویت می جست؟ او در راه همگامی و همراهی با پیامبر کارهای مخاطره آمیز حکیمانه و فداکاری هایی شجاعانه می کرد؛ برای نمونه با آن ثروت و اعتبار خود از خانه خویش - که نزدیک «مسجد الحرام» بود - راه می افتاد و با پیمودن مسافت زیادی تا

ص: 186

1- او کتاب هایی در مورد خاندان پیامبر صلی الله علیه و اله نوشته از جمله: حقوق اهل بیت؛ خدیجه علیه السلام همسر پیامبر صلی الله علیه و اله، و فاطمه علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و اله، که ترجمه سه عنوان از سه کتاب اوست.

غار حرا می رفت و برای پیامبر آب و غذا می برد و ایشان را در راه اوج و عرفان و نیایش و معنویت و به دوش کشیدن بارگران رسالت و به اهتزاز درآوردن پرچم نجات و رستگاری بشریت یاری و همراهی می کرد؟ (1)

نویسنده در کتاب دیگرش در بیان نقش تاریخ ساز و مترقی خدیجه علیها السلام، او را مام گران مایه توحید گرایان و کمال جویان همسر و همتای لایق پیامبر محبوب و شریک دغدغه ها و هدف های او و مادر دعوت نجات بخش اسلام عنوان می دهد. (2)

علامه قزوینی نیز در این مورد می نویسد:

مام گران مایه فاطمه علیها السلام و بانوی نوگرا و ارجمندی است به نام خدیجه علیها السلام؛ بانویی سپید چهره بلند قامت و زیبا که در میان جامعه و مردم، سخت پر شرافت بود و در کارها بسیار خردمند از هوش و درایت بهره ای بزرگ داشت و در شئون، زندگی از بینشی ژرف برخوردار بود در پرتو استقلال فکر و عمل و اعتماد به خود می زیست و به برکت مغز هوشمند خود چرخ های اقتصادی و تجاری گسترده خود را به حرکت آورده و به مقررات و مدیریت اقتصادی و کارآفرینی آگاه و کوشا بود این ها از صفات شایسته و ویژگی های آن بانوی بزرگ به عنوان یک انسان است. او بانویی بود که ثروت هنگفت خود را به شوی گران قدرش بخشید تا در راهی که می پسندد به کار گیرد بی تردید سرمایه عظیم اقتصادی آن بانوی فداکار در پیشرفت اسلام و برپایی جامعه جدید نقش اساسی داشت؛ زیرا اسلام در حال شکل گیری به امکانات اقتصادی نیازمند بود و خدا بر اثر درست اندیشی و اخلاص، خدیجه این افتخار را به او داد که ثروتش را برای پیشرفت دین و آزادی انسان مهیا ساخت و با تأمین نیاز اقتصادی پیامبر صلی الله علیه و اله و نواندیشان همراه ایشان در آن مرحله حساس هدف پیامبر صلی الله علیه و اله که بر پای پایه های عدالت و آزادی بود استوار شد به همین جهت، پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود:

ص: 187

1- نقل به مضمون از سفرنامه استاد سبحانی سیمای فرزندگان، ص 362

2- فاطمه الزهرا، ص 114

«مَا نَفَعَنِي مَالٌ قَدْ مِثْلُ مَا نَفَعَنِي مَالٌ خَدِيجَه. (1) هیچ ثروتی بسان ثروت خدیجه برای اهداف بلند من سود بخش نیفتاد»

در آستانه ازدواج صلی الله علیه و آله پیامبر با خدیجه علیها السلام، وقتی ورقه بن نوفل پسر عموی خدیجه، سخن از فقر پیامبر صلی الله علیه و آله به میان آورد، خدیجه علیها السلام فرمود: «اذا كان ماله قليلا فمالي كثيرا؛ اگر مال او اندک است مال من بسیار است» و شعری خواند که مصرع دومش این است: «فما المال الا مثل قلم الاظفار؛ ثروت در برابر او جز مانند گرفتن ناخن ها نیست»؛ یعنی ثروتم را از خودم جدا کرده، همه را در اختیار او قرار می دهم.

پیامبر صلی الله علیه و آله با بهره گیری از ثروت خدیجه علیها السلام، ضمن پرداخت قرض وام داران بردگان را آزاد و به در ماندگان کمک می کردند بار را از دوش آنان بر می داشتند و در رخدادهای ناگوار زندگی از آن مال پر سعادت به هر اندازه لازم بود، هزینه می کردند و زیر بال محرومان را می گرفتند آن حضرت در مکه به یاران آزادی خواه، اما تهی دست و زیر فشار کمک می کردند و امکانات هجرت مهاجران را فراهم می نمودند آن حضرت در حیات درخشان آن یار فداکار، آن چه صلاح می دانستند از دارایی اش هزینه می کردند و پس از رحلت او نیز خود و فرزندان او را به ارث بردند. (2)

علاوه بر آن حتی هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله (پانزده سال قبل از بعثت) با خدیجه علیها السلام ازدواج کرد روزی حلیمه سعديه مادر رضاعی پیامبر صلی الله علیه و اله به مکه آمد و از قحطی و خشک سالی آن سال شکایت کرد پیامبر صلی الله علیه و آله این موضوع را با خدیجه علیها السلام در میان گذاشتند و خدیجه علیها السلام چهل شتر و گوسفند به حلیمه بخشید. او با شادمانی به سوی خاندانش بازگشت پس از طلوع اسلام حلیمه به همراه شوهرش به مکه آمدند و مسلمان شدند به همین جهت، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

(مَا قَامَ وَلَا اسْتَقَامَ الدِّينُ إِلَّا بِسَيْفِ عَلِيٍّ وَ مَالِ خَدِيجَةَ)

ص: 188

1- کر می فریدنی، سیما و سیره ریحانه پیامبر ص 86

2- طوسی، امالی، ج 2، ص 82.

اسلام پس از جاذبه مفاهیم و معنویت مقررات خود با شجاعت و شمشیر عدالت طلب علی علیه السلام و دارایی خدیجه علیها السلام در برابر فشار استبداد بر پای ایستاد و استواری یافت

زندگی و همگامی این بانوی بزرگ با پیامبر صلی الله علیه و اله، در خور هرگونه تحسین است. به همین دلیل آن حضرت پس از رحلت او نیز هر گاه نام بلندآوازه اش به میان می آمد برایش طلب آموزش می کردند و قلب مصفایش به یاد او می شکست و در اندوه آن یار مهربان و فداکار اشک می ریختند. (1)

بانو «قراعه» دانشمند مشهور، عرب می نویسد:

تاریخ در برابر شکوه و عظمت أم المومنین خدیجه علیها السلام سر فرود می آورد و در برابر او با نهایت فروتنی می ایستد و نمی داند که نام این بانوی بزرگ جمال و کمال را در کدامین فراز بلند خویش به ثبت برساند. (2)

نیز دکتر سعیده کرمی در این مورد می نویسد:

بیست و پنج بهار از عمر پر برکت پیامبر صلی الله علیه و آله می گذشت که با خدیجه علیها السلام - که برترین و والاترین دختر حجاز بود - پیمان زندگی مشترک بست و فصل تازه ای در زندگی شان آغاز شد. ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام در نوع خود بی نظیر و دارای ویژگی هایی بی سابقه بود؛ زیرا این پیوند مبارک نه ثمره عشق زودگذر بود و نه برخاسته از انگیزه های مادی یا دیگر امور و اهداف رایج که در ازدواج چهره های سرشناس وجود دارد هدف های سیاسی نیز در امضا و تشکیل این زندگی و ساختار آن نقشی نداشت (3)

6. رعایت اصل پاک روشی و پاک منشی در مدیریت اقتصادی

حضرت خدیجه علیها السلام در کار تجارت و مدیریت خویش بر اساس همان بینش و منش برجسته اش گام بر می داشت که پاک روشی، پاک منشی، راستی

ص: 189

1- فاطمه الزهراء من المهد الى اللحد، ص 25

2- نساء محمد صلی الله علیه و آله، ص 38

3- سعیده کرمی، نسیم بهشت، ص 47

و درستی عدالت خواهی و ستم ستیزی بود. او هرگز به هر قیمت و هر بهایی سود نمی جست و درآمد نمی خواست هرگز بسان برخی زورمداران و زرپرستان تجارت را وسیله ای برای به دست آوردن درآمدهای سرشار، اما ظالمانه و ضد مردمی و به هر شکل و از هر راه را نمی پسندید هرگز در اندیشه سودجویی های فردی و بی ضابطه و به بهای فقر و فلاکت مردم خویش نبود بلکه همواره در تلاش بود تا مدیریت اقتصادی و کار تجارت و بازرگانی اش از هرگونه تخلف اقتصادی و هر نوع آلودگی مالی و درآمدهای بادآورده و ظالمانه دور باشد.

از این زاویه او بر خلاف رسم رایج بازار روزگارش، از احتکار و انحصار کم فروشی و فریب از ربا خواری و سوء استفاده از فرصت و اعتبار و امکانات برای انباشتن دارایی دوری می جست و کار پرشرافت خویش را به این گناهان بزرگ آلوده نمی ساخت و به کارگران و کارمندان و مدیران تحت فرمانش نیز هشدار می داد که داد و ستد و سود و درآمد را در پرتو درایت و صداقت و هوشمندی و هنر و از راه های مشروع و عادلانه تجارت و صادرات و واردات و تولید و توزیع و خدمت به کشور و ملت خویش و تعهد و تخصص بجویند.

7. جلب اعتماد بازارهای داخلی و منطقه ای

حضرت خدیجه علیها السلام به دلیل بیش زیبا و منش متری و ویژگی های اخلاقی و انسانی و مدیریت و مهارت خردمندانه، نه تنها اعتماد بازارهای داخلی را جلب نموده، بلکه اطمینان بازارهای منطقه ای را نیز به دست آورد، و راه پیشرفت را برای دیگران هم گشود؛ لذا، موفقیت از پی موفقیتی دیگر و سود سرشار از پی سودی دیگر می رسید و کاروان های تجاری خدیجه مورد استقبال بازارهای، مصر، یمن، شام حبشه قرار می گرفت؛ زیرا او در خوش نامی و صداقت و امانت و جلب اعتماد گوی سبقت را از همگان ربوده بود (1).

ص: 190

برابر اسناد موجود خدیجه علیها السلام مدیری آگاه و دل سوز و کارآفرین بود، به همین جهت قراردادهای ابتکاری و متنوعی با افراد می بست و با تسهیلاتی جالب و عادلانه آنان را به کار می گماشت. او برخی را که دارای روح ابتکار و استقلالی، بودند با اعطای سرمایه و تسهیلات با قراردادی شبیه مضاربه همراه کاروان خویش می فرستاد و برخی را به صورت کارمند و کارگر و کارگزار به کار می گماشت. در واقع آن حضرت در تجارت به دو طریق مردم را انتخاب می کردند: یک گروه که در مقابل اجرت معین و متناسب با سختی کار به آنان حقوق می دادند و گروه دوم به صورت مضاربه بود که سود حاصل از تجارت را به این افراد می دادند از این رو حضرت خدیجه علیها السلام، بر اساس سهمیه ای که قبلاً مشخص شده بود حقوق را پرداخت می کردند اما در زمانی که کاروان های تجاری دچار خسارت می شدند حضرت خدیجه علیها السلام خسارت مربوطه را متوجه اموال خود می دانستند و در واقع یک نوع بازار کار را برای افراد در دوران جاهلیت ایجاد کرده بودند. از این راه در درجه نخست بر مال حلال خویش می افزود و در درجه دوم خون مفید و ثروت سالم به اقتصاد جامعه، تزریق می کرد و در درجه سوم، گروهی را به سبب همراهی با کاروان بزرگ خویش اداره می کرد و برای آنان فرصت کار و اشتغال و درآمد می آفرید و در درجه چهارم نیازهای متنوع مردم به کالا و وسایل زندگی را برطرف می ساخت و بهتر و مطلوب تر از همه به ندای استقلال طلبی، آزاد منشی و آزادی خواهی ستم ستیزی و ناسازگاری خویش با روند ظالمانه روزگارش پاسخ می داد.

اگر وضعیت رباخواری آن روز جهان عرب و آیات قرآن در این زمینه را بنگریم که چگونه و در چند مرحله به جنگ این بلا و این آفت بزرگ اجتماعی و اقتصادی و روانی و اخلاقی رفته است، آن گاه بیشتر به عظمت این بانوی خوش فکر و روح خلاق و مبتکر او پی می بریم و با درایت و مدیریت تحسین بر انگیزش در اقتصاد و تجارت و کارآفرینی و پیشرفت آگاه می گردیم برای نمونه، در برخی از اسناد

تاریخی و روایی در مورد مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام و خدمات بشردوستانه او از زبان یکی از عموه‌های پیامبر در روزگار نوجوانی آن حضرت که جوای کار با شرایطی آزادمنشانه و تسهیلاتی بدون منت بود، چنین آمده است:

(أَمْضُوا بِنَا إِلَى دَارِ خَدِيجَةَ بِنْتِ خُوَيْلِدٍ حَتَّى نَسْأَلَهَا أَنْ تُعْطِيَ مُحَمَّدًا مَالًا يَتَجَرَّبَهَا) (1)

باید به خانه خدیجه برویم و از او بخواهیم که سرمایه و تسهیلاتی در اختیار [حضرت] محمد قرار دهد تا وی با آن تجارت نماید.

9. کارآفرینی با معنویت و بشردوست

بر اساس اسناد تاریخی و روایی درایت و مدیریت تحسین برانگیز خدیجه در اقتصاد و تجارت، او را به اوج شهرت رساند و درست اندیشی، درست رفتاری و امانت وی را در سیمای کارآفرینی با معنویت شایسته کردار و بشر دوست و خدمت گزار نیروی کار در مکه و حجاز مشهور کرد.

بی جهت نیست که وقتی فردی سرشناس و برجسته و آراسته به بلند نظری و شهامت و مناعت طبع همانند ابوطالب در تلاش یافتن فرصت کار و امکان اشتغال در جایی پر اعتبار و سالم برای برادر زاده جوان و ارجمند خویش است پیش از هر جا و هر کار و هر مؤسسه ای از تشکیلات اقتصادی و تجاری دخت فرزانه حجاز آگاهی و مدد می جوید و زمانی که به سبب خوش نامی خود و خاندانش بی درنگ پاسخ مساعد دریافت می دارد به برادرزاده ارجمندش می گوید:

محمد جان! برابر پیشنهادی که دریافت داشته ام مؤسسه اقتصادی و بازرگانی خدیجه در اندیشه یافتن مردی هوشمند و کارآمد و آراسته به اخلاق نیک و امانت است تا مدیریت کاروان بزرگ او به سوی شام را بر عهده وی . بسپارد به باور من فرصت خوبی است که شما خود را به آن مؤسسه و

ص: 192

مدیریت موفق آن معرفی نماید و برای این کار اعلام آمادگی کنید. (1)

پیامبر صلی الله علیه و آله با این پیشنهاد موافقت نمودند و در این اندیشه رفتند که چگونه میان مناعت طبع و روح بلند خود از یک سو و از سوی دیگر با درخواست کار از خدیجه، بدون هیچ آشنایی چهره به چهره و سابقه قبلی با مؤسسه او، هماهنگی برقرار سازند؟ هنوز در اندیشه حل این معما بودند که پیک خدیجه از راه رسید و در پیگیری گفتگوی ابوطالب در این مورد، حضرت محمد صلی الله علیه و آله را برای آشنایی و مذاکره دعوت نمود. آن حضرت با فرستاده خدیجه به گفتگو نشستند و او ضمن دعوت حضرت به کار، خاطر نشان ساخت:

نیروی کار برای ما فراوان است اما آن چه مدیریت این مؤسسه تجاری را به شما علاقه مند ساخته و در اندیشه عقد قرارداد و سپردن مدیریت کاروان بزرگ بازرگانی خدیجه به سوی شام با شماست، همان گوهر اخلاق و معنویت و راستی و امانت و پاک منشی و شیوه شایسته و خوشنامی او در زندگی است.

پیامبر صلی الله علیه و آله و جریان را با عموی فرزانه و دل سوز خویش ابوطالب در میان نهادند و او گفت: (إِنَّ هَذَا الرَّزْقَ سَاقَهُ اللَّهُ إِلَيْكَ) (2)

این رویداد، خوش وسیله و راهی است برای اشتغال و درآمد زندگی که خدای مهربان آن را به سوی توروان ساخته است».

پیامبر صلی الله علیه و آله پس از ترغیب فرزانه، قریش به سوی مرکز تجاری خدیجه علیها السلام رفتند و ضمن دیدار با او و شنیدن شرایط و مقررات کار و حقوق و مزایای آن دریافتند که مدیریت بازرگانی خدیجه حاضر است دو برابر حقوقی که به دیگران می دهد به آن حضرت پردازد و دو غلام خویش را نیز برای انجام دادن فوری و دقیق تصمیمات او از آغاز تا انجام سفر تجاری به همراه ایشان گسیل دارد. آن حضرت نیز پس از مساعد و مطلوب دیدن شرایط و مزایا و منشا و رفتارها

ص: 193

1- همان

2- سیره ابن هشام، ج 1، ص 158 کامل ابن اثیر، ج 2، ص 24

آمادگی خود را برای همکاری اعلام داشتند.

چیزی نگذشت که کاروان بزرگ تجاری قریش به سوی شام حرکت کرد و کالای متنوع و مرغوب خدیجه علیها السلام نیز در قالب آن به راه افتاد. آن بانو افزون بر کالای کاروان مرکبی راهوار و مقداری کالای ارزشمند نیز در اختیار مدیر بازرگانی خویش قرار داد و به دو تن از چابک ترین باهوش ترین و ادب آموخته ترین غلامان خود نیز دستور داد تا در همه مراحل کار و سفر گوش به فرمان پیامبر صلی الله علیه و اله باشند و هر آن چه از او دیدند در خاطرات خویش بنویسند و به هنگام بازگشت به مدیریت مؤسسه بدهند

جالب است که کاروان با موفقیت و سودی رضایت بخش بازگشت. در همین نخستین سفر درایت و امانت پیامبر صلی الله علیه و اله در خشید و ابتکارات ایشان کارساز گردید و در نتیجه سود تجاری سرشاری را نصیب کاروان نمود. افزون بر آن، دو فرستاده خدیجه علیها السلام یک سره از امانت و معنویت و منش متریقی، و ادب و اخلاق آن حضرت خبر دادند و دخت ارجمند حجاز را برای همیشه شیفته اندیشه والا و شیدای منش زیبا و امانت و درستی او ساختند.

(ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد سیاسی)

اشاره

نقش سیاسی زنانی نظیر حضرت خدیجه علیها السلام ممکن است نقشی متعارف- چنان که از این عبارت انتظار می رود - نباشد، اما هیچ کس در اهمیت و تعیین کننده بودن آن تردیدی ندارد این موضوع با رجوع به متون تاریخی و احادیث و روایات در همان نگاه اول رخ می نماید و نیز چنین ویژگی، شاید با مرور زندگی شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام که 25 سال در بحرانی ترین دوران صدر اسلام در کنار پیامبر صلی الله علیه و اله بود بیش از پیش جلوه گر شود. از این رو برای آشنایی بیشتر با ویژگی های سیاسی آن، حضرت مواردی را در این مورد بیان می کنیم و از سخنان مقام معظم رهبری که از نزدیک با بحث های سیاسی انقلاب آشنا هستند استفاده می کنیم:

ص: 194

یکی از مراحل حضور زن در صحنه سیاست آشنایی با فعل و انفعالات و جریان‌های سیاسی حاکم بر جامعه و موضع‌گیری مناسب در برابر این رخدادهاست. مرتبه اول موضع‌گیری نیز آن است که فرد از نظر قلبی، به جریان‌های سیاسی که بر اساس حق به وجود آمده، گرایش داشته و از فعالیت جریان‌های غیر منطبق با آن احساس ناخشنودی باطنی نماید. اعلان ایمان و پیروی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله در دوران اختناق، یکی از بهترین و کارآمدترین موضع‌گیری‌های حضرت خدیجه علیها السلام در امور سیاسی بود. روشن است که این سختی‌ها در آغاز یک انقلاب به دلیل فقدان پشتوانه مالی و نظامی، کم و کیف بیشتری دارد و طبیعتاً اعتقاد به مشارکت و پیروی از یک رهبر در این ایام از ارزش و اهمیت والایی برخوردار است و در پیشبرد اهداف انقلابی رهبری تأثیر بنیادینی می‌گذارد. از این منظر ایمان آوردن حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت علی علیه السلام در اولین ساعات بعثت و پیروی از آن حضرت و تحمل سختی‌های این مسیر اهمیت والایی دارد اعلام ایمان و پیروی در آغاز انقلابی که رهبر آن هیچ قدرت و ثروتی ندارد و حتی در ظاهر امید هیچ پیروزی نیز در کار نیست خود بزرگترین حمایت برای رهبری آن انقلاب به شمار می‌رود ایمان آوردن بعد از کسب پیروزی و قدرت، از لحاظ ارزش و تأثیر با ایمان و پیروی در آغاز انقلاب قابل مقایسه نیست.

رهبر معظم انقلاب با اشاره به اهمیت پیروی از رهبری یک انقلاب در دوران سختی و مرارت می‌فرماید:

وقتی که اوضاع خوب است کسانی که دور محور یک رهبری جمع شده اند همه از اوضاع راضی‌اند؛ می‌گویند خدا پدرش را پیامرزد، ما را به این وضع خوب آورد. وقتی سختی پیدا می‌شود، همه دچار تردید می‌شوند. (1)

ص: 195

حضرت خدیجه علیها السلام اولین شخصیتی بود که به حمایت تمام قد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله اهتمام نمود و در این راه جان و مال خود را فدا کرد. اهمیت حمایت های همه جانبه به خصوص حمایت مالی از نبی مکرم صلی الله علیه و اله در آغاز انقلاب نبوی آن گاه روشن می شود که بدانیم - به تعبیر رهبر معظم انقلاب - در دوران انقلاب و اختناق، نقش کمک های مالی نقشی بنیادین است. اگر کمک های مالی حضرت خدیجه علیها السلام در ابتدای انقلاب نبوی نبود، به احتمال زیاد فرآیند تکاملی آن در آغاز راه مختل می گردید:

خدیجه کبری علیها السلام در آغاز اسلام ایمان آورد؛ بزرگ ترین حرکت را به عنوان یک بانوی کامله و عاقله و بزرگوار انجام داد؛ اول مؤمن به اسلام او بود؛ بعد هم همه ثروت خود را در راه دعوت اسلام و ترویج اسلام خرج کرد و تأثیر این کار را کسانی می دانند که در مبارزات و دوران اختناق نقش کمک های مالی را به مبارزین تجربه کردند که اگر کمک های خدیجه صلی الله علیه و اله نبود، شاید در حرکت اسلام و پیشرفت اسلام یک اختلال و وقفه عمده ای به وجود می آمد. (1)

3. ایستادگی و مقاومت هنگام تحریم و محاصره شعب ابی طالب

تاریخ حکایت گر آن است که هر گاه ندایی و انقلابی در جهت حق طلبی و بر ضد ستمگری و استبداد قد بر افراشته مستکبران و مستبدان از هر راهی برای نابودی و خاموش کردن آن انقلاب بهره گرفته اند؛ از جمله: حملات سرد و گرم، مبارزات مخفی و عیان، تهاجم فرهنگی و نرم و نیز هجمه ها، هجمه اقتصادی در قالب محاصره و تحریم اقتصادی این ها مواردی است که امروز ملت مسلمان ایران نیز با آن مواجه هستند دشمنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله نیز پس از ناکامی در متوقف کردن انقلاب نبوی، با استفاده از محاصره و تحریم اقتصادی-سیاسی و فرهنگی، تلاش نمودند پیروان ایشان را از اطراف حضرت پراکنده سازند و انقلاب

ص: 196

1- خامنه ای، علی سخنرانی ایراد شده در تاریخ (1365/3/2).

الهی آن حضرت را از پای درآوردند. بر اساس گزارش های مسلم تاریخی ستمگران، مکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و وابستگان اطرافیان و پیروان حضرتش را در شعب ابی طالب تا سه سال تحت محاصره همه جانبه، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی قرار دادند یاران و پیروان صدیق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تکیه برای مان مستحکم، خویش در این راه ایستادند؛ ولی در عین حال سختی ها به دوش پیامبر صلی الله علیه و آله فشار می آورد. در همین اوضاع، حضرت خدیجه علیها السلام به حمایت همه جانبه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرداخت و تمامی اموال خویش را در این راه تقدیم نمود. هم چنین در این مدت به حمایت عاطفی و معنوی از آن حضرت همت گمارد و همواره به آن حضرت دلگرمی بخشید و تنها مونس و غم خوار آن حضرت بود. در حقیقت اقدامات آن، بانو در این ایام بخشی معطوف به کل مسلمانان بود که به عنوان بانوی اول اسلام و مادر تمامی مؤمنان مادرانه به اوضاع مسلمانان رسیدگی می کرد و با هزینه کرد ثروت خویش روحیه پایداری را در آن ها زنده نگاه می داشت؛ بخشی دیگر نیز معطوف به شخص نبی مکرم صلی الله علیه و آله بود و به تعبیر رهبر معظم انقلاب حضرت خدیجه علیها السلام در تمام ایام عمر و خصوصاً در ایام سخت شعب ابی طالب «بزرگترین کمک روحی برای پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می رفت».⁽¹⁾ این هر دو سنخ اقدام از جمله عوامل مهم و تاثیرگذار در گذار از ایام محاصره و تحریم و پیروزی اولیه اسلام به شمار می رود.

رهبر معظم انقلاب در تبیین و تحلیل دوران محاصره و تحریم در شعب ابی طالب و مقاومت مسلمانان در این ایام و عامل این استقامت می فرماید:

همان ایستادگی اول، بعثت منجر می شود به استقامت عجیب سه سال در شعب ابی طالب شوخی نیست؛ سه سال در یک دره ای در مجاورت مکه بدون آب بدون گیاه در زیر آفتاب سوزان پیغمبر جناب ابی طالب، جناب خدیجه همه مسلمان ها و همه خانواده های شان توی این تکه - شکاف کوه - زندگی کردند راه هم بسته بود که برای این ها غذا

ص: 197

نیاید، خوراک نیاید. گاهی در ایام موسم - که بر طبق سنن جاهلی آزاد بود یعنی جنگ نبود می توانستند داخل شهر بیایند، اما تا می خواستند جنسی را در دکانی معامله کنند ابوجهل و ابولهب و بقیه بزرگان مکه به نوکرها و فرزندان خودشان سفارش کرده بودند که هر وقت آن ها خواستند جنسی را بخرند، شما وارد معامله شوید، دو برابر پول بدهید، جنس را شما بخرید و نگذارید آن ها جنس بخرند با یک چنین وضعیت سختی سه سال را گذراندند این شوخی است؟ آن استقامت اولی آن عمود مستحکم این خیمه آن دل متوکل علی الله است که چنین استقامتی را در فضا به وجود می آورد که آحاد صبر می کنند. شب تا صبح بچه ها از گرسنگی گریه می کردند که صدای گریه بچه ها از توی شعب ابی طالب به گوش کفار قریش می رسید و ضعفای آن ها هم دل شان می سوخت؛ اما از ترس، اقویا جرأت نمی کردند کمک کنند. (1)

4. سرپرستی و تربیت جانشین نبوت

انقلاب هایی که با برنامه ریزی درست صورت می گیرد، از همان ابتدا مسأله جانشینی، رهبری یکی از دغدغه های رهبر آن و نیز انقلابیان است. در انقلاب نبوی نیز این امر اهمیت بسزایی داشت به گونه ای که اولین اقدام نبی مکرم صلی الله علیه و آله پس از علنی کردن دعوت خویش تعیین جانشین خود بود که در داستان دعوت سران و بزرگان، قریش حضرت علی علیه السلام را به عنوان جانشین و خود تعیین نمودند. جالب این جاست که این جانشین و پیامبر صلی الله علیه و آله، بنا به مصلحت الهی و نیز اطلاع الهی نبی مکرم صلی الله علیه و آله از وصایت حضرت علی علیه السلام از دوران طفولیت در خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آغوش گرم آن حضرت و دامن مطهر حضرت خدیجه علیها السلام تحت تربیت و رشد قرار گرفته بود. از این منظر نیز نقش حضرت خدیجه علیها السلام در جریان انقلاب نبوی نقشی بنیادین است؛ زیرا تربیت جانشین رهبری انقلاب تأثیر عمیقی در مراحل مختلف انقلاب - ایجاد،

ص: 198

استقرار و استمرار - دارد نقش این امر در ایجاد انقلاب آن جاست که برنامه ریزی انقلاب را به رخ می کشد که این انقلاب ابتر نیست که با رفتن رهبر از بین .برود بنابراین «ایجاد امید به آینده انقلاب» و در نتیجه پایداری و استقامت پیروان، نقش مهم این مسأله در ایجاد انقلاب است. در مراحل استقرار و توسعه انقلاب نیز اثر این مهم اثری عملی است که به طور فیزیکی و حضور شخص جانشین در رأس انقلاب و مدیریت آن خود را می نمایاند. حضرت خدیجه علیها السلام با نگاه داری مادرانه و تربیت درست حضرت علی علیه السلام، این خدمت کلان و با ارزش را به انقلاب نبوی عرضه کردند.

5. تربیت مونس و غم خوار نبی مکرم صلی الله علیه و آله و همسر وصی انقلاب

از دیگر خدمات چشمگیر حضرت خدیجه علیها السلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و انقلاب الهی ایشان به دنیا آوردن و تربیت شخصیتی بود که بعدها به سبب خدمات بنیادینش به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله لقب «ام اییها» را از جانب آن حضرت دریافت کرد. در واقع حضرت خدیجه علیها السلام با تربیت درست و دقیق حضرت زهرا علیها السلام علاوه بر خدمت به کل جریان انقلاب، نبوی برای دوران اولیه ایجاد آن نیز تأثیر شگرف داشت؛ رهبر معظم انقلاب با ادبیات، ذیل، به تبیین شخصیت و جایگاه حضرت زهرا علیها السلام در فرآیند انقلاب نبوی در دوران خلأ وجودی حضرت خدیجه علیها السلام اشاره فرموده است:

در شرایطی که خدیجه و ابوطالب از دنیا رفتند آن شرایط دشوار را تحمل . کرد پیغمبر تنهاست، بی غم گسار است همه به او پناه می آورند؛ ولی کیست که غبار غم را از چهره خود او بزدايد؟ یک وقت خدیجه بود، که حالا- نیست ابوطالب بود که حالا نیست در چنین شرایط دشواری در عین آن گرسنگی ها و تشنگی ها و سرما و گرمای دوران سه ساله شعب ابی طالب که از دوران های سخت زندگی پیغمبر است و آن حضرت در دره ای با همه مسلمانان معدود، در حال تبعید اجباری زندگی می کردند این دختر مثل یک فرشته نجات برای ، پیغمبر مثل مادری برای پدر خود

مثل پرستار بزرگی برای آن انسان، بزرگ مشکلات را تحمل کرد. غم گسار پیغمبر صلی الله علیه و اله شد، بارها را بر دوش گرفت. (1)

6. تلاش مستمر در راه تربیت و سازندگی نزدیکان

در کلاس تربیتی آن بزرگوار زمینه مناسب و فضای مساعدی برای تغذیه، فکری، فرهنگی، اخلاقی و انسانی افراد دیگر نیز فراهم بود تا آنان در آن فرصت و فضای آزاد و آرام، امکان یابند تا ببیندیشند و تربیت شوند و راه زندگی را چنان برگزینند که به صورت انسان هایی خوش فکر و کمال طلب و آزادمنش سربر آورند؛ مانند خواهرزاده ها و فرزند خوانده هایش «رقیه»، «زینب» و «هند»، (2) که هر کدام در روزگار خود به برکت مراقبت و مدیریت خدیجه علیها السلام، راه شایستگی را انتخاب کردند و خوش درخشیدند؛ برای نمونه

1-6- «هند» یکی از خواهرزاده های خدیجه بود که فرزند خوانده او هم به شمار می رفت. وی در خانه و در قلمرو مراقبت و حمایت و آموزش و مدیریت آن بانو تربیت شد و به گونه ای در خودسازی و ایمان و ادب رشد نمود که در ردیف یاران بزرگ پیامبر صلی الله علیه و اله به شمار آمد؛ به ویژه که سعادت داشت تا از بینش و منش پیامبر صلی الله علیه و اله نیز در فرصتی بسیار بهره مند گردد. (3)

او همان جوانمردی است که در شب تاریخی هجرت، پیشوای آزادی را با شهامت و اخلاص تا غار «ثور» هم راهی نمود و به فرمان حضرت به مکه بازگشت.

او یک شب پس از هجرت به همراه امیر مؤمنان را به طور نهانی به دیدار

پیامبر گرامی و در غار رفت و به دستور حضرت موظف گردید که به همراه امام علی مرکب و وسایل سفر آن حضرت برای هجرت را با ظرافت و رعایت

ص: 200

1- همان، (71/9/25)

2- تنقیح المقال، ج 3، ص 77.

3- بحار الانوار، ج 16، ص 148؛ اسد الغابه، ج 5، ص 72؛ سیره ابن هشام، ج 1، ص 187.

مسائل امنیتی فراهم آورد. (1) این تربیت یافته مکتب خدیجه علیها السلام پس از رویداد تاریخ ساز هجرت در هوای آموزه های رهایی بخش اسلام و پیامبر آزادی به مدینه شتافت و در صف آزادی خواهان و ستم ستیزان در جنگ های بدر و احد، مبارزه ها و فداکاری های خداپسندانه و تحسین برانگیزی نمود. او پس از رحلت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و در غوغای انحصارگری و خشونت تشنگان قدرت - که خود را شیفته خدمت جا می زدند - راه درست هدایت را گم نکرد، بلکه در کنار سمبل عدالت و نفس نفیس پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد و مورد خشم دنیاداران قرار گرفت و در جنگ جمل به شهادت رسید. (2)

2-6- «حارث»، نمونه ای دیگر از اثر پذیران و تربیت یافتگان خدیجه علیها السلام بود. او نیز بر اثر آموزش و عملکرد و مدیریت و مراقبت بانوی آزادی و معنویت، به شاهره درستی گام نهاد و بر اثر خودسازی و خودشکوفایی و مراقبت، به گونه ای درست اندیشید و نیک رفتار نمود و خوش درخشید که نه تنها در زندگی، موفق و نیکو منش گردید که جان شیرین را در طبق اخلاص نهاد و به بارگاه خدای خویش هدیه کرد و به بیان برخی از پژوهشگران او نخستین شهید راه عدالت از مردان مسلمان گردید

3-6- از دیگر پرورش یافتگان مکتب مترقی و منش و مدیریت انسان پرور حضرت خدیجه علیها السلام، دختری است به نام «هند» که از خواهرزاده ها و فرزند خوانده های او به شمار می رفت. او در کنار دخت خردمند حجاز، به گونه ای به آگاهی و رشد رسید که پس از طلوع اسلام، بر اثر آن مایه های تربیتی و مهندسی روحی و معنوی به سوی حق و عدالت گرایید و خود را به گونه ای ساخت و به خودشکوفایی نایل آمد که در شمار یاران بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله و یکی از بانوان نو اندیش و با معنویت به حساب آمد.

ص: 201

1- سفینه البحار، ج 2، ص 725.

2- سفینه البحار، ج 2، ص 725

حضرت خدیجه کبری علیها السلام بانوی بزرگی به شمار می‌آید که از موقعیت‌های مادی و معنوی چشم‌گیری برخوردار بود. او بدون توجه به محدودیت‌های نادرست و با در نظر گرفتن شأن و ارزش اجتماعی و انسانی خود، توانست با مدیریت درست و با درک به موقع اوضاع جنبه‌های مختلف مکنون در وجود مبارک خود را پرورش دهد و ضمن ایفای نقش خاص خود به عنوان یک زن در تمامی عرصه‌های مهم جامعه آن روز جزیره العرب نقش درخوری ایفا نماید؛ یعنی ایشان در اقتصاد به عنوان تاجری موفق در فرهنگ به عنوان یک زن پیشرو در اجتماع به عنوان مدافع ارزش‌های والای انسانی در سیاست حامی مصلح و در خانواده به عنوان همسر و مادری، نمونه به ایفای نقش پرداخت و توجه به یکی از این جنبه‌ها بی‌توجهی به سایر جنبه‌ها را موجب نشد و در عین حال جنسیت بانوی بزرگ اسلام نیز باعث نگردید که ایشان در انجام فعالیت‌های خود دچار محدودیت شده و یا نیازمند تغییر الگوهای رفتاری گردد. این وضعیت، موجب گردید زنان مسلمان با الگوگیری از رفتار فردی و اجتماعی ایشان راه رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی را با بهره‌گیری از الگویی در دست رس پیش روی خود داشته باشند و با پیروی از ایشان ضمن دست‌یابی به جایگاه شایسته به شکوفایی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران اسلامی کمک نمایند و در تربیت نسلی پیشرو در عرصه بهسازی جامعه موفق باشند.

1. ابن ابي الحديد، عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي، 1404 ق.
2. ابن اثير، الكامل في التاريخ، بيروت، انتشارات اساطير، 1370 ش.
3. ابن اثير، على بن محمد، أسد الغابه في معرفه الصحابه، دارالفكر، بيروت، 1409 ق.
4. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، هشت، مجلد نشر دار صادر، بيروت.
5. ابن شهر آشوب، محمد، مناقب آل ابي طالب، قم، انتشارات علامه، چاپ سوم، 1379 ق.
6. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع دار صادر، بيروت، 1414 ق.
7. ابن هشام عبدالملك، سيره النبويه، مترجم رسولى، هاشم، نشر كتابچى تهران، 1375 ش.
8. ابن جوزى، يوسف بن قزاوغلى، تذكره الخواص، نشر شريف رضى، قم، 1376 ش.
9. ابن شهر آشوب، محمد بن على مناقب مصحح: رسولى هاشم، نشر علامه، قم، 1379 ق.
10. ابن طاووس، على بن موسى مهج الدعوات و منهج العبادات، مترجم: ابوطالب، كرماني محمد حسن نشر دار الذخاير، قم، 1411 ق.
11. ابوالفرج، عبدالرحمان بن على بن محمد، صفوه الصفوه، بيروت، انتشارات دار المعرفه، چاپ دوم، 1399 ق.
12. اربلى، على بن عيسى، كشف الغمه، تبريز، مكتبه بنى هاشم، 1381 ش.
13. الاصفهاني، ابو الفرج، مقاتل الطالبين، قم، مؤسسه دارالكتاب، چاپ دوم 1381 ش.
14. امينى، الغدير في الكتاب و السنه، تهران، دار الكتب الاسلاميه، 1372 ق.

15. بحرانی هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، مؤسسه البعثه، قم، 1389 ش.
16. بکری، احمد بن عبد الله، الانوار فی مولد النبي صلی الله علیه و اله، قم، انتشارات شریف رضی، 1411 ق.
17. تستری، محمدتقی، قاموس الرجال، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ سوم، 1431 ق.
18. حائری، محمد مهدی شجره طوبی منشورات المكتبه الحیدریه فی النجف، الطبعة الخامسة، 1385 ق.
19. حلّی علی بن یوسف، العدد القویہ لدفع المخاوف الیومیہ، محقق مهدی رجایی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1408 ق.
20. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، 1377 ش.
21. رازی، ابوالفتح، روضه الجنان، به کوشش: محمد جعفر یا حقی، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، 1371 ش.
22. راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، مؤسسه امام مهدی صلی الله علیه اله، قم، 1409 ق.
23. سیلاوی، غالب، الانوار الساطعه من الغراء الطاهره خدیجه بنت خویلد علیه السلام انتشارات محلاتی بی جا، چاپ دوم، 1383 ش.
24. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1417 ق.
25. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل والملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، نشر اساطیر، 1362 م.
26. طوسی، محمد بن حسن الأمالی، مترجم: حسن زاده، صادق، نشر اندیشه هادی، قم، 1388 ش.
27. طوسی، محمد بن حسن امالی، قم، انتشارات دار الثقافیه، 1414 ق.

28. عبدالله بن محمد حسن مامقانی، تنقيح المقال في علم الرجال، نجف، اشرف، مطبعة مرتضويه، 1352 ق.
29. قزوینی، محمداکظم، فاطمه الزهرا من المهد الى اللحد، دار الغدير قم چاپ اول، 1390 ش.
30. قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار مع تطبيق النصوص الواردة فيها علی بحار الانوار، نشر اسوه، قم، 1363 ش.
31. کر می فریدنی، علی، سیما و سیره ریحانه پیامبر انتشارات دلیل، ما تهران، چاپ دوم، 1382 ش.
32. کر می، سعیده، نسیم بهشت انتشارات نسیم انتظار، چاپ اول، 1388 ش
33. کفعمی، ابراهیم بن علی عامل مصباح، دارالکتب العلمیه، نشر بیضون، نجف اشرف، 1413 ق.
34. مامقانی، عبدالله، تنقيح المقال في علم الرجال، محقق: مامقانی، محی الدین مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم 1388 ش.
35. مجلسی، محمد، باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء بیروت لبنان، 1404 ق.
36. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، 1369 ش
37. مفید، محمد بن نعمان، الافصاح في امامه امیر المؤمنین، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، چاپ اول، 1413 ق.
38. مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء والتاریخ، بیروت، دارالجنان.
39. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله)، قم، 1375 ش.
40. موسوی مقرر، عبد الرزاق، مقتل الحسین، مترجم: عباس حاجیانی دشتی، انتشارات اسلامی، قم، چاپ هفتم، 1389 ش.

اشاره

حضرت خدیجه علیها السلام یکی از صدف های نورانی و سراسر قداست است که دژی یگانه و بی نظیر و معصومه ای طاهره و مطهره مانند حضرت زهرا ی اطهر را متولد ساخت.

نسب رفیع و ریشه خانوادگی

به گفته یعقوبی، بانوی گرامی حضرت خدیجه علیها السلام در نسب نورانش با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در قصی به هم می رسند؛ زیرا او جد چهارم پیامبر و جد سوم حضرت خدیجه علیها السلام بود و این سلسله نسب نورانی به بزرگ انبیای الهی ابراهیم علیه السلام منتهی می شود. (1)

پدر محترم او خویلد بن اسد بن عبد العزی ابن قصی بن کلاب بود که درباره اش گفته اند: او شریف و آقا کریم و بزرگوار و به جود و سخا مشهور بود.

مادر او نیز فاطمه بنت زائده بن اصم بود که درباره اش آمده: «کانت هذه السیّدة الفاضلة مثلاً للطهارة والعفة». (2)

مقام والی حضرت خدیجه علیها السلام

او بانوی با فضیلت و ترسیمی برای عفت و پاکی بود: (وَ كَانَتْ تُدْعَى فِي

ص: 206

1- موسوعه سیره اهل بیت علیهم السلام، ج 1، ص 93، نقل از تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 118.

2- همان، ص 94

الجاهلیة بالطَّاهِرَةِ لِشِدَّةِ عَفَافِهَا وَصَيَانَتِهَا). (1) او در عصر جاهلیت و میان آن مردم با واژه «طاهره» خوانده می شد؛ زیرا به شدت عفاف و صیانت نفس و متانت داشت.

بعضی از بزرگان و مشاهیر گفته اند:

خدیجه علیها السلام در میان آن مردم با عنوان «سیده نساء قریش» (بانوی بزرگ زنان قریش) نامیده می شد و این به لحاظ صفات عالیه و کارهای ارزنده و شریفش بود و خیرات و برکاتی که از او تراوش می کرد. (2)

مطالعه حالات حرکات و کلمات آن بانوی گرامی و گفته بزرگان درباره ایشان، انسان را به این حقیقت می رساند که او از آغاز، بانویی با ایمان و دارای اعتقادات درست و برگرفته از دین توحیدی حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام بوده است و دیدگاه های او غیر از سایر مردم محیطش بوده و مکرمت های اخلاقی و ملکات عالیه انسانی در دید او ارزش والایی داشته است.

حرز حضرت خدیجه علیها السلام

سید بن طاووس می فرماید:

حرز خدیجه بسم الله الرحمن الرحيم يا الله يا حافظ يا حفيظ يا رقيب (3)

این حرز حاکی از ایمان عمیق و ریشه دار حضرت خدیجه علیها السلام است که اسماء حسناى الهی و نام های مقدس خداوند را وسیله محافظت خود قرار داده بود و خویشتن را در پناه اسماء و صفات خداوند صیانت می کرد

علامه مجلسی حرز دیگری برای او نقل کرده است:

(يا حَيُّ يا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ اَسْتَغِيْثُ فَاغْنِنِيْ وَ لا تَكِلْنِيْ اِلَى نَفْسِيْ طَرْفَةَ عَيْنٍ وَ اَصْلِحْ لِيْ شَأْنِيْ كُلَّهُ). (4)

ص: 207

1- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 19

2- موسوعه سیره اهل بیت، ج 1، ص 95

3- مهج الدعوات، ص 47

4- بحار الانوار، ج 91، ص 234

اما مرحوم سید بن طاووس در مهج الدعوات به همان حرز اول اکتفا کرده و دومی را حرز حضرت زهرا علیها السلام ذکر نموده است. حرز گرفتن و به پناه خدا رفتن و خویشتن را از فتن و آفات در پناه و نگهداری خدا قرار دادن کاشف از ایمان عمیق و یقین کامل به ذات لایزال الهی و نگهداری ذات مقدس اوست

شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام

اشاره

بر حسب نوع زنان در تصمیم گیری و عزم جدی نوعی ضعف دارند و با اعتراض و سرزنشی که متوجه آن ها شود، از اراده و تصمیم خود بر می گردند یا حداقل مردد و مضطرب می مانند. در این میان حضرت خدیجه علیها السلام جزء آن نادر زنانی است که در مواقع مختلف و در مواضع حساس، با انواع سرزنش ها، قطع روابط اهانت ها و آزارهای مختلف مواجه گردید، ولی از اراده جازم و تصمیم قاطع خود برنگشت. در این مورد به نمونه هایی اشاره می شود:

1. اسلام آوردن او و بناگذاری بر اطاعت محض از مکتب مقدس و توحیدی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

این عمل بسیار صدا کرد و عکس العمل های نگران کننده به همراه داشت، انتقاد و عیب جویی و سخن پراکنی درباره این اقدام انقلابی و حرکت الهی بسیار شد او با بهانه جویی های جاهلان و احساسات بی ملاک و نابخردانه رویه رو بود که شاید یک فرد معمولی را همان روز اول از کار خود پشیمان می کرد و از راهی که رفته بود باز می داشت ولی حضرت خدیجه علیها السلام که حق را تشخیص داده و با بینش کامل آن را دریافته بود و اندک ضعف و اشکالی متوجه آن نمی دید، در برابر تمام مشکلات ایستادگی کرد و از همه آن تبلیغات سوء، به خوبی و با صلابت گذشت و نقشه های خائنان و متعصبان بیمایه را نقش بر آب نمود.

2. ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با وجود پاک پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

این جریان با مشکلات فراوان رویه رو شد. سران قوم نمی پذیرفتند که آن بانوی والا مقام، ثروتمند و تاجر پر آوازه و مورد توجه با پیامبر اسلام ازدواج کند که جوانی تهی دست و یتیم بود که از سایه مدیریت پدر و مهر و محبت مادر

محروم بود و تحت کفالت حضرت ابوطالب علیه السلام زندگی می کرد. آن ها تعجب می کردند که چطور آن، بانو خواستگاران ثروتمند فراوان از داخل و خارج را رد کرده و به هیچ کدام روی خوش نشان نداده ولی پیامبر صلی الله علیه و آله را برای همسری انتخاب نموده و از ازدواج با او اظهار خشنودی کرده و به اقدام خود آن چنان دلگرم و مطمئن است که بدان افتخار می کند و ثروت کلان خود را در این راه هزینه می نماید. گروهی از زنان، قریش با حضرت خدیجه علیها السلام قطع رابطه کردند و ترجیح دادند که با این وضعیت دیگر هرگز با او رفت و آمد نداشته باشند؛ زیرا ازدواج بانوی سرشناس مکه و شخصیت پرآوازه جزیره العرب با جوانی تهی دست اصلاً برای آنان پذیرفتنی نبود ولی خدیجه علیها السلام که با تشخیص درست به این انتخاب صائب و جالب دست زده بود و نورانیت طهارت نفس، وزانت، امانت و صداقت پیامبر صلی الله علیه و آله را دیده بود و با تمام وجود به او ایمان داشت، همه آن نگرانی ها و سرزنش ها و قهرها را به جان خرید و با تمام وجود مقاومت کرد. این استقامت و این اراده قطعی و ثبات قدم در راه خدا جداً درسی ابدی برای همه است که باید آن را در مکتب حضرت خدیجه علیها السلام فرا گرفت؛ باید مردم مسلمان به ویژه بانوان درس ثبات قدم را از آن بانو بیاموزند؛ او که در راه خدا و حمایت از حق این چنین پا بر جا بود.

آری در هیچ یک از این دو مرحله بسیار دشوار، با وجود مشکلات ناهمواری های فراوان بلکه وصف ناپذیر کم ترین تزلزلی در اراده قوی و ایمان جازم آن بانوی با عظمت پدیدار نگردید و نیز با این حرکت الهی خود، درسی همیشه جاوید به زنان و دختران در حال انتخاب همسر داد که یک خواستگار پاک و شریف را به سبب کمی مال و یا تهی دستی رد نکنند

ارزش ها از نظر حضرت خدیجه علیها السلام

ای شگفت انگیز است در محیطی که نادانی، محض، حاکم بود و اوهام و خرافات شیوع فراوان داشت، حضرت خدیجه علیها السلام به ارزش های معنوی و

انسانی فکر می کرد ابن هشام از ابن اسحاق نقل می کند که خدیجه علیها السلام بانویی تاجر و دارای شرف و مال بود. مردها را استیجار می کرد و مال خود را به آنان می داد تا با ثروت او معامله و تجارت کنند. طبعاً مقداری از مال خود را برای آنان قرار می داد چون اطلاع یافت که حضرت محمد صلی الله علیه و سلم دارای صفاتی بس عالی مانند راست گویی درست کرداری امانت داری است و از اخلاق بس نیکویی برخوردار است کسی را به حضور حضرت فرستاد و از ایشان خواست با سرمایه وی برای تجارت به شام بروند و بیش از مقداری که به دیگران می داد، به ایشان تقدیم کند. پیامبر صلی الله علیه و آله پذیرفتند و با مال خدیجه علیها السلام و غلام او به شام رفتند حضرت در این سفر، کالاهایی را که برده بودند، فروختند و متاع هایی که باید بخرند خریدند و به مکه برگشتند ضمناً غلام خدیجه علیها السلام کرامات زیادی از آن بزرگوار مشاهده کرد. خدیجه علیها السلام متاع هایی را که پیامبر صلی الله علیه و اله وارد کرده بودند با دو برابر قیمت یا نزدیک به آن فروخت میسر غلام خدیجه علیها السلام کرامات پیامبر صلی الله علیه و اله را برای او ذکر کرد؛ لذا خدیجه علیها السلام ایشان را خواست و ترویج خود را به آن حضرت پیشنهاد کرد و عرض کرد:

إِنِّي قَدْ رَغِبْتُ فِيكَ لِقَرَابَتِكَ مِنِّي وَ شَرَفِكَ فِي قَوْمِكَ وَ أَمَانَتِكَ عِنْدَهُمْ وَ حُسْنِ خُلُقِكَ وَ صِدْقِ حَدِيثِكَ (1)

ای پسر عمو من به خاطر خویشاوندی با شما و این که میان قوم از شرفی خاص و منزلتی رفیع برخوردار می و برای امانت داری تو و اخلاق نیکو و صدق گفتارت به تو رغبت پیدا کردم و علاقه مند شدم.

بدین طریق آمادگی خود را برای ازدواج با آن حضرت اعلام کرد، چیزی که نزدیکان خدیجه علیها السلام تمنای آن داشتند و این آرزو را برای خود در دل می پروراندند.

باری پیامبر صلی الله علیه و اله پیشنهاد خدیجه علیها السلام و سخنان او را برای عموهای خود نقل کردند از این رو حمزه اقدام به خواستگاری کرد. (2) البته گفته اند کسی که با

ص: 210

1- اسد الغابه في معرفة الصحابة، ج 5، ص 435؛ بحار الانوار، ج 16، ص 9، با اندکی تفاوت

2- السيرة النبوية، ج 1، ص 199 - 201؛ كشف الغمة، ج 1، ص 509

پیامبر صلی الله علیه و آله به خواستگاری رفت ابوطالب بود و او خطبه ازدواج را خواند و شاید هر دو با آن حضرت رفته باشند بالاخره ابو طالب مسن تر از حمزه بوده است و اقدام او مناسب تر به نظر می آید.

عواملی که موجب شد آن بانو پیامبر صلی الله علیه و اله را در میان خواستگاران فراوان انتخاب کند عبارتند از:

1. خویشاوندی؛

2. داشتن شرف و اعتدال در میان قوم؛

3. امین و درستکار بودن؛

4. برخورداری از خلق و خوی نیکو؛

5. راست گویی در کلام.

لابد در کنار این امور گزارش های میسره راجع به کرامات و عنایاتی که از عالم غیب به آن حضرت می شده اثر خود را داشته است. ای کاش زنان مسلمان ملاکات خود را در انتخاب همسر از حضرت خدیجه علیها السلام ای فرا بگیرند و موهومات را ملاک انتخاب خود قرار ندهند.

شخصیت خدیجه علیها السلام در کلام حضرت ابی طالب

درباره ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله با خدیجه علیها سلام آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت ابوطالب فرمودند: «ای عمو! حاجتی از شما دارم». عرض کرد: «چیست؟» فرمود: «شما و عموهای دیگرم همین ساعت برخیزید و به نزد خویلد پدر خدیجه علیها السلام رفته و او را برای من خواستگاری کنید!» ابوطالب گفت: «ای حبيب من رو به خواسته تو می آوریم [خواسته ات را اجابت می کنیم] و در امور خود از امر تو پیروی می کنیم!»؛ «و أنت تعلم إن خدیجة امرأة كاملة میمونة فاضلة تخشى العار و تحذر الشنار...؛ (1) تو می دانی که خدیجه علیها السلام زنی کامل و مبارک و با فضیلت است. از عیب جویی اشخاص ترسان و از منقصت و

ص: 211

حضرت ابوطالب جناب خدیجه علیها السلام را با صفات کامله میمونه به معنای مسعوده، فاضله و کسی یاد می کند که از عیب گریزان و از حرف ها و گفتگو های مردم که حاکی از منقصت او باشد خائف است. شاید حضرت ابوطالب اشاره به این داشته که چون خواستگاران فراوان از طبقات ثروتمند را رد کرده و نپذیرفته ممکن است زبان اشخاص باز شود که آن همه خواستگاران را جواب گفت و تن به ازدواج با جوانی داد که پدر و مادر را از کودکی از دست داده و فاقد مال و ثروت است ولی با ارشادات شخص پیامبر صلی الله علیه و اله و بعضی از نزدیکان و اظهارات قبلی حضرت خدیجه علیها السلام خواستگاری صورت گرفت و ازدواج مبارک و مسعود انجام شد.

مورد دیگری که حضرت ابوطالب، مقام والا و شخصیت گرامی خدیجه علیها السلام را می ستاید، هنگام خواندن خطبه عقد بود. او بعد از ثنای الهی و ذکر نسب پاک خود و خاندانش و اتصال به حضرت ابراهیم علیه السلام و یادآوری نعمت های الهی و موفقیت امر ازدواج فرمود:

و بعد فاعلموا یا معاشر من حضر أن ابن اخینا محمد بن عبدالله خاطب کریمتکم الموصوفه بالسخاء و العفة و هی فتاتکم المعروفة المذکور فضلها الشامخ خطبها....؛ (1)

ای گروه حاضران بدانید که فرزند برادر ما محمد بن عبدالله از دختر بس بزرگوار شما که معروف به سخاوت و عفت است، خواستگاری می کند و خواهان ازدواج با دختر یاد شده است که فضیلت او زبانزد همگان و شأن او شامخ و بلند است . . .

ببینید ابوطالب که خود شیخ و بزرگ بطحا، بود خدیجه علیها السلام را به چه صفاتی یاد کرد: کریمه یعنی بزرگوار موصوف به جود و سخا و دارای عفت و پاکی بانوی با نام و نشان که فضیلت و کمال او زبانزد مردم و مقام او شامخ و رفیع

ص: 212

است. راستی چه شأن و شرفی بالاتر از این که یک انسان بزرگ و گران قدر مانند ابوطالب، بانوی بطحا را این گونه می ستاید زنان و دختران مسلمان نیز بکوشند که اگر جایی سخن آن ها به میان آمد از حیا و پاکی آنان سخن بگویند.

خدیجه علیها السلام در کلام امیر مؤمنان

امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام، در یکی از خطبه های شریف شان از شخصیت والای حضرت خدیجه علیها السلام سخن می گویند و سابقه درخشان او را یاد آوری می فرمایند: ایشان در خطبه قاصعه ضمن بیان اوضاع و احوال آغاز اسلام می فرماید:

(وَلَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يَوْمَئِذٍ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ خَدِيجَةَ وَ أَنَا ثَالِثُهُمَا) (1)

خانه ای که اسلام در آن راه یافته باشد وجود نداشت؛ مگر خانه رسول الله . او بود و خدیجه علیها السلام و من نفر سوم آن ها بودم که اسلام را پذیرفتم.

افتخار برای حضرت خدیجه علیها السلام بس که یک مثلث مقدس توحید در قله تشکیل یافته بود و خداپرستی قائم به آن ها بود و لاغیر و یکی از سه ضلع این مثلث حضرت خدیجه علیها السلام به شمار می رفت؛ چنان که ضلع دیگر آن امیر مؤمنان علیه السلام و بالاخره ضلع دیگر خود وجود مقدس حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و اله بودند.

کدام صحابی و یار پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله افتخار دارد که در دوره ای که هیچ کس دعوت آن حضرت را اجابت، نکرد مانند حضرت خدیجه علیها السلام به این دعوت الهی پاسخ مثبت دهد؟ این مکتب مقدس در آن وضعیت پیچیده و دوران سخت و رنج آور یک رهبر داشت و دو پیرو یکی امام علی علیه السلام در ایام کودکی و دیگر حضرت خدیجه علیها السلام افتخار بانوان جهان.

در روایتی آمده که شخصی یهودی از امام علی علیه السلام راجع به ویژگی های

ص: 213

اوصیا پرسش کرد حضرت مطالبی را در جواب او فرمودند؛ از جمله:

من نخستین کس بودم که اسلام آوردند و ما سه سال به همین وضع گذرانیدیم و روی صفحه زمین کسی نبود که نماز بخواند و پیامبر را در آن چه از سوی خدا آورده بود تصدیق کند و شهادت به راستی او بدهد، غیر من و دختر خویلد (خدیجه) که خدا او را رحمت کند! (1)

سلام رساندن خدا به حضرت خدیجه علیها السلام

مقام معنوی حضرت خدیجه علیها السلام در نزد خداوند متعال بسیار عالی بود به طوری که روایات زیادی حکایت از سلام رساندن خداوند به او دارند. بر اساس یکی از روایات، جبرئیل به حضور پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله آمد و راجع به خدیجه علیها السلام پرسش کرد و او را نیافت. آن گاه به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «هنگامی که خدیجه علیها السلام آمد، به او خبرده که پروردگارش به او سلام فرستاده است». (2)

روایت دیگری را ابن هشام از شخصی که مورد وثوق او بوده نقل می کند:

جبرئیل به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: «سلام خدا را به خدیجه علیها السلام ابلاغ کن و او را از جانب پروردگارش سلام برسان!» رسول خدا به خدیجه علیها السلام فرمود: «این جبرئیل است که سلام پروردگارت را ابلاغ می کند». خدیجه علیها السلام را در جواب گفتند: الله السلام و منه السلام و علی جبرئیل السلام. (3) خداوند از هر عیب و نقصی مبرا است و سلام از اوست و سلام بر جبرئیل باد!

علامه مجلسی از تفسیر عیاشی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل می کند که ابوسعید خدری گفته:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «شبی که مرا به معراج بردند، هنگامی که بازگشتم به جبرئیل گفتم: خواسته ای نداری؟ او گفت: "حاجت من این است که

ص: 214

1- بحار الانوار، ج 16، ص 2

2- همان، ج 16، ص 8

3- السیرة النبویة، ج 1، ص 257

سلام خداوند و سلام مرا به خدیجه علیها السلام برسانی" و چون پیامبر صلی الله علیه و اله با خدیجه علیها السلام ملاقات کرد و این پیام را رسانید خدیجه علیها السلام گفت: (إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ، وَإِلَيْهِ السَّلَامُ، وَعَلَى جَبْرَائِيلَ). (1)

شایان ذکر است که روایات سلام فرستادن خدا بر خدیجه علیها السلام به وسیله جبرئیل منحصر به شیعیان و پیروان مکتب اهل بیت و عترت طاهره نیست بلکه اهل سنت نیز آن را نقل کرده اند؛ چنان که از سیره ابن هشام نقل کردیم و در صحیح بخاری از ابوهریره نقل کرده که جبرئیل نزد رسول خدا صلی الله علیه و اله آمد و عرض کرد:

یا رسول الله! این خدیجه علیها السلام است که می آید و با او ظرفی است که در آن نان خورش یا طعام یا آب است. اکنون هنگامی که به حضور شما آمد، بر او از سوی پروردگارش و از طرف من سلام برسان و او را به خانه ای در بهشت بشارت بده! (2)

آری! خدیجه علیها السلام بانوی سرفرازی است که پروردگار بزرگ به او سلام می رساند و جبرئیل، رئیس ملائکه و بزرگ ترین فرشته مقرب الهی بر او سلام می فرستد؛ قطعاً آن حضرت مورد سلام همه فرشتگان خدا در آسمان و زمین خواهند بود.

علاقه مندی عمیق پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام

مودت و علاقه مندی و پیوند روحی میان زن و شوهر از مطالب قطعی و تردید ناپذیر است و در قرآن کریم از آیات روشن بر تدبیر خالق متعال به شمار می آید محبت و علاقه مندی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام بسیار عمیق و محکم بود پیامبر بزرگوار با آن که ازدواج های مکرر کرده اند، تا زمانی که خدیجه علیها السلام در حیات بود هیچ همسری را انتخاب نکردند و همه آن ازدواج ها مربوط به بعد از وفات غم بار حضرت خدیجه علیها السلام بود؛ زیرا آن بانو پیکره فضایل و بزرگواری بود و حقاً که بهترین حمایت را نسبت به پیامبر نشان داد چنان که از

ص: 215

1- بحار الانوار، ج 16، ص 7

2- صحیح بخاری، ج 2، ص 315

بعضی از کلمات پیامبر صلی الله علیه و اله استفاده می شود گویا آن حضرت خود را مدیون خدیجه علیها السلام و فداکاری های او می دانستند و او را بانویی شایسته احترام و تجلیل می دیدند

بعد از ارتحال آن بانوی گرامی نام مقدس خدیجه علیها السلام از زبان پیامبر نمی افتاد؛ جای خالی او دل پیامبر را می آزرده و گاهی از یاد و نام او به گریه می افتادند و حزن و اندوه فراق خدیجه علیها السلام همه وجودشان را می گرفت

در حدیث اصابه آمده که عایشه می گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و اله از خانه بیرون نمی رفت، مگر آن که نام خدیجه علیها السلام را به نیکی می برد و او را می ستود. (1)

از حضرت علی علیه السلام روایت شده که روزی پیامبر صلی الله علیه و اله نزد همسران شان نشسته بودند در این اثنا یاد خدیجه علیها السلام نمودند و گریه کردند. عایشه گفت:

چه چیز موجب می شود که بر پیرزنی سرخ رو از پیرزنان بنی اسد گریه کنی؟! پیامبر فرمود: (صَدَّقْتَنِي إِذْ كَذَّبْتُمْ وَ آمَنْتَ بِي إِذْ كَفَرْتُمْ وَ وُلِدْتُ لِي إِذْ عَقَمْتُمْ)؛ او مرا تصدیق کرد هنگامی که شما تکذیب کردید و به من ایمان آورد هنگامی که کفر می ورزیدید و برای من فرزند آورد، آن گاه که شما نازا بودید.

عایشه می گوید:

من بعد از آن روز همواره سعی می کردم که با یاد خدیجه علیها السلام به رسول خدا تقرب بجویم. (2)

نیز عایشه می گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و اله همواره این گونه بودند که چون ذکر خدیجه علیها السلام می شد، از مدح او و استغفار برای او خسته نمی شدند روزی ذکر خدیجه علیها السلام را به میان آوردند، پس غیرت - عصبیت - مرا گرفت و گفتم: «خداوند عوض آن زن سالخورده [مرا] به تو عطا فرمود». این را که گفتم دیدم رسول خدا

ص: 216

1- الاصابة، ج 4، ص 270

2- بحار الانوار، ج 16، ص 8.

به شدت خشمگین شدند؛ من از سخن خودم پشیمان گردیدم و گفتم: «خداوندا! اگر خشم پیامبر را از بین ببری دیگر تا زنده ام از خدیجه علیها السلام به بدی یاد نخواهم کرد». رسول خدا که نگرانی مرا دیدند، فرمودند: «چگونه آن سخن را گفتی؟ به خدا او به من ایمان آورد وقتی که مردم کفر می ورزیدند، مرا پناه داد به هنگامی که مردم مرا طرد کردند؛ مرا تصدیق نمود وقتی که دیگران مرا تکذیب کردند و او از من بچه دار شد، آن گاه که شما از آن محروم شدید». عایشه می گوید: «فدا وراح علیّ بها شهراً» (1) بعد از آن پیامبر صبح و شام فضایل او را ذکر می کردند با این که چون ندامت مرا راجع به حضرت خدیجه علیها السلام دیدند، تا یک ماه صبح و شام به سوی من می آمدند تا به من لطف و احسان کرده باشند.

از این دسته روایات استفاده می شود که بیشترین حساسیت روی این علاقه قلبی و جدی رسول الله به خدیجه علیها السلام را عایشه داشته از این رو اکثر این روایات از اوست.

نکات خاصی را از روایت اخیر می توان استفاده کرد:

1. تعبیر عایشه این است که پیامبر از استغفار برای خدیجه علیها السلام او خسته نمی شدند. این تعبیر فوق آن است که بگویند پیامبر صلی الله علیه و اله بسیار یاد و ستایش از خدیجه علیها السلام می کردند.
2. پیامبر صلی الله علیه و اله از سخن دور از نزاکت عایشه چنان غضبناک شدند که عایشه از کار خود پشیمان شد و حتی متعهد گردید که اگر آرام شوند، هرگز تا زنده است خدیجه علیها السلام را به بدی یاد نکند.
3. جمله اخیر حاکی از این است که رسول خدا تا یک ماه صبح و شب آن جملات افتخار آمیز را درباره حضرت خدیجه علیها السلام تکرار می کرده اند.

رفتار پیامبر صلی الله علیه و اله با دوستان و علاقه مندان خدیجه علیها السلام

نه تنها خدیجه علیها السلام در نظر پیامبر بزرگوار محترم و مکرم بود، بلکه حتی با

ص: 217

دوستان آن بانو که در ایام حیات ایشان به خانه اش می آمدند، احترام ویژه ای قائل بودند. عایشه می گوید:

هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله گوسفندی می کشتند می فرمودند: برای دوستان خدیجه علیها السلام بفرستید. روزی به سخن آدم پیامبر فرمود: «من دوست خدیجه علیها السلام را دوست دارم» (1)

در نقل دیگر آمده که پیامبر صلی الله علیه و اله بعد از وفات خدیجه علیها السلام هر گاه گوسفندی را قربانی می کردند، دستور می دادند نخست یک ران گوسفند را برای بانویی از بانوان مکه برند که دوست خدیجه علیها السلام بوده است. (2)

علامه مجلسی می گوید:

روایت شده که پیرزنی بر پیامبر صلی الله علیه و اله او وارد شد حضرت به او لطف و محبت کردند؛ هنگامی که آن زن رفت عایشه از علت این احترام و مهربانی نسبت به آن زن پرسید رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: (إِنَّهَا كَانَتْ تَأْتِينَا فِي زَمَنِ خَدِيجَةَ وَإِنَّ حُسْنَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ)؛ (3) این زن در زمان حیات خدیجه علیها السلام به خانه ما و نزد ما می آمد و همانا دوران گذشته و دوستان قدیمی را پاس داشتن و مراعات عهد و پیوند دوستی سابق از ایمان است.

سبحان الله! این زن در زمان خدیجه علیها السلام به خانه پیامبر می آمده و با خدیجه علیها السلام دوستی داشته کافی است که پیامبر صلی الله علیه و اله بعد از در گذشت خدیجه علیها السلام هم به یاد آن دوران یاد ماندنی و به یاد آن همسر وفادار و ایثارگر و نمونه، او را احترام و تکریم می کنند. انس بن مالک می گوید:

رسم پیامبر صلی الله علیه و اله این بود که هر وقت هدیه ای برایشان می آوردند می فرمود: (إِذْهَبُوا بِهَا إِلَى بَيْتِ فُلَانَةَ فَإِنَّهَا كَانَتْ صَدِيقَةً لِحَدِيجَةَ أَتَتْ تَحِبُّ خَدِيجَةَ)؛ (4) این را برای فلان زن، ببرید زیرا او دوست صمیمی خدیجه علیها السلام بود و همواره او را دوست می داشت

ص: 218

1- الاصابه، ج 4، ص 275

2- علی دوانی، تاریخ اسلام، ص 248

3- كشف الغمة، ج 1، ص 508؛ بحار الانوار، ج 16، ص 8.

4- سفینه البحار، ج 1، ص 385

و از این ها شگفت انگیزتر روزی خواهر خدیجه علیها السلام پس از وفات وی به خانه پیامبر صلی الله علیه و اله آمد و سلام کرد. حضرت جواب دادند و اشک در دیدگان شان حلقه زد. بعد از آن که او خداحافظی کرد و رفت باز پیامبر صلی الله علیه و اله منقلب شدند و چون سبب را پرسیدند فرمود: «صدایش طنین آهنگ خدیجه علیها السلام داشت و چون نگریستم دیدم مانند خدیجه علیها السلام راه می رود». (1)

افتخار حضرت زهرا علیها السلام به مادرش خدیجه علیها السلام

حضرت زهرا اطهر علیها السلام که سیده زنان اولین و آخرین، به داشتن مادری همانند خدیجه علیها السلام و به فرزندى خود نسبت به آن بانوی گرامی افتخار کرده و او را مایه عزت و شرف خود دانسته اند. ایشان در کلام مخصوصی فرموده اند: «أَنَا ابْنَةُ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى؛ (2) من دختر خدیجه علیها السلام کبرایم».

احتجاج امام حسین علیه السلام و بیان شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام

از اموری که روشنگر شخصیت درخشان حضرت خدیجه علیها السلام است، موضوع احتجاج حضرت سید الشهداء علیه السلام در صحنه کربلاست زیرا هنگامی که سرزمین کربلا به صورت یک منطقه نظامی از سپاه یزید و ابن زیاد در آمده بود و عرصه بر امام حسین علیه السلام کاملاً تنگ شده و کار عطش آن حضرت و اهل بیت و اصحاب آن بزرگوار بالا گرفته بود در برابر آن لشکر مسلح شیطانی ایستاده، بر قائمه شمشیر خود تکیه دادند و با بلندترین صدای شریف خود به آنان فرمودند: «شما را به خدا سوگند می دهم مرا می شناسید؟» گفتند: «آری تو فرزند رسول الله و نواده اویی» فرمود: «شما را به خدا سوگند! آیا می دانید که جد من رسول الله صلی الله علیه و اله است؟ گفتند: «آری می دانیم» فرمود: «شما را به خدا سوگند! آیا می دانید! که پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام است؟ گفتند: «آری» فرمود: «شما را

ص: 219

1- علی دوانی، تاریخ اسلام، ص 248

2- موسوعة سيرة أهل البيت، ج 1، ص 98 - 99؛ الانوار الساطعة في خديجة، ص 36.

به خدا سوگند! آیا می دانید که مادر من فاطمه زهرا دختر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله است؟ گفتند «آری» فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا می دانید که جده و مادر بزرگ من خدیجه علیها السلام دختر خویلد نخستین شخص از زنان این امت در پذیرش اسلام است؟». عرض کردند «آری». (1)

تا آخر این خطبه که نام مقدس هر یک از بزرگان و مفاخر خاندان خود را ذکر کردند هر چند در دل های سیاه آنان اثری نکرد و هم چنان بر شقاوت و ناپاکی خود مقاومت کردند و اصرار ورزیدند. به هر حال از جمله مفاخری که امام برای خویشان ذکر کردند جده گرامی اش خدیجه علیها السلام و افتخارات ویژه او بود که فرمود: «جده من پیشگام بانوان این امت در اسلام بود».

و راستی چه افتخاری از این بالاتر که در محیط کفر و شرک و الحاد تا ندای روح بخش دعوت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و به اسلام بلند می شود برای پذیرش این دعوت مقدس حضور یابد و با آن که هیچ یک از زنان، اسلام نیاورده اند، او شهادتین بگوید و اسلام را با همه وجود بپذیرد و آن قدر فداکاری و همراهی و دل سوزی در این راه از خود نشان دهد که همه را حیران گرداند؟

آری داشتن این چنین مادر بزرگی برای امام حسین علیه السلام با آن که او خود مرکز مناقب و فضایل به شمار می آید افتخار آفرین است.

گریه و مناجات شبانه امام حسین علیه السلام سر قبر خدیجه علیها السلام

در کتب سیره و تواریخ نقل شده که حضرت امام حسین علیه السلام، هنگام شب با انس بن مالک راه می رفتند تا به قبر حضرت خدیجه علیها السلام رسیدند، حضرت امام حسین علیه السلام در آن جا گریه کردند. در این خبر نیامده که برای چه تا به قبر خدیجه علیها السلام رسیدند به گریه افتادند؛ آیا یاد از خوبی ها و گذشت ها و فداکاری های آن بانو برای پیامبر صلی الله علیه و آله موجب گریه و زاری امام شد و یا آن ده سال پر رنج که با پیامبر صلی الله علیه و آله و اله یک همراهی صمیمی و کامل داشت و قهراً

ص: 220

صدمات زیادی متوجه او گردید و درد و رنج هایی که از سفیهان قریش در مورد خود و شوهر پر افتخارش تحمل نمود، دلیل این گریه ها بود؛ و یا چون بهترین جا و خلوت ترین مکان برای مناجات با خدا و راز و نیاز بود و این گریه مقدمه نیایش و زاری به دربار الهی بود، در هر حال، این گریه، رمزدار و دارای پیام و بسیار ارزشمند و نکته دار بوده است.

انس می گوید: امام بعد از گریه به من فرمود: «از نزد من برو» و من در جایی رفتم که مخفی از آن بزرگوار بود و آن حضرت مشغول نماز شدند. نماز آن حضرت به طول انجامید و آن گاه شنیدم که با خدای تعالی مناجات می کرد و می گفت:

يَا رَبِّ يَا رَبِّ أَنْتَ مَوْلَاهُ *** فَارْحَمْ عُبَيْدًا إِلَيْكَ مَلْجَاةٌ

یا ذا المعالی علیک مُعْتَمِدِي *** طوبی لِمَنْ كُنْتَ أَنْتَ مَوْلَاهُ

طوبی لمن کان خادماً أرقاً *** یشکو إلى ذی الجلالِ بلوَاهُ

و ما به عِلَّةٌ وَلَا سَقَمٌ *** أَكْثَرَ مِنْ حُبِّهِ لِمَوْلَاهُ

إذا اشتكى بِنْتَهُ وَغُصَّتَهُ *** أَجَابَهُ اللَّهُ ثُمَّ لَبَّاهُ

إذا ابتلى بِالظُّلَامِ مُبْتَهَلًا *** أَكْرَمَهُ اللَّهُ ثُمَّ أَدْنَاهُ

پروردگار من! پروردگار من! تو مولای منی پس رحم کن بر بنده کوچکی که پناه او به سوی توست!

ای صاحب بزرگی ها و جلالت ها اعتماد من بر توست: خوشا به حال کسی که تو مولای او باشی!

خوشا به حال کسی که شب را با خوف و خشیت بیدار بماند و گرفتاری خود را به سوی خدای ذوالجلال شکایت کند! و هیچ گونه درد و بیماری بیش تر از حب و دلدادگی او به مولایش نباشد.

هنگامی که از ناراحتی و اندوه خود شکایت کند، خداوند او را اجابت کرده، پاسخ می دهد.

هنگامی که در تاریکی شب سرگرم ابتهال و التماس به درگاه خداوند شود خدا او را گرامی داشته به خویش نزدیکش می سازد.

انس می گوید: ناگهان [در پاسخ امام حسین علیه السلام] ندایی بلند شد:

لِيَبْكُ عَبْدِي وَ أَنْتَ فِي كَنَفِي *** وَ كَلَّمَا قُلْتَ قَدْ نَاهُ سَجَعَنَاهُ

صَوْتِكَ تَشْتَاقُهُ مَلَائِكَتِي *** فَحَسْبُكَ الصَّوْتُ قَدْ سَمِعْنَاهُ

دُعَاكَ عِنْدِي يَجُولُ فِي حُجْبٍ *** فَحَسْبُكَ السِّرُّ قَدْ سَفَرْنَاهُ

لَوْ هَبَّتِ الرِّيحُ مِنْ جَوَانِبِهِ *** خَرَّ صَرِيحاً لِمَا تَغَشَّاهُ

سَلْنِي بِلَا رَغْبَةٍ وَ لَا رَهَبٍ *** وَ لَا حِسَابٍ إِلَيَّ أَنَا اللَّهُ. (1)

بله ای بنده من! تو در حفظ و پناه منی و هر چه را گفتمی، شنیدم؛ فرشتگان من مشتاق صدای تو اند؛ پس کفایت می کند تو را این صوت دل نواز که ما آن را شنیدیم. دعای تو در حجاب های غیب جولان دارد، تو را کفایت می کند که ما ستر را کشف نموده و پرده را کنار زدیم

اگر باد از اطراف و جوانب این بنده ما بوزد مدهوشانه به خاک خواهد افتاد از بس که انوار جلال و جمال الهی او را فرا گرفته است.

بدون ترس و نگرانی و اضطراب و حساسی هر چه می خواهی از من درخواست کن که من خداوند یگانه ام.

آری امام حسین علیه السلام برای مناجات سر قبر مادر بزرگ خود را انتخاب می کنند و آن جا بود که از عالم غیب خدا با ایشان سخن گفت.

صلوات بر حضرت خدیجه علیها السلام

طلب درود و صلوات از خداوند بر پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و اله و دختر گرامی آن حضرت و نیز بر دوازده نور پاک عترت طاهره به صورت عام و خاص در ادعیه و زیارات وارد شده و مقصود از شکل عام، این است که پیامبر و آل او را ذکر می کنیم و خواستار درود الهی بر آنان می شویم و می گوئیم: «اللهم صل علی محمد و آل محمد».

و اما به صورت خاص یعنی صلوات بر هر یک از آنان یا بعضی از آنان به صورت ویژه، مثل «اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک و امینک و صفیک

ص: 222

«... یا این که «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى امیرالمؤمنین و وصیِّ رسول ربِّ العالمین»، یا «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرضا المرتضی الامام التقی التقی و حجّتک علی مَنْ فَوْق الارض و من تحت الثرى الصدیق الشہید...» و همین طور راجع به امامان، دیگر البته صلوات بر آن بزرگواران به طور جداگانه در ادعیه و اذکار کم نیست؛ یک مورد آن صلوات بر حجج طاهره است که مرحوم محدث قمی رضوان الله علیه در اواخر مفاتیح ذکر کرده اند.

اتفاقاً در این صلوات های مقدسه صلوات بر بانوی بزرگ اسلام حضرت خدیجه علیها السلام نیز آمده است. در بخش صلوات بر سیده نسوان فاطمه زهرا علیها السلام می خوانیم:

(اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الصّٰدِقَةِ فَاطِمَةَ الرّٰزِیَّةِ حَبِیْبَةِ حَبِیْبِكَ وَ نَبِیِّكَ)؛

بار خدایا درود و رحمت فرست بر صدیقه فاطمه پاک و منزّه، محبوب حبیب و پیامبرت

در ادامه این دعا و صلوات آمده:

فصلّ علیها و علی امّها صلاة تکرّم بها وجه محمد و تُقَرَّبُ بها اَعین ذرّیّتها خداوندا پس صلوات خود را بر فاطمه علیها السلام بفرست و نیز بر مادرش [خدیجه علیها السلام]، درودی که گرامی بداری با آن، وجود مقدس پیامبر را و روشن سازی دیدگان ذریه فاطمه علیها السلام را... .

در مقام درخواست صلوات بر حضرت زهرا علیها السلام مادر او را نیز ضمیمه فرموده و برای این دختر و مادر پر افتخار درخواست صلوات و رحمت می شود خصوصاً که این صلوات با وصفی آمده که عین صدق و واقعیت است؛ زیرا می خوانیم: «صلواتی بر فاطمه و مادر او نثار کن که با آن شخصیت پدرش محمد صلی الله علیه و آله را گرامی بداری و دیده های ذریه او را روشن سازی» آری با صلوات و درخواست درود و رحمت بر روح پاک حضرت خدیجه علیها السلام، گرامی داشت شخصیت پیامبر بزرگوار اسلام صورت گرفته و آن حضرت سرافراز می شوند که مؤمنان از خدا بخواهند که صلوات بر روح پاک خدیجه علیها السلام بفرستند؛ چنان که سرافراز و سربلند می شوند که بر دختر شان فاطمه علیها السلام صلوات بفرستند.

باری حضرت خدیجه علیها السلام نیز با حجج طاهره در این امتیاز بزرگ شریک است که بسان آن عزیزان و بزرگواران که مورد صلوات هستند بر خدیجه علیها السلام نیز درود می فرستیم و بدین طریق به این مجموعه مقدس و الهی نزدیک می شویم و در نتیجه به خدای مهربان تقرب می جویم و موجب سربلندی و افتخار پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می شویم.

نام حضرت خدیجه علیها السلام در دعا

نام مقدس حضرت خدیجه علیها السلام نیز زینت بخش بعضی از دعاها مانند دعای شریف ندبه است. در این دعای مبارک، نام شریف آن بانوی دو سرا با توصیفی افتخارآمیز ذکر شده است:

این ابن النبی المصطفی وابن علی المرتضی وابن خدیجة الغراء وابن فاطمة الكبرى

زاده پیامبر مصطفی کجاست؟ زاده علی مرتضی کجاست؟ زاده خدیجه علیها السلام آبرومند و سفید روی کجاست؟ زاده فاطمه کبری کجاست؟

در این بخش وجود مقدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را به عنوان فرزند و زاده خدیجه علیها السلام یاد کرده، سراغ او را می گیریم. ضمناً حضرت خدیجه علیها السلام را با عنوان غراء یعنی چهره نورانی و شاخص و مورد توجه همگان یاد می کنیم.

هم چنین امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند پیامبر و علی و فاطمه و فرزند خدیجه علیها السلام کبری هستند و خدیجه علیها السلام مادر بزرگ اعلای ایشان است. البته امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند و فرزندزاده بسیاری دیگر نیز هستند و این نسبت میان امام زمان و همه اجداد بالا و کسانی که با واسطه های فراوان به آن ها متصل می شوند برقرار است. چه شده که در کنار اسم پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام، تنها اسم حضرت خدیجه علیها السلام مقدم بر ذکر فاطمه طاهره آمده است؟ این ها نشان از ویژگی های خاصی دارد که در وجود پاک حضرت خدیجه علیها السلام جمع بوده با آن که از معصومان مصطلح نبودند.

این مطالب ایجاب می کند که مسلمانان، خصوصاً اهل فرهنگ و مطالعه و دقت نظر روی شناخت بیشتر این بانوی گرامی وقت بگذارند و مطالعات دقیق و عمیقی داشته باشند تا با شأن رفیع و جایگاه بلند آن بانو بیشتر آشنا شوند.

نام حضرت خدیجه علیها السلام ای در زیارت ها

از جمله مواردی که نام حضرت خدیجه علیها السلام در کنار اسامی طیبه معصومان و قرین آن ها ذکر شده بخشی از زیارت هاست که برای امامان معصوم و یا امام زادگان والا مقام مقرر شده که این خود حاکی از مقام والای آن بانوی فداکار اسلام است. اینک این موارد ذکر می شود:

1. در زیارت مخصوصه حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام- زیارت دوم از دو زیارتی که برای نیمه رجب ذکر فرموده اند و از شیخ مفید منقول است - خطاب به آن حضرت می گوئیم:

السلام علیک یابن محمد المصطفی السلام علیک یا بن علی المرتضی السلام علیک یابن فاطمة الزهراء السلام علیک یابن خدیجة الكبرى...

2. در زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه عین همان جملات زیارت قبلی آمده است.

3. در زیارت هفتم از زیارت های مطلقه حضرت امام حسین علیه السلام نیز عین همان متن آمده است.

4. در زیارت اول از زیارات مطلقه امام حسین علیه السلام در قسمت زیارت فرزند شهید آن حضرت علی بن الحسین علیه السلام که پایین پای پدر بزرگوارش مدفون است، می خوانیم:

السلام علیک یا بن رسول الله السلام علیک یابن امیرالمؤمنین السلام علیک یا بن الحسن والحسین السلام علیک یابن فاطمة و خدیجه علیها السلام...

5. در زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام آمده:

السلام عليك يا بنت رسول الله السلام عليك يا بنت فاطمة و خديجة...

سلام بر توای فاطمه معصومه ای دختر پیامبر و سلام بر توای دختر فاطمه و خدیجه علیها السلام!

6. در زیارت حضرت حکیمه دختر حضرت امام محمد تقی علیه السلام که قبر شریفش پایین پا و چسبیده به ضریح حضرت هادی علیه السلام و حضرت عسکری علیه السلام است، عین عبارت یادشده در زیارت حضرت معصومه علیها السلام آمده است.

7. در زیارت امام زادگان که در بخش ملحقات دوم یعنی آن چه به وسیله دیگران نه محدث قمی ملحق شده می خوانیم: زیارت دیگر از برای اولاد ائمه علیهم السلام می گویی:

السلام علی جدک المصطفی السلام علی ابیک المرتضی الرضا السلام علی السیدین الحسن و الحسین السلام علی خدیجة ام سیده نساء العالمین ، السلام علی فاطمة ام الائمة الطاهرین.

و چه لطیف و زیباست این جمله:

سلام بر خدیجه علیها السلام مادر بانوی جهانیان؛ سلام بر فاطمه مادر ائمه طاهرین

روایاتی در شأن و مقام خدیجه علیها السلام

روایات متعددی در شأن رفیع و مقام بلند حضرت خدیجه علیها السلام وارد شده است؛ از جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ أَرْبَعًا: مَرِيْمَ وَ آسِيَةَ وَ خَدِيْجَةَ عَلِيْهَا السَّلَامُ وَ فَاطِمَةَ؛ (1)

خداوند از گروه زنان چهار زن را انتخاب و اختیار فرمود: مریم آسیه [زن فرعون]، خدیجه علیها السلام و فاطمه.

ابن عباس می گوید:

رسول خدا چهار خط روی زمین کشیدند و فرمودند: «می دانید که این

ص: 226

چیست؟» - منظور از این کار چیست؟ عرض کردند: «خدا و رسول او آگاهند». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «افضل نساء الجنّة اربع: خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم امرأه فرعون» (1).

علی بن عیسی اربلی از احمد بن حنبل از انس بن مالک نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

حسبک من نساء العالمین: مریم بنت عمران و خدیجه علیها السلام بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و آسیه امرأه فرعون (2).

بس است تو را از زنان جهان این افراد: مریم دختر عمران، خدیجه علیها السلام دختر خویلد، فاطمه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و آسیه همسر فرعون

نیز از مسند احمد بن حنبل نقل می کند که پیامبر فرمود:

(أُمِرْتُ أَنْ أُبَشِّرَ خَدِيجَةَ بِنَيْتٍ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ)؛ (3)

من مأمور شدم - از سوی خدا- که خدیجه علیها السلام را به خانه ای - در بهشت - بشارت دهم که از لؤلؤ مجوّف ترتیب داده شده، نه در آن خانه ضججه و اضطراب و سر و صدای مولود دشمنی است و نه تعب و رنج و ناراحتی.

از این رو آیات و روایات دیگر همگی از شأن رفیع و مقام والای حضرت خدیجه علیها السلام حکایت می کنند. او یکی از چهار زن قلمداد می شود که خدا آنان را از میان جامعه زنان اختیار فرموده و در مورد دیگر خدیجه علیها السلام یکی از چهار زن است که برترین و بالاترین زنان اهل بهشت هستند

گوشه هایی از آداب و ایثار و وفای حضرت خدیجه علیها السلام

زندگی خانوادگی حضرت خدیجه علیها السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مشحون از ادب و تواضع آن بانوی گرامی نسبت به همسر گرامی اش بود. او در مراحل مختلف، زندگی همواره به آن، بزرگوار وفادار و یار مهربان و حامی دلباخته و شبانه روزی آن

ص: 227

1- همان، ص 2

2- کشف الغمة، ج 1، ص 507

3- همان

حضرت بود و از هیچ گونه فداکاری برای پیامبر صلی الله علیه و اله دریغ نمی کرد؛ از جمله:

1. در جریان ازدواج او که چون حضرت ابوطالب آن خطبه معروف را خواند و عقد ازدواج انجام شد حضرت ابوطالب برخاست تا برود؛ پیامبر صلی الله علیه و اله نیز برخاستند که با عم گرامی خود بروند در این جا خدیجه به پیامبر صلی الله علیه و اله عرض کرد:

الی بیتک و فبیتی بیتک و أنا جاریتک؛

کجا می روی؟ به خانه خودت بیا چه آن که خانه من خانه دوست و من کنیز توأم؟! (1)

این دو سه جمله از خدیجه علیها السلام که خود بانوی بزرگ بطحا بود، حاکی از اوج شخصیت و کمال و معرفت اوست.

2. در جریان بعثت که دشمنان امواج بلا و ناراحتی و ضرب و شتم را متوجه رسول خدا صلی الله علیه و اله کردند خدیجه علیها السلام بزرگ ترین خدمات را به آن حضرت عرضه کرد ابن هشام از ابن اسحاق نقل کرده که خدیجه علیها السلام، اول شخصی بود که به پیامبر صلی الله علیه و اله گروید و او را در همه آن چه از طرف خدا آورده بود، تصدیق کرد و او را در کارش یاری و حمایت نمود و این خود موجب شد که به لطف خداوند مشکلات پیامبر صلی الله علیه و اله تخفیف بیابد هر مرتبه که پیامبر صلی الله علیه و اله با مخالفان مواجه می شد و ایشان را رد می کردند و تکذیب می نمودند، این موضوع موجب اندوه پیامبر صلی الله علیه و اله می شد؛ ولی چون به خانه می آمد آن بانو اندوه پیامبر صلی الله علیه و اله را بر طرف می نمود و از تأثر خاطر وی می کاست و پیامبر صلی الله علیه و اله را به پایداری و مهم نشمردن مردم دلداری می داد. (2) در بعضی از تواریخ آمده که «تسرّه اذا نظر الیها»؛ پیامبر صلی الله علیه و اله هر اندازه هم که نگرانی و ناراحتی داشت، چون نگاه به خدیجه علیها السلام می کرد، غم و اندوه وی مرتفع می گردید».

3. خدیجه علیها السلام از اموال فراوانی برخوردار بود در حالی که حضرت

ص: 228

1- قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ج 1، ص 140؛ بحار الانوار، ج 16، ص 4.

2- اعیان الشیعه، ج 6، ص 311 و 312

محمد صلی الله علیه و آله تهی دست بودند و این تهیدستی چرخ زندگی را مختل کرده بود، چه رسد به امر بسیار عظیم دعوت که قطعاً بحران مالی مانع پیشبرد و نفوذ و گسترش آن می گردید ولی حضرت خدیجه علیها السلام بزرگ ترین ایثارگر جهان، همه ثروت انبوه خود را در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله گذاشت و این مشکل بزرگ به وسیله آن بانوی ایثارگر حل شد.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: (وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى)؛ (1) «و آیا پروردگارت تو را نادار و تهی دست نیافت پس تو را غنی و بی نیاز گردانید؟»

در این جا هر چند ممکن است مقصود این باشد که تو را عیالمنند دید که اهل عالم عیال و نان خور تواند و باید تغذیه روحی و معنوی شوند، از این رو تو را با یک جهان عالیه معارف و تعالیم الهی و خزائن علمی بی نیاز کرد که بتوانی همه را بهره مند سازی و پاسخ گوی همه باشی ولی این احتمال هم هست که مقصود همین فقر ظاهری باشد و بی نیازی آن حضرت همان ثروت کلانی باشد که حضرت خدیجه علیها السلام در اختیار رسول خدا گذاشت؛ چنان که این معنا در کلمات مفسران، آمده بلکه ظاهر کلام مفسر بزرگوار مرحوم نهاوندی همین است.

روایت شده که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و غمناک نزد خدیجه علیها السلام نشسته بودند. خدیجه علیها السلام عرض کرد: «چرا اندوهگینی؟» فرمود: «فحطی در میان مردم آمده است و باید مال تو را به فقرا دهم تا مالت تمام شود و از تو خجل شوم و اگر چیزی به کسی ندهم از خدا می ترسم» خدیجه علیها السلام قریش را در منزل خود دعوت کرد ابوبکر می گوید: «خدیجه علیها السلام آن قدر اشرفی و طلا در میان مجلس ریخت که من کسانی را که در برابرم نشسته بودند نمی دیدم». پس خدیجه علیها السلام فرمود: «همه شاهد باشید که تمام این مال از حضرت محمد صلی الله علیه و آله است؛ خود داند نگاه دارد یا به دیگران ببخشد». (2)

ص: 229

1- سوره الضحی، آیه 8

2- تفسیر نفحات الرحمان، ج 5، ص 578؛ تفسیر کشاف زمخشری، ج 4، ص 768؛ تفسیر روح المعانی، ج 3، ص 162

بی تردید خدیجه علیه السلام بهترین یاور و حامی و همگام پیامبر صلی الله علیه و اله بود؛ او بهترین وزیر و هم فکر و موجب آرامش خاطر آن حضرت به شمار می رفت و از این رو درگذشت آن بانو، بزرگترین ضربه بر پیکر آن بزرگوار وارد کرد؛ خصوصاً که در همان دوران حامی غیور دوم خود یعنی حضرت ابوطالب را هم از دست داد؛ بر اثر این حادثه غمبار حزن و اندوه بر رسول خدا صلی الله علیه و اله بود ریش کرد به طوری که آن سال را «عام الحزن» نامیدند.

بر اثر این دو ضایعه شکننده کار جسارت دشمن به آن جا کشید که نادانی از سفهای قریش خاک بر فرق مبارک آن حضرت ریخت.

وفات و وصایای دلسوزانه حضرت خدیجه علیها السلام

بانوی اسلام بیمار شد و چون بیماریش شدت یافت، به پیامبر صلی الله علیه و اله عرض کرد:

«یا رسول الله! وصایای مرا بشنو: نخست این که من در حق شما کوتاهی کردم پس مرا عفو کن یا رسول الله!!». پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود:

هرگز تو درباره من کوتاهی نکردی! بلکه تا آخرین مرتبه توانت پیش رفتی و در خانه من آخرین درجات رنج و درد را متحمل شدی و اموال خودت را بذل، نموده انفاق کردی و در راه خدا صرف و هزینه نمودی

عرض کرد:

«یا رسول الله! وصیت دوم من راجع به این دختر است - و اشاره به فاطمه علیها السلام کرد - زیرا او دختری بی مادر و غریب است مواظب باش هیچ یک از زنان قریش او را اذیت و آزار نکند سیلی به چهره او نزنند و فریاد به روی او نکشند و هیچ عمل ناراحت کننده و رنجش آوری را در مورد او از خود نشان ندهند.

وصیت سوم را به دخترم فاطمه می گویم و او به شما منتقل خواهد کرد؛ زیرا از شما حیا می کنم» در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و اله برخاستند و از حجره خارج شدند و خدیجه علیها السلام، حضرت فاطمه علیها السلام را فراخواند و به او گفت: «دخترم! و

ص: 230

نور دیدگانم! به پدرت بگو: من از قبر می ترسم و میل دارم مرا در ردای خودتان که در وقت نزول وحی می پوشیدید کفن کنید!».

فاطمه بیرون آمد و این مطلب را به عرض پدر بزرگوار خود رسانید. پیامبر صلی الله علیه و آله برخاستند و ردای مخصوص را آوردند و به حضرت فاطمه علیها السلام دادند و ایشان آن را نزد مادر آورد. خدیجه علیها السلام از این موضوع بسیار شادمان گردید. باری چون خدیجه علیها السلام از دنیا رفت پیامبر شروع به غسل او کردند و تجهیزات او را انجام دادند و وی را حنوط کردند؛ هنگامی که خواستند او را کفن کنند جبرئیل امین نازل شد و عرض کرد: «یا رسول الله! خداوند به تو سلام می رساند و تو را به تحیت و اکرام اختصاص داده می فرماید: "ای محمد! کفن خدیجه علیها السلام نزد ماست، زیرا او مال خود را در راه ما بذل کرد»؛ "پس جبرئیل کفن مخصوص را تقدیم نمود و گفت: «این کفن خدیجه علیها السلام از کفن های بهشتی است و خداوند آن را به خدیجه علیها السلام هدیه کرده است».

پیامبر صلی الله علیه و اله همسر عزیز خود را در درای شریف خویش کفن کردند و بعد آن کفن را بر او پوشانیدند. (1)

حضرت خدیجه علیها السلام در ماه مبارک رمضان سال دهم هجرت در 65 سالگی از دنیا رفت. حکیم بن حزام پسر برادر خدیجه می گوید:

پس پیکر او را از منزلش بیرون آوردیم و به سوی حجون بردیم و در آن جا دفن کردیم و پیامبر صلی الله علیه و اله در گودال قبر او فرود آمدند، ولی تا آن زمان نماز بر جنازه تشریح نشده بود تا بر پیکروی نماز بخوانند.

از حکیم بن حزام پرسیده شد: «این جریان در چه زمانی بود؟» گفت: «سه سال قبل از هجرت یا نزدیک به سه سال و کمی بعد از خروج بنی هاشم از شعب». (2)

داخل شدن پیامبر صلی الله علیه و آله در قبر حضرت خدیجه علیها السلام توجیهاتی دارد؛ از جمله:

ص: 231

1- شجره طوبی، ج 2، ص 252 المجلس السابع

2- بحار الانوار، ج 16، ص 13

1. ظاهراً برای آزمایش قبر و این که آیا متناسب با اندام خدیجه علیها السلام حفر و آماده نموده اند و یا این که متناسب با بدن خدیجه علیها السلام صورت نگرفته و از نظر طول یا عرض یا عمق، کمبودی دارد تا جبران کنند
2. شاید برای رفع وحشت همسر مهربانشان از این خانه جدید داخل رفتند و در قبر خوابیدند تا به برکت نزول پیامبر صلی الله علیه و آله و خوابیدن در آن جا، رحمت الهی بر قبر نازل شود و ورود در قبر و خوابیدن مستمر حضرت خدیجه علیها السلام آسان باشد و چنان که در حالات حضرت فاطمه بنت اسد مطلبی نقل شده که مؤید این احتمال است
3. رفتن آن حضرت در قبر خدیجه علیها السلام برای گرفتن بدن مبارک ایشان و گذاشتن در قبر باشد که روی قاعده، کسانی از بالا بدن را بلند کرده کسی از محارم میت از داخل، قبر بدن را می گیرد و با امداد نیروهای بالا جسد را در جایگاهش می گذارند.
4. ممکن است برای تلقین خدیجه علیها السلام به داخل قبر رفتند تا در مقام مواجهه با فرشتگان الهی بتواند سؤالات مقرر را پاسخ بگوید. آری آن بانوی گرامی، در حجونی که کوهی است در بالای مکه به خاک سپرده شدند.

*بررسی تأثیر اموال حضرت خدیجه علیها السلام در زندگی و رسالت پیامبر صلی الله علیه و اله: سید محمدرضا عالمی (1)

چکیده

ایثار اموال از مهم ترین جنبه های تأثیر گذاری حضرت خدیجه علیها السلام در زندگی و رسالت پیامبر صلی الله علیه و اله بود تا آن حضرت به عنوان یک مبلغ فکر و دغدغه ای مالی کم تری داشته باشند و با فراغ بال بیش تر به ابلاغ رسالت پردازند در این نوشتار، با هدف بررسی تأثیر اموال حضرت خدیجه علیها السلام بر زندگی و رسالت پیامبر صلی الله علیه و اله، ابتدا به وضعیت مالی پیامبر صل الله علیه و اله قبل از ازدواج ایشان و مقایسه آن با دوران زندگی مشترک پیامبر صلی الله علیه و اله و حضرت خدیجه علیها السلام می پردازد تا بتواند میزان تأثیر ایثار اموال را در ابلاغ رسالت و در نتیجه پیشبرد اهداف اسلام و مسلمانان مشخص نماید در این تحقیق، سعی شده تا با استفاده از منابع دست اول و به شیوه اسناد و مدارکی (کتابخانه ای) داده های معتبر را گرد آورده به بررسی و تحلیل آن ها پردازد؛ در نتیجه روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است.

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام، ایثار اموال وضعیت مالی پیامبر صلی الله علیه و اله، شعب ابی طالب، استقلال رسالت

ص: 233

شاید اولین مسأله ای که درباره زندگی حضرت خدیجه علیها السلام به ذهن متبادر می شود ثروت و میزان تأثیر اموال ایشان بر زندگی و رسالت پیامبر صلی الله علیه و اله باشد. مسأله پیش دستی بسیار مغفول مانده و مطالبی که در کتاب ها و مقالات درباره ایشان یافت می شود بیش تر در حد توصیف مقدار اموال و ایثار ایشان در این زمینه است. شاید علت آن باشد که هر پژوهشگری که قصد ورود به این موضوع را داشته تصور کرده که درباره این مسأله، حتماً قبلاً مورد بحث و بررسی صورت گرفته و کار دوباره عبث است و به تحقیق در این باره نیازی نیست اما اگر پژوهشگر کمی در مقالات و کتاب هایی که درباره آن حضرت، نوشته، کاوش کند خلاف این تصور نمایان می شود بسیاری از توصیفات به راحتی پذیرفته شده اند و بارها در کتاب ها بدون هیچ نقد و بررسی دوباره نقل گردیده اند که شاید تحت هیمنه بزرگانی باشد که به نقل روایت وارده در آن موضوع پرداخته اند؛ مانند نویسندگان اعیان الشیعه، بحار الانوار، یا ریاحین الشریعه که این روایات ها را نقل کرده اند؛ اینان خود از کتاب های مشهور اهل سنت مانند طبقات الکبری و یا کتاب واقدی و ابن اثیر استفاده کرده اند، اما آن ها را بدون بررسی محتوایی و به همین مقدار که در این کتاب ها مطالب و توصیفات مطابقتی خواسته ایشان آمده است نقل کرده اند. پژوهشگران دیگر نیز اگر دنبال تحقیق درباره آن حضرت باشند باید دوباره به همان منابع اولیه اهل سنت هستند مراجعه کنند اما باید با توجه به اوضاع فرهنگی - اجتماعی دوران پیامبر صلی الله علیه و اله، به بررسی و نقد آن ها پردازند و سعی کنند به بازخوانی دوباره داده های تاریخی درباره حیات اقتصادی حضرت خدیجه علیها السلام با نگاهی کلاتر پردازند در این تحقیق سعی خواهد شد که به برخی از مشهورات در وضعیت مالی خدیجه علیها السلام و تأثیرات آن بر زندگی پیامبر صلی الله علیه و اله و رسالت ایشان پرداخته شود.

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به دنیا آمدند، پدرشان در سفر تجاری به شام بود و در بازگشت از همین سفر در یثرب درگذشت و فرزند گرامی خویش را هیچ‌گاه ندید آن‌چه عبدالله برای فرزند خویش باقی گذاشت کنیزی به نام ام ایمن (برکه) پنج شتر و تعدادی گوسفند بود. پس از آن حضرت محمد صلی الله علیه و اله مستقیماً تحت حمایت جدش بزرگوارش عبدالمطلب قرار داشت که بزرگ قریش و مکه بود و او مخارجش را تأمین می‌کرد.

در هنگام وفات عبدالمطلب، هر چند ابولهب فرزند ثروتمند عبدالمطلب، خواستار سرپرستی پیامبر صلی الله علیه و آله شد عبدالمطلب نپذیرفت و با گفتن این سخن که «شر خود را از او بازدار!» ترجیح داد که او را به ابوطالب عموی تنی ایشان بسپارد. (1) که نسبت به او رأفت و علقه بیش تری داشت. (2) ابوطالب ثروتمند نبود و زمانی که پس از وفات زبیر بن عبدالمطلب ریاست بنی هاشم را بر عهده گرفت، برای انجام دادن امور ریاست بنی هاشم به اموال تری احتیاج داشت؛ هر چند در زمان زبیر که پس از پدر به ریاست بنی هاشم رسیده بود نیز عملاً ابوطالب به رفق و فتق امور بنی هاشم می‌پرداخت. (3) در تمام دوران ریاست زبیر و هم‌چنین خود ابوطالب تا هنگام ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه و اله، آن حضرت در خانه ابوطالب بودند و جزء عائله ایشان محسوب می‌شدند.

پیامبر صلی الله علیه و آله نیز هر آن‌چه می‌توانستند برای کمک به مخارج ابوطالب انجام می‌دادند. بنابر برخی از روایات آن حضرت مدتی گوسفندان اهالی مکه را به چرا می‌بردند؛ (4) اما یعقوبی می‌گوید که پیامبر هیچ‌گاه اجیر کسی نشدند که برخی نویسندگان معاصر نیز بر آن تأکید دارند (5) در جمع کردن دو روایت، می‌توان

ص: 235

1- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 1، ص 100

2- مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 34

3- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 15، ص 219

4- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 1، ص 125-126

5- نجاح الطائی، ازواج النبی و بناته، ص 21

چنین بیان کرد که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مدتی گوسفندان خاندان خود را که مربوط به ابوطالب، بود برای کمک به امور خانواده به چرا می بردند چنان که شواهدی نیز بر این مدعا وجود دارد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «بعث موسی علیه السلام و هو راعي غنم و بعث داود علیه السلام و هو راع غنم و أنا رعی غنم اهلی باجیاد» (1).

چوپانی پیامبر صلی الله علیه و آله مدت زیادی به طول نیجامید و تا هنگامی که آن حضرت به عنوان مضاربه با اموال خدیجه علیها السلام به سفر تجاری رفتند به تجارت و خرید و فروش در بازارهای مکه و تهامه مانند حباشه (2) و جرش (3) مشغول بودند و به کسب تجربه تجاری می پرداختند. خدیجه علیها السلام که در تجارت و سرمایه گذاری، تجاری زیرک، بود اموال و کاروان تجاری خویش را به افراد باتجربه در تجارت می سپرد. درباره کارهای تجاری پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از ازدواج اطلاع چندانی در دست نیست؛ اما می توان شواهد و داده های مختصری عرضه کرد برای مثال واقدی نقل کرده که آن حضرت خدیجه علیها السلام در قرارداد تجاری با پیامبر گفت: «أَنَا أُعْطِيكَ ضِعْفَ مَا أُعْطِي قَوْمَكَ» (4) یا «غیره» (5) و بر این اساس قرار شد به پیامبر صلی الله علیه و آله دو برابر دیگران از سود تجاری پرداخت کند. لازمه این سخن آن است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله قبلاً نیز تجربه تجاری داشته که در آن با درصد خاصی از سود تجاری برای دیگران تجارت می کردند و خدیجه به عنوان جلب توجه پیامبر صلی الله علیه و آله برای عقد قرارداد با ایشان پیشنهاد بالاتری نسبت به دیگران به پیامبر صلی الله علیه و آله داده است.

در روایتی دیگر، زبیر بن بکار از واقدی نقل می کند که حکیم بن حزام

ص: 236

-
- 1- ابن قتیبه، المعارف، ص 144؛ ابو نعیم اصفهانی، دلائل النبوه، ج 1، ص 206؛ ابن سید الناس، عیون الاثر، ج 1، ص 68
 - 2- حُباشه بازاری بود که به مدت هشت روز در ناحیه مکه تشکیل می شد و از آن به عنوان بزرگ ترین بازارهای تهامه نام برده شده است. (البکری، معجم ما استعجم، ج 2، ص 418)
 - 3- این بازار در غیر موسم حج و در ماه رجب برگزار می شد و بازار بزرگی به حساب نمی آمد. (فاسی، شفاء الغرام، ج 2، ص 283).
 - 4- ابن سعد، همان، ج 1، ص 129؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج 1، ص 97
 - 5- ابن بکار، نسب قریش، ج 1، ص 371

(برادرزاده خدیجه) مردی تاجر بود که هیچ بازاری در مکه و تهامه تشکیل نمی شد مگر که وی نیز در آن حضور می یافت. او می گوید:

در تهامه بزرگترین بازار حباشه بود و من در آن حاضر بودم در آن بازار از پیامبر صلی الله علیه و آله لباس خریدم و با خود به داخل مکه آوردم پس از آن بود که خدیجه به دنبال پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد و از ایشان برای تجارت دعوت کرد. و... (1)

این نقل تاریخ نیز مؤید آن است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله قبل از کار و سا تجاری با خدیجه علیها السلام و هم چنین ازدواج با ایشان به تجارت و خرید و فروش کالا حداقل در بازارهای فصلی مکه و تهامه مانند حباشه می پرداخته اند. لقب امین که بارها در حوادث مختلف بر پیامبر صلی الله علیه و اله اطلاق شده است (2) نیز با کار تجاری تناسب بیشتری دارد و این موضوع را در ذهن برجسته می کند که آن حضرت در زمان کارهای تجاری خویش قبل از قرارداد با خدیجه از امانت داری برخوردار بوده و امین آن بانو در کالاهای تجاری و اموال تجاری محسوب می شده است. اگر چه تجارت را عمده شغل پیامبر صلی الله علیه و آله در دوران قبل از ازدواج ایشان بدانیم در منابع تاریخی از پیامبر صلی الله علیه و اله به عنوان فردی ثروتمند یاد نشده است بر این اساس به نظر می رسد که پیامبر صلی الله علیه و اله در این دوران، به تجارتی محدود در حد اموال خویش و یا تجارت برای خاندان و خانواده خویش پرداخته اند.

وضعیت مالی حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و اله

حضرت خدیجه علیها السلام در هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و اله، از اوضاع مالی بسیار خوبی برخوردار بود و اکثر منابع تاریخی نیز به آن اشاره کرده اند. (3) درباره منبع اولیه ثروت آن بانوی بزرگوار بین تاریخ نگاران و سیره نویسان اختلاف نظر فراوانی

ص: 237

1- ابن اسحاق، السیر والمغازی، ص 81؛ ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 178؛ تاریخ طبری، ج 2، ص 280؛ محب الدین طبری السمط الثمین، ص 51/52؛ الاربلی، کشف الغمه، ج 2، ص 132.

2- محب الدین طبری، السمط الثمین، ص 50

3- ابن سعد، الطبقات الکبری، ص 131

است. برخی آن را ارث از پدر و یا شوهران سابق ایشان و برخی نیز از فعالیت تجاری خود آن حضرت می دانند (1)

با توجه به جایگاه زن در دوره جاهلی ارث بردن از شوهر و حتی از پدر، با چالش هایی بزرگ روبه رو بوده است؛ زیرا ارث بردن دختر از پدر در بین عرب جاهلی ظهور و بروز کمی داشت و معمولاً پسران و خاندان، پدری اعم، پدر عمو و عموزاده بر این کار مقدم بودند ارث بردن از شوهر به طریق اولاً- میسر نبود؛ زیرا حتی خود زنان نیز جزو اموال وارث شوهر خویش محسوب می شدند اگر زن اولاد داشت جزو سهم الارث فرزند خویش آزاد بود و اگر فرزند نداشت، به عنوان ارث به فرزندان دیگر، شوهر از زنان دیگرش می رسید و او صاحب اختیارش می شد و معمولاً با مهریه ای که آن فرزند دریافت می کرد، او را به عقد کسی در می آورد و یا حتی خود با او ازدواج می کرد. (2) با این شرایط ارث بردن زن از شوهر، چگونه امکان داشت که خدیجه علیها السلام از ازدواج های قبل از پیامبر صلی الله علیه و اله- اگر ازدواج ها را بپذیریم - این مقدار ارث برده باشد که او را جزو ثروتمندان مکه قرار دهد. از سویی دیگر و بنابر منابع انساب و تاریخ عرب، آن حضرت خواهران و برادرانی داشت که هیچ گاه به لحاظ ثروت به خدیجه علیها السلام نمی رسیدند. هاله، خواهر خدیجه علیها السلام، از شرایطی برابر برای ارث بردن از پدر برخوردار بود. اما هیچ منبعی به اموال بسیار او اشاره نکرده است؛ در حالی که بانویی ناشناخته نبود و حتی بنابر برخی نقل ها به خرید و فروش محدودی در بازارهای مکه می پرداخت (3) و پس از رحلت حضرت خدیجه علیها السلام زنده بود و پیامبر صلی الله علیه و اله او را بسیار گرامی می داشتند تا حدی که رشک دیگران را بر می انگیخت. (4) با این توضیحات، به

ص: 238

1- جواد فاضل، معصوم سوم فاطمه الزهرا، ص 10/11؛ حین علی شرهانی، حیاة السیدة خدیجه بنت خویلد من المهد الی اللحد، ص 117-120

2- ابن حبیب، المحبر، ص 226، روایت ها و نقل هایی درباره این رفتارها در ذیل تفسیر برخی آیات سوره نساء نیز آمده است: نک آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن، ج 4، ص 242 بخاری، صحیح، بخاری، ذیل تفسیر آیه 19 سوره نساء.

3- ابن، بکار، منتخب ص 39؛ الهیثمی، مجمع الزوائد، ج 2، ص 212

4- بخاری، صحیح بخاری، ج 4، ص 231؛ مسلم، صحیح مسلم، ج 7، ص 134

نظر می‌رسد خدیجه علیها السلام اگر هم از پدر و یا شوهران سابق خویش ارثی برده و اموالی به دست آورده به هیچ عنوان در حدی نبوده که وی را از ثروتمندان مکه به حساب آورند.

با توجه به جهات فرهنگی و اجتماعی، مکه حضرت خدیجه علیها السلام که در آن شهر به بزرگی و پاکدامنی و نجابت و شرافت نسب مشهور بود، (1) شرایط و توانایی‌های ویژه‌ای داشت که توانسته بود به این میزان از ثروت و مکنت و شرافت دست یابد و با تاجران بزرگ مکه رقابت کند. با توجه به شرافت و بزرگی نسب و جایگاه خاندان ایشان در بین عرب‌های قریشی و شخصیتی که این بانو داشت می‌توانست تمام این رسومات جاهلی را پشت سرگذارد. اگر در بین زنان قریش بررسی شود می‌توان زنان با نفوذ دیگری را نیز یافت که جایگاه مثبت و درخوری چون حضرت خدیجه علیها السلام نداشتند، اما دچار ضعف نیز نبودند از این زنان می‌توان به جایگاه هند جگرخوار همسر ابوسفیان و ام جمیل، خواهر ابوسفیان و همسر ابولهب و اقدامات آنان اشاره کرد که جایگاهی بس منفی در تاریخ صدر اسلام دارند؛ اما آنان اقدامات اجتماعی مهمی بر ضد اسلام و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله انجام دادند که شاید از بسیاری از مردان قریش ساخته نبود از زنان تاجر پیشه نیز می‌توان به أسماء بنت، مخربه مادر ابوجهل (عمرو بن هشام)، نام برد که به فروش عطرهایی می‌پرداخت که فرزندش عبدالله بن ابی ربیع (برادر مادری ابوجهل) از یمن برایش می‌آورد (2) و یا ام‌انمار که به کار تجارت اشتغال داشت، (3) اما هیچ کدام از این زنان توان تجاری و اقتصادی قابل مقایسه با خدیجه را نداشتند.

اگر حضرت خدیجه علیها السلام جزو استثنائاتی محسوب شود که اوضاع فرهنگی و اجتماعی عرب جاهلی را به سخره گرفته است می‌توان ثروت ایشان را ترکیبی از ارث و تجارت دانست که در ابتدا اموالی به ایشان به ارث رسیده بود و به واسطه

ص: 239

1- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 1، ص 131

2- واقدی، المغازی، ج 1، ص 79؛ مصعب الزبیری، نسب قریش، ص 317/318.

3- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 1، ص 317

فرستادن کاروان های تجاری به بازارهای عربستان و شام و دیگر نقاط، پیوسته در جهت افزایش سرمایه خویش حرکت می کرد تا جایی که خود را به عنوان یکی از ثروتمندترین افراد در بین قریش مطرح ساخت اکثر اموال خدیجه علیها السلام نیز در سایه همین تجارت به دست آمده بود باب آشنایی پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام نیز به واسطه سرپرستی یکی از این کاروان ها و امانت داری مثال زدنی اش باز شد.

بر اساس روایات، میزان ثروت حضرت خدیجه علیها السلام بسیار چشمگیر بود. علامه، مجلسی، روایاتی نقل کرده که بر اساس آن حضرت خدیجه علیها السلام ثروتمندترین فرد مکه بوده است. (1) کاروان ها و تجارت خانه های حضرت در کشورهای مصر حبشه و شام به تجارت برای خدیجه علیها السلام مشغول بودند و بیش از هشتاد هزار، شتر حمل و نقل کالاهای تجاری را بین این سرزمین ها و تجارت خانه ها بر عهده داشتند و غلامان و کارگزاران بسیاری به ایشان در این تجارت و کسب و کار گسترده، کمک می کردند. (2) توصیفات جالبی حتی درباره خانه ایشان در مکه وجود دارد. گویند این منزل از نظر مساحت به قدری بود که می توانست تمام جمعیت ساکن مکه را در خود جای دهد. روی خانه را با گنبدی از ابریشم آبی پوشانده بودند که بر روی آن خورشید و ماه و ستارگان به تصویر کشیده شده بود این گنبد احتمالاً حالتی خیمه مانند داشت و با طناب هایی از ابریشم به میخ های فولادی بسته و محکم شده بود (3) زهری نیز آورده که آن حضرت در راه ترویج اسلام چهل میلیون سکه طلا و نقره خرج کرده است. (4) البته با توجه به ظرفیت تجاری مکه و مردمانش و همین طور میزان کاروان هایی که در طول دوران جاهلی و سال های منتهی به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه به اطراف و اکناف می رفتند و میزان کالاهای و شترهایی که آن ها را حمل می کردند، به نظر می رسد

ص: 240

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 21

2- همان، ص 22

3- همان

4- جواد فاضل، معصوم سوم فاطمه الزهرا، ص 19

که هشتاد هزار شتر اندکی اغراق آمیز باشد. منزل آن بانو نیز با توجه به مکتب ایشان خانه ای فاخر بود اما خانه ای که بتوان تمامی اهل مکه را در آن گرد آورد و یا ... چندان درست به نظر نمی رسد. خانه عبدالله به جدعان که منابع تاریخی آن را بزرگ ترین و فاخر ترین منازل مکه می دانستند و بسیاری از جلسات مکه مانند حلف الفضول نیز در آن برگزار شده بود (1) هیچ گاه در موردش ادعا نشده که ظرفیت جای دادن تمامی اهل مکه را در زیر سقف خود داشته است.

روابط مالی پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه علیها السلام پس از ازدواج

تقریباً تمام منابعی که به این دوره از زندگی پیامبر صلی الله علیه و اله اشاره کرده اند، اتفاق دارند که اموال حضرت خدیجه علیها السلام تماماً در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داشته است. گویند خدیجه علیها السلام پس از ازدواج از پسر عمویش ورقه بن نوفل خواست تا کلیدهای تمامی اموالش را نزد پیامبر صلی الله علیه و اله برد و به ایشان بگوید که تمام اموال خدیجه هدیه ای به ایشان است و در آن هر گونه تصرفی که مایل است، می تواند انجام دهد. (2) بدیهی است خدیجه که اموال بسیاری داشت و بیش تر آن را در اثر تجارت کسب نموده بود پس از ازدواج از کار خود دست نکشید. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز پس از ازدواج، بی کار نبودند که فقط با استفاده از ثروت خدیجه علیها السلام بدون دغدغه به راحتی زندگی کنند و از اموال آن بانو مصرف نمایند. در واقع سرمایه دار و تاجر هر دو در یک خانه جمع شده بودند و چه بسا کار تجاری پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام رونق یافته و حتی از قبل بهتر شده بود. بر اساس روایتی پیامبر صلی الله علیه و آله پس از ازدواج، بیش تر به خرید و فروش پارچه می پرداختند (3) البته نقلی هم درباره خرید و فروش حیوانات توسط آن حضرت گزارش شده است (4) بنابراین راز و نیاز و عبادت، پیامبر صلی الله علیه و آله را از کار

ص: 241

1- البیهقی، السنن الکبری، ج 6، ص 367؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 14، ص 130

2- بحار الانوار، ج 16، ص 71

3- ترمذی، السنن، ج 3، ص 568؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ج 2، ص 493.

4- بلاذری، انساب الاشراف، ج 1، ص 130

و پیشه خود غافل نکرد با این تفاسیر به نظر می رسد که اموال خدیجه علیها السلام در هنگام بعثت و تا سال های اول بعثت که پیامبر صلی الله علیه و اله زیر فشار مشرکان نبود و تحریم های گوناگون و محدودیت های پس از آن به وجود نیامده بود، بسیار بهتر از زمان ازدواج ایشان بود. این اموال در حدی رشد یافت که تنگناها و تحریم های سخت اقتصادی به واسطه این اموال حل و فصل می شد.

یکی از مهم ترین دوره های تأثیر اموال خدیجه علیها السلام در رسالت پیامبر صلی الله علیه و اله را زمانی می توان دانست که مسلمانان و بنی هاشم در شعب ابی طالب در محاصره قرار گرفتند دشمنان پیامبر صلی الله علیه و اله تا سال هفتم هجری به هر حربه ای دست یازیدند و هر حيله ای به کار بردند نتوانستند پیامبر صلی الله علیه و اله را از انجام دادن وظیفه اش باز دارند، لذا تصمیم به قتل پیامبر صلی الله علیه و اله گرفتند. در مقابل این دسیسه مشرکان بنی هاشم با ریاست ابوطالب، تصمیم گرفتند که در شعب ابی طالب، در نزدیکی مکه داخل شوند و برای حمایت از جان پیامبر صلی الله علیه و اله آماده گردند. این تصمیم ابوطالب که پیامبر صلی الله علیه و اله را از دست رس مشرکان قریش خارج می کرد، بر والا مشرکان گران آمد و درصدد برآمدند که آنان را در محاصره اجتماعی و اقتصادی قرار دهند. (1) این محاصره که سه سال تمام به درازا کشید، از نظر مالی فشار بسیاری را بر بنی هاشم وارد کرد. در طی این سه سال، بنی هاشم نمی توانستند کار تجاری انجام دهند و مایحتاج خود را به طور معمول تأمین کنند. تحریم آن چنان همه جانبه بود که برای مقاومت در برابر آن نیاز به پشتیبانی مالی داشت که بتواند بدون هیچ چشم داشتی و با اخلاص و ورعی تمام، به بذل اموال برای محاصره شدگان بپردازد. در شعبی که گیاهی برای رشد و غذایی برای خوردن وجود نداشت و مایحتاج محاصره شدگان نیز کم نبودند، باید به صورت کامل از بازارها خریداری می شد فقط بذل اموال حضرت خدیجه علیها السلام آن ها را حفظ کرد. پیامبر صلی الله علیه و اله نتوانستند با این اموال مایحتاج بنی هاشم و مسلمانان را در طول محاصره تأمین کنند این تأمین به روالی عادی نبود، بلکه به نحوی بود

ص: 242

1- یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 31؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 1، ص 208/209.

که حتی در موسم حج که بنی هاشم از شعب خارج می شدند تا اموالی را از دیگر قبایل وارد شده به مکه خریداری کنند قریشان به معامله آن ها وارد می شدند و مداخله و کار شکنی می کردند تا قیمت ها را برای بنی هاشم بالا برند و توان خرید را از ایشان سلب نمایند (1) با این اوضاع سخت اقتصادی، اگر اموال خدیجه علیها السلام نبود، شاید تاریخ صدر اسلام پس از محاصره اقتصادی به گونه ای دیگر رقم می خورد. اموال خدیجه علیها السلام، مهم ترین منبع کمک رسانی مالی پیامبر صلی الله علیه و آله در این دوره بود، البته کسانی دیگر نیز به مدد بنی هاشم رسیدند؛ مانند حکیم بن حزام (2) برادرزاده حضرت خدیجه علیها السلام و نیز عباس بن عبدالمطلب کمک هایی می کردند (3) ولی اموال آن بانو در صد اعظم نیازهای مالی دوران محاصره را تأمین می کرد. اگر این اموال نبود پیامبر صلی الله علیه و آله امکان این که از منبعی دیگر و یا شهر و قبیله و سرزمین دیگری کمک مالی دریافت کنند وجود نداشت. بنابراین، جنبه اقتصادی محاصره شعب ابی طالب، با ایثار اموال خدیجه سامان یافت و توانست دین مبین اسلام را از گذرگاهی بسیار دشوار عبور دهد.

استقلال مالی مقدمه استقلال همه جانبه رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله

استقلال همه جانبه شاید یکی از مهم ترین ویژگی های رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله باشد که استقلال اقتصادی را نیز در بطن خویش داشت.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در زمان رسالت برای پشتوانه فعالیت خویش، نیاز مبرم به پشتوانه اقتصادی داشتند. فعالیت تبلیغی آن هم به گونه ای که تمامی اهالی و ساکنان محل تبلیغ، سعی در سرکوب رسالت و تبلیغ ایشان داشته اند، نیاز مالی زیادی را به دنبال می آورد. نیاز اقتصادی پیامبر صلی الله علیه و آله دو جنبه داشت: جنبه اول در جهت تأمین زندگی خویش و عدم وابستگی و نیاز مالی شخصی

ص: 243

-
- 1- ابن اسحاق، السیر و المغازی، ص 159؛ ابن سعد، طبقات الکبری، ج 1، ص 209؛ المقریزی، امتاع الاسماع، ج 1، ص 25.
 - 2- الشامی، سبل الهدی والرشاد، ج 2، ص 378
 - 3- بلاذری، انساب الاشراف، ج 1، ص 235.

و جنبه دوم آن که پیامبر صلی الله علیه و آله در طول رسالت خویش در مکه باید به حمایت مالی مسلمانانی بر می خاستند که عمدتاً از طبقات ضعیف و مستمند جامعه بودند. نه در آن حد که ایشان را بی نیاز کند تا مسلمانان متهم شوند که به علت کمک مالی پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام آورده اند بلکه در آن حد که در مواقع ضرورت و در تنگناهای شدید مانند قضیه شعب، بتواند یاور مسلمانان باشد.

برای پاسخ گویی به نیازهای جامعه مسلمانان از نظر تئوری، می توان چند منبع را برای ایشان متصور بود:

یکی از راه های تأمین، مالی می توانست درخواست کمک از دولت ها و قدرت های مجاور و اطراف شبه جزیره عربستان باشد که از اوضاع سیاسی و مالی خوبی برخوردار بودند در این مورد با توجه به موقعیت دور افتاده مکه از این سرزمین ها و نبود انگیزه از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله برای این کار، به هیچ وجه تصور شدنی نیست. در منابع اولیه و هم چنین معاصر، حتی از سوی شرق شناسانی که به کم ترین شواهد تحلیل های فراوانی را در جهت سوق دادن اندیشه اسلام به خارج از شبه جزیره دارند (1) هیچ ادعای کمک مالی توسط این دولت ها به پیامبر صلی الله علیه و آله نشده است.

دومین منبع مالی متصور می تواند قبایل و طوایف داخل شبه جزیره عربستان باشند شاید با تصور این انگیزه که جامعه قریش را که زبانزد قبایل عرب و سرور ایشان شمرده می شد به اختلاف و دوگانگی دچار کنند و بتوانند در مقابل قریش، به جایگاه و منزلتی درخور دست یابند. تصور این منبع کمک نیز با توجه به سیطره کامل قریش بر مکه و هم چنین نبود انگیزه در پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمینه و نبود هیچ گونه شاهد تاریخی در منابع باطل است؛ بنابراین تصور کمک مالی از این منبع آن هم در ابتدای رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه منتفی است.

کمک مالی طوایف قریش نیز منتفی است؛ زیرا تمامی قبایل قریش در رقابتی بس سنگین در بین خود دچار بودند و هیچ گاه طایفه های قریش بر نمی تابیدند

ص: 244

که کمک مالی خویش را نثار شخصی از طایفه دیگر کنند. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز اساساً هیچ گاه دست نیاز مالی به هیچ یک از این طوایف دراز نکردند.

چهارمین منبع مالی متصور برای پیامبر صلی الله علیه و آله کمک مالی طایفه بنی هاشم است که می توانستند پیامبر صلی الله علیه و آله را به عنوان یکی از خویشان خویش، مدد رسانند تا هم پیامبر صلی الله علیه و آله به رسالت خویش برسد و هم ایشان در سایه این رسالت، به شرافت و بزرگی بیش تر دست یابند. شاید اگر پیامبر صلی الله علیه و آله واقعاً کمک مالی کسی را می پذیرفتند، همانا کمک مالی بنی هاشم بود؛ اما در اولین سال های رسالت همان طور که از قضیه انذار عشیره بر می آید بزرگان ثروتمند بنی هاشم از حمایت پیامبر صلی الله علیه و آله سرباز زدند. در میان بنی هاشم، تنها کسی که در طول سال های حضور ایشان در مکه به حمایت شان برخاست ابوطالب بود. که او نیز به واسطه خرج های بسیار و کمی درآمد نمی توانست آن چنان از پیامبر صلی الله علیه و آله خصوصاً پس از رسالت ایشان حمایت مالی کند در میان بنی هاشم، با توجه به منابع تاریخی دو تن ثروتمندتر از بقیه بودند یکی ابولهب و دیگر عباس بن عبدالمطلب ابولهب که تاجر گوسفند بود و اوضاع مالی خوبی داشت، نه تنها به حمایت مالی نکرد که به روایت قرآن مجید (1) و تاریخ، از دشمنان سرسخت پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می رفت و آشکارا از فعالیت های ضد تبلیغی در برابر اسلام خودداری نمی کرد حتی آن زمان که تمامی بنی عبدالمطلب به دستور ابوطالب رئیس بنی هاشم برای حمایت پیامبر صلی الله علیه و آله در شعب جمع شدند، ابولهب خود را از ایشان جدا کرد و داخل شعب نشد (2) و حتی بر اساس تفکر و نظام قبیله ای مکه نیز به حمایت از افراد قبیله خود برخاست. چنین شخص معاندی، هیچ گاه به کمک مالی به پیامبر صلی الله علیه و آله نیندیشیده است. عباس بن عبدالمطلب نیز بنابر اقوال مشهور تا زمان فتح مکه (سال هشتم هجری) اسلام نیاورد؛ (3) در نتیجه، کمک مالی وی به پیامبر صلی الله علیه و آله نیز منتفی است. البته برخی منابع از کمک های

ص: 245

1- سوره مسد

2- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 1، ص 209

3- ابن هشام، السیره النبویه، ج 4، ص 400

گاه و بی‌گاه او در دوران محاصره شعب ابی طالب به مسلمانان سخن رانده اند، اما این نقد بسیار قوی نیز مطرح است که این نوع توصیفات مثبت درباره وی در دوران سلطه بنی عباس و از طریق قلم به دستان وابسته به ایشان مطرح شده باشد بنابراین حتی قابل‌تصورترین منبع کمک مالی به پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به این ترتیب منتفی می‌شود

با توجه به اوضاع مالی پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از ازدواج ایشان و وضعیت منابع مالی متصور برای پیامبر صلی الله علیه و آله، جایگاه ثروت حضرت خدیجه علیها السلام و ایثار اموال ایشان در جهت فعالیت‌های پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بسیار پررنگ‌تر می‌گردد. ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام جدای از آثار و برکات معنوی و دینی فراوان دیگر، به جنبه پشتیبانی مالی پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار اهمیت می‌یابد. این پشتیبانی، مالی استقلال مالی پیامبر صلی الله علیه و آله را در دوران منتهی به رسالت ایشان و هم‌چنین سال‌های بسیار سخت ده‌ساله ابتدایی رسالت‌شان در مکه، در پی داشت.

اموال خدیجه علیها السلام بی‌هیچ‌منتی در همان ابتدای ازدواج در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفت و پیامبر صلی الله علیه و آله در دوران رسالت نیز استفاده‌شایانی از آن اموال کردند این اموال باعث شد که آن حضرت از نظر مالی مستقل باشند و دست‌نیازشان را حتی در امور مهم مالی به سوی بنی‌هاشم قریش، طوایف و قبایل دیگر جزیره‌العرب و حتی دولت‌های مجاور دراز نکند. این استقلال، مالی به واسطه بذل اموال حضرت خدیجه علیها السلام بود و باعث شد، زمینه بسیاری از شبهاتی از بین برود که ممکن بود در اثر کمک‌های مالی دیگران به پیامبر صلی الله علیه و آله به وجود بیاید هیچ‌شرق‌شناس و یا معاند اسلام یافت نشده که براساس شاهدی تاریخی ادعا کند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به جهت کمک مالی دیگران در فلان رأی خویش تجدید نظر کرده و یا تغییر موضع داده‌اند.

نتیجه

با بررسی اموال حضرت خدیجه علیها السلام و تأثیر آن در رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله،

نتایج چند را می توان بر شمرد:

1. کارهای تحقیقاتی درباره اموال خدیجه علیها السلام و میزان تأثیر آن بر رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله تاکنون علی رغم شهرت فراوان بسیار سطحی و ناچیز بوده است.

2. هر چند منبع اولیه ثروت حضرت خدیجه علیها السلام، دچار ابهاماتی است، به نظره می رسد وی توانسته از مقداری ارث در جهت کارهای تجاری استفاده کند و با ذکاو تجاری خویش به اموال بسیاری دست یابد و به یکی از ثروتمندان و تاجران برتر قریش تبدیل گردد. بی شک آن بانو با توجه به جایگاه زن در بین عرب، جاهلی از استثنائات محسوب می گردد.

3. اموال حضرت خدیجه علیها السلام پس از ازدواج کلاً در اختیار پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله قرار داشته و آن حضرت از ابتدا مجاز به هر گونه دخل و تصرف در آن به واسطه اجازه حضرت خدیجه علیها السلام بوده اند؛ اما در دوران پس از ازدواج، این گونه نبوده که پیامبر صلی الله علیه و آله با خیالی آسوده فقط به استفاده از اموال خدیجه علیها السلام پرداخته باشند، بلکه پیامبر صلی الله علیه و آله به تجارت با اموال خدیجه علیها السلام و هم چنین اموال خویش پرداخته اند و ثروت آنان در سال های منتهی به بعثت و اندکی پس از آن نسبت به قبل از ازدواج ایشان رشد داشته است.

4. اموال آن بانو اگر هم تنها پشتوانه مالی پیامبر صلی الله علیه و آله نبوده باشد، قطعاً اصلی ترین پشتوانه مالی پیامبر صلی الله علیه و آله در ابتدای رسالت ایشان تا سال دهم بعثت به خصوص در سال های محاصره اقتصادی و اجتماعی بنی عبدالمطلب در شعب ابی طالب بوده است.

5. حفظ استقلال مالی پیامبر صلی الله علیه و آله، مهم ترین اثر و نتیجه ایثار اموال از سوی خدیجه علیها السلام بوده که زمینه طرح هر شبهه مطرخی را از بین می برد. این جنبه استقلال رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله، کمک شایانی به حفظ استقلال همه جانبه رسالت کرده است.

ص: 247

1. ابن ابي الحديد، شرح نهج البلاغه ، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، بي جا، داراحياء الكتب العربيه، 1378 ق.
2. ابن اثير، عز الدين ابي الحسن على بن ابي الكرم محمد، اسد الغابه في معرفه الصحابه ، بغداد، مطبعه الشعب، 1970 م.
3. ابن اسحاق، محمد، السير والمغازي، تحقيق سهيل ، زكار، بيروت، دارالفكر، 1978 م.
4. ابن بكار زبير منتخب من كتاب ازواج النبي، تحقيق اكرم ضياء العمري، السعودى، داراحياء التراث الاسلامى، 1981 م.
5. ابن حبيب، ابوجعفر محمد بن حبيب، المحبر، بيروت، المكتب التجاري 1361 ق.
6. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بيروت، دار صادر، بي تا.
7. ابن سيد الناس، عيون الاثر، بيروت، مؤسسه عزالدين للطباعة والنشر 1406 ق.
8. ابن شهر آشوب، محمد بن على، مناقب آل ابي طالب، نجف، مطبعه الحيدريه، 1376 ق.
9. ابن قتيبه، عبدالله بن مسلم المعارف، تحقيق ثروت عكاشه، مصر، دار المعارف، 1969 م.
10. ابن هشام، السيره النبويه ، تحقيق محمد محيى الدين عبدالحميد، قاهره، مكتبه محمد على صبيح و اولاده، 1383 ق.
11. ابو نعيم الاصبهاني، احمد بن عبد الله ، دلائل النبوه، تحقيق محمد رواس حلب، بي نا، 1970 م.
12. اربلى، ابن ابي الفتح ، كشف الغمه ، بيروت، دار الاضواء، بي تا.
13. آلوسى، شهاب الدين محمود روح المعاني في تفسير القرآن و السبع المثاني

14. بخارى، محمد بن اسماعيل صحيح بخارى، بيروت، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، 1401 ق.
15. بكرى، ابي عبيدالله بن عبد العزيز، معجم من استعجم من أسماء البلاد و الواضع، تحقيق: مصطفى السقا، قاهره بي نا، 1949 م.
16. بلاذرى، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، تحقيق محمدباقر محمودى، بيروت ، 1974 م .
17. بيهقى، ابوبكر احمد بن الحسين ، السنن الكبرى، بيروت، دارالفكر، بي تا.
18. ترمذى، محمد بن عيسى ، سنن الترمذى، قاهره، نشر محمد عبدالمحسن الكتبي، بي تا.
19. شرهانى، حسين على ، السیده خديجه بنت خويلد من المهد الى اللحد، بيروت، دارالبحار و دار و مكتبه الهلال، 2005 م.
20. صالحى الشامى، سبل الهدى و الرشاد، تحقيق شيخ عادل احمد عبد الموجود و شيخ على محمد معوض، بيروت، دارالكتب العلميه، 1414 ق.
21. طبرى، محب الدين السمط الثمين في مناقب امهات المومنين تحقيق شيخ على عبدالعال الطهطاوى، بيروت، دارالكتب العلميه، 2005 م.
22. طبرى، محمد بن جرير، تاريخ الرسل و الملوك ، تحقيق محمد ابوالفضل ، ابراهيم، مصر، دار المعارف، 1968 م.
23. فاسى، تقى الدين محمد بن احمد شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، بيروت، دارالكتب العربيه، بيروت 1956 م.
24. فاضل، جواد، معصوم سوم فاطمه الزهرا عليها السلام، تهران، مؤسسه علمى، بي تا.
25. مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، تحقيق عبد الرحيم الربانى الشيرازى بيروت، دار احياء التراث العربى، 1403 ق.
26. مسلم مسلم بن حجاج نيشابورى، صحيح مسلم، بيروت، دارالفكر، بي تا.

27. مصعب الزبيري، ابو عبد الله المصعب بن عبد الله ، نسب قريش مصر دار المعارف، 1953 م.

28. مقرزي، امتاع الاسماع بمال الرسول من الابناء و الاموال و الحفده و الامتاع، تصحيح محمود محمد شاکر قاهره بی نا، 1941 م.

29. نجاح الطايبي ازواج النبي و بناته ، بيروت (لندن)، دارالهدى لاحياء التراث، 1422 ق.

30. واقدی، محمد بن عمر ، تحقيق ، مدرسن جونس، قاهره، دار المعارف، 1964 م.

31. هيثمى نورالدين على بن ابى بكر مجمع الزوائد و منبع الفوائد ، بيروت، دار الكتب العلميه، 1408 ق.

32. يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب، تاريخ يعقوبى، بيروت، دار صادر، بی تا.

ص: 250

*فداکاری های مالی حضرت خدیجه علیها السلام: فرمان علی سعیدی (1)

چکیده

عوامل و اسباب متعددی در رشد و پیشرفت دین مبین اسلام وجود داشته از جمله جناب حضرت خدیجه علیها السلام چون آن حضرت با فداکاری های، مختلف در زمینه های گوناگون از جمله اقتصادی و، مالی خدمات شایانی به دین اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کرده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در دورانی مبعوث به رسالت شدند که اوضاع مکه بسیار نامناسب بود و آن حضرت با مشکلات عدیده ای رویه رو بودند. در چنین دورانی این بانوی والا مقام مایه آرامش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دوران خفقان بود. حضرت خدیجه علیها السلام با فداکاری های، مالی نقش زیادی در گسترش اسلام ایفا نمودند. این مقاله به نقش ایشان در زمینه مالی و اقتصادی می پردازد.

واژگان کلیدی

پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت خدیجه علیها السلام، مال و دارایی، همسر فداکار، اسلام.

مقدمه

حضرت خدیجه علیها السلام از زنان برجسته در تاریخ اسلام به شمار می آید. ایشان اولین کسی بود که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایمان آورد این بانوی بزرگوار خدمات ارزنده ای برای اسلام انجام داد. او زمانی به داد اسلام رسید که پیامبر صلی الله علیه و آله روزگار

ص: 251

سختی را پشت سر می گذاشتند و کفار قریش انواع و اقسام آزار و شکنجه ها را بر آن حضرت وارد می ساختند در چنین اوضاعی خدیجه تنها مونس و یاور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود؛ زیرا در آن زمان یکی از تاجران و صاحبان ثروت فراوان بود و از طریق ثروت خویش به رشد اسلام کمک کرد این مقاله درباره فداکاری مالی حضرت خدیجه بحث خواهد کرد.

زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام

قبل از این که وارد بحث اصلی شویم، زندگانی و شرح حال این بانوایی بزرگوار را به طور اختصار بیان می کنیم.

خدیجه از پدر و مادری قریشی زاده شد. پدرش خویلد فرزند اسد بن عبدالعزی بن قصی بن کلاب بود و مادرش فاطمه بنت عامر بنت زانده بن اصمبن رواحه بن حجر بن معیص بن عامر بن لوی (1)

حضرت خدیجه علیها السلام در دوران سیاه جاهلیت و قحطی انسانیت، از زنان برجسته و ممتاز و صاحب کمال عصر خویش بود (2) او به دلیل عصمت و پرهیزگاری فوق العاده اش به «طاهره قریش» مشهور شد (3) و به جهت شأن و جایگاه رفیعش به «کبری» ملقب گردید (4) و چون در فضایل و کرامات انسانی سرآمد زنان عصر خویش بود به او «سیده نساء قریش» می گفتند وی به دلیل سبقت در پذیرش اسلام و حمایت های همه جانبه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ایثار اموال و دارایی های خود در راه اسلام و ده ها فضیلت دیگر، از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله، به لقب «سیده نساء العالمین» مفتخر شد (5)

پیامبر هیچ گاه نام و یاد حضرت خدیجه علیها السلام را از نظر دور نداشتند، تا آن جا

ص: 252

1- ابن اسحاق، السیر و المغازی، ترجمه، رضیع الدین، 1360 ش

2- عبد الرضا عرب، تصویر خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله در دائره المعارف اسلام، 1387.

3- ابن سعد، طبقات الکبری، ج 8، 1321 ق

4- ابن اثیر، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، 1998 م

5- الاستیعاب، ج 4، ص 383

که عایشه گفته است:

رسول خدا هیچ گاه از منزل خارج نشد مگر آن که از حضرت خدیجه علیها السلام یاد می کرد و او را به نیکی می ستود جملات آن حضرت چنین بود: «او محبوبه من بود»؛ «محبت خدیجه رزق من بود. او صدیقه اَمّت من بود». و... (1)

هم چنین فرمودند:

خیر النساء العالمین اربع؛ مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و اله (2)

با مطالعه زندگی پر بار حضرت خدیجه علیها السلام این نکته به دست می آید که وی از جهات عدیده ای چون بذل مال و داشتن علم، عبادت، معرفت، صبر، شکیبایی حضانّت، اولاد تدبیر منزل و حسن شوهرداری بر آسیه و مریم برتری داشت.

او «ام المؤمنین» بود و در پذیرش اسلام تقدم داشت و یار غم خوار و پشتیبان پیامبر صلی الله علیه و آله و صاحب قدر و شرف و منزلت بود.

محمد بن اسحاق گوید:

خدیجه دختر خویلد زنی، تاجر، صاحب شرف و مال دار بود و مال خود را از راه مضاربه به مردم می داد و تجارت می کرد و بخشی از سود آن مال را به معامله کنندگان می داد قریش جماعتی از اهل تجارت بودند، پس چون به خدیجه رسانیدند که پیامبر صلی الله علیه و آله مردی است راست گو، امانت دار و دارای اخلاق نیکو کسی را نزد آن حضرت فرستاد و به او عرض کرد که چیزی از مال خدیجه بستاند و با آن به جانب شام تجارت نماید و به وی بیش تر از تاجران سود دهد و غلام خودش میسر را همراه او کند

و جنبادی به اسناد خود از ابن شهاب و او از زهری روایت کرده که چون پیامبر صلی الله علیه و آله به حد بلوغ رسید و او را چندان مال نبود، خدیجه دختر

ص: 253

1- البدایه والنهایه، ج 2، ص 74؛ تاریخ مدینه دمشق، ج 7، ص 118؛ ینابیع الموده، ج 2، ص 50.

2- ذبیخ الله محلاتی، ریاحین الشریعه، 1373

خویند پارهای مال به آن حضرت داد و...

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به اصحاب فرمودند:

آیا خیر کنم شما را به بهترین مردمان از روی جد و جده؟ گفتند: بلی یا رسول الله. فرمود حسن و حسین که جد ایشان رسول الله است و جده شان خدیجه بنت خویند. (1)

«كان أول من أسلم خديجة بنت خويلد من النساء، وعلی بن أبي طالب من الرجال» (2)

ابن عباس گویند:

رسول خدا چهار خط کشیدند سپس فرمودند: «بهترین زنان بهشتی مریم دختر عمران است و خدیجه علیها السلام دختر خویند و فاطمه دختر محمد و آسیه دختر مزاحم زن فرعون» (3)

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ كَيْفَ كَانَتْ وِلَادَةُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَالَ نَعَمْ إِنَّ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا رِضْوَانُ اللَّهِ لَمَّا تَزَوَّجَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَجَرْتَهَا نِسْوَةً مَكَّةَ فَكَانَ لَا يَدْخُلُنَّ عَلَيْهَا وَلا يَسَّ لِمَنْ عَلَيْهَا وَلا يَتْرُكَنَّ امْرَأَةً تَدْخُلُ عَلَيْهَا فَاسَّ مَوْحَشَتْ خَدِيجَةَ مِنْ ذَلِكَ فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ صَارَتْ تُحَدِّثُهَا فِي بَطْنِهَا وَتُصَبِّرُهَا وَكَانَتْ خَدِيجَةَ تَكْتُمُ ذَلِكَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاسْلَمَ فَادْخَلَ يَوْمًا وَسَمِعَ خَدِيجَةَ تُحَدِّثُ فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهَا يَا خَدِيجَةَ مَنْ يُحَدِّثُكَ قَالَتِ الْجَنِينُ الَّذِي فِي بَطْنِي يُحَدِّثُنِي وَ يُؤْنِسُنِي فَقَالَ لَهَا هَذَا جَبْرَائِيلُ بَيَّسَّرُنِي أَنَّهَا أَنْثَى وَ أَنَّهَا النَّسَمَةُ الطَّاهِرَةُ الْمَيْمُونَةُ وَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أُمَّةً فِي الْأُمَّةِ يَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِهِ (4)

خانه او دو علامت داشت اول قبه سبزی که بر بام آن بود؛ دوم آمد و شد و

ص: 254

1- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة، 1410 ه.

2- الیعقوبی فی التاریخ، ج2، ص 17.

3- الخصال، ج 1 ص 226

4- زندگانی حضرت زهرا (ترجمه جلد 34 بحار الأنوار) ترجمه روحانی، ج 11، ص 3؛ بحار الأنوار، ج 61 ص 87-88

ازدحامی که در راه خانه وی به چشم می خورد و خدیجه هر ساعت از روز یا شب فقرا و ستم دیدگان را در خانه خود می پذیرفت؛ مهربانی می کرد؛ با آن ها سخن می گفت و به درد دل آنان گوش می سپرد دست نوازش به سر و صورت فرزندان یتیم می کشید و اشک چشم مادران را می سترد. سپس غلامش (میسره) را می خواند تا کیسه های پول را بیاورد و سپس در میان مستمندان تقسیم می کرد. (1)

حضرت خدیجه علیها السلام جزو اولین ها

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در مورد فضایل حضرت خدیجه علیها السلام می فرماید:

او اولین زنی بود که پیامبر خدا را تصدیق کرد نخستین زنی بود که در مکه با رسول خدا نماز به جماعت خواند؛ اولین زنی بود که دشمن را از رسول خدا دفع می کرد نخستین زنی بود که تمامی اموال خود را به رسول خدا بخشید و نیز در اسلام اول زنی بود که ایمانش به حد کمال رسید.

حضرت خدیجه علیها السلام در زمان خود به القابی چون «سیده قریش» و «مادر یتیمان» معروف بود. طبق احادیث شیعه و سنی معروفیت وی در زمان خود تنها به دلیل ثروت زیاد نبود بلکه در علوم و اطلاع از کتب روایت معروف بود و به عقل و کیاست مزیت تام داشت است؛ بدین لحاظ او را «طاهره مبارکه» یا «سیده نسوان» نیز نامیدند. (2) این زن والا مقام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله نیز تکیه گاهی برای محرومان و پناهی برای یتیمان بود به همین جهت نیاز تهی دست را برآورده می نمود و گرسنه را اطعام می کرد، برهنه را می پوشاند. وی در اخلاق و نسبت و ثروت میان قوم خود و همگنانش منحصر بود. (3) هر پدری تلاش می کرد تا لقمه نانی برای رفع گرسنگی خانواده اش کسب کند یا زنی پس از مرگ شوهر بی پناه می ماند و در یک کلام هر رنج دیده ای، راه خانه خدیجه

ص: 255

1- خدیجه کبری علیها السلام و فاطمه زهرا علیها السلام، ص 96 و 07

2- هاشم معروف الحسنى، خدیجه کبری و فاطمه علیها السلام، چاپ اول، 5831

3- علی محمد دخیل، خدیجه علیها السلام ص 13.

را پیش می‌گرفت و از جود و سخای وی مدد می‌جست و این زن گران قدر با اکسیر مهر و عطوفت خود، زخم‌های جسم و جان مجروحان را مرهم می‌نهاد. لذا القابی چون «طاهره» و «مادر یتیمان» شایسته وی بود. (1)

کمک مالی حضرت خدیجه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

وضعیت مالی پیامبر صلی الله علیه و آله خوب، نبود به همین جهت حضرت خدیجه ایشان را برای انجام دادن کارهای تجاری به استخدام گرفت و از این طریق از ایشان حمایت نمود روایات متعددی درباره کارکردن آن حضرت در کاروان تجاری خدیجه وجود دارد؛ از جمله زهری می‌گوید:

وقتی رسول خدا که به سن بلوغ رسیدند، مال زیادی نداشتند، خدیجه دختر خویند ایشان را اجیر کرد و برای تجارت به بازار (حباشه) فرستاد (2)

فداکاری مالی حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام اموال خود را برای گسترش دین اسلام و جذب افراد به این آیین نجات بخش در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله، قرار داد بعد از هجرت مسلمانان به حبشه، قریش عرصه را بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و یاران، ایشان، تنگ نمودند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اصحابش برای در امان ماندن از شر، قریش به شعب ابوطالب رفتند. در این زمان خدیجه هم همراه مسلمانان به شعب رفت و در کنار مسلمانان انواع سختی‌ها را تحمل کرد و اموالش را در این سال‌ها در اختیار مسلمانان قرار داد. (3) او تمام اموال و مایملک خود را به پیامبر هبه کرد (4) این فداکاری مالی باعث پیشبرد اهداف عالی اسلام شد.

یکی از ویژگی‌های حضرت خدیجه علیها السلام این بود که بر اثر تدبیر و کوشش در

ص: 256

1- ثریا مکنون و مریم صانع، پور بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام، ص 09

2- طبری، التاریخ، ج 2، ص 124

3- عبد المنعم الهاشمی، أم المؤمنین خدیجه بنت خویلد، ص 88

4- السید نبیل الحسنی، خدیجه بنت خویلد امه جمعت فی امره، ج 1.1 2331 ق

تجارت و امور اقتصادی از ثروتمندان بی نظیر عصر خود بود. او در راه تحقق آرمان های آرمان های، اسلام همه ثروت خود را انفاق کرد ثروت خدیجه علیها السلام برای پیشبرد اسلام، بسیار مفید و مهم بود تا آن جا که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

هیچ ثروتی هرگز مرا آن گونه سود بخشید که ثروت خدیجه علیها السلام به من سود بخشید (1)

محدثان و تاریخ نویسان، عوامل ثروت فراوان او را چنین تبیین کرده اند:

او زنی هوشمند بود. علاوه بر این که خود ثروتی کلان داشت پس از فوت دو شوهرش (البته این مسأله یعنی ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله مورد اختلاف است) از ناحیه آن ها نیزارث هنگفتی به او رسید. او آن ثروت ها را راکد نگذاشت بلکه با تدبیر ویژه ای ثروت خود را به ثروتمندان سرشناس مختلف به عنوان مضاربه داد. از سوی دیگر، بردگان بسیار او در حرکت کاروان ها و کارهای تجارتنی نقش کارآمدی داشتند. همه این ها باعث شد که روزبه روز بر ثروت خدیجه علیها السلام افزوده شود به طوری که هشتاد هزار شتر در کاروان های متعدد اموال تجاری او را به مراکز اقتصادی جهان آن روز از، یمن، مصر، شام، طائف، عراق، بحرین عمان حبشه، فلسطین و... حمل و نقل می نمودند.

تاریخ نویسان مظاهر ثروت خدیجه علیها السلام را در سه مورد خلاصه کرده اند:

1. هشتاد هزار، شتر اموال تجارتنی او را به اطراف و اکناف جزیره العرب و خارج از آن مانند مصر، حبشه، روم، شام و... حمل و نقل می کردند.

2. بارگاهی از حریر سبز با طناب های ابریشم بر بام خانه با شکوهش بر افراشته بود و در آن جا از زن و مرد پذیرایی می شد و او به زبردستان کمک های شایان می نمود.

3. چهار صد غلام و کنیز امور زندگی او را رسیدگی و سرپرستی می کردند و دستگاه عریض و طویل زندگی خدیجه علیها السلام را اداره می نمودند. (2)

ص: 257

1- طبرسی، فضل بن حسن، قم: مؤسسه آل بیت لاحیاء التراث، چاپ اول 7141 ه.

2- محمد محمدی اشتهاردی، حضرت خدیجه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله اسطوره ایثار و مقاومت، ص 43-53.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرزندی از خدیجه جز حضرت فاطمه علیها السلام نداشتند که بر سرشت و فطرت اسلام به دنیا آمده باشد پس از بعثت خداوند فقط فاطمه را به ایشان داد و بقیه فرزندان آن حضرت از خدیجه پیش از بعثت به دنیا آمده بودند.

مسلمان شدن زید بن حارثه در کنار امام علی علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام

زید بن حارثه سومین فردی بود که به اسلام گروید. (1) او اهل یمن بود که در عصر جاهلیت او را به مکه آوردند و در بازار عکاظ به عنوان برده در معرض فروش قرار دادند. حکیم بن حزام (برادرزاده خدیجه علیها السلام) مدتی قبل از بعثت او را برای خدیجه علیها السلام خرید؛ سپس خدیجه علیها السلام او را به پیامبر صلی الله علیه و آله بخشید. هنگامی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله به مقام نبوت رسیدند، زید را به اسلام دعوت کردند او بی درنگ دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله را پذیرفت و مسلمان شد. مطابق بعضی از روایات پیامبر صلی الله علیه و آله که در بازار عکاظ برای خدیجه علیها السلام تجارت می کردند، او را که مردی زرنگ و چابک، بود برای خدیجه علیها السلام، خریدند، سپس خدیجه علیها السلام او را به آن حضرت بخشید و حضرت او را آزاد کردند. (2)

خدیجه یک سال پیش از هجرت از دنیا رفت و ابوطالب نیز در همان سال درگذشت با رفتن این دو نفر رسول خدا صلی الله علیه و آله از ماندن در مکه دلتنگ شدند و اندوه سختی ایشان را فرا گرفت و از کفار قریش بر جان خویش بیمناک شدند. از این رو به جبرئیل شکایت کردند پس خدای عزوجل به ایشان وحی فرمود: «از این سرزمینی که مردمش ستم کارند بیرون شو و به مدینه هجرت کن که در مکه یآوری برایت نمانده و در صدد جنگ با مشرکان باش.» (3)

نیز گفته اند: کنیه زید ابواسامه بود. وی اصلاً عرب به شمار می آمد و در غارتی که در زمان جاهلیت رخ داد، در هشت سالگی اسیر شد. خدیجه او را خرید و به بخشید و حضرت او را آزاد کرد و به فرزندی گرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان اسلام،

ص: 258

1- نورالحسینی، المرعشی، احقاق الحق وازهاق الباطل

2- اسد الغابه، ج 2، ص 522؛ مجمع البیان، ج 8، ص 633.

3- کلینی، محمد بن یعقوب، الروضة من الکافی، 4631 ش

میان او و حمزه برادری برقرار کرد و هنگامی که اسیر شد، پدرش شراحیل سخت ناراحت بود. بعد از این که خبر یافت خدیجه او را خریده، با برادرش به مکه آمد و بر پیغمبر صلی الله علیه و اله وارد شدند. او از حضرت درخواست کرد که فدیة بگیرد و زید را آزاد کند. پیامبر صلی الله علیه و آله در جواب فرمود: «من او را آزاد می گذارم هر کجا که خود می خواهد برود و هر کس را که خود می خواهد اختیار کند». سپس او را طلبیدند و فرمودند: «اینان را می شناسی؟» زید گفت: «آری، این پدر من است و آن دیگر عمویم». حضرت فرمودند: «از میان ما سه تن هر کس را می خواهی اختیار کن!» زید گفت: «من جز شما را نمی خواهم!» فرمود: «آیا برده بودن را بر آزادی و پدر و عمویت ترجیح می دهی؟» گفت: «آری» و به پدر و عمویش گفت: «من از این مرد چیزی دیده ام که ممکن نیست کسی را بر او ترجیح دهم!» پدر و عمویش مأیوس شدند. پس از آن پیامبر صلی الله علیه و آله زید را به حجر اسماعیل بردند و فرمودند: «ای حاضران! به شما اعلام می کنم که زید پسر خوانده من شد و از من ارث می برد و من نیز از وی ارث می برم». چون پدر و عموی زید این عمل پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدند خوشحال شدند و رفتند (1).

ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

حضرت خدیجه علیها السلام پس از مرگ همسر دوم علی رغم داشتن خواستگاران فراوان از اشراف و ثروتمندان همواره از ازدواج سرباز می زد تا این که از طریق علمای یهود به وجود مهر نوبت در بین دو کتف رسول خدا صلی الله علیه و آله آگاه شد و شیفته حضرتش گردید. سرانجام روزی ابوطالب به پیامبر صلی الله علیه و آله پیشنهاد کرد که مالی برای مضاربه از خدیجه دریافت نماید تا با آن تجارت کند پیامبر صلی الله علیه و آله نیز پذیرفتند و پس از بستن قرارداد با خدیجه عازم سفر بازرگانی شدند در پایان سفر، «میسره» غلام، خدیجه از ویژگی های پیامبر گفت و بر شیفتگی وی افزود (2).

ص: 259

1- صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین، عیون اخبار الرضا علیه السلام، 1931 ش

2- عمر رضا کحاله، اعلام النساء، ج 1، ص 723

سیده قریش لحظه ای از فکر پیامبر صلی الله علیه و آله فارغ نشد و عشق ملکوتی وی به آن حضرت، آتش بر خرمن هستی او می زد. سرانجام به درخواست خواستگاران ثروتمندی چون عقبه بن ابی معیط، ابوجهل و صلت بن ابی ایهاب به دلیل این که گمراه بودند پاسخ رد داد و همسری حبیب خدا را پذیرفت که از مال دنیا چیزی نداشت. سپس ورقه پسر عموی خدیجه بزرگان عرب و صنایع قریش را بر در کعبه جمع کرد و گفت: «ای بزرگان قریش! آیا خدیجه را چگونه شناخته اید» گفتند: «در عرب و عجم نظیر او را نمی توان یافت». گفت: «رواست که بی شوهر زندگی کند؟» گفتند: «ملوک جهان طالب اویند، اما او حاضر نیست مخطوبه کسی گردد». ورقه گفت: «حال او مایل است با یکی از سادات قریش ازدواج نماید. بنابراین فردا برای این امر مبارک در خانه وی جمع شوید».

پیوندی که به بشریت انجامید

خانه خدیجه به بهترین شکل برای مراسم ازدواج آراسته شده بود. پیامبر و خدیجه در کنار یک دیگر نشستند و ورقه عمرو بن اسد رئیس قبیله و ابوطالب شاهد مراسم عقد بودند (1)

سرور کائنات حضرت محمد صلی الله علیه و آله در عظمت و شأن خدیجه می فرمایند:

خدیجه علیها السلام سابقة نساء العالمین إلى الإیمان بالله و بمحمد؛ (2)

خدیجه سبقت گیرنده زنان جهانیان در ایمان به خدا و محمد است.

و نیز فرمودند:

اسلام جز به شمشیر علی علیه السلام و دارایی خدیجه استواری نیافت.

این زن والا آن چنان در تمامی ابعاد وجود برجسته بود که شخصیتی چون پیامبر صلی الله علیه و آله قطب عالم امکان به شایستگی در کنار وی به آرامش دست یافتند و تا هنگامی که او در قید حیات بود همسر دیگری اختیار نکردند و پس از

ص: 260

1- محمد علی بحر العلوم، زنان صدر اسلام، ص 111

2- المستدرک، ج 3، ص 81

خدا هرگز زنی بهتر از خدیجه برای من جایگزین نکرد. او روزی به من ایمان آورد که دیگران مرا تکذیب می کردند و روزی ثروت خود را به پای من ریخت که دیگران ثروت شان را از من منع می نمودند. (1)

خدیجه بهترین مصداق کلام (وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ) (2) بود که با تمامی امکانات اعم از مادی و معنوی از پیامبر حمایت نمود و بهترین تسلی بخش همسرش در برابر ستم و دشمنی کفار بود. هنگامی که مشرکان به قصد جان پیامبر صلی الله علیه و آله خانه ایشان را سنگ باران می کردند خدیجه علیها السلام به اتفاق امیر مؤمنان علی علیه السلام خویشتن را سپر آن حضرت می کردند و عاقبت خدیجه گفت: «ای مردم قریش! شرمنده نمی شوید که خانه زنی را سنگ باران می کنید که نجیب ترین قوم شماست و از خدا نمی ترسید؟» سپس مشرکان به خانه های خویش بازگشتند.

در کتاب عقيله الوحي آمده:

ایمان خدیجه در تقویت اسلام بسیار مؤثر بود این زن از همه به پیامبر مهر نزدیک تر و محرم اسرار ایشان بود در زمانی که قریش از آداب و سنن جاهلی خود در مقابل دین حق دفاع می کردند، خدیجه عامل مؤثری در پایداری رسول خدا صلی الله علیه و آله بود همواره دل داری تسلی بخش خدیجه موجب می شد که پیامبر صلی الله علیه و آله غم های خود را فراموش کند.

فداکاری مالی حضرت خدیجه علیها السلام در شعب ابی طالب

یکی از فصول در خشان زندگی پربار خدیجه کبری، نقش وی در محاصره اقتصادی شعب ابی طالب بود:

خدیجه علیها السلام تمامی دارایی خود را به شعب نشینان بخشید و این چنین بود

ص: 261

1- خدیجه کبری و فاطمه زهرا علیهما السلام، ص 38

2- سوره روم، آیه 12

که حکیم بن حزام بن خویلد به اسم عمه خود خدیجه برای شعب نشینان گندم می برد مسلمانان سه سال زندگی وحشت بار را در این حصار پشت سر نهادند اگر ثروت خدیجه نبود از گرسنگی جان می دادند. او از روی صفا و سخاوت، تمامی دارایی خود را نثار دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله نمود تا این که خداوند گشایشی در کار آنان پیش آورد. (1)

خدیجه پس از ازدواج با پیامبر تمام دارایی اش را به ایشان بخشید (2) و کارهای تجاری را نیز به حضرت سپرد؛ حتی غلامان (مانند مسیره) و کنیزان خود را آزاد کرد. حلیمه سعدیه دایه حضرت رسول در ایام خشک سالی به منزل ایشان آمد. خدیجه برای تشکر از زحماتش وی را بسیار احترام کرد و چهل گوسفند و یک شتر نیز به او هدیه داد، ثوبیه کنیز ابولهب، (نخستین دایه پیامبر) نیز با آنان در ارتباط بود خدیجه حتی برای جبران خدمت وی و کسب رضایت پیامبر بارها تلاش کرد تا او را از ابولهب بخرد و آزاد کند، ولی موفق نشد. (3)

در مرحله دعوت علنی، هر گاه پیامبر صلی الله علیه و آله قریش را به اسلام و راه حق دعوت می فرمودند و آنان با بی توجهی، حضرت را مسخره می کردند، خدیجه با سخنان مهرآمیزش ایشان را دلداری می داد. به نظر عده ای از مفسران، آیه هشت سوره ضحی: «ای پیامبر! آیا تو را نیازمند نیافت پس بی نیاز و توان گر ساخت»، به این حمایت های مالی خدیجه اشاره دارد. (4)

اندک زمانی پس از شکست محاصره، اقتصادی خدیجه علیها السلام در 65 سالگی در رمضان سال دهم بعثت به فاصله سه روز بعد از وفات ابو طالب در گذشت. (5)

ص: 262

1- اعلام النساء، همان، ج 1، ص 133

2- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج 61، ص 17

3- بلاذری، ج 1، ص 801-901 و ابن حجر عسقلانی، الإصابة فی تمییز الصابه.

4- فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، قم: چاپ اول، 7141

5- غلام علی حداد عادل دانشنامه جهان اسلام، ج 51، ص 442-542

وضعیت محیطی مکه و اطراف آن به گونه ای بود که اگر کسی اظهار اسلام می کرد با مرگ مواجه می شد بر همین اساس پیامبر صلی الله علیه و آله همراه علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام و بعضی دیگر سه سال اسلام خود را پنهان نمودند و در تقیه به سر می بردند تا هنگامی که آیات 94 و 95 سوره حجر در مورد آشکار نمودن اسلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

(مَا أَجَابَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَحَدٌ قَبْلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَخَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ لَقَدْ مَكَثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِمَكَّةَ ثَلَاثَ سِنِينَ مُخْتَفِيًا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ وَيَخَافُ قَوْمَهُ وَ النَّاسَ).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سه سال در مکه به طور پنهان می زیست و علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام با او بودند و اسلام خود را پنهان می نمودند و به شدت تقیه می کردند (1)

این فرمایش نیز بیان گر ایثار و مقاومت استوار حضرت خدیجه علیها السلام است؛ بانویی که به خاطر اسلام از همه شئون دنیا دست کشید و حاضر شد سه سال (یا پنج سال) در سخت ترین وضعیت در خفا زندگی کند و رنج ها و تلخی های تنهایی و احساس خطر شدید را تحمل نماید به راستی چه ایثار و مقاومتی بالاتر از این! (2)

هم چنین درباره ایشان فرموده اند:

(وَ كَانَتْ خَدِيجَةُ وَزِيرَةَ صِدْقٍ عَلَى الْإِسْلَامِ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَسْكُنُ إِلَيْهَا)؛

خدیجه علیها السلام وزیر راستین اسلام بود و پیامبر صلی الله علیه و آله به وسیله (یاری ها و محبت های) او آرامش و تسلی خاطر می یافت.

ص: 263

1- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، 5241 ق

2- کتانی سلیمان، فاطمه الزهراء و ترفی محمد، چاپ اول 2331 ق

حضرت خدیجه علیها السلام از ثروتمندترین اشخاص در جزیره العرب بود. این بانوی والا مقام تمام ثروتش را برای گسترش اسلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داد؛ چنان که آن حضرت می فرمود:

(مَا نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مَا نَفَعَنِي مَالُ خَدِيجَةَ)؛

هیچ مالی هرگز به من سود نبخشید آن گونه که ثروت خدیجه علیها السلام به من سود بخشید

به طور خلاصه اموال حضرت خدیجه در این موارد صرف می شد:

1. پیامبر صلی الله علیه و آله از اموال خدیجه علیها السلام بدهکاران را از قید بدهکاری آزاد می کردند و به تهیدستان کمک می نمودند، به بینوایان و یتیمان رسیدگی می فرمودند، مسلمانانی که از مکه به مدینه هجرت می نمودند، مشرکان اموال آن ها را مصادره می کردند پیامبر صلی الله علیه و آله از اموال خدیجه علیها السلام به آن ها کمک می فرمود تا خود را به مدینه برسانند. پیامبر صلی الله علیه و آله هر گونه صلاح می دانستند، از اموال استفاده می نمودند.

2. همان گونه که گفته شد، حلیمه سعدیه روزی به مکه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و از قحطی و خشکسالی آن سال شکایت کرد پیامبر صلی الله علیه و آله این موضوع را با خدیجه علیها السلام در میان گذاشتند، خدیجه علیها السلام چهل گوسفند و شتر به حلیمه بخشید. او با شادمانی به سوی خاندانش بازگشت، سپس بعد از طلوع اسلام، حلیمه و شوهرش به مکه آمدند و مسلمان شدند.

3. در آستانه ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام، وقتی ورقه بن نوفل سخن از فقر پیامبر صلی الله علیه و آله به میان آورد، خدیجه علیها السلام گفت: «اگر مال او اندک است، مال من بسیار است» و شعری خواند که مصرع دومش این است: «ثروت در برابر او جز مثل گرفتن ناخن ها نیست»؛ یعنی ثروتم را از خود جدا کردم و همه را در اختیار او قرار دادم. لذا آن حضرت در مصرف آن اختیار تام داشتند.

4. در محاصره شعب ابی طالب بر اساس روایات ابوطالب و خدیجه همه

اموال خود را برای حفظ اسلام و محاصره شدگان، انفاق نمودند.

طبق برخی از روایات در ماجرای محاصره از اموال خدیجه علیها السلام دیگر چیزی باقی نماند و خدیجه گفت: «چیزی جز دو پوست باقی نمانده و هنگام استراحت یکی را زیرانداز و دیگری را روانداز خود قرار می دهیم».

لذا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

اسلام جزبه شمشیر علی علیه السلام و ثروت خدیجه علیها السلام بر پا نشد.

آری بیش تر ثروت خدیجه علیها السلام در دوران محاصره به مصرف رسید؛ زیرا عرصه بر بنی هاشم و پیامبر صلی الله علیه و آله در شعب ابی طالب، بسیار تنگ شد. در این مدت ابوالعاص بن ربیع داماد خدیجه علیها السلام شترهایی را می آورد و با آن ها گندم و خرما حمل می کرد و با زحمت و خطر زیاد آن ها را به بنی هاشم می رسانید. محاصره شدگان شعب، هیچ گونه طعامی نداشتند و مصارف سه ساله آن ها از اموال خدیجه علیها السلام بود خدیجه علیها السلام با کمال ایثار و مقاومت از جان پیامبر صلی الله علیه و آله و بنی هاشم محافظت می کرد و دارایی اش را فدای آنان نمود.

آری چنین ایثاری بود که انفاق خدیجه علیها السلام را در پیشبرد اسلام با شمشیر امام علی علیه السلام برابر ساخت؛ همان شمشیری که طبق فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله یک ضربه آن در روز جنگ خندق بهتر از عبادت جن و انس معرفی شد. چنان که جهاد با مال در آیات متعددی از قرآن (مانند آیات 11 صف، 95 نساء، 44 و 81 و 88 توبه و 72 انفال) با جهاد با جان هم طراز قرار داده شده است.

بر همین اساس علامه مامقانی نویسنده رجال تنقیح المقال می نویسد:

همین افتخار و شرافت که برترین افتخار و شرافت است برای خدیجه علیها السلام بس که آیین اسلام پا نگرفت و کمر راست نکرد مگر با ثروت خدیجه علیها السلام و شمشیر علی علیه السلام، چنان که این مطلب به طور متواتر نقل شده است.

5. با بررسی روایات به این نتیجه می رسیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خدیجه علیها السلام ها را در همان موارد هشت گانه ای که در مورد مصرف زکات در آیه 60

ص: 265

سوره توبه آمده، به مصرف رسانیدند که عبارتند از: فقیران، تهی‌دستان، کارکنان جمع‌آوری زکات جلب محبت مخالفان آزادی‌برندگان، ادای دین بدهکاران، تقویت آیین خدا و در راه ماندگان

نتیجه

حضرت خدیجه علیها السلام از زنان برجسته عالم به شمار می‌آید. ایشان اولین کسی بود که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایمان آورد و در دوران رسالت، مؤنس و یار و مددکار پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

او در اوضاع بحرانی و سخت، شوهرش را تنها نگذاشت بلکه با تمام توان از حضرت دفاع نمود حمایت خدیجه علیها السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمینه‌های مختلف بود. او نقش برجسته‌ای در گسترش اسلام داشت. با توجه به این که حضرت خدیجه علیها السلام از نظر اقتصادی و مالی ثروتمند بود، تمام دارایی خود را فدای اسلام نمود در موارد مختلفی ثروت و دارایی حضرت خدیجه علیها السلام باعث شد که دین اسلام گسترش یابد.

ص: 266

1. ابن اسحاق، السير و المغازی، ترجمه رضیع الدین، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1360 ش.
2. ابن اثیر، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، چاپ اول، بیروت: دار الفکر، 1998 م.
3. ابن سعد، طبقات الکبری، ج 8، پرفسور الدكتور بروکلمن، لیدن: چاپ اول، 1321 ق.
4. ابن کثیر دمشقی، ابوالفدا، البدایه و النهایه، چاپ اول، بیروت: المکتبه العصریه، 2005 م.
5. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمته، چاپ اول، قم: کتاب فروشی اسلامیہ 1410 ق.
6. ابن حجر عسقلانی، الإصابه فی تمییز الصحابه، بیروت: محمد علی بجاوی، 1412 ق.
7. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، انساب الاشراف، سهیل زگار و ریاض زرکلی چاپ، اول، بیروت: دارالفکر، 1417 ق.
8. ثریا مکنون و مریم صانع، پور بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام، چاپ چهارم قم: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، 1374 ش.
9. حسین علی الشرهانی، السیده بنت خویلد من المهد الی الحد، چاپ اول، بیروت: مکتبه الهلال، 2005 م
10. السید نبیل الحسنی، خدیجه بنت خویلد امه جمعت فی امره، ج 1، چاپ اول بغداد: قسم الشؤون الفکرية والثقافية فی العتبه الحسينیه المقدسه، 1332 ق.
11. شیخ ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه چاپ ششم، قم: دارالکتب الاسلامیه، 1373 ش.
12. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعم، ج 2، چاپ دوم، ناشر: اسلامیہ

13. صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین، عیون اخبار الرضا علیه السلام نجف: المطبعة الحیدریه، 1390 ش.
14. طبرسی، امین الاسلام علی الفضل بن الحسن، سید محسن امین، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، 1995 م.
15. طبری، ابی جعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم والملوک، چاپ دوم، بیروت: دار الکتب العلمیه، 1988 م.
16. عبدالرضا، عرب، تصویر خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله در دائره المعارف اسلام، چاپ اول قم: انتشارات شیعه شناسی، 1387 ش.
17. عبد المنعم، هاشمی، ام المؤمنین خدیجه بنت خویلد، چاپ اول، بیروت: دار و مکتبه هلال، 1421 ق.
18. غلامعلی حداد عادل، دانشنامه جهان اسلام، ج 15، چاپ اول، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، 1390 ش.
19. فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری با اعلام الهدی، قم: چاپ اول، 1417 ق.
20. قندوزی حنفی سلیمان بن ابراهیم ینایع الموده، تحقیق، سید علی جمال اشرف الحسینی تهران: دارالاسوه لطباعه و النشر، 1430 ق.
21. کتانی، سلیمان، فاطمه الزهراء و ترفی محمد، چاپ اول، قم: مجمع العالمی لاهل البیت علیهم السلام، 1332 ق.
22. کلینی، محمد بن یعقوب، الروضة من الکافی، ترجمه رسولی محلاتی چاپ اول، تهران 1364 ش.
23. مجلسی محمد باقر، بحار الانوار، ترجمه، روحانی چاپ ششم قم: دار الکتب الاسلامیه، 1373 ش.
24. محمد محمدی اشتهاردی، حضرت خدیجه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله اسطوره ایثار و مقاومت، چاپ دوم تهران: مؤسسه انتشارات نبوی، 1384 ش.
25. نورالحسینی، المرعشی، احقاق الحق و ازهاق الباطل، چاپ اول، تهران:

کتاب فروشی اسلامیه بی تا.

26. هاشم معروف الحسنی، خدیجه علیها السلام کبری و فاطمه علیهما السلام، مترجم، دکتر علی شیخ الاسلامی، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی 1385 ش .

27. یعقوبی ابی یعقوب جعفر بن وهب ابن واضح تاریخ یعقوبی، تحقیق، عبدالامیر، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، 1413 ق.

ص: 269

*حضرت خدیجه علیها السلام انسان با اراده: قاسم صفری جوادی (1)

مقاله حاضر به شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام با تکیه بر سخنرانی شهید مطهری می پردازد.

شهید مطهری، ضمن این که عده ای از انسان ها را برترین می داند که صاحبان همت عالی هستند؛ آن ها را به دو دسته تقسیم می کند: یک دسته بزرگ و بزرگوار و یک دسته فقط بزرگ؛ ولی هر دو دسته نسبت به بقیه انسان ها هر دو دسته برتر هستند؛ چون از همت و اراده والا برخوردارند. ایشان می فرماید:

بعضی ها اساساً یک داعیه جمع کردن ثروت در وجودشان هست که به کم قانع نیستند این نکته را هم عرض بکنم که گاهی از اوقات، بعضی از افراد بی همت به دلیل این که عرضه ندارند به دلیل این که همت ندارند به دلیل این که مرد نیستند وقتی آدمی را می بینند که دنبال کردن ثروت می رود هی تحقیرش می کنند به او می خندند آیات زهد را می خوانند دم از تقوا می زنند دم از زهد می زنند می خواهند مغالطه بکنند نه آقا او که دنبال جمع کردن ثروت می رود با همان حرص هم می رود با حالت دنیا پرستی می رود از توی ضعیف همت دون همت گدا صفت بالاتر است. (2)

هم چنین درباره مقام و جاه طلبی می فرماید:

ص: 270

1- عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه

2- مرتضی مطهری، گفتارهای معنوی، ص 661.

مگر در این جهت مردم متساوی هستند نه در این که اسکندر مرد بلند همتی بوده می شود شک کرد؟ مردی بود که این داعیه در سرش پیدا شد که تمام دنیا را در زیر مهمیز و فرمان خودش قرار بدهد. اسکندر از یک آدم نوکر صفتی که اساساً حس سیادت و آقایی در او وجود ندارد؛ حس برتری طلبی در او وجود ندارد؛ همت (1) در وجودش نیست خیلی بالاتر است. نادرشاه و امثال او هم همین طور این ها را باید گفت روح های بزرگ (2)

دیکتاتور معروف ایتالیا یک وقتی به یک کسی از دوستانش گفته بود: من ترجیح می دهم که یک سال شیر زندگی کنم تا این که صد سال گوسفند زندگی کنم..... من با این شرط می توانم شیر باشم که مردم گوسفند باشند، اما اگر مردم این جمله را بفهمند آن ها هم می خواهند مثل من موسولینی باشند؛ مثل من شیر باشند. اگر آن ها هم بخواهند مثل من شیر باشند، دیگر من نمی توانم شیر باشم. آن ها باید گوسفند باشند که من شیر باشم». در این بزرگی هست اما بزرگواری نیست (3)

در بخش بزرگواری می فرماید که همت بزرگواران از بزرگان بیش تر است بزرگ فقط دنبال ثروت است اما بزرگوار دنبال ثروت است ولی خود زاهدانه زندگی می کند و ثروت را به دیگران می بخشد. او بی عرضه نیست که تلاش نکند. او اهل تبلی و تن پروری نیست. تلاش می کند اموال فراوان به دست می آورد؛ اما اراده ای بزرگ تر و همتی والاتر و آن را در اختیار دیگران می گذارد. وی در این بخش هم نکات متعددی آورده می گوید:

اما بزرگوار چگونه؟ بزرگوار می خواهد همه مردم شیر باشند؛ یعنی گوسفندی نباشد که دیگری طعمه اش کند. اصلاً می خواهد در زندگی در دنیا وجود نداشته باشد. این معنایش احساس بزرگواریست؛ احساس انسانیت است به تعبیر قرآنی احساس عزت است؛ احساس کرامت

ص: 271

1- در کتاب همتش است که به نظر می رسد اشتباه تایپی می باشد.

2- همان، ص 861

3- همان، ص 2-371.

نفس است که این کلمه کرامت در آثار اسلامی زیاد آمده کرامت همان مفهوم بزرگواری را دارد جمله ای هست از پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم که فرمود (إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ). مکرر گفته ام: گاهی وقت ها در ترجمه فارسی این جمله را غلط ترجمه می کنند می گویند: پیغمبر فرمود که من مبعوث شده ام که اخلاق نیک را تکمیل کنم. نه این ترجمه رسایی نیست پیغمبر بیش تر از این گفت ... من مبعوث شدم که اخلاقی را تکمیل کنم که در آن روح مکرمت است؛ یعنی اخلاق بزرگواری، اخلاق آقایی اما نه آقایی به معنای آن سیادت که بر دیگری مسلط بشوم؛ آقایی ای که روح من آقا باشد و از پستی دنائت دروغ غیبت از تمام صفات رذیله احتراز داشته باشم.

(1)

بعد نمونه هایی از اخلاق بزرگواری از امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام ذکر می کند درباره امام حسین علیه السلام می نویسد:

من یک وقتی کتاب هایی را که کلمات حضرت را نقل کرده اند مطالعه می کردم، دیدم عجیب است! با این که کلمات امام حسین آن قدر زیاد نیست، ولی هیچ مطلبی در کلمات ایشان به اندازه بزرگواری به چشم نمی خورد. اصلاً مثل این که روح حسین، مساوی است با بزرگواری (2).

از مجموعه سخنرانی، ایشان این نکته استفاده می شود که انسانیت انسان به تلاش و کوشش و همت و اراده اش است منتهی این انسانیت، یک موقع در حد اراده است که انسان ها بزرگ می شوند و یک وقت علاوه بر اراده به مراد هم نگاه می شود. هر چه انسان ها در مسیر اراده و مراد پیش روند انسانیت بیش تری دارند

شاید شعر اقبال لاهوری هم در ردیف سخن مرحوم مطهری باشد:

کافر بیدار دل نزد صنم *** به زدین داری که خفته در حرم (3)

ص: 272

1- همان، ص 2-371

2- همان، ص 281

3- کلیات اقبال، ص 534

در بین انسان ها قطعاً انبیا جایگاه ویژه ای داشته اند. آن ها انسان های هدف دار و صاحب اراده و تلاش گر بودند. آنان می خواستند وضع جامعه را بهتر کنند و انسان ها را به عبودیت خداوند (1) و به بر پا داشتن قسط فراخوانند. (2) اساساً انبیا صاحبان اراده ای هستند که باید با فرعون و نمرود و ابوجهل در جامعه در افتند؛ انسان هایی هستند که جامعه را به توحید فرا خوانند و از زشتی باز دارند و اگر این کار صد ها سال طول بکشد هم چنان مقاومت می کنند. (3) آنان در مسیر اهداف بلند خویش از هیچ تلاش فروگذار نمی کنند. البته قرآن بین این انبیا، چند نفر را به عنوان صاحب اراده و عزم معرفی می کند (4)

برخی از نکاتی که قرآن به عنوان ملاک برای عزم داشتن معرفی می فرماید غفران، صبر و تقواست. (5)

قرآن از بین پیامبران صاحب عزم دو نفر را به عنوان الگو معرفی می نماید: یکی حضرت ابراهیم علیه السلام (6) و دیگری پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم (7) پیامبران اولوالعزم هر یک به گونه ای در رسالت خود با مشکلات روبه رو شدند و شاید مشکل ترین آن ها حضرت عیسی علیه السلام باشد چون حضرت نوح علیه السلام با جامعه ای ملحد روبه رو بود که شب و روز آشکار و نهان آن ها را دعوت می کرد ولی ثمره آن گریختن آن ها بود. (8) سپس حضرت ابراهیم علیه السلام که او را از شیعیان نوح علیه السلام معرفی می نماید (9) در عین حال ابراهیم در درون خانه خویش با شرک روبه روست. (10) هم چنین در برابر

ص: 273

- 1- سوره نحل، آیه 63.
- 2- سوره حدید، آیه 52.
- 3- سوره عنکبوت، آیه 41
- 4- سوره احقاف، آیه 53.
- 5- سوره آل عمران، آیه 681؛ سوره، لقمان آیه 71؛ سوره شوری آیه 34
- 6- سوره ممتحنه، آیه 4 و 6.
- 7- سوره احزاب، آیه 12
- 8- سوره نوح، آیه 507 و 8.
- 9- سوره صافات، آیه 38.
- 10- سوره انعام، آیه 47؛ سوره زخرف، آیه 63

حاکم جامعه هم می ایستد (1) تا وقتی که بت ها را ابراهیم در هم می کوبد، جمع می شوند تا او را به آتش در افکنند و ابراهیم را بسوزانند. (2)

حضرت موسی علیه السلام سراغ فرعون آمد تا بنی اسرائیل را نجات دهد (3) او هم تهدید می شود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هم آمدند سراغ کفار قریش تا آن ها را بیم دهند و به توحید خداوند متعال دعوت نمایند که (قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَقْلِحُوا) کار تمام انبیا سخت بود.

زنان صاحب اراده در قرآن

قرآن کریم در کنار مردان و پیامبران صاحب اراده، به معرفی زنان صاحب اراده نیز پرداخته است. در سوره تحریم چهار زن را به عنوان مثل برای کافران و مؤمنان مثال می زند (4) دو نمونه ای که برای مؤمنان ذکر می کند، یکی همسر فرعون است و دیگری حضرت مریم علیها السلام. (5) این دو الگو، اراده خویش را به بهترین وجه نشان دادند همسر فرعون می تواند پاسخ خوبی به بسیاری از بی ارادگی ها در بین ما انسان ها و مدعیان دین داری باشد که در چه موقعیت، سختی راه خویش را انتخاب کرد و اراده قوی داشت و انسان بودن خود را به اثبات رساند که کسی که اراده ندارد فاقد انسانیت است. لذا شاید دلیل نکوهش اکثریت ها توسط قرآن همین بی ارادگی باشد. (6) مهم ترین ویژگی حضرت مریم نیز پاک زیستن او بود قرآن بر طهارت او گواهی می دهد. (7)

ص: 274

-
- 1- سوره بقره، آیه 852.
 - 2- سوره، انبیا آیه 86؛ سوره عنکبوت، آیه 42
 - 3- سوره طه، آیه 42 و 34؛ سوره نازعات، آیه 71
 - 4- آیه درباره کفار به بحث جدا نیاز دارد که ان شاء الله در جایی دیگر به آن پرداخته خواهد شد.
 - 5- سوره تحریم، آیه 11 و 21.
 - 6- سوره بقره، آیه 342، 001؛ سوره اعراف، آیه 71، 781؛ سوره هود آیه 71؛ سوره یوسف، آیه 12، 83، 04، 86، 301؛ سوره رعد، آیه 1؛ سوره نحل آیه 83؛ سوره روم آیه 6، 03؛ سوره سبأ، آیه 82؛ سوره غافر، آیه 75، 95، 16؛ سوره جاثیه، آیه 62؛ سوره مائده، آیه 95، 301؛ سوره انعام، آیه 111، 73.
 - 7- سوره آل عمران، آیه 24

هم چنین در جریان تولد حضرت عیسی علیه السلام رنج های زیادی را تحمل کرد که قرآن اوج این مشکل را نشان می دهد: (قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَّسِيًّا) (1) او نیز الگویی برای همه مؤمنان است که برای پاک زیستن باید سختی های زیادی را تحمل کرد

چهار زن کامل بهشتی

قرآن کریم دو زن را به عنوان مثل برای مؤمنان معرفی می فرماید. در روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برترین زنان بهشتی چهار نفر معرفی می شوند؛ یعنی دو نفر دیگر به نمونه های قرآن اضافه می کردند: یکی حضرت خدیجه علیها السلام و دیگری حضرت زهرا علیها السلام.

(حَطَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْأَرْضِ أَزْبَعَهُ خُطُوطٌ ثُمَّ قَالَ: أَتَدْرُونَ مَا هَذَا؟ قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَآسِيَةُ بِنْتُ مُرَاحِمٍ امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ) (2)

عن عائشه قالت الفاطمة عليها السلام ألا ابشرك أني سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول سيدات الجنة أربع مريم بنت عمران وفاطمة بنت محمد صلى الله عليه وآله وخديجة بنت خويلد وآسية بنت مراحم امرأة فرعون. (3) حسبك من نساء العالمين مريم ابنة عمران، وخديجة بنت خويلد، وفاطمة بنت محمد صلى الله عليه وآله وآسية امرأة فرعون. (4)

این چهار بانوی بزرگ اراده ای قوی داشتند و توانستند از انسانیت خود به نحو شایسته دفاع کنند

ص: 275

1- سوره مریم، آیه 32

2- مسند احمد حنبل، ج 4، ص 904.

3- مستدرک صحیحین، حاکم، کنز العمال متقی هندی

4- ترمذی حدیث 8783 بخاری حدیث 2343 و 1143 مسلم 342 و 1342

حضرت خدیجه علیها السلام الگوی بسیار مناسبی برای انسان هاست؛ زیرا در همه زمان ها انسان ها نیازمند به الگو هستند. آن بانو در جامعه ای زندگی می کرد که (وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَّا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ) (1) در این جامعه داشتن دختر به هیچ وجه افتخار نبود، بلکه هنگامی که بشارت فرزند دختر به آن ها داده می شد نه تنها خوشحال نمی شدند بلکه ناراحت می گشتند که نگه داشتن دختر خواری و ذلت را بپذیرند یا او را در زیر خاک پنهان کنند اما در چنین جامعه ای حضرت خدیجه علیها السلام در زندگی از جهات زیادی الگو بود؛ از جمله: تربیت فرزند شوهرداری، تعامل با جامعه، تجارت، خرج کردن در راه هدف و فداکاری و ایثارگری در تمام شئون زندگی. چه همسری حاضر است تمام گذشته پر افتخار خویش را فراموش کند و حتی ذکری از آن به میان نیاورد بلکه تمام سرمایه اش را در اختیار همسر قرار دهد که در راه اهداف خود خرج کند خدیجه علیها السلام اولین زن مؤمن به پیامبر صلی الله علیه و آله بود که در راه آن حضرت همه سختی ها را تحمل کرد و سخت ترین دوران پیامبر صلی الله علیه و آله، زمانی بود که خدیجه علیها السلام در قید حیات بودند لذا آن بانو با اراده ای محکم، توانست الگوی زنان و مردان مسلمان و مؤمن باشد تا هم دنیایی آباد و هم آخرتی آباد داشته باشند.

نتیجه

مهم ترین ویژگی انسان این است که موجودی صاحب اراده است و این صاحب اراده بودن ارزش دارد و لو در راه ثروت اندوزی و کسب قدرت باشد البته اراده برتر آن است که در مسیر ماهداف والا تر قرار گیرد. قرآن در کنار پیامبران به ویژه انبیای اولوالعزم، زنانی را به عنوان مثال برای مؤمنان ذکر می کند. پیامبر

ص: 276

اسلام صلی الله علیه و آله در کنار دوزنی که قرآن مثال برای مؤمنان می آورد، دوزن دیگر را به عنوان الگو برای مؤمنان اضافه می کنند که از نظر جامعیت، زندگی حضرت خدیجه علیها السلام نسبت به سه زن دیگر برتر است. این می تواند الگویی مناسب در جهات مختلف برای همه مؤمنان باشد.

ص: 277

قرآن کریم.

1. لاهوری، اقبال، کلیات اقبال لاهوری به کوشش اکبر دھاروند، چاپ دوم، تهران، انتشارات زوار، 1385 ش.

2. مطهری، مرتضی گفتارهای معنوی انتشارات صدرا، تهران، چاپ اول 1361 ش.

ص: 278

*مقام حضرت خدیجه علیها السلام در زیارت نامه ایشان: الهام خبازی نژاد (1)

چکیده

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بارها از حضرت خدیجه علیها السلام به نیکی یاد می کردند تا جایی که باطن حسادت ورز عده ای از نزدیکان شان آشکار شد با وجود این سؤالی که ذهن انسان حقیقت جو را به کاوش وامی دارد این است که چرا امروز زیارت نامه ای مأثور از حضرت خدیجه علیها السلام در دست نیست؟!

در کتاب های شیعه زیارت مأثوری برای حضرت خدیجه علیها السلام نقل نشده است. مرحوم علامه مجلسی از بیان نشدن زیارت مأثور برای عبد مناف عبد المطلب ابوطالب و خدیجه علیها السلام به رغم معروف بودن قبور و جایگاه رفیع آنان نزد شیعیان شگفتی خود را بازگو کرده و احتمال داده دلیل آن تقیه باشد در زیارت مأثوره معصومان علیهم السلام، از حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان «خدیجه الکبری» و «الغراء» یاد شده؛ مانند دعای ندبه و زیارات متعدد امام حسین علیه السلام. در صلوات و زیاراتی از ائمه علیهم السلام از آن حضرت نیز یاد شده که می توان از آن ها به عنوان تنها صلوات و زیارات مأثور حضرت یاد کرد در زیارت نامه معصومان علیهم السلام از ایشان به نیکی یاد شده و این نشان از بزرگواری مقام و منزلت والای ایشان است. اما گویا اجحافی که در حق ایشان شده نشان از بغض و کینه ای دارد که در طول تاریخ با جعل روایات و احادیث و تحریف، تاریخ برای رسیدن عده ای به منافع دنیوی پدید آمده است

آن چه امروز برای ابلاغ سلام بر حضرت خدیجه علیها السلام در دست است،

ص: 279

برگرفته از آیات و روایاتی است که در حق این بانوی باکرامت بیان شده که البته دارای مضامین بلندی است. بررسی هر یک از عبارات آن می تواند کمک شایسته ای برای ایجاد و تعمیق معرفت نسبت به آن بزرگوار نماید.

در این مقاله سعی شده بخش هایی از زیارت نامه حضرت خدیجه علیها السلام که در برخی کتب ادعیه، آمده بررسی و آیات و روایات متناظر با آن بیان گردد.

واژگان کلیدی

زیارت نامه، حضرت خدیجه علیها السلام، پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله، ادعیه، سلام، فضایل.

مقدمه

حضرت خدیجه علیها السلام بزرگ بانویی است که در مناقب ایشان سخن ها گفته شده و قلم ها به نگارش درآمده است. مقام و منزلت این بانو، آن قدر والاست که علاوه بر تشیع دیگر فرق اسلامی هم بر این امر اذعان کرده اند. ایشان در نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جایگاهی بس رفیع داشتند خداوند متعال به ایشان نزد فرشتگانش مباحثات نموده است. (1) بانویی که تأثیر فراوانی در تاریخ، به عنوان اولین زن مسلمان داشت و مصداق بارز توانگری بود که با عزم و اراده بر دهان جلوه های فریبنده دنیا لگام زد و تمام ثروت خود را به خدمت اسلام در آورد. حضرت خدیجه علیها السلام فردی بود که اصالت خانوادگی، اعتبار قبیله ای، ثروت فراوان و بسیاری از مؤلفه های دیگر نتوانست مایه کبر و غرورشان شود و پیوسته دنبال حق و حقیقت بود تا آن که به واسطه پاکي سیرت، خداوند متعال ایشان را بر زنان عالم برتری داد و شایستگی همسری خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و مادری ائمه اطهار علیهم السلام را نصیب ایشان نمود حضرت خدیجه علیها السلام، برای به دست آوردن مقام قرب الهی حاضر شد تمام داشته هایش را در طبق اخلاص

ص: 280

گذارد و تقدیم به راهی نماید که اشاعه راه مقدس اسلام بود هر چند مقام این بزرگ بانو بر شیعیان پوشیده نیست در طول تاریخ بسیاری تلاش نموده اند تا منزلت ایشان را کم رنگ جلوه دهند اما بر اساس آیه (إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصَرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ) ایشان که مصداق بارز یاری گردین خدا بودند، از جان گذشتگی ایشان هرگز از صحنه تاریخ محو نخواهد شد و تأثیر شگرفت خود را تاکنون نمایان کرده است.

در ادامه، بخش هایی از زیارت آن بانوی بزرگ بررسی می گردد تا گوشه ای از فضایل ایشان روشن شود.

خدیجه علیها السلام، همسری نمونه

1. (الْسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا زَوْجَةَ رَسُولِ اللَّهِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، أَلْسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا زَوْجَةَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ)

در ابتدای زیارت نامه حضرت خدیجه علیها السلام سلام برایشان به عنوان همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلام تأکیدی مجدد به عنوان همسر آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است.

درباره ماجرای ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام در قرآن کریم و تاریخ سخن ها آمده که به اختصار به گوشه ای از آن اشاره می شود:

در سوره مبارکه فرقان آیه 74 به حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره شده است:

(وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا؛ پروردگارا! از همسران و فرزندان مان مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!

«و عن الحاكم الحسكاني الحنفی عن ابي سعيد في قوله تعالى «هب لنا» الآية . قال النبي صلی الله علیه و آله: قلت يا جبرئيل من ازواجنا ؟ قال: خدیجه. قال: فاطمه و «قره عين». قال: الحسن والحسين. قال: (واجعلنا للمتقين اماما) قال:

حاکم حسکانی از قرآن پژوهان نام دار اهل تسنن در این مورد آورده است که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در تفسیر این آیه فرمود:

پس از نازل شدن این آیات از فرشته وحی پرسیدم: منظور از «ازواجنا» کیست؟ پاسخ داد: «خدیجه علیها السلام است».

مرحوم فیض کاشانی در تأویل همین آیه می نویسد:

منظور از آن مقام والای، رسالت قرآن شریف و یار و مشاور پر اخلاص پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت خدیجه علیها السلام است که نسل سزاوار پیامبر صلی الله علیه و آله از ایشان است. (1)

خدیجه علیها السلام نخستین همسری بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از آغاز رسالت برگزیدند و مدتی طولانی نزدیک به 25 سال با وی زندگی کردند. با این که پیامبر صلی الله علیه و آله، پس از رحلت حضرت خدیجه علیها السلام با برخی از زنان دیگر مانند عایشه صفیه، ام سلمه و ... وصلت نمودند در تمام مدتی که همسران دیگری در خانه داشتند باز از خدیجه به شایستگی یاد می کردند؛ نام ایشان را با احترام می بردند و همواره خاطره او را گرامی می داشتند؛ چنان که درباره اش می فرمود:

هرگز خداوند متعال بهتر از او را نصیب من نفرموده است. او روزی که من به کمک نیاز داشتم به یاری ام آمد و دستم را با مهر و عطوفت گرفت؛ روزی به من ایمان آورد که جهانیان به من کفر می ورزیدند و روزی مرا تصدیق کرد که جهانیان تکذیب می کردند خداوند از او به من اولاد عنایت کرد. (2)

داوود ظاهری (م 270 ق) و ابن حجر عسقلانی (م 852 ق)، با مقایسه روایات اهل سنت درباره حضرت خدیجه علیها السلام و دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت خدیجه علیها السلام را برترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته اند. ابن عربی (م 638 ق) نیز

ص: 282

1- مهدی آقابابایی، سیری در زندگانی ام المومنین حضرت خدیجه علیها السلام، 8831

2- جمعی از نویسندگان حضرت خدیجه علیها السلام مادر ام اییها، بی تا.

بر برتری حضرت خدیجه علیها السلام بر سایر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله ادعای اجماع کرده است (1)

حضرت خدیجه علیها السلام، مادر دوازده معصوم علیهم السلام

2. (السلام علیک یا امّ فاطمة الزهراء، السلام علیک یا ام الحسن و الحسین سیدی شبابِ اهلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا أُمَّ الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ).

حضرت خدیجه علیها السلام بانوی پر برکتی بود؛ زیرا لیاقت یافت مادر حضرت زهرا علیها السلام باشد و ظرفیت آن را پیدا کرد که فاطمه علیها السلام و یازده امام معصوم علیهم السلام از نسل ایشان پدید آیند. (2)

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله بر حضرت خدیجه علیها السلام وارد شدند و هم سخنی ایشان با فرزندش را دیدند فرمودند: «خدیجه با چه کسی سخن می گویی؟» گفت: «کودکی که در شکم دارم با من انس گرفته و سخن می گوید». فرمود: «اینک جبرئیل علیه السلام مرا بشارت داد که او دختر و دارای نسل پاک و با برکتی است که خداوند نسل من و امامان این امت را از او قرار داده و آنان جانشین خدا بر زمین پس از پایان وحی خواهند بود». (3)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شکوه و عظمت حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان «ام الائمه» و سرچشمه کوثر الهی، خطاب به دخت فرزانه خویش حضرت زهرا علیها السلام فرمودند:

(إِنَّ بَطْنَ أُمَّكِ كَانَ لِلْإِمَامَةِ وَ عَاءٍ)؛

به راستی وجود گران مایه مادرت به عنوان جایگاه انوار امامت برگزیده گردید. (4)

ص: 283

1- سید محمد حسین جلال زاده میبیدی، خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت 5931؛ نک: ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص

511

2- محمدی اشتهاردی خدیجه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله اسطوره ایشیار و مقاومت، 1377.

3- سید محمد حسین جلال زاده میبیدی خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت، 1395؛ نک: شیخ صدوق، الامالی، ص 593-

396.

4- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت حضرت زهرا علیها السلام

نکته قابل توجه آن است که برخی همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از همسران دیگرشان فرزند داشتند اما از آن حضرت، فرزندی نیاوردند! (1)

یکی از جنایات های منافقان در راه پرده پوشی حق، تحریف تاریخ زندگانی ام المومنین حضرت خدیجه علیها السلام است. انتساب آن بانو به حضرت زهرا علیها السلام و هم چنین امیر مومنان علیه السلام و اهل بیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، اولین و مهم ترین علت این امر به حساب می آید؛ زیرا این انتساب، یکی از افتخارات ائمه اطهار علیهم السلام و باعث سرفرازی ایشان در مقابل دشمنان شان بود؛ به گونه ای که در مفاخره های اهل بیت علیهم السلام در مقابل دشمنان شان یکی از موارد افتخار داشتن مادری مثل حضرت خدیجه علیها السلام کبری بوده است. اما در مقابل آن چه همیشه باعث سرافکنندگی و مایه ننگ دشمنان ایشان بوده، حسب و نسب پست آنان و انتساب آنان به مادرانی خلاف کار و ناپاک بود؛ برای مثال، هند مادر معاویه از فواحش معروف زمان خود بود که روابط نامشروع وی با بسیاری از مردان قریشی و غیر قریشی در تاریخ به ثبت رسیده است یا صهاک جده عمر بن خطاب نیز آن گونه بود؛ تا جایی که مشاهده می کنیم گاهی در مجادلاتی که افرادی با وی داشتند برای آن که وی را شرمنده و سرافکننده کنند به حسب و نسب پست وی اشاره می کردند و از وی با عنوان «یا بن الصهاک الحبشیه» نام می بردند (2)

با این اوضاع روشن است که چرا منافقان وجود مادری مانند حضرت خدیجه علیها السلام را برای اهل بیت علیهم السلام بر نمی تابیدند به اذن الهی از بین همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، افتخار ما در ائمه علیهم السلام شدن و ادامه نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله فقط نصیب آن بانوی با کرامت و پاک دامن شد.

ص: 284

1- حسین تهرانی فضائل و مناقب ام المومنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام، 1394.

2- آقابابایی، سیری در زندگانی ام المومنین حضرت خدیجه علیها السلام، 8831

3. (السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْمُؤْمِنَاتِ)

لقب ام المومنین از جانب خداوند تعالی به ایشان عطا گردیده است؛ چنان که می فرماید: (النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَ أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ...) (1) این آیه، بر مقام رسول الله دلالت دارد و همسران ایشان را از نظر احترام و رعایت شئون ادب در زندگی مادر معنوی و روحانی مؤمنان معرفی می فرماید. همان گونه که نبی الله پدر روحانی و معنوی امت است و این ارتباط و پیوند معنوی، تنها تأثیرش مسأله «حفظ احترام» و «حرمت ازدواج» با زنان پیامبر صلی الله علیه و آله است. اما در این جا کمی جای تأمل دارد و صاحب نظران باید در مقام مقایسه برآیند که آیا این وصف حضرت حق در خصوص همه همسران رسول صلی الله علیه و آله صادق است؟ آیا در میان همسران نبی صلی الله علیه و آله آن ها که اسرار ایشان را فاش می نمایند و آیات 3 و 4 سوره تحریم در شأن ایشان نازل می شود یا آن که از نبی صلی الله علیه و سلم بر وصی ایشان خروج می کند، با حضرت خدیجه علیها السلام در مقام معنوی ام المومنین برابرند؟ (2) لقب «ام المومنین» در مورد همه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله صادق نیست و ثبوتش، مشروط به رعایت تقواست یعنی آن ها مادامی «ام المومنین» هستند که تقوا را رعایت کنند؛ زیرا اگر غیر از این باشد، با آن چه خداوند در آیه دیگر فرموده: (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ) (3) منافات خواهد داشت؛ از این روی، خداوند این ویژگی را منوط به رعایت پرهیزگاری نموده و در همان سوره ای که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را «ام المومنین» خوانده می فرماید: (يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ) (4) یعنی ای همسران پیامبر! شما مثل سایر زن ها نیستید و به خاطر «ام المومنین» بودن بر بانوان دیگر برتری یافته اید اما این برتری شما منوط به

ص: 285

1- سوره احزاب، آیه 6.

2- هاشمی نژاد، سرور زنان جهان ام المومنین خدیجه کبری علیها السلام، 2931.

3- سوره حجرات، آیه 13.

4- سوره احزاب، آیه 32.

پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به آن بانوی معنویت و کمال فرمودند:

(یا خدیجه! أَنْتَ خَيْرُ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَفْضَلُهُنَّ وَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ)؛

ای خدیجه! تو بهترین مادر توحیدگرایان و آزادی خواهان و برترین آنان و سالار زنان گیتی هستی. (2)

حضرت خدیجه علیها السلام، بانوی با اخلاص

4. (السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَالِصَةَ الْمُخْلِصَاتِ)

پیامبر صلی الله علیه و آله اکرم فرمود:

فرشته وحی نزد من آمد و گفت: «هان ای پیامبر خدا! این خدیجه است که بنده پر اخلاص بارگاه خداست» (3)

خلوص حضرت خدیجه علیها السلام، از همان ابتدا بر همه محرز بود. او خالصانه و بدون هیچ گونه چشم داشت تمام دارایی خود را در طبق اخلاص قرار داد و تقدیم رسول خدا صلی الله علیه و آله نمود و تمام ظواهر و تجملات دنیوی را فدای راه حق کرد.

حضرت خدیجه علیها السلام، اول زن تصدیق کننده رسول خدا صلی الله علیه و آله

5. (السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ الْحَرَمِ وَ مَلَائِكَةَ الْبَطْحَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُولَ مَنْ صَدَّقَتْ بِرَسُولِ اللَّهِ مِنَ النِّسَاءِ)

در این قسمت بر حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان اول زنی سلام می دهیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را تصدیق نمود.

یکی از امتیازات برجسته حضرت خدیجه علیها السلام، پیشتازی ایشان در گزینش اسلام و گرایش به پیام زندگی ساز و عدالت آفرین آسمانی بود که سخت

ص: 286

1- تهرانی، فضائل و مناقب ام المومنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام، 1394.

2- کرمی فریدنی، 1389

3- کرمی فریدنی، 1389

تحسین برانگیز تاریخ ساز و الهام بخش است. (1)

احمد بن اسحاق یعقوبی می نویسد:

و کان اول من اسلم خدیجه بنت خویلد من النساء و علی بن ابی طالب من الرجال؛ حضرت خدیجه علیها السلام، نخستین بانویی بود که مسلمان شد و حضرت علی علیه السلام نیز نخستین مردی بود که اسلام آورد. (2)

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

(وَلَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يَوْمَئِذٍ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَدِيجَةَ وَ أَنَا ثَالِثُهُمَا)؛

آن روز (روز بعثت) در اسلام جمع نشد، غیر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام و من سومین نفر آنان بودم. (3)

که با تأمل در تفاسیر، پی می بریم سوره مطففین (آیات 18 - 28) به این نکته اشاره می کند.

(كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْإِنبِرَارِ لَفِي عِلِّيَّيْنَ * وَ مَا أَذْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ * كِتَابٌ مَرْقُومٌ * يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ * إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ * عَلَى الْأَرَائِكِ يُنظَرُونَ. تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ. * يَسْتَقْوُونَ مِنَ رَحْمَتِهِ مَخْتَمًا * خِتَامُهُ مِسْكٌ وَ فِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ * وَ مِرَاجُهُ مِنَ السَّمَاءِ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ)؛

آری، کم فروشی نکنند و از روز حساب غفلت نورزند که قطعاً سرنوشت نیکان در علین (مرتبه های والا و درجات قرب به خدا) است؛ چه چیز تو را آگاه کرده که علین چیست؟ فرجامی است حتمی و مشخص که مقربان درگاه خدا آن را می نگرند همانا نیکان در نعمتی فراوان به سر می برند. آنان در حجله ها بر تخت ها نشسته اند و بهشت و نعمت های آن را نظاره می کنند در چهره های شان طراوت نعمت را در می یابی از شرابی زلال و خالص که مَهر شده است در اختیارشان می گذارند شرابی که مهرش از مشک است؛ پس سبقت گیرندگان

ص: 287

1- تهرانی، فضائل و مناقب ام المومنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام، 1394

2- احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، 4731

3- نهج البلاغه، ج 1، ص 202.

در دست یابی به مواهب، بهشتی به ویژه این، شراب باید بکوشند و بر یک دیگر سبقت گیرند. آمیزه آن از «تسنیم» است. آن چشمه ای که مقربان درگاه خدا از آن می آشامند.

و عن المجلسی (رحمه الله) عن جابر بن عبد الله رضی الله عنه النبی صلی الله علیه و آله قال: قوله عز و جل: (و مزاجه من تسنیم) قال: هو اشرف شراب فی الجنة یشربه محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و هم المقربون. السابقون: رسول الله صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب و الائمه و فاطمه و خدیجه علیها السلام و و ذریتهم الذین اتبعوهم بایمان یتسنم علیهم من اعالی دورهم؛

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر این آیه فرمود: «مقربان بارگاه خدا و پیشتازان راه عدالت و آزادی عبارتند از: پیامبر صلی الله علیه و آله، امیر مومنان امامان اهل بیت علیهم السلام که پس از علی علیه السلام یکی پس از دیگری خواهند آمد، فاطمه علیها السلام دختر رسول الله صلی الله علیه و آله و خدیجه بنت خویلد». (1)

خطبه بلیغه امام حسن علیه السلام، بیان گر فضل تقدم ایمانی حضرت خدیجه علیها السلام است، چنان که فرمود: قال الله جل شأنه: (وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ)، (2) فكان ابی سابق السابقون الی الله و ای رسوله و ذلک انه ام یسبقه الی الایمان احد غیر خدیجه علیها السلام فکما ان الله عز و جل فضل السابقین علی المتأخرین فضل سابق السابقین.

آن چه از احادیث و روایات و اعترافات دانشمندان اسلامی و همچنین شواهد تاریخی به دست می آید این است که حضرت خدیجه علیها السلام در پذیرفتن اسلام جزء پیشگام ترین افراد و به اصطلاح قرآن «وَ السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ» (3) هستند که در صدر اسلام ملاک مهمی برای برتری بوده است. (4)

هنگامی که به مناسبتی از خدیجه علیها السلام سخن به میان آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: 288

1- آقا بابایی، سیری در زندگانی ام المومنین حضرت خدیجه علیها السلام، 8831.

2- سوره واقعه، آیه 10.

3- سوره توبه آیه 100

4- تهرانی فضائل و مناقب ام المومنین حضرت خدیجه علیها السلام کبری علیها السلام، 1394.

فرمود: «خدیجه و این خدیجه؟ صدقتی حین کذبني الناس، و... (1) از خدیجه سخن گفتید؟ کجا همانند آن بانوی خرد و پروا پیدا می شود؟ او بود که در آن وضعیت بحرانی که مردم مرا در دعوت توحیدی و آزادی خواهانه ام، دروغ گو می انگاشتند، باشهامت و ابتکار و راستی مرا در دعوت و در زندگی ام گواهی کرد و... (2)

وفادار به بندگی انفاق کننده قرینه حیب اله السماء

6. (السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ وَفَّتْ بِالْعُبُودِيَةِ حَقَّ الْوَفَاءِ وَ اسَلَمَتْ نَفْسًا وَ انْفَقَتْ مَالَهَا لِسَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَرِينَةَ حَبِيبِ إِلَهِ السَّمَاءِ، الْمُرَوِّجَةَ بِخُلَاصَةِ الْأَصْفِيَاءِ، يَا ابْنَةَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ).

در سوره مبارکه ضحی آیه 6 آمده است (وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى)؛ «آیا او تو را یتیم نیافت و پناه نداد؟!»، شیخ صدوق (رحمه الله) در تفسیر این آیات می نویسد:

بدان دلیل آن حضرت یتیم خوانده شدند که در کران تا کران هستی بی نظیر و تک نسخه است؛ زیرا این واژه به مفهوم بی همانند آمده است. به همین جهت خدا با اشاره به نعمت های گرانس به او می پرسد «آیا خدایت تو را تک نسخه و بی همانند نیافت و پناه داد و برتری و شکوه تو را به مردم شناساند و تو را بلند آوازه ساخت؟!»، و او را تنگ دست یافت و با ثروت هنگفت خدیجه علیها السلام بی نیاز گردانید.

بسیاری از مفسران برآنند که توان گری پیامبر صلی الله علیه و آله به مال خدیجه علیها السلام بوده و خداوند متعال در این آیه به کنایه از خدیجه علیها السلام و احسان او یاد فرموده است.

قرآن مجید در موارد متعددی از افرادی یاد کرده که برای اسلام از جان و مال خود مایه گذاشته و برای پیشرفت آن از هیچ کمکی دریغ نکرده اند. مثلاً برای تقدیر از کمک های بی دریغ ام المؤمنین خدیجه علیها السلام در سوره «الضحی» در آیه (وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى) از ثروت ایشان و بی نیازی رسول خدا صلی الله علیه و آله به واسطه آن

ص: 289

1- النمازی، ج 3، ص 36

2- کرمی فریدنی، 1389

ابوعبیده (نوه عمار یاسر) می گوید:

فرزند ابی رافع از پدرش پرسید: «مگر رسول خدا صلی الله علیه و آله مال و ثروتی قابل توجه داشتند که دو شتر برای سفر خودش خریدند و به حضرت امیر مؤمنان علیه السلام نیز سفارش نمودند توشه دیگر مهاجران را تهیه فرمایند؟» ابن رافع پاسخ داد: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هیچ ثروتی برای من سودمندتر از اموال حضرت خدیجه علیها السلام نبود». ابی رافع افزود: «از آخرین موارد مصرف اموال حضرت خدیجه علیها السلام، خرید توشه برای مسلمانان مستضعف بود که قصد داشتند به مدینه هجرت کنند سفر بیشتر مسلمانان با اموال حضرت خدیجه علیها السلام ممکن شد. آخرین اموال حضرت خدیجه علیها السلام همان قافله ای بود که حضرت امیرالمومنین آن را سرپرستی نمودند». (2)

حضرت خدیجه علیها السلام چنان در یاری دین خدا کوشید که آن چه داشت در طبق اخلاص قرار داد و تقدیم نمود؛ همان گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به این موضوع تأکید می فرمایند:

(وَ أَرْزَيْتَنِي عَلَى دِينِ اللَّهِ وَأَعَاتَيْتَنِي عَلَيْهِ بِمَالِهَا)؛

در راه دین خدا و پیشرفت آن بار گران وزارت و یاری و همراهی مرا با درایت و توانمندی به دوش کشید و با دارایی هنگفت خویش مرا در راه هدف های خدایی و انسانی مدد رساند.

حضرت خدیجه علیها السلام با آن که قدرت مالی و شهرت و مقام داشت و با آن که قادر بود بهترین زندگی ها را داشته باشد و در کمال نعمت و رفاه و آسایش به سر برد، تمام مظاهر زندگی دنیوی را دور ریخت و در عوض با تمام ناملایماتی که بر زندگی هر دو سایه انداخته بود با تن دادن به تبعید و محاصره و حتی تحمل روزهای گرسنگی و شب های بیداری کنار آمد تا هر روز قدمی تازه در راه نیل

ص: 290

1- آقابابایی، سیری در زندگانی ام المومنین حضرت خدیجه علیها السلام، 8831.

2- ابراهیم قاسمی و رضا، فلاح خدیجه علیها السلام مروارید حجاز، 1391.

به اهداف عالیة اسلام و اجرای برنامه های قرآن و پیشرفت مکتب انسان ساز اسلام بردارد (1) تاریخ نویسان معتقدند اگر کمک های حضرت خدیجه علیها السلام عام، نبود ضربه های جبران ناپذیری به مسلمانان وارد می شد. از این روی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره از فداکاری خدیجه علیها السلام یاد می کردند و وی را به سبب این همه ایثار و از خودگذشتگی می ستودند. (2)

ابلاغ سلام خداوند متعال و جبرئیل بر خدیجه علیها السلام

7. (السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ سَلَّمَ عَلَيْهَا جَبْرَائِيلُ وَ بَلَغَ إِلَيْهَا السَّلَامَ مِنَ اللَّهِ الْجَلِيلِ).

حضرت خدیجه علیها السلام بزرگ بانویی بود که جبرئیل و از او بالاتر خداوند متعال بر ایشان سلام فرستاد و این نشان از جایگاه والای آن حضرت دارد. روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله اکرم هنگام دریافت دستور خدا برای انجام دادن یک برنامه چهل شبانه روزی پرستش و نیایش به یار زندگی اش چنین پیام فرستاد

(لَا تَطُنِّي يَا خَدِيجَةُ إِلَّا خَيْرًا، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَيُبَاهِي بِكِ كِرَامَ مَلَائِكَتِهِ كُلِّ يَوْمٍ مَرَارًا)؛ (3)

ای خدیجه! هرگز مپنداری که دوری گزیدن من از خانه برای یک برنامه عبادی و عرفانی به سبب کدورت از خانه و خانواده است؛ نه، بلکه حقیقت این است که پروردگارم مرا به این کار فرمان داده و من تنها به اجرای دستور می اندیشم و بس؛ از این رو این دوری گزیدن را جز به نیکی و خیر مپندار؛ زیرا خداوند هر روز چندین مرتبه به وجود شایسته تو بر فرشتگان گران مایه اش مباحثات می کند.

هم چنین فرمود:

فرشته وحی نزد من آمد و گفت: «هان ای پیامبر خدا! این خدیجه علیها السلام است که

ص: 291

1- جمعی از نویسندگان حضرت خدیجه مادر ام ایها، بی تا.

2- سید رضی سید نژاد، اسوه های جاویدان، 1389

3- علامه مجلسی، بی تا، 1/1، جزء السادس عشر

بنده پر اخلاص بارگاه خداست. هنگامی که نزد آمد، سلام پروردگارت را به او برسان و به او مژده ده که در بهشت پر طراوت و زیبای خدا، سرایی شکوه بار در درون گوهری بزرگ و ناب برای او آماده است؛ سرایی که هیچ رنج و ناآرامی در آن نخواهد بود؛ «فاقرأ علیها السلام من ربها و منی و بشرها بیت فی الجنة من قصب لا صخب و لا نصب»⁽¹⁾.

ابن اسحاق سیره نویسنده قدیمی نیز اعتراف می کند که مقام معنوی و اخلاقی بی مانند خدیجه به جایی رسید که مورد عنایت الهی قرار گرفت؛ چنان که روزی جبرئیل هنگام نزول وحی گفت: «ای پیامبر، سلام پروردگار یکتا و سلام مرا به خدیجه برسان!» پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز به خدیجه فرمود: «ای خدیجه، اینک جبرئیل درود پروردگارت را به تو ابلاغ می کند». آن گاه خدیجه در پاسخ گفت: «خداوند خود سلام است و آغاز سلام و درود از اوست و درود و سلام بر جبرئیل»⁽²⁾.

روزی جبرئیل علیه السلام به صورت مردی با حضرت خدیجه علیها السلام رو به رو شد و درباره پیامبر صلی الله علیه و آله از ایشان پرسید حضرت خدیجه علیها السلام از او پرهیز کرد و ترسید که از دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله باشد که به دنبال آسیب زدن به حضرت بودند چون این مطلب را با پیامبر صلی الله علیه و آله در میان نهاد حضرت فرمود: «او جبرئیل علیه السلام بود و مرا فرمان داد که بر تو درود فرستم و تو را به خانه ای زرین در بهشت بشارت دهم»⁽³⁾.

پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام فرمودند:

خداوند عزیز و بلند مرتبه روزی چندبار به وجود تو بر فرشتگان مقربش مباحث می کند⁽⁴⁾.

امام باقر علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

ص: 292

1- بیهقی، دلائل النبوه، 1405 ق

2- تهرانی، فضائل و مناقب ام المومنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام 1394

3- جلال زاده میبدی، خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت، 1395، نک: ابن حجر، الاصابة، ج 8، ص 102

4- جلال زاده میبدی، خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت 1395، رک: عاملی، الدر النظیم فی مناقب الائمة اللہامیم، ص 265

وقتی در شب معراج جبرئیل مرا به سوی آسمان ها برد و سیر داد، هنگام مراجعت به جبرئیل گفتم: «حاجتی داری؟» جبرئیل گفت: «حاجت من این است که سلام پروردگار و مرا به خدیجه علیها السلام ابلاغ کنی». پیامبر صلی الله علیه و آله نیز سلام خدا و جبرئیل علیه السلام را به خدیجه علیها السلام ابلاغ کردند. خدیجه علیها السلام گفت: «ان الله هو السلام و من السلام، و الیه السلام و علی جبرئیل السلام؛ خداوند سلام است و سلام از اوست و به او باز می گردد و بر جبرئیل نیز سلام باد» (1)

حافظ دین خدا و یاور رسول خدا صلی الله علیه و اله

8. (اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حَافِظَةَ دِیْنِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نَاصِرَةَ رَسُوْلِ اللّٰهِ)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اسلام با غربت و تنهایی آغاز گردید». در بدو بعثت هیچ یک از افراد با نفوذ مکه و اشراف و بزرگان آن حاضر به قبول اسلام و کمک به رسول خدا صلی الله علیه و سلم نشدند و همواره سعی در جلوگیری از ترویج آن در میان مردم می نمودند و تنها در میان بزرگان، قریش دو عمومی گرامی ایشان، حضرت ابی طالب علیه السلام و حضرت حمزه سیدالشهداء علیه السلام و هم چنین خدیجه کبری علیها السلام در تمامی لحظات تبلیغ در کنار ایشان و پشتیبان آن حضرت در این امر بودند. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و اله به غیر از این بزرگواران هیچ یاور دیگری نداشتند و اشراف مکه مانند ابوسفیان ابوجهل، ابولهب و ... سعی در سنگ اندازی و کند کردن مسیر تبلیغ دین می نمودند و این کار آنان به صورت های گوناگونی بروز می یافت؛ گاهی تصمیم بر ترور ایشان می گرفتند و گاهی مسلمانان و پیروان ایشان را شکنجه و آزار می کردند که در آن ایام بیش تر از خانواده های فقیر بودند. زمانی هم با تحریم همه جانبه پیامبر صلی الله علیه و آله و پیروان شان، اسباب هجرت ایشان را به شعب ابی طالب فراهم نمودند آن حضرت بعد از بعثت، سیزده سال در مکه به امر تبلیغ دین خدا مشغول بودند که لحظه لحظه آن با سختی ها و

ص: 293

1- جلال زاده میبیدی، خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت، 1395، نک: عیاشی، تفسیر العیاشی، ج 2، ص 279؛ حسینی تهرانی، فضائل و مناقب ام المومنین حضرت خدیجه علیها السلام کبری، 1394.

مرارت های زیادی همراه بود اما وجود ذی وجود ام المومنین خدیجه علیها السلام در کنار ایشان و هم چنین کمک های مالی آن بانو و هم چنین حمایت های بی دریغ دو عموی گرامی ایشان حضور در مکه با آن وضعیت سخت را برای ایشان میسر نمود به گونه ای که بعد از رحلت ابوطالب و ام المومنین دیگر مکه برای ایشان جای امنی نبود و به مدینه هجرت نمودند چه خوب رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از زحمات ایشان قدردانی کرده اند هنگامی که سبب پایداری اسلام در مقابل آن همه توطئه های کافران و منافقان را یکی دارایی خدیجه کبری علیها السلام و دیگر شمشیر امیر مومنان علیه السلام یا بیان نمودند. (1)

یاری و حمایت حضرت خدیجه علیها السلام از همان ابتدای زندگی مشترک مثال زدنی است. ایشان درک بالایی از تمایلات معنوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشتند. هیچ گاه مزاحم خلوت گزیدن های ایشان نمی شدند هرگز خلوت انس و جهان با صفای حضرت را به خاطر زندگی خود بر هم نمی زدند هر گاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سوی غار حرا رهسپار می شدند ایشان را بدرقه می کردند و آن قدر می ایستادند و چشم به قامت حضرت می دوختند تا از نظر ناپدید می شدند گاهی برای آب، غذای سانی، نگرهبانی و مراقبت - گرچه از فاصله دور که به خلوت ایشان خللی وارد نشود افرادی را می گماردند. بنابراین نه تنها مزاحم کارهای عظیم عرفانی و معنوی ایشان نمی شدند بلکه یار صمیمی و استوار برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محسوب می شدند. (2) علامه مجلسی می نویسد:

در کتاب صحاح روایت شده در آن ماه رضانی که پیامبر صلی الله علیه و آله در غار حرا به سر می بردند و آغاز وحی و بعثت شروع شد، حضرت علی علیه السلام، حضرت خدیجه علیها السلام و یکی از غلامان، در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند (3)

این است حماسه عرفانی و ملکوتی حضرت خدیجه علیها السلام علیه السلام در آستانه بعثت که

ص: 294

1- آقابابایی، سیری در زندگانی ام المومنین حضرت خدیجه علیها السلام، 8831.

2- محمدی اشتهاردی، خدیجه علیها السلام همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و اسطوره ایثار و مقاومت، 1377.

3- نک: بحار الانوار، ج 51، ص 363.

همدم یار و مونس مخلص پیامبر صلی الله علیه و آله بود. (1)

خدیجه علیها السلام برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نمونه یک همسر فداکار و ایثارگر بود. از همان آغاز زندگی مشترک تا آخرین لحظه حیات پر ثمر خویش در تمام مدت بهترین یار و یاور و مهربان ترین مونس پیامبر صلی الله علیه و آله و محسوب می شد. در روزهای آرامش، نزدیک ترین همدم پیامبر صلی الله علیه و آله و در ایام دشواری و در گیرودار شداید، زندگی صبورترین و پرتحمل ترین مددکار و در تمام حوادث سخت و مصیبت های پی در پی، قوی ترین پشتیبان و هم قدم و همراه رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود در تمام شداید و دشواری های بعد از بعثت تنها مونس پیامبر صلی الله علیه و آله و موجب تسلی خاطرش بود. (2)

خداوند رنج های دل پیامبر صلی الله علیه و آله از سخنان ناگوار انکار و تکذیب مشرکان را به وسیله خدیجه علیها السلام آرامش می بخشید وقتی آن حضرت به خانه وارد می شدند، آن بانو ناسازگاری و کار شکنی مشرکان را کم اهمیت جلوه می داد و با دل داری دادن و کاستن از رنج ها و اندوه پیامبر صلی الله علیه و آله دل حضرت را شاد و گام هایش را استوارتر می ساخت. (3) روزی پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام دریافت وحی بی تاب شدند مشرکان آن حضرت را مدهوش به نزد حضرت خدیجه علیها السلام آورده، گفتند: «با مردی دیوانه ازدواج کردی!» خدیجه علیها السلام پیامبر صلی الله علیه و آله را به سینه خود فشرد، سر آن حضرت را در دامن گرفت و دو چشم پیامبر صلی الله علیه و آله را بوسید و گفت: «با پیامبری که فرستاده الهی است ازدواج کردم!» (4)

حمایت های ابوطالب علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله قریش را به ترور ایشان مصمم ساخت. ابوطالب دو ماه پس از پایان تحریم ها در روزهای پایانی ماه صفر و پیش از هجرت رحلت کرد با رحلت، ابوطالب مشرکان به گونه ای به آزار

ص: 295

1- محمدی اشتهاردی، خدیجه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله اسطوره ایثار و مقاومت، 7731

2- جمعی از نویسندگان حضرت خدیجه علیها السلام مادر ام ابیها، بی تا.

3- جلال زاده میبیدی، خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت 5931، رک: ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 42

4- جلال زاده، میبیدی، خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت، 5931 رک بحرانی حلیة الابرار، ج 1، ص 76-86.

پیامبر صلی الله علیه و آله پرداختند که پیش از آن جرأت آن را نداشتند. آنان حضرت را سنگ باران کردند و بین دو چشم حضرت را شکستند. حضرت از بیم آنان به کوه حجون پناه بردند با تاریک شدن هوا پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام به خانه بازگشتند مشرکان به خانه آن حضرت حمله نمودند و ایشان را سنگ باران کردند خدیجه علیها السلام ایثارگرانه در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد و بدن خود را سپر بلای آن حضرت کرد و فریاد زد «زن آزاده را در خانه اش سنگ سار می کنند؟» (1)

خدیجه علیها السلام در هر حادثه ای که موجب ناراحتی پیامبر صلی الله علیه و آله می شد، باعث تسکین و رفع اندوه ایشان بود این برنامه تا پایان عمر حضرت خدیجه علیها السلام هم چنان ادامه داشت. (2)

رحلت حضرت خدیجه علیها السلام

9. (اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ تَوَلَّى دَفْنَهَا رَسُولُ اللَّهِ وَاسْتَوْدَعَهَا إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ).

با این که حضرت خدیجه علیها السلام نهایت فداکاری را برای اسلام نمود و پیامبر صلی الله علیه و آله و دائم به او مژده بهشت می دادند، از خدا هراسان بود و خود را بنده ناچیزی می دانست و از درگاه خدا می خواست که در عالم قبر و برزخ خشنود گردد و از پیامبر صلی الله علیه و آله تقاضای دعا و طلب مغفرت برای خود داشت و از آن حضرت می خواست که هنگام مرگ و خاک سپاری، او را مورد لطف خاص قرار دهد در قبرش بخوابد و با این کار رحمت الهی را وارد قبر سازد و... (3)

در روایت آمده که صدیقه را جز صدیق غسل نمی دهد و لذا عیسی علیه السلام

ص: 296

1- جلال زاده، میدی، 5931، خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت

2- محمدی اشتهاردی، خدیجه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله اسطوره ایثار و مقاومت 7731 رک: بحار الانوار، ج 61، ص 01

3- محمدی اشتهاردی خدیجه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله اسطوره ایثار و مقاومت 7731

مادرش مریم علیها السلام را و امیر مومنان علیه اللام همسرش فاطمه علیها السلام را غسل دادند. (1)

طبق روایت مشهور هنگامی که حضرت خدیجه علیها السلام رحلت فرمود، فرشتگان رحمت از جانب خداوند کفن مخصوصی برای آن بانو نزد رسول خدا صلی الله علیه و اله آوردند. این علاوه بر این که مایه برکت برای خدیجه علیها السلام بود مایه تسلی خاطر رسول خدا صلی الله علیه و اله گردید و قدردانی و تجلیل جالبی از طرف خداوند از حضرت خدیجه علیها السلام به عمل آمد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم پیکر مطهر ایشان را پوشانیدند و سپس پیکر ایشان را با همراهان به سوی قبرستان معلی بردند که در دامنه کوه حجون در بالای مکه قرار داشت تا در کنار مادرش حضرت آمنه به خاک بسپارند. رسول خدا صلی الله علیه و اله در میان قبر رفتند و خوابیدند سپس بیرون آمدند و آن گوهر پاک را در آن جا به خاک سپردند. (2)

منزل اخروی حضرت خدیجه علیها السلام

10. (اِنَّ اللّٰهَ جَعَلَكَ فِيْ مُسْتَقَرٍّ رَّحْمَتِهٖ فِيْ قَصْرِ مِنَ الْيَاقُوْتِ وَالْعُقْبَانِ، فِيْ اَعْلٰى مَنَازِلِ الْجَنَانِ، صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ.)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمودند:

خدا به من فرمان داد که به او بشارت دهم که به پاس رنج و تلاش و مدیریت و فداکاری هایش خدا در بهشت پر طراوت و زیبا، خانه ای از گوهر گران بها برای او ساخته است؛ خانه ای پر شکوه و وصف ناپذیری که در آن، ناآرامی و هیاهویی خواهد بود و نه رنج و دردی. (3)

هنگامی که خدیجه علیها السلام وفات کرد حضرت فاطمه علیها السلام می گریستند و به رسول خدا صلی الله علیه و اله می گفتند: «مادرم کجاست؟» پس جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و اله

ص: 297

1- جلال زاده، میددی، خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت 5931، رک: کلینی، الکافی، ج 1، ص 254.

2- محمدی اشتهدادی خدیجه همسر پیامبر صلی الله علیه و اله اسطوره ایثار و مقاومت 7731، رک: ریاحین الشریعه، لله ج، ص

3- کرمی فریدنی، 9831.

فروید آمد و عرض کرد: «به فاطمه بگو که خدای متعال برای مادرت خانه ای در بهشت از در و گوهر بنا کرده است که رنج و داد و بیدادی در آن نیست و او در کنار آسیه و مریم است». (1)

در کتاب الآحاد والمثانی از ابن ابی عاصم آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در شب معراج، خدیجه علیها السلام را بر کرانه نهری از نهرهای بهشتی و در قصری زرین دید. (2)

مسلمانان در بهشتی بودن خدیجه علیها السلام اجماع دارند (3) جبرئیل علیه السلام به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و خدیجه علیها السلام را به قصری زرین در بهشت نوید داد. (4) در روایات آمده که حضرت خدیجه علیها السلام و چهارده معصوم در با فضیلت ترین و شریف ترین جایگاه بهشت که عدن است سکونت دارند. (5) هنگامی که حضرت خدیجه علیها السلام به شهادت رسیدند حضرت فاطمه علیها السلام بگو: خدای بلند مرتبه برای مادرت خانه ای زرین بنا نهاده که اندوه و هیاهویی در آن نیست. اتاق هایش از طلا و ستون هایش از یاقوت سرخ است و در جوار آسیه و مریم قرار دارد». (6)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

جبرئیل نزد من آمد و گفت: «ای رسول خدا! این خدیجه علیها السلام است. هر گاه نزد تو آمد، بر او از سوی پروردگارش و از طرف من، سلام برسان: «وَبَشِّرِ بَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ وَلَا نَصَبَ»؛ و او را به خانه ای از یک قطعه (از زبرجد) در بهشت مژده بده که در آن رنج و ناآرامی نیست». (7)

مطابق بعضی، روایات، آن حضرت فرمودند:

ص: 298

1- احمد بن ابی یعقوب، 4731.

2- جلال زاده میبدی، خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت 5931، ر.ک: ابن ابی عاصم، ج 5، ص 183.

3- سید بن طاووس، الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ج 1، ص 192.

4- بخاری، صحیح البخاری، ج 4، ص 192.

5- نک: کلینی، الکافی، ج 1، ص 135 - 235

6- جلال زاده، میبدی، خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت، 5931

7- ابن بطریق، عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار، 7041.

امرتان آبشر خدیجه علیها السلام بییت...؛

از طرف خداوند مأمور شده ام که خدیجه علیها السلام را به خانه ای بلورین مژده دهم که در آن رنج و ناآرامی نیست. (1)

حضرت خدیجه علیها السلام در ادعیه، زیارات و خطبات

اشاره

زیارت مأثوری در مورد حضرت خدیجه علیها السلام در دست نیست، اما مقام شامخ حضرت خدیجه علیها السلام را در ادعیه ها سخنان معصومان و خطبه های بزرگان دین می توان مشاهده نمود در بیشتر زیارت نامه هایی که از طرف امامان معصوم علیهم السلام و اولیای خدا برای امامان و امام زادگان علیهم السلام تنظیم شده، از خدیجه کبری علیها السلام یاد گردیده و پس از سلام به پیامبران اولوالعزم، به ایشان سلام داده شده تا همواره یاد ایشان در خاطره ها تجدید گردد و زائران با ایمان به پیشگاه او سلام عرض کنند و او را در خانه خداوند واسطه قرار دهند.

الف) دعای ندبه

در بخشی از دعای ندبه که از ناحیه مقدسه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شده است می خوانیم:

أَيُّ ابْنِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَبُنِّ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَبُنِّ خَدِيجَةَ الْغُرَّاءِ؛

کجاست پسر پیامبر برگزیده و پسر علی پسندیده و پسر خدیجه بلند مقام.

ب) خطبه امام حسن علیه السلام در مقابل معاویه

در عصر خلافت امام حسن مجتبی علیه السلام هنگامی که معاویه بر اوضاع مسلط شد، در حضور مردم و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام، بر بالای منبر رفت و تا توانست به ساحت مقدس امیرالمؤمنین علی علیه السلام جسارت کرد و ناسزا گفت.

ص: 299

1- محمدی اشتهاردی، خدیجه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله اسطوره ایثار و مقاومت 7731؛ رک: کشف الغمه، ج 2، ص 17

امام حسن علیه السلام برخاستند و فرمودند:

ای آن که علی علیه السلام را به بدی یاد کردی! منم حسن و پدرم علی علیه السلام است و تویی معاویه، پدرت صخر است؛ مادر من فاطمه علیها السلام است و مادر تو هند؛ جد من رسول خدا صلی الله علیه و اله است و جد تو حرب «و جدتی خدیجه علیها السلام و جدتک فتیله...»؛ جد من خدیجه علیها السلام است ولی جد تو فتیله (زن زشتکار جاهلیت)؛ خداوند لعنت کند از ما آن کس که نامش پلید و حسب و نسبش پست و سابقه اش بد و دارای کفر و نفاق است

گروه های مختلفی که در مسجد بودند گفتند: «آمین». (1)

ج) خطبه امام حسین علیه السلام در روز عاشورا

امام حسین علیه السلام در روز عاشورا در خطبه ای خود را به دشمن معرفی کردند؛ از جمله فرمودند:

(أَشَدُّكُمْ لِلَّهِ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدَّتِي خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ أَوَّلُ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِسْلَامًا؟)

شما را به خدا سوگند می دهم! آیام می دانید که مادر بزرگ من خدیجه علیها السلام دختر خویلد، نخستین زن این امت بود که اسلام را پذیرفت؟

همه حاضران گفتند «آری!». (2)

د) خطبه امام سجاد علیه السلام در مجلس یزید

امام سجاد علیه السلام در مجلس شاهانه یزید در دمشق در بخشی از خطبه خود چنین فرمودند:

أَنَا بَنُ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى؛ مِنْ پسر خدیجه بانوی بزرگ اسلام هستم!

ص: 300

1- مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، 7731 ه.ق.

2- محمدی اشتهاردی، خدیجه علیها السلام همسر پیامبر صلی الله علیه و آله اسطوره ایثار و مقاومت 7731، رک: بحار الانوار، ج 44،

جالب این که لقب «کبری» را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ایشان داده بودند. [\(1\)](#)

ه) خطبه حضرت زینب علیها السلام در روز یازدهم محرم

حضرت زینب علیها السلام در روز یازدهم محرم سال 61 قمری هنگامی که کنار پیکرهای پاره پاره شهیدان آمدند مطالبی جان سوز فرمودند؛ از جمله: «بابی خدیجه الکبری؛ پدرم به فدای خدیجه علیها السلام بانوی بزرگ باد!» [\(2\)](#)

نتیجه

هر چند زیارت نامه مأثوری درباره حضرت خدیجه علیها السلام در دست نداریم آیات و روایات وارده در توصیف مقام و منزلت این بانوی بزرگ تاریخ بشریت، هرگز پوشیده نخواهد ماند. اگر چه دشمنان در طول تاریخ سعی در کم رنگ جلوه داده شأن این بزرگوار داشته اند ولی به راستی آثار و برکات تلاش های آن حضرت در گسترش دین مبین اسلام تا قیام قیامت باقی خواهد ماند و چراغ راه حق طلبان خواهد بود.

ص: 301

1- بحار الانوار، ج 44، ص 471

2- همان، ج 54، ص 95.

1. ابن بطریق ، یحیی بن حسن، عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار، کتابخانه دیجیتال قائمیه
2. آقابابایی، مهدی، سیری در زندگانی ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام، چاپ: مهدی آقابابایی؛ نشر دیجیتال، اصفهان مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه 1388 ش.
3. بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت: دار الکتب العلمیه، 1405 ق.
4. تهرانی، حسین، فضائل و مناقب ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام قم: طوبای محبت، 1394 ش.
5. جلال زاده میبدی، سید محمد حسین، خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت . قم: انتشارات مشهور 1395 ش.
6. جمعی از نویسندگان حضرت خدیجه علیها السلام مادر ام اییها ناشر چاپی: التوحید، ناشر دیجیتال: کتابخانه دیجیتال قائمیه بی تا.
7. حلّی، رضی الدین علی، العدد القویه لدفع المخاوف الیومیه، قم: مکتبه آیت الله المرعشی، 1408 ق.
8. سید نژاد، سیدرضی، اسوه های جاویدان، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، 1389 ش.
9. قاسمی، ابراهیم، فلاح، رضا، خدیجه علیها السلام مروارید حجاز، قم: علامه بهبهانی، 1391 ش.
10. مجلسی، محمد تقی، بحار الانوار، بیروت: الوفا، بی تا.
11. محمدی اشتهاردی، محمد، خدیجه علیها السلام همسر پیامبر صلی الله علیه و آله اسطوره ایثار و مقاومت تهران: انتشارات نبوی 1377 ش.

12. مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، تهران: دار الکتب الاسلامیه، 1377 ق.
13. نمازی شیخ علی، مستدرک سفینه بحار. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسين، 1405 ق.
14. هاشمی نژاد، اکرم سادات، سرور زنان جهان ام المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام. تهران: نوآور، 1392 ش.
15. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی، 1374 ق.

چکیده

سرمایه اجتماعی فضای روابط بین فردی است و نقش اساسی به عنوان یک مؤلفه مهم در پیشرفت هر جامعه ایفا می نماید و به ثروت نامرئی جامعه شهرت دارد بی شک کسانی بهترین تولیدکنندگان سرمایه اجتماعی هستند که روابطی موفق دارند از آن رو بدیهی است پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و خانواده ایشان بیشترین سهم را در افزایش سرمایه اجتماعی در تاریخ بشریت داشته اند لذا در این نوشتار به سیره حضرت خدیجه علیها السلام با لحاظ اوضاع خاص اجتماعی ایشان توجه شد این سیره می تواند مبنا و کلید روابط اجتماعی مردم عصر حاضر باشد مقاله پیش رو با استفاده از روش کتابخانه ای و به شیوه تحلیلی - توصیفی به این سؤال می پردازد که حضرت خدیجه در افزایش سرمایه اجتماعی چه نقشی را ایفا کردند حضرت با بهره مندی از اعتماد، اجتماعی در نقش های مختلف از جمله کارآفرین شهروند و همکار و مشارکت های اجتماعی و مدنی توانستند سرمایه اجتماعی را افزایش دهند.

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام، سرمایه اجتماعی، نقش اجتماعی

مقدمه

ص: 304

با نگاهی گذرا به جوامع بشری از دیر باز تاکنون از سرمایه اجتماعی به عنوان یک شاخص مهم در پیشرفت و تکامل زندگی اجتماعی می توان نام برد. بر اساس چنین رویکردی سرمایه اجتماعی بحث تازه ای نیست و دارای قدمتی به طول تاریخ حیات بشر است. حال چرا امروزه سرمایه اجتماعی تا این حد اهمیت یافته و توجه بسیاری را به خود اختصاص داده است؟

حقیقت امر آن است که امروزه با پیشرفت علوم اجتماعی، مهم بودن فضای بین روابط فردی نسبت به قبل بر همگان مشخص گردیده است. از این رو، بسیاری از مطالعات حال، حاضر به سرمایه اجتماعی مربوط می شود و کاوش در جهت عملی نمودن آن است.

بی شک یکی از نقش ها در تعیین سرمایه اجتماعی هر جامعه، نقش شهروندی است. از ویژگی های شهروند مطلوب می توان مشارکت در امور اجتماعی، مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی را نام برد. با نگاهی گذرا به تجربه تاریخی بشر و با تکیه بر غنای اسناد که مهم ترین آن قرآن است، می توان حضرت خدیجه علیها السلام را به عنوان یک شهروند مطلوب و فعال معرفی نمود و از رفتار و سیره ایشان به عنوان الگویی مؤثر در روابط اجتماعی بهره های فراوان جست.

بر اساس برخی روایات ایشان شخصیتی بودند که خدا به وجودشان مباحثات می کرد: (1) (فَلَا تَطُنِّي يَا خَدِيجَةَ إِلَّا خَيْرًا، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لِيُبَاهِيَ بِكِ كِرَامَ مَلَائِكَتِهِ كُلِّ يَوْمٍ مَرَارًا) (2). این بانوی نواندیش و آزادی خواه دنیای عرب و اسلام، پیش از ظهور اسلام در جامعه خود از سویی بانوی خرد و شعور و اندیشه بود و از سویی، بانوی مدیریت و شکوه و درایت (3) از دگر سو، پس از ظهور اسلام، گسترش اسلام مرهون بخشش و جهاد مالی آن بانوی نمونه است تا آن جا که

ص: 305

1- کرمی فریدونی، فروغ آسمان حجاز خدیجه، ص 61

2- مجلسی بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار، ج 87، ص 61؛ عاملی، موسوعه المصطفی و العتره فاطمه الزهراء، ص 32

3- کرمی فریدونی، فروغ آسمان حجاز خدیجه علیها السلام، ص 51.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: (مَا قَامَ وَلَا اسْتَقَامَ الدِّينُ إِلَّا بِسَيْفِ عَلِيٍّ وَ مَالِ خَدِيجَةَ) (1) و در جای دیگری فرمودند: (مَا نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مِثْلَ مَا نَفَعَنِي مَالِ خَدِيجَةَ) (2)

این نوشتار ضمن تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی به بررسی نقش حضرت خدیجه علیها السلام در افزایش این سرمایه در ساحت نظری و عملی در یازده مؤلفه اعتماد، اجتماعی اعتماد میان نژادهای مختلف، مشارکت سیاسی عادی، مشارکت سیاسی، نقادانه مشارکت مدنی رهبری، مدنی پیوندهای اجتماعی غیررسمی بخشش و روحیه داوطلبی، مشارکت، مذهبی، عدالت در مشارکت مدنی و نوع معاشرت ها و دوستی ها پرداخته است بهره مندی از سیره حضرت خدیجه علیها السلام در عصر جاهلی و ظهور اسلام که شامل تمایزهای ویژه فرهنگی اجتماعی سیاسی و علمی است می تواند دستاورد بسیار مهمی برای زمان حاضر در پی داشته باشد که جامعه بشری بار دیگر در دوره گذار قرار گرفته است. دوران زندگی ایشان با توجه به اوضاع خاص سیاسی و اقتصادی، می تواند الگوی مناسبی در زمینه تولید و افزایش سرمایه اجتماعی باشد.

درباره پیشینه موضوع می توان گفت که تاکنون مقاله ای در حوزه سرمایه اجتماعی با الگوگیری از حضرت خدیجه علیها السلام الله به چاپ نرسیده است. مقاله ها و کتب متعددی درباره سرمایه اجتماعی به چاپ رسیده از جمله: سرمایه اجتماعی نوشته مهدی الوانی و علی رضا شیروانی، سرمایه اجتماعی اعتماد، دموکراسی و توسعه، اثر کیان تاج بخش و مقاله هایی چون «مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه های سرمایه اجتماعی»، اثر غلام عباس توسلی و مرضیه موسوی.

نقش اجتماعی

«نقش» در دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی این گونه تعریف شده است:

ص: 306

- 1- عاملی، صفوة الصحیح من سیره النبی الأعظم، ص 321؛ قزوینی، بی تا، 52.
- 2- عاملی، موسوعه المصطفی والعترة فاطمه الزهراء، ج 4، ص 8؛ طوسی، 4141، 864.

افراد بر اساس شغل و وظیفه ای که اختیار می کنند نقش های متفاوتی را دارا می شوند نقش های اجتماعی پاسخی است به انتظارات پیرامون وظیفه و شغلی که فرد عهده دار آن است (1)

آلن بیرو، نقش اجتماعی را نحوه پاسخ به انتظار دیگران، تعریف می کند. (2)

نقش اجتماعی از نظر ساروخانی به معنای پدیده های نه فردی بلکه دقیقاً جمعی هستند. (3)

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی به عنوان توانایی افراد برای کار با یک دیگر در جهت اهداف عمومی در گروه ها و سازمان ها تعریف می شود (4) گوردن در فرهنگ جامعه شناسی خود می نویسد:

کلمن از سرمایه اجتماعی برای توصیف انواع روابط موجود میان افراد در درون خانواده ها و اجتماعات استفاده می کرد که گفته می شود تأثیر زیادی بر سطوح موفقیت تحصیلی دارند. (5)

از نظر پاتنام منظور از سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون سازمان های اجتماعی نظیر، اعتماد هنجارها و شبکه هاست که می توانند با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ کارایی جامعه را بهتر کنند (6)

چارچوب نظری

هانی فان در سال 1916 اصطلاح سرمایه اجتماعی را برای اولین بار در

ص: 307

1- شایان، دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، ص 543

2- بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ص 377

3- ساروخانی، دایره المعارف علوم اجتماعی، ص 725

4- Fukuyama, 1999

5- گوردن فرهنگ جامعه شناسی، ص 1081

6- ازکیا غفاری، جامعه شناسی توسعه، ص 392.

مقاله ای مطرح کرد (1) پس از او شخصی به نام «ژان ژاکوب» این اصطلاح را به کار برد و منظورش این بود که در حاشیه نشین های شهر ویژگی هایی وجود دارد که آن ها می توانند به خوبی با هم دیگر ارتباط برقرار کنند و گروه هایی را تشکیل دهند که خودشان مسائل و مشکلات خودشان را حل کنند (2) پیر بورديو در سال 1972 اولین بار سرمایه اجتماعی را به طور سیستماتیک توضیح داد. (3) سپس گلن کارتمان لوری در سال 1977 سرمایه اجتماعی را از منظر مباحث اقتصاد درون شهری به چالش کشید. (4) جیمز کلمن در دهه 1980 فصل مهمی از کتاب بنیان های نظریه اجتماعی خود را به بحث سرمایه اجتماعی اختصاص داد و در سراسر کتاب نیز به توضیح عناصر و اجزای آن پرداخت. مفهوم سرمایه اجتماعی در دهه 1990 توسط بانک جهانی معروف شد. (5) در سال های اخیر، کلمن و پاتنام اعتبار و آوازه فراوانی به سرمایه اجتماعی بخشیدند. (6) سرمایه اجتماعی در سطح کلان مواردی از قبیل اعتماد اجتماعی، وفاق اجتماعی، انسجام و هم بستگی اجتماعی را شامل می شود (7)

نظریه رابرت پاتنام نظریه مورد استفاده در این مقاله است. پاتنام یکی از اندیشه وران و نظریه پردازان مفهوم سرمایه اجتماعی است. پاتنام سرمایه اجتماعی را فراتر از سطح فردی به کار می گیرد. (8) او تأثیر کارکرد دین بر سرمایه اجتماعی را فعالیت اجتماعی می داند. (9) او به چگونگی کارکرد سرمایه اجتماعی

ص: 308

Ledere .1, 2005.3؛ Jans,2011،12 -1

Euler, 2006،11 -2

Gefken, 2012 -3

Haug, 1997.2 -4

5- پیراهری، «سرمایه اجتماعی در نظریات جدید»، 1388.

6- شریفیان ثانی، «سرمایه اجتماعی، مفاهیم اصلی و چارچوب نظری»، 1380.

7- رضوانی گیل، کلانی، سرمایه اجتماعی، ص 95

8- خیر خواه بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری سازمان مطالعه موردی ادارات آموزش و پرورش استان کردستان، ص 20

9- علینی، 1391، 156.

در سطح منطقه ای و ملی و تأثیر آن بر نهادهای دموکراتیک می پردازد. (1) سرمایه اجتماعی در نظریه، پاتنام به معنای اعتماد هنجارها و شبکه های تسهیل کننده همکاری بین اعضا برای رسیدن به منافع مشترک است. (2)

منابع سرمایه اجتماعی در دیدگاه، پاتنام متشکل از اعتماد، هنجارهای روابط زیر دستان متقابل و شبکه های افقی تعامل است که خود تقویت کننده و خود افزون هستند. از نظر او ویژگی باز تولیدی سرمایه اجتماعی، به تعامل اجتماعی همراه با سطح بالایی از همکاری اعتماد، بده و بستان و روابط، متقابل مشارکت مدنی و رفاه اجتماعی می انجامد. (3)

از دلایل انتخاب این دیدگاه می توان به مواردی از قبیل: تناسب نظریه با توجه به مصادیق مورد استفاده در مقاله و هم چنین کاربردی بودن این نظریه با توجه به هدف اصلی نوشتار اشاره کرد که بررسی نقش حضرت خدیجه علیها السلام در افزایش سرمایه اجتماعی است.

ابعاد سرمایه اجتماعی

اشاره

سرمایه اجتماعی در طبقه بندی های مختلف شامل ابعادی است که گروه کندی دانشگاه هاروارد کامل ترین آن را انجام داده است. متغیرهای اعتماد، هنجار تعهدات و روابط متقابل و تعیین هویت مشترک تا حدودی در این دسته بندی ملاحظه می شود که به شکل تطبیقی به انجام رسیده است. این گروه مطالعاتی (4) ابعاد یازده گانه ذیل را شناسایی کرده اند: (5)

ص: 309

-
- 1- خیر خواه بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری سازمان مطالعه موردی ادارات آموزش و پرورش استان کردستان، ص 20
 - 2- الوانی و شیروانی، سرمایه اجتماعی (مفاهیم، نظریه ها و کاربردها)، ص 29
 - 3- پاتنام، 1392، 306
 - 4- The Saguaro Seminar, America, 2000
 - 5- اعتماد اجتماعی؛ اعتماد میان نژادهای مختلف؛ مشارکت سیاسی عادی و نقادانه؛ مشارکت مدنی؛ رهبری مدنی؛ پیوندهای اجتماعی غیررسمی؛ بخشش و روحیه داوطلبی؛ مشارکت مذهبی؛ عدالت در مشارکت مدنی؛ تنوع معاشرت ها و دوستی ها

1. اعتماد اجتماعی

اعتماد از عناصر مهم اجتماع به شمار می آید؛ زیرا زمینه ساز مشارکت است و همکاری را تسهیل (1) می کند و باعث سرعت بخشی در زمینه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی می شود.

اوسلانر با توجه به رابطه بین اعتماد و شبکه های اجتماعی استدلال می کند که اعتماد مشکلات افراد در مورد پیوند با دیگران را حل می کند. هم چنین اعتماد اجتماعی ما را نسبت به افرادی پیوند می دهد که با آن ها آشنا نیستیم. (2) با تکیه بر این تعریف می توان از جمله مصادیق رفتاری اعتماد را تمایل به ازدواج تمایل به انجام دادن معامله و تمایل به مشارکت نام برد. (3)

حضرت زینب علیها السلام در نقش های مختلف خود در جامعه با بهره گیری از، اعتماد موجب بالا بردن سرمایه اجتماعی شد برای مثال در نقش یک شهروند به پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشنهاد ازدواج کرد. (4) در جای دیگر در نقش مادری، پس از پرورش تعقل با و سپاری مهارت تربیتی به دست شان با انکا به اراده و آزادی آن ها (5) نمونه هایی چون رقیه، زینب و هند را تربیت نمود که هر کدام در زندگی خوش درخشیدند و در نظر اندیشه وران و صاحب نظران در ردیف یاران بزرگ و با اخلاص پیامبرند. (6)

2. اعتماد میان نژادهای مختلف

این، بعد نسبت اعتماد را میان نژادهای مختلف جامعه بررسی می کند شعاع اعتماد به ویژه میان نژادهای گوناگون در فرهنگ های مختلف به

ص: 310

1- Braun 2005

2- امام جمعه زاده و مرندی، 1931

3- شریفی، 1387.

4- مقدسی، البدء و التاريخ، ج 4، 138؛ طبری، تاریخ طبری تاریخ الامم و الملوك، ج 2، ص 35

5- رحیمی منشور تربیت علوی بازخوانی یک نامه، ص 30

6- کریمی فریدونی، فروغ آسمان حجاز خدیجه، ص 102.

گونه های متفاوت دیده می شود. (1) بانوی خرد و اندیشه با اعتماد به نژادهای مختلف توانست به حفظ اسلام و گسترش آن کمک شایانی نماید. برای نمونه، در نقش یک دانش پژوه به محضر عالمان ادیان مختلف از جمله ورقه بن نوفل می رفت. (2) به عنوان یک مسلمان، اموالی را می پذیرفت که خواهرزاده اش ابوالعاص که در آن زمان کافر بود به شعب می رساند. (3) بعد از وفات ایشان زنی سیاه چهره نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و آن حضرت او را پاس داشتند و از دیدن او خوشحال شدند عایشه پرسید: «ای رسول خدا! چرا این زن سیاه چهره را چنین گرامی داشتید؟» آن حضرت فرمود: «زیرا این زن بارها نزد خدیجه می آمد». (4)

3. مشارکت سیاسی عادی و نقادانه

مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران در سیاست گذاری عمومی است و بیعت یکی از مصادیق بارز آن به شمار می آید. بانوی نواندیش و هوشیار عصر جاهلی اولین زنی بود که با پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت نمود و اسلام آورد «ان اول من اسلم خدیجه» (5)

5. مشارکت مدنی

منظور آن است که افراد جامعه تا چه اندازه در انواع گروه های مذهبی، ادبی، هنری و غیره فعالیت می کنند. (6) بی شک یکی از نقش ها در تعیین سرمایه

ص: 311

1- زارعی، «اعتماد و نهادهای مدنی به مثابه کارگزاران سرمایه اجتماعی»، پژوهش نامه پژوهشکده تحقیقات استراتژیک ش 16، ص 76-89

2- مجلسی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار، ج 74، ص 193.

3- طبرسی، اعلام الوری با علام الهدی، ص 128

4- عجلونی، كشف الخلفاء و مزيل الالباس عما اشتهر من الاحاديث على السنه الناس، ج 1، ص 409؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری شرح صحیح بخاری، ج 10، 425.

5- ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج 6، 12؛ تتوی، احمد بن نصر الله، قزوینی، آصف خان، تاریخ الفی (تاریخ هزار ساله اسلام)، ج 1، ص 257

6- الوانی نقوی، «سرمایه اجتماعی مفاهیم و نظریه ها»، مطالعات مدیریت بهبود و تحول، سال دوازدهم ش 34 - 33، ص 3-26

اجتماعی هر جامعه، نقش شهروندی است. حضرت در نقش یک شهروند، فعالیت های اجتماعی تأثیر گذاری داشتند. برای نمونه، منزل ایشان مرکز انجمن علمی و ادبی بود و حضور فعالی در انجمن ادبی داشتند. (1) ایشان در وصف پیامبر صلی الله علیه و آله شعرهای زیبایی سروده اند. (2)

قلب المحب الی الاحباب مجذوب *** و جسمه بید الاسقام منهوب

وقائل کیف طعم الحب قلت له *** الحب عذب و لکن فیه تعذیب

اقدی الذین علی خدی لبعدهم *** دمی و دمی مسفوح و مسکوب

ما فی الخیام و قد سارت رکابهم *** الا محب له فی القلب محبوب

کانما یوسف فی کل ناحیه *** و الحزفی کل بیت فیه یعقوب (3)

و در جایی دیگر در نقش همکار در پاسخ درخواست همکارش ابوطالب برای پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

اگر از طرف شخص ناآشنا و منفور بود ما انجام می دادیم و الان که برای عزیزمان است حتماً هر کاری را که بتوانیم انجام می دهیم. (4)

6. رهبری مدنی

به میزان مشارکت افراد در گروه ها باشگاه ها انجمن ها و امور شهریا مدرسه و نظایر آن می پردازد و این سؤال را مطرح می سازد که فرد تا چه اندازه در این گروه ها و انجمن ها نقش رهبر را ایفا می کند. برابر اسناد تاریخی و روایی موجود، او در مدیریت موفق و متریقی خویش از اصول مدیریت اسلامی از جمله سنجش کارها بدون داشتن حب و بغض، نظارت و کنترل، روح صمیمت و یگانگی، انصاف، به خدمت گرفتن افراد لایق و تقسیم کار بهره در مورد برنامه ها مدیران و کارکنان خویش بهره می جست؛ برای، نمونه از میسرره که همراه پیامبر بود، گزارش

ص: 312

1- امینی الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، ج 2، ص 38

2- مجلسی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج 16، ص 29.

3- مجلسی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج 16، ص 29.

4- یمانی، ام المومنین خدیجه علیها السلام بنت خویلد بانویی در قلب مصطفی، ص 62

سفر تجاری شام را درخواست نمود. (1) پیامبر در مورد مدیریت ایشان فرمودند:

ما رأيت من صاحبة لأجير خيرا من خديجة؛ (2) ما كنا نرجع أنا و صاحبي إلا وجدنا عندها تحفة من طعام تخبوه لنا؛ (3)

من مدیر و کارفرمایی پرمهر تر و حق شناس تر و بهتر از خدیجه نسبت به کارکنان و کارگزاران و همکارانش ندیدم هر گاه من و دوستم پس از کار، نزد او می رفتیم، غذای گوارایی را به ما هدیه می نمود که به اشاره او برای ما آماده شده بود.

7. پیوندهای اجتماعی غیررسمی

این بعد به سنجش جنبه های غیررسمی می پردازد؛ مانند تعداد دوستان یک فرد میزان معاشرت فرد با دوستان خود و دیدار از فامیل (4) حضرت مرادوات عاقلانه بسیاری داشتند؛ برای نمونه در نقش یکی از اعضای طایفه روزی در جمع زنان قوم خویش بود که مردی با صدای بلند رو به جمع حاضر گفت: «یکی از شما با یک پیامبر ازدواج می کنید!» در آن هنگام حاضران به آن مرد ناسزا گفتند و فقط آن بانوی خرد و اندیشه بر خلاف دیگران سکوت کرد. (5) روایت شده است که حلیمه سعیدیه در ایام خشک سالی به منزل خدیجه کبری آمد. آن بانوی را بسیار تکریم کرد و برای قدردانی از زحمات دایه همسرش چهل گوسفند و یک شتر به او هدیه داد. (6) هم چنین روایت کرده اند که خدیجه طاهره، ثوبه کنیز ابولهب را گرامی می داشت شخصی که اولین بار به پیامبر شیر داده بود. (7)

ص: 313

1- ابن عساکر، تاریخ مدینه، دمشق، 317، کحاله، اعلام النساء في عالمی العرب و الاسلام، 327.

2- اربلی، کشف الغمة في معرفة الائمة، ج 1، ص 480

3- ابن سید الناس، عیون الأثر في فنون المغازی و الشمانل و السیر، ج 1، ص 73.

4- الوانی، نقوی، «سرمایه اجتماعی مفاهیم و نظریه ها»، مطالعات مدیریت بهبود و تحول سال دوازدهم ش 33-34، ص 26-3.

5- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 11، ص 6

6- بلاذری، انساب الاشراف، ج 1، ص 95.

7- بلاذری، همان، ج 1، ص 95-96

8. بخشش و روحیه داوطلبی

عضویت و همکاری با نهادهای خیریه و داوطلبانه یکی از روش های اندازه گیری روابط افراد جامعه است. (1) یکی از ویژگی های تحسین برانگیز بانوی حجاز بخشندگی او بود جهاد مالی و سخاوتمندانه حضرت خدیجه علیها السلام در راه تکوین اسلام بی شک او را از مصداق های والای همه آیاتی می گرداند که خداوند مؤمنان را در آن آیات به جهاد جان و مال ستوده است؛ برای نمونه، بسیاری از مفسران در تفسیر آیه (وَ جَدَّكَ عَائِلًا فَاعْنَى) نوشته اند: «ثروت حضرت خدیجه علیها السلام پیامبر را بی نیاز کرد». (2) هم چنین مردم به ایشان «ام الصعاليك و ام الايتام» می گفتند.

9. مشارکت مذهبی

مذهب و دین نقشی حیاتی در سرمایه اجتماعی دارد. افراد بر حسب دین و مذهب خود ممکن است منشأ مشارکت باشند مانند حضور و فعالیت در مساجد، اماکن مذهبی و زیارتی (3) در این بعد می توان به حضور حضرت خدیجه در نماز جماعت در نقش زن مسلمان اشاره کرد. (4)

10. عدالت در مشارکت مدنی

در برخی جوامع تمایل به سوی افراد ثروتمند تحصیلات عالی و نژاد خاصی است و بالعکس در برخی جوامع دیگر افراد فقیر در اولویت قرار دارند. (5) بانوی

ص: 314

-
- 1- الوانی، نقوی، «سرمایه اجتماعی مفاهیم و نظریه ها»، مطالعات مدیریت بهبود و تحول سال دوازدهم ش 34 - 33، ص 3-26
 - 2- طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 10، ص 296.
 - 3- الوانی، نقوی، «سرمایه اجتماعی مفاهیم و نظریه ها»، مطالعات مدیریت بهبود و تحول، سال دوازدهم ش 34 - 33، ص 3-26.
 - 4- ابن اثیر، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج 7، ص 80
 - 5- الوانی، نقوی، «سرمایه اجتماعی مفاهیم و نظریه ها»، مطالعات مدیریت بهبود و تحول، سال دوازدهم، ش 34 - 33، ص 3-26

خردمند حجاز برای برقراری عدالت اجتماعی در نقش کارآفرین عصر خویش، گام‌های مهمی در جهت یکسان‌سازی جامعه برداشت. وی قراردادهای مختلف ابتکاری و متنوعی با افراد می‌بست و با تسهیلاتی جالب و عادلانه آنان را به کار می‌گماشت. برای نمونه با محمدامین صلی الله علیه و اله قرارداد بست (1)

11. تنوع معاشرت‌ها و دوستی‌ها

میزان معاشرت و رفاقت فرد با طبقات مختلف اجتماعی، نژادها، اقوام و مذاهب و ادیان مختلف را می‌سنجد. (2) معاشرت و دوستی حضرت با مردم بسیار گسترده بود؛ از جمله با علما مانند ورقه بن نوفل (3) و با مستمندان (4).

دوستی‌های حضرت بسیار عمیق بود تا آن‌جا که پیامبر بعد از وفات ایشان هنگامی که گوسفندی ذبح می‌کردند، سهمی را برای دوستان خدیجه قرار می‌دادند. (5)

نتیجه

به منظور بررسی نقش اجتماعی حضرت خدیجه در افزایش سرمایه اجتماعی پس از مرور پیشینه نظری مرتبط با موضوع مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی از قبیل اعتماد مشارکت و عدالت‌شناسایی گردید. پس از تحقیق و تحلیل در کتب علوم اجتماعی تاریخی و روایی مشخص گردید حضرت نقش چشمگیری در افزایش سرمایه اجتماعی داشته‌اند.

ساختار نا به سامان فرهنگی جدای از فرهنگ جاهلی حاکم بر جزیره العرب

ص: 315

-
- 1- السیلاوی، الأنوار الساطعة من الغراء الطاهرة خدیجة بنت خویلد، ص 36
 - 2- الوانی نقوی، «سرمایه اجتماعی مفاهیم و نظریه‌ها»، مطالعات مدیریت بهبود و تحول سال دوازدهم ش 34 - 33، ص 26-3.
 - 3- بخاری، 1422، ج 6، ص 173؛ الساعاتی، الفتح الربانی لترتیب مسند الإمام أحمد بن حنبل الشیبانی و معه بلوغ الأمانی من أسرار الفتح الربانی، ج 10، ص 174.
 - 4- مجلسی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار، ج 16، ص 22.
 - 5- امین، اعیان الشیعه، ج 6، ص 312؛ القاری، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ج 11، ص 330.

نبود رفتارهای زشت و عادات نا به هنجار حاکم بر جامعه، مظهر و پس ماندگی متأثر از فرهنگ جاهلی بود که همین عامل مهم ترین ریشه کندی آهنگ تحولات فرهنگی به شمار می آمد. امر دشوار فراگرد اجتماعی به تغییر مناسبات فرهنگی و جایگزینی ارزش های اسلامی به جای هنجارهای جاهلی، کاری بس دشوار و در ظاهر ناممکن بود.

حضرت خدیجه علیها السلام در نقش های مختلف توانستند سرمایه اجتماعی را افزایش دهند؛ از جمله:

1. بهره مندی از اعتماد اجتماعی در نقش هایی مانند کارآفرین، شهروند و همکار؛

2. با حسن ظن و اعتماد میان نژادهای مختلف در نقش هایی چون کارآفرین دانشجو و زن مسلمان؛

3. مشارکت سیاسی؛

4. مشارکت مدنی در نقش همکار؛

5. مدیریت کاروان، تجاری با به کارگیری اصول رهبری؛

6. ایجاد پیوندهای اجتماعی غیررسمی در نقش دوست؛

7. بخشش و روحیه داوطلبی در نقش همسر؛

8. مشارکت مذهبی؛

9. رعایت عدالت در نقش مدیریت؛

10. معاشرت گسترده با مردم.

ص: 316

1. اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة في معرفه الاثمه، قم: الشريف الرضي بی تا.
2. ازکیا، مصطفی و غلام رضا غفاری جامعه شناسی توسعه، تهران: کیهان، 1384 ش.
3. امینی، عبد الحسین، الغدير فی الكتاب و السنه و الادب، تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
4. ابن اثیر، عزالدین، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: دارالکتب العلمیه 1415 ق.
5. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح بخاری، بیروت: دار المعرفه، بی تا.
6. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بیروت: دارالفکر، 1414 ق.
7. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الامائل او احتاز بنواحيها من واردیها و اهلها، بیروت: دارالکفر، 1418 ق.
8. ابن سید الناس، محمد بن محمد، عیون الأثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر بیروت: دار المعرفه، 1414 ق.
9. البنا الساعاتي احمد بن عبد الرحمان بن محمد، الفتح الرباني لترتيب مسند الإمام أحمد بن حنبل الشيباني و معه بلوغ الأمانی من أسرار الفتح الرباني، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
10. السیلاوي، غالب، الأنوار الساطعة من الغراء الطاهرة خديجة بنت خويلد بیجا غالب سیلاوي، 1421 ق.
11. القاری، علی، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، بیروت: دارالفکر، 1992 م.
12. الوانی، مهدی و علیرضا شیروانی، سرمایه اجتماعی (مفاهیم، نظریه ها و

13. الوانی، مهدی و میرعلی نقوی، «سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه ها»، مطالعات مدیریت بهبود و تحول، سال دوازدهم، شماره 33-34: 26-3، 1381. ش.
14. امین، محسن، اعیان الشیعه، بیروت: دارالمتعارف للمطبوعات، بی تا.
15. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، بیروت: دارالفکر، 1417 ق.
16. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، مترجم باقر ساروخانی، تهران: کیهان، 1375 ش.
17. پاتنام، رابرت دموکراسی و سنت های مدنی مترجم محمدتقی دل افروز تهران: جامعه شناسان، 1392 ش.
18. پیراهری نیر «سرمایه اجتماعی در نظریات جدید»، پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال سوم، ش 1: 111 - 110، 1388 ش.
19. تتوی، احمد بن نصرالله قزوینی، آصف خان تاریخ الفی (تاریخ هزار ساله اسلام) تهران علمی و فرهنگی، 1382 ش.
20. حسینیان قمی، مهدی، زخم خورشید: کاوشی در زندگی حضرت زهرا، تهران: امیرکبیر، 1379 ش.
21. خیرخواه هوشیار بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری سازمان مطالعه موردی ادارات آموزش و پرورش استان کردستان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، 1390 ش.
22. رضوانی گیل، کلانی غفار، سرمایه اجتماعی تهران: گوهر دانش، 1389 ش.
23. رحیمی، علیرضا، منشور تربیت علوی بازخوانی یک نامه، تهران: نهج 1393 ش.
24. زارعی، ایوب «اعتماد و نهادهای مدنی به مثابه کارگزاران سرمایه اجتماعی»، پژوهشنامه پژوهشکده تحقیقات استراتژیک ش 16: 89-76، 1387 ش.

25. ساروخانی، باقر، دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان، 1370 ش.

26. شایان، مهر علیرضا دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی تهران کیهان 1377 ش.

27. شریفیان ثانی مریم «سرمایه اجتماعی مفاهیم اصلی و چارچوب نظری»، نشریه فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی سال اول، ش 2: 18-5، 1380 ش.

28. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری با اعلام الهدی، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، 1417 ق.

29. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، بیروت: دارالمرتنی 1426 ق.

30. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری تاریخ الامم و الملوك، بیروت: دار الکتب العلمیه، 1408 ق.

31. طوسی، محمد بن حسن، امالی، قم: دار الثقافه، 1414 ق.

32. عاملی، جعفر مرتضی، صفوة الصحيح من سيرة النبي الأعظم، تهران: بعثه مقام معظم رهبری معاونت امور روحانیون، 1388 ش.

33. عاملی، جعفر مرتضی، الصحيح من سيره النبي الاعظم، صلى الله عليه و اله بیروت، بیروت: المركز الاسلامی للدراسات، 1427 ق.

34. عاملی، جعفر مرتضی، موسوعه المصطفى والعترة فاطمه الزهراء، قم: الهادی، 1415 ق.

35. عجلونی، اسماعیل بن محمد، كشف الخلفاء و مزيل الالباس عما اشتهر من الاحاديث على السنه الناس، بی جا: مكتبه العلم الحديث بی تا.

36. علینی، محمد، سرمایه اجتماعی در آموزه های اسلامی، قم: بوستان کتاب 1391 ش.

37. قزوینی، محمدکاظم، فاطمه الزهراء من المهد الى اللحد، بیروت: مؤسسه الاعلمي للمطبوعات، بی تا.

38. کرمی فریدونی، علی، فروغ آسمان حجاز خدیجه علیها السلام، قم: نسیم انتظار، 1383 ش
39. کرمی فریدونی، علی، نیم نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام، قم: نسیم، انتظار، 1389 ش.
40. کحاله، عمر رضا، اعلام النساء في عالمي العرب والاسلام، بیروت: مؤسسه الرساله، 1404 ش.
41. گوردن، مارشال، فرهنگ جامعه شناسی، مترجم حمیرا مشیرزاده، تهران: میزان 1388 ش.
42. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت داراحیاء التراث العربی، 1403 ق.
43. محمد زاده، مرضیه، زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، 1393 ش.
44. مصفا، نسرین مشارکت سیاسی زنان در ایران تهران: وزارت امور خارجه 1375 ش.
45. مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء والتاریخ، مصر: مکتبه الثقافه الدینیه بی تا.
46. یمان، محمد عبده، ام المومنین خدیجه بنت خویلد بانویی در قلب مصطفی، مترجم محمد ابراهیمی شیراز: ایلاف، 1388 ش.

منابع لاتین

Fukuyama, Francis. (1999)." Social Capital and Civil So- ciety" Prepared for delivery at the IMF.1 (International Monetary Fund Conference on Second Generation Reforms. Washington DC(October 1).
<https://www.imf.org/external/pubs/ft/semi-nar/1999/reforms/fukuyama.htm>, accessed February 10,2011

- Lederer, Michael. (2005). Gemeinsam oder Einsam? Von der Funktion und Wirkung von Sozialkapital bei unterschiedlichen Theoretikern. Bregenz, Büro f. Zukunftsfragen
- Jans Manuel. (2011). Sozialkapital und Personalwirtschaft: Ein Modell zur Erklärung der Wirkungen des Beziehungs- und Organisationskapitals auf personalwirtschaftliche Funktionen und Zusammenhänge. München, Rainer HAMPP. <https://books.google.com/books>
- Euler, Mark. (2006). Soziales Kapital Ein Brückenschlag zwischen Individuum und Gesellschaft. Oldenburg, der Carl von Ossietzky Universität Oldenburg
- Gefken, Andreas (2012): Sozialkapital und soziale Ungleichheit – Theorien und Forschungsstand..5 Working Paper SW 2012-2 der Professur für Soziologie des sozialen Wandels, Fachbereich Sozialökonomie, Hamburg: Universität Hamburg
- Haug, Sonja. (1997). Soziales Kapital: Ein kritischer Überblick über den aktuellen Forschungsstand..6 (Mannheim. Mannheimer Zentrum für Europäische Sozialforschung (MZES
- Social Capital Community Benchmark Survey 2000. The Sauguro Seminar: Civic Engagement in America

*نقش و جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در فرآیند تکاملی انقلاب نبوی: عباس علی مشکانی سبزواری (1)

انقلاب نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله (انقلاب نبوی)، هم چون هر انقلاب دیگری، از نقطه ای آغاز شد و با طی فرآیندی مشخص و مدون در مسیر اهداف خود و وصول بدان ها گام برداشت این فرآیند در یک تحلیل در سه مرحله قابل تحلیل است بعثت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، نقطه آغاز انقلاب نبوی بود که تا قبل از هجرت به مدینه مجموعاً پروسه ای سیزده ساله بود و «مرحله ایجاد انقلاب نبوی» به شمار می آید. پس از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه و ایجاد حکومت دینی و تشکیل نهادهای مختلف حکومتی، «مرحله استقرار انقلاب نبوی» آغاز گردید و پروسه استقرار انقلاب تا حجه الوداع ادامه یافت. حجه الوداع و واقعه شکوه‌مند غدیر و تعیین امیرمؤمنان علیه السلام به عنوان جانشین نبوت و آغاز سلسله امامت، نقطه پایانی مرحله استقرار و آغازین گام در مسیر (مرحله) «استمرار و توسعه انقلاب نبوی» به شمار می آید. پیامبر اکرم و اصحاب در هر یک از این، مراحل اقدامات مختلفی انجام داده و هر کدام از نقشی را بر عهده داشته اند. در این میان، نقش شخصیت هایی گران قدر مانند عبدالمطلب، ابوطالب، حمزه سیدالشهداء، فاطمه بنت اسد و حضرت خدیجه، در پیشبرد اهداف الهی نبی مکرم صلی الله علیه و آله از دیده ها پنهان مانده در حالی که نقش این بزرگواران

ص: 322

در مرحله ایجاد انقلاب، نبوی بنیادین و تاثیرگذار بوده است. نوشتار حاضر مروری اجمالی بر شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام و نیز نقش بی نظیر ایشان در مرحله آغازین انقلاب نبوی خواهد داشت؛ شخصیتی که در پرتو تحریف، به فراموشی سپرده شده و نقشی که در سایه حقد و حسد برخی، مغفول و مجهول مانده است! پرداختن به شخصیت این بانوی بزرگوار، علاوه بر تبیین حقایق تاریخی و غنا بخشیدن به «تراث شخصیتی» اسلامی و شیعی می تواند الگوی یک بانوی طراز اسلام و انقلاب اسلامی را به بانوان مسلمان در جوامع اسلامی عموماً و بانوان جامعه شیعی خصوصاً و بانوان ایران اسلامی بالاخص ارائه دهد؛ الگویی از یک بانوی مؤمن، ساده زیست فداکار، ایثارگر اتفاق گر و حامی دین و نبوت و ولایت. گفتنی است این نوشتار با تأکید بر دیدگاه های رهبر انقلاب سامان یافته است.

1. نگاهی اجمالی به شخصیت و فضایل حضرت خدیجه علیها السلام

بر اساس منابع تاریخی، حضرت خدیجه علیها السلام در خانواده ای موحد و مؤمن به آیین ابراهیم حنیف و در مکه دیده به جهان گشود. پدر گران قدر ایشان، «خُوَیْلِد» فرزند، اَسَد و مادر بزرگوارشان، «فاطمه» دخت زائده، از موحدان مکه بودند که از لحاظ نسبی با پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم پیوند داشتند؛ بر این اساس، حضرت خدیجه علیها السلام از لحاظ نسبی از تیره قریش بود که از سوی پدر در نیای سوم (قُصَی) و از سوی مادر در نیای هشتم (لُؤَی) با پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم پیوند نسبی می یافت. (1) اجداد این بانو نیز نسل اندر نسل از بزرگان و موحدان عصر خویش به شمار می رفتند. (2) آن بانو در زمان خود همچون آبا و اجداد خویش، از لحاظ حسب نسب و ثروت و شخصیت در زمره سرآمدان و بلکه در رأس آن ها قرار داشت؛ چنان که رهبر انقلاب در این باره می فرماید:

ص: 323

1- نک ابن هشام، السیره النبویه، ج 2، ص 8

2- نک، سیلاوی، الانوار الساطعه، ج 9؛ ازرقی، تاریخ مکه، ج 1، ص 149 و 226

خدیجه علیها السلام هم بانوی اول مکه و از لحاظ حسب و نسب و ثروت، شخصیت برجسته ای بود (1)

در منابع تاریخی و دینی نیز القاب و اوصاف گوناگونی برای آن بانو ذکر شده است. اولین کنیه آن بانورا باید از زبان قرآن شنید که او و دیگر همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را «ام المؤمنین» لقب داده است. (2) هم چنین خدای متعال آن بانورا با عنوان «مبارکه» به حضرت عیسی علیه السلام معرفی فرموده است. (3) بر اساس روایات، در انجیل نیز با همین عنوان از آن بانو یاد شده است. (4) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز ایشان را «برترین و بهترین امهات مؤمنین» دانسته اند (5) و هنگام معرفی آن بانو به جبرئیل امین از ایشان با تعبیر «هذه صديقة أمتي؛ این صدیقه امت من است یاد فرمودند. (6) امام صادق علیه السلام می فرماید «مقصود از صدیقه، "معصومه" است». (7) امیر مؤمنان علیه السلام در وصف آن حضرت، از تعبیر «سيدة النسوان» استفاده نمودند (8) و امام کاظم علیه السلام، ایشان را «سیده قریش» نام نهاده اند. (9) پیش از اسلام نیز با عناوینی زیننده هم چون «سیده نساء قریش» (10) و «طاهره» (11) از ایشان یاد شده است. در یکی از زیارات نبی مکرم صلی الله علیه و آله نیز با اوصافی هم چون «صدیقه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه خدیجه کبری و ام المؤمنین» به آن بانو سلام داده شده است. (12) در بیان و بنان و سیره نبوی نیز حضرت خدیجه علیها السلام از چنان قدر و

ص: 324

- 1- رهبر معظم انقلاب، 1379/2/23.
- 2- سوره احزاب، آیه 6
- 3- محدث قمی، کحل البصر، ص 70
- 4- مجلسی، بحار الانوار، ج 43، ص 22
- 5- الانوار الساطعة، ص 226
- 6- ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج 2، ص 62
- 7- اصول کافی، ج 1، ص 459
- 8- بحار الانوار، ج 35، ص 143
- 9- قرب الاسناد، ص 252
- 10- زرقانی، شرح المواهب اللدنیة، ج 1، ص 199.
- 11- ابن حجر، الاصابة، ج 8، ص 60
- 12- بحار الانوار، ج 100، ص 189.

منزلی برخوردار است که هیچ یک از همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز هیچ یک از بانوان امت اسلام به آن جایگاه رفیع نظر نتوانند داشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مواقع مختلف و به ادنی بهانه ای به تعریف و تمجید و بیان فضایل آن بانو اهتمام داشتند (1) چندان که حقد و حسد برخی از همسران حضرت برانگیخته می شد. (2) برخی از بیانات آن رسول گران قدر درباره آن بانو که عموماً در منابع پیروان مکتب خلفا ذکر شده از قرار ذیل است:

«خدیجه علیها السلام صدیقه امت من است»؛ (3) «هر روز چندین بار خداوند به واسطه خدیجه بر فرشتگان مباحثات می کند»؛ (4) «خدیجه برترین امهات مؤمنین است»؛ (5) «هرگز خدا همسری بهتر از او برای من جایگزین نکرده است»؛ (6) «برترین بانوان، بهشتی خدیجه دخت خویلد و فاطمه دخت محمد است»؛ (7) «خدیجه بر بانوان امت من برتری داده شده است»، (8) «خداوند محبت خدیجه را بر من ارزانی داشت»؛ (9) «خدیجه علیها السلام در ایمان به خدا و من گوی سبقت را از همه بانوان عالم ربود» (10) «خداوند شکم مادرت را (خطاب به حضرت فاطمه) ظرف امامت قرار داد، (11) و «مریم بهترین بانوان زمان خود و خدیجه بهترین بانوان زمان خویش است» (12)

ص: 325

- 1- رهبر معظم انقلاب، 1368/7/28.
- 2- صحیح بخاری، ج 5، ص 48.
- 3- البدایه والنهایه، ج 2، ص 62.
- 4- بحار الانوار، ج 16، ص 88.
- 5- الانوار الساطعه، ص 7.
- 6- فتح الباری، ج 7، ص 140.
- 7- همان، ص 139.
- 8- تاریخ دمشق، ص 74 و 84.
- 9- کفایة الطالب، ص 359.
- 10- حاکم نیشابوری، مستدرک، ج 3، ص 184.
- 11- مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 383.
- 12- صحیح بخاری، ج 5، ص 47.

2. مروری بر نقش حضرت خدیجه علیها السلام در فرآیند تکاملی انقلاب نبوی

چنان که گذشت، حضرت خدیجه علیها السلام در سال های آغازین انقلاب نبوی حضور فعال و فداکارانه ای داشت و متأسفانه ظلم ظالمان و نیز دست اجل، فرصتی بیشتر برای خدمت به اهداف الهی نبی مکرم را به آن بانو نداد. بر این، اساس ضروری است پیش از پرداختن به نقش ایشان «در مرحله ایجاد انقلاب نبوی»، به تحلیل این مرحله پرداخته سپس نقش آن بانو را تبیین و تحلیل نماییم.

1-2- نهران و نهاد مرحله ایجاد انقلاب نبوی

مرحله آغازین انقلاب نبوی با بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم آغاز می شود و تا آستانه هجرت به مدینه ادامه می یابد به تعبیر مقام معظم رهبری «دوران سیزده ساله مکه فصل اول دوران 23 ساله رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد که مقدمه فصل دوم (دوره ده ساله مدینه و به اصطلاح دوران استقرار انقلاب نبوی) به حساب می آید (1) نقطه آغازین این مرحله نیز بعثت نبی مکرم صلی الله علیه و آله است بعثت از لحاظ لغوی به معنای برانگیختگی است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با بعثت برای ایجاد انقلابی عظیم در تاریخ بشریت برانگیخته شدند:

بعثت به معنای برانگیختگی است برانگیختگی یعنی چه؟ یعنی تحرک حرکت بعد از رخوت و سستی و رکود... در پیامبری، دو تحول و دگرگونی هست: اول در وجود خود پیامبر صلی الله علیه و آله بعثت، رستاخیز، انقلاب، تحول اول در درون و ذات خود پیامبر و در باطن خود نبی به وجود می آید... بعد همین سرچشمه همین، تحول همین، شور همین، انقلاب همین رستاخیز از این چشمه فیاض جوشان که روح نبی، است می ریزد به، اجتماع منتقل می شود به متن جامعه بشری... بعد از آن که در دل او انقلاب به وجود آمد به دست او در جامعه انقلاب به وجود می آید و بعثت به معنای واقعی تحقق پیدا می کند. (2)

ص: 326

1- مقام معظم رهبری، 1380/2/28

2- همو، 1353/7/11

قبل از تبیین این مرحله باید گفت که انقلاب نبوی، بیشتر با صبغه فرهنگی آغاز به فعالیت نمود و در ابتدای کار اقدامات فرهنگی و محتوایی و به تعبیر امروزی، تئوری فرهنگی در صدر برنامه های حضرتش قرار داشت. بر اساس این نظریه پس از آن که فکر و اندیشه و باور انسان تغییر کرد، رفتار و کردار او نیز تغییر خواهد نمود لذا تغییر در محتوای باطنی انسان ها عاملی سرنوشت ساز به شمار می آید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز مبتنی بر همین نظریه، نقطه آغاز انقلاب خود را انقلاب فکری و فرهنگی قرار می دهد. اقدامات ایشان در این مرحله در دو بخش تقسیم می شود: اقداماتی که به تغییر در افکار معطوف بود و اقداماتی که در جهت تغییر در رفتار انجام می گرفت. چنان که گذشت لازمه تغییر در رفتار تغییر در افکار است؛ منتها حوزه افکار و به تعبیر حکما، حوزه حکمت دو بخش دارد: حکمت نظری (علم به آن چه هست؛ مانند علم به وجود خدا و قیامت) و حکمت عملی (علم به بایدها و نبایدها). اقدامات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حوزه حکمت نظری در مرحله ایجاد انقلاب نبوی- که شاید بتوان این مرحله را مرحله انقلاب اعتقادی نام نهاد- از قرار ذیل است:

1-1-2- معرفی خدای متعال به مردم با تمامی ویژگی ها و صفات، نفی شرک و بسط تفکر خدا پرستی و توحید و مطرح کردن توحید در همه ابعاد آن و به عبارت دیگر، تغییر جهان بینی مردم (مبدأ شناسی)؛

2-1-2- توصیف موجودات روحانی عالم از قبیل فرشتگان و ملائکه (غیب شناسی)؛

3-1-2- توصیف وجود انسان و جایگاه عقل و نفس و روح او (انسان شناسی)؛

4-1-2- توصیف نبوت و رهبری و چگونگی وحی (راهنما شناسی)؛

5-1-2- توصیف، مرگ حیات اخروی و معاد (فرجام شناسی)؛

6-1-2- توصیف امت های خوب و بد گذشته و دعوت به تفکر در سرگذشت آن ها (امت شناسی).

غالب آیات مکی شامل مباحث فوق و نظایر آن است که در مرحله اول

انقلاب نبوی در مکه مکرمه بر حضرتش نازل شد و آن حضرت به تبیین و تفسیر آن‌ها مشغول بودند در حوزه حکمت عملی در دو بخش جداگانه می‌توان بحث نمود:

- بخشی که مربوط به امور فردی و به اصطلاح در جهت «فردسازی» است؛

- بخشی که به امور کلان و اجتماعی و به اصطلاح به «جامعه سازی» مربوط می‌شود. حکمت عملی در حوزه «فردسازی» مربوط به دوران سیزده ساله مکه و مرحله اول انقلاب نبوی است؛ زیرا شرایط و امکاناتی در مکه برای آن حضرت فراهم نبود تا گامی مؤثر برای جامعه سازی بردارند. در بخش حکمت عملی (قسمت مربوط به فردسازی) که آن حضرت به منظور تغییر در رفتار در مرحله ایجاد انقلاب نبوی عرضه نمودند به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

- ارائه افعال و گفتارهایی برای تعظیم و تمجید خداوند و عبادت او نظیر نماز (روابط میان انسان و خدا)؛

- ارائه مدل‌های رفتاری و گفتاری برای گرامیداشت هم‌نوعان و ایجاد روابط انسانی پایدار (روابط میان انسان‌ها با یکدیگر)

- بخشی از این مسائل در حیطه مسائل اخلاقی قرار می‌گیرد و بخشی در حوزه مسائل فقهی؛ از جمله سبقت جویی در خیر میانه روی وفای به عهد کظم غیظ صابر و صادق بودن و ویژگی‌هایی از قبیل تواضع، عدم تجسس در زندگی خصوصی افراد، پرهیز از غیبت و دروغ و تهمت، گذشت، خیرخواهی، خوش رفتاری مقاومت در برابر ظالمان دفاع از مظلومان، بزرگداشت پدر و مادر و کودک و زن و دختر و رعایت انصاف و عدل کمک به مستمندان و یتیمان ارزش دانستن، کار و رعایت بهداشت و این‌ها دستورالعمل‌ها و تغییراتی در عرصه‌های مختلف رفتاری بود. گفتنی است حکمت عملی با محوریت فردسازی به معنای پرورش، افراد به مرحله اول انقلاب نبوی اختصاص نداشته و در تمامی مراحل فرآیند تکاملی انقلاب نبوی جزء جدایی‌ناپذیر آن و هدف اول و اصلی آن است؛ به تعبیر مقام معظم رهبری:

هدف اولی پیغمبر هدف اصلی پیغمبر یک چیز است؛ در نیمه راه آن، هدف هدف های دیگری هم برای پیغمبر مطرح می شود... اما هدف اصلی پیغمبران الهی عموماً در چند کلمه قابل خلاصه کردن است: پیغمبران به این جهان می آیند تا انسان را به سر منزل تعالی و تکامل مقدرش برسانند» (1)

بیشترین توجه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مرحله اول از انقلاب بر پرورش افراد زبده و مخلص در اسلام بود. فرد سازی به معنای این که تک تک به سراغ افراد رفتن و به تربیت و هدایت آن ها پرداختن کاری دور از شأن و جایگاه انبیاست؛ چه ایشان درصدد بودند تا در مقیاسی کلانتر با فراهم کردن بستر مناسب و ایجاد جامعه الهی و توحیدی، گروه گروه به تربیت و هدایت افراد بپردازند، (2) اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در محیط جاهلی مکه و در مرحله ایجاد انقلاب، چاره ای جز این نداشتند که تک تک به سراغ افراد بروند و به اصطلاح آدم سازی فردی نمایند. این لازمه هر حرکتی است که قرار است از صفر شروع نماید. بنابراین مرحله اول انقلاب، نبوی به ناچار فرد سازی را در دستور کار خود قرار داده بود:

در محیط جاهلی مکه پیامبر وقتی می خواهد آدم درست بکند، مجبور است یکی یکی درست کند؛ برای خاطر این که برای ایجاد آن چنان نظامی یک عده خواص لازمند، یک عده سنگ زاویه و زیربنا لازمند. این ها قبلاً درست می شود و این منافات با نقشه کلی انبیا ندارد (3)

در واقع پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دوران سیزده ساله مکه، در فضایی که همه ارزش ها ارزش های جاهلی بود و تعصب ها غیرت ورزی های غلط کینه ورزی های عمیق، قساوت ها، شقاوت ها، ظلم ها و شهوت ها در آمیخته با هم بود و زندگی مردم را می فشرد و در خود احاطه کرده بود، در بین آن سنگ های خارا و نفوذ ناپذیر نهال های سبزی را به بار نشانند که هیچ طوفانی نمی توانست

ص: 329

1- همو، 1353/7/17.

2- همو، 1353/7/17.

3- همان.

آن‌ها را تکان بدهد. در این سیزده سال پایه‌های مستحکمی ایجاد شد که در مرحله بعد، یعنی استقرار انقلاب نبوی در مدینه بنای جامعه اسلامی و جامعه مدنی و نبوی، بر روی آن‌ها پایه‌گذاری گردید (1)

2-2- نقش حضرت خدیجه علیها السلام در مرحله ایجاد انقلاب نبوی

یکی از نمودهای بارز موفقیت نبی مکرم صلی الله علیه و آله در عملیات فردسازی تربیت و همراه کردن تعدادی از یاران بود که با جان و مال خود، در راه اهداف الهی آن حضرت حرکت کنند و از ایشان حمایت نمایند از جمله این شخصیت‌ها بانوی بزرگ اسلام حضرت خدیجه علیها السلام است. در ادامه، به برخی از اقدامات و تأثیرات آن حضرت در فرایند تکاملی انقلاب نبوی - که عموم آن‌ها به مرحله ایجاد و سپس مرحله استقرار انقلاب نبوی مربوط است - اشارتی خواهد شد

1-2-2- اعلام ایمان و پیروی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دوران اختناق

برای شروع هر انقلابی، رهبر آن، ابتدا به پیرو و یار و یاور نیاز دارد. حضرت خدیجه علیها السلام به همراه حضرت علی علیه السلام، اولین کسانی بودند که به آن حضرت ایمان آوردند و در این راه تمام سختی‌ها را به جان خریدند. روشن است که اعلام ایمان و پیروی در آغاز انقلابی که رهبر آن هیچ قدرت و ثروتی ندارد و حتی در ظاهر امید به هیچ پیروزی نیز در کار نیست، خود بزرگ‌ترین حمایت برای رهبری آن انقلاب به شمار می‌رود؛ و گرنه ایمان آوردن بعد از کسب پیروزی و قدرت از لحاظ ارزش و تأثیر قابل مقایسه با ایمان و پیروی در آغاز انقلاب نیست. رهبر انقلاب با اشاره به اهمیت پیروی از رهبری یک انقلاب در دوران سختی و مرارت می‌فرماید:

وقتی که اوضاع خوب است، کسانی که دور محور یک رهبری جمع شده‌اند همه از اوضاع راضیند؛ می‌گویند خدا پدرش را بیامرزد، ما را به این وضع خوب آورد وقتی سختی پیدا می‌شود، همه دچار تردید

ص: 330

روشن است که این سختی ها در آغاز هر انقلاب، به دلیل فقدان پشتوانه مالی و نظامی، از کم و کیف بیش تری برخوردار است و طبیعتاً پیروی از یک رهبر در این ایام ارزش و اهمیت والایی داشته در پیشبرد اهداف انقلابی رهبری تأثیر بنیادینی دارد از این منظر ایمان آوردن حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت علی علیه السلام در اولین ساعات بعثت نبی مکرم صلی الله علیه و آله و پیروی این هر دو از آن حضرت از اهمیت والایی برخوردار است رهبر انقلاب با اشاره به این مهم از قول حضرت علی علیه السلام نقل می کند:

و لم یجمع بیت واحد یومئذ فی الاسلام غیر رسول الله صل الله علیه و اله و خدیجة و انا ثالثهما؛

تنها خانه ای که اهل، آن مسلمان، بودند خانه ما بود؛ پیغمبر بود، خدیجه بود و من (2)

2-2-2- حمایت مالی مستقیم و غیر مستقیم

حضرت خدیجه علیها السلام اولین شخصیتی بود که به حمایت تمام قد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اهتمام نمود و جان و مال خود را در این راه فدا نمود. برخی از دانشمندان اهل سنت این ویژگی را یکی از قدر مشترک های آن بانو با حضرت آسیه و حضرت مریم دانسته اند:

قدر مشترک در میان، مریم آسیه و خدیجه این است که هر یک از این ها پیامبر مرسل را تحت کفالت خود گرفته است آسیه، حضرت موسی علیه السلام را کفالت و تربیت کرد و چون مبعوث شد به او ایمان آورد؛ مریم حضرت عیسی علیه السلام را کفالت نمود و بزرگش کرد و چون مبعوث شد، به او گروید؛ خدیجه علیها السلام نیز پیشنهاد ازدواج به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و داد، همه اموالش را در راه او تقدیم کرد و چون وحی بر آن حضرت نازل شد به او ایمان آورد. (3)

ص: 331

1- همو، 1377/2/7

2- همو، 1383/7/21.

3- البداية و النهایة، ج 3، ص 129

اهمیت حمایت های همه جانبه به خصوص حمایت مالی حضرت خدیجه از نبی مکرم در آغاز انقلاب نبوی، آن گاه روشن می شود که بدانیم در دوران انقلاب و اختناق، نقش کمک های مالی بنیادین است و اگر کمک های مالی حضرت خدیجه علیها السلام در ابتدای انقلاب نبوی، نبود، به احتمال زیاد فرآیند تکاملی انقلاب نبوی در آغاز راه مختل می گردید:

خدیجه کبری علیها السلام در آغاز اسلام ایمان آورد؛ بزرگ ترین حرکت را به عنوان یک بانوی کامله و عاقله و بزرگوار انجام داد اول مؤمن به اسلام او بود. بعد هم همه ثروت خود را در راه دعوت اسلام و ترویج اسلام خرج کرد و تأثیر این کار را کسانی می دانند که در مبارزات و دوران اختناق، نقش کمک های مالی را به مبارزین تجربه کردند؛ اگر کمک های خدیجه علیها السلام، نبود شاید در حرکت اسلام و پیشرفت اسلام یک اختلال و وقفه عمده ای به وجود می آمد. (1)

حمایت های مالی حضرت خدیجه علیها السلام از انقلاب نبوی، صرفاً به حمایت های مستقیم ختم نمی شود؛ حمایت های مالی غیر مستقیم ایشان در دوران سخت تحریم قریش نیز از ایجاد خلل در فرآیند انقلاب نبوی جلوگیری کرد. توضیح این که حضرت خدیجه پیش از ازدواج از تاجران نامی حجاز به شمار می رفت و روابط خوبی با دیگر تاجران داشت. وی در دوران سخت تحریم در شعب ابی طالب، از این روابط بهره می گرفت و به اصطلاح امروزی، تحریم های قریش را دور می زد این امر نیز نکته ای مهم در تحلیل نقش آن بانو در پیشرفت اسلام است که نباید از چشم دور بماند؛ چنان که رهبر انقلاب از این امر به عنوان یکی از مزایا و خدمات آن بانو به اسلام یاد کرده است. (2)

3-2-2- ایستادگی و مقاومت در تحریم و محاصره شعب ابی طالب

تاریخ حکایت می کند که هر گاه ندایی و انقلابی در جهت حق طلبی و بر ضد ستمگری و استبداد قد برافراشته است مستکبران و مستبدان، از هر راهی برای

ص: 332

1- رهبر انقلاب اسلامی، 1365/3/2

2- همو، 1368/7/28

نابودی و خاموش کردن آن انقلاب بهره گرفته اند. حملات سرد و گرم، مبارزات مخفی و عیان، تهاجم فرهنگی و نرم و... هجمه اقتصادی در قالب محاصره و تحریم اقتصادی از جمله این هجمه هاست همان که امروز ملت مسلمان ایران با آن مواجهند. از قضا دشمنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز پس از ناکامی در متوقف کردن انقلاب نبوی با استفاده از محاصره و تحریم اقتصادی-سیاسی و فرهنگی تلاش نمودند پیروان ایشان را از اطراف حضرت پراکنده سازند و انقلاب الهی پیامبر صلی الله علیه و آله را از پای در آورند. بر اساس گزارش های مسلم تاریخی، ستمگران مکه در این تصمیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم و ابستگان و اطرافیان و پیروان حضرتش را در شعب ابی طالب تحت محاصره همه جانبه ای قرار دادند محاصره، سیاسی فرهنگی و اقتصادی این محاصره تا سه سال ادامه داشت. در این مدت سختی ها و آسیب های فراوانی بر پیکر گروه اندک مسلمانان وارد شد. در این مدت تمامی دارایی حضرت خدیجه و حضرت ابوطالب خرج شد و ارتباط آن حضرت با بیرون از شعب به طور رسمی قطع گردید. در این میانه و در عین سختی ها و مشکلات بیماری ها و گرسنگی ها در آب و هوای طاقت فرسای حجاز یاران و پیروان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پای پس نکشیدند و با تمام سختی ها مقابله نمودند اهمیت این مقاومت زمانی هویدا می شود که به عمق سخن رهبر انقلاب در این زمینه دست یابیم:

وقتی که اوضاع خوب است کسانی که دور محور یک رهبری جمع شده اند همه از اوضاع راضیند؛ می گویند خدا پدرش را بیامرزد ما را به این وضع خوب آورد وقتی سختی پیدا می شود همه دچار تردید می شوند می گویند ایشان ما را آورد؛ ما که نمی خواستیم به این وضع دچار شویم! البته ایمان های قوی می ایستند. (1)

تاریخ نقل کرده که یاران و پیروان صدیق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تکیه برای مان مستحکم خویش در این راه ایستادند و مقاومت نمودند؛ ولی در عین حال،

ص: 333

«همه سختی ها به دوش پیامبر صلی الله علیه و آله فشار می آورد»⁽¹⁾ در این اوضاع، حضرت خدیجه تمام قد به حمایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرداخت و اموال خویش را در این راه تقدیم نمود همچنین در این مدت به حمایت عاطفی و معنوی از آن حضرت همت گمارد و همواره به آن حضرت دلگرمی می بخشید. رهبر انقلاب درباره وضعیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سختی های آن دوران می فرماید:

آن زمان که در شعب ابی طالب همه راه های عافیت بر مسلمانان و وجود مقدس نبی اسلام صلی الله علیه و آله بسته شده بود؛ نه امکانات زیستی نه امکانات، رفاهی نه آسودگی خاطر؛ دائم دغدغه تهاجم دشمنان، دائم خبرهای بد، صدای گریه کودکان از گرسنگی، بلند انواع ناراحتی هایی که در آن دره خشک وجود داشت و این عده خانواده مسلمان برای مدت سه سال مجبور به اقامت شده بودند - و چه سختی ها کشیدند و همه این سختی ها هم از مبدأ یکایک این انسان ها از کوچک و بزرگ حرکت می کرد و روی دوش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می نشست؛ چون رهبر بود؛ چون همه به او متکی بودند همه دردها را پیش او می آوردند همه فشارها را او حس می کرد.⁽²⁾

در این میان حضرت خدیجه تنها مونس و غم خوار آن حضرت بود در حقیقت اقدامات حضرت خدیجه در این ایام بخشی معطوف به کل مسلمانان بود که به عنوان بانوی اول اسلام و مادر تمامی مؤمنان، مادرانه به اوضاع مسلمانان رسیدگی می کرد و با هزینه کردن ثروت خویش روحیه استقامت و پایداری را در آن ها زنده نگاه می داشت. بخشی دیگر نیز به شخص نبی مکرم معطوف بود و به تعبیر رهبر انقلاب حضرت خدیجه در تمام ایام عمر و خصوصاً در ایام سخت شعب ابی طالب، «بزرگ ترین کمک روحی برای پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می رفت»⁽³⁾ این دو نوع اقدام از جمله عوامل مهم و تأثیرگذار در

ص: 334

1- همان.

2- رهبر انقلاب اسلامی، 1376/6/26.

3- همو، 1377/2/7.

زمان محاصره و تحریم و پیروزی اولیه اسلام به شمار می رود رهبر انقلاب در تبیین و تحلیل دوران محاصره و تحریم در شعب ابی طالب و مقاومت مسلمانان در این ایام و عامل این استقامت می فرماید:

همان ایستادگی اول، بعثت منجر می شود به استقامت عجیب سه سال در شعب ابی طالب شوخی نیست؛ سه سال در یک دره ای در مجاورت، مکه بدون آب بدون گیاه در زیر آفتاب سوزان پیغمبر جناب ابی طالب، جناب خدیجه همه مسلمان ها و همه خانواده های شان توی این تکه- شکاف کوه - زندگی کردند راه هم بسته بود که برای این ها غذا نیاید خوراک نیاید. گاهی در ایام موسم - که بر طبق سنن جاهلی آزاد بود، یعنی جنگ نبود - می توانستند داخل شهر بیایند، اما تا می خواستند جنسی را در دکانی معامله کنند ابوجهل و ابولهب و بقیه بزرگان مکه به نوکرها و فرزندان خودشان سفارش کرده بودند که هر وقت آن ها خواستند جنسی را بخرند شما وارد معامله شوید دو برابر پول بدهید جنس را شما بخرید و نگذارید آن ها جنس بخرند با یک چنین وضعیت سختی سه سال را گذراندند. این شوخی است؟ آن استقامت، اولی آن عمود مستحکم این خیمه، آن دل متوکل علی الله است که چنین استقامتی را در فضا به وجود می آورد که آحاد صبر می کنند. شب تا صبح بچه ها از گرسنگی گریه می کردند که صدای گریه بچه ها از توی شعب ابی طالب به گوش کفار قریش می رسید و ضعفای آن ها هم دل شان می سوخت؛ اما از ترس اقویا جرأت نمی کردند کمک کنند اما مسلمان که بچه اش در مقابلش پرپر می زد - که چقدر در شعب، مردند چقدر بیمار شدند، چقدر گرسنگی کشیدند - تکان نخورد (1)

روشن است که وجود شخص خدیجه و نیز ثروت آن حضرت، چقدر در این ایام سخت تحریم و محاصره به داد مسلمانان رسیده و چه نقش تأثیر گذاری در پیشبرد اهداف عالی پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم ایفا کرده است؛ چنان که به تعبیر رهبر انقلاب اگر حضرت خدیجه و ثروت آن بانو در این ایام سخت در اختیار

ص: 335

در تمام انقلاب‌هایی که با برنامه ریزی درست صورت می‌گیرد، از همان ابتدا یکی از دغدغه‌های رهبری انقلاب و نیز انقلابیون، مسأله جانشینی رهبری است. در انقلاب نبوی نیز این امر از اهمیت بسزایی برخوردار بود، به گونه‌ای که اولین اقدام نبی مکرم پس از علنی کردن دعوت خویش، تعیین جانشین برای خود بود که در داستان دعوت سران و بزرگان، قریش حضرت علی علیه السلام را به عنوان جانشین و وصی خود تعیین نمودند. جالب این جاست که این وصی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بنابه مصلحت الهی و نیز اطلاع الهی نبی مکرم از وصایت حضرت علی علیه السلام، از دوران طفولیت در خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در آغوش گرم آن حضرت و دامن مطهر حضرت خدیجه تحت تربیت و رشد قرار گرفته است. (2) از این منظر نیز حضرت خدیجه در جریان انقلاب نبوی، نقشی بنیادین داشت؛ زیرا تربیت جانشین رهبری انقلاب، تأثیر عمیقی در مراحل مختلف انقلاب- ایجاد، استقرار و استمرار- دارد نقش این امر در ایجاد انقلاب آن جاست که برنامه ریزی شده بودن انقلاب را به رخ می‌کشد که این انقلاب انقلابی ابتر نیست که با رفتن رهبر، از بین برود. بنابراین «ایجاد امید به آینده انقلاب» و در نتیجه پایداری و استقامت پیروان نقش مهم این مسأله در ایجاد انقلاب است. این مهم در مراحل استقرار و توسعه انقلاب نیز اثری عملی دارد که به طور فیزیکی و حضور شخص جانشین در رأس انقلاب و مدیریت آن خود را می‌نمایاند. حضرت خدیجه با نگاه داری مادرانه و تربیت درست حضرت علی علیه السلام، خدمت کلان و با ارزشی به انقلاب نبوی نمودند؛ تربیتی که حاصل آن به تعبیر رهبر انقلاب «شخصیتی مسلمان، انسانی کامل طراز عالی انسانیت و الگو»، «جوانی مؤمن

ص: 336

1- همو، 1365/3/2.

2- همو، 1383/7/21.

نورانی متصل به منبع وحی، مؤمن، واقعی، پرهیزگار و پاکیزه کامل» و «سردار طراز اول مؤمن طراز اول شاگرد طراز اول پیغمبر و عبادت کننده طراز اول در میان همه مسلمانان» بود و جملگی این امور مدیون زحمات و تلاش های حضرت خدیجه است که پا به پا و در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به تربیت حضرت علی علیه السلام همت گمارده بود. (1)

5-2-2- تربیت مونس و غم خوار نبی مکرم صلی الله علیه و آله و همسر وصی انقلاب

از دیگر خدمات چشم گیر حضرت خدیجه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم و انقلاب الهی ایشان به دنیا آوردن و تربیت شخصیتی بود که بعدها به سبب خدمات بنیادینش به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، لقب «ام ایها» را از جانب آن حضرت دریافت و کرد در واقع حضرت خدیجه با تربیت درست و دقیق حضرت زهرا علیها السلام، علاوه بر خدمتی که به کل جریان انقلاب نبوی، نمود برای دوران اولیه ایجاد آن نیز تأثیر شگرف داشت؛ زیرا در مدت کوتاهی پس از محاصره و تحریم شعب ابی طالب، حضرت خدیجه، یار باوفا و مونس و غم خوار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر اثر شدت آسیب های وارده و نیز حضرت ابوطالب دیگر حامی بزرگ آن حضرت از دنیا رفتند و در صف کم شمار اما مقاوم پیروان حضرت رخنه ای عظیم ایجاد شد که می توانست آسیب هایی جدی به جریان انقلاب وارد نماید. اما حضرت خدیجه علیها السلام، با پرورش و تربیت حضرت زهرا علیها السلام و حضرت علی علیه السلام، توانست برای این روزهای سخت و طاقت فرسای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، یار، مونس و حامی تدارک ببیند. حضرت خدیجه علیها السلام با پرورش و تربیت حضرت زهرا علیها السلام خلأ وجودی خود و با پرورش و تربیت حضرت علی علیه السلام خلأ وجودی ابوطالب را برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم پر نمود. رهبر انقلاب درباره نقش حضرت زهرا علیها السلام در دوران فقدان حضرت خدیجه علیها السلام و نقش و تأثیر آن بانو در فرآیند روبه جلو انقلاب نبوی می فرماید:

شما ببینید حضرت [فاطمه علیها السلام] چگونه زندگی کرده است! تا قبل از

ص: 337

1- همان

ازدواج که دخترکی بود با آن پدر به این عظمت، کاری کرد که کنیه اش را ام اییها - مادر پدر - گذاشتند در آن، زمان پیامبر رحمت و نور پدید آورنده دنیای نو و رهبر و فرمانده عظیم آن انقلاب جهانی - انقلابی که باید تا ابد بماند - در حال برافراشتن پرچم اسلام بود بی خود که نمی گویند ام اییها! نامیدن آن حضرت به این کنیه به دلیل خدمت و کار و مجاهدت و تلاش اوست. آن حضرت چه در دوران، مکه چه در دوران شعب ابی طالب - با آن همه سختی ها که داشت - و چه آن هنگام که مادرش خدیجه از دنیا رفت و پیغمبر را تنها گذاشت، در کنار و غم خوار پدر بود دل پیغمبر در مدت کوتاهی با دو حادثه وفات خدیجه و وفات ابی طالب شکست به فاصله کمی این دو شخصیت از دست پیغمبر رفتند و پیغمبر احساس تنهایی کرد فاطمه زهرا علیها السلام در آن روزها قد برافراشت و با دست های کوچک خود غبار محنت را از چهره پیغمبر زدود. ام اییها؛ تسلی بخش پیغمبر این کنیت از آن ایام نشأت گرفت. (1)

ایشان در بیانی دیگر با ادبیات ذیل به تبیین شخصیت و جایگاه حضرت زهرا علیها السلام در فرآیند انقلاب نبوی در دوران خلأ وجودی حضرت خدیجه اشاره می کند:

دختری که در کوره گداخته مبارزات سخت پیغمبر در مکه متولد شد و در شعب ابی طالب یار و غم گسار پدر بود دختری حدوداً هفت-هشت ساله یا دو-سه ساله (بنابر اختلاف، روایات کم تر و بیش تر) در شرایطی که خدیجه و ابوطالب از دنیا رفتند آن شرایط دشوار را تحمل کرد پیغمبر تنهاست؛ بی غم گسار است همه به او پناه می آورند؛ ولی کیست که غبار غم را از چهره خود او بزداید؟ یک وقت خدیجه بود که حالا نیست؛ ابوطالب بود که حالا نیست در چنین شرایط دشواری در عین آن گرسنگی ها و تشنگی ها و سرما و گرمای دوران سه ساله شعب ابی طالب که از دوران های سخت زندگی پیغمبر است و آن حضرت در دره ای با همه مسلمانان، معدود، در حال تبعید اجباری زندگی می کردند این دختر مثل

ص: 338

یک فرشته نجات برای پیغمبر؛ مثل مادری برای پدر خود؛ مثل پرستار بزرگی برای آن انسان، بزرگ مشکلات را تحمل کرد. غم گسار پیغمبر شد؛ بارها را بر دوش گرفت (1)

ایشان در بیانی دیگر این نقش را این گونه به تصویر می کشد:

این مخدره، بزرگوار در میدان های سختی که داشتند، مایه دل گرمی شوهر و پدرش بود. این بزرگوار در سال پنجم بعثت متولد شده است؛ یعنی در اوج و شدت دعوت پیغمبر؛ عین شدت و سختی و فشار این که شنیده اید در ولادت آن بزرگوار زن ها نیامدند خیلی معنا دارد! یعنی پیغمبر در حال مبارزه بود؛ آن چنان مبارزه ای که مردم مکه او را بایکوت کرده بودند. به، کل رابطه هاشان را بریده بودند برای این که او را زیر فشار قرار دهند و آن زن فداکار - خدیجه کبری علیها السلام - استقامت کرد و به پیغمبر دل گرمی داد. بعد هم این دختر رسید. این دختر در حالی که بزرگ می شد و به پنج - شش سالگی می رسید ماجرای شعب ابی طالب پیش آمد. در آن گرسنگی ها، سختی ها، فشارها غربت ها در آن روزهای داغ از آفتاب و شب های سرد از هوای آن منطقه در حالی که بچه ها با شکم های گرسنه و لب های تشنه جلو چشم شان پرپر می زدند سه سال پیغمبر، در بیابان های اطراف مکه این طور زندگی می کرد و این دختر در این دوران سخت فرشته نجات پیغمبر بود در همین دوران بود که خدیجه از دنیا رفت؛ در همین دوران بود که ابوطالب از دنیا رفت و پیغمبر تک و تنها ماند. در این حال این دختر بود که نوازشش می کرد، از او پذیرایی می کرد دل داری اش می داد و غبار غم و کدورت را از چهره او می زدود. (2)

در نهایت درباره نقش حضرت زهرا علیها السلام در این دوران می فرماید:

در چنین وضعیت سرشار از سختی و محنت و فشار و ناراحتی ناشی از دعوت در راه خدا و صبر در راه، او اتفاقاً در همین ایام جناب ابی طالب هم از دنیا می رود؛ جناب خدیجه کبری علیها السلام هم در مدت کوتاهی به رضوان الهی

ص: 339

1- همو، 71/9/25

2- همو، 1371/9/24.

می پیوندد و پیامبر تنهای تنهاست فاطمه زهرا علیها السلام این دختر چند ساله - حالا بنا به اختلاف، روایات، پنج ساله شش ساله، هفت ساله، ده ساله - تنها کسی است که پیامبر با این عظمت به او تکیه می کند. او مثل مادر از پدر بزرگوار خود پذیرایی می کند. (1)

6-2-2- ارائه الگوهای انسانی طراز اسلام و انقلاب اسلامی

یکی دیگر از تأثیرات حضرت خدیجه در فرایند تکاملی انقلاب نبوی، که تأثیر آن به همان زمان منحصر نیست و تمام تاریخ اسلام مادامی که نامی از اسلام باقی باشد- را شامل می شود ارائه الگوهای انسانی طراز اسلام است. با توجه به این که مهم ترین اقدام و فعالیت در مرحله آغاز انقلاب نبوی عملیات «فرد سازی» است حضرت خدیجه اولاً با تربیت دو انسان والا (حضرت زهرا و حضرت علی) به تمامی بشریت (چه زن و چه مرد) الگوی یک انسان طراز اسلامی حقیقی و ناب را ارائه کرده است. علاوه بر این که شخصیت خود آن حضرت نیز باید به عنوان یک الگوی مورد تأیید نبی مکرم اسلام و دیگر معصومان علیهم السلام مد نظر قرار گیرد. اگر زنان مسلمان و به خصوص زنان مسلمان ایران اسلامی شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام را به عنوان الگوی خویش انتخاب و بر آن حضرت اقتدا نمایند به یقین جامعه و نظام اسلامی در پیشبرد اهداف عالی اسلامی و انسانی خویش به موفقیت های چشم گیری دست خواهند یافت؛ چنان که حضور این بانوی بزرگ در فرآیند انقلاب نبوی، بیان گر تأثیر شگرف و بنیادین ایشان در موفقیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصول به اهداف اصلی خویش بوده که پیشتر به مواردی از این تأثیرات اشاره شد. امروز و با توجه به هجوم دشمنان اسلام از طریق زنان اگر زنان مسلمان به حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت زهرا علیها السلام به عنوان الگو اقتداء کنند بی شک طرح استعمار در به چالش کشیدن اسلام و نظام اسلامی از مسیر توطئه در مسأله زن به جایی نخواهد رسید. به تعبیر رهبر انقلاب: «[مادامی که] آفتاب درخشان خدیجه کبری علیها السلام و فاطمه زهرا علیها السلام

ص: 340

وزینب کبری علیها السلام می درخشد طرح های کهنه و نو ضد زن به نتیجه نخواهد رسید» و نتیجه اقتدا به این آفتاب های درخشان این بوده که «هزاران زن کربلایی ما نه تنها خطوط سیاه ستم های ظاهری را در هم شکسته اند بلکه ستم های مدرن به زن را نیز رسوا و بی آبرو کرده و نشان داده اند که حق کرامت الهی زن بالاترین حقوق زن است که در جهان به اصطلاح مدرن ، هرگز شناخته نشده و امروز وقت شناخته شدن آن است». اگر زن مسلمان ایرانی به حضرت خدیجه و اولاد گران قدر آن بانوی بزرگ اقتدا، نماید خواهد توانست «نماد بزرگ زن ایرانی مسلمان را به دنیا که سخت محتاج شناختن آن است بنمایاند». (1)

ص: 341

1- همو، 1391/12/16.

1. ابن حجر، الاصابه ، بيروت، دارالكتب العلميه 1835م .
2. ابن حجر، فتح الباری، بيروت، دارالمعرفة، بی تا.
3. ابن عساکر، تاریخ دمشق، داراحیاء التراث العربی، 1421 ق.
4. ابن کثیر، البدایه والنهایه ، بیروت ، مکتبه المعارف، 1408 ق .
5. ابن هشام، السیره النبویه ، تحقیق طه عبدالرؤف سعد، بیروت، دارالجمیل، 1410 ق.
6. ازرقی، تاریخ مکه ، تحقیق رشدی صالح ، محسن، مکه المکرّمه، دار الثقافه 1398ق.
7. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالفکر، 1398 ق.
8. عباس علی مشکانی سبزواری ، «غدیر؛ سرآغاز مرحله توسعه انقلاب نبوی» روزنامه کیهان ، 1393/7/19
9. کلینی، اصول کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت، دار الأضواء ، 1405 ق.
10. گنجی شافعی، کفایة الطالب، تهران، دار احیاء التراث اهل البيت، 1404 ق.
11. محدث قمی، کحل البصر فی سیره سید البشر، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1404 ق.
12. بیانات رهبر معظم انقلاب از سایت Khamenei.ir

*بررسی تاریخی گونه شناسی دیدگاه‌ها درباره حضرت خدیجه علیها السلام: سید محمود سامانی (1)

چکیده

شخصیت والای خدیجه کبری علیها السلام، موجب شده تا اندیشه واران مسلمان، اعم شیعه و سنی هم چنین برخی شرق شناسان، درباره ایشان اظهار نظرهایی داشته باشند در حالی که با استقصای صورت گرفته اثری که به صورت مستقل متکفل بحث از این دیدگاه‌ها و دسته بندی و گونه شناسی آن‌ها به لحاظ تاریخی، باشد موجود نیست از این رو مقاله، حاضر در صدد بررسی تاریخی گونه شناسی دیدگاه‌ها درباره حضرت خدیجه علیها السلام است. هدف از این پژوهش آن است تا ضمن شناخت بیشتر با ابعاد شخصیت والای آن حضرت و الگو قرار دادن وی با انواع دیدگاه‌ها و وجه شباهت‌ها و احیاناً تفاوت‌های آن‌ها در نگرش به شخصیت آن حضرت آشنا شده افزون بر معرفی یکی از اسوه‌های زن در اسلام نقشی در همگرایی مسلمانان داشته باشیم که امروزه دشمن برای تفرقه میان آنان تلاش می‌کند این نوشتار به مهم‌ترین گونه‌های دیدگاه‌ها البته با سیر تاریخی اشاره می‌کند

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام اهل بیت علیهم السلام صحابه، اندیشه واران اهل سنت، متفکران شیعه

ص: 343

اشاره

بررسی شخصیت و سبک زندگی نقش آفرینان بزرگ در تاریخ اسلام و شناخت راه و رسم آنان می تواند برای تمام انسان ها الگو باشد. در میان همسران رسول الله صلی الله علیه و آله، حضرت خدیجه علیها السلام شخصیتی است که به سبب ایثارگری در حد اعلا و تلاش فوق العاده در پیشبرد اهداف اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز متخلق به اخلاق الله بودن و سیره عبادیش موجب جلب توجه قشرهای مختلف به ویژه اندیشه وران اعم مسلمان و غیر مسلمان بوده است. آنان هر یک در وصف آن حضرت سخنانی گفته و دیدگاهی را عرضه کرده اند که درخور تأمل است؛ در حالی که به این موضوع یک جا و به صورت دسته بندی شده و با در نظر گرفتن سیر تاریخی دیدگاه ها پرداخته نشده است. از این رو، انعکاس و بازتاب این دیدگاه ها از هر قشر و مذهبی که غالباً نیز همگرایی در آن ها مشاهده می شود، کار مناسبی به نظر می رسد این نوشتار درصدد پاسخ به این پرسش هاست که دیدگاه های راجع به خدیجه کبری علیها السلام را چگونه می توان گونه شناسی کرد و هر گونه ای چگونه به وصف آن بانوی بزرگ پرداخته اند؟ نکات مشترک و احیاناً تفاوت این دیدگاه ها کدامند؟ فرضیه مقاله آن است که در تمام دیدگاه ها آن حضرت به عنوان برترین زنان در دانایی و پارساترین فرد در عصر خود معرفی گردیده و از ایشان ستایش شده است. نظر به گستردگی گونه ها درباره نخستین همسر رسول الله صلی الله علیه و آله مباحث این مقاله در محورهای ذیل سامان یافته است:

الف) دیدگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام درباره حضرت خدیجه علیها السلام

اشاره

پرداختن به دیدگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام از دو جهت اهمیت دارد: نخست آن که به لحاظ تاریخی پیامبر صلی الله علیه و آله نخستین کس از میان مسلمانان هستند که اظهار نظرهای ستایش آمیز و به حقی دربارهمسرشان داشته اند و نظر ایشان دست کم برای مسلمانان باید فصل الخطاب باشد. ثانیاً دیدگاه اهل بیت علیهم السلام درباره حضرت خدیجه علیها السلام است به عنوان نزدیک ترین افراد به

وی و آگاه به آن چه در خانه می گذرد (اهل بیت ادری بما فی البیت)؛ از این رو، در این بخش جهت تیمن و تبرک و نیز رعایت سیر تاریخی عرضه دیدگاه ها از انعکاس دیدگاه نزدیک ترین فرد به آن بانوی مکرمه یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز می کنیم آن حضرت سخنان و اظهار نظرهایی بسیار ستایش آمیزی درباره ایشان داشته اند؛ از جمله:

1. خدیجه علیها السلام از بهترین و برترین زنان

در معرفی حضرت خدیجه علیها السلام با این، وصف روایاتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که به مواردی از آن ها برای نمایاندن شخصیت و جایگاه نخستین زن، مسلمان اشاره می شود به گفته ابن عباس رسول خدا صلی الله علیه و آله چهار خط روی زمین کشیدند و فرمودند: «آیا می دانید این خطوط چیست؟» گفتند: «خدا و رسولش بهتر می دانند» فرمودند: «بهترین زنان بهشت خدیجه دختر خویلد، و فاطمه دختر محمد مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم و همسر فرعون هستند». (1) نیز ابن اثیر به سند خود از انس بن مالک از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نقل می کند «خیر نساء العالمین: مریم بنت عمران آسیه بنت مزاحم، خدیجه علیها السلام بنت خویلد و فاطمه بنت محمد». (2) هم چنین فرمودند: «جبرئیل نزد من آمد و گفت: این خدیجه است که نزد تو می آید؛ از طرف پروردگار و من بر او سلام برسان و او را به خانه ای از جواهر در بهشت بشارت ده». (3) عایشه هم این روایت را نقل کرده است. (4)

ص: 345

1- المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 497؛ مسند احمد، ج 1، ص 293 و 316 و 322.

2- الفصول المهمه، ج 2، ص 1168؛

3- «أتانی جبرئیل فقال هذه خدیجه فاقراً من ربها سلام و بشرها بیت فی الجنهمن قصب لا صخب و لا نصب». (انساب الاشراف، ج 2، ص 35؛ صحیح بخاری، ج 4، ص 278).

4- الاستیعاب، ج 4، ص 381.

2. نخستین زن مسلمان

خدیجه علیها السلام نخستین زنی بود که به رسول الله صلی الله علیه و اله ایمان آورد و این از ویژگی های معنوی آن بانوی بزرگوار بود وی ایمان آورنده واقعی به خدا و رسولش و باورمند به بهشت و دوزخ بود. در برخی منابع، آمده است:

(وَجَاءَتِ النَّبُوَّةَ فَأَسْلَمَتْ فَهِيَ أَوْلُ امْرَأَةٍ آمَنَتْ بِهِ....) (1)

چون امر نبوت ظاهر شد، خدیجه علیها السلام به اسلام رو آورد. او نخستین بانویی است که ایمان آورد...

یکی از حقایق دقیق تاریخی و روایی این است که خدیجه علیها السلام، نخستین بانویی بودند که به پیامبر صلی الله علیه و آله و پیام آسمانی ایشان ایمان آوردند. این ویژگی معنوی او به طوری معروف است که در میان تاریخ نگاران، محدثان و دانشمندان نظر مخالفی ندارد. (2) بنابه نقلی در آن هنگام که پیامبر صلی الله علیه و آله در بستر رحلت قرار گرفتند، حضرت زهرا علیها السلام بسیار پریشان و گریان بودند، پیامبر صلی الله علیه و آله دختر خود را به وجود پر برکت امام علی علیه السلام دل داری دادند، و ضمن یاد از خدیجه علیها السلام فرمودند:

دل خوش دار که علی علیه السلام، نخستین شخص از این امت است که به ذات پاک خدا و رسولش ایمان آورد او و خدیجه علیها السلام مادر تو، اولین افرادی بودند که به اسلام پیوستند. (3)

3. بهترین مشاور

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بارها در برابر ادعای برخی از همسران خود در تجلیل از خدیجه علیها السلام می فرمودند:

(مَا أَبَدَ لِيَّ اللَّهُ خَيْرًا مِنْهَا لَقَدْ آمَنَتْ بِي حِينَ كَفَرَ النَّاسُ وَصَدَّقْتَنِي حِينَ

ص: 346

1- شیخ طوسی، امالی، ص 259؛ صفة الصفوة: ج 2 ص 7

2- تاریخ، یعقوبی، ج 2، ص 23 و 31 استیعاب، ج 4، ص 380.

3- مجلسی، بحار الانوار، ج 22، ص 522.

كَذَّبَنِي النَّاسُ...): (1)

خداوند هرگز همسر و همراه و مشاوری بهتر از او به من ارزانی نداشته زیرا در آن وضعیت بحرانی که مردم به دعوت توحیدی من کفر می ورزیدند، او با شهامت و درایت به راه و رسم آسمانی من ایمان آورد و آن گاه که آنان مرا در رسالتم، دروغ گو می دانستند او با اخلاص و راستی مرا در دعوتم گواهی داد و....

4. بهترین جده

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد در حضور مردم در شأن حسنین علیه السلام مطالبی فرمودند؛ از جمله:

(إِنَّهَا النَّاسُ! أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ النَّاسِ جَدًّا، وَجَدَّةً)؛

ای مردم! آیا شما را خبر ندهم به بهترین انسان ها از جهت جد و جده؟ حاضران عرض کردند «آری، خبر بده!» فرمود:

الحسن و الحسين جدهما رسول الله وجدتهما خديجة بنت خويلد؛

آن ها حسن و حسین علیهما السلام هستند که جدشان رسول خدا محمد صلی الله علیه و اله و جده آن ها خدیجه علیها السلام دختر خویلد است (2)

5. مباحث فرشتگان به خدیجه علیها السلام

پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از بارداری خدیجه علیها السلام به فاطمه علیها سلام برای او پیام فرستادند. آن حضرت در چهل شبانه روز اعتزال از خدیجه علیها السلام توسط عمار یاسر به خدیجه علیها السلام چنین پیام دادند:

(إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لِيُبَاهِي بِكَ كِرَامَ مَلَائِكَتِهِ كُلِّ يَوْمٍ مَرَارًا)؛

همانا خداوند متعال به افتخار وجود تو هر روز به طور مکرر به فرشتگان

ص: 347

1- احمد بن حنبل، مسند، ج 6 ص 117، ح 24908.

2- تاریخ مدینه دمشق، ج 31، ص 922.

بزرگش افتخار می کند. (1)

دیدگاه اهل بیت علیهم السلام

اشاره

پس از ذکر جملاتی از سخنان گهربار رسول خدا صلی الله علیه و اله درباره حضرت خدیجه علیها السلام، به سخنان و دیدگاه برخی از اهل بیت علیهم السلام درباره آن بانوی بزرگ می پردازیم:

1. امیر مؤمنان علی علیه السلام

افزون بر آن که حضرت علی علیه السلام حضرت خدیجه علیها السلام را بزرگ حامی رسول خدا صلی الله علیه و اله و اسلام می دانستند، او را مادر پرمهر و مری دل سوز و آموزگار لایق دوران کودکی خود می شناختند آن حضرت خدیجه علیها السلام را در همه فراز و نشیب های پس از بعثت و آغازین سال های دعوت آزادی بخش پیامبر صلی الله علیه و اله، هم رزم و همراه خویش در دفاع از قرآن و پیامبر صلی الله علیه و اله و اسوه مقاومت و ایثار می دانستند؛ امام علی علیه السلام در گفتار خود برایمان آوردن حضرت خدیجه علیها السلام در همان روز بعثت یعنی دوشنبه و نماز خواندش در عصر همان روز صحه گذاشته اند. (2)

امام علی علیه السلام در سوگ جان سوز حضرت خدیجه علیها السلام در سال دهم بعثت که «عام الحزن» نام گرفت، به شدت گریستند و در سروده ای چنین فرمودند:

ای دو چشم من باران اشک از آسمان دیدگانم فرو بارید. خدا این گریه را در سوگ دو یار فداکار اسلام و دو پشتیبان بی همانند پیامبر صلی الله علیه و اله بر شما مبارک سازد. ای دو چشم من! در سوگ غم بار سالار حجاز ابوطالب و رحلت جان سوز سالار زنان که نخستین بانوی توحید گرا و پیشتاز ترین زن در راه آزادی بود و با پیامبر صلی الله علیه و اله نماز می گزارد، باران اشک فرو بارید. بر همان بانوی پر برکتی که خدا او را به سبب شایسته کرداریش به شاه راه فضیلت ها راه نمود.

ص: 348

1- بحار الانوار، ج 16، ص 78؛ الدر النظیم، ص 452

2- شرح نهج البلاغه، ج 13، ص 229، ج 4، ص 120.

امیر مؤمنان علی علیه السلام وجود خدیجه علیها السلام را جزو افتخارات اهل بیت علیهم السلام می دانستند چنان که در جواب نامه معاویه بدان اشاره فرمودند و آن بانوی بزرگ را فخر خاندان رسول الله صلی الله علیه و سلم معرفی کردند و در مقابل، «حماله الحطب» را از بنی امیه دانستند. (1)

2. امام مجتبی علیه السلام

در عصر امامت امام حسن علیه السلام، پس از آن که معاویه بر اوضاع مسلط شد به کوفه آمد و چند روز در آن شهر ماند و از مردم برای خود بیعت گرفت. پس از پایان کار بر بالای منبر رفت و خطبه خواند و آن چه توانست به ساحت مقدس امیر مومنان علی علیه السلام آن هم در حضور امام حسین علیه السلام جسارت کرد و ناسزا گفت. امام حسین علیه السلام برخاستند تا پاسخ معاویه را بدهند امام حسن علیه السلام دست او را گرفتند و نشانیدند و خود برخاستند و فرمودند:

ای آن که علی علیه السلام را به بدی یاد کردی! منم حسن و پدرم علی علیه السلام است و تویی معاویه و پدرت صخر است مادر من فاطمه علیها السلام و مادر تو هند جگرخوار است؛ جد من رسول خدا صلی الله علیه و اله و جد تو حرباست؛ جده من خدیجه (بانوی بزرگ اسلام) ولی جده توفتیله (زن زشت کار جاهلیت). است خداوند لعنت کند از ما آن کس که نامش پلید و حسب و نسبش پست تر است. (2)

3. امام حسین علیه السلام

در روز عاشورا امام حسین علیه السلام در معرفی خود به دشمن فرمودند «بدانید که جده من خدیجه علیها السلام دختر خوید است!» (3)

ص: 349

-
- 1- نهج البلاغه، نامه 28، (ام جمیل عوراء خواهر ابوسفیان و همسر ابولهب است که قرآن کریم او را حماله الحطب خطاب کرده است)
 - 2- مقاتل الطالبیین، ص 70؛ الارشاد، ج 2، ص 15؛ شرح نهج البلاغه، ج 16، ص 47؛ کشف الغمه، ج 1، ص 509
 - 3- بحار الانوار، ج 44، ص 318 و 45، ص 6.

4. امام سجاد علیه السلام

ایشان نیز در مجلس شاهانه یزید در دمشق در خطبه معروف خود، این چنین خود را معرفی فرمودند: «أَنَا بَنُ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى؛ مِنْ پسر خدیجه علیها السلام بانوی بزرگ اسلام هستم» (1)

5. امام صادق علیه السلام

در جواب پرسش ابان بن تغلب درباره شأن نزول آیه (وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ...) فرمود:

ما اهل بیت هستیم و «ازواجنا» همان حضرت خدیجه علیها السلام و ذریاتنا حضرت فاطمه و «قره اعین» حسنین علیه السلام و مراد از (وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا) علی بن ابی طالب علیه السلام است. (2)

منسوبان به اهل بیت علیهم السلام نیز به مناسبت های مختلف از حضرت خدیجه علیها السلام یاد کرده و به او فخر نموده اند، از جمله:

1. حضرت زینب علیها السلام را در کربلا- در روز یازدهم محرم سال 61 قمری، هنگامی که کنار پیکرهای پاره پاره شهیدان آمدند مطالبی جان سوز گفتند، از جمله پس از ذکر پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام، از خدیجه علیها السلام یاد کردند و فرمودند: «بابی خدیجه الکبری: پدرم به فدای خدیجه علیها السلام بانوی بزرگ باد!» (3)

2. محمد بن حنفیه از فرزندان امام علی علیه السلام در نزاع با ابن زبیر، وجود خدیجه را در تیره بنی اسد (چون خدیجه علیها السلام از آنان بود) مانع سخنان خود بر ضد بنی اسد می دانست (4)

3. زید بن علی علیه السلام که قیام بزرگی بر ضد حکومت طاغوتی هشام بن عبدالملک اموی به راه انداخت و سرانجام به شهادت رسید، در سخنی در برابر

ص: 350

1- مناقب، ج 4، ص 182؛ بحار الانوار، ج 45، ص 174

2- تفسیر قمی، ج 2، ص 117؛ تفسیر فرات کوفی، ص 295؛ شواهد التنزیل، ج 1، ص 539.

3- بحار الانوار، ج 45، ص 59؛ نفس المهموم، ص 342

4- مروج الذهب، ج 4، ص 97

دشمن، چنین احتجاج کرد:

(وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمَوَدَّةِ، أَبُونَا رَسُولُ اللَّهِ وَجَدَّتْنَا خَدِيجَةُ...)

و ما سزاوارتر به مودت و دوستی هستیم؛ زیرا پدر ما رسول خدا صلی الله علیه و آله و جده ما خدیجه علیها السلام است. (1)

4. محمد نفس زکیه از نودگان امام مجتبی علیه السلام نیز در قیام بر ضد عباسیان و در مکاتبه با منصور عباسی به این نکته اشاره کرد که خدیجه علیها السلام که از برترین زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله بود جده ماست. (2)

ب) دیدگاه صحابه درباره حضرت خدیجه علیها السلام

اشاره

صحابه در تعریف عام به کسانی اطلاق می شود که در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان ایمان آوردند و با ایشان ملاقات کردند و نیز مسلمان از دنیا رفتند. (3) از میان صحابه، برخی دوران زندگی خدیجه علیها السلام را در مکه مکرمه درک کردند و معاصر آن حضرت بودند و برخی نیز مانند انصار بدون این که ایشان را دیده باشند انعکاس دهنده فضایل خدیجه علیها السلام از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند. در این جا به چند نمونه از دیدگاه ها و روایت هایی که از زبان صحابه نقل شده اکتفا می کنیم:

1. دیدگاه ام سلمه:

وی از همسران بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله بود و روحیه پرسش گری بالایی داشت به موجب نقلی او به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد:

شما از خدیجه امری را ذکر نمی کنید مگر این که او آن چنان بود که می گویند جز این که به سوی پروردگارش شتافت. پس خداوند این را برای او گوارا کند و میان ما و او را در بهشت خود گرد آورد. (4)

2. جابر بن عبدالله انصاری:

وی در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله، سرور زنان جهان را

ص: 351

1- بحار الانوار، ج 27، ص 207.

2- البدایه والنهایه، ج 10، ص 85

3- الاصابه، ج 1، ص 158

خدیجه علیها السلام، فاطمه علیها السلام، مریم و آسیه معرفی نموده است. هم چنین به نقل از وی پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه علیها السلام را از جمله زنان کامل در جهان و نیز از بهترین زنان معرفی فرمودند.

3. ابوهریره:

وی در، روایتی بهترین زنان جهانیان را فاطمه، خدیجه کبری علیها السلام دختر مریم دختر عمران و آسیه همسر فرعون دانسته است. (1)

4. عبدالله بن زبیر:

وی از صحابه خردسال رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و با آن که با خاندان رسالت دشمنی کرد، در گفتگویی که با حضور بنی امیه و برخی از اشراف قریش ترتیب داده شد به حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان عمه اش افتخار نموده گفت: «الست تعلمان عمتي خديجة سيدة نساء العالمين؛ آیا نمی دانی که عمه ام خدیجه علیها السلام سرور بانوان جهان است؟» (2)

ج) دیدگاه اندیشه وران اهل سنت درباره حضرت خدیجه علیها السلام

1. ابن اسحاق (151 ق):

«خدیجه علیها السلام برای اسلام وزیر صداقت بود». (3) همو گفته است: «خدیجه زنی دوراندیش، شریف و خردمند بود با آن کرامتی که پروردگار آن را برای او خواسته بود». (4)

2. ابن هشام (م 213 ق):

وی نویسنده کتاب معروف السیره النبویه است که ضمن اشاره به نسب والای حضرت خدیجه علیها السلام می نویسد:

خدیجه به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد و آن چه را که از خداوند به پیغمبر صلی الله علیه و آله آمده بود، تصدیق کرد. پس پروردگار بدین، امر بار اندوه را از پیغمبرش سبک، کرد و پیغمبر جوابی ناخوشایند و تکذیبی از برای رسالتش نشیند که او را غمگین، کند مگر این که خداوند آن را به وجود خدیجه علیها السلام برطرف ساخت، هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله نزد او بر می گشت. (5)

ص: 352

1- الاستیعاب، ج 4، ص 1821؛ الاصابه، ج 8، ص 264.

2- بحرانی، حلیة الأبرار، ج 4، ص: 201.

3- اسد الغابه، ج 5، ص 439.

4- سیره ابن هشام، ج 1، ص 200.

3. بلاذری (م 279 ق):

احمد بن یحیی بن جابر به نقل از محمد بن عمر، واقدی از مغازی نویسان و سیره نگاران مشهور متقدم می نویسد:

خدیده علیها السلام دختر خویلد، زنی با اصل و نسب و تاجری ثروتمند بود. خدیجه بانویی، شریف، ثروتمند و دارای اعتبار در روزگار خود به شمار می رفت.

4. زبیر بن بکار (م 256 ق):

وی می گوید: «خدیده، در عصر جاهلیت «طاهره» خوانده می شد». (1)

5. حافظ عبدالعزیز جنابندی حنبلی:

خدیده علیها السلام زنی دورانیش و خردمند و شریف بود. او در آن روز از لحاظ نسب پاک ترین قریش و شریف ترین و ثروتمندترین آن ها بود همه قومش سخت بر ازدواج با او حریص بودند ولی او خودداری ورزید و ازدواج خود را به پیغمبر صلی الله علیه و سلم پیشنهاد کرد و گفت: «ای پسر عمویم! من به تو میل دارم به سبب خویشاوندی تو از من و شرف تو در قومت و امانتت نزد آن ها و خوش اخلاقیت و راستی گفتارت». (2)

6. ابن جوزی (597 ه ق):

جمال الدین ابوالفرج عبدالرحمان بن جوزی از دانشمندان برجسته اهل سنت درباره حضرت خدیجه علیها السلام آورده است:

پیش گامان، در اسلام خدیجه علیها السلام و حضرت علی علیه السلام هستند. (3)

وی می گوید:

چون امر نبوت ظاهر شد خدیجه به اسلام گروید. او نخستین بانویی است که به او ایمان آورد و پیغمبر هم با زن دیگر ازدواج نمود، تا این که او از دنیا رفت. همه فرزندان آن حضرت جز ابراهیم از خدیجه اند. (4)

7. ابن اثیر (630 ق): وی می گوید:

خدیده زنی دورانیش خردمند و شریف بود با آن همه بزرگواری و کرامتی

- 1- سير اعلام النبلاء، ج 2، ص 82؛ اسدالغابه، ج 5، ص 435؛ الاصابه، ج 4، ص 273.
- 2- على محمد على دخيل، خديجه عليها السلام، ص 31.
- 3- الوفاء باحوال المصطفى، ص 163 و 164
- 4- صفوه الصفوه، ج 2، ص 2

که پروردگار برای او اراده کرده بود. پس خدیجه کسی را نزد رسول خدا صلی الله علیه و اله فرستاد و ازدواج خود را به حضرت پیشنهاد نمود و شریف ترین زنان قریش از لحاظ نسب بود و از همه آن ها ثروتمند تر و شریف تر همه قوم او بر ازدواج با او حریص، بودند اگر بدین امر قدرت داشتند. (1)

8. سبط ابن جوزی (م 654 ق):

وی درباره حضرت خدیجه علیها السلام می نویسد:

این بانوی آگاه و پاک سرشت و این انسان شیفته معنویت که حق گرایی، فضیلت طلبی، نواندیشی عشق به کمال و رشد و پیشرفت از ویژگی هایش بود از همان روزگار جوانی نیز یکی از دختران نام دار و با فضیلت حجاز و عرب به شمار می رفت مهم تر از مکتب مادی، وی، ثروت بی پایان معنوی او بود. او با رد درخواست بزرگان و اشراف، قریش و انتخاب پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان همسر خود نعمت برخوردار از ثروت مادی را با تضمین سعادت مندی آخرت و بهره مندی از نعمت های ابدی بهشت، کامل نمود و خردمندی اش را به رخ همگان کشید و برای دست یابی به این نعمت، اولین مسلمان و اولین تصدیق کننده پیامبر صلی الله علیه و آله شد و به همراه او اولین نماز را بر پا داشت

9. ابن سیدالناس (م 734 ق):

وی از سیره نویسانی است که درباره خدیجه علیها السلام می نویسد:

او زنی شریف و با درایت بود که خداوند خیر و کرامت برای او در نظر گرفته. بود به لحاظ، نسب در طبقه متوسط از انساب عرب جای داشت اما دارای شرافتی عظیم و ثروتی زیاد بود.

سهیلی شارح سیره ابن هشام گوید:

خدیجه صاحب خانه اسلام بود و آن گاه که او ایمان آورد، خانه اسلام روی زمین جز خانه او نبود (2)

همو گوید:

حضرت خدیجه سرور بانوان قریش به شمار می رفت و در جاهلیت و

ص: 354

1- الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 14.

2- الروض الانف، ج 2، ص 426

11. ذهبی (م 748 ق):

محمد بن احمد بن عثمان ذهبی از شاخص ترین 11.

دانشمندان و از پیش گامان رجالیان اهل سنت درباره حضرت خدیجه علیها السلام می گوید:

ام المؤمنین و سرور زنان جهانیان زمان خویش است و او ام القاسم دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصبی بن کلاب قریش اسدی و مادر فرزند رسول خدا صلی الله علیه و اله است. وی نخستین بانویی بود که اسلام آورد، و پیش از هر کس پیغمبر صلی الله علیه و اله را تصدیق نمود و به او پر دلی و شجاعت داد و او را به نزد پسر عموی خویش ورقه برد.

مناقب خدیجه فراوان است. او از میان زنان تنها کسی است که به مرحله کمال رسید او خردمند با جلال، متدین، پاک دامن بزرگوار و از اهل بهشت بود. پیغمبر صلی الله علیه و اله او را ستایش می کردند و بر دیگر زنان مؤمنان برتری می دادند و او را بسیار بزرگ می داشتند تا جایی که عایشه می گفت: «به زنی رشک نبردم آن چنان که به خدیجه حسد ورزیدم زیرا پیامبر صلی الله علیه و اله او را بسیار یاد می کرد».

دلیل بر این گرامی بودن آن است که حضرت پیش از او با زنی ازدواج نکردند. پیغمبر از او دارای فرزندان شدند و با وجود او همسر دیگری انتخاب نکردند و کنیزی نگرفتند، تا این که او دعوت حق را لبیک گفت. پس پیامبر صلی الله علیه و اله از فقدان او غمگین، گشتند زیرا او بهترین خویشاوند بود. از مال خویش به پیامبر صلی الله علیه و اله انفاق می کرد و آن حضرت برای او تجارت می نمودند، و خداوند به او فرمان داد که خدیجه را به خانه ای زبردین در بهشت بشارت دهد که در آن سر و صدایی و رنج و اندوهی نباشد وی در وصفی دیگر می نویسد:

خدیجه سرور بانوان بهشت فرزانه، قریش از تیره، اسد، جلیل القدر، متدین، خویشتن دار بزرگوار از بانوان بهشتی و یکی از بانوانی بود که به قله کمال رسیده بودند (2)

ص: 355

1- همان، ج 1، ص 215

2- سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 109

12. ابن حجر عسقلانی (م 852 ق):

وی از دانشمندان برجسته اهل سنت در سده نهم هجری است او درباره حضرت خدیجه علیها السلام می گوید:

سرمنشأ اهل البیت خدیجه علیها السلام است نه جزا و زیرا حسنین از فاطمه اند و فاطمه دختر اوست و علی هم در خانه خدیجه بزرگ شد و سپس با دختر او ازدواج کرد. (1)

وی در سخن دیگر، رفتار بزرگ بانوی اسلام در قبال رسول الله صلی الله علیه و سلم را چنین وصف کرده است:

خدیجه علیها السلام بر این حریص بود که رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله را به هر شکل ممکن جلب نماید و هرگز از او چیزی دیده نشد که موجب غضب آن حضرت، شود چنان که از دیگران دیده شد. (2)

هم چنین می نویسد:

خدیجه علیها السلام در نخستین لحظات بعثت رسالت آن حضرت را تصدیق نمود اعتقاد راسخ و ثبات قدم او نشان دهنده یقین کامل، عقل وافر و عزم راسخ او بود.

13. عمر رضا کحاله:

وی که دارای تألیفات و از اندیشه وران محسوب می شود درباره نخستین بانوی مسلمان می نویسد:

خدیجه علیها السلام در خانه مجد و سروری متولد شد و بر اخلاق پسندیده پرورش یافت و به دور اندیشی و خرد و پاک دامنی متصف گردید تا این که قومش او را در جاهلیت طاهره نامیدند. (3)

14. علی ابراهیم حسن: وی می نویسد:

هر گاه بخواهیم نمونه ای از یک همسر با اخلاص و پاک دامن و زنی باوقار و خردمند را نشان دهیم بهتر از خدیجه ام المومنین نمی توانیم پیدا کنیم. این بانوی بسیار خردمند، جاهلیت و اسلام را درک کرد و در هر دو دوره، از منزلتی ممتاز بهره داشت تا جایی که طاهره نامیده شد. پس او میان مال و

ص: 356

1- فتح الباری، ج 8، ص 138

2- همان

3- اعلام النساء، ج 1، ص 326.

جمال و کمال را در یک جا جمع کرد این صفات سه گانه هر گاه در یک جا جمع شوند- که معمولاً کم اجتماع می کنند- به زن آثاری از عظمت و بلندی مقام می دهند و حال خدیجه این چنین بود. هم چنین خدیجه علیها السلام نخستین بانویی بود که به اسلام گروید و از همان زمان با همسرش نماز می گزارد و او را با تشویق و شجاعت دادن یاری می نمود و از روح خود او را استواری و نیرو می بخشید. پیغمبر صلی الله علیه و آله بیرون می رفتند تا اسلام را به قوم یا داندلود بشارت دهند ولی از آن ها جز تکذیب و اهانت نمی دیدند. پس غمگین و ناامید به خانه بر می گشتند و خدیجه غم را از چهره او می زدود و نا امیدیش را به امید مبدل می ساخت و کار را بر او آسان می کرد. (1)

15. عبدالله علایی:

وی از دانشوران معاصر اهل سنت است که درباره قیام امام حسین علیه السلام نیز کتابی دارد به نام برترین هدف در برترین نهاد که در آن تحلیل های درخوری دارد او درباره حضرت خدیجه علیها السلام می گوید:

وی از دردهای مبارزه که بر پیغمبر وارد می شد استقبال می کرد و در امواج این مجاهده و پیکار دوشادوش با او در کمال فعالیت و شکیبایی و قاطعیت و خداجویی غوطه ور می گشت، بی آن که سست شود یا هراسی به دل راه دهد بلکه از این پل های غم و اندوه و حوادث سنگین، با تبسمی از بزرگواری و عظمت عبور می کرد آن چنان که نظیر این جز از سازندگان تاریخ سابقه نداشته است. او با سینه باز و گشاده و قامت شعله ور از، ایمان خود از طوفان حوادث استقبال می کرد بی آن که احساسی از بازتابی ویران گرو یا اضطرابی چون صاعقه داشته باشد. (2)

16. عمر ابونصر از دانشمندان معاصر لبنانی: می گوید:

خدیجه دختر خویلد بانوی جلیل القدر، عرب شرف نسب، کرامت گوهر بود و سروری قبیله و عزت عشیره و فراوانی مال به او ختم شده است. به همین علت نیاز تهی دست را بر طرف می کرد و گرسنه را اطعام می نمود برهنه را می پوشانید پس خدیجه در اخلاق و نسب و ثروت میان قوم خود

ص: 357

1- نساء لهن فی التاریخ الاسلامی نصیب، ص 21 - 23

2- مثلهن الاعلی خدیجه بنت خویلد، ص 98

17. سلیمان کتانی:

وی نویسنده مسیحی لبنانی است که درباره حضرت خدیجه می نویسد:

خدیجه دوستی خود را به همسرش بخشید، حال آن که احساس بخشش نمی کرد، بلکه احساس می کرد محبت از او می گیرد و همه سعادت را از او کسبی می کند. ثروتش را به او بخشید و حال آن که احساس نداشت که می بخشد، بلکه این احساس می کرد که هدایت را از او کسب می نماید که بر همه گنج های روی زمین برتری دارد پیغمبر نیز به او دوستی و قدرشناسی داد همین امر او را به عالی ترین درجه رسانید و او هم احساس نمی کرد که آن را به خدیجه داده است بلکه می فرمود: «ما قام الاسلام الا بسیف علی ثروه خدیجه»؛ «اسلام جز به شمشیر علی و ثروت خدیجه بر پا نشد». پیغمبر عمر و بهترین دوره جوانی خود را به او بخشید و به جای او همسر دیگری هم انتخاب نکرد تا این که او روی در نقاب خاک کشید و پیغمبر باز هم این احساس را نداشت که آن را به او بخشیده است، بلکه می گفت نه سوگند به پروردگار که بهتر از او به من نداده است. او به من ایمان آورد هنگامی که مردم مرا تکذیب کردند و با مال خویش مرا یاری نمود، هنگامی که دیگران مرا محروم کردند. (2)

د) دیدگاه متفکران شیعی درباره حضرت خدیجه علیها السلام

1. هشام بن محمد کلبی (204 ق): وی می گوید:

رسول الله صلی الله علیه و آله خدیجه را دوست داشتند و به او احترام می گذاشتند و در همه کارها با او مشورت می کردند او وزیر صدق و راستی و نخستین کسی بود که به پیغمبر ایمان آورد و پیغمبر تا زمانی که خدیجه حیات داشت هرگز همسر دیگری برنگزیدند. همه فرزندان آن حضرت جز ابراهیم

ص: 358

1- فاطمه بنت محمد، ص 6

2- فاطمه الزهراء و ترفی عمد، ص 112

2. سید عبدالحسین شرف الدین:

وی می گوید:

خدیجه صدیقه این امت و از حیث ایمان به پروردگار، و تصدیق کتاب او، و یاری رسول خدا صلی الله علیه و اله نخستین کس است. او مدت 25 سال با پیغمبر صلی الله علیه و آله زندگی کرد، بی آن که زنی دیگر در زندگی او شریک باشد و اگر در حیات باقی می ماند پیغمبر باز هم شریک دیگری برای او انتخاب نمی کردند. او در تمام طول زندگانی زناشویی، شریک درد و رنج پیغمبر صلی الله علیه و آله بود. زیرا با مال خود به ایشان نیرو می بخشید، و با تمام گفتار و کردار از حضرت دفاع می نمود و به او تسلی می داد آن چه را که از عذاب و درد کافران در راه رسالت و ادای آن نصیبت می کردند. او با علی علیه السلام در غار حرا بود، هنگامی که اولین بار وحی نازل شد. (2)

3. حضرت آیت الله خامنه ای:

مقام معظم رهبری به زیبایی به نقش چشم گیر زنان دوران و الگوگیری از شخصیت بزرگ تاریخ اسلام اشاره می نمایند:

[مادامی که] آفتاب درخشان خدیجه کبری علیها السلام و فاطمه زهرا علیها السلام و زینب کبری علیها السلام می درخشد طرح های کهنه و نو ضدزن به نتیجه نخواهد رسید و نتیجه اقتدا به این آفتاب های درخشان این بوده که هزاران زن کربلایی ما، نه تنها خطوط سیاه ستم های ظاهری را درهم شکسته اند، بلکه ستم های مدرن به زن را نیز رسوا و بی آبرو کرده و نشان داده اند که حق کرامت الهی زن بالاترین حقوق زن است که در جهان به اصطلاح مدرن هرگز شناخته نشده و امروز وقت شناخته شدن آن است. اگر زن مسلمان ایرانی به حضرت خدیجه علیها السلام و اولاد گران قدر آن بانوی مکرمه اقتدا نماید خواهد توانست نماد بزرگ زن ایرانی مسلمان را به دنیا که سخت محتاج شناختن آن است، بنمایاند. (3)

ص: 359

1- تذکره الخواص، ص 312

2- عقيله الوحی، ص 20

3- پیام به کنگره «هفت هزار زن شهید کشور» 16 اسفند 1391

حضرت خدیجه علیها السلام شخصیتی بزرگ است که در طول تاریخ، همواره برجستگان او را ستوده اند با مرور بر دیدگاه ها و سخنان اندیشه وران و گروه های مختلف درباره آن، حضرت می توان به این نتیجه رسید که غالب دیدگاه ها درباره آن حضرت مثبت گرایانه و حاوی نکاتی است که برخی از آن ها را می توان چنین برشمرد برترین زنان جهان برترین زنان بهشتی، نخستین زن مسلمان برترین زن به لحاظ عفت، دوراندیش و نیکوکار، کارآفرین، شکیبیا و صاحب اندیشه برخوردار از شرافت و بزرگی زیباترین زنان قریش و وفاداری به همسر و اهداف و آرمان هایش در حد کمال تمام مسلمانان بر بزرگداشت آن حضرت و اقرار بر فضیلتش متفق القولند و کسی درباره آن بانوی بزرگ اسلام، خدشه نکرده و اختلاف ندارد

1. ابن ابي الحديد، شرح نهج البلاغه، به كوشش محمد ابوالفضل، داراحياء الكتب العربيه، 1378 ق .
2. ابن اثير (م6300ق)، الكامل فى التاريخ، به كوشش عمر عبدالسلام، بيروت، دار الكتاب العربى، 1417 ق .
3. ابن اثير، (م6300ق)، اسد الغابه فى معرفه الصحابه، بيروت، دارالفكر، 1409 ق.
4. ابن جوزى (م5970ق)، صفه الصفوه، بيروت، دارالفكر، 1413 ق.
5. ابن جوزى، يوسف بن قزاوغلى (م6540ق)، تذكره الخواص، قم، الرضى 1418 ق.
6. ابن حاتم العالمى (م6460ق)، الدر النظيم فى مناقب الائمه عليهم السلام، قم، مؤسسه نشر الاسلامى، 1420 ق.
7. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على (م8520ق)، الاصابه فى تمييز الصحابه، به كوشش على محمد معوض و عادل احمد عبد الموجود، بيروت، دارالكتب العلميه، 1415 ق.
8. -، فتح البارى بيروت، دارالمعرفه، بى تا.
9. -، (م852ق)، تقريب التهذيب، تحقيق مصطفى، بيروت، دار الكتب العلميه، 1415 ق.
10. -، (م852ق)، تهذيب التهذيب، بيروت، دارالفكر، 1404 ق.
11. ابن شهر آشوب (م588ق)، مناقب آل ابي طالب، به كوشش يوسف البقاعى، بيروت، دار الاضواء، 1412 ق.
12. ابن صباغ (م855ق)، الفصول المهمه به كوشش الغريرى، قم، دارالحديث، 1422 ق.
13. ابن صباغ مالكى، الفصول المهمه فى معرفه الأئمه عليهم السلام، قم، دار الحديث،

14. ابن عبد، آلبر، الاستيعاب به كوشش على محمد وديگران، بيروت، دار الكتب العلمية، 1415 ق.
15. ابن عساکر، على بن حسن (م. 571 ق)، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق على شیری، بيروت، دار الفكر، 1415 ق.
16. ابن كثير، اسماعيل بن عمر (م. 774 ق)، البدايه و النهايه، بيروت، مكتبة المعارف.
17. ابن هشام، سهيلي (م. 581 ق)، الروض الانف في شرح السيره النبويه، به كوشش عبدالرحمان الوكيل بيروت، دار احياء التراث العربي، 1412 ق.
18. احمد بن حنبل، مسند، ج 6 ص 117، ح 24908، ناشر: مؤسسة قرطبة، مصر، بی تا.
19. احمد بن يعقوب، تاريخ يعقوبی، بيروت، دار صادر، 1415 ق.
20. اربلی، على بن عيسى (م. 6930 ق)، كشف الغمه في معرفة الاثمه، بيروت، دار الاضواء 1405 ق.
21. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، به كوشش سيد احمد صقر، بيروت، دارالمعرفه بی تا
22. بخاری، صحيح به كوشش ابن باز بيروت، دارالفکر، 1418 ق.
23. بلاذری، انساب الاشراف، به كوشش زكار، بيروت، دارالفکر، 1417 ق.
24. حسکاني، شواهد التنزيل به كوشش محمودی تهران وزارت ارشاد، 1411 ق.
25. ذهبي، محمد بن احمد (م. 7480 ق)، سير اعلام النبلاء، به كوشش گروهی از محققان، بيروت، الرسالة، 1413 ق.
26. زرکلی، خير الدين (م. 1396 ق)، الأعلام، بيروت، دارالعلم للملایین 1347 ق.
27. سبط بن جوزی، تذکره الخواص (تذکره الخواص الاثمه في خصائص الاثمه)،

قم الشریف الرضی، 1418 ق.

28. طوسی، (م. 460 ق)، الامالی، تحقیق مؤسسه بعثت، قم، دار الثقافه، 1414 ق.
29. فرات الکوفی (م 3070 ق)، تفسیر، به کوشش محمد کاظم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1374 ش.
30. قمی، شیخ عباس (م 13590 ق)، نفس المهموم، نجف، مکتبه الحیدریه 1421 ق.
31. قمی، تفسیر، به کوشش جزائری، قم، دار کتاب، 1404 ق.
32. کحاله عمر رضا، اعلام النساء فی عالمی العرب والاسلام، دمشق، مکتبه الهاشمیه، بی تا.
33. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403 ق.
34. المزی، ابوالحجاج یوسف (م 7420 ق)، تهذیب الکمال، تحقیق بشار عواد، بیروت، الرساله، 1415 ق.
35. مسعودی، مروج الذهب، به کوشش مفید محمد، بیروت، دارالکتب العلمیه بی تا
36. مفید (م. 413 ق)، امالی، به کوشش غفاری و استاد ولی، بیروت، دارالمفید، 1414 ق.
37. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، بیروت، دارالمفید، 1414 ق.
38. یعقوبی، احمد بن اسحاق (م 2920 ق)، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر، 1415 ق.

ص: 363

*حضرت خدیجه علیها السلام منتظر واقعی: فاطمه صالحی (1)

چکیده

مقاله حاضر حول محور حضرت خدیجه علیها السلام و ویژگی های این بانوی بزرگوار و تطبیق آن ها با منتظران امام عصر است. ابتدا به تعریف بعثت و مفهوم شناسی ظهور و انتظار در جامعه جاهلیت و شباهت های آن در زمان، غیبت می پردازد و به منجی بودن پیامبر صلی الله علیه و آله و اله اشاره می کند و این که بعثت به طور کامل تحقق نیافت و با ظهور منجی عالم بشریت تحقق خواهد یافت. همچنین عملکرد حضرت خدیجه علیها السلام بررسی شده تا الگویی عملی برای منتظران و راهکاری برای گذر از وضع موجود به وضع مطلوب معرفی سازد در ادامه مفهوم انتظار و تأثیر لایه های آن در زندگی اجتماعی بررسی می گردد همچنین به ویژگی های یاران امام زمان و مطابقت صفات آنان با رفتار حضرت خدیجه علیها السلام بر اساس آیات قرآن و روایات اشاره می شود و در آخر به مأموریت خاص یاران منجی و بررسی شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در پیروی از ولی امر می پردازد.

واژگان کلیدی

پیامبر صلی الله علیه و آله، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، حضرت خدیجه علیها السلام، منتظران، ظهور.

مقدمه

قلم را بر صفحه دل می فشارم تا تمثیلی بنگارم از گوهر ناب تاریخ که

ص: 364

چون آشکار گردند، دل ربایی کنند همچون حضرت خدیجه علیها السلام که یکی از مظلوم ترین شخصیت های عالم اسلام است که به سیره الهام بخش ایشان سخت نیازمندیم و دست انسان امروز از دامان بلندشان کوتاه است. روا نیست که این گوهرهای بی بدیل را که مخزن عرفان در این عصر پرنیازند، به این نسل عطشناک عرضه نکنیم.

جایگاه این بانوی بزرگوار به ده ها و صدها دلیل شاه نشین عمارت تاریخ است و بزرگ ترین وجه مظلومیتش این است که چون گنجی بی نظیر در تاریخ خانه تاریخ خاک می خورند. امروز مناسب ترین زمان برای ارائه معارف ناب اسلامی و الگوهای عملی در قالب های دلنشین برای حل مشکلات بشر است؛ در این عصری که بینش ها رشد یافته و از نظاره مکاتب مادی و دنیایی به ستوه آمده و وجدان های بیدار از تماشای نابه سامانی های جوامع بشری به عذابی دردناک گرفتار شده و جان های هشیار از تنفس در فضای آلوده مفاسد اجتماعی به تنگ آمده و همگی در جستجوی راه نجات و آب حیاتند. و جای خالی موعود بیش تر از پیش احساس می شود نیاز به یافتن پناهگاهی امن و دژی استوار برای مردم از همان صدر اسلام احساس می شد. بر متعهدان مکتب الهی اسلام واجب است تا از بوستان باطراوت معنویت محمدی الگوهای مناسب را نشان دهند.

در این مقاله تلاش شده است تا درباره پاک ترین صادق ترین فهیم ترین کریم ترین استوارترین متشخص ترین مهربان ترین و مقتدرترین زن در مقطعی از زمان سخن به میان آید که زنان ارزشی ناچیز داشتند؛ او سمبل انسانی منتظر و یار باوفای امامش بود

لذا به دنبال معرفی ویژگی های خاص و معنوی بانویی برآمدیم که نخستین زن مسلمان و نخستین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود؛ مظهر کمال انسانی ایثار و مادر زهرای اطهر یعنی حضرت خدیجه کبری علیها السلام، فردی که پیامبر به او افتخار می کردند و او را آرامش بخش می دانستند. امید است ما هم با الگوگیری از این

بانو، مرهمی بر دل هزار چاک امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشیم. تاریخ در حال تکرار است و ما باز در جاهلیت هستیم؛ جاهلیتی مدرنیته و نیازمند ظهور دوباره اسلام به دست فرزند پیامبر اسلام پس با نگاهی به گذشته می توانیم زمینه ساز این ظهور باشیم و حضرت خدیجه علیها السلام تنها زن یکه تاز میدان اسلام بود با بررسی شخصیت و رفتارهای حضرت خدیجه علیها السلام و بسط دادن آن در وظایف منتظران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ارائه الگوی عملی از یک منتظر واقعی برای جامعه دوران غیبت امید است بتوانیم به ظهور هر چه زودتر منجی عالم بشریت کمک کنیم.

مفهوم شناسی بعثت و ظهور

موعود باوری و اندیشه منجی آخرالزمان از موضوعاتی است که در طول تاریخ وجود داشته و تأثیراتی بزرگ بر تحولات تاریخی گذاشته است. کتب تاریخی پیشین و بررسی پیشگویی های موجود در کتاب های مقدس، دو واقعه بزرگ را به عنوان نقطه عطف سرنوشت ساز بشریت عنوان کرده اند؛ یکی واقعه بعثت پیامبر آخر الزمان و دیگری ظهور منجی آخر الزمان و رسیدن بشر به مدینه فاضله.

بعثت (ب ع ث) یعنی رسالت فرستادگی و ارسال و ظهور یعنی آشکار شدن و ظاهر شدن.

بعثت نقطه آغاز اسلام است بعثت پیامبر خاتم پس از یک فترت شش صد ساله رخ داد و یهودیان همچون مسیحیان از آن آگاهی داشتند. به گفته قرآن اهل کتاب پیامبر را هم چون فرزندان خویش می شناختند. (1) اوصاف حضرت را در تورات و انجیل خوانده بودند و در او می یافتند. (2) همه پیامبران به رسالت حضرت بشارت داده بودند معتقدان آیین های آسمانی منتظر پیامبری بودند که انسان ها را به آیین توحید هدایت کند حضرت خدیجه علیها السلام با کسب اطلاعات از پسر عمویش (ورقه) که از عالمان بزرگ مسیحیت بود، با مطابقت

ص: 366

1- سوره بقره، آیه 146؛ سوره انعام، آیه 20

2- سوره اعراف، آیه 13.

ویژگی های پیامبر با حضرت محمد صلی الله علیه و اله به سوی ایشان رفت.

آن حضرت پیامبر خاتم بودند اما راه ایشان بسته نشد، بلکه خط پیامبر در امامت امتداد یابد تا به امام عصر می رسد برنامه همان برنامه است و هدف و تعالیم یکی است. اما انسان 1400 سال پیش کجا و تنهایی و بی یآوری امام زمان کجا!! پیامبر در آن وضعیت سخت حضرت خدیجه علیها السلام را در کنار داشتند که درباره اش فرموده اند: «و کانت خدیجه و زیره صدق علی الاسلام و کان رسول الله سکن الیها» (1) وظیفه ما عبرت از تاریخ و الگوبرداری از آن است. با درک رابطه بعثت و ظهور هم چون خدیجه علیها السلام، می توانیم یار امام زمان خود باشیم.

شباهت های بعثت و ظهور و نقش حضرت خدیجه علیها السلام

این شباهت ها عبارتند از:

1. وجود جاهلیت در عرصه اجتماعی در عصر بعثت و عصر منتهی به ظهور حضرت خدیجه علیها السلام افکار و اندیشه هایش را در آن دوران به خرافات نیالود و توانست یار امامش باشد. در این عصر خرافات و جهالت، به گونه ای رواج یافته که تشخیص واقعیت دشوار می شود ولی یار واقعی و منتظر منجی، تحت تأثیر قرار نمی گیرد.

2. غربت اسلام: پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «اسلام آغازش با غربت بود و باز غریب خواهد شد و خوش حال کسانی که غریبه اند!» در تفسیر حدیث آمده، همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله در فضای غریبانه و شرک آلود عربستان برانگیخته شدند و اسلام با سختی های بسیار توسعه و ترویج یافت، اسلام دوباره به دلیل انحرافات، غریب و ضعیف می شود و نیازمند افراد فداکار و با شهامتی هم چون حضرت خدیجه علیها السلام است.

3. بعثت و ظهور دو انقلاب بزرگ اسلامی برای احیای توحید به شمار می آیند. بنابراین می توان گفت پیامبر فردی از بین مردم بود که جامعه خود محور

ص: 367

را خدا محور کرد. این موضوع در زمان ظهور امام زمان هم محقق می شود و کسانی آن را درک می کنند که همچون حضرت خدیجه علیها السلام دارای بیش عمیقی باشند.

4. هدف بعثت این بود که فکر و اندیشه مردم قرآنی شود و در حقیقت زیبایی ظهور این است که مردم بر اساس قرآن می اندیشند؛ یعنی یقین پیدا می کنند که عزت به دست خداست حکومتش حکومت نبوی است و سیره و سنت پیامبر را احیا می کند

5. مهم ترین شباهت حکومت نبوی و مهدوی این است که مردم در عصر ظهور باید آن ها را یاری کنند کسانی که قبل از بعثت مژده ظهور پیامبر آخر الزمان را می دادند با تمسخر افراد نادان مواجه می شدند، اما دیری نگذشت که حقیقت به وقوع پیوست و انکارکنندگان روسیاه شدند. در دوران غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم نادانان مژده دهندگان به ظهور را مسخره می کنند.

6. بعثت ظهور اولیه بود و هنگامی اتفاق افتاد که مردم با اسلام آشنا نبودند اما در عصر ظهور آشنایی نسبی جهانی با اسلام وجود دارد. البته در کنار این، آشنایی نوعی انحراف فراگیر جهانی هم نسبت به اسلام دیده می شود بر این اساس می توان کلمه ظهور را هم برای بعثت به کار برد و هم برای این دوره در بعثت ظهور دین صورت گرفت و در ظهور بعثت دین را شاهد هستیم، این دو دارای یک هدف هستند پرچم اسم، حتی سن و سال رهبران این دو مشابه است؛ لذا باید از یاران و همراهان پیامبر الگو گرفت و برای ظهور امام زمان مهیا شد نقش و رفتار حضرت خدیجه برای ما در این عصر بیش تر تجلی می کند.

بعد اعتقادات حضرت خدیجه علیها السلام

شناخت پروردگار، نخستین و مهم ترین وظیفه انسان است و تا شناخت او حاصل نشود، راه درست بندگی و اطاعت از او حاصل نخواهد شد. بی تردید اعتقادات بنیان اصلی زندگی انسان است اگر آدمی از اعتقادات درست و منطقی برخوردار باشد در عمل و گفتار دچار تناقض و بی هدفی نخواهد شد.

از نظر روایات و قرآن شناخت اوصاف خدا و اولیاء او که انسان های کاملی، هستند راه معرفت است.

البته این معرفت باید سازنده حرکت آفرین و هدایت بخش باشد. از امتیازات حضرت خدیجه علیها السلام این بود که افزون بر موقعیت فرهنگی و قدرت تجزیه و تحلیل رویدادهای جاری و آینده نگری و آگاهی از معارف پیامبران و کتاب های آسمانی خود نمونه ای مطرح برای عمل و منش بود، به گونه ای که پیامبر او را مانند حضرت مریم الگویی تاریخی می دانستند. این واقعیت، نکته ظریف اعتقادی قوی این بانوی بزرگوار را در ابعاد گوناگون نشان می دهد.

جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: «حاجتی أن تقرأ علی خدیجه من الله و من الاسلام...»؛ حاجت من این است که سلام خدا و سلام مرا به خدیجه علیها السلام برسانی. وقتی پیامبر به زمین رسیدند سلام را رساندند و حضرت خدیجه هم سلام داد این دلیلی بر به یاد خدا بودن و اعتقادات قوی اوست. (1)

شناخت امام

شناخت، امام شرط اسلام واقعی است و امامت همان رهبری همه جانبه تمام ابعاد انسانی است امام رئیس حکومت و اجرا کننده عدالت است.

خداوند در آیه 124 سوره بقره می فرماید: (وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي طَبَعٌ لَّا يَدَّأِلُ غَيْرِي الطَّالِعِينَ)؛ «و هنگامی را به یاد آور که ابراهیم را پروردگارش با کلماتی آزمود و او آن ها را تمام کرد [خداوند] فرمود: [ای ابراهیم] من تو را امام قرار دادم. [ابراهیم] گفت: و از فرزندانم؟ [خداوند] فرمود: عهد من به ستم گران نمی رسد».

این آیه به مقام امامت اشاره می فرماید. این آیه نشان می دهد که مقام امامت از نبوت بالاتر است.

ص: 369

1- سید بن طاووس حسنی، منهج الدعوات، ص 5؛ ابراهیم بن علی عامل کفعمی، مصباح کفعمی، ص 2 و 3

، پیامبر امام بود و خدیجه علیها السلام با شناخت امام زمان خودش، توانست وظیفه خود را نسبت به آن ها ادا نماید.

او با پیشتازی در شناخت حضرت محمد صلی الله علیه و سلم و مقام و جایگاه ایشان و آگاهی باز نشانه ها و منطقه ظهورش در کتاب های آسمانی با اطمینان قلب و خالصانه به سوی حضرت رفت. کاری که در حال حاضر منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باید انجام دهند و جایگاه امام شان را بشناسند. حضرت خدیجه علیها السلام سرمشق مردم در امام شناسی بود. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: (مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً)؛ (1) کسی که بدون شناخت امام زمانش از دنیا برود، با مرگ جاهلیت مرده است». این حدیث مشهور و مورد اتفاق شیعه و سنی، اهمیت شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را نشان می دهد.

حضرت خدیجه علیها السلام در آن دوره در مسیر شناخت امام بود و اعمالش را در مسیر درست و منطقی به پیش برد.

حدیث ثقلین و حضرت خدیجه علیها السلام

بر اساس روایات شیعه و سنی، رسول گرامی فرمود:

(إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي. مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا أَبَدًا وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا)

من دو چیز گران بها را در بین شما قرار دادم: کتاب خدا و اهل بیتم را؛ مادامی که بدان ها تمسک ، جوید هرگز گمراه نخواهید شد و آن دو از هم دیگر جدا نمی شوند....

تمسک به قرآن بدون محتوای آن معنا ندارد و نیز تمسک به امامان معصوم بدون معرفت و آگاهی به جایگاه رفیع و ویژگی های منحصر به فرد آنان که الگوی شریعتند ممکن نیست؛ از این جهت شناخت امامان معصوم لازم است. عترت طاهره بهترین مبین قرآن هستند و قرآن بهترین معرفت طاهره است.

ص: 370

حضرت خدیجه علیها السلام شاید اولین فردی باشد که به حدیث ثقلین عمل کرده و با معرفت به قرآن و شناخت امام و مهر سرشارش به امام علی علیه السلام و توفیق شرکت در تربیت (1) او، سعادت همراهی و هم فکری و عشق ورزی به اهل بیت را ثابت کرده باشد. حضرت خدیجه علیها السلام نخستین بیعت کننده با امیر مؤمنان علی علیه السلام بود. بانوی کمال جوی حجاز از همان آغازین سال های بعثت، دل در گرو مهر امام علی علیه السلام نهاد و با ایشان به عنوان جانشین پیامبر و آموزگار دین و نمونه اسلام زنده و بالنده بیعت نمود این از دیگر امتیازات آن بانوی بزرگ در تمسک جستن به اهل بیت در زندگی پرافتخارش است. اسناد تاریخی و حدیثی در این مورد آورده اند:

ثم قال: (يا خديجة! هذا عليّ مؤلاكي و مؤلى المؤمنين و امامهم بعدى). قالت: صدقت يا رسول الله قد بايعته على ما قلت، أشهد الله و أشهدك بذلك و كفى بالله شهيداً). (2)

پس از دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشتازی حضرت علی علیه السلام و خدیجه، روزی پیامبر اشاره به امیر مؤمنان فرمود:

ای خدیجه! این سمبل ایمان و آزادی سر مشق و سر رشته دار تو و از توحیدگرایان پس از من خواهد بود؛ در این مورد چه می اندیشی؟ او با سنجیده گویی و اخلاص پاسخ داد که «با او بیعت می کنم و خدا و پیام آورش را بر استواری این انتخاب و این بیعت به گواهی می گیرم و می دانم که گواهی خدا بسنده است».

این بانوی قریشی هیچ گاه از پشتیبانی نهضت و پیشوای آن دریغ نکرد و این همه شجاعت و ایثار حاصل نمی گردد مگر در زیر سایه عمل به حدیث ثقلین در زمان غیبت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز رستگاری حاصل نمی شود مگر با تمسک به قرآن و عترت

ص: 371

1- الانوار الساطعه من الغراء الطاهرة، ص 335

2- بحار الانوار، ج 18، ص 231؛ اثبات الهداة، ج 1، ص 641؛ وسائل الشیعه، ج 1، ص 281

بشر پیوسته در آرزوی زندگی اجتماعی سعادت بخش بوده و به امید رسیدن چنین روزی قدم برداشته است. انتظار و موعد شناسی یعنی امیدواری به آینده ای روشن شناخت و اعتقاد به امام مانع همکاری با ستم گران می شود و منتظر واقعی هرگز با ستم سازش نمی کند منتظر واقعی می کوشد تا نه تنها برای جامعه ایمانی عنصر مفید و کارآمد باشد بلکه برای اصلاح دیگران هم تلاش می کند.

حضرت خدیجه علیها السلام یار و همراه پیامبر صلی الله علیه و آله در راه رشد و نجات جامعه بود. در آغازین روزهای دعوت پیامبر که بد اندیشان و مغرضان دل نازنین آن حضرت را می آزرند و با تحریم های بسیار سخت در شعب ابی طالب (1) آن ها را در این وضعیت دشوار قرار دادند حضرت خدیجه علیها السلام بسان آغازین روزهای زندگیش یار فداکار و آرامش بخش دل پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

این بانوی بزرگوار انسانی نو اندیش و نوگرا بود که به اوضاع تیره و تاریک روزگارش خوش بین نبود و آن را نمی پسندید و در عمل با مردم زمانش بسیار متفاوت بود و به دلیل اعتقاد و شناخت عمیق به مصلح کل و اندیشه رهایی مردم از بلاهای جهل و شرک و استبداد و خشونت با ستم گران بیگانه (2) بود. این تفکر باعث شد که حضرت خدیجه علیها السلام قبل و بعد از ظهور اسلام در جامعه پراز فساد، دنبال فراهم آوردن زمینه برای ظهور منجی باشد و این بینش باعث شد تا در گرایش به آیین اسلام پیشتاز باشد. قرطبی می نویسد:

(خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَصَدَّقَ مُحَمَّدًا فِيمَا جَاءَ بِهِ عَنْ رَبِّهِ وَأَزْرَهُ عَلَى أَمْرِهِ) (3)

خدیجه نخستین کسی بود که به خدا و پیامبرش ایمان آورد و آن برنامه آسمانی را که حضرت محمد صلی الله علیه و سلم از سوی پروردگارش برای مردم آورده بود،

ص: 372

1- ابن سعد، پیشین ص 209 بلازی، پیشین، ص 233 - 234

2- بحار الانوار، ج 43، ص 3

3- الانوار الساطعه من الغراء الطاهرة، ص 204

با همه وجود گواهی نمود و او را در راه رساندن پیام خدا و ایجاد دگرگونی مطلوب یاری کرد و در این راه فداکاری و شکیب قهرمانانه ای نشان داد.

و این الگویی عملی برای منتظران ظهور است تا وزیر و یار و سرباز امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در برپایی جامعه مهدوی باشد پیامبر می فرماید:

حضرت خدیجه را در میدان عمل یار و شریک دغدغه ها و وزیر کارآمد فرهنگی و انسانی و اجتماعی خویش برگزیدم (1)

استراتژی حضرت خدیجه علیها السلام

استراتژی یعنی هنر به کارگیری همه افراد و امکانات موجود برای نیل به هدفی کلان که این تعریف مسائل گوناگون را در بر می گیرد، از ساده ترین رفتارها تا تحقق حکومتی یکپارچه جهانی آموزه های مهدویت و منجی گرایی، ظرفیت و توانایی های فراوانی در برنامه راهبردی (استراتژیک) دارند که بانوی خردمند حجاز از جنبه های گوناگون در پیشرفت و استواری این استراتژی نقش آفرینی کردند؛ از جمله:

1. موضع گیری دلیرانه و کارساز در حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله وی برای پیامبر فرصت سازی نمود تا آیین آسمانی اش را همگانی سازد. (2)

2. امید دادن به حضرت محمد صلی الله علیه و آله در سخت ترین اوضاع و نوید دادن به او در برابر فشارها و زدودن گرد و غبار اندوه از دل بی کران پیامبر صلی الله علیه و آله.

3. پایداری و شکیب قهرمانانه در برابر توفان مشکلات و اطاعت محض از امام زمان خود

4. شرکت مستقیم در مبارزه بزرگ اسلام با کفر و استبداد و بیدادگری.

همان گونه که بیان شد، حضرت خدیجه علیها السلام در تمام دوران زندگی، لحظه ای از زیر چتر ولایت حضرت محمد صلی الله علیه و آله خارج نشد و مطیع محض او بود و ولایت

ص: 373

1- بحار الانوار، ج 38، ص 85.

2- مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 58؛ از سخنان روشن گر و دلیرانه اوست که می گفت: «لا افلح من عادات یا محمد؛ ای محمد آن که با تو و آیین زندگی سر ناسازگاری داشته باشد، رستگار نخواهد شد».

او را قلباً و عملاً پذیرفته بود ولایت معانی مختلفی دارد، ریشه لغوی آن (ولی) به معنای قرب اتصال و پیوند دو یا چند چیز است. (1)

حضرت خدیجه علیها السلام پیرو ولایت بودند احترام به شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله و پیروی از ایشان با توجه به موقعیت اجتماعی و اموال فراوان، نشان دهنده عقیده و ایمان او به توحید و پذیرش ولایت حضرت محمد صلی الله علیه و آله بود. (2)

دشمن شناسی

شناخت دشمن، از ضروریات اولیه هر مبارزه است و از طریق آن می توان بقای جامعه را تضمین کرد. در طول تاریخ تمام شکست های جوامع ناشی از بی توجهی به دشمن بوده است. قرآن کریم مهم ترین ویژگی های دشمنان اسلام را پیمان شکنی خوی استکبار دنیا پرستی حسادت بدخواهی و ... می داند.

بانوی یکه تاز حجاز از همان آغاز زندگی با پیامبر صلی الله علیه و آله موضع و خط سیاسی خود را روشن نمود و از دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام برائت جست. حمایت همه جانبه از پیامبر آزادی در برابر تاریک اندیشان، نمونه ای از بیش عمیق حضرت خدیجه علیها السلام در برابر دشمنان اسلام بود. (3)

مفهوم شناسی انتظار

«الانتظارُ هی ببغیه نفسانیة منها التَّهَيُّدُ لما تَنْتَظِرُهُ»؛ انتظار کیفیتی درونی و برانگیزاننده است که انسان را مهبیای استقبال از امر منتظر الیه می نماید انتظار کیفیتی درونی و صفتی نفسانی است که موجب خیزش و ایجاد آمادگی برای امر مورد انتظار در انسان می گردد؛ انتظار یعنی مطالبه و پی جویی برای ادراک چیزی که در آینده واقع می گردد به شکلی که گویا هر لحظه چشم به راه وقوع آن چیز است. انتظار یعنی چشم به راهی برای انجام دادن کاری که مورد نظر و

ص: 374

1- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص 533

2- سفینه البحار، ج 2، ص 57؛ وفات الزهرا مقدم، ص 7.

3- سیره بن هشام، ج 1، ص 562.

لایه های انتظار

اشاره

انتظار مفهومی ذو مراتب و لایه لایه دارد که تبیین و کالبد شکافی آن، عمل و ولایت آن را روشن می سازد و میدان دید و نظرگاه واقعی منتظر را روشن و شفاف می نماید لایه های انتظار در شخصیت بزرگوار حضرت خدیجه علیها السلام عبارتند از:

1. نمای توحید

آن چه منتظر را به سوی یک انتظار فعال و یک نگرانی شدید می کشاند تسلط بر شرک و بت پرستی است.

شش قرن از نشر مسیحیت گذشته بود که پیامبر ظهور کرد و تمام آداب پیامبران (شریعت) گذشته تحریف و آمیخته به خرافات بود. بر اساس روایات وقتی قائم ظهور کند همگان گویند که دین جدید آورده است.

2. پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عصاره تمام انبیا و اولیا

پیامبر صلی الله علیه و آله خاتم الانبیاء و تکمیل کننده آن ها بودند و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مجری اهداف و اجرا کننده آرمان های انبیا و اولیاء الهی در طول تاریخ است. همراهی و یاری این دو بزرگوار فضیلتی است که نصیب هر کسی نمی شود. حضرت خدیجه علیها السلام همیشه دست پیامبر صلی الله علیه و آله را برای یاری می فشردند. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند:

(وَ صَدَّقْتَنِي إِذْ كَذَّبْتُمْ وَ آمَنْتَ بِي إِذْ كَفَرْتُمْ...)

آن گاه که شما دعوت آزادی مرا دروغ دانستید او به من ایمان آورد و مرا گواهی کرد (1)

ص: 375

این امتیاز حضرت خدیجه علیها السلام در تاریخ مشهود است. (1)

3. قدرت و سیاست

بازپس گیری قدرت از دست سفیهان و مبارزه و جدال حق و باطل که هنوز به نتیجه لازم نرسیده تا اسطوره این قدرت پس از ورود به عرصه اجتماعی - سیاسی آن در جهان اجرا کنند.

4. احیا و اجرای دیانت پایندی به دین و ارزش های آن

حضرت خدیجه علیها السلام در ایمان راستین و نماز و بروز دین در جامعه پیشگام بود پیامبر صلی الله علیه و آله در شکوه ایمان امام علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام و پیشتازی شان به حضرت فاطمه علیها السلام فرمود:

(إِنَّ عَلِيًّا أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَخَدِيجَةُ أُمَّكَ)؛ (2)

فاطمه جان! نخستین ایمان آورنده به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله از این امت علی است و مادرت خدیجه.

5. انتظار

انتظار فضیلت و ارزش ها را در فرد منتظر افزایش می دهد و او را به کسب مکارم اخلاقی و دوری از رذایل ترغیب می کند بانوی بلندآوازه حجاز سرشناس و صاحب کمال و دارای امکانات گسترده بود اما پاک منش، خردمند شایسته کردار آینده نگر ژرف اندیش حق جو و آزادمش نیز بود؛ به همین دلیل به او «طاهره» می گفتند (3)

او چنان در اوج معنویت و فضائل اخلاقی بود که «ابوطالب» او را در روزگار جاهلیت این گونه وصف می کند:

ص: 376

1- سیره ابن هاشم، ج 1، ص 242.

2- بحار الانوار، ج 42، ص 502.

3- سیره حلبی، ج 1، ص 132.

(إِنَّ خَدِيجَةَ إِمْرَأَةً كَامِلَةٌ مِّمُّونَةٌ فَاصِلَةٌ تَخْشَى الْعَارَ وَتَحْذَرُ الشَّنَارَ)؛ (1)

به راستی خدیجه بانویی است در اوج کمال پربرکت و آراسته به خوبی و از هر گونه نقطه های نازیبایی خویش به دور است.

ویژگی های منتظران با رویکرد به شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام

تقیه حضرت خدیجه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

خداوند از بنده مؤمنش قول گرفته که سختی ها را در دنیا به جان بخرد آن گونه که نان آوران خانه از زیردستان خود پیمان می گیرند که در غیبت او چهارچوب های مورد نظر را محترم دارند. هر چه به زمان ظهور نزدیک تر می شوید به افکار و اعمال تان پوشش تقیه بیش تر دهید. (2)

حضرت خدیجه علیها السلام در تصدیق و تأیید پیامبر با انفاق اموال، سختی های زیادی را تحمل کردند محاصره در شعب ابوطالب، نقش مهمی در کاهش قوای جسمانی خدیجه علیها السلام داشت به طوری که با فاصله اندکی پس از پایان محاصره وفات کردند.

بنت الشاطی از نویسندگان عرب در این باره می نویسد:

شخصی نبود که آن همه رنج برایش آسان باشد و از کسانی نبود که در جریان زندگی با تنگی معیشت خو گرفته باشد، اما در عین حال با وجود کهولت سن سختی هایی را که در اثر محاصره در شعب وارد می شد تا حد مرگ تحمل کرد. (3)

مجاهدت و دفاع از رسول خدا صلی الله علیه و آله، پذیرش اسلام در سال های جهل و گمراهی و نیز تقیه شدید در وضعیت وحشتناک آن عصر از ویژگی های آن بانوست امام صادق علیه السلام می فرماید:

ص: 377

1- همان.

2- بحار الانوار، ج 6.

3- خدیجه کبری علیها السلام نمونه زن مجاهد مسلمان.

پیامبر خدا پنج سال در مکه به طور پنهانی می زیست و علی و خدیجه با او بودند و اسلام خود را پنهان و به شدت تقیه می کردند (1)

این تفکر باعث شد که حضرت خدیجه علیها السلام قبل و بعد از ظهور اسلام در جامعه پر از فساد دنبال فراهم آوری زمینه برای ظهور منجی باشد لذا پیشتاز در گرایش به آیین اسلام شد این الگویی رفتاری برای منتظران ظهور است.

باران پیامبر صلی الله علیه و آله در کلام خدا

اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله در کتاب های آسمانی گذشته چون تورات و انجیل با اوصاف بهتر از آن چه انسان مؤمن با آن توصیف می شود وصف شده اند. آنان افرادی هستند که در برابر کفار بسیار شدید و نسبت به هم بسیار مهربانند. کسانی که در بارگاه ملکوتی خداوند بسیار اهل رکوع و سجود هستند؛ کسانی که فضل و کرم و خشنودی خداوند را می جویند و در چهره های شان اثر سجده نمایان است:

محمد رسول الله و الذین هم اشداء علی الکفار و رحماء بینهم

محمد فرستاده خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کفار سر سخت و در بین خود مهربانند. پیوسته آن ها را در حال رکوع و سجود می بینی، در حالی که فضل خدا در رضای او را می طلبند نشانه آن ها در صورت شان از اثر سجده نمایان است این توصیف آنان در تورات است. اما توصیف ایشان در انجیل این است که آن ها همانند زراعتی که جوانه های خود را خارج ساخته سپس به تقویت آن پرداخته نامحکم شده و بر پای خود ایستاده به قدری رشد کرده که زارعان را به شگفتی وا می دارد. این برای آن است که کافران را به خشم آورد کسانی از آن ها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی دارد (2)

ص: 378

1- کمال الدین ص، 197 نمونه هایی از مجاهدت این بانو در ماهنامه مبلغان، ش 11، ص 8 به بعد مطالعه کنید.

2- سوره فتح، آیه 92.

در آیه دیگر می فرماید:

آن هایی که تقوا پیشه کنند و زکات پردازند و آن هایی که به آیات ما ایمان آورند مقرر خواهیم داشت همان ها که از فرستاده خدا (پیامبر «امی») پیروی می کنند؛ (1) پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیل نزدشان است، بیابند آن ها را به معروف دستور می دهند و از منکر باز می دارد چیزهای پاک را برای آن ها حلال می شمرد و ناپاکی ها را تحریم می کند و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آن ها بود بر می دارد پس کسانی که به او ایمان آوردند و یاریش کردند و از نوری که به او نازل شد پیروی نمودند آنان رستگارانند (2)

کلام خداوند عزیز بهترین معیار برای شناسایی یاران پیامبر است. آنان دارای ویژگی هایی بودند؛ از جمله

1. سرسختی با کافران؛

2. مهربانی و رحمت با مؤمنان؛

3. نهایت خضوع در مقابل پروردگار عالم هستی در رکوع و سجده.

ریشه کنی ستم در صحنه عالم و تحقق آرمان حاکمیت توحید و عدالت در جهان افزون بر وجود رهبری شایسته و معصوم قانونی جامع و جهان شمول و فراهم آمدن زمینه ها و شرایط لازم به وجود یارانی، زبده، کاردان و لایق وابسته است.

یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چند دسته اند: یاران خاص که در ستاد فرماندهی آن حضرت هستند و تعدادشان 313 نفر است که قرآن کریم در آیه 8 سوره هود از آنان به «امت معدوده» یاد می کند دسته دوم پس از دسته اول به یاری ایشان می آیند. حلقه سوم از یاران مؤمنان هستند که پس از شروع قیام به آنان می پیوندند و لحظه به و لحظه بر تعدادشان افزوده می شود.

ص: 379

1- سوره اعراف، آیات 651 و 751

2- احمد علی علی امام ترجمه جهانگیری ولد بیگی عدالت اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و ذکر فضایل آن ها

امام علی علیه السلام می فرماید:

وَلَهُ رِجَالٌ إِلَهِيُونَ يُقِيمُونَ دَعْوَتَهُ وَيَنْصِرُونَهُ هُمْ الْوَزَرَاءُ لَهُ يَتَحَمَّلُونَ أَثْقَالَ الْمَمْلُوكَةِ عَنْهُ وَيَعِينُونَهُ عَلَى مَا قَلَّدَهُ اللَّهُ

گروهی از مردان الهی گرد او می آیند دعوتش را بر پای می دارند و یاری اش می کنند آن ها وزیران او هستند که سنگینی مسائل کشوری را بر عهده می گیرند و او را در مسئولیت بزرگی که خداوند به عهده اش گذاشته یاری می کنند

ویژگی های نفسانی یاران امام

روایات متعدد به تبیین ویژگی های معنوی و نفسانی یاران خاص امام زمان پرداخته اند؛ مانند علم و معرفت، ایمان و خشیت الهی، طهارت، تقوا، زهد، بینش و بصیرت، عبادت و بندگی توجه به خدا و ذکر و نیایش و استغفار و شب زنده داری شرح صدر و صبر و شکیبایی.

طهارت و تقوا یک رکن مدیریت ایده آل است و اجتناب از هر گونه اختلاط با اهداف نامشروع ناپسند غیر اخلاقی است مدیر خوب هر کاری را بر عهده می گیرد و آن را با رعایت اصول اخلاقی انجام می دهد. یاران امام به جهت برخورداری از طینتی پاک و تقوایی ستودنی از انواع فسادها که حکومت ها دچار آن می شوند مبرا هستند فساد مالی فساد، کاری قرارهای نامشروع و ناموجه در زمینه های مسائل کاری و جاذبه های دنیایی، دل آنان را نمی لرزاند و در آنان تأثیر ندارد آن ها بر اصول خود پای بندند و پای خود را از مسیری که برایشان ترسیم شده، ذره ای کج نمی گذارند. امام حسن عسکری می فرماید:

(يِرَاءُهُمُ اللَّهُ مِنْ طَهَارَةِ الْوِلَادَةِ وَ نَفَاسِهِ الْتَرَبَةِ مُقَدَّسَةً قُلُوبُهُمْ مِنْ دَسِّ النِّفَاقِ مُهَدَّبَةً أَفْنِدَتْهُمْ مِنْ رِجْسِ الشَّقَاقِ لَيِّنَةً عَرَائِكُهُمْ لِلدِّينِ... يَدِينُونَ بَدِينِ الْحَقِّ وَ أَهْلِهِ....)

خداوند آن ها را با پاکی نطفه و پاکیزگی سرشته، پاک و پاکیزه نمود. دل های شان از آلودگی نفاق پیراسته قلب های شان از تیرگی اختلاف پاکیزه

روح و روان شان برای پذیرش احکام دین آماده به آیین حق گرویده و در راه اهل حق گام سپرده اند.

ویژگی های رفتاری حضرت خدیجه علیها السلام

ویژگی های عملی یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را می توان در دو محور بررسی کرد

یکی سادگی و بی پیرایگی که آنان جلال و جبروت و حشمت ظاهری ندارند از این رو در میان زمینیان ناشناخته اند.

دوم، جدیت در کار و تلاش به تعبیر شهید بهشتی، شیفتگان خدمتند نه تشنگان قدرت آنان برای کار در حکومت جهانی مهدی موعود و تحقق بخشیدن به منویات امام زمان سر از پا نمی شناسند.

حیا و عفت یکی از صفات عملی است که شهوت را مهار و تمام حرکات و گفتار و قلم را کنترل می کند. حضرت خدیجه علیها السلام در زندگی شان در برخورد با نامحرم همیشه از پشت حجاب صحبت می کردند (1) حتی در جلسه خواستگاری از پشت پرده صحبت کردند. همچنین چهل شبی که به امر الهی دور از همسر خود بودند، سر خود را هنگام شب می پوشاندند و پرده در را می انداختند و در خانه را می بستند (2)

مأموریت یاران خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

جنگ با ستم گران، مبارزه با انحراف ها و تحریف ها و برداشت های نادرست از دین، از مأموریت های مهم یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. عوامل اصلی این، انحرافات صاحبان زر (سرمایه داران و اشراف) صاحبان زور (حکومت های غیر اسلامی و به ظاهر اسلامی) و صاحبان تزویر (روحانیان وابسته به دنیا پرستی

ص: 381

1- محدث نوری، مستدرک وسائل الشیعه، ج 41، ص 302.

2- علی بن یوسف حلی، اسعد القویة، ص 219، یسلاوی، ص 127.

حضرت خدیجه علیها السلام در تمام زمینه‌های ظهور اسلام به مأموریت خود در حق امامش می‌پرداخت از جمله انیس و غم خوار پیامبر صلی الله علیه و آله بود و حجم سنگین فشارهای قریش و مشرکان بر آن حضرت را کاهش می‌داد پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:
(مَا أُوذِيَ نَبِيٍّ بِمِثْلِ مَا أُوذِيَْتُ)؛ «هیچ پیامبری مثل من آزار ندید»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

آزاری که قائم به هنگام قیام خویش از جاهلان آخر الزمان می‌بینید، به مراتب سخت‌تر است از آن همه که پیامبر صلی الله علیه و آله از مردم جاهلیت دیدند. پیامبر صلی الله علیه و آله به میان مردم آمد در حالی که آن‌ها سنگ و صخره و چوب و تخته‌های تراشیده (بت‌های چوبی) را می‌پرستیدند، ولی قائم که قیام کند مردم همه از کتاب خدا برای او دلیل می‌آورند و آیه‌های قرآن را تأویل و توجیه می‌کنند وظیفه یاران در این جا افشای خطوط انحرافی و جریانات فکری منحرف جنگ با افکار و اندیشه‌های نادرست آبادی سرزمین‌ها و برقراری عدالت است.

نتیجه

انتظار بسته‌ای اخلاقی است که خود حاوی ارزش‌ها و فضیلت‌های متنوع است که فرد منتظر در کسب این ارمغان‌ها تلاش می‌کند حضرت خدیجه علیها السلام که نمونه‌الگوی رفتاری برای زمان حال و شخص منتظر است. او دوران غیبت و جهالت و دوران ظهور و عدالت را درک کرد و الگوهای را برای منتظران ارائه کرد؛ از جمله:

ارتباط و مقام معیت [هر زمان به یاد امام بودن]؛

عبودیت و بندگی؛

درک ثواب مجاهدت در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله و دفاع از شخص ایشان؛

آرامش؛

اقتدا به روش پیشوایان و درآمدن در خیل منتظران؛

تقویت مثبت اندیشی و مثبت رفتاری؛

درک پاداش شهادت؛

بردباری و تحمل بالا؛

فعالیت در مسیر خدا و اجر دو چندان؛

هم جواری با اهل بیت در بهشت؛

رشد عقلانی و فهم رشد یافته؛

رجعت و حضور در رکاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

دین محوری و تلاش ارزشی مداوم

ص: 383

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

1. ابن جنبل، احمد، مسند، بیروت، دارالفکر، 1425 ق.
2. اشتهااردی، محمد، حضرت خدیجه اسطوره مقاومت.
3. بحرانی، هاشم، تفسیر برهان، قم، اسماعیلیان.
4. حویزی، علی، نور الثقلین، قم، اسماعیلیان.
5. رحمانی، همدانی بهجة قلب المصطفی.
6. الزهراوی عبدالحمید، خدیجه علیها السلام ام المؤمنین، قاهره، 1928.
7. سمرقندی، تفسیر عیاشی اسلامیة تهران
8. کرمی، فریدونی علی دیدار یاران
9. کرمی فریدونی، علی ظهور و سقوط تمدن ها از دیدگاه قرآن.
10. کرمی فریدونی، علی، فروغ آسمان مجاز خدیجه.
11. کرمی، علی ترجمه مجمع البیان، تهران، مؤسسه فراهانی
12. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار
13. وسائل الشیعه فی تحصیل احکام الشریعه، قم، مؤسسه آل بیت 1428.

*آیتی نمونه از سکون بخشی ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام یار و دل دار پیامبر صلی الله علیه و آله: علی قائمی امیری (1)

آفرینش با همه وسعت و ابعادش و با همه ظرایف و ریزه کاری هایش، در بینش اسلامی امری هدف دار است. خدا آسمان و زمین و پدیده های هستی را به حق آفریده (2)، بازیچه (3)، بطلان و بیهودگی در آن راه ندارد. ممکن است از رمز و راز یا فلسفه آفرینش برخی از آن ها آگاه نباشیم، فراموش نباید کرد، ندانستن دلیل بر نبودن نیست چه بسیارند، امور پدیده ها و مسائلی که وجود دارند ولی ما از راز و رمز آن ها نا آگاهیم ولی ما را حق انکار نیست.

آری پدیده ها و جریانات خرد و کلان در جهان هستند که دست تقدیر حضرت باری تعالی آن ها را رقم زده و ما از راز آن ها بی خبریم. برخی از آن سرها در سایه گذشت زمان شناخته می شوند و برخی در سایه تلاش ها و کشفیات علمی - و کشف رازها برخی دیگر ممکن است به طول عمر ما قد ندهد ولی در هیچ صورتی انکار فلسفه وجودشان در آفرینش جایز نیست؛ زیرا آن ها پدیده و ساخته حکیمی مطلق است.

ص: 385

1- سوره حجر، آیه 85

2- سوره انبیاء، آیه 16.

3- سوره ص، آیه 27

انسان جزئی از جهان هستی به شمار می آید و قطعاً آفرینش او نیز هدف دار است انسان بر اساس آیات قرآن، عبث آفریده نشده است. (1) او را مهر عدم بطلان و بیهودگی در آفرینش (2) نیز در بر می گیرد. آفریده شد تا با طی طریق بر اساس فرمان مولایش به کمال دست یابد و به ابدیت برسد (3) و بدین سان به جریان ابدیت پیوند خورد و باقی بماند. در حدیث آمده: «خلقتم للقاء لا للنفاء». (4) وقتی آفرینش انسان هدف دار، باشد همه امورات حرکات موضع گیری ها خور و خواب، او زاد و ولدش اقتصاد و سیاستش و روابط مختلفش نیز باید هدف دار باشد تا بدین سان حیاتی مطابق ساختار خلقتش و در جهت خواست الهی بسازد.

رابطه نیاز و هدف

موجود زنده به ویژه، انسان موجودی به غایت نیازمند است آن چنان که لحظه ای نمی توان او را از نیازهایش جدا کرد نمونه روشن این نیاز دم و بازدم اوست که در هر دقیقه ای چندبار صورت می گیرد نیازهای او را از جهات مختلفی می توان بررسی کرد نوعی از آن، نیاز از اعماق وجود انسان سرچشمه می گیرد، مثل نیاز به حق دوستی نیاز به عدالت خواهی و نیاز به کمال و جمال. این نیازها موجب قیام و حرکتند و برای انسان در آن زمینه هدف یا اهدافی را به بار می آورند. این دسته نیازها را می توان نیازهای معنوی نامید. برخی از نیازها رنگ و هوای مادی دارند و امور زندگی دنیوی را سامان دهی می کنند و سبب ایجاد اهداف مادی هستند مانند نیاز به غذا و زرق و برق، نیازهای جنسی و غرایز که از جنبه های جسمانی ناشی می شود و آدمی خواستار رفع این نیازها و

ص: 386

1- سوره مومنون آیه 115

2- سوره ص، آیه 27

3- سوره ذاریات، آیه 56

4- آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، حدیث 326.

نیاز به آرامش و سکون

نیاز به آرامش و سکون از مهم ترین و مبنایی ترین نیازهای انسان به شمار می آید که از آغاز تا زمان مرگ با او همراه است؛ نعمتی ناشناخته که ارزش آن زمانی روشن می شود که آدمی فاقد آن باشد و یا آن را از دست بدهد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ». (1) امنیت روانی نیز از جمله آن ها به شمار می آید که عامل سکون است.

این نیاز برای همه انسان ها و در همه سنین قرار داده شده و همه به دنبال آن هستند کیست که از آن و از جلوه ها، معانی و مفاهیم آن بی نیاز باشد. قرآن در مورد درخواست حضرت ابراهیم علیه السلام از پروردگار در مورد کیفیت زنده شدن مردگان و تجسم آن ها می فرماید:

خداوند از ابراهیم پرسید: «آیا به زنده شدن ایمان نداری؟» ابراهیم پاسخ داد: «این درخواست برای اطمینان و آرامش قلبی است». (2)

دامنه سکون خواهی و راه وصول به آن

عوامل اضطراب و تزلزل در همه زمینه ها و موضوعات زندگی و برای همه انسان ها به صورتی وجود دارد که برای هر یک از آن ها راه های حل و وصول به آرامش از نظر دین و دانش مطرح است؛ یعنی آرامش طلبی خواسته و آرزوی همگانی است. این آرامش خواهی گاه به امور جسمانی مربوط می شود و زمانی به روان؛ گاهی برای عواطف است و در مواردی برای تأمین امور دنیوی و گاهی برای امور اخروی است گاهی انسان ها آرامش خواهی و سکون را از دست می دهند؛ زیرا خویشتن را در این جهان، وسیع تنها و بی پناه می بینند و زمانی

ص: 387

1- محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیره المغظین، ج 2 ص 472

2- سوره بقره، آیه 260

از این بابت احساس ناامنی دارند که دشمن را بسیار و یاران را اندک می یابند.

مردان بزرگ در برابر مسئولیت های بزرگ تر به ویژه آن گاه که رنگ و بوی فرمان الهی باشد، بر خود می لرزند؛ مثل زمان نزول فرمان رسالت بر پیامبر صلی الله علیه و آله در غار حرا که به خانه آمدند، ملحفه ای بر تن کشیدند و فرمان آمد: (يَا أَيُّهَا الْمَرْمَلُ قُمْ فَأَنْذِرْ) (1) در تنگنای اضطرابات و دل نگرانی ها آدمی در جست جوی پناهگاه و سنگری آرامش بخش و پشتوانه ای مطمئن است.

نوع پناه ها

در دنیا فرق است بین عاقل و جاهل، مؤمن و کافر، دین محور و سکولار، اهل ذکر و اهل هوا و مصداق این ضرب المثلند که «الغریق یتشبث بکل حشیش». آنان به هر خار و خاشاکی در می آویزند تا شاید نجات یابند؛ به هر بند و تنیده ای متمسک می شوند که از تزلزل وجودشان جلوگیری کنند اما فرجام آنان غرق است و یا سقوط در چاه ویل اما بندگان محبوب خدا به فرموده امیر مومنان علیه السلام مصداق این معنایند: «قد البصر طریقه و سلک سبيله و عرف مناره و قطع غماره و استمسک من العری با وثقها و من الحبال بآمتنها»؛ (2) «راه خویش را با دید درست از افقی بالا، برگزیده خستگی ناپذیر پیش می رود نشانه های آن را می شناسد و از امواج سرکش شهوات می گذرد و به استوارترین دستاویزها چنگ می زند».

دل را به یاد ذکر حضرت حق آرامش می بخشد (3) و دل را به پناهگاهی حصین می سپرد. در این میان و در عرصه جسم و روان به عاملی چون ازدواج شایسته روی می نهد.

ص: 388

1- سوره مزمل، آیات 1 و 2

2- نهج البلاغه، خطبه 278

3- سوره رعد، آیه 28

ازدواج از عوامل مهم سکون در عرصه جسم و جان است که خداوند آن را از آیات خویش بر می شمارد مرد و زن که روزی نسبت به یک دیگر در بعد عاطفی بی اعتنا بودند، پس از پیمان، نکاح یار و دل دار هم می شوند، (1) آن چنان که دنیایی از سکون و آرامش در خویش احساس می کنند و به تصریح قرآن، حضرت باری این مودت را بین آن دو قرار می دهد

از شگفتی های این عاطفه سکون بخش این است که خداوند این آرامش را همراه با مودت ذر فرموده نه محبت. مودت در مفهوم، دوستی خالص و بی پیرایه و حتی یک طرفه است. آری انسان در سایه ازدواج از حالت تنهایی و بی کسی رهایی می یابد و هم سخن و همراز پیدا می کند و در دشواری ها و تنگناها احساس حمایت شدن دارد به گونه ای که حاضر است در راه دفاع از او جان را فدا کند نمونه بارز آن حمایت حضرت زهرا علیها السلام از شوی خویش است که جلوه های آن پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله اکرم بیش تر نمود یافت

آیتی نمونه در ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام

از ویژگی های تعالیم و احکام الهی قابلیت اجرا و عملی بودن است. خداوند حجت خویش را نه تنها برای پیامبران و معصومان، بلکه بر همگان تمام می کند.

این که ازدواج موجب آرامش خاطر است و این در سایه مودت و رحمت افاضی از جانب حضرت حق صورت می پذیرد نمونه ای است که سمبل آن قبل از اسلام در ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با حضرت محمد صلی الله علیه و آله دیده می شود. برای تشریح این مسأله باید ابتدا شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام را شناخت

ص: 389

اوزنی از تبار عرب و از سلاله، قریش دختری از تبار سرشناس و فرزند خویلد بود که در سلسله انساب به جد چهارم پیامبر به نام قصی می رسید. (1) در مکه به دنیا آمد آن روز در مکه معروف به زنی، پاک نجیب و با عفت و معروف به «طاهره» بود. (2) پیش از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله مطابق بسیاری از نقل ها، دوبار با افرادی سرشناس (عتیق و ابو هاله) ازدواج کرد ولی از هیچ کدام از این دو فرزند دار نشد (3) او دارای ثروت بسیار بود آن چنان که در صف متمولان مکه درآمد (4) پس از آن دو، سران و معروفان بسیاری به خواستگاری او آمدند تا حدی که اصرار زیادی از سوی دیگران در این امر بود (5) اما او دست رد به سینه همگان زد و پذیرای آنان نشد. (6)

خوی و کمالات حضرت خدیجه علیها السلام

تاریخ نگاران سخنان بسیاری در ویژگی های او آورده اند؛ از جمله این که حضرت خدیجه علیها السلام زنی دور اندیش بود و اهل نظم و ضابطه، تیز و چابک قوی و نیرومند اهل شریف و گران قدر و اهل احسان در راه خداوند بود. چون تابعیت از دین خلیل داشت، اهل کرامت بود. از جنبه مال برتر از زنان بود؛ در حسن و جمال بر دیگران برتری داشت و در دوران جاهلیت او را «طاهره» می خواندند. (7) در بذل و عطا، مخصوصاً نسبت به دختران یتیم هیچ کس را نومید نمی کرد؛ او را همتی بلند و دستی گشاده بود عواطف او رقیق و دلش لبریز از محبت به محرومان بود؛ زنی خوش سخن و نیکو برخورد و مجلس او

ص: 390

1- علی بن محمد ابن اثیر جوزی، اسد الغابة في معرفة الصحابة، ج 6، ص 78.

2- علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج 3، ص 283.

3- ذهبی، تاریخ اسلام و وفات المشاهیر الاعلام، ج 8، ص 528

4- محمد ابن سعد، الطبقات الکبیر، ج 8، ص 18.

5- همان، ص 18

6- همان.

7- شافعی، السیرة الحلبیه، ج 1، ص 123.

برای دیگران جذاب و شاداب کننده بود. (1)

اندیشه ورزی حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت حضرت خدیجه علیها السلام مانند زنان عادی جامعه آن زمان نبود که سرگرم عیش و معیشت و خواب و زرق و برق و زینت و آرایش باشد و یا چون اکثر ثروتمندان، سرگرم روزمرگی و تفاخر مال و دارایی نبود. آن چه او را از دیگران ممتاز می ساخت، اندیشه ورزی اش درباره مسائلی و رای دنیا و وضع و آینده انسانیت و امر هدایت به ویژه در رسالت بود. (2)

او در دوران جاهلیت با برخی از علمای یهود و مسیحیت در ارتباط بود و از آنان پرسش هایی در این زمینه داشت از بستگانش ورقه بن نوفل و برخی از دانشمندان دیگر و گاهی کاهنان نشانه هایی از ظهور پیامبری در مکه می گرفت و هم چون پژوهشگری کنجکاو، شیفته چنین اطلاع و آگاهی بود. (3)

تقدیر آشنایی با پیامبر صلی الله علیه و آله

روزگار حضرت خدیجه علیها السلام بر این منوال می گذشت. او در عرصه اقتصاد فعال و در پی فعالیت هایی چون مضاربه و تجارت بود. برخی از افراد معروف با او همکاری می کردند و از سرمایه او به کسب و تجارت می پرداختند و از محل سود آن سهمی برای خود و سهمی را برای حضرت خدیجه علیها السلام می دادند. این روال همواره در زندگی اقتصادی او مطرح بود تا دست تقدیر الهی پیامبر صلی الله علیه و آله را در مسیر راه او قرار داد حضرت خدیجه علیها السلام که از قبل با نام و اخلاق و امانت داری پیامبر صلی الله علیه و آله آشنایی داشت، از این ابهام و اجمال و این حدس که او موعود بعثت است تقاضای همکاری در امر تجارت کرد. (4)

ص: 391

1- ابوالفداء، ابن کثیر، البداية والنهاية، ج 2، ص 61

2- مجلسی، بحار الانوار، 46، ص 14.

3- احمد بن حسین بیهقی، دلائل النبوة، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج 1، ص 250.

4- ذهبی، تاریخ اسلام و وفات المشاهیر الاعلام، ج 1، ص 63

او بدون دغدغه سرمایه را برای تجارت در اختیار آن حضرت نهاد و غلام خود میسر را برای آگاهی و کشف بیش تر از چند و چون زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله همراه او کرد؛ به ویژه که شنیده بود در سفر قبل ایشان که به اتفاق عمویش ابوطالب در سفری تجاری بوده راهبی با او دیدار داشته و درباره آینده اش با ابوطالب سخن گفته و سفارش هایی کرده بود. (1)

شنیده ها و یافته ها

سفر تجاری انجام شد پیامبر صلی الله علیه و آله با سودی کلان و با امانت داری تمام حاصل تجارت را در اختیار حضرت خدیجه علیها السلام قرار داد و حضرت خدیجه علیها السلام نیز سهم حضرت را به وی تقدیم داشت میسر را برای گزارش آماده بود و حدس های حضرت خدیجه علیها السلام را به یقین نزدیک می کرد:

1. حاصل تجارت که در کمال امانت داری و پاکی انجام شد، برای حضرت خدیجه علیها السلام سودآوری بسیار داشت.
2. گزارش، میسر از اخلاق نیک صداقت و امانت داری پیامبر حکایت می کرد. (2)
3. ذکر داستان دیدار بحیرای راهب که با راهب سفر قبل به نام نسطور هم داستان است. او از بالای دیر پایین آمد و به صراحت تمام اخبار از موعود بعثت داد (3)
4. حضرت خدیجه علیها السلام از دور مشاهده کرد که پیامبر می آید و ابری بالای سر او در حرکت است؛ بدینسان اطمینان یافت که او فردی ویژه است.
5. با تحقیق و پرسش از ورقة نشانه هایی از منجی را در وجود پیامبر صلی الله علیه و آله می دید. (4)

ص: 392

1- ابوالفداء، ابن کثر، البدایة و النهایة، ج 2، ص 294

2- فضل، کیمانی، رحمت عالمیان، ص 142.

3- نعمان بن محمد بن حیوان، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، ج 1، ص 185.

4- نعمان بن محمد بن حیوان، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، ج 1، ص 185.

6. صفات پیامبر صلی الله علیه و آله مانند صداقت، ذکاوت، اخلاق خوش طهارت نفس وقار و نجابت در روابط و آمد و شدها و.... حضرت خدیجه علیها السلام را شیفته او کرد. حضرت خدیجه علیها السلام به پاس حسن عمل در تجارت به او چهار شتر بخشید و میسره را به یمن گزارش های صادقانه اش آزاد ساخت. (1)

شیدایی و دلدادگی

این مجموعه، سبب شد در حضرت خدیجه علیها السلام نوعی شیفتگی در ازدواج با محمد صلی الله علیه و اله به وجود آید و او را به دلدادهای سخت مبدل سازد، اما سه مانع بزرگ در این راه وجود داشت:

1. تفاوت سن که حدود پانزده سال بود حضرت خدیجه علیها السلام چهل ساله و حضرت محمد و 25 ساله بودند.

2. او به علت ازدواج پیشین بیوه بود و پیامبر صلی الله علیه و آله هنوز همسری اختیار نکرده بود. (2)

3. وجود سنتی دیرین در بین همه اقوام و طوایف که مردان به خواستگاری زنان می روند و پیامبر صلی الله علیه و آله را اندیشه خواستگاری در سر نبود.

4. ثروت حضرت خدیجه علیها السلام که با زندگی متوسط پیامبر صلی الله علیه و آله سازگاری نداشت و ازدواج ها در آن عصر کاملاً طبقاتی بود ولی حضرت خدیجه علیها السلام به این امر نمی اندیشید (3)

سنت شکنی سنگین

سرانجام تصمیم بر این شد تا پیوند با این درّ گران بها را از دست ندهد، اگر چه به سنت شکنی سنگین بینجامد؛ لذا برای این کار اقدام کرد. تاریخ نویسان در این زمینه دو گونه نظر داده اند:

ص: 393

1- محمد حسین هیکل، حیات محمد صلی الله علیه و اله، ص 98

2- همان، ص 82-84.

3- جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم صلی الله علیه و اله، ج 1، ص 272

1. او زنی از دوستان و محرم راز خود را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد تا آمادگی خود را در زمینه ازدواج به ایشان اعلام دارد و آن زن چنین کرد برخی نوشته اند آن زن صفیه و از بستگان پدری پیامبر صلی الله علیه و آله بود. آن حضرت در جواب فقر خود و عدم تناسب در این کفویت را مطرح کردند و از جانب حضرت خدیجه علیها السلام جواب شنیدند که امور مالی برایش اهمیت ندارد (1)

2. برخی نوشته اند: «و عرضت نفسها علی النبی صلی الله علیه و آله»؛ خود را بر پیامبر صلی الله علیه و آله و عرضه کرد و گفت: «ای پسر عمو (اشاره به جد چهارم پیامبر - قصی - که جد حضرت خدیجه علیها السلام نیز بوده است نه به سبب قرابت تو با من به تو علاقه مند و دل بسته ام، بلکه به خاطر شرف و امانت داری تو نزد مردم، به خاطر اخلاق نیکویت و صدق گفتارت دوست دار توام)». (2) رسول خدا صلی الله علیه و آله با حیای تمام از تفاوت طبقاتی خود با او سخن گفتند در حالی که حضرت خدیجه علیها السلام آن را هیچ به حساب آورد و حاصل سخن، رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله بود. (3)

خواستگاری و ازدواج

بر اساس توافق با پیامبر صلی الله علیه و آله بنا شد خواستگاری از حضرت خدیجه علیها السلام اتفاق افتاد پیامبر صلی الله علیه و آله آن را با ابوطالب در میان نهادند و عمویش نیز از این امر استقبال کرد و با جمعی از بزرگان به خواستگاری حضرت خدیجه علیها السلام رفتند. گرچه برخی معتقدند که خواستگاری را با پدر حضرت خدیجه علیها السلام مطرح کردند درستی این نظر مورد تردید است؛ زیرا طبق شواهدی، پدر ایشان در آن زمان فوت کرده بود

ص: 394

1- محمد ابن سعد، طبقات الکبری، ج 8، ص 21.

2- سید محسن امین، اعیان الیشعه، ج 6، ص 310؛ ابن صباغ مالکی، الفصول الهممة فی معرفة الائمة، ص 121

3- جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم صلی الله علیه و آله، ج 1، ص 125.

مهریه اش بیست شتر اعلام شد که ابوطالب عهده دار تأدیه آن شد. (1) خطبه عقد را هم ابوطالب خواند. (2) دیگر بستگان هم چون عموی او عباس نیز حضور داشتند شاعران در مدح این پیوند شعرها سرودند. پیامبر صلی الله علیه و آله به درخواست حضرت خدیجه علیها السلام وارد خانه او شدند و زفاف در همان منزل صورت پذیرفت. (3) زندگی مشترک به صورتی نمونه آغاز شد و تا سال دهم بعثت ادامه یافت. بنا به نقل هایی حضرت خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله شش فرزند داشت: دو پسر و چهار دختر که کوچک ترین دختر او حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بودند. (4) فرزندان او عبارتند از، قاسم عبدالله زینب کلثوم، رقیه و حضرت فاطمه که همه آن ها به جز فاطمه علیه السلام قبل از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفتند در واقع او تنها یادگار پیامبر صلی الله علیه و آله بود. البته حضرت زهرا علیها السلام حدود سه ماه پس از رحلت پدر به علت صدمات و جراحات وارده از سوی دشمن به شهادت رسیدند. (5)

زندگی مشترک

حضرت خدیجه علیها السلام پس از ازدواج همه مال و دارایی خود را در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد و در راه پیشبرد دین بذل کرد تا هر گونه حضرت مصلحت دیدند آن را صرف کنند و ایشان را از کار تجارت معاف داشت تا زندگی را در راه خدمت خلق و عبودیت صرف کند که بسیار بدان مشتاق بود.

او می دانست پیامبر صلی الله علیه و آله را شوقی شدید در خدمت به خلق و اجرای عدالت است عضویت او در حلف الفضول جلوه ای از روحیه خدمت رسانی بود نیز می دانست که او را شوق شدید در عبودیت است ارتباط با معبود، پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: 395

-
- 1- رسولی محلاتی، زندگی محمد رسول الله صلی الله علیه و آله، ص 98
 - 2- همان.
 - 3- محمد ابن سعد، طبقات الکبری، ج 8، ص 20؛ ابن صباغ، السیره الحلبیه، ج 1، ص 139.
 - 4- رسول محلاتی، زندگی محمد رسول الله صلی الله علیه و آله، ص 135
 - 5- جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم صلی الله علیه و آله، ج 1، ص 273

را به خود مشغول و حضرت خدیجه علیها السلام را شادمان می ساخت و این همان امری بود که شوق ازدواج را در دل او بیدار ساخت و پیامبر صلی الله علیه و آله در واقع کار دل او را انجام می داد. (1)

بعد معنوی ازدواج او

ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام بیش از این که رنگ و هوای مادی داشته باشد دارای رنگ و هوای معنوی بود؛ زیرا اگر حضرت خدیجه علیها السلام خواستار رسیدن به جنبه های مادی بود بایست با یکی از ثروتمندان و اشراف ازدواج می کرد حال آن که او دست رد به سینه همه آنان زد و تنها خواستار ازدواج با حضرت محمد صلی الله علیه و آله شد. پیامبر صلی الله علیه و آله بر اساس اندیشه غالب در جاهلیت متهم بود به این که یتیم است و در آن روزگار از ایتم دوری می جستند زمینه اتهام به حدی بود که زنان بیوه که دارای فرزند یتیم بودند، نمی توانستند ازدواج کنند مگر آن گاه که فرزند خود را در ازدواج جدید با خود همراه نکنند. (2) حضرتش در چهل سالگی به نبوت رسیدند و یکی از علل نیز دعوت او، این بود که آن حضرت یتیم بودند اما حضرت خدیجه علیها السلام در همین فضای جاهلیت خواستار ازدواج با حضرت شده بود.

حضرت خدیجه علیها السلام در این ازدواج نه تنها به فکر مال و منال نبود، بلکه پس از ازدواج نیز مال و دارایی خود را بذل حضرت کرد این امر نشانی از دل دادگی حضرت خدیجه علیها السلام به معنویت پیامبر صلی الله علیه و آله و موافقت قلبی اش با آن حضرت بود و در واقع معنای زندگی را در کنار پیامبر درک می کرد. (3)

باور حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله را باور داشت و دلش به پاکی

ص: 396

1- محمد حین هیکل، حیات محمد صلی الله علیه و آله ص 98

2- مسعودی علی بن حسین مروج الذهب، ج 3، ص 283

3- نک: ریاحین الشریعه، ج 2، ص 23

وصفای باطنی حضرتش آرام بود از این که او مرد خداست، دغدغه ای به خود راه نداد و پس از وصلت این باور در او تقویت می شد بدان حد که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله با مأموریت رسالت خود از غار حرا به خانه آمدند و جریان امر را با حضرت خدیجه علیها السلام در میان نهادند او بی درنگ ایمان آورد، آن چنان که گویی سال ها منتظر چنین لحظه ای بود.

تاریخ او را نخستین زن مؤمن به اسلام معرفی می کند. (1) او مانند پیامبر صلی الله علیه و آله التزام عملی خود را به اسلام بدون نگرانی از سرزنش دیگران نشان می داد و مصداق «لا تخافون لامة لائم» (2) بود.

او به همراه حضرت علی علیه السلام و در پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار خانه کعبه و روبه روی انظار به نماز می ایستاد (3)

یار همراه و دل دار

توافق قلبی در این ازدواج کامل بود آن چنان که هرگز گرد پیشمانی و کدورت و یا سستی و مسامحه در آن راه نیافت. از همان آغاز زندگی، دست پیامبر صلی الله علیه و آله را در ادامه راه خداپسندانه اش بازگذاشت و حتی او را از کارهای روزمره و تهیه وسایل زندگی معاف کرد و در بسیاری از موارد همراه بود.

او با همراهی و دلداری با پیامبر صلی الله علیه و آله، زندگی را با مودت سامان داد و پس از نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله، این همراهی آشکارتر شد دوران رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه با رنج ها و مصائب فراوان همراه بود زندگی آن حضرت پر از آزار و اذیتی بود که حتی در انبیای قبل مانند نداشت و دامنه این رنج ها به یاران نزدیک او نیز سرایت می کرد بدین سان برخی، یاران ناگزیر به هجرت به سوی حبشه شدند. گروهی از آنان تا سرحد مرگ از مشرکان آزار دیدند و برخی زیر شکنجه، مظلومانه به شهادت رسیدند؛ با همه این احوال، حضرت خدیجه علیها السلام همراهی دلسوز و

ص: 397

1- همان

2- سوره مائده، آیه 54

3- مسعودی علی بن حسین، مروج الذهب، ج 3، ص 282

استوار بود شخص پیامبر صلی الله علیه و آله در این میان وضعیتی دشوار داشتند:

1. به جرم یتیم بودنش عده ای دعوت او را رد می کردند؛
2. در حین دعوت به دنبالش روان شده با دعوی آشنایی و حتی خویشاوندی با او، وی را ساحر و دروغ گو می خواندند؛
3. برخی حین عبور از کوچه از پشت بام خاک رویه بر سرش می ریختند (مثل ابولهب و همسرش)؛ (1)
4. گاه که او را تنها می یافتند با سنگ های خشن از او پذیرایی کرده توان راه رفتن از او سلب می کردند؛
5. سرانجام او را در شعب ابی طالب به مدت سه سال محبوس کردند و از دیدار مردم محروم داشتند. (2)

نقش حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام زنی از اشراف و در خدمت انسان ها بود و کم تر فقیری در مکه وجود داشت که از خوان نعمت او بی بهره باشد (3) به همین جهت حضور او در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله سبب می شد تا عوام در آزار پیامبر صلی الله علیه و آله ملاحظه کنند. شدت گرفتن رنج و آزار قریش بعد از درگذشت ابی طالب و شکایت حضرت از غم ها و رنج هایش به حضرت خدیجه علیها السلام سبب می شد تا حضرتش در کنار او آرام باشند و حضرت خدیجه علیها السلام با دل داری و آسان نمایی مشکلات، راه را بر قیام جهانی حضرت هموار سازد و همه و همه سبب اعتماد و وابستگی بیشتر پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام بود. (4) بدین سان وجود او یک ضرورت در زندگی حماسی و پر رنج رسول خدا محسوب می شد که می توانست به واسطه ایمان و اخلاق و امکانات، مادی در امر رسالت او گشایش ایجاد کند.

ص: 398

-
- 1- نک: ابن اثیر، اسد الغابة، ج 5، ص 438
 - 2- ابن هشام، السيرة النبوية، ج 1، ص 279.
 - 3- علی محمد علی دخیل، خدیجه بنت خویلد، ص 43
 - 4- همان، ص 17 و 18

و این نیاز به یاری در آغاز هر نهضتی هویداست.

او علی رغم اموال و موقعیت اجتماعی اش در برخورد با رهبر بزرگ انقلاب جهانی اسلام حرمت داری و سپاس داشت جلوه این رفتار در ماجرای ازدواج او آشکار است. آن گاه که مراسم عقد پایان یافت، پیامبر صلی الله علیه و آله را به خانه خود این گونه دعوت کرد: «الی بیتک فیتی بیتک و انا جاریتک». (1) صد دریغ که این یاری در دهم رمضان سال دهم بعثت نقطه ای پایانی بر بیست سال همراهی حضرت خدیجه علیها السلام با رسول آسمانی بود؛ (2) فراقی که سبب شد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن سال را «عام الحزن بنامند. (3) پس به طور خلاصه می توان گفت نقش حضرت خدیجه علیها السلام در خدمت رسانی و آرامش بخشی پیامبر متعدد و متنوع بود؛ از جمله:

1. آرامش بخشی به پیامبر صلی الله علیه و آله در قالب حمایت خانوادگی؛ آن چنان که خانه برای پیامبر صلی الله علیه و آله مسکن بود یعنی محل سکون و آرامش روزها سختی های مردم را تحمل می فرمود و وقتی به خانه می رسید با دیدار حضرت خدیجه علیها السلام آرامش می یافت. این مصداق همان آیه قرآن است که فرمود: (لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا). (4)
2. گاهی حضرت خدیجه علیها السلام در پی دل داری رسول خدا صلی الله علیه و آله با او از هر دری سخن می گفت تا رنج روز و خستگی از انجام دادن رسالت را از دل و جان حضرت دور کند و پیامبر صلی الله علیه و آله با سخنانش آرامش می یافتند.
3. در پاره ای از موارد همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بود و آن حضرت در کنار او از مردم کم تر اذیت می دیدند
4. گاهی دختر خردسالش حضرت فاطمه علیها السلام را به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله می فرستاد و هنگامی که دشمن خاکرویه بر سر او می ریخت، فاطمه علیها السلام با دست های کوچکش گرد و خاک از سر و روی پدر پاک می کرد و او را نوازش

ص: 399

1- بحار الانوار، ج 16، ص 4

2- همان، ج 2، ص 352

3- همان، ج 19، ص 21

4- سوره روم، آیه 21

5. در همه دشواری ها و محروم ماندن از حضور در جامعه به خاطر زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله در شعب ابی طالب با او همراه بود و در درد و رنج با او مشارکت داشت. این خود نوعی دلگرمی و احساس پشتیبانی برای پیامبر صلی الله علیه و آله ایجاد می کرد تا بدان حد که پس از وفات حضرت خدیجه علیها السلام احساس تنهایی و غربت نمود و نتوانست در مکه اقامت گزیند.

6. به فرموده شیخ صدوق (ابن بابویه)، فضیلت هایی که حضرت خدیجه علیها السلام در عرصه یاری پیامبر به دست آورد نشان داد در تاریخ بی نظیر است و این امری بود که رسول گرامی اسلام تا زمان وفات آن را به خاطر داشتند و از آن یاد می کردند

شأن و مقام حضرت خدیجه علیها السلام

درباره شأن حضرت خدیجه علیها السلام سخن ها بسیار است و به طور خلاصه به این موارد می توان اشاره کرد:

1. حضرت خدیجه علیها السلام در پیشگاه خداوند شأنی عظیم داشت آن چنان که جبرئیل در شب معراج به پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه داشت: «خدای فرمان داد که من سلام خود را به تو اعلام دارم که به حضرت خدیجه علیها السلام برسانی». (1) همین سخن از زبان امام باقر علیه السلام به نقل از امام علی علیه السلام درباره حضرت خدیجه علیها السلام آمده است.

2. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و اله در بعضی امور با حضرت خدیجه علیها السلام مشورت می کردند و این نشان بزرگی برای اوست که طرف مشورت پیامبر صلی الله علیه و آله باشد.

3. عایشه نقل کرده که روزی خطاب به حضرت فاطمه علیها السلام گفته بود: «مادرت حضرت خدیجه علیها السلام را نسبت به ما و دیگر زنان پیامبر صلی الله علیه و آله فضلی عظیم بود و این امر مایه حسادت ما بود» حضرت فاطمه صلی الله علیه و اله گریستند و

ص: 400

رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: «چه چیز تو را به گریه انداخت؟» فاطمه جریان را بیان کردند و رسول خدا صلی الله علیه و آله به او دلداری دادند که مسأله همان است و از سخن عایشه خشمگین شد و خطاب به او فرمود: «ای حمیرا ساکت باش! حضرت خدیجه علیها السلام زنی، پاک طاهره و مطهره بود». (1)

4. امام علی علیه السلام می فرماید از رسول خدا شنیدم که فرمود: «بهترین زنان امت من حضرت خدیجه علیها السلام است». (2)

5. در صحیحین آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ یک از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله مانند حضرت خدیجه علیها السلام دارای رتبت مقام و عزت و ارجمندی نبود و او بر همه برتری داشت». (3)

6. اربلی از قول ابن هشام گوید: که جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: «من از جانب خدا فرمان دارم که سلام مرا به حضرت خدیجه علیها السلام برسانی» و پیامبر صلی الله علیه و آله سلام جبرئیل را به حضرت خدیجه علیها السلام اعلام داشتند و حضرت خدیجه علیها السلام فرمود: «والیه السلام و لله السلام و علی جبرئیل السلام». (4)

7. رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام فرمودند: «جبرئیل عهد خدا را به من اعلام داشت که خانه مادرت در بهشت بین خانه مریم و خانه آسیه زن فرعون است». (5)

8. بعضی از مفسران داستان حضرت خدیجه علیها السلام را در تفسیر این آیه ذکر کرده اند: (ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَّ جَرَوْه) (6) حضرت خدیجه علیها السلام در این آیه به عنوان اصل ذکر شده که از آن شاخه ها و میوه هایی چون امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و از نسل آن ها امامانی به وجود می آیند که هر کدام سمبلی از

ص: 401

1- شیخ صدوق، خصال، ص 404

2- محمد بن بطریق، ص 204

3- به نقل از: اللعمه البیضاء فی شرح خطبة الزهراء، ص 4.

4- کشف الغمة، ج 1، ص 512؛ تفسیر البرهان، ج 2، ص 401

5- قاضی نعمان مغربی شرح الاخبار، ج 3، ص 17.

6- سوره ابراهیم، آیه 24

9. بعضی سعی کرده اند داستان حضرت خدیجه علیها السلام را بر اساس آیاتی از انجیل تطابق دهند و متذکر شوند که نسل پیامبران از سوی این بانوی بزرگوار تداوم می یابد. (2)

10. عایشه هر وقت نام حضرت خدیجه علیها السلام را از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله با ستایش می شنید حسادت زنانه اش تحریک می شد و به اشاره می گفت: «خداوند زنی جوان تر و بهتر از آن پیر نصیب شما کرده چرا آن قدر از او سخن می گوید؟» رسول خدا صلی الله علیه و اله غضبناک می شدند و سخن عایشه را رد می کردند که «این چنین نیست. خدای بهتر از او نصیب نکرد!» (3)

شأن حضرت خدیجه علیها السلام بسی بالا تر از آن است که در بین عبارات بتوان آن را گنجانند. او دلدادۀ پیامبر و یار و مونس او و عامل آرامش حضرت بود. نوازش های کریمانه اش نگرانی های رسول خدا صلی الله علیه و آله را برطرف می کرد و او را قدرت می بخشید تا به ادامه کار رسالت خود پردازد بی شک بخشی مهم از موفقیت های پیامبر صلی الله علیه و آله در گرو دلداری های حضرت خدیجه علیها السلام بود که تا زمان مرگش ادامه یافت و این غیر از سرمایه گذاری مادی همه مال و دارایی اش را در راه اسلام صرف کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله درباره او می فرمایند:

خدیجه علیها السلام و این خدیجه علیها السلام صدقتی حین کذبني الناس و ایدتی علی دین الله و اعانتی علیہ بمالها ان الله عز و جل امرنی ان البشر خدیجه علیها السلام بیّت فی الجنة من قصب الزمرد لا صخب و لا نصب. (4)

مثل خدیجه علیها السلام پیدا نخواهد شد! حضرت خدیجه علیها السلام آن هنگام که مردم مرا تکذیب کردند مرا تصدیق نمود و مرا با ثروت خود برای پیشرفت

ص: 402

1- ایضاح المشکلات ، ص 183.

2- بحار الانوار، ج 21، ص 350.

3- همان، ج 16، ص 12.

4- همان، ج 43، ص 131.

دین خدا یاری نمود خدا به من بشارت داد حضرت خدیجه علیها السلام را به قصری زمره در بهشت

این کلام رسول خدا صلی الله علیه و اله درباره همان آرامش بخشی است که وقتی درباره نزول فرشته وحی و آیات اول سوره علق و اظهار ترس از حالات خود با حضرت خدیجه علیها السلام سخن گفت، همسرش با سخنانی دلنشین چنین به او دل داری داد: «بشر فوالله لا یخزیک الله ابداً آنک لتصل الرحم و تصدق الحدیث و تحمل الكل و تکسب المعدوم و تقری الضیوف و تعین علی نوائب الحق» (1).

رابطه پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام

رابطه رسول خدا صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام- چه در دوران قبل از نبوت و چه بعد از آن- رابطه حرمت داری بود و در این رابطه علایق معنوی بیش از علایق جسمی و مادی است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله او را دوست می داشتند نه برای آن که زوجه حضرت بود؛ زیرا بعدها با زنان متعدد و هر کدام بر اساس مصلحت ازدواج کردند که بعضی از آن ها دوشیزه بودند، ولی هیچ کدام از آن ها نتوانستند جای حضرت خدیجه علیها السلام را پر کنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمان او همسر دیگری اختیار نکردند و همواره او را از صمیم دل دوست داشتند و این علاقه صرفاً به خاطر همگامی حضرت خدیجه علیها السلام با ایشان در امر رسالت بود.

حضرت خدیجه علیها السلام در سن 65 از دنیا رفت در حالی که شش فرزند شامل دو پسر و چهار دختر برای رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده بود. پیامبر صلی الله علیه و آله بارها فرمود: «امید است که خداوند از آن چه را که فعلاً در جریان آن هستیم، خیر بیش تری را در این ازدواج نصیب ما کند!» (2)

حضرت خدیجه علیها السلام همه مال و ثروتش را بذل پیامبر صلی الله علیه و آله کرد تا جایی که

ص: 403

1- ذهبی، تاریخ اسلام روضیات المشاهیر و الاعلام، ج 8، ص 583

2- تاریخ یعقوبی، ج 1، ص 351.

دم مرگ کفن نداشت و پیامبر از این همه بذل در حیرت بودند که او این همه درد و رنج را به خاطر اسلام و در راه پیامبر صلی الله علیه و آله تحمل کرد. (1)

پیامبر صلی الله علیه و آله در طول زندگی با حضرت خدیجه علیها السلام همیشه مشارکت و پشتیبانی او را در امر رسالت احساس می نمودند و این سخن را بارها به حضرت فاطمه و زنان دیگر متذکر می شدند. روزی در خانه نشسته بودند که صدای هاله خواهر حضرت خدیجه علیها السلام را شنیدند و به یاد حضرت خدیجه علیها السلام گریستند که با اعتراض عایشه همراه شد که «تا کی می خواهید برای این پیرزن گریه کنید؟» پیامبر فرمود: «عایشه تو را به خدا سوگند می دهم که دیگر از این سخنان مگوی! کیست که بتواند جای او را در زندگی پر کند؟».

وفاداری حتی پس از وفات

از شدت شرمی که داشت، به حضرت فاطمه علیها السلام گفت: «به پدرت بگو مرا در پیراهن خود بپوشاند و دفن کند» پیامبر صلی الله علیه و آله از شنیدن این سخن بسیار متأثر شدند. لذا پس از درگذشت، او پیراهن خود را برتن او پوشاندند. و او را در قبر قرار دادند. پس از وفات هر گاه نامی از حضرت خدیجه علیها السلام به میان می آمد، رسول خدا بهترین ستایش را درباره او می فرمودند.

پیامبر صلی الله علیه و آله بارها او را نخستین زن مؤمن خواندند که این سندی مهم برای افتخارات حضرت خدیجه علیها السلام است. (2) هم چنین او را در تنگناها و دشواری های بسیار زندگی در عصر نبوت در مکه دانستند. (3)

سرانجام به او وعده زوجیت در بهشت را دادند که این امر را هم به او اعلام داشتند و هم بعدها به دخترش حضرت فاطمه علیها السلام (4)

ص: 404

1- بحار الانوار، ج 19، ص 20

2- قاضی نعمان، مغربی شرح الاخبار، ج 3، ص 20.

3- الطرائف، ج 1، ص 291؛ صحیح بخاری، ج 1، ص 231.

4- شرح الاخبار، ج 3، ص 17 و 101

داستان زندگی حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و روابط اخلاقی، انسانی، عاطفی و معنوی شان بیش از آن است که در کتاب ها به نگارش درآید اگر بنا باشد که همه اسناد تاریخ نگاران و سیره نویسان در این زمینه جمع گردد، دفتری جداگانه را می طلبد و حق این است فرصت و عمری در این راه سرمایه گذاری شود.

به حق باید گفت پیوند و وصلت این دو بزرگوار، به واقع آیتی از آیات بزرگ خداوند و حجتی از او برای بشریت بود تا درس عبرتی برای دوست داران شرف و فضیلت و عزت باشد.

قرآن كريم.

نهج البلاغه.

1. ابن اثير، اسد الغابة، ج 5، ص 438.
2. ابن صباغ مالكي، الفصول المهمة في معرفة الائمة، ص 121.
3. ابن هشام، السيرة النبويه، ج 1، ص 279.
4. ابوالفداء، ابن كثر، البداية و النهاية، ج 2، ص 294.
5. احمد بن حسين بيهقي، دلائل النبوة، ترجمه محمود مهدوي دامغانى، ج 1، ص 250.
6. آمدى، غرر الحكم و دررالکلم، حديث 326.
7. جعفر مرتضى عاملى، الصحيح من سيرة النبي الاعظم صلى الله عليه و اله، ج 1، ص 272.
8. ذبيح الله محلاتى، رياحين الشريعة، ج 2، ص 746.
9. ذهبى، تاريخ اسلام روضيات المشاهير و الاعلام، ج 8، ص 583.
10. رسول محلاتى، زندگى محمد رسول الله صلى الله عليه و اله، ص 135.
11. سيد محسن امين، اعيان الشعه، ج 6، ص 310.
12. شافعى، السيرة الحلبيه، ج 1، ص 123.
13. شيخ صدوق، خصال، ص 404.
14. على بن حسين، مسعودى، مروج الذهب، ج 3، ص 283.
15. على بن محمد ابن اثير جوزى، اسد الغابة في معرفة الصحابة، ج 6، ص 78.
16. على محمد على دخيل، خديجه بنت خويلد، ص 43.
17. فضل، كيمانى، رحمت عالميان، ص 142.
18. قاضى نعمان، مغربى، شرح الاخبار، ج 3، ص 20.

19. مجلسی، بحار الانوار، ح 46، ص 14.

20. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 21، ص 350.

ص: 406

21. محمد ابن سعد، الطبقات الكبير، ج 8، ص 18.
22. محمد بن احمد، فتال نيشابورى، روضة الواعظين و بصيره المغطين، ج 2 ص 472
23. محمد حين هيكل حيات محمد صلى الله عليه و آله، ص 98.
24. مسعودى على بن حسين، مروج الذهب، ج 3، ص 282.
25. نعمان بن محمد بن حيوان، شرح الاخبار في فضائل الائمة الاطهار، ج 1، ص 185
26. يعقوبى، تاريخ يعقوبى، ج 1، ص 351.

ص: 407

*بررسی منزلت معنوی حضرت خدیجه علیها السلام: مریم مظفری (1)

چکیده

حضرت خدیجه علیها السلام همسر رسول اکرم صلی الله علیه و آله در سال های نخستین، اسلام در تمامی سختی ها و مشکلات تبلیغ اسلام در کنار همسر خود جان فشانی ایثار و صبر نمود علی رغم بی نیازی مادی و داشتن جاه و مقام در جامعه آن، روز تمامی مشکلات موجود را در راه اسلام به جان خرید معرفی شخصیت انسان های بزرگ برای الگوگیری کاری بس شایسته است لذا در نوشته پیش رو منزلت معنوی این بانوی فداکار بررسی می شود در این راستا به شیوه تحلیلی کتابخانه ای منزلت معنوی حضرت خدیجه علیها السلام بررسی و پژوهش گردید در منزلت معنوی حضرت این موارد به دست آمد: 1. مصداق برخی آیات و معرفی شدن وی توسط مفسران فریقین؛ 2. نام بردن از وی در روایات فراوان 3. مباحثات کردن امامان علیهم السلام به وی 4. فرستادن خدا زنانی برای کمک به وی 5. فرستادن خدا کفن بهشتی برای وی .

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام، منزلت، معنوی، قرآن کریم، پیامبر صلی الله علیه و آله

مقدمه

ص: 408

1- استاد و پژوهشگر و عضو گروه علمی زبان و ادبیات عرب مجتمع آموزش عالی شهید بنی الهدی.

maryam110927@gmail.com.

حضرت خدیجه علیها السلام در روزهای نخستین اسلام که دشمنان با نیرنگ و نقشه های متفاوت در فکر آسیب رساندن به پیامبر صلی الله علیه و آله و بین بردن اسلام بودند در کنار آن حضرت بود و صبورانه مشکلات و درد و رنج های هجرت را در کنار همسر خود تحمل نمود. او هرگز از مشکلات شکایت نکرد و مال و ثروت خود را در آن وضعیت فوق العاده سخت در راه اسلام هزینه نمود. این بانوی بزرگوار دارای منزلت دنیوی و معنوی بود که در این مقاله به منزلت معنوی ایشان پرداخته می شود.

قرآن بر خلاف تصور برخی افراد که تنها مردان را الگوی افراد و جامعه می دانند، نمونه هایی از زنان وارسته و زنان گمراه را به جامعه و مؤمنان معرفی می کند. در سوره تحریم، آیات 11 و 12 می فرماید: (وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عَذْبًا كَبِيرًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَ مَرِيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَتْ نَسَبَهَا فَوَضَعْنَاهَا فِي سِدْرٍ مَدِينٍ مِمَّا كَانَتْ مِنَ الْقَانِئِينَ)؛ (1) و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است در آن هنگام که گفت: "پروردگار! خانه ای برای من نزد خودت در بهشت بساز و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!" و هم چنین به مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت و ما را از روح خود در آن دیدیم. او کلمات پروردگار و کتاب هایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود! این آیات نشان می دهد که زنان بزرگ نه تنها الگو برای زنان بلکه نمونه برای کل جامعه هستند. بنابراین بیان فضایل حضرت خدیجه علیها السلام می تواند برای تمامی افراد جامعه اسلامی راه گشا، باشد زیرا به شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه از کامل ترین زنان و بهترین الگوهایی به شمار می آید که فضایل او به حد کمال رسیده است.

برخی از مفسران فریقین در تفسیر برخی آیات وی را به عنوان مصداق آن آیه معرفی کرده اند در روایات فراوانی نیز نام این بانوی اسوه صبر و شکیبایی ذکر

ص: 409

شده است. کتاب های متعددی در مورد شخصیت ایشان نگاشته شده ولی در مورد منزلت معنوی این بانوی بزرگ آن طور که باید کار نشده است. مطالبی در کتاب ها به صورت پراکنده، آمده ولی به همه موارد اشاره نشده لذا جا دارد کتاب ها و مقالات در این زمینه نوشته شود و این شخصیت بزرگ به عنوان الگو برای همگان به طور کامل معرفی گردد. برای شناخت منزلت معنوی این بانوی ارجمند پس از مفهوم شناسی واژگان "منزلت" و "معنوی" و "معرفی این شخصیت"، در آیات و احادیث جست جو می نمایم.

مفهوم شناسی

1. منزلت

"منزلت" در لغت از "نزل" گرفته شده و به معنای مرتبه (1) درجه (2) مقام (3) و مکان فرود آمدن است (4)

2. معنوی

"معنوی" در لغت از "عنی" به معنای "قصد کرد" است. (5) معنوی هر چیزی خلاف مادیات و حالت نفس و باطن است؛ مانند «معنویات الجنود»؛ یعنی حالت درونی سربازان؛ این حالت تنها با قلب شناخته می شود (6)

معرفی حضرت خدیجه علیها السلام

خدیجه علیها السلام دختر خویند، بنابر اعتقاد بسیاری از تاریخ نگاران، 68 سال پیش

ص: 410

1- جوهری، الصحاح تاج اللغة والصحاح العربیه، ج 5، ص ص 1829.

2- زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج 19، ص 711

3- قیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، ج 2، ص 106.

4- ابن منظور، لسان العرب، ج 11، ص 856.

5- اسماعیل صینی محمود، المکنز العربی المعاصر، ص 103.

6- زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج 19، ص 711

از هجرت در مکه متولد شد (1) ولی برخی از آنان بر این باورند که این بانو 56 سال پیش از میلاد متولد شده است. (2) وی در خاندانی بزرگ دیده به جهان گشود و با اخلاق و صفات پسندیده و برجسته تربیت یافت. (3) تا آن جا که در روزگار جاهلیت از آن بانو با عناوین طاهره دخت پاک منش و سیده قریش یاد می شد (4) حضرت خدیجه علیها السلام دارای القاب بسیاری است که عبارت اند از:

1. طاهره: ایشان به سبب پاکی سرشت و منش به این صفت مفتخر گردیدند. هرگز بافته ها و حرکات ناشایست در محفل و سرای وی بر زبان جاری نمی شود (5) دانشمندان در کتب خود در مورد حضرت خدیجه علیها السلام نوشته اند: «و كانت فی الجاهلیه الطاهره» (6) وی در روزگار تیره و تاریک جاهلیت، "پاک روش" و "پاک منش" یا "طاهر" بود. «كانت خدیجه تدعی فی الجاهلیه الطاهره»؛ «نامش در جاهلیت "طاهره" بوده است». (7) یکی از دانشمندان اهل سنت در این مورد می نویسد: «و كانت تدعی فی الجاهلیه بالطاهره لشدّة عفافها...»؛ خدیجه علیها السلام در روزگار جاهلیت به سبب عفاف پروا و معنویت بسیار "طاهره" خوانده می شد» (8)

2. صدیقه: در بخشی از زیارت نامه پیامبر صلی الله علیه و آله، به هنگام درود بر زوجات طاهرات از حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان صدیقه تعبیر شده است (9)

3. مبارکه: خداوند به حضرت عیسی علیه السلام وحی فرمود: نسل پیامبر آخرالزمان از بانوی مبارکه است. (10)

4. ام المؤمنین: این لقب در قرآن برای همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و در رأس آن ها

ص: 411

-
- 1- غروی نایینی نهله، محدثات شیعه، ص 157
 - 2- زرکلی، الاعلام قاموس تراجم، ج 2، ص 302.
 - 3- رحمانی همدانی، فاطمه الزهرا بهجه قلب المصطفی صلی الله علیه و آله، ص 187
 - 4- کرمی فریدنی، فروغ آسمان حجاز، ص 40.
 - 5- همان، ص 36
 - 6- هیشمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج 9، ص 218
 - 7- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 175.
 - 8- زرقانی، شرح العلامة الزرقانی علی المواهب اللدینه بالمنح الحمیده، ج 1، ص 199.
 - 9- مجلسی، بحار الانوار، ج 1010، ص 189
 - 10- همان، ج 43، ص 22

حضرت خدیجه علیها السلام به کار رفته است. (النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ)؛ (1) پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است و همسران او مادران آن‌ها [مؤمنان] محسوب می‌شوند. پیامبر صلی الله علیه و آله بارها تصریح فرمودند که حضرت خدیجه علیها السلام برترین و بهترین همسران است. (2)

5 سایر القاب: در زیارت نامه رسول اکرم صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه علیها السلام با عناوین: راضیه مرضیه و زکیه یاد شده است. (3) یتیمان او را "ام الیتامی"، بینوایان او را "ام الصعالیک"، مؤمنان او را "ام المؤمنین" و کوثر جاری خلقت نیز او را "ام الزهرا" یا سرچشمه کوثر می‌دانستند. (4)

حضرت خدیجه علیها السلام نخستین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله، مادر حضرت فاطمه علیها السلام و نخستین زن ایمان آورنده به اسلام است طبق باور تشیع و برخی دیگر از مسلمانان و تاریخ نویسان اسلامی خدیجه عزیزترین زن پیامبر صلی الله علیه و آله بود. به گفته عایشه، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خدیجه را بهترین همسر خود می‌دانستند. (5)

بررسی منزلت معنوی حضرت خدیجه علیها السلام

اشاره

حضرت خدیجه سلام الله علیها دارای منزلت معنوی فراوانی بودند از جمله:

1. حضرت خدیجه علیها السلام مصداق برخی آیات در تفاسیر فریقین

الف) (وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا)؛ (6) و کسانی که می‌گویند: پروردگارا! از همسران و فرزندان مان مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!»، تفاسیر شواهد

ص: 412

1- سوره احزاب، آیه 6

2- کربلایی جواد بن عباس الانوار الساطعه فی شرح الزیاره الجامعه، ص 226.

3- مجلسی، بحار الانوار، ج 100، ص 189

4- مهدی پور، سرچشمه کوثر ام المؤمنین خدیجه کبری، ص 15

5- احمد بن حنبل، مسند، ج 6، ص 117.

6- سوره فرقان آیه 74

التنزيل القواعد التفضيل، (1) تفسير قمی، (2) تأویل الآيات الظاهره (3) "أزواجنا" در آیه شریفه را حضرت خدیجه علیها السلام دانسته اند.

زمانی که این آیه نازل شد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از جبرئیل پرسیدند: «کدام یک از همسرانم؟» جبرئیل پاسخ دادند: «خدیجه علیها السلام» پیامبر صلی الله علیه و آله از "ذریتنا" سؤال کردند؛ جبرئیل گفت: «فاطمه». هم چنین از "قره العین" سؤال کردند؛ جبرئیل گفت: «حسن و حسین علیهما السلام» (4)

(و وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى) (5) «و تو را فقیر یافت و بی نیاز نمود». (توجه "خدیجه" آن زن مخلص با وفا را به سوی تو جلب نمود تا ثروت سرشارش را در اختیار تو و اهداف بزرگت قرار دهد و بعد از ظهور اسلام غنایم فراوانی در جنگ ها نصیب تو کرد، آن گونه که برای رسیدن به اهداف بزرگت بی نیاز شدی).

در تفاسیر مفاتیح الغیب، (6) تقریب القرآن، (7) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، (8) مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، (9) فتح القدر، (10) الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل (11) و لباب التأویل فی معانی التنزیل، (12) بی نیازی رسول اکرم صلی الله علیه و آله را به سبب ثروت حضرت خدیجه علیها السلام و غنایم جنگی دانسته اند. مرحوم شیخ صدوق در تفسیر این آیه می نویسد: «وجدك عائلا يقول فقيرا عند قومك يقولون لا مال لك فاغناك الله بمال خديجة...»؛ (13) و تو را تنگدست یافت و به

ص: 413

- 1- حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج 1، ص 540.
- 2- قمی، تفسیر، ج 2، ص 118.
- 3- حسینی استرآبادی، تأویل الآيات الظاهره، ص 382.
- 4- مجلسی، بحار الانوار، ج 24، ص 136
- 5- سوره ضحی، آیه 8.
- 6- فخر الدین رازی، مفاتیح الغیب، ج 3، ص 199
- 7- حسینی شیرازی، تقریب القرآن إلى الأذهان، ج 5، ص 694
- 8- طبرسی، مجمع البیان، ج 10، ص 767
- 9- حائری تهرانی مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، ج 12، ص 168.
- 10- شوکانی، فتح القدر، ج 5، ص 559.
- 11- زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج 4، ص 767.
- 12- بغدادی، لباب التأویل فی معانی التنزیل، ج 4، ص 439
- 13- مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 142.

وسيله ثروت هنگفت خديجه عليها السلام بي نياز گردانيد».

ج) (وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ)؛ (1) «و (سومين گروه) پيشگامان پيشگامند آن ها مقرَّبانند!» در تفاسير نور الثقلين (2) و تفسير قمی (3) مصاديق "السابقون" را چهارده معصوم و حضرت خديجه عليها السلام بيان کرده اند:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «السابقون؛ رسول الله صلى الله عليه وآله، علي بن ابي طالب، الائمة فاطمه و خديجه صلوات الله عليهم و ذريتهم الذين اتبعوهم بايمان يتسنم عليهم من اعالي دورهم؛

پيش تازان عبارتند از: پيامبر صلى الله عليه وآله، امير مؤمنان عليه السلام، امامان اهل بيت كه يكي پس از ديگري خواهند آمد فاطمه عليها السلام و خديجه بنت خويلد. (4)

د) (وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصَّ طِفْلًاكَ وَ طَهَّرَكِ وَ اصَّ طِفْلًاكَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ)؛ (5) و (به ياد آوريد) هنگامي را كه فرشتگان گفتند: "اي مريم! خدا تو را برگزيده و پاڪ ساخته و بر تمام زنان جهان برتري داده است". تفاسير غرائب القرآن و رغائب الفرقان (6) و مفاتيح الغيب (7) حديثي از پيامبر صلى الله عليه وآله آورده اند كه چهار زن را به عنوان كامل ترين زنان در عالم هستي معرفي فرموده كه عبارتند از: مريم دختر، عمران آسيه همسر فرعون خديجه دختر خويلد و فاطمه دختر محمد صلى الله عليه وآله. در تفاسير نور الثقلين (8) والتبيان في تفسير القرآن (9) حديثي از پيامبر صلى الله عليه وآله آمده كه «خديجه عليها السلام بر زنان امت من برتري دارد همان گونه كه حضرت مريم عليها السلام بر زنان عالم هستي برتري داشت» در تفسير لباب التأويل في معاني التنزيل (10) و الدر المنثور

ص: 414

1- سوره واقعه آيات 10 و 11

2- عروسی حویزی، تفسير نور الثقلين، ج 5، ص 535

3- قمی، تفسير، ج 2، ص 412

4- مجلسی، بحار الانوار، ج 3 و 24

5- سوره آل عمران، آيه 42.

6- نيشابوری، تفسير غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج 2، ص 160.

7- فخرالدين رازی، مفاتيح الغيب، ج 8، ص 218

8- عروسی حویزی، تفسير نور الثقلين، ج 1، ص 336.

9- طوسی، التبيان في تفسير القرآن، ج 2، ص 456.

10- بغدادی، لباب التأويل في معاني التنزيل، ج 1، ص 244.

فی تفسیر المأثور (1) حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که برتری حضرت خدیجه علیها السلام را با حضرت مریم علیه السلام یکسان دانسته است.

ه) (وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ، وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ، وَلَا الظُّلُّ وَالْحُرُّ، وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَ مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ) (2) و نابینا و بینا هرگز برابر نیستند و نه ظلمت ها و روشنایی، و نه سایه (آرام بخش) و باد داغ و سوزان! و هرگز مردگان و زندگان یکسان نیستند! خداوند پیام خود را به گوش هر کس بخواهد می رساند، و تو نمی توانی سخن خود را به گوش آنان که در گور خفته اند برسانی!« در تفاسیر تأویل الآيات الظاهرة (3) والبرهان في تفسير القرآن (4) چنین آمده است:

و مَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ: فالأحياء على و حمزه و جعفر و حسن و حسين و فاطمه و خديجه عليها السلام و اموات كفار مكة؛

احياء و اموات برابر نیستند مصادیق احیا عبارتند از: علی حمزه، جعفر، حسن، حسین فاطمه و خدیجه و مصادیق اموات عبارتند از: کفار مکه

2. دیدگاه راویان شیعه و اهل تسنن در مورد مقام حضرت خدیجه علیها السلام

نویسنده مستدرک سفینه البحار در مورد فضایل حضرت خدیجه علیها السلام گفته است

روایاتی که در مورد فضایل حضرت خدیجه علیها السلام در ابواب مختلف وارد شده، بیش از آن است که قابل شمارش باشد.

برخی از این فضایل عبارتند از:

الف) رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می فرمایند: «جبرئیل نزد من آمد و گفت: "ای رسول خدا! این خدیجه علیها السلام است؛ هر گاه نزد تو آمد بر او از سوی پروردگارش و از طرف

ص: 415

1- سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج 2، ص 23

2- سوره فاطر آیات 19-22

3- حسینی استرآبادی، تأویل، الآيات الظاهرة، ص 496

4- بحرانی، البرهان في تفسير القرآن، ج 4، ص 445.

ب) رسول اکرم صلی الله علیه و اله می فرمایند: قصری در بهشت برای حضرت خدیجه علیها السلام است که همه آن قصر از یک گوهر تو خالی است که از یک قطعه است نه این که از قطعه های مختلف ساخته شده باشد. (2)

ج) روزی پیامبر صلی الله علیه و آله برگزیدگان خداوند را معرفی کردند تا این که فرمودند: «وَ خَيْرَتُهُ مِنَ النِّسَاءِ فَمَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَ أَسِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ، اِمْرَأَةُ فِرْعَوْنَ، وَ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءِ وَ خَدِيْجَةُ بِنْتُ حُوَيْلِدٍ»؛ «برگزیدگان خدا از زنان عبارتند از: مریم، آسیه، فاطمه و خدیجه». (3)

زنان نمونه در جهان بسیارند ولی این چهار زن بر همگان برتری دارند در بررسی زندگی این چهار بانو به یکی از رازهای مهم برتر بودن آن پی می بریم و آن حمایت از رهبری است. آن ها در مورد استواری رهبری حق بسیار تلاش و ایثار نمودند تا آن جا که هر چهار نفر برای استواری مقام عظمای رهبری راستین به شهادت رسیدند با این تفاوت که آسیه علیها السلام و فاطمه علیها السلام آشکارا شهید شدند ولی شهادت مریم و خدیجه علیها السلام به تدریج و پس از تحمل محنت های بسیار انجام شد. بنابراین حمایت از رهبری راستین، راز و رمز اوج برتری است

د) رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می فرمایند:

اشتاقت الجنة إلى اربع من النساء: مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم زوجه فرعون و هی زوجه النبی فی الجنة و خدیجه بنت خویلد زوجه النبی فی الدنيا و الآخرة و فاطمه بنت محمد؛

بهشت مشتاق چهار زن است: 1. مریم دختر عمران؛ 2. آسیه دختر مزاحم (همسر فرعون)؛ 3. خدیجه دختر خویلد همسر رسول خدا صلی الله علیه و اله در دنیا و آخرت؛ 4. فاطمه علیها السلام دختر حضرت محمد علیها السلام (4)

ص: 416

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 8

2- ابن اثیر، اسد الغابه، ج 5، ص 438

3- مجلسی، بحار الانوار، ج 100، ص 189

4- همان، ج 43، ص 53

ه) در بخشی از یکی از زیارت نامه های رسول خدا آمده صلی الله علیه و آله است:

السلام علی ازواجك الطاهرات الخیرات امهات المؤمنین خصوصاً الصدیقه الطاهره الزکیه الراضیه خدیجه الکبری ام المؤمنین؛

سلام بر همسران پاک و نیک تو! مادران مؤمنان به خصوص سلام بر بانوی راستین و پاک و پاکیزه خشنود و پسندیده خدیجه بانوی بزرگ مادر مؤمنان (1)

تعبیر به مادران مؤمنان از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از این جهت است که ازدواج با آن ها بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله حرام است. باید به حریم رحمت آن ها و پیامبر صلی الله علیه و آله احترام نهاد و با آن ها ازدواج نکرد.

3. مباحث امامان علیهم السلام و بزرگان به وجود حضرت خدیجه علیها السلام

الف) امام حسین علیه السلام در روز عاشورا در ضمن خطبه ای که خود را به دشمن معرفی می کرد فرمود: «شما را به خدا سوگند آیا می دانید که جده من خدیجه علیها السلام دختر خویلد است؟» (2) و نیز خطاب به دشمن فرمود: «آیا می دانید که من فرزند همسر پیامبر شما خدیجه علیها السلام هستم؟». (3)

ب) امام سجاد علیها السلام در مجلس شاهانه یزید در دمشق در آن خطبه معروف، ابتدا خود را چنین معرفی فرمودند: «أنا بن خدیجه الکبری؛ من پسر خدیجه بانوی بزرگ اسلام هستم». (4)

ج) در دعای ندبه که از ناحیه مقدسه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شده، خطاب به ایشان چنین می خوانیم: «أین ابن النبی المصطفی و ابن علی المرتضی و ابن خدیجة الغراء؛ کجاست پسر پیامبر برگزیده صلی الله علیه و آله و پسر علی علیه السلام و پسر خدیجه بلند مقام علیها السلام؟». واژه "غراء" یعنی شامخ و ارجمند که در این جا به عنوان صفت

ص: 417

1- همان، ج 100، ص 189

2- همان، ج 44، ص 318

3- همان، ج 45، ص 6.

4- همان، ج 44، ص 174

برای حضرت خدیجه علیها السلام ذکر شده است. (1)

د) حضرت زینب علیها السلام در روز یازدهم محرم سال 61 قمری، هنگامی که کنار پیکرهای پاره پاره شهیدان آمدند و مطالبی جان سوز گفتند، پس از ذکر پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام، از خدیجه علیها السلام یاد کردند و فرمودند: «بابی خدیجه الکبری؛ پدرم به فدای خدیجه بانوی بزرگ باد». (2)

4. فرستادگان ویژه الهی

هر کس در مسیر الهی حرکت کند خداوند هرگز او را رها نمی کند و تنها نخواهد گذاشت. نمونه بارز آن سرگذشت خدیجه کبرا علیها السلام است. هنگامی که وضع حمل آن بانو نزدیک گشت، به زنان قریش و بنی هاشم پیغام داد که مرا در این امر یاری نمایید؛ ولی آنان پاسخ دادند: ای خدیجه! چون در ازدواجت از سخنان ما سرپیچی نمودی و با محمد یتیم ازدواج کردی، ما نیز تو را یاری نمی کنیم». خدیجه از این پاسخ سخت ناراحت شد. در این هنگام چهار زن همانند زنان بنی هاشم وارد شدند در حالی که خدیجه از دیدن آن ها تعجب کرده بود یکی از آن چهار زن به خدیجه گفت: غمگین مباش! پروردگارت ما را برای یاری تو فرستاده است». (3)

5. کفن بهشتی

حضرت خدیجه علیها السلام در لحظات احتضار حضرت فاطمه علیها السلام را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله واسطه قرار داد تا از ایشان خواهش کند که عباي خود را کفن حضرت خدیجه علیها السلام قرار دهد. وقتی حضرت فاطمه س در خواست مادر را مطرح کردند، اشک از چشمان حضرت جاری گردید. چیزی نگذشت که جبرئیل نازل، شد در حالی که کفنی از بهشت همراه خویش داشت که خداوند آن را برای

ص: 418

1- قیومی المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج 2، ص 445.

2- مجلسی، بحار الانوار، ج 45، ص 59.

3- مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 80؛ صدوق، امالی، ص 475

نتیجه

حضرت خدیجه علیها السلام دختر خوید، 68 سال پیش از هجرت در مکه متولد شد. وی در خاندانی بزرگ دیده به جهان گشود بروی لقب هایی چون طاهره صدیقه، مبارکه، ام المؤمنین، راضیه، مرضیه و زکیه نهادند. در تفاسیر شیعه و اهل تسنن حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان مصداق برخی آیات معرفی شده است. روایات فراوانی وارد شده که خداوند بر حضرت خدیجه علیها السلام سلام می رساند و ایشان را گرامی می داشت. پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام نام بردن از برترین زنان جهان، از خدیجه علیها السلام یاد فرموده است. هم چنین در جایی دیگر بیان کرده اند: که بهشت مشتاق حضرت خدیجه علیها السلام است. امامان نیز به حضرت خدیجه علیها السلام مباحات می کردند و در برابر دشمن و یا سایر موارد خود را پسر خدیجه علیها السلام معرفی می نمودند. خداوند نیز عنایت ویژه ای به این بانو داشت، لذا هنگام وضع حمل ایشان بانوانی را برای کمک رسانی به این بانوی بزرگ فرستاد و هنگام وفات ایشان کفنی از بهشت فرستاد تا این بانورا با آن کفن کنند.

ص: 419

1. احمد بن حنبل (1421 ق)، مسند، بیجا مؤسسه الرساله، بی تا.
2. ابن اثیر، علی بن محمد، اسد الغابه، کتاب النساء، بیروت: دارالکتب الاسلامیه، (بی تا)
3. - (1965 م)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.
4. ابن منظور، محمد بن مکرم (1414 ق). لسان العرب، بیروت: دار الصادر.
5. اسماعیل صینی، محمود (1414 ق). المکنز العربی المعاصر، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون
6. بحرانی، سیدهاشم (1416 ق). البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
7. بغدادی، علاء الدین علی بن محمد (1415 ق). لباب التأویل فی معانی التنزیل بیروت: دار الکتب العلمیه
8. جوهری، اسماعیل بن حماد (1376 ش). الصحاح: تاج اللغه و الصحاح العربیه، بیروت: دار العلم للملایین
9. حائری تهرانی میر سید علی (1377 ش). مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر تهران: دار الکتب الاسلامیه
10. حائری، محمد مهدی (1382 ش). شجره طوبی بی جا مکتبه الحیدریه.
11. حسکانی، عبیدالله بن احمد (1411 ق). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی
12. حسینی استرآبادی، سید شریف (1409 ق). تأویل الآیات الظاهره، قم: دفتر انتشارات اسلامی
13. حسینی شیرازی، محمد (1424 ق). تقریب القرآن إلى الأذهان، بیروت: دارالعلوم.
14. رحمانی، همدانی احمد (1378 ش). فاطمه الزهرا بهجه قلب المصطفى صلى الله عليه و اله تهران: انتشارات منیر

15. زبيدي، مرتضى (1414 ق). تاج العروس من جواهر القاموس، بيروت: دار الفكر.
16. زرقاني محمد بن عبد الباقي (1417 ق). شرح العلامة الزرقاني على المواهب اللدنيه بالمنح الحمديه، بيروت: دارالكتب العلميه
17. زركلى خيرالدين (1984م). الاعلام قاموس تراجم، بيروت: دارالعلم. للملايين.
18. زمخشري، محمود (1407 ق). الكشف عن حقائق غوامض التنزيل چاپ سوم، بيروت: دار الكتاب العربي
19. سيوطى، جلال الدين (1404 ق). الدر المنثور فى تفسير المأثور، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى
20. شوكانى، محمد بن على (1414 ق). فتح القدير، دمشق و بيروت: دار ابن كثير و دارالكلم الطيب.
21. طبرسى، فضل بن حسن (1372 ش). مجمع البيان، با مقدمه محمد جواد بلاغى چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
22. طوسى، محمد بن حسن (بى تا) التبيان في تفسير القرآن، بيروت: داراحياء التراث العربي.
23. عروسى حويزى، عبد على بن جمعه (1415 ق). تفسير نور الثقلين، قم: اسماعيليان
24. غروى نايينى، نهله (1375 ش). محدثات شيعه، تهران: دانشگاه تربيت مدرس.
25. فخرالدين رازى ابو عبد الله محمد بن عمر (1420 ق). مفاتيح الغيب چاپ سوم، بيروت: داراحياء التراث العربي.
26. فيومى، احمد بن محمد (1414 ق). المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، قم: دار الهجره.
27. قمى، على بن ابراهيم (1367 ش). تفسير القمى، قم دار الكتاب.

28. كربلائی جواد بن عباس (1377 ش). الانوار الساطعه فی شرح الزیاره الجامعه ، قم ، شهر:ری دار الحدیث
29. کریمی فریدنی علی (1382 ش). فروغ آسمان حجاز، قم: نشر حاذق.
30. مجلسی، محمد باقر، (بی تا). بحار الانوار. تهران: مکتبه الاسلامیه .
31. مهدی پور، علی اکبر (1387 ش). سرچشمه کوثرام المؤمنین خدیجه علیها السلام کبری علیها السلام، قم: سیمای آفتاب
32. نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد (1416 ق). تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان بیروت: دار الکتب العلمیه
33. هیشمی، علی بن ابی بکر (1994 م) . مجمع الزوائد و منبع الفوائد، قاهره: بی نا.

*دیرینه شناسی اشعار حضرت خدیجه علیها السلام در تجلیل پیامبر صلی الله علیه و آله (در آستانه سفر به شام): ناهید طیبی (1)

چکیده

کاوش در سند و پیشینه گزارش های، تاریخی از مباحث مهم در شناخت درست رخدادهای و انسان های تأثیرگذار در تاریخ است. دیرینه شناسی اشعار حضرت خدیجه علیها السلام که در 12 صفحه از کتاب الانوار ابوالحسن البکری (متوفای قرن 7) ثبت شده از مسائل مهم زیست نامه آن بانوی بزرگ است این اشعار بایست در آثار مهم پیش از وی با موضوع شعر و بلاغت زنان صدر اسلام مانند بلاغات النساء یا کتب سیره نبوی مانند سیره ابن اسحاق و طبقات ابن سعد، در ضمن سیره پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می شد. بر اساس دستاورد تحقیق حاضر اشعار یاد شده نخستین بار در کتاب الانوار آمده و زمینه تاریخی آن سفر تجاری پیامبر صلی الله علیه و آله به شام بوده است. این اشعار و مطالب ضمنی، آن در بحار الانوار به طور کامل از الانوار نقل شده و حتی نویسنده الذریعه با استناد به همین، اشعار بانورا «رقيقه الشعر» دانسته اما بررسی سندی و دلالتی این اشعار و مطالب پیرامون آن نیز عدم انطباق با گزارش های معتبر تاریخی و قصاص بودن ابوالحسن البکری و عدم استفاده سیره نویسان از قرن هفتم به بعد از مطالب، وی ساختگی بودن این مطلب را نشان می دهد انگیزه جعل بر ما معلوم نیست و نیازمند پژوهش مستقل در کتاب

ص: 423

الانوار است اما به نظر می‌رسد آگاهی بخشی به جامعه علمی و به ویژه تاریخ پژوهان نسبت به ساختگی بودن مطالب و اشعار یاد شده مانع نشر این گزارش‌های ساختگی گردد و ثمره آن ارائه نسخه صحیح و معتبر از زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام باشد.

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام، کتاب الانوار ابوالحسن البکری، اشعار حضرت خدیجه علیها السلام، گزارش‌های ساختگی

مقدمه

شعر و شاعری از مشخصه‌های جامعه عرب در عصر جاهلیت بوده و وجود آثار فراوان در زمینه شعر و طبقات شاعران و اشعار درج شده در منابع تاریخی و سیره‌نگاری‌ها اهمیت این گونه ادبیاتی را نمایان می‌سازد نام‌های مردان و زنان شاعر و اشعار آنان در کتاب‌های مهمی چون الاغانی ابوالفرج اصفهانی طبقات الشعراء محمد بن سلام الجهمی (م 231) و جمهره اشعار العرب ابوزید محمد بن ابی الخطاب القرشی فهرست شده است. افزون بر این دو اثر در بلاغات النساء ابن طیفور (م 280) و معجم النساء الشاعرات فی الجاهلیه والاسلام نوشته مهنا، به طور خاص زنان خوش بیان و شاعر در جاهلیت و اسلام معرفی شده‌اند و بخش‌هایی از اشعار آنان آمده است. در کتاب الانوار البکری که از منابع سده هفتم هجری است، اشعاری از حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و هنگام سفر آن حضرت به شام نقل شده است. با وجود جایگاه آن بانو در تاریخ اسلام و نقش قدرتمند وی در تثبیت دین اسلام، یادکرد از اشعار وی در منابع خاصی مانند بلاغات النساء و کتب سیره نبوی و حتی منابع ادبی و روایی متقدم ضروری بوده است اما هیچ اثری از اشعار مذکور در این آثار و حتی آثار دست‌چندم پیش از قرن هفتم دیده نمی‌شود. در تحلیل این عدم یادکرد دو فرضیه به نظر می‌رسد:

ص: 424

الف) اشعار از ابتدا بوده و نیامدن آن به دلایل سیاسی و کم رنگ جلوه دادن شخصیت بانوست که می تواند از میزان تعظیم و تحسین پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به او در اذهان مردم بکاهد و موجب بزرگداشت دیگر همسران آن حضرت باشد.

ب) این اشعار از قرن هفتم به بعد منسوب به بانو شده و در واقع از فضیلت تراشی های قرون بعدی است پیراستن تاریخ زندگانی بانو از این پیرایه ها و افزونه ها خدمت بزرگی به تاریخ اسلام خواهد بود.

تحلیل و بررسی سندی و محتوایی اشعار و زمینه های تاریخی سرایش آن ها می تواند ما را به حقیقت نزدیک گرداند تاکنون اثر مستقل پژوهشی در مورد دیرینه شناسی و تاریخچه نقل اشعار آن با نو نگاشته نشده و در برخی مقالات مربوط به زیست نامه آن حضرت نیز تنها به وجود این اشعار به نقل از بحار الانوار علامه مجلسی و یا ترجمه آن از جنه العاصمه میر جهانی اشاره شده است. بنابراین پژوهش حاضر بدون پیشینه بوده به طور طبیعی رد پای این اشعار را باید در گونه های منابع ذیل ردیابی نمود:

1. فصل النساء در صحابه نگاری ها مانند معرفه الصحابه ابونعیم اصفهانی، الاستیعاب ابن عبدالبر، اسد الغابه ابن اثیر و الاصابه ابن حجر، نیز در منابع معاصر مانند حياه الصحابیات نوشته خالد عبدالرحمان العک و موسوعه حياه الصحابیات نوشته محمد سعید میبض و صحابیات حول الرسول نگاشته عبدالصبور شاهین؛

2. کتب طبقات مانند طبقات الکبری ابن سعد و طبقات الشعرا و جمهره اشعار العرب؛

3. معاجم اختصاصی زنان شاعر (شاعرات) مانند بلاغات النساء ابن طیفور کتاب معجم النساء الشاعرات فی الجاهلیه و الاسلام، نگاشته عبدالامیر مهنا که به 504 زن شاعر پرداخته است. نیز اخبار النسافی کتاب الاغانی که آن را ابوالفرج اصفهانی گردآورده و عبدالامیر مهنا آن را شرح کرده است. هم چنین شاعرات العرب فی الجاهلیه و الإسلام نگاشته شبیریموت و شاعرات العرب نوشته صقر؛

4. کتب سیره نبوی مانند السیره النبویه ابن هشام، و البدایه و النهایه و السیره

النبويه ابن كثير (بحث ماجرای سفر پیامبر صلی الله علیه و آله به شام و ازدواج با حضرت خدیجه علیها السلام و دلایل نگاری ها (به این جهت که در اشعار موجود، به ارهاصات (1) پیامبر صلی الله علیه و آله نیز تصریح شده است) مانند دلائل النبوه بیهقی، شواهد النبوه و اعلام النبوه که به زندگانی معجزات و دلایل پیامبر صلی الله علیه و آله و پرداخته و این اشعار نیز که بر دو یا سه ارهاص آن حضرت مشتمل است به طور طبیعی باید در ضمن آن مطرح می شد؛

5. کتبی با موضوع زن در جاهلیت و اسلام مانند المراه العربیه فی جاهلیتها و اسلامها نوشته عبدالله عقیفی و کتاب الاسلام و المراه نگاشته سعید افغانی و...

مفهوم شناسی

اشاره

مفاهیم سازنده بحث عبارتند از:

الف) کتاب الانوار البکری (قرن 7)

کتاب الأنوار فی مولد النبی محمد صلی الله علیه و اله که در الذریعه با عنوان الأنوار و مفتاح السرور و الأفكار فی مولد النبی المختار صلی الله علیه و اله ذکر شده، نگاشته ابوالحسن البکری مصری از علمای قرن هفتم است. (2) این کتاب که زیست نامه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شمار می آید بیش تر با رویکرد معجزه نگاری و امور خوارق عادات به نگارش درآمده و از خلقت نوری پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز شده و متمرکز بر ارهاصات و معجزات است. گرچه کتبی از این دست با عنوان دلائل النبوه و اعلام النبوه یا شواهد النبوه مشهور هستند کتاب حاضر با وجود یکسانی محتوا به نام الانوار است. کتاب

ص: 426

1- سید مرتضی م 436 نخستین بار به مفهوم اصطلاحی ارهاصات در ضمن تعریف معجزه اشاره کرده است. وی در تعریف معجزه می نویسد: «امرٌ خارقٌ للعاده مقرونٌ بالتحدی مع عدم المعارضة؛ معجزه، امر خارق العاده ای است که مقرون به تحدی بوده و از ناحیه مقابل معارضی نداشته باشد». سپس توضیح می دهد: «مقرون بالتحدی» گفتیم تا معجزه از ارهاص و کرامات باز شناخته شود و مع عدم المعارضة گفتیم تا از سحر و شعبده جدا شود. بنابراین یکی از تفاوت های معجزه و ارهاص، در «تحدی» است. (الشریف المرتضی، ج 2، ص 283)

2- طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج 2، ص 410

در هفت فصل تنظیم شده که بخش دوم از فصل هفتم آن به مسأله مقاله حاضر مربوط می شود. مجموع اسناد روایات مذکور در این کتاب حذف شده و به روش زیست نامه نویسی تنظیم گردیده از این، روی اعتبار آن به لحاظ سندی قابل اثبات نیست و باید به دلالت آن پرداخته شود نویسنده ریاض العلما گوید: «یک نسخه قدیمی از کتاب الانوار ابوالحسن بکری نزد من هست که تاریخ کتابت آن 696 هجری است». بنابراین او باید در اواخر قرن هفتم و یا در ابتدای قرن هشتم وفات کرده باشد.

علامه مجلسی به دلیل شباهت نام نویسنده کتاب با ابوالحسن علی بن محمد البکری (م 952)، وی را از اساتید شهید ثانی دانسته است. (1) نویسنده الذریعه، ابوالحسن بکری را نام دو نفر دانسته است: ابوالحسن احمد بن عبدالله بکری (متوفای قرن هفتم) و به قولی نگارنده کتاب یاد شده و ابوالحسن علی بن محمد بکری (م 952) محدث و متبحر در فقه و تفسیر که استاد شهید ثانی و شافعی بوده است. از آن جا که کتب مقتل امیرالمؤمنین علیه السلام و وفات فاطمه الزهراء علیها السلام نیز از آثار وی است او را دوست دار شیعیان دانسته اند اما گفته اند که او اشعری بوده است. (2) در اعیان الشیعه تنها به نام وی اشاره شده که احمد بن عبدالله البکری است و شرح حال او آورده نشده است. (3) پس دو ابوالحسن البکری وجود داشته: یکی نویسنده الأنوار و دومی مترجم شذرات الذهب با نام کامل علاء الدین ابی الحسن علی بن جلال الدین محمد البکری الصدیقی الشافعی محدث، استاد شهید ثانی که در سال 952 در قاهره از دنیا رفته است. به یقین فردی که ذهبی (م 749) و ابن حجر، او را با تعابیر «کذاب الدجال واضع القصص» و «ما روی حرفا من العلم بسند» مذمت می کنند. (4) همان نویسنده الانوار است نه استاد شهید ثانی؛ زیرا وی بیش از دو قرن پس از

ص: 427

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 1، ص 22

2- طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج 2، ص 14

3- امین عاملی، اعیان الشیعه، ج 2، ص 423

4- ذهبی، لسان المیزان، ص 211؛ ابن حجر، الإصابه فی تمییز الصحابه، ج 1، ص 202

ذهبی وفات یافته و ذهبی او را ندیده و آثارش را نخوانده است.

ب) حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام، دختر خویلد بن عبدالعزی بن قُصی بن کلاب بن مره بن کعب بن لوی بن غالب به فهر بن مالک بن نضر بن کنانه و مادرش فاطمه دختر زائده بن اُصم بود. ایشان اولین و محبوب ترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بودند که آن حضرت در زمان حیات وی همسر دیگری انتخاب نکردند. بر اساس گزارش های مربوط به سن آن حضرت هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، می توان سال تولد ایشان را 68 سال پیش از هجرت تخمین زد اما سال وفات آن بانو به طور قطع سال دهم بعثت (620 میلادی) بوده است. البدوی تولد ایشان را 557 میلادی و وفاتش را 620 ثبت کرده است. (ص 106) کنیه اش ام هند القاب او طاهره و سیده قریش یا امرأه القریش (بانوی قریش) بود. پیامبر صلی الله علیه و آله این بانو را برترین بانوان اهل بهشت و از جمله چهار زن بهشتی معرفی فرمودند. در مورد سن وی هنگام ازدواج و این که پیش از پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرده یا نه، در بین تاریخ پژوهان، معاصر اختلاف اقوال است اهل سنت آن حضرت را اولین اسلام آورنده می دانند و به اعتقاد شیعه، بانو خدیجه علیها السلام قطعاً اولین زن مسلمان در جهان اسلام بوده اما اولین فرد مسلمان بی شک حضرت علی بوده اند. وی از پیامبر صلی الله علیه و آله دارای شش فرزند بود که حضرت فاطمه علیها السلام سرآمد آنان به شمار می آیند. (1)

مروری بر شعر زنان در عصر جاهلیت

مضامین اصلی در شعر عرب را تقاخر به قبیله و گذشتگان، تمسخر و هجو رقیب یادکرد از جنگ های قبیله ای و خاطرات برجای مانده از آن ها و

ص: 428

1- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 981؛ بیهقی، دلائل النبوه، ج 2، ص 96؛ طبرسی، اعلام الوری بأعلام الهدی، ج 1، ص 472؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفه الأصحاب، ج 4، ص 7181؛ ابن اثیر، أسدالغابه فی معرفه الصحابه، ج 5، ص 714؛ ابن حجر عسقلانی، الإصابه فی تمییز الصحابه، ج 8، ص 1...1

عاشقانه‌ها تشکیل می‌داد البته زنان جاهلی بیش تر در مورد پدر، برادر و شوهر یا دیگر بزرگان قبیله شعر می‌سرودند. به نظر می‌رسد از آن‌جا که بازار عکاظ مکان مناسبی برای عرضه این اثر هنری بود انگیزه مادی و معنوی برای سرایش شعر در زنان و مردان عرب جاهلی وجود داشت؛ زنانی چون خنساء و امجدب که همسر شاعر معروف امرؤالقیس بود. وجود آثار مستقل با موضوع شعر زنان و زنان، شاعر، نشان دهنده ورود جدی زنان عصر جاهلی و حتی پس از آن در عصر اسلام به عرصه شعر است: آثاری مانند معجم النساء الشعرات فی الجاهلیه و الاسلام نگاشته عبدالامیر مهنا که نام 504 زن شاعر در آن درج گردیده و اخبار النساء فی کتاب الاغانی که در آن نام 180 زن شاعر آورده شده و اخبار النساء فی عقد الفرید با نام 250 زن شاعر. (1) ابوالفضل احمد بن ابی طاهر خراسانی معروف به ابن طیفور (240 - 280 ق) یکی از ادبا و دانشمندان اهل سنت در زمینه ادبیات عرب تاریخ اسلام و تراجم (صحابه شناسی) نام زنان شاعر و بلیغ را گردآوری کرده است. کتاب بلاغات النساء در واقع جلد یازدهم از کتاب المنشور والمنظوم است که در چهارده مجلد تنظیم شده بود و اکنون مفقود شده و تنها جلد یازدهم و دوازدهم آن در دست است و جلد یازدهم آن با عنوان بلاغات النساء به چاپ رسیده است. کتاب وی با سخنان و اشعار عایشه و سپس حضرت فاطمه زهرا آغاز شده سپس به اشعار سکینه بنت الحسین و دیگر زنان شاعر عرب و شعرهای آنان پرداخته است. برخی از این زنان از سخنوران و شعرای دوران جاهلیت هستند. نکته قابل توجه این که با وجود جایگاه ویژه حضرت خدیجه علیها السلام نامی از وی و اشعارش در این اثر نیست. البدوی نیز که در کتاب موسوعه شهرات النساء اشعار خدیجه دختر مأمون و دیگران را یاد آور می‌شود ذیل عنوان خدیجه بنت خویلد (ص 160)، این اشعار را نمی‌آورد.

ص: 429

اشعار حضرت خدیجه علیها السلام نخستین بار در کتاب الانوار ابوالحسن البکری (متوفای قرن هفتم) گردآوری شده است (ص 247-259). مجلسی همین سروده ها را به نقل از الانوار در بحار الانوار می آورد (ج 16، ص 23-26). و میرجهانی، نویسنده کتاب جنبه العاصمه این اشعار را ترجمه می کند (ص 74) و مجموعه منابع پسین به این دو کتاب ارجاع داده اند. متن اشعار و زمینه های سرایش شعر بر اساس کتاب الانوار عبارت از این است که خدیجه علیها السلام پس از شنیدن راهنمایی های احبار و رهبان و کاهنان در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله قلبش روشن شد و گفت: «سعدت من تکون لمحمد قرینه فانه یزین صاحبه؛ سعادت یافتم به خاطر هم نشینی با محمد! به راستی که او همراه خود را زینت می بخشد». (این سخن منسوب به حضرت خدیجه علیها السلام در هیچ منبع دیگری قبل از الانوار وجود ندارد) و همچنان شوق و وجد او فزونی می یافت تا این که نزد ورقه بن نوفل رفت ایشان پس از شنیدن سخنان ورقه و تعبیر رویای خود ابتدا به شعری از شاعری (1) دیگر استناد کرده سپس خود، چنین سرودند:

کم استر الوجد والاحجان تهتکه *** و اطلق الشوق والاعضاء تمسکه

جفانی القلب لَمَا ان تملکة *** غیری فوا اسفا لوکنت املکه

ما ضر من لم یدع منی سوی رمقی (2) *** لوکان یسمح بالباقی لیترکه

راوی (3) گوید:

عجب تر چیزی که در این امر عجیب، دیدم این بود که هنوز خدیجه علیها السلام از

ص: 430

1- ابن طیفور، بلاغات النساء، ص 5 و 42. اسیر الیکم قاصد الأزورکم *** و قد قصرت بی دون ذاک رواحلی احمّل برق الشوق شوقی

الیکم *** و اسال ریح الغرب رد رسائلی و تلك الأمانی خدعة غیر انی *** اعلل وجد الحادثات بباطل

2- مصرع «ما ضر» در کشکول، بحرانی همراه با مصرع دیگری به نقل شیخ حسن پسر شهید ثانی در رثای صاحب معالم ذکر شده است:

«سل اللذی نام عن شوقی و عن ارقی / ما ضر یدع منی سوی رمق». (بحرانی، ج 1، ص 533)

3- نام و مشخصات راوی معلوم نیست؛ زیرا اسناد در کتاب ذکر نشده است.

انشا این اشعار فراغت نیافته بود که صدای کوبه در بلند شد و او به کنیز خود فرمان داد که فرود آمده ببیند. کیست. شاید خبری از دوستان برسد و در همان حال این اشعار را انشا کرد:

ایا ریح الجنوب لعل علم *** من الاحباب یطفئ بعض حری

ولم لا حملوك الی منهم *** سلاما اشتريه ولو بعمری

و حق و دادم انی كتوم *** و آئی لا ابوح لهم بسرّی

ارانا الله وصلهم قریبا *** و كم یسراتی من بعد عسر (1)

قیوم من فراقكم كشهیر *** و شهر من وصالكم كدهر (2)

خدیجه علیها السلام با نهایت شوق برخاست و به کنیز گفت:

در را باز کن و به میسره خبرده فرش ها برای ایشان بگستراند و متکاها در پشت هر یک از ایشان بگذارد امیدوارم که حبیب من محمد را به همراه خود آورده باشند پس این اشعار را انشا کرد:

الذّ حیاتی و صلکم و لقاکم *** و لست الذّ العیش حتّی أراکم

و ما استخشیت عینی من الناس غیرکم *** و لا لذّ فی قلبی حبیب سواکم

ص: 431

1- اگر این بیت به آیه شریفه (إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا) اشاره داشته باشد از نظر زمانی این شعر قبل از بعثت و نزول قرآن سروده نشده مگر آن که در ادبیات شعری جاهلیت بوده باشد در کشکول بحرانی (ج 3، ص 73) این مصرع در بین اشعاری بدون ذکر نویسنده برای برآورده شدن حاجت آمده است. نراقی در خزائن (ص 003) نیز می نویسد: «و کم یسراتی من بعد عسر *** ففرج کرّبة القلب الشّجی»

2- ای باد جنوب! از دوستانم مرا، خبرده شاید از دانستن حالات ایشان بعضی از سوزش من فرو نشیند! چرا سلامی از خود به سوی من به واسطه تو نفرستادند تا من به جان خود آن را خریداری کنم؟ بحق دوستی ای که من به ایشان دارم من کتمان کننده ام آن دوستی را و سرّ خود را برای ایشان فاش نمی کنم خدا وصال مرا به ایشان نزدیک کند زیرا پس از هر دشواری آسانی است. یک روز جدایی از شما مانند ماهی است برای من و یک ماه از وصال شما مانند روزگاریست. تا چند وجد و شادی ای را که در دل دارم بپوشم و حال آن که پلک های چشم، آن را پاره می کند؟ و تا کی شوق وصال را رها کنم و حال آن که اعضای من آن را نگاه می دارد؟ دل من با من جفا کرد برای این که غیر من آن را مالک شده و جای تأسف است اگر من او را مالک شوم. ضرر نکرد کسی که جز رمق برای من باقی نگذارد اگر سهل می گرفت به باقیمانده، هر آینه آن را ترک می کرد

على الرأس والعينين جمله سعيكم *** و من ذا الذى في فعلكم قد عصاكم

و ها أنا محسوب عليكم بأجمعى *** و روحى و مالى يا حبيبى فداكم

و ما غيركم فى الحب يسكن مهجتي *** و إن شئت تفتيش قلبى فهاكم (1)

آن بانو پس از شنیدن سخن ابو طالب عليه السلام که فرمود: «آمدن ما برای امر پسر برادرم محمد است»، یقین کرد مقصود او حاصل می شود، پس این اشعار را انشا کرد:

بذکرکم یطفی الفؤاد من الوقود *** و رؤیتکم فیها شفا أعین الرمد

و من قال إنى أشکي من هواکم *** فقد کذبوا لو متّ فيه من الوجد

و مالى لا أملی سرورا بقربکم *** و قد کنت مشتاقا علیکم من البعد

تشابه سرّی فی هواکم و خاطري *** فأبد الذى أخفى وأخفى الذى ابدى (2)

نیز هنگامی که شتر سر به پای مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله گذارد و به کلام فصیح نطق کرد که: «کیست مثل من و حال آن که لمس کرد پشت مرا سید المرسلین» و زنانی که نزد خدیجه علیها السلام حاضر بودند گفتند: «این نیست مگر سحر بزرگی که از این یتیم ظاهر شده!» خدیجه علیها السلام فرمود: «این سحر نیست. خود این آیات و

ص: 432

1- لذت داد زندگی مرا وصل و ملاقات شما، و من نیستم کسی که لذت زندگانی را ببینم تا این که شما را ببینم و نترسید چشم من از مردمان غیر از شما و دل من ذلت نبرد از هیچ دوستی غیر از شما. بالای سر و چشم هایم می گذارم همه کوشش شما را و کیست کسی که در کار شما نافرمانی کند شما را؟ و آگاه باشید که من همه چیزهایم در حساب شما گذارده شده؛ همه چیز من و جان من و مال من ای دوست من فدای شما! و نیست غیر از شما دوستی که در دل من جای گیرد اگر بخواهید تفتیش کنید دل مرا! این دل من و این هم شما

2- با یاد کردن شما دل از سوزش خاموش می شود و در دیدن شماست شفای چشم درد. کی گفته است که من از خواهش شما شکایت دارم؟ هر کس بگوید دروغ گفته اگر در هوای شما بمیرم از وجد است. چرا من مملو از شادی و سرور نباشم به سبب نزدیک شدن به شما من از دور مشتاق بودم بر ملاقات و نزدیک شدن به شما. باطن من و آن چه در خاطر من است از محبت شما شبیه به یک دیگرند پس ظاهر می کنم آن چه را که پنهان داشته ام و مخفی می کنم آن چه را که ظاهر می کنم

کراماتی است که از این حضرت ظاهر شد». سپس این اشعار را سرود:

نطق البعير بفضل احمد مخبرا *** هذا الذي شرفت به أم القرى

هذا محمد خير مبعوث أتى *** فهو الشفيح و خير من وطأ الثرى

يا حاسديه تمزقوا من غيظكم *** فهو الحبيب و لا سواه في الوری (1)

و از اشعار اوست هنگامی که لباس سفر برای پیامبر صلی الله علیه و آله مهیا کرد و آن حضرت در برابر روی او پوشید:

أوتيت من شرف الجمال فنونا *** و لقد فتنت بها القلوب فتونا

قد كوّنت للحسن فيك جواهر *** في ها دعيت الجواهر المكنونا

يا من أعار الطّبي في فلواته *** للحسن جیدا ساميا و جفونا

نظر إلى جسمى النحيل و كيف قد *** أجريت من دمع العيون عيونا

أسهرت عيني في هواك صباحه *** و ملأت قلبي لوعه و جنونا (2)

و هنگامی که حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و اله با او وداع فرمود و بر مرکب خود سوار شد و میسره و ناصح دو غلام خدیجه علیها السلام در مقابل روی آن حضرت می رفتند چنین سرود:

قلب المحبّ إلى الأحباب مجذوب *** و جسمه بيد الأسقام منهوب

وقائل كيف طعم الحبّ قلت له *** الحبّ عذب و لكن فيه تعذيب

أفدى الذين على خدى لبعدهم *** دمی و دمعی مسفوح و مسكوب

ص: 433

1- نطق کرد شتر و خبر داد به فضیلت، احمد این است آن کسی که ام القرى (زمین مکه) به او شرافت یافت! این است محمد بهترین برانگیخته شده به رسالت که می آید زمان بعثت، او پس اوست شفاعت کننده و بهتر کسی که قدم بر زمین می گذارد! ای کسانی که بر او حسد می برید نابود شوید از جهت این خشمی که دارید؛ زیرا اوست محبوبی که غیر از او در میانه خلق حبیبی نیست.

2- از شرف جمال و زیبایی فنون شرافت را داده شده ای ای که دل ها را به آن فنون مفتون کرد. ای که گوهرهایی برای نیکویی حسن در تو هستی یافته که در آن گوهر مکنونی پنهان است! ای کسی که عاریه داده ای به آهوهای بیابان ها برای زیبایی گردن بلند و چشم های نیکویی! به جسم ضعیف لاغر من نگاه کن و ببین که چگونه از اشک چشمان خود چشمه هایی را جاری کرده ام! بیدار داشتم چشم خود را در هوای تو از جهت حرارت و گرمی عشقی که به تو دارم و پر کردم دل خود را از سوزش و دیوانه بودن در عشق تو

ما في الخيام وقد صارت ركابهم جمًا *** إلا محبّ له في القلب محبوب

كأنما يوسف في كلّ ناحيه *** و الحزن في كلّ بيت فيه يعقوب (1)

هنگام بازگشت آن حضرت از سفر شام چون بر خدیجه علیها السلام وارد شد، بانو این دو شعر را انشا کرد:

جاء الحبيب الذي أهواه من سفر *** و الشمس قد أثرت في وجهه أثرا

عجبت للشمس من تقبيل و جنته *** و الشمس لا ينبغي أن تدرك القمر (2)

پیامبر صلی الله علیه و آله به خواهش خدیجه علیها السلام به جانب کاروان برگشت هنگامی که آن حضرت از مکه بیرون رفت جبرئیل و فرشتگان اطراف آن جناب را گرفتند؛ خدیجه خوشحال شد و این اشعار را سرود:

نعم لی منکم ملزم ای ملزم *** و وصل مدی الأيام لا يتصرّم

و لو لم یکن قلب المتیم فیکم *** جریحا لما سالت دموعی بالدم

و لم یخل طرفی ساعه من خیالکم *** و من حبّکم قلبی و من ذکرکم فمی

و لو جبلا حملتموه بعاد کم *** لمال و ماذا حال جسمی و أعظمی

أشدّ علی کبدی یدی فیردّها *** بما فيه من وجد من الشوق مضم

طویت الهوی و الشوق ینشرطیه *** و کتمت أشجانی فلم تتکتّم

فیاربّ قد طالت بنا مدّه النوی *** و أنت قدیر تنظم الشمّل فانظم (3)

ص: 434

1- دل دوست دارنده به جانب دوستان جذب شده و جسم او به دست بیماری ها غارت شده. اگر گوینده بگوید که طعم محبت چگونه است؟ می گویم: محبت گواراست اما در آن عذاب و شکنجه است. جانم را فدای کسانی می کنم که از دوری ایشان خون من و اشک من ریخته شده. خیمه ها خالی شد و سواران همه رفتند، کسی نمانده مگر دوستی که محبوب او در دل او جا دارد که گویا یوسفی است در همه جایی و حزن در هر خانه ای است که یعقوب در آن است.

2- آمد از سفر محبوبی که هوای او را در دل، داشتیم در حالتی که آفتاب در روی او اثر گذاشته. تعجب دارم از آفتاب به جهت بوسیدن او روی محبوب مرا و حال آن که سزاوار نیست که آفتاب درک کند ماه را.

3- آری برای من از طرف شما الزام کننده ای هست؛ چه الزام کننده ای که رشته وصل روزهای دراز پاره شدنی نیست و بریده نشده! و اگر دلی که بنده و ذلیل شده در محبت شماست جریحه دار، نبود اشک های من با خون جاری نمی شد. و دل من ساعتی از خیال شما خالی نیست و چشم در محبت شما به خواب نمی رود، و دهان من از ذکر شما غافل نیست و اگر کوه را حمل کنید به عادت هایی که دارید از

جا کنده می شود پس چگونه خواهد بود حال جسم و استخوان های من دست خود را محکم بر روی جگر خود می گذارم که از جا کنده نشود اما وجدی که از شما در دل دارم دست مراد می کند و از شوق آتش می گیرد من در هوای محبت شما در دل به خود می پیچم که ظاهر نشود، شوق آن را باز می کند و هر چه ناله های شوق خود را کتمان می کنم فاش می شود. پس ای پروردگار من مدت جدایی و فراق ما دور شد و تو می توانی این تفرقه را به جمعیت مبدل کنی پس میان حبيب و محبوب جمع کن!

هنگامی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله گزارش سفر تجارت خود را برای خدیجه علیها السلام بیان می فرمود و او با شنیدن سخنان وی احساس شادی و خوش بختی می کرد این رباعی را با نهایت شوق و سرور انشا کرد:

فلو أنّي أمسيت في كلّ نعمه *** و دامت لي الدنيا و ملك الأكاسره

فما سوّيت عندي جناح بعوضه *** إذا لم يكن عيني لعينك ناظره (1)

و پس از این که آن حضرت خود را از گردو غبار سفر شست و شو دادند و گیسوان بلند خود را شانه زدند و از لباس سفر بیرون آمدند و لباس های فاخر در بر کردند و خود را معطر فرمودند و در کمال آراستگی و جمال و جلال به خانه خدیجه علیها السلام آمدند آن بانو چنین فرمود:

دنا فرمی من قوس حاجبه سهما *** فصادفني حتّى قتلت به ظلما

و أسفر عن وجهه و أسبل شعره *** فبات يباهي البدر في ليله ظلما

و لم أدر حتّى زار من غير موعد *** على رغم واش ما أحاط به علما

و علمني من طيب حسن حديثه *** منادمه يستنطق الصخره الصمّا (2)

ص: 435

1- اگر روز را شام کنم در میان همه نعمت ها و همیشه دنیا و مملکت پادشاهان برای من باشد. برابر بال پشه ای نیست در پیش من اگر چشم من به چشم تو نظر نداشته باشد.

2- نزدیک شد محمد و از کمان ابروی خود تیری رها کرد و آن تیر به من اصابت کرد تا این که از روی ظلم کشته شدم. و پرده از روی خود برداشت و موهای خود را افشاند و بیتوته کرد به نحوی که بر ماه شب چهارده در شب تاریک فخر و مباهات می نمود و من نمی دانستم تا این که مرا در وقتی که وعده نشده بود زیارت نمود به رغم سخن چینی که علم به فضایل و کمالات او نداشت. و مرا تعلیم داد از پاکیزگی و نیکی حدیث خود و ندیم یک دیگر بودیم به نحوی که به سخن می آورد سنگ سخت را.

نیز هنگامی که از حضرتش درخواست کرد که با او ازدواج کند، با نهایت اشتیاق عشق خود را به آن حضرت چنین اظهار نمود:

یا سعد إن جزت بوادی الأراك *** بلّغ قلبیا ضاع منی هناک

و استفت غزلان الفلا سائلا *** هل لأسیر الحب منهم فکاک

و إن تری رکبا بوادی الحما *** سائلهم عنی و من لی بذاک

نعم سروا و استصحبوا ناظری *** و الآن عینی تشتهي أن تراک

ما فی من عضو و لا مفصل *** إلا و قد ركب فيه هواک

عذبتنی بالهجر بعد الوفاء *** یا سیدی ماذا جزاء بذاک

فاحکم بما شئت و ما ترتضی *** فالقلب ما یرضیه إلا رضاک (1)

پس از آن که آن حضرت به سبب تهیدستی ازدواج با او را نپذیرفتند، در جواب گفت:

«کسی که از جان خود از شما مضایقه نکند از مال مضایقه نمی کند؛ تمام هستی و دارایی من از آن شماست. سوگند به کعبه و صفا که هرگز بیرون از خواسته و رضایت شما لب نکشایم! گمان نمی کنم که این کنیزک را از خود دور و از فیض وصال محروم فرمایید.

خدیجه علیها السلام این کلمات را با سوز دل گفت و قطرات اشک از دیده بر گونه اش جاری شد و با خاطر امیدوار به انشا این اشعار پرداخت:

ص: 436

1- ای سعد! اگر به وادی اراک گذشتی برسان به آن چاهی که در آن جا از من ضایع شده. و سؤال کن از آهوان آن بیابان: آیا کسی که اسیر محبت شد از آن ها رهایی دارد؟ و اگر دیدی سوارانی را در آن بیابان دوردست ممنوع الورود پیرس از ایشان که آیا از من کسی در آن جا هست. آری، شب را بروید تا این که صبح، کنید ای آن که به من می نگری چشم من آرزو و هوای دیدن تو را دارد. نیست هیچ عضوی و هیچ مفصلی از اعضا و مفاصل من الا این که در هوای تو ترکیب و با محبت تو آمیخته شده. بعد از این که من در محبت و علاقه به تو وفادارم مرا به دور شدن از خود عذاب و شکنجه می کنی پس حکم کن بر آن چه که می خواهی و آن چه را که می پسندی؛ زیرا که دل من چیزی را نمی پسندد مگر آن چه را که تو می پسندی

والله ما هب نسيم الشمال *** إلا تذكرت ليالي الوصال

ولا أضنا من نحوكم بارق *** إلا توهمت بطيف الخيال

أحبابنا ما خطرت فرقه *** منكم غداه الوصل مني ببال

جور الليالي خصني بالجفا *** منكم ومن يؤمن جور الليال

رقوا وجود وا و ارحموا واعتقوا *** لا بد لي منكم على كل حال (1)

نقد اشعار و انطباق با گزارش های معتبر تاریخی

اشاره

پس از ردیابی نقل اشعار حضرت خدیجه علیها السلام در منابع متقدم، در می یابیم که کهن ترین منبع برای این، اشعار، کتاب الأنوار و مفتاح السرور و الأفكار في مولد النبي المختار از ابوالحسن البکری است که علامه مجلسی (م 1111) از وی و منابع متأخر هم از بحارالانوار نقل کرده اند. این اشعار در کتاب الموسوعه الکبری عن فاطمه الزهراء نگاشته انصاری، تنها به بحارالانوار و جنه العاصمه میر جهانی و بخش هایی از آن نیز به الغدير علامه امینی (ج 2، ص 17) ارجاع داده شده است. (2) در منابع پیش از الانوار اثری از این اشعار دیده نشد اما این نمی تواند دلیل بر رد آن ها باشد و به ارزیابی درونی و بیرونی نیاز دارد که در این بخش به آن پرداخته خواهد شد. مضامین اشعار یاد شده را در موارد ذیل می توان تنظیم کرد:

- عاشقانه ها یا سروده های حکایت گر از حس درونی یک دختر یا زن نسبت به جنس مخالف برای پیوند زناشویی انتخاب شده؛

- آرزو و فریاد حضرت خدیجه علیها السلام و تلاش برای به دست آوردن معشوق زمینی؛

ص: 437

1- به ذات خدا سوگند که نسیم شمالی نمی وزد مگر این که یاد می کنم شب های وصال را و برقی از طرف شما جستن نکرد مگر این که من آن را در خواب می دیدم. ای دوستان ما! جدایی از شما در فردای وصل در دل من خطور نمی کند. جور شب ها از جهت شما به جفا کردن مرا تخصیص داده و کیست که ایمن باشد از جور این شب ها. رقت و بخشش و رحم کنید و مرا آزاد سازید چاره ای نیست برای من از وصلت با شما در هر حالی.

2- انصاری، الموسوعه الکبری عن فاطمه الزهراء علیها السلام، ج 12، ص 824 - 134

- ارهاصات پیامبر صلی الله علیه و آله در برهه تاریخی مورد نظر؛

- دفع اتهام سحر به پیامبر صلی الله علیه و آله و پیش از اعلام نبوت توسط آن حضرت و دقیقاً زمانی که ایشان به محمد امین مشهور بودند و مخالفانی پیش روی نداشتند؛

- تحسین زیبایی ها و برازندگی های ظاهری و معنوی پیامبر صلی الله علیه و آله و بیان احساسات درونی به جنس مخالف و نامحرم به شکل بی پروا

الف) ارزیابی بیرونی

اشاره

گزارش حاوی اشعار بانو در ارزیابی برون متنی در سه محور سند (راویان) زمینه تاریخی سرایش گزارش مشتمل بر اشعار و بررسی سابقه شعر سرایی بانو بر اساس گزارش های معتبر پژوهیده می شود

1. سند و اصالت اشعار

راوی این اشعار مشخص نیست زیرا ابوالحسن بکری در کتاب الانوار تمام اسناد روایات را حذف کرده و در کتاب خود شیوه زیست نامه نویسی پیش گرفته است. عبارت «قال البکری» و «قال أبو الحسن البکری حدثنا أشیاخنا و أسلافنا الرواه بهذا الحدیث» (ص 193). تنها سندی است که در کل کتاب دیده می شود! و بر این اساس سند و راوی مشخص و قابل ارزیابی برای آن وجود ندارد و اعتبار سنجی کل کتاب از نظر سند ممکن نیست و باید به دلالت و ارزیابی درونی متن پرداخت در کتاب فهرس التراث اشاره شده که نبود سند دلیلی بر اتهام کذب و نادرستی نیست، زیرا شاید مراد نگارنده از عدم نقل سند این باشد که سند روایات تنها برای علما به کار می آید نه عموم مخاطبان بنابراین برای اثبات صحت و یا کذب مطالب مورد نظر، باید دلایل محکم تری یافت و به بررسی دلالتی پرداخت

ص: 438

2. زمان و زمینه تاریخی سرایش گزارش مشتمل بر اشعار

مجموعه اشعار نقل شده به اندکی قبل از سفر پیامبر صلی الله علیه و آله به شام در کاروان تجارتی حضرت خدیجه علیها السلام تا اندکی پس از آن یعنی هنگامی مربوط می شود که آن حضرت به سبب فقر و فاقه، از ازدواج با او عذرخواهی فرمودند. در حقیقت وقایع موجود در گزارش در بردارنده این شعر پانزده سال قبل از بعثت اتفاق افتاده است. نکته قابل توجه ابهام و تردید و در مواردی انکار بسیاری از سیره نگاران و تاریخ پژوهان در جزئیات منقول از سفر مذکور است. دو سفر به شام در منابع برای پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله ذکر شده است سفر اول بنا بر برخی نقل ها در هفت یا هشت سالگی پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و اسناد و مدارک آن ضعیف و محتوای گزارش ها بسیار مخدوش و مضطرب است؛ از این رو، اصل سفر رد شده است. (1) سفر دوم در 25 سالگی پیامبر صلی الله علیه و آله رخ می دهد (2) از نظر سندی ابن اسحاق شنیده های خود را بدون ذکر سند آورده و ابن سعد نیز از محاملی با واسطه عبدالله بن شیب از نفیسه دختر منیه نقل کرده است. ذهبی پس از نقل راویان گوید:

روایت وی پذیرفتنی نیست و در حقیقت نفیسه شهرتی در نقل روایت ندارد و در طبقات همین یک روایت از او دیده می شود و در دیگر منابع مثل سیره ابن هشام و تاریخ طبری هم هیچ نقلی از او نیست (ج 1، ص 62).

این داستان در منابع بعدی از این دو منبع نقل شده اما افزوده ها، این ماجرا را به یک داستان ساختگی تبدیل کرده است. در مجموع با استفاده از منابع متعدد می توان گفت: عده ای اصل ماجرای سفر دوم پیامبر صلی الله علیه و آله به شام را تأیید کرده اما جزئیات آن را مخدوش و غیر قابل اتکا دانسته اند.

3. سابقه بانو خدیجه علیها السلام ای در سرودن شعر

در منابع متقدم و گزارش های تاریخی هیچ شعری پیش و پس از این

ص: 439

1- محمدی، ص 126-136.

2- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 781 981؛ ابن سعد، ج 1، ص 69؛ طبری، ج 2، ص 82، بیهقی، دلائل النبوه، ج 2، ص 66؛ شیخ صدوق، ج 1 / 481؛ اربلی، ج 2، ص 131

زمان از حضرت خدیجه علیها السلام نقل نشده و این طبیعی است؛ زیرا افزون بر عدم نقل در منابع مهم از نظر عقلی، بانویی با آن همه مشغله های اقتصادی و مدیریت کاروان های تجاری و کارگران و خادمان فراوان، بعید به نظر می رسد خلوتی و زمینه ای یابد و به وادی شعر و شاعری پای نهد به گفته نویسنده الانوار خدیجه علیها السلام ثروتمندترین مردم اهل مکه و مردم زمان خود بود و در تمام قبایل عرب اسب و گوسفند داشت؛ زیرا کنیزان خود را به ازدواج برده هایش در آورده، آن ها را در بین عرب می فرستاد و خانه های مویین به آنان می بخشید و صاحب فرزندانی می شدند. او چهار هزار شتر برای سفرهای تجاری و ... داشت (ص 242)

نیز می نویسد:

و قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله با دو مرد به نام های ابو شهاب عمر الکنندی و عتیق بن عدی ازدواج کرده بود که هر کدام از آنان چهار صد غلام و کنیز داشتند (ص 244).

صرف نظر از درست یا نادرست بودن این مصادیق در گزارش ها هیچ تردیدی در اصل ثروتمندی و خدم و حشم فراوان داشتن حضرت خدیجه علیها السلام نیست و نقل های متعدد و متواتر برای آن وجود دارد این سرمایه عظیم، به مدیریت سنگین نیاز دارد و حتی مشاوران و نمایندگان هم اگر باشد، ایجاد هماهنگی بین مدیران و رفع مشکلات خدمه و ...، مشغله ای بس سنگین است که فرصتی برای سرایش ترانه های عاشقانه نمی گذارد. شیخ آقا بزرگ طهرانی با استناد به سه بیت از اشعار مذکور در مورد ارهاص و گفت گوی شتر با پیامبر صلی الله علیه و آله، بانورا چنین می ستاید:

کانت رقیقه الشعر جدًّا، و من شعرها فی تمریغ البعیر وجهه علی قدمی النبی، و نطقه بفضله کرامه...؛

خدیجه علیها السلام طبع شعری لطیفی داشت و از جمله اشعار وی است هنگام زانو زدن شتر و روی نهادن او بر قدم های پیامبر صلی الله علیه و آله و سخن گفتنش به

ص: 440

به نظر می رسد اگر اشعاری از بانو وجود می داشت باید در منابع شعری و ادبی متقدم ذکر می شد.

(ب) ارزیابی درونی

1. طرح و ساختار اشعار

این اشعار از نظر موسیقایی و اوزان و احساس و تخیل و دیگر عناصر لازم در ساختار یک شعر مورد پسند در جامعه هنری عصر جاهلیت قابل تأمل است در عصر جاهلیت که سرودن شعر برترین هنر به شمار آمده، به گونه ای که معجزه پیامبر صلی الله علیه و آله آن دوران از همان سنخ است و تحدی در قرآن کریم، دلیلی بر اوج ذوق شعری در عصر جاهلی است، اشعار دارای سبک خاص بود اما این اشعار پیش تر به شعر عرب در سده های پس از آن شبیه است و برخی واژگان آن به پس از اسلام اختصاص دارد؛ واژه هایی مانند «من وراء الحجاب»، «سید المرسلین» و «معجزه پیامبر صلی الله علیه و آله»

2. ناسازگاری مضامین اشعار با گزارش های معتبر تاریخی

- تعبیری در متن وجود دارد که به بعد از اسلام مربوط می شود و برای عصر جاهلی تعریف شده است مانند «فقاتل خدیجه من وراء الحجاب بصوت...» (ص 250) زیرا بحث حجاب اختصاصی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه و پس از رحلت حضرت خدیجه علیها السلام مطرح شده و در منابع تفسیری آمده که پیش از آن حجاب زنان پیامبر صلی الله علیه و آله مانند دیگران، بوده افزون بر این که در زمان سرایش اشعار نه پیامبری آن حضرت مطرح بوده و نه هنوز بانو همسر وی به شمار می آمده است.

- وجود نام غلام دیگر حضرت خدیجه علیها السلام در کنار میسره به نام صالح آن جا که می نویسد: «و میسره و ناصح دو غلام خدیجه در مقابل روی آن حضرت

می رفتند» با منابع متقدم ناسازگار است. در سیره ابن هشام و طبقات ابن سعد که کهن ترین منبع برای این سفر پیامبر صلی الله علیه و آله به شام به شمار می روند، نامی از صالح نیست. (1)

- در توضیح ابیات ارهاص مربوط به مار عظیم الجثه، مرقد حضرت ابراهیم علیه السلام در متن کتاب الانوار آمده است که: «فقال العباس أنا آتیکم به إن شاء الله فنهض و سار یطلبه فی الأبطح فلم یجده فالتفت یمینا و شمالا فقال له رجل مکی یا سیدی أراک تلتفت یمینا و شمالا لمن تطلب قال أرید ابن أخی محمدا قال کان هنا منذ ساعه و توجه یطلب جبل حراء فسار العباس إلى الجبل فی طلبه فوجده هناك نائما فی مرقد ابراهیم الخلیل ملتحفا ببردته و عند رأسه ثعبان مبین عظیم». (2) این مطالب با واقعیات تاریخی نمی خواند؛ زیرا مرقد ابراهیم علیه السلام را در مکه و در غار حرا ذکر کرده، در حالی که مرقد وی بنا به نقلی در نزدیکی بیت المقدس و بنا به نقلی دیگر در کنعان است. قزوینی مرقد وی را در شهر الخلیل در بیت المقدس می داند. (3) حضرت ابراهیم علیه السلام در جوانی در «آور» زندگی می کرد که یکی از مهم ترین شهرهای تمدن گلدانی بود. باستان شناسان بقایای این شهر کهن را در نزدیکی کوفه شناسایی و آواربرداری کرده اند. گفته شده حضرت ابراهیم علیه السلام ده سال در سرزمین کنعان زندگی کرد و به هدایت مردم آن دیار مشغول بود تا آن که در 175 سالگی (سفر تکوین، 25/7) درگذشت و پسرانش -اسماعیل و اسحاق او را در همان کشت زار دفن کردند. (4)

3. ارهاصات ساختگی در اشعار

اشاره

سه ارهاص در این اشعار مطرح شده که در کتب دلائل النبوه و کتاب های دیگر که با رویکرد معجزه نگاری نگاشته شده وجود ندارد. در طبقات الکبری (ج 1، ص

ص: 442

1- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 91؛ ابن سعد، طبقات، ج 1، ص 501

2- البکری، ص 251

3- قزوینی، آثار البلاد و اخبار العباد، ص 187 188

4- همان، ص 10 و 25

105)، سیره ابن هشام و دیگر منابع تاریخی تنها ارهاصی که در ماجرای تاریخی سفر به شام نقل می شود سایه افکندن دو فرشته بر سر حضرت محمد صلی الله علیه و اله در بازگشت از سفر شام و هنگام حضور یافتن نزد خدیجه علیها السلام برای بیان گزارش سود و مسائل مربوط به سفر است. ارهاص های مذکور در کتاب الانوار عبارتند از:

1-3- سخن گفتن شتر

بنا به نقل البکری در الانوار، پس از مشخص شدن سفر پیامبر صلی الله علیه و آله به شام برای تجارت در کاروان خدیجه علیها السلام آن بانو گفت: «ای سید من، آیا می توانی حمل بر شتر بندی؟» فرمود: «می توانم» بانو به میسره فرمود: «شتری حاضر کن تا امتحان کنم» میسره برفت و شتری درشت اندام را آورد که هیچ راعی توان نرم کردن آن را نداشت. عباس گفت: «ای میسره شتری از این نرم تر نیافتی که محمد را با آن امتحان کنی؟!» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای عمو او را بگذار! و چون شتر پیش شد زانوزد و روی خود را بر پای آن حضرت نهاد. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله پشت او را نوازش داد، شتر به زبان فصیح گفت: «کیست مانند من که سید پیغمبران دست بر پشتش کشد؟!» پس از این اتفاق زنان که نزد خدیجه علیها السلام بودند، آن را سحر بزرگ دانستند که از محمد یتیم سرزده است و خدیجه پاسخ داد: به خدا سوگند این سحر نیست بلکه آیات روشن و کرامات ظاهره است! (ص 255).

2-3- احترام مار عظیم الجثه به پیامبر صلی الله علیه و آله

در کتاب الانوار این ارهاص با واژه الثعبان «العظیم» به کار رفته که صاحب بن عباد آن را به «الحیه الضخم الطویل؛ مار کلفت و بلند» معنا کرده (ج 2، ص 14) و قرشی آن را اژدها دانسته است (ج 1، ص 305). البکری ماجرای مار را چنین تعریف می کند که زمانی عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و همراه ایشان بود و مار بزرگی از لابه لای گل ها و سبزی ها سر بر آورد. عباس از آن ترسید و بر زمین

افتاد و شمشیر کشید. ناگهان پیامبر صلی الله علیه و آله چشم گشودند و مار رفت گویا هیچ اتفاقی نیفتاده است (ص 251). اطاعت مار و یا احترام آن به پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان ارهاص در اینجا مطرح شده است و در منابع دیگر وجود ندارد.

3-3- به اندازه شدن لباس بزرگی که به امر خدیجه علیها السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله آورده بودند و جمله آن حضرت که: «هیچ جامه با اندام من ناراست نیاید؛ زیرا اگر بلند باشد چون پوشم کوتاه شود و اگر کوتاه باشد، بلند خواهد شد» و آن جامه ها را به تن کردند و اندازه بود و از میان جامه چون ماه تمام بودند.

4. نکات در خور توجه در محتوای متن

- حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و نسبت خویشاوندی داشت و بسیار بعید به نظر می رسد که قبل از سفر شام ایشان را ندیده و یا نشناخته باشد تا در جریان این سفر و یا پیشگویی های کاهنان و راهبان و سخنان ورقه این احساس عمیق درونی برایش ایجاد شود.

- ملاقات خدیجه علیها السلام با ورقه در منابع سیره مربوط به ماجرای مبعث و بازگشت از غار حراست نه پیش از سفر شام که بنا بر قول مشهور آن حضرت جوانی 25 ساله و بانو چهل ساله بودند.

- مضمون شعر در بیان نوع خداحافظی آن هم قبل ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام سفر به شام، نه با رفتارهای بانویی چهل ساله - بنا به نقل مشهور - و دنیا دیده که پیش از آن تجربه داشتن دو همسر را داشته، سازگار است و نه با رفتار حیا و ارانه دختر بکری بیست و پنج ساله - بنابه نظر مخالف مشهور - از خانواده اصیل هاشمی

- پوشیدن لباس ویژه تجارت قابل تأمل است. آیا مرسوم بوده که فردی مانند پیامبر صلی الله علیه و آله در اولین سفر تجاری لباس خاص داشته باشد؟! در الانوار آمده است:

«آن گاه خدیجه به سوی پیغمبر صلی الله علیه و سلم نگرست و گفت: "ای سید من این

جامه که در برداری در خور سفر نباشد. " آن حضرت فرمود که مرا جز این جامه نیست؛ خدیجه گریست و حکم داد تا دو جامه قباطی مصر و دو جبه عدنی و دو برد یمانی و یک عمامه عراقی و دو موزه از پوست و عصایی از خیزران حاضر کردند و گفت: " این جامه ها برای شما بزرگ است! مهلت ده تا کوتاه کنم " آن حضرت فرمود: "هیچ جامه با اندام من ناراست نیاید چه اگر بلند باشد، چون بپوشم کوتاه شود و اگر کوتاه باشد بلند خواهد شد" و آن جامه ها را به تن کردند و اندازه بود و از میان جامه چون بدر تمام بتافتند و چون خدیجه به ایشان نگریست چنین سرود....»

- استفاده از تعابیر سید المرسلین آیات بینات کرامات ظاهرات و معجزات و اوضحات از تعابیر مصطلح در عصر جاهلی نبوده و سال ها پس از ظهور اسلام وضع شد نیز اتهام سحر به پیامبر 15 سال قبل از بعثت، دور از واقعیات تاریخی است. البته در ارهاص و خوارق عادات قبل از نبوت، استبعادی وجود ندارد، اما این که در منابع پیشین در چنین ماجرابی بحث سحر مطرح شود و عامل سحر دانستن از سوی زنان چه بوده، محل تأمل است. این شگفت زدگی در منابع، پیشین به زمانی مربوط است که فرشته ای بر سر پیامبر صلی الله علیه و آله سایه افکنده بود و در پاسخ تعجب هم چنین مطلبی از خدیجه علیها السلام نقل نشده است. نیز واژگان آیات و کرامات آن جا که می نویسد: خدیجه در پاسخ زنان و اتهام سحر به حضرت محمد صلی الله علیه و اله فرمود: «همانا این سحر نیست؛ خود این آیات و کراماتی است که از این حضرت ظاهر شد». استفاده از اسم احمد برای پیامبر صلی الله علیه و آله نیز قابل تأمل است و باید دید آیا در زمان مذکور و عصر جاهلی برای آن حضرت به کار برده می شده یا اسم آسمانی اوست و بعد اسلام مطرح شده که در این صورت فرضیه سرایش شعر در بعد از اسلام یعنی قرن هفتم و زمان البکری و در نتیجه جعلی بودن آن بسیار قوت می گیرد.

- حضور پررنگ و برجسته عباس در متن و به ویژه در ارهاصات منقول قابل تأمل و بررسی است. در حالی که ابوطالب حامی اصلی پیامبر صلی الله علیه و آله پیش

و پس از اعلام نبوت بوده این برجسته سازی نقش عباس، احتمال ساختگی بودن مطلب را به انگیزه های سیاسی و تعظیم دستگاه حاکمه عباسی توسط یکی از نویسندگان اهل سنت قوت می بخشد.

در مجموع با توجه به اشکالات سندی و متنی یادشده و این که شعری با این سبک و مضامین در منابع معتبر و متقدم شیعه و اهل سنت پیش از آن، از بانو خدیجه علیها السلام ذکر نشده است، این مطالب مردود بوده و حذف آن ها در تدوین آثار مربوط به حضرت خدیجه علیها السلام ضرورت دارد و با وجود ویژگی های حقیقی و ارزشمند بانو نیازی به ذکر و حفظ منقولات ساختگی و فضیلت تراشی بی اساس نیست

نتیجه

اشعار منسوب به حضرت خدیجه علیها السلام، نخستین بار در کتاب الانوار ابوالحسن البکری (متوفای قرن هفتم) ذکر شده و زمینه تاریخی آن، سفر پیامبر صلی الله علیه و آله به قصد تجارت به شام بوده است. عدم ثبت اشعار در منابع مهم پیش از قرن هفتم بررسی سندی و دلالتی این اشعار و مطالب پیرامونی آن وجود اصطلاحات نو پدید عصر اسلامی در ابیات، نیز قصاص بودن ابوالحسن البکری و عدم استفاده نویسندگان و محققان برجسته از قرن هفتم به بعد از مطالب وی، نشان دهنده ساختگی بودن این اشعار و مطالب منسوب به حضرت خدیجه علیها السلام است. گرچه مرحوم مجلسی این مطالب را در بحار الانوار به طور کامل از البکری نقل کرده و نویسنده الذریعه با استناد به همین، اشعار بانو را «رقیقه الشعر» وصف نموده، با توجه به اعتراف مجلسی در جمع آوری هر مطلب و عدم ارزیابی آن ها در بحار الانوار، به نظر می رسد دادن آگاهی لازم به جامعه علمی و پژوهشگران عرصه دین و تاریخ اسلام درباره ساختگی بودن مطالب و اشعار یاد شده، به مثابه خدمت علمی بزرگی برای تدوین تاریخ درست و معتبر از زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام خواهد بود.

1. ابن اثير، عزالدين أبو الحسن على بن محمد الجزري، أسد الغابه في معرفه الصحابه ، بيروت، دارالفكر، 1409 ق.
2. ابن بابويه، محمد بن على، كمال الدين و تمام النعمه، تصحيح على اكبر غفارى، تهران اسلاميه، 1395 ش.
3. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على الإصابه في تمييز الصحابه ، تحقيق عادل احمد عبد الموجود و على محمد معوض، بيروت، دارالكتب العلميه، 1415 ق.
4. ابن حجر، لسان الميزان، بيروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، 1390 ش.
5. ابن سَلام، جهمي، محمد ، طبقات الشعراء ، ليدن، مطبعه بريل، 1913 م.
6. ابن عبدالبر، أبو عمر يوسف بن عبدالله بن محمد، الاستيعاب في معرفه الأصحاب، تحقيق على محمد البجاوى، بيروت، دار الجيل، 1412 ق.
7. ابن هشام حميرى معافى السيره النبويه، دارالمعرفه ، بيروت، بى تا.
8. اربلى، على بن عيسى، كشف الغمه في معرفه الأئمه ، قم ، رضى، 1421 ق.
9. اصفهانى، ابوالفرج، اخبار النساء في كتاب الأغاني، جمع و شرح عبدالأمير مهنا بيروت مؤسسة الكتب للثقافة ، 1988 م.
10. امينى، عبدالحسين، الغدير في الكتاب و السنه والأدب، مركز الغدير للدراسات الاسلاميه، قم، 1416 ق.
11. انصارى زنجانى خوئينى، اسماعيل ، الموسوعه الكبرى عن فاطمه الزهرا عليها السلام قم دليل ما 1428 ق.
12. البدوى، خليل ، موسوعه شهيرات النساء، دار الاسامه للنشر، اردن، 1419 ق.
13. البكرى، احمد بن عبد الله الأنوار و مفتاح السرور والأفكار في مولد النبي المختار، قم، رضى، 1411 ق.
14. بيهقى، ابوبكر ، دلائل النبوه، دار الكتب العلميه ، بيروت، 1405 ق .

15. جوهرى بصرى، احمد بن عبد العزيز مقتضب الأثر في النصّ على الأئمة الإثني عشر بينا، بى جا، بى تا.
16. ذهبى، محمد بن احمد، سير اعلام النبلا، بيروت، مؤسسه الرساله، 1410 ق
17. ذهبى، لسان الميزان، تحقيق على محمد الجاوى، بيروت، دارالمعرفه للطباعه و النشر، 1963 م
18. رامين نژاد، رامين مزار، پیامبر صلى الله عليه وآله مشهد بنیاد پژوهش های اسلامی، 1387 ش.
19. سيد مرتضى، رسائل الشریف المرتضى، قم، دارالقرآن الکریم، 1405 ق.
20. شيخ يوسف بحرانی كشكول، دار و مكتبه الهلال، بيروت، 1998 م.
21. شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، تهران، اسلاميه 1395 ش.
22. صاحب بن عباد اسماعيل، المحيط في اللغه، تصحيح آل ياسين، محمد حسن، بيروت عالم الكتب، 1414 ق.
23. صفري فروشانی، نعمت الله، آموزش زنان در صدر اسلام، پیام زن، شماره 125 و 126، 1381 ش.
24. صقر، عبدالبدیع، شاعرات العرب، قطر المكتب الإسلامی، 1967 م.
25. طبرسى، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم، آل البيت، 1417 ق.
26. طهرانی، آقابرگ، الذریعه الى تصانيف الشيعه، قم، اسماعيلیان و کتابخانه اسلاميه تهران، 1408 ق.
27. عاملی، سيد محسن امين، اعيان الشيعه، بيروت، دارالتعارف، 1403 ق.
28. قرشى ابوزيد محمد بن أبى الخطاب، جمهره أشعار العرب، بيروت، دار الكتب العلميه، 1406 ق.
29. قرشى، على اكبر، قاموس قرآن، تهران، دار الكتب الاسلاميه، 1371 ش.
30. قزوینی، زکریا بن محمد آثار البلاد و اخبار العباد، چاپ اول، بيروت

31. قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله، الخرائج و الجرائح، تصحیح، مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام، قم، مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، 1409 ق.
32. قمی، علی بن ابراهیم تفسیر القمی، تحقیق موسوی جزایری، قم، دارالکتاب، 1404 ق.
33. کحاله عمر رضا، اعلام النساء في عالم العرب و الإسلام، بیروت: مؤسسه الرساله، 1982 م.
34. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403 ق.
35. محمدی، رمضان نقد و بررسی گزارش های زندگانی پیش از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، 1387 ش.
36. میر جهانی طباطبایی، سید حسن، جنه العاصمه، مشهد، بیت الزهراء، 1426 ق.
37. نراقی، ملأ احمد خزائن تصحیح حسن زاده آملی، تهران، مؤسسه انتشارات قیام 1380 ش.
38. یموت، شبیر شاعرات العرب في الجاهلیه و الإسلام، بیروت مکتبه الأهلیه، 2006 م.

*حضرت خدیجه علیها السلام ام المؤمنین از منظر قرآن: محمد علی رضایی اصفهانی (1)

چکیده

حضرت خدیجه علیها السلام اولین همسر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، و مادر تنها فرزند باقی مانده ایشان حضرت فاطمه علیها السلام بودند که در قرآن کریم حدود بیست آیه مستقیم و غیر مستقیم به ایشان اشاره کرده و تفاسیر بدان ها پرداخته اند و در کتاب های مرتبط با حضرت خدیجه علیها السلام گاهی به برخی آیات اشاره شده است.

آیات مرتبط با حضرت خدیجه علیها السلام چند دسته اند: نخست آیاتی که ایشان مصداق آن هاست؛ مثل آیه 42 سوره آل عمران، آیه 100 سوره شعراء، آیات 33 و 34 سوره زمر و آیه ششم سوره احزاب.

دسته دوم آیاتی هستند که به صورت غیر مستقیم (از طریق شأن نزول و احادیث) به حضرت خدیجه علیها السلام مربوط است؛ مثل آیات سوره کوثر آیات آغازین سوره مدثر، آیه 3 سوره ضحی و آیات 4 و 37 سوره احزاب دسته سوم نیز آیاتی است که ذیل آن ها به جایگاه و فضایل حضرت خدیجه علیها السلام اشاره می کند

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام ام المؤمنین حضرت فاطمه علیها السلام قرآن، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، فضایل.

ص: 450

حضرت خدیجه علیها السلام اولین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و مادر تنها دختر ایشان حضرت فاطمه علیها السلام بودند که فضایل و کمالات متعددی در آیات و احادیث و تاریخ برای ایشان ذکر شده است. این نوشتار به این پرسش اساسی می پردازد که جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در قرآن کجاست و کدام آیات به وجود ایشان اشاره کرده و دلالت تفسیر آن آیات چگونه است؟

پیشینه

منابع ذیل به جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در قرآن اشاره کرده اند:

1. مفسران قرآن از جمله تفسیر مقاتل بن سلیمان، تفسیر ابو حمزه ثمالی، تفسیر جامع البیان طبری، تفسیر قمی، تفسیر الحبری، تفسیر عبدالرزاق و تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام. این تفاسیر، ذیل آیات متعدد از جمله ذیل آیات 286 بقره، 42 آل عمران، 78 حج، 6 و 37 احزاب 33 و 34 زمر و 8 ضحی و نیز ذیل آیات آغازین سوره های تحریم و مدثر به حضرت خدیجه علیها السلام اشاره کرده اند؛ یعنی گاهی تفسیر آیه و گاهی شأن نزول برخی آیات را مرتبط با ایشان دانسته یا احادیثی در مورد جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام ذیل آیات آورده اند.
2. کتاب نساء اهل بیت فی ضوء القرآن والحديث، نوشته احمد خلیل جمعه چاپ دوم، دمشق و بیروت الیمامه للطباعه و النشر و التوزیع، 1417 ق. این کتاب 704 صفحه و در مورد زنان و دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و از جمله حضرت خدیجه علیها السلام است.
3. نساء خالدهات فی القرآن الکریم، از احمد جمال (جمع و تبویب و تعلیق احمد جمال عبدالعال)، قاهره: مکتبه الکلیات الازهریه، 1407 ق. این کتاب 159 صفحه و در مورد زنان جاویدان از جمله حضرت خدیجه علیها السلام نگاشته شده است.
4. النساء فی القرآن الکریم، نوشته عبدالمنعم، هاشمی، دمشق و بیروت: دار ابن کثیر

للتباعة و النشر و التوزيع، 1408 ق. این کتاب 280 صفحه است که به حضرت خدیجه علیها السلام نیز اشاره دارد.

5. کتاب ام المؤمنین خدیجه بنت خویلد بانویسی در قلب، مصطفی از دکتر محمد عبده یمانی مترجم: محمد ابراهیمی، ایران انتشارات ایلاف، 1389 ش.

6. ام المؤمنین خدیجة الطاهرة، نوشته حسین شاکری، قم: المؤسسة الاسلامية للتبلیغ و الارشاد، 1422 ق.

7. کتاب خصائص ام المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام، از حسین تهرانی انتشارات طوبی در 684 صفحه شامل 160 ویژگی حضرت خدیجه علیها السلام است که یک پیش گفتار و 160 فصل دارد نویسنده در فصل های این کتاب می کوشد بر آیات قرآن و روایات معتبر تکیه کند. وی با بهره گیری از آیات و روایات معتبر در منابع شیعه و سنی، به ویژگی هایی از خدیجه کبری علیها السلام اشاره نموده و در حد توان فضایل آن حضرت را بازگو نموده است.

8. کتاب خدیجه علیها السلام در قرآن نوشته جمعی از نویسندگان. (1) گفتنی است که در منابع اینترنتی از کتاب فوق به عنوان مقاله نیز یاد شده و ظاهراً مقالات جمعی از نویسندگان است که به صورت مجازی منتشر شده و در این نوشتار به برخی آیات و روایات مربوط به حضرت خدیجه علیها السلام اشاره شده است.

9. مقالات مربوط به شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در قرآن در محیط اینترنت با تکرار مطالب مکرر یافت می شود که به دو مورد اشاره می گردد:

یک: مقاله آیات مربوط به حضرت خدیجه علیها السلام، نویسنده نامعلوم که در پایگاه اطلاع رسانی حوزه منتشر شده و آیات سوره های طه / 132، شعراء / 214، فرقان / 74 و ضحی / 8 را در مورد آن حضرت دانسته اند. (2)

دو: مقاله سیمای خدیجه علیها السلام در قرآن نوشته آقای شکوری در پایگاه تبیان، گروه

ص: 452

1- پایگاه شهید آوینی www.aviny.com.

2- پایگاه اطلاع رسانی: حوزه www.hawzah.net در تاریخ 14، آیه 12، آیه 1391.

بسامد آیات

اشاره

آیات مربوط به حضرت خدیجه علیها السلام در قرآن کریم حدود 20 مورد است که تفاسیر بدان ها پرداخته اند اما ارتباط آیات با حضرت خدیجه علیها السلام به چند صورت است

دسته اول: آیاتی که حضرت خدیجه علیها السلام مصداق آن هاست

اشاره

مفسران ذیل برخی آیات به حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان مصداق آیه اشاره کرده اند از جمله ذیل آیه 28 سوره مطففین، (عیناً یَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ) در مورد مصادیق «مقربون» از پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم نقل شده که فرمودند: «مقربون: رسول الله و علی بن ابی طالب و الائمه و فاطمه و خدیجه». (2)

و نیز ذیل آیه (وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا) (3) نقل شده که حضرت خدیجه مصداق ازواج است. (4)

و نیز ذیل آیه (وَ الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَ صَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ * لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ) (5) که مفسران به ایمان خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان اولین زن مسلمان و نماز حضرت خدیجه اشاره کرده اند؛ (6) یعنی حضرت خدیجه علیها السلام مصداق آیه فوق در تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله و مصداق «متقون» و «محسنین» معرفی می شود

ص: 453

1- سایت تبیان www.tebyan.net.

2- ابوحمزه ثمالی، تفسیر القرآن الکریم، ص 357، تفسیر قمی، ج 2، ص 412.

3- سوره فرقان آیه 74

4- تفسیر قمی، ج 2، ص 117

5- سوره زمر آیه 33 و 34.

6- «ان علی اول من اسلم بعد خدیجه. خدیجه اول من صدق». (حسین بن حکم تفسیر الحبری، ص 394، 396، 405 و 563).

و نیز برخی مفسران، ذیل آیه (وَ أَمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اضْطِرَّ عَلَيْهَا) (1) اشاره کرده اند با توجه به این که سوره طه از سوره های نازل شده در اوایل بعثت است و نظر به این که اهل و اعضای خانواده رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آن تاریخ خدیجه کبری علیها السلام، بود و علی بن ابی طالب نیز از نظر این که تحت سرپرستی پیامبر صلی الله علیه و آله زندگی می نمودند؛ مشمول عنوان «اهل» است. بر این اساس آیه به رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطاب نموده که به اهل و اعضای خانواده خود درباره به پا داشتن فریضه نماز سفارش اکید بنما و بر آن پیوسته استوار باش! (2) بنابراین می توان گفت حضرت خدیجه علیها السلام یکی از مصادیق آیه فوق است.

هم چنین ذیل آیه (وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) (3) اشاره کرده اند، با توجه به این که اولین دعوت رسمی پیامبر صلی الله علیه و آله به توحید از طریق خویشان بوده و نزدیک ترین اقوام به رسول گرامی صلی الله علیه و آله بر حسب نسب، علی بن ابی طالب علیه السلام و بر حسب رابطه سببی خدیجه کبری علیها السلام بودند و این دستور دعوت، در درجه اول درباره این دو بزرگوار شاهد فضیلتی برای آن هاست هم چنان که در مرتبه دیگر برای طبقات خویشان شاهد فضیلت است (4) بنابراین حضرت خدیجه علیها السلام یکی از مصادیق آیه فوق است.

هم چنین آیات مربوط به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از موارد مهم مصداق بودن حضرت خدیجه علیها السلام در قرآن است از جمله:

1. آیه ام المؤمنین

(التَّبِیُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ ۗ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ ۗ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۗ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا) (5)

ص: 454

1- سوره طه، آیه 132.

2- انوار درخشان، ج 10، ص 533.

3- سوره شعراء، آیه 214.

4- انوار درخشان، ج 12، ص 92 (با ویرایش عبارت).

5- سوره احزاب، آیه 6.

پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؛ و همسرانش مادران ایشان هستند؛ و خویشاوندان در کتاب خدا برخی از آنان نسبت به برخی از مؤمنان و مهاجران (در مورد ارث) سزاوارترند مگر آن که (بخواهید) نسبت به دوستان تان [کار] پسندیده ای انجام دهید؛ این (حکم) در کتاب (خدا) نوشته شده است».

در مورد این آیه در ادامه مقاله مطالب مفصلی خواهد آمد.

2. آیات همسران پیامبر صلی الله علیه و آله

(يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا 28 * وَإِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا * يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا * وَ مَنْ يَنْتُحِ مِّنْكُمْ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعَمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا * يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَحْضَنْ عَنِّ الْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا * وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا * وَادْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا) (1)

در تفاسیر قرآن ذیل این آیات به تعداد زنان پیامبر اشاره شده و این که حضرت خدیجه علیها السلام اولین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود که از او چند پسر و چند دختر داشت و این که تا حضرت خدیجه علیها السلام زنده، بود ایشان همسر دیگری نگرفتند. (2) البته برخی مطالب آیه همچون اجر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و ... شامل خدیجه هم می شود چون قضایای حقیقی است.

3. آیات ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله

(يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ

ص: 455

1- سوره احزاب، آیه 3428

2- ترجمه تفسیر طبری، ج 7، ص 1898

اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتٍ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتٍ خَالَكَ وَبَنَاتٍ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِن وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا * تُرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤْوِي إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَمَنْ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلَّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا * لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حَسَنُ نَهْنٍ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرٍ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا (1)

این آیه نیز قضیه حقیقه است و صدر آیه 50 و 53 شامل حضرت خدیجه علیها السلام می شود.

4. آیه حجاب

(يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا)؛ (2)

ای پیامبر! صلی الله علیه و آله به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: «از پوشش های بلند (چادر مانند) شان به خودشان نزدیک کنند این [کار] برای این که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، نزدیک تر است؛ و خدا بسیار آمرزنده مهرورز است».

آیات همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و ازدواج های آن حضرت و آیه حجاب در مورد است عموم همسران پیامبر صلی الله علیه و آله است که حضرت خدیجه علیها السلام نیز یکی از مصادیق آن هاست. البته این آیات در سوره مدنی احزاب است و حضرت خدیجه علیها السلام

ص: 456

1- سوره احزاب، آیه 50-53 .

2- سوره احزاب، آیه 59.

در مکه زندگی کرد و وفات یافت. اما این مطلب، مانع عمومیت یا اطلاق آیات فوق و شمول آن‌ها درباره حضرت خدیجه علیها السلام نمی‌شود. چون آیات به صورت قضایای حقیقیه (نه شخصیّه) درباره همسران پیامبر صلی الله علیه و آله گفته شده و حضرت خدیجه علیها السلام نیز یکی از مصادیق همسران ایشان است.

دسته دوم: آیاتی که در شأن نزول آن‌ها به حضرت خدیجه علیها السلام اشاره شده است

مفسران در مورد برخی از آیات قرآن به شأن نزول آیات و نقش حضرت خدیجه علیها السلام در این مورد اشاره کرده‌اند. مانند آیات آغازین سوره مدثر که به جامه آوردن حضرت خدیجه علیها السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند. (1)

و نیز درباره شأن نزول آیه (مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى) (2) به حضرت خدیجه اشاره شده است. (3) هم چنین در مورد (مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ ۖ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ ۚ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ۚ ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ ۖ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ)، (4) گفته شده که سبب نزول آیه ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه و داستان پسر خوانده ایشان یعنی زید بود. (5)

هم چنین در شأن نزول سوره کوثر حکایت کرده‌اند:

شخصی به نام «عاص بن وائل» که از سران مشرکان مکه بود، هنگام خارج شدن پیامبر صلی الله علیه و آله و از مسجد الحرام با ایشان ملاقات و صحبت کرد. سپس وارد مسجد الحرام شد مشرکان از او پرسیدند: «با چه کسی صحبت می‌کردی؟» گفت: «با این مرد ابتر!» (یعنی کسی که پسر ندارد و نسل او منقطع است). سوره کوثر بدین مناسبت فرود آمد و به پیامبر صلی الله علیه و آله بشارت کوثر داد و دشمنان او را منقطع خواند. (6)

ص: 457

1- همان؛ تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج 4، ص 489 و 490؛ تفسیر عبدالرزاق، ج 2، ص 262.

2- سوره ضحی، آیه 3.

3- تفسیر قمی، ج 2، ص 428

4- سوره احزاب، آیه 4

5- تفسیر قمی، ج 2، ص 172.

6- تفسیر مجمع البیان، ج 10، ص 836؛ نمونه بینات، ص 886؛ شأن نزول آیات، ص 585.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دو پسر به نام های قاسم و طاهر (عبدالله) از خدیجه داشتند که هر دو در مکه از دنیا رفتند و ایشان بدون پسر باقی ماندند (1) این موضوع باعث شد تا دشمنان زبان بگشایند و آن حضرت را «ابتر» بخوانند؛ زیرا می پنداشتند پسر اهمیت زیادی دارد و تداوم بخش برنامه پدر است؛ از این رو تصور می کردند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که پسر ندارد، برنامه هایش تعطیل خواهد شد.

سوره کوثر چند خبر اساسی را اعلام کرده است که برخی آن ها را پیشگویی های اعجاز آمیز قرآن دانسته اند: (2)

خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله خیر فراوانی همچون پیروزی اسلام بر کفر (3) و موهبتی همچون حضرت فاطمه علیها السلام می دهد که برنامه ها و نسل حضرت را تداوم می بخشد.

2. دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله بریده نسل خواهند شد و برنامه ها و عظمت دودمان آن ها باقی نخواهند ماند؛ همان طور که مشرکان مکه و عاص بن وائل و مانند او منقرض شدند و هیچ نامی از آنان و دودمان شان باقی نیست.

«کوثر»، از ریشه «کثرت» به معنای خیر و برکت فراوان است و به افراد سخاوتمند نیز کوثر گفته می شود. مفسران در مورد معنای کوثر چند احتمال داده اند؛ از جمله: کثرت فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام، نهری در بهشت (4)، حوض کوثر (5) (که مؤمنان هنگام ورود به بهشت از آن سیراب می شوند، قرآن، نبوت،

ص: 458

1- البته پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مدینه نیز با «ماریه قبطیه» ازدواج کردند و از او پسری به نام ابراهیم داشتند که در کودکی وفات کرد (بحار الانوار، ج 21، ص 183).

2- تفسیر نمونه، ج 27، ص 376

3- جمله «اعطیناک» ماضی است، اما شاید به معنای مضارع متحقق الوقوع باشد که به شکل ماضی بیان شده است.

4- در روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام به این موارد اشاره شده است. (جعفریات، ص 251؛ شواهد التنزیل، ج 2، ص 487؛ بحار الانوار، ج 8، ص 16 و 24؛ تفسیر صافی، ج 5، ص 382)

5- بحار الانوار، ج 8، ص 17؛ تفسیر صافی، همان.

کثرت اصحاب و یاران، شفاعت، (1) پیروزی های پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ ها و نیز علمای امت او (2) که فرزندان معنوی پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیها السلام هستند. البته معنای کوثر وسیع است و مانعی ندارد که شامل همه این مصادیق و موارد بشود؛ هر چند با توجه به قرینه سوره (بریده نسل خواندن دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله) و شأن نزول آن احتمال اول مناسب تر است.

آری حضرت فاطمه علیها السلام خود شفاعت کننده امت است و فرزندانش همچون نهری بهشتی در بین بشریت جاری شده همگان را از حوض کوثر علوم آل محمد صلی الله علیه و آله سیراب می کنند و تداوم بخش نبوت و پاسداران قرآنند و با رهبری شان پیروزی های بزرگ علمی و معنوی برای مسلمانان به وجود آورده اند.

در این سوره بیان شده که پیامبر صلی الله علیه و آله به شکرانه نعمت کوثر باید نماز بگزارد و قربانی کند البته برخی مفسران معتقدند که نماز و قربانی روز عید قربان مقصود است ولی معنای آیه گسترده است و هر گونه نماز و قربانی شامل را می شود

این سوره در حقیقت آموزشی است برای همه رهبران الهی و مسلمانان تا برای ادای شکر نعمت های بزرگ الهی به نماز و قربانی رو آورند و پیوند خود را با خدا و خلق محکم تر و نیاز معنوی خویش و نیاز مادی بینوایان را برطرف سازند.

این مطلب روشن است که کوثر عطا شده به پیامبر صلی الله علیه و آله و از طریق خدیجه علیها السلام بوده، همان طور که «ابتر» اشاره به فوت فرزندان پسر خدیجه علیها السلام دارد. همین مطلب عظمت حضرت خدیجه علیها السلام را می رساند که مادر کوثر قرآن است و نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق ایشان تداوم یافت که تاکنون از نسل ایشان ده ها میلیون سادات در سراسر جهان پراکنده هستند.

ص: 459

1- تفسیر صافی همان

2- تفسیر نمونه و تفسیر کبیر فخر رازی، ذیل سوره

دسته سوم: آیاتی که به جایگاه و مقام حضرت خدیجه علیها السلام مرتبط است

مفسران ذیل برخی آیات با نقل احادیث به فضایل و مقامات حضرت خدیجه علیها السلام اشاره کرده اند. از جمله مفسران اهل سنت، ذیل آیه (وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ)، (1) حضرت خدیجه علیها السلام را در کنار حضرت مریم علیها السلام، بهترین زن بهشتیان معرفی کرده اند و از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل نموده اند که: «خیر نساءها مریم بنت عمران و خیر نساءها خدیجه بنت خویلد یعنی بقوله خیر نساءها خیر نساء اهل الجنة». (2)

هم چنین حضرت خدیجه علیها السلام را بهترین زن امت اسلام معرفی کرده و از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل نموده اند که: (فُضِّلَتْ خَدِيجَةُ عَلَى نِسَاءِ أُمَّتِي كَمَا فَضِّلَتْ مَرْيَمُ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ). (3)

و نیز ذیل آیه (فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ)، (4) از امام باقر علیه السلام نقل شده که: «منابری از نور برپا می شوند و مقامات برخی بانوان روشن می گردد؛ (ثم ینادی المنادی و هو جبرئیل این فاطمه بنت محمد این خدیجه بنت خویلد، این مریم، بنت عمران). (5)

هم چنین ذیل آیات سوره ضحی به نماز حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره شده (6) که عبادت گری آن حضرت را می رساند.

و نیز آیه (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ) (7) که مفسران ذیل آن به داستان معراج پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: 460

1- سوره آل عمران، آیه 42

2- طبری، جامع البیان، ج 3، ص 180

3- همان، ص 186.

4- سوره شعراء، آیه 100

5- تفسیر امام حسن عسکری، ص 227

6- تفسیر مقاتل ابن سلیمان، ج 4، ص 733؛ تفسیر قمی، ج 1، ص 378.

7- سوره بقره، آیه 286

و خوردن سیب بهشتی سپس هم بستری با حضرت خدیجه علیها السلام و بسته شدن نطفه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اشاره کرده اند و این که پیامبر اسلام حضرت زهرا را می بوسیدند و می فرمودند بوی بهشت می دهد. (1)

هم چنین ذیل آیه (وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ) (2) به داستان ابری اشاره می کند که حضرت خدیجه علیها السلام بر سر پیامبر صلی الله علیه و اله دید و به حقانیت ایشان پی برد. (3)

هم چنین برخی مفسران ذیل آیات آغازین سوره مزمل به داستان حضرت خدیجه علیها السلام و ورقه بن نوفل اشاره کرده اند که ورقه بشارت داد بت های مکه به دست این شخص هلاک می شوند (4)

برخی مفسران ذیل آیات سوره مدثر به ایمان آوردن حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان اولین زن و ایمان آوردن امام علی علیه السلام به عنوان اولین مرد اشاره کرده اند. (5)

دسته چهارم: آیات همسران پیامبر صلی الله علیه و آله که به صورت قضایای شخصی است

اشاره

آیاتی نیز در مورد همسران پیامبر صلی الله علیه و آله وجود دارد که قضایای شخصی است و شامل خدیجه علیها السلام نمی شود؛ ولی برخی مفسران به مناسبت ذکر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله آن ها را به حضرت خدیجه علیها السلام نیز مرتبط دانسته اند؛ از جمله:

ص: 461

1- تفسیر طبری، ترجمه، ج 1، ص 188 و ج 4، ص 917؛ تفسیر قمی، ج 1، ص 22

2- سوره حج آیه 78.

3- تفسیر طبری، ترجمه ج 4، ص 1096

4- تفسیر طبری، ج 7، ص 1956

5- همان، ج 7، ص 1957 تفسیر ابو حمزه ثمالی، ص 223.

(يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبَتَّغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ * قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ * وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا تَبَأَتْ بِهِ وَأُظْهِرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا تَبَأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأُكَ هَذَا قَالَ تَبَأَنِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ * إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَدَّغْتُ فُلُوبَكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيْلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ * عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُمَ أَنْ يَبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُم مِّمَّا تَلْمِزْنَ لَهُنَّ مُمْتَلِكًا قَائِمَاتٍ تَأْتِيَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَ أَبْكَارًا) (1)

ای پیامبر! چرا چیزی را که خدا بر تو حلال کرده (بر خود) ممنوع می کنی، در حالی که خشنودی همسرانت را می طلبی؟! و خدا بسیار آمرزنده [و] مهر ورز است. * به یقین خدا گشودن سوگندهای تان را برای شما معین ساخته؛ و خدا سرپرست شماست و او دانا [و] فرزانه است * و (یاد کن) هنگامی را که پیامبر با برخی از همسرانش سخنی پنهانی گفت و [لی] وقتی (همسرش) آن را خبر [چینی] کرد و خدا آن را بر او (پیامبر) آشکار ساخت (پیامبر) برخی از آن را (به همسرش) شناساند و از برخی [دیگر] روی گرداند؛ و وقتی او (همسرش) را بدان خبر داد (همسرش) گفت: «چه کسی این را به تو خبر داد؟!» (پیامبر) گفت: «(خدای دانا [و] آگاه به من خبر داد)». * اگر شما دو (همسر پیامبر) به سوی خدا بازگردید، پس (به سود شماست؛ زیرا) به یقین دل های شما (به کثی) گراییده است؛ و اگر بر ضد او یک دیگر را کمک کنید پس (زیانی به او نمی رسانید؛ چرا) که خدا فقط یاور اوست؛ و بعد از آن جبرئیل و شایسته مؤمنان و فرشتگان پشتیبان (او) هستند. * امید است که اگر شما را طلاق دهد پروردگارش همسرانی بهتر از شما برای او جایگزین کند، (زنانی) مسلمان، مؤمن، فرمان بردار [فروتن] توبه کار پرستش گر روزه دار بیوه و دوشیزه.

مفسران معمولاً ذیل این آیات به مناسبت مطالب مربوط به همسران

ص: 462

2. آیات ازدواج زینب و زید

(وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا)؛ (2)

و (یاد کن) هنگامی را که به آن کس که خدا به او نعمت داده بود و (تو نیز) به او نعمت داده بودی (= زید) می گفتم: «همسرت را برای خود نگاه دار و خود را از (عذاب) خدا حفظ کن!» و چیزی را در دلت پنهان می داشتی که خدا آشکارکننده آن است؛ و از مردم می هراسیدی در حالی که خدا سزاوارتر است که از او بهر کسی و هنگامی که زید نیاز (خویش) را از آن (زن) به پایان برد (و او را طلاق داد)، او را به ازدواج تو در آوردم تا هیچ تنگی (و محدودیتی) برای مؤمنان (در ازدواج) با همسران پسرخوانده های شان نباشد هنگامی که نیاز (خود) را از آنان به پایان بردند (و آن ها را طلاق دادند) و فرمان خدا تحقق یافته است.

مفسران ذیل این آیه اشاره کرده اند که زید غلام حضرت خدیجه علیها السلام بود که او را به پیامبر صلی الله علیه و آله هدیه کرد. (3)

آیات دسته اول به صورت قضایای حقیقیه در قرآن آمده که همه زنان پیامبر صلی الله علیه و آله را شامل می شود یعنی احکام آیات دسته اول (ازواجه امهاتهم) همه زنان زنده و مرده پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه و مدینه را شامل می شود و مقید به زمان و مکان خاص نیست؛ پس می توان گفت که حکم مادر بودن و حجاب و ... که در مورد زنان پیامبر صلی الله علیه و آله آمده، شامل حضرت خدیجه علیها السلام نیز می شود. اما

ص: 463

1- تفسیر القرآن العظیم، ج 8، ص 188 و ص 194؛ تفسیر مبهمات القرآن، ج 2، ص 630؛ السراج المنیر، ج 4، ص 359.

2- سوره احزاب، آیه 37

3- تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج 3، ص 491؛ المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، ج 4، ص 368؛ تفسیر قمی، ج 2، ص 172.

آیات دسته چهارم مثل سوره تحریم به صورت قضیه شخصی (إِذَا أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا) آمده که در احادیث و روایات تاریخی بر حفصه و عایشه تطبیق داده شده است. (1) بنابراین شامل بقیه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از جمله حضرت خدیجه علیها السلام نمی شود؛ به ویژه آن که آیات سوره تحریم در مورد حادثه واقع شده در مدینه است و حضرت خدیجه علیها السلام در مدینه زنده نبودند تا درگیر آن حادثه شوند. هر چند برخی مفسران به مناسبت ذکر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نامی از حضرت خدیجه علیها السلام نیز برده اند. (2)

هم چنین آیه 37 سوره احزاب که در مورد ازدواج زینب با زید سپس طلاق ایشان و ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با زینب، است، قضیه ای شخصی است که به حضرت خدیجه علیها السلام ربطی ندارد؛ هر چند برخی مفسران به سبب آن که زید غلام حضرت خدیجه علیها السلام بود از این بانو نام برده اند.

تفسیر مهمترین آیه مربوط به حضرت خدیجه علیها السلام (ام المؤمنین)

قرآن کریم در آیه ششم سوره احزاب همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را مادر مؤمنان

ص: 464

1- حکایت کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله گاهی نزد یکی از همسرانش به نام زینب می رفتند و از غسلی که تهیه کرده بود می خوردند. این خبر به گوش عایشه رسید. او با یکی دیگر از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله به نام حفصه قرار گذاشتند که به پیامبر صلی الله علیه و آله بگویند تو مغفیر (شیره گیاه بدبو) خوردهای حضرت از این سخن ناراحت شدند چون اصرار داشتند که بوی بدی از بدن و لباس و دهان ایشان شنیده نشود؛ از این رو سوگند یاد کردند که دیگر از غسل ننوشند (زیرا ممکن بود زنبور آن غسل بر گیاه بد بویی نشسته باشد)، اما پیامبر صلی الله علیه و آله به حفصه سفارش فرمودند که این مطلب را به کسی نگوید اما حفصه آن سر را افشا کرد و معلوم شد اصل قضیه توطئه بوده است؛ از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله سخت ناراحت شدند (اسباب النزول واحدی، ص 460؛ شأن نزول آیات، ص 552 تفسیر مجمع البیان، ج 10، ص 472؛ تفسیر بخاری، ج 6، ص 167-168 و ج 7، ص 232؛ صحیح مسلم، ج 4، ص 184؛ سنن ابی داوود، ج 2، ص 191؛ سنن نسائی، ج 6، ص 151؛ سنن کبری بیهقی، ج 7، ص 353). طبق برخی روایات تا یک ماه از همسران خود کناره گیری کردند. (تفسیر قرطبی، ج 18، ص 178-179). حتی شایعه طلاق آنان منتشر شد. (تفسیر فی ظلال القرآن، ج 8، ص 163). آیات فوق بدین مناسبت فرود آمد و روابط داخلی خانه رهبر اسلام را تنظیم کرد، تا دیگر این کارها درون خانه پیامبر صلی الله علیه و آله اتفاق نیفتد.

2- تفسیر القرآن العظیم، ج 8، ص 188 و 194؛ السراج المنیر، ج 4، ص 359.

می خواند و می فرماید:

(النَّبِيِّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا) (1)

پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؛ و همسرانش مادران ایشان هستند؛ و خویشاوندان در کتاب خدا برخی از آنان نسبت به برخی از مؤمنان و مهاجران (در مورد ارث) سزاوار ترند، مگر آن که (بخواهید) نسبت به دوستان تان [کار] پسندیده ای انجام دهید؛ این (حکم) در کتاب (خدا) نوشته شده است.

نکات آیه

1. این آیه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از جمله حضرت خدیجه علیها السلام را مادران مؤمنان می خواند که جایگاه بلند حضرت خدیجه علیها السلام را نشان می دهد، به ویژه که ایشان اولین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و در دوران سخت مکه تنها همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود؛ یعنی در سخت ترین اوضاع در کنار رسول الله صلی الله علیه و آله ایستادگی کرد و اموال خویش را در راه اسلام صرف نمود.

حضرت خدیجه علیها السلام تنها همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود که فرزندان متعدد برای ایشان آورد که بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نسل حضرت از طریق حضرت فاطمه علیها السلام ادامه یافت.

2. مادر بودن همسران پیامبر صلی الله علیه و آله می تواند به چند معنا باشد:

الف) مادر حقیقی که هر انسان از او متولد می شود. بدیهی است که این معنای مادر در این مورد صادق نیست چون مؤمنان صدر اسلام و نسلهای بعدی از ایشان متولد نشده اند.

ب) مادر معنوی، یعنی همان طور که بر اساس احادیث، پیامبر صلی الله علیه و آله و امام

ص: 465

علی علیه السلام پدران امت شمرده شده اند (1) حضرت خدیجه علیها السلام نیز مادر معنوی امت است

آری حضرت خدیجه علیها السلام مادر معنوی امت هستند؛ زیرا با استقامت کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و فداکاری، مالی در رشد اسلام و هدایت مردم مؤثر بودند و تا قیامت حق بزرگی بر گردن مسلمانان دارند.

ج) احترام مادری یعنی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از نظر احترام نازل منزله مادران واقعی هستند و این مطلب به خاطر احترام پیامبر صلی الله علیه و آله و پاسداشت زحمات ایشان است؛ یعنی بر اساس آیات قرآن احترام مادر هر انسانی بر او لازم است و کوچک ترین بی احترامی به او جایز نیست.

(و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍ)؛ (2)

و به پدر و مادر نیکی کنید؛ اگر یکی از آن دو یا هر دو نزد تو به [سنّ] پیری برسند، پس به آن دو «أف» (کوچک ترین سخن اهانت آمیز) نگو.

البته اطاعت پدر و مادر تا جایی است که آن ها تلاش نکنند انسان را منحرف سازند و گرنه اطاعت ایشان لازم نیست و فقط باید آنان را احترام کرد:

(وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ)؛ (3)

و اگر آن دو تلاش کنند برای این که تو چیزی را که بدان هیچ دانشی نداری همتای من قرار دهی، پس از آن دو اطاعت نکن؛ و [لی] در دنیا با آن دو به طور پسندیده هم نشینی کن؛ و از راه کسی که به سوی من بازگشته، پیروی کن؛ سپس بازگشت شما فقط به سوی من است و شما را به آن چه انجام می دادید خبر می دهم.

لذا در جریان جنگ جمل با این که عایشه در برابر امام خویش ایستاد و در صحنه جنگ حاضر شد، بعد از پایان جنگ امام علی علیه السلام دستور دادند تا

ص: 466

1- عن رسول الله صلى الله عليه و اله (أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ) (بحار الانوار، ج 16، ص 95).

2- سوره اسراء، آیه 23.

3- سوره لقمان، آیه 15

عایشه را با احترام از بصره به مدینه بازگردانند (1).

د) مادر حکمی، یعنی مادر بودن همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از نظر برخی احکام فقهی، در حکم مادر است؛ یعنی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از نظر حکم ازدواج نازل منزله مادران حقیقی هستند؛ بنابراین کسی حق ازدواج با ایشان را ندارد. آیه (وَلَا أَنْ تَتَكَبَّرُوا فِي الْوَجَاهِ مِنَ بَعْدِهِ) (2) به این مطلب تصریح کرده است؛ البته از آیات دیگر قرآن، به دست می آید که احکام دیگر مادری مثل محرمیت با همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد مسلمانان جاری نمی شده از این رو در ادامه سوره احزاب، دستور داد که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در معاشرت با دیگران حریم نگه دارند (همچون حریم مرد و زن نامحرم).

(يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا)؛ (3) ای زنان پیامبر! (شما) همچون یکی از زنان (معمولی) نیستید؛ اگر خود نگه داری می کنید پس به نرمی (و ناز) سخن گوید، تا کسی که در دلش (نوعی) بیماری است طمع ورزد؛ و سخن پسندیده بگوید.

(وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ)؛ (4) «و هنگامی که وسیله ای از آنان (همسران پیامبر) خواستید از پشتِ مانعی بخواهید؛ این (کار) برای دل های شما و دل های آنان پاک تر است».

جالب این است که چند نفر از مسلمانان از جمله امام علی علیه السلام با دختران پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کردند، در حالی که اگر همه احکام مادر بودن از این آیه جاری می شد امکان ازدواج با خواهر خویش وجود نداشت. بنابراین این آیه همه احکام نسبی و سببی مادر بودن را شامل نمی گردد و فقط حرمت ازدواج با همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را شامل می شود که در حقیقت نوعی حفظ احترام پیامبر صلی الله علیه و آله است.

ص: 467

1- تاریخ طبری، ج 4، ص 538 - 543؛ ابوالقاسم پاینده، ترجمه تاریخ طبری، ج 6، ص 306-313.

2- سوره احزاب، آیه 53.

3- سوره احزاب، آیه 32

4- سوره احزاب، آیه 53.

3. همسران پیامبر صلی الله علیه و آله مادر مؤمنان شمرده شدند نه مادر مسلمانان؛ شاید این مطلب اشاره به آن باشد که مؤمنان به مقتضای ایمان خود رابطه مادری با همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و برقرار می کنند و با احترام به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، حریم و حرمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله او را نگاه می دارند بنابراین کسانی که مسلمان شده اند ولی هنوز ایمان قلبی پیدا نکرده اند مشمول این آیه نمی شوند.

(قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ نُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسَلْنَا لِمَا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلَيْكُم مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ) (1)

عرب های صحرائین گفتند: «ایمان آوردیم». (ای پیامبر!) بگو: «ایمان نیاورده اید، ولیکن بگویید اسلام آوردیم؛ و حال آن که هنوز ایمان وارد دل های تان نشده است؛ و اگر از خدا و فرستاده اش اطاعت کنید، هیچ چیزی از (پاداش) کارهای تان را از شما کم نمی کند؛ [چرا] که خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است».

مگر آن که گفته شود مقصود از «مؤمنین» در آیه ششم احزاب، همه مسلمانان هستند که با توجه به مدنی بودن سوره احزاب و جدا شدن صفوف کفار، مؤمنان و مسلمانان عادی و منافقان از همدیگر این برداشت بعید است.

4. در این آیه به مقام پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرده و می فرماید:

(الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ نَفْسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ)؛ (2) یعنی از شخص حضرت محمد صلی الله علیه و آله یاد نکرد، بلکه از مقام نبوت ایشان یاد کرد که اشعار به آن دارد که این احکام مطرح شده در آیه برخاسته از مقام نبوت ایشان است؛ یعنی از آن جا که حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیامبر است، پس حریم ایشان باید حفظ شود و همسران ایشان در حکم مادران شما قرار گیرند و مورد احترام باشند. پس هر کس به مقام نبوت نزدیک تر بود مثل حضرت خدیجه علیها السلام احترام بیشتری دارد و اگر کسی از این مقام فاصله گرفت، درجه او پایین می آید.

آیات بعدی سوره احزاب نیز به این مطلب اشاره کرده اند:

ص: 468

1- سوره حجرات، آیه 14.

2- سوره احزاب، آیه 6.

(يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُمْ تُرَدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأَسَرِّحْكُنَّ سَرَاحاً جَمِيلاً* وَإِن كُنْتُمْ تُرَدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْراً عَظِيماً) (1)

ای پیامبر! به همسرانت بگو: «اگر زندگی دنیا و زیور آن را می خواهید پس بیاید تا شما را بهره مند سازم و شما را با آزادی نیکویی رها نمایم؛ * و اگر خدا و فرستاده اش و سرای آخرت را می خواهید خدا برای نیکوکاران از شما پاداش بزرگی آماده ساخته است

نتیجه

در قرآن کریم حدود 20 آیه مستقیم و غیر مستقیم در مورد حضرت خدیجه علیها السلام یافت می شود که مهم ترین آن ها آیه ششم سوره احزاب است. بر اساس این آیه، حضرت خدیجه علیها السلام مصداق کامل و بارز مادر معنوی و حکمی مؤمنان هستند که حفظ احترام ایشان ضروری است

ص: 469

1. ابن عطية عبدالحق بن غالب، المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، بيروت دارالكتب العلمية، 1422 ق.
2. ابن كثير اسماعيل بن عمر، تفسير القرآن العظيم، بيروت، دارالكتب العلمية، 1419 ق.
3. ابو عبد الله الكوفي الحسين بن الحكم بن مسلم الحبري، تفسير الحبري، بيروت، مؤسسة آل البيت لآحياء التراث، 1408 ق.
4. ابو حمزه ثمالی ثابت بن دينار تفسير القرآن الكريم (ثمالي)، تحقيق عبد الرزاق محمد حسين حرزالدين و محمد هادي، معرفت بيروت، دارالمفيد چاپ اول، 1420 ق.
5. ابى داوود، سليمان بن اشعث، سنن ابى داوود، دار الإحياء السنة النبوية بيروت، بى تا.
6. امام عسكري عيه السلام، تفسير المنسوب الى الامام الحسن بن على العسكري، چاپ اول، قم، انتشارات مدرسه امام مهدي عجل الله تعالى فجه الشريف، 1409 ق.
7. البخارى، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل صحيح بخارى، بيروت، داراحياء التراث العربي، 1400 ق.
8. بلنسى، محمد بن على، تفسير مبهمات القرآن، بيروت، دار الغرب الاسلامى 1411 ق.
9. بيهقى، ابوبكر احمد بن الحسين بن على بن موسى، سنن الكبرى، بيروت، دار الفكر، 1418 ق.
10. حاكم حسانى، ابوالقاسم عبيد الله، شواهد التنزيل، چاپ اول، تهران، وزارت ارشاد اسلامى، 1411 ق.
11. حسيني، سيد محمد حسين، انوار درخشان، تهران، لطفى، 1404 ق.
12. خطيب، شربيني، محمد بن احمد السراج المنير، بيروت، دار الكتب

13. سيد قطب، تفسير في ظلال القرآن، الطبعة الخامسة، بيروت داراحياء التراث العربي، 1386 ق.
14. سيوطي، جلال الدين الفضل عبدالرحمان ابن بكر بن محمد، سنن النسائي، چاپ اول، بيروت، دارالفكر، 1930 م.
15. صنعاني عبدالرزاق ابى بكر بن همام بن نافع، المصنف، تحقيق نصر الدين الازهرى، الطبعة الاولى، بيروت دارالكتب العلميه، 1421 ق.
16. طبرسى، فضل بن حسن، امين الاسلام، مجمع البيان في تفسير القرآن، بيروت، دار إحياء التراث العربي، 1379 ق.
17. طبرى، ابوجعفر محمد بن جرير، تفسير جامع البيان في تفسير القرآن، بيروت، دار المعرفة، 1406 ق.
18. طبرى، محمد بن جرير، ترجمه تاريخ طبرى، مترجم: ابوالقاسم پاينده، تهران، اساطير 1362 ش.
19. فخرالدين رازى ابو عبد الله محمد بن عمر، مفاتيح الغيب (تفسير كبير)، چاپ سوم، بيروت، داراحياء التراث العربي، 1420 ق.
20. فيض كاشانى، ملامحسن، تفسير صافي، الطبعة الثانية، بيروت، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، 1402 ق.
21. قمى، على بن ابراهيم، تفسير القمى، الطبعة الاولى، بيروت، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، 1420 ق.
22. مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، الطبعة الرابعه، بيروت، انتشارات مؤسسة الوفاء، 1404 ق.
23. محمد بن احمد قرطبي، تفسير قرطبي (الجامع لاحكام القرآن)، چاپ اول، تهران انتشارات ناصر خسرو، 1364 ش.
24. محمد بن اشعث، الجعفریات (الاشعثيات)، تهران، مكتبة النينوى الحديثة، تهران بى نا بى تا

25. محمدباقر محقق، نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین عامه و خاصه، تهران، اسلامی، 1359 ش.
26. مقاتل بن سلیمان، تفسیر، مقاتل، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة 2003 م.
27. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1364 ش.
28. نیشابوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر، بی تا.
29. واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی بن احمد، أسباب نزول القرآن، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیة، 1411 ق.
30. نرم افزار «ام المؤمنین»، مرکز یارانه ای حوزه علمیه اصفهان
31. پایگاه اطلاع رسانی حوزه: www.hawzah.net.
32. سایت تبیان: www.tebyan.net.
33. سایت شهید آوینی: www.aviny.com.

*خدیجه و بدء الوحی: صفورا سالاریه (1)

چکیده

یکی از مباحث مهم در زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام، نقش ایشان در مورد جریان «بدء الوحی» است. اگر چه منابع فریقین گواه بر نقش محوری، ایشان در کمک به پیامبر صلی الله علیه و آله و تثبیت امر نبوت بر آن حضرت، هستند با حاشیه سازی هایی که در نقل آغاز بعثت کرده و به حضرت خدیجه علیها السلام نقش یک، منجی در جهت آرامش بخشی و تأیید نبوت داده اند هم شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام را مخدوش کردند هم سعی در تثبیت ضعف بینش و آگاهی در رسول خدا صلی الله علیه و آله نمودند هنگامی که منابع قرون اولیه اسلام را در کنار هم قرار می دهیم شاهد تعارضاتی می شویم که اصل این ماجرا را زیر سؤال می برد.

برای روشن شدن این مسأله و دلیل نقش اول دادن به حضرت خدیجه علیها السلام در این ماجرا لازم است روایات به صورت دقیق و فنی از نظر سند و محتوایی نقد و بررسی شود و روشن گردد که این روایات با، مبانی آیات و روایات معارض است. همچنین تحلیل کوتاهی نیز درباره چرایی انتساب این دسته از روایات به حضرت خدیجه علیها السلام بیان شده البته متعرض فرد یا افراد جاعل نشده ایم.

مقدمه

جریان «بدء الوحی» یکی از مسائلی است که در باب تاریخ اسلام همواره

ص: 473

توجه پژوهشگران اعم از تاریخ نویسان، محدثان و سیره نویسان را به خود جلب کرده است.

دو دسته روایات در نقل این ماجرا وجود دارد.

1. روایاتی که سلسله سندش به جابر بن عبدالله انصاری می رسد که هیچ سخنی در چگونگی نزول وحی نیست و تنها به اولین سوره ای می پردازد که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است.

2. روایاتی که با اسناد، متعدد به شرح چگونگی اولین نزول وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله می پردازند

در بخشی از محتوای کلی روایات دسته دوم وحدت پیام وجود دارد، اما علاوه بر ضعف سندی تناقضاتی در آن مشاهده می شود که اصل روایت را مخدوش می سازد.

پیام مشترک روایات عبارتند از:

1. غیر منتظره بودن نزول وحی برای پیامبر صلی الله علیه و آله (عدم انتظار پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به رسالت و دریافت وحی)؛

2. تردید و وحشت پیامبر صلی الله علیه و آله از ملاقات با جبرئیل و سخن گفتن با او؛

3. تحت فشار قرار گرفتن پیامبر صلی الله علیه و آله توسط جبرئیل مبنی بر خواندن آیاتی از قرآن؛

4. تقاضای کمک پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه؛

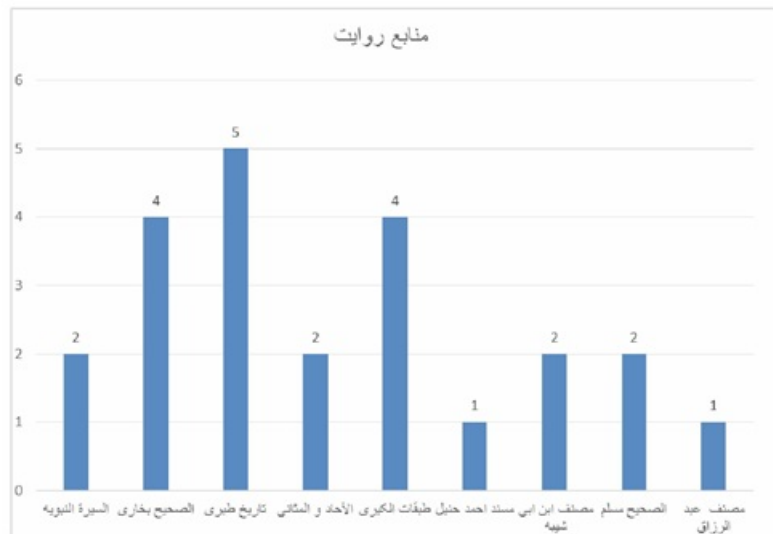
5. آرامشی که حضرت خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله می دهد. (آن تشویش خاطری که برای پیامبر صلی الله علیه و آله با دیدن جبرئیل به وجود آمد برای خدیجه علیها السلام یک امر عادی و غیر مضطرب بود)؛

6. تأیید ورقه بن نوفل نسبت به دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله با جبرئیل و نوید پیامبری.

این مقاله تنها منابع دست اول، سیره روایی و تاریخی عامه تا اوایل قرن چهارم تا پایان دوران طبری (310 م) را نقد و بررسی کرده است.

ابتدا به شکل نموداری، منابع و تعداد روایاتی که در آن ها ماجرای «بدء الوحی»

آمده، به ترتیب زمان ترسیم می‌گردد.



برای رسیدن به واقعیت، روایات از نظر سندی و محتوایی نقد و بررسی می‌شود. در بررسی سندی، دنبال درک دو حقیقت هستیم:

۱. آیا راویان دارای وثاقت و صداقت لازم در نقل روایات از نظر رجالی هستند؟
۲. آیا بین روات از ابتدا تا انتها و تا مبدأ تولید خبر، سقط سندی دارند یا متصل هستند. گفتنی است برای رسیدن به هر دو بخش، هریک از راویان را بررسی می‌کنیم.

در بررسی محتوایی، برای روشن شدن تعارضات درونی یا تطابق‌های درونی، نقل‌ها متفاوت است. سپس از جهت تعارض یا تطابق با وحی مُنزل قطعی‌السند و آیات قطعی‌الدلالة، راستی‌آزمایی صورت می‌گیرد و آن‌چه با کتاب خدا سازگاری دارد، مقبول و گرنه مطرود خواهد بود.

برای رسیدن به واقعیت روایات از نظر سندی و محتوایی نقد و بررسی می‌شود. در بررسی سندی دنبال درک دو حقیقت هستیم:

1. آیا راویان دارای وثاقت و صداقت لازم در نقل روایات از نظر رجالی هستند؟

2. آیا بین روات از ابتدا تا انتها و تا مبدأ تولید، خبر سقط سندی دارند یا متصل هستند. گفتنی است برای رسیدن به هر دو بخش هر یک از راویان را بررسی می کنیم.

در بررسی محتوایی برای روشن شدن تعارضات درونی یا تطابق های درونی نقل ها متفاوت است. سپس از جهت تعارض یا تطابق با وحی منزل قطعی السند و آیات قطعی الدلاله راستی آزمایی صورت می گیرد و آن چه با کتاب خدا سازگاری دارد مقبول و گرنه مطرود خواهد بود.

ص: 475

الف) از حیث سلسله سند

1. عایشه

عایشه هشت سال قبل از هجرت یعنی چهار سال بعد از بعثت در مکه به دنیا آمد. (1) بنابراین او زمان نزول وحی نبوده و آن زمان را درک نکرده است و از طرفی آن چه درباره این موضوع نقل می کند به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت نمی دهد؛ بنابراین معلوم نیست از چه کسی شنیده پس مرسل بودن این روایت قطعی است. (2)

2. عبدالله بن زبیر

عبدالله در سال اول یا دوم هجری متولد شد. (3) فارغ از ثقه بودن یا نبودن وی و عدواتی که با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله دارد قطعاً در ابتدای عصر بعثت نبوده است. هم چنین نقل خود از اولین نزول وحی را به یک فرد ثقه و یا فردی از حاضران آن دوران مستند نمی کند بنابراین روایت عبدالله بن زبیر هم مرسله است

3. عروه بن زبیر

عروه از طبقه دوم تابعان (4) در سال 23 قمری به دنیا آمده. (5) او اکثر روایات را از عایشه که نسبت سببی با وی دارد کسب و نقل می کند. او از محضر خاله اش چنان کسب فیض نموده که گوید: «اگر عایشه از دنیا برود، نگران نخواهم بود که مبادا حدیثی در نزدش بوده و من آن را نشنیده باشم». (6) عروه از برجسته ترین

ص: 476

1- ابن اثیر، اسد الغابه، ج 6، ص 189.

2- محمد ناصرالدین الألبانی، دفاع عن الحدیث النبوی و السیره، ص 42.41.

3- محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم والملوک، ج 2، ص 7؛ ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج 5، ص 187

4- طبقات الکبری، ج 5، ص 396

5- ابن خیاط، تاریخ خلیفه، ص 89

6- ابن منظور، مختصر تاریخ دمشق، ج 5، ص 274

شخصیت های علمی در آل زبیر بود از این شخصیت علمی انتظار می رفت که طریق امانت را رعایت کند و از کسانی که خبر را شنیده با یک یا دو واسطه جریان نزول وحی را نقل نماید، اما متأسفانه چنین نکرد و طریق نقل او در مورد روایت «بدء الوحی» مجهول است

4. اسماعیل بن ابی الحکیم

از تابعان طبقه چهارم و متوفای 130 قمری است. (1) اگر چه ابن سعد او را وابسته به آل زبیر نمی داند (2) بخاری وی را از موالی آل زبیر می شمارد. (3) ائمه حدیث او را از اصحاب نمی دانند (4) تنها سه روایت از اسماعیل نقل شده که یکی از آن ها درباره جریان نزول وحی است مبنی بر امتحان حضرت خدیجه علیها السلام از جبرئیل که آیا فرشته است یا شیطان (5) وی این روایت را بدون سند نقل می کند بنابراین نقل اسماعیل در این قضیه مرسله و از اعتبار ساقط است؛ زیرا نه خود در هنگام واقعه بوده و نه خبر خود را مستند نقل می کند

5. وهب بن کيسان

دارای کنیه ابونعیم موالی عبد الله بن زبیر بن عوام، متوفای 127 قمری است (6) وی اگر چه از نظر ابن سعد محدث مورد اعتماد بود روایت مربوط به بعثت را از عبید بن عمیر نقل می کند (7) که او خود نیز روایتش مرسل است؛ اگر نگوییم تحت تأثیر زبیریان بوده است.

ص: 477

1- ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج 1، ص 253

2- محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج 5، ص 412

3- بخاری، التاریخ الکبیر، ج 1، ص 350

4- اسد الغابه، ج 1، ص 49

5- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 238

6- طبقات الکبری، ج 5، ص 411

7- ابن هشام، سیره، ج 1، ص 235

6. عبید بن عمیر

جزء متولدان بعد از بعثت و از تابعین است بنا بر اعتراف بخاری هیچ نقلی از پیامبر صلی الله علیه و آله ندارد. (1) وی در نقل جریان نزول وحی مطالب خود را مستند به پیامبر صلی الله علیه و آله یا صحابی نمی کند بنابراین روایت عبید هم در موضوع «بدء الوحی» جزء مرسل هاست.

7. ابن عباس

سه سال پیش از هجرت در شعب ابی طالب در مکه متولد شد؛ (2) هفت سال بعد از اولین نزول وحی. او در موضوع مورد بحث نقلی، با واسطه از نسل اول ندارد بنابراین روایت ابن عباس درباره چگونگی جریان نزول وحی نیز مرسل است.

8. عبدالله بن شداد الهادی

در عهد رسول خدا (به دنیا آمد (3) و در سال 81-82 قمری از دنیا رفت. (4) عبدالله فردی محدث و مورد اعتماد شناخته شده است (5) اما در اول بعثت در قید حیات نبوده و روایت خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله و یا صحابی که در آن زمان بوده اند نسبت نمی دهد لذا نقل وی درباره جریان نزول وحی مرسله است.

9. ابو میسره

ابو میسره همدانی، وادعی همان عمرو بن شرحبیل است که در دوران حکومت عبیدالله بن زیاد درگذشت. ابن سعد گوید: «رویی عن عمر و علی و ابن

ص: 478

1- اسد الغابه، ج 1، ص 735.

2- ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج 1، ص 281.

3- اسد الغابه، ج 3، ص 186

4- تهذیب التهذیب، ج 7، ص 222

5- محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج 5، ص 45.

مسعود و حذيفة و سلمان و قيس بن سعد بن عبادة و معقل ابن مقرن المزني و عائشه و النعمان بن بشير و آخرين»؛ (1) اما نگفته که نقلی از رسول خدا صلی الله علیه و آله داشته است بنابراین نقل ابو میسره از این ماجرا نیز مرسله به شمار می آید.

10. عبدالله بن الحسن

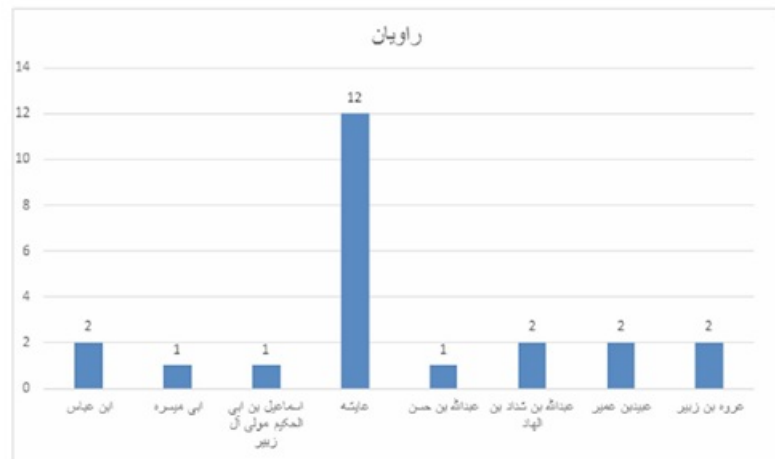
طبری یک نقل خود را به عبدالله بن حسن مستند می کند که او از مادرش فاطمه بنت الحسین شنیده است. (2) این روایت هم قطعاً مرسله است؛ زیرا فاطمه اصلاً در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله متولد نشده و روایتش هم مستند نیست. در یک نمودار کلی منابعی که از قرن اول تا زمان طبری از روایانی که درباره بدء الوحی روایت کرده اند با تعداد نقل روایت به نمایش گذاشته می شود.

عکس

مسعود و حذیفه و سلمان و قیس بن سعد بن عباده و معقل ابن مقرن المزنی و عائشه و النعمان بن بشیر و آخرین؛^۱ اما نگفته که نقلی از رسول خدا ﷺ داشته است. بنابراین نقل ابومیسره از این ماجرا نیز مرسله به شمار می‌آید.

۱۰. عبدالله بن الحسن

طبری یک نقل خود را به عبدالله بن حسن مستند می‌کند که او از مادرش فاطمه بنت‌الحسین شنیده است.^۲ این روایت هم قطعاً مرسله است؛ زیرا فاطمه اصلاً در عهد رسول‌الله ﷺ متولد نشده و روایتش هم مستند نیست. در یک نمودار کلی، منابعی که از قرن اول تا زمان طبری از روایانی که درباره بدء الوحی روایت کرده‌اند، با تعداد نقل روایت به نمایش گذاشته می‌شود.



ب) از حیث اعتبارسنجی راوی

بی‌شک در نقل هر واقعه تاریخی، همه سلسله راویان به خصوص ناقل

۱. طبقات الکبری، ج ۶، ص ۱۶۵.

۲. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۳۴.

ب) از حیث اعتبارسنجی راوی

اشاره

بی‌شک در نقل هر واقعه تاریخی، همه سلسله راویان به خصوص ناقل

1- طبقات الكبری ج 6، ص 165

2- تاریخ طبری ج 1، ص 534

اصلی باید مورد اعتماد باشند و در راست گویی و دقت آن ها در نقل حدیث تردید نباشد؛ یعنی یا خود باید شاهد آن جریان باشند یا آن واقعه را از فرد ثقة و مورد اعتماد نقل کنند.

1. عایشه

کایتانی روایات تاریخی منقول از عایشه را در اکثر موارد غیر واقعی می داند او معتقد است که نقل سلسله سند سال ها بعد مرسوم شد، لذا سلسله سند را به اصحاب نسبت می دادند تا بر اعتبار احادیث مجهول بیفزایند و علت انتخاب عایشه بر این مبنا بود که وی اطلاعات دستِ اولی از وقایع داشت.

از نظر، کایتانی تردید زیادی در اعتبار احادیث عایشه وجود دارد؛ زیرا او آمادگی داستان سازی برای تأیید ادعاهای خود و رد گفتار رقبایش را داشت. او به عنوان همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله از اعتبار زیادی بهره مند بود. لذا می توانست چیزی بگوید که دیگران نمی توانستند. بگویند تحریفات جهت گیرانه او بیان کننده دل بستگی هایی بود که سبب گسیختگی امت اسلامی می شد، مخصوصاً در مورد وقایعی که خود، شاهد آن نبوده است.

از دیدگاه وی برخی از روایات عایشه به وضوح، ناظر به خنثی کردن داستان ها و یا واقعیات تاریخی است. (1)

عایشه در پاسخ شخصی که پرسیده بود «تزمیل (رو انداز) رسول خدا صلی الله علیه و آله چه بود؟» گفت: «رو اندازی بود به طول چهارده ذراع که من در زیر نیمی از آن می خوابیدم و رسول خدا صلی الله علیه و آله بر روی نیم دیگرش نماز می خواند.» پرسیدند: «از چه جنسی بود؟» گفت: «به خدا سوگند نه خز بود و نه قز (ابریشم غیر مرغوب) و نه پوست مرعز و نه، ابریشم و نه پشم؛ رویه آن از مو و آسترش از کرک بود». علامه طباطبایی می فرمایند: جعلی بودن این روایت کاملاً روشن است؛ زیرا آن زمانی که این سوره که ابتدایی ترین سوره های قرآن است در مکه نازل می شد

ص: 480

1- ویلفرد مادلونگ، جانشینی حضرت محمد صلی الله علیه و آله، ص 50

عایشه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله نشده بود. ازدواج آن جناب با وی بعد از هجرت در مدینه واقع شد. (1)

2. عروه بن زبیر

برادر عبد الله بن زبیر و خواهرزاده عایشه بود او برای تثبیت حکومت برادرش در مکه و مدینه از انتساب هر دروغ و تهمت به بنی هاشم کوتاهی نکرد (2) تا آن جا که از معاویه پول می گرفت و در مذمت امام علی علیه السلام حدیث جعل می کرد (3) در واقع او در کارگاه حدیث سازی برای مصلحت و منفعت حاکمان وقت سخت مشغول کار بود و در این راه گاهی هم احادیث ساخته شده خود را به خاله اش عایشه نسبت می داد (4)

3. زهری

اشاره

عموماً زهری در سلسله سند روایات، عایشه قرار دارد. او از عمال مروانین بود و برای خوش خدمتی به نفع بنی امیه احادیثی را جعل می کرد بنابراین وی جزء جاعلان و نامعتبر است. (5)

عده ای می گویند: مُرسل بودن حدیث به این دلیل است که سماع او از عروه ثابت نشده است. لذا سند حدیث به شاهد اول در سلسله ناقلان نمی رسد. پس روایت مُرسل است. (6)

ص: 481

1- علامه امینی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 20، ص 70

2- تهذیب التهذیب، ج 7، ص 182.

3- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 4، ص 63 در دشمنی با علی علیه السلام در حدی بود که هر گاه نام آن حضرت نزد او برده می شد آن بزرگوار را دشنام داده و دست های خود را به عنوان اظهار تأسف بهم می زد و می گفت علی پاسخ آن همه خون مسلمانان را که ریخت چگونه می دهد؟ (شرح نهج البلاغه، ج 4، ص 64)

4- هاشم معروف، الحسنی، جنبش های شیعی در تاریخ اسلام، ص 552

5- ابن کثیر، البدایة و النهایة، بیروت: دار المعارف، ج 9، ص 341

6- تهذیب التهذیب، ج 9، ص 450

اگر چه از کبار تابعین محسوب می شد (1) جزوقصه گوین و افسانه سرایان بود؛ لذا نمی توان وی را از محدثان شمرد. (2)

5. اسماعیل بن ابی الحکیم

مولای آل زبیر و از عاملان عمر بن عبد العزیز بود. وی فردی کم حدیث بوده است. (3)

جمع بندی نقد سندی

- از مجموعه مباحثی که در نقد سلسله سند گذشت، روشن می گردد که غیر از روایت جابر هیچ روایتی مستند به مخاطب وحی (پیامبر صلی الله علیه و آله) نیست و اگر چه روایت جابر مستند مخاطب وحی است، هیچ اشاره ای به حالات جبرئیل و پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام در این بحث ندارد.

- نقش زبیریان در سیر سلسله سند حدیث «بدء الوحی»، بسیار پر رنگ است. افرادی چون: عایشه خاله عبد الله بن زبیر عبد الله بن زبیر، (4) عروة بن زبیر، اسماعیل بن ابی الحکیم، وهب بن کیسان مولای آل زبیر و زهری شاگرد عروة بن زبیر قرار دارند که فاقد وثاقت هستند و با بنی هاشم میانه خوبی نداشتند. (5) تا بدانجا که عبدالله بن زبیر به ابن عباس می گوید: «چهل سال بغض شما را در سینه ام» پنهان داشته ام. (6) همین جمله بر کینه و دشمنی دلالت می کند؛ کینه ای که می تواند دلیل بر تحریف جریانات تاریخی منتسب به اهل بیت توسط زبیریان باشد. از جمله این تحریفات شخصیت سازی به نفع آل زبیر است.

ص: 482

1- اسد الغابه، ج 1، ص 735

2- تهذیب التهذیب، ج 7، ص 71

3- طبقات الکبری، ج 5، ص 412

4- تاریخ طبری، ج 1، ص 532.

5- ابن اعثم کوفی، الفتوح، ص 324

6- مسعودی، مروج الذهب، ج 2، ص 80

از این رو برخی بر این عقیده اند که برجسته ترین شخصیت در خاندان، زبیر ورقه بن نوفل است لذا برای آن که سهمی را در صدر اسلام برای بنی اسد قائل شوند، برای تقابل با بنی هاشم به خصوص خاندان علوی نقش تأییدکننده و برجسته به ورقه می دهند؛ (1) البته علامه جعفر مرتضی عاملی معتقد است آل زبیر به جهت مقابله با حضرت ابوطالب، ورقه را عَلم کرده اند. (2)

برخی دیگر هم معتقدند: زبیر بن عوام برادرزاده حضرت خدیجه علیها السلام است و نسب شان به بنی اسد بن عبدالعزی م ی رسد. عوام پدر او برادر خدیجه علیها السلام بوده و ورقه هم پسر عموی آن بانو که همگی از همان تیره بنی اسد بن عبدالعزی هستند. این خبرسازان حرفه ای برای این که فضیلتی برای حضرت خدیجه علیها السلام و ورقه بتراشند، این سخنان را به ایشان نسبت داده اند تا آن ها را در تحکیم اساس اسلام سهیم، سازند، اگر چه در این میان مقام والای رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز مخدوش گردد. شاید ندانسته و بی توجه به این طرف قضیه یعنی خدشه دار شدن مقام رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز این کار را کرده اند و تعمدی در این کار نداشته اند. (3)

در مورد این نظریه باید گفت: با توجه به حساسیت عایشه به حضرت خدیجه علیها السلام و علاقه آل زبیر به خاله خود بعید به نظر می رسد که آل زبیر برای فضیلت تراشی برای حضرت خدیجه علیها السلام این روایت را ساخته باشند.

بر فرض مرسله نبودن روایات و ثقه بودن، روات باز از ضعف خبر واحد بودن رهایی نمی یابند؛ زیرا موضوع بحث از مباحث عقیدتی و جزء اصول دین محسوب می شود و در موضوعات اصول دین یا باید برهان داشت یا قرآن یا روایت متواتر و یا دست کم مستفیض در حالی که روایات مورد نظر خبر واحد هستند؛ زیرا اگر چه از نظر طولی منابع و روات، متعددند، از نظر عرضی، مهم ترین بخش روایت مربوط به «بدء الوحی» به یک نفر ختم می شود و آن عایشه است؛ زیرا هیچ یک از روات غیر از عایشه نزدیک ترین فرد به پیامبر صلی الله علیه و آله از نظر زمانی

ص: 483

1- محمد رضا هدایت پناه، زبیریان و تدوین سیره نبوی، ص 166.

2- جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج 2، ص 314

3- رسولی محلاتی، سیدهاشم، درس هایی از تاریخ تحلیلی، اسلام، ج 2، ص 228

نیست و حال آن که خود عایشه به اعتراف اهل سنت چند سال بعد از بعثت به دنیا آمده است و بقیه روایت نیز از حاضران در زمان بدء الوحی نبودند. اگر واسطه روایت آن ها هم عایشه، باشد، سلسله سند به یک نفر بر می گردد؛ چون غیر از عایشه از این نسل این حادثه را به آن گونه که نقل شد نیاورده اند.

تعارض محتوا

نقد درونی

اشاره

در این جاسعی شده تعارضاتی نقد و بررسی شود که بین محتوای روایات نقل شده در باب «بدء الوحی» وجود دارد:

1. مکان دیدار با جبرئیل

در خصوص چگونگی و مکان دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله با جناب جبرئیل، نقل های متضادی وجود دارد که ذیلاً بدان اشاره می شود:

طبری (م 310) از طریق متفاوت جریان نزول وحی را نقل می کند که برخی از آن ها تشویش محتوایی دارد. به طور مثال در یک نقل می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از دیدن رؤیای صادقه به تحنث (گوشه نشینی و تنهایی) روی آوردند و گاهی برای دیدن خویشان و گرفتن آذوقه نزد کسان خود می آمدند و مجدداً به حرا بر می گشتند. پس در این زمان، ناگاه پیک حق برایشان نازل شد و عرض کرد «یا محمد انت رسول الله» پیامبر صلی الله علیه و آله با شنیدن این ندا ترسیدند. او به نقل از رسول خدا و می گوید: «من در حالی که ایستاده بودم، به ناگاه به زانو افتادم و ترس تمام وجودم را گرفته بود» سپس نزد خدیجه علیها السلام رفتند و گفتند: «مرا بپوشان! مرا بپوشان!» تا آن که حالت وحشت از ایشان رفت. (1)

باید توجه شود که ظاهراً همه این اتفاقات قبل از نزول جبرئیل برای القای آیاتی از قرآن است؛ یعنی در ایام تحنث، زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله برای دیدن

ص: 484

خویشان رفته بودند جبرئیل برایشان نازل گشت؛ زیرا اشاره ای به جدا شدن پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام ندارد و مکان نزول وحی را مشخص نمی کند. آیا این ندای جبرئیل در منزل خدیجه اتفاق افتاد یا در مسیر حرا یا در غار حرا؟

این نقل مشوش اولاً با دیگر نقل های خود طبری (م 310) معارض است. (1) ثانیاً با منابع مقدم بر طبری نیز تعارض دارد؛ زیرا هیچ نقلی نداریم مبنی بر این که بین رؤیت اولیه حضرت جبرئیل توسط پیامبر صلی الله علیه و آله مقدمه نزول وحی و فشارسه مرحله ای فاصله شده باشد. بخاری که مهم ترین منبع روایی عامه و نزدیک ترین نقل به طبری است، پناه بردن پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام را بعد از نزول وحی و القاء آیات قرآن می داند نه قبل از آن لذا گوید: «تا وقتی که حق نزد او آمد، آن حضرت در غار حرا بود پس فرشته نزد آن حضرت، آمده، گفت: بخوان، فرمود: خواندن نمی دانم! گوید: پس آن فرشته مرا گرفت و به سختی فشارم داد....» (2)

ظاهراً بخاری (م 256) مطلب خود را از عبدالرزاق (م 211) گرفته و عبدالرزاق این رفت و برگشتی را که طبری در مورد دیدار جبرئیل با پیامبر صلی الله علیه و آله دارد، نقل نمی کند (3)

هم چنین ابن هشام (م 218) که این حادثه را از ابن اسحاق (م 151) روایت می کند نیز بین رؤیت اولیه و القاء آیه «اقراء» فاصله ای را ذکر نمی کند. (4) مبنی بر این که پیامبر صلی الله علیه و آله ابتدا جبرئیل را ببیند و از وحشت به خدیجه علیها السلام پناه ببرد و بعد مجدداً جبرئیل نازل شود و وحی را بر پیامبر صلی الله علیه و آله القا نماید.

البته ابن سعد (م 230) معتقد است: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله برای تحنث در حرا، بودند فرشته ای را در افق دیدند که فریاد می کشید: «ای محمد من جبرئیلم!»

ص: 485

1- تاریخ طبری، ج 1، ص 532، طبری، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج 24، ص 520. آن چه مهم است اعتراف طبری بر وجود نقل های متعارض است و قصد نسبت تناقض گویی به طبری را نداریم.

2- بخاری، الصحيح، ج 1، ص 5.

3- أبوبکر عبد الرزاق المصنف، ج 5، ص 321.

4- ابن هشام، سیره، ج 1، ص 236 - 237.

ای محمد من جبرئیل! و پیامبر صلی الله علیه و آله ترسیده، به خدیجه علیها السلام پناه بردند. (1) او به همین اندازه بسنده می کند. شاید طبری این نقل را از ابن سعد گرفته باشد.

2. در بیان حالت پیامبر صلی الله علیه و آله در ملاقات با جبرئیل در ابتدای وحی

اکثر منابع غیر ابن هشام، تعبیر «حَشِیْتُ عَلٰی نَفْسِی» (2) را دارند. اما طبری مضاف بر این تعبیر «أَطْرَحَ نَفْسِی مِنْ حَالِقٍ مِنْ جَبَلٍ» (3) را هم دارد. دو نقد بر این نقل طبری وارد است:

الف) تحریف به اضافه دارد؛ این عبارت؛ «قال: فلقد هممت أن أطرح نفسي من حالقٍ من جبل» در هیچ نقل معتبر مستندی نیامده است.
ب) با عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله و منافات دارد پیامبر صلی الله علیه و آله معصومی که خودکشی را امر حرام می داند چگونه قصد ارتکاب آن را دارد؟؟ (4)

3. انتساب توهم پیامبر صلی الله علیه و آله به کاهنیت

ابن سعد می گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله شتابان نزد خدیجه رفتند و فرمودند: ای خدیجه... می ترسم کاهن شده باشم» (5)

در حالی که در سیره ابن هشام (م 218) آن اضطراب و وحشت و این که پیامبر صلی الله علیه و آله بفرماید: «من به حالت شاعری یا جنون افتاده ام»، مشاهده نمی شود؛ زیرا از مدت ها قبل به واسطه رؤیاهایی که دیده بودند و سلام هایی که موجودات طبیعی برایشان می کردند و خطاب رسول الله (به ایشان داشتند رسول خدا صلی الله علیه و آله کاملاً منتظر پدیده وحی بودند. (6)

ص: 486

-
- 1- طبقات الکبری، ج 1، ص 153
 - 2- أحمد بن محمد بن حنبل، مسند، ج 52، ص 425؛ مسلم بن حجاج (م 261 هـ)، الصحيح، ج 1، ص 139؛ احمد بن عمرو بن ابوبکر الشیبان الآحاد والمثانی، ج 5، ص 179.
 - 3- تاریخ طبری، ج 1، ص 531.
 - 4- محمد الناصر البانی، دفاع عن الحدیث النبویہ والسیره، ص 42.
 - 5- طبقات الکبری، ج 1، ص 153.
 - 6- سیره ابن هشام، ج 1، ص 235 و 237.

به اقرار اکثر منابع علت روی آوری پیامبر صلی الله علیه و آله به تحنث، همان رؤیاهای صادقه بود. علاوه بر این امیرالمؤمنین می فرماید: از همان لحظه ای که پیامبر صلی الله علیه و آله را از شیر گرفتند، خداوند بزرگ ترین فرشته (جبرئیل) خود را مأمور تربیت پیامبر صلی الله علیه و آله کرد. (1)

امام باقر علیه السلام نیز به سخن گفتن پیامبر صلی الله علیه و آله با جبرئیل در خواب به حالت رؤیای صادقه پیش از بعثت تصریح می فرماید. (2) بنابراین جایی برای ترس وجود ندارد. علاوه بر آن که نقل ابن هشام مقدم بر نقل ابن سعد است.

4. حالت جبرئیل در هنگام نزول وحی

در این جا تعارضاتی در نحوه ظهور و تجلی حضرت جبرئیل وجود دارد ابن سعد گوید: «جبرئیل پا روی پا نهاده فریاد می کشید: "یا محمد انا جبرئیل یا محمد انا جبرئیل"» (3) ابن هشام گوید: «جبرئیل هر دو پای خود را جفت کرده و به طرف افق ایستاده بود». (4) طبری تصریح دارد بر این که پیامبر صلی الله علیه و آله جبرئیل را به صورت مردی دیدند که پاهایش در افق آسمان بود (5) که مضاف بر درگیری روایات، باهم با ظاهر قرآن هم معارض است آن جا که می فرماید: (ذُومِرَّةَ فَاسْتَوَى)؛ (6) «دارای توانایی که راست ایستاده است».

5. فشار جبرئیل

آن چه در این نقل ها توجه را به خود جلب می کند، موضوع فشار جبرئیل بر

ص: 487

1- نهج البلاغه، خطبه قاصعه، ص 399

2- کلینی، اصول کافی، ج 1، ص 430

3- طبقات الکبری، ج 1، ص 153

4- سیره ابن هشام، ج 1، ص 236

5- تاریخ طبری، ج 1، ص 533

6- سوره نجم آیه 6

پیامبر صلی الله علیه و آله است که معارض با گزارش ابن سعد، (1) جابر بن عبدالله انصاری (2) و عبدالله بن عباس (3) است.

طبری به نقل از عایشه گوید: اگر چه سه بار فشار آورده، هیچ سخنی از حال شدن پیامبر صلی الله علیه و آله ندارد. (4)

6. واکنش حضرت خدیجه علیها السلام در مواجهه با پیامبر صلی الله علیه و آله

اکثر تاریخ نویسان و سیره نویسان گویند:

حضرت خدیجه علیها السلام بعد از شنیدن ماجرا گفت: «هرگز! به خدا سوگند که خداوند تو را خوار نخواهد کرد زیرا تو صله رحم می

کنی، مهمان نوازی می نمایی سختی ها را تحمل می کنی ناداران را دارا می نمایی و بر پیش آمده ای حق کمک می کنی!» (5)

اما ابن هشام به تنهایی نوشته که خدیجه علیها السلام گفت:

ای عموزاده مژده گیر و ثابت قدم باش! سوگند بدان خدایی که جان خدیجه علیها السلام در دست اوست امید آن دارم که تو پیغمبر شده

باشی (6)

البته این سخنان را حضرت خدیجه علیها السلام زمانی می گوید که پیامبر صلی الله علیه و آله با خوش حالی نزد خدیجه رفته اطمینان

دادند به آن چه در خواب می دیده که به حقیقت پیوست و جبرئیل را از نزدیک و در بیداری ملاقات کردند. (7)

7. امتحان حضرت جبرئیل توسط حضرت خدیجه علیها السلام

با آن که ابن هشام درست ترین نقل را از ماجرای بعثت دارد، در نهایت سخنی

ص: 488

1- طبقات الکبری، ج 1، ص 154

2- صحیح بخاری، ج 15، ص 232؛ صحیح مسلم، ج 1، ص 144؛ مسند احمد، ج 28، ص 318.

3- ابن سیدالناس، عیون الاثر، ج 1، ص 83.

4- تفسیر طبری، ج 30، ص 161.

5- طبقات الکبری، ج 1، ص 153؛ طبری، ج 2، ص 298؛ صحیح بخاری، ج 1، ص 5؛ صحیح مسلم، ج 1، ص 139

6- سیره ابن هشام، ج 1، ص 236.

7- البدایة والنهایة، ج 3، ص 13.

می گوید که هر خواننده ای را دچار تردید و تعجب می نماید و آن امتحان جبرئیل توسط حضرت خدیجه است: خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «ای پسر عمو می توانی هر گاه جبرئیل آمد به من بگویی؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آری» چون جبرئیل آمد پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه خبر داد خدیجه علیها السلام گفت: «برخیز بران چپ من بنشین!» پیامبر صلی الله علیه و آله بران خدیجه نشست. خدیجه علیها السلام گفت: «او را می بینی؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آری» خدیجه گفت: «بران راست من بنشین» و پیامبر صلی الله علیه و آله نشست. خدیجه علیها السلام گفت: «او را می بینی؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آری» خدیجه گفت: «بر دامانم بنشین!» پیامبر صلی الله علیه و آله چنان کرد. خدیجه علیها السلام گفت: «او را می بینی؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آری» آن گاه خدیجه روسری از سر برداشت و پیامبر صلی الله علیه و آله در دامان او نشسته بود و گفت: «او را می بینی؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «نه.» خدیجه علیها السلام گفت: «ای پسر عمو، پایمردی کن و خوش دل باش! به خدا قسم این فرشته است، شیطان نیست.» (1)

- ابن هشام این مطلب را از اسماعیل بن ابی حکیم مولای آل زبیر نقل می کند همان طور که در نقد سندی بیان شد روایت اسماعیل مرسل است؛ زیرا نه خود در آن زمان حضور داشته و در قید حیات بوده و نه به نقل از حضرت خدیجه علیها السلام مستند می کند.

حجاب با جزئیاتش پس از نزول آیات سوره نور (2) (قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ) (3) در مدینه بر مسلمانان واجب شد با توجه به وجوب حجاب در مدینه چگونه حضرت خدیجه علیها السلام در همان اول بعثت جبرئیل را با حجاب خود امتحان می کند؟

ص: 489

1- سیره ابن هشام، ج 1، ص 191.

2- تفسیر طبری، ج 9، ص 306

3- سوره نور، آیه 30؛ سیوطی (911-849 ق) به سند خود از ام سلمه نقل می کند: بعد از نزول آیه (يُدْنِينَ عَلَيْهِنَ مِنْ جَلَابِيهِنَّ) زنان انصار از منازل شان با پوشش های مشکی خارج می شدند به گونه ای که به نظر می رسید بر سر ایشان کلاغی نشسته است لما نزلت هذه الآية «يدنين عليهن من جلابيهن» خرج نساء الأنصار كان على رؤسهنّ الغربان من أكسية سود يلبسناها» (سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، ج 5، ص 221)

علاوه بر این مقوله تکالیف به موجودات مختار مربوط است در حالی که فرشته اگر چه دارای اراده است موجود مختاری نیست که حق انتخاب فعل و یا ترک داشته باشد بلکه دارای وجودی ثابت است و قابل سقوط و صعود نیست و به نص، قرآن وجود و مقام ثابت دارد؛ (1) در نتیجه هیچ گاه مورد خطاب آیات تکلیفی نیستند.

- مهم ترین ضعف این نقل نسبت دادن جهل به پیامبر صلی الله علیه و آله است.

8. تثبیت نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله توسط حضرت خدیجه علیها السلام

یعنی حضرت خدیجه علیها السلام برای رفع تحیر پیامبر صلی الله علیه و آله، ایشان را به سوی ورقه بن نوفل دعوت می کند تا با نقل شرح ماجرا، نسبت به واقعه نزول وحی کسب تکلیف نماید. البته در این جا چند نقل وجود دارد:

1-8- حضرت خدیجه علیها السلام خودش نزد ورقه رفته و شرح ما وقع کردند؛ (2)

2-8- حضرت خدیجه علیها السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله را نزد ورقه بردند که البته با دو عبارت: «فَأَنْطَلَقْتُ بِي» (3) «فَأَنْطَلَقْتُ بِهِ» (4) آمده است؛

3-8- حضرت خدیجه علیها السلام بدون پیامبر صلی الله علیه و آله و با ابوبکر نزد ورقه رفتند؛ (5)

4-8- حضرت قبل از این که نزد ورقه برود پیش عداس رفته درباره با دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله با جبرئیل سؤال کرد و عداس اطمینان داد که او ناموس است (6)

تشتت در نقل ها خود گویای جعلی بودن آن است؛ زیرا:

- رجوع حضرت خدیجه علیها السلام به عداس (7) در هیچ کدام از منابع مورد نظر نیامده

ص: 490

1- (وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ) (سوره صافات، آیه 164).

2- سیره ابن هشام، ج 1، ص 238؛ طبقات الکبری، ج 1، ص 153؛ مصنف عبدالرزاق، ج 5، ص 321؛ صحیح مسلم، ج 1، ص 139

3- مسند احمد، ج 52، ص 338؛ تاریخ طبری، ج 2، ص 290

4- صحیح بخاری، ج 1، ص 5؛ صحیح مسلم، ج 1، ص 139؛ الآحاد و المثانی، ج 5، ص 179.

5- ابن ابی شیبة العبسی الکوفی (159 - 235 هـ)، مصنف، ج 7، ص 329

6- حلبی (م 1044) علی بن برهان الدین السیره الحلبیة فی سیره الأئمة المأمون، ج 1، ص 393.

7- ابن کثیر، السیره النبویه، ج 1، ص 406

و ظاهراً بعدها ساخته شده است. (1) علاوه بر آن که عداس در هنگام بعثت در طائف بوده (2) و اصلاً در مکه نبوده تا حضرت خدیجه علیها السلام برای رفع تحیر پیامبر صلی الله علیه و آله نزد او برود.

ورقه مسیحی (3) برای رفع تحیر پیامبر صلی الله علیه و آله به کلام حضرت موسی استناد می نماید و می گوید: «این همان فرشته ای (ناموسی) است که بر موسی بن عمران نازل شده است»؛ (4) در حالی که اگر او واقعاً مسیحی بود، می بایست می گفت: ناموسی است که بر عیسی نازل شده زیرا به ادعای ناقلان این قول ایشان کاتب عربی انجیل بود پس می بایست از قول حضرت عیسی بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله را وعده می داد؛ چنان که قرآن مجید در سوره صف می فرماید: (إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ ... وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ). (5)

این خود تعارضی دیگر و گواه بر اسرائیلی بودن داستان است که با غفلت از مذهب قهرمان داستان، ورقه به جعل آن پرداخته اند. (6)

به علاوه، بیشک ورقه به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان نیاورده و مسیحی از دنیا رفته است بنابراین یا باید بپذیریم که وی قبل از بعثت از دنیا رفته چنان که برخی مرگ او را قبل از بعثت نقل کرده اند (7) و هیچ صحابه نگاری او را در شمار صحابه قرار نداده و یا اطلاع او از پیامبر صلی الله علیه و آله آخرالزمان و تأیید پیامبر صلی الله علیه و آله بر رسالتش توسط وی را جعلی بدانیم؛ زیرا چگونه ممکن است کسی با قاطعیت خبراز

ص: 491

-
- 1- البداية والنهاية، ج 3، ص 20
 - 2- ابن واضح، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 36.
 - 3- سیره ابن هشام، ج 1، ص 191.
 - 4- تاریخ طبری، ج 1، ص 533
 - 5- سوره صف آیه 6
 - 6- جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ص 189.
 - 7- ابن حیون، شرح الاخبار في فضائل الائمة اطهار عليهم السلام، ج 1، ص 186 اگر چه در زمان مرگ وی اختلاف نظر زیادی وجود دارد.

نبوت دهد، اما خودش به آن نبی ایمان نیاورد و بر نصرانیت خود باقی بماند؟ (1)

از طرفی حضرت خدیجه علیها السلام که حدود بیست سال با پیامبر صلی الله علیه و آله زندگی کرده و ایشان را به خاطر فضایل اخلاقی به همسری پذیرفته و می داند همه او را به محمد امین می شناسند آیا به درستی ادعای نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله اعتقاد نداشته و برای تأیید گفته هایش دست به دامن ورقه می شود؟

نقد بیرونی (تعارض روایات با قرآن)

آن چه از مجموع نقل ها گذشت، روشن شد که مشترک ترین پیام روایات «بدء الوحی»،عارض شدن تردید و تحیر در اولین نزول وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله بود، در حالی که این پیام با نص صریح قرآن درباره ماهیت وحی در تعارض است؛ زیرا ماهیت و حقیقت وحی یک چیز بیش تر نیست. وقتی قرآن در مقام بیان "حقیقتِ وحی واسطه وحی و مخاطب وحی" مطلبی می فرماید ناظر به اولین و آخرین است؛ لذا در آن جا که قرآن خود تصریح می کند وحی یک امر ثقیل (إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا) (2) است این حالت در اولین وحی و آخرین وحی وجود دارد و سنگینی حالت پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام تحمل وحی در کل دوره 23 سال وجود داشت با وجود این در بسیاری از آیات به ویژه سوره های نجم و تکویر تمام مدعیات سیره نویسان و تاریخ نویسان درباره حالات پیامبر صلی الله علیه و آله در بدء الوحی را نقض می کند هویت، وحی وصف پیامبر صلی الله علیه و آله و وصف جبرئیل در این دو سوره چنین دسته بندی می شود:

1. هر گونه واسطه گری شیطان و یا حلول شیطان در پیامبر صلی الله علیه و آله نفی شده؛ (3)

2. پیامبر صلی الله علیه و آله مجنون نیست؛ (4)

ص: 492

1- السيرة الحلبیه، ج 1، ص 250

2- سوره مزمل، آیه 5.

3- سوره تکویر، آیه 25.

4- سوره تکویر، آیه 22 .

3. او هرگز دروغ نمی گوید؛ (1)

4. پیامبر صلی الله علیه و آله و هیچ چیزی را خودسرانه و از سوی خویش به عنوان وحی به مردم ابلاغ نمی کند؛ (2)

5. ایشان هر آن چه را شنیده بدون هیچ کمی و کاستی برای مردم نقل می کند؛ (3)

6. پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ گاه در حالت گمراهی و انحراف قرار نمی گیرد؛ (4)

7. آن چه پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید تنها سخن خدا و از سوی خداست؛ (5)

8. واسطه وحی هم موجودی محترم، کریم، امین قوی، صاحب خرد مستقر و آسیب ناپذیر است. (6)

با توجه به مقدمه در باب حقیقت وحی و این آیات کریمه، به دست می آید که وحی یک حقیقت و وجود متعالی و از سوی مبدأ هستی است که هیچ تناسبی با حالت جنون سرگردانی شاعریت توهم و مش شیطان ندارد که دانی ترین مرتبه وجودی، باشد بنابراین معنا ندارد پیامبری که خود مخاطب وحی و جبرئیل امین بود در سرگردانی باشد و منتظر تأیید مرد و زنی باشد که حتی برای یک بار و در حد یک آیه کوتاه هم مخاطب وحی و جبرئیل امین نبودند؛ و گرنه لازم می آید که قبول کنیم مخاطب اصلی وحی نسبت به حقیقت وحی تردید داشته است (7)

اگر کسی اشکال کند مبنی بر این که این مطالب برداشت اجتهادی شماست و مدلول نص و صراحت قرآنی نیست، در جواب می گوئیم:

اولاً بندهای هشت گانه، یاد شده بر گرفته از نصوص قرآنی بلکه برگردان و

ص: 493

1- سوره نجم، آیه 11.

2- سوره نجم، آیه 3

3- سوره تکویر آیه 24

4- سوره نجم، آیه 2.

5- سوره نجم آیه 4 و 10

6- سوره تکویر، آیه 19-21؛ سوره نجم، آیه 5-7.

7- عبدالملک جوینی، الارشاد الی قواطع الادله فی اول الاعتقادات، ص 143.

ثانیاً در کلام اهل بیت علیهم السلام، مطالبی درباره چگونگی ارتباط جبرئیل امین با پیامبر صلی الله علیه و آله آمده که این گفته ها را با صراحت تأیید می کند. لذا امیرالمؤمنین علیه السلام که شاهد لحظه «بدء الوحی» بودند هیچ یک از داستان سرایی هایی را که درباره این جریان وارد شده ذکر نمی کنند و ناسازگار با آن هاست (1)

امام عسکری علیه السلام از امام هادی علیه السلام نقل می کند که فرمود: «چون چهل سالش کامل شد و خدای سبحان به دل او نگرست و آن را بهترین و عالی ترین و مطیع ترین و خاشع و خاضع ترین دل ها یافت به درهای آسمان [ملکوت و غیب خود] اذن داد تا باز شوند و محمد صلی الله علیه و آله ببیند و به فرشتگان اذن داد تا فرود آیند، و محمد بنگرد، و رحمت [ویژه خود] را فرمان داد که از ساق عرش تا [فرق] سرش فرود آید و محمد صلی الله علیه و اله را فراگیرد و محمد صلی الله علیه و اله، جبرئیل روح الامین - که طوقی از نور دارد و طاووس فرشتگان است - را دید که بر او فرود آمد و بازویش را گرفت و تکان داد و گفت: ای محمد! بخوان» گفت: «چه بخوانم؟!؟!» گفت: «ای محمد! بخوان به نام پروردگارت که آفرید، انسان را از علق آفرید بخوان و پروردگار تو کریم ترین [کریمان] است همان کس که به وسیله قلم آموخت به انسان آن چه را که نمی دانست آموخت». آری وحی پروردگارش را آورد و به آسمان بالا رفت.

محمد صلی الله علیه و آله از کوه پایین آمد در حالی که آن چنان عظمت و کبریایی خداوند او را فراگرفته بود که دچار تب و لرز شد.

بر پیامبر صلی الله علیه و آله که عاقل ترین و گرامی ترین مخلوق خداست و شیطان و کردار و گفتار دیوانگان از هر چیز منفورترش بود بسیار سخت می نمود که قریش تکذیبش کنند و به جنون و شیطان زدگی نسبتش دهند. خدای سبحان خواست تا شرح صدرش دهد و شجاعت و دل گرمی اش، بخشد، از این رو کوه ها و صخره ها و کلوخ ها را به سخن آورد و چون به هر یک از آن ها می گذشت، ندا

می کردند: «سلام بر تو ای محمد! سلام بر تو ای ولی خدا! سلام بر تو ای رسول خدا سلام بر تو ای حبیب خدا مژده بادت که خدای سبحان، تو را بر همه مخلوقات از پیشینیان و پسینیان برتری و زیبایی و آراستگی داده و کرامت بخشیده است. تو از گفتار قریش که بگویند تو دیوانه و از دین برگشته ای، غمین مباش، زیرا خوب و بزرگوار کسی است که پروردگار عالم، خوب و بزرگوارش کرده باشد، از تکذیب قریش و سرکشان، عرب، دل تنگ مشو! پروردگارت به زودی تو را در اوج قله کرامت و بالاترین درجات کمال قرار خواهد داد». (1)

ثالثاً از نظر متکلمان انتساب ادعای تأیید حضرت خدیجه علیها السلام نسبت به مقام نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله، موجب تنزل مقام پیامبر صلی الله علیه و آله می شود؛ پیامبری که مخاطب حقیقی وحی است؛ در حالی که هیچ گزارشی مبنی بر مخاطب قرار گرفتن وحی حضرت خدیجه علیها السلام نقل نشده است. در این صورت، آیا می توان پذیرفت که چنین شخصی در مقام ابتلا جبرئیل یا تأیید رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله برآید؟ علاوه بر این لازمه این نظریه پذیرش جهل پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به حقیقت وحی و ماهیت جبرئیل است و حتی شاید به نوعی نسبت دادن جهل یا ظلم به خدا باشد ظلم به این که انسان برتر را نبی قرار نداده و جهل به این که خدا نمی دانسته پیامبر صلی الله علیه و آله آگاهی کافی به حقیقت وحی نداشته در حالی که حضرت خدیجه علیها السلام و عمویش به حقیقت وحی و ماهیت جبرئیل آگاهی داشته اند.

به همین دلیل هر گونه نسبت، وحشت، تحیر و یا احساس جن زدگی و کفایت به پیامبر صلی الله علیه و آله خلاف واقع است؛ زیرا طبق روایات، جبرئیل امین بدون اذن بر رسول خدا وارد نمی شد (2) و جلوس او نزد پیامبر صلی الله علیه و آله هم چون جلوس یک بنده در محضر مولا بود. (3) همان گونه که مشاهده می شود روایات اشعار به آشنایی کامل پیامبر صلی الله علیه و آله ما با امین وحی و عادی بودن دیدار با ایشان دارد پس

ص: 495

1- امام حسن عسکری؛ التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، ص 156

2- شیخ صدوق، الاعتقادات الإمامیه، ص 81.

3- شیخ صدوق، علل الشرائع، ج 1، ص 7.

چگونه می توان باور کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله با دیدن جبرئیل چنان وحشت نمایند که به تعبیر طبری، قصد خودکشی کنند و یا گمان کهانت و یا دیوانگی بر خود نمایند؟

قاضی عیاض، از علمای عامه در بیان این نکته که ماهیت امر وحی بر شخص پیامبر صلی الله علیه و آله فاقد هر گونه ابهام و شک بود می گوید: «هرگز پیامبر صلی الله علیه و آله شک نمی کردند و تردید به خود راه نمی دادند، پیامبر صلی الله علیه و آله یقین داشتند، آن کسی که بر ایشان نزول یافته فرشته است و از جانب حق پیام آورده است به طور قطع امر بر آن حضرت آشکار است؛ زیرا حکمت الهی اقتضا می کند که امر برایشان کاملاً روشن باشد تا آشکارا آن چه می بینند، لمس کنند یا دلایل کافی در اختیار ایشان قرار دهد تا کلمات الله ثابت و استوار جلوه کند یعنی (و تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ) (1)

رابعاً مفسران معتقدند: جبرئیل امین معمولاً به شکل صورت بشری به محضر رسول خدا صلی الله علیه و سلم می رسید؛ (2) بنابراین ترس و وحشت معنا ندارد. تنها در دو جا بود که با صورت اصلی خود و آن هم به خواهش خود پیامبر صلی الله علیه و آله به محضر ایشان شرفیاب شد یک بار در زمین و یک بار در آسمان (3) ظاهراً اولین بار در حرا هنگام نزول اولین آیات قرآن آن هم با تقاضای شخص پیامبر صلی الله علیه و آله، جبرئیل امین را به صورت اصلی خود دیدند که افق را تا مغرب فراگرفته بود. پس حضرت بیهوش شدند. (4) این مطلب گویای ثقیل بودن (قولاً ثقیلاً) است اما گویای جهل و وحشت نیست.

اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سابقه آشنایی نداشته و یا در گذشته جبرئیل را ملاقات نکرده، بودند قطعاً نمی توانستند برای اولین بار خواهان دیدار چهره واقعی او باشند. همچنین این مطلب گویای نزدیکی و دوستی بین پیامبر صلی الله علیه و آله و امین

ص: 496

1- قاضی عیاض، الشفا بتعريف حقوق المصطفى، ج 2، ص 120

2- ابن حجر عسقلانی، الاصابه في تمييز الصحابه، ج 1، ص 385

3- طبرسی، مجمع البيان في تفسير القرآن، ج 5، ص 174.

4- طبرسی، مجمع البيان، ج 5، ص 174.

وحی است که رسول خاتم از او می خواهند با چهره اصلی خود در نزد حضرت حاضر شود.

خامساً بنا بر اعتراف تاریخ نویسان جبرئیل امین در یک چهره بسیار زیبا بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل می شد. (1) پس ترسیدن قصد خودکشی کردن پناه بردن به همسر و آرامش یافتن با تأییدات همسر و پسر عموی وی معنایی ندارد.

زمخشری در تفسیر این آیه می نویسد: (لَمْ يَشْكُ فِي أَنْ مَا رَأَهُ حَقًّا)؛ (2) «پیامبر صلی الله علیه و آله شک نکرد که آن چه را دیده راست است».

نیز ابو جعفر طبری از خود عایشه گزارشی درباره بعثت آورده که به کلی با دیگر روایت منقول درباره موضوع مورد بحث تفاوت اساسی دارد. عایشه در پایان سخنش تصریح نموده که آیات نخستین سوره نجم درباره طلوع وحی آمده است. این خود اعترافی ضمنی بر نادرست بودن گزارشی است که می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله در سر آغاز، وحی دچار تردید شد با این همه، چگونه می توان گزارش پیشین عایشه را معتبر شمرد؟ (3)

امین الاسلام طبرسی نیز می فرماید: برای آن که پیامبر صلی الله علیه و آله بتواند دیگران را با وحی هدایت نماید خود باید از هرگونه خطا و اشتباه در دریافت وحی مصون باشد به همین دلیل در تفسیر سوره مدثر می گوید: (ان الله لا يوحى الى رسوله الا بالبراهين النيرة والآيات البينة الدالة عليان ما يوحى اليه انما هو من الله تعالى فلا يحتاج الى شيء سواها لا يفزع ولا يفزع ولا يفرق). (4)

به درستی که خداوند وحی نمی کند به، رسولی، مگر با دلایل روشن و نشانه های آشکار که خود بر این دلالت دارد که آن چه بر او وحی می شود، از جانب حق تعالی است و به چیز دیگری نیاز ندارد. هرگز ترسانده نمی شود و نمی هراسد و به خود نمی لرزد

ص: 497

1- الاصابه، ج 1، ص 385

2- زمخشری، الكشف عن حقائق التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل، ج 6، ص 438

3- تفسیر طبری، ج 27، ص 46

4- مجمع البيان، ج 5، ص 384.

علامه طباطبایی می گوید: این که نسبت اضطراب به حضرت داده شده و گفته اند که این اضطراب درونی او زایل نشده تا وقتی که ورقه بن نوفل نصرانی به نبوتش شهادت داده است منافات با کلام وحی دارد، آن جا که خداوند درباره آن حضرت فرمود: (قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي)، چگونه ممکن است که چنین شخصیتی برای آرامش خاطر، محتاج مراجعه به فردی نصرانی باشد؟ مگر خدا در حق آن حضرت فرمود: (قُلْ هُدَاهُ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي؟) آیا اعتماد به قول ورقه، بصیرت است و بصیرت پیر وانش هم همین است که ایمان بیاورند به گفتار کسی که بیدلیل ایمان آورده؟ آیا وضع سایر انبیا هم به همین منوال بود، آن جا که خدا می فرماید: (إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَ... التَّيِّبِينَ مِّن بَعْدِهِ؟) آیا امت این انبیا هم به خاطر این که پیر مردی همانند ورقه گفته است که نوح پیغمبر است، به او ایمان آورده اند؟ قطعاً پایه تشخیص یک پیامبر صلی الله علیه و آله، این قدر سست نیست حق این است که نبوت ملازم با یقین پیامبر صلی الله علیه و آله و رسول است. او قبل از هر کس دیگری به نبوت خود از جانب خدای متعال یقین دارد (1)

به علاوه وحی به معنای سخن گفتن خدا با بنده خود، فی نفسه، موجب علم یقینی بنده می شود و نیازی به حجت ندارد. (2)

تعارض با شخصیت خدیجه علیها السلام

خدیجه علیها السلام، زنی نمونه در تمام مراحل زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله، به ویژه در مراحل دعوت آن حضرت بود. او همسری، همراه مهربان و دل سوز (3) برای آن حضرت به شمار میرفت سال ها پیش از بعثت هنگامی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله طبق عادت هر ساله برای مدتی برای عبادت به غار حرا می رفتند

ص: 498

1- المیزان، ج 20، ص 329

2- همان، ج 3، ص 220

3- سیره ابن هشام، ج 1، ص 154.

تا خود را آماده دریافت وحی، نمایند آن بانو ضمن همدلی با ایشان پیوسته از آن حضرت پشتیبانی می. کرد گاه با بردن غذا برای آن حضرت در پایین کوه نور ایشان را ملاقات می کرد (1) همچنین هنگامی که آن حضرت در غار حرا به نبوت برگزیده شدند وی اولین زنی بود که آن حضرت را تصدیق کرد (2) و همه دارایی خویش را در راه دعوت رسول خدا ایثار نمود. (3)

ایشان از چنان منزلت و اعتمادی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله، برخوردار بود که حتی بعد از مرگش موجب رشک و حسادت برخی از همسران بود. (4) همه این ها دست به دست هم می دهد تا جاعلان هر چه را که بخواهند به او نسبت دهند، اگر چه مخالف صریح قرآن باشد؛ زیرا با توجه به شخصیت ویژه و اسطوره ای حضرت خدیجه علیها السلام در هر شنونده و خواننده ای که مخاطب مطالب منتسب به ایشان (چه گفتاری و چه رفتاری) قرار می گیرد، کم تر در خدشه وارد کردن به این مطالب بر می آید در نتیجه، فرصت اندیشیدن را از مخاطبان عامیانه خود می گیرد و در یک فرایند تاریخی آن را به عنوان یک اصل مسلم در زبان ها و افکار عمومی ماندگار می سازد. جاعلان از این محبوبیت نهایت سوء استفاده را نموده اند در این موضوع هیچ کدام از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نمی توانستند زمینه انتساب این چنین محتوای جعلی را داشته باشند زیرا آنان از چنین سابقه ای در زندگی مشترک با پیامبر صلی الله علیه و آله صلی الله علیه در حین نزول وحی و از صبغه دین داری و استواری در آن به اندازه آن بانو برخوردار نبودند.

گفتنی است تحلیل ما درباره علت جعل محتوا نیست که خود داستان مفصلی دارد بلکه درباره علت انتساب این مطالب به حضرت خدیجه علیها السلام است. این که چرا به ابوطالب یا علی بن ابی طالب نسبت نداده اند

ص: 499

1- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 44.

2- بلاذری، جمل من أنساب الأشراف، ج 1، ص 112

3- طبقات الكبرى، ج 1، ص 121.

4- صحیح بخاری، ج 12، ص 185.

در حالی که از مسلمات فریقین است که تا سال سوم بعثت، جز این سه نفر (خدیجه ابوطالب و علی) از همراهان پیامبر صلی الله علیه و آله نبودند.

جواب آن واضح است. وقتی به متون تاریخی که این جعلیات در آن ها آمده رجوع می کنیم جمع کثیری تلاش دارند تا مهم ترین حامی پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی ابوطالب را کافر معرفی کنند؛ (1) با وجود این چگونه می توانند بر خلاف عهد خود در نفی ایمان از ابوطالب دوباره در یک نقل، دیگر ایشان را مؤمن و همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و معرفی نمایند. حال چرا این مطالب را به امام علی علیه السلام نسبت نداده اند؛ زیرا آنان اصرار دارند ایشان را در هنگام نزول وحی، کودک معرفی کنند به گونه ای که ایشان اولین مرد مسلمان نبوده است، حال چگونه می توانند پدیده عظیم وحی را از زبان چنان کودکی نقل کنند در نتیجه، تنها گزینه ای که می توانند به نام او جعل کنند حضرت خدیجه علیها السلام است؛ زیرا آن بانو از شاهدان قطعی بوده و مانند امام علی علیه السلام متهم به کودک بودن و ابوطالب متهم به کافر بودن در نگاه آنان نیست.

نتیجه

با توجه به اهمیت اصل، رسالت به طور طبیعی هر حادثه ای که مرتبط با آغاز رسالت باشد چه به عنوان مقدمه و چه اصل حادثه نزول و چه پیامد آن توجه تاریخ نگاران، محدثان مفسران و کلامی ها را به خود جلب کرده و ده ها مطلب و موضوع از آن استخراج کرده و محور گفتگو قرار داده اند. کیفیت مواجهه پیامبر صلی الله علیه و آله با جبرئیل یکی از این موضوعات است. حضرت خدیجه علیها السلام از جمله اشخاصی به شمار می آید که شاهد پیامد این مواجهه و از کیفیت آن با خبر بوده است. اما درباره درستی آن چه به نام او در تاریخ ثبت کرده اند، جای بحث و گفتگو دارد. بعد از مطالعه و پژوهش، ناسازگاری این منقولات با مبانی عقلی و محتوای معتبر نقلی روشن گردید. به علاوه، مشخص

ص: 500

شد که این مطلب، فاقد انسجام و هماهنگی محتوایی درونی هستند، بلکه برخی از این منقولات یک دیگر را نقض می کنند علاوه بر این روشن شد که از نظر سندی نیز مغشوش هستند در پایان وجه انتساب این مطالب نامعتبر به حضرت خدیجه علیها السلام هم روشن گردید.

ص: 501

1. ابن ابى الحديد، شرح نهج البلاغه ، محقق: محمد ابوالفضل ابراهيم ، قاهره: دار إحياء الكتب العربيه، 1378 ق.
2. ابن أبى شيبة العبسي الكوفي (159 - 235 هـ)، مُصنّف، تحقيق: كمال يوسف الحوت، رياض: مكتبة الرشد، 1409 ق.
3. ابن اثير، عزالدين، اسد الغابه، بيروت: دار الفكر، 1409 ق ، 1989 م
4. ابن اعثم كوفى ، الفتوح، تحقيق على ،شيرى، بيروت: دارالاضواء، 1411 ق.
5. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على الاصابه في تمييز الصحابه، تحقيق: على محمد البجاويج، بيروت: دارالجيل، 1412 ق.
6. ابن حجر عسقلانى، تهذيب التهذيب هند دائرة المعارف النظاميه 1326ق.
7. ابن حيون (م 363) نعمان بن محمد شرح الاخبار في فضائل الائمة أطهار عليهم السلام تحقيق: حسيني جلالى و محمد حسيني، قم: جامعه مدرسين، 1409ق.
8. ابن خياط، تاريخ خليفه ، تحقيق ،فواز بيروت: دارالكتب العلميه ، 1387ق
9. ابن سيد الناس ، عيون الاثر، چاپ بيروت، بى تا.
10. ابن شهر آشوب، محمد ابن على، مناقب آل ابى طالب، قم: المطبعة العلميه بى تا
11. ابن عبدالبر، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، تحقيق: على محمد البجاوى، بيروت: دارالجيل، 1412 ق - 1992 م .
12. ابن كثير، البدايه و النهايه ، بيروت: دارالمعارف، 1977 م
13. ابن كثير (م 701) اسماعيل بن عمر السيره النبويه ، تحقيق: مصطفى عبدالواحد بيروت: دارالمعرفه، 1403 ق.

14. ابن منظور، مختصر تاريخ دمشق، بيروت: دارالفكر، 1998 م
15. ابن واضح احمد بن ابى يعقوب (م 292، ق)، تاريخ يعقوبى، بيروت: دار الصادر بى تا
16. ابوبكر عبدالرزاق، المصنف، محقق: حبيب الرحمن الأعظمي، ناشر: بيروت: المكتب الإسلامى، 1403 ق.
17. احمد بن محمد بن حنبل، مسند، تحقيق شعيب الأرنؤوط و ديكران، ناشر: مؤسسة الرسالة، 1420 هـ، 1999 م.
18. احمد بن عمرو بن أبوبكر الشيبان الآحاد والمثاني، تحقيق: د. باسم فيصل أحمد الجوابرة رياض دار الراية، 1411 ق - 1991 م.
19. امام حسن عسكرى؛ التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكرى عليه السلام محقق / مصحح: مدرسه امام مهدي عليه السلام، قم: مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف 1409 ق.
20. بخارى، محمد بن إسماعيل (م 256 هـ)، الصحيح، بى نا، بى تا.
21. بلاذرى، احمد بن يحيى (م 279 هـ)، جمل من أنساب الأشراف، تحقيق: سهيل زكار و رياض الزركلى، بيروت: دارالفكر، 1417 هـ - 1996 م.
22. حلبى (م 1044)، على بن برهان الدين السيرة الحلبية في سيرة الأمين المأمون بيروت: دار المعرفة، 1400 ق.
23. رسولى محلاتى، سيدهاشم، درس هاى از تاريخ تحليلى اسلام تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، 1371 ش.
24. زمخشرى، الكشاف عن حقائق التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل تحقيق: عبدالرزاق المهدي بيروت: دار إحياء التراث العربى بى تا.
25. سبجاني، جعفر، فروغ ابدیت، قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت عليهم السلام
26. سيوطى، جلال الدين، الدر المنثور، بيروت، دارالفكر، 1403 ق.
27. شيخ صدوق (م 381 ق)، الاعتمادات الإماميه، قم: كنگره شيخ مفيد،

28. شيخ صدوق، علل الشرايع، قم: كتابفروشى داورى، 1966 م - 1385 ش.
29. طباطبايى، محمد حسين، تفسير الميزان، ناشر قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بي تا.
30. طبرسى، ابوعلی فضل بن الحسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى، 1403 ق.
31. طبرسى، ابوعلی فضل بن الحسن، مجمع البيان، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى، 1356 ق.
32. طبرى، جامع البيان في تأويل القرآن، تحقيق: أحمد محمد شاكر، ناشر: مؤسسه الرسالة، 1420 ق - 2000 م.
33. طبرى، محمد بن جرير، تاريخ الامم و الملوك، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم بيروت: دارالتراث، 1387 ق - 1967 م.
34. عاملى، جعفر مرتضى، الصحيح من سيرة النبي الاعظم، بيروت: دار السيرة، 1400 ق .
35. عبدالملك بن هشام، السيرة النبويه، تحقيق: مصطفى السقا و ديكران، بيروت: دارالمعرفة، بي تا.
36. قاضى عياض (م 544)، الشفا بتعريف حقوق المصطفى، حاشيه: أحمد بن محمد بن محمد الشمنى بي تا
37. كلينى، محمد بن يعقوب، اصول كافي، قم: دارالحديث، 1429 ق.
38. محمد بن سعد، طبقات الكبرى تحقيق: محمد عبدالقادر عطاء، بيروت: دارالكتب، 1410 ق-1990 م.
39. محمد ناصرالدين الألباني، دفاع عن الحديث النبوى والسيرة، دمشق: منشورات مؤسسه و مكتبة الخافقين بي تا
40. مسعودى، مروج الذهب، تحقيق: اسعد داغر، قم: دارالهجره، 1409 ق.
41. مسلم بن حجاج (م 261 هـ-)، الصحيح، تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقي،

بیروت: دار احیاء، بی تا.

42. ویلفرد مادلونگ، جانشینی حضرت محمد صلی الله علیه و آله، ترجمه: جواد قاسمی و دیگران، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، 1385 ش.

43. هاشم معروف الحسنی، جنبش های شیعی در تاریخ اسلام، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، 1379 ش.

44. هدایت پناه، محمدرضا، زبیریان و تدوین سیره نبوی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1391 ش.

ص: 505

خدیجه کبری علیها السلام مایه آرامش و پشتوانه رسول الله صلی الله علیه و آله: سید محمد نجفی یزدی

حضرت خدیجه کبری علیه السلام همسر فداکار پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله حقی عظیم بر عالم اسلام و بلکه بشریت دارد به گونه ای که کم تر کسی را می توان با ایشان در این امتیاز برابر دانست. اقدامات بنیادین و تحولات عمیق در میان یک جامعه به ویژه اگر جنبه فرهنگی و سیاسی داشته باشد، علاوه برداشتن رهبری آگاه و زیرک و مقاوم، نیاز به یاران و طرف دارانی فهمیده و مقاوم و امکاناتی ویژه دارد تا بتواند بر مشکلات فائق آید.

این مشکلات و موانع وقتی عظیم و سنگین می شود که از طرفی رهبری انقلاب با نفرات اندک بخواهد نه تنها با فرمانروایان فاسد و حکام ظالم درگیر، شود بلکه عقاید و سنن مردم را نیز به چالش بکشد و آن ها را به شدت تخطئه کند

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در محیطی مبعوث شدند که به جاهلیت معروف است و سراسر آن از نادانی و شرک و ستم و ظلمت پر بود؛ افرادی بی فرهنگ و خشن و لجوج و ستمکار بودند با آداب و رسومی سخت و گاهی وحشیانه در این محیط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نه تنها با حاکمان وقت، بلکه با پایه های عقیدتی جامعه به ستیز پرداختند؛ مسأله ای که سبب شد مردم و حاکمان، همگی به مقابله با ایشان برخیزند. از طرفی چون آغاز شروع انقلاب اسلامی بود، اسلام قدرتی نداشت تا بتواند با این همه مخالفان سرسخت، مقابله کند.

وقتی آغاز انقلاب اسلامی ایران را با انقلاب اسلامی پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در صدر اسلام مقایسه می کنیم به حساسیت فوق العاده آن دوران پی می بریم

انقلاب اسلامی ایران در مقابل رژیم سفاک تا بن دندان مسلح ایستاد و امتیاز ویژه آن حمایت گسترده مردم از آن بود که بر همه توطئه های شیطانی پیروز گردید. ولی پیامبر صلی الله علیه و آله زمانی که اسلام را اظهار کردند، نه تنها حاکمان ستمگر علیه ایشان بودند بلکه برخی افراد جامعه نیز به مخالفت پرداختند و آن حضرت می بایست بر همه این مشکلات غلبه می کردند. در این وضعیت حساس و فوق العاده اگر حمایت های ویژه در کار نباشد چه بسا دشمنان در همان روزهای اولیه حضرتش را نابود می کردند به این جهت است که خداوند حکیم حمایت های ویژه ای را از حضرتش انجام داد تا فرصت رشد اسلام پیدا شود و نهال اسلام پا بگیرد و بتواند روی پای خویش بایستد.

امدادهای الهی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دو گونه انجام می شد:

گاهی به صورت امداد غیبی بود مثل تأیید با روح القدس و آرام کردن قلب پیامبر صلی الله علیه و آله با فرستادن آرامش و نیروهای غیبی (فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا)؛ (1) «خداوند آرامش را بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد و او را با لشکریانی که ندیدید، یاری داد». (إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَتَيَّبُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ ...) (2) و گاهی مستقیم فرشته ها را به کمک مسلمانان می فرستاد: (إِذْ نَسَّ مَغِيثُونَ رَبَّهُمْ فَاسَتْ تَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى وَ لِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَ مَا التَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) (3)

چه بسیار نقشه های شومی که دشمنان علیه شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کشیدند و خداوند توسط جبرئیل یا مستقیم حضرتش را آگاه و توطئه آن ها را دفع کرد.

نوع دوم امدادهای علنی الهی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سال های سخت و غربت اسلام بود. این کمک ها در مکه عمدتاً توسط چند شخصیت بزرگ و

ص: 507

1- سوره توبه، آیه 40

2- سوره انفال آیه 12

3- سوره انفال، آیه 9-10.

فداکار رخ داد حضرت ابوطالب و همسر بزرگوارش فاطمه بنت اسد و فرزندش علی بن ابی طالب و نیز حضرت خدیجه علیها السلام.

در تاریخ آمده است: مدتی جناب ابوطالب، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله را ندید؛ اطراف مکه را تفحص کرد ولی حضرت را نیافت؛ سخت نگران شد و پنداشت که قریش حضرت را کشته یا گرفتار کرده اند. دستور داد تا بیست نفر خنجر بردارند و هر یک نزد یکی از بزرگان قریش که در آن وقت نزد کعبه جلسه داشتند بروند و به آن ها گفت من همه جا را گشته ام فقط یک طرف مانده است می روم چون بازگشتم اگر محمد صلی الله علیه و آله با من بود که هیچ و گرنه هر کدام از شما باید آن بزرگی را که کنارش نشسته بکشد!» مأموران خنجرها را تیز کردند و هر یک کنار بزرگی از قریش نشستند. جناب ابوطالب به دنبال حضرت رسول صل الله علیه و آله روان شد تا آن که حضرتش را در پایین مکه یافت که مشغول نماز بود. خود را بر او انداخت و او را بوسید، دستش را گرفت و گفت: ای برادرزاده نزدیک بود قوم خود را نابود کنی! برخیز با من بیا!»

وقتی جناب ابوطالب با پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و در مقابل قریش و مأموران خود قرار گرفت؛ در حالی که خشم از چهره او هویدا بود به مأموران گفت: «سلاح خود را نشان بدهید!» وقتی نشان دادند مشرکان پرسیدند: «این خنجرها برای چیست؟» فرمود: «دو روز پیامبر صلی الله علیه و آله را ندیده بودم ترسیدم شما حيله کرده باشید. دستور دادم این افراد، کنار شما باشند و اگر من تنها برگشتم، هر کدام یکی از شما را بکشد. - و لا یستأذنی و لو کان هاشمیاً- از من اجازه نگیرد هر چند هاشمی باشد». آن ها با تعجب گفتند: «به راستی تو این کار را می کردی؟» گفت: «به خدای این کعبه که انجام می دادم!» (1)

در نمونه ای دیگر آمده است:

قریش شتری را کشته و بر سنگ مخصوص بتی قرار داده بودند؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از کنار آن ها گذشتند و به آن ها سلام نکردند، آن ها این عمل را توهین

ص: 508

به خود تلقی کردند و پیشنهاد دادند تا یک نفر برود و نماز حضرت را به هم بزند! عبدالله بن زبیری داوطلب شد و کثافات و خون حیوانی را برداشت و در حالی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در سجده، بودند آن را بر حضرت ریخت!

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله بعد از نماز نزد عموی گرامی خود ابوطالب آمدند و فرمودند: «ای عمو! من کیستم؟» عرض کرد: «چه شده برادرزاده؟» حضرت ماجرا را گفتند ابوطالب عرض کرد «کجا بودند؟» فرمود: «در ابطح».

جناب ابوطالب در میان قوم خود ندا داد: «ای آل عبدالمطلب، ای آل هاشم ای آل عبد مناف!» خاندان مذکور از هر طرف آمدند فرمود: «چند نفرید؟» گفتند: «چهل نفر» فرمود: «سلاح های خود را بردارید!» سپس نزد قریش آمد. قریش با دیدن ابوطالب خواستند متفرق شوند فرمود: «سوگند به پروردگار این خانه، هر کس برخیزد، با شمشیر با او برخورد می کنم!» آن گاه روی سنگی سخت رفت و با سه ضربت آن را خرد کرد. سپس گفت: «ای محمد صلی الله علیه و آله پرسیدی: کیستی؟» سپس در حالی که به حضرت اشاره می کرد اشعاری فصیح در مدح حضرت سرود:

انت النبی محمد قرّم اغرّ مسوّد...

گفت: «چه کسی آن کار را با تو کرد؟» پیامبر صلی الله علیه و آله عبدالله بن زبیری را نشان دادند.

جناب ابوطالب او را آورد و چنان بر بینی او کوفت که خونین شد. سپس دستور داد تا کثافات و خون را بر سر تمام آن جمعیت ریختند! آن گاه فرمود: «ای برادرزاده آیا راضی شدی؟!» تو پرسیدی که کیستی؟ تو محمد بن عبدالله بن...» و نسب حضرت را تا حضرت آدم علیه السلام برشمرد. آن گاه گفت: «به خدا سوگند که تو بر همه آن ها (پدران خود) از نظر حسب و نسب برتری». سپس به قریش فرمود: «هر کس می خواهد حرکت کند من آن هستم که می شناسید». (1)

در روایت آمده که ابوطالب چنان در شعب از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مراقبت

ص: 509

می کرد که شب ها هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به بستر می رفتند، جناب ابوطالب می آمد و ایشان را بلند می کرد و حضرت علی علیه السلام را جای او می خواباند و فرزندان خود و برادر را بر حضرت می گمارد. (1)

آری جناب ابوطالب، حامی بزرگ اسلام و پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در آن روزهای سخت و غربت اسلام بود که وجود او از امدادهای بزرگ الهی محسوب می شد؛ البته نقش ممتاز همسر والا مقام وی حضرت فاطمه بنت اسد و عشق و فداکاری او در نگه داری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم را در کودکی تا بزرگسالی نباید فراموش نمود، به گونه ای که وقتی حضرت امیر علیه السلام خبر رحلت وی را به پیامبر صلی الله علیه و آله داد حضرت فرمودند: «به خدا سوگند مادر من نیز بود که از دنیا رفت» و فرمود: «او بچه های خود را گرسنه می گذارد و مراسم می کرد؛ مرا می پوشاند و معطر می کرد و با فرزندان خود نمی کرد» (2)

این زن و شوهر، بزرگوار از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله تا پنجاه سالگی، همه جانبه حمایت کردند و عالم اسلام را تا ابد مدیون خویش نمودند، هر چند عده ای به جهت سیاسی در حق اینان جفا کرده اند.

یاور بزرگ و فداکار دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم که نقشی بی بدیل در حمایت حضرت و ترویج اسلام داشت و از امدادهای ویژه الهی برای حفظ و پیشبرد اسلام به شمار می آمد، جناب خدیجه کبری علیها السلام بود. وی حدود 24 سال در سخت ترین اوضاع در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و پشتوانه آن حضرت بود: چهارده سال قبل و ده سال بعد از بعثت. هیچ یک از دیگر همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، توفیق همراهی با حضرت را در این مدت طولانی نداشته است؛ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا حضرت خدیجه علیها السلام زنده، بود همسری دیگر انتخاب نکردند و همه همسران حضرت بعد از رحلت جناب خدیجه علیها السلام با حضرت بودند که زمان آن به چهارده سال هم نمی رسد. آن هم در زمان پیشرفت اسلام و آغاز شکوفایی آن

ص: 510

1- همان، ص 93

2- همان، ص 71.

و هرگز مانند جناب خدیجه علیها السلام فداکاری نکردند؛ بلکه برخی از آن‌ها در آیات قرآن به جهت برخی مطالب نکوهش شده اند قرآن مجید به صراحت به برتری امثال خدیجه کبری علیها السلام اشاره می‌کند و می‌فرماید:

(لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا...) (1)

یکسان نیست کسی از شما که قبل از پیروزی در راه خدا انفاق کرد و جهاد نمود؛ اینان نزد خداوند برترند از کسانی که بعداً انفاق کردند و جهاد نمودند.

خدیجه کبری علیها السلام از جهات مختلف به جهاد در راه خدا و حمایت از اسلام در آن روزگار سخت پرداخت خداوند آن بانورا در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد تا مصداق سکینه و آرامش الهی باشد که خدا بر حضرتش نازل می‌نمود

خداوند متعال همسران را به عنوان آرامش برای شوهران معرفی می‌فرماید:

(وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ..) (2)

از نشانه‌های خداوند این است که برای شما از خودتان همسرانی آفرید تا نزد آن‌ها آرامش یابید و میان شما دوستی و مهربانی قرار داد.

و خدیجه کبری علیها السلام این وظیفه سنگین را به خوبی انجام می‌داد.

می‌دانیم پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله دریایی است با عظمت که در اثر بادهای ساده متلاطم نمی‌شود ولی طوفان‌های سهمگین که در سال‌های سخت آغازین نبوت ایجاد می‌شد، نیاز به آرامش بخشی داشت و خداوند این وظیفه مهم را به خدیجه کبری علیها السلام محول نمود و او در مقابل طوفان‌های سهمگین، چنان به زیبایی رفتار کرد که آرامش بخش شخصیتی چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گشت. آری او رکن و پشتوانه برترین و صبورترین شخصیت عالم امکان بود.

در تاریخ آمده است:

ص: 511

1- سوره حدید، آیه 10.

2- سوره روم، آیه 21

كان رسول صلى الله عليه و اله لا يسمع شيئاً يكرهه من ردّ عليه و تكذيب له فيحزنه الا فرج الله عنه بخديجة اذا رجع اليها تثبته و تخفف عنه و تصدّقه و تمون عليه امر الناس حتى ماتت. (1)

حضرت خديجه عليها السلام اولين كسى بود كه به خدا و رسول او ايمان آورد و پيامبر صلى الله عليه و آله را در آن چه از جانب خداوند آورد تصديق نمود و او را در برنامه اش يارى داد. خداوند به اين وسيله مشكلات را بر حضرت سبک نمود پيامبر گرامى صلى الله عليه و آله هر چه پر خاش و تكذيب مى شنيد خداوند به وسيله خديجه عليها السلام غم ها را از او مى زدود او به حضرت قوت دل مى داد و مشكلات را برابر حضرت سبک مى نمود. اين كار ادامه داشت تا آن بانوى بزرگ از دنيا رحلت نمود (2) در عظمت و فداكارى آن بانو همين بس كه در مورد او گفته شده است:

(كَانَتْ خَدِيجَةَ وَزِيرَةَ صِدْقٍ عَلَى الْإِسْلَامِ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَسْكُنُ إِلَيْهَا)؛ (3)

جناب خديجه عليها السلام وزير و كمك كار راستينى بر اسلام بود و پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله نزد او آرامش مى يافت.

او اين كار را عاشقانه و صميمانه انجام مى داد و به شدت مراقب حضرت بود. در تاريخ آمده است:

روزي چهره پيامبر صلى الله عليه و آله را سخت غمگين يافت؛ عرض كرد: «در چهره شما نشانه هاى اندوهى مى بينم كه از آغاز ازدواج تاكنون شما را اين گونه ندیده ام جريان چيست؟»

حضرت فرمود: «از على بى خبرم مى ترسم نادانان به او آسيب برسانند!»

حضرت خديجه عليها السلام عرض كرد: «بر شتر سوار مى شوم و آن قدر جست جو مى كنم تا او را پيدا كنم يا مرگ مى انديم و او جدابى اندازد!» سپس در تاريخى شب دلاورانه بر شتر سوار شد و کنار كوه هاى مكه به جست جوى حضرت على پرداخت تا آن كه در تاريخى قيافه شخصى را ديد براى آن كه مطمئن

ص: 512

1- سيره ابن هشام، ج 1، ص 224؛ الاستيعاب، ج 4، ص 1820؛ الاصابه، ج 4، ص 281.

2- بحار الانوار، ج 16، ص 10.

3- همان ص 11.

شود بر او سلام کرد از صدای جواب سلام معلوم شد او حضرت علی علیه السلام است شتر را خواباند و به ایشان گفت: «پدر و مادرم فدایت! بر شتر سوار شو!» امام علی علیه السلام فرمود: «تواز من سزاوارتری، سوار شو و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برو تا من بیایم!» وقتی حضرت خدیجه علیها السلام به خانه آمد دید پیامبر صلی الله علیه و آله کنار درب در حالی که دست بر سینه می کشید می گفت: «خدایا اندوهم را برطرف نما و جگرم را با دیدن حبیب من خنک نما!» و سه بار این دعا را تکرار کرد.

جناب خدیجه علیها السلام عرض کرد: «خداوند دعایت را مستجاب نمود و اینک بر تو مژده باد!» و آمدن حضرت علی علیه السلام را بشارت داد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم که از شنیدن این مژده خوشحال شد برخاست و در حالی که دست ها را به سوی آسمان بلند نموده بود، یازده مرتبه گفت: «شکراً للمجیب»؛ «از خداوندی که اجابت کننده است سپاس گزارم!». (1)

فداکاری فوق العاده حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام نه تنها در میان خانه به تسکین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می پرداخت بلکه در بیرون خانه نیز به صورت جدی از حضرت مراقبت می کرد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در آغاز بعثت به مدت چند سال، به جهت اوضاع سخت و محیط نامناسب، مکه از دعوت علنی مردم خودداری نمودند و تنها امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام به حضرت اقتدا کرده با او بودند (2) تا آن که آیه 94 و 95 سوره مبارکه حجر (فَاَصْدَقْ بِمَا تُؤْمَرُ وَاعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ)؛ «آن چه را مأمور شده ای اظهار کن و به کارشکنی مشرکان اعتنا نکن!» نازل شد.

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در موسم حج در موسم حج که اوج حضور مردم مکه و اطراف آن بود، بالای کوه صفا آمدند و با صدای بلند سه بار فرمودند: «ای مردم من فرستاده پروردگار جهانیان هستم». و مردم با شگفتی به حضرت خیره شدند. سپس

ص: 513

1- همان، ج 40، ص 65 با تلخیص

2- شیخ صدوق، کمال الدین، ص 197.

بالای کوه مروه آمدند و در حالی که دست‌ها را بر گوش نهاده بودند، سه مرتبه با صدای بلند فرمودند: «ای مردم من فرستاده خداوند هستم».

مشرکان با چهره خشم آلود به حضرت می‌نگریستند. در این هنگام ابوجهل سنگی به سوی حضرت پرتاب کرد که میان دو چشم حضرت شکافته شد و به دنبال، او مشرکان حضرت را سنگ باران کردند پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله برای محافظت خود به سرعت به طرف قله کوه شتافتند و مشرکان حضرت را تعقیب کردند. در این هنگام مردی نزد حضرت علی علیه السلام آمد و گفت: «محمد صلی الله علیه و آله کشته شد!» حضرت علی علیه السلام سراسیمه به سوی خانه خدیجه علیها السلام آمد. پرسید: «محمد صلی الله علیه و آله کجاست؟» حضرت فرمود: «نمی‌دانم؛ خیر دادند که مشرکان او را سنگ باران کرده‌اند. نمی‌دانم آیا او زنده است یا کشته سپس همراه خدیجه علیها السلام با مقداری آب و غذا در جستجوی حضرت به طرف کوه رفتند. حضرت علی علیه السلام به خدیجه علیها السلام فرمود: «شما به طرف دره برو و من بالای کوه می‌روم». حضرت علی علیه السلام فریاد می‌زد: «یا رسول الله جانم به فدایت کجایی؟» و حضرت خدیجه علیها السلام می‌گفت: «چه کسی از پیامبر صلی الله علیه و آله برگزیده برایم خبر می‌آورد؟ کیست که از آن یار پسندیده مرا با خبر کند؟ کیست که از آن رانده شده در راه خدا خبر آورد؟ چه کسی از ابوالقاسم به من خبر می‌دهد؟»

در این هنگام جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد؛ با دیدن او، اشک از چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله سرازیر شد و فرمود: «آیا می‌بینی که قوم من با من چه کردند؟ مرا تکذیب نمودند و از میان خود راندند و به من حمله ور شدند.»

جبرئیل عرض کرد «ای محمد دستت را به من بده!» آن‌گاه دست حضرت را گرفت و بالای کوه، برد فرشی بهشتی آورد و حضرت را روی آن نشانید و سپس فرشتگان مقرب الهی هر یک به ترتیب به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و از حضرت اجازه خواستند تا مشرکان را نابود نمایند. حضرت فرمود: «من برای عذاب مبعوث نشده‌ام بلکه برای رحمت بر جهانیان برانگیخته شدم. مرا با قوم من به

خود وا گذارید! آن ها ناگاهند».

در این هنگام جبرئیل به حضرت خدیجه علیها السلام که در دامنه کوه در جستجوی پیامبر صلی الله علیه و آله بود نگاه کرد و به حضرت عرض کرد: «آیا خدیجه علیها السلام را نمی بینی که از گریه او فرشتگان آسمان گریستند؟ او را به سوی خود بخوان و سلام مرا به او برسان و به او بگو: خداوند به تو سلام می رساند و به او مژده خانه ای در بهشت بده که از قطعه ای بلوری ساخته شده و با طلا زینت گردیده است. خانه ای که در آن هیچ رنج و نگرانی نیست».

پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه علیها السلام را دیدند و او را صدا زدند در حالی که خون از صورت حضرت سرازیر بود و حضرت آن خون ها را پاک می کردند، خدیجه علیها السلام با دیدن چهره خونین پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: پدر و مادرم به فدایت! بگذار قطرات خون چهره ات بر زمین بریزد و این مردم دچار عذاب شوند». حضرت فرمود: «می ترسم زمین بر اهل خود غضب کند» سپس چون هوا تاریک شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام به خانه بازگشتند خدیجه علیها السلام که بر حضرت احساس خطر کرده بود ایشان را در اتاقی جای داد که دیوارها و سقف آن از سنگ بود و خود مقابل حضرت ایستاد و حضرت را مخفی می داشت. مشرکان چون خبردار شدند، آمدند و خانه حضرت را سنگ باران کردند دیوارها و سقف سنگی مانع نفوذ سنگ ها می شد ولی از رویه روی حضرت، سنگ هایی به طرف ایشان می آمد که حضرت خدیجه علیها السلام با فداکاری خود را در مقابل آن سنگ ها قرار داد تا به بدن پیامبر صلی الله علیه و آله اصابت نکند و فریاد برآورد: «ای گروه قریش! آیا زن آزاد را در خانه خود سنگ باران می کنید؟» مشرکان با شنیدن این ندا ادامه نداند و بازگشتند... (1)

بعد دوم فداکاری خدیجه کبری علیها السلام برای اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فدا کردن شخصیت اجتماعی خویش بود که در اصرار وی بر ازدواج با آن حضرت صورت گرفت حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آن زمان از حیثیت اجتماعی برخوردار نبود و او

ص: 515

را به عنوان یتیم ابوطالب می شناختند ولی جناب خدیجه علیها السلام دارای موقعیت اجتماعی عظیمی بود. وی فرزند خویلد بن اسد بن عبدالعزّی ابن قصی بن کلاب بود و قصی جد چهارم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شمار می آمد. پدر ایشان جناب خویلد، به جهت مقاومت در مقابل تُبّع، فرمان روای یمن که شهر مکه را تسخیر کرد و می خواست حجر الاسود را با خود به یمن برد مشهور گشت؛ زیرا وی با این فرمان مخالفت کرد و مردم نیز به دنبال وی مقاومت کردند به گونه ای که تُبّع از تصمیم خود منصرف شد و این فداکاری خویلد و شجاعت وی زبازد مردم گشت (1) از طرف دیگر به جهت زیبایی، تجمل و درایت فراوان و نیز عفاف و طهارت روحی در جاهلیت به «طاهره» مشهور بود (2) و در تاریخ از او به عنوان بانویی دور اندیش با فکر و شریف نام برده شده است. (3) از همه مهم تر ثروت انبوه او بود که با آن به تجارت می پرداخت و نزد مردم مکه بسیار معروف بود، به گونه ای که بزرگانی از وی خواستگاری کردند ولی او نپذیرفت تا آن که خود پیشنهاد ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله را مطرح کرد. آری جهاد مهم حضرت خدیجه علیها السلام در نادیده گرفتن موقعیت اجتماعی خویش و انتظارات اقوام و وابستگان خود و فدا کردن همه این ها در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود به گونه ای که مردم از وی بریدند و گفتند: «خدیجه علیها السلام با آن همه حشمت و شوکت با یتیم ابوطالب که تهی دست است ازدواج کرده آیا این عار و ننگ نیست؟» (4)

آن ها به گونه ای از خدیجه علیها السلام اعراض کردند که حتی حاضر نشدند به استمداد او هنگام زایمان پاسخ دهند و با کمال گستاخی گفتند: «تو با ما مخالفت کردی و به سخن ما اعتنا نکردی و با یتیم ابوطالب که شخص فقیر بود ازدواج کردی. ما هرگز نزد تو نمی آییم و تو را در هیچ کاری یاری نمی کنیم». (5)

ص: 516

1- الروضه الانف، ج 2، ص 213

2- اسد الغابه، ج 6، ص 86

3- همان ص 83؛ الطبقات الکبری، ج 1، ص 131.

4- بحار الانوار، ج 16، ص 81.

5- همان، ص 80

حضرت خدیجه علیها السلام چنان حیثیت خود را فدای اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمود که با آن همه موقعیت و شرافت و امکانات مادی، حاضر شد در شعب ابی طالب و محاصره بی رحمانه قریش سه یا چهار سال سخت ترین وضعیت روحی و جسمی و امنیتی را تحمل کند و سرانجام اندکی پس از خروج از شعب، جان به جان آفرین تسلیم نمود.

جهت سوم فداکاری فوق العاده حضرت خدیجه علیها السلام بخشش دارایی انبوه خویش برای اسلام و در اختیار گذاردن آن نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. ثروتی بس انبوه که بسیاری از مردم مکه با آن به تجارت می پرداختند. برخی نوشته اند: هشتاد هزار شتر اموال تجارتهی او را به اطراف جزیره العرب و خارج از آن به مصر و حبشه و روم و شام و... حمل می کردند و چهار صد غلام و کنیز زیر نظر او به امور وی می رسیدند (1).

پر واضح است که هر انقلابی به ویژه در اوایل ظهورش به امکانات فراوانی برای پیشبرد اهداف خود نیاز دارد که جزء با تأمین مسائل مادی محقق نمی گردد. انقلاب اسلامی پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در آن دوران بسیار سخت، از اموال جناب خدیجه علیها السلام بسیار بهره برد و بالاترین تأثیر را در حفظ و تبلیغ اسلام و مسلمانان بر جای نهاد در آن وضعیت تنها ثروت بابرکت جناب خدیجه علیها السلام به کمک مسلمانان بینوا و آزاد کردن برده ها و خدمت به مسلمانانی آمد که اموال آن ها مصادره شده و در سخت ترین فشار قرار داشتند (2) به همین جهت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هیچ مالی هرگز به من سود نبخشید آن گونه که ثروت خدیجه به من سود بخشید. (3)

طبق روایات، آیه کریمه (وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى)؛ «خداوند تو را فقیر یافت و بی نیاز ساخت» به ثروت حضرت خدیجه علیها السلام اشاره دارد که خداوند،

ص: 517

1- همان، ص 22

2- همان، ج 19، ص 62

3- همان، ص 63

پیامبر صلی الله علیه و آله را به وسیله آن بی نیاز نمود. (1) به ویژه در وضعیت سخت شعب ابی طالب که مسلمانان از جهت اقتصادی به شدت در محاصره بودند و حتی صدای ناله اطفال گرسنه آنان به گوش می رسید و جز در وقت حج قدرت بیرون آمدن نداشتند. (2)

علامه مامقانی می گوید:

این افتخار و شرافت که بالاترین افتخارهاست برای حضرت خدیجه علیها السلام بس که اسلام جز با مال او و شمشیر علی بن ابی طالب پا نگرفت و این مطلب در روایات متواتر آمده است. (3)

این گونه بانوی بزرگ، اسلام از ابعاد مختلف به حمایت از اسلام و پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله پرداخت و با اخلاق و درایت باعث آرامش پیامبر صلی الله علیه و آله در خانه بود و با تلاش خستگی ناپذیر در دفاع از حضرت همه دارایی خویش را در راه اسلام تقدیم کرد لذا حقی عظیم بر مسلمانان پیدا کرد. او همه این فداکاری های عظیم را از صمیم قلب و خالصانه و با کمال عشق و صفا به پیامبر صلی الله علیه و آله و اسلام عرضه داشت و به درستی مصداق بزرگ آیه (لا یستوی منکم من أنفق من قبل الفتح و قاتل...) بود. (4)

به راستی حضرت خدیجه علیها السلام، از بزرگ ترین پشتوانه های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اسلام بود که وجود او را باید امداد بزرگ الهی همتای نزول ملائکه در جنگ بدر و تأیید روح القدس و نزول آرامش بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دانست که در دوران بسیار حساس و سرنوشت ساز خداوند او را به کمک پیامبرش فرستاد و این گونه بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هرگز او و فداکاری هایش را فراموش نکرد. در روایت است:

(كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا ذَكَرَ خَدِيجَةَ لَمْ يَسَأْ مِنْ ثَنَاءِ عَلَيْهَا وَاسْتِغْفَارِ لَهَا)؛ (5)

ص: 518

1- همان، ج 35، ص 425

2- بحار الانوار، ج 19، ص 16؛ اعلام الوری، ج 1، ص 125.

3- تنقیح المقال، فصل النساء، ج 3، ص 77

4- سوره حدید آیه 10

5- بحار الانوار، ج 16، ص 12.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وقتی یاد خدیجه علیها السلام می کردند، از تمجید و تعریف و استغفار برای او خسته نمی شدند.

حضرتش بسیار از خدیجه علیها السلام یاد می نمودند و حتی نزد بانوان دیگر خود از او تجلیل می کردند به گونه ای که عایشه به شدت از این روش پیامبر صلی الله علیه و آله خشمگین می شد و می گفت:

من آن گونه که بر خدیجه علیها السلام رشک می بردم بر هیچ یک از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله رشک نبردم با آن که هرگز خدیجه علیها السلام را ندیدم؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام بسیار یاد می کرد؛ چون گوسفندی قربانی می نمود و آن را قسمت کرده نزد بانوانی که از دوستان خدیجه علیها السلام بودند می فرستاد و من می گفتم: گویا در عالم جز خدیجه علیها السلام، بانویی نیست... (1)

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در میان همسران خود بودند که سخن از حضرت خدیجه علیها السلام شد. حضرتش چنان متغیر شدند که قطره های اشک از چشم های مبارکش سرازیر شد. عایشه به حضرت گفت: «چرا گریه می کنی؟ آیا برای پیرزن گندمگونی از خاندان اسد باید گریست؟» حضرت فرمود:

او مرا تصدیق کرد وقتی شما تکذیب کردید و به من ایمان آورد وقتی شما به من کفر ورزیدید و برای من فرزند آورد، وقتی شما عقیم بودید. (2)

روزی دیگر وقتی هاله خواهر خدیجه علیها السلام به مدینه برای زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به یاد عزیز از دست رفته اش افتاد و بر خود لرزید عایشه گفت: «چقدر از پیرزن قریش که سالخوردگی صورتش را چروک کرده بود یاد می کنی با آن که روزگار او را نابود کرده و خداوند، همسری بهتر از او به شما داده است».

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله با شنیدن این سخن چنان خشمگین شدند که موی جلوسر حضرت لرزید و فرمود:

لا والله ما أبدلني خيرا منها، نه به خدا سوگند، خداوند هیچ گاه بهتر از

ص: 519

1- اسد الغابه، ج 6، ص 87؛ سید محمد علی صالح قزتی، السیده خدیجه، ص 115.

2- بحار الانوار، ج 16، ص 8؛ کشف الغمه، ج 2، ص 72

خدیجه علیها السلام به من نداده است! او به من ایمان آورد وقتی مردم به من کفر ورزیدند و مرا تصدیق کرد وقتی مردم مرا تکذیب کردند و هنگامی با ثروت خویش به یاری من شتافت که دیگران مرا محروم ساختند و خداوند از او به من فرزندان داد که از دیگر زنان داد... (1)

خداوند نیز از این بانوی عظیم الشان قدردانی نمود و پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام فرمود:

(إِنَّ اللَّهَ لَيُبَاهِي بِكَ كِرَامَ مَلَائِكَتِهِ كُلِّ يَوْمٍ مَرَارًا)؛ (2)

خداوند به تو هر روز چند بار بر ملائکه بزرگوار خود مباحثات می کند

امام باقر علیه السلام از قول پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

شب معراج وقتی برگشتم به جبرئیل گفتم: «آیا خواسته ای داری؟» او گفت: «خواسته من آن است که از جانب خداوند و از جانب من بر خدیجه علیها السلام سلام برسانی!» و چون حضرت سلام را ابلاغ نمود، حضرت خدیجه علیها السلام گفت: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ، وَمِنْهُ السَّلَامُ، وَإِلَيْهِ السَّلَامُ، وَعَلَى جِبْرِئِيلَ السَّلَامُ». (3)

سلام و صلوات خداوند بر آن روح قدسی و مطهر بانوی فداکار اسلام و سکینه الهی و امداد بزرگ خداوند در نصرت اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بر شوهر و دختر فرزانه و ائمه طاهرین از نسل پاک او باد که افتخار بانوان جهان و همه مسلمانان به ویژه آل محمد صلی الله علیه و آله است.

ص: 520

1- اسد الغابه، ج 6، ص 87.

2- بحار الانوار، ج 16، ص 78

3- همان، ص 7؛ الاستیعاب ج 4، ص 1821

مشخصات کتاب

مجموعه مقالات همایش

صدف کوثر

حضرت خدیجه علیها السلام

جلد سوم

جامعه المصطفی العالمیه

دبیر علمی همایش: ناصر رفیعی محمدی

مسئول همایش: محمد جواد زارعان

مدیر اجرایی همایش: محمد صادق دهقان نژاد

*مراکز همکار:

جامعه الزهراء علیها السلام، مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران، مجتمع عالی بنت الهدی، پژوهشگاه قرآن و حدیث

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم شهناز محققیان

ص: 1

اشاره

مجموعه مقالات همایش

صدف كوثر

حضرت خديجه عليها السلام

جلد سوم

جامعه المصطفى العالميه

ص: 3

دبیر علمی همایش: ناصر رفیعی محمدی

مسئول همایش: محمد جواد زارعان

مدیر اجرایی همایش: محمد صادق دهقان نژاد

* اعضای شورای علمی (به ترتیب الفبا):

رسول عبداللهی

علی نقی خدایاری

قاسم جوادی (صفری)

محمد جواد زارعان

محمد علی رضایی اصفهانی

محمد عظیمی

مهدی قائمی امیری

ناصر باقری بیدهندی

ناصر رفیعی محمدی

* مراکز همکار:

جامعه الزهراء علیها السلام، مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران، مجتمع عالی بنت الهدی، پژوهشگاه قرآن و حدیث

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم شهناز محققیان

ص: 4

سخن دبیر علمی همایش... 18

حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل تسنن: معصومه بهرامی... 19

حضرت خدیجه علیها السلام از منظر پیامبر صلی الله علیه و آله در احادیث اهل سنت: ابوطالب علی نژاد... 39

فضایل حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت: روح الله باقر... 65

حضرت خدیجه کبری علیها السلام در سخنان ابن تیمیه: عبدالمجید زهدات... 80

ویژگی های ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت هندوستان: سید معراج مهدی رضوی... 103

تحریف تاریخ درباره حضرت خدیجه علیها السلام: سید محمد حسین جلال زاده میبدی... 129

نقد و بررسی آراء کارن آرمسترانگ درباره حضرت خدیجه علیها السلام با تأکید بر کتاب زندگانی حضرت محمد صلی الله علیه و آله:

هاجر رضایت... 160

حضرت خدیجه علیها السلام در اندیشه گیورگیو: زهرا مهرجویی... 184

گزارش و نقد محتوایی سیمای حضرت خدیجه علیها السلام در آثار شرق شناسان: شهناز کریم زاده سورشجانی... 193

بررسی جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در دائره المعارف قرآن لیدن: سکینه آخوند... 222

سیمای خدیجه کبری علیها السلام در شعر فارسی با تأکید بر سروده های آیینی معاصر: سید جمال الدین موسوی... 242

بررسی مقاله "خدیجه" در دائره المعارف قرآن لیدن: جعفر هوشیاری، محمدحسن زمانی...277

تحلیل گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله در ستایش خدیجه کبری علیها السلام: ابرار حیدری...301

سیمای حضرت خدیجه علیها السلام در دیوان امام علی علیه السلام: بهاره رحیمی خلیل اللهی...324

تطور گزارش های تاریخی درباره حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت تا قرن پنجم هجری: رویا باقری...337

ص: 6

سخن دبیر علمی همایش...18

حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل تسنن...19

مقدمه...19

واکاوی شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل تسنن...20

جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در اسلام...28

محبوبیت حضرت خدیجه علیها السلام نزد رسول خدا رسول صلی الله علیه و آله...30

حضرت خدیجه علیها السلام و زنان پیامبر صلی الله علیه و آله...34

نتیجه...37

منابع...38

حضرت خدیجه علیها السلام از منظر پیامبر صلی الله علیه و آله در احادیث اهل سنت...39

مقدمه...40

سلام خدا به خدیجه علیها السلام...42

توضیح روایت...43

قصر بهشتی برای خدیجه علیها السلام...45

توضیح روایت...46

الف) گریه برای خوف و خشیت الهی...46

ب) خواندن نماز مستحبی در شب های رمضان...46

ج) ساختن مسجد...47

د) بنده مؤمن آزاد کردن...47

و) خواندن دوازده رکعت نماز مستحبی در هر روز...47

اظهار ارادت پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام...49

الف) یاد همیشگی از خدیجه علیها السلام...49

توضیح روایت...50

1-5- سبقت در ایمان و تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله...51

ص:7

2-5- مواسات مالی با پیامبر صلی الله علیه و آله...53

3-5- فرزندان شدن حضرت خدیجه علیها السلام...54

ب) گرمی داشت دوستان خدیجه علیها السلام...55

روایت اول: از عایشه نقل می کند...:56

توضیح روایت...56

روایت دوم: انس بن مالک خدمتگزار مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید...:57

روایت سوم: عایشه می گوید...:57

توضیح روایت...58

ج) محبت به خواهر خدیجه علیها السلام...59

توضیح روایت...60

صدیقه امت...61

نتیجه...62

فضایل حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت...65

واژگان کلیدی...65

مقدمه...66

زندگی نامه حضرت خدیجه علیها السلام...66

فضیلت...66

اهل سنت...67

منابع...67

پیشینه تحقیق

الف) کتاب های فارسی...:68

فضایل حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت...70

1. سلام خداوند و جبرئیل بر حضرت خدیجه علیها السلام...71

2. بشارت بهشت دادن خداوند به حضرت خدیجه علیها السلام...71

ص: 8

3. با فضیلت ترین زنان اهل بهشت...72

4. بهترین زنان دو جهان...72

5. یاد کردن زیاد پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه علیها السلام...73

6. خشم پیامبر صلی الله علیه و آله از مذمت خدیجه علیها السلام...74

7. امتداد نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام...76

8. حضرت خدیجه علیها السلام راوی حدیث...77

9. برترین بانوان امت...77

نتیجه...78

منابع...79

حضرت خدیجه کبری علیها السلام در سخنان ابن تیمیه...80

مقدمه...80

خدیجه کبری علیها السلام در سخن ابن تیمیه...82

توضیح و بررسی...82

1. امهات المومنین...82

2. ازواج النبی فی الاخره خصوصاً خدیجه علیها السلام...84

سایر مستندات اهل سنت...85

3. ام اکثر اولاده...88

4. اول من آمن به و عاضده...89

5. لها منه المنزله العالیه...89

1-5-سلام خداوند تعالی و بشارت به جایگاه خدیجه علیها السلام در بهشت:...90

2-5-بیان رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد برتری خدیجه علیها السلام...91

6. فَضْلُ عَائِشَةَ عَلَى النَّسَاءِ كَفَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ...91

تقد سخنان ابن تيميه...93

نتيجه...98

منابع...99

ص: 9

ویژگی های ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت هندوستان...103

مقدمه...104

زندگی نامه حضرت خدیجه علیها السلام...104

ویژگی های ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام...104

1. کامل ترین بانوی زمان از لحاظ عقل، زیبایی و ثروت...104

2. حضرت خدیجه علیها السلام پاک دامن ترین زنان قریش...105

3. حضرت خدیجه علیها السلام سالار زنان قریش...106

4. حضرت خدیجه علیها السلام دارای نسب عالی...106

1-4- سلسله نسب حضرت خدیجه از ناحیه پدر...107

2-4- سلسله نسب از ناحیه مادر...107

5. حضرت خدیجه علیها السلام ثروتمندترین خاتون قریش...108

6. موحد بودن خدیجه علیها السلام و خانواده او در عصر جاهلیت...108

7. نخستین همسر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و تنها همسر زمان خود...110

الف) حضرت خدیجه علیها السلام اولین ام المؤمنین...110

ب) صدیقه امت و اولین صدیقه از دیدگاه برخی از اهل سنت...111

ج) طولانی ترین مدت شرف زوجیت با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله...111

8. حضرت خدیجه علیها السلام خدمت گزار واقعی همسر...111

9. حضرت خدیجه علیها السلام تنها شاهد رویداد مبعث و وحی و محرم اسرار نبوت...112

10. درود و سلام خداوند بر خدیجه علیها السلام...112

11. جلوهای فقاقت حضرت خدیجه علیها السلام...113

12. حضرت خدیجه علیها السلام اولین مومنه و تصدیق کننده رسالت...114

13. نخستین پیرو رسول گرامی صلی الله علیه و اله...115

14. اولین زن نمازگزار و اقتداء کننده به پیامبر صلی الله علیه و آله...115

15. حضرت خدیجه علیها السلام اولین راوی اسلام و محدثه...115

16. انفاق کننده و حامی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله...116

ص: 10

17. عام الحزن سال وفات حضرت خدیجه علیها السلام...117

18. شرف مادری فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله...118

19. ادامه ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه علیها السلام...119

20. حضرت خدیجه علیها السلام بهترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله...119

21. حضرت خدیجه علیها السلام محسود دیگران...121

22. بهترین زن امت محمدی...122

23. حضرت خدیجه علیها السلام همسر پیامبر صلی الله علیه و آله در دنیا و آخرت...123

نتیجه...124

منابع...125

الف) منابع عربی و فارسی...125

ب) منابع زبان اردو...127

تحریف تاریخ درباره حضرت خدیجه علیها السلام...129

مقدمه...129

تحریف و زدودن فضایل در کتاب ها...130

کتمان یگانه پرستی حضرت خدیجه علیها السلام...132

بیوه نمایاندن حضرت خدیجه علیها السلام...134

افسانه دوبار دامادی عثمان...136

بازتاب نیافتن ایثار مالی حضرت خدیجه علیها السلام...143

بزرگ نمایی در سن حضرت خدیجه علیها السلام...146

کوچک نمایی آثار وجودی حضرت خدیجه علیها السلام...148

منابع...153

تقد و بررسی آراء کارن آرمسترانگ درباره حضرت خدیجه علیها السلام با تأکید بر کتاب زندگانی حضرت محمد صلی الله علیه و اله...160

مقدمه...161

معرفی اجمالی کارن آرمسترانگ...162

ص: 11

نخست نقد ساختاری...163

دوم نقد محتوایی...166

الف) کاستی ها...166

1. موقعیت و شرافت حضرت خدیجه علیها السلام در دوران جاهلیت...166

2. خدیجه سرور زنان عالم...166

3. سلام خداوند به حضرت خدیجه علیها السلام...167

4. بشارت بهشت به حضرت خدیجه علیها السلام...167

ب) تحلیل برخی از گزارش ها...167

1. خدیجه علیها السلام همسر پیامبر صلی الله علیه و آله تا سال دهم بعثت...167

2. ستایش حضرت خدیجه علیها السلام در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله...168

3. ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام...170

4. نقش حضرت خدیجه در رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله...171

1-4-رسالت و وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله در عالم خواب...172

2-4-بی اطلاعی پیامبر صلی الله علیه و آله از رسالت...172

3-4-ترس پیامبر از جن زدگی...174

4-4-معرفی حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان مشاور پیامبر صلی الله علیه و آله...174

5. مدیریت تجاری حضرت خدیجه علیها السلام...175

6. ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله...177

7. فرزندان پیامبر از حضرت خدیجه علیها السلام...178

8. رحلت حضرت خدیجه علیها السلام...178

نتیجه...179

منابع...181

حضرت خدیجه علیها السلام در اندیشه گیورگیو...184

مقدمه...184

حضرت خدیجه علیها السلام نامی آشنا...185

ص: 12

گیورگیو خاورشناسی رمان نویس...186

علت ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله...؟187

نتیجه...190

منابع...192

گزارش و نقد محتوایی سیمای حضرت خدیجه علیها السلام در آثار شرق شناسان...193

مقدمه...194

الف) دوره قبل از بعثت...196

1. همکاری تجاری با پیامبر صلی الله علیه...196

2. سن حضرت خدیجه علیها السلام...198

3. ازدواج قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله...199

ازدواج با پیامبر صلی الله علیه...202

4. ایفای نقش نزدیکان حضرت خدیجه علیها السلام در ادوار زندگی او...205

5. سبک زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام و تعداد فرزندان ایشان...207

6. منشأ ثروت خدیجه علیها السلام...211

ب) دوران پس از بعثت...212

1. نقش خدیجه علیها السلام در اطمینان بخشی به پیامبر صلی الله علیه و آله در صدور وحی...212

2. همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله و حمایت های مالی و اجتماعی...215

3. رحلت حضرت خدیجه علیها السلام...217

نتیجه...218

منابع...220

بررسی جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در دائره المعارف قرآن لیدن...222

مقدمه...223

ترجمه مقاله...223

بررسی محتوای مقاله...226

الف) ازدواج های پیشین حضرت خدیجه علیها السلام...227

ص: 13

ب) سن خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله...229

ج) خدیجه علیها السلام در قرآن...231

د) جایگاه خدیجه علیها السلام در بین زنان برگزیده عالم...234

ه) جایگاه خدیجه علیها السلام در بهشت...236

نتیجه...238

منابع...239

سیمای خدیجه کبری علیها السلام در شعر فارسی با تأکید بر سروده های آیینی معاصر...242

مقدمه...243

زندگی نامه حضرت خدیجه علیها السلام و شخصیت والای ایشان...244

شعر فارسی...246

شعر آیینی...247

بازخوانی رویکردهای سروده های فارسی و آیینی درباره حضرت خدیجه علیها السلام...247

1. زینت بخش روزگار...248

2. بخشندگی با مال و جان...249

3. روایت منظوم ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام...249

4. برترین زن...252

5. فخر بانوان...253

6. همسر رسول الله صلی الله علیه و آله...254

7. عطیه حق...255

8. گنج در ویرانه...257

9. پیوند دو نور...258

10. سرچشمه کوثر...259

11. گمشده...260

12. تکیه گاه خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله...262

13. بانوی دین و دنیا...264

ص: 14

14. رهاتر از نسیم...265

15. بانوی ایثار...267

16. مادر و شفیع امت...268

17. گل باغ بهشت...269

نتیجه...271

منابع...273

وب سایت ها و وبلاگ های اینترنتی...275

بررسی مقاله "خدیجه علیها السلام" در دائره المعارف قرآن لیدن...277

مقدمه...278

ترجمه مقاله...279

منابع مقاله...282

الف) نقاط قوت و جنبه های مثبت...282

ب) نقاط ضعف و اشکالات...283

1. عدم جامعیت در منابع...283

2. عدم جامعیت در بیان فضایل حضرت خدیجه علیها السلام...284

3. خطا در تفسیر معنای اهل بیت...285

4. یوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام...286

5. وحی تجربه نبوی!...286

6. نقش ورقه بن نوفل...288

بررسی روایات...289

الف) سند روایات...289

ب) تناقض آشکار روایات...289

ج) سؤالاتی در مورد مضامین روایات...289

دیدگاه درست...290

7. اول مسلمان حضرت علی علیه السلام یا خدیجه علیه السلام...292

ص: 15

8. برترین همسر رسول خدا کیست؟...293

9. سن حضرت خدیجه علیها السلام...294

نتیجه...294

منابع...295

تحلیل گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ستایش خدیجه کبری علیها السلام...301

مقدمه...302

گونه شناسی روایات ستایش خدیجه کبری علیها السلام...302

دسته اول روایات عام...303

1. روایت هایی با مضمون برتری خدیجه کبری نسبت به زنان...303

2. روایاتی با مضمون درود جبرئیل به خدیجه کبری علیها السلام...305

3. روایاتی با مضمون برخورداری خدیجه کبری علیها السلام از خانه ای بهشتی...306

دسته دوم، روایات خاص...307

تحلیل گزاره های «اهل بهشت» و «خانه بهشتی»...309

تحلیل گزاره درود جبرئیل...314

تحلیل روایات دسته دوم...316

نتیجه...319

منابع...321

سیمای حضرت خدیجه علیها السلام در دیوان امام علی علیه السلام...324

مقدمه...325

مواد و روش پژوهش...325

پیشینه پژوهش...325

گذری بر زندگی امام علی علیه السلام...326

گذری بر زندگی حضرت خدیجه علیها السلام...327

پردازش تحلیلی موضوع...327

سیمای حضرت خدیجه علیها السلام در شعر امام علی علیه السلام...327

ص: 16

1. بی بدیل بودن حضرت خدیجه علیها السلام...328

2. خدیجه علیها السلام سرور زنان و اولین زن نمازخوان...329

3. خدیجه علیها السلام، پاک طینت و خوش اخلاق...331

بزرگی مصیبت از دست دادن آن دو بزرگوار...332

5. یاری گر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله...332

نتیجه...334

منابع...335

تطور گزارش های تاریخی درباره حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت تا قرن پنجم هجری...337

مقدمه...337

همکاری شغلی خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله...339

دیدگاه اول...339

دیدگاه دوم...341

دیدگاه سوم...342

همراهی در زندگی مشترک...346

همراهی در جریان بعثت...350

نتیجه...356

منابع...359

ص: 17

بررسی ابعاد شخصیت ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام از موضوعات مهم و شایسته تحقیق و بررسی است مطالعه تاریخی زندگی آن بزرگوار نشان می دهد ایشان در دوران جاهلیت و پس از آن دارای فضایل اوصاف اخلاقی و کمالات معنوی فراوان بود شخصیتی که در جامعه خود به عنوان الگوی زن برتر تأثیر به سزایی در گسترش صفات نیک انسانی داشت.

حضرت خدیجه علیها السلام نخستین لیبیک گوی، رسالت همسر و هم سر رسول خدا انیس تهی دستی کاشانه ام آبیهها و مادر امت بود نقش مهم او در پیش برد اسلام در دوران نونهالی و ظهور دین و حمایت بی دریغش از اندیشه های توحیدی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر کسی پوشیده نیست. مقام معظم رهبری مدظله می فرمایند:

جناب خدیجه علیها السلام حقیقتاً مظلوم است به خاطر این که شرف همسری پیغمبر در مورد ایشان یک ارزش مضاعف است دیگران مشرف به شرف همسری پیغمبر شدند، لکن این رنج هایی را که پیغمبر در عمده رسالت به آن ها مبتلا بودند ندیدند. جناب خدیجه علیها السلام دوران رنج پیغمبر را دوران سختی پیغمبر را تحمل کردند و دیدند.

علی رغم تلاش های درخور ستایشی که در معرفی این شخصیت آسمانی ارائه شده، پژوهش های جدید جامع و پویا هم چنان ضروری است تا ابعاد بیش تری از زندگی این شخصیت بزرگوار روشن شود و اندکی از غبار مظلومیت و غربت چهره نورانش زدوده گردد.

آن چه به مناسبت برگزاری همایش ملی صدف کوثر ارائه می شود گامی است کوچک در شناساندن حضرت خدیجه علیها السلام که شامل عناوین ذیل است:

1. مجموعه مقالات همایش صدف کوثر 3 جلد

2. شناخت نامه حضرت خدیجه علیها السلام (فارسی)، 2 جلد

3. شناخت نامه حضرت خدیجه علیها السلام (عربی انگلیسی) 1 جلد

4. أم المؤمنین خدیجه فی مصادر اهل السنة، 1 جلد.

امید است مجموعه آثار همایش مقبول درگاه الهی واقع شود و همگان مشمول عنایت و شفاعت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و همسر گرامیش ام الائمه حضرت خدیجه کبری علیها السلام واقع شویم از همه اساتید، فضلا و پژوهشگرانی که در نگارش مقاله همکاری داشته اند قدردانی می کنم به ویژه از اعضای کمیته علمی اساتید محترم آقایان ناصر باقری، بیدهدنی مهدی قائمی امیری، محمد علی رضایی اصفهانی قاسم، جوادی رسول، عبداللهی محمد عظیمی و علی نقی خدایاری که در ارزیابی و تدوین آثار همایش همکاری جدی داشته اند هم چنین از همکاری و زحمات کمیته اجرایی آقایان: مهدی، برزگر علی جعفری منش محمد مراد خان بابا علی اصغر شریفی نیا، محمد عظیمی، محمدباقر متولی ابوالحسن مهرورز و غلامرضا نصرتی قدردانی و تشکر می نمایم.

ربنا تقبل منا إنك انت السميع العليم

دبیر علمی همایش ملی صدف کوثر

ناصر رفيعى محمدى

17 ربيع الاول 1439

ص: 18

*حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل تسنن: معصومه بهرامی (1)

چکیده

کتاب اصلی اهل تسنن مطالب بسیاری درباره شخصیت اعتقادات و عملکرد حضرت خدیجه علیها السلام نوشته اند به طور کلی کتب معتبری چون صحیحین، کتب تاریخی و تفسیری همه در مورد این بانوی بزرگ اسلام سخن گفته اند آن حضرت از چنان جایگاه و موقعیتی در اسلام برخوردار بود که فکر و عقل سلیم و هم چنین مکاتب مذاهب و فرق مختلف اسلامی نتوانسته اند از ذکر فضایل او چشم پوشی کنند. البته در مواردی نسبت به این شخصیت ارزشمند جهان اسلام کم لطفیه ای دیده می شود که بخشی از آن به دلیل نگرش مغرضانه به آن حضرت و بیش تر به جهت بی توجهی و یا گاهی بالا بردن جایگاه بقیه زنان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است.

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام، منابع اهل تسنن، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، زنان پیامبر صلی الله علیه و آله

مقدمه

گسترش و شکل گیری اسلام با حمایت های مادی و معنوی بانویی بزرگوار انجام گرفته که حق بسیار عظیمی بر تمام مسلمانان دارد. اما متأسفانه در

ص: 19

شناخت و معرفی این شخصیت گران قدر کوتاهی شده است، عمل نشده است. هر سال در ایام وفات این بزرگوار فقط یادی از ایشان می شود و حتی شیعیان نیز گاهی از مقام والای آن حضرت غافل شده و کاری مناسب شأن ایشان است، صورت نداده اند.

حضرت خدیجه علیها السلام نخستین زن در تاریخ اسلام، بلکه در تاریخ بشریت است که با تمام وجود از آرمانی الهی حمایت کرد. او در مسیر حمایت از دین خدا و پیروی از پیامبر صلی الله علیه و آله علاوه بر تقدیم کل ثروت خود، از آبرو و حتی جان خود نیز دریغ نرورید حتی که این بانوی بزرگ بر مسلمان ها دارد قابل بیان و ارزش گذاری نیست؛ زیرا بقا و تداوم اسلام مرهون ایشان بوده است.

آن حضرت علاوه بر داشتن جایگاه خاص که در مکتب تشیع در کتب فرق اسلامی نیز مورد توجه ویژه ای قرار گرفته اند. مطالعه و بررسی زندگی حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل تسنن می تواند راهکار مناسبی برای شناخت شخصیت، نقش و عملکرد وی در پیشرفت اسلام باشد.

واکاوی شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل تسنن

حضرت خدیجه علیها السلام از زنان ممتاز و مشهور عصر خود بود به همین جهت به شخصیت و ویژگی های ایشان توجه شده و در کتب مختلف بیان گردیده است. تاریخ نویسان اهل تسنن درباره نسب آن حضرت گفته اند.

خدیجه از قبیله، هاشم پدرش خویلد بن اسد قریشی و مادرش فاطمه دختر زائد بن اصم. بود پانزده سال قبل از عام الفیل (مطابق با سال 555 میلادی) در مکه به دنیا آمد خانواده او از نظر شرافت و نسب در شمار بزرگ ترین و با نفوذترین قبیله های عرب محسوب می شد. (1)

زمان ولادت آن حضرت به طور دقیق مشخص نیست؛ اما با وجود اوضاع نامناسب قبل از اسلام به ویژه بی توجهی به ثبت دقیق تاریخ زندگی زنان،

ص: 20

تاریخ نگاران نامدار از آن بانو به عنوان زنی، پاک نجیب، شریف، عالم و بزرگوار یاد کرده اند. همین مقدار توجه به یک زن در عصری که زنان هیچ جایگاه و منزلتی نداشتند نشان می دهد که وی دارای شخصیتی متفاوت با زنان معاصر خود بوده است.

آن بانو از بزرگان قریش و مورد احترام همگان بود او نه تنها در بین اقوام خود، بلکه در میان زنان آن زمان نیز کم نظیر بود. دختر خوبلد در سجایا و کمالات، اخلاقی زبانزد مردم و نمونه شمرده شده است. او از جمله زنان کامل، عاقل والا، پای بند به دیانت و عقیف و کریم و از اهل بهشت بود. تعبیر تاریخ نگاران اهل تسنن در این مورد قابل توجه است: «كَانَتْ عَاقِلَةً، جَلِيلَةً، دَيِّمَةً، مَصُونَةً، كَرِيمَةً، مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ».

(1)

ابن هشام نیز به فضایل متعدد آن حضرت اشاره کرده است. وی خدیجه را زنی فاضل و جویای علم و حقیقت و آگاه از کتب آسمانی، معرفی می کند. بانویی که همواره در پی شناخت نشانه های نبوت بود و ظهور پیامبر آخرالزمان را انتظار می کشید. به همین جهت با دانشمندان آن عصر و پسر عمویش ورقه بن نوفل که فردی مسیحی و پژوهش گر بود و علاوه بر کتاب های آسمانی از علوم زمان نیز اطلاع داشت در این مورد گفت و گو می کرد. (2)

حضرت خدیجه علیها السلام قبل از اسلام از چنان جایگاهی برخوردار بود که وی را قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله «طاهره» می خواندند. باید توجه داشت که تا آن زمان هیچ زن دیگری در بین زنان قریش ملقب به این صفت نشده بود: «كانت خدیجه تدعى فى الجاهلیة الطاهره» (3) فضایل اخلاقی وی در آن عصر بسیار معروف و مشهور بود و بدین جهت زنان مکه به وی حسد می ورزیدند. (4)

ایشان از بزرگ ترین بانوان اسلام به شمار می رود؛ زیرا اولین زنی بود که در

ص: 21

1- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 110.

2- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 227

3- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 111

4- همان، ص 110

فضای اختناق عصر جاهلیت به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد و به دین اسلام گروید. وجود آن بانوسرشار از عشق به پروردگار و پیامبر صلی الله علیه و آله بود برای درک عظمت ایمان آن حضرت باید به اوضاع آن زمان توجه کرد. در عصری که به دلیل سلطه اوهام و رواج بت پرستی و ترس شدید از حاکمیت، حتی مردان جرأت مخالفت با سران قریش را نداشتند این بانونه تنها با مشرکان به مخالفت برخاست، بلکه عضویت خود در حزب خدا و پیروی و اطاعت محض از دشمن سرسخت آن ها را نیز آشکارا مطرح کرد؛ تا جایی که از طرف مردم و زنان قبیله و حتی خویشان خود طرد گردید. این شکل از نواندیشی برای یک زن، آن هم در آن جامعه و وضعیت زمانی آن دوره اگر نگوییم بی نظیر، به طور قطع کم ظیر است. شجاعت آن حضرت نیز در دفاع از حق در میان قبیله ای متعصب که احتمال تعرض جانی هم برایش وجود داشت بسیار نادر و ستودنی است اذعان به این مطلب در روایات اهل تسنن، جایگاه آن حضرت را در مورد ایمان به پیامبر صلی الله علیه و آله به خوبی روشن می کند «کانت خدیجه اول من آمن برسول الله من النساء»⁽¹⁾.

ویژگی دیگر حضرت خدیجه علیها السلام، توان مندی اقتصادی و مدیریت ممتاز وی در امور بازرگانی بود تا حدی که آوازه شهرتش در این امر به شام هم رسید. او ثروتمندترین زن در مکه و با شرافت ترین زنان زمان خود بود.⁽²⁾ اهمیت و ارزش کاروان او به اندازه کاروان همه قریش بود شیوه تجارت و مدیریت ایشان هم قابل توجه است. ابن سعد از بزرگ ترین تاریخ نویسان اهل تسنن در توصیف این موضوع می نویسد:

وی مردان را به مزدوری می گرفت و اموالی برای مضاربه در اختیارشان قرار می داد⁽³⁾.

این حد از توانایی و مدیریت در بین مردان آن زمان به ندرت دیده می شد. اداره اموالی که با ثروت تمام قریش برابری می کرد و استفاده درست از آن،

حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل تسنن

ص: 22

1- حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ص 203، ح 4844.

2- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 224

3- ابن سعد، طبقات الکبری، ج 6، ص 11.

انتخاب راه مناسب، تجارت برای بهره‌وری اقتصادی و افزایش سرمایه و از طرفی اداره مردانی که هر کدام خود یک تاجر بودند بسیار عجیب و ستودنی است. وی با نظارت و کنترل فعالیت کارگزاران خود موفقیت‌های چشمگیری به دست آورد استفاده از ناظر و بازرس از ابتکارات ارزشمند وی در امر تجارت و سبب کنترل رفتار کارگزارانش بود در سفر تجاری پیامبر صلی الله علیه و آله نیز غلامش «میسره» را مسئول ضبط وقایع و گزارش دقیق کتبی کرده بود. (1)

با تأمل در نحوه عملکرد حضرت خدیجه علیها السلام و اصرار او بر این کار به نظر می‌رسد در این مورد خاص هدف اصلی وی با توجه به مطالبی که در مورد حضرت محمد صلی الله علیه و آله شنیده بود تحقیق درباره علایم نبوت پیامبر آخرالزمان بود که دانشمندان در مورد آن سخن می‌گفتند

آن بانوی نمونه با شناخت کامل زمان و مکان و بررسی وضعیت بازار جهانی آن عصر و استفاده از اصل مشورت همگان را به شگفتی واداشت. عمق این اعجاب را باید با توجه به اوضاع آن روز جهان و به ویژه شبه جزیره عربستان و فرهنگ غالب آن دوران مبنی بر اسارت و محرومیت کامل زنان از حقوق اولیه انسانی و اجتماعی درک نمود وجود زنی با این ویژگی‌های فکری و اخلاقی در چنان عصری بی نظیر است.

علاوه بر توجه به ابعاد شخصیتی حضرت خدیجه علیها السلام، مسأله سن و دوشیزه بودن ایشان نیز از مسائلی است که تاریخ نگاران به آن توجه داشته‌اند. بی شک این موضوع، در اصل شرافت و جایگاه آن بانو هیچ تأثیری ندارد؛ اما به این علت که بعضی از این موضوع برای کمرنگ جلوه دادن فضایل آن حضرت در مقابل برخی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله استفاده کرده‌اند، لازم است به آن اشاره شود.

در مورد سن ازدواج آن حضرت با پیامبر صلی الله علیه و آله نقل‌های مختلف در تاریخ وجود دارد اما دو روایت به دلیل اتصال به صحابه در اهل تسنن مطرح است: روایت اول از هشام بن محمد بن سائب کلبی است که از ابن عباس نقل می‌کند

ص: 23

1- اصبهانی، دلائل النبوه، ج 1، ص 113؛ ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 224.

که آن حضرت هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله 28 سال داشتند و کابین ایشان دوازده وقیه؛ یعنی به اندازه بقیه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. اما در نقل دوم محمد بن عمر واقدی اعتقاد دارد که خدیجه پانزده سال قبل از عام الفیل به دنیا آمده بنابراین در زمان ازدواج با رسول اکرم صلی الله علیه و آله، چهل ساله بوده است. (1)

در مورد ازدواج های قبلی حضرت خدیجه علیها السلام نیز عموم تاریخ نگاران اهل تسنن معتقدند که وی ابتدا با نباش بن زراره معروف به ابوهاله تمیمی و سپس با عتیق بن عائذ بن عبد الله مخزومی ازدواج نمود. در مقابل، در بین تاریخ نویسان و علمای شیعه، علاوه بر این، نظر دوشیزه بودن آن حضرت نیز مطرح است. (2)

بی شک در مقام بیان فضایل آن حضرت، نیازی به بررسی این گونه مسائل وجود ندارد؛ زیرا موضوع مهم، شرافت، فضیلت و جایگاه آن بانو در میان مردم آن زمان است و ازدواج های احتمالی قبلی خللی به این ارزش و جایگاه وارد نمی کند و نیازی به بحث هم ندارد. بنابراین دوشیزه بودن نمی تواند به عنوان ملاکی در تمایز و برتری بین زنان پیامبر صلی الله علیه و آله مطرح گردد. با اینکه طبق آیه قرآن (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ)؛ (3) «معیار در فضیلت تقواست»، گویا پافشاری بعضی بر دوشیزه بودن آن حضرت برای کم رنگ کردن جایگاه ویژه ایشان در بین زنان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. این افراد سعی دارند دوشیزه بودن بعضی از آن ها را به عنوان فضیلتی در مقابل دوشیزه نبودن آن حضرت مطرح نمایند. در حالی که خود آنان به این مطلب معترف هستند که اگر فضایل همه زنان پیامبر صلی الله علیه و آله بدون تعصب و با دیدی منصفانه بررسی، گردد هیچ یک از این زنان هم طراز خدیجه علیها السلام نخواهند بود بنابراین همان طور که دوشیزه نبودن نقص محسوب نمی گردد دوشیزه بودن هم نمی تواند دلیل فضیلت و برتری باشد. لذا حتی اگر طبق نظر برخی تاریخ نویسان؛ در بین زنان آن حضرت فقط یک دوشیزه وجود داشته باشد این مسأله باعث محبوبیت بیش تر وی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله نمی گردد

ص: 24

- 1- ابن سعد، طبقات الکبری، ج 6، ص 12
- 2- مجلسی، بحار الانوار، ج 22، ص 191.
- 3- سوره حجرات، آیه 13.

این استدلال را هیچ انسان منصفی نمی تواند بپذیرد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با آن بزرگواریش زنی را تنها به این علت که دوشیزه است بر دیگر زنانش برتری دهد.

در فضای اختناق آن زمان بحث ایمان و اقامه اولین نماز بسیار اهمیت دارد نخستین زنی که به این شرافت نایل شد حضرت خدیجه علیها السلام بود. او انسانی روشن بین دورانیش باگذشت علاقه مند به معنویات، وزین و باوقار، معتقد به حق و حقیقت و متمایل به اخبار آسمانی بود همین شرافت برای او بس که همسر رسول خدا صلی الله علیه و اله بود و گسترش اسلام به کمک مال و ثروت او تحقق یافت.

علاوه بر تاریخ نویسان، مفسران اهل تسنن نیز به فضایل حضرت خدیجه علیها السلام اذعان کرده اند. زمخشری در ذیل آیه (وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَانَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقْتُ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُنْتُمْ مِنَ الْقَائِمِينَ) (1) با ذکر روایتی از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به این موضوع اشاره می کند که بسیاری از مردان به کمال رسیدند و از زنان کسی جز آسیه، مریم، خدیجه و حضرت فاطمه علیها السلام به کمال نرسیدند:

و عن النبي صلى الله عليه وآله: كمل من الرجال كثير، ولم يكمل من النساء إلا أربع: آسیه بنت مزاحم امرأة فرعون و مریم ابنة عمران، و خدیجه بنت خویلد، و فاطمه بنت محمد. (2)

این مفسر در ادامه می گوید:

و فضل عائشه على النساء كفضل الثريد على سائر الطعام؛ و فضیلت عایشه بر سایر زنان مانند فضیلت آبگوش بر سایر غذاهاست.

وی می گوید که این روایت را ثعلبی از دو طریق با همین مضمون نقل کرده است. یکی از طریق عمرو بن مرزوق و دیگری از طریق ابو موسی اشعری که در آن

ص: 25

1- سوره تحریم، آیه 12.

2- زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ج 4، ص 573.

نامی از حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت فاطمه علیها السلام وجود ندارد، اما در حدیث ابن عباس نام آن دو بانو آمده است. نکته جالب توجه این که اولین بار یکی از مفسران اهل تسنن در قرن چهارم این روایت را ذیل آیه یاد شده نقل کرده و روایت (سَيِّدَاتُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعٌ): «مریم و آسیه و خدیجه و فاطمه» را نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله در ادامه آن آورده است. (1)

این حدیث در صحیح مسلم و بخاری از ابو موسی اشعری بدون ذکر نام حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت فاطمه آمده است:

كَمَلْ مِنْ الرِّجَالِ كَثِيرٍ، وَ لَمْ يَكْمَلْ مِنَ النِّسَاءِ غَيْرَ مَرْيَمَ ابْنَةَ عِمْرَانَ وَ أَسِيَةَ بِنْتَ مِزْحَمٍ امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ وَ أَنْ فَضْلَ عَائِشَةَ عَلَيَّ النِّسَاءِ كَفَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَيَّ سَائِرِ الطَّعَامِ (2)

عبارت «افضل نساء اهل الجنة اربع»، در صحیح بخاری نیامده و به جای آن جمله «وَإِنَّ فَضْلَ عَائِشَةَ عَلَيَّ النِّسَاءِ كَفَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَيَّ سَائِرِ الطَّعَامِ» بیان شده است.

عبارت انتهایی این روایت قابل تأمل است. هر چند «ثرید» غذای مورد علاقه اعراب بوده استفاده از این الفاظ و به کار بردن چنین تشبیهی از رسول خدا صلی الله علیه و آله بعید به نظر می رسد. این مسأله را می توان با تأمل در جملات آن حضرت و نحوه گفتار ایشان در زمانی که در صدد بیان فضیلت افراد خاصی بودند آشکارا دریافت لذا این احتمال وجود دارد که خود راوی این مطلب را در ادامه حدیث اضافه کرده باشد.

نکته دیگر این که بخاری این مطلب را در سه حدیث همانند بدون کوچک ترین تفاوتی در الفاظ و یا سلسله روات، آن نقل کرده است. (3) گویا نویسنده هدف خاصی از تکرار آن داشته است. اگر در این سه روایت حتی نام یک راوی در یک روایت با بقیه متفاوت بود امکان داشت آن را به عنوان توجیهی برای این

ص: 26

1- طبرانی، التفسیر الکبیر تفسیر القرآن العظیم، ج 6، ص 309

2- بخاری، صحیح، ص 993، ح 5418؛ مسلم، صحیح، ح 2431

3- بخاری، صحیح، ج 4، ص 667 6100، حدیث 3411، 3433، 3769.

تکرار مطرح کرد؛ اما به نظر می‌رسد در این مسأله، هیچ توجهی غیر از القای فضیلت یکی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله، بر بقیه در ذهن خواننده و تأکید بر آن وجود نداشته باشد.

در صحیح مسلم هم همین عبارت آمده است. (1) البته وی در روایت دیگری نام حضرت خدیجه علیها السلام را می‌آورد: «خَيْرُ نِسَائِهَا مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ خَيْرُ نِسَائِهَا خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ». (2)

به اقرار بعضی از علمای اهل تسنن در متن اصلی روایت مورد بحث، نام حضرت خدیجه علیها السلام ذکر شده است:

وفي الصحيحين وغيرهما من حديث أبي موسى الأشعري عن النبي صلى الله عليه وآله قال كمل من الرجال كثير ولم يكمل من النساء إلا آسية امرأة فرعون و مريم بنت عمران و خديجة بنت خويلد؛ و إن فضل عائشة على النساء كفضل الثريد على سائر الطعام. (3)

شوکانی در حالی به وجود این روایت در کتاب صحیح مسلم و بخاری و غیر از صحیحین اقرار می‌کند که در صحیح بخاری نام حضرت خدیجه علیها السلام ذکر نشده و به نقل روایت فضیلت عایشه بر دیگر زن‌ها اکتفا شده است. طبق بیان و اقرار این عالم مشهور اهل تسنن نام آن حضرت در صحیح بخاری بوده؛ اما در حال حاضر اسم حضرت خدیجه علیها السلام در روایت مذکور در آن کتاب دیده نمی‌شود. لذا لازم است که دلیل حذف اسم ایشان، بررسی گردد.

بهترین و خوش بینانه‌ترین علتی که در این مورد می‌توان تصور نمود، این است که این اشتباه به طور سهوی و بر اثر بی‌دقتی و بی‌توجهی صورت گرفته باشد. البته این گونه بی‌دقتی‌ها در مورد شخصیت‌های مهمی چون امهات المؤمنین و آن‌هم در کتب مرجع و اصلی مانند صحیحین، پذیرفتنی و موجه نیست. به

ص: 27

1- مسلم، صحیح، ج 4، ص 1886، حدیث 2431

2- همان، حدیث 2430

3- شوکانی، فتح القدير، ج 2، ص 1048

ویژه که این بی دقتی در مورد شخصیتی باشد که 25 سال شبانه روز در کنار نبی مکرم صلی الله علیه و آله بوده و در تمام مراحل از ایشان حمایت کرده است؛ کسی که به تمام خواستگاران خود از میان قریش و شخصیت های بزرگ جواب رد داد، ولی خودش برای خواستگاری پیامبر صلی الله علیه و آله اقدام نمود و در زمانی به حمایت از اسلام پرداخت که حتی مردان شجاع هم جرأت چنین کاری را نداشتند.

جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در اسلام

بر اساس آیه شریفه (وَ أَرْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ) (1) همه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله مادران مؤمنان محسوب می شوند آن بانو نیز از این جایگاه عظیم در اسلام برخوردار بود. توجه به آیه (يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ) (2) حقیقت این ارزش و منقبت را تبیین می نماید شرط مذکور در آیه؛ یعنی تقوا داشتن به این مسأله اشاره دارد که همسر پیامبر بودن به خودی خود شرافتی برای انسان نیست؛ بلکه تقوا و عمل صالح است که وقتی با مقام همسری پیامبر توأم، گردد فضیلت محسوب خواهد شد. مفسران اهل تسنن به اهمیت تقوای زنان پیامبر اذعان دارند. سیوطی با نقل روایتی از قتاده به این مسأله اشاره کرده است:

و أخرج ابن أبي حاتم عن قتادة رضي الله عنه في قوله يا نساء النبي لستن كأحد الآية يقول أنتن أزواج النبي صل الله عليه و اله و معه تنظرن إلى النبي صلى الله عليه و سلم و إلى الوحي الذي يأتيه من السماء و أنتن أحق بالتقوى من سائر النساء. (3)

بنابراین، روایت زنان پیامبر صلی الله علیه و آله به دلیل برخورداری از نعمت همراهی و هم نشینی با آن حضرت و هم چنین حضور در خانه ای که وحی الهی در آن نازل می گردید به تقوا داشتن اولویت دارند.

حضرت خدیجه علیها السلام زنی پاک دامن و با تقوا و نخستین زنی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: 28

1- سوره احزاب، آیه 6

2- سوره احزاب، آیه 32.

3- سیوطی، الدر المنثور في التفسير بالماثور، ج 5، ص 196.

را تصدیق کرد و به او ایمان آورد؛ هم چنان که علی بن ابی طالب علیه السلام نخستین مردی بودند که اسلام آوردند. همچنین وی تمام اموالش را در راه پیشرفت اسلام بذل نمود. (1) تمام تاریخ نگاران به نقش اساسی و حیاتی آن بانو در پیشرفت اسلام و حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله اذعان دارند. آن حضرت نه تنها با مال و ثروت بسیارش، بلکه با تمام وجود از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهداف ایشان حمایت می کرد و در این راه از آبرو و جایگاه خود در بین قریش گذشت و حتی جان شریفش را در این راه از دست داد.

در واقع گسترش اسلام پس از نزول وحی و تلاش های پیامبر صلی الله علیه و آله، با دو عامل اصلی ثبات یافت؛ فداکاری و شهادت حضرت علی علیه السلام از یک سو و گذشت و ایثار حضرت خدیجه علیها السلام و پایداری آن بانو بر حمایت از دین با جان و مال خود از دلایل مهم پیشرفت اسلام شمرده می شود.

درباره جایگاه این بانوی بزرگوار در مکتب وحی از ابا هریره چنین نقل شده است

جبرئیل خدمت پیغمبر صلی الله علیه و اله رسید و عرضه داشت: (يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذِهِ خَدِيجَةُ قَدْ أَتَتْكَ مَعَهَا إِنَاءٌ فِيهِ إِدَامٌ أَوْ طَعَامٌ أَوْ شَرَابٌ فَإِذَا هِيَ أَتَتْكَ فَاقْرَأْ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا عَزَّوَجَلَّ وَمِنِّي وَبَشِّرْهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ) (2)

در این روایت خداوند توسط ملک مقرب خود؛ جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر می دهد که حضرت خدیجه علیها السلام با ظرفی از غذا و آب نزد او می رود. وقتی خدیجه علیها السلام آمد از طرف خدای عالم به او سلام برسان، از من جبرئیل هم به او سلام برسان و به او بشارت بده که خدای عالم خانه ای در بهشت برایش از تارهای طلا در نظر گرفته که در آن جا نه اضطراب و خستگی وجود دارد و نه زوال نعمت.

ص: 29

1- ابن سعد، طبقات الکبری، ج 6، ص 12.

2- مسلم، صحیح، ج 4، ص 1886، حدیث 2432.

این روایت در کتاب صحیح بخاری با همان عبارات نقل شده است. (1) حاکم نیشابوری بعد از نقل این روایت آن را صحیح دانسته و معتقد است که حدیث مذکور شرایط صحیح مسلم و بخاری را دارد (2)

بشارت نبی مکرم صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام، علاوه بر صحیحین در تمام کتاب های سنن، مسانید و دیگر صحاح نیز آمده است. شاید اگر این مطلب در کتب معتبر اهل تسنن بیان نشده بود بیان و حتی تصور این جایگاه عظیم که خدای عالم به یک زن سلام برساند برای مردم سخت بود. باید توجه داشت که نمونه دیگری از سلام خدا و جبرئیل برای بقیه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در منابع اهل تسنن وجود ندارد؛ بنابراین همین روایت در بیان عظمت و جایگاه آن حضرت در اسلام کافی است

وفات آن بانو نیز آن قدر برای اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله سخت و جانکاه بود که آن اسوه صبر و بردباری آن سال را «عام الحزن» نامیدند.

محبوبیت حضرت خدیجه علیها السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله

حضرت خدیجه علیها السلام به اذعان تاریخ نگاران محبوب ترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود و در مدت حیات ایشان آن حضرت زن دیگری اختیار نفرمودند. (3)

سجایای اخلاقی حضرت خدیجه علیها السلام آن چنان زیاد بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بارها او را مدح و ثنا می گفتند و بر سایر امهات مؤمنین ترجیح می دادند و از او بسیار تجلیل می کردند: «كان النبي يثنى عليها ويفضلها على سائر امهات المؤمنين ويبالغ في تعظيمها». (4)

این نوع برخورد، به حدی ویژه بود که عایشه می گفت:

بر هیچ یک از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله به اندازه خدیجه رشک نورزیدم و این بدان

ص: 30

1- بخاری، صحیح، ح 3609

2- حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 204، ح 4851.

3- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 227.

4- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 110

سبب بود که پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار او را یاد می کردند. (1)

بخاری در این مورد به نقل روایتی می پردازد:

(حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ عَفِيْرٍ حَدَّثَنَا اللَّيْثُ، قَالَ كَتَبَ إِلَيَّ هِشَامٌ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَائِشَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، قَالَتْ مَا غَرَّتْ عَلِيَّ امْرَأَةٌ لَلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا غَرَّتْ عَلِيَّ خَدِيْجَةَ هَلَكْتُ قَبْلَ أَنْ يَتَزَوَّجَنِي، لِمَا كُنْتُ أَسْمَعُهُ يَذْكُرُهَا وَامْرَأَةَ اللَّهِ أَنْ يَسُدَّ رِهَا بَيْتٍ مِنْ قَصَبٍ وَإِنْ كَانَ لِيَذْبَحُ الشَّاةَ فَيَهْدِي فِي خَلَائِلِهَا مِنْهَا مَا يَسْعُهُنَّ) (2)

عایشه می گوید:

بر هیچ زنی آن قدر حسادت نکردم که بر خدیجه حسد ورزیدم. او را درک نکردم و قبل از ازدواج من با رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفته بود، ولی حسدم به این سبب بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را بیش تر یاد می کردند و خداوند او را به خانه ای بهشتی از طلا و در و یاقوت بشارت داده بود. هر گاه پیامبر صلی الله علیه و آله گوسفندی را ذبح می نمودند برای دوستان خدیجه هدیه می فرستادند.

بخاری در روایت دیگر نقل می کند:

(وَقَالَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ خَلِيلٍ: أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ مُسْهِرٍ، عَنْ هِشَامٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، قَالَتْ إِنَّ تَأَذَّنَتْ هَالَةَ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ أُخْتُ خَدِيْجَةَ عَلِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ فَعَرَفَ اسْتِنْدَانِ خَدِيْجَةَ فَارْتَاعَ لِذَلِكَ فَقَالَ اللَّهُمَّ هَالَةَ قَالَتْ فَعِرْتُ فَقُلْتُ مَا تَذْكُرُ مِنْ عَجُوزٍ مِنْ عَجَائِزِ قُرَيْشٍ حَمْرَاءِ الشَّدَقِيْنَ هَلَكْتُ فِي الدَّهْرِ قَدْ أَبْدَلَكِ اللَّهُ خَيْرًا مِنْهَا). (3)

در این حدیث از عایشه نقل شده که هاله خواهر خدیجه، اجازه شرف یابی به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله را گرفت؛ آن حضرت به یاد خدیجه افتادند و بر افروخته شدند، فرمودند: «خدایا هاله آمده است». من ناراحت شدم و گفتم: «چقدر از پیرزنی از پیرزنان قریش که دندان هایش افتاده بود یاد می کنید، او مرده است و خدا بهتر از او را به شما داده است».

ص: 31

1- همان.

2- بخاری، صحیح، ج 3 ص 1388.

3- همان، ص 1389.

احمد بن حنبل همين روايت را به نقل از عايشه با عبارات بيش تری بيان می کند که به دلايل فضيلت حضرت خديجه عليها السلام اشاره دارد:

(حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا علي بن إسماعيل قال انا عبد الله قال انا مُجَالِدٌ عَنِ الشَّعْبِيِّ عَنْ مَسْرُوقٍ عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا ذَكَرَ خَدِيجَةَ أَتَيْتَنِي عَلَيْهَا فَأَحْسَنَ الثَّنَاءِ قَالَتْ فَعَزَّتْ يَوْمًا فَقُلْتُ مَا أَكْثَرَ مَا تَذَكُرُهَا حَمْرَاءَ السُّدُقِ قَدْ أَبَدَلَكِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا خَيْرًا مِنْهَا قَالَ مَا أَبَدَلَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا خَيْرًا مِنْهَا قَدْ آمَنْتُ بِبِي إِذْ كَفَرَبِي النَّاسُ وَصَدَّقْتَنِي إِذْ كَذَّبَنِي النَّاسُ وَوَأَسْتَنِي بِمَا لَهَا إِذَا حَرَمَنِي النَّاسُ وَرَزَقَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَلَدَهَا إِذْ حَرَمَنِي أَوْلَادَ النِّسَاءِ). (1)

اين روايت تا عبارت (قد أبدلك الله عزوجل بها خيراً منها) با روايت قبل در صحيح بخاری يكسان است اما نکته قابل توجه ادامه روايت است که در مسند احمد آمده اما بخاری آن را ذکر نکرده است:

قال ما أبدلني الله عز وجل خيراً منها قد آمننت بي إذ كفر بي الناس وصدقتنني إذ كذبني الناس وواسستني بما لها إذ حرمني الناس ورزقني الله عز وجل ولدها إذ حرمني أولاد النساء.

فرمايش پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ به اعتراض عايشه بسيار اهميت دارد. ايشان در ابتدا به پاسخی مبني بر اين که خداوند بهتر از او نصيبم نفرموده است، اکتفا می کنند و سپس به بيان ویژگی های حضرت خديجه عليها السلام می پردازند. جملاتی سرشار از عشق و محبت و قدردانی از مقام شامخ آن بانو و اسوه زنان جهان که هر انسان منصف غير متعصب را به حيرت وا می دارد:

وقتی همه مردم از من روی گردان، بودند او به من ايمان آورد؛ تصدیقم کرد وقتی دیگران مرا تکذیب کردند؛ مال و ثروتش را در اختيارم گذاشت، وقتی دیگران محروم کردند؛ خداوند از او به من فرزندی داد وقتی از دیگر زنان محروم بودم

هيثمی بعد از ذکر اين روايت راوی و سند آن را تأييد می کند: «رواه أحمد و

ص: 32

مسلم نیشابوری نیز همین روایت را نقل کرده اما متأسفانه او هم مانند بخاری، سخن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در جواب عایشه را حذف کرده است. (2)

حضرت خدیجه علیها السلام مایه آرامش و تسلاهی خاطر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. هر وقت آن حضرت از تکذیب قریش و اذیت های آنان محزون و آزرده می شدند، هیچ چیز ایشان را مسرور نمی کرد مگر یاد آن بانو و هر گاه او را می دیدند مسرور می شدند.

سجایا و فضایل اخلاقی خدیجه علیها السلام سبب شد تا برای همسری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شایسته شمرده شود. طبق روایات او برای رسول خدا صلی الله علیه و آله یاوری صدیق بود: (وَ كَانَتْ خَدِيجَةً وَ زَيْرَةَ صِدْقٍ عَلَى الْإِسْلَامِ وَ كَانَ يَسْكُنُ إِلَيْهَا) (3) تعبیر وزیر راستین اسلام بسیار ارزشمند است و انسان را به ستایش این شخصیت وادار می نماید؛ زیرا چنین تعبیری در مورد هیچ یک از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله به کار نرفته است. پیامبر صلی الله علیه و آله به یاری او و حمایت بی دریغ و شجاعانه اش، بر انبوه مشکلات و موانع چیره می شدند و با مهر و صفای وصف ناپذیر او، آرامش خاطر می یافتند

بررسی مسائل تاریخی آن عصر، مؤید این مطلب است که ضرورت ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با زنان دیگر، در آن زمان هم وجود داشت؛ اما آن حضرت در زمان حیات خدیجه علیها السلام با زن دیگری ازدواج نکردند؛ زیرا هیچ زنی هم سطح وی نبود آن بانوی بزرگ اسلام از چنان ارزشی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برخوردار بود که آن حضرت جوانی خود را به او بخشیدند و تا آن بانو زنده بود، زنی را در برابری قرار ندادند. شرافت ایشان تا حدی است که پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه علیها السلام را جزء چهار زن برتر و سالار زنان روزگار بر شمردند.

أربع نسوة سادات عالمهن مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم، و

ص: 33

1- هیشمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج 9، ص 224

2- مسلم، صحیح، ج 4، ص 1889، حدیث 2437.

3- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 114.

خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و اله و أفضلهن عالما فاطمه (1)

باید توجه داشت که این روایت در منابع اهل تسنن، نقل شده است.

احادیث حضرت رسول صلی الله علیه و آله در مورد خدیجه علیها السلام فراوان و بسیاری از این احادیث مربوط به بعد از وفات آن با نوست. این مسأله براین مطلب دلالت دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله به دفعات از او یاد می کردند همچنین طبق روایاتی که ذکر گردید، هر گاه نام آن بانو در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برده می شد، گریان می شدند و از سجایا و فضایل ایشان به نیکی یاد می کردند.

آن حضرت از پیامبر صلی الله علیه و آله دارای سه فرزند پسر به نام های قاسم طیب و طاهر شد که هر سه در جاهلیت از دنیا رفتند و چهار دختر به نام های زینب، رقیه ام کلثوم و حضرت فاطمه علیها السلام که همه اسلام آوردند و با پیامبر صلی الله علیه و آله هجرت کردند. (2)

حضرت خدیجه علیها السلام و زنان پیامبر صلی الله علیه و آله

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در طول حیات پر برکت خود با پانزده زن ازدواج کردند و در زمان وفات نه زن داشتند. البته هر یک از ازدواج های پیامبر صلی الله علیه و آله بنا بر مصلحتی بود ابن هشام می نویسد:

پیامبر صلی الله علیه و آله با یازده زن خطبه عقد جاری کردند و آنان را به خانه بردند. از جمع زنان دو تن در زمان حیاتش درگذشتند. بالاترین شمار زنان پیامبر صلی الله علیه و آله در یک زمان، نه نفر بود با دو تن دیگر به نام های اسماء کنده و عمره کلایبه به خواندن خطبه عقد بسنده کردند. (3)

طبق روایات اهل تسنن خدیجه علیها السلام با فضیلت ترین زنان اهل بهشت است. ابن عباس می گوید:

خط رسول الله صلی الله علیه و آله فی الأرض أربعة خطوط قال أتدرون ما هذا قالوا الله

ص: 34

1- آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج 2، ص 149

2- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 227.

3- همان، ج 4، ص 304-305.

و رسوله أعلم فقال رسول الله صلى الله عليه وآله أفضل نساء أهل الجنة خديجة بنت خويلد و فاطمه بنت محمد و مريم بنت عمران و آسياه بنت مزاحم امرأة فرعون. (1)

نبی مکرم صلی الله علیه و آله با انگشت شان روی زمین چهار خط کشیدند و فرمودند: «بگویم این چهار خط معنایش چیست؟» عرض کردند: «خدا و رسولش بهتر می دانند». حضرت فرمود: «با فضیلت ترین زنان اهل بهشت؛ خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله، مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم همسر فرعون است».

باید توجه داشت که در میان همسران پیغمبر صلی الله علیه و آله، تنها اسم حضرت خدیجه علیها السلام جزء با فضیلت ترین زنان اهل بهشت آمده است. هم چنین حاکم نیشابوری، از عبدالله جعفر نقل می کند که نبی مکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

(أمرت أن أُبَشِّرَ خَدِيجَةَ بِنَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ) (2)

خدا به من دستور داده که به خدیجه مژده بدهم که خانه ای در بهشت برای او از تارهای طلا در نظر گرفته است.

وی اضافه می کند: «هذا حدیث صحیح علی شرط مسلم»؛ این حدیث بنا بر شرط مسلم صحیح است.

او در روایت بعدی مشابه این حدیث را که عایشه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است، بیان می کند:

(ان النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ أَمْرَتَانِ أَنْ أُبَشِّرَ خَدِيجَةَ بِنَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ) (3)

روایت بعدی همان است که در مسند احمد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

افضل زنان بهشت؛ خدیجه دختر خویلد فاطمه دختر پیغمبر مریم دختر عمران مادر حضرت عیسی و همسر فرعون، آسیه است

ص: 35

1- ابن حنبل، مسند، ج 4، ص 77

2- حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 204، ح 4849.

3- همان، حدیث 4850

وی سپس صحت اسناد این روایت را تأیید قرار می‌کند (1)

زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به فضیلت حضرت خدیجه علیها السلام در بین تمام زنان پیامبر صلی الله علیه و آله اقرار داشتند. عایشه فضیلت حضرت خدیجه را این گونه مطرح می‌کند:

روزی به حضرت زهرا علیها السلام گفتم: «آیا به تو بشارت ندهم؟ من از پیغمبر شنیدم که فرمود: «سروران زنان بهشت چهار نفر هستند؛ مریم دختر، عمران فاطمه دختر پیغمبر خدیجه دختر خویلد و آسیه» (2)

خود او اقرار می‌کند:

ما غُرْتُ عَلَى أَحَدٍ مِنْ نِسَاءِ النَّبِيِّ مَا غُرْتُ عَلَى خَدِيجَةَ وَ مَا رَأَيْتُهَا وَ لَكِنْ كَانَ النَّبِيُّ يَكْتَرُ ذِكْرَهَا وَ زُبْمَا ذَبَحَ الشَّاةَ ثُمَّ يَقَطِعُهَا أَغْضَاءً ثُمَّ يَبْعَثُهَا فِي صَدَائِقِ خَدِيجَةَ فَرُبَّمَا قُلْتُ لَهُ كَأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ فِي الدُّنْيَا امْرَأَةً إِلَّا خَدِيجَةَ فَيَقُولُ إِنَّهَا كَانَتْ وَ كَانَتْ وَ كَانَ لِي مِنْهَا وَلَدٌ؛

آن طوری که من به خدیجه حسد می‌ورزیدم، به هیچ زنی حسادت نمی‌کردم پیغمبر بعد از فوت خدیجه با من ازدواج کردند (در زمان حیات او با من ازدواج نکردند) اما خیلی به یاد خدیجه بودند و وقتی گوسفندی قربانی می‌کردند تکه تکه می‌نمودند به دوستان و بستگان حضرت خدیجه علیها السلام هدیه می‌دادند. به قدری پیغمبر صلی الله علیه و آله به یاد حضرت خدیجه علیها السلام بودند و ذکر خیر او را می‌کردند که گفتم: «یا رسول الله! گویا در دنیا و آخرت زنی غیر از خدیجه وجود ندارد؟» و می‌فرمودند: «چنان بود و چنان بود و من از او بچه داشتم». (3)

نکته جالب توجه در این روایت این است که در ذیل عبارت «فَيَقُولُ إِنَّهَا كَانَتْ وَ كَانَتْ، وَ كَانَ لِي مِنْهَا وَلَدٌ» از تعبیر «کانت و کانت» استفاده شده است. در حالی که روایات مشابه به ویژگی‌ها و فضایل حضرت خدیجه علیها السلام اشاره کرده اند. اما در این حدیث تنها ویژگی آن حضرت بچه دار شدن از پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: 36

1- همان، حدیث 4852.

2- همان، ح 4853.

3- بخاری، صحیح، ج 3، ح 3818.

دانسته شده؛ در حالی که بچه داشتن یا نداشتن نمی تواند ملاک فضیلت قرار گیرد.

این مطلب که علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام فقط به سبب امور مادی همچون فرزند داشتن از او بوده بی اساس و مغایر با سیره نبوی است. این گونه تعبیر، اگر با هدف مخفی کردن فضایل حضرت خدیجه علیها السلام بیان شده باشد، به طور قطع از ظلم هایی است که در حق آن حضرت صورت گرفته است

نتیجه

شخصیت برجسته حضرت خدیجه علیها السلام به گونه ای بوده که در عصر جاهلیت که زنان هیچ گونه ارزش و هویت اجتماعی نداشتند توجه همگان را به خود جلب کرده است. در این بین علمای اهل تسنن اعم از مفسران و تاریخ نگاران، همه به بررسی و نقل زندگی ایشان پرداخته اند.

این بررسی ها گاه از تعصب و اعمال سلیقه شخصی عاری بوده، گاهی نیز در کمال تأسف، مغرضانه و غیر منصفانه صورت گرفته است. به همین دلیل در بعضی موارد سعی شده که زوایای زندگی این بانوی نمونه اسلام مخفی بماند. این پنهان کاری بزرگ -تاریخی- اگر نگوئیم تحریف تاریخی در حالی انجام شده که ویژگی های شخصیتی، قدرت و توان مندی عجیب وی زبانزد عام و خاص دوران خود بوده است. اعتقاد، اخلاق عملکرد و رفتار آن بانو در اوج خفقان شرک و خرافه پرستی انفجار نور و امید در دل حق جویان بود. ایمان به خدا حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و پایداری در راه حق آن گونه در وجود او متجلی بود که وجودش مایه فخر اسلام دلگرمی پیامبر صلی الله علیه و آله و اسوه و سرمشق مسلمانان شد حضرت خدیجه علیها السلام متعلق به عصر جاهلیت و ظهور اسلام نیست؛ بلکه واکاوی شخصیت او و بررسی زوایای فکری و اخلاقی او می تواند برای تمام مردم جهان بارقه امیدی در مسیر نجات از جاهلیت عصر حاضر باشد.

1. ابن حنبل احمد بن محمد ،مسند، بيروت، دارصادر، بي تا.
2. ابن سعد، محمد، طبقات الكبرى، بيروت، دارالفكر، 1420 ق .
3. ابن هشام عبدالملك ، السيره النبويه ، چاپ ، جديد، بيروت، دارالاحياء التراث العربي، 1417 ق.
4. اصبهاني، ابى نعيم احمد بن عبد الله ، دلائل النبوه، چاپ اول، بيروت ، عالم الكتب، 1409 ق.
5. آلوسی، محمود بن عبد الله ، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع ،المثاني چاپ ،اول بيروت دارالكتب العلميه، 1415 ق.
6. بخارى، ابى عبدالله محمد بن اسماعيل، صحيح، چاپ اول، بيروت، داراحياء التراث العربى، 1422 ق.
7. حاكم نيشابورى، محمد بن عبد الله ، المستدرک على الصحيحين، چاپ دوم، بيروت: دارالكتب العلميه، 1422ق.
8. ذهبى، شمس الدين محمد بن احمد بن عثمان ، سير اعلام النبلاء، چاپ نهم، بيروت: مؤسسه الرساله، 1413 ق.
9. زمخشري، محمود بن عمر، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل چاپ سوم، بيروت: دارالكتاب العربى، 1407 ق.
10. سيوطى، عبدالرحمان بن ابى بكر، الدر المنثور في التفسير بالماثور، چاپ اول، قم: كتابخانه عمومى حضرت آيت الله العظمى مرعشى نجفى (رحمه الله)، 1404 ق.
11. شوکانى، محمد بن على بن محمد فتح القدير، چاپ دوم، بيروت: دار الكتاب العربى، 1422 ق.
12. طبرانى، سليمان بن احمد، التفسير الكبير: تفسير القرآن العظيم، چاپ اول، اردن دارالكتاب الثقافى، 2008 م.
13. مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى ، بحار الأنوار، چاپ دوم، بيروت ، 1403 ق.
14. مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري ، ابى الحسين، صحيح، چاپ ،دوم، بيروت، داراحياء التراث العربي، 1972م.
15. هيثمى، ابوالحسن على بن أبى بكر ، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بيروت، دارالريان للتراث، دار الكتاب العربى، 1407ق.

*حضرت خدیجه علیها السلام از منظر پیامبر صلی الله علیه و آله در احادیث اهل سنت: ابوطالب علی نژاد (1)

چکیده

خدیدجه علیها السلام، بانوی، با ایمان بافضیلت و بزرگواری قریش بود که در یکی از خاندان های اصیل و شریف حجاز چشم به جهان گشود. خاندان او از اقوام و الاثاری بودند که همیشه از خانه کعبه و از محور خداپرستی حمایت و پاسداری می کردند

خدیدجه علیها السلام که بانویی خردمند صاحب درک و شعور برخوردار از کمالات والای، انسانی دارای موقعیت بالای اجتماعی و بهره مند از زندگی مرفه دنیوی، بود پیشنهاد ازدواج با بزرگان و صاحب منصبان قریش را رد نمود و با فردی ازدواج کرد که از نعمت پدر و مادر و مال و ثروت محروم ولی به صداقت و امانت مشهور بود؛ یعنی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله.

آن بانو بعد از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، تمام هستی اش را وقف آن حضرت و اهداف و الایش نمود و لحظه ای در حمایت و یاری رساندن به آن حضرت درنگ نمود او نه تنها تمام اموال خویش را در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد بلکه اولین بانویی بود که به آن بزرگواری ایمان آورد و از ایشان پشتیبانی نمود. براین اساس از جایگاه بلند و مقام رفیع نزد خداوند متعال برخوردار گردید تا جایی که خداوند تبارک و تعالی به وسیله جبرئیل برای او سلام فرستاد و او را به پاداشی عظیم و جایگاهی رفیع وعده داد که هیچ یک از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله بدان مقام نرسیده بودند.

اوصاف و کمالات معنوی حضرت خدیجه علیها السلام و منزلت بالای وی

ص: 39

نزد خداوند متعال، پیامبر صلی الله علیه و آله را وادار می کرد تا همیشه از همسر باوفایش به نیکی و شایستگی یاد نمایند و هیچ گاه وی را فراموش نکنند. پیامبر صلی الله علیه و آله در تمام مدت عمر شریفش تنها از خدیجه علیها السلام به شایستگی یاد می کردند نام او را با احترام بر زبان جاری می نمودند و همواره خاطره او را گرمی و عزیز می داشتند و بارها از خدمات آن بانو و فداکاری هایش یاد می کردند.

در این مقاله سعی شده تا شخصیت ممتاز حضرت خدیجه علیها السلام در سنت گفتاری و رفتاری پیامبر صلی الله علیه و آله بر اساس منابع معتبر اهل سنت، تحلیل و تفسیر گردد

واژگان کلیدی

سنت گفتاری، سنت رفتاری، حدیث، حضرت خدیجه علیها السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل سنت.

مقدمه

خدیجه علیها السلام بانوی گران مایه شریف و با فضیلت قریش بود که در بعد، فکری، فردی خردمند دورانیش و برخوردار از هوش و ذکاوت و در بعد اخلاقی و رفتاری، زنی عفیف و پاک دامن و برخوردار از موقعیت اجتماعی خاص بود. براین اساس در عصر جاهلیت با القاب «طاهره» (1) و «سیده قریش» (2) نامیده می شد او به جهت اطلاعاتی که از آینده درخشان پیامبر صلی الله علیه و آله داشت، اشتیاق یافت با آن حضرت ازدواج کند؛ (3) بدان جهت پیشنهاد ازدواج داد، در حالی که چهل سال از عمر او می گذشت. (4)

پیامبر صلی الله علیه و آله که جوانی بیست و پنج ساله بودند و می توانستند با جوان ترین و زیباترین زنان عرب ازدواج کنند به جهت وجود کمالات انسانی در خدیجه علیها السلام

ص: 40

1- اسد الغابه، ج 5، ص 434؛ الاصابه، ج 4، ص 281.

2- سیره حلبی، ج 1، ص 224

3- بحار الانوار، ج 16، ص 21 - 23.

4- اسد الغابه، ج 5، ص 435؛ الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 39.

این پیشنهاد را پذیرفتند و در یک جمع خانوادگی این ازدواج مبارک صورت گرفت (1).

بدین گونه زنی که دلی چون آینه و اندیشه ای چون باران های شفاف آبارهای زلال داشت با همان صفا و پاکی به همسری پیامبر صلی الله علیه و آله در آمد که در آن زمان به «محمد امین» معروف بود.

حضرت خدیجه علیها السلام نخستین زنی است که به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد و به ندای توحیدی اش لبیک گفت و با تمام وجود از آن حضرت پشتیبانی کرد و جان و مال و اعتبار خود را در راه این اعتقاد و ایمان، تقدیم داشت. وی در راه هم گامی و پشتیبانی پیامبر صلی الله علیه و آله، لحظه ای از تلاش و تکاپو باز نماند و لذا نه به عنوان یک همسر و زن خانه دار بلکه به عنوان یک هم سنگر، یک مجاهد مقاوم، یک مبارز کوشا و سخت کوش و یک الگوی زن مسلمان و مؤمن بارها تأیید و تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله را جلب نمود و نشان پر افتخار «سیده نساء اهل الجنة» را از زبان مبارک آن حضرت دریافت کرد.

مقام والا و شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام را نمی شود با معیارهای ظاهری و معمولی سنجید و با عقل ناقص و دانش نارسای خود ارزیابی نمود؛ زیرا مقام و احترام آن بزرگوار چنان اوج گرفت و بالا رفت که خداوند تبارک و تعالی به وسیله جبرئیل بر او سلام فرستاد؛ سلامی که خداوند بر پیامبران بزرگ خود مانند نوح و ابراهیم و موسی فرستاده است. این بر مصونیت حضرت خدیجه علیها السلام از همه عیب های ظاهری و باطنی روحی و جسمی دلالت دارد که تالی تلو مقام عصمت است براین اساس حضرت خدیجه علیها السلام به جهت برخورداری از این اوصاف و فضایل والای انسانی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از احترام و محبوبیت خاصی برخوردار گردید

رسول گرامی، اسلام آن خاتون بزرگ را بسیار دوست می داشتند، به مهر و درایت او آگاه بودند و در کارهای خود با وی نه فقط مانند یک همسر، بلکه

ص: 41

1- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 16؛ الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 40

هم چون یک دوست فهیم و دل سوز و صمیمی مشورت می کردند و به نظریاتش احترام می گذاشتند.

امتیازات فوق العاده حضرت خدیجه علیها السلام و عطوفت و درایت کاردانی و شایستگی وی سبب شد پیامبر صلی الله علیه و آله، مادامی که آن بانو زنده بود، با زن دیگری ازدواج نکنند با وجودی که چند همسر گزینی در آن عصر و با آن وضعیت خاص زمانی و مکانی و سنت های قومی و منطقه ای موضوعی کاملاً عادی بود.

تجلیل و تکریم پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام، تنها به دوره ای حیات آن بانو مربوط، نبود بلکه بعد از وفات حضرت خدیجه علیها السلام نیز از او به نیکی یاد می کردند و یادش را گرامی می داشتند؛ با این که پس از وفات حضرت خدیجه علیها السلام، با برخی از زنان دیگر مانند عایشه صفیه، ام سلمه و... ازدواج کردند، همیشه از حضرت خدیجه علیها السلام با احترام و شایستگی نام می بردند و همواره خاطره او را گرامی و عزیز می داشتند.

این مقاله تلاش نموده تا جایگاه و منزلت حضرت خدیجه علیها السلام را در گفتار و رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله با استناد به احادیث معتبر در منابع اهل سنت به تصویر کشاند و آن را از منظر فقه الحدیثی تفسیر و تحلیل کند و پیام های زیبا و نکات برجسته اش را استخراج کند و تقدیم شیفتگان مکتب حیات بخش اسلام، پیروان راستین پیامبر صلی الله علیه و آله و زنان مجاهد مسلمان نماید که با الگو گرفتن از آن بانو رسالت انسانی و اسلامی خود را در عرصه های مختلف همسررداری تربیت فرزند، ایثار در راه آرمان های مقدس و والای الهی به احسن وجه ایفا نمایند.

سلام خدا به خدیجه علیها السلام

در منابع معروف اهل سنت مانند صحیح بخاری از ابن عباس، ابوهریره، عبدالرحمان بن ابی لیلی و سعید بن کثیر نقل شده است:

جبرئیل بر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نازل شده عرضه داشت: سلام خدا را به

روایت به نقل بخاری چنین است:

ابن سعید حدثنا محمد بن فضیل عن عماره عن أبي زرعه عن أبي هريره رضی الله عنه قال أتى جبریل النبی صلی الله علیه و آله فقال یا رسول الله هذه خدیجة قد اتت معها اناء فیہ ادم أو طعام أو شراب فإذا هی أتتک فاقراً علیه السلام من ربها و منی؛

جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و عرضه داشت: «این خدیجه علیها السلام است که با ظرفی از غذا و خورشیدنی می آید؛ پس هر گاه نزد شما آمد سلام پروردگار و مرا به او برسان!

توضیح روایت

تمام اقوام جهان هنگامی که به هم می رسند برای اظهار محبت به یک دیگر نوعی تحیت دارند که گاه جنبه لفظی دارد و گاه به صورت عملی است که رمز تحیت محسوب می شود در اسلام نیز سلام یکی از روشن ترین تحیت هاست؛ (2) بدان جهت واژه سلام در ده ها آیه قرآن و در موارد گوناگون به کار رفته؛ از جمله:

1. سلام خدا بر انسان های برگزیده خودش مانند: سلام خدا بر نوح، (3) سلام خدا بر ابراهیم (4) سلام خدا بر موسی و هارون، (5) سلام خدا بر الیاسین؛ (6)

2. سلام خدا بر بهشتیان؛ (7)

3. واوی سلام پیامبر صلی الله علیه و آله به مؤمنان؛ (8)

ص: 43

1- صحیح بخاری، ج 4، ص 231، المعجم الکبیر، ج 15، ص 23، مجمع الزوائد، ج 9، ص 224 و 225

2- تفسیر نمونه: ج 4، ص 64

3- (سَلَامٌ عَلٰی نُوحٍ فِی الْعَالَمِیْنَ) (سوره صافات، آیه 79)

4- (سَلَامٌ عَلٰی اِبْرٰهِیْمَ) (سوره صافات، آیه 109)

5- (سَلَامٌ عَلٰی مُوسٰی وَ هَارُونَ) (سوره صافات، آیه 120).

6- (سَلَامٌ عَلٰی اِلِیَاسِیْنَ) (سوره صافات، آیه 130).

7- (سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِیْمٍ) (سوره یس، آیه 58).

8- (وَ اِذَا جَاءَكَ الَّذِیْنَ یُؤْمِنُوْنَ بِآیَاتِنَا قُلْ سَلَامٌ عَلَیْكُمْ) (سوره الانعام، آیه 54).

4. سلام فرشتگان بر اهل بهشت؛ (1)

5. سلام ساکنان اعراف بر بهشتیان؛ (2)

6. سلام بهشتیان به یک دیگر؛ (3)

7. سلام مؤمنین به یک دیگر؛ (4)

8. سلام سخن بهشتیان (5)

سلام چند معنا دارد:

اول آن که از اسماء الهیه است؛ (6) یعنی خدا دارای جمیع صفات کمالیه و جمالیه است و منزّه و مبری از جمیع عیوب و نواقص امکانیه؛

دوم سلام الهی بر بندگان که دلالت دارد بر سلامت از همه خطرهای و بلیات دنیوی و اخروی و از تمام عیوب و نواقص ظاهریه و باطنیه، قلبیه و روحیه و جسمیه و از جهل و نسیان و سهو و شک و شبهه که تالی تلو مقام عصمت است

سوم، سلام ملائکه که دعا و طلب سلامت در پیشگاه عظمت باری تعالی است؛

چهارم سلام مردم به یک دیگر؛ یعنی وعده سلامت که از من هیچ گونه ناراحتی به شما نمی رسد. (7)

در میان اقسام گوناگون سلام که در آیات شریفه به آن ها اشاره شده سلام و تحیت الهی بر بندگان ویژه خودش و بر بهشتیان بزرگ ترین موهبت برای آنان به حساب می آید که در آیه شریفه (سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ) (8) به آن اشاره شده است، زیرا این ندای روح افزا و نشاط بخش و مملو از مهر و محبت، چنان روح انسان را در خود غرق می کند و به او لذت و شادی و معنویت می بخشد که

ص: 44

1- (وَ الْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ، سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ) (سوره رعد آیه 23 و 24).

2- (وَ عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلًّا بِسِيمَاهُمْ وَ نَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ) (سوره اعراف، آیه 46)

3- (وَ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ) (سوره ابراهیم، آیه 23).

4- (وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا) (آیه 86)

5- (لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَ لَا تَأْتِيهَا إِلَّا قِيَلًا سَلَامًا سَلَامًا) (26) (سوره واقعه، آیه 25 و 26).

6- (هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ) (سوره حشر، آیه 23).

7- تفسیر اطیب البیان، ج 11، ص 181.

8- سوره یس، آیه 58.

با هیچ نعمتی برابر نیست. در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام آمده است: «و لقد جائت رسلنا ابراهیم بالبشری قالوا سلاما قال سلام» (1) می گویند لذتی که ابراهیم از سلام این فرشتگان، برد با تمام دنیا برابری نداشت. (2)

بنابراین سلام خدا به حضرت خدیجه علیها السلام، از جهات مختلف قابل توجه است: اولاً بر کمالات وی و منزله بودنش از هر عیب و نقص و قرار گرفتنش در مرز عصمت دلالت دارد؛ ثانیاً جایگاه والای او را در بهشت برین روشن می سازد؛ ثالثاً امنیت کامل را برای او از هر آسیب و عذابی تضمین می کند. (3)

قصر بهشتی برای خدیجه علیها السلام

روایات متعددی در منابع مختلف اهل سنت از جمله صحیح بخاری نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله از طرف خداوند متعال مأمور شدند تا «خانه بهشتی» را به حضرت خدیجه علیها السلام بشارت دهند:

حدثني أحمد بن أبي رجاء حدثنا النضر عن هشام قال أخبرني أبي عن عائشة انها قالت ما غرت على امرأة لرسول الله صلى الله عليه وآله كما غرت على خديجة لكثرة ذكر رسول الله صلى الله عليه وآله إياها و ثنائها عليها و قد أوحى إلى رسول الله صلى الله عليه وآله ان يبشرها ببیت لها في الجنة من قصب (4)

عایشه می گوید: «به هیچ زنی از زنان رسول خدا غیرت زنانه نداشتم آن گونه که به خدیجه علیها السلام غیرت می ورزیدم به جهت یاد زیادی که پیامبر صلی الله علیه و آله از او می نمودند و ستایشش می کردند و خداوند به آن حضرت وحی نمود که خدیجه علیها السلام را به خانه ای (5) در بهشت بشارت ده که از طلا ساخته شده است.

ص: 45

1- سوره هود، آیه 69

2- تفسیر نمونه، ج 27، ص 186

3- تفسیر قمی، ذیل آیه (سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ)، قال: السلام منه تعالى هو الأمان.

4- صحیح بخاری، ج 6، ص 158 وج 4، ص 231 وج 7 ص 76 وج 8، ص 195.

5- به گفته خطابی مراد از بیت در این جا قصر است مسلم نووی، شرح صحیح، ج 15، ص 200 «قال الخطابي وغيره المراد بالبیت هنا القصر».

این روایت از اشخاص مختلف از جمله: عبدالله ابن ابی اوفی (1)، ابوهریره (2)، عایشه (3)، عبدالله بن جعفر بن عبد الله (4)، عبد الله بن عمر (5)، از رسول خدا گزارش شده است. ابن ماجه و، ترمذی، بعد از نقل این روایت از عایشه نوشته اند: «هذا حدیث حسن صحیح». (6) هیشمی نیز نوشته: «اسناد صحیح و رجاله ثقات». (7)

یادآوری می شود تعبیر «بیت فی الجنة»، (8) در قرآن نیامده بلکه تعبیر «الغرفة» (9) «الغرفات» (10) و «غرف» (11) هر کدام یک مرتبه در قرآن به کار رفته ولی در روایات، تعبیر «له بیت فی الجنة» در موارد ذیل به کار رفته است:

الف) گریه برای خوف و خشیت الهی

در وصایای پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام آمده است: «أوصیکَ یا علیُّ ... البكاء لله یبئیکَ لکَ بِکُلِّ دَمْعَةٍ بَیتِ فی الْجَنَّةِ»؛ (12)

ب) خواندن نماز مستحبی در شبهای رمضان

«من یصلی فی لیلۃ منها یبئ لهُ بیت فی الجنة»؛ (13)

ص: 46

- 1- صحیح بخاری، ج 4، ص 231، صحیح مسلم، ج 7، ص 133.
- 2- صحیح بخاری، ج 4، ص 231، صحیح مسلم، ج 7، ص 133.
- 3- صحیح بخاری، ج 4، ص 231 و ج 7 ص 76 و ج 8 ص 195، صحیح مسلم، ج 7، ص 133.
- 4- مسند احمد بن حنبل، ج 1، ص 205.
- 5- تاریخ مدینه دمشق، ق ج 70، ص 118
- 6- سنن ابن ماجه قزوین، ی ج 5، ص 366، سنن ترمذ، ی ج 5، ص 36
- 7- سنن ابن ماجه، ج 1، ص 643 به نقل از مجمع الزوائد.
- 8- فقط در سوره تحریم، آیه 11 از زبان آسیه همسر فرعون نقل شده است (وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ)
- 9- سوره فرقان، آیه 75 (أُولَئِكَ يُجْرَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَ يُلْقَوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَ سَلَامًا)
- 10- سوره سبأ، آیه 37 (وَ هُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ)
- 11- سوره زمر، آیه (لكن الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ هُمْ غُرْفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرْفٌ مَنِيَّةٌ)
- 12- محاسن برقی، ج 1، ص 17.
- 13- فضائل الا شهر الثلاثة، ص 133.

(مَنْ بَنَى مَسْجِدًا لِيَذْكَرَ اللَّهَ فِيهِ بُنِيَ لَهُ بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ)؛ (1)

د) بنده مؤمن آزاد کردن

(مَنْ أَعْتَقَ نَسَمَةً مُؤْمِنَةً بُنِيَ لَهُ بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ)؛ (2)

و) خواندن دوازده رکعت نماز مستحبی در هر روز.

*خواندن دوازده رکعت نماز مستحبی در هر روز. (3)

تعبیر «بیت فی الجنة» در همه این موارد به گونه مطلق آمده و هیچ ویژگی برای آن ذکر نشده ولی برای خانه بهشتی حضرت خدیجه سه ویژگی ذکر گردیده که او را از دیگر خانه های بهشتی متمایز می سازد:

1. خانه طلایی؛ خانه ای که از مروارید و طلا ساخته شده است (من قصب)؛ (4)

2. خانه آرام؛ خانه بی سر و صدا (لا صخب فیه)؛ (5)

3. خانه شاد؛ خانه بدون غم و اندوه (و لا نصب). (6)

بعضی از شارحان، وجوه مختلفی را برای جمله «لا نصب فیه و لا صخب» ذکر کرده اند؛ از جمله: ابن جوزی می نویسد:

«لا- نصب فیه»، کنایه از این است که خانه بهشتی برخلاف خانه دنیوی است اولاً- همراه با رنج و سختی است، چه در ساختنش و

ص: 47

1- روضه الواعظین، ص 337

2- همان، ص 338.

3- وسائل الشیعة، ج 5، ص 236.

4- معانی مختلفی برای قصب ذکر شده است مانند ساقه گره گره و میان تهی «نی» که نوعی از آن سخت و محکم است که سقف خانه ها را می پوشانند و نوعی از آن را قلم درست می کنند استخوان، مغزدار گوهر دراز و مستطیلی مروارید آب دار تارهایی از طلا و نقره (الرائد ج 1، ص 1370). ابن اثیر می نویسد: «قصب جمع قصبه است و کاربردهای مختلف دارد؛ مثلاً قصب استخوان به معنای استخوان مغزدار است و نیز هر استخوان پهن و لوح را قصب، گویند و مقصود از «قصب» در این حدیث نبوی به معنای «لؤلؤ مجوف واسع كالقصر المنيف» است. (النهاية في غريب الحديث والاثر، ج 4، ص 67).

5- صخب: سر و صدا، صیحه داد و بیداد ضجه و شیون همهمه (الرائد، واژه «صخب»).

6- نصب: درد و رنج تعب و سختی (الرائد، واژه «نصب»).

چه در اصلاح و نگهداری آن؛ ولی خانه بهشتی اولاً خانه ای آماده است ثانیاً فرسودگی ندارد تا نیازمند اصلاح باشد.

«و لا صخب» کنایه از پاداش سختی هایی است که حضرت خدیجه علیها السلام در تربیت فرزندان متحمل شدند؛ یعنی پاداش تحمل سختی ها در خانه دنیا، راحتی و آسایش در خانه آخرت است. (1)

مناوی در توجیه جمله «لا صخب فیه» و مقصود آن دو وجه دیگر ذکر کرده است:

1. خانه ای که اضطراب و ناامنی، ضجه و شیون و سرو صدا در آن نیست؛ زیرا هیچ خانه ای وجود ندارد که اهل آن خانه دور هم جمع شوند و سر و صدا در آن نباشد.

2. خانه در بست و اختصاصی، زیرا خانه چند نفری خالی از تنازع که به سر و صدا منجر شود، وجود ندارد

چنان که برای جمله «و لا نصب» نیز دو وجه ذکر نموده است:

1. نه کارهای روزانه که آن ها را به خود مشغول کند و از لذایذ بهشت باز بدارد در آن وجود دارد و نه رنجی که آن ها را غصه دار کند و غمگین نماید.

2. این خانه بهشتی ثواب و پاداش اعمال آن ها نیست، بلکه امتیاز ویژه است که علاوه بر پاداش اعمال آن ها خداوند متعال به حضرت خدیجه علیها السلام هدیه فرموده است. (2)

یادآوری می شود خانه بهشتی حضرت خدیجه علیها السلام، با سه ویژگی یاد شده برای حضرت زهرا علیها السلام نیز نقل شده و در مورد هیچ فرد دیگری گزارش نشده است. (3)

ص: 48

1- کشف المشکل عن حدیث الصحیحین، ج 2، ص 218.

2- فیض القدر فی شرح الجامع الصغیر، ج 2، ص 241

3- مناقب ابن مغزلی، ص 292 (... و خدیجة سیدة نساء عالمها و أنت فاطمة سیدة نساء عالمك إنکن فی بیوت من قصب لا أذی فیه و لا نصب ...) اکمال الدین و اتمام النعمة ص 160 (... إنما نسله من مباركة (یعنی فاطمه) لها بیت فی الجنة، لا صخب فیه و لا نصب)

اظهار ارادت پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام

ارادت و علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله به همسر گرامی اش وصف کردنی نیست؛ زیرا رابطه پیامبر صلی الله علیه و آله با آن بانو تنها یک رابطه زن و شوهری نبوده، و علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله به آن بانوی بزرگ، اسلام تنها از آن جهت نبوده که حضرت خدیجه علیها السلام یک همسر مهربان باوفا و خانه دار برای پیامبر صلی الله علیه و آله بودند بلکه این علاقه و عشق بر پایه ایمان و کمالات معنوی حضرت خدیجه علیها السلام بوده است؛ بدان جهت ارادت پیامبر صلی الله علیه و آله به آن بانو تنها به دوران حیاتش اختصاص نداشت، بلکه بعد از وفاتش نیز این علاقه بوده و پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت های گوناگون آن را ابراز می فرمودند.

الف) یاد همیشگی از خدیجه علیها السلام

یاد خدیجه علیها السلام هیچ گاه از خاطره پیامبر صلی الله علیه و آله محو نمی شد، بلکه چهره نازنین آن، بانو فداکاری هایش و فایش، صداقتش همراه بودنش تحمل سختی هایش و گذشتش همیشه در مقابل چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله مجسم بود. بدان جهت آن حضرت همیشه به یاد خدیجه علیها السلام بودند و از او به نیکی یاد می کردند و بهترین ستایش ها را از او انجام می دادند.

چند روایت در این زمینه وجود دارد که به یکی از آن ها بسنده می کنیم:

حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا علي بن إسحاق انا عبد الله قال انا مجالد عن الشعبي عن مسروق عن عائشة قالت كان النبي صلی الله علیه و آله إذا ذكر خدیجة اثنى علیها فأحسن الثناء قالت فغرت یوما فقلت ما أكثر ما تذكرها حمراء الشدق قد أبدلك الله عزوجل بها خیرا منها قال ما أبدلني الله عزوجل خیرا منها قد آمنت بي إذ كفر بي الناس و صدقتني إذ كذبتني الناس و واستنتی بمالها إذ حرمني الناس و رزقني الله عزوجل ولدها إذ حرمني أولاد النساء؛ (1)

عایشه می گوید: هر گاه از خدیجه علیها السلام یاد می شد پیامبر صلی الله علیه و آله با بهترین وجه او را می ستودند تا این که روزی غیرتی شدم و به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم:

ص: 49

«چقدر از خدیجه سرخ لثه یاد می کنی در حالی که خداوند بهتر از او را نصیب تو کرده است؟» پیامبر صلی الله علیه و آله در جواب فرمودند: «هرگز! خداوند بهتر از او را نصیب من نکرده است. او روزی به من ایمان آورد که جهانیان به من کفر می ورزیدند و زمانی مرا تصدیق کرد که جهانیان تکذیب می کردند و زمانی با ثروتش به کمکم آمد که دیگران مرا تحریم کردند و خداوند از او به من فرزندان عینیت کرده است»

توضیح روایت

1. این روایت را تنها احمد بن حنبل (پیشوای حنبلی ها) نقل کرده و سند آن معتبر است. (1)
 2. عبارت «كان النبي صلى الله عليه وآله» بر استمرار و مداومت دلالت دارد؛ یعنی این سیره همیشگی پیامبر صلی الله علیه و آله بوده که هر گاه از حضرت خدیجه علیها السلام یاد می شد، به بهترین وجه از او تعریف و ستایش می کردند
 3. جمله «حمراء الشدقين»، کنایه از کهولت و سن زیاد است که موجب ریختن تمام دندان ها و آشکار شدن لثه های سرخ می شود، زیرا شفق (به کسر شین) کناره های دهان را گویند و حمرا به معنای سرخ است. (2)
- این عبارت عایشه اوج حسادت او را نسبت به حضرت خدیجه علیها السلام نشان می دهد تعبیری که دور از اخلاق و ادب اسلامی است.
4. منظور عایشه از عبارت «قد أبدلك الله خيرا منها» (خداوند بهتر از خدیجه علیها السلام را به شما داده است) خودش بوده که از حضرت خدیجه علیها السلام جوان تر بوده و آن را یک امتیاز و ارزش به حساب آورده و خواسته از این طریق ابراز وجود کند و شخصیت خودش را به رخ پیامبر صلی الله علیه و آله کشاند؛ در حالی که بر اساس

ص: 50

-
- 1- مجمع الزوائد، ج 9، ص 224 (رواه أحمد و اسناده حسن) البدایه و النهایه، ج 3، ص 158، السیره النبویه، ج 2، ص 135 (تقرده به أحمد، و اسناده لا بأس به).
 - 2- عمده، القاری، ج 16، ص 282 (و الشفق بالكسر جانب الفم، أرادت أنها عجوز كبيرة جداً قد سقطت أسنانها من الكبر ولم يبق بشدها بياض من الأسنان إنما بقيت فيه حمرة اللثات).

آموزه های دینی اخلاق و دین داری معیار و ملاک امتیاز و ارزش است و حضرت خدیجه علیها السلام در این دو امتیاز در حد اعلا بود؛ پس اعتراض عایشه بی مورد و ستایش همیشگی پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام منطقی و حکیمانه است.

اخلاق و دین داری دو معیار در انتخاب همسر است که روایات به آن تأکید کرده اند.

5. مقصود پیامبر صلی الله علیه و آله از عبارت «قد آمنت بی إذ کفر بی الناس و صدقتنی إذ کذبنی الناس و واستنی بمالها إذ حرمني الناس و رزقنی الله ولدها إذ حرمني أولاد النساء»، بر شمردن امتیازات منحصر به فرد حضرت خدیجه علیها السلام است، از جمله:

1-5- سبقت در ایمان و تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله

*سبقت در ایمان و تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله (1)

به تصریح قرآن سبقت در ایمان و تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله، یک فضیلت و امتیاز بسیار مهم است. خداوند متعال در قرآن می فرماید:

و کسانی که بعد از آن ها آمدند و می گویند: پروردگارا! ما و برادران ما را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز و در دل های ما حسد و کینه ای نسبت به مؤمنان قرار! مده پروردگارا! تو مهربان و رحیمی (2)

بر این اساس، حضرت علی علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان اولین مرد و زنی که در ایمان آوردن به پیامبر صلی الله علیه و آله و تصدیق رسالت آن حضرت بر دیگران پیشی گرفتند از مصادیق این آیه شریفه هستند حسکانی از سلمه بن اکوع نقل می کند:

پیامبر صلی الله علیه و آله در بقیع بودند و علی علیه السلام نیز همراه او بود. وقت نماز رسید، جعفر (جعفر بن ابی طالب) نیز از آن جا عبور می کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای جعفر! در کنار برادرت نماز بخوان!» پس پیامبر صلی الله علیه و آله با علی علیه السلام

ص: 51

1- آمنت بی إذ کفر بی الناس و صدقتنی إذ کذبنی الناس

2- (وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ) (سوره حشر، آیه 10).

و جعفر نماز خواندند و چون از نماز فارغ شدند فرمودند: «ای جعفر! این جبرئیل است و از سوی پروردگار جهانیان خبر می دهد که برای تو دو بال سبز با نگین های زبرجد و یاقوت قرار داده شده که صبح و شام به هر کجا که بخواهی پرواز کنی». (1) علی علیه السلام عرض کرد: «یا رسول الله این برای جعفر است پس برای من چیست؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود «یا علی! آیا نمی دانی که خداوند گروهی از امت مرا آفریده که تا روز قیامت برای تو استغفار می کنند؟» علی علیه السلام گفت: «آنان چه کسانی هستند یا رسول الله؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سخن خداوند در کتابش که بر من نازل شده: (وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ). یا علی! آیا کسی در ایمان بر تو پیشی گرفته است؟» (2)

اگر سبقت در ایمان موجب آن شد که حضرت علی علیه السلام مصداق بارز و کامل آیه شریفه باشند پس حضرت خدیجه علیها السلام نیز مصداق این آیه خواهد بود؛ زیرا به شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله زمانی که دیگران آن حضرت را تکذیب کرده بودند و به ایشان کفر ورزیدند، حضرت خدیجه علیها السلام ایشان را تصدیق کرد و به رسالتش ایمان آورد؛ در نتیجه هیچ یک از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نمی تواند جای حضرت خدیجه علیها السلام را بگیرد.

ص: 52

1- جعفر بن ابی طالب برادر حضرت علی علیه السلام در نبرد موته به شهادت رسید و دو دستش قطع شد که خداوند به جای آن دو بال به وی عطا نمود و به همین جهت معروف به جعفر طیار شد.

2- شواهد التنزیل، ج 2، ص 334 (أخبرنا أبو سعد محمد بن علی الحیري أخبرنا أبو سعید محمد بن أحمد أحمد بن شعيب الحافظ حدثنا أبو نصر منصور بن محمد بن أحمد البخاري حدثنا علی بن یوسف حدثنا أبو صفوان إسحاق بن أحمد النجاری حدثنا مكي بن إبراهيم حدثنا عثمان الشحام عن سلمة بن الأكوع قال: بينما النبي بقیع الغرقد و علی معه فحضرت الصلاة، فمر به جعفر فقال النبي صلی الله علیه و آله: یا جعفر صل جناح أخیک. فصلی النبي بعلی و جعفر، فلما انفتل من صلاته قال: یا جعفر هذا جبرئیل یخبرني عن رب العالمين أنه صیر لك جناحين أخضرين مفصصين بالزبرجد والياقوت تغدو و تروح حيث تشاء قال علی: فقلت: یا رسول الله هذا لجعفر فما لي قال النبي صلی الله علیه و آله: یا علی أو ما علمت أن الله عزوجل خلق خلقا من أمتي يستغفرون لك إلى يوم القيامة؟ قال: علی: و من هم یا رسول الله؟ قال: قول الله عزوجل في كتابه المنزل علی: (وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ، وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ) فهل سبقك إلى الإيمان أحد یا علی؟).

*مواسات مالی با پیامبر صلی الله علیه و آله (1)

«مواسات» یعنی دیگری را در مال خویش شریک قرار دادن، تا آن جا که هر گونه خود از مال خویش استفاده و در آن تصرف می کند، دیگری نیز چنان باشد.

ابن منظور (م. 711 ق) درباره فعل «آسی» می نویسد:

آسأه بماله: انا له منه و جعله فيه أسوة؛

بخشی از مال خویش در اختیار او گذارد و او را در استفاده از مال خود مساوی با خود قرار دهد.

و برخی گفته اند:

مواسات وقتی است که شخص به اندازه کفاف خود داشته باشد نه بیش تر و دیگری را در همان مقدار کفاف شریک سازد؛ اما اگر افزون از اندازه کفاف داشت و از آن مال افزون به کسی داد، «مواسات» نیست (2)

یادآوری می شود بر اساس آموزه های دینی، مواسات به امور مالی اختصاص ندارد بلکه کمک رسانی به یک دیگر در حوزه های گوناگون است. اینکه انسان بخشی از مال و امکانات معیشتی و رفاهی و مسافرتی و تفریحی خویش را در اختیار دیگران بگذارد این عمل از جایگاه ارزشی بالایی برخوردار است و از قرآن و سنت نبوی سرچشمه می گیرد و یکی از صفات بارز و کامل پرهیزگاران شمرده شده است. خداوند متعال در قرآن می فرماید:

متقین کسانی هستند ... در اموال آن ها حقی است برای سائل و محروم. (3)

مقصود از حق معلوم در این آیه غیر از زکات واجب است (4) و به تعبیر بعضی

ص: 53

1- و واستنی بمالها إذ حرمني الناس

2- لسان العرب، واژه «آسی».

3- سوره زاریات، آیه 91 (... وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ) «سائل» کسی است که از مردم تقاضای کمک می کند، ولی «محروم» شخص آبرومندی است که برای معیشت خود نهایت تلاش را به خرج می دهد اما دستش به جایی نمی رسد و کسب و کار و زندگیش به هم پیچیده است و با این حال خویشتن داری، کرده از کسی تقاضای کمک نمی کند (برگزیده تفسیر نمونه، ج 4، ص: 935).

4- همان.

از محققان به معنای زکات باطنی و غیر رسمی است (1) و تفسیر آیه این است:

انسان های متقی که امکانات و ثروت مادی و اقتصادی دارند افراد نیازمند جامعه را شناسایی و به کمک آن ها بشتابند خصوصاً به کمک کسانی که صورت شان را با سیلی سرخ نگه می دارند و از سؤال کردن و دست نیاز به سمت دیگران دراز کردن دوری می نمایند.

حضرت خدیجه علیها السلام که از طریق تجارت، ثروت فراوانی به دست آورده بود و از ثروتمندان قریش به حساب می آمد، بعد از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله و ایمان آوردن به آن، حضرت تمام ثروت خویش را در اختیار ایشان قرارداد تا در راه گسترش فرهنگ اسلام و حمایت از نیازمندان و بردگانی که به آن حضرت ایمان می آوردند و از ناحیه مشرکان در تحریم و فشار اقتصادی بودند، به مصرف رساند.

این عمل خداپسندانه حضرت خدیجه علیها السلام هیچ گاه از یاد پیامبر صلی الله علیه و آله نمی رفت بدان جهت به عایشه فرمود:

او با مالش مرا یاری کرد در زمانی که دیگران مرا تحریم نمودند.

3-5- فرزنددار شدن حضرت خدیجه علیها السلام

*فرزنددار شدن حضرت خدیجه علیها السلام (2)

هدف نهایی از ازدواج و انتخاب همسر حفظ حیات نوع بشر است؛ بر این اساس در قرآن زنان به مزرعه تشبیه شده اند؛ (3) یعنی زن فقط وسیله اطفاء شهوت و هوسرانی مردان نیست بلکه وسیله ای است برای حفظ حیات نوع بشر. این سخن در برابر آن هایی که به جنس زن همچون یک بازیچه یا وسیله هوس بازی می نگرند هشدار محسوب می شود؛ چنان که هدف نهایی از آمیزش، لذت، و کام جویی محض نیست بلکه باید از این موضوع برای ایجاد

ص: 54

1- محمدرضا حکیمی در «الحیات».

2- و رزقني الله ولدها إذ حرمني أولاد النساء.

3- (فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنْتِ شَيْئُكُمْ) (سوره بقره آیه 223) دو همسر می توانند هر گونه و در هر زمان و مکان، از لذت جنسی بهره گیرند (جز آن چه در قانون شرع ممنوع شده است).

و پرورش فرزندان شایسته استفاده کرد و آن را به عنوان یک ذخیره معنوی برای فردای قیامت از پیش فرستاد (1) بر این اساس باید در انتخاب همسر اصولی را رعایت نمود از جمله آن که زنی را به همسری برگزید که «ولود» باشد. رسول گرامی اسلام فرمود:

هنگامی که انسان می میرد امید او جز از سه چیز قطع می شود: صدقات جاریه (اموالی که از منافع آن مرتباً بهره گیری می شود) و علمی که از آن سود می برند و فرزند صالحی که برای او دعا می کند (2)

رسول خدا از حضرت خدیجه علیها السلام، دارای فرزندان متعددی بودند که در رأس همه آن ها ام الائمه صدیقه شهیده، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام قرار دارند و بقای نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از این بانوی بزرگ است؛ ولی از همسران دیگر فرزندی نداشته به جز ابراهیم از ماریه قبطیه که آن هم از دنیا رفته بود. (3) بر این اساس، هیچ زن دیگری از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نمی توانست جای حضرت خدیجه علیها السلام را بگیرد و بهتر از او باشد.

ب) گرامی داشت دوستان خدیجه علیها السلام

خدیجه علیها السلام بانویی بزرگ و دارای موقعیت بالای اجتماعی بود و دوستان فراوانی داشت که بعد از وفاتش به ملاقات پیامبر صلی الله علیه و آله می آمدند و آن حضرت احترام ویژه ای برای آنان قائل می شدند و آن ها را گرامی می داشتند؛ بلکه بالاتراز، آن هدایایی برای آنان می فرستادند و از این طریق ارادت شان را به همسر با وفای شان ابراز می کردند روایات متعددی در این زمینه در منابع اهل سنت وجود دارد که به

ص: 55

1- (..) وَقَدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ) (با اعمال صالح و پرورش فرزندان صالح آثار نیکی برای خود از پیش بفرستید)

2- مجمع البیان، ج 1، ص 321) (اذا مات الانسان انقطع امله الا عن ثلاث: صدقة جاریة و علم ینتفع به و ولد صالح یدعوا له).

3- رك: المناقب ابن شهر آشوب، ج 1، ص 140) (ولد من خدیجة القاسم و عبد الله و هما: الطاهر و الطیب و أربع بنات: زینب و رقیة، و أم كلثوم و هی آمنه، و فاطمة و هی أم أبیها. و لم یکن له ولد من غیرها إلا ابراهیم من ماریة، ولد بعالیة فی قبيلة مازن فی مشربة أم ابراهیم، و یقال ولد بالمدينة سنة ثمان من الهجرة و مات بها و له سنة و عشرة أشهر و ثمانية أيام و قبره بالبقیع).

روایت اول: از عایشه نقل می کند:

روزی پیرزنی به دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله، آمد حضرت از او سؤال کردند: «کیستی؟» زن گفت: «جثامه مزنیه». رسول خدا فرمود: «بلکه شما حسانه مزنیه (1) هستی. حال شما چطور است؟ وضع زندگی تان چگونه است؟» زن گفت: «خوب است پدر و مادرم فدایت باد!» وقتی آن زن از پیش پیامبر صلی الله علیه و آله رفت، پرسیدم: «این پیرزن کی بود که این گونه با محبت با وی برخورد کردید و احترامش نمودید؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «او در زمان خدیجه علیها السلام به ما سر می زد و به دیدار خدیجه علیها السلام می آمد (وَرِإِنَّ حُسْنَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ). (2)

توضیح روایت

در آموزه های دینی تأکید فراوانی به وفای به عهد شده و دارای مصادیق فراوانی است؛ از جمله، پیمان دوستی که افراد یا ملل و حکومت ها با یک دیگر می بندند و رعایت آن بر یک دیگر لازم است. این موضوع، به پیمان مسلمان ها با یک دیگر اختصاص ندارد، بلکه در مقابل دشمن نیز وفای به عهد واجب است. حضرت علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر می فرماید:

ص: 56

1- حسانه مزنیة که نام اصلی اش «جثامه» بوده و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را به «حسانه» تغییر داده یکی از دوستان حضرت خدیجه علیها السلام بود و با آن بانوی بزرگ رفت و آمد داشت بدان جهت پیامبر احترام ویژه ای برای او قائل بودند و به او لطف محبت می کردند و هدایایی را برایش می فرستادند.

2- الاستیعاب، ج 4، ص 1811 (أخبرنا عبد الوارث بن سفیان، حدثنا قاسم بن أصبغ، حدثنا محمد بن یونس، حدثنا الضحاک بن مخلد، حدثنا صالح بن رستم، حدثنا ابن أبي ملیكة، عن عائشة قالت: جاءت عجوز إلى النبي صلی الله علیه و سلم فقال لها: من أنت؟ قالت: أنا جثامة المزنية. قال: بل أنت حسانة المزنية، كيف حالكم؟ كيف كنتم بعدنا؟ قالت: بخير، بأبي أنت و أمی یا رسول الله! فلما خرجت قلت: یا رسول الله، تقبل علی هذه العجوز هذا الإقبال! قال: إنها كانت تأتينا أيام خدیجة، و إن حسن العهد من الإيمان) حاکم نیشابوری بعد از نقل این حدیث نوشته است: هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین فقد اتفقا علی الاحتجاج برواته فی أحادیث كثيرة و لیس له علة (مستدرک صحیحین، ج 1، ص 16).

مالکا اگر میان خود و دشمنت تعهدی بستی یا ضمانتی از خود برای او پوشانیدی، عهد خود را با وفا حفظ کن و ضمانتی که نموده ای با امانت مراعات نما و شخصیتت را سپر وفای به عهدی که بسته ای قرار بده؛ زیرا در میان واجباتی که خداوند مقرر فرموده است، هیچ یک از آن ها مانند وفای به عهد مورد اتفاق مردم نیست. (1)

رسول گرامی اسلام که دارای خلق قرآنی بودند و خداوند متعال با تعبیر (أَنْكَ لَعْلَى خَلْقٍ عَظِيمٍ) ایشان را می ستاید نسبت به زنی که رابطه دوستی با حضرت خدیجه علیها السلام داشت و به ملاقات آن حضرت می آمد با تجلیل و تکریم برخورد می کردند و آن را از جزئی از ایمان به حساب می آوردند و می فرمودند: (إِنَّ حُسْنَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ) و در بعض روایات آمده (إِنَّ كَرَمَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ) و در معنای آن گفته شده است: «ای رعایة المودة». (2)

نوی از بزرگان اهل سنت و شارح صحیح مسلم می نویسد:

وفي هذا الحديث ونحوه دلالة لحسن العهد و حفظ آلود و رعایة حرمة الصاحب و المعاشر حياً و میتاً، و إكرام معارف ذلك الصاحب . (3)

روایت دوم: انس بن مالک خدمتگزار مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید:

هر گاه کسی هدیه ای برای پیامبر صلی الله علیه و آله می فرستاد و می فرمودند: «قسمتی از آن را برای فلان خانم ببرید؛ زیرا او از دوستان خدیجه علیها السلام بود و خدیجه علیها السلام را دوست می داشت» (4)

روایت سوم: عایشه می گوید:

ص: 57

1- نهج البلاغه ، نامه 53 (وَإِنْ عَقَدْتَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ عَدُوِّكَ عُقْدَةً أَوْ أَلْبَسْتَهُ مِنْكَ ذِمَّةً فَحُطَّ عَنْكَ بِالْوَفَاءِ...)

2- لسان العرب ، ج 3، ص 312

3- عمدة القاری، ج 16، ص 218 .

4- الاستیعاب، ج 4، ص 1811 و روی، ثابت، عن أنس، قال: كان رسول الله صلى الله عليه و آله إذا أهديت إليه هدية قال: اذهبوا ببعضها إلى فلانة، فإتتها كانت صديقة لخديجة، و إنها كانت تحب خديجة.

به هیچ زنی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله به اندازه خدیجه علیها السلام غیرتی نبودم، در حالی که او را ندیده بودم؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله فراوان از وی یاد می کردند و هر گاه گوسفندی ذبح می فرمود بخشی از آن را برای دوستان خدیجه علیها السلام به عنوان هدیه می فرستادند و من از این رفتار ایشان غیرتی می شدم و از روی اعتراض به آن حضرت می گفتم: «گویا در دنیا هیچ زنی به جز خدیجه وجود نداشت» (که این همه به یادش هستید و به دوستانش محبت می کنید؟) پیامبر صلی الله علیه و آله در جواب می فرمود: «آن ها کانت و کانت و کان لی منها ولد»⁽¹⁾.

در نقل دیگر آمده که عایشه گفت:

به هیچ زنی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله به اندازه خدیجه علیها السلام غیرتی نبودم با این که او قبل از ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با من از دنیا رفته بود؛ زیرا اولاً پیامبر صلی الله علیه و آله از وی یاد می کردند و ثانیاً از جانب خدا بشارت خانه بهشتی به خدیجه علیها السلام دادند و ثالثاً هر گاه گوسفندی ذبح می کردند هر چه قدر که نیاز داشتند برای دوستان خدیجه علیها السلام هدیه می فرستادند.⁽²⁾

توضیح روایت

این دو روایت، در صحیح بخاری نقل شده که از معتبرترین کتب حدیثی اهل سنت به حساب می آید.

ابن حجر عسقلانی در توضیح عبارت «انها کانت و کانت» می نویسد: «أی کانت فاضلة و کانت عاقلة و نحو ذلك».⁽³⁾

ص: 58

1- صحیح بخاری، ج 4، ص 230 (حدیثی عمر بن محمد بن حسن حدیثاً ابی حدیثاً حفص عن هشام عن ابیه عن عائشة رضی الله عنها قالت ما غرت علی أحد من نساء النبی صلی الله علیه و آله و ما غرت علی خدیجة و ما رأيتها و لکن کان النبی یكثر ذکرها و ربما ذبح الشاة ثم یقطعها أعضاء ثم یبعثها فی صدائق خدیجة فریما قلت له كأنه لم یکن فی الدنیا الا خدیجة فیقول انها کانت و کانت و کان لی منها ولد)
2- همان: حدیثاً سعید بن عفیر حدیثاً اللیث قال کتب الی هشام عن ابیه عن عائشة رضی الله عنها قالت ما غرت علی امرأة النبی صلی الله علیه و سلم ما غرت علی خدیجة هلکت قبل أن یتزوجنی لما کنت اسمعه یدکرها و أمره اللہان یبشرها بیت من قصب و إن کان لیذبح الشاة فیهدی فی خلائها منها ما یسعهن.

3- فتح الباری، ج 7، ص 103

عینی نیز نوشته است: «أنها كانت أي أن خديجة كانت و كانت أي كانت فاضلة ، و كانت عاملة و كانت تقية و نحوها ذلك» (1)

بنابراین مقصود پیامبر صلی الله علیه و آله از این جمله آن است که آن بانوی بزرگ و نمونه ، واجد همه فضایل و کمالات بوده است: در ایمان و دین داری در همسرداری در تربیت فرزند، در همراهی و همگامی در وفا در فضیلت و تقوا، در تدبیر و هوشمندی در عفت و پاک دامنی در عبادت و بندگی در ایثار و بخشندگی.

و مقصود از جمله: «و كان لي منها ولد» ممکن است همان مضمون عبارت قبلی «ورزقني الله ولدها إذ حرمني أولاد النساء» باشد که توضیح آن گذشت.

عینی از شارحان صحیح بخاری می نویسد: «قوله: (و كان لي منها) أي: من خديجة: (ولد) و قد ذكرنا أن جميع أولاده من خديجة إلا ابنه إبراهيم فإنه من مارية القبطية». (2)

و ممکن است اشاره به وجود مبارک حضرت فاطمه علیها السلام باشد که ام الائمه و کوثر قرآن بوده اند و حضرت خدیجه علیها السلام صدف این کوثر

ج) محبت به خواهر خدیجه علیها السلام

از موارد علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام ، محبت به خواهر آن بانو بود که با دیدن او به یاد همسر باوفایش می افتادند و احترام خاصی برای او قائل بودند.

بخاری می گوید:

وقال إسماعيل بن خليل أخبرنا علي بن مسهر عن هشام عن أبيه عن عائشة رضی الله عنها قالت استأذنت هالة بنت خويلد أخت خديجة على رسول الله صلى الله عليه و اله فعرف استئذان خديجة فارتاع لذلك فقال اللهم هالة قالت فغرت فقلت ما تذكر من عجوز من عجائز قريش حمراء الشدين هلكت

ص: 59

1- عمدة القارى، ج 16، ص 218.

2- همان

في الدهر قد أبدلك الله خيراً منها؛ (1)

عایشه می گوید: روزی هاله خواهر خدیجه علیها السلام به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و، اجازه ورود خواست آن حضرت با خوش حالی به استقبالش رفتند و با او با محبت برخورد کردند. من از این رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله غیرتی شدم و به آن حضرت گفتم: چه شده تو را که از پیرزنی از پیرزنان قریش یاد می کنی که بر اثر پیری گونه هایش سرخ و فرو رفته و سال هاست از دنیا رفته در حالی که خداوند بهتر از او را به شما داده است! (2)

توضیح روایت

«فعرف استئذان خدیجة»، یعنی به یاد استئذان خدیجه علیها السلام افتاد، چون صدای هاله شبیه صدای خواهرش خدیجه علیها السلام بوده است. (3)

«ارتاع»، از «روع»، به معنای «فزع» است و کنایه از تغییر و دگرگونی است که در چهره شخص ظاهر می شود و در بعضی نسخه ها «ارتاح» ثبت شده و به معنای سرور و خوش حالی خاصی است که در شخص ظاهر می شود (4)

اللهم هالة: این جمله را دو جور معنا کرده اند

یکم: خدایا او را هاله قرار بده یا- خدا کند که هاله باشد (5) (که از علاقه بسیار پیامبر صلی الله علیه و آله به هاله خواهر خدیجه علیها السلام حکایت دارد که آن حضرت مشتاق دیدار او بودند تا با دیدنش خاطرات حضرت خدیجه علیها السلام برایشان تجدید گردد).

دوم: این هاله است (6) (کنایه از شباهت زیاد صدای هاله با صدای حضرت

ص: 60

1- صحیح بخاری، ج 4، ص 231.

2- صحیح بخاری، ج 4، ص 230.

3- فتح الباری، ج 7، ص 107 (أی صفتة لشبه صوتها بصوت أختها فتذكر خدیجة بذلك).

4- همان (من الروع بفتح الراء أی فزع والمراد من الفزع لازمه و هو التغير، وقع في بعض الروایات ارتاح بالحاء المهملة أی اهتز لذلك سرورا).

5- (اجعلها هاله فعلى هذا فهو منصوب).

6- (هذه هالة وعلى هذا هو مرفوع).

خدیجه علیها السلام است که پیامبر صلی الله علیه و آله فوراً متوجه این صدا می شوند و او را می شناسند).

صدیقه امت

صداقت و راست گویی از ویژگی های بسیار مهم مردان و زنان با ایمان است. نشانه صفای باطن قلب سلیم و نفس پاکیزه است. حضرت خدیجه علیها السلام از این ویژگی مهم برخوردار بود و پیامبر صلی الله علیه و آله با تعبیر «هذه صدیقه امتی» او را وصف می فرمایند و بر صدیقه بودنش گواهی می دهند.

ابن عساکر نقل کرده است:

عن ابن عمر قال: نزل جبریل علی رسول الله لا صلی الله علیه و آله بما أرسل به و جلس یحدث رسول الله صلی الله علیه و آله إذا مرت خدیجة بنت خویلد فقال جبریل من هذه یا محمد قال: "هذه صدیقه امتی" قال جبریل: معی إليها رسالة من الرب تبارک و تعالی یقرنها السلام و بیشرها ببیت فی الجنة من قصب بعید من اللهب لا نصب فیہ و لا صخب؛

عبدالله بن عمر می گوید: جبرئیل امین بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و وحی الهی را بر ایشان ابلاغ کرده و کنار پیامبر صلی الله علیه و آله، نشست، مشغول صحبت کردن با آن حضرت گردید که در این هنگام خدیجه علیها السلام از کنار آنان رد شد. جبرئیل از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: «این زن کیست؟» فرمود: «این صدیقه امتم است» جبرئیل گفت: «من حامل پیامی از جانب پروردگار برای او هستم و آن پیام این است که خداوند فرمود سلام مرا به خدیجه علیها السلام برسان و او را به خانه ای در بهشت بشارت بده که از لهُو و لعب به دور است، خانه آرام بدون سر و صدا و بدون رنج و سختی» (1)

نکته جالب توجه این است که دختر این بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه علیها السلام نیز به «صدیقه» ملقب بودند مرحوم کلینی در یک روایت

ص: 61

نتیجه

حضرت خدیجه علیها السلام از بانوان بزرگ جهان و از زنان نامور تاریخ اسلام به حساب می آید ایشان از جهات مختلف، الگوی بسیار مناسب برای تمام زنان عالم به ویژه زنان مسلمان هستند. وی دارای کمالات بسیار بالای انسانی و الهی بود و توانست به مقامات معنوی ویژه ای دست یابد و از جایگاه خاصی نزد رسول گرامی اسلام برخوردار گردد.

پیامبری که به گواهی، قرآن تمام رفتار و گفتارش از وحی سرچشمه می گیرد و مصون از هر گونه خطا و اشتباه تعلقات شخصی و خواسته های نفسانی است احترام ویژه ای برای آن بانو قائل بودند.

بر اساس روایات منابع مهم حدیثی اهل سنت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ارادت و وابستگی خاصی به حضرت خدیجه علیها السلام داشتند و با تمام وجود به او عشق می ورزیدند. این عشق و ارادت، اولاً بر اساس ملاک های دینی و ارزش های اسلامی بود نه به جهت همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بودن و ثانیاً یک احساس درونی، نبود بلکه همیشه آن را اظهار می نمودند و به دیگران اعلان می کردند و ثالثاً تنها به دوره حیات حضرت خدیجه علیها السلام اختصاص نداشت، بلکه بعد از وفات آن بانو نیز این محبت ادامه داشت.

ص: 62

1- کافی، ج 1، ص 458 (محمد بن یحیی، عن العمرکی بن علی، عن علی بن جعفر أخیه، أبی الحسن علیه السلام قال: إن فاطمة صدیقة شهيدة و إن بنات الأنبیاء لا یطمئن)

1. ابن اثير (م - 606)، النهاية في غريب الحديث، چاپ چهارم، مؤسسه اسماعيليان، قم، 1364 ش.
2. ابن الجوزى (م - 597)، كشف المشكل عن حديث الصحيحين، دارالوطن للنشر، رياض، 1418 ق.
3. ابن المغازلى (م - 483)، مناقب على بن ابي طالب، چاپ اول، انتشارات سبط النبي 1384 ش.
4. ابن حجر (م - 852)، فتح البارى، چاپ دوم، دار المعرفة للطباعة والنشر بيروت، بی تا.
5. ابن حنبل (م - 241)، مسند احمد دار صادر، بيروت لبنان، بی تا.
6. ابن شهر آشوب (م - 588)، مناقب آل ابي طالب، المكتبة الحيدريه نجف اشرف، 1376 ق.
7. ابن عبد البر (م - 463)، الاستيعاب، چاپ اول، دارالجيل، بيروت، 1412 ق.
8. ابن عساکر (م - 571)، تاريخ مدينه، دمشق، دارالفکر، بيروت، 1415 ق.
9. ابن كثير (م - 774)، البدايه والنهايه، دار إحياء التراث العربي، بيروت، 1408 ق.
10. ابن منظور (م - 711)، لسان العرب، نشر ادب الحوزه، 1405 ق.
11. الإربلى (م - 693)، كشف الغمه، چاپ دوم، دار الأضواء، بيروت، 1405 ق.
12. بخارى (م - 256)، صحيح البخارى، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع استانبول، 1401 - 1981 م.
13. برقى (م - 274)، المحاسن، دار الكتب الإسلاميه، تهران، 1370 ش.
14. شيخ حرعاملی (م - 1104)، وسائل الشيعه، مؤسسة آل البيت، قم، 1414 ق.
15. شيخ صدوق (م - 381)، اكمال الدين وتمام النعمه، مؤسسه نشر اسلامى جامعه مدرسين، قم، 1363 ش.
16. شيخ صدوق (م - 381)، فضائل الاشهر الثلاثه، دار المحجة البيضاء

17. طبرانی (م - 360)، المعجم الكبير، دار إحياء التراث العربي، بيروت، بی تا.
18. طیب سید عبدالحسین (قرن پانزدهم)، اطیب البیان، انتشارات اسلام تهران 1378 ش.
19. عینی (م - 855)، عمدة القاری، دار إحياء التراث العربي، بی تا.
20. فتال النیشابوری (م - 508)، روضة الواعظین، منشورات الشریف الرضی قم، بی تا.
21. محمد بن یزید القزوینی (م - 273)، سنن ابن ماجه، دار الفکر، بی تا.
22. مسلم نیشابوری (م - 261)، صحیح مسلم، دارالفکر، بیروت، بی تا.
23. مکارم شیرازی (معاصر)، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران دار الکتب الإسلامیه، 1374 ش.
24. مناوی (م - 1031)، فیض القدر، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415 ق .
25. هیشمی (م - 807)، مجمع الزوائد، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1408 ق.

*فضایل حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت: روح الله باقر (1)

چکیده

حضرت خدیجه علیها السلام بانوی بزرگ، اسلام اولین زن مسلمان دارای عظمت و شأن بالا نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بود. از آن جایی که به فضایل این بانوی بزرگ کم تر توجه شده و یا حتی در حق این بانو در بعضی از موارد ظلم شده است در این مقاله به طور مختصر از فضایل آن حضرت از کتب اهل سنت مواردی ذکر می گردد؛ از جمله سلام خداوند و جبرئیل برایشان بشارت بهشت و خانه در بهشت برای حضرت خدیجه علیها السلام و از جمله بافضیلت ترین زنان بهشت بهترین زن دو، جهان یاد کردن زیاد پیامبر صلی الله علیه و آله از این بانوی بزرگ و خشم پیامبر صلی الله علیه و آله از مذمت حضرت خدیجه علیها السلام.

این موارد حاکی از شأن و عظمت آن بانوی بزرگ نسبت به دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله است که همسران دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله فاقد این تعابیر هستند این، مقاله هم چنین برتری این بانوی بزرگ اسلام را بر دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به اثبات می رساند.

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام، فضائل، اهل سنت افضلیت، بهترین زنان.

ص: 65

حضرت خدیجه علیها السلام همسر پیامبر صلی الله علیه و آله جایگاه والایی داشتند؛ از این رو برای تکریم این بانوی بزرگوار برخی از فضایل ایشان را از منابع اهل سنت به رشته تحریر درآوریم تا کمی از زحمت های این بانوی بزرگوار قدردانی شود.

زندگی نامه حضرت خدیجه علیها السلام

خدیجه علیها السلام دختر خویلد (68-3 ق) نخستین همسر حضرت محمد صلی الله علیه و اله مادر حضرت فاطمه علیها السلام و اولین زن ایمان آورنده به اسلام بود. نام کامل وی خدیجه علیها السلام بنت خویلد بن اسد بن عبدالعزی ابن قصی بن کلاب بن مره بن کعب بن لؤی بن غالب به فهر بن مالک بن نصر بن کنانه مادرش فاطمه بنت زائده بن الأصم بن الهرم بن رواحه بن حجر بن عبد بن معیض بن عامر بن لؤی بن غالب بن فهر بن مالک. خدیجه علیها السلام در سال 68 قبل از هجرت در مکه به دنیا آمد از القاب او در زمان جاهلیت «طاهره» و «سیده قریش» بود.

طبق عقاید شیعه و برخی دیگر از مسلمانان و تاریخ نویسان اسلامی، خدیجه علیها السلام عزیزترین زن پیامبر صلی الله علیه و آله بود. به گفته عایشه پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه علیها السلام را بهترین همسر خود می دانست (1).

فضیلت

فضیلت [ف ض ل] [ع |مص] به معنای رجحان، برتری، مزیت و فزونی است. (2) «آدمیان را به فضیلت نطق و مزیت عقل از دیگر حیوانات ممیز گردانید». (3) «چه هر که از خرد بهره دارد فضیلت او بروی پوشیده نماند». (4) «چندانک اندک

ص: 66

1- مسند احمد بن حنبل، ج 6، ص 117.

2- عبدالرحیم صفی پور شیرازی، منتهی الارب، چاپ، اول، تهران، دانشگاه تهران، 1388 ش.

3- کلیله و دمنه

4- همان.

مایه وقوف افتاده و فضیلت آن را بشناختم به رغبتی صادق و حرص غالب در تعلم آن می کوشیدم» (1).

اهل سنت

مذهب سنی، یکی از مذاهب دین اسلام است. اهل سنت و جماعت معتقدند که حضرت محمد صلی اله علیه و آله، پس از خود جانشینی تعیین نکردند، باوجود این، آن ها احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله هم چون حدیث منزلت، حدیث ثقلین و وقوع غدیر خم را رد نمی کنند ولی مناسبت آن ها را در مورد تعیین جانشینی علی بن ابی طالب تأیید نمی نمایند و معتقدند باید مسلمانان با تشکیل شورا یکی از افراد جامعه را به عنوان خلیفه خود برگزینند هر چند برای تعیین خلفای بعدی این اصل زیر پا گذاشته شد و اجماع صورت نگرفت. از این رو، پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و قبل از تدفین ایشان، نخست با تشکیل شورا در سقیفه بنی ساعده با این که همه مسلمانان یا نمایندگان شان در شورا شرکت نداشتند (از جمله عباس عموی پیغمبر و علی بن ابی طالب داماد ایشان)، طبق سنت شورا و بیعت ابوبکر را که از صحابه و نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله بود، برای خلافت انتخاب کردند.

منابع

مقصود از منابع کتبی است که احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت گرامیش در آن ها گرد آمده باشد.

پیشینه تحقیق

کتب بسیاری به زبان های عربی و فارسی در مورد حضرت خدیجه علیها السلام به چاپ رسیده است که به نمونه هایی اشاره می شود:

ص: 67

1- همان

1. زنان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، نوشته عمادالدین حسین اصفهانی، چاپ ششم، تهران، نشر، محمد، 456 صفحه، 1368.

در این کتاب جایگاه زن در جنبه ها و ادیان گوناگون، به ویژه از دیدگاه اسلام بررسی و تبیین شده است. نویسنده این کتاب پر محتوا به چند مبحث از جمله: «زنان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله»، «زنان پیامبر صلی الله علیه و آله»، و نیز «شخصیت والای حضرت خدیجه علیها السلام» پرداخته است.

2. بزرگ زنان صدر اسلام نوشته احمد حیدری، چاپ اول، قم، انتشارت زمزم هدایت 336 صفحه، 1383.

نویسنده در این کتاب شرح حال و سیره سیاسی، اجتماعی زنان صدر اسلام در دوران نبوت و امامت را گردآوری کرده است. برخی سر فصل های این اثر عبارتند از: «بانوان برگزیده جهان»، «همسران رسول خدا»، «مادران امامان علیهم السلام»

3. شیوه همسررداری پیامبر صلی الله علیه و آله به گزارش قرآن و سنت، نوشته احمد و، عابدینی چاپ، اول، تهران انتشارات هستی، نما 159 صفحه، 1380.

نویسنده در این کتاب با استناد به آیات و روایات شیعه و اهل سنت، به بررسی چگونگی رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله با همسران خود پرداخته و به مسائلی چون: عدالت مدارا، سازگاری و گذشت در محیط خانواده اشاره کرده است.

4. فروغ آسمان حجاز، نوشته علی کرمی، فریدنی خدیجه علیها السلام، چاپ اول، قم، نشر حاذق، 584 صفحه، 1382.

این کتاب تحقیقی است درباره زندگی نامه فعالیت ها و شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام. نویسنده نخست به ترسیم کلی سیمای ایشان مراحل زندگی نام ها و خاندان وی پرداخته و سپس رابطه عاطفی، و ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله را تحلیل کرده است. سیره خانوادگی خدیجه علیها السلام، دفاعیات او از پیامبر صلی الله علیه و آله و مقام معنوی و روحانی خدیجه علیها السلام، از مباحثی است که نویسنده، با تشریح آن ها کوشیده تا نقش حضرت را در دفاع از آزادی در آینه حق و عدالت

و گسترش اسلام بیان کند نویسنده در بخش دیگر، به نوگرایی و روشن فکری، قدرت مدیریت، فداکاری پاک دامنی خردمندی آن بانو در آخر به سخنان برخی امامان معصوم علیهم السلام درباره ایشان اشاره کرده است.

5. حضرت خدیجه علیها السلام اسطوره ایثار و مقاومت نوشته محمد محمدی اشتهاردی چاپ دوم مؤسسه انتشارات نبوی بهار 287 صفحه، 1384.

این اثر، نفیس در سه فصل تنظیم شده است: فصل اول: «حضرت خدیجه علیها السلام از آغاز ولادت تا آغاز بعثت» (55 سال)؛ فصل دوم: «خدیجه علیها السلام. نخستین بانوی مسلمان و فداکاری های او در راه اسلام» (ده سال) و فصل سوم: «فضایل خدیجه علیها السلام، فرزندان، او وصیت و رحلت جان سوز و مقامات او».

نویسنده در برگ های آغازین کتاب می نویسد: «قبل از نگاشتن این کتاب تصویری که از مقام حضرت خدیجه علیها السلام در ذهن داشتم، مثلاً اگر دارای صد درجه بود پس از بررسی ها و نوشتن این، کتاب با این که فهرستی از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام است آن صد درجه به هزار درجه رسید و قبلاً در آن دعای معروف که می گفتم: «الهی به حق فاطمه و ابیها و بعلها و بنیها»، می افزایم: «و بحق امها».

6. هم سفر آفتاب، واحد مطالعات و تحقیقات زنان مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، قم، 46 صفحه، 1377.

این نوشتار ویژه نامه ای است که به مناسبت درگذشت آن بزرگ بانو تدوین شده و به تبیین شخصیت والا و نقش ایشان در گسترش پیام الهی و آسمانی و استحکام پایه های اسلام با این سرفصل ها می پردازد: «حضرت خدیجه علیها السلام در تاریخ»؛ «زندگانی آن حضرت»؛ «فضایل ایشان»؛ «حمایت های اجتماعی و عملی و مالی از پیامبر صلی الله علیه و آله» و «نخستین خانواده اسلامی و برگزیده ای از ادب فارسی».

1. زنان، پیغمبر نوشته عایشه بنت الشاطی ترجمه محمدعلی خلیلی، 268 صفحه چاپ اول، تهران، انتشارات دنیای کتاب، 1383.

در این کتاب شرح حال دوازده تن از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله درج شده است. از جمله خدیجه علیها السلام دختر خویلد، سوده دختر، زمه عایشه دختر ابوبکر، حفصه دختر عمرو....

2. حضرت خدیجه علیها السلام نوشته علی محمد علی دخیل ترجمه: فیروز حریرچی، 38 صفحه چاپ سوم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر 1363.

در این نوشتار جنبه های گوناگون، زندگی شخصیت و عظمت حضرت خدیجه علیها السلام همسر گرامی رسول اکرم صلی الله علیه و آله با این عنوان بررسی شده است: «معرفی خدیجه علیها السلام در چند سطر»، «اسلام خدیجه علیها السلام در دوره رسالت»، «سیرت خدیجه علیها السلام»، «خدیجه علیها السلام در احادیث رسول گرامی»، «منزلت خدیجه علیها السلام نزد رسول» و «سخنان بزرگان و دانشمندان درباره خدیجه علیها السلام».

3. زن در زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله، نوشته بنت الهدی، صدر ترجمه: محمود شریفی 88، صفحه چاپ اول تهران شرکت چاپ و نشر بین الملل، 1383.

در این نوشتار نقش زنانی بررسی شده که در زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله مؤثر بوده اند. هم چنین نظریه ها و دیدگاه های حضرت محمد صلی الله علیه و آله درباره زنان و دختران در کتاب درج شده است.

فضایل حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت

با مراجعه به کتب اهل سنت در می یابیم که مقام حضرت خدیجه علیها السلام به خوبی در کتب آن ها بیان شده است؛ مواردی از فضایل حضرت خدیجه علیها السلام در این کتب عبارتند از:

1. سلام خداوند و جبرئیل بر حضرت خدیجه علیها السلام

در صحیح مسلم از ابوهریره نقل شده که جبرئیل پیش پیغمبر آمد و عرضه داشت:

(يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذِهِ خَدِيجَةُ قَدْ أَتَتْكَ مَعَهَا إِنَاءٌ فِيهِ إِدَامٌ أَوْ طَعَامٌ أَوْ شَرَابٌ فَإِذَا هِيَ أَتَتْكَ فَأَقْرَأْ مِنْ رَبِّهَا عَزَّوَجَلَّ وَمَنِي وَبَشِّرْهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبٍ)؛ (1)

حضرت خدیجه علیها السلام دارد پیش تو می آید و ظرفی از غذا و آب می آورد. وقتی حضرت خدیجه علیها السلام، آمد از طرف خدای عالم به او سلام برسان؛ از من جبرئیل هم به او سلام برسان و به او بشارت بده که خدای عالم خانه ای در بهشت برای او از تارهای طلا در نظر گرفته که در آن خانه اضطراب و خستگی وجود دارد و نه زوال نعمت.

از این حدیث می توان دریافت: که مقام و جایگاه این بانوی بزرگوار، به قدری والا و عزیز است که خداوند و فرشته وحی به او سلام می رسانند و به او بشارت خانه در بهشت می دهند

2. بشارت بهشت دادن خداوند به حضرت خدیجه علیها السلام

در کتاب صحیح بخاری حدیث 7497 هم از ابوهریره نقل شده که جبرئیل گفت خدیجه علیها السلام دارد می آید:

(قَدْ أَتَتْ مَعَهَا إِنَاءٌ فِيهِ إِدَامٌ أَوْ طَعَامٌ أَوْ شَرَابٌ فَإِذَا هِيَ أَتَتْكَ فَأَقْرَأْ مِنْ رَبِّهَا وَمِنِّي وَبَشِّرْهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبٍ). (2)

همین یک روایت برای مقام والای حضرت خدیجه علیها السلام کافی است که خداوند به ایشان بشارت بهشت می دهد در این جا از اهل سنت باید پرسید در قضیه عشره مبشره که با آن آب و تاب بیان می شود که خداوند به ده نفر از صحابه بشارت بهشت داده که یک سند صحیح برای آن نمی شود پیدا کرد، چرا حتی

ص: 71

1- صحیح مسلم چاپ دارالطیبه ریاض، حدیث 2432

2- صحیح بخاری، ج 3، ص 1389، حدیث 3609.

یک دفعه با وجود احادیث در مورد بشارت بهشت از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام این فضیلت بیان نمی شود و نام ایشان در عشره مبشره موجود نیست؟

3. با فضیلت ترین زنان اهل بهشت

در کتاب مسند احمد از ابن عباس آمده:

خط رسول الله صلی الله علیه و آله في الأرض أربعة خطوط قال أتدرون ما هذا قالوا الله ورسوله أعلم فقال رسول الله صلی الله علیه و سلم أفضل نساء أهل الجنة خديجة بنت خويلد وفاطمة بنت محمد و مريم بنت عمران و آسية بنت مزاحم امرأة فرعون؛ (1)

نبی مکرم با انگشت شان روی زمین چهار خط کشیدند و فرمودند: «بگویم معنای این چهار خط چیست؟» عرض کردند: «خدا و رسولش بهتر می دانند». حضرت فرمود: «با فضیلت ترین زنان اهل بهشت؛ خدیجه علیها السلام دختر خویلد، فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله، مریم بنت دختر عمران و آسیه بنت مزاحم همسر فرعون هستند».

نکته جالب در این روایت این است که از میان همسران پیغمبر صلی الله علیه و اله فقط نام گرامی حضرت خدیجه علیها السلام در این روایت ذکر شده که جایگاه ویژه این بانوی بزرگ اسلام را نشان می دهد.

در ضمن از لحاظ سند روایت نیز محقق آن می گوید:

«اسناد صحیح رجاله ثقات رجال الصحیح؛ سند این روایت و رجال آن صحیح است و رجال آن از افراد مطمئن هستند».

4. بهترین زنان دو جهان

ذهبی از انس چنین نقل می کند:

خير نساء العالمين مريم و آسية و خديجة بنت خويلد سيدة نساء أهل

ص: 72

1- مسند احمد بن حنبل، ج 4، ص 77، حدیث شماره 2901

الجنة بعد مريم فاطمة و خديجة وامرأة فرعون آسية؛ (1)

بهترین زنان دو جهان، مريم، آسياه خديجه عليها السلام و فاطمه زهرا عليها السلام سرور زنان اهل بهشت بعد از مريم فاطمه و خديجه عليها السلام و همسر فرعون آسياه هست.

محقق اين روايت رجال آن را هم ثقه مي داند.

5. ياد کردن زياد پيامبر صلى الله عليه و آله از حضرت خديجه عليها السلام

عروه خواهرزاده عايشه به نقل از وي مي گويد:

ما غَرْتُ لِلنَّبِيِّ عَلَى امْرَأَةٍ مِنْ نِسَائِهِ مَا غَرْتُ عَلَى خَدِيجَةَ لِكَثْرَةِ ذِكْرِهِ إِيَّاهَا وَ مَا رَأَيْتُهَا قَطُّ (2)

به هيچ کدام از همسران پيغمبر مانند خديجه عليها السلام حساسيت نداشتم؛ پيغمبر او را زياد ياد مي کردند در حالي که اصلاً در عمرم خديجه عليها السلام را نديدم

ما غَرْتُ عَلَى أَحَدٍ مِنْ نِسَاءِ النَّبِيِّ مَا غَرْتُ عَلَى خَدِيجَةَ وَ مَا رَأَيْتُهَا وَ لَكِنْ كَانَ النَّبِيُّ يَكْتَبُ ذِكْرَهَا وَ رَبَّمَا ذَبَحَ الشَّاةَ ثُمَّ يَقَطُّعُهَا أَغْضَاءً ثُمَّ يَبْعَثُهَا فِي صَدَائِقِ خَدِيجَةَ فَرُبَّمَا قُلْتُ لَهُ كَأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ فِي الدُّنْيَا امْرَأَةً إِلَّا خَدِيجَةَ فَيَقُولُ إِنَّهَا كَانَتْ وَ كَانَتْ وَ كَانَ لِي مِنْهَا وَلَدٌ؛ (3)

به هيچ کدام از زن های پيغمبر مانند حضرت خديجه عليها السلام حساسيت نداشتم. پيغمبر خيلي به ياد خديجه عليها السلام بودند؛ وقتي گوسفندي قرباني مي کردند تکه تکه مي نمودند و به دوستان و بستگان حضرت خديجه عليها السلام هديه مي دادند به قدری پيغمبر به ياد حضرت خديجه عليها السلام بودند و ذکر خير او مي کردند که گفتيم: «يا رسول الله گويا در دنيا و آخرت زنی غير از خديجه عليها السلام وجود ندارد؟ او می فرمودند: «چنان بود و چنان بود و من از او بچه داشتم».

همان طور که در روايت واضح است پيامبر صلى الله عليه و آله بسيار از خديجه عليها السلام ياد

ص: 73

1- سير اعلام النبلاء، ج 2، ص 117

2- صحيح مسلم، چاپ دار الطيبة عربستان سعودي، حديث 2435

3- صحيح بخاری، حديث 3818.

می کردند، به طوری که حسادت عایشه برانگیخته می شد. (1)

حاکم نیشابوری می گوید: «این روایت صحیح هست و شرایط مسلم و بخاری را دارد».

ابن عبد آلبر نیز از عایشه نقل می کند:

كان رسول الله لا يكاد يخرج من البيت حتى يذكر خديجة فيحسن الثناء عليها فذكرها يوما من الأيام فأدركتني الغيرة فقلت هل كانت إلا عجوزا (2) پیغمبر هر وقت می خواستند از خانه بیرون بروند، به یاد حضرت خدیجه علیها السلام بودند و از او تعریف می کردند روزی خیلی از او یاد کردند غیرتم به جوش آمد و گفتم: «آیا خدیجه علیها السلام پیرزنی بیش تر بود که این همه از او تعریف می کنید؟!»

6. خشم پیامبر صلی الله علیه و آله از مذمت خدیجه علیها السلام

از آن جایی که حضرت خدیجه علیها السلام از جایگاه والایی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برخوردار بودند، نمی توانستند مذمت را کسی درباره او تحمل کنند و سریع عکس العمل نشان می دادند. روایات ذیل از منابع اهل سنت بیان می شود.

ابن عبدالبر می گوید:

فقد أبدلك الله خيرا منها فغضب حتى اهتز مقدم شعره من الغضب لا والله ما أبدلني الله خيرا منها آمنت بي إذ كفر الناس و صدقتني إذ كذبني الناس و واستتني في مالها إذ حرمني الناس و رزقني الله منها أولادا إذ حرمني أولاد النساء و كان لي منها و آد فقلت في نفسي لا أذكرها بسية أبدا؛

هنگامی که عایشه گفت: «خدا بهتر از او را به شما داده است!» حضرت به قدری غضبناک شدند که موهای جلو سرشان از شدت غضب راست شد و فرمود: «به خدا قسم خدای عالم بهتر از خدیجه علیها السلام نصیب من

ص: 74

1- المستدرک، ج 3، ص 205، حدیث 4855

2- الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ابن عبد البر با تحقیق علی محمد البجاوی، ج 4، ص 1823.

نکرده است او به من ایمان آورد آن زمانی که مردم به من کفر ورزیدند و مرا تصدیق کرد، آن وقتی که مردم تکذیب کردند و تمام اموالش را در اختیار من گذاشت آن وقتی که مردم مرا محروم کردند و خدای عالم اولادی از او به من داد و از فرزندان دیگر زنان مرا محروم کرد. پس من در دلم گفتم: دیگر من از حضرت خدیجه علیها السلام بدی نخواهم گفت.

معلوم می شود که خود عایشه اعتراف دارد به اینکه به حضرت خدیجه علیها السلام بدی کرده و از او به بدی یاد نموده است.

ذهبی هم از عایشه نقل می کند:

وقتی پیغمبر از حضرت خدیجه علیها السلام نام می بردند، نمی توانستند ثنای او را بگویند و برای او استغفار نکنند روزی از حضرت خدیجه علیها السلام سخن می گفتند که غیرت من به جوش آمد و گفتم: لقد عوضك الله من كيرة السن فرأيت غضبا غضبا أسقطت في خلدی أسقطت في خلدی وقلت في نفسي إن أذهب غضب رسولك عنی لم أعد أذكرها بسوء فلما رأى النبي ما لقيت قال كيف قلت والله لقد آمنت بي إذ كذبتني الناس و أوتني إذ رفضني الناس و رزقت منها الولد و حرمتوه مني قالت فغدا و راح على بها شهرا؛ (1)

عوض این پیرزن خدا زن جوانی نصیبت کرده! دیدم پیامبر صلی الله علیه و آله چنان غضبناک شدند که من از حال طبیعی بیرون رفتم (غضب پیغمبر به قدری بود که دیگر فکرم کار نکرد)، پیش خودم گفتم: خدایا اگر غضب پیغمبر نسبت به من آرام، بشود دیگر از حضرت خدیجه علیها السلام بد نخواهم گفت! پیغمبر دیدند من خیلی حالم خراب و دگرگون شد، فرمودند: «چطور چنین حرفی زدی؟! خدای عالم خدیجه علیها السلام را به من داد. او به من ایمان آورد، در حالی که مردم تکذیب می کردند به من پناه داد در حالی که مردم مرا ترک کردند خدای عالم از او به من فرزند، داد حال آن که از شما محروم شدم» پیغمبر به خاطر این اعتراض من یک ماه با من قهر بودند.

ص: 75

محقق این حدیث هم در پاورقی روایتش را معتبر می داند.

ابن جوزی باز همین تعبیر را می آورد:

كان رسول الله لا يكاد يخرج من البيت حتى يذكر خديجة فيحسن عليها الشاء فذكرها يوماً من الأيام فأدرکتني الغيرة فقلت هل كانت إلا عجزوا قد أخلف الله لك خيراً منها قالت فغضب حتى اهتز مقدم شعره من الغضب ثم قال: لا والله ما أخلف الله لي خيراً منها؛ (1)

پیغمبر اصلاً از خانه بیرون نمی رفتند مگر اینکه از حضرت خدیجه علیها السلام یاد می کردند و از او به خوبی تعریف می نمودند روزی که از حضرت خدیجه علیها السلام یاد کردند غیرت من به جوش آمد و گفتم: «مگر خدیجه علیها السلام پیرزنی بیش تر بود؟! خدا بهتر از او را به شما داده است!» پیغمبر غضبناک شدند به طوری که موهای جلو سرشان از شدت غضب راست شد و فرمودند: «قسم به خدای عالم خدای عالم همسری بهتر از خدیجه علیها السلام نصیب من نکرده است».

7. امتداد نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

به خدا سوگند! هرگز همسری بهتر از خدیجه علیها السلام به من ارزانی نشد؛ روزگاری که مردم به من کفر ورزیدند او ایمان آورد، هنگامی که مردم مرا دروغ گو می شمردند، به رسالتم شهادت داد و آن گاه که مردم مرا در محاصره قرار دادند ثروت هنگفت خود را در راه هدف های من خرج کرد و خدا فرزندان مرا از نسل او قرار داد؛ نه دیگر زنان (2)

در این حدیث، به یکی از دیگر از فضایل حضرت خدیجه علیها السلام اشاره شده و آن این که خداوند این لطف را در حق حضرت خدیجه علیها السلام کرد و ایشان را واسطه ای برای امتداد نسل پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد این فضیلت نیز از کتب

ص: 76

1- المنتظم فی تاریخ الملوك، ابن جوزی، ج 3، ص 18.

2- به نقل از: سیره ابن هشام، ج 1، ص 80.

اهل سنت آمده که از جایگاه والای این بانوی بزرگ حکایت می کند.

8. حضرت خدیجه علیها السلام راوی حدیث

بیهقی تأکید دارد که روایت هایی از حضرت خدیجه علیها السلام در کتاب های اهل سنت موجود است. او نقل می کند:

خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: «ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله! در حال طواف برگرد خانه خدا چه دعایی را زمزمه کنم؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بگو: بار خدایا! گناهانم را بیامرز و لغزش های خواسته و ناخواسته و زیاده روی در کارهایم را ببخشای». (1)

9. برترین بانوان امت

منابع اهل سنت حضرت خدیجه علیها السلام او را یکی از برترین زنان امت محمدی یاد کرده اند؛ از جمله پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

برترین بانوان، امتم خدیجه علیها السلام است و برترین بانوان امت های گذشته، مریم بود. (2)

حضرت خدیجه علیها السلام نه تنها به سبب همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بودن بلکه به جهت داشتن عظمت و روح بلند از جایگاه ویژه ای نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برخوردار بودند و آن حضرت بیش تر به او توجه می کردند. اگر کسی او را مذمت می کرد، خشمگین می شدند و نمی گذاشتند کوچک ترین بی حرمتی به آن بانوی بزرگوار شود. ایشان حتی سال رحلت آن بانو را سال حزن قرار دادند؛ زیرا از فقدان خدیجه علیها السلام بسیار غمگین بودند.

اگر بدیده انصاف بنگریم چنین بانوی بافضیلتی عادی نبود، بلکه برگزیده بانوان آن زمان و چنان لایق بود که امتداد نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق ایشان صورت پذیرفت

ص: 77

1- به نقل از: الانوار الساطعة من الغزاء الطاهره، ص 330.

2- مسند احمد بن حنبل به نقل از: محمد باقر ملبویی، وقایع و الحوادث.

از فضایی که منابع اهل سنت برای حضرت خدیجه علیها السلام بیان کرده اند، ثابت می شود که این بانوی بزرگ از شأن و جایگاه والایی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برخوردار بودند. این فضایل فقط مختص آن بانوی بزرگ اسلام بود که در دوران سختی و مشکلات، پیامبر صلی الله علیه و آله را همراهی کرد و باعث گسترش دین اسلام شد. لذا شایسته است در این زمینه تحقیقات بیش تری صورت پذیرد.

1. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمان بن علی بن محمد، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوك، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، 1412 ق.
2. ابن عبد البر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، با تحقیق علی محمد، البجاوی، بی جا بی تا
3. ابو محمد عبدالملک بن هشام بن ایوب حمیری المعافری مشهور به جمال الدین (متوفی 213 یا 218 ق)، سیره ابن هشام، دارالکتب العلمیة، بیروت، لبنان، 1971 م.
4. احمد بن حنبل، مسند احمد (241 ه)، دار صادر، بیروت.
5. حاکم نیشابوری، المستدرک، تهران، چاپ اول، بی تا.
6. شمس الدین الذهبی، سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ دهم، 1414 ق.
7. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری (256 ه)، دار الفکر، بیروت، بی تا.
8. مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، چاپ دارالطیبه، ریاض، بی تا.
9. نیشابوری، حاکم، مستدرک علی الصحیحین، جلد 3، ص 186، 186، بی تا.
10. شیخ غالب سیلاوی، انوار الساطعه من الغراء الطاهره خدیجه علیها السلام بنت خویلد علیها السلام، چاپ اول، 1421 ق، ناشر: نویسنده
11. صفی پوری شیرازی، عبدالرحیم بن عبدالکریم، منتهی الارب فی الغه العرب، دانشگاه تهران، مؤسسه تحقیقاتی ولی عصر، چاپ اول، 1388 ش.

چکیده

مقام منیع و جایگاه رفیع حضرت خدیجه کبری علیها السلام نزد مسلمانان بسیار آشکار است. او همسر با ایمان فداکار و ایثارگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مادر صدیقه کبری حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بود و به اتفاق فریقین و بر اساس روایات موثق یکی از چهار بانوی با کرامت و عظمی است که سرور زنان بهشتی اند

ابن تیمیه حرانی در سخنان خویش در عین اعتراف به مقام و منزلت ویژه این بانو لغزش هایی دارد؛ مانند بهشتی بودن تمام همسران نبی گرامی اسلام که با مراجعه به قرآن کریم و آیات مربوط به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله خواهیم دید که همسری پیامبر به تنهایی نمی تواند موجب امتیاز و برتری باشد. باشد دوم مفاضله بین خدیجه کبری علیها السلام و عایشه که در این مسأله نیز حتی با مراجعه به سخنان عایشه روشن می شود که مقایسه و مفاضله از اساس ناتمام است.

واژگان کلیدی

خدیجه، امهات المومنین، ازواج النبی، افضلیت، ابن تیمیه، منهاج السنه عقیده واسطیه.

مقدمه

حضرت خدیجه کبری علیها السلام همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ام المؤمنین، دختر خویلد بن عبد العزی بن قصی بن کلاب جد چهارم نبی گرامی اسلام بود. و

ص: 80

از طرف مادری نیز دختر فاطمه دختر زانده بن اصم بن رواحه بن حجر بن عبد بن معیص بن عامر بن لوی بن غالب جد هشتم پیامبر اعظم بود. زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرزند عبد الله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی بن کلاب بن مره بن کعب بن لوی بن غالب بودند. (1)

آن بانو قبل از اسلام خود دارای جلالت شأن و عظمت جایگاه بود؛ حتی در زمان جاهلیت به او صفت «طاهره» داده بودند: «كَأَنَّ خَدِيجَةَ تُدْعَى فِي الْجَاهِلِيَةِ الطَّاهِرَةَ» (2) و نیز به او «سیده قریش» گفته می شد: «و يقال لها: سيدة قریش». (3) این لقب برای خدیجه کبری علیها السلام به قدری معروف بود که وقتی وی در سفر شام از بحیرا درباره جبرئیل سؤال کرد وی در پاسخ او را «سیده قریش» خطاب نمود. بدرالدین عینی در شرح صحیح بخاری می نویسد:

أنها ركبت إلى بحيرا بالشام فسألته عن جبريل فقال لها قدوس يا سيدة قریش أنى لك بهذا الاسم (4)

از نظر شوکت ظاهری نیز دارای مال فراوان همراه با بخشش و عطا به نیازمندان بود به طوری که او را «ام الصعاليك» و «ام الیتامی» می خواندند. (5)

اما علو مقام و رفعت جایگاه او، آن گاه به اوج می رسد که همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و مادر صدیقه کبری «ام الائمه» و اول مؤمنه بود او به اتفاق فریقین، یکی از چهار بانویی است که سرور زنان بهشت هستند به نقل اسقف نصارای نجران در داستان مباحله در معرفی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت عیسی علیه السلام از همسرش خدیجه کبری علیها السلام به مبارکه و همدم و همنشین با مریم در بهشت تعبیر شده است: «نسله من مبارکه و هی ضره امک فی الجنة». (6)

در این نوشتار بانوی با مجد و کرامت و خاتون دو سرا از دیدگاه ابن تیمیه

ص: 81

-
- 1- ابونعیم اصفهانی، معرفة الصحابة، ج 6، ص 320.
 - 2- ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 3، ص 131
 - 3- عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج 2، ص 191.
 - 4- عینی، عمدة القاری شرح صحیح البخاری، ج 1، ص 64
 - 5- محمد محمدی، حضرت خدیجه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و اسوه مقاومت، 1384.
 - 6- مفید، الاختصاص، ص 113؛ کورانی، جواهر التاريخ السیره النبویه عند اهل البيت عليهم السلام، ج 3، ص 477.

حرانی (م 828) بررسی می‌گردد. وی شیخ الاسلام گروهی از اهل سنت است به برخی از آثار او مانند عقیده واسطیه و بعضی از شروح آن و منهاج السنه و مجموعه فتاوا پرداخته می‌شود ابن تیمیه نیز مانند سایر سنی‌ها به مقام و منزلت این بانوی باعظمت اسلام اعتراف دارد اما لغزش‌هایی از جمله در مفاضله او و برخی از همسران نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در سخنانش دیده می‌شود که به روشن‌گری نیاز دارد.

خدیجه کبری علیها السلام در سخن ابن تیمیه

ابن تیمیه جایگاه والای حضرت خدیجه علیها السلام را به عنوان زوجه پیامبر هم در دنیا هم در آخرت و به عنوان مادر اکثر فرزندان پیامبر و اولین شخصی معرفی کرده که به ایشان ایمان آورد و آن حضرت را یاری نمود و دارای جایگاه والایی به خاطر پیامبر بود:

وَ (اهل السنه) يَتَوَلَّوْنَ أَزْوَاجَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ يُؤْمِنُونَ بِأَنَّهُنَّ أَزْوَاجُهُ فِي الْآخِرَةِ خُصُوصًا خَدِيجَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أُمُّ أَكْثَرِ أَوْلَادِهِ وَأَوَّلَ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ عَاظَ دَهْ عَلَى أَمْرِهِ وَ كَانَ لَهَا مِنْهُ الْمَنْزِلَةُ الْعَالِيَةُ وَالصِّدِّيقَةُ بِنْتُ الصِّدِّيقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا الَّتِي قَالَ فِيهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَضْلٌ عَائِشَةَ عَلَى النَّسَاءِ كَفَضْلِ الشَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ . (1)

توضیح و بررسی

ابن تیمیه مطالبی در این عبارت مطرح کرده که هر یک به صورت جداگانه، به توضیح و بررسی نیاز دارد:

1. امهات المومنین

مسلمانان به پیروی از قرآن کریم (وَ أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ)، (2) همسران نبی اکرم صلی الله علیه و اله

ص: 82

1- ابن تیمیه مجموع الفتاوی، ج 3، ص 154؛ العثیمین شرح العقیده الواسطیه، ص 387.

2- سوره احزاب، آیه 6

را ام المومنین می خوانند این لقب متضمن احکام فقهی خاصی است؛ از جمله حرمت ازدواج با آنان بعد از وفات پیامبر همان گونه که بعد از مرگ پدر ازدواج با مادر حرام است و نیز سؤال از آنان از پشت پرده و عدم رویارویی با آنان. قرآن کریم می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرٍ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنَسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكَ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسَّ تَحِييَ مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسَّ تَحِييَ مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَّ تَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَظْهَرَ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا زُجُوجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكَ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا) (1)

یکی از احکام خاص آنان منع خروج از خانه بعد از نبی گرامی اسلام است و خدای تعالی به آنان ملازمت در خانه را امر می کند:

(وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ) (2)

این معنا برای امهات المومنین و احکام فقهی خاص و جایگاه ویژه آنان، نزد فریقین مسلم است. (3)

باید توجه داشت که همسر بودن برای پیامبر صلی الله علیه و آله در عین حال که افتخاری بس ارجمند است به هیچ وجه مصونیت و سلب مسئولیت از آن ها نمی کند؛ بلکه در صورت تخلف از موازین دینی، کیفر آنان دو چندان است؛ همان گونه که به واسطه جایگاه انتساب به رسول خدا صلی الله علیه و سلم پاداش کارهای نیک هم برای آنان دو چندان خواهد بود. قرآن کریم می فرماید:

(يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يَصَاعِقْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ

ص: 83

1- سوره احزاب آیه 53

2- سوره احزاب، آیه 33

3- قاری حنفی شرح الشفاء، ج 2، ص 82؛ عبد المنعم، معجم المصطلحات والألفاظ الفقهية، ج 1، ص 298؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 389.

وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا* وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا (1)

علاوه بر بیان ملاک و ضابطه کلی قرآن کریم به برخی از مصادیق نیز پرداخته و به روشنی حکایت همسر نوح و همسر لوط را بیان می کند که اهل نجات نیستند؛ در مقابل زنی که اهل نجات است ولی همسر فردی به شمار می آید که مخالف سرسخت دعوت توحیدی پیامبران است:

(صَدْرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ* وَصَدْرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ) (2)

2. ازواج النبي في الاخره خصوصاً خديجه عليها السلام

بهشتی بودن خدیجه کبری علیها السلام نزد فریقین از مسلمات است و روایات فراوانی، دلالت دارد بر این که خدیجه کبری علیها السلام یکی از چهار بانویی است که سرور زنان بهشتی. اند حال درباره وضعیت دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در آخرت چه عقیده ای باید داشته باشیم؟

اگر دلیل خاصی بر بهشتی بودن فردی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نداشتیم، راه چاره رجوع به ضابطه کلی است و قرآن کریم تقوای الهی را ملاک قرار داده است: (يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسَدُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ) یعنی زنان پیامبر صلی الله علیه و آله در صورتی مقام و جایگاه شان از دیگر زنان بالاتر است که بیش تر از دیگران تقوا را رعایت کنند و درباره دین خداوند با احتیاط تر باشند و صرف انتساب کافی نیست. (3)

ص: 84

1- سوره احزاب آیه 30 و 31

2- سوره تحریم آیات 10 و 11

3- طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 16، ص 309؛ ابن جوزی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ج 3، ص 461

اما ابن تیمیه مانند دیگر سنیان همه زنان پیامبر را بهشتی می داند و این را از عقاید اهل سنت می شمارد: (وَيُؤْمِنُونَ بِأَنَّهُنَّ أَزْوَاجُهُ فِي الْآخِرَةِ).

محمد بن صالح العثیمین می گوید:

لِقَوْلِهِ تَعَالَى: (الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ * رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) (1). فقال: وَأَزْوَاجِهِمْ، فأثبت الزوجية لهن بعد دخول الجنة، وهذا يدل على أن زوجة الإنسان في الدنيا تكون زوجته في الآخرة إذا كانت من أهل الجنة. (2)

پاسخ: انتساب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله در فرض ایمان و عمل صالح، امتیاز ویژه دارد، اما آیا صرف انتساب و همسری بدون ایمان و عمل صالح (وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ) و تقوای الهی (إِنْ اتَّقَيْتُنَّ) می تواند امتیاز خاص برای زنان پیامبر و سبب بهشتی شدن آنان باشد؟

همراهی و همسری در بهشت مشروط به اهلیت است و بر همین اساس شارح می گوید: «أن زوجة الإنسان في الدنيا تكون زوجته في الآخرة إذا كانت من أهل الجنة» بنا براین تمسک به آیه 7 و 8 سوره غافر در کلام، العثیمین از باب تمسک به عموم عام در شبهه مصداقیه است.

سایر مستندات اهل سنت

اگر برای بهشتی بودن همه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به آیه تطهیر استناد شود، همان گونه که ملاعلی قاری حنفی (م 1014 ق) برای توقیر و بزرگداشت آنان در شرح الشفا بتعريف حقوق المصطفى نوشته، قاضی عیاض (م 544) می گوید: «و

ص: 85

1- سوره غافر، آیات 7 و 8.

2- العثیمین شرح العقیده الواسطیه، ص 388.

أراد بأهل البيت نساء النبي صلى الله عليه و اله لأنهن في بيته و روى ذلك». آن گاه قاری، با توجه به ادله مسلم بر اختصاص عنوان اهل بیت بر خمه طیبه برای گریز از اختصاص به سیاق آیه تمسک کرده، می گوید:

و عن ابن عباس و عن أبي سعيد الخدري و جماعه من التابعين أنهم على و فاطمه و الحسن و الحسين قول و لا- منع من الجمع و أما تخصيص الشيعة أهل البيت بفاطمة و على و ابنيهما لما ورد أنه عليه الصلاة و السلام خرج غداه غداه يوم و عليه مرط مرجل من شعر أسود فجاء الحسن فأدخله فيه ثم الحسين فأدخله ثم فاطمه فأدخلها ثم على فأدخله ثم قال إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت و يطهركم تطهيراً و احتجاجهم على عصمتهم و كون إجماعهم حجه، فمردود بأن تخصيصهم بكونهم أهل البيت يكذبه ما قبل الآيه و ما بعدها و الحديث إنما هو مؤذن بأنهم من أهله لا أن غيرهم ليس بأهله (1)

با وجود ادله قطعی بر اختصاص اهل بیت در آیه تطهیر به خمه طیبه، ادعای عدم اختصاص در سخنان قبل از قاری هم دیده می شود. بیضاوی (م 685 ق) در انوارالتنزیل و اسرار التأویل می گوید: «لأن التخصيص بهم لا يناسب ما قبل الآيه و ما بعدها، و الحديث يقتضى أنهم من أهل البيت لا أنه ليس غيرهم». (2)

در پاسخ می گوئیم:

اولاً از صنایع ادبی التفات در اثنای کلام است که در قرآن کریم نیز صنعت التفات وجود دارد امین الاسلام طبرسی (م 548 ق) در مجمع البیان می گوید:

و متى قيل أن صدر الآيه و ما بعدها في الأزواج فالقول فيه أن هذا لا ينكره من عرف عادة الفصحاء في كلامهم فإنهم يذهبون من خطاب إلى غيره و يعودون إليه و القرآن من ذلك مملوء و كذلك كلام العرب و أشعارهم. (3)

ص: 86

1- قاری شرح الشفاء، ج 2، ص 82.

2- بیضاوی، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ج 4، ص 231

3- طبرسی، مجمع البیان، ج 8، ص 560.

ثانياً، شمول اهل البيت برای همسران خلاف ظهور آیه است؛ زیرا صدر و ذیل آیه ضمائر مؤنث مانند (یا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ وَإِنْ اتَّقَيْتُنَّ وَفَلَا تَخْضَعْنَ وَعَبَّيْتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ وَافْمَنَ وَآتَيْنَ وَأَطَعْنَ) اما جمله میانی آیه، با ضمیر جمع مذکر «عَنْكُمْ» و «يَطَهِّرْكُمْ» است؛ بنابراین جمله میانی نمی تواند درباره زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد.

ثالثاً، بر فرض تنزل از ظهور آیه در عدم شمول نسبت به همسران، روایات صحیحه فراوانی که نزد فریقین دارای اعتبار است بر اختصاص دلالت دارد و مبین مراد از آیه می گردد علامه حلی (م 726 ق) در نهج الحق ذیل آیه تطهیر می گوید:

(أجمع المفسرون و روى الجمهور كأحمد بن حنبل وغيره أنها نزلت في رسول الله و على و فاطمه و الحسن و الحسين و روى أبو عبد الله مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ الْمَرْزُبَانِي عَنْ أَبِي الْحَمْرَاءِ قَالَ: خَدَمْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ أَوْ عَشْرَهُ وَكَانَ عِنْدَ كُلِّ فَجْرٍ لَا يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ حَتَّى يَأْخُذَ بِعِضَادَتِي بَابِ عَلِيٍّ فَيَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ فَيَقُولُ عَلِيُّ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيَّ السَّلَامُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ ثُمَّ يَقُولُ الصَّلَاةَ رَحِمَكُمُ اللَّهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً ثُمَّ انصَرَفَ إِلَى مُصَلَّاهُ).
(1)

رابعاً، روایات معتبری که در پاسخ به برخی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله صریحاً آنان را خارج از شمول این آیه می داند به روشنی بر عدم شمول آیه تطهیر بر غیر خمسه طیبه دلالت دارد. (2)

پاسخ های دیگری در کتب تفسیری و کلامی به این شبهه داده شده است که برای رعایت اختصار از ذکر آن صرف نظر شد. (3)

ص: 87

-
- 1- حلی، 1414، ص 173؛ حسکانی، شواهد التنزیل القواعد التفضیل، ج 2، ص 82.
 - 2- همان ص 53 و 119؛ حاکم نیشابوری؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 416؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج 3، ص 494
 - 3- کاشانی، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج 7، ص 286؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 16، ص 312؛ مظفر، دلائل الصدق لنهج الحق، ج 4، ص 351

اما استناد به جمله منتسب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (زوجاتی فی الدنيا هن زوجاتی فی الآخرة) و هم چنین (کل سبب و نسب یقطع إلا سببی و نسبی فإنه باق إلى یوم القیامة) (1) بعد از چشم پوشی از سند نمی تواند در برابر ضابطه و معیار قرآنی تقوا و عمل صالح دلیل بر جایگاه ویژه باشد. علاوه بر آن چه تاکنون بیان شد، روایت امام رضا علیه السلام هم دلیل است بر این که صرف همسر پیامبر صلی الله علیه و آله کافی نیست و همسران آن حضرت در دنیا همگی در آخرت با او همسر نیستند: (فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ عَرَفَ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَسْمَاءَ أَزْوَاجِهِ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَأَسْمَاءَ أَزْوَاجِهِ فِي دَارِ الْآخِرَةِ). (2)

3. ام اکثر اولاده

العثمین در شرح می گوید:

و لم یقل المؤلف: أم أولاده، لأن من أولاده من لیس منها، و هو ابراهیم، فإنه کان من ماریه القبطیه . و أولاده الذین من خدیجه هم ابنان و أربع بنات: القاسم، ثم عبدالله، و یقال له: الطیب، و الطاهر. و أما البنات، فهن: زینب، ثم أم کلثوم، ثم فاطمه، ثم رقیه. و أكبر أولاده القاسم، و أكبر بناته زینب. (3)

مقریزی (م 845 ق) در امتاع الاسماع یکی از ویژگی ها و فضایل خدیجه کبری علیها السلام را این می داند که همه فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله به جز ابراهیم که از ماریه قبطیه بود، همگی از حضرت خدیجه علیها السلام هستند «و أولاده کلهم منها ما عدا ابراهیم و هذه فضائل لم تکن لامرأه سواها». (4)

در روایات اهل سنت از نبی اکرم صل الله علیه و آله در مقام بیان افضلیت خدیجه علیها السلام بر سایر زنان پیامبر صلی الله علیه و آله همین معنا با عبارات گوناگون نقل شده است مانند:

ص: 88

1- قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج 14، ص 229

2- صدوق، عیون أخبار الرضا، ج 1، ص 195.

3- العثمین شرح العقیده الواسطیه، ص 388

4- مقریزی، امتاع الأسماع بما للنبی ص من الاحوال و الاموال و الحقد و المتاع، ج 10 ص 272

(وَرَزَقْنِي اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ وَلَدَهَا إِذْ حَرَمَنِي اَوْلَادَ النِّسَاءِ)، (1) ممکن است این سخن، به قبل از ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با ماریه قبطیه مربوط باشد.

مقریزی درباره فرزندان نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از خدیجه می گوید:

فولدت له أربع بنات هن: زينب وفاطمه ورقيه، وأم كلثوم، وولدت له القاسم وعبد الله، ولم يتزوج عليها حتى ماتت، وهي أول من آمن بالله رسوله على الصحيح. (2)

توجه به این نکته لازم است که از جهت مادر بودن مهم ترین فضیلت برای حضرت خدیجه کبری علیها السلام آن است که صدف کوثر یعنی مادر حضرت زهرا ام الائمه علیهم السلام، هستند.

4. اول من آمن به و عاضده

این دو ویژگی یعنی اولین ایمان آورنده به پیامبر صلی الله علیه و آله و یاور و همراه باوفا برای آن حضرت نیز مورد اتفاق همه مسلمانان است. در روایات فراوانی در منابع معتبر اهل سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیان فضایل و برتری های خدیجه علیها السلام بر دیگر همسرانش به این معنا تنبه داده اند از جمله:

(مَا أَبْدَلَنِي اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ خَيْرًا مِنْهَا، قَدْ آمَنْتُ بِئِي إِذْ كَفَرَبِي النَّاسُ، وَصَدَّقْتَنِي إِذْ كَذَّبَنِي النَّاسُ، وَوَأَسْتَنِي بِمَالِهَا إِذْ حَرَمَنِي النَّاسُ). (3)

5. لها منه المنزله العالیه

العثمین در شرح می گوید:

قوله: "وكان لها منه المنزله العالیه": حتى إنه كان يذكرها بعد موتها صلوات الله وسلامه عليه، ويرسل بالشيء إلى صديقاتها، ويقول: "إنها كانت وكانت وكان لي منها ولد فكان يثني عليها، وهذا يدل على معظم منزلتها

ص: 89

1- احمد ابن حنبل، المسند، ج 6، ص 118

2- مقریزی، امتاع الاسماع بما للنبي صلی الله علیه و آله من الاحوال والاموال والحفده والمتاع، ج 6، ص 23

3- مقریزی، امتاع الاسماع بما للنبي ص من الاحوال والاموال والحفده والمتاع، ج 6، ص 23. 3. ابن حنبل، المسند، ج 6، ص 188

جایگاه ویژه و اختصاصی خدیجه نزد رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و اله از مسلمات نزد مسلمانان است و در کتب روایی و تاریخ و سیره، باب مستقلی با عنوان «باب فضل خدیجه» باز شده است؛ مانند: «باب تزویج النبی صلی الله علیه و آله خدیجه و فضلها» و باب «فضل خدیجه بنت خویلد زوجه رسول الله صلی الله علیه و آله». (2) از میان روایات فراوان مورد قبول فریقین درباره مقام و منزلت خدیجه کبری علیها السلام برای رعایت اختصار به دو مورد بسنده می شود:

1-5-سلام خداوند تعالی و بشارت به جایگاه خدیجه علیها السلام در بهشت:

احمد حنبل (م 241 ق)، بخاری (م 256 ق)، مسلم (م 261 ق)، ابن حبان (م 354 ق) و برخی از نویسندگان اهل سنت این روایت را به شکل های مختلف، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که خداوند تعالی به حضرت خدیجه علیها السلام سلام فرستاده و جایگاه ویژه بهشت به او بشارت داده است:

(أَتَى جِبْرِيلُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، هَذِهِ خَدِيجَةُ قَدْ أَتَتْكَ بِإِنَاءٍ مَعَهَا فِيهِ إِدَامٌ ، أَوْ طَعَامٌ ، أَوْ شَرَابٌ ، فَإِذَا هِيَ أَتَتْكَ ، فَاقْرَأْ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا وَمِنِّي ، وَبَشِّرْهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ ، لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ) (3)

شارحان حدیث از جمله محیی الدین نووی (م 676 ق) در شرح صحیح مسلم باب فضایل خدیجه علیها السلام، اعتبار و حجیت این حدیث را تبیین کرده و مفردات آن را توضیح داده است. (4)

هیثمی (م 807 ق) در مجمع الزوائد می گوید: «رواه الطبرانی و رجاله رجال

ص: 90

1- العثیمین شرح العقیده الواسطیه ، ص 389.

2- هیثمی، مجمع الزوائد، ج 9، ص 218.

3- ابن حنبل، المسند، ج 2، ص 231؛ بخاری، 1401، ج 4، ص 231؛ مسلم بی تا، ج 7، ص 133؛ ابن حبان، 1414 ج 15، ص

469

4- نووی ، شرح صحیح مسلم، ج 15، ص 199

صحیح». (1) و البانی (م1420ق) نیز در سلسله، صحیحه، همین بشارت به خدیجه علیها السلام را با طرق مختلف آن صحیح دانسته است. (2)

ابن تیمیه نیز در کتاب، الاستقامه حدیث بشارت به جایگاه ویژه خدیجه کبری علیها السلام در بهشت را نقل کرده است: «وَفِي الصَّحِيحِ أَيْضًا أَنَّهُ أَمْرَانِ يَبْشُرُ خَدِيجَةَ بَيْتِ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخْبَ فِيهِ وَلَا نَصَبٍ». (3)

2-5- بیان رسول خدا و در مورد برتری خدیجه

احمد حنبل در مسند از عایشه نقل می کند:

«قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِذَا ذَكَرَ خَدِيجَةَ أَتَى عَلَيْهَا، فَأَحْسَنَ الشَّاءَ، قَالَتْ: فَغَرْتُ يَوْمًا، فَقُلْتُ: مَا أَكْثَرَ مَا تَذَكُرُهَا حَمْرَاءَ الشَّدَقِ، قَدْ أَبْدَلَكَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهَا خَيْرًا مِنْهَا، قَالَ: مَا أَبْدَلَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ خَيْرًا مِنْهَا، قَدْ آمَنْتُ بِي إِذْ كَفَرَ بِي النَّاسُ، وَصَدَّقْتَنِي إِذْ كَذَّبَنِي النَّاسُ، وَوَأَسَّيْتَنِي بِمَالِهَا إِذْ حَرَمَنِي النَّاسُ، وَرَزَقَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَلَدَهَا إِذْ حَرَمَنِي أَوْلَادَ النَّسَاءِ» (4)

هیثمی (م807ق) نیز بعد از بیان احادیثی مشتمل بر مدح و ثنای فراوان پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به خدیجه علیها السلام می گوید: «رواه الطبرانی و اسانیده حسنه». آن گاه بعد از ذکر حدیث مسند احمد می گوید: رواه احمد و اسناده حسنه». (5)

6. فَضْلُ عَائِشَةَ عَلَى النَّسَاءِ كَفَضْلِ الشَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ

آخرین مطلبی که ابن تیمیه در شرح عقیده واسطیه مطرح کرده، برتری عایشه بر دیگر زنان است با توجه به صدر کلام که سخن درباره همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود ممکن است گفته شود مراد او برتری نسبت به تمام همسران نبی اکرم صلی الله علیه و آله است. لذا شارح می گوید:

ص: 91

1- هیثمی، مجمع الزوائد، ج 9، ص 224

2- البانی، سلسله صحیحه، ج 4، ص 128.

3- ابن تیمیه، منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه القدریه، ج 1 ص 336.

4- ابن حنبل، المسند، ج 4، ص 117.

5- هیثمی، مجمع الزوائد، ج 9، ص 224.

قوله: "على النساء": ظاهره العموم، أي: على جميع النساء. وقيل: إن المراد: فضل عائشه على النساء أي من أزواجه اللاتي على قيد الحياه فلاتدخل في ذلك خديجه لكن ظاهر الحديث العموم، لأن الرسول صلى الله عليه وآله قال: كمال من الرجال كثير، ولم يكمل من النساء إلا- آسياه امرأه فرعون و مريم بنت عمران و خديجه بنت خويلد و فضل عائشه على النساء كفضل الثريد على سائر أفضل النساء مطلقاً. (1)

العثيمين در پایان مانند سایر شراح عقیده واسطیه و دیگر پیروان ابن تیمیه در مسأله تفضیل بین خدیجه و عایشه، سخنان شیخ الاسلام اموی را در منهاج السنه فصل الخطاب قرار می دهد بنابراین لازم است قبل از بررسی سخن منتسب به رسول خدا صلی الله علیه و سلم فَضْلُ عَائِشَةَ عَلَى النَّسَاءِ كَفَضْلِ الشَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ، گفته ابن تیمیه در منهاج السنه بررسی شود.

علامه حلیم (726 ق) در منهاج الكرامه می گوید:

و عظموا أمر عائشه على باقى نسوانه، مع أنه صلى الله عليه و اله كان يكثر من ذكر خديجه بنت خويلد، وقالت له عائشه: إنك تكثر من ذكرها و قد أبدلك الله خيرا منها! فقال لها: والله ما بدلت بها من هو خير منها: صدقتني إذا كذبتني الناس، و أوتني إذ طردني الناس، و أسعدتني بما لها، و رزقني الله الولد منها و لم أرزق من غيرها. (2)

ابن تیمیه در منهاج السنه برای رد سخن علامه می گوید:

برتری عایشه بر خدیجه علیها السلام سخن همه اهل سنت نیست بلکه جمع زیادی از اهل سنت (نه همه) عایشه را برتر از همه زنان پیامبر صلی الله علیه و آله می دانند و مستند آنان دو روایت به نبی اکرم صلی الله علیه و آله منسوب است که به نقل صحیحین فرمود: «فضل عائشه على النساء كفضل الثريد على سائر الطعام» و ثريد بهترین غذاهاست. از عمرو عاص نقل شده «قلت يا رسول الله أى الناس أحب إليك قال عائشه قلت من الرجال قال أبوها قلت ثم من قال عمر و سمة رجالا» اما در مورد استناد به سخن پیامبر صلی الله علیه و آله درباره

ص: 92

1- العثيمين شرح العقيدة الواسطيه، ص 387.

2- حلی، 1379 ش، ص 75.

خدیجه «ما أبدلني الله بخير منها» بر فرض صحت، بر نفع و فایده برای شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله دلالت دارد در حالی که فایده و نفع عایشه به امت رسیده است. پس هر کدام از جنبه خاصی خیر هستند.

وی در پایان می گوید:

وفي الجملة الكلام في تفضيل عائشه و خديجه ليس هذا موضع استقصائه. (1)

نقد سخنان ابن تیمیه

قبل از نقد سخنان ابن تیمیه، ذکر این نکته لازم است که مراد علامه حلی از ضمیر جمع در عبارت «عظموا امر عائشه»، قول غالب است؛ همان گونه که آمدی (م 623 ق) در ابکار الافکار قول به برتری عایشه را به اهل سنت و اصحاب حدیث نسبت می دهد:

و أما زوجات النبي صلى الله عليه و آله فقد ذهب أهل السنه ، و أصحاب الحديث إلى أن عائشه أفضل نساء العالمين. وقال الشيعة: أفضل زوجات النبي صلى الله عليه و آله خديجه ، و أفضل نساء العالمين فاطمه و مريم ابنة عمران و آسيه امراه فرعون .

وی در نهایت مستندات طرفین را تمام نمی داند و در پایان به نوعی توقف می کند:

والحق أن كل هذه الأدله ظنيه ، و مع كونها ظنيه؛ فمتعارضه، و لا سبيل إلى القطع بشيء منها ، و إن غلب على ظن بعض المجتهدين منها شيء فلا حرج. (2)

بنابراین سخن علامه حلی با وجود اختلاف بین اهل سنت منافاتی ندارد چنان که سبکی (م 756 ق) و آلوسی (م 1270 ق)، به این اختلاف تصریح

ص: 93

1- ابن تیمیه منهاج السنه النبويه في نقض كلام الشيعة القدرية ، ج 4، ص 304.

2- آمدی، ، أبكار الأفكار في أصول الدين، ج 5، ص 291

کرده اند، هر چند آنان خود قول به برتری خدیجه علیها السلام را ترجیح داده اند. (1)

در مقابل گروهی مانند ملاعلی قاری حنفی (م 1014 ق) بعد از نقل ادله طرفین برتری عایشه را ترجیح داده اند. (2)

به هر صورت بررسی آراء اهل سنت مجال دیگری می طلبد. این مقاله صرفاً به سخنان ابن تیمیه حرانی می پردازد. وی در منهاج السنه درباره مفاصله و مقایسه خدیجه کبری علیها السلام و عایشه اشکالاتی وارد کرده است:

اول همان گونه که در عنوان قبل گذشت منابع معتبر اهل سنت، روایت برتری خدیجه علیها السلام بر سایر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را قبول دارند و تردید ابن تیمیه در صحت و اعتبار حدیث قابل اعتنا نیست

دوم: تأویل و توجیه او با توجه به صراحت حدیث در برتری بر تمام زنان پیامبر صلی الله علیه و آله، اظهار نظر و مخالفت با سخن صریح رسول الله صلی الله علیه و آله است. توضیح این که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و سلم سخن عایشه «قَدْ أَبَدَلَكِ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهَا خَيْرًا مِنْهَا» را با تأکید و قسم جلاله رد می فرماید:

قال لا والله ما أبدلني الله خيرا منها آمنت إذ كفر الناس و صدقتني و كذبنى الناس. (3)

بلکه در مواردی رسول خدا صلی الله علیه و آله با خشم و غضب به سخن عایشه درباره خدیجه علیها السلام پاسخ می دهند.

احمد حنبل (م 241ق) در مستند، بعد از بیان اصل ماجرا از عایشه، غضب پیامبر صلی الله علیه و آله را نقل می کند:

قالت: فتمعر وجهه تمعرا ما كنت أراه إلا عند نزول الوحي أو عند المخيلة حتى ينظر ارحمه ام عذاب. (4)

ابن اثیر (م 606 ق) در النهایه در ماده معر می نویسد: «وَجْهَهُ أَيْ تَغْيِيرِ».

ص: 94

1- آلوسی، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم، ج 2، ص 150.

2- قاری، شرح الفقه الأكبر، ص 210

3- ابن حجر، الاصابه في تمييز الصحابه، ج 8، ص 103.

4- احمد بن حنبل، المسند، ج 6، ص 150.

وأصله قلّه النَّضارَه و عدمُ إشراقِ اللَّونِ». (1)

نیز ابن کثیر (م 774ق) در سیره بعد از نقل احمد می نویسد: «تفرد به أحمد. و هذا إسناد جيد». (2)

حاکم نیشابوری (م 405ق) می گوید:

حدثني أبو بكر محمد بن أحمد بن بالويه ثنا إسحاق بن الحسن الحربي ثنا عفان ثنا حماد بن سلمه عن عبد الملك بن عمير عن موسى بن طلحة عن عائشة رضی الله عنها: أن رسول الله صلى الله عليه وآله كان يكثر ذكر خديجه رضی الله عنها فقلت: لقد أخلفك الله . وربما قال حماد أعقبك الله . من عجوز من عجائز قريش حمراء الشدقين هلكت في الدهر الأول قال: فتمعر وجهه تمعرا ما كنت أراه إلا عند نزول الوحي وإذا رأى مخيله الرعد والبرق حتى يعلم أرحمه هي أم عذاب. هذا حديث صحيح على شرط مسلم ولم يخرجاه. (3)

ابن اثیر در اسد الغابه می گوید:

وروى مجالد عن الشعبي عن مسروق عن عائشة قالت كان رسول الله صلى الله عليه وآله لا يكاد يخرج من البيت حتى يذكر خديجه فيحس الثناء عليها فذكرها يوما من الأيام فأدركتني الغيرة فقلت هل كانت الا عجوز فقد أبدلك الله خيرا منها فغضب حتى اهتز مقدم شعره من الغضب. (4)

هیثمی در مجمع الزوائد می نویسد:

وعن عائشة أن رسول الله صلى الله عليه وآله كان يكثر ذكر خديجه فقلت ما أكثر ما تكثر من ذكر خديجه وقد أحلف الله تعالى لك من عجوز حمراء الشدقين وقد هلكت في دهر فغضب رسول الله صلى الله عليه وآله غضبا ما رأيتَه غضب مثله قط (5)

سوم: روایات حسادت عایشه به خدیجه علیها السلام بهترین دلیل برای بی اساس بودن مقایسه و مفاضله بین خدیجه علیها السلام و سایر همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛

ص: 95

1- ابن اثیر، النهاية في غريب الحديث والأثر، ج 4، ص 342.

2- ابن کثیر، تفسير القرآن العظيم، ج 2، ص 135.

3- حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج 4، ص 318.

4- ابن اثیر، النهاية في غريب الحديث والأثر، ج 5، ص 438.

5- هیثمی مجمع الزوائد، ص 224.

زیرا غبطه فقط در صورتی رواست که خود عایشه برتری خدیجه را معترف باشد. اگر عایشه برتری داشت آیا جای این حسادت بود؟

ابن تیمیه در کتاب الاستقامه این عبارت معروف را از قول عایشه نقل می کند: «وقالت ما غرت علی امرأه ما غرت علی خدیجه». (1)

چهارم: هر چند تأویل ابن تیمیه و اجتهادش در مقابل نص پیامبر صلی الله علیه و آله درباره برتری خدیجه علیها السلام بر همه زنان و همسران آن حضرت خصوصاً از حیث ایمان و همراهی با اهداف الهی ارزش و اعتبار ندارد در ذات خود گزافه گویی و خلاف واقع است؛ زیرا ابن تیمیه رابطه ایمانی و معنوی بین پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام را به یک ارتباط زناشویی صرف تنزل می دهد؛ حتی در مواضع دیگر از کتاب منهاج این شیوه غلط در گفتار و نگاه انحرافی را اعمال می کند بر همین اساس انفاق خدیجه علیها السلام را یک امر خانوادگی و کمک زن به شوهر خود دانسته و به اخلاص در عمل و انگیزه ایمانی صرف او بی توجه بوده، حتی آن را انکار می کند.

وی حمایت های ابوطالب را صرفاً به لحاظ خویشاوندی - نه به خاطر ایمان به صدق دعوت - دانسته می گوید: «و كذلك خدیجه كانت زوجته و الزوجه قد تنفق مالها علی زوجها و إن كان دون النبی صلی الله علیه و آله». (2)

او بر همین منوال و با همین نگاه متنزل حتی ایمان ابوبکر را بر ایمان خدیجه علیها السلام و امیر مومنان علیه السلام و زید برتری داده است. (3) حال آن که جایگاه خدیجه علیها السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله یک مقام معنوی و بالاتر از یک ارتباط زناشویی بود؛ حتی خود ابن تیمیه در آثارش از جمله منهاج السنه ، ماجرای وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سخنان مشحون از معرفت و آگاهی و ایمان خدیجه علیها السلام را نقل می کند:

وصفت به خدیجه النبی صلی الله علیه و آله لما نزل علیه الوحی وقال لها لقد خشیت علی عقلی فقالت له کلا والله لن یخزیک الله أبدا
إنک لتصل الرحم و تحمّل

ص: 96

1- ابن تیمیه ، الاستقامه ، ج 2، ص 8

2- ابن تیمیه منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه القدریه، ج 8، ص 500

3- همان، ص 424.

توجه دیگر ابن تیمیه که نفع خدیجه علیها السلام را تنها برای شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله می داند و نفع عایشه را برای امت تصور می کند، پذیرفتنی نیست؛ زیرا همراهی آن بانو با نبی مکرم صلی الله علیه و آله و کمک به ایشان آن هم در زمانی که همه دعوت الهی حضرت را تکذیب می کردند، بهترین سند برای رابطه محکم و قوی ایمانی و اعتقادی است که خدیجه علیها السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله داشتند. آیا کمک به فرستاده و پیام آور الهی در همه مراحل زندگی را فایده شخصی - در مقابل نفع برای امت دانستن - برای انسان منصف پذیرفتنی است؟

پنجم: ابن تیمیه هر دو مستندی که به ادعایش برای برتری عایشه از بسیاری اهل سنت نقل کرده بر فرض تمامیت و صحت در برابر احادیث فراوان و مقبول فریقین درباره برتری خدیجه علیها السلام قابل طرح نیست؛ حتی آلوسی در روح المعانی، بعد از بررسی ادله مفاضله می گوید:

و بعد هذا كله الذي يدور في خلدی أن أفضل النساء فاطمه . ثم أمها، ثم عائشه . بل لوقال قائل إن سائر بنات النبي صلی الله علیه و آله أفضل من عائشه لا أرى عليه بأسا.

وی در پاسخ به حدیث ثرید هم می گوید:

و أشكل ما في هذا الباب حدیث الثريد و لعل كثره الأخبار الناطقه بخلافه تهون تأويل واحد لكثير أهون من تأويل كثير لواحد، والله تعالى هو الهادي إلى سواء السبيل (2)

این حدیث بعد از چشم پوشی از سند در ذات خود نیز خدشه پذیر است. استاد سبحانی در کتاب الحدیث النبوی بین الروایه والدرایه می نویسد:

إنّ النبي صلی الله علیه و آله آیه في الفصاحه والبلاغه و كلماته القصار و خطبه الطوال و رسائله إلى الرؤساء والقبائل كلها تعرب عن قوه بيانه و فصاحته و بلاغته

ص: 97

1- همان، ص 549؛ همان، ج 2، ص 419 و ج 3، ص 87 و ج 5، ص 438.

2- آلوسی، روح المعانی في تفسير القرآن العظيم، ج 2، ص 151.

فلا يمكن له صلى الله عليه وآله أن يتفوه بهذا التشبيه الفارغ. (1)

نویسنده معاصر مصری نیز درباره حدیث ثرید می گوید:

و يبدو أن القوم أرادوا أن ينتزعوا لعائشه منقبه على لسان الوحي بعد أن عجزوا عن انتزاعها من لسان الرسول . حتى أن أنس بن مالك يروى على لسان الرسول قوله : فضل عائشه على النساء كفضل الثريد على الطعام. ألم يجد الرسول شيئاً يفضل به عائشه على غيرها سوى الطعام ؟ هل كان الرسول أكلوا وعاشقا للطعام إلى الحد الذي يضرب به المثل ؟ (2)

نیز روایت عمرو عاص «قلت يا رسول الله أي الناس أحب إليك قال عائشه قلت من الرجال قال أبوها قلت ثم من قال عمر وسمه رجالا»، با آن چه درباره حدیث ثرید گفته شد به بررسی جداگانه نیاز ندارد.

مناقشات و اشکالات دیگری بر سخن ابن تیمیه در منهاج السنه شده است که برای رعایت اختصار از بیان آن صرف نظر می شود. (3)

نتیجه

همسر بودن برای پیامبر صلی الله علیه و آله به تنهایی و بدون عمل صالح و داشتن تقوا، نمی تواند مایه برتری باشد. ابن تیمیه به نمایندگی از اسلام اموی، به جایگاه و منزلت خاص ام المومنین خدیجه کبری علیها السلام اعتراف دارد و در مقام مفاضله نسبت به برخی از متعصبان اهل سنت به برتری عایشه بر خدیجه کبری علیها السلام تصریح نکرده، اما با نگاه به روایات فراوان و مورد قبول فریقین، مشاهده می شود که صرف مقایسه و مفاضله در این باب ناتمام است

ص: 98

1- سبحانی الحدیث النبوی بین الروایه والدرايه ، ص 452

2- الوردانی ، السیف والسیاسه ، ص 25.

3- میلانی ، شرح منهاج الکرامه فی معرفه الامامه والرد علی منهاج السنه، ج 2، ص 134.

1. ابن اثير على بن أبي الكرم عز الدين اسد الغابه في معرفه الصحابه، دار الكتاب العربي بيروت، بي تا
2. ابن اثير مبارك بن محمد جزري، النهايه في غريب الحديث والأثر، تحقيق: طاهر أحمد الزاوي و محمود محمد الطناحي بيروت، المكتبه العلميه، 1399 ق.
3. ابن تيميه احمد بن عبد الحليم بن تيميه الحراني مجموع الفتاوى، تحقيق: عبد الرحمان بن محمد بن قاسم مدينه، مجمع الملك فهد لطباعه المصحف الشريف، 1416 ق.
4. -الاستقامه، محقق محمد رشاد سالم، الطبعة الأولى، مدينه منوره جامعه الإمام محمد بن سعود، 1403 ق.
5. -منهاج السنه النبويه في نقض كلام الشيعة القدرية، الطبعة الأولى تحقيق: محمد رشاد سالم مؤسسه قرطبه، 1406 ق.
6. ابن جوزي، عبدالرحمان بن على زاد المسير في علم التفسير، بيروت، دار الكتاب العربي، 1422 ق.
7. ابن حبان، محمد بن حبان، صحيح ابن حبان، تحقيق: شعيب الارنؤوط مؤسسه الرساله، 1414 ق.
8. ابن حجر، الاصابه في تمييز الصحابه تحقيق عادل احمد، بيروت، دار الكتب العلميه، 1415 ق.
9. ابن حنبل، احمد بن محمد بن حنبل الشيباني، المسند، محقق: سيد ابوالمعاطي النوري، الطبعة الأولى، بيروت، عالم الكتب، 1419 ق.
10. ابن عساكر على بن حسن، تاريخ مدينه دمشق، تحقيق: على شيرى، بيروت، دارالفكر، 1415 ق.
11. ابن كثير، اسماعيل، تفسير القرآن العظيم، بيروت، دارالمعرفه، 1412 ق.

12. ابونعيم اصفهاني، احمد بن عبد الله ، معرفه الصحابه ، تحقيق: عادل بن يوسف العزازی، رياض، دار الوطن للنشر 1419 ق .
13. آلوسی، محمود، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم، تحقيق: علی عطيه 1415 ق.
14. آمدی سيف الدين ، أبكار الأفكار في أصول الدين، تحقيق: احمد محمد مهدي ،قاهره دارالكتب، 1423 ق.
- 15 بخاری، محمد بن اسماعيل صحيح بخاری، بيروت، دارالفكر، 1401 ق.
16. بيضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزيل وأسرار التأويل (تفسير البيضاوی)، لبنان، دار إحياء التراث العربي، 1418 ق.
17. حاكم نيشابوري، محمد بن عبد الله ، المستدرک علی الصحيحين، تحقيق: يوسف عبدالرحمان بی تا
18. حسكاني عبيدالله بن احمد، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل تحقيق: محمد باقر محمودی، قم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، 1411 ق.
19. حلی، حسن بن يوسف بن المطهر ، نهج الحق و كشف الصدق، چاپ اول، قم، دار الهجره، 1414 ق.
20. -منهاج الكرامه في معرفه الامامه ، مشهد ، مؤسسه عاشورا، 1379 ش
21. سبحانی، جعفر، الحديث النبوی بين الروايه والدرايه ، قم، مؤسسه الامام الصادق عليه السلام، 1419 ق.
- 22 . شعراوي، محمد متولى، زوجات النبي صلى الله عليه و آله و آل البيت، بيروت، المكتبه العصريه، 1426 ق.
23. صدوق، محمد بن علی ابن بابويه عيون أخبار الرضا عليه السلام، تهران، 1378 ق.
24. طباطبایي محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، بيروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات 1390 ق.
25. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن ، 10 جلد، تهران،

26. عاملى، جعفر مرتضى، الصحيح من سيره النبي الاعظم، قم، دار الحديث، 1426 ق.
27. عبدالمنعم محمود عبد الرحمان، معجم المصطلحات والألفاظ الفقهيه القاهره، دار الفضيله للنشر، بي تا.
28. العثيمين، محمد بن صالح، شرح العقيدة الواسطيه، تحقيق: صلاح الدين بن محمود سعيد، قاهره دارالغد الجديد، 1427 ق.
29. عيني بدرالدين، عمده القارى شرح صحيح البخارى، بيروت، داراحياء التراث العربي بي تا
30. قارى، ملأ على حنفى شرح الشفاء، بيروت، 1421 ق .
31. - شرح الفقه الأكبر، بيروت، 1428 ق.
32. قرطبي، محمد بن احمد الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو 1364 ض.
33. كاشانى، فتح الله بن شكر الله، منهج الصادقين في الزام المخالفين، تهران، كتابفروشى اسلاميه بي تا.
34. كوراني، عاملى، على، جواهر التاريخ السيره النبويه عند اهل البيت عليه السلام، باقيات للطباعة و النشر 1430 ق.
35. مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت، داراحياء التراث العربي، 1403 ق.
36. محمدى، محمد، حضرت خديجه همسر پیامبر صلى الله عليه وآله و اسوه مقاومت، انتشارات نبوى، 1384 ش.
37. مسلم، ابو الحسين مسلم بن الحجاج النيسابورى، صحيح مسلم، بيروت، دارالفكر بي تا
38. مظفر، محمد حسن، دلائل الصدق لنهج الحق، قم، 1422 ق.
39. مفيد محمد بن نعمان الاختصاص، تحقيق: على اكبر غفارى

دار المفيد، 1414 ق.

40. مقریزی ، امتاع الأسماع بما للنبي صلى الله عليه وآله من الاحوال والاموال والحفده والمتاع، تحقيق: محمد عبد الحميد النميسى ، بيروت، دارالكتب العلميه، 1420ق.

41. ميلانى، سيد على ، شرح منهاج الكرامه في معرفه الامامه والرد على منهاج السنه، قم، مركز الحقائق الاسلاميه، 1428 ق.

42. نووى ، محى الدين، شرح صحيح مسلم، بيروت، دارالكتب العربى، 1407 ق.

43. الورداني صالح السيف والسياسه ، قاهره، دار الاجسام، 1996 م.

44. هيثمى، مجمع الزوائد، دار الكتب العلميه ، بيروت، 1408 ق.

ص: 102

چکیده

حضرت خدیجه اولین ام المؤمنین و همسر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله دارای ویژگی های مختلف دنیایی و اخروی مادی و معنوی، کسبی و وهبی حسبی و نسبی، اخلاقی و انسانی، دینی و ایمانی بودند که هیچ کدام از همسران پیامبر در آن سهیم نبود این ویژگی های بی نظیر در منابع فریقین (شیعه و سنی) آمده است ویژگی هایی که شخصیت حضرت خدیجه را در دنیا و آخرت از سایر زنان و همسران پیامبر ممتاز می سازد از قبیل داشتن جمال و کمال و مال بسیار، پاک دامن ترین زن قریش، و مکه سالار زنان، قریش نسب، بلند ثروتمندترین زنان، قریش ایمان به خدای یکتا در زمان جاهلیت اولین و تنها همسر پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان، خود خدمت گزار، واقعی محرم اسرار و شاهد رویداد، وحی قابل درود و سلام صاحب فقاها، اولین زن مسلمان و مؤمن اولین، نمازگزار نخستین محدثه اسلام، کسی که دارایی خود را در راه خدا انفاق کرد و مایه تسکین قلب پیامبر شد؛ خدا او را شرف مادری داد نیز ذریه پیامبر از او ادامه یافت؛ بهترین همسر و بهترین زن امت و همسر پیامبر در دنیا و آخرت این همه کمالات در وجود حضرت خدیجه علیها السلام جمع بود که در تاریخ بی نظیر است

واژگان کلیدی

خدیجه علیها السلام، ام المؤمنین زوجه، ذریه، اهل سنت.

ص: 103

هدف از این نوشتار در معرض قرار دادن دیدگاه های اهل سنت هندوستان درباره حضرت خدیجه علیها السلام است که با روش توصیفی دیدگاه های دانشمندان اهل سنت هندوستان درباره حضرت خدیجه علیها السلام را برای دانشمندان جهان روشن می سازد. لذا ابتدا به زندگی نامه ایشان و سپس به ویژگی های آن حضرت و دیدگاه های اندیشه وران اهل سنت درباره این بانو می پردازد.

زندگی نامه حضرت خدیجه علیها السلام

وی دختر خویلد بن اسد و مادرش فاطمه بنت زانده بود. لقب های وی مبارکه، طاهره کبری، غَرا (شامخ و ارجمند) و صدیقه و کنیه اش ام المؤمنین و ام الزهرا بود. او در سال 55 قبل از بعثت در مکه معظمه چشم به جهان گشود و در سال 25 عام الفیل یعنی پانزده سال قبل از بعثت به زوجیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درآمد و تا لحظه آخر زندگی، حدود 25 سال کنار حضرت بود و در دهم رمضان سال دهم بعثت در مکه معظمه از دنیا رفت و در قبرستان جنت المعلی در مکه با دست مبارک حضرت به خاک سپرده شد. تمام سادات از نسل حضرت خدیجه هستند.

ویژگی های ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام

برخی از ویژگی های این بانوی ارجمند عبارتند از:

1. کاملترین بانوی زمان از لحاظ عقل، زیبایی و ثروت

یکی از ویژگی ها و امتیازات حضرت خدیجه علیها السلام این بود که خداوند این ویژگی سه گانه «مال و جمال و کمال» را در ذات ایشان جمع کرد. جمع شدن این صفات سه گانه در یک جا و در یک ذات معمولاً کم نظیر است و به زن آثاری از

عظمت و بلندی مقام میدهد و خدیجه نیز این چنین بود. (1)

عایشه به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید:

«خدیجه» در، زیبایی یکی از نیکوترین، زنان و در خردمندی یکی از کامل ترین زنان و در دانایی یکی از داناترین زنان، یکی از عفیف ترین متدین ترین با حیاترین با شخصیت ترین و یکی از ثروتمندترین زنان بود (2)

عبدالمالک مجاهد می گوید:

حضرت خدیجه علیها السلام بانوی با عقل و خرد بود عقل و فراست او از تدبیر امور زندگی اش پیداست و زیبایی او در سراسر مکه معروف بود. (3)

2. حضرت خدیجه علیها السلام پاک دامن ترین زنان قریش

از برجسته ترین ویژگی های حضرت خدیجه علیها السلام آن است که به جهت نجابت، عفت و پاک دامنی از سوی قریش به «طاهره» مقلب شد. اهمیت موضوع این جاست که این لقب، در عصر جاهلیت به حضرت خدیجه علیها السلام داده شد:

کانت تدعی فی الجاهلیه بالطاهره لشدۀ عفافها و صیانتها. (4)

مولانا ثناء الله محمود می گوید:

حضرت خدیجه علیها السلام در زمان جاهلیت که زنان اقتدار خود را از دست داده بودند؛ به طاهره معروف بوده (5)

عبدالمالک مجاهد می گوید:

به راستی هر کس او را اولین بار به نام «طاهره» صدا کرد صد در صد کار مناسبی نمود. او سزاوار این لقب بود.

ص: 105

1- علی ابراهیم حسن ، نساء لعن فی التاریخ الاسلامی، ص 21

2- کانت من احسن النساء جمالا و اکملهن عقلا و اتمهن رایا و اکثرهن عفة دینا و حیاء و مروة و مالا. (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 10، ص 680).

3- عبدالمالک مجاهد، خاتون اول سیده خدیجه، ص 44

4- ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج 8، ص 99؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج 2 ص 157

5- مفتی ثناء الله محمود سوتریزاهد خواتین آوران کی سردار فاطمه بنت محمد، ص 50.

3. حضرت خدیجه علیها السلام سالار زنان قریش

یکی از ویژگی‌های حضرت خدیجه علیها السلام این بود که او در دوران جاهلیت هم به سالار زنان قریش معروف بود.

توفیق ابوعلم در این باره می‌گوید:

بانو خدیجه در زمان جاهلیت هم به نام طاهره و سیده زنان قریش معروف بود. (1)

نویسنده خاتون اول سیده خدیجه می‌گوید:

اهل مکه به خاطر شرف و مقام والا حضرت خدیجه علیها السلام را به سالار زنان قریش ملقب کردند (2)

مدنی علما می‌گویند: «در زمان جاهلیت حضرت خدیجه علیها السلام به لقب سیده قریش معروف بود». (3)

4. حضرت خدیجه علیها السلام دارای نسب عالی

حضرت خدیجه هم از لحاظ نسب شخصیتی محترم و مکرم به شمار می‌آمد و هم از لحاظ شرف شخصیتی بی‌نظیر بود. ابن کثیر در این باره می‌نویسد:

او یک زن اوسط النسب و اعظم الشرف بود و در مال و ثروت هم بی‌نظیر بود. (4)

عبدالمالک مجاهد می‌نویسد:

همسر اول محمد مصطفی صلی الله علیه و آله که اسمش خدیجه است از خانواده ممتاز و شریف قبیله قریش از بنی اسد بن العزی بن قصی بود. او از جهت

ص: 106

1- «کانت سیده خدیجة تسمى في الجاهلية بالطاهرة و سيدة نساء قریش» (توفیق ابوعلم، فاطمة الزهراء، ص 36)

2- عبدالمالک مجاهد خاتون اول سیده خدیجه، ص 21

3- «کانت اوسط نساء قریش نسبا و اعظمهن شرفا و اکثرهن مالا» (ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج 2، ص 294).

4- خاتون اول سیده خدیجه، ص 21

شرف و نسب بلندترین خاتون است. (1)

1-4- سلسله نسب حضرت خدیجه از ناحیه پدر

«خدیجه بنت خویلد بن اسد بن العزی بن قضی بن کلاب» و «محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف بن قضی بن کلاب». به این ترتیب «قضی ابن کلاب» جد سوم حضرت خدیجه وجد چهارم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود.

2-4- سلسله نسب از ناحیه مادر

«خدیجه بنت فاطمه بنت زائده بن اصم بن رواحه بن حجر بن عبد بن معیص بن لوی بن غالب» (2) «لوی بن غالب» جد هشتم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بود، به این ترتیب «محمد بن عبد الله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قضی بن کلاب بن کعب بن لوی بن غالب». (3)

نویسنده کتاب سیره خدیجه الکبری اوصاف عالی خانواده عزیز حضرت خدیجه را چنین بیان می کند:

در این خانواده اخلاق و محبت سخاوت و مروت عقل و فراست عصمت و عفت، غیرت و خودداری وجود داشت. این ویژگی ها در زمان جاهلیت در خانواده های شریف یافته می شد اما خانواده های عادی از آن محروم بودند.

حضرت خدیجه از ناحیه نسب در مقایسه با همسران دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله به آن حضرت نزدیک تر بود. (4)

ص: 107

-
- 1- مامقانی ، تنقیح المقال، ج 3 ص 77؛ مدنی علما، گروه فیضان خدیجه الکبری، ص 34.
 - 2- سیره ابن هشام، ج 1 ص 201 فیضان خدیجه الکبری، ص 36؛ مفتی ثناء الله محمود، سوتریزاهد خواتین آوران کی سردار فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله، ص 51
 - 3- همان؛ منتخب التواریخ، ص 82 ، اقتباس از این کتاب ها؛ عبد المالک مجاهد، خاتون اول سیده خدیجه، ص 25
 - 4- حکیم محمد اویس فاروقی ، سیرت خدیجه الکبری، ص 30

5. حضرت خدیجه علیها السلام ثروتمندترین خاتون قریش

یکی از امتیازات و ویژگی های حضرت خدیجه علیها السلام دارا بودن ثروت کلان است. هند مولانا ثناء الله محمود از دانشمندان اهل سنت می گوید:

ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام دارای اموال زیادی بود و از ثروتمندترین زنان مکه به شمار می آمد. او پس از ازدواج با پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم جان و مال خود را فدای همسرش کرد (1)

مدنی علما در این باره می گویند:

حضرت سیدتنا خدیجه ثروتمندترین بانوی قریش به شمار می رفت و درآمد اساسی او مثل دیگر قریش از تجارت بود و متاع تجارت او از همه قریش بیش تر بود او مردم را برای کار تجارت اجیر می کرد و مال را به صورت مضاربه در اختیار آن ها قرار می داد. (2)

یکی از دانشمندان سنی هند درباره موروثی بودن تجارت و ثروت حضرت خدیجه علیها السلام می گوید:

خویند پدر خدیجه یک تاجر برجسته بود او با چند کشور ارتباط تجاری داشت و اجناس بازرگانی را به این کشورها می فرستاد و اجناس دیگری را به حجاز می آورد و به فروش می رساند جایگاه او در میان قبایل عرب ویژه بود. او به سبب اموال زیاد زندگی خوبی داشت و از فقرا هم حمایت می کرد. (3)

اموال ثروتمندان آن زمان مثل ابوجهل، عقبه بن ابی معیط، صلب بن ابی بهاب و ابوسفیان در مقابل ثروت خدیجه بسیار ناچیز بود. (4)

6. موحد بودن خدیجه علیها السلام و خانواده او در عصر جاهلیت

از گزارش های تاریخی و روایت های زیادی روشن می گردد که حضرت

ص: 108

-
- 1- مفتی ثناء الله محمود، صد خواتین بزرگ اسلام و سردار آنان فاطمه، ص 59.
 - 2- مدنی علما، گروه فیضان خدیجه الکبری، ص 4 به نقل از طبقات الکبری، ج 8، ص 12.
 - 3- حکیم محمد اویس فاروقی، سیرت خدیجه الکبری، ص 30
 - 4- الوقائع والحوادث (رمضان) ج 1 ص 130

خدیجه و خانواده او یکتاپرست بودند و از بت و بت پرست بیزاری می جستند درباره ایمان و عقیده او نوشته اند:

یکی از دانشمندان مسیحی از حضرت خدیجه سؤال کرد: دخترم! درباره حضرت عیسی علیه السلام چه عقیده دارید؟» جواب داد: «خانواده ما به حضرت عیسی علیه السلام محترمانه نگاه می کنند و او را بنده خدا و نبی بزرگ خدا و صاحب کتاب انجیل می دانند. من هم به احترام وی معتقدم ولی به پسر خدا بودن عیسی و تثلیث معتقد نیستم».

نویسنده پس از نقل این واقعه می گوید:

حضرت خدیجه صحیح العقیده و بیزار از شرک و بت پرستی بود. (1)

هم چنین می نویسد:

خانواده حضرت خدیجه از سخت ترین مخالفان بت پرستی بودند پدر خدیجه خویلد بن اسد و عموزاده خدیجه ورقه بن نوفل از رسومات جاهلی و آداب و اعمال مشرکانه بیزار بودند همین در شخصیت حضرت خدیجه تأثیر داشت. لذا هیچ کجا در تاریخ نیست که او بت پرستی کرده یا به غیر خدا متوسل شده باشد. (2)

او در جای دیگر می نویسد:

حضرت خدیجه خدای یکتا را می پرستید و هیچ گاه غیر خدا را عبادت نکرد... (3)

وی نکته ای جالب درباره یکتاپرستی حضرت خدیجه بیان می کند:

پژوهش گران درباره حضرت خدیجه می گویند: او قبل از اسلام از بت و بت پرستی بیزار بود و عبادت بت ها را خلاف عقل سلیم و فطرت انسانی می دانست؛ نیز از تمام رسومات جاهلی و مشرکانه بیزار بود. پس از آیات (أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ وَ مَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ) (4) حضرت خدیجه به بت پرستان

ص: 109

1- سیرت خدیجة الكبرى، ص 35

2- همان، ص 69

3- همان، ص 102

4- سوره نجم، آیه 19-20.

می گفت: «از این بت های گل و سنگ و چوب دوری کنید و ببینید خدای یکتا درباره آنان چه می گوید» (1)

7. نخستین همسر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و تنها همسر زمان خود

این شرف و امتیاز تنها نصیب حضرت خدیجه علیها السلام شد که قبل از دیگران به ازدواج رسول گرامی صلی الله علیه و آله در آمد. نویسنده سیره اعلام النبلاء می گوید:

یکی از کرامات و امتیازات حضرت خدیجه این است که او نخستین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود. نیز او دامن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را با گوهر اولاد پر کرد و تا وقتی زنده بود، پیامبر اعظم صلی الله علیه و سلم با هیچ زنی ازدواج نکردند. (2)

نویسنده اسد الغابه نیز می نویسد:

حضرت خدیجه علیها السلام اولین زنی بود که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با او ازدواج کردند و تا وقتی زنده بود، با هیچ زنی ازدواج نکردند. (3)

طاهر القادری از عایشه چنین نقل می کند:

تا خدیجه در قید حیات بود، پیامبر صلی الله علیه و آله ، با هیچ زنی ازدواج نکردند. (4)

سه ویژگی عمده دیگر پیرو این ویژگی است:

الف) حضرت خدیجه علیها السلام اولین ام المؤمنین

حضرت خدیجه پس از ازدواج با حضرت با حضرت محمد صلی الله علیه و آله مصداق اول ام المؤمنین را به دست آورد. (5)

ص: 110

1- سیرت خدیجه الكبرى، ص 119

2- «من کرامتها انه لم یتزوج امرأة قبلها و جائه اولاد و لم یتزوج علیها قط» (ذهبی، سیر اعلام النبلاء)، ج 2، ص 91

3- «أول امرأة تزوجها رسول الله صلی الله علیه و آله خدیجة، و لم یتزوج علیها حتی ماتت» (ابن اثیر، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج 1، ص 40)

4- «عن عایشه قالت: لم یتزوج ابني علی خدیجه حتی ماتت» (طاهر القادری، العقد الثمین، ص 14).

5- فیضان خدیجه الكبرى، ص 59؛ عبد المالك مجاهد، خاتون اول سیده خدیجه، ص 21

ب) صدیقه امت و اولین صدیقه از دیدگاه برخی از اهل سنت

در کنار لقب های کبری و طاهره «صدیقه» هم به ایشان اطلاق شده است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرمایند:

هذه صدیقه امتی؛ (1) این صدیقه امت من است.

ج) طولانی ترین مدت شرف زوجیت با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

حضرت خدیجه علیها السلام بیش از همسران دیگر کنار پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله زندگی کرد. این مدت حدوداً 25 سال بود. (2)

8. حضرت خدیجه علیها السلام خدمتگزار واقعی همسر

ابن حجر عسقلانی در الاصابه می نویسد:

یکی از ممتازترین اوصاف حضرت خدیجه این بود که همیشه به پیامبر صلی الله علیه و آله تعظیم و خدمت می کرد و قبل از مبعث و بعد از آن همیشه در تصدیق و حمایت پیامبر صلی الله علیه و آله بود. (3)

فاروقی درباره خدمتگزاری حضرت خدیجه می نویسد:

او چهل سال اول زندگی را در رفاه عالی گذراند که در این دوران برده ها و کنیزها و خادمان زیادی زیر فرمان او بودند؛ ولی پس از ازدواج با پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم سبک زندگی عوض گردید. جاه و حشمت ثروتمندی را کنار زده ، امور خانه داری را به دست گرفت و دنبال خشنودی همسر بود و خودش را پای بند فرمان حضرت قرار داد خودش را در اطاعت و خدمت به همسر مشغول کرده بود و نیاز خانه و حضرت را با دست خود انجام می داد و این را برای خود سعادت می دانست. (4)

فاروقی در ادامه می نویسد:

ص: 111

1- فیضان خدیجه الکبری، ص 36

2- همان.

3- مدنی، گروه فیضان امهات المؤمنین، ص 62

4- حکیم محمد اویس فاروقی، سیرت خدیجه الکبری، ص 60

حضرت خدیجه باوجود این که ثروتمندترین بانو بود، پس از ازدواج با آن حضرت ثروت و رفاه زندگی را ترک گفت و مشغول اطاعت و خدمتگزاری شد. در حالی که قبلاً برده ها و کنیزهایی در خانه داشت، این خدمت را سعادت بزرگی برای خود می شمرد. (1)

9. حضرت خدیجه علیها السلام تنها شاهد رویداد مبعث و وحی و محرم اسرار نبوت

درباره این موضوع گزارش های تاریخی و روایی بسیار است. از جمله:

1-9-1 ابن بطوطه می نویسد:

و من المشاهد المقدسه بمقربه من المسجد الحرام قبه الوحي و هي في دار خديجه ام المؤمنين. (2)

2-9-2 ابن مغازلی شافعی می نویسد:

خداوند قرآن را بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل می کرد در حالی که خدیجه کنار او بود. (3)

مدنی علما نیز می گویند:

اولین کسی که از ظهور نبوت خبردار شد خدیجه علیها السلام بود. (4)

نویسنده سیره خدیجه الکبری می نویسد:

آن حضرت تصمیم خود را برای حضرت خدیجه علیها السلام آشکار کرده، فرمود: «ای خدیجه! می خواهم دور از مردم به بارگاه خدای یکتا حاضر شوم و در ذات کبریایی او فکر کنم؛ اگر شما در این امر هم کاری کنید، ریاضت انجام دهم». (5)

10. درود و سلام خداوند بر خدیجه علیها السلام

خداوند خدمت حضرت خدیجه علیها السلام را پذیرفت و جبرئیل را برای درود و سلام

ص: 112

1- همان، ص 118.

2- شمس الدین ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 110

3- «انزل الله علی رسولہ صلی الله علیه و آله، القرآن والهدی و عنده خدیجة» (ابن مغازلی الشافعی، مناقب علی ابن ابی طالب، ص 336)

4- فیضان امهات المؤمنین، ص 61

5- حکیم محمد اویس فاروقی، سیرت خدیجه الکبری

خدمت او فرستاد. ابن هشام می نویسد:

یک نفر موثق برایم بیان کرد که جبرئیل از طرف خدا خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید تا سلام خداوند را به خدیجه برساند. حضرت به خدیجه فرمود «جبرئیل سلام خداوند را برای شما آورده». حضرت خدیجه جواب داد: «از طرف من هم سلام به جبرئیل!».

(1)

یکی از دانشمندان معاصر اهل سنت طاهر القادری، روایت بالا را از کتاب صحیح بخاری و مسلم از ابوهریره آورده که در آن به قصر مروارید در بهشت برای خدیجه بشارت داده شده است.

11. جلوه‌های فقاہت حضرت خدیجه علیها السلام

جلوه فقاہت وی در جواب سلام ایشان در برابر سلام خداوند و جبرئیل ستودنی است:

ان الله هو السلام و علی جبرئیل السلام و علیک السلام و رحمہ الله و بركاتہ.

این جواب بر فقاہت و فهم حضرت خدیجه علیها السلام دلالت می کند؛ چون در جواب سلام خدا به جای علیه السلام «السلام» گفت؛ زیرا با فقاہت و بصیرت، مقام و عظمت خدا را درک کرد و فهمید «السلام» برای خداوند وصف ذات و مقام ثنا است نه دعای سلامت؛ در حالی که «السلام» برای بندگان دعای سلامت است لذا در جواب سلام حضرت جبرئیل و پیامبر علیه السلام گفت. این جواب سلام مطابق شریعت اسلامی است که مسلمانان پس از تبیین

ص: 113

1- «وقد روی السلام من الله تعالی علی خدیجة ایضاً كما روی ابن هشام فقال حدثني من اثنى به: ان جبرئیل أتى النبي فقال: اقرا خدیجة من ربها السلام فقال يا رسول الله يا خدیجه هذا جبرئیل یقرئک السلام من ربها السلام قالت خدیجه الله السلام و منه السلام و علی جبرئیل السلام..» (سید حسین شیخ الاسلامی، مسند فاطمه زهرا ص 247؛ مفتی ثناء الله محمود سوتریزاهد خواتین آور ان کی سردار فاطمه بنت محمد، ص 63 به نقل از مستدرک حاکم، ج 3، ص 186؛ مدنی علما گروه فیضان امهات المؤمنین، ص 53.40. «.. و بشرها بیت فی الجنة من قصب لاسحب فيه و لا نصب متفق علیه» (طاهر القادری، العقد الثمین، ص 10؛ حکیم محمد اویس فاروقی، سیرت خدیجه الکبری، ص 117).

12. حضرت خدیجه علیها السلام اولین مومنه و تصدیق کننده رسالت

طاهر القادری چندین روایت در این مورد آورده از جمله:

1-12- ابن شهاب بیان می کند:

اولین نفر که به خدا ایمان آورد و رسالت حضرت را تصدیق کرده، خدیجه بود. (2) هیچ گاه خدا بهتر از او «خدیجه» ارزانی نداشت؛ زیرا او زمانی به من ایمان آورد که همه انکارم می کردند و موقعی مرا تصدیق نمود که همه تکذیبم می کردند هنگامی در مال خودش مرا شریک قرار داد که دیگران محروم ساختند و خداوند توسط او مرا صاحب اولاد کرد. (3)

13. نخستین پیرو رسول گرامی صلی الله علیه و اله

این شرف و امتیاز نیز نصیب حضرت خدیجه شد. او نه تنها تصدیق کننده رسالت بود و به خدا و رسول ایمان آورد بلکه تن به اطاعت و پیروی حضرت داد. این پیروی از روز ازدواج تا آخر عمر وی ادامه داشت. روز اول که عروس به خانه رسول گرامی صلی الله علیه و اله آمد خودش را کنیز آن حضرت معرفی کرد. پس از اعلام رسالت، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله اطاعت و پیروی می کرد؛ حتی در وضعیت دشوار های الهی هم با صبر و استقامت کنار حضرت بود و آزار و اذیت مشرکان را تحمل می نمود زندگی دشوار در شعب ابوطالب را هم با خشنودی گذراند. نمونه های زیادی از اطاعت وی در کتاب های تاریخ و سیره ثبت گردیده است؛ از جمله:

ص: 114

1- فیضان خدیجه الکبری، ص 53

- 2- «عن ابی شهاب قال كانت خدیجه اول من آمن بالله و صدق برسوله قبلان تفرض الصلاة.» (طاهر القادری، العقد الثمین، ص 19).
- 3- «ما أبدلني الله خيرا منها لقد آمنت بي حين كفر بي الناس، و صدقتني حين كذبتني الناس، و أشركتني في مالها حين حرمني الناس و رزقني الله ولدها و حرمني ولد غيرها ..» (ابن عبد البر، الاستيعاب في معرفة الاصحاب، ج 4، ص 1814؛ ابن اثير، اسد الغابة في معرفة الصحابه، ج 6، ص 85؛ ابن حجر عسقلاني، الاصابة في تمییر الصحابة ج 8، ص 103؛ ابن كثير دمشق، البدايه والنهائيه، ج 3، ص 128).

خدیجه اولین زن اطاعت کننده رسول گرامی صلی الله علیه و آله بود. علامه امینی نیز نمونه ای دیگر از امام کاظم علیه السلام نقل می کند.

14. اولین زن نمازگزار و اقتداء کننده به پیامبر صلی الله علیه و آله

حضرت خدیجه علیها السلام اولین زن و همسری بود که در نماز به پیامبر صلی الله علیه و آله اقتدا کرد و فریقین در این موضوع اتفاق نظر دارند.

در این اختلافی وجود ندارد که حضرت خدیجه علیها السلام همراه پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم نماز را ادا کرد و این پس از واجب شدن نماز بود. در این همه متفقند. او سه سال قبل از هجرت از دنیا رفت. (1)

مفتی ثناء الله هندی می گوید:

قبل از سفر معراج پیامبر صلی الله علیه و آله نماز پنج گانه واجب نشده بود، ولی در آن زمان هم نماز خوانده می شد.

ابن کثیر و ابن هشام در این باره آورده اند:

جبرئیل نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و پای خود را به زمین زد. چشمه ای از زمین جاری شد. جبرئیل از آن وضو گرفت و نماز خواند. پیامبر صلی الله علیه و آله از جبرئیل نماز یاد گرفتند و به منزل تشریف بردند و دست خدیجه را گرفته نزد چشمه آوردند وضو گرفتند و دو رکعت نماز خواندند پس از آن پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه مخفیانه نماز می خواندند. (2)

15. حضرت خدیجه اولین راوی اسلام و محدثه

حضرت خدیجه نخستین راوی از میان زنان به شمار می آید این نیز امتیاز ویژه ایشان را نمایان می سازد و چه کسی حادثه وحی و واقعه اعلام رسالت را بهتر از حضرت خدیجه درک و بیان کند؟ او این وقایع را از نزدیک مشاهده

ص: 115

1- «اذا لم یختلفوا ان خدیجة رضی الله عنها صلت مع النبی بعد فرض الصلاة علیه ولا خلاف فی انها توفیت قبل الهجرة بمدة قبل بثلاث سنین» (ابن اثیر، اسد الغابه، فی معرفة الصحابه، ج 1، ص 16).

2- غالب سیلاوی، الانوار الساطعة من الغراء الطاهرة، ص 329

کرده بود؛ زیرا غیر از او و حضرت علی علیه السلام کسی دیگری حضور نداشت. تمام تاریخ نگاران و دانشمندان درباره این مسأله اتفاق دارند؛ از جمله:

1-15-1- ابن حزم اندلسی می گوید:

حضرت خدیجه اولین زنی بود که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت نقل کرد. (1)

2-15-2- مولانا محمد اویس فاروقی می نویسد:

حضرت خدیجه از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت هم نقل کرده ولی تعداد آن خیلی کم است؛ زیرا او پس از بعثت ده سال اول را درک کرد و این ده سال اول دشوارترین دوره و زمان مصیبت بود لذا فرصت نقل روایت به دست نیامد. (2) روایات موجود جامع و مستند هستند و مربوط به احکام اسلامی اند.

16. انفاق کننده و حامی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

حضرت خدیجه همه چیز خود را در راه خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله ایثار کرد. او همه اموال خود را خدمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آورد و در اختیار ایشان قرار داد تا هر طوری که خواستند مصرف کنند و عرض کرد: «سرورم! شما مالک این اموال هستید؛ هر کجا که می خواهید خرج کنید». (3)

مفتی ثناء الله محمود، انفاق حضرت خدیجه را با استناد به تفسیر بزرگان چنین نقل می کند:

پس از ازدواج با حضرت تمام اموال خود را در اختیار ایشان قرار داد قرآن مجید احسان حضرت خدیجه را چنین بیان می فرماید: (وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنِي). (4)

امام عبد الله بن احمد محمود نسفی در تفسیر این آیه می گوید: «فاغناک

ص: 116

1- سیرت خدیجه الکبری، ص 106

2- همان

3- همان، ص 61

4- سوره الضحی

بمال خدیجه» (1)

امام قرطبی نیز در تفسیر این آیه می گوید «فاغناک بخدیجه» (2)

خود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: (فاعطتی مالها فانفقته فی سبیل الله)؛ (3) خدیجه مال خودش به من داد و من آن را در راه خدا خرج کردم. (4)

هم چنین فرموده اند:

دین اسلام برپا نشد مگر به دو چیز اموال حضرت خدیجه علیها السلام و شمشیر حضرت علی علیه السلام. (5)

17. عام الحزن سال وفات حضرت خدیجه علیها السلام

نامیدن سال وفات حضرت خدیجه علیها السلام به «عام الحزن»، جایگاه او را نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نشان می دهد زیرا حضرت از فراق او آن را سال حزن قرار دادند. در این باره گفته اند:

هنگامی که خدیجه از دنیا رفت زندگی بر حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله سخت شد و غم و اندوه ها بر ایشان فرود آمد. لذا به میان مردم رفتند و این سال را «عام الحزن» قرار دادند. (6)

یکی از علمای اهل سنت هند می گوید:

سال دهم نبوت، سال عام الحزن برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود؛ زیرا در این سال پس از برون آمدن از شعب ابی طالب چند روز نگذشت که حضرت خدیجه علیها السلام از دنیا رفت وفات وی در ماه مبارک رمضان بود هنوز سه سال برای هجرت به طرف مدینه مانده بود و زخم فقدان عمویش هم در قلب

ص: 117

1- تفسیر نسفی، ج 4، ص 364

2- تفسیر قرطبی، ج 10، ص 9

3- طبقات ابن سعد.

4- مفتی ثنائی الله محمود سوتر یزاهد خواتین آور ان کی سردار فاطمه بنت محمد، ص 60

5- «ما قام و ماستقام الدین الایسیف علی و مال خدیجه...» (عبد الله مامقانی، تنقیح المقال، ج 3، ص 33).

6- «لما توفیت خدیجه اشتد البلا علی رسول الله و تراکمت علیه الهموم و الغموم بحیث احتجب عن الناس مده مدیده و سمی ذالک عام الحزن...»

حضرت تازه بود. (1)

به گفته ابن عبد، آلبر، پس از گذشت سه روز از وفات ابوطالب، حضرت خدیجه علیها السلام هم از دنیا رفت. (2)

نیز گفته اند:

حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه علیها السلام با فاصله چند روز از دنیا رفتند، وفات این دو شخصیت بزرگ برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آن قدر سخت و ناگوار بود که آن سال را سال غم و اندوه خواندند. (3)

18. شرف مادری فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله

این شرف در میان تمام زنان پیامبر صلی الله علیه و آله تنها به حضرت خدیجه رسید و مادر فرزندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شد.

ابوالفدا دمشقی می گوید:

خداوند از خدیجه صاحب اولاد شد در حالی که همسران دیگر از این فیض محروم بودند. (4)

پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمینه به عایشه فرمودند:

خدیجه دامن مرا از گوهر اولاد پر کرد. (5)

مدنی علما می گویند:

جز ابراهیم تمام اولاد از بطن پاک حضرت خدیجه بودند. (6)

ص: 118

1- همان ص 12

2- همان.

3- فیضان خدیجه الکبری، ص 65 و 64؛ حکیم محمد اویس فاروقی، سیرت خدیجه الکبری، ص 122؛ مفتی ثناء الله محمود سوتر بزاهد خواتین اوران کی سردار فاطمه بنت محمد، ص 61.

4- «ارزقنی الله ولدها و حرمنی ولد غیرها» (ابوالفداء دمشقی، البدایه والنهایه، ج 3، ص 28).

5- «فیقول: انها کانت و کانت و کان لی منها ولد» (طاهر القادری، العقد الثمین، ص 12).

6- مدنی علما، گروه فیضان خدیجه الکبری، ص 60 و 69؛ حکیم محمد اویس فاروقی، سیرت خدیجه الکبری، ص 112.

19. ادامه ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه علیها السلام

خداوند به ذات حضرت خدیجه علیها السلام عنایت زیادی فرمود از جمله ذریه پیامبر را از او قرار داد؛ زیرا او زن نیک و صالح پیامبر صلی الله علیه و آله بود که جان و مال خود را فدای حضرت کرد.

بزرگان اهل سنت هند نیز در این باره اظهار نظر کرده اند:

الغرض از بین یازده همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله این سعادت و فضیلت را تنها حضرت خدیجه علیها السلام همسر اول رسول گرامی دارد که جز ابراهیم که از بطن ماریه قبطیه، بود بقبه فرزندان از حضرت خدیجه هستند و نسل پاک پیامبر از حضرت فاطمه علیها السلام ادامه یافت نسل پاک پیامبر صلی الله علیه و آله تنها از طریق حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دامه یافت. ایشان دو پسر به نام های امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام داشتند. سیدنا حسن بن علی الا علیه السلام صاحب فضل و علم و کمالات بود که او را با سم شهید کردند. امام حسین علیه السلام که فرزند کوچک بود که در سال 61 هجری در کربلا به دست لشکر یزید به شهادت رسید.

(1)

20. حضرت خدیجه علیها السلام بهترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله

درباره این موضوع دو نوع روایت وجود دارد: دست های حضرت خدیجه علیها السلام را بهترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله می دانند و دسته دیگری برتری وی را بر سایر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله ثابت می کنند دسته اول که از طریق شیعه و اهل سنت وارد شده این حقیقت را آورده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله بارها حضرت خدیجه علیها السلام را بهترین زن معرفی فرمودند.

طاهر القادری با استناد به کتاب صحیح بخاری می نویسد:

عایشه می گفت: «پیش از همه به حضرت خدیجه رشک می بردم پیامبر صلی الله علیه و آله همیشه از او یاد می نمودند هر موقع قربانی می کردند، بخشی از گوشت آن را برای دوستان خدیجه هدیه می فرستادند». من پرسیدم:

ص: 119

«این قدر به او علاقه دارید مثل این که جز او زنی برای شما در دنیا نبود». آن حضرت صلی الله علیه و آله در جواب فرمود: «واقعاً همین طور است؛ او صاحب فرزند بود (1) هنگامی مرا تصدیق کرد که همه تکذیب می کردند. او وزیر دین خدا بود و با مال خود مرا یاری کرد». (2)

این حدیث را یکی از دانشمند سنی هندی نیز با اسناد به کتب اهل سنت آورده است. (3)

مفتی ثناء الله می گوید: آن حضرت فرمودند:

ما ابدلني الله خيرا منها بهتر از خدیجه همسری به من داده نشد. او به من ایمان آورد، در حالی که مردم انکار می کردند؛ هنگامی مرا تصدیق کرد که کفار و مشرکان تکذیب می کردند در زمانی کمکم (با مال) کرد که دیگران مرا محروم کرده بودند؛ او موقعی دامن من با گوهر اولاد پر کرد که زنان دیگر این توان را نداشتند. (4)

نویسنده کتاب در صفحات بعد می گوید: «حضرت خدیجه علیها السلام زنی بود که همتا نداشت».

گفتیم دسته دوم روایات به برتری حضرت خدیجه علیها السلام بر دیگر همسران، پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می کنند این فرق و امتیاز حضرت خدیجه علیها السلام را خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان کرده اند:

ای خدیجه شما بهترین امهات المؤمنین و افضل همسران من و سالار زنان

ص: 120

1- «عن عائشة قالت: ما غرت على أحد من نساء النبي صلى الله عليه و اله ما غرت على خديجة - و ما رأيتها - ولكن - كان يكثر ذكرها و ربما ذبح الشاة فيقطعها أعضاء ثم يبعثها في صدائق خديجة فربما قلت كأنه لم يكن في الدنيا امرأة إلا خديجة فيقول: «إنها كانت و كانت و كان لي منها ولد» طاهر القادري ، العقد الثمين، ص 12، به نثل از صحيح البخاري فضائل الصحابة).

2- «قال النبي: خديجة و این مثل خدیجه صدقتی حین کذبی الناس و وازرتنی علی دین الله و اعانتنی علیه بما لها.» (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج 18، ص 232؛ مفتی ثناء الله محمود سوتری زاهد خواتین اور ان کی سردار فاطمه بنت محمد، ص 49).

3- مفتی ثناء الله محمود، سوتر بزاهد خواتین اور ان کی سردار فاطمه بنت محمد، ص 49؛ مسند احمد، ج 6، ص 117؛ طبرانی کبیر، ج 23، ص 13؛ مجمع الزوائد، ج 9، ص 264، صحيح بخاری، ج 1.

4- سوتری زاهد خواتین اور ان کی سردار فاطمه بنت محمد، ص؛ مسند احمد، ج 6، ص 117.

طاهر القادری روایت پیامبر صلی الله علیه و آله را چنین معنا می کند:

از حضرت علی علیه السلام روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مریم» برترین زنان زمان خود و خدیجه بهترین زنان زمان خود است». این روایت مورد اتفاق همه است. (2)

نویسنده سیرت خدیجه الکبری نیز این روایت را از کتاب بخاری نقل می کند و برتری حضرت خدیجه را بر تمام زنان امت نشان می دهد: (3)

حضرت خدیجه در میان تمام زنان امت بهترین زن است. این عنوان را پیامبر صلی الله علیه و آله به وی داده اند. (4)

وی در ادامه روایت پیامبر صلی الله علیه و آله را به عنوان سند ذکر می کند: «قال انها كانت و كانت و كان لی منها ولد». (5)

21. حضرت خدیجه علیها السلام المحسود دیگران

حضرت خدیجه علیها السلام در نگاه خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله جایگاه ویژه ای داشت که همسران دیگر فاقد این جایگاه و مقام بودند لذا بیش تر زنان به شخصیت وی رشک می بردند به ویژه عایشه که همیشه حسادت خود را به زبان می آورد و با پیامبر صلی الله علیه و آله بر سر این مسأله مخالف بود؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله باره ها از او یاد می کردند و او را می ستودند و ویژگی ها و خوبی هایش را بر زبان جاری می کردند؛ حتی دوستان خدیجه را هم گرامی می داشتند این شیوه حضرت، باعث ناراحتی عایشه می شد.

ص: 121

1- «قال: يا خديجة انت خير امهات المؤمنين و افضلها و سيده النساء العالمين.» (غالب سيلاوى الانوار الساطعة من الغر الطاهرة، ص 226).

2- «عن هشام عن ابيه قال: سمعت عبد الله ابن جعفر عن علي ابن ابي طالب عليه السلام عن النبي قال: خير نساؤها مريم و خير نساؤها خديجه متفق عليه» (طاهر القادري، العقد الثمين، ص 11).

3- سیرت خدیجه الکبری، ص 114

4- همان، ص 25

5- همان

عایشه می گوید:

آن اندازه که به حضرت خدیجه رشک می بردم به هیچ زن دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله نبردم در حالی که او قبل از ازدواج من با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از دنیا رفته بود زیرا بارها حضرت او را یاد می کردند و خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده بود تا خدیجه را به قصر مروارید در بهشت نوید بدهد. آن حضرت هر گاه گوسفند قربانی می کردند برای دوستان خدیجه هدیه می فرستادند.

(1)

روایت دیگری نیز از قول عایشه نقل می کند:

من جز خدیجه به هیچ زن دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله رشک نبردم، در حالی که زمان او را درک نکردم. (2)

یا در جای دیگر می گوید:

از در بین همسران پیامبر صلی الله علیه و آله فقط به خدیجه رشک می بردم؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله زیاد از او یاد می کردند در

حالی که هیچ گاه او را ندیدم (3)

22. بهترین زن امت محمدی

حضرت خدیجه نه فقط بهترین زن و همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود بلکه ذات گرامی او به عنوان برترین زنان امت محمدی در آینه روایات و حقایق ذکر شده است. ابن حجر عسقلانی می گوید:

آن حضرت فرمود: «خدیجه برترین زنان امت من است». (4)

ابن حجر پس از نقل این حدیث می گوید:

ص: 122

1- طاهر القادری، العقد الثمین، ص 9.

2- عن عایشه قالت: «ما غرت علی نساء النبی صلی الله علیه و آله إلا علی خدیجة، وانی لم أدركها،» (العقد الثمین، ص 12)

3- «عن عایشه قالت: ما غرت للنبی علی احد من نساءه ما غرت علی خدیجة لکثرة ذکره اياها و ما رایتها قط» (همان، ص 13).

4- «قال النبی: لقد فضلت خدیجة علی نساء امتی» (ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج 7، ص 137).

از این حدیث برتری حضرت خدیجه علیها السلام بر عایشه نیز روشن می گردد. (1)

ابن کثیر در این باره می گوید:

«برخی از اهل سنت درباره عایشه غلو می کنند و او را به این که دختر ابوبکر است بر خدیجه برتری می دهند». (2)

نویسنده سیره خدیجه الکبری می نویسد:

آن حضرت در زمان حیات خدیجه با هیچ کس ازدواج نکردند ولی پس از وی با ده نفر ازدواج کردند اگر چه این نکاح ها برای تسکین نفسیات نبود، بلکه برای مصالح اسلام بود با وجود این همسران که نزد حضرت بودند، برای یک لحظه هم خدیجه را فراموش نکردند و همین باعث اعتراض برخی از همسران می شد...

پیامبر در جواب ایراد آنان می فرمود:

هیچ زنی نمی تواند جایگاه او را بگیرد او کمالات زیادی داشت و از تمام زنان بهتر بود (3)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جای دیگر فرمودند:

مریم دختر عمران و مادر حضرت مسیح برترین زن امت خود بود و خدیجه دختر خویلد برترین زن امت محمدی است. (4)

نویسنده یاد شده در اول کتاب می گوید:

این حدیث که در سطر بالا بیان شده بهترین سند در اثبات برتری حضرت خدیجه بر تمام زنان امت محمدی است (5)

23. حضرت خدیجه علیها السلام همسر پیامبر صلی الله علیه و آله در دنیا و آخرت

این امتیاز و شرف در میان همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله تنها نصیب خدیجه شد.

ص: 123

1- همان.

2- ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج 3، ص 129

3- حکیم محمد ادیس فاروقی، سیره خدیجه الکبری، ص 125

4- همان، ص 114.

5- همان، ص 25.

خدیده دختر خویلد، اشرف امهات مؤمنین است و نزدیک ترین همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و عزیزترین آن ها نزد آن حضرت هم در دنیا و هم پس از مرگ. 25 سال به تنهایی مورد مهر و احترام رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داشت و هیچ زنی در این افتخار با او شریک نیست (1)

مدنی علما با استناد به روایت المعجم الکبیر طبرانی می نویسند:

حضرت خدیجه در پایان عمر در بستر بیماری بود. حضرت محمد صلی الله علیه و اله به خدمت او تشریف آوردند و خطاب به او فرمودند: «برایم سخت است که شما را در این حالت ببینم؛ ولی خداوند عالم در این کار برای شما گذاشته است. آیا می دانید خداوند در بهشت مرا با شما و مریم دختر عمران کلثم خواهر حضرت موسی و آسیه زن فرعون به نکاح درآورد». (2)

نتیجه

بنابر گزارش های تاریخی و روایی فریقین ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام دارای ویژگی هایی هستند که هیچ یک از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نداشتند. این ویژگی های یگانه و بی نظیر حضرت خدیجه علیها السلام، او را از دیگر زنان و همسران پیامبر ممتاز و بر دیگران مقدم می سازد و فضایل او را بر دیگر زنان پیامبر اسلام آشکار می کند.

ص: 124

1- عایشه بنت الشای، بانوی کربلا زینب

2- ابوالقاسم خوبی، المعجم الکبیر، ج 22، ص 376؛ فیضان خدیجه الکبری، ص 63 به نقل از کتاب المعجم الکبیر للطبرانی، ج 9، ص 393

قرآن کریم.

1. ابن ابی الحديد المعتزلى شرح نهج البلاغه، بيروت، داراحياء التراث العربى، 1387 ش.
2. ابن اثير، اسدالغابه فى معرفه الصحابه، بيروت، دار الكتب العلميه، 1415 ق.
3. ابن سعد طبقات الكبرى، بيروت، دار صادر، 1405 ق.
4. ابن كثير دمشقى، البدايه والنهائيه، بيروت، داراحياء التراث العربى، 1408 ق.
5. ابن هشام حميرى، سيره النبويه، بيروت، مكتبه محمدعلى صحيح، 1383 ش.
6. ابن عبد البر، الاستيعاب فى معرفه الاصحاب، بيروت، دارالكتب العلميه 1415 ق.
7. اربلى، على، كشف الغمه فى معرفه الاثمه، بيروت، دارالكتاب الاسلامى 1401 ق.
8. اشتهااردى، محمد محمدى، حضرت خديجه عليها السلام اسطوره ايشار و مقاومت تهران، انتشارات نبوى، 1377 ش.
9. -، حضرت خديجه عليها السلام همسر پيامبر صلى الله عليه وآله، تهران، انتشارات نبوى 1384 ش.
10. آلوسى، تفسير روح المعاني، بيروت، داراحياء التراث العربى، 1405 ق.
11. آيتى، ابراهيم، تاريخ پيامبر اسلام، قم، دارالفكر، 1386 ش.
12. بلاذرى، انساب الاشراف، بيروت، دارالفكر، 11417 ق.
13. توفيق ابوعلم، فاطمه الزهرا عليها السلام، قاهره، دارالمعارف، بى تا.
14. دخيل، محمدعلى، خديجه عليها السلام، ترجمه فروز حريجى، تهران، اميركبير 1363 ش.

15. ذهبي، سير اعلام النبلاء، بيروت، مؤسسه الرساله، 1413 ق.
16. رسولی محلاتی، سيد هاشم زندگي حضرت محمد خاتم النبيين صلى الله عليه و آله تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامي، 1375 ش.
17. زرقاني، مالكي عبدالباقي شرح المواهب الدنيه بالمنح المحمديه، دار الكتب العلميه، 1417 ق.
18. سائح، سيد احمد، الاضواء في مناقب الزهراء، بي نا، بي تا، بي جا.
19. سبحاني، جعفر، فروغ ابدیت، قم، بوستان كتاب، 1383 ش.
20. سبط بن جوزي، تذكره الخواص، الامامه في خصائص الائمه، بيروت، دار الكتب العلميه، 1426 ق.
21. شوشتری، قاضي نورالله، احقاق الحق وازهاق الباطل، قم، مكتبة آيه الله مرعشي، 1411 ق.
22. شيخ صدوق، امالي، بيروت، مؤسسه الاعلمي، 1400 ق.
23. شيخ مفيد، الارشاد في معرفه حجج الله العباد، قم، مؤسسه اهل البيت عليهم السلام 1413 ق.
24. طبرسي، علي الفضل بن الحسن، تفسير مجمع البيان، بيروت، دارالمعرفه 1408 ق.
25. -، اعلام الوري باعلام الهدى، بيروت، دارالمعرفه، 1399 ق.
26. عايشه بنت شاطي، بانوي كربلا حضرت زينب كبرى عليها السلام، ترجمه سيد رضا صدر، بي نا، بي تا، بي جا.
27. عسقلاني، ابن حجر، الاصابه في تمييز الصحابه، بيروت، الكتب العلميه 1415 ق.
28. عقيق بخشايشي، عبدالرحيم، همسران رسول خدا صلى الله عليه و آله، قم، دار التبليغ الاسلامي، 1352 ش.
29. غالب سيلوي، الانوار الساطعه من الغراء الطاهره، قم، نشر محلاتي، 1424 ق.

30. قطب، محمد علی، خدیجہ بنت خویلد، بیروت، دار القلم، 1425 ق.
31. کمالی نیا، محمد تقی، خدیجہ کبریٰ علیہا السلام، قم، امید، 1380 ش.
32. گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم علیہ السلام، فرهنگ جامع سخنان حضرت فاطمہ علیہا السلام، تهران 1389 ق.
33. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعہ لدرر اخبار الائمہ الاطہار، بیروت، مؤسسہ الوفاء، 1403 ق.
34. محلاتی، ذبیح اللہ ریاحین الشریعہ فی احوال النساء الشیعہ، تہران، دارالاسلامیہ، 1385 ش.
35. معروف، الحسنی، ہاشم زندگی حضرت خدیجہ کبریٰ علیہا السلام و حضرت فاطمہ علیہا السلام، تہران بنیاد بعثت 1360 ش.
36. -، سیرہ الائمہ الاثنی عشر، تہران، انتشار، امیرکبیر، 1421 ق.
37. یعقوبی، احمد بن یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت، دارصادر، 1420 ق.

(ب) منابع زبان اردو

38. اویس فاروقی، حکیم محمد، سیرت خدیجہ کبریٰ، پاکستان، دارالسلام، بی تا.
39. سیدکرار حسین واعظ، ملیکہ العرب، پاکستان، رحمت اللہ بک ایجنسی، 1985 م.
40. صنائم چشتی، البتول، دہلی، جیلانی بک دپو، 2011 م.
41. صدیقی، ادیس، حضرت خدیجہ علیہا السلام کبریٰ، دہلی نو، فرید بکدپو، 1999 م.
42. الطاهر القادری، العقد الثمین، فی ام المؤمنین، منہاج القرآن، 2011 م.
43. طاهر القادری، سیرت خدیجہ کبریٰ، پاکستان، منہاج القرآن، 2002 م.
44. عبد القدوس ندوی، محمد مصطفیٰ، ام المؤمنین حضرت خدیجہ علیہا السلام اسوہ و، پیغام ناشر الفاروق، 1434 ق.
45. مجاہد عبدالمالک، سیدہ خدیجہ کی زندگی دہلی، مکتبہ بیت

الاسلام وفہیم بک دپو 2012 م.

46. مدنی گروہ، خاتون جنت، دہلی، مکتبہ المدینہ 2013 م.

47. -، فیضان امہات المؤمنین، دہلی، مکتبہ، المدینہ بی تا

48. -، فیضان خدیجہ الکبری، دہلی، مکتبہ المدینہ، بی تا.

49. مفتی ثناء اللہ محمود سوتریزاہد خواتین آور ان کی سردار فاطمہ بنت محمد، دہلی اریب بلیشر 2014 م.

50. نرجس سیدہ، عابدہ خدیجہ الکبری، پاکستان جامعہ تعلیمات اسلامی، 2001 م.

51. ہاشمی، طالب، سیرت فاطمہ الزہرا علیہا السلام دہلی نو، اعتقاد پبلشنگ ہاوس، 2015 م.

ص: 128

چکیده

برخی کتاب های روایی و تاریخی در تلاش برای کاستن از جایگاه و نقش حضرت خدیجه علیها السلام در تاریخ اسلام هستند. مقاله حاضر ابتدا به گونه ای گذرا به چهار نمونه تلاش برای زدودن فضایل ایشان اشاره می کند سپس به شش نمونه از موارد تحریف تاریخ درباره ایشان می پردازد که شوربختانه به غلط شهرت نیز یافته است؛ مانند کتمان یکتاپرستی ایشان پیش از بعثت ادعای دویار ازدواج ایشان پیش از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و مصاهرت بین خلیفه سوم و ایشان بازتاب کمرنگ پشتیبانی مالی حضرت خدیجه علیها السلام از اسلام درگذشت ایشان در کهن سالی و ایجاد ابهام در تاریخ دقیق هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه.

این موارد گاه مخالف مبانی کلامی و روایات فریقین و اسناد تاریخی است و به اخبار مرسل یا گزاره های مورد اعراض دانشمندان اسلامی و اخبار معارض تکیه دارد قراین متعددی دال بر جعل این اخبار و تناقض موجود میان آن ها در دست است.

واژگان کلیدی

پیامبر صلی الله علیه و آله ، حضرت خدیجه علیها السلام ، تحریف، فضایل، تاریخ نویسان.

مقدمه

مظلومیت حضرت خدیجه علیها السلام در کتاب های تاریخ و سیره نگاری، به جهت بیان نشدن فضایل زدودن آن ها و تحریف تاریخ درباره ایشان است. این

ص: 129

حرکت با هدف کاستن از منزلت و نقش حقیقی ایشان در ظهور و گسترش اسلام صورت گرفته است. به علاوه برخی گزارش های غیرواقعی درباره ایشان ساخته شده تا نردبانی برای ارتقای جایگاه دیگران باشد.

افسوس که جعلیاتی در تاریخ به ایشان نسبت داده شده که با توجه به سخن حکیمانه محمد لطفی جمعه (د 1953م)، تنها با اسرائیلیات تورات سنجیدنی است. (1) این گزاره ها تنها به شخصیت ایشان لطمه نمی زند، بلکه به گفته نویسنده معاصر عرب، بهانه خاورشناسان برای تخریب شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله را فراهم آورده است. (2)

شوربختانه در رویارویی با گزاره های مرتبط با ایشان به شهرت مطالب بسنده گردیده و اخبار معارض بررسی نشده است. (3) این نوشتار تنها به بیان گوشه ای از این مظلومیت می پردازد.

تحریف و زدودن فضایل در کتاب ها

اینک به چهار نمونه از شواهد تلاش برای زدودن فضایل یا حقایق تاریخی درباره ایشان اشاره می کنیم:

1. حاکم نیشابوری (د 405ق) حدیثی در فضیلت حضرت خدیجه علیها السلام از صحیح مسلم (د 261ق) نقل کرده که در نسخه های امروزی آن وجود ندارد. شمس الدین ذهبی (د 774ق) در تلخیص نیز بر گفتار حاکم خرده نگرفته و احتمال اشتباه حاکم منتفی است. این نشان می دهد که صحیح مسلم در نقل فضایل خدیجه علیها السلام [بعد از دوران ذهبی] دچار تحریف شده است. (4)

ص: 130

1- ابراهیم الجمل، ام المؤمنین خدیجه، ص 91.

2- همان، ص 99.

3- یکی از ایرادهای برخی پژوهش های تاریخی بی توجهی به دور باطل شهرت و حجیت است؛ زیرا در موارد بسیاری خاستگاه شهرت نابه جای یک، قول بی توجهی به اخبار معارض مغفول ماندن تطور تاریخی گزاره و اتکای نابه جا به یک خبر واحد است.

4- محمد حسن مظفر، دلائل الصدق لنهج الحق، ج 6، ص 443 تلاش برای زدودن برخی مطالب از صحیحین، شواهد متعددی دارد که با هدف از میان بردن مشترکات و زمینه های برادری میان شیعه و اهل سنت صورت گرفته است.

2. ذهبی قائل به برتری حضرت خدیجه علیها السلام بر سایر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می کند. عبارت وی چنین است: «نعم جزمت بافضلیة خدیجه علیها الامور لیس هذا موضعها». اما «جزمت» در چاپ دمشق به «خرجت» تحریف شده و تمامی عبارت مذکور از برخی چاپها حذف گردیده است. (1)

3. ابن عبدالبر (د 463 ق) و ابن کثیر (د 774 ق) از زبیر بن بکار (د 256 ق) نقل کرده اند که «طاهره» از القاب حضرت خدیجه علیها السلام بوده و به دلیل پاک دامنی بی ماندش در دوران جاهلیت او را طاهره دختر خویلد نامیدند. ابن کثیر در دو اثر خود چنین نوشته است: «قال الزبیر بن بکار کانت خدیجه تذکر فی الجاهلیة الطاهرة بنت خویلد». اما ابن حجر عسقلانی (د 852 ق)، طاهره را از دختران خویلد و خواهر خدیجه علیها السلام معرفی کرده و آن را به زبیر بن بکار نسبت داده و نوشته «الطاهرة بنت خویلد: أخت خدیجة زوج النبی صلی الله علیه و آله ذکرها الزبیر بن بکار» در میان کتاب های تراجم و طبقات موجود تنها ابن حجر آن را این گونه به زبیر نسبت داده است. (2)

4. همان گونه که برخی تصریح کرده اند ایشان موقع ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله دوشیزه بودند. اطلاق گزارش پیشینیان مبنی بر آرزوی قریش برای ازدواج با ایشان (3) مؤید این حقیقت است برداشت متأخران از عبارات پیشینیان نیز همین بوده و با پیش فرض قرار دادن آن چه در میان شان مشهور شده به اطلاق عبارت پیشینیان قیدی افزوده اند برای، نمونه ابن حجر تعبیر «لما تأیمت» را به اطلاق گزارش های پیشینیان افزوده و نوشته «و لما تأیمت کان کل شریف من قریش یتزوجها». (4)

ص: 131

-
- 1- نک سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 140.
 - 2- ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 4، ص 1817؛ ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج 5، ص 307؛ همو، السیره النبویه، ج 4، ص 608؛ ابن حجر، الاصابه، ج 8، ص 224
 - 3- ابن اسحاق، سیره، ج 2، ص 60.
 - 4- ابن حجر، الاصابه، ج 8، ص 101 برای نمونه این عبارت را با تعبیر ابن اسحاق (د 151 ق) و ابن هشام (د 218 ق) و ابن سعد (د 230 ق)، بسنجید «کل قومها قد کان حربصا علی ذلك منها لو یقدر علی ذلك». (ابن اسحاق، سیره، ج 2، ص 60)؛ «کل قومها کان حربصا علی ذلك منها لو یقدر علیه». (ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 189)؛ «کل قومها کان حربصا علی نکاحها لو قدر علی ذلك» (الطبقات الکبری، ج 1، ص 105). الاصابه، ج 8، ص 102.

با کمک این قراین و شواهد دیگری که مجال بیان آن نیست، می توان ادعا کرد تنها گوشه ای از حقایق زندگی و فضایل این بزرگ بانوی اسلام به ما رسیده است. درباره ایشان همان را باید گفت که از ادیب مشهور خلیل بن احمد فراهیدی (د 175 ق) یا از فقیه بزرگ اهل سنت محمد بن ادریس شافعی (د 204 ق) درباره امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده که: «عجبت لرجل کتم اعداؤه فضائله حسدا، و کتمها محبوه خوفا، ثم ظهر بین الکتمانین ما ملأ الخافقین».

کتمان یگانه پرستی حضرت خدیجه علیها السلام

ابن حجر در وصف فضائل حضرت خدیجه علیها السلام، یکی از ویژگی های ایشان را بزرگداشت و تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله قبل و بعد از بعثت دانسته است. (1) در این که حضرت خدیجه علیها السلام نخستین زن مسلمان و به تعبیر پیامبر صلی الله علیه و آله صدیقه امت اسلامی بودند؛ (2) تردیدی نیست اما تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از بعثت به چه معناست؟ در پاسخ باید گفت: این مطلب دال برای مان حضرت خدیجه علیها السلام به بشارت های انبیای پیشین در مورد بعثت پیامبری از نسل ابراهیم خلیل علیه السلام در شهر مکه است.

به گواه قرآن کریم اهل کتاب جزیره العرب، پیامبر صلی الله علیه و آله را به خوبی و بسان پسران خود می شناختند (3) ولی بیش تر آنان این حقیقت را کتمان می کردند (4) افزون بر آنان گروهی از مردم جزیره العرب به خدا و قیامت ایمان داشتند و در

ص: 132

1- همان، ص 102

2- ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج 70، ص 118.

3- سوره بقره آیه 146؛ سوره انعام آیه 20.

4- ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج 6، ص 177

انتظار نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله بودند. (1) آنان طبقه با فرهنگ و آشنا به خواندن و نوشتن و مأنوس با تورات و انجیل نازل شده از جانب خداوند و قائل به تحریف این دو کتاب بودند. به همین جهت، به دین حنیف ابراهیم علیه السلام اصلاح جامعه مبارزه با عادات و رسوم غلط جاهلی و تلاش برای نجات مردم از شرک و جهل و خرافات تمایل داشتند و می توان آنان را مصلحان جامعه نامید. کسانی چون، ابوذر، سلمان و ورقه بن نوفل، (2) نهضت بازگشت به دین حنیف را رهبری می کردند و این دعوت مردم به پرستش خدای یگانه سبب خشم بت پرستان از آنان بود. (3) خدیجه علیها السلام نیز از این گروه به شمار میرفت اخباری که او درباره پیامبر صلی الله علیه و آله شنید او را به ازدواج با حضرت مشتاق نمود (4) در کتب آسمانی آمده بود که احمد با شخصی به نام خدیجه علیها السلام ازدواج خواهد کرد. (5) خدیجه علیها السلام همواره ویژگی های پیامبر صلی الله علیه و آله را از ورقه بن نوفل می پرسید و او نیز پیامبر صلی الله علیه و آله را همان کسی معرفی می کرد که حضرت موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام بشارت به پیامبری او داده بودند. (6)

با این همه گزاره هایی جعلی مبنی بر بت پرستی حضرت خدیجه علیها السلام وجود دارد این خبر که احمد بن حنبل (د 241 ق) آن را از یکی از همسایگان خدیجه علیها السلام درباره گفتگوی پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام نقل کرده، حاکی از پرستش بت های لات و عزی توسط خدیجه علیها السلام است و پیامبر صلی الله علیه و آله نتوانسته همسرش را برای پرهیز از بت پرستی قانع سازد بلکه خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: 133

-
- 1- شهرستانی، الملل والنحل، ج 2، ص 590
 - 2- به رغم تصویر شخصیت ایشان به عنوان یک مسیحی در روایات نبوی بسیاری بر مراتب بالای ایمان ایشان تأکید شده و برخی از بزرگان اهل سنت ایشان را در عداد صحابه شمرده اند. برای نمونه نک: ام المؤمنین خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت، ص، 52، 54، 81 و 102.
 - 3- جواد علی المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، ج 12، ص 30، 31، 33، ج 15 ص 108، 114، 309 و 319؛ رسول جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، ج 1، ص 185.
 - 4- حلبی، السیره الحلبیه، ج 1، ص 228.
 - 5- عینی، عمده القاری، ج 1، ص 63.
 - 6- ابن جوزی، المنتظم، ج 2، ص 373.

خواسته تا با بت ها کاری نداشته باشد! (1)

از این رو به اخباری که تنها دلیل آشنایی و ازدواج خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله را مزدوری حضرت برای خدیجه علیها السلام در سفر تجاری شام دانسته باید تردید جدی داشت، به ویژه که بیش تر حنفی، بازرگان و از خانواده های برخوردارتر از سطح متوسط جامعه بودند. (2) بهترین سند تاریخی بررد این مطلب، گواه تاریخ نویس مشهور یعقوبی (د 292 ق) است که پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز کارگزار خدیجه علیها السلام یا دیگری نبوده است. (3)

بیوه نمایانند حضرت خدیجه علیها السلام

یکی از تحریفات درباره حضرت خدیجه علیها السلام، افسانه ازدواج ایشان با یک یا دو مرد عرب پیش از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ مانند ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با ابوهاله مخزومی (4) برخی ازدواج دیگری با ابوهاله تمیمی را نیز ثبت کرده اند. (5) تاریخ نگاران در این ماجرا، گاه به منابعی که بدون سند یا مستند به گفتار متأخرانی چون جرجانی (د 392 ق) است، (6) بسنده کرده و به تعارض این گزاره با سایر اخبار توجهی ننموده اند؛ در حالی که به تصریح برخی از تاریخ نگاران، ایشان هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله دوشیزه بوده اند. (7)

این جهت گیری در برابر حضرت خدیجه علیها السلام، سیاست یک بام و دو هوا و نقطه مقابل موضع تاریخ نگاران در برابر دیگر صحابه است که به دو نمونه از

ص: 134

-
- 1- احمد بن حنبل، مسند احمد، ج 4، ص 222
 - 2- المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام، ج 12، ص 34 و ج 16، ص 285
 - 3- ابن واضح يعقوبی، تاريخ اليعقوبی، ج 2، ص 21
 - 4- ابن منده، معرفه الصحابه، ج 1، ص 979
 - 5- الطبقات الكبرى، ج 8، ص 11 و 174.
 - 6- ابن منده، معرفه الصحابه، ج 1، ص 979؛ ابونعیم، معرفه الصحابه ج 6 ص 3200 و 3201؛ ابن عبدالبر، الاستيعاب، ج 4، ص 1817.
 - 7- نک: ابوالقاسم اصفهانی، دلائل النبوه، ص 178؛ رازی، تبصره العوام، ص 245؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 161؛ طبری، کامل البهائی، ج 1، ص 349 و 350.

آن‌ها اشاره می‌کنیم:

نخست گزارش‌های کتب کهن تاریخی مانند طبقات ابن سعد (د 230 ق)، حاکی از ازدواج عایشه با مردی پیش از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و داشتن فرزندی به نام عبدالله است (1) اما مشهور تاریخ‌نگاران بلکه اتفاق آنان بر دوشیزه بودن ایشان اوست.

دوم، برابر ادعای مشهور تاریخ‌نگاران در ازدواج عثمان با دختران پیامبر صلی الله علیه و آله گفته اند همسران عثمان ام کلثوم (2) و رقیه (3) که بنابه قولی پیش از اسلام با پسران ابولهب ازدواج کرده (4) و پس از نزول سوره مسد از شوهر خود جدا شدند (5) پس از گذشت سال‌ها از ازدواج‌شان هم چنان دوشیزه بوده‌اند.

از این رو باید پرسید راز پافشاری برخی تاریخ‌نگاران بر این تناقض‌گویی و سیاست دوگانه چیست و چرا گزاره‌های دال بر دوشیزه بودن ایشان نیز شهرت نیافته است؟! بعید نیست اینان خدیجه دختر خویلد اسدی را با خدیجه کبری دختر زبیر بن عوام اسدی و اسماء دختر ابوبکر (6) که دارای تجربه چند بار ازدواج از جمله با مردی مخزومی بوده، (7) خلط کرده باشند.

اخباری که در کتاب‌های تاریخی و روایی (8) دال برداشتن اولادی از شوهران سابق حضرت خدیجه علیها السلام برای ایشان وجود دارد صرف نظر از عدم تمامیت آن، اشکال کلامی که بر مضامین آن‌ها وجود دارد مبنی بر جهنم رفتن کودکان کفار که با باورهای حشویه اهل حدیث سازگار و مخالف باورهای عدلیه است. (9)

ص: 135

1- ر.ک: ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 8، ص 46 و 47 و 50 و 51؛ عاملی، الصحیح من السیره النبوی الاعظم ج 12، ص 106 - 108 و 113 - 115.

2- ابن قتیبہ، المعارف، ص 142 و 126.

3- الطبقات الکبری، ج 8، ص 174

4- مقدسی، البدء والتاریخ، ج 5، ص 17.

5- ابونعیم، معرفه الصحابه، ج 6، ص 3198

6- الطبقات الکبری، ج 8، ص 196؛ طبری، تاریخ طبر، ج 11، ص 616

7- ابن حبیب، المحب، ص 66 و 67

8- ابن ابی عاصم، کتاب السن، ص 95، یعقوبی، تاریخ یعقوب، ج 2، ص 32

9- علامه حلّی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص 94

افسانه دوبار دامادی عثمان

همان گونه که ابن حجر گفته از دیدگاه مشهور عثمان به دلیل دوبار افتخار دامادی پیامبر صلی الله علیه و آله ، به «ذوالنورین» ملقب شده است. (2) با توجه به این که به لحاظ تاریخی دامادی عثمان تنها با دختری از پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام قابل فرض است، به بررسی این موضوع می پردازیم.

در میان کتب شناخته شده، نخستین کسی (3) که به لقب «ذوالنورین» برای عثمان اشاره کرده نعیم بن حماد مروزی (د 228 ق) است که آن را از عبدالله بن عمرو عاص نقل کرده که در هنگامه جنگ یرموک ، آن را در کتابی با این لقب دیده است. (4)

در این جا به دو نکته باید توجه کرد: نخست این که راوی آن را در سال سیزدهم یا پانزدهم هجری در کتابی مجهول دیده است. دوم این که آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله یا یکی از صحابه نسبت نداده است در این نقل عثمان به دلیل این که مظلومانه کشته شده، مشمول «کفلین من رحمه الله» (5) (دو بهره از رحمت خدا) معرفی شده است. بنابراین می توان ذوالنورین بودن را برابر باور نویسنده آن کتاب مجهول الهویه این گونه تفسیر کرد که عثمان به دلیل برخورداری از نور ایمان و کشته شدن در راه خدا شایسته دو بهره از رحمت خدا و لقب ذوالنورین گشته است.

ص: 136

-
- 1- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 113.
 - 2- ابن حجر، الاصابه، ج 2، ص 350 - 349.
 - 3- مقصود از این مطلب بررسی پیشینه استناد به وجود روایتی نبوی دال بر این مطلب در کتب اهل سنت است و الا در این که این لقب را بنیامیه پس از شهادت امیر مؤمنان علیه السلام برای وی به کار بردند، تردیدی نیست.
 - 4- ابن حماد، کتاب الفتن، ج 1، ص 115.
 - 5- این مضمون برداشتی از آیه 28 سوره حدید است که بشارت مؤمنان باتقوا و معتقد به خدا و رسول به برخورداری دو سهم از رحمت خداوند است

ابن ابی شیبیه (د 235 ق) و احمد بن حنبل (د 241 ق) نیز همین مضمون را با تفاوت هایی نقل کرده اند (1) اما احمد پس از نقل این حکایت غریب روایتی را از طریق ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که بر روی تمامی برگ های درختان بهشتی عبارت «محمد رسول الله ابوبکر الصدیق عمر الفاروق و عثمان ذوالنورین» نگاشته شده است! (2) بنابراین وی بدون اشاره به وجه تلقب و تسمیه از نخستین کسانی است که ملقب شدن عثمان به ذوالنورین را از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است

آجری بغدادی (د 360 ق) نیز از نخستین کسانی است که بعد از نقل دو روایت از طریق ابن عباس و ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله ، ملقب شدن عثمان به ذوالنورین را به دلیل ازدواج عثمان با دو دختر پیامبر صلی الله علیه و آله ، می داند. (3)

در نقد آن چه بیان شد باید گفت: گزاره موجود در کتاب الفتن و خبر واحد یکی از صحابه از یک کتاب ناشناس هیچ گونه اعتباری ندارد. اما روایات منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله ، مخالف روایات عامه و خاصه است. برای نمونه، امام بخاری (د 256 ق) در صحیح خود مطلبی را از زبان عبدالله بن عمر، در مقام دفاع از امام علی علیه السلام و عثمان و نفی اتهام فتنه از آنان نقل کرده است. در این شهادت و گواه، تاریخی عبدالله به بیان فضیلت آن دو پرداخته و دامادی پیامبر صلی الله علیه و آله را تنها برای حضرت علی الا ذکر کرده! (4) در حالی که اگر حتی یک بار افتخار دامادی برای عثمان وجود داشت، شایسته بود که در چنین مقامی به آن اشاره شود. مؤید دیگر این مطلب در منابع روایی اهل سنت، ظهور اخبار مستفیض نبوی در یگانه بودن امام علی علیه السلام در دامادی پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام است.

ص: 137

1- ابن ابی شیبیه ، المصنف في الاحادیث والآثار، ج 6، ص 363؛ احمد بن حنبل، فضائل الصحابه، ج 1، 423.

2- فضائل الصحابه، ج 1، ص 423

3- آجری بغدادی، الشریعه، ج 4، ص 1747.

4- بخاری، صحیح البخاری، ج 5، ص 157

در این اخبار که خرگوشی (د 406 ق) و دیلمی (د 509 ق)، آن را نقل کرده اند (1) وجود دامادی جز حضرت علیه السلام نفی شده است. (2)

هم چنین در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده، حضرت کسانی که -به ناحق- خود را به صدیق فاروق و ذوالنورین ملقب کرده اند. نکوهش فرموده اند. (3) امام جواد علیه السلام نیز در پاسخ به پرسش های یحیی بن اکثم، فضایل منسوب به خلفا را که شبیه مناقب اهل بیت علیه السلام، است از جعلیات بنی امیه شمرده اند. (4) با عنایت به این که بیشترین جعل روایات در فضایل صحابه در زمان بنی امیه و با هدف خوار ساختن بنی هاشم صورت گرفته (5) و تلاش بر این بوده تا شبیه به تمام روایاتی را که بر فضیلت امیر مؤمنان علیه السلام دلالت دارد، برای برخی از صحابه بسازند (6) اعتبار این روایات مخدوش به نظر می رسد شاهد این ادعا نیز ملقب ساختن عثمان به ذوالنورین توسط گروهی از بنی امیه در مناظره با امام حسن مجتبی علیه السلام است. (7)

جعل این روایات از سه جهت و شبیه سازی در آنان از دو جهت بررسی می شود:

نخست در روایات نبوی بر منوط بودن انتخاب همسر برای فاطمه علیها السلام به رضایت پروردگار و نزول وحی در این باره تأکید شده است. (8) در روایات بر ساخته اموی همین روایات رونوشت شده و در برخی به جای نام علی و فاطمه علیها السلام نام عثمان و ام کلثوم جایگزین شده و در برخی نیز سخن از نزول وحی در هر دو

ص: 138

1- شوشتری، احقاق الحق و اذهاق الباطل، ج 4، ص 444 - 443، ج 15، ص 650 - 649؛ ج 22، ص 331 . 330 و ج 30، ص 360 .

2- جمیل حمّود ابھی المداد، ج 2، ص 210

3- قمی، تفسیر القمی، ج 1، ص 140.

4- طبرسی، الاحتجاج، ج 2، ص 447

5- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 11، ص 46

6- همان، ص 44-45

7- طبرسی، الاحتجاج، ج 1، ص 403.

8- کلینی، الکافی (اسلامیه)، ج 5، ص 568؛ شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 393.

ازدواج عثمان به میان آمده است. (1)

دوم: با عنایت به ملقب شدن امیر مؤمنان علیه السلام به ذوالنورین، به دلیل نسبت پدری با نوادگان پیامبر صلی الله علیه و آله (2)، تلاش جاعلان برای اثبات این فضیلت در مرتبه بالاتر و اثبات ازدواج عثمان با دو فرزند حضرت بوده است. از این رو، تأکید شده که این فضیلت در میان بشر به عثمان اختصاص دارد. اختصاص این فضیلت به عثمان، از مُهَلَب بن ابی صَفْرَه (د 835 هـ) (3) از والیان اموی مشهور به کذب (4) و حسن بصری (1105 ق) (5) نقل شده و بیهقی (د 458) آن را از حسین جعفی (د 203 ق) از مشایخ احمد بن حنبل نقل کرده است (6).

سوم: راز اصرار بر وقوع این دو، ازدواج روایت نبوی برساخته است که هم نشین بهشتی پیامبر صلی الله علیه و آله کسانی هستند که با حضرت پیوند ازدواج برقرار کنند. (7) روشن است که دوبار ازدواج دارای فضیلتی بس بالاتر از یک بار ازدواج و منزلتی بالاتر است. برای نفی هر گونه تردید در صحت این ادعا نقل این مطلب به داماد واقعی پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نسبت داده شده است. خَیْثَمَه (د 343 ق) از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرده که ذوالنورین لقب عثمان در ملاً اعلا به دلیل ازدواج عثمان با دو دختر پیامبر صلی الله علیه و آله است. (8) دارقطنی (د 385 ق) نیز در الافراد و الغرائب، این مطلب را آورده است (9).

این اخبار به تدریج به کتب تاریخی و تراجم راه یافته و به عنوان یک حقیقت مسلم، قلمداد شده است. مقدسی (د 381 ق) از نخستین کسانی به

ص: 139

1- بخاری، التاريخ الكبير، ج 3، ص 307 308؛ فسوی المعرفه و التاريخ، ج 3، ص 160 - 159.

2- کراچکی، التعجب من اغلاط العامه، ص 102. 101؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 288

3- ابن عبدالبر، الاستيعاب، ج 3، ص 1039

4- همان، ج 4، ص 1692.

5- ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 39، ص 51.

6- بیهقی، السنن الكبرى، ج 7، ص 73.

7- ابن عبدالبر، الاستيعاب، ج 3، ص 1039؛ هیثمی، بغیه الباحث، ج 2، ص 920.

8- سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص 134.

9- عینی، عمدہ القاری، ج 16، ص 201

شمار می آید که به این وجه تلقب به استناد روایت نبوی اشاره کرده است. او از ازدواج رقیه و ام کلثوم با عتبه و عتبه فرزندان ابولهب و طلاق آن دو از دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و ازدواج رقیه و سپس ام کلثوم با عثمان اشاره نموده و با گوشزد کردن یکی از اخبار منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله، در پایان افزوده که عثمان به همین دلیل به ذوالنورین ملقب شد. (1) پس از وی دیگران چون ابن عبدالبر (د 463 ق) سمعانی (د 562 ق)، ابن عساکر (د 571 ق)، ابن جوزی (د 597 ق)، ابن اثیر (د 630 ق) کنانی (د 767 ق) نووی (د 676 ق)، ابن کثیر (د 774 ق)، ابن حجر (د 852 ق) و دیار بکری (د 966 ق) وجه ملقب شدن عثمان را تزویج یکی پس از دیگری رقیه و ام کلثوم به وی توسط پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کرده اند. (2)

ارزش قائل شدن برای این اخبار بدانجا رسیده که در مسائل اختلافی تاریخی آن را بر مستندات تاریخی ترجیح می دهند! برای نمونه، در اینکه کدام یک از این دختران پیامبر صلی الله علیه و آله بزرگ ترند اختلاف نظر وجود دارد. (3) در چنین مواردی معمولاً به سخنان معاصران آنان و نسب شناسان مراجعه می شود. اما به رغم تصریح ابن عباس (د 68 ق)، و نسب شناسانی چون کلبی (د 204 - 206 ق) (4) و زبیر بن بکار که ام کلثوم را بزرگ تر از رقیه دانسته اند، (5) ابن اثیر (د 630 ق) به استناد به روایات ازدواج عثمان رقیه را بزرگ تر از ام کلثوم دانسته است! (6)

لقب ذوالنورین بعد از شهرت اولیه آن و به رغم وجود معانی متعدد دیگر

ص: 140

-
- 1- مقدسی، البدء والتاریخ، ج 5، ص 17، 18.
 - 2- الاستیعاب، ج 3، ص 1039؛ سمعانی، الانساب، ج 6، ص 16؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 39، ص 51؛ ابن جوزی، تلقیح فہوم اهل الاثر، ص 78؛ ابن اثیر، الکامل، ج 3، ص 184؛ ابن جماعه المختصر الکبیر، ص 80؛ نووی، تہذیب الاسماء واللغات، ج 1 ص 26 و 322؛ ابن کثیر، البدایہ والنہایہ، ج 3، ص 347، همو السیرہ النبویہ، ج 2، ص 546؛ ابن حجر، الاصابہ، ج 2، ص 350 - 349؛ دیاربکری، تاریخ الخمیس، ج 2، ص 254.
 - 3- سہیلی الروض الانف، ج 2، ص 243.
 - 4- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 3، ص 4؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 4، ص 1819.
 - 5- مصعب، زبیری نسب قریش، ج 1، ص 21.
 - 6- ابن اثیر، اسد الغابہ، ج 6، ص 384.

برای آن (1) به تدریج در معنای دوبار ازدواج مشهور شد، تا نووی (د 676 ق) در کتاب خود درباره اصطلاحات از میان وجوه نامگذاری عثمان به ذوالنورین تنها به این مطلب اشاره کند (2) و شهرت نیز بر آن استوار گردد؛ (3) در حالی که کسانی چون مالینی (د 409 یا 412 ق)، ابونعیم اصفهانی (د 430 ق)، مزی (د 742 ق)، ذهبی (د 748 ق) و عصامی (د 1111 ق) به رغم بیان لقب ذوالنورین، آن را به دوبار دامادی پیامبر صلی الله علیه و آله گره زده اند. (4)

به رغم وجود شهرت دانشمندان شیعی این گزارش ها را نپذیرفته اند. سید مرتضی علم الهدی (د 436 ق)، شیخ طوسی (ده 46 ق)، ابوالفتح کراچکی (د 449 ق)، سید مرتضی رازی (د 525 ق) و سید بن طاووس (د 664 ق)، تصریح کرده اند، وجود دخترانی جز حضرت فاطمه علیها السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله محل تردید است. بر فرض وجود خارجی آنان این دو «ریبیه» و دخترخوانده های پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و در عرف عرب بر فرزند خوانده نیز اطلاق فرزند می شده است. (5) دختر خواندگی آن دو را ابن شهر آشوب (د 588 ق) از بلاذری (د 279 ق) نقل کرده که گویای وجود این مطلب در نسخ انساب الاشراف در روزگار ایشان است. (6) بر فرض پذیرش وجود این دختر خوانده ها و اثبات ازدواج عثمان با آنان به تعبیر مرحوم بروجرودی (د 1276 ق) در زیده المقال، اطلاق داماد بر شوهر دختر خوانده نیز رایج بوده است. (7)

ص: 141

- 1- ابوبکر سورآبادی، تفسیر سورآبادی، ج 2، ص 1337 - 1338؛ ج 4، ص 2353؛ ج 4، ص 2384. 2383.
- 2- نووی، تهذیب الاسماء واللغات، ج 1 ص 26 و 322
- 3- ابن حجر، الاصابه، ج 2، ص 419.
- 4- ابونعیم، معرفه الصحابه، ج 6، ص 3198؛ مزی، تهذیب الکمال، ج 19، ص 446؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج 3، ص 467؛ همو، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 449؛ سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص 134؛ عصامی، سمط النجوم، ج 2، ص 514
- 5- کراچکی، التعجب، ص 102. 101؛ رازی، تبصره العوام، ص 245؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 159؛ سید بن طاووس، الطرائف، ج 2، ص 498
- 6- مناقب آل ابی طالب، همان موارد دیگری از حذف این گونه مطالب در کتاب های نخستین انساب الاشراف وجود دارد که استناد گسترده متقدمان شیعه به آن و نبودن این مطالب وجود هر گونه اشتباهی از جانب استناد دهندگان را دفع می کند.
- 7- جمیل حمّود ابھی المداد، ج 2، ص 216

مشکل دیگر نیز اضطراب و تناقضات در این گزارش هاست. (1) برخی تولد آن دورا پیش از بعثت و برخی پس از بعثت می دانند قتاده (د 118 ق) تولد دختران پیامبر صلی الله علیه و آله را بعد از اسلام دانسته (2) و بنابه گفته ابن عباس، دختران به ترتیب ام کلثوم، فاطمه علیها السلام و رقیه بوده اند. (3) به تصریح ابونعیم (د 430 ق). از ناقلان عمده اخبار این دو ازدواج جدایی ام کلثوم و رقیه از عتبه و عتبه، بعد از نزول سوره مسد بوده (4) که برابر روایت صحیحین، در سال چهارم بعثت نازل شده است. (5) با عنایت به یکی از کهن ترین نقل ها در زمان تولد حضرت فاطمه علیها السلام که در 41 سالگی پیامبر صلی الله علیه و آله است، (6) می توان نتیجه گرفت که ام کلثوم حین جدایی از شوهرش چهار سال داشته و رقیه دو ساله بوده است!

عجیب تر این که بنا به نقل مشهور رقیه در زمان هجرت به حبشه، حامله شده و در سه سالگی فرزندی از او سقط شده است! (7) نکته غریب دیگر این که پیامبر صلی الله علیه و آله، ام کلثوم را پس از جدایی از شوهر نخست تا ازدواجش با عثمان در سال سوم هجرت (8) و بنابه نظر مشهور در زمان هجرت، دوازده سال بدون شوهر در خانه خود نگه داشته است! اگر چنین بوده چرا سخنی از هجرت او به یثرب همراه فواطم یا پیش و پس از آن به میان نیامده است؟! (9)

شاید به دلیل همین تناقضات است که بلاذری (د 279 ق) تنها به ذکر لقب ذوالنورین بدون اشاره به وجه آن بسنده کرده (10) و ادیب مشهور ابوالعباس مبرد (د 285-286 ق) عثمان را در کتاب اذواء . ملقبان به اوصاف پیشی گرفته به ذو .

ص: 142

-
- 1- همان، ص 207.
 - 2- مقدسی، البدء و التاریخ، ج 4، ص 139 و ج 5 ص 16
 - 3- الطبقات الکبری، ج 3، ص 4.
 - 4- ابونعیم، معرفه الصحابه، ج 6، ص 3198.
 - 5- ابن عاشور، التحریر و التتویر، ج 30 ص 599.
 - 6- ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 4، ص 1893.
 - 7- مقدسی، البدء و التاریخ، ج 5، ص 17؛ جمیل حمّود، ابهی المداد، ج 2، ص 207.
 - 8- مقدسی، البدء و التاریخ، همان.
 - 9- ابهی المداد، ج 2، ص 210
 - 10- انساب الاشراف، ج 12، ص 295

ذکر نکرده و به همین جهت سبب نکوهش ابن عبد البراز وی گردیده و به خرق اجماع متهم شده است! (1) شاید از همین روست که سورآبادی کرامی مذهب (د 494 ق)، وجوه دیگری جز دوبار دامادی را نیز برای لقب ذوالنورین نقل کرده است. (2)

شیخ مفید (د 413 ق) با توجه به این، شواهد رواج القابی چون ذوالنورین را مانند ملقب کردن بت ها به الوهیت معاویه به «خال المؤمنین» و کاتب وحی و برخی حاکمان عباسی به القاب، هادی مهدی و... بی اساس دانسته است. (3) مرحوم کراکی (د 449 ق) پس از تردید در این مطلب افزوده که بر فرض صحت چنین ازدواجی امیرمؤمنان برای ملقب شدن به ذا النور و ذوالنورین به دلیل ازدواج با فاطمه علیها السلام و ابوت حسنین و ائمه هدی شایسته ترند. (4) سید مرتضی رازی (د 525 ق) از متکلمان شیعه نیز می نویسد:

شیعیان دامادی عثمان را نپذیرفته اند و به آن تردید دارند. (5)

سید بن طاووس نیز مشابه گفتار مرحوم کراکی را بیان کرده است. (6) از این رو، اخبار نادر شیعه نیز قابل استناد نیست. (7)

بازتاب نیافتن ایثار مالی حضرت خدیجه علیها السلام

در منابع تاریخی اسلامی در پشتیبانی مالی ابوبکر از اسلام بزرگ نمایی بسیاری شده است؛ مانند هزینه کردن چهل هزار درهم (سیم، سکه نقره) در

ص: 143

1- الاستیعاب، ج 2، ص 478

2- تک: سورآبادی، تفسیر سورآبادی، ج 4، ص 2353

3- شیخ مفید، الافصاح فی الامامه، ص 227 - 225

4- کراچکی، التعجب من اغلاط العامه، ص 102 - 101

5- رازی، تبصره العوام، ص 245

6- الطرائف، ج 2، ص 498

7- برخی از روایات نادر، شیعه در این زمینه است (محمد تقی مجلسی، لوامع صاحبقرانی، ج 2، ص 318). بر فرض تمامیت سند این اخبار با توجه به مخالفت آن ها با سایر روایات اهل بیت علیهم السلام، اعراض مشهور متقدمان از آن ها قراین، تاریخی سخنان متکلمان بزرگان شیعه و شواهد کافی بر جعل آن نیازمند توجیه و مانند حمل بر صدور آن در مقام تقیه است.

مکه و پنج هزار درهم در مدینه (1) هدیه شتری به پیامبر صلی الله علیه و آله که حضرت با آن به مدینه هجرت کردند (2) و آزاد ساختن هفت تن از بردگان مسلمان مانند عامر بن فهیره و بلال بن رباح که در راه خدا شکنجه می شدند. (3) در منابع روایی خبری را از طریق ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که حضرت خطاب به ابوبکر فرمود: «ما نفعنی مال ما نفعنی مال ابی بکر». (4)

در این مورد، از اخبار معارض غفلت شده است. افزون بر آن که مسلم نیشابوری (د 261 ق) گزارشی را نقل کرده که موجب تردید در روایت معاصرانش ابن ابی شیبه و ابن حنبل می شود (5) در منابع تاریخی تصریح شده که اموال حضرت خدیجه علیها السلام به تنهایی با دارایی تمام قریش برابر بوده (6) و حضرت چهل هزار دینار (زر، سکه طلا) و چهل هزار درهم در راه اسلام هزینه کرده است. (7)

به رغم اذعان تاریخ نگاران به این مطلب نه تنها به فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد ایثار حضرت خدیجه علیها السلام و عبارت «ما نفعنی مال کمالها» (8) بی مهری شده و نقل نگردیده، بلکه ایثار حضرت نیز بسیار کم رنگ بازتاب یافته است. از ظاهر برخی نوشته ها استفاده می شود که این دارایی در زمانه کوتاهی پاسخ گو بوده است (9) برای نمونه یعقوبی (د 2925 ق) - که شاید تنها بیان کننده این حقیقت است - نوشته که خدیجه علیها السلام اموال بسیاری را در دوران تحریم اقتصادی بنی هاشم هزینه کرد (10) بی شک مقصود وی از این، گفته منحصر کردن ایثار

ص: 144

-
- 1- الطبقات الكبرى، ج 3، ص 128.
 - 2- انساب الاشراف، ج 1، ص 511
 - 3- ابن قتیبه، المعارف، ص 177
 - 4- ابن ابی شیبه، المصنف، ج 6، ص 348؛ احمد بن حنبل، مسند الامام احمد، ج 2، ص 253؛ همو، فضائل الصحابه، ج 1، ص 65.
 - 5- مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، ج 6، ص 116.117
 - 6- الطبقات الكبرى، ج 8، ص 12.
 - 7- سبط بن جوزی، تذکره الخواص، ص 273
 - 8- کراجکی، التعجب من اغلاط العامه، ص 102 - 103
 - 9- خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج 12، ص 135
 - 10- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 31

حضرت خدیجه علیها السلام در خصوص این برهه حساس تاریخی نیست، بلکه تنها اشاره به اهمیت ایثار خدیجه علیها السلام در این دوران است.

متأسفانه خبر منفردی دال بر پایان یافتن اموال خدیجه علیها السلام در سال دهم، بعثت در یکی از کتاب های معاصر شیعه وجود دارد که حاوی برخی غرائب شواذ و مراسیل است. در این خبر مرسل پیامبر صلی الله علیه و آله در لحظات احتضار خدیجه علیها السلام از پایان یافتن اموال ایشان در راه خدا سخن گفته اند. از ادامه گزارش، نویسنده برداشت می شود که چون خدیجه علیها السلام هزینه تأمین کفن خود را، نداشته در عبای پیامبر صلی الله علیه و آله و کفنی که جبرئیل فرستاده بود دفن شده است؟! (1)

این خبر مرسل برخلاف اسناد کهن و متقن تاریخی است که نشان می دهد، دارایی پر برکت خدیجه علیها السلام، پایان نیافته و این شجره طیبه همواره در راه پیشبرد اهداف الهی در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت قرار داشته است. برابر سندی که شیخ طوسی (ده 46ق) عرضه کرده پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ما نفعنی قط مال ما نفعنی مال خدیجه علیها السلام». راوی در ادامه در رد توهم مخاطبش که گمان کرده اموال خدیجه علیها السلام پایان یافته می گوید:

پیامبر صلی الله علیه و آله هزینه هجرت [به حبشه و مدینه] را از دارایی خدیجه علیها السلام تأمین فرمود ایشان بدهکاران و بردگان دربند را آزاد ساختند از کارافتادگان را عهده دار نمودند و فقرای اصحابش را در مکه در پیشامدها و فراز و نشیب روزگار یاری کردند پیامبر صلی الله علیه و آله در طول زندگی خود و پس از ایشان اهل بیت علیهم السلام از آن اموال بهره بردند. (2)

ابو جعفر اسکافی (د240ق) نیز آزادی بردگان مسلمانی چون بلال و عامر را به دست خود پیامبر صلی الله علیه و آله [و دارایی خدیجه علیها السلام] دانسته است. (3) بنابراین می توان نتیجه گرفت غالب تاریخ نگاران بر بازتاب ندادن این افتخار و انعکاس روایات

ص: 145

1- حائری، شجره طوبی، ج 2، ص 235-234.

2- شیخ طوسی، الامالی، ص 468

3- ابوجعفر اسکافی، نقض العثمانیه؛ ص 273

بر ساخته اموی اصرار داشته اند بنابراین آن چه امروزه از این فداکاری حضرت خدیجه علیها السلام می دانیم بسیار کم تر از عمق و ژرفای آن است

بزرگ نمایی در سن حضرت خدیجه علیها السلام

سن پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام در هنگام ازدواج مورد اختلاف قرار گرفته و سن پیامبر صلی الله علیه و آله را بین 21 تا 37 و سن خدیجه علیها السلام را بین 25 تا 45 سال نوشته اند. (1) در غالب منابع تاریخی و روایی بر چهل سالگی حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج و 65 ساله بودن ایشان هنگام رحلت تأکید شده است. (2) تنها سند تاریخ نگاران در نقل این مطلب مشهور، خبر حکیم بن حزام است. (3) مهم ترین دلیل برخی از نویسندگان معاصر عرب در تأیید گزارش مشهور از حکیم خبر صحیح بخاری، (4) اجماع و نیز گزارش های مبتنی بر دو ازدواج حضرت پیش از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله است. (5)

افزون بر تعارض این خبر با دیگر اخبار (6) این گزارش شاذ (7)، نادرست (8) و جعلی (9) معرفی شده است. برخی از نویسندگان معاصر عرب به دلیل بی پایه بودن این خبر به توجیه آن پرداخته و آن را نوعی مجازگویی برای اشاره به نهایت درایت و خرد حضرت خدیجه علیها السلام دانسته اند نه بیان سن واقعی حضرت. (10) به گفته

ص: 146

-
- 1- حلبی، السیره الحلبیه، ج 1 ص 229؛ وج 2، ص 166
 - 2- نک: ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 1، ص 100.
 - 3- یوسفی غروی، موسوعه التاریخ الاسلامی، ج 1، ص 336
 - 4- عبد الحمید طهماز، السیده خدیجه ام المؤمنین، ص 40
 - 5- احمد الجهنی، اللئالی البهیة، ص 86
 - 6- ر.ک بغدادی، المحبر، ص 79.
 - 7- حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 201 عنوان شاذ در چنین مواردی، بر گزارش های نادر و غیر قابل اعتنا اطلاق می شود
 - 8- بیهقی پنجاه سال را درست دانسته است؛ دلائل النبوه، ج 2، ص 71
 - 9- ابراهیم جمل، السیده خدیجه ام المؤمنین، ص 96
 - 10- نک: ابراهیم الجمل ام المؤمنین خدیجه، ص 100.

ابن کثیر، بسیاری از دانایان عمر پیامبر صلی الله علیه و آله را هنگام ازدواج با خدیجه علیها السلام 25 (1) و برخی از دانایان سی سال دانسته اند. (2) خدیجه علیها السلام نیز در این هنگام 25 (3) یا 28 ساله (4) بوده است

به رغم وجود اخبار معارض تلاش هدفمندی در منابع روایی برای تقویت این خبر واحد شاذ صورت گرفته است. از یک سو برای نشان دادن حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان پیرزنی فرتوت و بدمنظر بسیار تلاش شده و در روایاتی - که نشانه های وضع در آن آشکار است- از حضرت با تعبیری چون «عجوز من عجائز قریش حمراء الشدقین»، (5) «عجوز حمراء الشدقین»، (6) «عجوز بنی اسد» (7) و «کبیره السن» (8) یاد شده است. از سوی دیگر تلاش شده تا دیگر همسر پیامبر صلی الله علیه و آله نورسته و غرق در دنیای کودکی و معصومیت معرفی شود که به ناگاه وارد زندگی زناشویی شده است؛ مانند روایت احمد بن حنبل از هشام بن عروه از پدرش از عایشه که او را حین بازی با کودکان گرفته و به خانه شوهر برده اند. (9) در برخی کتب، تاریخی مبالغه بسیاری برای اثبات این مطلب شده است. (10)

بی شک این گونه مطالب سست، در پدید آمدن کتاب های شیطان صفتانی چون سلمان رشدی - همان گونه که محتوای آن گواهی می دهد - بی تأثیر نبوده است. به گفته یکی از نویسندگان معاصر عرب، کسانی که در در تلاشند سن خدیجه علیها السلام را برابر سن مادر یا خاله پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کنند، سخن شرق شناسان را به زبان می آورند که ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام را دارای

ص: 147

- 1- ابن کثیر، السیره النبویه، ج 1، ص 265
- 2- همو، البدایه والنهایه، ج 5، ص 293
- 3- السیره النبویه، ج 1، ص 265
- 4- الطبقات الکبری، ج 8، ص 13.
- 5- بخاری، صحیح البخاری، ج 4، ص 231
- 6- اسحاق بن راهویه، مسند ابن راهویه، ج 2، ص 587.
- 7- خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج 12، ص 135
- 8- دولابی، الذریه الطاهره، ص 53.54
- 9- احمد بن حنبل، مسند احمد، ج 6، ص 280
- 10- الطبقات الکبری، ج 8، ص 47

انگیزه مادی معرفی می کنند. (1) اشاره او به سخن کسانی چون امیل درمنگام فرانسوی (د 1971م) است (2)

کوچک نمایی آثار وجودی حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام، پشتوانه بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و در برابر تمام ستیزه جویی، ها صادقانه از آن حضرت حمایت کردند. خدیجه علیها السلام یاور صادق پیامبر صلی الله علیه و آله و مایه آرامش دل پیامبر صلی الله علیه و آله بودند. (3) خداوند به وسیله خدیجه علیها السلام، دشواری ها را بر پیامبر صلی الله علیه و آله آسان ساخت. پیامبر صلی الله علیه و آله با شنیدن سخنان ناگوار از انکار و تکذیب، مشرکان، اندوهگین می شدند و هنگامی که [به خانه] باز می گشتند خداوند به وسیله خدیجه علیها السلام به حضرت گشایش می بخشید. خدیجه علیها السلام گام های حضرت را استوار ساخته، از رنج او می کاست و کارشکنی های مشرکان را کم اهمیت جلوه می داد. (4) او هم نشین نیکوی پیامبر صلی الله علیه و آله بود و فقدان او بر پیامبر صلی الله علیه و آله گران آمد (5) تا آن جا که بر جان حضرت رسیدند. (6)

با این همه در کتاب های تاریخی تلاش هوشمندانه ای برای کم رنگ جلوه دادن نقش ایشان و حضرت ابو طالب و مساوی نشان دادن بود و نبود این دو حامی بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله شده است. برای روشن شدن این ادعا، ناگزیر باید مقدمات و مستندات را بیان کنیم.

در مدت اقامت پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه بعد از نبوت و پیش از هجرت به مدینه (7)

ص: 148

1- ابراهیم الجمل، ام المؤمنین خدیجه، ص 99

2- بنت الشاطی، نساء النبی، ص 54.

3- ابن اسحاق، سیره ابن اسحاق، ج 5، ص 227.

4- همان، ج 2، ص 112.

5- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 110.

6- الطبقات الکبری، ج 8، ص 47.

7- طبری، تاریخ الطبری، ج 2، ص 383

و سن مبارک شان هنگام رحلت (1) اختلاف نظر وجود دارد. در برخی از گزاره ها وقوع هجرت همزمان با رحلت یا اندکی پس از رحلت این دو پشتیبان بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش شده است برای، نمونه بخاری (د 256 ق) این مطلب را از عروه بن زبیر (د 94 ق) (2) و دولابی (د 310 ق) از زهری (د 124 ق) نقل کرده است. (3) این نقل مؤید به روایات عامه و خاصه باورهای کلامی عموم مسلمانان و گواهی صحابه و تابعان بزرگ و سخن برخی از تاریخ نگاران است.

در باب روایات باید به حدیثی اشاره کرد که ابن ابی الحدید شهرت آن را میان عامه و خاصه تا زمان خود تأیید کرده (4) و نیز روایتی که به دو طریق از امام صادق علیها السلام نقل شده است. در این روایت، تأکید شده که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از رحلت ابوطالب، از جانب خداوند مأمور به هجرت به مدینه شدند. (5) در برخی از، روایات به صدور این امرالهی در شب وفات حضرت ابوطالب اشاره شده است. (6)

در خصوص گواه صحابه و تابعان نیز باید گفت عایشه (د 58 یا 57 ق)، ابن عباس انس بن مالک (د 93 ق)، سعید بن مسیب (د 94 ق) و عمرو بن دینار (د 126 ق)، مدت اقامت پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه را ده سال دانسته اند. (7) این گواه تاریخی تنها بر هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله پس از رحلت این دو حامی بزرگ منطبق است.

یکی از مؤیدات این نقل در منابع متأخر گزارش صالحی شامی (د 942 ق)

ص: 149

-
- 1- سن حضرت در هنگام رحلت را بین 65 تا 600 سال نوشته اند (الطبقات الکبری، ج 2، ص 237 - 235؛ مسعودی، مروج الذهب، ج 2، ص 383-384)
 - 2- صالحی، شامی، سبیل الهدی، ج 2، ص 434.
 - 3- دولابی الذریه الطاهره، ص 39
 - 4- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه؛ ج 14، ص 70.
 - 5- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، ص 174؛ کلینی، الکافی، ج 1، ص 440.
 - 6- علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج 35، ص 111.
 - 7- الطبقات الکبری، ج 2، ص 235؛ طبری، تاریخ طبری، ج 2، ص 384 - 383؛ ابوبکر بیهقی، دلائل النبوه، ج 2، ص 132؛ ذهبی، تاریخ الإسلام، ج 1، ص 120؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج 3، ص 4

است که هجرت به مدینه را اندکی بعد از بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله از سفر طائف ذکر می کند؛ (1) در حالی که سفر حضرت به طائف پس از رحلت ابوطالب رخ داد. (2) با عنایت به این که حضرت خدیجه علیها السلام در سال دهم بعثت، (3) و با فاصله اندکی از درگذشت ابوطالب رحلت نمود تا آن جا که برخی رحلت آن دو را در یک روز (4) دانسته اند تردیدی نیست که هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله، پس از رحلت این دو بزرگوار بوده است.

تنها مشکلی که برای پذیرش این نقل وجود دارد عدم شهرت آن است. چون آن چه از میان اقوال متعدد شهرت یافته حضور سیزده ساله پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه و سه سال پس از این دو واقعه جان گداز است (5) به روایت این منابع، حضرت پس از بازگشت از سفر طائف، به دلیل نداشتن پشتیبان به کفار مکه پناهنده شده است! (6) این قول را بلاذری (د 256 ق) از عروه بن زبیر (7) و دولابی (د 310 ق) از قتاده (د 118 ق) نقل کرده اند. (8) گواه این قول در گفتار صحابه، گفته دیگر منقول از ابن عباس و شعر صرمه بن ابی انس است. (9) مهم ترین مؤید این قول شهرت آن است.

این گزاره به رغم شهرت خود با دو چالش جدی مواجه است: نخست این که پذیرش سه سال زندگی حضرت در پناه مشرکان و رکون به ظالمان، برخلاف تأکیدات گسترده قرآن، (10) سیره حضرت و برخی روایات و سازگار با دیدگاه های حشویه درباره عصمت انبیا است. ابن جوزی (د 597 ق) که به

ص: 150

-
- 1- صالحی شامی، سبل الهدی، ج 2، ص 441-438
 - 2- ابن اثیر، اسد الغابه، ج 1، ص 26.
 - 3- بلاذری، انساب الاشراف، ج 1، ص 405
 - 4- مقریزی، امتاع الاسماع، ج 1، ص 45
 - 5- اقوال متعدد دیگری نیز وجود دارد که به شهرت این دو قول نیست.
 - 6- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 381؛ صالحی شامی، سبل الهدی، ج 2، ص 441-440
 - 7- سبل الهدی، ج 2، ص 434.
 - 8- دولابی، الذریه الطاهره، ص 39
 - 9- تاریخ طبری، ج 2، ص 385-384.
 - 10- مانند: سوره نساء آیه 97، 139 و 141 سوره هود آیه 113 سوره کهف، آیه 51 و سوره ممتحنه، آیه 8 و 9،

درستی به ناسازگاری این مطلب با عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله پی برده برای حل مشکل به دامن جبر متوسل شده و تسلیم در برابر مشیت خداوند حکیم را توصیه و شبهه کنندگان را ملحد قلیل الایمان معرفی کرده است. (1) افزون بر آن، این مطلب با باور عموم مسلمانان ناسازگار است به گواه طبری (د 310 ق) خاستگاه اختلاف دانشمندان در مدت اقامت پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه، اختلاف در به شمار آوردن یا نیاوردن مدت حضور اسرافیل است. (2) با این توضیح که از نگاه غالب تاریخ نگاران، مدت نزول وحی در مکه ده سال بوده و تنها اختلاف در این است که پیش از نزول جبرئیل، فرشته دیگری مأمور آماده سازی ایشان برای تلقی وحی بوده یا نه بنابه دیدگاه نخست مدت حضور حضرت سیزده و بنابه دیدگاه دیگر ده سال بوده است. مستند گروه نخست گزارش احمد بن حنبل (د 241 ق) از شعبی (د 103 ق) است که اسرافیل سه سال قبل از نزول وحی همدم و آموزگار پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و حضرت تنها صدای او را شنیده است. در این مدت چیزی از قرآن بر حضرت نازل نشده و پس از پایان این سه سال جبرئیل بر حضرت نازل شده است. (3)

صرف نظر از عدم حجیت کلام شعبی برای اثبات این مسأله کلامی، بسیاری از اندیشه وران این مطلب را رد کرده اند به گواه واقدی (د 207 ق)، اهل علم و سیره نویسان پیشین این قول را مردود دانسته اند. (4) هم چنین بسیاری چون: سهیلی (د 581 ق)، نووی (د 696 ق)، ابن قیم (د 751 ق) و بُلُقَینی (د 868 ق) آن را نادرست دانسته اند. (5)

از این رو پذیرش گفتار احمد بن حنبل، خواسته یا ناخواسته، موجب شهرت قول دوم و ضعف قول نخست شده است. تاریخ نگاران مشهوری چون طبری

ص: 151

1- صالحی شامی، سبل الهدی، ج 2، ص 441

2- تاریخ طبری، ج 2، ص 383 و 387.

3- همان، 386 و 387.

4- ابن سعد، طبقات الکبری، ج 1، ص 150؛ تاریخ طبری، ج 2، ص 387. 386.

5- بیهقی، دلائل النبوه، ج 2، حاشیه ص 132.

و ابن کثیر- که سه سال حضور پیامبر صلی الله علیه و آله پس از رحلت ابوطالب و خدیجه را گزارش داده اند- به پذیرش گفتار احمد بن حنبل تصریح کرده اند. (1) صالحی نیز به پذیرش گفتار امام احمد تصریح نموده و مطلبی دال بر زنده بودن حضرت ابوطالب یش از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله را به دلیل مغایرت با وجود فاصله سه ساله بین رحلت ابوطالب و هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله، غریب معرفی و آن را رد کرده است (2)

گفتار احمد بن حنبل، خواسته یا ناخواسته از اهمیت و ارزش این دو حامی فداکار پیامبر صلی الله علیه و آله کاسته و نقش واقعی آنان در حمایت از حضرت و پیشرفت اسلام را پنهان نموده است

ص: 152

1- تاریخ طبری، ج 2، ص 392؛ ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج 3، ص 4.

2- صالحی، شامی، سبل الهدی، ج 3، ص 234 و 230.

1. أجرى بغدادى، محمد بن الحسين، الشريعة، محقق: عبدالله الدميحي چاپ دوم رياض، دارالوطن، 1420 ق .
2. ابن ابى الحديد، شرح نهج البلاغه، محقق: ابراهيم محمد ابوالفضل، چاپ اول، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، 1404 ق.
3. ابن ابى شيبه خواستى، عيسى، المصنف في الاحاديث والآثار، محقق: كمال يوسف الحوت، چاپ اول، رياض، مكتبة الرشد، 1409 ق.
4. ابن ابى عاصم، الآحاد والمثاني، محقق: باسم فيصل احمد الجوابره چاپ اول، دار الدراية، 1411 ق.
5. -، السنه، محقق: ناصرالدين، آلبانى چاپ اول، بيروت، المكتب الاسلامى، 1400 ق.
6. ابن اثير جزرى، اسد الغابه في معرفه الصحابه، بيروت، دارالفكر، 1409 ق .
7. -، الكامل في التاريخ، دار صادر، بيروت، 1385 ق.
8. ابن اسحاق، سيره، محقق: محمد حميد الله معهد الدراسات والابحاث للتعريف، بى جا، بى تا.
9. ابن جماعة كنانى، المختصر الكبير في سيره الرسول صلى الله عليه وآله، محقق: سامى مكى العانى چاپ اول، عمان، دار البشير، 1993 م.
10. ابن جوزى، ابوالفرج عبد الرحمان، تلقيح فهم اهل الاثر في عيون التاريخ والسير، چاپ اول، بيروت، دار الارقم بن ابى الارقم، 1997 م.
11. -، المنتظم في تاريخ الامم والملوك، محقق: محمد و مصطفى عبد القادر عطا، چاپ اول، بيروت، دارالكتب العلميه، 1412 ق.
12. ابن حبيب بغدادى، المحبر، محقق ايلزة ليختن شتير، بيروت، دار الآفاق الجديده، بى تا
13. ابن حجر عسقلانى، الاصابه في تمييز الصحابه، محقق، عبدالموجود و

معوض، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1415 ق.

-،-، محقق علی محمد البجاوی، چاپ اول، بیروت، دارالجیل، 1412 ق.

14. ابن حنبل، ابوعبدالله احمد بن محمد، مسند احمد، بیروت، دارصادر، بی تا.

15.-، فضائل الصحابه، تحقیق: وصی الله محمد عباس، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الرساله، 1403 ق.

16. ابن راهویه اسحاق بن ابراهیم، مروزی، مسند ابوهریره، تحقیق عبدالغفور عبدالحق و حسین برد البلوسی چاپ اول، مدینه منوره، مکتبه الایمان، 1412 ق.

17. ابن سعد هاشمی، الطبقات الکبری، محقق: محمد عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1410 ق.

18. ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، چاپ اول، قم، علامه، 1379 ق.

19. ابن عبدالبر قرطبی، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، محقق: علی محمد البجاوی، چاپ اول، بیروت، دارالجیل، 1412 ق.

20. ابن عاشور، محمد طاهر بن عاشور تونسسی التحریر والتنویر، تونس، دار سخنون، 1997 م.

21. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، محقق علی شیری، بیروت، دارالفکر، 1415 ق.

22. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم دینوری، المعارف، تحقیق ثروت عکاشه، دوم، قاهره الهیئه المصریه العامه للکتاب، 1992 م.

23. ابن کثیر دمشقی، البدایه والنهایه، بیروت، دارالفکر، 1407 ق.

24.-، السیره النبویه، محقق: مصطفی عبد الواحد، بیروت، دارالمعرفه 1396 ق.

25. ابن مَدَّه محمد بن إسحاق، عبدی، معرفه الصحابه، محقق: عامر حسن، صبری چاپ اول مطبوعات جامعه الإمارات العربیه المتحده، 1426 ق.

26. ابن هشام، السیره النبویه، محقق مصطفی السقا، الایباری و شلبي

تحريف تاريخ دربارہ حضرت خديجه عليها السلام عالي

27. ابوالقاسم اصفهاني، دلائل النبوه، محقق: محمد محمد الحداد چاپ، اول، رياض دارطبيه، 1409 ق.
28. ابونعيم اصفهاني، معرفه الصحابه، تحقيق: عادل بن يوسف العزازي چاپ اول، رياض، دارالوطن، 1419 ق.
29. اسكافي ابوجعفر، تقض العثمانيه، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي، 1378 ق.
30. بخاري، محمد بن اسماعيل، التاريخ الكبير، المكتبه الإسلاميه تركيه، ديار بكر بي تا
31. -، صحيح البخاري، دارالفكر، 1401 ق.
32. بلاذري احمد بن يحيى، جمل من انساب الاشراف، محقق: سهيل زكار و رياض زركلي، چاپ اول، بيروت، دارالفكر، 1417 ق.
33. بنت الشاطي عائشه عبد الرحمان نساء النبي، بيروت، دارالكتب العربي، 1406 ق.
34. بيهقي ابوبكر، دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشريعه محقق: عبدالمعطي، قلعجي چاپ اول، بيروت دارالكتب العلميه، 1405 ق.
35. -، السنن الكبرى، چاپ اول، حيدر آباد مجلس دائرة المعارف النظاميه، 1344 ق.
36. جعفر يان رسول، تاريخ، سياسي، اسلام، چاپ ششم، قم، دليل ما، 1386 ش.
37. جلال زاده ميبدى، سيد محمد حسين، ام المؤمنين خديجه عليها السلام از ولادت تا، شهادت، چاپ دوم، قم، مشهور، 1395 ش.
38. الجمل، ابراهيم محمد حسن، ام المؤمنين خديجه بنت خويلد المثل الاعلى لنساء العالمين، قاهره دار الفضيله بي تا.
39. جميل حمود ابهي المداد في شرح مؤتمر علماء بغداد، چاپ اول، بيروت، مؤسسه الاعلمي، 1423 ق.
40. جواد على، المفصل في تاريخ العرب قبل الإسلام، چاپ چهارم، دارالساقى،

41. الجهنى، احمد حمدان سليمان اللئالى البهيه في سيره زوجه خير البريه ، چاپ اول، جده، 1431 ق.
42. حاكم نيشابورى، المستدرک على الصحيحين، محقق: يوسف عبدالرحمان، المرعشلى، بيروت، دارالمعرفه، بى تا.
43. حایرى، محمد مهدى ، شجره طوبى چاپ پنجم، نجف اشرف، المكتبه الحیدریه، 1385 ق.
44. حلبى، على بن ابراهيم السيره الحلبيه، بيروت، دارالمعرفه ، 1400 ق.
45. خطیب بغدادى، تاريخ بغداد محقق مصطفى عبدالقادر عطا، چاپ اول، بيروت، دار الكتب العلميه، 1417 ق.
46. دولابى، محمد بن احمد، الذريه الطاهره النبويه ، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، 1418 ق.
- ،-، محقق: سعد المبارک، الحسن چاپ ، اول، کویت، الدار السلفیه، 1407 ق.
47. دیاربکری حسین بن محمد، تاریخ الخمیس فی احوال انفس النفیس، بیروت، دارصادر، بى تا.
48. ذهبى شمس الدين محمد بن احمد تاريخ الاسلام محقق: عمر عبدالسلام، تدمرى چاپ، دوم، بیروت، دارالکتاب العربی، 1413 ق.
- 49.-، سیر اعلام النبلاء، محقق گروهی زیر نظر شعيب الارناؤوط، چاپ سوم، الرساله، 1405 ق.
- ،-، محقق: حسین، اسد چاپ، نهم، بیروت، الرساله، 1413 ق.
50. رازى حسنى، سيدمرتضى، تبصره العوام فى معرفه مقالات الانام، مصحح عباس اقبال آشتیانی چاپ دوم، تهران ، اساطير، 1364 ش.
51. سبط بن جوزى، تذكره الخواص من الامه في ذكر خصائص الائمة، چاپ اول، قم، شريف رضى، 1418 ق.
52. سمعانى، ابوسعید ، الانساب، محقق معلمى یمانى، چاپ اول، حیدر آباد، مجلس دائره المعارف العثمانیه، 1382 ق.

53. سورآبادى، عتيق بن محمد، تفسير سورآبادى، تحقيق على اكبر سعيدى سىرجانى چاپ اول، تهران فرهنگ نشر نو، 1380 ش.
54. سيد بن طاووس، على بن موسى الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف، محقق: على عاشور چاپ اول، قم، خيام، 1400 ق.
55. سيوطى، عبدالرحمان بن ابى بكر، تاريخ الخلفاء، تحقيق: محمد محى الدين، عبدالحميد چاپ، اول مصر مطبعه السعاده، 1371 ق.
56. سهيلى، عبدالرحمان الروض الانف في شرح السيره النبويه، چاپ اول، بيروت داراحياء التراث العربى، 1412 ق.
57. شهرستانى محمد بن عبد الكريم، الملل والنحل، تحقيق: محمد بدران چاپ سوم، قم، شريف رضى، 1364 ش.
58. شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، محقق: غفارى، على اكبر، چاپ، دوم، تهران، اسلاميه، 1395 ق.
59. -، من لا يحضره الفقيه، محقق غفارى، على اكبر چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامى، 1413 ق.
60. شيخ طوسى، محمد بن حسن الامالى، چاپ اول، قم، دار الثقافه، 1414 ق.
61. شيخ مفيد، الافصاح، بيروت، دارالمفيد، 1414 ق.
62. صالحى شامى محمد بن يوسف، سبل الهدى والرشاد في سيره خير العباد، تحقيق: عادل احمد عبد الموجود و على محمد معوض، چاپ اول، بيروت دار الكتب العلميه، 1414 ق.
63. صفدى، خليل بن ابيك، الوافي بالوفيات، محقق: احمد الارناؤوط و تركى مصطفى، بيروت، داراحياء التراث، 1420 ق.
64. طبرسى، احمد بن على، الاحتجاج على اهل اللجاج، تعليق، سيد محمد باقر خراسانى نجف اشرف دار النعمان، 1386 ق.
65. طبرى، ابوجعفر محمد بن جرير، تاريخ الامم والملوك، محقق: ابوالفضل ابراهيم چاپ، دوم، بيروت، دارالتراث، 1387 ق.

66. طبري، عمادالدين، كامل البهائي في السقيفة، چاپ اول، المكتبة الحيدريه، 1426ق.
67. طهماز عبدالحميد محمود السيده خديجه ام المؤمنين عليها السلام سباقه الخلق الى الاسلام، چاپ اول، دمشق، دار القلم، 1410 ق.
68. عاملی، جعفر مرتضى، الصحيح من سيرة النبي الأعظم، قم، دار الحديث 1426 ق.
69. عصامي، عبدالملك بن حسين، سمط النجوم العوالي في أنباء الاوائل والتوالى محقق: عادل احمد عبد الموجود - على محمد معوض، چاپ اول بيروت دارالكتب العلميه، 1419 ق.
70. علامه حلي، كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد، تعليقه: جعفر سبحان چاپ دوم، قم، مؤسسه امام صادق عليها السلام، 1382ش.
71. علامه مجلسي محمد باقر، بحار الانوار، محقق جمعی از محققان، چاپ دوم، بيروت، دار إحياء التراث العربي، 1403ق.
72. عینی محمود بن احمد، عمدة القارى، بيروت، داراحياء التراث العربى، بی تا.
73. فسوی، يعقوب بن سفيان، المعرفة والتاريخ، محقق: اكرم ضياء العمرى، چاپ دوم، بيروت، مؤسسه الرساله، 1401 ق.
74. قاضى نورالله شوشترى، احقاق الحق وازهاق الباطل، چاپ اول، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، 1409 ق.
75. قمى، على بن ابراهيم، تفسير القمى، محقق موسوى جزائرى، طيب، چاپ سوم، قم، دارالكتاب، 1404 ق.
76. كراچكى، ابوالفتح التعجب من اغلاط العامه، چاپ اول، قم، دارالغدیر 1421 ق.
77. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافي، محقق غفارى و آخوندى، چاپ چهارم دارالكتب الاسلاميه تهران، 1407 ق.
- متقى هندی، كنز العمال: تحقيق بكرى حيانى صفوه السقا، بيروت، مؤسسه الرساله، 1409 ق.
78. مجلسى، محمدتقى، لوايح صاحبقرانى (شرح فقيه)، چاپ دوم، قم،

79. مزى ، يوسف بن عبدالرحمان ، تهذيب الكمال في اسماء الرجال، محقق: بشار عواد معروف چاپ، اول، بيروت، مؤسسه الرساله، 1400 ق.

80. مسعودى، على بن حسين ، مروج الذهب و معادن الجوهر، محقق اسعد، داغر، چاپ دوم، قم، دار الهجره، 1409 ق .

81. مسلم نيشابورى، صحيح مسلم، بيروت، دارالفكر، بى تا.

82. مصعب زبيرى نسب قريش، تحقيق: ليفى بروفسال ، قاهره، دار المعارف، بى تا

83. مظفر محمدحسن، دلائل الصدق لنهج الحق، چاپ اول، قم، آل البيت عليه السلام، 1422 ق.

84. مقدسى، مطهر بن طاهر، البدء والتاريخ، مكتبه الثقافه الدينيه، بى تا.

85. مقرزى احمد بن على ، امتاع الأسماع بما للنبي من الا-حوال و الا-موال والحفدة والامتاع محقق: النميسى، چاپ اول، بيروت، دارالكتب العلميه ، 1420 ق.

86. نعيم بن حماد خزاعى مروزى كتاب الفتن محقق: سمير امين الزهيري چاپ اول، قاهره مكتبه التوحيد، 1412 ق.

87. نووى، يحيى بن شرف، تهذيب الاسماء و اللغات، تصحيح، گروهى دار الكتب العلميه، بيروت، بى تا

88. هيثمى، على بن ابى بكر، بغية الباحث عن زوائد مسند الحارث ، محقق: حسين الباكري چاپ ، اول مدينه منوره خدمه السنه والسيره النبويه ، 1413 ق .

89. يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب ، تاريخ يعقوبى، بيروت، دارصادر، بى تا.

90. يوسفى غروى، محمدهادى، موسوعة التاريخ الاسلامى، چاپ اول، قم، مجمع انديشه اسلامى، 1417 ق.

91. نرم افزارهاى مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى.

نقد و بررسی آراء کارن آرمسترانگ درباره حضرت خدیجه علیها السلام با تأکید بر کتاب زندگانی حضرت محمد صلی الله علیه و آله: هاجر رضایت

اشاره

*نقد و بررسی آراء کارن آرمسترانگ درباره حضرت خدیجه علیها السلام با تأکید بر کتاب زندگانی حضرت محمد صلی الله علیه و آله: هاجر رضایت (1)

چکیده

شرق شناس انگلیسی زبان خانم کارن آرمسترانگ، کتاب زندگی نامه پیامبر اسلام را بعد از جریان سلمان رشدی نگاشت و بعد از حادثه یازده سپتامر آن را منتشر کرد. او با بررسی تاریخ زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله، ضمن معرفی اسلام به عنوان یک دین رسمی، می کوشد موضوعات را با روش مادی گرایانه ارزیابی کند و برای گزاره‌های تاریخی نمونه‌هایی از دوران معاصر عرضه نماید.

نویسنده با بررسی گزارش‌های زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام، از تجارت و ازدواج ایشان با پیامبر صلی الله علیه و آله، شروع کرده و مطالب خود را تا رحلت حضرت ادامه داده است. علاوه بر کاستی‌هایی که در گزارش‌های تحلیلی او دیده می شود برخی از گزاره‌ها و تحلیل‌های وی نیاز به نقد و بررسی دارند.

نویسنده این نوشتار با بازشناسی روایات خانم آرمسترانگ، ضمن بررسی مصادر اصلی مورد استفاده، نویسنده نخست اثبات نموده که بر خلاف نظریه منابع تاریخ اسلام منحصر به مصادر معرفی شده در کتاب وی نیست. سپس با ارزیابی نوع گزارش‌های منتخب و استدلال‌های نویسنده عدم اثبات برخی از نظریه‌های او از جمله: خدیجه علیها السلام مشاور رسول الله صلی الله علیه و آله در امر بعثت ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام در دوران جاهلیت و همانندی حضرت خدیجه علیها السلام با زنان قرن دوازدهم در اروپا را تبیین می کند

ص: 160

حضرت خدیجه علیها السلام، کارن آرمسترانگ، بعثت، تاریخ پیامبر صلی الله علیه و آله شرق شناسان.

مقدمه

پژوهش های خاورشناسان در تاریخ پیامبر صلی الله علیه و آله و معارف اسلامی، روش و سبک های متفاوتی دارد برخی با محوریت دین پژوهی، با نگاه انتقادی به تخریب مبانی اساسی اسلام می پردازند. حوزه این دیدگاه، مباحث بنیادی و کلی است و موضوعات و گزارش های موردی از آن خارج می گردد. گروهی دیگر، پژوهش های خود را با محور الهیات پیش برده اند. این گروه با پذیرش اسلام به عنوان یک دین، رسمی به تحلیل محتوایی آن پرداخته اند. به نظر می رسد اثر خانم آرمسترانگ، زندگی نامه پیامبر اسلام از گروه دوم است، هر چند نمی توان به صورت کلی آن را از روش دین پژوهی میرا دانست.

با توجه به آن که موضوع این مقاله خاص است و تنها بخشی از کتاب یاد شده را در بر می گیرد روش آن موضوع محور است که تنها به نقد و بررسی گزارش های حضرت خدیجه علیها السلام در این کتاب می پردازد. این نوشتار ضمن بازشناسی گزاره های تاریخی و تشخیص کم و کاستی ها، به تحلیل درستی و یا نادرستی نظریه های نویسنده درباره حضرت خدیجه علیها السلام توجه دارد

گفتنی است کاری جدی درباره این موضوع صورت نگرفته است. آقای محمود مطهری نیا در کتاب شرق شناسان و نبی اعظم صلی الله علیه و آله؛ نقد و بررسی آرا پنج تن از شرق شناسان، دیدگاه های پنج نفر از شرق شناسان را در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقد و بررسی کرده است. از جمله خانم کارن آرمسترانگ. این نقد، بر مباحث کلی و بسیار مختصر صورت گرفته بنابراین موضوعات مطرح شده با موضوع این مقاله متفاوت است.

موضوع محوری، مقاله، سبب شده این نوشتار از جهت علمی و روایت شناسی با دقت نظر بیش تر موضوع را ارزیابی کند.

معرفی اجمالی کارن آرمسترانگ

*معرفی اجمالی کارن آرمسترانگ (1)

کارن از برجسته ترین صاحب نظران عرصه دینی در جهان انگلیس زبان است وی هفت سال از عمر خود را در مسلک راهبه کلیسای کاتولیک سپری کرد و سپس در سال 1969 ادبیات کلاسیک و مدرن را در دانشگاه آکسفورد خواند وی چندین برنامه تلویزیونی نیز درباره پولس رسول و تاریخ کلیسا تهیه کرد. او سپس به نوشتن کتاب هایی در زمینه اندیشه دینی روی آورد در حالی که جهان نگری او برآمده از بینش دینی مسیحی و خردباوری غربی است. وی همواره کوشیده تا به عنوان یک پژوهش گر به دین ها بنگرد به سخن دیگر، تلاش آرمسترانگ این بوده تا بنیاد مشترک دین های سامی را بیابد و میان آنان پلی بزند. (2)

برخی آثار او عبارتند از: شاهدهی برای خداوند، دوازده گام به سوی زندگانی با مهربانی، حضرت محمد صلی الله علیه و آله زندگی نامه پیامبر اسلام، تاریخ خدا باوری، از میان والا معبر باریک که زندگی نامه خود نویسنده است؛ تاریخچه ای از خدا؛ که به بیش از سی زبان ترجمه شده است؛ اسلام تاریخی کوتاه؛ کتاب بودا؛ در جستجوی خدا بنیادگرایی در آیین یهود؛ مسیحیت و اسلام؛ تاریخ اورشلیم یک شهر، سه دین؛ خداشناسی از ابراهیم تا کنون و عارفان انگلیسی قرن چهاردهم.

دیدگاه نویسنده در مورد حضرت خدیجه علیها السلام را می توان در کتاب زندگی نامه پیامبر اسلام صلی الله علیها (3) و آله یافت این کتاب در ده فصل تنظیم شده است که عبارتند از: 1. محمد، دشمن؛ 2. محمد، انسان الهی؛ 3. جاهلیت؛ 4. وحی؛ 5. بشات دهنده؛ 6. آیه های شیطانی؛ 7. هجرت؛ 8. جنگ مقدس؛ 9. صلح مقدس؛ 10. وفات پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: 162

gnortsmrA neraK -1

2- نک: کارن آرمسترانگ، محمد صلی الله علیه و آله زندگی نامه پیامبر اسلام ترجمه: کیانوش حشمتی؛ محمود مطهری نیا مستشرقان و نبی اعظم، ص 57

3- MUHAMMAD A Biography of prophet.

نویسنده در فصل چهارم در ذیل عنوان وحی بعد از نقل ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله و جریان سفر آن حضرت به شام با بیان ازدواج ایشان با حضرت خدیجه علیها السلام گزارش هایی از زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام نقل کرده است. کتاب زندگانی محمد صلی الله علیه و آله با ترجمه کیانوش حشمتی، نخستین بار در سال 1383 در تهران در انتشارات حکمت به چاپ رسید. این نوشتار برگرفته از ترجمه مذکور است. کتاب در زمان درگیری غرب با ماجرای سلمان رشدی نوشته شده، ولی زمان انتشار آن بعد از واقعه یازدهم سپتامبر است. نویسنده انگیزه خود از نوشتن این کتاب را دفاع از اسلام و روشن کردن ذهن مسیحیان غربی نسبت به شخصیت نورانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بیان می کند که پس از انتشار کتاب آیات شیطانی سلمان رشدی در غرب دچار ابهام شده بود. (1) وی در مقدمه کتاب می نویسد:

من این کتاب را به این علت نوشتم که در واقع افسوس می خوردم که سیمای [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله برای مردم غرب فقط تصویری باشد که کتاب رشدی ارائه می دهد... من [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله را یکی از نوادر تاریخ بشریت یافته بودم». (2)

وی به سبب نوشتن این کتاب در سال 1999 مفتح به دریافت جایزه رسانه شورای امور عمومی مسلمانان گردید این کتاب از پرفروش ترین کتاب های سال امریکا پس از حادثه یازده سپتامبر در اروپاست. نوشتار پیش رو در دو بخش تقدیم می گردد: بخش اول نقد ساختاری مطالب ایشان درباره حضرت خدیجه علیها السلام و بخش دوم نقد محتوایی مطالب است.

نخست. نقد ساختاری

روشن است که نوشته های خانم آرمسترانگ نسبت به کتاب های

ص: 163

1- نک: کارن آرمسترانگ، همان، ص 11-18

2- همان، ص 12

شرق شناسانی مانند گلدزیهر (1) و شاخت (2) که با روش دین پژوهی، درصدد تخریب افکار اسلام شناسانه هستند، با دیدگاه منصفانه تری ارائه شده است. مطالب درست و ارزشمند زیادی در این کتاب می توان یافت و نکات فراوانی نیز وجود دارد که باید تحلیل و بررسی دارد. نویسنده سعی دارد که قضایا را با دید مادی گرایانه تحلیل کند و با استدلال تجربی به اثبات آن ها بپردازد. برای نمونه، او «تحنث» (3) را وسیله تقویت فکر می داند که این قدرت را به انسان می دهد تا فکرش را به ماورای طبیعت گسترش دهد. او این کار را نوعی تمرین برای رسیدن به این مرحله می داند (ص 119) به نظر می رسد نویسنده تمایل دارد که برای گزارش های صدر اسلام نمونه های امروزی نشان دهد برای مثال وقتی از فعالیت تجاری حضرت خدیجه علیها السلام می گوید ایشان را با زنان قرن دوازده اروپا مقایسه می کند و می نویسد:

در اروپای قرن دوازدهم هم ما زنان زیادی را در مشاغل تجاری بانکی و فروشگاه ها می دیدیم که بسیار موفق عمل می کردند. خدیجه نیز همانند آن ها، ولی از مکه بود. (ص 114)

مهم ترین منابعی که وی در کتاب خود از آن ها استفاده کرده است عبارتند از: تاریخ های طبری واقدی، ابن اسحاق و ابن سعد. او این چهار کتاب را منبع اصلی برای دریافت اطلاعات تاریخ اسلام در نوشته های خود معرفی می کند.

ص: 164

1- ایگناس گلدزیهر (1921م) شرق شناس یهودی الاصل که آثار متعددی درباره اسلام دارد. او در دشمنی با اسلام شهره است و در یکی از آثارش به زبان عربی با عنوان العقیده والشریعه بی الاسلام ترجمه شده درباره اسلام نظریاتی مغرضانه و دور از واقعیت مطرح کرده است. نک: مهدی پیشوایی، «نقد دیدگاه گلدزیهر درباره آگاهی پیامبر صلی الله علیه و آله از جاودانگی جهان شمولی»، مجله: تاریخ اسلام در آینه پژوهش، سال سوم، شماره سوم پاییز 1385

2- یوزف شاخت همه احادیث فقهی منتسب به پیامبر صلی الله علیه و آله را ساختگی می داند و قائل است که آن ها در اواسط قرن سوم هجری بعد از زمان، شافعی توسط نظریه پردازان مکاتب فقهی متأخر پدید آمده اند. فروغ، پارسا، حدیث در نگاه خاورشناسان بررسی و تحلیل مطالعات حدیث شناختی هارلد موتسکی، ص 3.

3- تحنث از کلمه حنث گرفته شده و حنث به معنای گناه است ولی تحنث به مفهوم دوری از گناه است. هم چنین به معنای عبادت و دوری از بتها گفته شده است؛ (ابن منظور، لسان العرب، ج 2، ص 138، العین، ج 3، ص 206) در اصطلاح به عبادت پیامبر صلی الله علیه و آله در غار حرا تحنث می گویند؛ البته برخی این حالت را مختص رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی دانند و قائلند افراد دیگری از بزرگان قریش نیز به تحنث می پرداختند (رسول جعفریان، تاریخ اسلام، ج 1، ص 225).

این مورخان نیز تنها بر عقاید و اندیشه های خود تکیه ننموده اند بلکه با تلاش فراوان نقل قول های قدیمی را بازسازی کرده اند. (ص 66)

در حالی که منابع تاریخ صدر اسلام به این کتاب ها منحصر نیست. محدود کردن منابع تاریخی به کتب اهل سنت و نقل روایات تاریخی بدون نقد و ارزیابی آن ها از درجه اعتبار و ارزش علمی نوشته می. کاهد روشن است که برای طرح هر نظریه، باید آن را در بستری کامل از علوم مرتبط قرار داد تا ثمره واقع بینانه استنتاج گردد. قرآن مهم ترین منبع برای شناسایی وقایع صدر اسلام است کسی که با تفسیر و ابزارهای فهم قرآن آشنا باشد، می تواند دروغ پردازی های موجود در برخی از منابع را تشخیص دهد و یا از معیارهای قرآن برای درستی و نادرستی حوادث صدر اسلام استفاده کند. با این که نویسندگان به استفاده از قرآن اعتقاد دارد در نوشته هایش این بهره وری بسیار کم است. برای مثال می توان در جریان وحی و بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و آگاهی و یا ناآگاهی رسول خدا صلی الله علیه و آله از بعثت از قرآن کریم استفاده نمود. (1)

در موضوع مورد بحث شش روایت از ابن اسحاق نقل شده در حالی که اکثر روایات او خصوصاً روایات قبل از بعثت، وی مرسل (2) هستند و بدون ارزیابی آن ها نمی توان بر آن ها تکیه کرد. منبع دیگر تاریخ طبری است که در یک جا از آن نام می برد گزارش های طبری نیز بدون ارزیابی قابل استفاده نیستند. روش نویسندگان در ارجاع مطالب مشخص نیست؛ نام منبع برخی مطالب مشخصاً در پی نوشت آمده و گاهی نیز نام کتاب در متن ذکر شده است. در موارد زیادی، مطالب بدون ارجاع بیان شده اند که به نظر می رسد برداشت های خود نویسندگان از تاریخ باشد. (ص 119)

ص: 165

1- محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج 2، ص 201؛ العروسی الحویزی، تفسیر نور الثقلین، ج 2، ص 478
2- مرسل به حدیثی گفته می شود که در سند آن راوی حذف شده باشد به عبارتی دیگر روایت متصل به ناقل نباشد. الشریف المرتضی، رسائل المرتضی، ج 2، ص 282

دوران زندگی مشترک پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام از دوران های مهم تاریخ اسلام است و حضرت خدیجه علیها السلام در تاریخ صدر رسالت نقش زیادی داشتند. در بررسی به عمل آمده در عناوین و موضوعات مطرح در کتاب زندگی نامه محمد صلی الله علیه و آله، کم و کاستی های زیادی به چشم می خورد. بی توجهی، به مناقب و فضایل حضرت خدیجه علیها السلام که در بسیاری از کتاب های تاریخی و روایی وجود دارد سبب می شود که نقش ایشان در حوادث صدر اسلام به خوبی تبیین نگردد و یا دچار انحراف شود.

1. موقعیت و شرافت حضرت خدیجه علیها السلام در دوران جاهلیت

آرمسترانگ وقتی به بیان وقایع تاریخی دوران پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام می رسد، ازدواج خدیجه علیها السلام با حضرت را با نقل جریان تجارت به شام آغاز می کند و در مورد موقعیت شرافت و عظمت حضرت خدیجه علیها السلام در دوران جاهلی و بعد از آن که او را ممتاز نموده سخنی به میان نمی آورد. ایشان دارای القابی بودند که نشان دهنده برجسته بودن ایشان در میان زنان عصر جاهلی است؛ از جمله: «طاهره قریش»، (1) «کبری»، (2) «سیده نساء قریش» (3) این، القاب به دلیل پرهیزکاری و شأن و مقام در دوران قبل از اسلام به ایشان داده شده است.

2. خدیجه سرور زنان عالم

بعد از اسلام پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان لقب «سیده نساء العالمین» (4) دادند و بارها او را با عبارات مختلف از جمله چهار زن برتر دو جهان و بهشت و امت

ص: 166

1- ابن سعد، طبقات الکبری، ج 8، ص 12.

2- ابن اثیر، اسد الغابه، ج 6، ص 78؛ البدایه والنهایه، ج 5، ص 329؛ مجمع الزوائد، ج 9، ص 218.

3- السیره الحلبیه، ج 1، ص 224

4- ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 2، ص 1821

خواندند پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

سرور زنان هر دو جهان مریم است سپس، فاطمه، بعد خدیجه و سپس آسیه. (1)

در جای دیگر می فرماید:

همانا چهار نفر برترین زنان اهل بهشتند: خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد، مریم دختر عمران آسیه دختر مزاحم و همسر فرعون.

(2)

در جای دیگر از ایشان به عنوان بهترین زنان امت یاد شده است. (3)

3. سلام خداوند به حضرت خدیجه علیها السلام

یکی از فضیلتی که حضرت خدیجه علیها السلام کسب کرد و کمتر کسی به آن نائل شده، آن است که خداوند به ایشان سلام رساند انس

روایت کرده که جبرئیل نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: «خداوند بر خدیجه سلام می رساند!» (4)

4. بشارت بهشت به حضرت خدیجه علیها السلام

پیامبر صلی الله علیه و آله در چند مورد به حضرت خدیجه علیها السلام وعده بهشت داده اند این موضوع در صحیحین از عایشه نقل شده

است. (5)

ب) تحلیل برخی از گزارش ها

در ادامه به نقد و بررسی گزارشی هایی پرداخته می شود که با برخی از مبانی دینی و دیگر گزارش های تاریخی هم خوانی ندارند:

1. خدیجه علیها السلام تنها همسر پیامبر صلی الله علیه و آله تا سال دهم بعثت

نویسنده با استناد به تک همسری رسول خدا صلی الله علیه و آله در دوران حضرت

ص: 167

1- همان

2- ابن اثیر، اسد الغابه، ج 7، ص 83؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج 8، ص 101.

3- ابن اثیر، اسد الغابه، ج 7، ص 83.

4- مسلم بن حجاج القرشیری نیشابوری، الصحیح، ص 261؛ محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح، ج 4، ص 231

5- احمد بن شعیب نسائی، فضائل الصحابه، ص 75

خدیجه علیها السلام، به نقد دیدگاه های نویسندگان غربی درباره تعدد زوجات نبی صلی الله علیه و اله پرداخته می نویسد:

اگر چه [حضرت] محمد صلی الله علیه و اله به زنان اشتیاق نشان می داد هرگز تا زمانی که خدیجه زنده بود تصور چند زن داشتن را که از کارهای عادی اعراب به شمار می رفت به خود راه نداد همین نکته پاسخی است به غریبان که از ایشان به سبب داشتن چند زن انتقاد می کنند. (ص 116)

به نظر می رسد گاهی تناقضاتی در متن وجود دارد که خواننده را دچار سردرگمی می کند. وی در جایی دنبال پاسخ گویی انتقادات به غریبان درباره تعدد همسران پیامبر صلی الله علیه و آله است و می خواهد حضرت را از تهمت «تمایل به زنان و شهوت رانی» مبرا سازد و این در حالی که با جملاتی مانند: «اگر چه محمد صلی الله علیه و آله به زنان اشتیاق نشان می داد...» (ص 116) کلام خود را نقض می کند.

بی شک پیامبر صلی الله علیه و آله برای حضرت خدیجه علیها السلام احترام ویژه ای قائل بودند و اگر گفته شود تک همسری نوعی عزت و احترام به همسر است و پیامبر صلی الله علیه و آله به جهت اکرام حضرت خدیجه علیها السلام در دوران حیات ایشان همسر دیگری اختیار نکردند، توجه به این نکته هم ضروری است که آن چه سبب ازدواج های حضرت بعد از رحلت خدیجه علیها السلام شد، عوامل سیاسی - اجتماعی بود که تا قبل از سال ده هجری وجود نداشت، نویسنده در تحلیل تعدد همسران نبی به این نکته توجه نکرده است. (ص 219) بنابراین پیامبر صلی الله علیه و آله در هیچ زمانی اشتیاق به زنان نداشته اند تا با این استدلال بخواهیم ایشان را تبرئه نماییم. نویسنده می خواهد بر بی میلی پیامبر صلی الله علیه و آله به زنان استدلال بیاورد ولی با چیش مطالب کلام خود را نقض می کند

2. ستایش حضرت خدیجه علیها السلام در سیره پیامبر

شناختن ویژگی های اخلاقی و شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله، گاهی سبب قضاوت های نادرست در آثار خاورشناسان گردیده است. آرمسترانگ در مورد

محبت پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام می نویسد:

... پس از مرگ خدیجه هم [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله با ستایش همیشگی او عصبانیت سایر زنان خود را بر می انگیخت. (ص 116)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دوران زندگانی با حضرت خدیجه علیها السلام، احترام خاصی برای او قائل بودند و حتی بعد از رحلت خدیجه علیها السلام او را زیاد یاد می کردند و ستایش می نمودند، توجه به خدیجه علیها السلام با هدف ناراحت کردن دیگر زنان نبود بلکه به جهت زحمات و رنج هایی بود که خدیجه علیها السلام در راه اسلام، به عنوان یک همراه و دوست برای ترویج اسلام کشیدند نخستین کسی که به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد، حضرت خدیجه علیها السلام بود که او را از مصادیق «سابقون» در قرآن کریم قرار داد. (1) زمانی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مکه دعوت علنی خود را آغاز نمودند و تمام مکه با حضرت دشمنی می کردند، حضرت خدیجه علیها السلام در کنار علی بن ابی طالب از پیامبر حمایت می نمودند او تمام اموال و سرمایه تجاری خود را در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد اگر آن حمایت مالی نبود، پیامبر صلی الله علیه و آله دچار سختی های زیادی می شدند او در شعب ابی طالب کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و سختی های آن را متحمل گردید. (2) عایشه نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره از خدیجه علیها السلام یاد می کردند که این غیرت و حسادت او را بر می انگیخت. وقتی اعتراض کرد که «مگر نه آن که خدیجه پیرزنی بود که درگذشت و خداوند بهتر او را نصیب تو کرده است؟» مشاهده کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله به شدت خشمگین شدند و چهره برافروختند به گونه ای که مانند آن را فقط در زمان نزول وحی دیده بود. آن گاه فرمودند:

نه به خدا قسم! هرگز خداوند بهتر از خدیجه علیها السلام را به من نداده است. او زمانی به من ایمان آورد که مردم به من کفر می ورزیدند؛ و زمانی مرا تصدیق کرد که مردم مرا تکذیب می کردند و زمانی با اموالش مرا حمایت کرد که مردم مرا تحریم کرده بودند خداوند از او فرزندان به من روزی کرد، در

ص: 169

1- سوره واقعه، آیه 10.

2- نک: الاصابه، ج 8، ص 103

حالی که از همسران دیگر فرزندی ندارم (1)

این ها از نمونه موارد خدمات و زحماتی است که دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله فاقد آن ها بودند. آن ها زمانی در کنار حضرت قرار گرفتند که پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه دارای زندگی نسبتاً آرامی بودند سختی هایی که خدیجه علیها السلام متحمل گردید و زحمات او سبب شد که نه تنها از زنان دیگر بلکه از خیلی از مردان نیز در نزد خداوند و رسولش عزیزتر گردد. پیامبر صلی الله علیه و آله در رفتار با همسرانش تفاوتی قائل نبودند و با همه آن ها با عدالت رفتار می کردند نه تنها با عایشه، بلکه با همه با مهربانی و عطوفت برخورد می نمودند و اسوه و الگوی رحمت و عدالت بودند. خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را الگوی نیکی و خوبی معرفی کرده در سوره تحریم می فرماید: (وَلَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ) (2) در ذیل آیه 58 سوره توبه ، پیامبر صلی الله علیه و آله در جواب منافقین می فرماید:

وای بر شما اگر من به عدالت رفتار نکنم چه کسی می خواهد بعد من به عدالت رفتار کند». (3)

3. ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام

نویسنده تصریح می کند که حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله ، دو مرتبه ازدواج کرده بود و فرزندان زیادی داشت (ص 114). در منابع اسلامی درباره این موضوع تردید وجود دارد و دلایلی آن را رد می کند: ابن شهر آشوب می نویسد:

پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کرد در حالی که او عذرا (دوشیزه) بود. (4)

حضرت خدیجه علیها السلام خواستگاران زیادی داشت بزرگان، اشراف و شخصیت های

ص: 170

1- اسد الغابه، ج 7، ص 84؛ الاستیعاب، ج 4، ص 384.

2- سوره احزاب آیه 21

3- احمد بن علی نسائی ، تفسیر نسائی، ج 1، ص 545؛ نصر بن محمد سمرقندی ، تفسیر السمرقندی المسمی حر العلوم، ج 2، ص 67.

4- «ان النبی تزوج به و کانت عذراء». محمد بن علی بن شهر آشوب، المناقب، ج 1، ص 159.

زیادی از قریش به خواستگاری او آمدند (1) ولی به همه جواب رد می داد. اگر او دو مرتبه ازدواج کرده بود و فرزندان زیادی داشت نمی توان تصور کرد که چنین مورد توجه بزرگان بوده باشد. نکته مهم دیگر تناقض و تعارض هایی است که در روایات مربوط به ازدواج خدیجه علیها السلام دیده می شود که علامه جعفر مرتضی مفصل به آن پرداخته است. نام ابوهاله در این روایات، گاهی نباش بن زراره و یا زراره بن نباش و گاهی هند و در مواردی مالک گفته شده است. این سؤال مطرح می شود که آیا او صحابی بوده یا نه؟ هند پسر بوده یا دختر؟ این موارد، از اختلافاتی است که به روشنی در این نقل ها وجود دارد. (2) نکته دیگر در این، گزارش فرزندان زیادی است که از همسران قبلی به خدیجه علیها السلام نسبت داده می شود. اولاً در منابع، تعداد فرزندان بیش از دو نفر نقل نشده است. ثانیاً علامه جعفر مرتضی شواهد و قراینی آورده که ثابت می کند آنان فرزندان خواهر حضرت خدیجه بوده اند که به علت فوت خواهرشان تحت تکلف او قرار گرفتند. (3)

خانم آرمسترانگ در مورد سن خدیجه علیها السلام در هنگام ازدواج تردید ایجاد می کند و می نویسد:

... در این زمان خدیجه چهل ساله بود ولی از آن جا که توانسته شش فرزند برای محمد بیاورد، باید او را جوان تر تصور کرد (ص 115).

این تحلیل نویسنده از سن حضرت خدیجه علیها السلام، می تواند تقویت کننده روایاتی باشد که سن حضرت را کم تر از چهل سال بیان کرده اند. (4)

4. نقش حضرت خدیجه در رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: 171

- 1- «کل شریف من قریش یتمنی ان یتزوجها». (ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج 8، ص 101؛ جعفر مرتضی عاملی، بنات الرسول صلی الله علیه و آله ام ربائبه، ص 91).
- 2- علی بن محمد ابی القاسم کوفی، الاستغاثه فی بدع الثلاثه، ص 114؛ جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی، ج 1 (جزء اول)، ص 122.
- 3- جعفر مرتضی عاملی در مورد ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام و فرزندان او مفصل بحث کرده است. نک: بنات الرسول صلی الله علیه و آله ام ربائبه، ص 85
- 4- عبد الملک بن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 198؛ محمد بن احمد ذهبی، سیر اعلام النبلا، ج 2، ص

حضرت خدیجه علیها السلام از ابتدای بعثت در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و یاور ایشان بودند. نویسنده جریان وحی را چنین نقل می کند:

[حضرت] محمد در شب هفدهم ماه رمضان سال 610 در بالای کوه، همانند موسی علیه السلام خدای خود را ملاقات کرد و پس از ملاقات با پیک الهی وحشت زده شد و ناگهان از رؤیا بیرون آمد و تصور کرد که به کاهن جن زده تبدیل شده و اشباح او را تسخیر کرده اند. دیگر نمی خواست زنده بماند... (ص 119) [حضرت] محمد سریعاً نزد خدیجه بازگشت. خدیجه با دلواپسی خاصی می خواست او را آرام سازد به او گفت: «مطمئن باش که خداوند چنین روش مستبدانه و غیر منطقی را برای الهام وحی برای خود انتخاب نمی کند. تو در تمام زندگی با خداوند دوستانه برخورد کرده ای و او هم در مقابل نخواهد گذاشت که تو شکست بخوری...» (ص 122) و خدیجه ناچار سراغ ورقه رفت ورقه که در ابلاغ پیامبری به آن حضرت شک نداشت بلافاصله با هیجان فریاد کشید که «مقدسا، مقدسا! بزرگ ترین ناموس که بر موسی ظاهر شد بر او نیز ظاهر شده است». (ص 119 و 122 - 123)

در این متن به چند نکته باید توجه شود:

1-4-رسالت و وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله در عالم خواب

این روایت با روایت مشهور از عروه بن زبیر که بعثت و دریافت وحی را در بیداری می داند در تعارض است در آن جا بیان شده که ملاقات پیامبر صلی الله علیه و آله با جبرائیل در بیداری اتفاق افتاده است. (1) از سوی دیگر ورود جبرائیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله - به دفعات- در عالم بیداری طی مدت عمر پیامبر صلی الله علیه و آله به صراحت در منابع بیان شده است. به نظر می رسد با توجه به این نکته و مشکلات دیگری که این روایت دارد نمی توان پذیرفت بدء الوحی پیامبر در رؤیا صورت گرفته است.

2-4-بی اطلاعی پیامبر صلی الله علیه و آله از رسالت

ص: 172

1- تک: محمدرضا هدایت پناه، زبیریان و تدوین سیره نبوی، ص 165.

بی اطلاعی از نبوت، با مبانی قرآنی و روایی اسلام تنافی دارد. خداوند در قرآن می فرماید: (قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي)؛ (1) و (إِنِّي عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي) (2) و (آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ...) (3) این آیات شریفه بر آگاهی رسول خدا صلی الله علیه و آله از رسالت خویش صراحت دارند.

بر اساس منابع روایی زراره از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: «چگونه رسول خدا نمی ترسد که آن چه به سوی او می آید از جانب شیطان باشد نه از جانب خدا؟» حضرت فرمود:

وقتی بنده ای را رسول خودش قرار می دهد بر او سکینه و وقار را نازل می کند به طوری که کسی از طرف خدا به سوی او می آید. (4)
علامه طبرسی در این باره می گوید:

خداوند جز با دلایل آشکار و نشانه های روشن به پیامبر صلی الله علیه و آله وحی نمی کند؛ به طوری که رسولش مطمئن است که آن چه بر او وحی می شود از ناحیه خداوند است. (5)

در نتیجه این روایت با قرآن و روایات دیگر در تناقض است. ناآگاهی پیامبر صلی الله علیه و آله از وحی با مبانی عقلی سازگار نیست کسی که رهبری امت را به عهده می گیرد، نمی شود خود مطلع از این رسالت بزرگ آگاه نباشد و افرادی از بیرون به او اطمینان دهند. از حکمت خداوند به دور است که رسولش را رها کند و خود اطمینان دهنده به او نباشد.

از سوی دیگر، هویت ورقه بن نوفل در منابع نامشخص است بر اساس منابع

ص: 173

1- سوره یوسف، آیه 108.

2- سوره انعام، آیه 2.

3- سوره بقره، آیه 285

4- محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج 2، ص 201؛ العروسی الحویزی، تفسیر نور الثقلین، ج 2، ص 478

5- طبرسی، مجمع البیان، ج 3، ص 271؛ نک: معرفت، التمهید، ج 1، ص 56-58.

اهل سنت او در تاریخ جاهلیت از دنیا رفته است. (1) اگر ورقه پیامبر صلی الله علیه و آله را تصدیق کرده و رسالت حضرت را تبریک گفته چرا در منابع تاریخی نام او جزو مسلمانان صدر اسلام بیان نشده است؟ این گونه اشکالات، روایت را تضعیف و آن را از درجه اعتبار ساقط می کند.

3-4- ترس پیامبر از جن زدگی

همان گونه که در قسمت قبل بیان شد، این گونه گزارش ها با مبانی عقلی، قرآنی و روایی متناقض هستند و پذیرش آن ها از یک تاریخ نگار، نشانه ناآگاهی و بی مهارتی وی در منابع اسلامی است

4-4- معرفی حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان مشاور پیامبر صلی الله علیه و آله

نویسنده تبیین درستی از حمایت های حضرت خدیجه علیها السلام در تبلیغ دین نکرده است. او با استفاده از برخی روایات ضعیف و جعلی، جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله را تضعیف می کند. او پیامبر صلی الله علیه و آله را شخصی فاقد اراده معرفی کرده که قدرت تصمیم گیری ندارد شخصیتی که در برابر سختی ها به پشتیبانی حضرت خدیجه علیها السلام نیاز دارد. او می نویسد:

تمامی منابع از اتکاء خارج از تصور [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله بر خدیجه در زمان های بحران خبر می دهند. (ص 122)

در جای دیگر چنین آورده است:

خدیجه تنها یک همسر مهربان و آرام بخش نبود؛ او مشاور روحی محمد صلی الله علیه و آله نیز محسوب می شد. (ص 122)

نویسنده تأثیر رحل حضرت خدیجه علیها السلام را در زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشبرد اهدافش زیربنایی می داند و می نویسد:

او نزدیک ترین یار و غم خوار [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله بود و پس از مرگش هیچ کس نمی توانست جایگزین او باشد... و این موضوع بر زندگانی [حضرت] محمد به طور زیربنایی اثر گذاشت. (ص 201)

ص: 174

در جریان سفر به طائف می نویسد:

جای خدیجه بسیار خالی بود که در این لحظات تنهایی او را درک می کرد و به او دلداری می داد و برای ادامه راه به تشویق و نصیحت او می پرداخت. (ص 206)

و در جای دیگر نوشته است:

در آغاز سال 619 مرگ خدیجه تثبیت موقعیت [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله را در مکه ناممکن ساخت. (ص 198)

هیچ کس از او عزیزتر بر من نخواهد بود؛ زمانی که همه مرا رها کردند تنها او از من حمایت می نمود (ص 312)

حضرت خدیجه علیها السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار عزیز بود و پیامبر صلی الله علیه و آله از خدمات و زحمات او زیاد یاد می کردند ولی این دلیل نمی شود که او را مشاور حضرت بخوانیم یا نصیحت گر پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی نماییم. این سخن علاوه بر آن که دلیل محکمی ندارد با آیات قرآن و مبانی کلامی شیعه که برگرفته از منابع اصیل اسلامی است سازگاری ندارد

همان گونه که در نقد ساختاری اشاره شد این روایت مرسل است. روایت مرسل قابل اعتماد نیست

5. مدیریت تجاری حضرت خدیجه علیها السلام

کارن در مورد موقعیت حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج چنین آورده است:

زندگی شهری به بعضی از زنان اجازه فعالیت های تجاری را داده بود. در اروپای قرن دوازدهم نیز زنان زیادی را در مشاغل تجاری بانکی و فروشگاه ها می دیدم که بسیار موفق عمل می کردند. خدیجه نیز همانند آن ها ولی از مکه بود. (ص 114)

حضرت خدیجه علیها السلام در این گزارش به زنان اروپایی قرن دوازدهم اروپا تشبیه شده، در حالی که نویسنده معاصر است و در دوران حاضر بیش تر زنان در

ص: 175

عرصه اجتماعی بسیار موفق هستند به نظر می رسد نویسنده مقصد خاصی را دنبال می کند بنابراین لازم است به وضعیت اقتصادی زن اروپایی در این قرن توجه شود.

وضعیت اقتصادی بعد از قرن دوازده و سیزده در اثر رشد سریع صنایع دستی و رونق بازار تجارت مقدمات جنبش، عملی فکری و صنعتی اروپاییان را فراهم کرد (1) در این بازار تجارت به صنعتگران اجازه می دادند زنان و دختران خود را استخدام کنند؛ آن ها را به عضویت صنف در آورند، اصنافی که متشکل از هر دو جنس (زن و مرد) بودند زنان به ندرت به مقامات استادکاری می رسیدند و برای کار مساوی دستمزدشان از مردان کم تر بود. (2)

زنان طبقات متوسط در این دوران با لباس های فاخر ثروت شوهران خویش را به رخ دیگران می کشیدند و با شور تمام در اعیاد مذهبی و جشن و سرورهای اجتماعی شهرها شرکت می کردند بانوان طبقه اشراف با سهم شدن در مسئولیت های شوهران و معاشرت با شهسواران به چنان مقام و درجه اجتماعی نائل آمدند که نظیرش را هرگز ندیده بودند. (3)

ادبیات این عهد مالا مال از اسناد و مدارکی است درباره زن هایی که شوهران شان را مطیع خود ساخته اند. (4)

چند نکته در این گزارش وجود دارد:

1. استخدام زنان با حقوق ناچیز؛

2. تفاخر زنان به وسیله ثروت همسران شان؛

3. موفقیت زنان در مطیع کردن همسران شان.

حضرت خدیجه علیها السلام دارای کاروان های تجارته بود. او مردان پاک و شریف و امانت دار را استخدام می کرد و به شهرهای شام برای تجارت می فرستاد.

ص: 176

1- عباسقلی غفاری نژاد، تاریخ اروپا از آغاز تا قرن بیستم، ص 221

2- دورانت، ویلیام جیمز تاریخ تمدن (عصر ایمان)، ج 2/4، ص 1112

3- همان، ص 1113.

4- همان

استخدام مردان به صورت اجاره و تعیین از سهمی از معامله برای آنان بود. (1) او مانند زنان اروپایی در استخدام کسی نبود. اولاً همان گونه که مطرح گردید، حضرت خدیجه علیها السلام خانمی تاجر پیشه و صاحب کاروان های تجارتي بود و مانند زنان اروپایی در استخدام دیگران نبود.

به نظر می رسد نویسنده با زیرکی ثروت حضرت خدیجه علیها السلام را ثمره ازدواج های قبلی آن حضرت بیان می کند. گر چه برخی از تاریخ نگاران، به این موضوع نیز اشاره کرده اند در اصل این جریان تشکیک وجود دارد؛ زیرا بیش تر تاریخ نگاران قدیمی ثروت حضرت را ثمره تجارت و تلاش خود حضرت دانسته اند. (2)

نویسنده می کوشد، پیامبر صلی الله علیه و آله را مطیع امر حضرت خدیجه علیها السلام معرفی کند که در این مقاله مفصل بحث شد و علت چنین دیدگاهی حدسیات و تحلیلات ذهنی وی است. (3)

6. ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله

با این که نویسنده در تحلیل زمان ازدواج خدیجه با پیامبر صلی الله علیه و آله می نویسد: «با توجه به آن که [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله شش فرزند داشت باید سن او کم تر بوده باشد» (ص 102) در این جا حضرت خدیجه را زنی مسن و بیوه معرفی می کند، همان گونه که بیان شد در مورد ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام، قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله اختلاف نظر وجود دارد و برخی به شدت آن را رد می کنند. (4) خانم آرمسترانگ در این مورد می نویسد:

با این که مسأله ازدواج با زنان مسن و بیوه خیلی پیچیده نبود و عملی عادی محسوب می شد در مورد [حضرت] محمد چنین وانمود شده که

ص: 177

-
- 1- اسد الغابه في معرفة الصحابة، ج 1، ص 16؛ ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج 1، ص 17؛ ابن هشام، السيرة النبوية، ج 1، ص 199؛ محسن امین، اعیان الشیعه، ج 1، ص 220
 - 2- طبقات الكبرى، ج 10، ص 17؛ السيرة النبوية، ج 1، ص 199.
 - 3- نک: همین، مقاله قسمت نقش حضرت خدیجه علیها السلام ای در رسالت.
 - 4- نک: همین مقاله قسمت ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام

ازدواج های او جنبه خودخواهی برای رسیدن به اهداف جاه طلبانه داشته است. (ص 115)

در ادامه می نویسد:

حتی ماکسیم رودنسون (1) در زندگی نامه محمد صلی الله علیه و آله با احساس هم دردی می نویسد: «این ازدواج هم از لحاظ جنسی و هم از لحاظ احساسی باید برای [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله بسیار خسته کننده بوده باشد» (ص 115) این ازدواج جنبه راحت طلبی هم نداشت [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله بخش عظیمی از ثروت خدیجه را صرف مستمندان و فقرا کرد تا جایی که خانواده او در مشقت نسبی به سر می بردند (ص 116)

عشق پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام حتی پس از درگذشت او و علاقه زیاد پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان که بعد از رحلت او توجه و محبت به نزدیکان خدیجه علیها السلام و فرزندش حضرت زهرا علیها السلام تجلی می کند خلاف این گفته را تأیید می نماید.

7. فرزندان پیامبر از حضرت خدیجه علیها السلام

نویسنده فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را شش نفر بیان می کند؛ دو پسر به نام های قاسم و عبدالله که هر دو در نوزادی فوت کردند و چهار دختر به نام های، زینب، رقیه، ام کلثوم، و فاطمه علیها السلام. (ص 104).

تاریخ نگاران در مورد فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله متفق القول نیستند. برخی فرزندان حضرت را چنین شمرده اند، قاسم عبد الله و ام کلثوم و فاطمه علیها السلام؛ و دو دختر دیگر یعنی زینب و رقیه را دختران جحش به شمار می آورند و آن ها را «ربائب» پیامبر صلی الله علیه و آله و می دانند. (2) افرادی نیز تنها حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کرده و سه دختر دیگر را ربائب آن حضرت دانسته اند. (3)

8. رحلت حضرت خدیجه علیها السلام

ص: 178

1- Maxime Rodinson.

2- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 159؛ اعیان الشیعه، ج 6، ص 309.

3- فضل بن محمد طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ج 1، ص 257

رحلت حضرت خدیجه علیها السلام در کتاب آرمسترانگ چنین ترسیم شده است:

تاریخ نگاران و سیره نویسان سال 619 را سال حزن و اندوه [حضرت] محمد صلی الله علیه و اله نامیده اند. خدیجه علیها السلام اندکی پس از پایان تحریم فوت کرد. او که دوران شصت سالگی را می گذراند، به شدت از کمبود غذایی صدمه دیده بود. او نزدیک ترین یار و غم خوار [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله بود و پس از مرگش هیچ کس نمی توانست جایگزین او باشد... و این موضوع بر زندگانی اش به طرز زیر بنایی اثر گذاشت. (ص 201) فاطمه تنها یادگار حضرت خدیجه علیها السلام نزد حضرت محمد صلی الله علیه و آله بود پیامبر صلی الله علیه و آله به شدت به دو پسر حضرت علی علیه السلام حسن و حسین علاقه مند بود. (ص 396)

در این قسمت نیز نویسندگان براساس حدسیات شخصی خود علت رحلت حضرت خدیجه علیها السلام را گرسنگی و رنج در شعب ابی طالب می داند، در حالی که چنین مطلبی در منابع تاریخی نقل نشده است.

نتیجه

در بررسی انجام شده در کتاب زندگی نامه محمد صلی الله علیه و آله دیدگاه های نویسندگان در مورد حضرت خدیجه علیها السلام به طور ساختاری و محتوایی نقد گردید. بنابر مطالب پیش گفته، نشانه هایی از تعصب و اسلام ستیزی در این اثر دیده می شود، اما بسیار کم نمود. است شاخصه های فکری و تحلیلی نویسندگان را در چند مورد می توان خلاصه کرد استفاده افراط گرایانه از ابزار عقل در تحلیل ها تحلیل های تاریخی بر اساس حدسیات و برداشت های شخصی محدود کردن استنادات به برخی منابع، برجسته نمایی مسائل اختلاف انگیز و درون دینی و تحلیل گزارش های تاریخی بر اساس رفتارهای عرفی نامعتبر

اشکالات محتوایی در موارد ذیل خلاصه می شود:

با توجه به نقش حضرت خدیجه علیها السلام در تاریخ اسلام کم و کاستی های در کتاب وجود دارد؛ نادیده گرفتن فضایل حضرت خدیجه علیها السلام؛ مانند بیان نکردن القاب حضرت که از اخلاق حسنه و دوری ایشان از انحرافات و افکار جاهلانه

حکایت می کند و یا نیاوردن روایاتی که شاخصه مقام والای حضرت خدیجه علیها السلام نزد خداوند و رسول گرامی را نشان می دهد از موارد آن است. با توجه به این که این گونه روایات در کتاب های متقدمان به صراحت نقل شده است.

تحلیل های نادرست رفتارشناسانه از حضرت خدیجه علیها السلام؛ مانند تأکید بیش از حد بر نقش ایشان در جریان نزول، وحی سبب گردیده که خدیجه علیها السلام به عنوان مشاور و ناصح پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی شود، و شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله تضعیف گردد؛ گویا مدیریت این رسالت به عهده حضرت خدیجه علیها السلام بوده، در حالی که این تحلیل ها با مبانی دین اسلام و قرآن در تعارض است.

تشبیه حضرت خدیجه علیها السلام به زنان اروپایی قرن شانزدهم، دلیل بر دیدگاه نویسنده به حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان خانمی تفاخرگرا و زن سالار است به نظر می رسد نوع نگاه نویسنده به آن حضرت ناشی از دیدگاه فمینیستی است. ناسازگاری این دیدگاه با گزاره های تاریخی ثابت گردید.

در نقل گزارش ها به نظر می رسد نویسنده گزینشی عمل کرده است. برای مثال، از گزارش های تاریخ طبری یک مورد را انتخاب و ادامه آن را از منبع دیگر نقل می کند این گونه تحلیل ها از قوام متن می کاهد.

گزارش هایی در این کتاب نقل گردیده که در منابع اسلامی یا مردود شمرده شده اند و یا حداقل دید شک گرایانه ای نسبت به آن ها وجود دارد؛ ولی نویسنده آشکارا به بیان آن ها پرداخته است ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام در دوران جاهلیت و داشتن فرزندان وی از همسران، قبلی از این موارد شمرده می شود. سرانجام در مواردی مشاهده می شود که برخی مطالب نویسنده با گفته های دیگر او در تعارض است.

1. ابن اثیر، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، بیروت، دارالفکر، 1989.

2. ابن سعد، الطبقات الکبری، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1410.

3. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، چاپ اول، قم، نشر علامه 1379

4. ابن عبد، آلبر ابوعمر و یوسف بن عبد الله، الاستیعاب، تحقیق: البجاوی، علی محمد چاپ اول، دارالجیل، 1412.

5. ابن عبد البر، الدرر، بینا، بی تا.

6. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1408.

7. ابن هشام، السیره النبویه، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.

8. ابی القاسم کوفی، علی بن احمد الاستغاثه فی بدع، الثلاثه، تهران، اعلامی 1373

9. امین، محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعاریف للمطبوعات، 1404.

10. آرمسترانگ، کارن، محمد صلی الله علیه و آله، زندگی نامه پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام ترجمه: حشمتی کیانوش تهران چاپ چهارم انتشارات حکمت، 1389.

11. بخاری، محمد بن اسماعیل صحیح، بیروت، دارالفکر، 1981.

12. بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوه، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، 1361.

13. پارسا، فروغ حدیث در نگاه خاورشناسان؛ بررسی و تحلیل مطالعات حدیث شناختی هارلد موتسکی، ص 3.

14. پیشوایی، مهدی، «نقد دیدگاه گلدزیهر در باره آگاهی پیامبر از جاودانگی جهان؛ شمولی»، مجله: تاریخ اسلام در آینه پژوهش، سال سوم، شماره سوم، پاییز 1385

15. تصویر خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله در دایرة المعارف اسلام، زیر نظر تقی زاده، داروی ناقدین: (عبد الرضا عرب محمد موسی نوری سید محمد حسین میر عبداللهی) انتشارات شیعه شناسی چاپ اول، 1378
16. جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله، انتشارات دلیل ما، چاپ هفتم، تابستان 1387.
17. حسون، محمد، اعلام النساء المؤمنات، سازمان اوقاف و امور خیریه، تهران، اسوه، 1411.
18. دورانت ویلیام جیمز تاریخ تمدن (عصر ایمان)، مترجم: طاهری ابوالقاسم چاپ، چهاردهم شرکت انتشارات علمی و فرهنگی 1390
19. سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، محقق: عمروی، عمر، بیروت، دارالفکر، بی تا.
20. الشریف المرتضی، رسائل المرتضی، تحقیق: الحسینی السید احمد، قم، دارالقرآن، 1405.
21. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، چاپ اول، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، 1417.
22. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق: ابراهیم محمد ابوالفضل، چاپ دوم، بیروت، دارالتراث، 1378.
23. العاملی، جعفر مرتضی بنات النبی صلی الله علیه و آله ام ربائبه؟!، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، 1413.
24. العاملی، جعفر مرتضی، ما هو الصحيح من سیرة النبی الاعظم، قم، 1403
25. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، محقق: رسولی محلاتی، سید هاشم، قم، اسماعیلیان، 1415.
26. عسکری، سید مرتضی، احادیث ام المؤمنین عایشه، چاپ اول، المجمع العلمی الاسلامی، چاپخانه النهضه، 1997 - 1418.
27. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، مصحح و محقق: رسولی

محللاتی، سیدهاشم طبع العلمیه، تهران، بی تا.

28. غفاری نژاد، عباسقلی، تاریخ اروپا از آغاز تا قرن بیستم چاپ چهارم، تهران انتشارات اطلاعات 1393

29. القرشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر، بی تا.

30. قمی، عباس، منتهی الامال در ذکر تاریخ چهارده معصوم قم، مؤسسه انتشارات هجرت، 1319.

31. مطهری، نیا، محمود، شرق شناسان و نبی اعظم صلی الله علیه و آله، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات، 1388.

32. نسائی، احمد بن شعیب، فضائل الصحابه، بیروت، دارالکتب العلمیه 1981.

33. نسائی، احمد بن علی، تفسیر النسائی، بیروت، مؤسسه الکتب الثقافیه 1410

34. وداد، سکاکی، امهات المؤمنین و بنات الرسول صلی الله علیه و آله، چاپ سوم، دمشق، دارالفکر، 1406

35. هدایت، پناه، محمدرضا زبیریان و تدوین سیره نبوی، چاپ اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه 1391

*حضرت خدیجه علیها السلام در اندیشه گیورگیو: زهرا مهرجویی (1)

چکیده

تاریخ اسلام از جمله مباحث پویایی است که هر چند حوادث و اتفاقات گذشته را بیان می‌دارد همواره می‌توان به این رخدادها نگاهی ویژه داشت و آن‌ها را از یک روزنه متفاوت نگریست.

پژوهش حاضر با عنوان حضرت «خدیجه علیها السلام در اندیشه گیورگیو» به مطالب مرتبط با این بانوی بزرگوار در کتاب محمد پیغمبری که از نو باید شناخت می‌پردازد این، بحث سه عنوان اساسی دارد که یکی به حیات حضرت خدیجه دیگری زندگی نامه گیورگیو و سومی به مقوله خواستگاری و ازدواج ام المؤمنین با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اختصاص دارد.

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام، گیورگیو همسر حضرت محمد صلی الله علیه و آله، بعثت.

مقدمه

در مکتب نورانی اهل بیت علیهم السلام و در کنار وجود گران قدر چهارده معصوم زنانی حضور داشته اند که هر کدام در جایگاه، همسر دختر، عروس و کنیز، توانستند ماندگارترین رخدادها را به تصویر بکشند پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله همسران متعددی داشتند که هر کدام در تاریخ اسلام اثری از خود برجای گذاشتند- خواه

ص: 184

مثبت و خواه منفی - اما اگر منصفانه، بنگریم، حضرت خدیجه علیها السلام جایگاهی بس بی نظیر داشتند. ایشان نخستین همسر حضرت مادر فرزندان ایشان و تنها همسری بودند که روزگار قبل از بعثت را درک نمودند. اما متأسفانه از جمله کسانی هستند که گذران تاریخ بر شخصیت ایشان غبار فراموشی افکنده و چه بسا این دیده نشدن بانو ترفندی از سوی سودجویان عرصه تاریخ باشد.

در سده های اخیر علاوه بر بحث تاریخی یک واقعه و یا یک شخصیت مقوله شرق شناسان و دیدگاه های آنان نیز مطرح شده است که گاهی منصفانه و گاهی مغرضانه به نگارش درآمده اند.

در این نوشتار به نگاه کنستانتین ویرژیل گیورگیو در کتاب محمد پیامبری که باید از نو شناخت می پردازیم. مقوله ای که متأسفانه در چند مورد، مطابقتی با نقل های معتبر تاریخی ندارد. اما پیش از ورود به بحث و به فراخور موضوع مختصری از زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام و نیز مختصری از زندگی نامه گیورگیو بیان می شود. امید است این پژوهش، قدمی هر چند کوچک در همت معرفی ام المؤمنین خدیجه علیها السلام به دیگران مورد پذیرش اشرف مخلوقات، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله قرار گیرد.

حضرت خدیجه علیها السلام نامی آشنا

او خدیجه دختر خویلد بن اسد بود که از جد پدری به قصی بن کلاب می رسید. (1) وی اولین همسر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و مادر همه فرزندان حضرت (به غیر از ابراهیم) بود (2) و حضرت در زمان این بانو همسر دیگری نگرفتند. (3) او در زمان جاهلیت از زنان، بزرگوار تاجر پیشه و ثروتمند، قریش (4) به شمار می رفت و

ص: 185

1- اندلسی، جمهره، انساب العرب، ص 120

2- همان، ص 16.

3- حمیری سیره النبویه، ج 1 ص 201.

4- بلاذری، انساب الاشراف، ص 107؛ اربلی، کشف الغمه، ج 2 ص 131

با القابی مانند «سیده قریش» و «طاهره» شناخته می‌شد. (1) خدیجه علیها السلام نخستین زن مسلمان (2) و از زنان بهشتی به شمار می‌آید که خداوند وعده خانه‌ای از دژ و الماس به ایشان داده است. (3) وی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله مقامی بلند داشت و در همه امور با ایشان مشورت می‌کرد که حضرت او را وزیر صداقت می‌نامیدند (4) و حتی پس از وفات همواره از او به نیکی یاد می‌کردند. (5) او تنها کسی است که جبرئیل بارها برای او حامل سلام خداوند بوده است (6)

ام المؤمنین خدیجه علیها السلام پس از تحمل سختی‌های سه ساله شعب ابی طالب در دهم ماه مبارک رمضان سال دهم بعثت از دار دنیا رفت و در منطقه حجون به خاک سپرده شد که امروزه به قبرستان ابوطالب معروف است. (7)

گیورگیو خاورشناسی رمان نویسی

کنستان ویرژیل گیورگیو، نویسنده رومانی الاصل و متولد سال 1916 میلادی، بود. او تحصیلات خود را در رشته فلسفه در بخارست آغاز کرد و سپس در هایدلبرگ آلمان تحصیلاتش را در زمینه علوم الهی تعقیب نمود. در پایان جنگ جهانی دوم به عنوان عضو وزارت امور خارجه، رومانی نخست در آلمان از طرف قوای متفقین زیر نظر قرار گرفت و سپس برای مدتی در اردوگاه اسرای جنگی زندانی شد و پس از آزادی از اردوگاه به پاریس رفت و از آن زمان تا هنگام مرگ فرانسه وطن دوم این نویسنده گردید. در دهه هفتاد در حکومت دیکتاتوری فاشیستی چاوشسکو که از رهبران استالینیست بلوک شرق محسوب می‌شد

ص: 186

-
- 1- دمشق، البدایه والنهایه، ج 2 ص 294؛ حمیری، سیره النبویه، ج 1 ص 200؛ حلبی برهان الدین، سیره الحلبیه، ج 1 ص 137
 - 2- بلاذری، انساب الاشراف، ص 124؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ص 113.
 - 3- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ص 117؛ اربلی، کشف الغمه، ج 2 ص 130؛ بلاذری، انساب الاشراف، ص 124.
 - 4- تذکره الخواص، ص 312
 - 5- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ص 117؛ اربلی، کشف الغمه، ج 2 ص 130.
 - 6- حمیری، سیره النبویه، ج 1 ص 257، اربلی، کشف الغمه، ج 2، ص 132.
 - 7- قمی، سفینه البحار، ج 2 ص 571 (زیر ماده خدج).

به عنوان سرکشیش در رومانی زیر پوششی مذهبی به خدمت صهیونیسم در آمد و سرانجام در سال 1992 در خیابان های بخارست همراه با همسرش کشته شد.

وی نویسنده رمان های معروفی است و در آثارش بیش تر به مظلومیت قوم یهود می پردازد آثاری مانند خانه پتروداوا، دومین شانس و ساعت بیست و پنج را در پرونده خود دارد (1) که شهرت جهانی وی به سبب رمان اخیر بوده که به چهل زبان ترجمه شده است.

وی علاوه بر نویسندگی به ترجمه و پژوهش در زمینه الهیات، دین و سیاست نیز می پرداخت کتاب محمد پیغمبری که از نو باید شناخت تنها کتاب تاریخی وی به شمار می آید که ابتدا به صورت پاورقی در یکی از مجلات، و بعداً به صورت کتاب منتشر شد و تاکنون ده ها بار در شمارهای زیاد به چاپ رسیده است. این کتاب به زبان فرانسوی نوشته شده و به زبان های انگلیسی، رومانیایی و عربی هم ترجمه گردیده است. (2) آقای محمد علی انصاری، کتابی با نام محمد پیامبر شناخته شده در نقد مطالب این کتاب به نگارش در آورده است.

علت ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله؟

گیورگیو مانند دیگر خاورشناسان که تاریخ اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله را به نگارش در آورده اند، کتاب خویش را با کودکی حضرت آغاز کرده، حوادث و رخدادها را بر حسب ترتیب زمانی بیان می دارد وی زمانی که به مقوله سفر پیامبر صلی الله علیه و آله برای تجارت با مال حضرت خدیجه علیها السلام می رسد نوشته اش رنگ و بوی خیالی و قصه پردازانه به خود می گیرد؛ او در توصیف دلباختگی حضرت خدیجه علیها السلام به بی راهه رفته شیفتگی حضرت را به زیبایی پیامبر صلی الله علیه و آله و شکل و شمایل بیراهه ظاهری حضرت منسوب می کند. (3) او حدود نیم صفحه از کتاب را به اوصاف ظاهری، پیامبر عشوه چشمان سیاهش بوی عطر دل انگیزش، قد و قامت رعنا،

ص: 187

1- فاطمی، سایت کتاب نیوز، 1384/12/28 ش.

2- مقدمه کتاب.

3- گیورگیو محمد پیغمبری که از نو باید شناخت، ص 41.

دندان های مرتب که هر چشمی را مجذوب می سازد و غیره اختصاص داده است . او حتی هنگام طرح موضوع ازدواج توسط نفسیه و نیز هنگام خواستگاری ابوطالب از عموی حضرت خدیجه علیها السلام باز به مسأله زیبایی پرداخته، آن را نوعی امتیاز برای حضرت محمد صلی الله علیه و اله می داند. (1)

البته از چنین شخصیت رمان نویسی چنین توصیفاتی عجیب نیست، اما آن جا که سخن از یک شخصیت واقعی و تاریخی در میان باشد، دیگر چنین تفکراتی زبنده نیست و نویسنده باید به مطالب تاریخی مطرح شده و متقن رجوع نماید نه این که از خیال خویش کمک جوید و قلم فرسایی کند.

هیچ یک از منابع تاریخی دست اول به شیفتگی حضرت خدیجه علیها السلام نسبت به جمال ظاهری پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره نکرده اند. آری همه سخن از شیفتگی خدیجه علیها السلام نسبت به حضرت نوشته اند، اما این دل دادگی، معلول اموری فراتر از ظواهر بوده است. او شیفته اخلاق، نیکو راست گویی و امانت داری پیامبر صلی الله علیه و آله شده بود و این امر را آشکارا در پاسخ به خواستگاری ایشان بیان نمود. (2) هر چند نباید از عوامل زمینه ساز این توجهات غافل ماند؛ زیرا در منابع تاریخی نقل شده که در یکی از اعیاد جاهلی زنان مکه گرداگرد هم جمع شده بودند. مردی از اهل کتاب گذر کرد و به زنان حاضر در مجلس گفت: «ای زنان، مکه در شهر شما پیامبری خواهد بود که احمد نام دارد؛ پس هر کدام از شما توانست تلاش کند تا به همسری وی درآید». زنان به سخن وی توجهی نکردند اما خدیجه علیها السلام در فکر فرورفت. (3) نیز در برخی نقل ها آمده که ایشان خوابی دید و ورقه بن نوفل در تعبیر این خواب به همسری او با پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرد. (4) با نگاه منصفانه

ص: 188

1- همان، ص 43 و 45

2- عسقلانی، الاصابه، ج 4، ص 282.

3- مازندرانی، المناقب، ج 1، ص 67 و 68؛ عسقلانی، الاصابه، ج 4، ص 282؛ حلبی، السیره الحلبیه؛ ج 1 ص 139

4- دمشق، البدایه والنهایه، ج 2، ص 269؛ حلبی، السیره الحلبیه، ج 1، ص 136؛ مجلسی، حیاة القلوب، ج 3، ص 226 به بعد.

خواهیم دید که همه این موارد می تواند زنی را شیفته مردی سازد که به صفات نیکو و پسندیده ای شهره شهر بوده تا آرزوی وصال او را داشته باشد، نه این که تنها مجذوب و عاشق چشمان زیبا لبخند ملیح و ... بوده باشد!

وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله با آن شهرت و نام نیکو به پیشنهاد تجارت آمدند، خدیجه علیها السلام بی درنگ با درخواست او موافقت نمود و در این سفر غلام خود را که «میسره» نام داشت با ایشان همراه می ساخت تا در صورت نیاز به آن حضرت کمک کند. (1) میسره در بازگشت از سفر مطالبی را برای آن بانوی بزرگوار بیان نمود (2) که خدیجه علیها السلام را دو چندان به حضرت محمد صلی الله علیه و آله متمایل ساخت و او را بر آن داشت تا به فکر واسطه ای برای این ازدواج فرخنده باشد. (3)

متأسفانه خاورشناس رمان نویس بحث ما آن قدر درگیر ظواهر و مادیات است که حتی غم و اندوه پیامبر صلی الله علیه و آله پس از درگذشت خدیجه علیها السلام را ناشی از عشق مادی می داند او با وجود این که در کتاب خویش از ایستادگی و همراهی خدیجه علیها السلام در راه تبلیغ اسلام و نیز از زندگی صمیمی و سراسر محبت آن دویار دیرینه یاد می کند، (4) می گوید:

محمد که مردی عرب بادیه نشین بود خدیجه را چون اعراب بادیه نشین دوست داشت روح و ذوق یک اروپایی که در قاره اروپا دریاها ی نیلوفری و رودهای بزرگ و جنگل وسیع و ... را می بیند و صدای بلبل را می شنود، نمی تواند به ارزش زن پی، ببرد ولی در بیابان های عربستان که نه دریا هست و نه جنگل و رودخانه و ... یک عرب بادیه به جای تمام این مناظر زن را می بیند و در عوض صدای، بلبل صدای زن را می شنود!! (5)

ص: 189

-
- 1- ابن سعد، طبقات الکبری؛ ج 1، ص 87
 - 2- مطالب زیادی در کتب مختلف تاریخی از سفر حضرت به شام مانند نحوه معاملات و سود تجاری، سخنان نسطور راهب و ... آمده است. (سیره الحلییه، ج 1، ص 137؛ ابن اسحاق، سیره النبویه؛ ص 81).
 - 3- دمشق، البدایه والنهایه، ج 2، ص 294؛ حلبی، السیره الحلییه، ج 1، ص 137؛ حمیری، السیره النبویه، ج 1، ص 200؛ ابن اسحاق، السیره النبویه، ص 81
 - 4- کنستان ویرژیل گیورگیو محمد پیغمبری که از نو باید شناخت، ص 117 و 132 و 133.
 - 5- همان، ص 117

تنها سخنی که می توان درباره این نوشته گفت این ضرب المثل است که «کافر همه را به کیش خود پندارد» چه برداشت ضعیفی از انسانیت می توان داشت که وجود یک انسان را تنها در ظواهر محدود و محصور کنیم. آیا تنها صدای یک زن و چهره دلربای او مرد را عاشق می سازد یا رفتار و کردار نیکو؟ آیا این همه فداکاری و تلاش خدیجه علیها السلام در راه تحقق مشیت الهی جایی در این اقیانوس عشق و محبت ندارد؟! (1)

اگر نبود سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره خدیجه علیها السلام و سبب محبت و توجه ایشان به آن بانو حتی پس از وفات ایشان همان، همراهی مشاورت و صمیمیت او برای نشان دادن علت محبت پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به وی و غم و اندوه بی پایانش در رحلت ایشان کافی بود، اما رسول خدا صلی الله علیه و آله بارها و بارها و در برابر برخی همسران که به توجهات حضرت به خدیجه علیها السلام معترض بودند، دلیل محبت و ارادت خود را نسبت به آن بانو چنین بیان می فرمودند: «او اولین زن مسلمان (2) بود و زمانی مرا تصدیق کرد که همگان مرا تکذیب کردند»؛ (3) «خداوند تنها از ایشان به من فرزندی عطا نمود»؛ (4) «خدیجه از زنان بهشتی است»؛ (5) و گاهی نیز او را وزیر صداقت نامیده اند (6)

نتیجه

بحث خاورشناسی یا مطالعات اسلامی در غرب از موضوعات بسیار مهمی است که جوامع اسلامی در سده های اخیر با آن روبه رو شده اند. علم

ص: 190

1- نویسنده در چند مورد به رفتارهای نیکوی حضرت خدیجه علیها السلام اشاره کرده او را وسیله ای برای تحقق مشیت الهی می داند. (ص 132)

2- محلاتی، ریاحین الشریعه، ج 2، ص 207؛ بلاذری، انساب الاشراف، ص 124؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ص 113.

3- همان

4- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ص 117؛ اربلی، کشف الغمه، ج 2، ص 130؛ بلاذری، انساب الاشراف، ص 124

5- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ص 117؛ اربلی، کشف الغمه، ج 2، ص 130.

6- تذکره الخواص، ص 312.

شرق شناسی به چندین شاخه تقسیم می شود که یک شاخه آن به بحث ها و موضوعات تاریخ اسلام می پردازد. انگیزه های این علم از قرن دوازده میلادی تا به امروز به فراخور زمانه تغییر کرده است اما انگیزه این بحث ها و تألیفات هر چه باشد در درازمدت و با توجه به موج سریع ترجمه آثار به زبان های مختلف برآمده و تفکرات جوامع اسلامی اثر خواهد گذاشت گذاشت. پس جا دارد با مطالعه این نوشته ها از صحت و سقم موضوعات مطرح آگاه بود تا بتوان آن ها را در مسیر درست قرار داد

کتاب محمد، پیغمبری که از نو باید شناخت نوشته کنستانتین ویرژیل گیورگیو از این قاعده مستثنا نیست و خوشبختانه آقای محمد علی انصاری کتابی در نقد مطالب کلان و اصلی کتاب نوشته که بیش تر به موضوعات پس از بعثت و هجرت پرداخته است.

پژوهش حاضر به نگاه این رمان نویس، رومانی تبار به حضرت خدیجه علیها السلام پرداخت. گیورگیو مانند دیگر تاریخ نویسان، اسلام در چند مبحث اساسی از ایشان نام می برد: تجارت و سفر پیامبر صلی الله علیه و آله به شام، خواستگاری و ازدواج، مبعث و عام الحزن. البته از انصاف نمی توان گذشت که او در موارد متعددی، از این بانوی ارجمند به نیکی یاد کرده و او را وسیله ای برای تحقق مشیت الهی قلمداد نموده است اما نگاه مادی گرایانه وی نسبت به مقوله ازدواج و همسراری این زوج آسمانی در این کتاب جای تأمل و نقد دارد؛ زیرا او هدف و انگیزه خدیجه علیها السلام را تنها در زیبایی پیامبر صلی الله علیه و آله خلاصه کرده و در این باره هیچ سخنی از صداقت، امانت داری و حسن خلق حضرت نگفته است در حالی که اغلب تاریخ نگاران به این مقوله اشاره داشته اند.

مطلب قابل ذکر دیگر این که گیورگیو وفات حضرت خدیجه علیها السلام را در شعب ابی طالب ذکر می کند در حالی که کتب تاریخی وفات ایشان را پس از خروج از شعب آورده اند. متأسفانه این کتاب به منبع منقولات اشاره نکرده و مانند دیگر کتاب های قصه و رمان از هیچ پاورقی یا آدرسی دهی برخوردار نیست.

1. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، بیروت: دارالاضواء، بی تا.
2. اندلسی علی بن احمد بن حزم، جمهره انساب العرب، تحقیق عبدالمنعم خلیل ابراهیم چاپ پنجم بیروت انتشارات دارالکتب العلمیه، 2009 م.
3. بغدادی، محمد بن سعد، طبقات الکبری، بیروت: انتشارات دارالفکر 1420 ق.
4. بلاذری احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زگار و ریاض، زرکلی، چاپ اول، بیروت: انتشارات دارالفکر، 1417 ق.
5. حلبی برهان الدین السیره الحلبیه، بیروت انتشارات داراحیاء التراث العربی بی تا
6. حمیری عبدالملک بن هشام، السیره النبویه تحقیق عبدالحفیظ شلبی و مصطفی السقا، مصر: انتشارات مصطفی البانی، 1355 ق.
7. دمشقی، اسماعیل بن کثیر، البدایه والنهایه، تحقیق و حواشی مکتب تحقیق التراث، بیروت: انتشارات داراحیاء التراث العربی، 1413 ق.
8. ذهبی محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، چاپ نهم، بیروت: انتشارات الرساله، 1413 ق.
9. عسقلانی احمد بن علی بن حجر، الاصابه فی تمییز الصحابه، چاپ اول، بیروت: داراحیاء التراث العربی 1328 ق.
10. قمی، عباس، سفینه البحار، قم، انتشارات اسوه، بی تا.
11. گیورگیو کنستان، ویرژیل، محمد پیغمبری که از نو باید شناخت، ترجمه و اقتباس ذبیح الله منصور، چاپ بیست و دوم، تهران: انتشارات زرین، 1394 ش.
12. مازندرانی محمد بن علی (ابن شهر آشوب)، مناقب آل ابی طالب، قم: انتشارات، علامه بی تا
13. مجلسی محمد باقر، حیاة القلوب، تحقیق سید علی امامیان چاپ نهم قم: انتشارات سرور، 1390 ش.
14. محلاتی ذبیح الله ریاحین الشریعه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
15. مدنی محمد بن اسحاق بن یسار، سیره النبوی، تحقیق سهیل زگار، تهران: انتشارات دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، 1368 ش.

*گزارش و نقد محتوایی سیمای حضرت خدیجه علیها السلام در آثار شرق شناسان: شهناز کریم زاده سورشجانی (1)

چکیده

پس از ظهور اسلام، خاورشناسی غربیان تا حدود زیادی برای اسلام شناسی و خلق آثار درباره شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله شکل گرفت اما وقایعی چون سلطه جهان اسلام بر غرب و شکست های آن ها در جنگ های صلیبی کینه غرب را نسبت به اسلام تشدید نمود و موجبات تدوین کتب جهت دار بیش تری علیه اسلام و رسول اکرم صلی الله علیه و آله را فراهم کرد. با وجود این در میان خاورشناسان، انسان های حقیقت طلب بعضا تلاش کرده اند از ورای تعصبات واقعیت را رصد نمایند که نتیجه، امر شکل گیری دو دیدگاه متعصبانه و متعادل در حوزه اسلام شناسی و بررسی حیات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است از سوی، دیگر در ذیل بررسی عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ادوار حیات نخستین همسر ایشان حضرت خدیجه علیها السلام، که با حساس ترین دوره و وضعیت زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله پیوند یافته، توجه دو دیدگاه را جلب نموده و در معرفی وجوه شخصیت این بانو و سیره خانوادگی رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله مؤثر واقع شده است با شناسایی و نقد این داده ها می توان برداشت های اشتباه و یا ناشی از تعصب در این آثار را شناسایی و معرفی نمود. به همین سبب نوشتار حاضر با روش توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ به این سؤال است که رویکرد شرق شناسان درباره حیات حضرت خدیجه علیها السلام چگونه است؟ هر چند گام هایی برای پاسخ به این سؤال برداشته

ص: 193

شده نوشتار حاضر به شکل مشخص به دادن گزارش و نقد سیمای حضرت خدیجه علیها السلام از دیدگاه شرق شناسان پرداخته است به نظر می رسد محدودیت مآخذ پژوهشی آنان به منابع اهل سنت و اکتفا به قول مشهور از مهم ترین اشکالات وارده به داده های آنان در این زمینه باشد.

واژگان کلیدی

حضرت محمد صلی الله علیه و آله، حضرت خدیجه علیها السلام، نقد محتوایی شرق شناسان، خاورشناسی

مقدمه

واژه شرق شناسی اصطلاحاً به تلاش همه غریبان برای شناسایی و شناساندن کشورها، اوضاع جغرافیایی، معادن، تاریخ، قومیت ها، زبان، هنر، آداب، سنن، عادات، فرهنگ، باورها، ادیان تمدن ها و ویژگی های کشورهای مشرق زمین از خاور دور تا خاور نزدیک و شرق دریای مدیترانه گفته می شود؛ اما در این پژوهش، معنای محدودتر این واژه مانند اسلام شناس غیر مسلمان (1) مورد نظر است. این پدیده قبل از ظهور اسلام با انگیزه های غالباً سیاسی ظهور کرد؛ اما با رقابت مسیحیت با اسلام ماهیت ایدئولوژی - سیاسی یافت و تمام وجوه، اسلام به ویژه شخصیت و زندگی پیامبر اسلام را عرصه مطالعات خود قرار داد. جنگ های صلیبی و عملکرد خلفای عباسی و عثمانی به عنوان جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله، دشمنی جهان غرب با دنیای اسلام را تشدید کرد و دو دیدگاه متعصبانه و معتدل در حوزه شرق شناسی را بنیان نهاد

در این میان گاه به شخصیت و زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام توجه شده که با حساس ترین دوران زندگی نبی مکرم اسلام پیوند خورده است. او دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی ابن قصی بن کلاب بن مره بن کعب بن لوی بن

ص: 194

1- حسین عبدالحمیدی، مستشرقان و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله دوم، تهران، نشر المصطفی، 1394، ص 26.

غالب بن فهر بن مالک بن نصر بن کنانه (1) بود ایشان در دوران جاهلیت به سبب کمال و پاکی «طاهره» نامیده شد (2) و در منابع با عنوان بانویی دورانیش، (3) عاقل و با شرافت توصیف شده است. (4)

رویکرد خاورشناسان به حیات ایشان نه تنها دست مایه معرفی این بانو به دنیای غرب و غیر مسلمانان شده بلکه دانشمندان مسلمان گاه این داده ها را مطمئن و خدشه ناپذیر دانسته و منبع نظریه پردازی قرار داده اند. بدین منظور این داده ها با توجه به محدودیت های آن در حوزه اسلام شناسی، تعصبات و دشمنی برخی از ایشان با اسلام باید بررسی علمی شود تا میزان وثوق و تدقیق علمی آن مشخص گردد.

پژوهش مستقلی از شرق شناسان در مورد حضرت خدیجه علیها السلام یافت نشد اما در آثاری مانند کتاب الرسول المتخیل (قرائه النقدي در صوره النبي في الاستشراق) که در اصل نقد دیدگاه مونتگمری وات و مکسیم رودنسون است، به حیات حضرت خدیجه علیها السلام هم اشاره شده است یا در بخشی از کتاب تصویر خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله در دایره المعارف اسلام انتشارات شیعه شناسی نیز نقد داده های مونتگمری وات در مورد حضرت خدیجه علیها السلام دیده می شود؛ اما پژوهش حاضر، با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی و نقد محتوایی داده های شرق شناسان درباره ادوار زندگی حضرت خدیجه علیها السلام پرداخته و برخی از داده های ناشی از دیدگاه های متعصبانه را نقد کرده است.

منظور از نقد نقد محتوایی است و نقد ساختاری این آثار مجال دیگری طلبد. نقد محتوایی (درونی)، نقدی است که در آن معیار و مبنای نقد-یعنی

ص: 195

1- ابن سعد، طبقات الکبری، دار صادر، بیروت، بی تا، ج 8، ص 8.

2- شهاب الدین احمد بن عبد الوهاب نویری، نهاییه الارب، بیروت، دار الکتاب العلمیه، 1424 ه، ج 14، ص 171

3- محمد بن جریر طبری الرسل والملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، 11 جلد دوم، بیروت، دار التراث 1387 ه. ق. ج 2، ص 280.

4- محمد بن احمد بن عثمان الذهبی، سیر اعلام النبلاء، بیروت: دار الفکر، 1417 ق، ج 2، ص 111

عناصر درون متن اعم از ساختار معنا، زبان، و مانند آن - در ارتباطی متقابل، منسجم و هم بسته به یک دیگرند که در دو وجه سلبی و ایجابی، این عناصر ادراک، تفسیر و نقد می شوند پس اتکا به ویژگی های درونی و تأثیرات متقابل عناصر درونی نقش مهمی در نقد درونی دارند. (1) بنابراین داده های متعارض با داده های منابع تاریخ اسلام از حیث محتوا حذف و به گزارش داده های دیگر اکتفا شده است. به نظر می رسد داده های شرق شناسان در بسیاری از جهات تحت تأثیر منابع اهل سنت است که به دنبال فضیلت سازی برای برخی از شخصیت ها، تلاش کرده اند تا فضائل اهل بیت علیهم السلام را کم رنگ نمایند.

الف) دوره قبل از بعثت

1. همکاری تجاری با پیامبر صلی الله علیه و آله

از نخستین موضوعات مرتبط با حیات حضرت خدیجه علیها السلام که دست مایه شرق شناسان واقع شده و نظریاتی درباره آن ابراز داشته اند، موضوع هم کاری پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام برای تجارت به شام است که شرق شناسان با نگاه های متفاوت به آن پرداخته اند. در این آثار گاه پیامبر اسلام چون شخصی تصویر شده که به دنبال یافتن فرصتی است که خود را به زنی ثروتمند مرتبط نماید تا از دنیای فقری که بدان گرفتار، است نجات یابد. از دواج ایشان با حضرت خدیجه علیها السلام نیز در همین جهت توصیف شده است. (2) این دیدگاه منعکس کننده تعصب و غرض ورزی نویسنده در پرداخت به این موضوع است. این مسأله به چند دلیل نمی تواند داده درستی باشد:

اول این که در برخی دیگر از آثار شرق شناسان حضرت خدیجه علیها السلام کسی است که به حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیشنهاد همکاری در تجارت داد و پیامبر

ص: 196

1- علیرضا ملائی توانی درآمدی بر پژوهش در تاریخ، تهران، نشر نی، 1386.

2- مونتگمری وات محمد پیامبر و سیاستمدار، ترجمه اسماعیل والی، زاده تهران کتاب فروشی الاسلامیه 1344، ص 13

پیشنهاد او را پذیرفتند؛ (1) مانند کتاب، محمد پیامبر صلی الله علیه و آله و سیاست مدار این نظر در منابع تاریخی اسلام نیز پذیرفته شده است. حال چرا از میان نظریه های متفاوتی که برای آغاز این همکاری در منابع وجود دارد مونتگمری وات چنین داده ای را گزینش کرده، آن هم بدون آوردن دلیل این گزینش؟

دوم، اگر حضرت محمد صلی الله علیه و سلم دنبال چنین هدفی بودند، چرا تا 25 سالگی که در جزیره العرب آن زمان سن نامتعارفی برای ازدواج بود، صبر کردند و به سبب وضعیت اقتصادی نتوانستند ازدواج نمایند؟

سوم در برخی دیگر از آثار شرق شناسان صفت کمالی پیامبر صلی الله علیه و آله باعث شد خدیجه علیها السلام به ایشان درخواست مشارکت در تجارت بدهد. او از امانت داری و ثقه بودن پیامبر صلی الله علیه و آله شنید و ایشان را به عنوان وکیل خود برای تجارت با سوریه استخدام کرد. (2)

طرح مسأله اجیر بودن پیامبر صلی الله علیه و آله برای خدیجه علیها السلام، یکی دیگر از نکاتی است که در تجارت در آثار شرق شناسان به چشم می خورد. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از بازگشت از سفر تجاری شتری به عنوان پاداش دریافت نمودند که قیمت آن چهارصد درهم بود؛ در صورتی که قیمت یک بنده دویست تا هشت صد درهم و یک گوسفند چهل درهم بود. پس شتر چندان پاداش گران قیمتی نبود، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله از دریافت آن راضی به نظر می رسیدند و خدیجه علیها السلام هم از خدمات آن حضرت خرسند بود و تصمیم داشت از آن به بعد جوان قریشی را همراه کاروان خود روانه بازارهای عربستان. کند (3) از داده های این چینی، به دست می آید که پیامبر صلی الله علیه و آله اجیر و مزد بگیر حضرت خدیجه علیها السلام در این هم کاری تجاری

ص: 197

-
- 1- کارن آرم استرانگ محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام) ترجمه کیانوش، حجتی، تهران: حکمت، 1383. ص 102.
 - 2- مونتگمری وات محمد در مکه، ترجمه شعبان، برکات بیروت مکتبه العصریه للطباعه والنشر، بی تا، ص 73.
 - 3- کنستانتین ویرژیل گیورگیو، زندگانی حضرت محمد (محمد پیامبری که از نو باید شناخت) ترجمه مهرداد صمدی، تهران: انتشارات آسیا، بی تا، ص 42.

بوده در حالی که این مسأله نمی تواند درست باشد و با واقعیت های تاری مطابقت ندارد یعقوبی از تاریخ نگاران، بزرگ تأکید می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز اجیر کسی نشدند (1) حضرت خدیجه علیها السلام حتی اموال و غلام خود را نیز در اختیار ایشان قرار داد و این با اجیر بودن پیامبر صلی الله علیه و آله مطابقت ندارد. ذهبی نوع این همکاری را در قالب قرض می داند. (2) علاوه براین، به نوشته تاریخ نگاران، حضرت خدیجه علیها السلام افرادی را به شکل مضاربه به همکاری دعوت می کردند. (3) پس هم کاری پیامبر صلی الله علیه و آله نیز با ایشان به صورت مضاربه بوده است.

2. سن حضرت خدیجه علیها السلام

قول مشهور سن حضرت خدیجه علیها السلام را در زمان ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله چهل سال می دانند (4) و غالب شرق شناسان هم این قول را پذیرفته اند. حضرت محمد صلی الله علیه و آله در هنگام ازدواج 28 سال و عیالش چهل ساله بودند. (5) علی رغم اختلاف سنی آن بانو به همسر جدیدی نیاز داشت و حضرت محمد صلی الله علیه و آله انتخاب شایسته ای برای او بود (6)

در این آثار گاه این احتمال در نظر گرفته شده که این میزان سن برای حضرت خدیجه علیها السلام در زمان ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله صحت ندارد. مونتگمری وات به این مسأله اشاره می کند:

گفته می شود خدیجه علیها السلام در آن زمان در دهه چهل از عمرش بود و

ص: 198

1- ولا كان اجيرا لاحدا قط (احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، بی تا، ج 2، ص 21).

2- قد سافر فی مالها مقارضا الی الشام احمد بن علی بن حجر عسقلانی، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری بیروت: دار المعرفه، بی تا، ج 7، ص 100.

3- تستأجر الرجال فی مالها وتضاربهم اياه محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، همان، ج 1، ص 121، علی بن محمد بن اثیر، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: دار الفکر، 1409، ج 6، ص 435.

4- حسن بن علی بن عیسی بن اربلی، کشف الغمه فی معرفه الاثمه، بیروت: دارالکتب الاسلامی، 1401 ج 1، ص 510، 513

5- جان دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن ترجمه غلامرضا سعیدی، سوم، تهران: شرکت، انتشار، 1344، ص 15.

6- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام)، همان، ص 102

پیامبر صلی الله علیه و آله در دهه بیست چه بسا در عمر خدیجه علیها السلام در این دوره مبالغه شده است. (1)

کارن آرمسترانک هم می گوید:

طبق روایات در این زمان خدیجه علیها السلام چهل ساله بود؛ ولی از آن جا که توانست شش فرزند برای محمد بیاورد باید او را جوان تر فرض کرد. ولی در هر حال از محمد مسن تر بود. (2)

وات نیز به چنین مسأله ای اشاره کرده است. (3)

به باور افرادی که به قول مشهور معتقدند، خدیجه علیها السلام پانزده سال قبل از عام الفیل به دنیا آمد و هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله چهل ساله بود. (4) اما قول دیگر دایر بر این است که خدیجه علیها السلام موقع ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله 28 ساله بوده اند. مدرک آنان حدیث ابن عباس است. (5) شرق شناسان این دست روایات را کم تر توجه کرده اند و نهایت اعتباری که برای این روایات قائل هستند، در حد ایجاد تشکیک در قول مشهور است. بعید نیست دلیل این امر، این باشد که غالب منابع در دست شرق شناسان، منابع اهل سنت بوده که در آن ها با وسواس خاصی تلاش شده تنها همسر باکره و کم سن پیامبر صلی الله علیه و آله، عایشه معرفی شود.

3. ازدواج قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله

اشاره

شرق شناسان به ازدواج های حضرت خدیجه علیها السلام قبل از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز اشاره کرده اند. شاید بتوان گفت غالب آثار آن ها این مسأله را مفروض پنداشته

ص: 199

- 1- مونتگمری وات محمد در مکه، همان، ص 73
- 2- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام) همان، ص 122
- 3- مونتگمری وات، محمد پیامبر و سیاستمدار، ص 13
- 4- علی بن محمد بن اثیر، اسدالغاب، همان، ج 4، ص 434، حسن بن علین عیی بن اربی، کشف الغمه فی معرفه الائم، ه همان، ج 1، ص 510 و 513. نورالدین الحلی، سیره الحلبیه فی سیره الامین المأمو، بیروت: دارالکتب العلمیه، ج 1، ص 140.
- 5- محمد بن احمد بن عثمان الذهبی، سیر اعلام النبلاء، بیروت: دار الفکر 1427 ق، ج 2، ص 111.

و لزومی برای بررسی بیش تر در مورد آن ندیده اند کارن آرمسترانگ معتقد است که خدیجه علیها السلام دو بار ازدواج کرده بود و فرزندان زیادی داشت. (1) مونتگمری وات نیز در آثار خود به این مسأله اشاره می کند:

او از طایفه بنی اسد بود که به مراتب از بنی هاشم قوی تر بودند؛ به همین دلیل خدیجه علیها السلام به یک تاجر موفق تبدیل شد. او پیش از ازدواج با محمد صلی الله علیه و آله دوبار ازدواج کرده بود. (2)

وات در اثر دیگر خود، همسر دوم خدیجه علیها السلام را از قبیله بنی مخزوم معرفی می کند. (3) روایات این چنینی در منابع تاریخ اسلام نیز فراوان است و همسران او قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله یکی عتیق بن عائذ بن عبد الله بن عمرو مخزومی بود که دختری از او به دنیا آورد. بعد از فوت، عتیق با ابوهاله تمیمی ازدواج نمود و از او نیز فرزندی به دنیا آورد (4) این روایات باعث شده است که برخی از شرق شناسان از جمله گیورگیو نیز با اشاره به وجود فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام از همسران سابق، نظریه ازدواج او قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله را تقویت نمایند. (5)

در این آثار وجود فرزندان خدیجه علیها السلام از همسران سابق به عنوان دلیل مقوم برای ازدواج های سابق ایشان در نظر گرفته می شود، در حالی که علی رغم شهرت این خبر روایات دیگری وجود دارد که در درستی ازدواج ها تردیدهای جدی وارد کرده اند این تردید زمانی تقویت می شود که بدانیم طرفداران عایشه کوشیده اند تا یکی از فضایل منحصر به فرد او را در قیاس با دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، باکره بودن او معرفی کنند و درباره خدیجه علیها السلام، ازدواج های سابق او را مطرح نمایند؛ (6) در حالی که شواهدی نشان می دهد که آن بانو نیز از زنان باکره

ص: 200

1- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام)، همان، ص 109.

2- مونتگمری وات، محمد پیامبر و سیاستمدار همان، 1344، ص 13.

3- مونتگمری وات محمد در مکه، همان، ص 73

4- حسن بن علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، همان، ج 1، ص 510، 513.

5- کنستانتین ویرژیل گیورگیو، زندگانی حضرت محمد (محمد پیامبری که از نو باید شناخت)، همان، ص 41

6- تصویر خانواده پیامبر اسلام زیر نظر محمد تقی زاده داوری، قم، شیعه شناسی، 1387، ص 31.

پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، از جمله ابن شهر آشوب از قول بلاذری، ابوالقاسم کوفی و سید مرتضی و ابو جعفر می نویسد:

پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کردند، در حالی که او دوشیزه بود (1)

در نتیجه، اجماعی که ادعا می شود در مورد ازدواج های قبلی خدیجه علیها السلام وجود داشته فرو می ریزد (2) علاوه بر آن اخبار و روایات درباره همسران ادعایی حضرت خدیجه علیها السلام دچار تناقض و تعارض آشکارند؛ برای مثال در این که نام ابو هاله آیا نباش بن زراره بود یا زراره بن نباش یا این که نامش هند یا مالک بوده و یا این که او پیش از عتیق با خدیجه علیها السلام ازدواج کرده یا پس از او؛ آیا هند که گفته اند فرزند حضرت خدیجه علیها السلام به شمار می آمده پسر بوده است یا دختر، و آیا فرزند ابو هاله بوده یا عتیق و آیا بر اثر طاعون از دنیا رفته یا در جنگ جمل کشته شده اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد؛ به گونه ای که نمی توان به هیچ یک از آن ها اعتماد کرد و حقیقت را دست آورد. (3)

از سوی دیگر، وجود فرزندان برای حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز که مقوم ازدواج او با مردان دیگری بود توسط داده های تاریخی دیگر رد می شود. نویسنده الاستغاثه این فرزندان را دختران، هاله خواهر حضرت خدیجه علیها السلام معرفی می کند که پس از مرگ، پدر به همراه مادر خود نزد حضرت خدیجه علیها السلام زندگی می کردند اما با درگذشت هاله که بعد از ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام، بود آن بانو سرپرستی این کودکان را به عهده گرفت (4)

ص: 201

1- محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، همان، ج 1، ص 138.

2- همان، ص 33

3- تصور خانواده پیامبر در دایره المعارف اسلام، ترجمه و نقد زیر نظر محمد تقی داوری اول، قم: شیعه، شناسی، 1387، ص 32

4- علی بن محمد ابی ابالقاسم کوفی، الاستغاثه، تهران، الاعلمی، 1373، ج 1، ص 64.

گمانه زنی های خاورشناسان با دو نگاه منصفانه و متعصبانه در مورد ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و پیش گامی این بانوی بزرگوار در این ازدواج بعضاً زمینه ساز برخی از اتهامات علیه پیامبر صلی الله علیه و آله شده است. در این آثار، گاه انگیزه آن بانو برای این ازدواج با زیبایی ها و شاخصه های ظاهری پیامبر صلی الله علیه و آله مرتبط دانسته شده است (1) اما گاه نگاه مادی بر تبیین این مسأله اثر گذاشته و زمینه ساز تهمت و افترا به پیامبر صلی الله علیه و آله شده و این ازدواج را دست آویزی برای برون رفت پیامبر صلی الله علیه و آله از فقر معرفی می کند:

با این که ازدواج با زنان مسن و بیوه خیلی پیچیده نبوده و در غرب عملی عادی محسوب می گردیده است در مورد محمد صلی الله علیه و آله چنین وانمود شده که ازدواج های او از روی خود خواهی و برای رسیدن به اهداف جاه طلبانه بوده است.

حتی ماکسیم رودنسون با احساس هم دردی می گوید:

این ازدواج هم از لحاظ جنسی هم از لحاظ احساسی باید برای محمد صلی الله علیه و آله وی بسیار خسته کننده بوده باشد اما واقعیت گویا خلاف این ادعاست. (2)

این نگاه مادی در برخی از آثار شرق شناسان خود را به شکل دیگری نشان داده و آن را فرصتی برای تقویت روحی پیامبر صلی الله علیه و آله و هموار شدن راه ورود ایشان به عرصه تجارت ارزیابی کرده است. (3)

اما گاه داده های منصفانه در آثار شرق شناسان، دو دلیل یادشده برای این ازدواج را نقض می کند و صفات خاص و ویژگی های منحصر به فرد حضرت محمد را پیش گامی حضرت خدیجه علیها السلام در این ازدواج معرفی می نماید. (4) علاوه بر آن گاه برخی از این داده ها از منطق حاکم بر عملکرد خدیجه علیها السلام برای

ص: 202

1- کنستانتین ویرژیل گیورگیو، زندگانی حضرت محمد (محمد پیامبری که از نو باید شناخت) همان، ص 42.

2- کارن آرم، استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام)، همان، ص 122

3- مونتگمری وات محمد پیامبر و سیاستمدار، همان، ص 14.

4- مونتگمری وات محمد در مکه، همان، ص 73 کارن آرم استرانگ زندگینامه پیامبر اسلام همان ص 121

این اقدام حکایت دارد زیرا وی پیش از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، در صدد آزمایش ایشان برآمد و آن حضرت را به نمایندگی خویش با کاروانی به سوریه فرستاد. چون آن حضرت مأموریت خود را با موفقیت به انجام رسانیدند خدیجه علیها السلام به ایشان پیشنهاد ازدواج کرد. (1)

در برخی دیگر از این آثار خدیجه پس از شنیدن گزارش نمایندگان خود از سفر تجاری به شام در دیداری با ورقه بن نوفل سخنان نماینده خود را با او در میان گذاشت و پس از پیشگویی پیامبری آن حضرت توسط ورقه به ازدواج با ایشان تصمیم گرفت (2) این داده نیز با دلیل اول منافات دارد و نشان می دهد که حضرت خدیجه علیها السلام با این که پیامبر صلی الله علیه و آله را شخص مناسبی تشخیص داده این که بودند کاملاً با مسأله برخورد منطقی داشته و پس از آزمایش و روشن شدن کفایت و کاردانی ایشان پیشنهاد خود را مطرح کرده اند به این ترتیب، خدیجه علیها السلام برای آزمایش از ایشان خواست برایش تجارت کند و وقتی موفقیت های ایشان را دید به حضرت پیشنهاد ازدواج داد. (3) گاه نگاه مادی گرایانه مسأله آشنایی و ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله را به مسائلی خرافی و بخت و اقبال پیامبر صلی الله علیه و آله منتسب می کند که در سال 595 میلادی تغییر کرد و زمینه همکاری تجاری حضرت خدیجه با پیامبر صلی الله علیه و آله را فراهم کرد (4) اما برخی از داده های تاریخ اسلام، حاکی از آن است که خدیجه علیها السلام شبی در عالم رؤیا دید خورشید فروزان بالای شهر مکه چرخ زده و به خانه وی فرود آمده است. او خواب خود را برای ورقه نقل کرد و ورقه به او گفت: «با مرد بزرگی ازدواج می کنی که شهرت او جهانی خواهد شد». (5) اگر چنین داده ای درست باشد خدیجه علیها السلام منتظر این شخص بزرگ بوده و با

ص: 203

1- مونتگمری وات، محمد پیامبر و سیاستمدار، همان، ص 13.

2- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام) همان، ص 102.

3- مونتگمری وات محمد پیامبر و سیاستمدار، همان، ص 13، همچنین کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام) ترجمه کیانوش، حجتی تهران حکمت، 1383، ص 101

4- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام) همان، ص 102

5- حسن بن علی عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج 1، ص 509.

آزمودن پیامبر صلی الله علیه و آله ، در مورد مصداق این خواب اطمینان یافته است.

قول مشهور این است که خدیجه علیها السلام به خواستگاری حضرت محمد صلی الله علیه و آله رفت و گفت:

پسر عمو، من به سبب شرافتی که در میان قریش داری و هم چنین امانت و راستی و خوش خلقی که به آن ممتاز گشته ای، به شما پیدا
علاقه کرده ام ، و می خواهم به همسری شما درآیم. (1)

اگر این مسأله به این شکل (پیش گامی خدیجه علیها السلام در ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله ، منعکس نشده بود زمینه زیاده گویی
بیش تر معاندان و برخی از شرق شناسان متعصب درباره چشم داشت پیامبر صلی الله علیه و آله به ثروت خدیجه علیها السلام در این
ازدواج می شد در حالی که خدیجه علیها السلام در کنار ثروت خود در جو سرشار از فساد آن زمان حجاز بانویی بی مثل و مانند بود و به
«سیده قریش» معروف بود (2) و ثروت جایگاه و صفات نیک وی باعث شده بود تا بسیاری از ثروت مندان و سران قریش مانند عقبه ابن
ابی معیط صلت بن شهاب، ابوجهل و ابوسفیان اندیشه همسری او را در سر پیوراندند. (3) برخی از آن ها از جمله تاجران بزرگ زمان
خود بودند، اما خدیجه علیها السلام درخواست همه آن ها را به بهانه نداشتن علاقه به شوهر، رد کرد. او در گفتگو با ورقه بن نوفل نیافتن
شخص مورد نظر را دلیل عدم بی میلی به ازدواج بیان کرده (4) که شاید بتوان از این مسأله به عنوان نیافتن هم کفو نام برد.

علاوه بر آن حضرت خدیجه علیها السلام از گزارش میسره درباره کرامات و معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله تحت تأثیر قرار گرفت.
این از مسلمات تاریخی است که عقل نیز آن را تأیید می کند؛ زیرا شخصیت برجسته و ممتاز ایشان که خود سرآمد پاکان

ص: 204

1- اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشق ، البدایه والنهایه ، همان ، ج 2، ص 294

2- ابن هشام، سیرت رسول خدا و اهل بیته ، همان، ص 120.

3- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفاء ، 1404 ق. ج 16، ص 23.

4- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق علی محمد بجاوی، چاپ اول بیروت: دار الجیل ، 1412 ق،
ج 4، ص 1817.

و پرهیزکاران عصر خود بود در آن محیط ظلمانی جاهلیت قطعاً تحت تأثیر شخصیت بی نظیر رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفته است. این مطلب در بیش تر منابع اصیل تاریخ آمده که دلیل اشتیاق خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله، حکایاتی بود که میسر از این سفر برایش نقل کرد. (1) مجموع عوامل مذکور را می توان دلایل پیش گامی حضرت خدیجه علیها السلام در این ازدواج معرفی کرد.

4. ایفای نقش نزدیکان حضرت خدیجه علیها السلام در ادوار زندگی او

از نظر شرق شناسانی که فاصله سنی 25 سال برای پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام و نیز انگیزه مادی برای این پیوند را پذیرفته اند این ازدواج امر دشواری است؛ زیرا اولاً خدیجه علیها السلام چهل و پیامبر صلی الله علیه و آله 25 سال داشتند و ثانیاً خدیجه علیها السلام ثروتمند و پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار فقیر بود. (2) این مسأله با نگاه مادی به مسائل، به جز همان تمنیات مادی که برای پیامبر صلی الله علیه و آله تصور می کنند توجیهی ندارد از طرف دیگر این مسائل برای خاورشناسان دست آویز ابراز نارضایتی خاندان خدیجه علیها السلام نسبت به این ازدواج شده است. (3)

در برخی از این منابع آمده که حضرت خدیجه علیها السلام به دلیل مخالفت ولی خود (4) با این ازدواج برای کسب اجازه از او مجلس بزمی بر پا کرد و دستور داد به این شخص شراب نوشانده شود و در حالت مستی برای این ازدواج از او رضایت بگیرند. (5) اگر کسی اندک آشنایی با شخصیت و زندگانی آن بانوی محترم داشته باشد، اذعان خواهد کرد که این روایات، به معنای انکار واقعیت های روشن

ص: 205

1- محمد بن جریر طبری، الرسل والملوک، همان، ج 2، ص 35

2- کنستانتین ویرژیل گیورگیو، زندگانی حضرت محمد (محمد پیامبری که از نو باید شناخت)، همان، ص 43.

3- همان، ص 44.

4- در برخی از آثار ایشان پدر و در برخی از آثار دیگر مستشرقین عموی ایشان امیر بن اسد که رئیس قبیله نیز بوده است معرفی شده است.

5- همان، ص 44

تاریخی درباره ایشان است. (1) این بانو در دوران سیاه و آلوده جاهلیت به «طاهره قریش» مشهور بود و سرآمد زنان پرهیزکار عصر خویش به شمار می رفت. (2) در نتیجه به او لقب، طاهره مبارکه ملکه بطحا بانوی بانوان قریش و سیده نساء قریش داده بودند (3) چگونه زنی که به پاکی و پرهیز از گناه مشهور است، به چنین کار زشتی دست می زند؟ به علاوه این داده های شرق شناسان به چند دلیل مردود است:

اول، پدر حضرت خدیجه علیها السلام سال ها پیش از این ازدواج، در جنگ های فجار در گذشته بود و پدری نداشت تا او را مجبور به این ازدواج کند.

دوم، حضرت خدیجه علیها السلام عموی خود را در این ازدواج وکیل کرده بود و طبعاً او سلطه پدرانه نداشت تا بخواهد اراده خود را بر شخصیتی مانند خدیجه علیها السلام تحمیل کند؛ هم چنان که هیچ کس نتوانست خواستگاران فراوان و سرشناس و ثروتمند مکه را بر او تحمیل کند

سوم پذیرش چنین ازدواجی با عصمت رسول خدا صلی الله علیه و آله سازگار نیست؛ زیرا عصمت رکن اصلی نبوت است؛ کسی که خود معصوم نیست، نمی تواند دیگران را به پاکی دعوت کند (4)

در برخی از دیگر آثار شرق شناسان گاه برای برخی از افراد خاندان خدیجه علیها السلام در همراهی یا عدم همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله و حرکت او تفصیلاتی بیان شده است؛ از جمله ورقه بن نوفل، مسیحی از هنگام اطمینان برای نزول وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله از آن حضرت پشتیبانی می کرده است. (5) علاوه بر آن به نقش مهم

ص: 206

-
- 1- ابن سعد این روایت را در اثر خود آورده و آن را بررسی کرده وضعیف پنداشته است، ابن سعد بن منیع هاشمی، بصری، محمد، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبد القادر، عطا چاپ، اول، بیروت: دار الکتب العلمیه 1410 ق.، ج 1، ص 133
 - 2- همان، ج 8، ص 12.
 - 3- ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، همان، ج 2، ص 207
 - 4- خانواده پیامبر در دایره المعارف اسلام، همان، ص 41
 - 5- مونتگمری وات محمد پیامبر و سیاستمدار، همان، ص 14 همچنین کنستانتین ویرژیل گیورگیو، پیامبری که از نو باید شناخت، همان، ص 53.

ورقه در اطمینان بخشی به پیامبر صلی الله علیه و آله برای نزول وحی بر آن حضرت اشاره شده که خود زمینه طرح شبهاتی مبنی بر تردید شخص پیامبر صلی الله علیه و آله در تحقق بعثت ایشان را فراهم می کند. (1)

تأکید بر این نقش ورقه در حالی است که او مسیحی بود و کسی به مسلمان شدن وی پس از نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره نکرده در حالی که او سال ها بعد از بعثت زنده بود اما مسلمان نشد. (2) ابن عباس گوید: «او بردین نصرانیت باقی بود تا مرد». (3) چگونه می شود شخص پیامبر صلی الله علیه و آله که در ارتباط مستقیم با فرشته وحی سخن گفته از جانب خدا به این اطمینان، نرسیده، اما از سخن شخصی مانند ورقه به یقین برسد که به نبوت منصوب شده است؟

5. سبک زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام و تعداد فرزندان ایشان

گاه شرق شناسان بدون در نظر گرفتن تزییقات و تحقیری که در دوره جاهلیت قبل از اسلام علیه زنان وجود داشته، با توجه به نوع تعامل و سبک زندگی حضرت رسول با خدیجه کبری علیها السلام جایگاه ویژه ای برای زنان عصر جاهلی ذکر کرده اند و مشاوره دوست خزانة دار و ناصح بودن حضرت خدیجه علیها السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله را در این جهت توصیف نموده اند. (4) حال آن که باید توجه داشت جایگاه مذکور خاص تمام زنان عصر جاهلیت عرب نیست بلکه به ندرت همسرانی در این عصر زندگی مالا مال از عشق و محبت داشتند که زندگی مشترک پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام، کامل ترین و بهترین، این نمونه هاست. گاه حضرت خدیجه علیها السلام در آثار شرق شناسان به عنوان زنی و توصیف شده که علیرغم جدی بودن بسیار مهربان و شاد بوده است. (5) این

ص: 207

- 1- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام)، همان، ص 110.
- 2- ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی معرفه الصحابه، همان، ج 3، ص 633.
- 3- ابن اثیر، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، همان، ج 1، ص 207.
- 4- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام)، همان، ص 98.
- 5- همان، ص 109.

مسأله در کنار خلق حسنه و بی مثل و مانند حضرت رسول صلی الله علیه و سلم، زندگی سرشار از تفاهم و صمیمیت برای ایشان ساخته است (1)

در کنار این مسأله از نگاه شرق شناسان چون خدیجه علیها السلام اولین کسی بود که پیام حق را پذیرفت و اسلام آورد این اعتماد و اعتقاد خدیجه علیها السلام در نظر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اهمیت فراوان یافت و باعث شد همواره بگوید:

هیچ زنی بهتر از خدیجه علیها السلام نیست؛ زیرا او به من ایمان آورد و دیگران سخنانم را دروغ پنداشتند. (2)

جان دیون پورت می گوید:

این جمله باید به افتخار محمد صلی الله علیه و آله نوشته شود که برای او نیز ایمان خدیجه علیها السلام تعجبی نداشت، زیرا محمد صلی الله علیه و آله ثابت کرده بود، برای این زنی که او را با عشق از فشار نیازمندی نجات داده مهربان ترین شوهر است و تا روزی که خدیجه حیات داشت؛ محمد صلی الله علیه و آله از حق معمول دارد تعدد که آن روزها رایج بود استفاده نکرد؛ هم چنین حقیقت و واقعیت خودش را نسبت به عیالش از لحاظ عشق و محبت تغییر ناپذیر ثابت کرده بود در این صورت چگونه ممکن بود که این زن در صحت گفتار او شک کند؛ بنابراین خدیجه علیها السلام رؤیا و حالات عارضه بر محمد صلی الله علیه و آله را مظهر واقعی اراده خدا تلقی کرد و به او ایمان آورد. (3)

گیورگیو نیز اشاره می کند که پانزده سال پس از ازدواج با خدیجه علیها السلام، زندگی حضرت محمد صلی الله علیه و آله هم چنان یک نواخت و آرام بود. (4) کارن آرمسترانگ نیز معتقد است اگر چه پیامبر صلی الله علیه و آله به زنان اشتیاق نشان می داد، هرگز تا زمانی که خدیجه علیها السلام زنده بود تصور چند زن داشتن را که از کارهای عادی اعراب به شمار می رفت به خود راه نداد همین نکته پاسخی است به غریبان که از

ص: 208

1- آن ماری شمیل، محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله، مترجم حسن لاهوتی تهران: انتشارات علمی- فرهنگی، 1383. ص 13.

همچنین جان دیون، پورت عذر تقصیر به پیشگاه محمد، وقرآن، همان، ص 15

2- کنستانتین ویرژیل گیورگیو پیامبری که از نو باید شناخت، همان، ص 58.

3- ص 23

4- کنستانتین ویرژیل گیورگیو، پیامبری که از نو باید شناخت، همان، ص 49

پیامبر صلی الله علیه و آله به دلیل داشتن چند زن فراوان انتقاد می کنند. آن حضرت پس از مرگ خدیجه علیها السلام هم با ستایش همیشگی از آن بانو عصبانیت دیگر همسران خود را بر می انگیزت و حتی یک بار با احساس شنیدن صدای خدیجه علیها السلام رنگ از رخسارشان پرید و صورت ایشان سفید گردید. (1)

عدم ازدواج مجدد رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمان حیات خدیجه علیها السلام، و با وجود مرسوم بودن چنین امری در آن زمان از طرف شرق شناسان به دلیل مهر و علاقه ای دانسته شده که در این زندگی حکم فرما بوده است. با وجود تفاوت سنی، آن دو بزرگوار از مهربان ترین زن و شوهرها به شمار می رفتند. پیامبر صلی الله علیه و آله طی 25 سال زندگی با خدیجه علیها السلام ذره ای به او خیانت نکردند و بعد از وفات آن بانو هر وقت به یاد خدیجه علیها السلام می افتادند، اشک می ریختند. (2) جان دیون پورت در این زمینه می گوید:

با وجود این که خدیجه علیها السلام در چنین سن و سال و بر حسب قاعده باید زیبایی دوران جوانی خود را از دست داده باشد محمد صلی الله علیه و آله تا آخرین دقیق حیات خدیجه علیها السلام، به او وفادار ماندند و همان طور که قبلاً اشاره شد از گرفتن زنان دیگر خودداری کردند. (3)

خدیجه علیها السلام با وجود اختلاف سنی و اجتماعی که با شوهرش داشت از بهترین زن ها بود هیچ زنی مانند او رضایت همسر خود را جلب نکرده است. گیورگیو می گوید:

حضرت آدم در بهشت نگاهی به زندگی محمد صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام انداخت و گفت: «یکی از برتری های حضرت محمد صلی الله علیه و آله بر من این است که زن او برای اجرای اوامر خداوند به شوهرش کمک نمود حال این که زن من مرا در نافرمانی به دستورهای خداوند راهنمایی کرد» (4)

ص: 209

- 1- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام) همان، ص 123.
- 2- کنستانتین ویرژیل گیورگیو، پیامبری که از نو باید شناخت، همان، ص 14 و ص 89
- 3- جان دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، همان، ص 32
- 4- کنستانتین ویرژیل گیورگیو زندگانی حضرت محمد (محمد پیامبری که از نو باید شناخت)، همان ص 46

قدرشناسی و وفاداری پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام، بعد از حیات ایشان و تا پایان عمر شریف پیامبر صلی الله علیه و آله ادامه داشت. عایشه به جایگاه بی بدیل این بانوی بزرگوار اشاره کرده است. (1)

خاورشناسان در مورد تعداد فرزندان که خدیجه علیها السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نظرهایی ابراز کرده اند خدیجه علیها السلام شش فرزند برای پیامبر صلی الله علیه و آله به دنیا آورد. دو پسر به نام های قاسم و عبدالله که هر دو در نوزادی مردند، به همین دلیل خدیجه علیها السلام ام القاسم (مادر قاسم) نام گرفت، ولی چهار دختر او به نام های زینب، رقیه، ام کلثوم و فاطمه باقی ماندند. (2) گیورگیو تعداد پسران را سه نفر معرفی می کند:

خدیجه علیها السلام برای محمد صلی الله علیه و آله سه پسر آورد که هر سه در خردی چشم از جهان فرو بستند به دنبال این سه پسر چهار دختر نصیب محمد صلی الله علیه و آله شد به نام های رقیه زینب ام کلثوم و فاطمه از این چهار دختر، یکی (فاطمه) صاحب نسل شد. (3)

مونتگمری وات هم نام فرزندان را، قاسم رقیه زینب، ام کلثوم، فاطمه، عبدالله (طیب) و طاهر معرفی می کند و می گوید:

فرزندان پسر در دوران طفولیت از دنیا رفته اند. (4)

اما قول صحیح در مورد تعداد و نام فرزندان خدیجه علیها السلام این است: خدیجه علیها السلام مادر تمام فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله به جز ابراهیم بود. طبق قول مشهور، فرزندان آن حضرت عبارت بودند از، قاسم عبد الله (ملقب به طیب و طاهر) رقیه، زینب ام کلثوم و حضرت فاطمه علیها السلام. (5)

ص: 210

1- جان دیون، پورت عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، همان، ص 33.

2- مونتگمری وات محمد در مکه، همان، ص 103

3- کنستانتین ویرژیل گیورگیو، زندگانی حضرت محمد (محمد پیامبری که از نو باید شناخت) همان ص 45

4- مونتگمری وات محمد در مکه، همان، ص 73

5- فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری، بینا، دارالکتب الاسلامیه، بی تا، ص 275، ابن هیثم مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت: دار الکتب العربی، 1969م، ج 9، ص 218

در آثار شرق شناسان به استقلال مالی حضرت خدیجه علیها السلام نیز اشاره شده است. (1) کارن آرمسترانگ نیز می گوید:

در آن عصر، زندگی شهری به بعضی از زنان فعالیت های تجاری را اجازه داده بود؛ همان گونه که در اروپای قرن دوم هم زنان زیادی را در مشاغل تجاری، بانکی و فروشگاه ها می دیدیم که بسیار موفق عمل می کردند، خدیجه علیها السلام نیز مانند آنان ولی در مکه بود (2)

در مواردی که شرق شناسان ازدواج های خدیجه علیها السلام با مردانی دیگر را مفروض گرفته اند، منشأ ثروت او نیز به تبع این مسأله و میراث از همسران سابق ایشان در نظر گرفته شده است. کارل بروکلمان نیز در این زمینه می نویسد:

محمد صلی الله علیه و آله پس از آن که به سن رشد رسید به خدمت خدیجه علیها السلام در آمد. او زن متمول و بازرگانی بود که مال به ارث رسیده از دو شوهر پیشینش را شخصاً اداره می کرد؛ (3) در حالی که در مقابل قول ازدواج سابق حضرت خدیجه علیها السلام قول و عدم ازدواج و باکره بودن ایشان هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله هم هم مطرح است و قرآینی آن را تقویت می کند. اما در هر حال، اطلاعات اندکی درباره منشأ ثروت حضرت خدیجه علیها السلام در دست است و آن چه غالباً بیان می شود حدس و گمان پژوهش گران و تاریخ نگاران است؛ اما بیش تر تاریخ نگاران معتقدند که حضرت خدیجه علیها السلام سرمایه اولیه خود را از طریق پدر ثروتمند خود به ارث برد و چون خاندان وی حنیف پیرو آیین ابراهیمی بودند، برخلاف دیگر زنان عصر جاهلی، از حق ارث محروم نبود و چون برادرانش به جز عمر و همه از دنیا رفته بودند و حضرت خدیجه علیها السلام از نظر سنی از همه بزرگ تر بود این اموال در اختیار وی قرار گرفت و سپس آن را با درایت و قدرت مدیریت خود توسعه داد. (4)

ص: 211

1- مونتگمری وات محمد پیامبر و سیاستمدار، همان، ص 13

2- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام) همان، ص 109

3- کارل بروکلمان، تاریخ دول و ملل اسلامی، مترجم، هادی جزایری دوم تهران علمی- فرهنگی، 1382 ص 232

4- خانواده پیامبر اسلام، همان، همان، ص 36.

1. نقش خدیجه علیها السلام در اطمینان بخشی به پیامبر صلی الله علیه و آله در صدور وحی

کارن آرمسترانگ حضرت خدیجه علیها السلام را اولین مسلمان معرفی می کند به گفته وی آن بانو نخستین کسی بود که رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله را پذیرفت و پس از او، خانواده، پیامبر علی زید و چهار دختر پیامبر صلی الله علیه و آله (1) در برخی دیگر از آثار شرق شناسان حضرت خدیجه علیها السلام اولین مسلمانی معرفی شده که حتی لحظه ای در ابراز ایمان خود تردید نکرد. (2) در برخی از این آثار به نگرانی حاصل از ترس پیامبر صلی الله علیه و آله هم اشاره شده است:

او پس از وحی، در فضایی رها شده بود که هیچ گونه تصور قبلی از آن نداشت و به سادگی نمی توانست آن را برای خود توجیه کند؛ اما در این تنهایی و وحشت، سریعاً نزد خدیجه علیها السلام بازگشت و در حالی که روی چهار دست و پا می خزید و تمامی بدن او لرزان بود سر به زانوی خدیجه علیها السلام گذاشت و گفت: «مرا بپوشان مرا بپوشان!». (3)

هم چنین در آثارشان اشاره کرده اند که خدیجه تلاش کرد به حضرت اطمینان دهد که آن چه بر او نازل شده، وحی است نه القاء شیطان؛ (4) زیرا در برخی از این منابع آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله می ترسید تحت القاء شیاطین و یا جن، کاهن شده باشد. (5) بنابراین پس از این که تعادل روحی خود را بازیافت اولین سؤالش از خدیجه علیها السلام این بود: «آیا من یک کاهن شده ام؟» (6) در این دوره، بزرگ ترین حامی پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته شده است. (7)

گاه در آثار شرق شناسان، نوع ادبیات حضرت خدیجه علیها السلام برای آرامش بخشی

ص: 212

-
- 1- کارن آرم، استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام)، همان، ص 133.
 - 2- جان دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن همان، ص 22 - 23 . 3 . کارن
 - 3- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام) همان، ص 108
 - 4- کنستانتین ویرژیل گیورگیو، پیامبری که از نو باید شناخت همان، ص 52
 - 5- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام) همان، ص 10
 - 6- همان، ص 109
 - 7- آن ماری شمیل، محمد رسول الله، مترجم حسن لاهوتی، اول، تهران: علمی- فرهنگی، 1383، ص 13

به پیامبر صلی الله علیه و آله نیز تشریح شده است. (1)

تکیه و تأکید بر نقش حضرت خدیجه علیها السلام در این زمینه، تا حدی است که برخی از آنان تصور می کنند حضرت محمد صلی الله علیه و آله در سال های اولیه مأموریت خود بدون یاری و هم فکری خدیجه علیها السلام قادر به ادامه راه نبودند:

خدیجه علیها السلام زنی فوق العاده و از دیگر زنان عرب متمایز بود. او به گفته ابن اسحاق (مورخ اسلامی) باهوش و ممتاز بود هر زمان که حضرت محمد صلی الله علیه و آله از حمله دشمنان یا رسیدن وحی به وحشت می افتاد مستقیماً به سوی خدیجه علیها السلام می رفت و آرامش خود را باز می یافت. او اولین زنی بود که به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ایمان آورد و با قدرت بخشیدن به او بار سنگین مأموریتش را سبک تر ساخت. (2)

در برخی از آثار شرق شناسان می خوانیم:

محمد صلی الله علیه و آله هر گاه که تنها می ماند و در مأموریت خود برای پیامبری دچار تردید می شد به خدیجه روی می آورد. (3) در ابتدای کار نیز پس از این که با اضطراب ناشی از، وحی نزد خدیجه علیها السلام رسید خدیجه علیها السلام او را در آغوش گرفت و سعی کرد با، نوازش، وحشت را از او بزداید!

تمامی منابع از اتکاء خارج از تصور پیامبر صلی الله علیه و آله بر خدیجه علیها السلام در زمان بحران ها خبر می دهند:

از آن به بعد نیز هر گاه در کوه الهام جدیدی به او می رسید، لرزان نزد خدیجه علیها السلام آمده، می خواست تا او را با عبا بپوشاند. (4) هم چنین است در فترتی که محمد صلی الله علیه و آله بعد از نزول وحی به آن دچار شده بود. (5)

داده های شرق شناسان در مورد ایمان آوردن حضرت خدیجه علیها السلام و نخستین

ص: 213

-
- 1- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام) همان، ص 110
 - 2- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام) همان، ص 122
 - 3- کنستانتین ویرژیل گیورگیو، محمد پیامبر و سیاستمدار، همان، ص 14
 - 4- کارن آرم استرانگ محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام)، همان، ص 109 بر طبق مدارک صحیح تنها ابتدای نزول وحی حضرت به خود گلیم و جامه پوشیده احساس سرما و لرز نمود.
 - 5- مونتگمری وات محمد در مکه، همان، ص 91

مسلمان بودن ایشان درست است؛ زیرا طبق منابع وی از طریق عالمان یهود و نصارا، نشانه های نبوت را در شوهر خود دیده بود (1) به همین سبب، بعد از دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله از او برای ایمان آوردن خدیجه علیها السلام با آرامش و اطمینان قلبی عرض نمود: «من سال هاست که پیغمبری تو را انتظار می کشم»، پس شهادتین را بر زبان جاری ساخت و خالصانه به آن حضرت ایمان آورد (2)

در نقش عاطفی و حمایت های روحی حضرت خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله در آغاز نزول وحی تردیدی نیست. هر گاه پیامبر از آزار و اذیت قریش آزاده خاطر می شدند حضرت خدیجه علیها السلام با دلداری دادن به ایشان باعث آرامش و تسکین آن حضرت در برابر سختی ها می شد. (3) اما در مورد اطمینان بخشی خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد صدور وحی باید گفت که همه داده های شرق شناسان متعصب، در یک نکته مشترک هستند و آن نیازمندی و احتیاج پیامبر صلی الله علیه و آله به شخص دیگر است تا او را از دنیای تردید بیرون آورد. این اطلاعات، از داده های جعلی ناشی می شود که در کتب اهل سنت راه یافته و اکثر منابع شرق شناسان تبیین درست و روشنی از نقش حمایتی حضرت خدیجه علیها السلام در تبلیغ پیامبر صلی الله علیه و آله صورت نداده اند؛ بلکه با بهره گیری از روایات ضعیف اما مشهور به جای تبیین شخصیت و جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام، در این زمینه به تضعیف پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخته اند ریشه این تحلیل های افسانه وار درباره چگونگی بعثت عایشه است و جزاوری دیگری ندارد و سپس با تکرار در متون و منابع حدیث و تاریخ اسلام به یک حقیقت قطعی و تردید ناپذیر تبدیل شده است. (4) خوف حضرت از نزول وحی بر خود به سبب اطمینان نداشتن به صدور وحی نبوده بلکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با توجه به شناختی که از جامعه آن روز حجاز داشتند می ترسیدند جامعه آن روز دعوتش را نپذیرند. به عبارت

ص: 214

1- محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، قم: منشورات العلامه، بی تا، ج 1، ص 68.

2- همان، ج 1، ص 74.

3- ابن هشام، السیره النبی، همان، ج 1، ص 185.

4- خانواده پیامبر در دایره المعارف اسلام، ص 45

دیگر، روح هر چند برای برقراری ارتباط با عالم غیب توانا باشد، باز هم در آغاز، کار چون با فرشته ای که تا به حال با او روبه رو نشده مواجه شود، اضطراب به ایشان دست می دهد؛ اما بعدها اضطراب ایشان از بین رفت. (1)

بی شک نقش حضرت خدیجه علیها السلام، از بین بردن اضطراب های این چینی بود و مطالبی که در این باره نقل می شود گاه با مقام رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله منافات دارد. (2) روایت های این چینی که در منابع اهل سنت به وفور یافت می شود، غالباً بدون سندشناسی و رجال شناسی منعکس شده در حالی که علاوه بر آن باید ساحت و مقام عصمت نبوت نیز در نظر گرفته شود این داده ها بدون این که بررسی تخصصی در مورد آن صورت گیرد دست مایه شرق شناسان شده و قضاوت های بی اساس در مورد حضرت را باعث گردیده است.

2. همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله و حمایت های مالی و اجتماعی

از جمله نکاتی که از نگاه شرق شناسان مخفی نمانده همراهی حضرت خدیجه علیها السلام و تکیه گاه واقع شدن ایشان برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. در این، آثار حضرت خدیجه علیها السلام نه تنها اولین ایمان آورنده به پیامبر صلی الله علیه و آله بلکه بهترین یار و مددکار ایشان معرفی شده و جایگاه او را به واسطه این همراهی به عنوان هم نشین با برگزیده ترین زنان عالم ستوده اند. (3)

از نظر شرق شناسان، منصف خدیجه علیها السلام تنها یک همسر مهربان و آرامش بخش نبود او مشاور روحی پیامبر نیز به شمار می رفت. به اعتقاد کارن آرمسترانگ، او برای پیامبر صلی الله علیه و آله نقش همان مشاورانی را بازی می کرد که در ادیان یکتاپرستی به کمک پیامبران آمده بودند (4)

همراهی آن بانو در نوع سلوک و منشی که پیامبر صلی الله علیه و آله در زندگی بدان معتقد

ص: 215

1- جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، قم دفتر تبلیغات اسلامی، بی تا، ج 1، ص 185.

2- ابن اثیر، اسد الغابه، همان، ج 5، ص 436.

3- کنستانتین ویرژیل، گیورگیو، پیامبری که از نو باید شناخت، همان، ص 89

4- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام) همان، ص 109.

بودند، مسأله دیگری است که توجه شرق شناسان را جلب نموده تا جایی که برخی از آن ها گفته اند:

این، ازدواج جنبه راحت طلبی نداشت محمد صلی الله علیه و آله بخش عظیمی از ثروت خدیجه علیها السلام را صرف مستمندان و فقرا کرد تا جایی که خانواده او در مشقت نسبی به سر می بردند (1)

یا به این مسأله اشاره کرده اند که در مدت سه سال محاصره اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان در شعب ابی طالب علیه السلام، حضرت خدیجه علیها السلام تمام دارایی خود را در راه اسلام و حمایت از نومسلمانان هزینه کرد و در نتیجه، تمام ثروت خود را از دست داد. (2)

همراهی و پشتوانه بودن حضرت خدیجه علیها السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله، تا بدان پایه است که شرق شناسان فوت او بعد از جریان شعب ابی طالب را به عنوان یک ضایعه و از دست دادن اولین ستون اسلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله توصیف کرده اند. (3)

از نگاه آنان، نقش حمایتی حضرت خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله به حدی قوی بود که درگذشت او به عنوان از دست دادن بزرگ ترین پشتوانه رسول اکرم صلی الله علیه و آله توصیف شده است:

در سال 619 میلادی محمد صلی الله علیه و آله همسر باوفای خود خدیجه علیها السلام را از کف داد که در روزگار محنت و نزدیک به نوامیدی نیرومندترین پشتیبان بود. (4)

از نظر آنان، نبود خدیجه علیها السلام در مقاطع دیگر حیات پیامبر صلی الله علیه و آله هم چنان خلأ جبران ناپذیری برای ایشان بوده است. (5)

با وجود تمام نکات پیش گفته، در آثار شرق شناسان آن گونه که شایسته است، به همراهی و هم کاری حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخته نشده،

ص: 216

1- همان، ص 123

2- کنستانتین ویرژیل گیورگیو محمد پیامبری که از نو باید شناخت، همان، ص 88

3- همان، ص 89.

4- آن ماری، شمیل، محمد رسول الله، همان، ص 16.

5- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام) همان، ص 183.

بلکه به طور پراکنده و مبهم به این مسأله پرداخته اند. در حالی که روایت های بسیار شفافی از فداکاری و پشتیبانی حضرت خدیجه علیها السلام از مقام رسالت، در منابع تاریخی منعکس گردیده است تا جایی که گاه خدیجه علیها السلام وارد معرکه شده و پیامبر صلی الله علیه و آله را از مهلکه آزار و اذیت جسمی نجات داد. (1) اما در آثار آنان به ایفای چنین نقش هایی پرداخته نشده است.

گاه این فداکاری ها در آثار برخی از آنان نادیده گرفته شده است؛ برای، نمونه کارل بروکلمان حقیقت را تحریف کرده و اقدامات و فداکاری های حضرت خدیجه علیها السلام را کاملاً نادیده گرفته و آن را جملگی به دیگران نسبت داده است؛ برای مثال می نویسد:

گویا ابوبکر دوست محمد صلی الله علیه و اله، قسمت مهمی از ثروت خود را صرف باز خرید و استخلاص مظلومان بی دفاع نمود در حالی که حضرت خدیجه علیها السلام پس از آغاز زندگی مشترک با محمد صلی الله علیه و آله، اموالش را نیز وقف رسول خدا صلی الله علیه و آله کرد و خطاب به مردم فرمود: «مردم شاهد باشید که من خودم و مالم متعلق به محمد صلی الله علیه و آله است» (2) بعد مالش را در اختیار شوهر امین خود قرار داد کارکرد ثروت خدیجه علیها السلام در سال های نخست بعثت، به قدری بود که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سود هیچ: فرمود سود هیچ مالی برای من مانند مال خدیجه علیها السلام نبود» (3) و این اموال همه در اختیار حضرت رسول صلی الله علیه و سلم قرار گرفت

3. رحلت حضرت خدیجه علیها السلام

مسأله درگذشت حضرت خدیجه علیها السلام و پیامدها و وقایع پس از آن نیز از جمله مسائل دیگری است که توجه شرق شناسان را جلب نموده و به آن اشاره کرده اند:

پس از چند روزی که از وفات ابوطالب گذشته، بود، خدیجه علیها السلام همسر

ص: 217

-
- 1- اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی، البداية والنهاية، بیروت: دار الفکر، 1407 ق. ج 3، ص 197
 - 2- عبدالحمید مهاجر، اعلموا انی فاطمه، بیروت: دارالکتب و العترة، 1413 ق.، ج 2، ص 235
 - 3- محسن عاملی، اعیان الشیعه، تحقیق سید حسن امین 11، جلد بی، چا، بیروت، دار التعارف، 1403، ج 1، ص 220

باوفای پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که سرش در آغوش وی بود درگذشت. وفات این شریک زندگانی که آن قدر مورد محبت، بود در حقیقت برای او حادثه جان سوزی محسوب می شد؛ زیرا مدت پنج سال این زن برای محمد صلی الله علیه و اله وسلم مشاور و پشتیبان بود و در این هنگام اجاق خانواده او خاموش گردید و محمد صلی الله علیه و آله تنها ماند (1)

خدیده علیها السلام در قبرستان مکه مدفون شد که در قسمت شمال غربی آن واقع است. جهانگرد معروف بورکسهاروت می نویسد:

قبر خدیجه علیها السلام تاکنون به همان حال باقی است و منظم مورد نیاز زائران است، مخصوصاً صبح روزهای جمعه و جز آیاتی چند از آیه الکرسی که روی قبر او با خط کوفی حک شده چیز با اهمیتی در مقبره دیده نمی شود. (2)

شرق شناسان به اولین ازدواج های رسول اکرم صلی الله علیه و آله پس از وفات حضرت خدیجه علیها السلام نیز اشاره کرده اند:

دو ماه بعد از رحلت آن، بانو محمد و صلی الله علیه و آله با بیوه ای به نام سوده ازدواج کرد و تقریباً در همان اوقات عایشه دختر زیبای ابوبکر، دوست صمیمی وی به حباله نکاح او درآمد و این وصلت موجب تقویت و تشدید روابط طرفین گردید. (3)

نتیجه

سیمای حضرت خدیجه علیها السلام از نظرگاه شرق شناسان پس از بررسی تاریخ پیامبر صلی الله علیه و آله، غالباً با نگاه احترام آمیز به آن با نوست، اما دو نگاه متعصب و متعادل در ترسیم سیمای حضرت خدیجه علیها السلام در آثار آنان قابل ترسیم است، زیرا آثارشان به منابع اهل سنت محدود می شود در حالی که منابع تاریخ اسلام در منابع اهل سنت خلاصه نمی گردد. از سوی دیگر، گاه در بهره گیری از

ص: 218

1- جان دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، همان، ص 32

2- همان، ص 32

3- همان، ص 34

گزارش های تاریخی هر چه با پیش فرض ها و گرایش های مادی خود مطابقت، دارد گزینش می کنند و از نقد و ارزیابی و بررسی اخبار و روایات خودداری می نمایند. در حقیقت اخبار و گزارش های مشهور اساس نوشته های آنان را شکل می دهد، اما کسانی که با شیوه های علمی تاریخ آشنا هستند، می دانند که برای یک خبر شهرت آن کافی نیست، بلکه باید اخبار معارض با آن را نیز بررسی و مطالعه کرد و به جمع بندی مناسب دست یافت. (1) از جمله این موارد، سن ایشان هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و ازدواج های پیشین ایشان قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله است. همان طور که در متن بررسی گردید، دیدگاه های دیگری در مقابل قولی که شرق شناسان اخذ کرده اند وجود دارد ولی به آن نظرها اعتنایی نکرده اند.

این منابع کم تر به نقش و فداکاری های حضرت خدیجه علیها السلام پرداخته اند برخی به این مسأله بسیار کم و اشاره وار در ذیل تاریخ و زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخته اند. برخی دیگر به همین اندازه نیز توجه نداده و به اشاراتی گذار بسنده نموده اند. اما مطلبی درباره بیان فضایل و جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام یافت نشد

از دیگر نقاط ضعف آثار شرق شناسان این است که کمتر به ابعاد مختلف زندگی و شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام پرداخته اند همچنین درباره پیشنهاد ازدواج از جانب خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی اکرم الله علیه و آله، تحلیل های متفاوتی صورت، گرفته و کمتر به مسأله دلباختگی او به کمالات پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره شده است. گاه دلباختگی حضرت خدیجه علیها السلام به سیمای زیبای پیامبر صلی الله علیه و آله و گاه اطمینان او از کاردانی و کفایت و نوع عملکرد آن حضرت در سفر به شام، دلیل چنین پیشنهادی است.

ص: 219

1- تصویر خانواده پیامبر در دایره المعارف اسلام (ترجمه و نقد)، همان، ص 26.

1. ابن سعد، طبقات الكبرى، دار صادر، بيروت، بی تا.
2. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، بی جا، بی تا.
3. ابن عبدالبر، یوسف بن عبد الله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق علی محمد بجاوی، چاپ اول، بیروت: دار الجیل، 1412 ق.
4. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، البدایه والنهایه، ج 2، بی جا، بی تا.
5. ابن هیثم، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت: دار الکتب العربی، 1969 م.
6. ابن اثیر، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: دار الفکر، 1409 ق.
7. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، 1410 ق.
8. اربلی، حسن بن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، بیروت: دار الکتب الاسلامی، 1401 ق.
9. آن ماری شمیل، محمد رسول خدا صلی الله علیه و اله، مترجم حسن لاهوتی تهران: انتشارات - علمی، فرهنگی، 1383 ش.
10. جان دیون، پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ترجمه: غلامرضا سعیدی، چاپ سوم تهران: شرکت انتشار 1344 ش.
11. جمعی از نویسندگان زیر نظر محمد تقی زاده داوری، تصویر خانواده پیامبر اسلام در دایره المعارف اسلام، قم، مؤسسه شیعه شناسی، 1387 ش.
12. حلبی، نورالدین، سیره الحلبیه فی سیره الامین المأمون، بیروت: دار الکتب العلمیه بی تا
13. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، بیروت، دارالفکر، 1417 ق.
14. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، بی تا.
15. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
16. طبری، محمد بن جریر، الرسل و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم 11

جلد چاپ دوم، بیروت، دارالتراث، 1387 ق.

17. عاملی، محسن، اعیان الشیعه، تحقیق سید حسن امین، 11 جلد، بیروت، دارالتعارف، 1403 ق.
18. عبدالمحمدی، حسین، شرق شناسان و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، چاپ دوم، تهران نشر المصطفی، 1394 ش.
19. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، بیروت: دارالمعرفه، بی تا
20. کارن آرمسترانک، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام)، ترجمه کیانوش حجتی تهران: حکمت، 1383 ش.
21. کوفی، علی بن محمد ابوالقاسم الاستغاثه، تهران، انتشارات الاعلمی، 1373 ش.
22. گیورگیو، کنستانتین ویرژیل، زندگانی حضرت محمد (محمد پیامبری که از نو باید شناخت)، ترجمه: مهرداد صمدی تهران انتشارات آسیا، بی تا.
23. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، 1404 ق.
24. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج 2، بی جا، بی تا.
25. ملائی، توانی، علیرضا در آمدی بر پژوهش در تاریخ، تهران، نشر نی، 1386 ش.
26. مونتگمری وات، محمد پیامبر و سیاست مدار، ترجمه: اسماعیل والی زاده تهران کتاب فروشی الاسلامیه، 1344 ش.
27. مونتگمری وات محمد در مکه ترجمه شعبان برکات، بیروت: مکتبه العصریه للطباعه والنشر، بی تا.
28. مهاجر عبد الحمید اعلموا انی فاطمه، بیروت: دارالکتب و العترة، 1413 ق.
29. نویری، شهاب الدین احمد بن عبدالوهاب نهاییه الارب، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1424 ق.
30. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، بی تا.

*بررسی جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در دائره المعارف قرآن لیدن: سکینه آخوند (1)

چکیده

مقاله «خدیجه علیها السلام» اثر باربارا فریر استواسر در جلد دوم دائره المعارف قرآن لیدن منتشر شده است. وی با استناد به منابع اهل سنت ابتدا به معرفی آن بانو پرداخته و بعد از بیان ویژگی های، او به چگونگی ازدواج خدیجه علیها السلام با پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم می پردازد و در ادامه به حمایت های مادی و معنوی او از پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام آوردن او و آیاتی از قرآن که در متون تفسیری با خدیجه علیها السلام مرتبط شده و جایگاه خدیجه علیها السلام در بین زنان برگزیده اشاره می نماید نویسنده مقاله به رغم مراجعه به منابع متعدد، به دلیل استناد به منابع اهل سنت و منابع محدودی از شرق شناسان، دچار کاستی و اشتباهاتی شده و مطالبی را ذکر کرده که با تاریخ قطعی سازگار نیست این، نوشتار درصدد است با بررسی این مقاله مطالب آن را با استناد به منابع معتبر اسلامی نقد کند و جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام نزد مسلمانان را کاملاً تبیین نماید.

واژگان کلیدی

قرآن، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، خدیجه علیها السلام، شرق شناسان، دائره المعارف لیدن

ص: 222

همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، به جهت قرابت با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و به لحاظ توجه خاصی که در آیات قرآن به ایشان شده موضوع بسیاری از مقالات و پژوهش های مسلمانان و شرق شناسان است حضرت خدیجه علیها السلام از جمله آن هاست که به عنوان اولین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله، جایگاه خاصی دارد. مقاله «خدیجه علیها السلام» اثر باربارا فریر استواسر در جلد دوم دایره المعارف قرآن لیدن منتشر شده است. خانم باربارا متولد 1935 میلادی علاوه بر این مقاله، دارای آثار دیگری مانند کتاب زنان در قرآن (1) (1998م) و مقاله «زنان پیامبر» در دایره المعارف قرآن است.

در این مقاله، نویسنده بعد از بیان ویژگی های خدیجه علیها السلام، به چگونگی ازدواج او با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را می پردازد و در ادامه به حمایت های مادی و معنوی او از پیامبر صلی الله علیه و آله، چگونگی اسلام آوردن او و آیاتی از قرآن که در متون تفسیری با خدیجه علیها السلام مرتبط شده اشاره می کند و در نهایت با توجه به آیات 11-12 تحریم و 42 آل عمران، به جایگاه آن بانو در بین زنان برگزیده (مریم و فاطمه خدیجه علیها السلام و عایشه) اشاره می نماید این مقاله شامل دو بخش است: نخست ترجمه مقاله «خدیجه علیها السلام» از دایره المعارف قرآن لیدن، شامل گزارشی کوتاه از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام و جایگاه ایشان است؛ دوم، بررسی و نقد مقاله که مباحث مقاله در چند محور بررسی و نقد می گردد و در نهایت نتیجه گیری می شود.

ترجمه مقاله

«خدیجه علیها السلام دختر خویلد از طایفه اسد از قبیله قریش اولین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله، مادر تمام فرزندان آن حضرت جزیکی و اولین ایمان آورنده به رسالتش است. از آن جا که او سه سال قبل از هجرت به مدینه درگذشت و با

ص: 223

توجه به این که آیاتی که اختصاصاً خطاب به اعضای خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله بودند در مدینه نازل شد نام خدیجه علیها السلام به ندرت در متون تفسیری دیده می شود. با این حال، نقش وی در نوع های ادبی، سیره های نبوی، قصص الانبیا و نیز در دینداری عامیانه پر رنگ بوده است».

خدیجه علیها السلام تاجر مکی اشرافی و ثروتمندی بود که از ازدواج قبلی اش دو پسر و یک دختر داشت. آن گاه که بیوه بود [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله به عنوان ناظر مال التجاره، در سفری تجاری به شام خدماتی به او کرده و گفته می شود در طول این سفر، جوانی از خانواده خدیجه علیها السلام به نام، میسره معجزاتی از [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله دید که انتخاب وی به نبوت را پیشگویی می کرد. این سفر تجاری موفقیت آمیز بود و خدیجه علیها السلام، متأثر از شخصیت خوب و امانت داری [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله، به او پیشنهاد ازدواج داد در منابع اهل سنت آمده است که این پیشنهاد را محمد صلی الله علیه و آله و عمویش حمزه بن عبد المطلب به خویلد بن اسد پدر خدیجه علیها السلام دادند (1) یا این که عمر بن سعد عموی خدیجه علیها السلام، او را به ازدواج پیامبر در آورد. (2) طبق اکثر روایات [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله در آن زمان بیست و پنج و خدیجه علیها السلام چهل ساله بودند. او حداقل پنج فرزند برای شوهرش آورد؛ چهار دختر (زینب، ام کلثوم، فاطمه و رقیه) و یک یا احتمالاً دو پسر (قاسم، عبد الله؛ که البته ممکن است یک فرد باشند) با این که «الطاهر» و «الطیب» عموماً به عنوان لقب های عبدالله پذیرفته شده اند. (3)

حمایت های مادی عاطفی و معنوی خدیجه علیها السلام، در توفیق رسالت محمد صلی الله علیه و سلم بسیار اهمیت داشت متون تفسیری عموماً آیه 8 ضحی را «و تو را فقیر یافت، پس بی نیاز کرد» به این ازدواج مرتبط می کنند. خدیجه علیها السلام اولین تجارب معجزه آسای [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله و به ویژه برانگیخته شدن وی به نبوت را به ورقه بن نوفل عموی مسیحی اش گزارش داد و او این حادثه را به وحی

ص: 224

1- Ibn Ishaq-Guillaume, 82-83

2- ابن سعد، 132/1-133.

3- Ibn Ishaq-Guillaume, 82-83

شریعت بر موسی شبیه دانست؛ (1) هم چنین مطابق با نظریه ای، شاید همین ورقه جزئیات مربوط به باورهای مسیحیت را در اختیار محمد صلی الله علیه و اله قرار داده باشد. (2)

بر اساس اکثر روایات، خدیجه علیها السلام نخستین کسی بود که به خدا و رسول او و حقانیت پیامش ایمان آورد؛ یعنی او نخستین پیرو پیامبر و بعد از خود محمد صلی الله علیه و آله دومین مسلمان بود. بر اساس برخی روایات، علی بن ابی طالب پسر عموی، پیامبر دومین مسلمان و خدیجه علیها السلام سومین مسلمان بود. پیامبر تا خدیجه علیها السلام زنده بود همسر دیگری اختیار نکرد و او همواره تکیه گاه اصلی پیامبر در جنگ ها علیه دشمنان مکی بود. (3)

رتبه خدیجه علیها السلام در بین زنان برگزیده خداوند یعنی در واقع اهمیت کیهان شناختی وی، در متون تفسیری در تفسیر آیات 11-12 تحریم و 42 آل عمران نشان داده شده است. در سیاق آیات 11-12 تحریم او به سبب خدمات زیادش به رسالت پیامبر هم ردیف همسر فرعون (آسیه) و مریم دختر عمران (مادر عیسی) دانسته می شود که هر دو اسوه ای برای مؤمنان بودند. درباره آیه 42 آل عمران، یعنی سخن فرشتگان به مریم که خداوند او را بر زنان جهان برگزیده است، نام خدیجه علیها السلام به طور چشمگیری در مباحث تفسیری مربوط به منزلت مریم در بین شخصیت های زن قرآنی و نیز در ارتباط با سه زن برگزیده از خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله، (خود خدیجه علیها السلام، عایشه همسر بعدی پیامبر و فاطمه دختر پیامبر) دیده می شود. در این زمینه در بسیاری از روایات در منابع تفسیری و متون قصص الانبیا به نقل از پیامبر خاطر نشان شده است که مریم فاطمه خدیجه علیها السلام و عایشه بهترین زنان جهان و سرور زنان در بهشتند با اینکه روایات مربوط به گنجاندن عایشه در این گروه به لحاظ تعداد کم ترند، بسیاری از روایات مربوط به سیره تصریح دارند که مریم، آسیه، خدیجه علیها السلام و عایشه، همگی همسران محمد صلی الله علیه و آله در بهشت خواهند بود و در آن جا عمارت بهشتی

ص: 225

1- Ibn Ishaq-Guillaume, 83, 107

2- Sprenger, Leben, I, 124-134

3- Ibn Ishaq-Guillaume, 111-114

مقاله «خدیجه علیها السلام»، دارای نکات مثبت است؛ از جمله:

1. تأکید بر فضایل و ویژگی های آن بانو از قبیل اینکه وی اولین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله مادر تمامی فرزندان او جز یکی از ایشان نخستین زن مسلمان به پیامبر صلی الله علیه و آله، حمایت های مالی و عاطفی و معنوی خدیجه علیها السلام از آن حضرت و جزء زنان برگزیده عالم بودن وی؛

2. اشاره به تفسیر برخی آیات قرآن درباره خدیجه علیها السلام؛

3. استناد به منابع متعدد از شرق شناسان و مسلمانان؛

4. رویکرد مثبت و نسبتاً منصفانه به این شخصیت.

هم چنین مقاله در نگاه کلی دارای کاستی ها و نکات خدشه پذیر متعددی است که به بررسی و نقد نیاز دارد؛ از جمله این که نویسنده این مقاله و بیش تر شرق شناسان در شناخت اسلام و قرآن فقط به منابع تاریخی حدیثی و تفسیری اهل سنت مانند طبقات ابن سعد، قصص الانبیا ابن کثیر، انوار بیضاوی تفسیر طبری، تفسیر فخر رازی مراجعه می کنند و خود را از منابع اصیل و غنی اهل بیت علیهم السلام محروم می سازند. این رویکرد، باعث می شود تصویر ناقصی از اسلام و منابع اسلامی به دست آورند و در داوری گرفتار مشکل یا لغزش شوند. دوم این که سایر منابع ایشان در نوشتن مقاله آثار نویسنده های غربی است که با روح اسلام بیگانه اند. از این رو، در بررسی تفصیلی به ترتیب متن مقاله به چند محور پرداخته می شود:

ص: 226

1- باربارا فریر استواسر، دائره المعارف، لیدن، ترجمه جلیل پروین

2- طبری، تفسیر، ج 6، ص 393-400؛ فخر رازی، تفسیر، ج 8، ص 45-46؛ بیضاوی، انوار، ج 1، ص 155؛ ابن کثیر، قصص، ج 2، ص 375-383.

به اعتقاد نویسندگان مقاله حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله بیوه زنی بوده که از ازدواج قبلی اش صاحب دو پسر و یک دختر شده است. شاید دلیل این اعتقاد مراجعه به کتب محدودی از اهل سنت باشد. این دیدگاه سست، ناشی از اشتباه تاریخ نگاران یا غرض ورزی برخی دیگر بوده است. در پاسخ باید بیان کرد که این ادعا مخدوش است و با بررسی بیش تر در منابع تاریخی و روایی، آشکار می شود که وی هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله دوشیزه بوده ولی مغرضان برای اینکه این فضیلت را از آن دیگران معرفی کنند، وی را بیوه معرفی نموده اند.

ابوالقاسم علی بن احمد کوفی (م 352 ق) در این باره می نویسد:

بی گمان حضرت خدیجه علیها السلام به جز رسول خدا صلی الله علیه و آله با هیچ کس ازدواج نکرد (1)

وی در ادامه سخنانش می گوید:

خدیجه ای که به اتفاق تاریخ نگاران و سیره نویسان، دست رد به سینه همه اشراف و رجال برجسته زمان زده است چه صاحب درک و اندیشه ای احتمال می دهد که به ازدواج شخص گمنامی از اعراب رضایت دهد. اهل خرد و اندیشه می دانند که چنین مطلبی از محالات است و یقین می کنند که حضرت خدیجه علیها السلام جز رسول خدا با هیچ کس ازدواج نکرده است. (2)

ابن شهر آشوب، از چهار شخصیت برجسته جهان تشیع و تسنن (بلاذری در انساب الاشراف، ابوالقاسم کوفی در الاستغاثه، سید مرتضی علم الهدی در الشافی، و شیخ طوسی در تلخیص الشافی) روایت کرده که فرموده اند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کرد که وی

ص: 227

1- ابوالقاسم کوفی، الاستغاثه، ج 1، ص 70

2- همان.

حسین بن حمدان خصیبی با صراحت و قاطعیت می نویسد:

به جز رسول خدا صلی الله علیه و آله، هرگز کسی افتخار همسری خدیجه علیها السلام را پیدا نکرد؛ چنان که تا خدیجه زنده بود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همسر دیگری بر نگزید. (2)

ابن شهر آشوب با توجه به دو کتاب الأنوار و البدع (3) تأکید می کند که رقیه و زینب دختران، هاله خواهر خدیجه بودند. (4) علامه مجلسی نیز همین متن را از ابن شهر آشوب نقل کرده است. (5)

به گفته یعقوبی، «خدیجه علیها السلام خواهری به نام هاله داشت که همسرش از دنیا رفت و دو فرزندش را بدون سرپرست گذاشت حضرت خدیجه علیها السلام که زنی ثروتمند بود، سرپرستی خواهر و خواهرزاده خود را به عهده گرفت و پس از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، بچه ها در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله باقی ماندند و عرب می پندارد که اگر کسی را بزرگ کنی، فرزند توست؛ به همین جهت برخی مردم آنان را دختران خدیجه پیامبر صلی الله علیه و آله می پنداشتند نه هاله». (6)

سید جعفر مرتضی عاملی، دو تألیف مستقل با نام های بنات النبی أم ربانیه و القول الصائب فی اثبات الربائب در این باره که فرزندان خدیجه علیها السلام، ربیه پیامبر نبوده و فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند به رشته تحریر درآورده و هم چنین در کتاب الصحیح من سیره النبی الأعظم به تفصیل در این باره سخن گفته است. (7)

با این اوصاف، چگونه می توان پذیرفت، خدیجه علیها السلام که از ازدواج با بزرگان و

ص: 228

1- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب، ج 1، ص 206.

2- خصیبی، الهدایة الكبرى، ص 206

3- الانوار از تالیفات ابوالحسن البکری و البدع، کتاب الاستغاثه فی بدع الثلاثه از ابولقاسم کوفی است.

4- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 206

5- مجلسی، بحار الانوار، ج 22، ص 191.

6- احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 38.

7- سید جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج 2، ص 125 - 126؛ همو، بنات النبی ام ربانیه، ص 75-124

سروران قریش خودداری نموده و خواستگاری آنان را رد کرده، با اعرابی از قبیله بنی تمیم ازدواج کند؟ چطور وقتی خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرد، زنان قریش بر او خشم گرفته او را ترک کردند؛ چون از ازدواج با اشراف و بزرگان قریش سرباز زده و با محمد یتیم ابوطالب ازدواج کرده بود ولی در ازدواج با عرب های دیگر او را به عیب و عار متهم نساختند؟ چگونه می توان پذیرفت که حضرت خدیجه علیها السلام در ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله از ناحیه قریش سرزنش شده اما در ازدواج با یک اعرابی ابداً سرزنش نشده باشد؟ بنابراین شایعه ازدواج خدیجه علیها السلام قبل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تحریف عمدی تاریخ بوده تا این فضیلت را از آن دیگران معرفی نمایند

بدین ترتیب آن چه نویسنده مقاله درباره فرزندان خدیجه علیها السلام از ازدواج قبلی اش بیان داشته پذیرفتنی نیست و طبق مستندات، مشخص می شود که فرزندان خواهر وی بوده اند که خدیجه علیها السلام کفالت آن ها را به عهده گرفته بوده است.

ب) سن خدیجه علیه السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله

نویسنده مقاله بر اساس پاره ای از روایات اهل سنت سن خدیجه علیها السلام را هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله چهل سال و سن پیامبر صلی الله علیه و آله را 25 سال دانسته والا است. البته وقایع نگاران و تاریخ نویسان اموی سن او را از 40 تا 46 سال نوشته اند تا رقیبی برای برخی از همسران پیدا نشود ولی قول مقبول و معقول در سن حضرت خدیجه علیها السلام، همان است که بسیاری از تاریخ نگاران آن را برگزیده اند و قاطعانه گفته اند که حضرت خدیجه علیها السلام 25 تا 28 ساله بوده است.

حافظ عمادالدین یحیی بن ابی بکر بن محمد عامری، (م 893 ق)، سن آن بانورا 25 دانسته و هیچ قول دیگری نقل نکرده است. (1)

حافظ ابوبکر احمد بن حسین بیهقی (م 458 ق)، نویسنده سنن کبری، فقط

ص: 229

همین قول را درست دانسته می گوید:

سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام وفات 65 و به قولی پنجاه بوده و قول آخر درست تر است. (1)

بر اساس مدارک تاریخی ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام در سال 25 عام الفیل و 15 پانزده سال قبل از بعثت انجام یافته که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آن تاریخ 25 ساله بوده اند و رحلت آن با نوسه سال پیش از هجرت در سال دهم بعثت رخ داده؛ بدین ترتیب اگر حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج 25 ساله باشد، هنگام ارتحال پنجاه ساله بوده و اگر چهل ساله، باشد هنگام ارتحال 65 ساله بود که بیهقی پنجاه ساله را درست دانسته است.

ابن کثیر نیز همین متن را از بیهقی نقل کرده (2) سپس می افزاید:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام ازدواج با حضرت خدیجه علیها السلام 25 ساله بودند؛ حضرت خدیجه علیها السلام نیز در آن هنگام 35 و یا 25 ساله بود.

بیهقی از حاکم اینگونه روایت می کند (3)

قول دیگر این است که حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله 28 ساله بوده و این قول ابن عباس است. ذهبی از او روایت کرده که خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر 28 ساله بوده است. (4)

ابن حماد حنبلی از دانشمندان معروف اهل سنت می نویسد:

بسیاری از تاریخ نگاران این دیدگاه را ترجیح داده اند که خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله 28 ساله بوده است. (5)

بلاذری در ضمن اقوال، مختلف گفته پیامبر 23 ساله و خدیجه علیها السلام 28 ساله بوده است. (6) ابن عساکر نیز از ابن عباس نقل کرده که حضرت خدیجه علیها السلام 28

ص: 230

1- بیهقی، دلائل النبوة، ج 2، ص 71

2- ابن کثیر، البدایة والنهائة، ج 2، ص 294

3- همان، ص 295

4- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 111.

5- ابن الحماد الحنبلی، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج 1، ص 14.

6- بلاذری، انساب الأشراف، ج 1، ص 108.

ساله بود: «کانت خدیجه علیها السلام يوم تزوجها رسول الله صلى الله عليه و اله ابنه ثمان و عشرين سنه و مهرها اثنتی عشر اوقیه» (1) حاکم نیشابوری نیز از محمد بن اسحاق نقل کرده که خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله 28 ساله بود. (2)

بنابراین آن چه در منابع مختلف نقل شده که حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله چهل ساله بوده، شایعه ای بیش نیست؛ زیرا بیهقی آن را رد کرده و 25 ساله بودنش را درست دانسته و حاکم آن را قول شاذ می داند و در نقد سخن هشام بن عروه که وفات آن بانو را در 65 سالگی دانسته می نویسد: «هذا قول شاذ فان الذی عندی انها لم تبلغ ستین سنه» (3) بنابراین اعتقاد دارد سن ایشان هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله کم تر از سی بوده است.

پس بی شک سن آن بانو هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله 25 و حداکثر 28 ساله بوده و تاریخ نویسانی که سن چهل را مطرح نموده اند، دلیلی برای قول خود ندارند و این قول شاذ است.

ج) خدیجه علیها السلام در قرآن

به گفته خانم فریر استواسر، به دلیل این که خدیجه علیها السلام سه سال قبل از هجرت درگذشته بود و از طرفی آیات مربوط به خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه نازل شده پس در متون، تفسیری نام خدیجه علیها السلام به ندرت دیده می شود و فقط آیه 8 سوره ضحی (وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنِي) را در مورد ازدواج خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ در حالی نویسنده به این متون استناد کرده که آیات 11 و 12 سوره تحریم و 42 آل عمران نیز در مورد فضایل خدیجه علیها السلام تفسیر شده است.

بیان نویسنده مقاله نشان می دهد که وی استقصای کاملی در آیات و تفاسیر قرآن نداشته است؛ زیرا علاوه بر آیه فوق (4) که طبق تفاسیر عامه و خاصه

ص: 231

1- ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 3، ص 193

2- حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 182

3- همان ج 3، ص 182

4- خداوند تو را فقیر یافت و بی نیاز نمود.

و روایات اهل بیت علیهم السلام تصریح شده که مراد از «بی نیاز ساختن پیامبر»، مال و بخشش خدیجه علیها السلام بود که همه را در طبق اخلاص گذاشته و برای پیشرفت دین مبین اسلام در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد آیات متعدد دیگری نیز در شأن حضرت خدیجه علیها السلام تفسیر شده اند؛ از جمله:

1. آیه (وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا)؛ «و کسانی که می گویند: پروردگارا! از همسران و فرزندان مان مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!» (1) مطابق با احادیثی که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده منظور از «ازواجنا» در آیه شریفه حضرت خدیجه علیها السلام است.

محمد بن عباس از ابی سعید خدری روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمود:

از جبرئیل پرسیدم: «مراد از أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا کیست؟» گفت: «خدیجه علیها السلام و فاطمه علیها السلام «و قُرَّةَ أَعْيُنٍ» حسن و حسین علیهما السلام و منظور از «وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» علی بن ابی طالب علیه السلام است.» (2)

حاکم حسکانی از قرآن پژوهان نامدار اهل تسنن در این مورد آورده که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در تفسیر این آیه فرمودند:

پس از نازل شدن این آیات از فرشته وحی پرسیدم: «منظور از ازواجنا کیست؟» پاسخ داد: «خدیجه علیها السلام است؛ و «ذریاتنا» فاطمه و دو نور دیده اش حسن و حسین علیهما السلام هستند و در جمله «وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» منظور حضرت علی علیه السلام است. (3)

علامه مجلسی نیز شبیه همین روایت را ذکر نموده است. (4)

تفسیر قمی بر آن است که منظور از واژه «ازواجنا» در آیه مورد بحث، حضرت

ص: 232

1- سوره فرقان آیه 74

2- سید محمد بروجردی، تفسیر جامع، ج 5، ص 55.

3- حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج 1، ص 416

4- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 66، ص 263.

خدیجه علیها السلام است. (1) فیض کاشانی نیز در تأویل آیه می نویسد:

منظور از آن، مقام والای، رسالت قرآن شریف و یار و مشاور پر اخلاص پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه علیها السلام است که نسل سزاوار پیامبر صلی الله علیه و آله از اوست. (2)

2. ذیل آیات 18 - 28 سوره مطففین از پیامبر صلی الله علیه و آله در تفسیر و بیان مصداق «مقربون» نقل شده است:

مقربان بارگاه خدا عبارتند از پیامبر صلی الله علیه و آله امیر مؤمنان علیه السلام، امامان اهل بیت علیهم السلام که پس از علی علیه السلام، یکی پس از دیگری خواهند آمد فاطمه علیها السلام دختر رسول الله و خدیجه علیها السلام دختر خویلد. (3)

3. همچنین در تفسیر قمی آیه «السابقون السابقون اولئك المقربون؛ پیش گامان پیش گامند آن ها مقربانند!» (4) به رسول خدا صلی الله علیه و آله، خدیجه علیها السلام، علی بن ابی طالب علیه السلام و ذریه ایشان تفسیر شده است. (5)

4. علامه مجلسی از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه (فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ)؛ «پس بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست و برای گناه خویش آمرزش جوی و برای مردان و زنان با ایمان» (6) نقل می کند که مراد از «مؤمنین» علی علیه السلام و اصحاب پیامبر و مراد از «مؤمنات» خدیجه علیها السلام هستند. (7)

5. ذیل آیه (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ)؛ «به یقین خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان آل عمران را بر مردم جهان برتری داده است» (8) فرات کوفی نقل می کند:

ص: 233

1- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج 2، ص 117

2- محسن فیض کاشانی، علم الیقین فی اصول الدین، ج 2، ص 986.

3- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 24، ص 3.

4- سوره واقعه آیات 10 و 11

5- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج 2، ص 439.

6- سوره محمد، آیه 19

7- بحار الانوار، ج 24، ص 321.

8- سوره آل عمران، آیه 33

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر حضرت فاطمه علیها السلام و عایشه وارد شدند، در حالی که آن دو بر یک دیگر افتخار می کردند و صورت شان برافروخته بود. پس پیامبر صلی الله علیه و آله از حال ایشان جو یا شده ایشان بیان کردند پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «یا عایشه أو ما علمتان الله اصطفی آدم و نوحاً و آل ابراهیم و آل عمران و علیاً و الحسن و الحسین و حمزه و جعفرأ و فاطمه و خدیجه علیها السلام علی العالمین»؛ «ای عایشه! آیا نمی دانی که خداوند آدم، نوح، دودمان ابراهیم و خاندان عمران، وجود امیرالمؤمنین حسن و حسین حمزه، جعفر، خدیجه علیها السلام و فاطمه علیها السلام را بر جهانیان برگزید؟» (1)

بدین ترتیب، گر چه حضرت خدیجه علیها السلام سه سال پیش از هجرت از دنیا رفته و آیات مربوط به همسران پیامبر در مدینه نازل شده با استقصای کامل می توان یافت آیات متعددی از جانب پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله درباره این شخصیت کم نظیر تفسیر شده است.

(د) جایگاه خدیجه علیها السلام در بین زنان برگزیده عالم

خانم استواسر در ذیل آیه 42 آل عمران و برگزیده شدن حضرت مریم بر زنان، عالم به نام و رتبه حضرت خدیجه علیها السلام در مباحث تفسیری مربوط به منزلت حضرت مریم در بین شخصیت های زن قرآنی و نیز در ارتباط با سه زن برگزیده از خانواده پیامبر (خدیجه عایشه و فاطمه) اشاره می کند و می کوشد با استناد به تفاسیر اهل سنت در ذیل آیه مذکور به عایشه همسر دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله توجه دهد؛ در صورتی که روایات ذیل آیه، تنها به جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام اشاره دارند.

در ذیل آیه (وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ)؛ «و به یاد آورید هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان برتری داده است،» (2) مخاطب

ص: 234

1- فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، ص 23؛ بحار الانوار، ج 73، ص 63

2- سوره آل عمران، آیه 42

در این برتری کمال و پاکی حضرت مریم است؛ اما روایات تفسیری، گویای این واقعیت است که حضرت خدیجه علیها السلام مصداق دیگر این آیه هستند. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرمایند:

فضلت خدیجه علیها السلام علی نساء امتی کما فضلت مریم علی نساء العالمین؛

همان گونه که مریم بر زنان جهان برتری داده شد، خدیجه علیها السلام نیز بر زنان امت من برتری داده شده است. (1)

غالب تفاسیر اهل سنت نیز در ذیل آیات مربوط به اصطفا‌ی مریم به برگزیده بودن حضرت خدیجه علیها السلام اشاره دارند نه عایشه زمخشری از پیامبر صلی الله علیه و آله و نقل می کند:

كَمُلَ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ وَ لَمْ يَكْمَلْ مِنَ النِّسَاءِ اِلَّا اَرْبَعٌ: آسیه بنت مزاحم امراه فرعون و مریم بنت عمران و خدیجه علیها السلام بنت خویلد و فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و اله؛

بسیاری از مردم در زندگی به سوی کمال اوج گرفتند، اما از میان زنان این چهار زن نمونه رشد و اوج هستند، آسیه، مریم خدیجه علیها السلام و فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و اله (2)

آلوسی از ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل می کند:

اربع نسوة سادات عالم هن مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم و خدیجه علیها السلام بنت خویلد و فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و اله و افضلهن عالماً فاطمه؛

چهار زن سالار زنان روزگار شدند: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، خدیجه علیها السلام دختر خویلد و فاطمه که افضل آن هاست. (3)

قرطبی نیز با استناد به سخن ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند:

افضل نساء اهل الجنة خدیجه علیها السلام بنت خویلد و فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله

ص: 235

1- طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج 2، ص 456.

2- زمخشری الکشاف، ج 4، ص 573.

3- آلوسی، روح المعانی، ج 3، ص 155؛ طبری شافعی، ذخائر العقبی، ص 44؛ سیوطی، درالمنثور، ج 2، ص 23.

و مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم؛

برترین و پر فضیلت ترین زنان بهشت عبارتند از خدیجه علیها السلام، فاطمه دختر محمد، مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم. (1)

سپس می نویسد:

ظاهر قرآن و احادیث، اقتضا می کند که حضرت مریم از تمام زنان برتر و پس از آن فاطمه و سپس خدیجه علیها السلام و بعد آسیه باشد.

(2)

وی در این بین سخنی از عایشه به میان نیاورده است.

ابن کثیر از امام علی علیه السلام چنین نقل کرده:

سمعت رسول الله صلی الله علیه و سلم خیر نساءها مریم بنت عمران و خیر نساءها خدیجه علیها السلام بنت خویلد؛

بهترین زنان مریم دختر عمران و خدیجه علیها السلام دختر خویلد هستند. (3)

همین عبارت از طبری و بغوی نیز نقل شده است. (4) هم چنین بغوی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین نقل می کند:

حسبک من نساء العالمین: مریم بنت عمران و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و آسیه امرأة فرعون

از زنان عالم مریم دختر عمران خدیجه علیها السلام دختر خویلد، فاطمه دختر محمد و آسیه همسر فرعون تو را کفایت می کند. (5)

بنابراین در ذیل این آیات از بین همسران پیامبر صلی الله علیه و آله فقط به برتری خدیجه علیها السلام در بین زنان عالم اشاره شده و نامی

از عایشه نیامده است

ه) جایگاه خدیجه علیها السلام در بهشت

نگارنده در انتهای مقاله به نقل از برخی تفاسیر اهل سنت و متون قصص

ص: 236

1- قرطبی، جامع لاحکام القرآن، ج 2، ص 82؛ بحار الانوار، ج 43، ص 9.

2- همان، ج 4، ص 83.

3- ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج 1، ص 312

4- حسین بن مسعود بغوی، معالم التنزیل، ج 1، ص 438؛ طبری، جامع البیان، ج 3، ص 180.

5- بغوی، همان، ج 1، 439

به روایاتی در منزلت خدیجه علیها السلام از قول پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرده که مریم، فاطمه، خدیجه علیها السلام و عایشه را بهترین زنان جهان و سرور زنان بهشت می داند که این سخن نیز به بررسی نیاز دارد

نگارنده مقاله گر چه به کم بودن تعداد روایات مربوط به گنجاندن عایشه در بین بهترین زنان عالم اشاره کرده، در عین حال سعی نموده با توجه به کتب سیره، مقام و منزلت عایشه را در کنار خدیجه علیها السلام تأکید و اثبات کند. در صورتی که کتب سیره و تفسیر، همه در مورد جایگاه خدیجه علیها السلام و برتری او بر تمام زنان عالم و تمام همسران، پیامبر از زبان آن حضرت تأکید و تصریح دارند نه جایگاه عایشه روایات ذیل برتری حضرت خدیجه علیها السلام را در جهان و در بهشت بر سایر زنان بیان می کند:

- برید در حدیثی از امام صادق علیه السلام عن نقل می کند:

هنگام رحلت حضرت خدیجه علیها السلام فاطمه علیها السلام که در حدود پنج سال داشت شدیداً بی تابی می کرد و به دور پدر بزرگوارش می چرخید و می گفت: «پدرجان! مادرم کجاست؟» پس جبرئیل نازل شد و عرض کرد: «یا رسول الله! خداوند می فرماید: «سلام ما را به فاطمه برسان و به او اطلاع بده که مادرش خدیجه علیها السلام در خانه های بهشتی با آسیه و مریم دختر عمران زندگی می کند»». (1)

- ابن حجر نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و اله در حدیثی با سند نیکو فرموده اند:

(لَقَدْ فَضَّلْتُ خَدِيجَةَ عَلَي نِسَاءِ أُمَّتِي)؛

خدیجه علیها السلام بر بانوان امت من برتری یافته است.

با این حدیث برتری خدیجه علیها السلام بر عایشه استدلال شده است. (2) هم چنین می نویسد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی صحیح السند فرمودند:

(أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ)؛

ص: 237

1- محمد بن اسماعیل صحیح بخاری، ج 2، ص 277

2- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج 7، ص 135؛ ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج 74، ص 139.

برترین بانوان بهشت خدیجه علیها السلام، فاطمه، فاطمه، مریم و آسیه اند. (1)

آن گاه می گوید: «این حدیث صریح است و قابل تأویل نیست». (2)

ابن عساکر نیز برترین بانوان بهشتی را خدیجه علیها السلام دخت خویلد و فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله می داند. (3)

- ابن کثیر نیز شماری از فضایل ویژه حضرت خدیجه علیها السلام را برشمرده، سپس می گوید:

برخی از اهل سنت غلو می کنند و عایشه را بدین سبب که دختر ابوبکر است بر خدیجه علیها السلام تفضیل می دهند (4)

بدین ترتیب با بررسی منابع اهل سنت این مطلب به دست می آید که روایات بیان گر جایگاه بهشتی حضرت خدیجه علیها السلام، در کنار حضرت مریم و آسیه است نه بیش تر از آن.

نتیجه

با توجه به متن مقاله، این نتیجه به دست می آید که نویسنده مقاله، خانم باربارا فریر استواسر، گرچه تتبع مناسبی درباره جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام ای داشته و به ابعاد مختلف شخصیت و زندگی آن بانو اشاره کرده عمده مشکل وی این است که فقط به برخی از منابع اهل تسنن و پاره ای از منابع شرق شناسان استناد کرده و به منابع شیعی کم توجهی نموده به همین دلیل در مورد این بانو مرتکب کاستی و خطا شده و مطالبی را ذکر کرده که با تاریخ قطعی سازگار نیست که با تتبع کامل در منابع تاریخی و روایی شیعه و حتی اهل سنت، این اشتباهات را می توان برطرف نمود.

ص: 238

1- همان؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمیز الصحابه، ج 4، ص 366؛ حاکم نیشابوری، مستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 297

2- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج 7، ص 135.

3- ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج 74، ص 84.

4- ابن کثیر، البدایة والنهایة، ج 3، ص 129

قرآن كريم.

1. ابن حجر عسقلاني، أحمد بن علي الاصابه في تميز الصحابه ، بيروت، دار الكتب العلمية، 1415ق.
2. -،فتح الباری، بيروت، دارالمعرفة، بی تا
3. ابن شهر آشوب، محمد بن علي، مناقب آل ابی طالب، بيروت، دارالاضواء، 1412 ق.
4. ابن كثير اسماعيل بن عمر تفسير القرآن العظيم، بيروت، دار الكتب العلمية، 1419 ق.
5. -،البداية والنهاية، دار احياء التراث العربي، 1408 ق .
6. ابن عساكر، علي بن حسن، تاريخ دمشق، داراحياء التراث العربي، 1421 ق.
7. ابوالقاسم كوفي، علي بن احمد الاستغاثه في بدع الثلاثه ، نجف، انتشارات اعلمی، 1368 ق.
8. احمد بن ابی يعقوب، تاريخ يعقوبی، بيروت، دار صادر، بی تا.
9. آلوسی، سيد محمود، روح المعانی، بيروت، داراحياء التراث العربي، 1405 ق
10. بخاری، محمد بن اسماعيل، صحيح بخاری، بيروت، دار ابن كثير، 1410 ق
11. بروجردی، سيد محمد ابراهيم تفسير جامع تهران ، انتشارات صدر 1366 ش
12. بغوی، حسين بن مسعود، معالم التنزيل في تفسير القرآن ، بيروت، داراحياء التراث العربي، 1420 ق
13. بلاذری، احمد بن يحيى ، أنساب الأشراف، بيروت، دارالفكر، 1420 ق.
14. حاكم حسانی، عبيد الله ، شواهد التنزيل مجمع احياء الثقافه الاسلاميه

15. حاكم نيشابوري، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحیحین، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1414 ق.
16. حنبلی، ابن عماد شذرات الذهب في اخبار من ذهب، بیروت، داراحیاء التراث العربی بی تا
17. خصیبی، حسین بن حمدان الهدایة الكبرى، بیروت، مؤسسه البلاغ 1426 ق.
18. دائره المعارف، لیدن ترجمه جمعی از نویسندگان انتشارات حکمت
19. بیهقی، احمد بن حسین دلائل النبوة، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1405 ق
20. ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرساله، 1413 ق.
21. زمخشری، محمود بن عمر الکشاف، دار الکتب العربی، بیروت، 1407 ق .
22. سیوطی، جلال الدین، الدر المنشور في تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1404 ق.
23. طبری، شافعی، احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی في مناقب ذوی القربی قاهره مطبعه القدسی، 1356 ق.
24. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1412 ق.
25. طوسی، محمد بن حسن التبیان في تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا
26. عامری، یحیی بن ابی بکر بهجه المحافل، مدینه منوره المكتبة العلمیه بی تا.
27. عاملی، سید جعفر مرتضی، بنات النبی ام ربائبه، تهران، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت علیهم السلام، بی تا.

28.-، الصحيح من سيرة النبي الأعظم، قم، دارالحديث، 1426 ق.

29. فرات كوفي ابوالقاسم فرات بن ابراهيم تفسير فرات كوفي، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامي، 1410 ق.

30. فيض كاشاني، ملأ محسن، علم اليقين في اصول الدين، بيروت، دارالبلاغه، بي تا

31. قرطبي، محمد بن احمد، تفسير جامع الاحكام القرآن، بيروت، داراحياء التراث العربي بي تا

32. قمي، علي بن ابراهيم تفسير قمي، قم، دارالكتاب، 1367 ش.

33. مجلسي، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت، مؤسسه الوفا، 1403 ق.

.Encyclopaedia of the Quran

ص: 241

*سیمای خدیجه کبری علیها السلام در شعر فارسی با تأکید بر سروده های آیینی معاصر: سیدجمال الدین موسوی (1)

چکیده

حضرت خدیجه کبری علیها السلام همسر فداکار پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله از برترین زنان جهان نخستین زن، مسلمان حامی مادی و معنوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مادر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بود. وی به دلیل خدمات بزرگی که برای گسترش توحید انجام داد در پیشگاه خدا و رسولش به جایگاه و منزلت مهم دست یافت به همین دلیل سیما و شخصیت و فضایل ایشان در متون، تاریخی روایی و ادبی مدح شده است در ادب، فارسی شاعران فارسی سرا با بهره گیری از منابع تاریخی و روایی سیمای مبارک او را در قالب های شعری گوناگون با شیوه ها و رویکردهای متفاوتی به شعر کشیده اند معرفی خدیجه کبری علیها السلام به عنوان الگوی برتر ستایش و بیان فضایل و مناقب ایشان را به دلیل جایگاهی که در تاریخ اسلام، دارد دو رویکرد اساسی در سروده های فارسی به ویژه دوره معاصر می توان برشمرد شاعران فارسی سرای، آیینی با آن که در معرفی شخصیت و تبیین زندگی نامه و در توصیف فضایل و مناقب ایشان اشاره های مشترکی داشته اند در مواردی نیز کوشیده اند به یکی از عرصه های حیات این بانوی بزرگ به طور خاص توجه کنند و در سروده های شان معرفی سازند.

ص: 242

1- دانش پژوه دوره دکتری رشته جریان های کلامی معاصر در جهان اسلام جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی امام خمینی

خدیجه کبری علیها السلام، فضایل و مناقب، توصیف، شعر فارسی، شعر آیینی

مقدمه

تکریم و بزرگداشت شخصیت های دینی در تمامی ادیان و فرهنگ ها رایج است در اسلام به دلیل تأکید بر کرامت انسانی افراد به حفظ احترام شخصیت انسان تأکید شده اما در این میان قرآن کریم، پیامبر صلی الله علیه و آله و بزرگان، دین برخی از شخصیت های دینی و مذهبی و اجتماعی را به دلیل جایگاه و خدمات شان که در راه اصلاح و پیشرفت جامعه انسانی ستوده اند.

حضرت خدیجه کبری علیها السلام یکی از این شخصیت های بزرگ به شمار می آید که در تاریخ حدیث و ادب ستوده شده است. شعر یکی از بخش های مهم دنیای ادبیات است و به لحاظ موضوع و محتوا به دسته های مختلف تقسیم می شود و هر بخش آن با رویکرد خاصی به وجود آمده است؛ از جمله شعر دینی و آیینی که شاعر شخصیت های ممدوح و مورد نظرش را با آن می ستاید. حضرت خدیجه کبری علیها السلام، از جمله کسانی است که شاعران و سراینندگان بزرگ با استفاده از منابع تاریخی و روایی، شخصیت، فضایل و مناقب، مصائب و خدمات این بانوی بزرگ را ستوده اند.

نوشتار حاضر از سه بخش اصلی تشکیل شده است. در بخش نخست اجمالی از زندگی نامه و شخصیت حضرت خدیجه کبری علیها السلام با استفاده از کتاب های تاریخ و سیره گزارش می شود. بخش دوم نیز دربردارنده تعریف و تبیین انواع شعر فارسی و بازشناسی شعر آیینی است. بخش سوم که بخش اصلی این نوشتار به شمار می آید، با مراجعه به سروده های شاعران فارسی سرای قدیم و معاصر درباره آن بانو به بازخوانی و توصیف محتوایی آن ها پرداخته است.

در معرفی سروده ها، سعی شده عنوان سروده ذکر گردد و اجمالی از

زندگی نامه سراینده در پاورقی توضیح داده شود. از آن جایی که سروده های بیش تر طولانی بودند ناگزیر شدیم ابیات و بخش هایی از آن ها را گزینش نماییم در برخی موارد سرچشمه های تاریخی سروده های شاعران را به متن های تاریخی و روایی ربط داده ایم در تهیه سروده ها و زندگی نامه های شاعران، از مجموعه های شعری دیوان های شاعران، وب سایت ها و وبلاگ های شاعران و وب سایت ها و وبلاگ های تخصصی در عرصه شعر و ادبیات فارسی بهره گرفته ایم. از میان هفده شاعر که سروده های شان ذکر شده به جز خاقانی و سنایی که به سده های پیشین تعلق دارند بقیه متعلق به دوره معاصر هستند.

نامه حضرت خدیجه علیها السلام و شخصیت والای ایشان

خدیجه کبری علیها السلام دختر خویلد بن اسد و فاطمه بنت زائده در سال 68 قبل از بعثت در مکه به دنیا آمد. (1) خانواده ایشان از تبارهای اصیل عرب بودند و پدرش از شجاعان طایفه اسد به شمار می رفت. هم چنین برخی از بستگان او مانند ورقه بن نوفل پسر عمیش و ابوالعاص خواهرزاده و دامادش در دوران جاهلیت به دلیل برخورداری از کمالات والای شخصیتی چون: علم، امانت داری، و راستگویی شهرت داشتند. (2) آن بانو در دهم ربیع الاول سال بیست و پنجم عام الفیل یعنی پانزده سال پیش از بعثت ازدواج نمود و مدت 25 سال با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زندگی کرد. حاصل این ازدواج و زندگی مبارک تولد شش فرزند به نام های: قاسم، عبدالله، رقیه، زینب، ام کلثوم، و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بود. (3)

حضرت خدیجه علیها السلام به سبب نجابت، شرافت و تربیت خانوادگی اش به القاب و کنیه هایی چون، مبارکه، طاهره غراء، سیده نساء قریش، سیده نساء العالمین، أمّ هند أمّ المومنین، و أمّ الزهرا علیها السلام مفتخر است. (4) از اعتقادات آن

ص: 244

1- السید احمد زینی دحلان، السیره النبویه والآثار المحمدیه، ج 1، ص 226.

2- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 62

3- ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 20

4- السیره النبویه والآثار المحمدیه، همان، ج 1، ص 106.

بانو پیش از اسلام چیزی در منابع تاریخی نیامده اما بر اساس برخی گزارش ها وی خدا پرست و پاک سرشت بوده است. ایشان با این که زنی ثروتمند و زیبا بود تا هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله ، با آن که دو مرتبه ازدواج نمود، اما به لهو و لعب رایج در جامعه عرب جاهلی عصرش آلوده نگشت. وی در مجالس لهو و لعب زنان اشراف عرب که در نزدیکی های خانه اش برگزار می شد شرکت نمی کرد و در کار تجارت نیز از برخورد بیش از حد با مردان کناره می گرفت و بیش تر اوقات میسره غلامش را برای رسیدگی به امور تجاری می فرستاد. او به سبب داشتن چنین فضایل اخلاقی به «طاهره» ملقب شد لقبی که بعدها حتی مایه افتخار اخلاف او شد و آنان به «بنو طاهره» ملقب شدند. (1)

ایشان پیش از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و اله، به دلیل داشتن شرافت خانوادگی و مکنت دنیوی مورد توجه مردان بزرگ در شبه جزیره عربستان قرار داشت بر اساس برخی روایات تاریخی وی پیش از ازدواج با پیامبر کرم صلی الله علیه و آله، در آغاز با ابوهاله هند بن نباش بن زراره ازدواج کرد که حاصل این ازدواج فرزندان با نام های هند طاهر حارث هاله و دختری به نام زینب بود. (2) البته درباره هاله اختلاف نظر وجود دارد و برخی وی را دختر ابوهاله دانسته اند. (3) دومین ازدواج وی با پسر عمه اش عتیق بن عائذ بن عبدالله بن مخزوم بود. (4) از ازدواج دومش صاحب دختری به نام هند و پسری به نام عبدالله شد. (5)

حضرت خدیجه علیها السلام ، از زنان ثروتمند جزیره العرب بود که پس از ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، تمامی ثروتش را در راه اسلام مصرف کرد. (6) وی هم چنین اولین زن مسلمان بود که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آیین ایشان ایمان آورد و از مریبان

ص: 245

- 1- ابن جریر طبری، تاریخ طبری، ج 7، ص 567.
- 2- ابن حزم اندلسی، جوامع السیره و خمس رسائل آخری، ص 32؛ الروض الانف، ج 2، ص 246.
- 3- أبی عبد الله أبی المصعب بن عبد الله بن المصعب الزبیری، نسب قریش، ص 22.
- 4- ابن جریر طبری، پیشین، ج 3، ص 161؛ أبی المنذر هشام الكلبي، جمهرة النسب، ج 1، ص 90.
- 5- عبدالرحمان سهيلي، الروض الانف في شرح السیره النبويه لابن هشام، ج 2، ص 246.
- 6- محمد باقر مجلسی، پیشین، ج 16، ص 71

حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام بود حضرت علی علیه السلام خاطره روزهای نخستین بعثت و ایمان آوردن حضرت خدیجه علیها السلام را چنین بیان می فرماید:

در آن روزگار جز رسول خدا صلی الله علیه و اله و خدیجه علیها السلام، کسی به اسلام نگرویده بود و من سومین آن ها بودم (1)

این بانوی بزرگ به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و علاقه شدیدی داشت؛ به طوری که در تمامی دردها و سختی های دوران بعثت تا آخرین لحظات حیات خویش، شریک سختی ها و رنج های ایشان بود. (2) رحلت جان سوز حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت ابو طالب علیها السلام، در یک مقطع تاریخی در ماه شوال یا ذی قعدة سال دهم بعثت رخ داد ایشان هنگام جان سپردن شصت و پنج سال داشت و این مصیبت بزرگ برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بسیار سخت تمام شد، به طوری که پیامبر صلی الله علیه و آله آن سال را «عام الحزن» نامیدند. (3)

شعر فارسی

شعر گره خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبانی آهنگین شکل گرفته باشد. از منظر این تعریف عناصر سازنده شعر عبارتند از: عاطفه، تخیل، زبان موسیقی و تشکل شعر فارسی به قدیم (کلاسیک) و نو (معاصر) تقسیم می شود. هم چنین شعر فارسی کلاسیک دارای قالب های مختلف چون قصیده، غزل، قطعه، مثنوی، رباعی، دوبیتی، ترجیع بند و ترکیب بند، مسمط، مستزاد، و چهارپاره است. (4) شعر فارسی کلاسیک نیز خود به حماسی، عرفانی وصفی و مدح و مرثی دسته بندی می شود (5)

ص: 246

- 1- نهج البلاغة، تصحیح دکتر صبحی صالح خطبه قاصعه، ص 300-301.
- 2- امین الدین طبرسی، اعلام الوری فی اعلام الهدی، ص 60
- 3- عزالدین ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج 1، ص 507.
- 4- دکتر حسن احمدی گیوی و دیگران زبان و نگارش فارسی، ص 132-133.
- 5- اکرم محرابی زندگی نامه شاعران ایرانی، ص 20-24

شعر آیینی، یکی از دسته‌ها یا یکی از اقسام شعر فارسی است. دیدگاه‌های متفاوتی در مورد ماهیت شعر آیینی و این که چه مشخصه‌ها و ویژگی‌هایی دارد عرضه شده است. محمد کاظم کاظمی شاعر و نویسنده سرشناس معاصر، سه رویکرد در مورد شعر آیینی بیان کرده است:

رویکرد اول: شعر آیینی یعنی شعری که سروده شدن آن بر آموزه‌های دینی مبتنی باشد.

رویکرد دوم: که معمولاً در بین مردم رایج است، این که شعر آیینی یعنی شعری که درباره موضوعات دینی و به خصوص در مورد شخصیت‌های دینی و ائمه اطهار علیهم السلام سروده شود. این تلقی شعر آیینی را به ستایش ائمه مذهب و دین محدود نمی‌سازد بلکه موضوعات دیگری نیز می‌تواند سوژه آن باشد.

رویکرد سوم: در این رویکرد که دیدگاه بینابین و دقیق‌تری از شعر آیینی عرضه می‌کند؛ شعر آیینی یعنی شعری که موضوع آن به نحوی با آموزه‌ها و شخصیت‌های دینی پیوند بخورد. (1)

برخی دیگر شعر آیینی را این گونه تعریف کرده‌اند:

شعر آیینی کلامی است، مُخَيَّل آهنگین و معنوی که به لحاظ محتوایی و مقوله‌های معنوی، متأثر از منابع اسلامی و باورهای دینی است و وجه تمایز آن با اشعار دیگر در موضوعاتی است که به آن می‌پردازد و در خصوص عناصر شعری با آن‌ها تفاوتی ندارد. (2)

بازخوانی رویکردهای سروده‌های فارسی و آیینی درباره حضرت خدیجه علیها السلام

اشاره

سرایندگان فارسی سراد در سروده‌های شان نسبت به حضرت خدیجه کبری علیها السلام رویکردهای متفاوتی داشته‌اند این رویکردها را در توصیف شخصیت و بیان، فضایل و مناقب آن بانوی بزرگ به طور کلی به دو دسته می‌توان تقسیم نمود:

ص: 247

1- درباره شعر آیینی و بلاگ محمد کاظم کاظمی: mkkazemi.persianblog.ir

2- محمد علی مجاهدی پروانه سیری در قلمرو شعر نبوی، ص 28

الف) برخی جدا از جایگاه دینی حضرت خدیجه علیها السلام، به شخصیت والای ایشان به عنوان یک انسان فرهیخته و با همت تأکید داشته اند. این دسته، با توصیف شخصیت آن، بانو سعی نموده اند از این طریق ممدوح شان را به خوبی وصف کنند.

ب) گروه دیگر که اکثریت را تشکیل می دهند به دلیل داشتن تعلق خاطر به دین و شخصیت های دینی این بانوی بزرگ را به عنوان فرد شاخص و شخصیت تاثیرگذار عصرش یاد کرده اند و به جایگاه ویژه اش در اسلام و گسترش پیام توحید تأکید داشته اند.

جستجویی که این نوشتار در سروده های برخی شاعران فارسی سرای سده های پیشین و معاصر داشته به سروده های کوچک و بزرگ گوناگونی برخورد کرده که از میان آن ها هفده مورد را با این دو رویکرد یافته است که در ذیل به بازخوانی محتوایی آن ها پرداخته می شود.

1. زینت بخش روزگار

جد من مصطفی امان زمان *** پدرم مرتضی امین جهان

جده من خدیجه زین زمان *** مادرم فاطمه چراغ جنان (1)

ابیات فوق سروده بخشی از سرودهای سنایی غزنوی (2) است که در بیان سبب و نحوه شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام است. سنایی با بهره گیری از تناسب و جناس (امین و امان) از قول امام حسن مجتبی علیه السلام حضرت خدیجه علیها السلام را

1. 2. ص: 248

1- تک ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی، حدیقة الحقیقة، ص 262

2- سنایی شاعر و عارف بزرگ در سال 463 یا 473 قمری در غزنین به دنیا آمد با تلاش و کوشش فراوان، با دانش های زمانش آشنا شد و در برخی از آن ها تبحر یافت سنایی در سال 525 یا 535 قمری در 62 سالگی در غزنین درگذشت آثار او عبارتند از: 1. دیوان اشعار شامل، قصیده غزل ترکیب و ترجیع بند قطعه و رباعی؛ 2. مثنوی حدیقة الحقیقه؛ 3. مثنوی طریق التحقیق؛ 4. مثنوی کارنامه بلخ؛ 5. مثنوی سیر العباد الی المعاد؛ 6. مثنوی عشق نامه و عقل نامه؛ 7. سه مکتوب منشور؛ 8. رساله منشور (اکرم محرابی، پیشین، ص 94-98).

زینت بخش روزگار وصف کرده است. (1)

2. بخشندگی با مال و جان

تحفه بزم اوست مریم وار *** هر چه طوبی به نویر افشاندست

آن خدیجه است کز ارادت حق *** مال و جان بر پیمبر افشاندست (2)

این دو بیت برگرفته از قصیده ای طولانی است که خاقانی شروانی (3) در مدح صفوة الدین بانوی شروان شاه سروده است. خاقانی برای برانگیختن سخاوت ممدوحش، سخاوت او را به سخاوت حضرت خدیجه علیها السلام تشبیه نموده است. (4)

از سر زهد و صفا در شخص او *** هم خدیجه هم حمیرا دیده ام

آن خدیجه همّتی کز نسبتش *** بانوان را قدر زهرا دیده ام (5)

خاقانی در این ابیات نیز در وصف ممدوح خویش، با کلام نسبتاً اغراق آمیز و با آراسته نمودن کلام به تناسب این گونه ممدوح را در آینه حضرت خدیجه علیها السلام مشاهده کرده است بر این اساس وی حضرت خدیجه را آینه تمام نمای زهد و صفا می داند. (6)

3. روایت منظوم ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام

روایت منظوم در بیان عشق خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و ماجرای ازدواج ایشان و رخدادهای پس از آن اثر شاعر ناشناخته فارسی سرای است که در زمان

ص: 249

1- محمد گلابی سیمای یاران حضرت رسول در متون ادبی و عرفانی، ص 172.

2- افضل الدین بدیل خاقانی، دیوان به کوشش محمدتقی مدرس رضوی، ص 82

3- خاقانی شروانی ملقب به حسان العجم در سال 520 قمری در شروان به دنیا آمد و در سال 595 قمری در تبریز درگذشت خاقانی از بزرگ ترین قصیده سرایان در تاریخ شعر و ادب فارسی به حساب می آید. از خاقانی آثاری چون: دیوان اشعار شامل، قصاید ترجیعات مقطعات و رباعیات . تحفة العراقین مثنوی در 3200 بیت . و منشآت شامل نامه های خاقانی به بزرگان، زمانش بر جای مانده است. (اکرم محرابی، پیشین، ص 98-102).

4- محمد، گلابی، پیشین، ص 172

5- خاقانی، پیشین، ص 273

6- محمد، گلابی، پیشین، ص 173

قبل از سده دوازدهم قمری در شبه قاره هند می زیسته است. (1)

این سروده طولانی، تقریباً بزرگ ترین نظم نامه درباره عشق حضرت خدیجه علیها السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به یکدیگر محسوب می شود که برگرفته از روایات بحار الانوار (2) در این باره است. شاعر در این نظم، نامه مسائلی چون: شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام دارایی و جایگاه اجتماعی، او تجارت پیشگی او چگونگی آشنایی او با پیامبر صلی الله علیه و آله، هم کاری پیامبر صلی الله علیه و آله با کاروان تجاری خدیجه علیها السلام، چگونگی خواستگاری و ازدواج ایشان بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله، حمایت های معنوی و کمک های مالی خدیجه به پیامبر صلی الله علیه و آله در راه گسترش اسلام بر خورد زنان مکه با خدیجه علیها السلام قبل و بعد از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، تولد حضرت زهرا علیها السلام و... را انعکاس داده است. ابیات ذیل بخشی از این سروده طولانی است: (3)

روایت را به اسناد از مفضل *** رسانیدست اسناد مکمل

از او پرسیدم از روی ارادت *** که چون بودست زهرا را ولادت

تفحص چون ز صدق دل نمودم *** چنین از جعفر صادق شنودم

که چون جفت پیمبر شد خدیجه *** به آن بی مثل همسر شد خدیجه

چو کاری این چنین دیدند از وی *** زنان مکه ببریدند از وی

از آن خورشید برگشتند یکسر *** از و چون سایه برگشتند یکسر

نمی رفتند دیگر جانب او *** نمی بودند دیگر طالب او

سلام او نمی کردند هرگز *** به سوی او نمی کردند هرگز

ص: 250

1- محمد علی خان گویا از کاتبان بنام قرن دوازدهم قمری در شبه قاره هند، این مجموعه را که بخش از سروده های (جنگ) نوزده بندی است با خط نستعلیق زیبا در اندازه (27×14/5) سانتی متر و با استفاده از کاغذ ترمه که در چهار ستون جدول بندی شده و در 197 برگ شانزده سطر، کتابت و تنظیم کرده است. وی در مثنوی ها تصرفاتی انجام داده و برخی از آن ها را برگزیده است بند دوازدهم این مجموعه نوزده بندی، ماجرای عشق و ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام است که با بهره گیری از روایات بحار الانوار انشاد شده است. (محمد محمدپور پیراشته، نقش ام المؤمنین خدیجه علیها السلام در تاریخ اسلام، ص 121 به نقل از فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی ملک، ج 8، ص 437-440)

2- محمد باقر مجلسی، پیشین، ج 16، ص 81

3- محمد محمود پور پیرپشته پیشین، ص 121 - 135

همین نی خود از و محروم بودند *** که منع دیگران هم می نمودند

از این معنی خدیجه وحشتی داشت *** ولی در اصل از این رودهشتی داشت

که پیغمبر از آن در هم نباشد *** دل شادش اسیر غم نباشد

چو زهرا در شکم پیدا شد او را *** انیس خاطر شیدا شد او را

به تنهایی به او همراز می گشت *** به او همراز و هم آواز می گشت

به دفع آن غم و اندوه صوری *** به او می کرد تلقین صبوری (1)

با نگاه اجمالی در این ابیات می توان دریافت واژگان به کار برده شده در، آن با قواعد نگارشی فارسی سده های پیشین سازگاری دارد. واژگان مانند «رسانیدست» و «باسناد» که در تعبیر ادبی امروزی «رسانده است» و «به اسناد» نگاشته می شود

سلسله اسناد روایی که شاعر شعرش را در این ابیات مستند ساخته، می رساند که وی پیرو مذهب جعفری بوده است؛ زیرا وی این روایت را از بحار الانوار از طریق مفضل ابن عمر که از راویان حدیث ائمه در عصر امام جعفر صادق علیه السلام بوده به شعر کشیده است. وی در این ابیات برخورد نامناسب زنان مکه را با حضرت خدیجه علیها السلام بیان می دارد و در آن مقطع از تاریخ که آن بانو با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج نمود و آن حضرت پس از این که به رسالت مبعوث شد، زنان مکه مانند مردان آن جا با پیامبر صلی الله علیه و آله و با خدیجه علیها السلام بدرفتاری می کردند. خدیجه علیها السلام از بی اعتنایی زنان مکه نسبت به خودش، از آن جهت اندوهگین که باعث رنجش خاطر پیامبر صلی الله علیه و آله می شد و در این راه می کوشید تا بود پیامبر صلی الله علیه و آله از این ماجرا آزاده خاطر نشوند. خدیجه علیها السلام و بارداری حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، سوژه ای دیگر است که شاعر حضرت زهرا علیها السلام را مایه آرامش خاطر رفیق رازهای لحظه های تنهایی و کاهنده رنج ها و اندوه های مادرش معرفی می کند

ص: 251

قصیده بود از هر زنی برتر خدیجه، سروده شاعر آیینی و دل سوخته اهل بیت عصمت و طهارت علیه السلام حبیب الله چایچیان «حسان» (1) است. وی در این سروده با نگاه، آیینی شخصیت فضایل و مناقب حضرت خدیجه علیها السلام را وصف کرده است:

همین وارستگی شایسته ای اوست *** چو زهرا را بود مادر خدیجه

کشد بار عطای آسمانی *** چو باشد مادر کوثر خدیجه

چه کوثر آن که یکتا همچو طاهاست *** صدف شد بر چنین گوهر خدیجه

ز نامش مادران بر خود ببالند *** که دارد یک چنین مادر خدیجه

چه خوش باشد غلام خود بخواند *** «حسان» را در صف محشر خدیجه (2)

شاعر در این ابیات به مقام شامخ آن بانو از این زاویه تأکید کرده که او مادر برترین زن جهان یعنی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بود بانویی که خداوند در مورد او به پیامبرش فرمود:

لولاک لما خلقت الافلاک و لولا علی علیه السلام لما خلقتک و لولا فاطمه لما

ص: 252

1- حبیب الله چایچیان متخلص به «حسان، شاعر و مرثیه سرای بزرگ اهل بیت عصمت و طهارت علیه السلام در سال 1302 شمسی در شهر تبریز متولد شد. در کودکی به همراه خانواده اش به تهران آمد. تحصیلاتش را در مدرسه ایران و آلمان گذراند سپس در بانک ملی ایران استخدام شد. چایچیان از معروف ترین شاعران عاشورا سراسر است که در تمامی مناطق فارسی زبان سروده هایش طرف دار و خواننده دارد وی نخست به جز اشعار آیینی و عاشورایی در عرصه های دیگر نیز شعر می سرود اما با سفر به کربلاء معلی و نجف اشرف، فقط در مدح و مرثیه اهل بیت عصمت و طهارت اکتفا نمود (محمد لی مجاهدی، کاروان شعر عاشورا، ص 580؛ و مرضیه محمد زاده، دانشنامه شعر عاشورایی، ج 2، ص 1216). گل های پرپر خزان گلریز باغستان، عشق، سایه های غم، ای اشک ها بریزید (جلد اول دیوان اشعار) خلوتگاه راز (جلد دوم دیوان اشعار) چهل حدیث جالب از علی بن ابی طالب علیه السلام و جلد سوم دیوان اشعار از جمله آثار او است. وی کتاب «بَطَلَةُ کربلا» اثر «دکتر بنت الشاطی» را با نام «زینب علیها السلام بانوی قهرمان کربلا» به فارسی ترجمه کرده است. این شاعر دل سوخته اهل بیت علیهم السلام با عالم مشهور شیعه علامه عبدالحسین امینی نویسنده کتاب گران سنگ الغدیر ارتباط داشته و به تأثیر پذیری از اندیشه های علامه سید مرتضی عسکری نیز اقرار کرده است (محمد علی، مجاهدی، پیشین، ص 580؛ مرضیه محمد زاده، پیشین، ج 2، ص 1216).

2- علی کرمی فریدنی، فروغ آسمان حجاز خدیجه علیه السلام، ص 562-565

اگر تو نبودی، موجودات را نمی آفریدم، و اگر علی علیه السلام نبود، تو را نمی آفریدم و اگر فاطمه، نبود شما دو نفر را نمی آفریدم.

5. فخر بانوان

فخر بانوان عنوان مسدسی است از شاعر مشهور آیینی در دوره معاصر مرحوم علی اکبر خوش دل تهرانی (1) که در آن از آغاز آشنایی حضرت خدیجه کبری علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله هم کاری در کاروان تجاری، او ازدواج با ایشان و... تا رحلت آن بانوی بزرگ را به تصویر کشیده است. جلوه ویژه ای که از زندگی و شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در سروده خوش دل تهرانی دیده می شود به بخشی از اجر و پاداش الهی اشاره دارد که در قبال زحمات و خدمات این بانوی بزرگ به او عطا شد که در راه انتشار رسالت انجام داد این پاداش در وجود نازنین حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تجلی یافته است. ابیاتی از این بخش از مسدس چنین است:

خدیجه در ره آیین این مرد *** همه هستی خود از جان فدا کرد

خدا هم در ازای هستی او *** گرامی گوهری بروی عطا کرد

چه گوهر به ز اعطینا و کوثر *** چه اختر بهتر از زهرای اطهر

در آن روزی که آن فرخنده دختر *** به بطن مام والایش مکان داشت

ببرد تا از دلش اندوه با وی *** حکایت های نغز و داستان داشت

که ای مادر ز بی یاری نرنجی *** که من چون گوهری داری و گنجی

ص: 253

1- علی اکبر خوشدل تهرانی (1332 - 1365 ش) فرزند حاج رحیم صلح، خواه در تهران به دنیا آمد و تحصیلات ابتداییه و متوسطه اش را در مدرسه تدین تهران و مدرسه ثروت (ایران شهر) و علوم قدیمه (صرف، نحو، فقه و اصول، معانی، بیان و بدیع) را در مدرسه مروی، کتاب مطول تفتازانی و معنی ابن هشام را از آقا شیخ علی رشتی آموخت. وی حکمت و منطق را در اصفهان و شیراز فرا گرفت و سپس به سیرو سیاحت پرداخت. خوشدل تهرانی در قالب های، غزل، قصیده قطعه و مثنوی شعر می سرود و در غزل که مهارت خاص داشت از طائب تقلید می کرد دیوان کامل، وی چند روز پیش از وفاتش در 820 صفحه منتشر شد. دیوان غزلیات (جزء اول: 1356 ق)؛ دیوان منتخبات (1332 ش)؛ عمده الاسرار (مجموعه شعر، 1356 ق)؛ گلشن خوشدل (مجموعه شعر، 1365 ق). مجموعه آثار وی است. قبر وی در آستانه شیخ صدوق در ری قرار دارد. (وب سایت راسخون ptth/734295://wohs/rihahsam/ten.noohkesar/).

در پایان نیز شاعر از عفت و شجاعت حضرت زهرا علیها السلام در ماجرای احتجاج او با خلیفه اول در قضایای پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یاد نموده که این عفت و شجاعت را به دخترش زینب کبری علیها السلام در قرائت خطبه های آتشین در کوفه و شام آموزش داده است:

در آن روزی که زهرا با ابوبکر *** نمودی احتجاج بی قرین را

به زینب دختر خود یاد می داد *** بیان خطبه های آتشین را

زن اسلام آزاد است و بیدار *** ولیکن پاک دامن است و دین دار (1)

آزادگی، بیداری پاک دامنی و دینداری از نگاه شاعر، مهم ترین ارکانی است که شخصیت زن مسلمان را تشکیل می دهد و این ارکان را شاعر در وجود حضرت زهرا علیها السلام و بی بی زینب کبری علیها السلام که پیشوایان زنان مسلمان هستند عالم نمایان می بیند. بی شک فخر بانوان خدیجه کبری علیها السلام در متجلی شدن این عفت و شجاعت بی نقش نبودند.

6. همسر رسول الله صلی الله علیه و آله

مثنوی خدیجه همسر رسول الله صلی الله علیه و آله سروده زنده یاد استاد ژولیده نیشابوری (2) است که در آن شخصیت فضایل و خدمات آن بانو را در راه اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله این گونه به تصویر می کشد:

خدیجه اولین بانوی اسلام *** کز او زن را به نامش زنده شد نام

2. ص: 254

1- محمد صحتی سردرودی، فاطمه زهرا علیها السلام در شعر فارسی از ولادت تا شهادت 126-129 به نقل از خوشدل تهرانی، دیوان خوشدل تهرانی، ص 591

2- محمد حسن فرحبخشیان مشهور به ژولیده نیشابوری در سال 1320 شمسی در نیشابور به دنیا آمد. در دوران کودکی به سبب شرکت در مراسم های مذهبی و عشق به اهل بیت عصمت و طهارت علیها السلام به شعر و ادبیات آیینی علاقه مند شد. وی بیش تر اشعارش را در زمینه های مدح و مرثیه اهل بیت علیهم السلام، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس سروده است. ژولیده نیشابوری به دلیل داشتن روحیه انقلابی حدود سه سال و اندی از عمرش را در زندان های دوره طاغوت سپری نمود وی سرانجام در سال 1386 شمسی در ورامین درگذشت. از مرحوم ژولیده حدود سی اثر در قالب کتاب و جزوه برجای مانده است گلبانگ، عشق، ای قلب ها بسوزید ای چشم ها بگریید و چه کنم دام ها می سوزد مشهورترین مجموعه های شعری اوست. (وب سایت شبکه اینترنتی آفتاب: moc.ribatfa.www).

یگانه همسر پیغمبر است او *** به قدر و رتبه از مردم سر است او

خدا را بین زن ها او یگانه است *** که در تاریخ نامش جاودانه است

ز ایثارش کرم شرمنده گشته *** کرم پیش سخایش بنده گشته

به سهم خویش دین خود ادا کرد *** تمام ثروت خود را فدا کرد. (1)

شاعر در این مثنوی فضایل و مناقب مختلفی را برای حضرت خدیجه کبری علیها السلام بر شمرده که از مهم ترین آن ها مسأله ایمان اوست . به گواهی تاریخ، آن بانو اولین زن مسلمان بود که به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد و به همراه آن حضرت و امام علی علیه السلام نماز گزارد. (2)

7. عطیه حق

عطیه حق عنوان غزلی است از محمد عابد تبریزی (3)، شاعر آئینی اهل بیت عصمت و طهارت در ابیاتی از این غزل که در ذیل می آید، مقام زن و به ویژه مقام حضرت خدیجه علیها السلام عالی را ستوده شده است:

زن است روح منزه، زن است جان مصطفی

به شرط آن که ملبس بود به جامه تقوی

بهترین عطیه حق است زن به عالم هستی

علی الخصوص زنی هم چنان خدیجه کبری

زنی که گوی سبق برده از فحول به همت

ص: 255

1- ژولیده نیشابوری، ای چشم ها بگریید اشعار مذهبی با مقدمه استاد محمد باقر صدرا، ص 125.

2- اعظم رحمت آبادی، پیشین، ص 88

3- محمد عابد (1314 - 1385 ش) در محله خیابان تبریز به دنیا آمد. پدرش شاعر بود و در شعر «یتیم» تخلص می کرد، در کودکی نزد پدرش تحصیل نمود و در اول جوانی در بازار تبریز مشغول کار شد و در سال 1344 شمسی کارمند رسمی بانک تجارت گردید و در سال 1374 بازنشسته شد. وی با علوم و معارف اسلامی از جمله: فقه و اصول، فلسفه و عرفان ادبیات عرب و پارسی و تفسیر قرآن آشنایی داشت و با شخصیت هایی چون: عمران، صلاحی، دکتر مرتضوی دکتر خیام، پور دکتر ترجانی زاده و آیت الله سلطان القرائی و... مرآوده علمی و ادبی داشت. وی از کودکی حافظ قرآن و به نهج البلاغه علاقه مند بود و در شعر و ادبیات به مولانا، حافظ، سعدی و نظامی توجه بیش تری داشت. وی سراینده سروده های آئینی بود. (وبلاگ عابد خلوت نشین انجمن ادبی استاد محمد عابد تبریزی:

زنی که نادره ماسوا بود به سجایا
چراغ بیت نبوت به ماه چهره تابان
صفای باغ رسالت به سرو قامت رعنا
زنی که بود کنارش امان «مأمن هستی»
زنی که بود سرایش ملاذ «ملجأ دنیا»
پی رواج شریعت به منتهای مناعت
نثار کرد به پای نبی طلا و مطلا
همه شدائد دعوت همه مصائب امت
ز لطف او به نبی بود جمله نوش و مهتا
کسی نبود حمایت کند ز نفس رسالت
به جز خدیجه که بودش، انیس با تن تنها
سخن چگونه توان گفت در مدیحت آن زن
که هست همسر خیرالانام و مادر زهرا
برفت و دیده احمد گریست در غم هجرش
نه مصطفی که همه کائنات گشت معزی (1)

شاعر در این سروده به شخصیت والای تاریخی و اخلاقی حضرت خدیجه علیها السلام تأکید دارد و او را به سبب صفات و خدماتی چون: وارستگی زهد، همت مناعت طبع ایثار جانی و مالی در راه رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله، و... می ستاید شاعر تأکید می کند هر قدر بخواهیم خدیجه کبری علیها السلام را مدح کنیم همسری پیامبر صلی الله علیه و آله و مادری زهرا علیها السلام، بزرگ ترین افتخار برای این بانوی بزرگ است که با همه ستایش ها برابری می کند غم و اندوه پیامبر صلی الله علیه و آله در فقدان خدیجه علیها السلام، در نگاه نازک خیالانه شاعر بر عالم هستی تأثیر گذاشت و به سبب حزن پیامبر صلی الله علیه و آله، عالم هستی با آن نفس قدسی و ولی اولیا همراه شد. این بزرگ ترین شاهد بر عظمت خدیجه علیها السلام است

1- محمد صحتی سردرودی ، پیشین، ص 124 به نقل از محمد عابد تبریزی ، مهر در، شفق، ص 40 .

گنج در ویرانه، عنوان غزلی است از شاعر و نویسنده معاصر مرحوم منصور امینی (1) از محتوای این سروده چنین بر می آید که شاعر آن را هنگام حضور در مدفن حضرت خدیجه کبری علیها السلام سروده است. شاعر با تجسم شخصیت آن بانو، رابطه خود با او را این گونه به شعر در آورده است:

مادرم این جاست در این شعب بوطالب دفین است

مادر بر حق من مادر به حق حق همین است

نیست او گر مادر من پس بگوید ای عزیزان

تار و پودم جان و قلبم از چه با مهرش عجین است

مادر ای مادر که شیرم داده ای معذور دارم

مهر تو جسم است و مهر او مرا ایمان و دین است

این که این جا بر مزارش اشک می بارم چو باران

روح عشق و جان یک رنگی ست ام المؤمنین است

عفت و مهر و وفاداری از او رونق گرفته

ص: 257

1- منصور امینی (1310 - 1385 ش) مهندس نویسنده، مترجم و شاعر مشهور در خانواده نسبتاً فقیر در باغبادران ساحل زاینده رود اصفهان به دنیا آمد. تحصیلاتش را در زمینه الکترونیک و علوم فنی در مدارس شرکت پالایشگاه آبادان به همراه آموزش زبان انگلیسی به پایان رسانید وی پس از 35 سال کار در پست های مهم فنی پالایشگاه آبادان با آغاز جنگ تحمیلی عراق بازنشسته شد. از این زمان به بعد، با جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی اصفهان مجتمع فولاد مبارکه و بخش الکترونیکی ارتش همکاری نمود. امینی شاعری را از پدرش که متخلص به «فانی» بود به ارث برد و در کنار فعالیت های علمی در زمینه های مختلف از جمله: نگارش کتاب هایی در بررسی و نقد مستشرقان درباره تاریخ پیامبر صلی الله علیه و آله و ترجمه گزیده تفسیر نمونه و برخی کتاب های دینی به زبان انگلیسی مجموعه های شعری مختلف را منتشر نمود. اولین مجموعه شعری وی در 22 سالگی چاپ شد. اشک عاشق خدای نامه، یاران محمد، فلسفه الهی، خود را بیش تر بشناس، تاریخ 4 هزار ساله فولاد ایران و دیوان، منصور از آثار منظوم وی است. (روزنامه کیهان، ش: 18559 ت: 1385/4/152 ش، ص 11 بخش: شهرستان ها و وب سایت انجمن فرهنگی و هنری شیدا //: www.anjoman- http/ sheida.com/info.php?links-pageid=39id2-7

عشق را این پاک باز دهر مفهوم آفرین است

جانم را غم بدعهدی خوبان گرفته

خوب می دانم چه گنجی اندر این ویران زمین است

فاطمه خیرالنساء العالمین را مادر است او

همسر بی مثل و بی همتای ختم المرسلین است

آه «منصور» آن که این جا خفته او را می شناسی

گنج در ویرانه یا تاج سرش عرش برین است. (1)

شاعر در این غزل از جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام سخن به میان آورده و او را مادر مؤمنان و مادر حقیقی خویش دانسته است و محبت به مادرش را عاطفی و محبتش به حضرت خدیجه علیها السلام را دینی و ایمانی می داند.

9. پیوند دو نور

پیوند دو نور، عنوان مثنوی نسبتاً طولانی از سید مرتضی میرفخرایی جندقی (2) است. وی در این مثنوی نخست نسب خانوادگی حضرت خدیجه علیها السلام، سپس ماجرای خواستگاری مجلس عقد و پیوند نبی اکرم صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه کبری علیها السلام را به شعر درآورده است. ابیات زیر بخشی از این مثنوی طولانی است که در آن ها فضایل و کمالات حضرت خدیجه علیها السلام بازتاب یافته است:

مظهر پاکی و جمال خداست *** نور رحمت ز چهره اش پیدا است

در وصول مرام همسر خویش *** گذرد از زر و دهد سر خویش

ص: 258

1- محمد صحتی سردرودی، پیشین، ص 130 به نقل از منصور امینی دیوان منصور امینی، ص 193.

2- سید مرتضی فخرایی میرجندقی از شاعران و منبریان، تهران تحصیلات دانشگاهی اش را در رشته های فلسفه و علوم تربیتی در دانشکده معقول و منقول و دانش سرا در تهران به پایان رساند تحصیلات حوزوی اش را در زمینه های فقه حکمت و عرفان نزد پدرش سید محمد باقر فاضل جندقی، محمود شهابی، سیدکاظم عصار، میرزا مهدی، آشتیانی و الهی قمشه ای فراگرفت وی مدت 25 سال در وزارت فرهنگ به تدریس پرداخت و بیش از پنجاه سال در تهران به منبر و ارشاد عموم اشتغال داشت مجموعه سروده های سید مجتبی میرفخرایی جندقی در زمینه تاریخ اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مناقب و فضایل خاندان عترت با عنوان سیمای رسول الله منتشر شده است. (سید مرتضی میرفخرایی، جندقی، سیمای رسول الله، تلخیص از ص 9-18).

هست با تابناکی آینه اش *** تا شود وحی حق معاینه اش

چون خدیجه جمال احمد دید *** در جمالش کمال ایزد دید

لیک راه عبور آن همه نور *** بود چشمان روشن آن هور

که ز چشمان او بچشم امین *** می شد آن نور پاک جایگزین

دیده را به دیده اش وا کرد *** عالم غیب را تماشا کرد (1)

یکی از بارزترین ویژگی هایی که شاعر در این ابیات برای حضرت خدیجه علیها السلام بر شمرده، توانایی او در درک حقیقت است. درک حقیقت و واقعیت نیز به سبب کمال نهفته در وجود آن با نوست حضرت خدیجه علیها السلام کمال الهی را در جمال پیامبر صلی الله علیه و آله می بیند و برای دست یافتن به مرام و مقصود همسرش که همان تحقق یکتاپرستی است از تمام دارایی خویش می گذرد و در این راه جان فشانی می کند در نگاه شاعر حضرت خدیجه به سبب داشتن طینت پاک و آراسته بودن به درک نور رحمت (یگانه پرستی) توانست نور حقیقی را از چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله بخواند و عالم غیب را بنگرد.

10. سرچشمه کوثر

حضرت خدیجه علیها السلام سرچشمه، کوثر عنوان یکی از غزلیات شاعر آیینی سید رضا مؤید خراسانی (2) است شاعر در این غزل با نگاه نازک خیالانه حیات جاودانه و خدمات فراموش ناشدنی آن بانو را با زبان شعری این گونه بیان می کند.

خیمه عشق را عمود تویی *** صفت مهر را نمود تویی

ص: 259

1- همان، تلخیص از ص 264 - 268 .

2- سیدرضا مؤید خراسانی در سال 1321 شمسی در مشهد به دنیا آمد وی عضو شورای شعر انجمن ادبی رضوی مؤسسه آفرینش های هنری آستان قدس رضوی است. مؤید در سرودن شعر، به ویژه اشعار مذهبی دارای قریحه سیال و روان است؛ به نحوی که آیات و روایات به همراه سیر زندگی اهل بیت و داستان های تاریخی در شعرهای وی بسیار به چشم می خورد. سروده های وی در موضوعات: مدح و منقبت اهل بیت علیهم السلام، مضامین انقلابی حماسه های دفاع مقدس است. از آثار او می توان به گل های اشک، جلوه های رسالت، نغمه های ولایت سفینه های نور چکامه عشق و باران نور اشاره کرد (زندگی نامه سیدرضا مؤید، خراسانی مندرج در: وب سایت مؤسسه آفرینش های هنری آستان قدس رضوی، <http://aqart.ir>).

در کنار تمامی رحمت *** مظهري بر تمام وجود تویی

فاطمه گوهر وجود بود *** مخزن گوهر وجود تویی

اولین زن که از لبان رسول *** سخن وحی را شنود تویی

اولین زن که با رسول خدا *** به رکوع آمد و سجود تویی

با سلام پیمبری به رخس *** اولین کس که در گشود تویی

مادری که چهار قابله اش *** آمد از آسمان فرود تویی

آن که با جبرئیل در هر وحی *** آمدش از خدا درود تویی

منعمی را که با تهی دستی *** کردگارش بیازمود تویی

آن که در خانه بود و یک دم هم *** غافل از رهبرش نبود تویی

باغبانی که شد گل یاشش *** بین دیوار و در کبود تویی

به علی و محمد و زهرا *** اشفعی یا خدیجة الغرا (1)

از مهم ترین فضایل و مناقبی که در این غزل برای حضرت خدیجه می توان بر شمرد، مظهر تام بودن و منبع گوهر وجودی فاطمه زهرا علیها السلام، اولین زنی که کلام وحی را از زبان مبارک نبی اکرم صلی الله علیه و آله شنید اولین زن که به همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نماز گزارد و محبت و پایداری او نسبت به نبی رحمت است.

11. گمشده

گمشده عنوان غزلی است که محمد کاظم کاظمی (2) شاعر نام آشنای معاصر

ص: 260

1- سیدرضا مؤید، باران، نور، ص 363

2- محمد کاظم کاظمی فرزند حاجی محمد کاظم در سال 1346 شمسی در خانواده نسبتاً متوسط و نامدار در عرصه فرهنگ و ادب در شهر هرات به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی متوسطه و دبیرستان را در هرات و کابل سپری نمود پس از به پایان رساندن دبیرستان در سال 1363 به دلیل حاکمیت کمونیست ها بر افغانستان و اوضاع سخت دینی و مذهبی وی به همراه خانواده به ایران. کوچید با سکونت در شهر مشهد، دوره کارشناسی را در رشته مهندسی عمران در دانشگاه فردوسی گذراند کاظمی همزمان با تحصیل در دانشگاه و پس از آن تاکنون با نشریات و نهادهای فرهنگی و ادبی افغانستانی و ایرانی مختلف همکاری داشته است. (احمد شاه فرزاد، افغانستان از حکومت مجاهدین تا سقوط طالبان، ص 123-125) وی علاوه بر سرایش شعر در زمینه های آموزش شعر، نقد، شعر، نویسندگی ویرایش کتاب و

مقاله فعالیت داشته است. وی به تازگی عضو ناپیوسته فرهنگستان زبان فارسی ایران شده و بیش از ده اثر در زمینه شعر و ادبیات منتشر ساخته است گزیده غزلیات بیدل، مرقع صد رنگ، کلید در باز، شمشیر و جغرافیا، کفران، پیاده آمده بودم و روزنه، نمونه آثار کاظمی است که تاکنون منتشر شده است. وی بیشترین کتاب های انتشارات عرفان در تهران و مجموعه آثار دکتر علی شریعتی را ویراستاری کرده است.
(وبلاگ محمد کاظم کاظمی <http://mkkazemi.persianblog.ir>)

افغانستان آن را در شب وفات حضرت خدیجه کبری علیها السلام سروده است. کاظمی در این غزل نخست گفتگوی میان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بی بی خدیجه کبری علیها السلام را به تصویر کشیده، سپس به مسائلی چون جان فشانی آن بیبی در راه خدا و رسول خدا رحلت جان گداز و سوز و گداز پیامبر صلی الله علیه و آله در فراق یار دلسوزش و مقام و مظلومیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اشاره می کند

تن و جان و سرو و مالم به فدای قدمت

ای شریک دو جهانم! کم ما و کرمت

از تماشای چه گلزار فراز آمده ای؟

بوی گل می دهد امروز، دم و بازدمت

دست تنهای بشر! دست مرا هم بپذیر

و از این دست مبادا برسد هیچ غمت

شعب دلخواه! من و رنج مرا در بر گیر

شهر گمراه! تو خوش باش به سنگ و صنمت

کفنی نیست اگر پیرهن دوست که هست

مرگ محتوم! بیا با دل و جان می خرمت

دخترم! بخت تو خوش باد که تا دامن حشر

عالمی سینه زنانند به گرد علمت

من میان دل مردان و زنان گم شده ام

از تو گم گشته اگر سنگ مزار و حرمت. (1)

در لابه لای این ابیات دو نکته مهم از جان فشانی های حضرت خدیجه علیها السلام را می توان دریافت:

اول: حضرت خدیجه علیها السلام از ثروتمندان حجاز بود و پس از ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آغاز رسالت، تمام ثروت خویش را در راه گسترش توحید و فراگیر شدن دین اسلام به مصرف رساند و حامی مالی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مسلمانان گردید. (1) بیت «تن و جان و سرو مالم به فدای قدمت - ای شریک دو جهانم! کم ما و کرمت»، به همین نکته اشاره دارد.

دوم: ماجرای نزول فرشته وحی برای نخستین بار بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. این مساله در روز 27 ماه رجب در چهل سالگی حضرت محمد صلی الله علیه و آله رخ داد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله طبق روای همیشگی در غار حرا مشغول عبادت و نیایش خداوند بودند که جبرئیل امین برایشان نازل شد و نخستین آیات سوره مبارکه علق (2) را بر ایشان نازل کرد (3).

تغییر حالات روحی و معنوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از نزول فرشته وحی برای نخستین بار با آن چه پیش از این در عبادت با خداوند برایشان رخ می داد، متفاوت بود. بر همین اساس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از بازگشت از غار حرا ماجرا را با همسر دانا و مهربانش در میان گذاشتند و او با مشاهده حالات روحی ایشان، دریافت که حقیقت مهم که همان برانگیخته شدن ایشان به رسالت بود تحقق یافته است. (4) بیت «از تماشای چه گلزار فراز آمده ای؟ بوی گل می دهد امروز دم و بازدمت» به نزول فرشته وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله و معطر شدن ایشان به عطر رسالت و نبوت از زبان حضرت خدیجه علیها السلام حکایت دارد.

12. تکیه گاه خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله

مثنوی (ای تکیه گاه ختم رسل نخل وجودت)، اثر شاعر و ذاکر اهل بیت عصمت

ص: 262

-
- 1- مجلسی، پیشین، ج 4، ص 36.
 - 2- سوره مبارکه علق آیات 1-6.
 - 3- مجلسی، پیشین، ج 16، ص 11.
 - 4- گروهی از نویسندگان، همسر آفتاب، ص 29.

و طهارت غلامرضا سازگار «میثم» (1) است که آن را از بهترین سروده ها در معرفی شخصیت فضایل و مناقب و خدمات حضرت خدیجه علیها السلام را در راه اسلام و پیامبر رحمت می توان بر شمرد در بخش های از این ابیات چنین آمده است:

ای قامت مردان جهان خم به سجودت

ای تکیه گه ختم رسل نخل وجودت

ای مکه ز خاک قدمت خلد منخلد

ای عصمت معبود و امید دل احمد

آن روز که افتاد خزان در چمن تو

پر زد به جنان طوطی روح از بدن تو

تا بوی گل احمدی آید ز تن تو

شد جامه پیغمبر اکرم کفن تو

با مرگ تو آغاز شد ای عصمت سرمد

بی مادری فاطمه تنهایی احمد

بردار سر از خاک و ببین همسر خود را

بنگر هدف سنگ سر شوهر خود را

باز آ و ببین اشک فشان دختر خود را

برگیر به بر دختر بی مادر خود را

بی روی تو گردون به نظر تیره چو دود است

برخیز که بی مادری فاطمه زود است

برخیز که بر ختم رسل فخر زمانه

ص: 263

عصمت و طهارت به شعر و مرثیه سرایی آیینی علاقه مند گردید. سازگار در حال حاضر از مرثیه سرایان و از ذاکران نام دار اهل بیت علیهم السلام در ایران به حساب می آید مجموعه سروده های آیینی استاد سازگار با عنوان نخل میثم منتشر شده است. (زندگی نامه استاد غلامرضا سازگار «میثم»، مندرج در: پایگاه اطلاع رسانی نخل میثم: nakhlemeysam.ir).

شاعر در این ابیات از شدت علاقه رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام سخن به میان آورده است. همان گونه که آن بانو به رسول اکرم صلی الله علیه و آله عشق و علاقه وافر داشت و جدا از فداکاری هایی که در راه دین و رسالت انجام داد برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله همسری بسیار مهربان و فداکار بود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به آن بیبی عشق و علاقه فراوان داشتند.

پس از رحلت جانکاه خدیجه کبری علیها السلام در سال دهم بعثت در مکه مکرمه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در سوگ او که سه روز پس از وفات حضرت ابوطالب رخ داد بسیار اندوهناک شدند؛ (2) زیرا فراق آن بانو غم بزرگی بود که تحمل آن برای پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام بی نهایت سنگین بود از این به بعد پیامبر صلی الله علیه و آله تکیه گاهی نداشتند که دردهای تبلیغ راه خدا را با او در میان بگذارند.

13. بانوی دین و دنیا

شاعر و ذاکر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام عباس عنقا تهرانی (3) در غزلی که آن را در وصف حضرت خدیجه کبری علیها السلام، سروده ایشان را بانوی دین و دنیا وصف کرده است. وی در این غزل به برخی از ویژگی ها و فضایل و مناقب حضرت خدیجه علیها السلام اشاره نموده که در زیر به برخی از آن ها اشاره می گردد.

بزرگ بانوی اسلام و دین و دنیا بود

3. ص: 264

1- همان

2- احمد صادقی اردستانی، پیشین، ص 67

3- عباس عنقا تهرانی در سال 1329 شمسی در خانواده ای مذهبی و علاقه مند به شعر و ادبیات مذهبی تهران به دنیا آمد و رشد یافت. به همین جهت وی به سرایش شعر آیینی و مذهبی علاقه مند شد. وی علاوه بر سرودن شعر، به ردیف خوانی آواز و مداحی اهل بیت علیهم السلام نیز فعالیت داشته است. عنقا هم اکنون دبیر انجمن نغمه سرایان مذهبی شرق تهران است. اشعار چاپ شده وی بیش تر مذهبی و در قالب های: دوبیتی، رباعی غزل و مثنوی است. وی علاوه بر شعر مذهبی و آیینی اشعاری در موضوع: شهیدان، آزادگان و دفاع مقدس جمهوری اسلامی ایران سروده که در مجله پیام انقلاب منتشر شده است. برگ سبز، طلوع دو خورشید، گلبرگ گل سرخ، زمزمه های دلجو و اشک و خون دفترهای شعری اوست. (زندگی نامه عباس عنقا تهرانی، مندرج در: وبلاگ بالثرات الحسین علیه السلام: www.madahanmosahebe.blogspot.com).

نهال دین حق از همتش برومند است

سلام حق به خدیجه، امین به احمد داد

نگر مقام، خدیجه، به پیش حق چند است

به دامنش به جهان پرورنده زهرا را

که قلب کون و مکان، زین ودیعه خرسند است

شرف ز احمد و زهرا و مرتضی دارد

که قدر و منزلت، او رهین فرزند است

اگر چه شعر و سخن در زمانه بسیار است

کلام و مدحت «عنقا» به کام ما قند است (1)

از مهم ترین فضایل حضرت خدیجه کبری علیها السلام که در این ابیات به آن تأکید شده، درود خداوند به آن بانوست که از طریق جبرئیل امین به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و از آن حضرت به آن با نورسیده است. از دیدگاه، شاعر، این مقام بزرگی است که حضرت خدیجه علیها السلام در پیشگاه خداوند دارد امام باقر علیه السلام به حمران، زراره و محمد بن مسلم فرموده اند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «شبی که در معراج بودم، هنگام بازگشت از سفر روحانی به جبرئیل گفتم: ای جبرئیل آیا حاجتی داری؟» جبرئیل پاسخ داد: «حاجت من این است که از طرف خدا و من به خدیجه علیها السلام سلام برسانی». چون رسول خدا صلی الله علیه و آله پیغام جبرئیل را به خدیجه رسانیدند، آن حضرت پاسخ داد: «همانا خدا سلام است و سلام از اوست و سلام به سوی اوست و بر جبرئیل سلام باد!» (2)

14. رها تر از نسیم

غزل رها تر از نسیم اثر شاعر انقلابی معاصر، خانم سمین دخت وحیدی (3) است.

ص: 265

1- میر سید حجت موحد ابطحی یادواره بزرگداشت خدیجه کبری، ص 211

2- همان، ص 151-152 به نقل از مجلسی، پیشین، ج 18، ص 385.

3- سمین دخت وحیدی در اسفند سال 1312 در جهرم به دنیا آمد دوران کودکی و تحصیلاتش همان جا گذراند و دیپلم ادبی گرفت. وی از سال 1329 به شعر روی آورد و شعرهایش پس از پیروزی انقلاب ایران تاکنون به صورت پراکنده در نشریات و مجموعه های شعری مختلف گردآوری شده و انتشار یافته است. وی قبل از انقلاب اسلامی ایران فعالیت های سیاسی و اجتماعی بسیاری داشته و پس

از انقلاب اسلامی نیز در حوزه شعر مقاومت و دفاع مقدس از پیشگامان این عرصه است شعرهای سیمین دخت وحیدی همگی در قالب کلاسیک و بیش تر به غزل متمایل است وی انجمن شعر ویژه زنان شاعر را تأسیس نموده و جلسات هفتگی انجمن را در منزل مسکونی خویش اداره و سرپرستی کرده است. (زندگی نامه و فعالیت های سیمین دخت وحیدی مندرج در: وب سایت صبح هنر: <http://sobhehonar.ir>).

که در آن عنصر خیال و عاطفه موج میزند شاعر در این غزل، شمایل حضرت خدیجه کبری علیها السلام او را با واژگان عاطفی و نگاه رمانتیک این گونه به تصویر می کشد:

مقصدت کجاست ای پرنده ای پرنده صبور

ای گشوده بال تا همیشه ای همیشه در عبور

سایه تو بر زلال آب سال هاست می رود

روی دست موج ها، روی دوش کوهی از بلور

باورم نمی شود که پر شکسته باشی و غمین

این چنین که می روی و بال می زنی به شوق و شور

ای هزار و چارصد بهار فاصله به هر بهار

می کند هنوز هم مدینه قصه تو را مرور

کافران هنوز هم به شانه تو سنگ می زنند

آه ای رها تر از نسیم، ای لطیف تر ز نور

ای گلی که تا همیشه عطر خاطر محمدی

مادر بهار! اولین یقین! قصیده شعور

تا همیشه جاری از فرازهای سبز بی فرود

مقصدت خداست ای پرنده ای پرنده صبور (1)

شاعر با استفاده از استعاره و تشبیه خدیجه علیها السلام را در این غزل به پرنده ای تشبیه می کند که همیشه در حال پرواز است و مقصد نهایی این پرنده رسیدن

ص: 266

1- محمد صحتی سردرودی، پیشین، ص 129 به نقل از سیمین دخت، وحیدی مجموعه شعری موج های بی قرار، ص 122.

به پیشگاه خداوند است که با صبر و پایداری بدان دست می یابد. پرواز کنایه از زحمات او در راه انتشار رسالت نبوی صلی الله و آله و سایه کنایه از نقش خدیجه علیها السلام در تاریخ اسلام است که همانند آب زلال قرن هاست جریان دارد. موج نیز کنایه از حوادث تاریخی است که چهره درخشان حضرت خدیجه علیها السلام در آن هویدا است. در نگاه شاعر حضرت خدیجه علیها السلام مانند پرنده ای پر شکسته است که برای رسیدن به هدف خویش چنان پرواز می نماید که انسان باور نمی کند پراو شکسته باشد. این، تعبیر کنایه از بردباری این بانوی بزرگ است که در دفاع از همسر و سرور خویش هرگز دست نکشید. شاعر در هنر پردازی شعری اش خدیجه علیها السلام را لطیف تر از نور و رهاتر از نسیمی می داند که سنگ ها و کنایه های، کافران اثری در نابودی این نور و نسیم پاک ندارد.

15. بانوی ایثار

از خدا بر تو سلام آورده جبریل امین
ای خدیجه بانوی ایثار و خاتون یقین
هم طراز هاجر و حوا و مریم در مقام
خرمن فیض و کمالت را ملانک خوشه چین
در سخاوت گوی سبقت برده ای از آفتاب
در طواف تربت خورشید می بوسد زمین
روز سختی ها شدی سنگ صبور مصطفی
خاتم پیغمبران را نام تو نقش یقین
سینه ات شد گوهر ناب ولایت را صدف
مادر ام ایلهایی و ام المؤمنین
ریختی در پای پیغمبر، تمام هست خویش
چشم عالم خیره بر این عشق پاک و راستین
شمع جانت آب شد در التهاب درد ها

ساختی با غصه ها تا سوختی در پای دین

پنجه شعب ابی طالب، گلویت را فشرده

پر کشیدی تا خدا، در باغ فردوس برین

غربت و بی مادری بر دوش او آوار شد

فاطمه بعد از تو تنها ماند با قلبی حزین

سال مرگت را رسول الله عام الحزن خواند

بسکه سنگین بود داغت بر دل حبل المتین (1)

محمود شریفی کاشانی «کمیل»، (2) سراینده این غزل است. نکته نابی که این شاعر درباره حضرت خدیجه علیها السلام در این غزل به آن اشاره نموده، مقام بزرگ و رفیع آن بانو در پیشگاه خداوند است. حضرت خدیجه علیها السلام، حوا، هاجر و مریم چهار زن برگزیده جهان به شمار می آیند. البته در برخی روایات، چهار زن شامل خدیجه بنت خویلد علیها السلام، فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله، مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم (همسر فرعون) برگزیده شده اند (3).

16. مادر و شفیع امت

دو بیتی های ذیل اثر شاعر جوان معاصر یوسف رحیمی (4) است که به

ص: 268

1- میر سید حجت موحد ابطحی، پیشین، ص 214

2- محمود شریفی متخلص به کمیل کاشانی در سال 1350 شمسی در شهر کاشان به دنیا آمد. وی تحصیلاتش را در دانشگاه در رشته زبان و ادبیات فارسی گذارند در حال حاضر مشغول به تحصیل علوم دینی است. کمیل کاشانی از شاعران جوان آیینی و آزاد است مجموعه آثار منتشر شده از وی در زمینه شعر آیینی و آزاد دفترهای ذیل است شعر نینوای ناله مشهد آئینه ها، ناله های سوخته، ناله های زهرایی، ناله های پریشان کربلایی، دیگر، غریبانه (4 جلد)، یک سجده دیدار قبیله، قبله از نسل پرستوها، ما چون مسافریم، یاد آن روزها که زود گذشت زمزمه های شعله ور دوباره محرم و چند جلد شعر کودکان (وبلاگ کمیل کاشانی:

<http://komailkashani.blogfa.com>.

3- گروهی از نویسندگان همسر آفتاب، ص 34 به نقل از مجلسی، پیشین، ج 13، ص 162.

4- یوسف رحیمی شاعر آیینی و از طلاب جوان حوزه علمیه قم است. از وی تاکنون نه دفتر شعر آیینی با عناوینی چون زخم سیب، نود پنج روز باران تا کربلا محراب شکسته، پنجره ای رو به اجابت، نور علی شلمچه کربلا از حرم تا بهشت، منتشر شده است. (وبلاگ کاروان دل «یوسف رحیمی»: WWW.karavanel.blogfa.com).

شخصیت میت حضرت خدیجه کبری علیها السلام از زوایایی چون: همسر بودن برای پیامبر صلی الله علیه و آله، مادر بودن برای زهرای اطهر علیها السلام، مادر بودن برای مؤمنان، یار وفادار بودن برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سختی ها و پشتیبان دین بودن نگریسته شده است:

نبوت را نگینی یا خدیجه *** شفاعت آفرینی یا خدیجه

برایم مادری کن روز محشر *** تو ام المؤمنینی یا خدیجه

تو داری آن چنان حق عظیمی *** که در ایمان و دین ما سهمی

نه تنها دخترت! بعد از تو دیدند *** مسلمانان همه داغ یتیمی

نگاهت از غمی جانکاه می گفت *** ز صدها داغ با هر آه می گفت

میان کوچه خالی بود جای *** که زهرای تو «وا أماء» می گفت (1)

شاعر با شناختی که از خدیجه کبری علیها السلام دارد این بانوی بزرگ را شفیع خویش در روز محشر خطاب می کند در باور شاعر حضرت خدیجه علیها السلام در آخرین لحظات عمر از سختی های جانکاه حکایت می کرد که مظلومیت های دخترش زهرای اطهر علیها السلام در این نگاه ها ریشه دارد

17. گل باغ بهشت

گل باغ بهشت عنوان سروده شاعر آیینی کنونی عباس براتی پور (2) است که آن را

ص: 269

1- همان.

2- عباسعلی براتی پور معروف به (عباس براتی پور) متولد سال 1322 شمسی در تهران از اواخر دوران تحصیل در دبیرستان به شعر و ادبیات روی آورد. از سال 1338 که به عضویت کتابخانه مجلس شورای ملی (آن زمان) درآمد پژوهش های ادبی و سرودن شعر را به صورت جدی تری دنبال نمود. وی در دوران تحصیل در خارج ایران نیز از سرودن شعر غافل نبود. وی در سال 1360 با حوزه هنری آستان قدس رضوی آشنا شد و از سال 1368 تاکنون اداره جلسات نقد و بررسی شعر این مرکز فرهنگی هنری را بر عهده دارد دبیری کانون شاعران بنیاد جانبازان به مدت شش سال عضویت شورای شعر وزارت ارشاد در آستان تهران و داوری مسابقات شعر در سطح کشوری از جمله فعالیت های وی است. از سال 1369 تاکنون مجموعه های شعری بهت نگاه وعده دیدار عطش عشق داغ تشنگی، سوار مشرقی، در ساحل علقمه، ماه در فرات، برجبین صبح را منتشر ساخته است (وب سایت مؤسسه آفرینش های هنری آستان قدس رضوی <http://>

در بیان فضایل و مناقب حضرت خدیجه علیها السلام سروده است.

ای چراغ خانه شمس الیقین *** آسمان حلم ختم المسلمین

مهر تابان شبستان وجود *** مظهر احسان خلاق ودود

اسوه ایثار و تقوا و شرف *** گوهر عشق و فضیلت را صدف

همسر فرخنده ختم رسل *** یاور و یار پیمبر عقل کل

مونس دل محرم راز رسول *** مادر والای زهرای بتول

افتخار بانوان عالمی *** پاک دامن هم چو جان مریمی

نیست کس چون تو به آیین وفا *** غمگسار دردهای مصطفی

سیده بانوی نستوه قریش *** از تبار پاک و بشکوه قریش

اولین مؤمن به دین مصطفی *** آیت بدرالدجی، شمس الضحی

مظهر صبر و کرامت بوده ای *** چشمه سار استقامت بوده ای

گاه در شعب ابی طالب مقیم *** گاه از تیر ملامت دل دو نیم

هر چه بودت داده ای در راه دوست *** نقد جان در راه جانان بس نکوست

آیت کبرای حق نور مبین *** مظهر ایمان و ام المؤمنین

ای خدیجه ای گل باغ بهشت *** ای خدایی بانوی نیکو سرشت (1)

شاعر در این سروده از سه زاویه به سوژه شعری اش نگاه انداخته است:

اول تبیین صفات اکتسابی آن بانو مانند چراغ خانه پیامبر صلی الله علیه و آله، آسمان، بردباری، مهرتابان مظهر احسان الگوی فداکاری، گوهر عشق و....؛

دوم اشاره به زحمات و خدمات ایشان مانند یار و یاور پیامبر که عقل کل بشریت بوده و همراهی با چنین وجود نازنینی بزرگ ترین افتخار است که برای هر کسی میسر نیست. خدیجه علیها السلام نه تنها فقط یار و یاور آن حضرت، بلکه مونس

1- محمد صحتی سردرودی، پیشین، ص 124 و 125 به نقل از عباس براتی، پور مجموعه شعری دل و دریار، ص 114

و محرم رازهای عقل کل بشریت بود.

سوم اشاره به این که این بانوی بزرگ در راه رسیدن به حقیقت بندگی و انتشار پیام توحید همه دار و ندار خویش را فدا نمود و بدین سبب به مقام مظهر ایمان و مادر مؤمنان دست یافت

نتیجه

1. حضرت خدیجه کبری علیها السلام از زنان نام دار جهان بود، که در سیره و سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیها السلام، به پاکی طینت زهد، تقوا و پاک دامنی ایشان تأکید شده است به دلیل خدمات شایانی که در راه گسترش اسلام انجام داد جزء چهار زن برتر جهان در پیشگاه خداوند قرار گرفت. او تا زمان رحلت، در تمامی سختی ها و مرارت های نبی اکرم صلی الله علیه و آله یار و یاور ایشان بود.

2. از مهم ترین فضایل این بانوی بزرگ که در تاریخ اسلام امر مسلم به حساب می آید سبقت ایشان در ایمان سعی و تلاش در حمایت های اقتصادی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و یار و یاور بودن برای ایشان در سختی ها، مادر بودن برای والا حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و برترین زن جهان در فضیلت و جایگاه است. از این جهت در منابع تاریخی روایی تفسیری و ادبی فضایل و مناقب فراوان برای آن بانو بر شمرده اند.

3. شعر و ادب فارسی که خود دارای مؤلفه ها و بخش های گوناگون است، یکی از عرصه های توصیف شخصیت های برجسته تاریخ به شمار می آید. حضرت خدیجه کبری علیها السلام از جمله شخصیت های برجسته تاریخ است که سیمای نورانی اش در شعر و ادب فارسی بازتاب یافته است شاعران فارسی سرای معاصر با مرور تاریخ و روایات کوشیدند تا زندگی شخصیت، فضایل و مناقب آن بانورا با رویکردهای متفاوت در قالب های شعری گوناگون به تصویر بکشند. از میان رویکردهای مختلف شعری به دو رویکرد در این نوشتار پرداختیم:

در رویکرد نخست برخی از شاعران به حضرت خدیجه کبری علیها السلام به عنوان

الگوی شاخص برای ترغیب ممدوح شان توجه کرده اند تا از این طریق ممدوح خویش را به الگوگیری از ایشان و روی آوردن به صفات نیک ایشان ترغیب کنند.

در رویکرد دوم که رویکرد غالب بود و سروده های آیینی را شامل می شد، شاعران با در نظر گرفتن گوشه هایی از حیات طیبه و جاودانه این بانوی بزرگ فضایل و مناقب و مصائب اش را به شعر درآوردند و ایشان را به عنوان شخصیت محوری دانسته اند که در شکل گیری پیشرفت و امتداد دین اسلام نقش اساسی داشته و نزد خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت دارای جایگاه ویژه بوده اند.

4. شاعران آیینی که در این نوشتار سروده های ایشان را درباره حضرت خدیجه علیها السلام بازخوانی کردیم در ضمن این که اشاره های مشابه و مشترکی به فضایل و مناقب این بانوی بزرگ داشته اند در عین حال از زاویه های متفاوت نیز به توصیف و برشماری مناقب و فضایل ایشان پرداخته اند. این زاویه دید در مواردی با خیال پردازی شاعرانه و با به کارگرفتن استعاره و تشبیه همراه بوده است. برخی از شاعران از آن جایی که جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام را نزد خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام رفیع دریافته اند، او را با صفاتی چون: مادر، امت سرچشمه، کوثر نگین، نبوت برترین زن زینت بخش روزگار و شفیع و مددگار خویشتن خطاب کرده اند.

ص: 272

1. ابن اثیر، عزالدین الكامل فی التاریخ، بیروت، داراحیاء التراث العربی الطبعة الرابعة، 1414 ق.
2. احمدی گیوی حسن و دیگران، زبان و نگارش فارسی، انتشارات سمت، تهران 1389 ش.
3. اندلسی، ابن حزم، جوامع السیرة و خمس رسائل اخرى، تحقیق و مراجعه: الدكتور احسان عباس الدكتور ناصر الدین الاسد احمد محمود شاکر دار المعارف، مصر، بی تا.
4. پور پیراشته، محمد محمود، نقش امّ المؤمنین خدیجه علیها السلام در تاریخ اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی، تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران نیم سال دوم 1377 - 78 ش.
5. خاقانی افضل الدین، بدیل، دیوان اشعار به کوشش ضیاء الدین سجادی، تهران، انتشارات زوار، ج 9، 1388 ش.
6. رحمت آبادی، اعظم، مدخل حضرت خدیجه علیها السلام، مندرج در: دانشنامه فاطمی، زیر نظر علی اکبر رشاد، به اهتمام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، 1393 ش.
7. زبیری، ابی عبدالله المصعب بن عبد الله بن المصعب، نسب قریش، دار المعارف للطباعة والنشر بی تا.
8. زینی دحلان، السید احمد السیرة النبویة والآثار المحمدیة، بیروت، المكتبة الاسلامیة، بی تا.
9. ژولیده نیشابوری ای چشم ها بگریید اشعار مذهبی، با مقدمه استاد محمداقصر صدرا، تهران انتشارات سنایی، 1378 ش.
10. سنایی، محدود بن آدم، حدیقة الحقیقه، به تصحیح محمدتقی مدرس رضوی چ 6، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، 1383 ش.

11. سهیلی، عبدالرحمان، الروض الاصفی فی شرح السیره النبویه لابن هشام، تحقیق، تعلیق و شرح عبدالرحمان الوکیل دارالکتب الحدیثه، بی تا.
12. صادقی اردستانی، احمد، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام، انتشارات فجر قرآن، قم، 1385 ش.
13. صالح، صبحی، ضبط النص، و ابتکار الفهارس العلمیه للنهج البلاغه، بیروت، 1387 ق.
14. صحتی سردودی، محمد، فاطمه زهرا از ولادت تا شهادت، انتشارات پرتو خورشید، قم، 1387 ش.
15. طبرسی، امین الدین، اعلام الوری فی اعلام الهدی، دار المعرفه للطباعة و النشر، بیروت، 1399 ق.
16. طبری، ابن الجریر، تاریخ طبری (تاریخ الرسل والملوک)، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم دار سویدان، بیروت: 1387 ق.
17. فرزانی، احمد شاه، افغانستان از حکومت مجاهدین تا سقوط طالبان، آهنگ قلم، مشهد، 1389 ش.
18. کرمی فریدنی علی فروغ آسمان حجاز خدیجه علیها السلام، نسیم انتظار (حاذق)، قم، 1383 ش.
19. کلبی ابی المنذر هشام جمهره النسب، تحقیق: الدكتور ناجی حسن، مکتبه النهضه، العربیه، بیروت، 1407 ق.
20. گروهی از نویسندگان همسر، آفتاب، کتاب طه تهران، 1385 ش.
21. گلابی، محمد، سیمای یاران حضرت رسول در متون ادبی و عرفانی، انتشارات، مرسل، تهران، 1392 ش.
22. مجاهدی، پروانه محمد علی، سیری در قلمرو شعر نبوی صلی الله علیه و آله، معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیه السلام، تهران، 1387 ش.
23. مجاهدی، محمد علی، کاروان شعر عاشورا، پژوهشگاه تحقیقات اسلامی انتشارات زمزم هدایت، قم، 1386 ش.

24. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، الطبعة الثانية المصححة، مؤسسه الوفاء، بیروت، 1403 ق

25. محرابی، اکرم زندگی نامه شاعران ایرانی انتشارات دل آگاه، تهران، 1387 ش

26. محمدزاده مرضیه دانشنامه شعر عاشورایی (انقلاب اسلامی در شعر شاعران عرب و عجم)، سازمان چاپ و انتشارات تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی 1383 ش.

27. موحد ابطحی میرسید حجت یادواره بزرگداشت حضرت خدیجه کبری علیها السلام، انتشارات یاران خدیجه کبری اصفهان، 1386 ش.

28. مؤید، سیدرضا، باران، نور انتشارات آرام دل، تهران، 1391 ش.

29. میرفخرایی جندقی، سیدرضا سیمای رسول الله، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، تهران، 1383 ش.

30. یعقوبی، ابن واضح تاریخ یعقوبی، دار صادر، بیروت، 1379 ق.

وب سایت ها و وبلاگ های اینترنتی

31. زندگی نامه استاد محمد عابد تبریزی مندرج در وبلاگ عابد خلوت نشین انجمن ادبی استاد محمد عابد تبریزی (دسترسی: 1395/8/23 ش) <http://www.abedetabrizi.blogfa.com>

32. زندگی نامه ژولیده نیشابوری مندرج در: وب سایت شبکه اینترنتی آفتاب، (دسترسی در 1395/8/23 ش): www.aftabir.com

33. زندگی نامه سیدرضا موئید، خراسانی مندرج در: وب سایت مؤسسه آفرینش های هنری آستان قدس رضوی، (دسترسی در 1395/8/23 ش): www.aqart.ir

34. زندگی نامه عباس عنقا تهرانی مندرج در وبلاگ یالثارات الحسین علیه السلام، (دسترسی در 1395/8/23 ش) www.madahanmosahebe.blogspot.com

35. زندگی نامه علی اکبر خوش دل تهرانی مندرج در وب سایت راسخون،: (دسترسی در 1395/8/23 ش): show/592437
<http://rasekhoon.net/mashahir/> 36
36. زندگی نامه محمود کمیل، کاشانی مندرج در: وبلاگ کمیل کاشانی، (دسترسی در 1395/8/23 ش)
<http://komailkashani.blogfa.com> 37
37. زندگی نامه و رباعیات یوسف رحیمی درباره حضرت خدیجه علیها السلام، مندرج در: وبلاگ کاروان دل «یوسف رحیمی»،
(دسترسی در 1395/8/23 ش): www.karavanel.blogfa.com.
38. زندگی نامه و فعالیت های دکتر منصور امینی مندرج در: روزنامه کیهان، ش: 18559 تاریخ نشر: 1385/4/15 ش، ص 11، بخش:
شهرستان ها
39. زندگی نامه و فعالیت های سمین دخت، وحیدی مندرج در وب سایت صبح هنر (دسترسی 1395/2/23 ش)
<http://sobhehonar.ir>
40. زندگی نامه و فعالیت های عباس برات پور مندرج در: وب سایت مؤسسه آفرینش های هنری آستان قدس رضوی، (دسترسی:
1395/8/23 ش) [http://aqart\(82=ir/ArtistDetail.aspx?ID](http://aqart(82=ir/ArtistDetail.aspx?ID)
41. غلامرضا سازگار (میثم)، پایگاه اطلاع رسانی نخل میثم، (دسترسی در 1395/8/2 ش): nakhlemeysam.ir
42. محمد کاظم کاظمی، گمشده (عزل نذر حضرت خدیجه «س»)، مندرج در: وبلاگ محمدکاظم کاظمی، (دسترسی در
1395/8/23 ش): mkkazemi.persianblog.ir
43. وب سایت انجمن فرهنگی و هنری شیدا، زندگی نامه و فعالیت های دکتر منصور امینی (دسترسی در: 1395/8/23 ش)
<http://www.anjoman-sheida.com/info.php> 7

*بررسی مقاله "خدیجه علیها السلام" در دایره المعارف قرآن لیدن: جعفر هوشیاری، محمدحسن زمانی (1) (2)

چکیده

خانم باربارا استواسر مقاله « خدیجه علیها السلام» را در دایره المعارف قرآن لیدن نگاشته که دارای نقاط قوت و ضعف است. کلیت مقاله از شناخت ناکافی نویسنده از تاریخ اسلام به ویژه زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام حکایت می‌کند. محتویات، مقاله نشان می‌دهد که نویسنده بیش تر با تکیه بر منابع اهل سنت و کم توجهی به آرا و منابع شیعی اقدام به نگارش مقاله کرده است. عدم جامعیت منابع به عنوان ضعفی زیربنایی باعث سوگیری در پژوهش، ایجاد پیش فرض و در نهایت باعث بروز ضعف های محتوایی متعددی شده است؛ از جمله عدم جامعیت در ذکر فضایل حضرت خدیجه علیها السلام. اغراق در مورد تقدم اسلام آن بانو بر حضرت علی علیه السلام، اغراق در نقش و جایگاه عایشه بزرگ نمایی شخصیت و نقش ورقه بن نوفل در ابتدای بعثت و سیر آشنایی و ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله. نقاط قوت مقاله عبارتند از: اذعان به تقوا پاک دامنی شرافت و ایثار حضرت خدیجه علیها السلام در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله، هم نشینی با آسیه و مریم در بهشت و این که خداوند متعال ایشان را جزو زنان برگزیده آورده است.

ص: 277

1- دانشجوی دکتری قرآن و روان شناسی و عضو گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزش عالی بنت الهدی -Mah
deh1359@yahoo.com

2- استادیار و عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه

دائرة المعارف قرآن لیدن، خدیجه علیها السلام، ورقة بن نوفل باربارا استواسر.

مقدمه

اسلام به عنوان یک دین، زنده پویا و دارای قدرت نفوذ در میان جوامع و طرف داران ادیان، دیگر همیشه توجه دو دسته شرق شناسان منصف و مغرض را به خود جلب که حاصل آن تألیفات متعدد عرضه شده در دائرة المعارف ها و مجلات علمی است. دائرة المعارف قرآن لیدن (1) تنها بخشی از تلاش شرق شناسان است که نزدیک هفتصد مدخل به زبان انگلیسی از سال 2001 تا 2006 میلادی در انتشارات بریل در لیدن هلند در پنج جلد چاپ و منتشر شده است. سر ویراستار این مجموعه خانم جین دمن مک اولیف، (2) استاد دانشگاه جرج تاون امریکاست و دیگر ویراستاران اصلی آن عبارتند از: کلود ژیلیو استاد دانشگاه اکس - آن - پروانس فرانسه ویلیام گراهام استاد دانشگاه هاروارد و شیکاگو و اندرو ریپین استاد دانشگاه ویکتوریای کانادا متصدیان این دائرة المعارف کوشیده اند اثری نسبتاً جامع در حوزه مطالعات قرآنی پدید آورند.

خانم باربارا استواسر (3)، یکی از نویسندگان مقالات این دائرة المعارف، شرق شناس و استاد زبان عربی در دانشکده ادبیات عرب دانشگاه جرج تاون است وی در فاصله سال های (1993 - 1999) مدیر مرکز مطالعات معاصر عربی در همین دانشگاه بود و به مدت دو سال (1998 و 1991) نیز ریاست انجمن مطالعات خاورمیانه را بر عهده داشت. علاوه بر عضویت در انجمن های مختلف در حوزه مطالعات اسلامی زنان و خاورمیانه، از جمله سر ویراستاران دو مجله مهم خاورشناسی به نام های جهان اسلام و خاورمیانه است. وی در

ص: 278

1- Encyclopaedia of the Quran.

2- Jane Demmen Mco Auliffe

3- Barbara Freyer Stowasser

مدت تحصیل خود شاگرد افرادی چون: نجاتی لوغال در آنکارا هلموت ریتز در فرانکفورت آلمان فون گرونباوم در دانشگاه کالیفرنیا و هانس ور در مونستر آلمان بوده است. او فوق لیسانس خود در رشته مطالعات خاورمیانه را از دانشگاه کالیفرنیا آمریکا و دکتری خویش را در مطالعات تطبیقی اسلامی و سامی از دانشگاه مونستر دریافت کرده است. وی تألیفات زیادی را در حوزه شرق شناسی منتشر نموده؛ از جمله کتاب زنان در قرآن، سنت و تفسیر که به بررسی شخصیت زنان معروف در تاریخ انبیای پیش از اسلام همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و مسائل بحث برانگیز زنان در قرآن و سنت از منظر متفکران جدید مسلمان می پردازد. هم چنین مقالات متنوعی در مجله های امریکایی، آلمانی، عربی و ترکی منتشر کرده است. (1) در جلد دوم دایره المعارف قرآن لیدن (ص 80-81) مقاله ای از او در مورد حضرت خدیجه علیها السلام چاپ شده که به ترجمه نقد و بررسی آن خواهیم پرداخت.

ترجمه مقاله

[حضرت] خدیجه علیها السلام دختر خویلد از طایفه اسد از قبیله قریش اولین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله مادر همه فرزندان او به جز یک فرزند و اولین فردی بود که به رسالت پیامبر ایمان آورد [حضرت] خدیجه علیها السلام سه سال قبل از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه از دنیا رفت و آیات قرآنی مربوط به اهل بیت پیامبر در مدینه نازل شده اند؛ بنابراین نام خدیجه علیها السلام به ندرت در تفاسیر به چشم می خورد (نک: تفسیر قرآن: کلاسیک و قرون وسطا) با این حال، نام وی در سیره های مختلف [حضرت] محمد (نک: سیره، سیره و قرآن) و آثار مربوط به «داستان های پیامبران» (قصص الانبیا) حضور پر رنگی دارد. وی در میان مردم نیز به تقوا و پاک دامنی شهرت داشت.

ص: 279

1- مرتضی کریمی نیا «زنان در قرآن سنت و تفسیر: نگاهی به کتاب باربارا فرید استواسر»، مجله گلستان قرآن، ش 124، ص 34 - 36، 1381 ش

[حضرت] خدیجه علیها السلام یک بانوی اشرافی ثروتمند و تاجر مکی بود که از دو ازدواج قبلی خود دو پسر و یک دختر داشت. زمانی که وی بیوه بود از خدمات [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله به عنوان مباشر تجاری در سفر تجاری شام بهره مند گردید و گفته می شود طی این سفر پسر جوانی به نام میسره از خانواده خدیجه علیها السلام، شاهد چندین معجزه بود که نبوت [حضرت] محمد را بشارت می داد. این سفر تجاری موفقیت آمیز بود و [حضرت] خدیجه علیها السلام که تحت تأثیر شخصیت عالی و امانت داری [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله قرار گرفته بود، به وی پیشنهاد ازدواج داد. منابع حدیثی بیان می دارند [حضرت] محمد و عموی او حمزه بن عبدالمطلب این پیشنهاد را به عرض پدر خدیجه علیها السلام یعنی خویلد اسد رساندند (1) یا این که عموی خدیجه علیها السلام به نام عمرو بن اسد او را به ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله در آورد. (2) اکثر احادیث سن پیامبر صلی الله علیه و آله را هنگام ازدواج با خدیجه علیها السلام 25 و سن خدیجه علیها السلام را چهل ذکر کرده اند [حضرت] خدیجه علیها السلام حداقل پنج فرزند- چهار دختر (زینب ام کلثوم، فاطمه و رقیه) و یک یا احتمالاً دو پسر (قاسم و عبدالله که احتمالاً هر دو آن ها یکی بودند و القاب طاهر و طیب عموماً القاب عبدالله تلقی می شوند) (3) برای پیامبر صلی الله علیه و آله به دنیا آورد. حمایت مادی، عاطفی و معنوی خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله، برای موفقیت رسالت وی، بسیار حیاتی بود. تفاسیر قرآن عموماً آیه 8 سوره ضحی «آیا تو را فقیر نیافت و غنی ساخت» را به ازدواج [حضرت] محمد و خدیجه علیها السلام نسبت می دهند. [حضرت] خدیجه علیها السلام اولین تجارب اعجاز آمیز، محمد به ویژه دعوت به نبوت را به اطلاع پسر عموی مسیحی خود به نام ورقه بن نوفل رساند و او این تجارب را به حادّثه حضرت موسی علیه السلام شبیه دانست که طی آن حضرت موسی احکام تورات را از خداوند دریافت نمود. (4) طبق اکثر احادیث خدیجه علیها السلام اولین فردی

ص: 280

-
- 1- ابن اسحاق گیوم، ص 82-83
 - 2- ابن سعد، ج 1، ص 132-133.
 - 3- ابن اسحاق گیوم، ص 82-83.
 - 4- ابن اسحاق گیوم، ص 83 و 107؛ نک: تورات؛ فرمان ها؛ احتمال دیگر این است که ورقه جزئیات دین مسیحیت را در اختیار [حضرت] محمد قرار داده با اثر اسپرنگر زندگی و آموزه های محمد، ج 1، ص 124-134 مقایسه شود.

بود که به خدا رسول او و حقانیت رسالت او ایمان آورد. این امر بدان معناست که خدیجه علیها السلام اولین پیرو [حضرت] محمد و پس از خود پیامبر صلی الله علیه و آله، دومین مسلمان است. براساس احادیث دیگر علی ابن ابی طالب علیه السلام پسر عموی، پیامبر دومین مسلمان و خدیجه علیها السلام سومین مسلمان بوده است. خدیجه علیها السلام تا زمان وفاتش تنها همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و حامی اصلی او در جنگ های متعدد با دشمنان مکی بود (1).

[حضرت] خدیجه علیها السلام جزو زنان برگزیده از سوی خداوند است و در واقع اهمیت جهان شناختی وی در تفاسیر آیات 11 و 12 سوره تحریم و آیه 42 سوره آل عمران به اثبات رسیده است. در سیاق آیات 11 و 12 سوره تحریم [حضرت] خدیجه علیها السلام هم نشین همسر فرعون (آسیه) و مریم دختر عمران ذکر شده که سرمشقی برای مؤمنان هستند؛ زیرا خدمات زیادی به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله کرد. در خصوص تفسیر آیه 42 سوره آل عمران که در آن فرشتگان به مریم می گویند خداوند او را بر همه زنان عالم برتری داده است نام خدیجه علیها السلام عمدتاً در مباحث تفسیری درباره مقام مریم در میان زنان مذکور در قرآن و در ارتباط با سه زن برگزیده اهل بیت پیامبر - خدیجه علیها السلام و همسر بعدی پیامبر یعنی عایشه دختر ابی بکر و فاطمه دختر پیامبر و خدیجه علیها السلام - آمده است. در این مورد تعداد زیادی از احادیث موجود در تفاسیر و قصص الانبیا به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله اثبات می کنند که مریم، فاطمه خدیجه علیها السلام و آسیه بهترین زنان عالم و زنان برتر بهشت هستند. گر چه تعداد احادیث مربوط به قرار گرفتن عایشه در میان این زنان معدود است اکثر اقوال مدح آمیز بیان می دارند که مریم، آسیه، خدیجه علیها السلام و عایشه، همراهان [حضرت] محمد در بهشت هستند و در آن جا خانه بهشتی خدیجه علیها السلام بین خانه مریم و آسیه خواهد بود. (2)

ص: 281

-
- 1- ابن اسحاق، گیوم، ص 11-114
 - 2- طبری، تفسیر، ج 6، ص 393-400؛ رازی، تفسیر، ج 8، ص 45-46؛ بیضاوی، انوار، ج 1، ص 155؛ ابن کثیر، قصص، ج 2، ص 375-383

اشاره

منابع اصلی: بیضاوی، انوار؛ ابن اسحاق- گيوم؛ ابن کثير، قصص الانبياء، قاهره 1968؛ ابن سعد، طبقات، بيروت 1957 - 1958، ج 1، ص 131-134، 156-157؛ ج 8، ص 19-14. تفسير رازی، به ویرایش م. محیی الدین؛ تفسير طبری، ویرایش شاکر.

منابع ثانویه: سید الف. الف. رضوی، خدیجه علیها السلام الکبری، الف اسپرنگر، زندگی و آموزه های محمد سه جلد، برلین، 1869، ج 1، ص 81، و 124-134 (در باب ورقه بن نوفل) باربارا فرایر استواسر، زنان در قرآن، احادیث و تفسیر، نیویورک 1994 دبلیو ام وات محمد در مکه، آکسفورد 1953 ویرایش شده، محمد در مدینه، آکسفورد 1956 (پایان مقاله).

بررسی و نقد مقاله

الف) نقاط قوت و جنبه های مثبت

مهم ترین نقاط قوت مقاله بدین شرح است:

1. نویسنده در ابتدای مقاله به درستی اشاره کرده که حضرت خدیجه علیها السلام جز یکی از فرزندان پیامبر اسلام مادر تمام فرزندان اوست. سپس شهرت ایشان به پاک دامنی و تقوا در بین مردم را مطرح کرده است.

2. نگارنده در بخش میانی، مقاله پیشنهاد ازدواج و اظهار علاقه حضرت خدیجه علیها السلام به پیامبر اسلام را مطرح کرده است (1) این مطلب، دیدگاه مغرضانه «ازدواج به خاطر ثروت خدیجه علیها السلام را رد می کند. (2)

3. وی در ادامه به حمایت مادی عاطفی و معنوی خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرده و ایشان را تا زمان وفاتش تنها همسر و حامی پیامبر در

ص: 282

1- کشف الغمه، ج 2، ص 139؛ سیره حلبی، ج 1، ص 138؛ تاریخ الخميس، ج 1، ص 264؛ ترجمه الصحيح من سیره النبی الاعظم، ج 1، ص 341.

2- برخی ادعا کرده اند پیامبر صلی الله علیه و آله بخاطر ثروت حضرت خدیجه علیها السلام با او ازدواج کرد. (النبوه، ص 63).

جنگ ها و از عوامل موفقیت پیامبر اسلام در رسالتش دانسته است.

4. خانم استواسر به نحو شایسته ای بخش پایانی را با این مطلب شروع کرده: «خدیجه علیها السلام جزو زنان برگزیده از سوی خداوند است» و در اهمیت جایگاه ایشان به تفاسیر آیات 11 و 12 سوره تحریم و آیه 42 سوره آل عمران استناد کرده و مقاله اش را چنین به پایان می برد که، آسیه، مریم خدیجه علیها السلام و فاطمه علیها السلام جزو بهترین زنان عالم و زنان برتر بهشت هستند.

ب) نقاط ضعف و اشکالات

درعین وجود نقاط قوت مقاله دارای ضعف های زیادی است؛ از جمله:

1. عدم جامعیت در منابع

کم توجهی به آرا و منابع شیعی استناد زیاد به نویسندگان غربی، اقتباس از دایره المعارف اسلام و ضعف علمی نویسندگان از اشکالات زیربنایی و کلی دایره المعارف قرآن لیدن است (1) که مقاله مذکور نیز از آن ها پیراسته نیست. عدم جامعیت در منابع اسلامی از جمله ضعف های زیربنایی مقاله است. منابع کهن، مقاله بیش تر شامل کتب روایی و تفاسیر معروف اهل سنت مانند تفسیر انوار التنزیل و اسرار التاویل بیضاوی (قرن هفتم هجری)، ابن کثیر، کسای سیره ابن اسحاق، طبقات ابن سعد می شود؛ اما کم تر از منابع شیعی استفاده کرده است؛ (2) میراث شیعی که در آن زنان بزرگی چون خدیجه علیها السلام، فاطمه و

ص: 283

-
- 1- محمد حسن زمانی، «نقدی بر دایره المعارف قرآن لدن» مجله پژوهش های فلسفی - کلامی؛ پاییز و زمستان 1382، ش 17-18.
 - 2- مانند اعلام الوری باعلام الهدی، فضل بن الحسن الطبرسی، 1399ق؛ اعلام النساء، علی محمد علی دخیل، 1422ق؛ اتمتنا، علی محمد علی دخیل، 1402ق؛ سیره الائمة الاثنی عشر، هاشم معروف الحسینی، 1411ق؛ سیره المصطفی نظره جدیده، هاشم معروف الحسینی، 1364ش؛ تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب الکاتب المعروف بابن واضح الاخباری، 1358ق؛ دایره المعارف تشیع، مؤسسه دایره المعارف تشیع، 1368؛ بحار الانوار علامه مجلسی، ج 16، 14 و...؛ وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی؛ تاریخ الطبری تاریخ الامم و الملوک، لابی جعفر محمد بن جریر طبری؛ فاطمه الزهراء علیها السلام من المهد الی اللحد، محمد کاظم القزوی، 1397ق، ص 70 از منابع فارسی مانند مادر نمونه اسلام غلامعلی رحیمیان، 1346

زینب نقش بسیار مهمی ایفا می کنند نیز دیدگاه های نویسندگان متأخر شیعه درباره جایگاه زن در اسلام، بیان نشده است.

2. عدم جامعیت در بیان فضایل حضرت خدیجه علیها السلام

نسب حضرت خدیجه علیها السلام، (1) ملقب به طاهره بودن در جاهلیت (2) مقام الهی (3) و جایگاه ایشان نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (4)، سبقت در اسلام، (5) مادری و تربیت حضرت زهرا علیها السلام و ده ها نقطه درخشان زندگی ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام (6) همگی در این مقاله مغفول یا مستور مانده اند پدر و مادر آن بانو با چند واسطه به «لوی بن غالب» جدّ اعلای پیامبر صلی الله علیه و آله می رسد و مادر مادر خدیجه علیها السلام «هاله» دختر عبد مناف از اجداد پیامبر اسلام به شمار می آید؛ بنابراین خدیجه علیها السلام

ص: 284

1- نک: لصابه، ج 4، ص 281 - 282؛ ذهی، تاریخ اسلام ج 2، ص 152؛ سیر اعام النبء ج 2، ص 111؛ الروض الانف ج 1، ص 215؛ تاریخ الخميس ج 1، ص 264؛ ترجمه الصحیح من سیره النبی الاعظم ج 1، ص 341؛ ذبیح الله محاتی، ریاحین الشریعه در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه تهران: دارالکتب الاسامیه، 1374 ق، ج 2، ص 207؛ سید محمد صادق موسوی گرمارودی، آخرین پیام آور ج 1، ص 213

2- حضرت خدیجه علیها السلام هم از جانب پدر و هم از جانب مادر با پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نسبت داشت. ایشان از جانب پدر به قی ابن کلاب جد چهارم پیامبر و از جانب مادر به لوی بن غالب جد هشتم پیامبر می رسد. (تذکره الخواص من الامه بذکر خصائص الائمه یوسف بن قرغی البغدادی سبط بن الجوزی، 1426 ق، ص 170)

3- اسد الغاب، ج 5، ص 438 «سلام مرا به خدیجه علیها السلام برسان»

4- پیامبر به دلیل فضایل بسیار زیاد حضرت خدیجه علیها السلام به ایشان لقب کبری دادند. محمد حسن خان اعتماد السلطنه، خیرات حسان ص 111؛ ابی عبدالله الحاکم النیشابوری، المستدرک علی الصحیحین 1411 ق، ج 3، ص 184؛ علی بن محمد بن احمد المالکی المکی الشهیر بابن الصباغ، الفصول المهمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، ص 129، 1422 ق.

5- قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «خدیجه علیها السلام سابقه نساء العالمین الی الایمان بالله و بمحمد». بحار الانوار، ج 14، ص 27؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ج 5، ص 438 قال حسین ابن علی علیه السلام: «... هل تعلمون ان جدتي خدیجه علیها السلام بنت خویلد اول نساء هذه الامه اسلاماً». بحار الانوار، ج 44، 316. اعلام النساء، ج 1، ص 29، 1422 ق.

6- ابن هشام، سیره نبوی، ج 1، ص 201 تاریخ طبری، ج 1، ص 521 و ج 2، ص 208؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 13، ص 197؛ نک. فضائل حضرت خدیجه علیها السلام، علی، امامی، مجله مبلغان مسلسل، 59 مهر و آبان 1383، ص 16؛ عبدالله مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج 3، ص 77، 1423 ق؛ محمد کاظم القزوینی، فاطمه الزهراء من المهد الی اللحد، ص 70، 1397 ق.

هم از طرف پدر و هم از سوی مادر با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هم نسب بود. (1) آن بانو مورد سلام خداوند متعال (2) و محبوب ترین همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله به شمار می رفت. بنابر حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در تفسیر آیه 42 آل عمران خطاب به امام علی علیه السلام، خدیجه علیها السلام یکی از چهار زن برتر دنیا بوده است. (3)

3. خطا در تفسیر معنای اهل بیت

اهل بیت اصطلاحی، قرآنی حدیثی و کلامی است که در معنا و شمول این، مفهوم، میان مفسران محدثان و متکلمان اختلاف نظر وجود دارد: برخی از مفسران اهل سنت، اعتقاد دارند که در آیه (وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) (4) به قرینه جمله های قبل و بعد که درباره همسران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است این آیه تنها شامل همسران آن حضرت می شود. (5) نویسنده مقاله با بیان تقدم رحلت حضرت خدیجه علیها السلام بر زمان نزول آیه به این نظر اشاره کرده و به صورت ضمنی، نتیجه گرفته است که آیه شامل حضرت خدیجه علیها السلام نمی شود؛ لذا از آن جا که کتب اهل سنت منابع پژوهشی وی بوده دچار چنین نتیجه گیری خطایی شده است.

همه بزرگان شیعه و بسیاری از کتب بزرگان و مفسران اهل سنت، به استناد

ص: 285

1- تک شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج 1، ص 379.

2- عن زراره و حمران بن أعین و محمد بن مسلم عن أبي جعفر. قال: حدث أبو سعيد الخدري أن رسول الله صلى الله عليه و آله قال إن جبرئيل قال لي ليله أسرى بي و حين رجعت فقلت: يا جبرئيل هل لك من حاجة فقال: حاجتي أن تقرأ علي خديجه عليها السلام من الله و مني السلام. و حدثنا عند ذلك أنها قالت حين لقيها نبي الله صلى الله عليه و آله فقال لها الذي قال جبرئيل، قالت: إن الله هو السلام و منه السلام و إليه السلام و علي جبرئيل السلام. (تفسير العياشي، ج 2، ص 280؛ بحار الأنوار، ج 18، ص 313).

3- ابن اسحاق، السير و المغازي، ج 1، ص 245، دارالفكر، 1978، چاپ افسست قم 1368ش؛ ابن عبدالبر، همان، ج 4، ص 1821، بيروت 1992/1412؛ بحار الأنوار، ج 43، ص 36.

4- سوره احزاب، آیه 33.

5- جامع البيان، ج 22، ص 7

شواهد، قراین و روایات فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام ام سلمه، (1) عایشه، (2) ابوسعید خدری، ابن عباس و دیگر اصحاب، اعتقاد راسخ دارند که آیه تطهیر در شأن اصحاب کساء (حضرت محمد علی، فاطمه، حسن و حسین) نازل شده و منظور از اهل بیت آن‌ها هستند. (3) این مطلب از نظر روایات قطعی است. (4)

4. بیوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام

گرچه قول مشهور این است که ایشان قبل از پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله دو بار ازدواج کرده، شواهد زیادی، ازدواج‌های قبل از وصلت با پیامبر صلی الله علیه و آله را رد کرده اند. (5) علامه مجلسی در جلد ششم بحار الانوار، در باب زنان پیغمبر صلی الله علیه و آله و هم چنین ابن شهر آشوب در مناقب احمد بلاذری و ابوالقاسم کوفی در کتاب خود، سید مرتضی در کتاب شافی و ابو جعفر طوسی در تلخیص الشافی آورده اند که پیغمبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام ازدواج نمود، در حالی که او دوشیزه بود. (6)

5. وحی تجر به نبوی!

«خدیجه علیها السلام اولین تجارب اعجاز آمیز [حضرت] محمد، به ویژه دعوت به نبوت را به اطلاع پسر عموی مسیحی خود به نام ورقه بن نوفل رساند و او این

ص: 286

-
- 1- محمد بن عیسی، سنن ترمذی، ج 5، ص 699
 - 2- صحیح مسلم، ص 1049، ح 2424؛ حسکانی، شواهد التنزیل، ج 2، ص 36
 - 3- تفسیر فخر رازی، ج 25، ص 210؛ محمد بن احمد قرطبی، الجامع الاحکام، ج 14، ص 183؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل القواعد التفصیل، ج 2، ص 21؛ علی بن محمد بن مغزالی شافعی، مناقب علی بن ابی طالب، ص 304، ح 384؛ احمد بن شعیب النسائی، خصائص امیر المؤمنین، ص 33، 35؛ المرفق بن احمد المکی الخوارزمی، المناقب، ص 61؛ ابو عبد الله حاکم نیشابوری، المستدرک الصحیحین، ج 2، ص 416؛ جامع البیان عن تأویل آیات القرآن، ج 13، ص 6؛ ابن ابی الحدید معتزلی، تفسیر القرآن العظیم، ج 9، ص 3133، نیشابوری، اسباب النزول، ص 295؛ سنن ترمذی، ج 5، ص 663؛ الدر المنثور فی التفسیر المأثور ج 6 ص 603 نک مقاله؛ ایلقار اسماعیل زاده، «تفسیر تطبیق آیه تطهیر از دیدگاه مذهب اهل بیت علیهم السلام و اهل سنت»، فصلنامه تخصصی مذاهب و فرق، اسلامی شماره 8 و 9، 1383
 - 4- بحار الأنوار، ج 36، ص 336، ح 199
 - 5- مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 138 الصحیح من سیره النبی الاعظم، ص 121 - 129.
 - 6- مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 159 ترجمه الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج 1، ص 349

تجارب را به حادثه حضرت موسی علیه السلام شبیه دانست». نویسنده با این جمله به تجربه دینی اشاره دارد که یکی از رویکردهای شرق شناسان در تحلیل وحی است.

وحی در ادیان ابراهیمی جایگاه رفیعی دارد و سنگ بنای آن‌ها محسوب می‌شود که قرآن مجید تبلور اصیل آن است. از دید مسلمانان، لفظ، حروف، کلمات، جملات و صوت، قرآن همگی از خداوند متعال است که جبرئیل امین به پیامبر خاتم افاضه کرده؛ اما مدتی است که برخی روشن فکران مسلمان (1) به تبع دانشمندان مسیحی وحی را تجربه دینی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانند. فردریک شلایر مآخر یکی از نظریه پردازان تجربه دینی ادعا کرده است که "نمی‌توان آن را تعریف کرد". اما از مجموع آرای طرف داران این دیدگاه، می‌توان چند ویژگی اساسی تجربه دینی را به دست آورد که عبارتند از: امری عمومی است و به پیامبران اختصاص ندارد مصون از خطا نیست تعبیرات در آن همواره بشری است، مجموعه باید و نبایدها (شریعت) نیست بلکه به هست و نیست ها مربوط است شخصی است و برای دیگران الزام آور نیست.

نقد و بررسی این دیدگاه را به منابع تفصیلی در این زمینه واگذار می‌کنیم (2) فقط چند نکته را به اجمال می‌آوریم:

تجربه دینی با وحی تفاوت اساسی دارد؛ از جمله ناسازگاری در حقیقت همگانی بودن آن انسانی بودن تعابیر و معجزه نبودن آن علاوه بر اینکه التزام به تجربه دینی پیامدهای منفی دارد؛ مانند لغو ارسال رسل، تنزل دادن مقام وحی، کثرت ادیان تعمیم، نبوت عدم حجیت معارف الهی به حاشیه رفتن وحی و خطا پذیری وحی (3)

ص: 287

1- چنان که دکتر سروش، وحی و دین را امری بشری دانسته و از آن به عنوان الفاظ و تعبیرات شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله یاد کرده است. (سروش، بسط تجربه نبوی پیش گفتار)

2- تک محمد اشرف شجاع «نقدی بر رهیافت تجربه دین خاورشناسان بر وحی»، ص 121-138؛ محمد حسن زمانی مستشرقان و قرآن، ص 215، 1385.

3- سبحانی نیا، ص 79-102

علامه مرتضی عاملی در جاهای مختلف کتاب ارزشمند خود با دلایل متعدد، حضور ورقه بن نوفل در زندگی حضرت خدیجه علیها السلام و جریان خواستگاری و بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله را به کلی رد کرده و آن را از اسرائیلیات دانسته است. (1)

روایات در مورد ورقه بسیار متعارض هستند (2) مضمون بسیاری از روایات که در منابع اهل سنت، آمده این است که پیامبر در ابتدای رسالت، هنگامی که صدای پیک وحی را شنید بسیار ترسید فرار کرد و نمی دانست این چه صدایی است؛ در مواردی تصمیم گرفت خود را از بالای بلندی پرت کند و خودکشی نماید تا اینکه حضرت خدیجه علیها السلام متوجه شد و به ایشان گفت: «هر زمان فرشته آمد بیا روی ران من بنشین تا فرشته برود!» چند بار این کار تکرار شد، اما فرشته نمی رفت تا این که یک بار خدیجه علیها السلام حجاب برداشت و موی سر خود را عریان کرد تا این که فرشته رفت. (3) در روایات دیگری آمده است:

پیک وحی پیامبر را گرفت به او گفت: بخوان! او گفت: «خواندن نمی دانم». باز چنان ایشان را فشرده که بی رمق افتاد (4) روایات دیگری گفته اند، خدیجه علیها السلام جریان را به اطلاع ورقه رساند؛ او گفت: «این نشانه های نبوت است» و با پیامبر صحبت کرد و حضرت بعد از آن دیگر نترسید. (5) عده ای هم نقل کرده اند، خدیجه علیها السلام به نزد نسطور و بحیرای راهب مسیحی رفت و یا نامه نوشت و حالات پیامبر را گزارش کرد و آن ها گفتند: این نشانه های نبوت است». (6)

ص: 288

-
- 1- الصحيح من سیره النبي الاعظم، ج 3، ص 9-40
 - 2- محققان را به منابع تفصیلی ارجاع می دهیم از جمله:
 - 3- سیره دحلان، ج 1، ص 83؛ سیره حلبی، ج 1، ص 244 - 255؛ سیره مغلطای، ص 15؛ سیره ابن هشام، ج 1، ص 255؛ تاریخ خمیس، ج 2، ص 283؛ المصنف صنعانی، ج 5، ص 323
 - 4- صحیح بخاری، ج 1، ص 3؛ صحیح مسلم، ج 7، ص 100.
 - 5- سیره ابن هشام، ج 1، ص 254؛ سیره حلبی، ج 1، ص 239؛ سیره دحلان، ج 1، ص 82.
 - 6- المستدرک الصحیحین، ج 3، ص 112؛ المناقب خوارزمی، ص 21؛ الجامع الصحیح، ج 5، ص 640

الف) سند روایات

مهم ترین سند این روایت در کتاب های صحیح بخاری و مسلم آمده و دیگر مجامع روایی از زهری و او از عروه بن زبیر نقل کرده اند. زهری از عوامل امویان بوده (1) و امیرالمؤمنین علی علیه السلام را سب می کرده در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَّيْتُ». (2) عروه نیز در زبان عبد الله بن عمر به منافق توصیف شده و اسکافی او را از تابعانی شمرد که در ذم علی علیه السلام جعل اخبار می کرده است. (3) چگونه می توان روایت چنین اشخاصی را پذیرفت؟

ب) تناقض آشکار روایات

تعارض و تناقض روایات در حدی است که هیچ گونه جمعی بین مضامین آن ها ممکن نیست به علاوه، نشانه های جعلی بودن در سراسر آن ها نمایان است. (4) تناقض دیگر این که بعضی روایات نقش اصلی در جریان بعثت و ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله را ورقه آورده اند و بعضی دیگر به عداس نصرانی غلام عتبه بن ربیع اشاره کرده اند. (5)

ج) سؤالاتی در مورد مضامین روایات

1. چطور می شود جبرئیل پیامبر صلی الله علیه و آله را تا سرحد مرگ فشار و شکنجه بدهد؟ بخاری در جایی نقل می کند: «در جریان حضرت موسی با فرشته درگیر شد و چنان سیلی به صورت فرشته نواخت که نزدیک بود چشم او درآید». (6) آیا پیامبر صلی الله علیه و آله نمی توانست مانند موسی علیه السلام فرشته را سیلی بزند؟

ص: 289

1- کشف الغمه، ج 2، ص 317.

2- المستدرک الصحیحین، ج 3، ص 121.

3- صفه الصفوه، ج 2، ص 85.

4- الصحیح من سیره النبی، ج 3، ص 10.

5- تاریخ الخمیس، ج 1، ص 284؛ سیره حلبی، ج 1، ص 243.

6- صحیح بخاری، ج 2، ص 159؛ صحیح مسلم، ج 7، ص 100.

2. چگونه می‌شود کسی برگزیده باشد اما فرشته وحی را نشناسد، از او بترسد و فرار کند اما ورقه او را آرام سازد؟ مگر در سخن وی چه استدلالی بود که توانست پیامبر صلی الله علیه و آله را آرام کند؟

3. نسطور و بحیرای راهب در نزدیکی شام سکونت داشتند؛ پس چگونه خدیجه علیها السلام به نزد آن‌ها رفت و یا نامه نوشت و حالات پیامبر صلی الله علیه و آله را گزارش داد و آن‌ها تأیید کردند که حالات نبوت است! در حالی که در جای دیگری از همان روایات آمده که خدیجه علیها السلام روز دوم بعثت به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام نماز خواند. (1)

4. ورقه و بحیرای راهب که از جریان نبوت و بعثت اطلاع داشتند و چندین سال بعد از بعثت نیز زنده بودند چرا ایمان نیاوردند؟ (2) با وجودی که روایات به ایمان نیاوردن ورقه تأکید بسیاری دارند پس چگونه نقل کرده اند که او بهشتی است؟ (3)

5. اشکال دیگر در مورد کشف حجاب حضرت خدیجه علیها السلام است. در بعضی کتب اهل سنت آمده که حجاب در مدینه واجب شد؛ پس اگر حجاب واجب نبوده کشف حجاب چه معنایی دارد؟ اگر هم حجاب وجود داشته چنین کاری از زنی با آن فضایل بعید به نظر می‌رسد؛ به علاوه، مگر نگاه کردن به زنان بر ملائک حرام است؟

دیدگاه درست

بر اساس مجامع روایی، شیعه حضرت جبرئیل در غار حرا بر پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: 290

-
- 1- المستدرک الصحیحین، ج 3، ص 112؛ المناقب خوارزمی، ص 21؛ الجامع الصحیح، ج 5، ص 640.
 - 2- ابن عساکر کسی را نمی‌شناسم که گفته باشد ورقه بن نوفل ایمان آورده است. (الاصابه، ج 3 ص 633) ورقه مسیحی مرد در حالی که چندین سال از بعثت پیغمبر خاتم را درک کرد. (فتح الباری، ج 1، ص 26؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 148).
 - 3- نک: المستدرک الصحیحین، ج 2، ص 609؛ سیره مغلطای، ص 15؛ سیره حلبی، ج 1، ص 250؛ اسد الغابه، ج 5، ص 89.

نازل شد و ایشان می دانستند که پیک حق و فرشته وحی است. زراره از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: «وقتی پیک وحی نازل، شد پیامبر چگونه ترسید؟» حضرت فرمودند: «هر گاه خداوند یکی از بندگانش را به رسالت برگزیند، به او آرامش می دهد». (1)

هم چنین از امام صادق علیه السلام پرسیدند: «پیامبران چگونه از رسالت خود مطلع می شوند؟» حضرت فرمودند: «پرده از آنان برداشته می شود و حقایق بر آنان عیان می گردد». (2) مرحوم طبرسی (3) و قاضی عیاض (4) تأکید کرده اند که پیامبران هنگام نزول فرشته وحی او را می شناسند امر بر آنان مشتبه نمی شود و نمی ترسند.

تعدادی از کتب شیعی، حضور ورقه در سیر ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله را بدون هیچ گونه نقدی، نقل کرده اند. (5) عده ای نیز بدون ذکر نام وی واسطه ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله را زنی از بستگان خدیجه علیها السلام به نام نفیسه دانسته اند. (6)

بنابراین در جمع بندی نهایی باید گفت: ما منکر سنگینی دریافت وحی نیستیم اما موضوع جهل پیامبر صلی الله علیه و آله به، وحی ترس و اضطراب، ایشان فرار از پیک وحی و اقدام به خودکشی پذیرفتنی نیست از سوی دیگر، با ملاحظه تمام دلایلی که علامه مرتضی عاملی برای اثبات اسطوره و جعلی بودن شخصیت ورقه آورده (7) و با بررسی روایات مذکور (8) محقق به اطمینان می رسد که گر چه شاید نتوان وجود خارجی شخصی به نام ورقه را منکر شد، با استناد به ایرادات

ص: 291

1- بحار الانوار، ج 18، ص 262؛ تفسیر عیاشی، ج 2، ص 201.

2- بحار الانوار، ج 11، ص 56.

3- مجمع البیان، ج 10، ص 384.

4- رساله شفاء، ص 112

5- از جمله جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج 1، ص 196.

6- هاشم معروف الحسینی، سیره الائمه الاثنی عشر، ج 1، ص 47، 1411ق؛ تاریخ یعقوبی، ج 1، ص 375؛ محمد ابراهیم آیتی، تاریخ پیامبر اسلام، ص 70.

7- الصحيح من سیره النبی، ج 3، ص 9-40.

8- همان.

اسناد روایات تعارض های لفظی و محتوایی روایات و نشانه های ساختگی بودن بعضی از آن ها می توان گفت: در مورد مقام و جایگاه او، نقش او در ابتدای بعثت و ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله، جعل و بزرگ نمایی شده است (1).

7. اول مسلمان حضرت علی علیه السلام یا خدیجه علیها السلام

متأسفانه با وجود روایات متعدد و قراین واضح عده ای کوشیده اند، نه به خاطر حضرت خدیجه علیها السلام بلکه به دلیل دشمنی با امام علی علیه السلام سابقه امام در اسلام را مخدوش کنند. لذا ایمان خدیجه علیها السلام را بر آن حضرت مقدم می دارند. نویسنده این مقاله نیز به هر دلیل در بخشی از مقاله اش آورده است:

طبق اکثر احادیث خدیجه علیها السلام اولین فردی بود که به خدا، رسول او و حقانیت رسالت او ایمان آورد. این امر بدان معناست که خدیجه علیها السلام اولین پیرو [حضرت] محمد و پس از خود ایشان، دومین مسلمان است. نویسنده در ادامه آورده:

بر اساس احادیث دیگر پسر عموی، پیامبر علی ابن ابی طالب دومین مسلمان و خدیجه علیها السلام سومین مسلمان بوده است.

البته در این باره تحقیق جامع و موشکافانه ای انجام نشده زیرا به نظر اکثر قریب به اجماع تاریخ نویسان امام علی علیه السلام اولین فردی بودند که به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آوردند و با ایشان نماز خواندند. (2)

نویسنده کتاب الصحیح من سیره النبی صلی الله علیه و آله به بیان اهداف این جعل و بزرگ نمایی پرداخته است که از نقل آن ها خودداری می کنیم. (الصحیح من سیره النبی صلی الله علیه و آله، ج 3، ص 35-39).

ص: 292

1- نویسنده کتاب الصحیح من سیره النبی صلی الله علیه و آله به بیان اهداف این جعل و بزرگ نمایی پرداخته است که از نقل آن ها خودداری می کنیم (الصحیح من سیره النبی صلی الله علیه و آله، ج 3، ص 35 - 39)

2- نک: سیره حلبی، ج 2، ص 268 275 خوارزمی، المناقب، ص 18-20؛ سیره دحلان، ج 1، ص 91؛ الغدیر، ج 3، ص 220 - 236؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 186؛ تهذیب تاریخ دمشق، ج 3، ص 407؛ ترجمه 220-236؛ الصحیح من سیره النبی الاعظم صلی الله علیه و آله، ج 1، ص 418 صدر، ص 89. قال حسین ابن علی علیه السلام: هل تعلمون ان جدتي خدیجه علیها السلام بنت خویلد اول نساء هذه الامه اسلاماً. (بحار الانوار، ج 44، ص 316؛ علی محمد علی دخیل، اعلام النساء، ج 1، ص 29).

8. برترین همسر رسول خدا کیست؟

رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمودند:

از مردان بسیاری به حد کمال رسیدند ولی از زنان به جز چهار نفر به حد کمال نرسیدند: اول آسیه دختر مزاحم و همسر فرعون، دوم مریم دختر عمران، سوم خدیجه علیها السلام دختر خویلد و چهارم فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و اله بودند. (1)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

پیامبر با پانزده زن ازدواج کردند که بهترین آنان خدیجه علیها السلام دختر خویلد بوده است. (2)

سیوطی مفسر بزرگ اهل سنت در تفسیر الدر المنثور آورده که احمد و طبرانی و حاکم (وی حدیث را صحیح دانسته) از ابن عباس روایت کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمودند:

افضل زنان اهل بهشت خدیجه علیها السلام دختر خویلد، فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و اله، مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم همسر فرعون است و در فضیلت او همین بس که خدای تعالی داستانش را در قرآن برای ما ذکر کرده که گفت: (رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ). (3)

شرافت، طهارت، رفعت مقام و معنویت و ایثار آن بانوی گرامی، باعث شده بود که پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله در زمان حیات و وفات ایشان را به غایت گرامی بدانند به حدی که باعث حسادت دیگران شده بود عایشه اعتراف می کند:

به هیچ یک از همسران رسول خدا صلی الله علیه و اله، همانند خدیجه علیها السلام حسادت نکردم؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و اله همیشه از او به نیکی و بزرگی یاد می کردند و برای

ص: 293

1- تفسیر مجمع البیان، ج 10، ص 320؛ ترجمه المیزان، ج 19، ص 581؛ خصال شیخ صدوق، باب خصال اربعه

2- خصال، همان؛ اسد الغابه، ج 5، ص 437؛ الاستیعاب، ج 4، ص 1821

3- أخرج أحمد و الطبرانی والحاكم و صححه عن ابن عباس رضی الله عنهما قال قال رسول الله صلی الله علیه و سلم أفضل نساء أهل الجنة خدیجة بنت خویلد و فاطمة بنت محمد صل الله علیه و اله و مریم بنت عمران و آسیة بنت مزاحم امرأة فرعون . (الدر المنثور في تفسیر المأثور، ج 6، ص 246؛ تفسیر الصافی، ج 5، ص 199).

9. سن حضرت خدیجه علیها السلام

اختلافات فراوانی درباره سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وجود دارد و قول چهل سال قطعی نیست افراد زیادی متوسط سن ایشان را 25 تا 35 سال تخمین زده اند. (2)

نتیجه

بر اساس این نوشتار می توان چنین نتیجه گرفت حضرت خدیجه علیها السلام گر چه مشمول آیه تطهیر، نبود ویژگی های برجسته ای داشت که او را در آسمان ها معروف و مشمول سلام خداوند متعال و جبرئیل و در زمین محبوب و مورد تکریم پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله گردانید. بارزترین ویژگی های ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام عبارتند از: ملقب به طاهره بودن در جاهلیت، حمایت عاطفی و معنوی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ایثار جان و مال خویش در راه رسالت ایشان عظمت جایگاه و مقام ایشان نزد پروردگار عالم و پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله، سبقت در اسلام و ایمان به امامت و جانشینی امیرالمؤمنین علی علیه السلام، مادری و تربیت حضرت زهرا علیها السلام، سن حضرت خدیجه علیها السلام و دوشیزه بودن ایشان هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، پیش قدم شدن در اظهار علاقه و خواستگاری از پیامبر صلی الله علیه و آله و مادر تمام فرزندان آن حضرت جز یکی این ها از نکات مهم و قابل توجه است.

ص: 294

-
- 1- صحیح بخاری، ج 5، ص 48 وج 7، ص 47 وج 8، ص 10 وج 9، ص 155؛ صحیح مسلم، ج 7، ص 133 134؛ اسد الغابه، ج 5، ص 438؛ المصنف صنعانی، ج 7، ص 493؛ الاستیعاب، ج 4، ص 286؛ صفه الصفوه، ج 2، ص 8؛ ذهبی، تاریخ اسلام، ج 2، ص 153؛ البدایه النهایه، ج 3، ص 128؛ ترجمه الصحیح من سیره النبی الاعظم صلی الله علیه و آله، ج 2، ص 106.
 - 2- بیهقی، دلایل النبوه، ج 2، ص 71؛ البدایه والنهایه، ج 2، ص 294؛ شذرات الذهب، ج 1، ص 14؛ انساب الاشراف، ج 1، ص 98؛ تهذیب تاریخ دمشق، ج 1، ص 303؛ سیره حلبی، ج 1، ص 140؛ تاریخ الخمیس، ج 1، ص 264؛ نک: ترجمه الصحیح من سیره النبی الاعظم صلی الله علیه و آله، ج 1، ص 344

1. ابن اثیر، علی بن ابوالکرم، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، تهران: مؤسسه اسماعیلیان، 1380.
2. ابن اسحاق، السیر والمغازی قم دارالفکر، چاپ افسر، 1368 ش.
3. ابن الصباغ علی بن محمد بن احمد المالکی المکی، الفصول المهمه فی معرفه الائمہ علیہم السلام، حقه و وثق اصوله و علق علیہ سامی الغریبی، قم: دار الحدیث، 1422 ق.
4. ابن جوزی، صفه الصفوه، حیدرآباد هند: دارالوعی، حلب، سوریه، 1390 ق
5. ابن جوزی، یوسف بن قزغلی البغدادی تذکره الخواص من الامه بذكر خصائص الائمہ تحقیق حسین تقی زاده تهران المجمع العالمی لاهل البیت علیہم السلام مرکز الطباعه و النشر، 1426 ق.
6. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم: چاپخانه علمیه، 1376 ش.
7. ابن کثیر، البدایه والنہایه، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، مکتبه المعارف، 1413 ق.
8. ابوالحسن علی بن عیسی بن ابوالفتح اربلی، کشف الغمه، بیروت، دار الاضواء، 1985 م.
9. ابوالحسن مسلم بن حجاج بن مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، بیروت، دار الفکر، 1334 هـ
10. ابو نعیم اصفهانی، حلیه الاولیاء، بیروت، دار الکتب العربی، 1387 ق.
11. ابی یعقوبی، احمد بن جعفر بن وهب الکتب المعروف بابن واضح الاخباری، تاریخ یعقوبی، نجف مکتبه المرتضویه، 1358 ق.
12. احمد زینی دحلان، سیره النبویه وآثار المحمديه، بیروت، لبنان: دارالمعرفه

13. اسماعیل زاده، ایلقار «تفسیر تطبیقی آیه تطہیر از دیدگاه مذهب اہل بیت علیہم السلام و اہل سنت»، فصلنامہ تخصصی مذاہب و فرق اسلامی قم مدرسہ عالی امام خمینی (رحمہ اللہ)، شمارہ 8-9، سال 1383
14. امامی، علی، فضائل حضرت خدیجہ علیہا السلام، مبلغان، مسلسل 59، مهر و آبان 1383، ص 16.
15. امینی، عبدالحسین نجفی، الغدیر فی الکتاب والسنہ والادب، بیروت: دار الکتاب العربی، 1397هـ.
16. آل یاسین، شیخ محمد حسن النبوی، بیروت، دارالمکتبہ الحیاء، 1392 هـ.
17. آیتی، محمد ابراہیم، تاریخ پیامبر اسلام صلی اللہ علیہ و آلہ تجدید نظر و اضافات و کوشش ابوالقاسم گرجی با تجدید نظر و اضافات تہران: دانشگاه تہران، 1366.
18. ترمذی، محمد بن عیسیٰ، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، قاہرہ: دارالحدیث، بی تا
19. جعفر مرتضیٰ عاملی، الصحیح من سیرہ النبی الاعظم صلی اللہ علیہ و آلہ، بیروت، 1415ق.
20. حاکم نیشابوری، ابی عبد اللہ، المستدرک علی الصحیحین، مع تضمینات الامام الذہبی فی التخلیص والمیزان دراسہ و تحقیق مصطفیٰ عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیہ، 1411ق.
21. حسکانی، شواہد التنزیل، ج 2، ص 36. مؤسسہ الاعلمی للمطبوعات بیروت چاپ اول، 1974 م.
22. حسین بن محمد بن حسن دیار بکری، تاریخ الخمیس فی احوال انفس نفیس، مصر، 1383هـ.
23. خوارزمی، موفق بن احمد بکری مکی حنفی، المناقب، قم: انتشارات جامعہ مدرسین، 1411.

24. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان تاریخ الاسلام قاهره: دارالکتاب، المصری، 1407ق.

25. رحیمیان، غلامعلی، مادر نمونه اسلام، قم: انتشارات امیر 1346ش.

26. زمانی محمدحسن «نقدی بر دایرة المعارف قرآن لیدن» مجله پژوهش های فلسفی - کلامی شماره 17-18، 1382.

27. زمانی محمد حسن، شرق شناسان و قرآن نقد و بررسی آراء شرق شناسان درباره قرآن قم: بوستان کتاب قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، 1385ش.

28. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت: تجزیه و تحلیل کاملی از زندگانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ویراست 2 با تجدید نظر و اضافات و ویرایش قم: حوزه علمیه قم دفتر تبلیغات، اسلامی مرکز انتشارات، 1372ش.

29. سروش، عبدالکریم، بسط تجربه، دینی چاپ دوم، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی، صراط 1378ش.

30. سروش، عبدالکریم، فصلنامه پژوهش قرآنی فراره، سال اول، شماره 1 زمستان 1377

31. سهیلی الروض الانف، مصر: الطباعة الفنية المتحدة و مؤسسه نبع الفكر العربي للطباعة، 1291ه.

32. سیوطی جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1404 ق.

33. شبلی، محمود، حیاة ام المؤمنین خدیجه علیها السلام، بیروت: دارالجمیل، 1409ق.

34. شجاع، محمد اشرف، «نقدی بر رهیافت تجربه دینی خاورشناسان بر وحی»، دو فصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره 5، پاییز و زمستان 1387ش.

35. صحیح مسلم، ص 1049، ح 2424، دار احیاء تراث الاسلامی، بیروت: چاپ اول، 2000 م.

36. صنعاتی، ابوبکر عبدالرزاق، المصنف، بیروت، لبنان: المجلس العلمي

ص: 297

37. الطاهر البسيوني، حامد احمد، موسوعه آل البيت و احفاد النبي صلى الله عليه و اله: سيره كامله آل بيت النبي صلى الله عليه و آله، حكم آل البيت و مواعظهم، ماساه آل البيت، مرقد آل البيت، قاهره المكتبه التوفيقيه، 1424ق.
38. طبرسى فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، 1372ش.
39. طبرى، ابوجعفر محمد بن جرير، جامع البيان في تفسير القرآن، بيروت: دار المعرفه، 1412 ق.
40. طبرى، ابى جعفر محمد بن جرير، تاريخ الطبري (تاريخ الامم والملوك)، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت: بي ناي تا
41. عبدالقادر بدران، تهذيب تاريخ دمشق، بيروت، لبنان: دارالمسيره.
42. عبدالوهاب شعراني، كشف الغمه عن جميع الامه، دار الكتب العربيه الكبرى، 1332 هـ.
43. عسقلاني، احمد بن على بن حجر، الاصابه في تمييز الصحابه، بيروت: دار الكتب العلميه، 1415
44. العلايلى عبدالله مثلهن الاعلى السیده خديجه عليها السلام بيروت دار الجديد، 1992م.
45. على بن برهان الدين حلبى، شافعى، سيره حلبى، بيروت، لبنان: دار المعرفه، 1400 هـ.
46. على دخيل، على محمد اعلام النساء، بيروت: دارالهادى، 1422 ق.
47. على دخيل على محمد، ائمتنا، مزيده و منفحه، بيروت: دارالمكتبه الامام الرضا عليه السلام دارالمرتضى، 1402 ق.
48. عياشى، محمد بن مسعود، التفسير تهران: چاپخانه علميه، 1380 ق.
49. الفضل بن الحسن الطبرسي، ابى على اعلام الورى باعلام الهدى، صححه و علق عليه على اكبر الغفاري بيروت: دار المعرفه، 1399 ق.

50. فیض کاشانی ملامحسن، تفسیر، الصافی، روایی، تهران: انتشارات الصدر 1415 ق .
51. قرطبی، یوسف احمد بن عبدالله، الاستیعاب، مصر: دارالمعارف مصر، 1412 ه .
52. قزوینی، محمدکاظم، فاطمه الزهراء علیها السلام من المهد الى اللحد، بیروت: دار الصادق علیه السلام، 1397 ق.
53. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، تهران: نشر فراهانی
54. کریمی، نیا، مرتضی «زنان در قرآن سنت و تفسیر: نگاهی به کتاب باربارا فرییر استوارس انتشارات دانشگاه آکسفورد، 1994»، مجله گلستان قرآن، شماره 124 مهر 1381.
55. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، تحقیق و استدارک محمدرضا المامقانی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، 1423 ق.
56. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربي، 1403 ق.
57. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه تهران: دار الکتب الاسلامیه، 1374 ق.
58. محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره، بخاری، صحیح بخاری، بیروت: دار الفکر، 1981
59. محمد صادق صدر، امیرالمؤمنین علیه السلام در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله، ترجمه دکتر سید جمال موسوی
60. محمد عمر عبدالمنعم، خدیجه علیها السلام ام المؤمنین نظرات فی اشراق فجر الاسلام، مصر: الهیئه المصریه العامه للکتاب، 1994 م.
61. مذهبی، ابو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، بیروت: مؤسسه الرساله، 1406.
62. معروف الحسینی هاشم، سیره الائمه الاثنی عشر، بیروت: دارالتعارف

63. معروف الحيسني، هاشم سيره المصطفى نظره جديده، قم: الرضى، 1364.

64. موسوى گرمارودى، سيد محمد صادق آخرين پيام آور، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، 1381 ش.

65. موسوى همدانى سيد محمد باقر، ترجمه تفسير الميزان، قم: انتشارات جامعه مدرسين، 1374 ش.

66. هاشمى، عبدالمنعم، ام المؤمنين خديجه عليها السلام بنت خويلد، بيروت: دار البحار، دارالتيسير، 1421 ق.

تحلیل گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ستایش خدیجه کبری علیها السلام: ابرار حیدری

*تحلیل گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ستایش خدیجه کبری علیها السلام: ابرار حیدری (1)

چکیده

در عظمت شخصیت خدیجه کبری علیها السلام و نقش و تأثیر ایشان در پیشبرد اهداف بعثت تردیدی نیست تکریم و نکو داشت آن بانو در رفتار و گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ظهور داشته و این مفهوم به مناسبت های متعدد به جامعه القا شده که از آن به حسن عهد و یا حفظ عهد (2) یاد شده است. با این حال گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ستایش خدیجه کبری علیها السلام مسأله ای فراتر از وفاداری و نکوداشت معمول است که بایست اهدافی خاص برای آن جست جو نمود در این نوشتار سعی شده است ستایش های گفتاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واکاوی گردد و به این پرسش پاسخ داده شود که با توجه به اوضاع حاکم بر جامعه چه تحلیلی می توان از این روایت ها نمود؟ بررسی گزاره پرتکرار بهشتی بودن در روایت های ستایشی عام علاوه بر استفاده از شخصیت های قرآنی، آشنا نشان می دهد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دنبال نهادینه کردن اصل جایگاه الگویی حضرت خدیجه کبری علیها السلام در جامعه نخستین اسلامی بودند نه فقط بیان ویژگی های شخصیتی ایشان.

واژگان کلیدی

ص: 301

1- دانشجوی دکتری، تاریخ اهل بیت علیهم السلام مؤسسه آموزش عالی بنت الهدی.

2- «حسن العهد ای الوفاء والخفاره و رعایه الحرمه» حسن عهد به معنای وفاداری، توجه و حرمت داری است. (مناوی، ج2، ص566). هنگامی که عایشه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علت توجه ایشان به دوستان خدیجه را جویا می شود حضرت می فرماید: «یا عائشة آنها كانت تأتینا زمان خدیجة و إن حسن العهد من الايمان».

مقدمه

با بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خدیجه کبری علیها السلام همسر ایشان، نخستین زنی بود که دعوت آن حضرت را پذیرفت و با ایشان همراهی کرد. آن بانو در سال های نخستین و دشوار مبارزه در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار گرفت و اندوخته مالی و اجتماعی خویش را در این راه صرف کرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از رحلت آن بانو یاد ایشان را بسیار گرامی می داشتند و در موقعیت های گوناگون، از ایشان به نیکی یاد می کردند گرامی داشت خدیجه کبری علیها السلام در رفتار و گفتار آن حضرت در منابع ضبط گردیده و روایت های متعددی از ایشان نقل شده است.

اما این وفاداری و یاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از یک توجه معمول فراتر رفت و بر اساس روایاتی موجبات ناراحتی عایشه گردید. گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ستایش خدیجه کبری علیها السلام، حاوی نکاتی است که با واکاوی و تحلیل آن امید می رود پرده از این ابهام برداشته شود نوشته های موجود درباره آن بانو اغلب به بیان این روایت ها و عظمت جایگاه ایشان پرداخته و تحلیلی در زمینه ستایش خدیجه کبری علیها السلام وجود ندارد.

گونه شناسی روایات ستایش خدیجه کبری علیها السلام

اشاره

ستایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خدیجه کبری علیها السلام، و بزرگداشت او در موقعیت های مختلف به صورت گفتاری بیان شده و اصحاب نقل کرده اند. این ستایش ها در منابع تاریخی و روایی مسلمانان با تعابیر مختلف و گاه ذیل عنوان "مناقب خدیجه" ضبط شده (1) و اغلب در کتاب های روایی اهل سنت و

ص: 302

1- کتاب هایی که عنوانی خاص برای مناقب و یا فضایل خدیجه کبری اختصاص داده اند: این بطریق عمده عیون صحاح الاخبار، ص 391؛ نسائی، فضائل الصحابه، ص 75؛ السنن الکبری، ج 5، ص 94؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج 7، ص 23؛ مغازلی، مناقب علی ابن ابی طالب، ص 347؛ صحیح مسلم، ج 7، ص 132؛ متقی هندی، ج 12، ص 130؛ قندوزی، ج 2، ص 330.

گاه منابع تاریخی پیشین آمده است می توان روایت های ستایش گفتاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را با توجه به اغراض اهداف و نوع ستایش به دو دسته تقسیم نمود:

دسته اول روایات عام

دسته اول، روایاتی است که ستایش هایی عام و شمولی نسبت به خدیجه کبری بیان می دارد. به این معنا که روایت به نوعی فضیلتی جایگاهی و یا شأن و منزلتی برای ایشان تعریف و بدان اکتفا می کند. عبارت های توصیفی در این ستایش عام و قابلیت توسعه مفهومی دارد و بر موارد و مصادیق فضایی بسیار منطبق است؛ ولی در روایت به این موارد تصریح نشده است. این دسته از روایات، خود در سه گروه طبقه بندی می شوند:

1. روایت هایی با مضمون برتری خدیجه کبری نسبت به زنان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تعبیری، متعدد به برتری و بزرگی خدیجه کبری اشاره فرموده اند. افضلیت آن بانو در روایات در کنار فرزند ایشان حضرت زهرا علیها السلام، هم چنین مریم فرزند عمران و آسیه همسر فرعون نسبت به زنان عالم و یا زنان اهل بهشت بیان شده و در روایت های دیگری گاه از برتری کامل ایشان نسبت به زنان عصر خویش سخن به میان آمده است:

«عن علی قال النبی صلی الله علیه و آله خیر نسائها مریم بنت عمران و خیر نسائها خدیجة» (1) حضرت علی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این روایت را نقل می کند که «برترین زنان مریم فرزند عمران و خدیجه هستند». احتمال می رود ضمیر "ها" در هر دو عبارت به زنان عصر اشاره کرده؛ یعنی، مریم برترین زنان عصر خویش بود؛ چنان که خدیجه برترین زنان عصر خویش به شمار می آید. (2) برخی نیز ضمیر

ص: 303

1- نسائی، السنن الکبری، ج 5، ص 93؛ بخاری، ج 4، ص 138 و 230؛ دولابی، الذریه الطاهره النبویه، ص 61؛ طبرانی، همان، 23 / 7؛ ابن عبد البر، ج 4، ص 1823؛ ابن عساکر، ج 36، ص 131؛ بلاذری، ج 1، ص 406.

2- ابن حجر با استناد به روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خطاب به فاطمه زهرا علیها السلام این تفسیر را بر می گزیند: قال: «یا بنیة، ألا ترضین أنك سیدة نساء العالمین؟» قالت: «یا أبت فأین مریم بنت عمران؟» قال: «تلك سیدة نساء عالمها» ج 8، ص 132؛ ابن جوزی، کشف المشکل من حدیث الصحیحین، ج 1، ص 180.

را به معنای دنیا دانسته اند در این صورت روایت به معنای برترین زنان عالم خواهد بود. (1) این روایت در همه منابع از حضرت علی علیه السلام نقل و در کوفه از ایشان شنیده شده است. (2) به نظر می رسد این عبارت بخشی تقطیع شده از کلام آن حضرت باشد که در ایام خلافت ایشان بیان شده و بخش های دیگر آن در منابع نیامده است.

در کنار این روایت، روایت های دیگری در منابع آمده که نشان می دهد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، چهار زن از جمله خدیجه کبری را برترین زنان بهشتی معرفی می فرماید همراه با تأکید نمایشی که تداعی خاصی را در ذهن مخاطب ایجاد می کند:

عن ابن عباس قال خط رسول الله صلى الله عليه وآله في الارض اربع خطوط ثم قال هل تدرون ما هذا قالوا الله ورسوله اعلم فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم افضل نساء اهل الجنة خديجة بنت خويلد وفاطمة بنت محمد و مريم بنت عمران و آسية بنت مزاحم امرأة فرعون؛ (3)

ابن عباس می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چهار خط راست بر زمین کشیدند، سپس فرمودند: «که آیا معانی آن را دریافتید؟» اصحاب گفتند: «خدا و رسولش آگاه ترند» پس ایشان فرمودند: «برترین زنان بهشتی، خدیجه فرزند خویلد و فاطمه فرزند محمد و مریم فرزند عمران و آسیه فرزند مزاحم (همسر فرعون) هستند».

این روایت در منابع متعدد نقل گردیده و با دو طریق در کتاب های روایی و تاریخی بسیار تکرار شده است

روایت دیگر به برتری ایشان بر همه زنان اشاره می کند و با دو تعبیر «حسبک من نساء العالمین» و «خیر نساء العالمین» در منابع از انس و جابر بن عبدالله از

ص: 304

1- الاغانی، ج 13، ص 232؛ نویسنده آن را تفسیر قرطبی دانسته است.

2- مقریزی، امتاع الاسماع، ج 10، ص 269

3- طبرانی، همان، ج 5، ص 266؛ بخاری، ج 4، ص 138؛ ابن عبد البر، ج 4، ص 1821؛ ابن کثیر، ج 2، ص 77

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است: (1)

عن أنس أن النبي صلى الله عليه وآله قال حسبك من نساء العالمين مريم بنت عمران و خديجة بنت خويلد و فاطمة بنت محمد و آسية امرأة فرعون؛ (2)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این روایت برتری را متعلق به این چهار زن دانسته و در مقایسه با زنان عالم فضیلت آنان را بی نیاز کننده برشمرده اند.

روایت های این دسته نوعی ارتباط خاص میان خدیجه کبری و سه تن از زنان شناخته شده (فاطمه زهرا مریم و آسیه) برقرار می کند. این ارتباط که در همه روایت های ستایش خدیجه کبری دیده می شود، در پی هدفی خاص است که در بخش بعدی به واکاوی آن خواهیم پرداخت

2. روایاتی با مضمون درود جبرئیل به خدیجه کبری علیها السلام

روایاتی با اختلاف در الفاظ از ابلاغ درود جبرئیل به خدیجه کبری حکایت دارد که در زمان حیات ایشان بوده است:

عن بن عباس قال بينما رسول الله صلى الله عليه وسلم جالس مع خديجة إذ أتاه جبريل عليه السلام فقال يا محمد اقرأ خديجة مني السلام؛ (3)

ابن عباس می گوید که هنگام مصاحبت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با خدیجه کبری علیها السلام جبرئیل توسط آن حضرت به ایشان سلام و درود می فرستد. روی من وجوه أن النبي صلى الله عليه وآله قال: يا خديجة، إن جبرئيل عليه السلام يقرئك السلام. (4)

در نقل دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیغام درود جبرئیل را به خدیجه کبری علیها السلام

ص: 305

1- بلاذری این قسمت را از عایشه نیز نقل می کند (همان، ج 1، ص 412).

2- طبرانی، همان، ج 23، ص 7.

3- السنن الکبری، ج 5، ص 93، ج 6، ص 101؛ المصنف، ج 7، ص 529؛ مسند ابی یعلی، ج 1، ص 477؛ الپریه الطاهره، ج 61؛ المعجم الکبیر، ج 11، ص 243؛ الاستیعاب، ج 4، ص 1821 با طرق متعدد صحیح بخاری، ج 4، ص 138.

4- نسائی، السنن الکبری، ج 6، ص 101؛ ابن هشام، ج 1، ص 241، طبرانی، ج 11، ص 243، ابن عبد البر، ج 4، ص 1821.

می رساند و در نقلی دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این سلام را از جانب خداوند توسط جبرئیل به خدیجه کبری ابلاغ می فرماید و ایشان با درود و ستایش پاسخ می دهد. (1)

طرق این روایت، متعدد و از ابن عباس ابهریره، عبدالرحمان بن ابی لیلی و دیگران روایت شده است در برخی روایت ها بشارت خانه بهشتی به همراه آن آمده و برخی دیگر پاسخ سلام توسط خدیجه کبری بیان شده است.

این رویداد در زمان حیات خدیجه کبری علیها السلام بوده، اگر چه ممکن است بعدها پیامبر اکرم بازگو کرده باشند بیان آن حضرت چه در زمان حیات آن بانو و چه پس از آن از جمله ستایش های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ایشان به شمار می آید. ابلاغ سلام الهی و یا سلام جبرئیل از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، متوجه افراد معدودی بود که جایگاه خاصی در جامعه اسلامی یافتند و مورد توجه خاص آن حضرت قرار داشتند.

3. روایاتی با مضمون بر خورداری خدیجه کبری علیها السلام از خانه ای بهشتی

قال رسول الله صلی الله علیه و آله أريت في الجنة بيتا لخديجة من قصب، (2) لا صخب فيه ولا نصب؛

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: خانه ای مرواریدی در بهشت برای من نمایان شد که از آن خدیجه است و در آن شلوغی و سختی دیده نمی شود.

این روایت با وجود کثرت و تعدد ناقلان که بخش زیادی از روایت های ستایش را تشکیل می دهد در لفظ مشترک است و در بیان ویژگی های خانه بهشتی اختلافی در الفاظ دیده نمی شود این روایت در موقعیت های متعددی بیان شده است. تعدد راویان حدیث هم به این مسأله تأکید می کند. صدر

ص: 306

1- «و بعضهم يروي هذا الخبر أنّ جبرئيل قال: يا محمد، اقرأ على خديجة من ربّها السلام، فقال النبي صلی الله علیه و آله: يا خديجة هذا جبرئيل يقرئك السلام من ربك فقالت خديجة: الله هو السلام، ومنه السلام، و على جبرئيل السلام» (ابن عبد البر، ج 4، ص 1821).

2- «قال ابن هشام القصب هنا الولؤ المجوف» (دولابی، همان، ص 61).

روایت اغلب با سلام حضرت جبرئیل به ایشان آغاز شده، ولی به نظر می‌رسد که بشارت بهشتی خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله بوده و در جهت تبیین جایگاه خدیجه کبری و یا دلداری (1) حضرت این پیغام به ایشان ابلاغ شده حال آن که سلام الهی در زمان حیات آن بانو صادر شده است.

می‌توان گفت: روایات خانه بهشتی نوعی بیان تکمیلی نسبت به روایات بهشتی است؛ یعنی خدیجه کبری علیها السلام از جمله برترین زنانی است که جبرئیل برایشان درود فرستاده و خداوند خانه‌ای در بهشت به ایشان اختصاص داده است. به همین جهت این سه گروه از روایات که ستایش را با مفهومی عام و کلی بیان می‌کند، در یک دسته طبقه‌بندی می‌شود و به نظر می‌رسد هدفی مشترک را دنبال می‌کند

دسته دوم، روایات خاص

این دسته از روایات برخلاف دسته اول نگاهی تفصیلی در ستایش خدیجه کبری داشته ایشان را با توصیفات خاص می‌ستاید. به جهت آن که این ستایش‌ها در پی رویدادی و یا وقایعی خاص گفته شده، شایسته است در فضای خاص خود تحلیل و بررسی شود روایت‌ها از زبان عایشه نقل شده که در مضمون بسیار شبیه هم است. در ذیل این روایت‌ها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خدیجه کبری علیها السلام را به نیکی یاد می‌کنند و سه یا چهار صفت از فضایل خدیجه را بر می‌شمارند:

قالت عائشة كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا ذكر خديجة لم يكن يسأم من ثناء عليها والاستغفار لها فذكرها ذات يوم واحتملتي الغيرة إلى أن قلت قد عوضك الله من كبيرة السن قالت فرأيت رسول الله صلى الله عليه وآله غضب غضبا سقط في جلدي فقلت في نفسي اللهم إنك إن أذهبت عني غضب

ص: 307

1- «و لما توفيت خديجة جعلت فاطمة تتعلق برسول الله و هي تبكي و تقول: أين أمي؟ أين أمي؟ فنزل عليه جبريل فقال: قل لفاطمة إن الله تعالى بنى لي بيتا في الجنة من قصب لا نصب فيه ولا صخب». (يعقوبي، همان، ج 2، ص 35).

رسول الله صلى الله عليه و اله لم أذكرها بسوء ما بقيت فلما رأى رسول الله صلى الله عليه و سلم الذي قد لقيت قال كيف قلت والله لقد آمنت بي إذ كفر بي الناس و صدقتني إذ كذبتني الناس و رزقت مني الولد إذ حرمتني مني؛ (1)

عایشه می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن هنگام که خدیجه را یاد می نمودند، بسیار ایشان را ستوده بروی استغفار می کردند؛ چنان که روزی ایشان را یاد کردند. بنابراین بروی رشک بردم و به پیامبر عرض کردم: «خداوند به جای آن زن مسن همسری جوان به شما عطا نمود». آن گاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنان غضب نمودند که پشیمان شدم و در دل گفتم: «پروردگارا اگر خشم پیامبر خدا را فرو نشاندی تا آن زمان که زنده باشم به بدی از وی یاد نکنم». چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حالت من را مشاهده نمودند فرمودند: «چگونه این سخن راندی؟ حال آن که وی به من ایمان آورد، آن هنگام که مردم مرا تکذیب نمودند، مرا تصدیق نمود، آن زمان که مردم مرا تکذیب کردند و از او صاحب فرزند شدم آن گاه که تو از جانب من صاحب فرزند نشدی».

در روایات دیگر، عبارت «و واستتی بمالها» در کنار سه وصف مذکور نیز بیان شده است. (2) هم چنین اتفاقی که به اعتراض و بیان و در نتیجه ستایش منجر گردید، در منابع مختلف به صورت های متعددی بیان شده که در مسأله اهتمام و توجه به خدیجه کبری مشترک است. (3) برخی منابع، همان الفاظ صدر روایت را بدون ذیل آن نقل کرده و به گفتار عایشه در کثرت ذکر خدیجه و رشک

ص: 308

-
- 1- طبرانی، المعجم الکبیر، ج 23، ص 8.
 - 2- مسند ابن حنبل، ج 6، ص 117؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 117؛ متقی هندی، همان، ج 12، ص 32 «عن عائشة قالت كان النبي صلى الله عليه و آله إذا ذكر خديجة أحسن عليها الثناء فقلت ما تذكر منها وقد أبدلك الله بها خيرا قال ما أبدلني الله بها خيرا منها صدقتني إذ كذبتني الناس و واستتی بمالها إذ حرمني الناس و رزقني الله منها الولد إذ لم يرزقني من غيرها».
 - 3- ورود یکی از دوستان خدیجه کبری نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهتمام ایشان به این فرد (طبرانی، همان، ج 23، ص 14)؛ توجه و خوشامدگویی آن حضرت به هاله خواهر خدیجه کبری (طبرانی، همان، ج 23، ص 12؛ ابن هشام، همان، ج 1، ص 241؛ ابن کثیر، همان، ج 3، ص 128)؛ ارسال هدایا به دوستان خدیجه و دلجویی از آن ها (طبرانی، همان، ج 23، ص 11؛ ابن عبد، آلبر، همان، ج 4، ص 1822).

او اکتفا نموده اند. (1) به نظر می‌رسد این روایت،‌ها از همان جریان کاملی حکایت دارد که به صورت تقطیع شده ضبط گردیده است.

می‌توان گفت: روایت در سه مورد مشخص و معین یعنی ایمان و تصدیق انفاق مالی و بالاخره فرزند آوری خدیجه کبری توجه دارند و آن بانورا می‌ستایند این اوصاف، بر خلاف دسته اول عام نبوده و ویژگی‌هایی خاص در ستایش ایشان بیان شده است.

تحلیل گزاره‌های «اهل بهشت» و «خانه بهشتی»

برای دست‌یابی به تبیین علمی وقایع تاریخی و پاسخ به چرایی آن‌ها، توجه به دو مقوله در باب تحلیل، گفتار اهمیت دارد. ابتدا، فهم و درک راستین گفتار که در شناخت‌گوینده، تفکرات، بینش قصد و اهداف وی نهفته است. دوم، بررسی بستر و اوضاع حاکم بر آن زمانه است. اوضاع حاکم و دریافت و فهم جامعه از سخن جهت و قالبی فراخور به گفتار می‌دهد که لازمه شناخت سخن است. بی‌شک بدون شناسایی جایگاه و موقعیت حقیقی‌گوینده هم چنین بی‌توجهی به موقعیت‌ها و بسترهای اجتماعی، درک و فهم گفتار، تاریخی واقع‌بینانه نخواهد بود.

آموزه‌های پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌مبین ارزش‌ها و بینش‌های ایشان و از طرف دیگر مشخص‌کننده وظایف ایشان در قبال جامعه بشری است. این آموزه‌ها پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را رهبری می‌داند که در برابر انتقال ارزش‌های الهی به جامعه و بنای جامعه‌ای رستگار متعهد و مسئول است. ایشان در این راه، تلاشی مداوم داشتند و همواره دنبال تغییر ارزش‌های حاکم و تأسیس مبانی دین اسلام در جامعه حرکت می‌نمودند.

این نوشتار در صدد اثبات این موضوع و بیان تلاش‌های پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نیست؛ زیرا امری مفروض دانسته شده است برجسته نمودن افراد شاخص در

ص: 309

جامعه که از نظر اسلام در سطوح بالای فردی و اجتماعی قرار دارند در ضمن تلاش هایی است که برای رسیدن به جامعه آرمانی صورت گرفته و همواره مورد توجه قرآن کریم (1) و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است. ولی باید توجه داشت، ایجاد ارتباط میان الگو و افراد جامعه زمانی فراگیر و مؤثر است که تعریف و شناسایی فرد مورد نظر در قالب گفتار (2) مورد علاقه جامعه صورت پذیرد مسأله ای که سبب توجه عموم افراد به الگو شده حرکت جامعه به سمت آرمان های مطلوب را سرعت می بخشد.

آموزه های دینی اسلام در نظام معرفتی باور به زندگی جاوید متناسب با واقعیت های وجودی افراد را ضروری می داند انسان ها با توجه به درک و باورشان و رفتار و کردار فردی و اجتماعی خویش حیات ابدی خود را رقم می زنند برترین، آن بهشتی است که پاداش انسان های نیکوکار خواهد بود. بهشت و بهشتی شدن آرمانی بود که جامعه آن روزگار متأثر از آموزه های قرآنی، به تمنای یافت، آن شوق، انگیزه و حرکت می نمود. (3)

اگر چه واقعیت های معنوی همانند تکامل روحی قرب الهی، اقتدار سیاسی عزت فردی و اجتماعی اهدافی مطلوب و عموماً برانگیزاننده و در ادواری بسیار تأثیرگذار به شمار می آمدند، تصور آن است که در گام های اولیه آشنایی جامعه حجاز با اسلام بهشت و نعمت های بهشتی از جمله بیش ترین گزاره های تأثیرگذار در ایجاد انگیزه و تلاش و شوق مسلمانان به انجام دادن تکالیف فردی و اجتماعی خویش به شمار می آمد

ص: 310

-
- 1- نک: مقاله سید حسن سعادت مصطفوی، سید محمد صالح هاشمی گلپایگانی، عباس اشرفی، «ارائه الگو: راه کاری قرآنی برای تقویت انگیزه های عالی و تضعیف انگیزه های دانی در زیست اخلاقی» (1393) پژوهش های اخلاقی دوره 4، شماره 15
 - 2- منظور از گفتار در این عبارت مقبولیت عمومی ناشی از انس ذهنی جامعه نسبت به واژه و در نهایت کثرت کاربردی آن است.
 - 3- آیات بسیاری به وصف بهشت و نعمت های بهشتی می پردازد؛ برای نمونه نک: سوره بقره، آیه 265؛ سوره سبأ، آیه 15 سوره حجر، آیه 15؛ سوره حاقه، آیه 22؛ سوره غاشیه آیه 10؛ سوره زمر آیه 73؛ سوره زخرف، آیه 70؛ سوره رعد، آیه 24

البته این دیدگاه به معنای نادیده گرفتن حقیقتی که ورای این امر وجود دارد و یا فقدان مؤلفه های تأثیرگذار دیگر در جامعه اسلامی نیست. بلکه تصور آن است که فضای غالب عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا پایان نیم قرن اول (1) از غلبه این انگیزش نسبت به دیگر مقولات آرمانی حکایت دارد توجه به کارکرد تاریخی واژه «اهل بهشت» در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و مدتی پس از آن مؤید این معناست

استناد جریان های متعدد به روایت های اهل بهشت برای بزرگان خویش (2) در موقعیت های حساس و تأثیرگذار (3) برای جذب افکار عمومی، نشانه تأثیرگذاری این واژه و ارتقای جایگاه افراد آن در جامعه است؛ به نحوی که مرجعیت علمی و سیاسی آنان تأیید و پذیرفته می شد (4) با وصف، بهشتی، جایگاه فرد در جامعه ارتقا می یافت و در موقعیتی تأثیرگذار قرار می گرفت. (5)

همین مساله، زمینه ساز «جعل روایت» در این مورد خاص را فراهم آورد و روایت های ساختگی «اهل الجنة» با هدف برجسته نمودن افرادی و یا سپردن موقعیت هایی به آنان، وضع گردید. آن گاه که قدرت نیازمند تقویت و تأثیرگذاری حضور عبد الله بن سلام را پیدا کرد روایت بهشتی بودن وی در جامعه پراکنده گردید. (6)

بی شک نمی توان نقش و تأثیر انتشار روایت «العشره المبشره» (7) را در شکل گیری

ص: 311

- 1- زمان تحکیم قدرت امویان.
- 2- توجه کنید به دو روایت "الحسن والحسين سيدا شباب اهل الجنة" و "انهما (ابوبکر و عمر) سيدا كهول اهل الجنة" که در جهت اثبات مشروعیت و مرجعیت سیاسی مورد استناد فریقین بوده است.
- 3- استناد خلیفه دوم به روایت "العشره المبشره" برای توجیه شورا. (طبری، همان، ج 4، ص 228؛ ابن سعد، همان، ج 8، ص 179).
- 4- نک: روایات متعدد منسوب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره حضور ناگهانی یک فرد بهشتی در جمع اصحاب. (واقدی، همان، ج 1، ص 330؛ ذهبی، همان، ج 3، ص 636؛ ابن سعد، همان، ج 3، ص 130 و 3؛ ابن اثیر، همان، ج 3، ص 606).
- 5- فارغ از جعلی یا حقیقی بودن وصف بهشتی بررسی کارکرد و تأثیر تاریخی آن مورد توجه نویسنده است.
- 6- ابن عبد البر در ذیل عنوان «عبدالله بن سلام و انه من اصحاب الجنة» این روایت ها را نقل می کند (همان، ج 3، ص 922).
- 7- این روایت با برخی اختلاف ها از اهل بهشتی بودن ده صحابی حکایت دارد: «عن عبد الرحمان بن عوف: قال: أن النبي صلى الله عليه وآله قال: أبو بكر في الجنة، وعمر في الجنة، وعلي في الجنة، وعثمان في الجنة، وطلحة في الجنة، والزبير في الجنة، وعبد الرحمان بن عوف في الجنة، وسعد بن أبي وقاص في الجنة، وسعيد بن زيد في الجنة، وأبو عبيدة ابن الجراح في الجنة. (نسائی، السنن، ج 5، ص 56؛ بلاذری، همان، ج 10، ص 62؛ ابن اثیر، همان، ج 2، ص 307).

شورا و یا مشروعیت جملیان (1) نادیده گرفت و یا تأکید حقانیت خلافت به دلیل وجود روایاتی در اتصاف صاحبان آن به اهل بهشت آن هم با ترتیبی معنادار منطبق بر ترتیب جانشینی خلفا. (2)

تأکید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر اهل بهشت بودن حسن علیه السلام و حسین علیه السلام، با تأکید بر لفظ سیادت که معنای خاصی را القا می کند در این رهیافت قابل ارزیابی است. (3) استفاده مکرر اهل بیت (4) از این روایت در احتجاجات، بلکه عموم مسلمانان در نکوهش عملکرد یزید (5) نشانه کارایی این وصف خاص در آن دوره است. (6) تا جایی که مسلمانان تصور می کردند که این توصیفات برای دیگر اقوام نیز شوق برانگیز و عامل توجه آنان به اسلام خواهد بود. از این رو، سرداران فاتح در دعوت پیش از پیکار از گزاره بهشت بسیار کمک می گرفتند. (7)

ص: 312

1- به دلیل وجود طلحه و زبیر که از جمله العشره المبشره در سپاه جمل، بودند هم چنین روایات منفردی که درباره بهشتی بودن طلحه نقل شده است. (واقدی، همان، ج 1، ص 255؛ ذهبی، همان، ج 3، ص 636).

2- قال رسول الله صلی الله علیه و آله: یطلع علیکم رجل من أهل الجنة . قال: فترأینا من یطلع، فطلع أبو بکر رضی الله عنه، فقمنا فبشّرناه بما قال رسول الله صلی الله علیه و آله، ثم سلم ثم ردّوا علیه ثم جلس ثم قال رسول الله صلی الله علیه و آله: یطلع علیکم رجل من أهل الجنة. فترأینا من یطلع من خلال السعف . فطلع عمر بن الخطاب رضی الله عنه، فقمنا فبشّرناه بما قال النبی صلی الله علیه و آله فسلمّ ثم جلس ثم قال: یطلع علیکم رجل من أهل الجنة. فنظرنا من خلال السعف ، فإذا علی علیه السلام قد طلع . (واقدی، همان، ج 1، ص 33؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ج 3، ص 606؛ ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج 8، ص 74).

3- تا جایی که وجود روایت سیدالکهل در مقابل، برای جلب رضایت عمومی، نیاز مؤکد آنان در جامعه آن روزگار به شمار می رفت.

4- احتجاج امام حسین علیه السلام به این روایت، در وقایع پس از شهادت و دفن امام حسن مجتبی علیه السلام (باذری، ج 3، ص 60) و در واقعه عاشورا (طبری، ص 5425؛ ابن سعد، ج 1، ص 471) و احتجاج زینب کبری در خطبه کوفه (باذری، همان، ج 5، ص 121)

5- ابن اعثم، همان، ج 5، ص 129؛ طبری، همان، ج 8، ص 188

6- ام ایمن در مواجهه با خلیفه اول و برای مشروعیت بخشی به سخنانش، از روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خصوص بهشتی بودن خویش بهره برد.

7- نک: خطبه شرحبیل در مواجهه با رومیان (واقدی، فتوح الشام، ج 1، ص 206) و سخن خالد ابن الولید در نبرد با رومیان. (واقدی، همان، ج 1، ص 90؛ ابن اعثم، همان، ج 1، ص 188)

با توجه به این مقدمات، می توان تأکید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در معرفی و گزینش افرادی با وصف بهشتی را در جهت ایجاد زمینه های تأثیرگذاری و انگیزه بیش تر در افراد جامعه دانست. شخصیت هایی که ویژگی های فردی آن ها نسبت به جامعه آرمانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، والا و برتر است. حضرت علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام حضرت زهرا علیها السلام، (1) حمزه و یا جعفر طیار (2) افراد برجسته ای بودند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مناسبت های مختلف آنان را بهشتی خوانده اند تا با توجه به تأثیر گزاره بهشت بر جامعه زمینه های تأثیرگذاری شخصیتی آنان را در جامعه فراهم نمایند. (3)

همین تحلیل، در تأکید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر بهشتی بودن خدیجه کبری پذیرفتنی است. توجه به روایات ستایش خدیجه کبری علیها السلام و نوع گزاره های به کار رفته درباره ایشان و تأکید بر بهشتی بودن و بهره مندی از خانه بهشتی به جهت گسترده کردن زمینه های تأثیرگذاری شخصیت ایشان بر جامعه اسلامی ارزیابی می شود.

در حقیقت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با این توصیفات زمینه های علاقه عاطفی افراد جامعه به آن بانو و در نتیجه آشنایی و فهم ابعاد شخصیتی خدیجه کبری و در مراتب بعدی گسترش آن ها در جامعه اسلامی را فراهم می نمودند. بنابراین تصور می شود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خصوص واژه و گزاره بهشتی، دنبال ایجاد زمینه های ارتباطی و آن موقعیت تأثیرگذار شخصیتی خدیجه کبری علیها السلام در برابر جامعه اسلامی بودند نه صرف معرفی بهشتی بودن و یا صرف بیان شأن و مقام ایشان

ص: 313

1- علاوه بر روایات «سیدات اهل الجنة» روایات جداگانه ای درباره ایشان وارد شده است. (ابن عبد البر همان، ج 4، ص 1894؛ بلاذری، ج 1، ص 405؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ج 6، ص 317).

2- «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: دخلت البارحة الجنة فإذا فيها جعفر يطير مع الملائكة، وإذا حمزة مع أصحابه» (ابن عبد البر، همان، ج 1، ص 244)

3- «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: نحن ولد عبد المطلب سادة أهل الجنة: أنا و حمزة و جعفر، و علی، و الحسن، و الحسين و المهدي (ابن بطریق، ص 52).

مؤید این تحلیل نام هایی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کنار نام خدیجه کبری قرار دادند؛ افرادی که شخصیت الگویی آنان در قرآن تصریح شد شده است. (1) این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأکید داشتند که ایشان را همانند حضرت زهرا، آسیه و مریم یک ضلع از مربع رسم کنند و یا یک خط مساوی در راستای سه خط شناخته شده دیگر (2) ممکن است نشان از تساوی غایت پیامبر صلی الله علیه و آله در بزرگ داشت این زنان، باشد نه تساوی در مقام و منزلت. (3)

هم چنین در روایت دیگری آمده که خانه بهشتی خدیجه کبری، بین دو منزلگاه مریم و آسیه در بهشت است. (4) بنابراین می توان گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از همان تعابیر قرآنی که برای افراد جامعه مأنوس و خوشایند بود، استفاده نموده اند تا اذهان مؤمنان را به پذیرش واقعیت الگویی ایشان آماده سازند. به همین جهت روایت های بهشتی بودن و خانه بهشتی داشتن بیش ترین نقل ها و طرق روایی را دارد و مبین اهمیت این موضوع در تبیین های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است

تحلیل گزاره درود جبرئیل

دو جهت را در بررسی درود و سلام جبرئیل به خدیجه کبری می توان واکاوی نمود: ابتدا بعد معنوی و فردی این درود که نشان از مقام معنوی والای ایشان دارد و دیگری بعد اجتماعی و تربیتی آن که در ابلاغ این درود نهفته است.

ابراز و اعلام این درود به مسلمانان معنایی خاص دارد که مورد توجه پیامبر اسلام است. شاید بتوان روایت های سلام را روایاتی در نطقی محدودتر نسبت به روایات اهل الجنه و در همان زمینه بر شمرد و تحلیل نمود. افرادی مورد تحیت و سلام الهی و جبرئیل معرفی شدند که دارای ویژگی هایی خاص از نظر

ص: 314

1- سوره تحریم، آیه 11.

2- نک: به دسته اول از روایات ستایش

3- در روایات دیگری بر افضلیت حضرت زهرا علیها السلام بر همه زنان عالم تأکید شده است.

4- ابن کثیر، تفسیر، ج 4، ص 417.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودند. ایشان با استفاده از این اوصاف تلاشی فراوان در تأکید این جایگاه برای جامعه اسلامی داشتند. ذهبی از ابن عباس روایت می کند که در پی ولادت فاطمه زهرا علیها السلام، جبرئیل نازل شد و برایشان و پدر بزرگوارش سلام و درود فرستاد. (1) هم چنین روایت های بسیاری درباره حضرت علی علیه السلام و جایگاه ایشان و درود جبرئیل برایشان ضبط شده است. (2) تلاش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جهت نهادینه کردن جایگاه حضرت علی علیه السلام در میان مسلمانان، امری پذیرفتنی و مؤکد است. همان گونه که توجه به جایگاه فاطمه زهرا علیها السلام نیز بر همان مبنا و هدف صورت می پذیرد

این که روایات سلام جبرئیل به خلیفه اول (3) و عایشه (4) برای تعظیم و تکریم آنان نسبت داده شده دلیل اهمیت خاص و برداشت ویژه ای است که از این تعبیر می شد؛ موضوعی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پی تثبیت آن برای خدیجه کبری علیها السلام بودند در حقیقت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با این، تعابیر دنبال تبیین اصل عظمت خدیجه کبری علیها السلام و جایگاه خاص ایشان در جامعه بودند. قرار دادن نام آن بانو در کنار بزرگان (5) در روایتی که از فریقین نقل شده است این مسأله را تأیید

ص: 315

1- «عن ابن عباس قال: لما ولدت فاطمة بنت النبي صلى الله عليه وآله سماها المنصورة، فنزل جبرائيل فقال: الله يقرئك السلام و يقرئ مولودك السلام» (ميزان الاعتدال، ج 2، ص 400).

2- «محمد بن إسماعيل باسناده عن عبد الله بن عباس أنه قال: قدم علي عليه السلام من بعض غزواته المباركة. فقال له النبي صلى الله عليه وآله: يا علي إن جبرائيل يقرئك السلام، وأخبرني أنه عنك راض». (قاضی نعمان، همان، ج 2، ص 411).

3- «طعن أبي هريرة قال: كنا عند النبي صلى الله عليه وآله فالتفت وأبو بكر الصديق عن يمينه وقال: هنيئا لك يا أبا بكر تحية من عند الله إياك! هبط جبريل فقال: يا محمد! من هذا المتخلل بالعباءة عن يمينك؟ فقلت: هذا أبو بكر، أنفق ماله على قبل الفتح و صدقني و زوجني ابنته، فقال: يا محمد! أقرئه السلام من الله و قل له: أراض أنت عنى فى فقرك هذا أم ساخط؟ فبكى أبو بكر طويلا ثم قال: رضيت و سلمت لقضاء الله و قدره» (متق هندی، همان، ج 12، ص 505).

4- «و من فضائلها ان جبريل عليه السلام اذا كان يقرئها السلام و يبلغها رسول الله صلى الله عليه وآله فيقول لها: يا عائشة هذا جبريل هو يقرأ عليك السلام فتقول: و عليه السلام و رحمة الله ترى ما لا نرى» ابن راهويه، همان، ج 2، ص 21).

5- طبرانی، همان، ج 3، ص 67؛ قاضی نعمان، همان، ج 2، ص 375، «عن ابن عباس قال صلى رسول الله صلى الله عليه وآله صلاة العصر فلما كان فى الرابعة أقبل الحسن و الحسين حتى ركبا على ظهر رسول الله صلى الله عليه وآله فوضعهما بين يديه و أقبل الحسن فحمل رسول الله صلى الله عليه وآله و آله الحسن على عاتقه الأيمن و الحسين على عاتقه الأيسر ثم قال أيها الناس ألا أخبركم بخير الناس جدا و جدة ألا أخبركم بخير الناس عما و عمة ألا أخبركم بخير الناس خالا و خالة أو أخبركم بخير أناس أبا و أما هما الحسن و الحسين جدهما رسول الله صلى الله عليه وآله و جدتهما خديجة بنت خويلد و أمهما فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله و أبوهما على بن أبي طالب و عمهما جعفر بن أبي طالب و عمتهما أم هانئ بنت أبي طالب و خالهما القاسم ابن رسول الله و خالتهما زينب و رقية و أم كلثوم و بنات رسول الله صلى الله عليه وآله جدهما فى الجنة أبوهما فى الجنة و جدتهما فى الجنة و أمهما و عمهما فى الجنة و خالتهما فى الجنة و خالهما فى الجنة و هما فى الجنة و أختهما صلى فى الجنة».

می کند.

اگر روایات اهل بهشت و خانه بهشتی را در کنار این روایت قرار دهیم، باید گفت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با این ستایش ها تلاش نمودند تا جایگاه الگویی آن بانو در جامعه اسلامی را با استفاده از گزاره های تأثیرگذار و مورد علاقه جامعه اسلامی آن زمان نهادینه کنند.

تحلیل روایات دسته دوم

توجه به این روایت، ها از چند بعد اهمیت دارد:

نخست آن که آیا این روایات از یک رویداد با مضامینی متفاوت حکایت دارد و یا آن که از یک روند و جریانی مستمر و تکرار شده در منزل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرده بر می دارد؟ یعنی آیا سخنانی که به غضب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می انجامید، مکرر بیان می شد و ایشان بارها غضب می نمودند؟ و یا اتفاقی بود که با مضامین متعددی بیان شده است؟

تصور آن است که این روایت ها هم زمان و از جهتی از یک جریان مستمر حکایت دارد و در بعدی دیگر از یک رویداد واحد گزارش می دهد.

نکته پر تکرار، روایت از جهت رخداد، تاریخی اهتمام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آله وانی به ابراز شخصیت خدیجه کبری است که در عبارت «کان یكثر» ظهور دارد؛ بنابراین آن حضرت با توجه به اهدافی که بیان شد دنبال معرفی و برجسته نمودن شخصیت خدیجه کبری بودند؛ به همین جهت، در رفتار و گفتار، دایم از ایشان یاد می کردند و جایگاه ایشان را برجسته می نمودند.

ص: 316

اما بخش بعدی، روایت از یک حادثه واحدی حکایت دارد که ناشی از تکرار است ابراز نارضایتی عایشه از توجه پیامبر صلی الله علیه و آله که با تعبیری مشترک در روایات آمده موجب ناراحتی یا خشم پیامبر صلی الله علیه و آله می شود و همین امر باعث پشیمانی گوینده شده ابراز می کند که در پیشگاه خداوند متعهد شده چنین سخنی را بر زبان نراند (1)

تصور آن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با توجه به ویژگی های شخصیتی خدیجه کبری و فارغ از رابطه همسری که با ایشان داشتند، برجسته نمودن این شخصیت را ضرورت و نیاز جامعه می دانستند مسأله ای که ممکن بود برای اغلب افراد جامعه و از جمله همسر ایشان قابل درک نباشد. همین ابهامات عامل ایجاد حساسیت و یا نارضایتی قلبی شد و در یک رویدادی به مناسبت با تعبیری که نشان دهنده همین ابهام است، بیان گردید.

مؤید این تحلیل عبارت هایی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ذیل این روایت و در پاسخ به این اعتراض بیان می دارند ایشان از زیبایی و وجاهت و یا مکتب مالی خدیجه کبری علیها السلام سخن نگفتند؛ چنان که تصور سؤال کننده بوده و کنایتا به آن اشاره کردند (2) بلکه ویژگی هایی را بیان کردند که از همراهی آن بانو با ایشان در رسالت حکایت دارد از این رو ایشان در حقیقت با این ستایش ها علت توجه، معرفی و بزرگ داشت خدیجه کبری علیها السلام را برای رفع ابهام بیان می دارند. بنابراین احتمال می رود که این واقعه، امری گذرا بود که با قاطعیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و به جهت اهمیت خاص موضوع در بعد اجتماعی آن متوقف گردید.

هم چنین عبارت های متعددی در منابع فریقین و در ذیل برخی از این روایات

ص: 317

1- «فقلت في نفسي اللهم إنك إن أذهبت عني غضب رسول الله صلی الله علیه و سلم لم أذكرها بسوء ما بقیت». (طبرانی، همان، ص 12).

2- «فقلت ما تذكر من عجوز من عجائز قریش حمراء الشدقین» (ضحاک، همان، ج 5، ص 386 و «قد عوضك الله من كبیرة السن») (طبرانی، همان، ج 23، ص 13) و «هل كانت إلا عجوزا» (ابن عبدالبر، همان ج 4، ص 1824)

آمده که نشان می دهد عایشه پس از این واقعه جز به مدح خدیجه کبری سخن نگفت گویا او به نوعی این حقیقت را می پذیرد که جایگاه خدیجه نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فراتر از علاقه و توجه همسران است. (1)

از طرف دیگر روایت منقول از عایشه در حقیقت بیانی دیگر از ستایش و جایگاه خدیجه کبری علیها السلام نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که با استمرار ناراحتی ها و حساسیت ها سازگاری ندارد علاوه بر آن چنین تعبیری از هیچ یک از زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل نشده و جایگاه خدیجه کبری نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جهت جایگاه ایشان در مکتب اسلام برای آنان تا اندازه ای روشن و یا محتمل بوده است. (2)

از این رو باید گفت کثرت ستایش با توجه به نگاه پیامبر اکرم نوعاً حساسیت برانگیز نبوده اگر چه ممکن است به دلیل ابهاماتی برای برخی ایجاد حساسیت و ناراحتی را به همراه داشت.

دومین مورد در تحلیل روایت نکاتی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تبیین ویژگی های خدیجه کبری صلی الله علیه و آله اشاره می فرماید با توجه به قراین موجود در روایت که همان ابهامات به وجود آمده برای سؤال کننده است. بنابراین به نظر می رسد ویژگی های مذکور درصدد پاسخ گویی و رفع ابهام، بیان شده که با روایت های دسته اول که ابتدئاً به ستایش می پردازد، متفاوت است؛ همان تفاوتی که میان فعل و علت فعل وجود دارد. یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله به بیان ویژگی های شخصیتی خدیجه کبری در مرتبه دوم و پس از تثبیت موقعیت و جایگاه الگویی ایشان در جامعه اسلام توجه داشتند.

ص: 318

1- «فما زلت أتقرب إلى رسول الله صلى الله عليه وآله بذكرها» (مجلسی، همان، ج 16، ص 8)؛ «والذي بعثك بالحق لا أذكرها بعد هذا إلا بخير» (الطبرانی، همان، ص 14)؛ «والله لا أعاتبك فيها بعد اليوم» (ذهبی، همان، ج 2، ص 117)؛ «و لا أذكرها بعيب أبدا» (قندوزی، همان، ج 3، ص 331).

2- بلکه تصور آن است که همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عموماً به جایگاه ایشان توجه داشتند و ابراز محبت می کردند مانند روایتی که ام سلمه از جایگاه خدیجه کبری علیها السلام نقل می کند و می گوید: «فهنها الله بذلك و جمع بیننا و بینها فی درجات جنته و رضوانه و رحمته خداوند آن را برایش گوارا قرار دهد و ما را هم نشین ایشان در بهشت فرماید و مشمول رضوان و رحمت پروردگار باشیم».

به تعبیر دیگر آن بانو دارای ویژگی‌هایی خاص بودند که برای یک جامعه آرمانی و الهی مورد نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مطلوب بود این ویژگی‌ها، باید با بررسی زندگانی خدیجه کبری کشف و الگوگیری شود به همین جهت، ستایش‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در قدم اول دنبال نهادینه کردن اصل الگو بودن خدیجه کبری در جامعه اسلامی است تا پس از تثبیت موقعیت و جایگاه الگویی ایشان، بعدها جامعه اسلامی با توجه به درک معرفت و بینش خویش به کشف ابعاد شخصیتی ایشان پردازد به همین جهت در تحلیل این گزاره‌ها تصور می‌شود که این ستایش‌ها در جهت حصر و تعیین، نبوده بلکه روشن کننده بعدی از ابعاد مورد توجه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در طرح الگو به شمار می‌آید.

نتیجه

روایات ستایش خدیجه کبری به دو دسته تقسیم می‌شود:

دسته اول روایاتی است عام که خدیجه کبری علیها السلام را با اوصافی کلی و شمولی می‌ستاید این روایات خود سه دسته هستند روایاتی که برتری ایشان نسبت به همه زنان را بیان کرده و یا ایشان را از جمله زنان برتر اهل بهشت معرفی می‌کند دوم روایات مبین برخوردار بودن ایشان از خانه‌ای بهشتی و سوم روایاتی که ابلاغ سلام جبرئیل به ایشان از جانب رسول اکرم را نشان می‌دهد. این روایت‌ها به دلایل ذیل با هدف نهادینه نمودن شخصیت الگویی خدیجه کبری تبیین شده است:

- بررسی کارکرد واژه بهشت و بهشتیان در جامعه اسلامی دوران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و میزان تأثیرگذاری و نقش آن در هدایت افکار عمومی جامعه، نشان دهنده علت تکرار عبارت اهل بهشت برای خدیجه کبری است.

- یادآوری و تکرار نام آن بانو در کنار زنانی که قرآن آنان را الگو برای کل جامعه معرفی می‌فرماید

- استفاده از واژه‌های قرآنی و مورد علاقه مسلمانان همانند خانه بهشتی در

جهت ایجاد پیوند و ارتباط عاطفی با خدیجه کبری؛

- اختصاص سلام و درود جبرئیل به حضرت علی علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام و خدیجه کبری علیها السلام در روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشان دهنده تأکید ایشان در تقویت جایگاه خدیجه کبری است. همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله نهادینه کردن و تثبیت جایگاه حضرت علی علیه السلام توجه داشتند.

بنابراین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، با استفاده از الفاظ مورد علاقه و تأثیرگذار جامعه اسلامی خدیجه کبری را می ستودند تا پس از تثبیت موقعیت و جایگاه الگویی ایشان، بعدها جوامع اسلامی به تناسب درک و معرفت خویش، به تبیین و تعیین فضایل ایشان توجه نمایند.

روایت های دسته دوم از وقوع یک رویداد در نتیجه اهتمام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تکرار یادآوری ایشان حکایت دارد آن حضرت برای رفع ابهامات حاصل شده در ذهن مخاطب علت توجه به خدیجه کبری را جایگاه ایشان در اسلام بیان فرموده، در این زمینه ایشان را می ستایند. ستایش هایی خاص که برای رفع ابهام و به نحو غیر تعیینی بیان شده است.

تصور نویسندگان آن است که بعدها تلاش هایی برای پررنگ نمودن این رویداد و انعکاس آن در منابع، برخلاف آن چه بوده صورت پذیرفته است. تصویری که ستایش خدیجه کبری را در حد یک نزاع درون خانه ای میان همسران پایین آورد و اهداف بزرگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بی ثمر گرداند.

هم چنین انتظار می رود با توجه به بلوغ فکری و دینی موجود در جامعه اسلامی، امروز تحلیل و درک ابعاد شخصیتی خدیجه کبری که متوجه جامعه اسلامی بوده و در پی تلاش های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای نهادینه کردن جایگاه الگویی ایشان، تحکیم یافت به آن توجه گردد و از ابزارهای معرفتی پیشرفته برای درک این ابعاد استفاده شود.

1. ابن اثير (م 630)، ابوالحسن الجزري، اسدالغابه في معرفه الصحابه، دارالفكر، بيروت، 1409 ق.
2. ابن اعثم (م 314)، احمد، الفتوح، تحقيق على شيرى، دارالاضواء، بيروت 1411 ق .
3. ابن بطريق (م 600) شمس الدين، عمدة عيون صحاح الاخبار في مناقب امام الابرار، مؤسسه النشر الاسلامى، قم 1407 ق .
4. ابن جوزى (م 597)، عبدالرحمان بن ابى الحسن، المنتظم في تاريخ الامم والملوك، تحقيق محمد عبدالقادر عطا و مصطفى هبدالقادر عطا، تصحيح نعيم زرزور، دارالكتب العلميه، بيروت 1412ق.
5. -كشف المشكل من حديث الصحيحين، تحقيق على حسين البواب، دار الوطن للنشر، الرياض 1418 ق.
6. ابن حبان (م 354) محمد، صحيح، تحقيق شعيب الارنؤوط، مؤسسه الرساله، چاپ دوم، 1414 ق.
7. ابن حجر عسقلانى (م 852)، احمد بن على، الاصابه، تحقيق عادل احمد عبد الموجود و على محمد معوض، دارالفكر العلميه، بيروت 1415 ق .
8. ابن سعد (م 230)، محمد، الطبقات الكبرى، دارصادر، بيروت بى تا.
9. ابن عبدالبر، يوسف بن عبد الله، الاستيعاب، تحقيق على محمد البجاوي دار الجيل، بيروت 1412 ق.
10. ابن كثير (م 774) اسماعيل بن عمر، البدايه والنهايه، تحقيق على شيرى، داراحياء التراث العربى، بيروت 1408 ق .
11. -تفسير القرآن العظيم، تحقيق يوسف عبدالرحمان المرعشى، دارالمعرفه للطباعه والنشر، بيروت 1412 ق .
12. ابن هشام (م 218) عبدالملك، السيره النبويه، تحقيق مصطفى السقا و

ابراهيم الأياري و عبدالحفيظ شلبي، دارالمعرفة، بيروت، بي تا.

13. اصفهاني (م 356) ابوالفرج، الاغانى، داراحياء التراث العربي، بيروت، بي تا.
14. بلاذري (م 279) احمد بن يحيى انساب الاشراف، تحقيق محمد حميد الله، دارالمعارف مصر 1959 م.
15. بيهقي (م 458) احمد بن الحسين، السنن الكبرى، دارالفكر، بي جا، بي تا.
16. حموي (م 626)، ياقوت، معجم البلدان، داراحياء التراث العربي، بيروت 1399 ق.
17. دولابي (م 310) محمد بن احمد الذرية الطاهرة النبوية، تحقيق سعد المبارك الحسن، دار السلفيه الكويت 1407 ق.
18. ذهبي (م 748) شمس الدين ميزان الاعتدال، تحقيق على محمد البجاوي، دارالمعرفة للطباعة و النشر، بيروت 1382 ق.
19. - سير اعلام النبلاء، تحقيق شعيب الارنؤوط مؤسسه الرساله چاپ نهم، بيروت 1413 ق.
20. ضحاک، ابن ابى عاصم (م 287)، الاحاد و المثانى، تحقيق باسم فيصل و احمد الجوابرة، دار الدراية، 1411 ق.
21. طبرانى (م 360) سليمان بن احمد، المعجم الاوسط، دار الحرمین، 1415 ق
22. طوسى (م 460)، محمد بن الحسن الامالى تحقيق مؤسسه البعثه، دار الثقافه للطباعة و النشر، قم 1414 ق.
23. عيني (م 855)، بدرالدين، عمدہ القارى شرح البخارى، داراحياء التراث العربى، بيروت، بي تا.
24. قندوزى (م 1294)، ينايع الموده، تحقيق سيدعلى جمال اشرف الحسينى دارالاسوه للطباعة و النشر، 1416 ق.

25. متقی هندی (م 975)، علاء الدین ، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال ، تحقیق بکری حیانی و صفوه السقا، مؤسسه الرساله، بیروت 1409 ق.
26. مجلسی (م 111) محمد باقر، بحار الانوار تحقیق محمدباقر بهبودی، مؤسسه الوفا، بیروت 1403 ق .
27. مقریزی (م 845)، تقی الدین، امتاع التسماع بما للنبي من الاحوال والاموال و الحفده و المتاع، تحقیق محمد عبدالحمید، النمیس، دارالکتب العلمیه، بیروت 1420 ق.
28. موصلی (م 307) احمد ابو یعلی، مسند ابی یعلی، تحقیق حسین سلیم، اسد دارالمأمون للتراث، بی تا.
29. نسایی (303)، السنن الکبری عبد الغفار سلیمان البنداری و سید کسروی حسن، دارالکتب العلمیه، بیروت 1411 ق.
30. واقدی (207)، محمد بن عمر، فتوح الشام، دارالجلیل، بیروت، بی تا.
31. یعقوبی (م 284)، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، دار صادر، بیروت، بی تا.
32. سعادت مصطفوی، سید حسن هاشمی گلپایگانی، سید محمد صالح اشرفی، عباس «ارائه الگو: راهکاری قرآنی برای تقویت انگیزه های عالی و تضعیف انگیزه های دانی در زیست اخلاقی» پژوهش های اخلاقی، دوره 4، شماره 15، 1393 ش.

*سیمای حضرت خدیجه علیها السلام در دیوان امام علی علیه السلام: بهاره رحیمی خلیل الهی (1)

چکیده

ذکر و وصف شخصیت خاندان عصمت و طهارت به ویژه خدیجه کبرا علیها السلام، از موضوعات مهمی بوده که در کانون توجه ائمه اطهار علیها السلام قرار داشته است ایشان فضایل حضرت خدیجه علیها السلام را یادآور می شدند و در احادیث گهربار خود از این بانوی بزرگوار یاد می کردند از جمله امام علی علیه السلام. پژوهش حاضر بر آن است تا قصیده ای را که ایشان در مدح و رثای بانوی بزرگ اسلام حضرت خدیجه علیها السلام سروده اند از نظر زیبایی شناسی محتوایی و ساختاری بررسی کند و نوع نگاه حضرت را به خدیجه علیها السلام تبیین نماید امام علی علیه السلام در دیوان، خود با اشاره به احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت خدیجه علیها السلام را پاک دامن و یاری گر رسول خدا صلی الله علیه و آله و زن اولین مسلمان می دانند و حضرت را با لقب «سیدة النساء» مدح می کنند. شایان ذکر است که امام علیه السلام در بیان اوصاف و فضایل خدیجه علیها السلام از فنون سخنوری و بلاغت کاملاً بهره برده و اشعار روان و دل نشینی را در مدح ایشان سروده اند.

واژگان کلیدی

امام علی علیه السلام، حضرت خدیجه علیها السلام، احادیث، مدح.

ص: 324

احادیث فراوانی در کتب حدیثی در شأن و مقام حضرت خدیجه علیها السلام وجود دارد که در آن به فضایل و فداکاری های حضرت در راه اسلام اشاره شده است. تاریخ نگاران آورده اند که امام حسین علیه السلام در روز عاشورا در رجز خویش، به جده خود خدیجه علیها السلام اشاره فرمودند که این امر نشان دهنده بزرگی مقام و منزلت آن بانو نزد ائمه است. امام علی علیه السلام نیز در دیوان خویش، به زندگانی آن حضرت اشاره فرموده اند. هدف این پژوهش بررسی دیدگاه امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان در مورد ام المؤمنین علیها السلام و معرفی ایشان از دریچه شعر و ادب به مخاطبان است؛ زیرا شعر یکی از بهترین وسیله های تأثیرگذار بر افکار دیگران به شمار می آید. امام علی علیه السلام در عصری که دوره شکل گیری و تثبیت عقاید دینی مسلمانان بود کوشیدند تا با بیان روان و دلنشین خود به دفاع از عقاید اسلام به ویژه به بیان سیمای حضرت خدیجه علیها السلام بپردازند.

مواد و روش پژوهش

دیوان منسوب به امام علی علیه السلام و مصادر و منابع مرتبط با حضرت، از مهم ترین مواد مورد استفاده در پژوهش حاضر است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است که با تحلیل شواهد درون متنی و مراجعه به منابع کتابخانه ای و اینترنتی انجام می گیرد. بدین ترتیب که ابتدا به استخراج قصیده امام علیه السلام در مدح و رثای خدیجه علیها السلام و سپس به شرح و تحلیل مضامین آن و زیبایی شناسی محتوایی و ساختاری آن پرداخته است.

پیشینه پژوهش

پژوهش های بسیاری در مورد امام علی علیه السلام و دیوان ایشان صورت گرفته که در این جا به ذکر برخی از آن ها بسنده می کنیم: پایان نامه لیلا خوش نویسان با عنوان «بررسی مضامین دیوان منسوب به امام علی علیه السلام با نهج البلاغه» (1389)

که در آن به بررسی مضامین دیوان منسوب به امام با نهج البلاغه می پردازد. نویسندگان معتقد است که صحت انتساب اشعار منسوب به حضرت علی علیه السلام از زوایای مختلف قابل بررسی است؛ زیرا ابیات مذکور از جهت منابع و وجود مضمون و واژگان مشترک با سخنان امام علی علیه السلام یکسان نیستند؛ به گونه ای که بخشی از آن ها در دیوان شاعران عرب دیده می شود و یا در منابع عربی به گویندگان دیگری نسبت داده شده است. هم چنین پایان نامه عاطفه اقتصادی رودی با عنوان «بررسی تطبیقی سیمای امام علی علیه السلام در دیوان ابن حسام خوسفی و ناصر خسرو» (1389) که به اعتقاد، نویسنده حضرت علی علیه السلام نزد عموم مسلمانان از جایگاهی ویژه برخوردارند. شاعران ادب پارسی اعم از شیعه و سنی در ابراز ارادت و محبت خود به آن بزرگ مرد دادگری و جوان مردی اشعار بسیاری سروده و دیوان های خویش را به ستایش او مزین نموده اند. ابن حسام خوسفی شاعر شیعی دوازده امامی قرن نهم هجری و ناصر خسرو شاعر توانمند اسماعیلی مذهب قرن پنجم هجری از جمله این شاعران هستند که در ابیات بسیاری به بازتاب سیمای امام علی علیه السلام پرداخته اند. در مورد خدیجه کبری علیها السلام نیز پژوهش هایی صورت گرفته که در این جا به ذکر برخی از آن ها اکتفا می کنیم: مقاله سید جواد حسینی با عنوان «کجا مثل خدیجه می توان یافت» (1387) که به بررسی نسب و فضایل ایشان می پردازد نیز مقاله محمد محسن طبسی با عنوان «حضرت خدیجه علیها السلام مادر امت» (1378) که به بررسی فضایل و فداکاری های حضرت می پردازد.

گذری بر زندگی امام علی علیه السلام

اولین ستاره فروزان آسمان ولایت در روز سیزدهم رجب، سی سال پس از عام الفیل در شهر مکه و در خانه خدا طلوع کرد و امام اول شیعیان و نور چشم پدر پا به عرصه وجود گذاشت و در سال چهارم هجری شب نوزدهم ماه رمضان، وقت طلوع فجر با شمشیر ابن ملجم مرادی ضربت خورد و شب بیست و یکم همان

ماه به شهادت رسید زندگی امام علی علیه السلام برای اسلام بسیار پربرکت بود، بلکه برای بشریت ایمان حضرت را نمی توان درک کرد عمر هنگام انتخاب اعضای شش نفره شورا برای تعیین خلیفه، سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره امام را تکرار کرد: «ای علی اگر ایمان همه خلائق را با ایمان تو مقایسه کنیم، ایمان تو بر آن ها برتری دارد».⁽¹⁾ سخن امام در نهج البلاغه که می فرمودند: «سلونی»، نشان دهنده علم بی نظیر ایشان است. کتب تاریخی تمام فضایل و کرامت های انسانی را برای ایشان ثبت کرده اند

گذری بر زندگی حضرت خدیجه علیها السلام

در حدود سی سال قبل از ظهور اسلام فرزندی متولد شد که خانواده او بر خلاف رسم سیاه و منحنط، زمانه مقدم او را گرامی داشتند و ضمن تبریک ولادت او به پدرش «خویدل» و مادرش «فاطمه»، نام نوزاد خویش را «خدیجه» به مفهوم برگزیده و گسسته از ناپسندی ها و نازیبایی ها و نارواها برگزیدند.⁽²⁾ ایشان پس از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله صاحب دو پسر به نام های قاسم و عبدالله و چهار دختر به نام های ام کلثوم، زینب، رقیه و فاطمه شدند. ایشان تمام اموال خود را به رسول خدا صلی الله علیه و آله واگذار کردند و بیست و چهار سال و یک ماه با آن حضرت زندگی نمودند و سرانجام در ماه رمضان سه سال قبل از هجرت، درگذشتند و پیامبر ایشان را در حجرت مکه مکه به خاک سپردند.⁽³⁾

پردازش تحلیلی موضوع

سیمای حضرت خدیجه علیها السلام در شعر امام علی علیه السلام

قرآن کریم از ویژگی هایی چون پاک دامنی و عفاف، اسلام و ایمان، اقامه نماز یاری گری نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله سخن گفته و آن ها را ستوده است. از آن جایی که

ص: 327

-
- 1- مظاهری، زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، ص 47-50.
 - 2- کریمی فریدنی، فروغ آسمان حجاز خدیجه علیها السلام، ص 31-33.
 - 3- محلاتی، ریاحین الشریعه، ج 2، ص 202

همسر پیامبر نیز باید این ویژگی‌ها را داشته باشد تا شایسته این همسری باشد، حضرت خدیجه نیز در این امور زبانزد خاص و عام است و مولا- علی نیز این ویژگی‌های ایشان را در قالب کلماتی روان و دلنشین و استوار به تصویر کشیده‌اند و این شخصیت محبوب و مورد اعتماد رسول اکرم صلی الله علیه و آله را این گونه ستوده‌اند:

1. بی بدیل بودن حضرت خدیجه علیها السلام

امام علی علیه السلام قصیده‌ای چندبیتی در رثای حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت ابوطالب علیه السلام، پدر بزرگوارشان سروده‌اند که ابیات آن نشان دهنده ذوق هنری و تصویرسازی بسیار دقیق امام و ارادت خاص حضرت به این دو بزرگوار است. امام علی علیه السلام با مخاطب قرار دادن چشم‌های شان و با کلماتی که سرشار از غم و اندوه است، قصیده را آغاز می‌کنند و از چشم‌ها می‌خواهند که در فراق ایشان فراران بگریند؛ زیرا این دو تن نمونه‌اند و در شرافت این دو تن همین بس که ابوطالب پدر امام علی علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام مادر فاطمه زهرا علیها السلام بودند؛ زهرایی که ما در یازده پیشوای امت اسلامی هستیم و گریه فراوان در غم از دست دادن شان شایسته است:

اعینی جودا برك الله فيكما *** على الهالكين لا تری لهما مثلاً (1)

«ای دو چشم من! خدا به شما برکت دهد برای دو فردی که از دنیا رفتند و نمونه ندارند اشک بریزید!»

امام علی علیه السلام در این بیت با مخاطب قرار دادن چشم‌ها از صنعت تشخیص (2) استفاده نموده که در زیباسازی کلام و رساندن پیام تأثیر بسزایی دارد. هم چنین مولا علی علیه السلام که بلیغ‌ترین و فصیح‌ترین عرب پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله هستند، از تأثیر بار اصوات بر بافت شعر و جلب توجه مخاطب آگاه بوده‌اند و از واج آرایی در حرف «الف» برای تحقق این امر بهره‌برده‌اند زیرا تکرار فراوان «الف» در این

ص: 328

1- مصطفی زمانی ترجمه دیوان علی بن ابی طالب علیه السلام، ص 359.

2- آدم گونگی یا تشخیص آن است که گوینده عناصر بی جان یا امور ذهنی را به رفتار آدمی بیاراید که با نسبت دادن حالتی آن را هم چون موجودی انسانی تصویر کرده است. (داد، 1378، ص 1).

بیت آه و اندوه را به نمایش می گذارد

به نظر می رسد، امام علی علیه السلام در سرودن مصرع اول بیت یاد شده، به این بیت «خنساء» شاعر عصر جاهلی، نظر داشته اند:

أعینی جُودًا وَلَا تَجَمُّدًا *** أَلَا تَبْكِيَانِ لَصَخْرِ النَّدَى (1)

«ای دو چشم من! گریه کنید و خشک نباشید و این که برای صخر (برادر شاعر) گریه نکنید!»

اگر دو مصرع اول را با هم مقایسه کنیم در می یابیم که ایشان به جای «لا تجمدا» از «بارك الله فيكما» استفاده نموده اند و کاربرد جمله دعایی در بیت امام علیه السلام، باعث تأثیرگذاری بیش تر بر مخاطب شده و رنگ و بوی اسلامی به شعر داده و به تثبیت اعتقاد مسلمانان و این که مردم از خداوند یکتا خواسته های شان را بخواهند، کمک نموده است.

2. خدیجه علیها السلام سرور زنان و اولین زن نمازخوان

احمد بن محمد بن حنبل شیبانی در مسند و طبرانی و دیگران با سندهای خود از انس بن مالک از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که فرمود:

خيرُ نساءِ العالمين اربعٌ: مريمُ بنتُ عمران و آسيةُ بنتُ مزاحم و خديجة بنت خويلد و فاطمة بنت محمد صلی الله علیه و آله؛

بهترین زنان جهان چهار نفرند: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، خدیجه دختر خویلد و فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله

حضرت خدیجه علیها السلام از جهات عدیده بر مریم و آسیه فضیلت دارد؛ زیرا ویژگی هایی چون بذل، مال علم، عبادت، معرفت، صبر، شکیبایی، حضانت، اولاد، تدبیر منزل و خوب شوهرداری کردن ملاک فضیلت زنان است. آن چه برای خدیجه علیها السلام فراهم بود برای آن ها یعنی آسیه و مریم فراهم نبود. (2)

ص: 329

1- الخنساء، دیوان، ص 31

2- محلاتی، ریاحین الشریعه، ص 203

ابن اثیر در کتاب الکامل فی التاریخ درباره اسلام آوردن حضرت از قول ابن اسحاق چنین می گوید:

اولین کسی که به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد و ایشان را تصدیق کرد همسرش، خدیجه دختر خویلد بود (1)

حضرت خدیجه علیها السلام نمونه کامل و عملی این آیه بودند که می فرماید: (الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ) (2) «(متقین) کسانی هستند که به غیب ایمان دارند و نماز را به پای می دارند و از آن چه به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند».

حضرت خدیجه علیها السلام هم به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان داشت و هم نماز می خواند. وی اولین زنی بود که پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله نماز خواند. و تمام اموال خود را به آن حضرت هدیه داد تا در راه گسترش اسلام مصرف فرماید.

امام علیه السلام در ادامه، قصیده به صورت تلمیحی و با اقتباس از آیه شریفه و سخنان رسول اکرم صلی الله علیه و آله به نماز خواندن و بزرگی مقام حضرت خدیجه علیها السلام اشاره فرموده اند:

علی سید البطحا (3) و ابن رئیس ها *** و سیده النسوان (4) اول من صلی (5)

«بر سید مکه و پسر رئیس آن و بر سرور زنان عالم و اولین زنی که نماز خواند گریه کنید!»

مولا علیه السلام در این بیت از مجاز مفرد مرسل (6) به علاقه محلیه در واژه «بطحا» بهره

ص: 330

1- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج 1، ص 650

2- سوره بقره، آیه 3.

3- بطحاء: سرزمینی است که بخشی از قبیله قریش پیش از اسلام در آن جا زندگی می کردند.

4- النسوان جمع الجمع النساء.

5- مصطفی زمانی ترجمه دیوان علی بن ابی طالب علیه السلام، ص 359

6- مجاز لفظی است که در غیر آن چه برای آن وضع شده به کار رفته و این کاربرد، به جهت پیوند و مناسبتی است که میان معنای حقیقی و مجازی وجود دارد و همراه با قرینه است که مانع از اراده معنای وضعی آن می شود (الهاشمی، 1386: 311-312). مجاز مرسل، مجازی است که علاقه میان دو طرف استعمال معنای حقیقی و معنای مجازی غیر مشابهت است. (شفیعی کدکنی موسیقی شعر، ص

برده اند. زیرا ایشان با آوردن محل زندگی مردم، قریش خود مردم را اراده فرموده اند. بی شک استفاده از واژگان متضاد در زبان ضمن برجسته سازی آن ها در منتقل کردن مفهوم مؤثر افتاده، هر کدام معنای دیگری را تقویت می کند. (1) ایشان در این بیت از نقش تضاد موجود در دو واژه «سید» و «سیده» در تأکید و تقویت کلام بهره برده اند همچنین لفظ «نسوان»، معنا را دو برابر می کند امام علی علیه السلام آن را با صیغه جمع به کار برده تا بلیغ و رسا شود و خواننده به کثرت آن ها پی ببرد؛ زیرا «نسوان» عمیق تر و وسیع تر از «نساء» و «إمراة» مفرد آن است و صفت کثرت و شمول به آن می دهد به کارگیری چند نکته بلاغی در یک بیت، نشان دهنده قدرت و توانایی فنی امام علیه السلام است.

3. خدیجه، پاک طینت و خوش اخلاق

بخاری در صحیح خود می نویسد:

پیامبر صلی الله علیه و آله درباره حضرت می فرماید: (خدیجه کانت من احسن النساء جمالاً و اکملهن عقلاً و اتمهن رأياً و اکثرهن عفةً و حياءً و مروءة و مالاً)؛ خدیجه از بهترین زنان از نظر زیبایی و کامل ترین از نظر عقل و درایت و اندیشه و بیش ترین از نظر پاک دامنی و حیا و جوان مردی و مال بود. (2)

معنای پاک دامنی انزوا نیست؛ بلکه رعایت پاکی در رفت و آمد طبیعی و عادی است (3) پاک دامنی و پاکیزگی برترین ارزش است. (4) و یاد علم خدا به پنهان و آشکار مایه حیا و پاک دامنی ماست (5) از آن جایی که حضرت خدیجه علیها السلام به خداوند ایمان داشت، ایمان او باعث نیکو شدن اخلاقش شده بود. امام علیه السلام با آگاهی از این نکته با اقتباس از سخن رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن بانورا پاک دامن

ص: 331

1- انصاری، سیفی، «شعر جواهری از منظر تحلیل ساختاری» مجله ادب عربی، ص 10.

2- محلاتی ریاحین الشریعه، ص 204

3- قرآنتی، تفسیر نور، ج 4، ص 98.

4- همان، ج 1، ص 481

5- همان، ج 4، ص 355

می دانند و معتقدند که خداوند اخلاق ایشان را نیکو گردانیده است:

مهذبۀ قد طیب الله خیمها *** مبارکۀ والله ساق لها فضلاً (1) (2)

«پاک طینت بود و خدا اخلاق وی را شایسته و مبارک قرار داده و برتری را به سوی او گسیل داشته بود».

طینت پاک و اخلاق نیکوی حضرت در این بیت محور اصلی توصیف قرار می گیرد. امام علی علیه السلام در این بیت از ایجاز حذف بهره برده و مسندالیه را حذف نموده اند؛ زیرا ایشان معتقدند که خدیجه علیها السلام همسر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و مادر حضرت زهرا علیها السلام از چنان پاکی و اخلاق نیکویی برخوردار بودند که هیچ زنی جز ایشان شایسته صفت «پاک طینت» نیست؛ لذا به سبب وضوح، از ذکر نام آن حضرت خودداری نمودند.

بزرگی مصیبت از دست دادن آن دو بزرگوار

فبت اقاسی منهما الهم و الثکلا *** مصابهما ادجی الی الجو و الهوی (3)

«شب که می خوابم غم و مصیبت آنان مرا فرا می گیرد و مصیبت آنان میان آسمان و زمین را تاریک می گرداند».

امام علی علیه السلام در این بیت علتی هنرمندانه برای تاریکی شب می آورند و معتقدند که غم و مصیبت آنان زمین را تاریک می گرداند. حزن و اندوه امام برای مرگ آن دو بزرگوار بیان گر به کارگیری عنصر عاطفه است که از ارکان عناصر ادب محسوب می شود.

5. یاری گر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله

قران کریم می فرماید: (وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى)؛ (4) «و تهی دستت یافت پس

ص: 332

1- مهذبۀ: پاک طینت؛ خیم: اخلاق؛ ساق: گسیل داشت.

2- مصطفی زمانی ترجمه دیوان علی بن ابی طالب علیه السلام، ص 359

3- همان.

4- سوره الضحی، آیه 8.

کلمه «عائل» به معنای تهی دستی است که از مال دنیا چیزی ندارد رسول خدا صلی الله علیه و آله همین طور بودند و خدای تعالی ایشان را بعد از ازدواج با خدیجه بی نیاز فرمود خدیجه علیها السلام تمامی اموالش را با همه کثرتی که داشت به آن جناب بخشید (1) حسین مظاهری در ذیل معرفی شخصیت حضرت زهرا علیها السلام درباره خدیجه این گونه می گوید:

اسلام مرهون زحمات آن بزرگوار است مادری که سه سال، مسلمانان محصور در شعب ابی طالب را اداره کرد و همه اموال خود را در این راه خرج کرد؛ مادری که چندین سال در مکه با آن مصیبت های کمرشکن ساختو دوش به دوش رسول اکرم صلی الله علیه و آله، اسلام را یاری فرمود و در این راه سنگ ها به بدن مبارکش فرود آمد؛ بی حرمتی ها به او وارد شد؛ شماتت ها در این راه دید و هر چه این اتفاقات بیش تر می شد صبر و استقامت او زیادتر می گشت. (2) امام علی علیه السلام که شاهد کرامت ها و بزرگواری ها، یاری گری های این دو بزرگوار نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و اسلام، بودند، در بیت زیر با اقتباس از قرآن به این امر اشاره می فرمایند

لقد نصرنا فی الله دین محمد *** علی بغی فی الدین قدر عیالا دجی (3)

«ابوطالب و خدیجه در راه خدا دین محمد را یاری کردند و در برابر کسانی که علیه دین به پا خاسته بودند مقاومت کردند و پیمان خود را با خدا و محمد صلی الله علیه و آله حفظ نمودند».

یاری گری و نصرت حضرت در این بیت محور اصلی کلام است. امام برای تأکید بر سخن خود از «لقد» بهره می گیرد که از حروف تأکید است.

پایان یافتن ابیات قصیده با مصوت «1» نیز می تواند به نوعی تحسر شاعر را تداعی کند از این روی «1» در کنار تناسب آوایی با مضمون مورد نظر شاعر

ص: 333

1- طباطبایی، تفسیر المیزان، ج 20، ص 524.

2- مظاهری، زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام ص 38

3- مصطفی زمانی، ترجمه دیوان علی بن ابی طالب علیه السلام، ص 359.

نتیجه

- ذکر فضایل و مناقب حضرت خدیجه علیها السلام همیشه کانون توجه ائمه اطهار علیهم السلام بوده است.

- امام علی علیه السلام اولین پیشوای شیعیان حضرت خدیجه علیها السلام و فداکاری های او را می ستایند

- ذکر فضایل اخلاقی حضرت دارای بسامد بالایی است.

- حضرت خدیجه علیها السلام در دیوان، حضرت بانویی پاک دامن مسلمان نمازخوان و یار رسول اکرم صلی الله علیه و آله و معرفی می گردد.

- امام علی علیه السلام به سبب از دست دادن، حضرت غمگین شده اند و این نشان دهنده والایی منزلت حضرت خدیجه علیها السلام در نزد امام علی علیه السلام است.

- امام علی علیه السلام در بیان فضایل حضرت از قرآن و سخنان رسول اکرم صلی الله علیه و آله اقتباس نموده اند.

ص: 334

1. ابن اثیر، الكامل في التاريخ تحقيق: عمر عبد السلام تدمری، چاپ اول بیروت: دارالکتب العربی 1417 ق.
2. اقتصادی، رودی، عاطفه، بررسی تطبیقی سیمای امام علی علیه السلام در دیوان ابن حسام خوسفی و ناصر خسرو، پایان نامه کارشناسی ارشد، 1389 ش.
3. انصاری نرگس، و سیفی طیبه «شعر جواهری از منظر تحلیل ساختاری» مجله ادب عربی ش، 2، سال ششم، 1393 ش.
4. حسینی سیدجواد «کجا مثل خدیجه می توان یافت»، نشریه پاسدار اسلام ش 321، 1387 ش.
5. الخنساء، دیوان، تحقیق: عمر فاروق الطباع، بیروت: شركة دار الأرقم بن ابی الأرقم، بی تا.
6. خوشنویسان لیلا «بررسی مضامین دیوان منسوب به امام علی علیه السلام با نهج البلاغه» پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی، 1389 ش.
7. داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی چاپ اول. تهران: مروارید، 1371 ش.
8. زمانی مصطفی، ترجمه دیوان علی بن ابی طالب علیه السلام، قم: پیام، اسلام 1369 ش.
9. شفیعی کدکنی، محمدرضا، موسیقی شعر چاپ چهارم تهران: آگاه 1373 ش.
10. طبسی، محمد محسن «خدیجه علیها السلام مادر امت» فرهنگ کوثر، شماره 34، 1378 ش.
11. قرائتی، محسن، تفسیر نور تهران مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، 1383 ش
12. کریمی فریدنی، علی، فروغ آسمان حجاز خدیجه علیها السلام، قم: دفتر فرهنگی

نسیم انتظار، 1385 ش.

13. محلاتی، ذبیح الله ریاحین الشریعه، ج 2، تهران: دارالکتب الاسلامیه بی تا.

14. مظاهری حسین زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، چاپ ششم تهران: پیام آزادی، 1378 ش.

موسوی همدانی، سید محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1374 ش.

15. هاشمی، احمد، جواهر البلاغه فی المفانی والبیان والبدیع، چاپ اول، قم: قدس، 1386 ش.

ص: 336

*تطور گزارش های تاریخی درباره حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت تا قرن پنجم هجری: رویا باقری (1)

چکیده

این نوشتار به منظور دست یابی به چگونگی توجه تاریخ نگاران اهل سنت به سیر گزارش های زندگی حضرت خدیجه علیها السلام تدوین شده و درصدد پاسخ به این سؤال است که گزارش های تاریخی در مورد حضرت خدیجه علیها السلام در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله ، در سه دوره «همراهی شغلی»، «همراهی در زندگی مشترک» و «همراهی در جریان بعثت» چه فرآیندی داشته است؟

برای پاسخ از روش استقرا در گردآوری داده های تاریخی و مقایسه آن ها با یک دیگر در یک روند تاریخی به منظور کشف شباهت ها و تمایزها استفاده شده است کتاب های تاریخ سیره دلایل نگاری و تراجم منابع مورد بررسی در این موضوع است.

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام ، پیامبر صلی الله علیه و آله ، همراهی شغلی، بعثت اهل سنت

مقدمه

حضرت خدیجه علیها السلام دختر خویلد فرزند اسد فرزند عبدالعزی فرزند قصی

ص: 337

بود (1) زندگی این بانو در یک بازه تاریخی رنگ خاصی به خود گرفته و با جریان رسالت گره خورده است. این بازه زمانی تقریباً سال های 25 عام الفیل تا 10 بعثت را پوشش می دهد و مقارن با ورود حضرت خدیجه علیها السلام به زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله تا هنگام وفات ایشان است. رخدادهای مهمی در این برهه تاریخی اتفاق افتاده که به مناسبت آن واقعه حضور آن بانو را در این گزارش ها می توان دنبال کرد. این نوشتار سه عنوان مهم این بازه زمانی را دنبال می کند که عبارتند از: «همراهی شغلی»، «همراهی در زندگی مشترک» و «همراهی در جریان رسالت» این سه عنوان در منابع سیره تاریخ انساب، دلایل نگاری و تراجم، تا قرن پنج هجری پیگیری می شود. در برخی از منابع مانند: اخبار الطوال دینوری (م. 282) (2) و تاریخ خلیفه بن خیاط (م. 240) (3) که در این محدوده زمانی قرار دارد مطلبی در مورد حضرت خدیجه علیها السلام یافت نشد.

از آن جا که به موضوع نوشتار حاضر برای اولین بار به عنوان مسأله پژوهش توجه شده طبیعی است که پیشینه خاص نداشته باشد. اما منابع سیره و تاریخ پیامبر صلی الله علیه و آله و کتاب هایی که به شرح حال خدیجه علیها السلام پرداخته اند، مانند الانوار الساطعه من الغراء الطاهره خدیجه بنت خویلد اثر شیخ غالب السیلاوی (4) را می توان به عنوان پیشینه عام معرفی کرد. مقالاتی چون: «ام المؤمنین الطاهره خدیجه بنت خویلد» (5) و «مناسبات اقتصادی و روابط شغلی خدیجه علیها السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله» (6) نیز وجود دارد که هیچ یک از آنان با محوریت موضوع این

ص: 338

-
- 1- بلاذری، انساب الاشراف، ج 1، ص 398؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 8، ص 11.
 - 2- کتاب اخبار الطوال نیز بعد از ذکر اولاد آدم علیه السلام و پادشاهان وارد بحث فتوحات اسلامی از زمان ابوبکر شده است. (نک: دینوری، اخبار الطوال، ص 1)
 - 3- کتاب تاریخ خلیفه بن خیاط بعد از ذکری مختصر از تولد پیامبر صلی الله علیه و آله، وارد وقایع سال اول هجرت شده است. نویسنده در مقدمه نه این که کتاب تاریخ خود را از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز کرده، اشاره داشته است. (نک: تاریخ خلیفه بن خیاط، مقدمه کتاب)
 - 4- غالب السیلاوی، الانوار الساطعه، ناشر مؤلف، 1421.
 - 5- حائری شیخ جعفر عباس، مجله علوم الحدیث، ش 11، ص 11755، سال 1423
 - 6- منصوره اعتمادی بانوان، شیعه، ش 13 و 14، ص 173-200، سال 1386.

نوشتار به نگارش در نیامده و این نکته ضرورت پژوهش در این موضوع را نمایان می کند.

همکاری شغلی خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله

اولین بار ابن اسحاق در کتاب سیره ضمن مباحث تاریخ زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ابعادی از شخصیت حقیقی و حقوقی حضرت خدیجه علیها السلام را به تصویر کشیده است. وی گزارش خود درباره آن حضرت را با همراهی شغلی آن بانو با پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز می کند که بعدها با تفاوت هایی در منابع روبه رو می شود به طوری که می توان این تفاوت ها را در ضمن سه دیدگاه به تصویر کشید (1)

دیدگاه اول

بر اساس این نظر همکاری و مشارکت شغلی به شکل مضاربه بوده است. برخی منابع بدین نکته تصریح دارند. (2) در گزارش ابن هشام (م. 218) که در واقع همان خبر ابن اسحاق (م 151) است ضمن اشاره به مضاربه ای بودن همکاری به دو نکته توجه داده که تأییدی بر این نوع همکاری است:

خدیجه علیها السلام زنی صاحب مال و بازرگان بود و از سوی دیگر قریش نیز مردمی بازرگان بودند به همین سبب وی مردان را در مقابل سهمی از سود کاروان با خود شریک می کرد لذا دنبال حضرت فرستاد تا همکاری شغلی خود را با ایشان آغاز کند پیشنهاد خدیجه علیها السلام این بود که پیامبر صلی الله علیه و آله برای سفر تجاری به شام بروند و سرمایه آن بانو را در اختیار گیرند. (3)

بنا به این گزارش وجود صفاتی چون راستگویی امانت داری و بزرگواری

ص: 339

1- ابوحنیفه احمد بن داوود دینوری، الأخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر مراجعه جمال الدین شیال، قم، منشورات الرضی، 1368 ش.

2- «كانت خديجة بنت خويلد امرأة تاجرة ذات شرف و مال تستأجر الرجال في مالها و تضاربهم إياه، بشيء تجعله لهم». (السيرة النبوية، ج 1، ص 188).

3- «فعرضت عليهن يخرج في مال لها إلى الشام تاجرا». (ابن هشام، السيرة النبوية، ج 1، ص 188).

در پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه علیها السلام را تشویق کرد تا خود پیشنهاد همکاری با حضرت را طرح کند.

ابن سعد (م2300) خبری را از واقدی بدین مضمون آورده که راوی آن نفیسه دختر منیه است:

ابوطالب به دلیل سختی و مشکلات روزگار و اینکه نمی توانست پیامبر صلی الله علیه و آله را از نظر مالی تأمین کند به پیامبر صلی الله علیه و آله و عرض کرد: «کاروان تجاری قوم تو به طرف شام می رود و خدیجه علیها السلام مردانی از قومت را به کار گرفته است».

در این خبر نیز مانند خبر قبل بیش تر بر بازرگان بودن، قریش کار کردن مردانی از قریش برای خدیجه علیها السلام و این که آن بانو آن ها را در کاروان خود به شکل مضاربه استخدام می کرد، تأکید می شود. (1)

تاریخ نویسان بعدی چون: طبری (2) و بیهقی نیز این گزارش را بدون هیچ تفاوتی از ابن اسحاق نقل می کنند و به مضاربه بودن همکاری اشاره دارند. (3)

ابونعیم اصفهانی (م4300ق) نیز گزارش خود را بر مبنای خبر واقدی قرار داده که با نشان دادن سلسله سند کامل در نهایت به نفیسه دختر امیه (4) می رسد پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشنهاد ابوطالب مبنی بر رفتن نزد خدیجه علیها السلام را نپذیرفتند و معتقد بودند شاید خدیجه علیها السلام کسی را نزد آنان فرستد در نهایت نیز چنین شد. واسطه خدیجه علیها السلام، دلایلی چون: آگاهی خدیجه علیها السلام از گفت گوی ابوطالب و پیامبر صلی الله علیه و آله، راست گویی امانت داری و اخلاق کریمانه پیامبر صلی الله علیه و آله را انگیزه آمدن نزد آن حضرت و دعوت از ایشان برای همکاری تجاری با آن بانو، ذکر کرد.

ص: 340

1- «کانت تستأجر الرجال و تدفع المال مضاربة». (ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج 8، ص 12).

2- طبری گزارش خود در مورد همکاری شغلی خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله را به شکل مسند و بدون هیچ تفاوتی از ابن اسحاق نقل کرده است. (طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج 2، ص 280)

3- گفتنی است که طبری و بیهقی گزارش دیگری نیز آورده اند که بر اجیر بودن پیامبر صلی الله علیه و آله دلالت دارد که در دیدگاه سوم مطرح می شود. (طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج 2، ص 281-282؛ بیهقی دلائل النبوة، ج 1 ص 90)

4- در گزارش های دیگر، نفیسه بنت منیه است.

دیدگاه دوم

این دیدگاه بیان گر آن است که نحوه همکاری بر اساس وکالت بوده و پیامبر صلی الله علیه و آله از طرف خدیجه علیها السلام وکیل شدند تا به تجارت پردازند.

بلاذری (م. 279) در کتاب انساب الاشراف از روایات واقدی (م. 207) و ابن سعد (م 230) استفاده زیادی کرده و در بحث همراهی پیامبر صلی الله علیه و آله با کاروان تجاری خدیجه علیها السلام، دو گزارش آورده که در دو قالب مرسل و مسند بیان شده است روایت مسند به نقل از واقدی، اما بدون ذکر حلقه واسط است. اولین خبر در مورد حضرت خدیجه علیها السلام، به جریانی اشاره دارد که به ازدواج وی با حضرت رسول صلی الله علیه و آله انجامید. خبر به صورت مسند بدون ذکر نام راوی و با عنوان «قالوا» آمده است. این گزارش نسبتاً کوتاه در کلیت با دیگر روایات تفاوتی ندارد؛ اما در بردارنده مطالب مهمی چون: تجارت وسیع خدیجه علیها السلام، پیشنهاد ابوطالب علیه السلام در مورد کار کردن پیامبر صلی الله علیه و آله در کاروان، بیان ویژگی هایی چون: امانت داری پاکی و درستکاری و وفاداری است که نیاز خدیجه را تأمین می کرد و در نهایت به این نکته تصریح می کند که صحبت در مورد همکاری پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام، بر مبنای وکالت برخی از امور تجاری به حضرت بود. (2) خبر دیگر جریان ازدواج را بیان می کند که در ضمن آن، بسیار مختصر به سفر تجاری پیامبر صلی الله علیه و آله برای خدیجه اشاره شده است

ص: 341

1- ابونعیم اصفهانی، دلائل النبوة، ج 1، ص 173

2- «قال له ابوطالب: يا ابن أخي إنّ خديجة بنت خويلد امرأة موسرة ذات تجارة عريضة، و هي محتاجة إلى مثلك في أمانتك و طهارتك و وفائك فلو كلمناها فيك فوكلتك ببعض أمرها و تجارتها. فقال صلی الله علیه و اله: افعل يا عمّ ما رأيت . فسعى ابوطالب إليها ، فكلّمها في توکیل رسول الله صلی الله علیه و آله ببعض تجارتها». (بلاذری، انساب الاشراف، ج 1، ص 97).

بر مبنای این نظر پیامبر صلی الله علیه و آله در کاروان تجاری خدیجه علیها السلام، اجیر و استخدام شده بودند. ابن سعد بار دیگر از قول واقدی، خبری را نقل کرده که گزارش گر آن نفیسه دختر منیه است. در این گزارش ابوطالب به فقر خود و سختی روزگار اشاره داشته و پیشنهاد رفتن نزد خدیجه علیها السلام را با پیامبر صلی الله علیه و آله در میان می گذارد. آن بانو از این گفت گو آگاهی می یابد و کسی را نزد آن ها می فرستد که «من دو برابر حق الزحمه ای را که به خویشانت می دهم به تو خواهم داد». بنا به نقلی، دیگر ابوطالب به اجرت دو شتر راضی نشد. نزد خدیجه علیها السلام رفت و چهار شتر را پیشنهاد داد و خدیجه علیها السلام نیز پذیرفت. گر چه به دلیل سود زیاد کاروان در این سفر دو برابر آن چه قرار گذاشته بودند به حضرت داد. (1) در این نقل تصریح شد که پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابل کار در کاروان تجاری خدیجه علیها السلام، چهار شتر دریافت کردند که نشان می دهد همکاری به شکل مضاربه نبوده است. (2)

طبری گزارشی مسند و کوتاه آورده که سند آن به زهری منتهی می شود او بیان کرده که سفر تجاری دیگری به «حباشه» انجام شده و فرد دیگری غیر از میسره همراه حضرت بوده است (3).

از قرن چهارم هجری قالب جدیدی برای نگارش سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام عرضه شد که تجلی آن را در کتاب هایی با عنوان «دلایل نگاری» می توان دید. سیر تحول و تغییر گزارش های تاریخی در این مدل از آثار بیان گر اوضاع اجتماعی - سیاسی است که نویسندگان را به سمت این نوع نگارش سوق داده است. هدف اصلی نگارش چنین کتاب هایی اثبات نبوت یا امامت با استفاده از ابزاری غیر از وحی و نص بود پرداختن به کرامات و معجزات در این

ص: 342

1- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 1، ص 104.

2- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 1، ص 104 براساس این نقل همکاری به نحو مضاربه نبوده، زیرا در مضاربه سهم طرفین مشخص و قرارداد بسته می شود نه این که تعداد قید گردد. مگر این که بگوییم در آن زمان مضاربه به شکل امروز نبوده است

3- طبری، تاریخ الامم والملوک، ج 2، ص 281-282

مهم راه گشا بود نمود این تغییر و تحول گزارش ها را که در برخی موارد چهره ای اغراق آمیز به رخدادها داده می توان در اخبار مربوط به حضرت خدیجه علیها السلام نیز مشاهده کرد.

خرگوشی (م. 406) (1) در کتاب شرف النبی به گفت گوی ابوطالب با پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد مشکلات مالی و اشتیاق ابوطالب به سر و سامان دادن زندگی آن حضرت اشاره می کند. در این خبر آمده:

خدیجه علیها السلام افرادی را برای کار استخدام کرد و خداوند بدین سبب، خیر بسیاری نصیب هر دو طرف نمود پیشنهاد ابوطالب این بود که هر دو نزد خدیجه علیها السلام رفته در این مورد صحبت کنند.

گزارش خرگوشی در مورد همکاری تجاری خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله، بیان گر کار کردن آن حضرت برای خدیجه و دریافت دو شتر به عنوان دستمزد است. (2) ابوبکر بیهقی (م. 458) به شیوه ای روایی و با ذکر روایات گوناگون به توصیف رخدادها پرداخته و سه گزارش در مورد همکاری خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله آورده، که یکی از آن ها بدون سند به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و اله است. این سفر تجاری در گزارش بیهقی نکات جدیدی را نمایان می سازد:

بر اساس این روایت همکاری تجاری بیش از یک سفر بوده است؛

- این بار مقصد کاروان تجاری شام نیست بلکه بازار حباشه (3) بوده که در تهامه قرار داشت؛ (4)

- به جای میسره فرد دیگری همراه حضرت است؛

ص: 343

1- عبدالملک بن ابی عثمان محمد بن ابراهیم نیشابوری که به دلیل سکونت در محله «خرگوش» در نیشابور، بدین نام منسوب شد. (نک: مقدمه کتاب شرف النبی، ص 18).

2- نک: شرف المصطفی، ج 1، ص 407-408.

3- حباشه به ضم حاء، بزرگ ترین بازار تهامه در مکه بود. (حموی، معجم البلدان، ج 2، ص 210؛ البکری، معجم ما استعجم، ج 2، ص 418)

4- بیهقی، دلائل النبوة، ج 1، ص 90 در سیره حلبی نیز گزارش سفر به بازار حباشه به نقل از جامع الصغیر و امتاع الاسماع ذکر شده است. به اعتقاد حلبی سفر اول تجاری به حباشه بوده و سفر دوم به شام. وی معتقد است این سفرها چهار یا پنج بار تکرار شده است (نک: حلبی، السیره الحلبیة، ج 1، ص 197).

- عبارت «إستأجرتة و إستأجرت معه رجلا من قریش» در گزارش وجود دارد که بیانگر استخدام حضرت و مرد قریشی از طرف خدیجه برای کار است؛

- جمله پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: «ما رأیت من صاحبه أجد خیرا من خدیجه، ما کنا نرجع أنا و صاحبی إلا وجدنا عندها تحفه من طعام تخبوه لنا» (1) نیز بیان گر تکرار سفر تجاری و منحصر نبودن آن در یک بار است

بیهقی خبر دیگر را با استناد به روایتی از صحیح بخاری، به نقل از ابی زبیر از جابر بن عبدالله نقل کرده که تصریح دارد هم کاری شغلی خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله در یک سفر منحصر نبوده است و پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه علیها السلام اجرت گرفتند

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «أجرت نفسی من خدیجه سفرتین بقلوص؛ دو سفر برای خدیجه انجام دادم که اجرت هر یک ماده شتری بود». (2)

خبر سوم بیهقی نیز با سلسله سند کامل آمده و همان گزارش ابن اسحاق است که تاریخ نویسان بعد از وی از او گرفته اند.

استیعاب ابن عبدالبر (م. 463) از دیگر کتاب هایی است که در آغاز قرن پنج هجری به نگارش درآمد و از نظر تاریخی در بردارنده اطلاعات مهمی در زمینه تاریخ است. سیر تحولی در گزارش های مربوط به حضرت خدیجه علیها السلام در این کتاب نمودار است. اطلاعات با تفصیل بیش تر و در همه جوانب ذکر شده است مطالب در مورد حضرت خدیجه علیها السلام در این کتاب از چند جهت اهمیت می یابد:

- نقل ها همه به صورت مسند با سلسله سند کامل است؛

- استفاده از منابع تاریخ، سیره و انساب؛

ص: 344

1- «من صاحب کاری بهتر از خدیجه ندیده ام هر گاه من و همراهم برای گزارش کارهای بازرگانی نزد او می رفتیم بهترین خوراک را که برای ما اندوخته بود حاضر می کرد» بیهقی، دلائل النبوه، ج 1، ص 90).

2- قال: أخبرنا أبو سعید: أحمد بن محمد بن زیاد البصری بمكة، قال: حدثنا الهیثم بن سهل التستری، قال: حدثنا محمد بن فضیل، قال: حدثنا الربیع بن بدر، عن أبي الزبیر عن جابر بن عبدالله، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «أجرت نفسی من خدیجة سفرتین بقلوص» (بیهقی، دلائل النبوة، ج 2، ص 66).

- ذکر منابع نقل ها و چگونگی استفاده از آن ها؛

- جمع آوری، اقوال اشاره به اختلاف نقل ها و در نهایت داوری در مورد آن خبر با تعبیری چون: «هذا هو الصحيح وغيره خلیط»، «فلاصح القول الاول» و «هذا هو الصواب فی اسناد هذا الحدیث و متنه»؛

- در مواردی نیز علاوه بر ابراز نظر به دلیل پذیرش آن قول اشاره می کند. مانند سن حضرت خدیجه علیها السلام در زمان ازدواج که گفته است: «قول قتاده عندنا اصح لما حدثنا احمد بن فتح»؛

- توجه دادن به موارد مشترک و ادعای اجماع و عدم خلاف مانند عدم ازدواج حضرت با زنی جز خدیجه در دوران حیات وی داشتن چهار فرزند دختر اولین، مسلمان با تعبیری چون «اجمعوا علی ذلك»، «هذا مما لا خلاف فیه» و لا یختلفون»

- اشاره به ویژگی های شخصیتی و فضایل حضرت خدیجه علیها السلام که در منابع قبل به آن توجه نشده است. ابن عبدالبر در قالبی، کلی به حمایت های جدی خدیجه از پیامبر صلی الله علیه و آله هم دردی آن بانو با ایشان و در مواردی به شکل خاص با عباراتی چون: «طاهره بودن در جاهلیت»، «اولین مسلمان»، «خیر نساء العالمین»، «افضل نساء اهل الجنة» و «سیده نساء العالمین» به این فضائل در ضمن پانزده گزارش توجه داده است. (1)

نکته مهمی در مورد دیدگاه های مطرح شده وجود دارد؛ به طوری که می توان گفت: اختلاف دیدگاه ها ناشی از تفاوت در رویکردهای کلامی تاریخ نویسان است؛ زیرا برخی بر این باور تأکید داشته اند که اجیر شدن و کار کردن برای دیگران با شئون پیامبری مناسبت ندارد هر چند این استدلال قابل نقد است زیرا این واقعه قبل از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و بیش تر به شخصیت حقیقی حضرت ناظر است؛ ضمن آن که بر اساس آیات قرآن، (2) حضرت موسی علیه السلام

ص: 345

1- ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 4، ص 1822 .

2- (قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ قَالَ إِنِّيَأُرِيدُ أَنْ أُنْكَحَكَ إِحْدَى ابْنَتِي هَاتَيْنِ عَلَيَّ أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَابٍ فَإِنْ أَتَعَمَّتْ عَشْرًا فَمَنْعَنِّي عِنْدِي) (سوره قصص، آیه 26).

که پیامبر صلی الله علیه و آله اولوالعزم بوده در برابر دریافت اجرت برای حضرت شعیب کار کرده است.

همراهی در زندگی مشترک

مورد دوم از رخدادهایی که در بازه زمانی تعیین شده می توان بررسی کرد، جریان همراهی خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله در زندگی مشترک است. در منابع اهل سنت آغاز جریان ازدواج با سفر تجاری گره خورده است. همه منابع، به رغبت و میل خدیجه علیها السلام و تلاش وی برای این امر اشاره کرده اند. ابن هشام به نقل از ابن اسحاق، عواملی چون: آشنایی قبلی همکاری شغلی، نقش میسره غلام خدیجه علیها السلام و وقایعی را که در سفر تجاری رخ داد و از طریق میسره برای خدیجه بازگو شد، (1) در ترغیب خدیجه علیها السلام برای ازدواج مؤثر دانسته است. گزارش گر از حضرت خدیجه علیها السلام نیز با اوصافی چون: «امرءه شریفه حازمه لبیبه» یاد نموده و در بخشی دیگر به ویژگی هایی چون: «اوسط نساء قریش»، «اعظمهن شأنا»، «اکثرهن مالا»، «کل قومها کان حریصا علی نکاحها» اشاره کرده است. در کنار این اوصاف، به انگیزه های طرح پیشنهاد ازدواج از طرف خدیجه علیها السلام مانند «قربتک»، «وسطتک فی قومک»، «امانتک»، «حسن خلقک و صدق حدیثک» نیز اشاره نموده است. (2) این شواهد نشان می دهد که راوی در صدد بیان هم کفوی پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه در امر ازدواج است. گویا ابن هشام، در صدد بیان این کفویت و رضایت الهی به این ازدواج با عبارت «مع ما اراد الله بها من کرامته» است؛ زیرا خداوند از ازدواجی رضایت دارد که هر دو طرف کفوی یک دیگر باشند و ابن هشام با شمارش صفات پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام، در صدد بیان این کفویت است. بر اساس این نقل خدیجه علیها السلام خود پیشنهاد ازدواج را با حضرت در میان گذاشت حمزه عموی پیامبر صلی الله علیه و آله نزد خویند، رفت جریان را

ص: 346

1- جریان نشستن پیامبر صلی الله علیه و آله زیر سایه درخت در نزدیکی صومعه ای و پیش گویی راهب در مورد پیامبری ایشان و سایه انداختن دو فرشته در گرما بر بالای سر حضرت، که با عبارت «فیما یزعمون» نقل شده است

2- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 189 190

مطرح کرد و خطبه آن‌ها با قرار دادن مهریه بیست شتر خوانده شد. (1) اما در این گزارش هیچ اشاره‌ای به چگونگی گفت‌گوهای قبلی و توافق‌های مقدماتی و رسوم جاری نشده است.

ابن سعد اخبار را در این باره با تفصیل بیش تری ذکر کرده است نقش راهب مسیحی و مردی از بت پرستان وضوح بیش تری در این خبر دارد. خبر نقل شده با سند کامل از قول نفیسه دختر منیه است. وی علاوه بر گزارش ملاقات نسطور راهب، دو نشانه بر پیامبری حضرت ذکر می‌کند: فرود آمدن در زیر درختی که فقط پیامبران زیر آن می‌نشینند و دیگر سرخی‌ای که در چشم پیامبر صلی الله علیه و آله وجود دارد. هم چنین به درگیری پیامبر صلی الله علیه و آله با مردی در بازار و درخواست وی مبنی بر سوگند خوردن به لات و عزی و ابراز تنفر حضرت از این بت‌ها اشاره کرده است. آن مرد قسم می‌خورد که این شخص پیامبر است. در این گزارش خدیجه نیز فرشتگانی را که بالای سر حضرت سایه انداخته‌اند دیده و آن‌ها را به زنان دیگر نشان داده و آنان متعجب شده‌اند.

ابن سعد در جریان ازدواج خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله، از واسطه‌ای به نام نفیسه دختر منیه نام می‌برد و گزارش خود را با سندی کامل به همین شخص می‌رساند. خدیجه بعد از بازگشت حضرت از سفر تجاری شام، نفیسه را نزد ایشان فرستاده تا پیشنهاد ازدواج را مطرح کند نفیسه در سخنان خود، پیامبر صلی الله علیه و آله را به سه ویژگی، شرف جمال و مال در خدیجه علیها السلام توجه می‌دهد. در سخنان نفیسه نیز تأکید بر کفویت این دو شده است. ابن سعد با دادن سه سند که یکی به نفیسه و دو مورد دیگر با تفاوت راویان به ابن عباس ختم می‌شود از عموی خدیجه علیها السلام، عمرو بن اسد یاد کرده که خدیجه را به عقد رسول خدا در آورد. وی معتقد است پدر، خدیجه قبل از جنگ فجار از دنیا رفته بود. (2)

ص: 347

1- همان.

2- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 1، ص 105 106.

در دو گزارش نیز مطالب عجیبی ذکر شده که نشان می دهد خواهر خدیجه علیها السلام و واسطه ازدواج بوده که از طرف وی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفته و نظر حضرت را جویا شده و بعد از رضایت خدیجه علیها السلام به پدرش شراب می دهد تا بتواند موافقت او را به دست آورد! ابن سعد در نهایت از قول واقدی، هر دو گزارش را رد کرده آن را دروغ می داند؛ زیرا نزد اهل علم ثابت شده پدر خدیجه در این زمان زنده نبوده است.

طبری (م3100) گزارش خود را از جریان ازدواج خدیجه علیها السلام و حوادث قبل از آن به نقل از ابن اسحاق آورده است وی تلاش داشته ماجرا را کاملاً منطبق با گزارش ابن هشام و در مواردی نقل های ابن سعد بیان کند. تا جایی که حتی به نظر و نقد واقدی در مورد حضور پدر خدیجه علیها السلام در مراسم عقد و نوشاندن شراب به وی نیز اشاره کرده است. (1)

خرگوشی با پنج گزارش مقدمات جریان ازدواج خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله ، را با تفصیل بیش تری به تصویر کشیده و برخی مطالب را با نگاهی جزئی تر دنبال کرده است. در گزارش وی به نکاتی اشاره شده که در منابع پیشین بدین گونه طرح نشده است؛ مانند ملاقات بحیرا با پیامبر صلی الله علیه و آله در بین راه، (2) بوسه بحیرا بر سر پیامبر صلی الله علیه و آله و زمزمه ایمان آوردن و شهادت او به رسالت، توصیف وی از پیامبر صلی الله علیه و آله با عبارت «النبی الامی الهاشمی العربی المکی صاحب الحوض و الشفاعة، صاحب لواء الحمد که همان تصویری است که انجیل از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ارائه می دهد. میسره مشاهدات خود را برای خدیجه علیها السلام بیان می کند و خبر نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله را از قول بحیرا به خدیجه علیها السلام می دهد. می دهد. سرانجام این توصیفات، موجبات آزادی وی را فراهم می کند. خرگوشی ماجرای را با عنوان «قیل» مطرح کرده که در روز عید و جشنی رخ داده که زنان قریش در جاهلیت داشتند این ، خبر پیشینه علاقه خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و

ص: 348

1- طبری ، تاریخ الامم و الملوک، ج 2، ص 280.

2- نام راهب مسیحی که در راه سفر تجاری به شام پیامبر صلی الله علیه و آله را ملاقات ، کرد در منابع قبل «نسطور» بیان شده بود

تصویری را بیان می کند که وی در اثر پیش گویی فردی یهودی نسبت به آینده در ذهن خود داشتند. (1)

در بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله از سفر تجاری، خدیجه علیها السلام ایشان را از دور می بیند. در این قسمت از گزارش مطالب عجیب و اغراق آمیزی نقل شده که پذیرش این بخش از گزارش را با مشکل مواجه کرده است (2) به پیشنهاد خدیجه علیها السلام، ابوطالب وی را از عمویش عمرو بن اسد خواستگاری می کند خطبه ابوطالب در مجلس خواستگاری و عقد قابل توجه است. (3) مطالبی چون: دف و رقص کنیزان به امر خدیجه علیها السلام، نوشاندن شراب به عمویش و جملات ابوطالب در پاسخ خدیجه علیها السلام جای تأمل دارد. (4)

بیهقی به دو خبر شاذ و غیر مشهور استناد کرده که بر اساس یکی از آن ها ازدواج خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله را حاصل ملاقاتی اتفاقی در بازار مکه می داند. در این روایت مسند ماجرای ازدواج به نقل از عمار یا سراسر است. در این گزارش، خواهر حضرت خدیجه علیها السلام واسطه ازدواج است این خبر بیان می کند که مردم در مورد این ازدواج زیاد سخن می گفتند و زمانی که عمار متوجه این مطلب شد به دلیل هم سنی و دوستی صمیمی با پیامبر صلی الله علیه و آله خود را بهتر از دیگران در ترسیم چگونگی این ازدواج دانست و راوی این گزارش شد. مخالفت پدر خدیجه علیها السلام با این وصلت و شراب خواری وی و خروج بنی هاشم برای راضی

ص: 349

1- «و یقال: کان لנساء قریش عید یجتمعن فیہ فی الجاهلیة، فإذا هن بیهودی فی ذلك العید فقال: و یحکن یا معشر نساء قریش و یحکن، إنه لیوشک أن یبعث فیکن نبی، فأیتکن استطاعت أن تكون له أرض یطأها فلتفعل، فحصبته و طردنه و قر ذلك القول فی قلب خدیجة رضی الله عنها» (خرگوشی، شرف المصطفی ج 1، ص 415).

2- همان، ص 411

3- با توجه به مضمون سخنان ابوطالب در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان، ایشان می توان بسیاری از خبرهایی را که در منابع بررسی شده، آمده به بوتہ نقد کشاند.

4- در این گزارش بسیار بر فقر و نداری و یتیم بودن پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید شده است. ابوطالب در پاسخ به خدیجه علیها السلام گفت: «یا خدیجة، لا- تستهزئی بی، لو کانت أمة لك ما زوجت من ابن أخی». به طوری که ابوطالب نیز باور نمی کند زنی با موقعیت خدیجه علیها السلام حاضر به ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد و گمان می کند خدیجه علیها السلام قصد تمسخر وی را دارد! (خرگوشی شرف المصطفی، ج 1، ص 412).

کردن پدر خدیجه علیها السلام از مطالب موجود که در این خبر است. (1) خبر دیگر که زهری نقل کرده جریان ازدواج را بعد از بازگشت حضرت از سفر تجاری حبشه می داند. پیامبر صلی الله علیه و آله در خانه خدیجه علیها السلام با کاهنه ای روبه رو شدند که متوجه علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام شده بود. او پیامبر صلی الله علیه و آله را به ازدواج تشویق کرد. بر اساس این نقل پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج را پیشنهاد کرده اند. (2)

همراهی در جریان بعثت

مورد سوم از بازه زمانی، مورد نظر همراهی و حضور خدیجه در گزارش های بعثت است ابن اسحاق در نقل سه گزارش از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله، به همراهی خدیجه علیها السلام اشاره می کند هنگامی که آن، بانو مشاهدات میسر را برای عموزاده اش «ورقه بن نوفل» گفته که نصرانی بود و کتب پیشین را مطالعه کرده بود، وی حضرت محمد صلی الله علیه و آله را پیامبری دانست که منتظر ظهورش بود. ملاقات پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام طواف با ورقه سخنان وی در تأیید رسالت حضرت و اشاره به وقایعی که در آینده برای ایشان رخ می دهد، از دیگر سخنان ابن اسحاق است. در این گزارش اشعاری نیز در مدح و تأیید پیامبر صلی الله علیه و آله از قول ورقه ذکر شده است. (3)

در گزارش های ابن هشام از بعثت، نقش خدیجه علیها السلام بسیار پررنگ نمایش داده شده است. این بانو بار دیگر نزد ورقه رفته و او بشارت نزول ناموس اکبر را داده که بر موسی نیز فرود آمده و از وقایعی چون: تکذیب و آزار حضرت به وسیله، قریش بیرون کردنش از مکه و جنگیدن با وی یاد می کند خبر دیگر از اسماعیل بن ابی حکیم نقل شده:

خدیجه علیها السلام آزمایشی انجام داد تا به رسول خدا صلی الله علیه و آله ثابت نماید فرشته جبرئیل بروی نازل شده و شیطان در او راهی نداشته است.

ص: 350

1- بیهقی، دلائل النبوة، ج 2، ص 71 - 72.

2- همان، ج 1، ص 90

3- ابن هشام، السیرة النبویة، ج 1، ص 192

راوی در تأیید گزارش خود خبری از عبدالله بن حسن از قول مادرش فاطمه دختر امام حسین علیها السلام به همین مضمون می آورد ایمان خدیجه علیها السلام و تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان اولین مسلمان و پشتیبانی و دلگرمی دادن به حضرت از دیگر نکات در گزارش ابن هشام است. (1) ابن اسحاق در ضمن خبری از قول «حدثني بعض اهل العلم»، به جریان آموزش وضو به پیامبر صلی الله علیه و آله به وسیله جبرئیل توجه داده است. پیامبر صلی الله علیه و آله چگونگی انجام دادن وضو را به خدیجه علیها السلام نیز یاد دادند و هر دو نماز گزار شدند.

ابن سعد چهار گزارش در بحث نزول وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله آورده که در آن ها نیز حضور و نقش خدیجه علیها السلام جدی است. گزارش اول به طلوع وحی اشاره دارد که نسبتاً طولانی تر از دیگر خبرها و از واقدی به نقل از عایشه است. در دیگر سندها نام عروه بن زبیر یحیی بن عباد و ابراهیم بن اسماعیل با واسطه از ابن عباس به چشم می خورد در همه این نقل ها بر ترس و نگرانی حضرت از جنون و کهانت تلاش بسیار خدیجه علیها السلام در برطرف کردن تشویش و نگرانی پیامبر صلی الله علیه و آله، رفتن وی نزد ورقه و تأیید رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله از جانب وی تأکید شده است. (2)

طبری چهار گزارش از جریان نزول وحی و نقش خدیجه علیها السلام آورده که سند همه آن ها به عایشه خاندان زبیر یا موالی آنان می رسد. گزارش اول را با سند کامل از احمد بن عثمان معروف به ابی الجوزاء نقل کرده است راوی خبر عایشه است. این گزارش به تصویری که ابن هشام و ابن سعد ارائه داده اند شبیه است. خدیجه علیها السلام بعد از شنیدن ماجرا از پیامبر صلی الله علیه و آله ایشان را دل داری می دهد و صفات و کارهای نیکش را یادآوری می نماید تا این اندیشه را تقویت کند که خداوند حضرت را رها نخواهد کرد. سپس نزد ورقه میرود و او نیز پیامبر صلی الله علیه و آله را تأیید می کند

طبری گزارش دیگر را با ذکر سند کامل از ابن اسحاق آورده است. در این خبر

ص: 351

1- همان، ص 240

2- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 1، ص 153

عبدالله بن زبیر از عبید بن عمیر در مورد چگونگی شروع وحی و نزول جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله می پرسد و او در پاسخ جریان را شرح می دهد. این خبر، طولانی تر از دیگر اخبار است و به جزئیات بیش تری اشاره دارد اما در مورد حضرت خدیجه هیچ اطلاعات جدیدی به خواننده نمی دهد و می توان گفت ثبت مشابهی از همان رویدادی است که ابن اسحاق از اسماعیل بن ابی حکیم نقل کرده است. در این خبر علاوه بر دیدار خدیجه علیها السلام با ورقه پیامبر صلی الله علیه و آله نیز هنگام طواف کعبه با ورقه دیداری دارند که وی با جمله «والذی نفسی بیده آنک نبی هده الامه» حضرت را تأیید می کند و از رخدادهایی خبر می دهد که در آینده اتفاق می افتد. آزمایش خدیجه علیها السلام برای اطمینان از نزول فرشته و عدم تصرف شیطان، از دیگر مطالب عجیبی است که در این خبر وجود دارد. طبری گزارش های کوتاه دیگری در بحث اولین آیاتی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، از قول راویان دیگر آورده که سند آن ها غالباً به عایشه خاندان زبیر و موالی آن ها می رسد و در همه فقط به بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله از غار حرا به نزد خدیجه علیها السلام و جمله «زملونی فذرونی» اشاره شده است. ادعای اجماع بر تقدم خدیجه علیها السلام در اسلام، جریان آموزش وضو و خواندن نماز نیز از دیگر مطالب طبری است. (1)

ابونعیم اصفهانی چهار گزارش با سندی کامل از جریان بعثت آورده که در آن ها همراهی خدیجه علیها السلام به چشم می خورد که دو مورد آن، نقل عروه بن زبیر از عایشه است. محتوای این دو خبر به مواردی چون: نقش خدیجه علیها السلام در زدودن نگرانی و ترس پیامبر صلی الله علیه و آله، رفتن خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله نزد ورقه، معرفی اجمالی ورقه و بیان اطلاعاتی در مورد او پیش گویی های ورقه و ... اشاره می کند که در منابع پیشین ذکر شده است. این بار در گزارش ابونعیم، اطلاعات بیش تری می توان دید وی به فترت وحی و نگرانی پیامبر صلی الله علیه و آله و ماجرای شق صدر نیز اشاره کرده است. بر اساس این گزارش پیامبر صلی الله علیه و آله نذر کردند که همراه خدیجه علیها السلام، به مدت یک ماه که مصادف با ماه رمضان شد، در غار

ص: 352

حرا معتکف، شوند وی این اعتکاف را در جهت سنت «تحنث» (1) می داند که در میان اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله مرسوم بود (2) در یکی از همین شب ها فرشته وحی بر ایشان نازل شد. خدیجه علیها السلام و به محض بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله، ایشان را با «السلام علیک یا رسول الله» خطاب کرد.

روایت دیگر ابونعیم، به نقل از ام سلمه، از خدیجه علیها السلام است. محتوای آن همان آزمایشی است که خدیجه علیها السلام انجام داد تا معلوم شود شیطان در جریان وحی دخالتی نداشته و فرشته وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است. جریان این آزمایش در روایت عروه بن زبیر از عایشه به گونه ای دیگر نیز نقل شده که جای تأمل بیش تری دارد آموزش وضو به خدیجه علیها السلام و نماز وی با پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در این خبر آمده است

بیهقی در جریان طلوع وحی و حضور خدیجه علیها السلام، گزارش های متعددی نقل کرده که دو مورد از آن ها با سندی متصل به ابوعبدالله حافظ می رسد. راوی در یک خبر عایشه و در دیگری جابر بن عبدالله است. گزارش عایشه همان خبر تکراری است که کلمه به کلمه از منابع پیشین ذکر شده است. بیهقی در پایان نقل، تأکید دارد که این جریان را بخاری و مسلم در صحیح خود آورده اند. گزارش دیگر به فترت وحی اشاره دارد.

بیهقی گزارشی بدون سند از ابن شهاب با عبارت «کان فیما بلغنا» ذکر می کند بدین مضمون که پیامبر صلی الله علیه و آله ابتدا همه وقایع در مورد فرود آمدن جبرئیل و نزول وحی را در خواب دیدند و سپس برای خدیجه علیها السلام بازگو نمودند. بعد از آن به بیابان رفتند و ماجرای «شق صدر» رخ داد؛ سپس نزول وحی انجام

ص: 353

1- در لغت به معنای خداوند را عبادت کردن و دست از بت پرستی برداشتن است: «تحنث اذا تعبد و تحنف» و در حدیث نیز آمده: «أن رسول الله صلی الله علیه و آله، قبل أن یوحی إليه کان یُخْلُو بِغَارِ حِرَاءٍ فَيَتَحَنَّثُ فِيهِ اللَّيْلَةَ». (ابن منظور، لسان العرب، ج 2، ص 138؛ الزبیدی، تاج العروس، ج 3، ص 199). این سنت میان قریش و اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله مرسوم بوده است. پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که هلال رمضان را می دیدند به غار حرا می رفتند و تا پایان ماه آن جا بودند. (سهیلی، الروض الأنف، ج 2، ص 380؛ الکلاعی، الاکتفاء بما تضمنه من مغازی رسول الله، ج 1، ص 164)

2- ابونعیم، دلائل النبوة، ج 1، ص 214 - 215.

گرفت. (1) بیهقی از مطرح شدن گزارش شق صدر به دنبال ماجرای نزول تعجب کرده و پس از نقد آن چنین توجیه می کند:

شاید به طریق نقل از دوران طفولیت حضرت و شق صدر ایشان باشد و یا احتمال دارد واقعه شق صدر چند بار رخ داده که یک مورد آن در جریان نزول وحی بوده است!

در ادامه گزارش خدیجه علیها السلام بعد از شنیدن ماجرا نزد عداس نصرانی رفت و در مورد جبرئیل از او اطلاعاتی خواست وی حضرت را امین بین خدا و پیامبران و صاحب موسی و عیسی خواند خدیجه علیها السلام نزد ورقه رفته، همان سؤالات را پرسید در این خبر نقش زید بن عمرو بن نفیل در کنار ورقه به عنوان کسانی ذکر شده که از بت پرستی دست برداشته بودند (2) بیهقی از ابو عبد الله حافظ جریان آزمایش خدیجه علیها السلام را نقل کرده که سند آن به عبدالملک بن عبدالله ثقفی می رسد. از آن جا که بیهقی بیش تر نظرش بر ارهاصات و معجزاتی بوده که قبل از بعثت یا همزمان با آن رخ داده و برای پرداختن به این مطالب، به ذکر اصل ماجرای بعثت نیاز داشته بیش ترین حجم اخبار در این مورد در کتاب او آمده است. (3) در بحث اولین آیاتی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده، دوباره گزارش ها تکرار گردیده که بیش تر آن ها بر محور حضور جدی خدیجه علیها السلام است. هم چنین گزارش ابو عبد الله حافظ تکرار می شود که سند آن به عمرو بن شرحبیل می رسد اما مطالب جدیدی در بر دارد که در منابع قبل بدان اشاره نشده است. این بار در کنار نام ورقه نام ابوبکر نیز برده می شود به گونه ای که خدیجه علیها السلام از ابوبکر می خواهد تا همراه پیامبر صلی الله علیه و آله نزد ورقه برود! پیامبر صلی الله علیه و آله از ترس و فرار خود در هنگام شنیدن صدایی می گوید که او را «یا محمد یا محمد» خطاب می کند و ورقه دستورالعملی به حضرت می دهد. (4) زمانی که حضرت تنها شدند، دوباره

ص: 354

1- بیهقی، دلائل النبوة، ج 2، ص 142.

2- همان، ص 144

3- این گزارش ها صفحات 135 - 158 را به خود اختصاص داده است.

4- دلائل النبوة، ج 2، ص 158

ندایی شنیدند که می گفت: «یا محمد قل بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمین...» بیهقی در پایان این گزارش، نقد و توجیهی می آورد که سند این روایت منقطع است و به فرض پذیرش درستی، سند، ممکن است منظور نزول سوره حمد بعد از آیات اول سوره علق و مدثر باشد. (1) به نظر می رسد نقش ابوبکر در این گزارش، الهام گرفته از تعصب اهل سنت باشد.

بر اساس نقل اسماعیل بن ابی حکیم که از موالی آل زبیر بود، خدیجه آزمایشی انجام داد تا ثابت کند فرشته وحی بر حضرت نازل شده و شیطان تصرفی در این واقعه ندارد بیهقی در این مورد چنین تحلیل کرده که خدیجه علیها السلام این اقدام را برای اطمینان خاطر خود انجام داد؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد آن چه بر او نازل شده بود اطمینان داشت و دچار شک و تردید نبود و نشانه هایی که دیده بود، بیان گر همین موضوع بود. (2) آن چه در روایات بیهقی مهم می نماید، بیان دو گزارش از فضایل خدیجه علیها السلام است. عایشه از حسادت خود به خدیجه علیها السلام و از بشارتی که خداوند از خانه ای که برای خدیجه علیها السلام در بهشت در نظر گرفته هم چنین از سلام خداوند بروی خبر داده است. (3)

مرور گزارش های، بیهقی حکایت از رویکردی جدید در این باره دارد؛ زیرا وی درصدد بررسی و تحلیل برخی گزارش ها با استفاده از استدلال های عقلی در کنار واقعیت های تاریخی است.

ابن عبدالبر نیز به آزمایشی که خدیجه علیها السلام انجام داد تا ثابت شود فرشته وحی بر حضرت نازل شده نه شیطان به شکل مرسل از اسماعیل بن ابی حکیم (م 1300 ق) نقل کرده است. (4)

ص: 355

1- همان، ص 268.

2- همان، ص 152.

3- همان، ص 351

4- ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 4، ص 1820.

با بررسی سیر تحول گزارشهای تاریخی در مورد حضرت خدیجه علیها السلام تا قرن پنجم به مناسبات خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله در سه بازه زمانی: همراهی شغلی همراهی در امر ازدواج و همراهی در جریان بعثت پرداخته شد. در جریان همکاری شغلی، سه دیدگاه: مضاربه وکالت و اجیر بودن بررسی گردید که در نگاه تاریخ نویسان این محدوده زمانی دیدگاه اول دارای اولویت بوده و بیش تر مطرح شده است. گرچه نوع عبارت ها بیان گر آن است که مضاربه در آن زمان به معنایی نبوده که امروزه در فقه رایج است و بیانگر نوع خاصی از قرارداد و عقود اسلامی را بیان می کند در برخی گزارش ها نیز شواهدی وجود دارد که ادعای تکرار سفر تجاری را قوت می بخشد

در بازه زمانی دوم که محور گزارش ها بر جریان ازدواج و مقدمات قبل از آن است، منابع متقدم، به عواملی چون: آشنایی قبلی، همکاری شغلی و نقش میسرره در توصیف رخدادهای سفر اشاره داشته اند که به امر ازدواج سرعت ببخشید ذکر برخی اوصاف خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله در روایات به منظور نشان دادن کفویت آن ها در ازدواج است.

با این که تاریخ نگارانی چون: ابن هشام ابن سعد بلاذری و ...، از نظر تدوین رخدادهای تاریخی نسبت به اوضاع در اوج بودند، در دادن برخی آگاهی ها ضعیف عمل کردند. تاریخ نویسان بعدی با نگاهی جزئی به گزارش ها، توانستند ضعف سابق را جبران کنند و در قدم بعدی به بررسی و نقد برخی از گزارش ها پردازند.

در دو کتاب دلائل النبوه ابونعیم و بیهقی نیز تکیه بر همان گزارش های منابع پیشین است. با توجه به وضعیت زمانی این دو نویسنده، سیر نگارش گزارش های مربوط به خدیجه علیها السلام در این دو کتاب هم سو بوده، در به تصویر کشیدن نقش خدیجه علیها السلام، می کوشد تا شواهدی از دلایل پیامبری آورد. در همه منابع مورد بحث در این بخش از گزارش ها مطالب اغراق آمیز و عجیبی ذکر

شده که پذیرش برخی از گزارش‌ها را با مشکل مواجه می‌کند.

ابن‌عبدالبر در کتاب استیعاب از روایاتی بهره برده که بیان‌گر ویژگی‌ها و فضایل خدیجه علیها السلام مانند طاهره بودن در جاهلیت اولین مسلمان، «خیر نساء العالمین»، «افضل نساء اهل‌الجنه» و «سیده نساء العالمین» است و در منابع پیشین به آن توجه نکرده‌اند. وی بسیار مختصر و گذرا به تجارت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای خدیجه علیها السلام اشاره کرده بدون این که به نحوه همکاری توجه داده باشد. گزارش ازدواج نیز در حد بیان تاریخ و سن ازدواج آن‌هاست. از گزارش همراهی خدیجه علیها السلام در جریان بعثت نیز غفلت شده است.

در بخش سوم گزارش‌ها که با محوریت همراهی خدیجه علیها السلام در جریان بعثت است حضور خدیجه علیها السلام بسیار جدی است و رقه در تمام گزارش‌های عمده نزول وحی دخالت دارد و این دخالت از طریق خدیجه علیها السلام انجام می‌شود. به نظر می‌رسد نقش ابوبکر در این گزارش‌ها گرفته از تعصب اهل سنت باشد. در بحث سفر تجاری و پیش‌گویی‌های رقه بحیرا یا نسطور و عداس نیز اندیشه ضمنی تأیید پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به وسیله مسیحیان القا شده است.

گزارش‌های بی‌هقی از رویکردی جدید حکایت دارد که بیان‌گر بررسی و تحلیل برخی گزارش‌ها با استفاده از استدلال‌های عقلی در کنار واقعیت‌های تاریخی است. بی‌هقی بعد از دادن گزارش آزمایش خدیجه علیها السلام برای اثبات نزول جبرئیل بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، حضور پدر خدیجه علیها السلام حضور پدر خدیجه علیها السلام در مراسم ازدواج و شراب‌خواری وی، ماجرای نزول وحی و سوره حمد و طرح جریان شق صدر در کنار وقایع بعثت به بررسی و نقد آن‌ها نیز پرداخته است.

در نهایت موارد ذیل را در پاسخ به سؤال اصلی این نوشتار می‌توان لحاظ کرد:

زندگی حضرت خدیجه علیها السلام در هیچ یک از منابع مورد نظر، به طور مستقل کاوش نشده است. نوع نگاه این منابع به حضرت خدیجه علیها السلام، استطرادی و حاشیه‌ای بوده و فقط در رخدادهای تاریخی مربوط به زندگی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

نه به شکل جدی دنبال شده است. همین مساله موجب شده تا تاریخ نویسان از دیگر ابعاد زندگی این بانو غافل شوند.

در این پنج قرن تحول خاصی در سیر تدوین گزارش های تاریخی مربوط به خدیجه علیها السلام حاصل نشده و منابع متأخر، آگاهی جدیدی به خواننده نمی دهند و در تدوین روایات مربوط به خدیجه علیها السلام عیناً از منابعی نقل کرده اند که در اختیار داشته اند. این نقل ها بیش تر بر روایات ابن اسحاق، واقدی و ابن سعد مبتنی است حتی تاریخ نویسان بعدی در چینش گزارش ها نیز ابتکار خاصی نشان نداده اند.

به جز گزارش، بییهقی که در برخی موارد نگاهی جدید به گزارش ها داشته و یا نقد و بررسی ارائه کرده سایر گزارش ها غالباً خالی از تجزیه و تحلیل و صرف توصیف رخدادهاست.

ص: 358

1. ابن سعد، محمد بن سعد (م 230)، الطبقات الكبرى، تحقيق محمد عبدالقادر، عطا بيروت، دار الكتب العلمي، 1410ق.
2. ابن عبدالبر، يوسف بن عبد الله، (م. 463ق)، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، تحقيق على محمد الجاوي، بيروت، دارالجيل، 1412ق.
3. ابن منظور، محمد بن مكرم (م 711)، لسان العرب، چاپ سوم، بيروت، 1414 ق.
4. ابن هشام عبدالملك بن هشام (م 218ق)، السيره النبويه، تحقيق مصطفى السقا و ابراهيم الأبياري و عبد الحفيظ شلبي، بيروت، دارالمعرفه، بي تا.
5. ابى هبيرة، الليلى خليفه بن خياط، (م 240)، تاريخ خليفه، تحقيق فواز بيروت، دار الكتب العلميه، 1415ق.
6. اصفهاني ابونعيم (م 430ق)، دلائل النبوه، چاپ سوم، بيروت، دار النفائس، 1412 ق.
7. بكرى الاندلسي عبدالله بن عبدالعزيز (م 487)، معجم ما استعجم، تحقيق مصطفى السقا، چاپ سوم، بيروت، نشر عالم الكتب، 1403ق.
8. بلاذرى، محمد بن يحيى، (م. 279ق)، انساب الاشراف، تحقيق محمد حميد الله، مصر، دار المعارف، 1959 م.
9. بيهقي، احمد بن الحسين، (م 458ق)، دلائل النبوه و معرفه أحوال صاحب الشريعه، تحقيق عبدالمعطى قلجى، بيروت، دارالكتب العلميه، 1405ق.
10. حلبي على بن ابراهيم (م 1044)، السيره الحلبيه، بيروت، دارالكتب العلميه، 1427 ق.
11. حموى، ياقوت بن عبد الله (م. 626)، معجم البلدان، بيروت، داراحياء التراث العربي 1399ق.
12. خرگوشى، عبدالملك بن ابى عثمان، (م. 406ق)، شرف المصطفى، مكه،

13. دينورى، احمد بن داوود، (م 2820)، اخبار الطوال، تحقيق عبدالمنعم عامر، قم منشورات الرضيريا، 1386ش.
14. زيدي، مرتضى حسيني (م.1205)، تاج العروس من جواهر القاموس، بيروت، دارالفكر، 1414 ق.
15. سهيلي، عبدالرحمان، (م.581)، الروض الأنف، داراحياء التراث العربي، 1412 ق.
16. طبرى، محمد بن جرير، (م 310 ق)، تاريخ الأمم والملوك، تحقيق محمد أبو الفضل، ابراهيم چاپ دوم، بيروت، دارالتراث، 1387ق.
17. كلاعى سليمان بن موسى (م.634)، الاكتفاء بما تضمنه من مغازى رسول الله صلى الله عليه وآله و ثلاثه الخلفاء، بيروت، دار الكتب العلميه، 1420 ق.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

